کتابخانهٔ قرآن فروردین - خرداد ۱۳۲۸
مجموعهٔ کتابهای نفیس
شماره ۱۴۳
در موزهٔ ایران باستان

S.L. 4393.101

وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

کتابخانه دولتی

اسم کتاب	کلدم لبر رمالی
اسم مؤلف	
تاریخ طبع یا تحریر	
عده کلیه صفحات	
عده صورت ها	
عده سرلوحه ها	
عده صفحات تذهیب شده	
ذکر علائم جلد کتاب	
درزمان وزارت	
تاریخ ورود بکتابخانه	
نمره الفبا	۲۴ — نمره کتاب ۷۵۳

محل مهر کتابخانه و امضای مدیر کتابخانه

مطابق بمجلس

۹۱۲
۷۵ شماره ثبت
کتابخانه عمومی حارث

القرآن

فهرست اسامی سور کلام مجید محمد

سورة

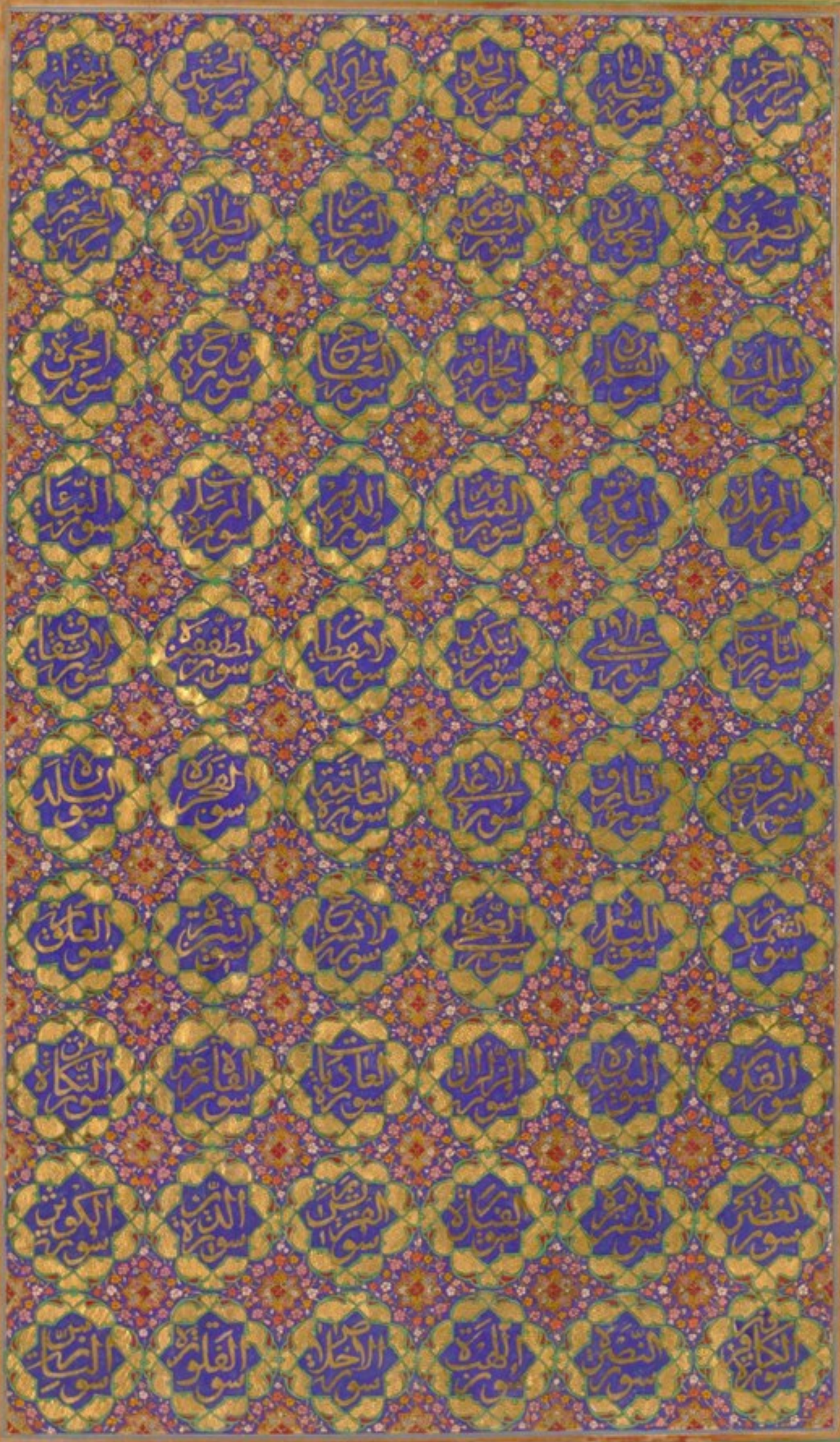
سورة الرحمن
سورة الواقعة
سورة الحديد
سورة المجادلة
سورة الحشر
سورة الممتحنة
سورة الصف
سورة الجمعة
سورة المنافقون
سورة التغابن
سورة الطلاق
سورة التحريم
سورة الملك
سورة القلم
سورة الحاقة
سورة المعارج
سورة نوح
سورة الجن
سورة المزمل
سورة المدثر
سورة القيامة
سورة الانسان
سورة المرسلات
سورة النبأ
سورة النازعات
سورة عبس
سورة التكوير
سورة الانفطار
سورة المطففين
سورة الانشقاق
سورة البروج
سورة الطارق
سورة الاعلى
سورة الغاشية
سورة الفجر
سورة البلد
سورة الشمس
سورة الليل
سورة الضحى
سورة الانشراح
سورة التين
سورة العلق
سورة القدر
سورة البينة
سورة الزلزلة
سورة العاديات
سورة القارعة
سورة التكاثر
سورة العصر
سورة الهمزة
سورة الفيل
سورة قريش
سورة الماعون
سورة الكوثر
سورة الكافرون
سورة النصر
سورة المسد
سورة الاخلاص
سورة الفلق
سورة الناس

دعاء بعد الصلاة

اللهم بالحق انزلته وبالحق نزل

اللهم عظم عفوك عني وقني وجعله لي

البصر وشفاء الصدر وذهاب الهم

حرزي اللهم من كل شيطان وجن

وحمي من جميع جسدي

تلاوت كلام الله

وَافِرٌ مُحَمَّدٌ

وَفَضَّلَهُ

مَرَّ الْبَرِيَّةَ حَوْلَهُ وَتَلَاهُ عَلَى

مَا عَبَدَ اللّٰهَ أَنْبِيلُ أَطْرَافَ النَّهَارِ

وَحُشِرْتُ مَعَ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَطْهَارِ

الْأَجْنَابِ فَضْلُكَ فِيهِمْ يَا

اَللّٰهُمَّ يَا رَحْمٰنُ

حَسْبِيَ اللّٰهُ

سورة فاتحة الكتاب مكية وهي سبع آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده و مهربان

الحمد لله رب العالمين ۝ الرحمن الرحيم

سپاس مر خدا را که پروردگار جهانیان است بخشنده و مهربان

مالك يوم الدين ۝ إياك نعبد وإياك

پادشاه روز جزا ترا می پرستیم و از تو

نستعين ۝ اهدنا الصراط المستقيم ۝

یاری می جوییم ما را راه راست

صراط الذين أنعمت عليهم غير

راه کسانی که انعام کردی بر ایشان

المغضوب عليهم ولا الضالين ۝

نه خشم کرده شدگان بر ایشان و نه راه گم کردگان

لا يمسه إلا المطهرون

سورة البقرة وهي مائتان وست وثمانون آية مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى
للمتقين الذين يؤمنون بالغيب ويقيمون
الصلوة ومما رزقناهم ينفقون والـ
ذين يؤمنون بما انزل اليك وما انزل
من قبلك وبالاخرة هم يوقنون

تبارك مربت العالمين

أُولَٰئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ إِنَّ

الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا

يُؤْمِنُونَ ۝ خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ

غِشَاوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ وَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ آمَنَّا

بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُم بِمُؤْمِنِينَ ۝ يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَ

الَّذِينَ آمَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ۝ فِي قُلُوبِهِم

مَّرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشْعُرُونَ ۝ وَإِذَا قِيلَ

لَهُمْ آمِنُوا كَمَا آمَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا آمَنَ السُّفَهَاءُ

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَٰكِن لَّا يَعْلَمُونَ ۝ وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ

آمَنُوا قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيَاطِينِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا

نحن مستهزؤن ۝ الله يستهزئ بهم ويمدهم في طغيانهم
ما استهزا كنندايم خدا استهزا كند بايشان ويگذاردايشانرا
يعمهون ۝ اولئك الذين اشتروا الضلالة بالهدى فما
ميشتابند اينگروه اند كه خريدند گمراهي را بهدايت پس نبود
ربحت تجارتهم وما كانوا مهتدين ۝ مثلهم كمثل الذي
سود كرد بازرگانيايشان وبنبودند راه يابان همچون انست كه
استوقد نارا فلما اضاءت ما حوله ذهب الله بنورهم و
آتش افروخت آنش روشن كرد اطراف خود برد خدا نور ايشانرا و
تركهم في ظلمات لا يبصرون ۝ صم بكم عمي فهم لا
گذاشت ايشانرا در تاريكيها نميبينند كر اند لال اند كور اند پس ايشان
يرجعون ۝ او كصيب من السماء فيه ظلمات ورعد وبرق
برنميگردند يا چون رگباري از آسمان در آن تاريكيها ورعد وبرق
يجعلون اصابعهم في اذانهم من الصواعق حذر الموت و
ميكنند انگشتهاشان در گوشهاشان از صاعقه از ترس مرگ
الله محيط بالكافرين ۝ يكاد البرق يخطف ابصارهم
خدا احاطه كننده است بكافران نزديك است برق كه برباید چشمهاشانرا
كلما اضاء لهم مشوا فيه واذا اظلم عليهم قاموا ولو شاء الله
هر گاه روشن كرد مر ايشانرا رفتند در آن وچون تاريك شد بر ايشان ايستادند واگر خواهد خدا
لذهب بسمعهم وابصارهم ان الله على كل شيء قدير
ببردي شنوايي ايشانرا وچشمهاشانرا بدرستيكه خدا بر هر چيزي تواناست
يا ايها الناس اعبدوا ربكم الذي خلقكم والذين من
اي مردم پرستيد پروردگار خودرا كه آفريد شمارا وآنانرا كه پيش
قبلكم لعلكم تتقون ۝ الذي جعل لكم الارض فراشا
از شما بوده باشد كه شما پرهيزيد آنكه گردانيد براي شما زمين را گسترده

کتابخانه مرکزی

حق سبحانه وتعالی تشبیه فرموده است در این آیه
کریمه این حالت منافقین را در دنیا بسبب اظهار
ایمان نفس ومال وعیال ایشان محفوظ مانده از
قتل نفس وغارت ونهب اموال واسیر فرزند
وعیال واز مومنین نسبت بسیار کفار واقع میشود
خلاصی وتاخیر بر ایشان از اجل ایشان رسیده
بعقوبت ابدی مانند بسیار کفار بلکه بدتر از ایشان
گرفتار میشوند بحالت جمعی که از مسافرین که در
بیابان پر خوف وخطر وبسیار چاه وچاله در شب
بسیار باری حرکت کنند وجمعه خط خود از ممالک
برهایی یابند ناگاه چراغشان خاموش شود و
آن جمعیت در حیرت وضلالت بی نهایت بمانند
نه راه رفتنی ونه مجال توقف داشته باشند
نعوذ بالله من غضب الرحمن

وَالسَّمَآءَ بِنَآءً وَاَنزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَخرَجَ بِهٖ مِنَ الثَّمَرَاتِ

و آسمان را بنائی و فرستاد از آسمان آب را پس بیرون آورد بآن از میوه‌ها

رِزقًا لَّكُم فَلَا تَجعَلُوا لِلّٰهِ اَندَادًا وَاَنتُم تَعلَمُونَ ۝ وَاِن كُنتُم

روزی برای شما پس نگردانید برای خدا همتایان و شما میدانید ۝ و اگر هستید شما

فِی رَیبٍ مِّمَّا نَزَّلنَا عَلٰی عَبدِنَا فَاتُوا بِسُورَةٍ مِّن مِّثلِهٖ وَادعُوا

در شک از آنچه فرو فرستادیم بر بنده خود پس بیارید سوره مانند آن و بخوانید

شُهَدَآءَكُم مِّن دُونِ اللّٰهِ اِن كُنتُم صٰدِقِینَ ۝ فَاِن لَّم تَفعَلُوا

گواهان خود را از دون خدا اگر هستید شما راست‌گویان ۝ پس اگر نکردید

وَلَن تَفعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِی وَقُودُهَا النَّاسُ وَالحِجَارَةُ

و نخواهید کرد هرگز پس بپرهیزید از آتش که آتش گیزه آن مردمان و سنگ گبریت

اُعِدَّت لِلكٰفِرِینَ ۝ وَبَشِّرِ الَّذِینَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ

آماده کرده شده برای کافران ۝ و بشارت باد آنان را که گرویدند و کردند کردارهای نیک

اَنَّ لَهُم جَنّٰتٍ تَجرِی مِن تَحتِهَا الاَنهٰرُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنهَا

بدرستیکه مر ایشانرا بوستانهاست که میرود از زیر آنها جویها هر گاه مرزوقی داده شوند از آن

مِن ثَمَرَةٍ رِّزقًا قَالُوا هٰذَا الَّذِی رُزِقنَا مِن قَبلُ وَاُتُوا بِهٖ

از میوه او را روزی گویند این همان میوه ایست که روزی داده شدیم ما را از پیش و بیارند او را

مُتَشَابِهًا وَلَهُم فِیهَا اَزوَاجٌ مُّطَهَّرَةٌ وَهُم فِیهَا خٰلِدُونَ

مانند یکدیگر و مر ایشانرا است در آن زنان پاکیزه و ایشان در آن جاویدان

اِنَّ اللّٰهَ لَا یَستَحیِۦٓ اَن یَضرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوقَهَا

بدرستیکه خدا شرم نکند و باک ندارد از آنکه بزند داستانی که باشد از پشه پس آنچه از پشه برتر باشد

فَاَمَّا الَّذِینَ اٰمَنُوا فَیَعلَمُونَ اَنَّهُ الحَقُّ مِن رَّبِّهِم وَاَمَّا الَّذِینَ

پس اما آنانکه گرویدند پس میدانند که آن کلام راستست از پروردگار ایشان و اما آنانکه

كَفَرُوا فَیَقُولُونَ مَاذَآ اَرَادَ اللّٰهُ بِهٰذَا مَثَلًا یُضِلُّ بِهٖ

نگرویدند پس میگویند چه چیز خواسته خدا از این مثل گمراه بآن

این فقره مبنی است بر عود ضمیر مثل بر زلنا و
محتمل است که ضمیر راجع بعید باشد بنازلان
حاصل معنی اگه اگر شک دارید در اینکه قرآن
مجید از جانب ماست و احتمال میدهید که
بنده ما خود انشا آن نموده باشد پس بیارید از
شما کسیکه مثل آن باشد در این که چیزی بخواند و
نوشته و با کسی از احوال گذشتگان مطلع باشد
معاشرت نموده و بامین هم اکتفا نکنید بلکه بلغا
و فصحائی که حاضر شوند بمعاونت خود طلبید و
بگوئید که شبه بقرآن باشد بیاورید و اگر این
اراده کنید نتوانست و نخواهید توانست آورد
چون عاجز شوید از اینمعنی پس ایمان بیاورید و بپرهیزید
از آتشی که آتش او مردمان آدمی باشند

یعنی این
میوه مانند میوه‌ایست
که در بهشت پیش خوردیم خاکیان گمان
کرده‌اند که مومن در بهشت از
طبقی که در پیش اوست میوه میخورد
و چون در طبق می‌کرد چنانکه خورده
بود در آن می‌شد پس این سخن را گویند
پس فرشته می‌گوید که بخورید از آن
که در صورت اگرچه همان است اما
در طعم و مزه مخالف
اوست

كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ

بسیار و راه نماید بآن بسیار و گمراه نکند خدا بآن مگر تباه کاران را

الَّذِينَ يَنقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِن بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ

آنجا که بشکستند پیمان خدا را پس از بستن آن و می برند آنرا که فرموده

اللَّهُ بِهِ أَن يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

الله بآن که بپیوندند و افساد کنند در زمین آنگروه ایشانند زیانکاران

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ

چگونه کافر شوید بخدا و بودید شما مرده پس زنده کرد شما را پس

يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ

زنده کرد شما را پس بسوی او باز گردید اوست آنکه آفرید برای شما آنچه در زمینست

جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ

همه پس برداخت بسوی آسمان پس یکسان کرد انها را هفت آسمان و اوست بهر

شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ

چیزی دانا و چون گفت پروردگار تو مر ملایکه را که منم کرداننده در زمین

خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ

جانشینی گفتند ایا می گردانی در آن آنکه تباهی کند در آن و بریزد خونها را

وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

و ما تسبیح گوییم بحمد تو و مقدس داریم مر ترا گفت بدرستیکه من میدانم انچه را که نمیدانید

وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ

و آموخت آدم را نامها همه پس اظهار کرد انها را بر ملایکه پس گفت

أَنبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَٰؤُلَاءِ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ۝ قَالُوا سُبْحَانَكَ

خبر دهید مرا بنامهای اینها اگر هستید شما راست گویان گفتند پاکا

لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ۝ قَالَ

نیست دانائی ما را مگر انچه آموختی ما را بدرستیکه تو توئی دانا و محکم کار گفت

مشهور نزد مفسرین این است که اذ قال معمول عامل مقدری است که عبارتست از اذکر و گویا گفته اند اذکر اذ قال یعنی خطاب بحضرت رسالت صلی الله علیه و آله است و بعضی از مفسرین گویند که خطاب بانجناب در این مقام بلفظ اذکر ما در آن می دهد که آنحضرت در آنوقت حاضر نبوده باشد پیش از خلقت آدم روح مقدس آنحضرت بخلعت وجود سرافراز گردیده باشد خانکه حدیث قدسی وکنت نبیا والآدم بین الماء والطین صراحت در این باب دارد

يَا آدَمُ أَنبِئْهُم بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنبَأَهُم بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُل لَّكُمْ

ای آدم خبر ده ایشانرا بنامهاشان پس چون که خبر داد بنامهاشان گفت آیا نگفتم مر شما را

إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنتُمْ

که من میدانم نهانیهای آسمانها وزمین و میدانم آنچه آشکار کنید و آنچه بودید

تَكْتُمُونَ ۝ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ

که پوشیدید و چون گفتیم فرشتگانرا که سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر ابلیس

أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ۝ وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ

که ابا کرد و سرکشی کرد و بود از کافران ۝ و گفتیم ای آدم ارام گیر

أَنتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا

تو و زنت در جنت و بخورید از ان هر دو را هر جا که خواهید و نشوید

تَقْرَبَا هَٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ

نزدیک این درخت را که گردید از ستمکاران ۝ پس لغزاند ایشانرا دیو

عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ

از ان پس بیرون کرد ایشانرا از انچه بودند در ان و گفتیم فرود شوید بعضی شما

لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ۝

مر بعضی را دشمن باشید مر شما راست در زمین ارامگاه و برخورداری تا هنگام

فَتَلَقَّىٰ آدَمُ مِن رَّبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ

پس دریافت آدم از پروردگار خود سخنانی پس توبه کرد بر او بدرستیکه او اوست پذیرنده

الرَّحِيمُ ۝ قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُم مِّنِّي

مهربان ۝ گفتیم فرود شوید از ان همگی پس اما اگر اید شما را از من

هُدًى فَمَن تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

هدایتی پس انکه پیروی کرد راه مرا پس نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ

و انانکه کافر گردیدند و تکذیب کردند بایات ما انگروه یاران اتشند

رغدا صفت مصدر محذوف و باین تقدیر است که اکلا منها رغدا و رغد نعمت بسیار را گویند

از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه مرویست که مراد از نهی از قرب شجره نهی از اکل اوست و مؤید این معنی انکه حق سبحانه و تعالی از مخالفت آدم و حوا بخوردن از شجره خبر داده که وکلا منها رغدا و بنابراین تعبیر از مطلب نهی از قرب آن برای مبالغه حرمت در خوردن اوست و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه مرویست که آن شجره شجره کافور بود و اکثر مفسرین بشجره گندم و بعضی بانجیر تفسیر کرده اند والله یعلم

از اهل بیت رسالت صلوات الله علیهم مرویست که آدم علیه السلام روزی دید که بر عرش محمد الهی اسامی سامیه محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم السلام نهایت اعزاز و احترام نوشته شده پرسید که این اسامی نامزد کیانند باو گفتند که اینها نامهای بزرگترین خلایق و رفیع مرتبه ترین ایشانند نزد خدای عزوجل پس آنحضرت از روی یقین متوسل شد بآنحضرات صلوات الله علیهم و گفت خداوندا بحرمت محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین که توبه مرا قبول فرمای و بسرکت ایشان توبه او بدرجه قبول افتاد و از حضرت امام محمد

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ

ایشان اندر آن جاویدان ای پسران یعقوب یاد کنید نعمت مرا که انعام کردم

عَلَيْكُمْ وَأَوْفُوا بِعَهْدِي أُوفِ بِعَهْدِكُمْ وَإِيَّايَ فَارْهَبُونِ ۝

بر شما و وفا کنید بعهد من که وفا کنم بعهد شما و از من پس بترسید

وَآمِنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ

و گرایید بآنچه فرستادم مصدق مر آنچه با شماست و نباشید اول کافر

بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِيَّايَ فَاتَّقُونِ ۝ وَلَا

بآن و نخرید آیات مرا بهای اندک و از من پس بترسید

تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ وَأَقِيمُوا

پوشید حق را بباطل و بپوشید حق را و شما میدانید و بپای دارید

الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ ۝ أَتَأْمُرُونَ

نماز را و بدهید زکات را و رکوع کنید با رکوع کنندگان آیا امر میکنید

النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَأَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَفَلَا

مردمان را بنیکی و فراموش میکنید نفسهای خود را و شما میخوانید کتاب را آیا پس

تَعْقِلُونَ ۝ وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا

تدبر نمیکنید و یاری جویید بشکیبائی و نماز و بدرستیکه آنها بزرگ مگر

عَلَى الْخَاشِعِينَ ۝ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُو رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ

بر ترسندگان که گمان کنند که ایشان ملاقات نمایند پروردگار خود را و ایشان

إِلَيْهِ رَاجِعُونَ ۝ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي

بسوی او باز گردندگانند ای پسران یعقوب یاد کنید نعمت مرا که

أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ۝ وَاتَّقُوا

انعام کردم بر شما و بدرستیکه برتری دادم شما را بر جهانیان و بپرهیزید

يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ

روزی را که پاداش ندهد کسی از کسی چیزی را و نه پذیرفته شود از آن شفاعتی

در اصل فالا تعقلون بوده همزه استفهام بعلت اقتضای صدارت مقدم بر حرف عطف شده

مردیست که مراد از صبر صوم است و بنا بر این معنی چون صوم باعث کسر شهوات نفسانی میشود چنانکه در حدیث وارد شده الصوم وجاء یعنی روزه مثابه خصی شدن مرد است در شکستن شهوتها لهذا امر باستعانت بآن در این کرده و اراده شده و اکثر مفسرین آنرا بنکیهای تفسیر کرده اند

وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ۝ وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ

و گرفته نشود از آن شفاعتی و نه از ایشان یاری کرده شوند و چونکه نجات دادیم شما را از آل

فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ

فرعون که میرسانیدند شما را بدی عذاب میکشتند پسران شما را و زنده میگذاردند

نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَٰلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ ۝ وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ

زنان شما را و در این شما را بلائیست از پروردگار شما بزرگ و چونکه جدا کردیم بشما

الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ ۝ وَإِذْ

دریا را پس رهانیدیم شما را و غرق کردیم آل فرعون را و شما می نگریستید و چونکه

وَاعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ

وعده کردیم ما موسی را چهل شب پس گرفتید گوساله را از بعد او و شما

ظَالِمُونَ ۝ ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

ستمکار از این پس درگذشتیم ما از شما از پس این شاید که شما شکر کنید

وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

و چونکه دادیم ما موسی را کتاب و فرقان باشد که شما راه یابید

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ

و چون گفت موسی مر قوم خود را ای قوم من بدرستیکه شما ستم کردید بر خود را

بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ

بگرفتن شما گوساله پس باز آیید بسوی پروردگار خود پس بکشید شما خود را

ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ

آنست خوبتر برای شما نزد پروردگار شما پس بپذیرفت بر شما بدرستیکه او اوست

التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۝ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَى

پذیرنده مهربان و چون گفتید ای موسی نگرویم مر ترا تا ما بینیم

اللَّهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

خدا را آشکارا پس فرا گرفت شما را صاعقه و شما می نگریستید

صبح بود و مادر الهی آن شعبه ها بر هم خورد و تمام قبطیان در آن آب غرق و کشته شدند نعوذ بالله من غضب الرحمن

حکایت کرده که چون موسی از میان قوم خود بوعده گاه خدای عز و جل رفت هارون علیه السلام بنی اسرائیل فرمود که زرهائی که از قبطیان گرفته اید چون مال شما نیست باید آنها را بسوزانید و آتشی افروخت و فرمود که هر که هر چه آورده در آن اندازند و بیندازند و ایشان حلی و حلل را در آتش می انداختند سامری که ظاهرا مومن بود و در دل محبت گوساله پرستی داشت پس آمد و از آن خاکی که از جای پای اسب جبرئیل برداشته بود در آن زیورهای که گداخته ریخت و گفت عجلا جسدا له خوار و از اثر آن خاک چنین شد پس بنی اسرائیل گفت هذا الهکم و الله موسی و اکثر آن قوم بعبادت آن گوساله مشغول شدند و از دیگران حکایت شده که بعد از مراجعت

آن روز هشتاد هزار کس کشته شدند و فاقتلوا انفسکم

یا از اینجا معلوم میشود و بعضی گفته اند که اینها عبادت گوساله کرده بودند مامور شدند بقتل عبده عجل و مراد از قتل نفس خود اینست و تفسیر از آن مطلب باین عبارت ازان شده که آن فرقه ما از طایفه نهایت ذات و اختلاط داشتند پس گویا آن فرقه خود را کشته بودند و بعضی گفته اند که عبده عجل من مامور بودند که هر یک خود را بکشند و غیر عبده من داخل این تکلیف نبودند و اینست قتل نفس خود

ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَظَلَّلْنَا

پس برانگیختیم شما را پس از مردن شما باشد که شما شکر گزید ۝ و سایه افکندیم

عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِنْ

بر شما ابر را و فرستادیم بر شما ترنجبین و مرغ بریان را بخورید از

طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ

پاکیزه‌ها آنچه روزی دادیم شما را و ستم نکردند ولیکن بودند که بر خود

يَظْلِمُونَ ۝ وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ

ستم کردند ۝ و چون گفتیم ما درآیید این قریه را پس بخورید از آن جا

شِئْتُمْ رَغَدًا وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ

که خواهید فراخ و درآیید در را سجده‌کنان و بگویید حطه را تا بیامرزیم مر شما را

خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ ۝ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا

گناهان شما را و زود افزاییم مر نکوکاران را ۝ پس بدل کردند آنها که ستم کردند گفتار را

غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ

جز آنچه گفته شده بود مر ایشان را پس فرستادیم بر آنان که ستم کردند عذابی از آسمان

بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۝ وَإِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا

بآنچه بودند که نافرمانی میکردند ۝ و چون که آب خواست موسی مر قوم خود را پس گفتیم

اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا

بزن بعصای خود سنگ را پس روان گردید از آن دوازده چشمه

قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ

همچنین که دانا شد هر مردمانی آبشخور خود را بخورید و بیاشامید از روزی خدا

وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ۝ وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَنْ

و فساد نکنید در زمین تباهکاران ۝ و چون گفتید ای موسی هرگز

نَصْبِرَ عَلَى طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ

صبر نکنیم بر یک طعام پس بخوان برای ما پروردگار خود را که بیرون آورد برای ما از آنچه

که بعلت طاعون پست و
چهار هزار کس از پیران و مشایخ و
علمای ایشان تلف شد و اطفال ماندند و
باین علت علم و عبادت از
میانه ایشان برخاست

دوازده فرقه بودند هر
فرقه از آنها فرزندزادگان یکی از فرزندان
یعقوب بودند سیر کردگی یکی از قبیله خود
و هر چشمه از آن دوازده چشمه روان
می شد میان یکی از اسباط
دوازده گانه

الارض من بقلها وقثائها وفومها وعدسها وبصلها قال
ارز زمین از سبز بها و خیار آن و سیر آن و عدس آن و پیاز آن گفت
اتستبدلون الذی هو ادنی بالذی هو خیر اهبطوا مصرا
ایا بدل میکند آنچه که او فروتر است بآنچه او بهتر است فرود آیید بمصر
فان لکم ما سالتم وضربت علیهم الذلة والمسکنة و
پس بدرستیکه مر شمارا است آنچه خواهید و زده شد بر ایشان خواری و درویشی و
باؤ بغضب من الله ذلک بانهم کانوا یکفرون بایات
برگشتند بخشم از خدای ازیرا بسبب آنکه ایشان بودند که نگرویدند بآیات
الله ویقتلون النبیین بغیر الحق ذلک بما عصوا وکانوا
خدا و میکشتند پیمبران را بنا حق ازیرا بسبب نافرمانی و بودند
یعتدون ان الذین امنوا والذین هادوا والنصاری
که از حد در گذشتند بدرستیکه آنانکه گرویدند و آنانکه
والصابئین من امن بالله والیوم الاخر وعمل صالحا فلهم
ودین بدین شوندگان هر که گروید بخدا و روز
اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون واذ
مزد ایشان نزد پروردگار ایشانست و نه ترسیست بر ایشان و نه ایشان
اخذنا میثاقکم ورفعنا فوقکم الطور خذوا ما اتیناکم
گرفتیم پیمان شما را و بلند کردیم زبر شما را کوه طور بگیرید آنچه دادیم شما را
بقوة واذکروا ما فیه لعلکم تتقون ثم تولیتم من بعد
بنیرو و یاد کنید آنچه در اوست باشد که شما پرهیزید پس برگشتید شما از بعد
ذلک فلولا فضل الله علیکم ورحمته لکنتم من
این پس اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمت او هر آینه بودید شما از
الخاسرین ولقد علمتم الذین اعتدوا منکم فی السبت
زیانکاران و بحقیق که دانستید آنانکه از حد در گذشتند از شما در روز شنبه

فهلنا

جمع صحابی و آن کیست که
از دین حق بیرون رود بدین
باطلی مانند طایفه از یهود و نصاری که به نبوت
مسیح و غیر او رفته بتغییر شریعت غرای موسوی
عیسی علیهما السلام داده اند و بعضی گفته اند که مراد
جمیع انه که دین حق را گذاشته بعبادت کواکب
پرداختند و پاره گفته اند که ایشان گروهی بودند
بر دین نوح علیه السلام در
جزیره موصل

که چون موسی از کوه طور
مراجعت فرمود الواح تورات آورد
با قوم خود که عمل کنند آنچه در الواح است
گفتند که هیچکس قول تورا قبول نخواهد کرد حضرت
برداشتن را فرمود تا کوه را از جای کنده
بر بالای سر ایشان داشتند آنحضرت
فرمود اگر ایمان نیاورید کوه را بر شما
خواهند افکند لاعلاج گرویدند
و ایمان آوردند

طور مطلق کوه است و
بعضی گویند که میقات
موسی علیه السلام آن
کوه است

فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ۝ فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ

پس گفتیم ما مر ایشانرا باشید بوزینگان دور ماندگان ۝ پس گردانیدیم ما آنها عقوبتی مر آنچه پیش مر

يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ۝ وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ

آن مر و آنچه پس آن مر و پندیست مر پرهیزکارانرا ۝ و چون گفت موسی مر قوم خود را

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ

بدرستیکه خدای امر میکند شمارا که ذبح کنید گاوی را گفتند ایا میگیری ما را باستهزا گفت

أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ ۝ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ

پناه میبرم بخدا که باشم از نادانان مر ۝ گفتند بخوان برای ما پروردگار ترا

يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ

تا بیان کند مر برای ما که چیست آن گفت که او میگوید که او گاویست نه پیر و نه جوان

عَوَانٌ بَيْنَ ذَٰلِكَ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ ۝ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ

میانه این مر و آن پس بکنید آنچه فرموده شدید مر ۝ گفتند بخوان برای ما پروردگار ترا

يُبَيِّن لَّنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا

تا بیان کند مر برای ما که چیست رنگ آن گفت بدرستیکه او میگوید که او گاویست زرد روشن است رنگ آن

تَسُرُّ النَّاظِرِينَ ۝ قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّن لَّنَا مَا هِيَ إِنَّ

شاد کند نگرندگانرا ۝ گفتند بخوان برای ما پروردگار ترا تا ظاهر کند برای ما که چیست آن

الْبَقَرَ تَشَابَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ ۝ قَالَ

گاو بر ما مشتبه شد آن بر ما و بدرستیکه ما اگر خواهد خدا راه یابندگانیم ۝ گفت

إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَّا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ

بدرستیکه او میگوید که آن گاویست نه رام که بشیارد زمین را و نه آب دهد کشت را

مُسَلَّمَةٌ لَّا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا الْآنَ جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبَحُوهَا وَمَا

بسلامت نیست در آن هیچ نشانی گفتند اکنون آوردی حق را پس کشتند او را و نزدیک

كَادُوا يَفْعَلُونَ ۝ وَإِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ

بود که نکنند ۝ و چون کشتید شما کسی را پس دفع کردید هر یک از آن در خدا

مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ ۝ فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذٰلِكَ يُحْيِ

بیرون آورنده آنچه بودید شما که پوشانیدید پس گفتیم ما بزنید اورا بپاره آن همچنان زنده گرداند

اللّٰهُ الْمَوْتٰى وَيُرِيكُمْ اٰيٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ ثُمَّ قَسَتْ

خدا مردگان را و بنماید شما را آیات خود شاید که شما دریابید پس سخت گردید

قُلُوبُكُمْ مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ اَوْ اَشَدُّ قَسْوَةً وَاِنَّ مِنَ

دلهای شما از بعد این پس او چون سنگها یا سخت تر و بدرستیکه از

الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْاَنْهٰرُ وَاِنَّ مِنْهَا لَمَا يَشَّقَّقُ فَيَخْرُجُ مِنْهُ

سنگها هر اینه روان گردد جویها و بدرستیکه از آن هر اینه بشگافد پس بیرون آید از آن

الْمَآءُ وَاِنَّ مِنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا

آب و بدرستیکه از آن هر اینه بیفتند از بیم خدا و نیست خدا بیخبر از آنچه

تَعْمَلُونَ ۝ اَفَتَطْمَعُونَ اَنْ يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِنْهُمْ

میکنید ایا پس طمع دارید که بگروند مر شما را و بتحقیق بودند پاره از ایشان

يَسْمَعُونَ كَلٰمَ اللّٰهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهٗ مِنْ بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ

که میشنوند کلام خدا را پس میگردانند از پس آنچه دریافتند اورا و ایشان

يَعْلَمُونَ ۝ وَاِذَا لَقُوا الَّذِينَ اٰمَنُوا قَالُوٓا اٰمَنَّا وَاِذَا خَلَا

میدانند و چونکه باز رسند با آنکه گرویدند گویند گرویدیم و چون خلوت کنند

بَعْضُهُمْ اِلٰى بَعْضٍ قَالُوٓا اَتُحَدِّثُونَهُمْ بِمَا فَتَحَ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ

بعضی ایشان بسوی بعضی گویند ایا خبر میدهید ایشان را باچه گشاد خدا بر شما

لِيُحَآجُّوكُمْ بِهٖ عِنْدَ رَبِّكُمْ اَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ اَوَلَا يَعْلَمُونَ اَنَّ اللّٰهَ

تا حجت کنند با شما نزد پروردگار شما ایا پس درنیابید آیا نمیدانند که خدا

يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۝ وَمِنْهُمْ اُمِّيُّونَ لَا يَعْلَمُونَ

میداند انچه نهان و انچه آشکار میدارند و از ایشان نادانانند که نمیدانند

الْكِتٰبَ اِلَّآ اَمَانِيَّ وَاِنْ هُمْ اِلَّا يَظُنُّونَ ۝ فَوَيْلٌ لِّلَّذِينَ

کتاب را مگر بارزو و نیستند ایشان مگر که گمان مینمایند پس وای مر ایشان را

اختصاری شد و
بعلت ظهور دکوباکفته شده
فقلنا اضربوه ببعضها فضربوه
فاحیاه الله کذلک
یحی الله الموتی
الآیه

نصف

امام محمد باقر
علیه السلام منقول است
که جمعی از یهود که عنادی با مسلمانان
داشتند چون مسلمانان
بیهودی رسیدند
خبر
میدادند بایشان از اوصاف حضرت
رسول صلی الله علیه وآله که در تورات است
بزرگان یهود با ایشان میگفتند خبر مدهید
مسلمانان را بدین معنی که باعث آن شود
که حجت بر شما تمام کنند نزد
پروردگار و در این وقت
این آیه نازل
شد

بگردان

يَكْتُبُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَٰذَا مِنْ عِندِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا

مینویسند کتاب را بدستهای خود پس میگویند این از نزد خداست تا بخرند

بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۖ فَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَّهُم مِّمَّا

بآن بهای اندک پس وای برآنان از آنچه نوشت دستهای ایشان و وای برآنها از آنچه

يَكْسِبُونَ ۝ وَقَالُوا لَن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَةً ۚ

کسب کردند و گفتند هرگز نمیکند ما را آتش مگر روزهای شمرده شده

قُلْ أَاتَّخَذْتُمْ عِندَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَن يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُ ۖ أَمْ

بگو آیا فرا گرفتید نزد خدا پیمانی را پس خلاف نمیکند خدا پیمان خود را آیا

تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ بَلَىٰ مَن كَسَبَ سَيِّئَةً وَ

میگویند بر خدا آنچه نمیدانید آری آنکس که کسب کند بدی را و

أَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

احاطه کند بآن گناهش پس آنها اهل آتشند ایشانند در آن جاودانیان

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ ۖ هُمْ

و آنانکه ایمان آوردند و کردند کارهای نیکو آنها اند اهل بهشت ایشانند

فِيهَا خَالِدُونَ ۝ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ

در آن جاودانیان و هنگامی که گرفتیم پیمان از بنی اسرائیل که نپرستید

إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَ

مگر خدا را و به پدر و مادر نیکوئی کردن و صاحب قرابت و یتیمان و

الْمَسَاكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا

بیچارگان و گوئید برای مردمان خوبی را و برپا دارید نماز را و بدهید

الزَّكَاةَ ۚ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنكُمْ وَأَنتُم مُّعْرِضُونَ ۝

زکوة را پس برگشتید مگر اندکی از شما و شما روگردانندگانید

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ

و هنگامیکه گرفتیم پیمان از شما که نریزید خونهارا خودرا و بیرون نکنید

این بشیر

بیانی است که هود

علیه السلام

این شتر

ناقه صالح

علیه السلام

أَنفُسَكُم مِّن دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنتُمْ تَشْهَدُونَ ۝ ثُمَّ أَنتُمْ هَٰؤُلَاءِ

خودهایتان را از خانه‌هایتان پس اقرار کردید و شما گواهی میدهید پس شما این جماعت

تَقْتُلُونَ أَنفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا مِّنكُم مِّن دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ

می‌کشید خودهایتان را و بیرون می‌کنید یاره‌ای از خودهایتان از خانه‌هایتان هم پشت میشوید

عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِن يَأْتُوكُمْ أُسَارَىٰ تُفَادُوهُمْ

برایشان بر گناه و بیداد و اگر آورند شما را اسیران فدیه میدهید آنها را

وَهُوَ مُحَرَّمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ أَفَتُؤْمِنُونَ بِبَعْضِ الْكِتَابِ وَ

و حال آنکه او حرام است بر شما اخراجشان آیا پس ایمان میدارید ببعضی از کتاب و

تَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ مَن يَفْعَلُ ذَٰلِكَ مِنكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي

و کافر میشوید ببعضی پس چیست جزای آنکه میکند این را از شما مگر خواری در

الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا

زندگانی دنیا و روز قیامت برگردانیده میشوند بسوی سخت‌ترین عذابی و نیست

اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرَوُا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

خدا غافل از آنچه می‌کنید آنها کسانی‌اند که می‌خریدند زندگانی دنیا را

بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۝ وَلَقَدْ

بآخرت پس تخفیف داده نشود از ایشان عذاب و نه آنها یاری کرده شوند و هر آینه بتحقیق

آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِن بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ وَآتَيْنَا

دادیم موسی را کتاب و بر اثر هم فرستادیم از بعد او برسولان و دادیم

عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ أَفَكُلَّمَا

عیسی پسر مریم را بینه‌ها و تائید کردیم او را بروح پاکی آیا پس هرگاه

جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُكُمُ اسْتَكْبَرْتُمْ فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ

آمد شما را فرستاده‌ای بآنچه نمیخواست نفسهای شما گردنکشی کردید پس یاره‌ای تکذیب کردند

وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ ۝ وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ ۚ بَل لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ

و یاره‌ای را کشتید و گفتند دلهای ما غلاف داراست بلکه لعنت کرد خدا ایشان را بکفرشان

فقلیلا

در اخبار

اهل بیت علیهم السلام

وارد است که با مومنین چهار

روح است روح البروح و روح

القدس و روح الایمان و روح

در انبیا علیهم السلام زیاده بر

اینها روح دیگری است

که آنرا روح القدس

میگویند

فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ ۝ وَلَمَّا جَآءَهُمْ كِتَٰبٌ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ مُصَدِّقٌ

پس کمی ایمان میاورند ۞ وچون آمد انهارا کتاب از نزد خدا تصدیق کننده

لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا۟ مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ فَلَمَّا

انست که با ایشانست وبودند از پیش که طلب فتح می کردند بر آنانکه کافر بودند پس

جَآءَهُم مَّا عَرَفُوا۟ كَفَرُوا۟ بِهِۦ ۚ فَلَعْنَةُ ٱللَّهِ عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ ۝ بِئْسَمَا ٱشْتَرَوْا۟ بِهِۦٓ أَنفُسَهُمْ أَن

لعنت خدا بر کافران ۞ بد است انچه فروختند به آن خودهاشان را که

يَكْفُرُوا۟ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ بَغْيًا أَن يُنَزِّلَ ٱللَّهُ مِن فَضْلِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ

کافر شوند بانچه فرو فرستاد خدا ازراه حسد که فرو می فرستد خدا از فضل خود بر آنکس که میخواهد

مِنْ عِبَادِهِۦ ۖ فَبَآءُو بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ ۚ وَلِلْكَٰفِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۝

از بندگان خود پس بازگشت کردند بغضبی از غضبی و ازبرای کافرانست عذاب خوارکننده

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا۟ بِمَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُوا۟ نُؤْمِنُ بِمَآ أُنزِلَ عَلَيْنَا

وچون گفته شود مر ایشانرا که ایمان آورند بانچه فرو فرستاد خدا گویند ایمان می آوریم بانچه فرو فرستاد بر ما

وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَآءَهُۥ وَهُوَ ٱلْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ ۗ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ

و کافر میشوند بانچه سوای آنست و او حق است تصدیق کننده آنچه با ایشانست بگو پس چرا کشتید

أَنۢبِيَآءَ ٱللَّهِ مِن قَبْلُ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ۝ وَلَقَدْ جَآءَكُم مُّوسَىٰ

پیمبران خدارا پیش ازانکه بودید گروندگان ۞ و هر آینه بتحقیق آمد شمارا موسی

بِٱلْبَيِّنَٰتِ ثُمَّ ٱتَّخَذْتُمُ ٱلْعِجْلَ مِنۢ بَعْدِهِۦ وَأَنتُمْ ظَٰلِمُونَ ۝ وَإِذْ أَخَذْنَا

بابینها پس گرفتید گوساله را از بعدش و شما بید ستمکاران ۞ وهنگامی که گرفتیم

مِيثَٰقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ ٱلطُّورَ ۖ خُذُوا۟ مَآ ءَاتَيْنَٰكُم بِقُوَّةٍ

پیمان شمارا و بلند کردیم بالای شما طور را بگیرید آنچه دادیم شمارا بتوانائی

وَٱسْمَعُوا۟ ۖ قَالُوا۟ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا۟ فِى قُلُوبِهِمُ ٱلْعِجْلَ

و بشنوید گفتند شنیدیم و نافرمانی کردیم و آمیخته گردانیده شد

بِكُفْرِهِمْ ۚ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُم بِهِۦٓ إِيمَٰنُكُمْ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ

بکفر شان بگو بد چیزیست آنچه امر می کند بآن ایمان شما اگر هستید گروندگان

این تفسیر بنا بر آنست که فتح بمعنی نصرت است میگویند اللهم افتح علینا و انصرنا بحق النبی الامی اللهم انصر بحق النبی المبعوث و در حدیث از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه منقول است که یهود در کتابهای آسمانی دیده بودند که محمد صلی الله علیه و آله مهاجرت خواهد کرد از مکه بمدینه غیر واحد میگفتند بعضی بنجس آنمکان شریف از خانهای خود بیرون آمده و هر طایفه گمان جایی در آنجا میکردند بعضی بتیماز نزول میکردند و برخی بنطدک و زمره بخیبر آنانکه بتیما نزول کرده بودند و نمی مشتاق دیدار برادران خود شدند و شتری چند از اعرابی از قبیله قیس کرایه گرفتند و آن اعرابی در وقت کرایه دادن با ایشان شرط کرد که ایشانرا از راه غیر واحد ببرد چون ایشان نام غیر واحد شنیدند خوشحال شده باو گفتند چون غیر واحد رسی ما را خبر کن چون بمیان ارض مدینه طیبه رسیدند آن اعرابی با ایشان گفت که این غیر واحد است ایشان همانجا از شتر فرود آمده و باو گفتند که ما بمطلب خود رسیدیم دیگر احتیاج بشتران تو نداریم بسلامت برو هر جا که خواهی که خود دانی برود و نامه ها بجمیع که در خیبر و فدک بودند نوشته و شرح حال کرده ایشانرا هم بامکان شریف طلبیدند و ایشان جواب فرستادند که چون ما در اینجا خانه ها و باغات و عمارات ساخته ایم حرکت ما را مصلحت نیست و جا با ما شما سازد چون پیغمبر آخر الزمان مهاجرت کند منزل شما ما هم رود بخدمت خواهیم شتافت و اما آنکه در مدینه طیبه فرود آمده بودند در آنمکان شریف خانها و باغات بنا کردند و چون باغات بسیار و قلاع مستحکم برپا شد تا خبر مسیح رسید برای جهاد با ایشان لشکر

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ

بگو اگر باشد برای شما خانه آخرت نزد خدا خالصه از غیر

النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا

مردم پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید راستگویان و آرزو نکنند او را هرگز بسبب آنچه

قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ۝ وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ

پیش فرستاده دستهاشان و خدا داناست بستمکاران و هر آینه می یابی ایشان را حریص ترین مردمان

عَلَى حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ

بر زندگی و از آنانکه شرک آوردند دوست میدارد یکی ایشان را که کاشکی عمر داده می شد هزار سال

وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

و نیست او دور کننده اش از عذاب که عمر داده شود و خدا بیناست بانچه می کنند

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ

بگو هر که باشد دشمن مر جبرئیل را پس بدرستی که او فرود آورد او را بر دل تو باذن خدا

مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ مَنْ

تصدیق کننده مر آنچه باشد میان دو دستش و هدایت و بشارت مر گروندگان را کسی که

كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ

باشد دشمن خدا و فرشتگان و پیغمبران او و جبرئیل و میکائیل پس بدرستی که خدا

عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ ۝ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا

دشمن است مر کافرانرا و هر آینه بتحقیق فرو فرستادیم بتو آیتهای روشن و

يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ ۝ أَوَكُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ

کافر نمیشود بآن مگر بدکاران آیا هر گاه پیمان بستند عهدی را انداختند آنرا

فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ

گروهی از ایشان بلکه بیشتر ایشان نمی گروند و چون آمد ایشانرا فرستاده از

عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

نزد خدا تصدیق کننده مر آنچه را با ایشان است انداخت گروهی را از آنکه داده شدند کتابرا

الكتاب

این تفسیر

بیاراست که هو راجع

باحد سه وان ضمیر بتقدیر من ان ضمیر

باشد و بعضی گفته اند که ان ضمیر

بتاویل مصدر فاعل مرجع است و

کلام باین تقدیر است که وما احد هم بمزحزحه من

العذاب تعمیره و بعضی هو را ضمیر

شان آن ضمیر را بتاویل تعمیر

مبتدا و بمزحزحه را خبر و استیناف

وطایفه هو را اشاره بفعل

ساتق و ان تعمر را

مفسران گفته اند

آورده اند

که مشاجره بود میان یهود و جبرئیل علیه السلام آن

بود که روزی جمعی از آباء و اسلاف ایشان پرا

میکدشتند بخت نصر را که اوصاف و افعال

او را در کتابهای آسمانی دیده بودند دیده و شناخته

بودند خواستند که او را بقتل رسانند در اثنای

جبرئیل علیه السلام آمد و مانع ایشان از آن

حرکت شد و فرمود که این طفل همان مردی است

که خدا تعالی خبر داده از وی باستیصال بنی اسرائیل

هر گز شما نمیتوانید که موئی از وی کم کنید و اگر

دیگری است قتل طفل چکار ایشان را چه ما حصل دارد

بعضی گفته اند که چون خدائی که بر آباء و اسلاف

ایشان از آسمان نازل میشد بوساطت جبرئیل

بود از این جهة کینه او را در دل داشتند و باین سبب

می گفتند که اگر میکائیل وحی آورد ما بتو ایمان

می آوردیم

والله اعلم

كِتَابَ اللّٰهِ وَرَآءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُوا

کتاب خدا پس پشتهاشان گویا ایشان نمیدانند و پروی کردند انچه را مینخواندند

الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ ۖ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَٰكِنَّ

شیاطین بر ملک سلیمان و کافر نشد سلیمان ولیکن

الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ ۗ وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ

شیاطین کافر شدند می آموختند مردمان را سحر و انچه فرو فرستاده شد بر دو فرشته

بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ ۚ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا

ببابل هاروت و ماروت و نمی آموختند هیچ احدی را تا اینکه می گفتند

إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ ۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ

جز این نیست که ما آزمایشیم پس کافر مشو پس آموختند از انها انچه جدائی می افکندند بان میان

الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ ۚ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللّٰهِ ۚ وَ

مرد و زن او و نبودند ایشان ضرر رسانندگان بان هیچ احدی مگر باذن خدا و

يَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ ۚ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ

می آموختند انچه ضرر میرسانید ایشانرا و نفع نمیداد ایشانرا و بتحقیق دانستند که هر آینه خریدار آنرا نیست مر او را

فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ۖ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ ۚ لَوْ كَانُوا

در آخرت هیچ نصیبی و هر آینه بد است انچه فروختند بان خودهاشانرا اگر بودند که میدانستند

يَعْلَمُونَ ۝ وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ خَيْرٌ ۚ لَوْ

میدانستند و اگر انانکه گرویدند و پرهیزگار شدند هر آینه مزد یافته اندار نزد خدا بهتر بود اگر

كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا

بودند که میدانستند ای انانکه گرویدید مگویید را عنا و بگویید

انْظُرْنَا وَاسْمَعُوا ۗ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ مَا يَوَدُّ الَّذِينَ

انظرنا و بشنوید و ازبرای کافرانست عذاب بردرد دوست نمیدارند انانکه

كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ

کافر شدند از اهل کتاب و نه مشرکان انکه فرو فرستاده شود بر شما از

صادر شد

بدرگاه خداعز خدا شنید و گفت

خداوندا جزا ایشان چشم مگیری حقتعالی جواب

که فصلت آیه میباز امعلوم ایشان نماید فرمود

با فرشتگان از میان خود دو کس را که هاروت و

و ماروت بودند در گزیدند و حقتعالی در ایشان

قوای شهویه و غضبیه مدد اورده بصورت آدمیان

بحکومت روی زمین فرستاد و نهی فرمود ایشانرا

از چهار معصیت کبیره شرک و قتل نفس ناحق

و شرب خمر و زنا و آن فرشته روی زنی جمیله

دیدند زهره نام قوت شهویه ایشان بحرکت

آمده او را بخود خواندند و آن زن گفت تا بت پرستی

نکنید اینمعنی صورت پذیرنیست ایشان جواب

آلهی را مانع دانسته سر باز زدند آن زن تکلیف سجده

خواری ما ایشان نموده ناز اندر فتند و چون سر کرم

شراب شدند بت را هم سجده کردند و زنا هم

واقع شد و در این کار بودند که مردی از در در آمد

و ایشانرا بر آنحالت دید ملامت کرد زهره گفت

اگر این امر درون رود ما را رسوای شهر و دیار خواهد

کرد علاج در کشتن او دیدند ایشان فریفته سخن

او شده و آن بیگانه را بقتل رسانیدند و چون

که هر چهار معصیتی که نهی شده بود همه از ایشان

صادر شده از گردهٔ خود ایشان شده حقتعالی

فرمود اختیار کنید عقوبت دنیا یا عذاب آخرت

ایشان عذاب دنیا را اختیار کردند حقتعالی آنها

در چاه بابل معلق معذب نمود تا روز قیامت

علمای سلف این حکایت را از حضرت

ابی جعفر علیه السلام روایت کرده و ظاهر آن است

که این خبر بر تقدیر صحت از باب تقیه

وارد شده و اقوال دیگر هم شده

والله اعلم

سلیمان

خَيْرٍ مِّن رَّبِّكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ

خوبی از پروردگار شما و خدا مخصوص می سازد برحمت خود هر که را میخواهد و خدا صاحب فضل

الْعَظِيمِ ﴿١٠٦﴾ مَا نَنسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلِهَا ۗ أَلَمْ

بزرگ است آنچه منسوخ کنیم از آیتی یا ترک کنیم آنرا بیاریم بهتر از آن یا مانندش را آیا

تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٧﴾ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ

نمیدانی که خدا بر همه چیز توانا است آیا نمیدانی که خدا مر او راست پادشاهی

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

آسمانها و زمین و نیست مر شما را از غیر خدا هیچ یاری و نه یاری دهنده

أَمْ تُرِيدُونَ أَن تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِن قَبْلُ ۗ

آیا میخواهید که سوال کنید پیغمبر خود را چنانکه پرسیده شد موسی از پیش

وَمَن يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

و آنکه بدل گیرد کفر را بایمان پس بتحقیق که گمشده است در میان راه

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُم مِّن بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا

دوست داشته بسیاری از اهل کتاب کاش میگردانیدند شما را از بعد ایمانتان کافران

حَسَدًا مِّنْ عِندِ أَنفُسِهِم مِّن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ ۖ فَاعْفُوا

از روی حسد از نزد خودشان از بعد آنکه ظاهر شد مر ایشان را حق پس عفو کنید

وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿١٠٩﴾ وَ

و درگذرید تا بیاورد خدا امرش را بدرستیکه خدا بر هر چیز توانا است و

أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ۚ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُم مِّنْ خَيْرٍ

بر پا دارید نماز را و بدهید زکوة را و آنچه پیش فرستادید برای خودهایتان از خوبی

تَجِدُوهُ عِندَ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿١١٠﴾ وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ

می یابید آنرا نزد خدا بدرستی که خدا بآنچه می کنید بیناست و گفتند هرگز داخل نشود بهشت را

الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ ۗ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ ۗ قُلْ

بهشت را مگر کسی که باشد یهود یا ترسا این است آرزوهایشان بگو

هاتوا

گویند

که نبود هرگز نه ما نه

ایمان نیاوردیم تا آنکه معاینه ببینیم

نزول کتابی تمام بیکبار و بعضی

کفار قریش میگفتند ما ایمان نیاوردیم

تا آنکه خدای عزوجل را معاینه نبینیم

و شافهه ما را تکلیف بایمان نکند

و وجوه دیگر هم گفته اند

والله یعلم

لفظ

لو در لویردونکم از ریای

مصدر است بمعنی ان مصدری لیکن عمل ان که

عبارت از نصب فعل مضارع از وی صادر

میشود و باعتبار مشابهت صوری ان

با لو شرطی و بحسب معنی کار ان از وی

صادر میشود که آن با دخول مصدری

بمعنی مصدری

غرض

از من عند انفسهم تاکید

حسد است زنهار احتراز کنید از حسد آدمی

از غیر خود منبعث باشد و بعضی گفته اند که

غرض رد بر یهود است که ایشان چنین

بودند و افعال آدمی را بخدا نسبت میدادند و البته

یعلم

گفته اند

که مراد از امر قتال

و جهاد است و وقت نزول این آیه

آنحضرت بمکه مامور بجهاد نشده بود

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقول

که آنحضرت مامور بجهاد و مرخص در ترک آن

نشد تا آنکه چهار سال گذشت اذن للذین

یقاتلون بانهم ظلموا آورد و شمشیری

چون آنحضرت آورده بر دوش

مبارک آنحضرت

هاتوا برهانکم ان کنتم صادقین ۝ بلی من اسلم وجهه لله وهو
بیارید حجت خود را اگر هستید راست گویان آری آنکه خالص گردانید وجهش را برای خدا و او
محسن فله اجره عند ربه ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون
نیکوکار است پس مر او راست مزدش نزد پروردگارش و نیست ترسی برایشان و نه ایشان اندوهناک می شوند
وقالت الیهود لیست النصاری علی شیء وقالت النصاری
و گفتند یهودان نیستند نصرانیان بر چیزی و گفتند ترسایان
لیست الیهود علی شیء وهم یتلون الکتاب کذلک قال
نیستند یهودان بر چیزی و آنها میخوانند کتاب را همچنین گفتند
الذین لا یعلمون مثل قولهم فالله یحکم بینهم یوم القیمة فیما
آنانکه نمیدانند مانند گفتن ایشان پس خدا حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه
کانوا فیه یختلفون ۝ ومن اظلم ممن منع مساجد الله ان یذکر
بودند که در آن اختلاف میکردند و کیست ستمکارتر از آنکه منع کرد مسجدهای خدا را که مذکور شود
فیها اسمه وسعی فی خرابها اولئک ما کان لهم ان یدخلوها
در آن نامش و کوشید در ویرانی آنها ایشان نباشد برای ایشان که داخل شوند آنها
الا خائفین لهم فی الدنیا خزی ولهم فی الاخرة عذاب
مگر بیم دارندگان برای ایشان است در دنیا خواری و برای ایشانست در آخرت عذاب
عظیم ۝ ولله المشرق والمغرب فاینما تولوا فثم وجه الله
بزرگ و مر خداست مشرق و مغرب پس هر کجا که رو آرید پس آنجا روی خداست
ان الله واسع علیم ۝ وقالوا اتخذ الله ولدا سبحانه بل له
بدرستی که خدا وسعت دهنده داناست و گفتند فراگرفت خدا فرزندی را دائم پاکیش را بلکه مر او راست
ما فی السموات والارض کل له قانتون ۝ بدیع السموات
آنچه در آسمانهاست و زمین است همگی او را فرمان بردارند بخست پدید آرنده آسمانها
والارض واذا قضی امرا فانما یقول له کن فیکون
و زمین است و چون اراده کند کار را پس جز این نیست که میگوید مر او را که بشو پس می شود

که گفته اند
که چون این آیه نازل شد حضرت رسول صلی الله
علیه وآله منادی را فرمود که ندا کند الا لا یحج
بعد العام مشرک ولا یطوف بهذا البیت عریان
این لیلت بر این که مراد از مساجد مکه و مسجد
الحرام بوده و ما شاء الله العلم و از زید ابن علی
ابن الحسین علیهما السلام بوساطت آبای کرام
او از حضرت امیر المومنین علیه السلام منقول است
که مراد از مساجد در این کریمه جمیع روی زمین است
بدلیل قول حضرت رسالت پناه صلی الله علیه
وآله جعلت لی الارض مسجدا وترابها طهورا
و از حضرت امام جعفر صادق مرویست که
منظور نزول آیه منع قریش است حضرت
رسول آزرده خاطر بمکه وقت المقدس و بعضی از
روایات وارد شده که بعد از هجرت آنحضرت
قریش خراب نمودند مساجدی را که آن حضرت

این آیه
در شان مشرکان نازل آمده و گویند
قول و جهک شطر المسجد الحرام در باب قبله
و این تفسیر ائمه هدی صلوات الله علیهم مرویست
و فرمودند که حضرت رسول قومی را که بخیر مشغول
و هنگامی که از مکه مراجعت مینمودند نماز ها را قضا

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَٰلِكَ

وگفتند آنانکه نمیدانند چرا سخن می گوید با ما خدا یا می آید ما را آیتی همچنین

قَالَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِم مِّثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا

گفتند آنانکه بودند پیش از ایشان مانند گفتن ایشان شباهت داشته همدلهاشان بتحقیق بیان کردیم

الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا ۝

آیتها را از برای جمعیکه یقین می کنند بدرستیکه ما ترا فرستادیم براستی بشارت دهنده و ترساننده

وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ ۝ وَلَن تَرْضَىٰ عَنكَ الْيَهُودُ وَلَا

و پرسیده نمیشوی از اهل دوزخ و خشنود نشود هرگز از تو یهودان و نه

النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ۗ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ ۗ وَ

ترسایان تا آنکه پیروی کنی دین ایشان بگو بدرستی که هدایت خدا آنست او هدایت و

لَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُم بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۙ مَا لَكَ مِنَ

اگر پیروی کنی خواهشهای ایشان را از بعد آنچه آمد ترا از علم نباشد مر ترا از

اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ

خدا هیچ دوستی و نه یاری دهنده و آنانکه دادیم ایشان را کتاب میخوانند او را

حَقَّ تِلَاوَتِهِ ۗ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۗ وَمَن يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ

حق تلاوت او آنها میگروند بآن و هرکه کافر شود بآن پس آنها اند آنها

الْخَاسِرُونَ ۝ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ

زیان کاران ای پسران اسرائیل یاد کنید نعمت مرا که انعام کردم

عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ۝ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَّا

بر شما و بدرستی که من زیادتی دادم شما را بر جهانیان و بپرهیزید روزی که

تَجْزِي نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنفَعُهَا

کفایت نکند هیچ نفسی بدل از نفسی چیزی را و قبول کرده نشود از آن عدلی و سود ندهد او را

شَفَاعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ ۝ وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ

شفاعتی و نه ایشان یاری کرده شوند و هنگامی که آزمود ابراهیم را پروردگارش بسخنان

فاتحه

گویند آنانکه ایمان ندارند چرا سخن نمی گوید با ما خدا یا نمی آید ما را آیتی همچنین گفتند آنانکه بودند پیش از ایشان مانند گفتن ایشان شباهت داشته همدلهاشان بتحقیق بیان کردیم آیتها را از برای جمعیکه یقین می کنند بدرستیکه ما ترا فرستادیم براستی بشارت دهنده و ترساننده و پرسیده نمیشوی از اهل دوزخ و خشنود نشود هرگز از تو یهودان و نه ترسایان تا آنکه پیروی کنی دین ایشان بگو بدرستی که هدایت خدا آنست او هدایت و اگر پیروی کنی خواهشهای ایشان را از بعد آنچه آمد ترا از علم نباشد مر ترا از خدا هیچ دوستی و نه یاری دهنده و آنانکه دادیم ایشان را کتاب میخوانند او را حق تلاوت او آنها میگروند بآن و هرکه کافر شود بآن پس آنها اند آنها زیان کاران ای پسران اسرائیل یاد کنید نعمت مرا که انعام کردم بر شما و بدرستی که من زیادتی دادم شما را بر جهانیان و بپرهیزید روزی که کفایت نکند هیچ نفسی بدل از نفسی چیزی را و قبول کرده نشود از آن عدلی و سود ندهد او را شفاعتی و نه ایشان یاری کرده شوند و هنگامی که آزمود ابراهیم را پروردگارش بسخنان

که این آیه در شان گسانی بوده که با حضرت جعفر از حبشه آمدند و ایشان چهل کس بوده اند سی و دو از اهل حبشه و هشت نفر از رهبانان شام که از آنجمله بحیرا راهب بوده و بعضی اصحاب رسول گفته اند مراد از کتاب قرآن مجید است و ضمیر به راجع است بسوی محمد صلعم معنی آنست که در تفسیر حق تلاوته حضرت صادق فرموده که آن عبارتست از توقف هنگام ذکر بهشت و دوزخ و سوال بهشت و استعاذه از نار و بعضی گفته اند که در شان مومنین یهود چون عبد الله بن سلام و سعد بن عمرو و غلام ابن یهودا و اسد و اسید پسران کعب و ابن یامین و ابن صوریا مراد از کتاب توراتست چنانکه در تفسیر اول توراتست یا انجیل و بیه

علم از حضرت امام جعفر صادق صلوات الله علیه در تفسیر این آیه کریمه منقول است که این ابتلا و امتحانیست که حضرت حق تعالی نسبت با نعالیجناب فرموده که عبارت از فرمانی فرزندش اسمعیل بود عبارتست و انجناب از اتمام مقود و عزم بر ادای آن کرده کار خود را بخدا تعالی گذاشت

فَاَتَمَّهُنَّ قَالَ اِنِّی جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ اِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّیَّتِی قَالَ

پس تمام کرد آنها را گفت بدرستی که من گردانیده ام تو را برای مردمان پیشوا گفت و از فرزندان من گفت

لَا یَنَالُ عَهْدِی الظّٰلِمِیْنَ ۝ وَاِذْ جَعَلْنَا الْبَیْتَ مَثَابَةً

نمیرسد عهد من بستمکاران ۝ و هنگامی گردانیدیم خانه را جای بازگشتن

لِلنَّاسِ وَاَمْنًا وَاتَّخِذُوْا مِنْ مَّقَامِ اِبْرٰهٖمَ مُصَلًّی وَعَهِدْنَا

برای مردمان و امن و بگیرید از مقام ابراهیم جایگاه نماز و عهد کردیم

اِلٰی اِبْرٰهٖمَ وَاِسْمٰعِیْلَ اَنْ طَهِّرَا بَیْتِیَ لِلطَّآئِفِیْنَ وَالْعٰكِفِیْنَ

با ابراهیم و اسمعیل که پاک کنند خانه مرا از برای طواف کنان و معتکفان

وَالرُّكَّعِ السُّجُوْدِ ۝ وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهٖمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا بَلَدًا

و نمازگذاران و سجدان ۝ و هنگامی که گفت ابراهیم پروردگارا بگردان این را شهری

اٰمِنًا وَّارْزُقْ اَهْلَهٗ مِنَ الثَّمَرٰتِ مَنْ اٰمَنَ مِنْهُمْ بِاللّٰهِ وَ

امن و روزی ده اهلش را از میوها آنکس که ایمان آورد از ایشان بخدا و

الْیَوْمِ الْاٰخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَاُمَتِّعُهٗ قَلِیْلًا ثُمَّ اَضْطَرُّهٗۤ اِلٰی

روز باز پسین گفت و کسی که کافر شد پس برخوردار کنم او را اندکی پس ناچار سازم او را بسوی

عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِیْرُ ۝ وَاِذْ یَرْفَعُ اِبْرٰهٖمُ الْقَوَاعِدَ

عذاب دوزخ و بد است آن جای بازگشت ۝ وقتی که بلند کرد ابراهیم پایه ها را

مِنَ الْبَیْتِ وَاِسْمٰعِیْلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا اِنَّكَ اَنْتَ السَّمِیْعُ

از خانه و اسمعیل پروردگارا قبول کن از ما بدرستیکه تو تو شنوای

الْعَلِیْمُ ۝ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَیْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّیَّتِنَآ اُمَّةً

دانا ۝ پروردگارا و بگردان ما را گردن نهنده مخلص برای خود و از فرزندان ما گروهی

مُّسْلِمَةً لَّكَ وَاَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَیْنَا اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ

فرمان برنده مر تو را و بنما ما را اینساک ما را و توبه پذیر بر ما بدرستی تو تو توبه پذیرنده

الرَّحِیْمُ ۝ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِیْهِمْ رَسُوْلًا مِّنْهُمْ یَتْلُوْا عَلَیْهِمْ

مهربان ۝ پروردگارا و برانگیز در میان ایشان پیغمبری از ایشان که بخواند بر ایشان

آیاتك ويعلمهم الكتاب والحكمة ويزكيهم انك انت
آیتهای تورا ویبا موزایشان را کتاب وحکمت وپاکن سازدایشانرا بدرستی که تونی انو
العزيز الحكيم ومن يرغب عن ملة ابرهيم الا من سفه
غالب درست کردار تو گیست که برگردد از کیش ابراهیم مگر کس که خوار کرده
نفسه ولقد اصطفيناه في الدنيا وانه في الاخرة لمن
نفس خودرا و همه آینه بحقیق برگزیدیم اورا در دنیا و بدرستی که اوبست در آخرت هر آینه از
الصالحين اذ قال له ربه اسلم قال اسلمت لرب العلمين
شایسته کاران هنگامی که گفت مراورا پروردگارش که فرمانبر گفت فرمان بردم مر پروردگار جهانیانرا
ووصى بها ابرهيم بنيه ويعقوب يا بني ان الله اصطفى
و وصیت کرد بآن ابراهیم پسران خودرا و یعقوب ای پسران من بدرستی که خدا برگزید
لكم الدين فلا تموتن الا وانتم مسلمون ام كنتم شهداء
برای شما دین را پس نباید شما بمیرید الا و شما باشید از مسلمانان یا بودید حاضر شدگان
اذ حضر يعقوب الموت اذ قال لبنيه ما تعبدون من
وقتیکه حاضر شد یعقوب مرگرا وهنگامیکه گفت مر پسرش را چه می پرستید از
بعدي قالوا نعبد الهك واله ابائك ابرهيم واسمعيل
بعد من گفتند می پرستیم خدای ترا و خدای پدران تورا ابراهیم و اسمعیل
واسحق الها واحدا ونحن له مسلمون تلك امة قد خلت
و اسحق خدائی یگانه و ما بیم مر اورا گردن نهندگان آنها گروهی بودند که بگذشتند
لها ما كسبت ولكم ما كسبتم ولا تسئلون عما كانوا
مر آنهارا آنچه کسب کردند و مر شمارا آنچه کسب کردید و پرسیده نشوید از آنچه بودید که
يعملون وقالوا كونوا هودا او نصارى تهتدوا قل بل
میکردند و گفتند بشوید یهودان یا ترسایان تا هدایت یابید بگو بلکه
ملة ابرهيم حنيفا وما كان من المشركين قولوا امنا بالله
دین ابراهیم راست حق گرای و نبود از شرک آورندگان بگویید گرویدیم بخدا

می گفتند که ابراهیم
علیه السلام وقت وفات وصیت نمود
فرزندان خود را بدین یهود و نصاری میگفتند
که وصیت بدین نصاری کرد این آیه آمد و ام
منقطعه است بمعنی بل و همزه استفهام انکاری
و کلمه ما گفتیم شهدا و آن معطوف است بر مصدری
و تقدیر چنین که آگفتم خاسین ام گفتم شهدا
و استفهام در آگفتم خاسین از باب تعریض است
و غرض اینست که شما ای معشر یهود وقت وصیت
آنحضرت حاضر نبودید و هیچ جا نقل نشد و که
آنحضرت اولاد خود را بدین یهودیت یا نصرانیت
وصیت کرده باشد پس از کجا این دعوای
باطل از شما سر میزند و بعضی گفته اند که خطاب
با مومنین است یعنی شما ای گروه مومنین حاضر
نبودید وقتی که آنحضرت وصیت نمود
فرزندان خود را حق
نیستی بلکه این خبر از راه
وحی بشما رسید

وَمَآ اُنزِلَ اِلَيْنَا وَمَآ اُنزِلَ اِلٰٓى اِبْرٰهِيمَ وَاِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَ

و آنچه فرو فرستاده شد بسوی ما و آنچه فرستاده شد بسوی ابراهیم و اسمعیل و اسحق و

يَعْقُوبَ وَالْاَسْبَاطِ وَمَآ اُوتِيَ مُوسٰى وَعِيسٰى وَمَآ اُوتِيَ

یعقوب و فرزندان و آنچه داده شد موسی و عیسی را و آنچه داده شد

النَّبِيُّونَ مِن رَّبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

به پیغمبران دیگر از پروردگارشان جدائی نمی اندازیم میان یکی از ایشان و ما نیم مر او را گردن نهندگان

فَاِنْ اٰمَنُوا بِمِثْلِ مَآ اٰمَنْتُم بِهٖ فَقَدِ اهْتَدَوا وَاِن تَوَلَّوْا فَاِنَّمَا هُمْ

پس اگر ایمان آورند بمانند آنچه گرویدید باو پس بتحقیق هدایت یابند و اگر روگردانند پس جز این نیست که ایشان

فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ صِبْغَةَ

در مخالفت اند پس زود باشد که بازدارد ایشان را خدا و اوست شنوای دانا رنگ کرد

اللّٰهِ وَمَنْ اَحْسَنُ مِنَ اللّٰهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ قُلْ

خدا و کیست نیکوتر از خدا در رنگ کردن و ما مر او را پرستندگانیم بگو

اَتُحَآجُّونَنَا فِي اللّٰهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَآ اَعْمَالُنَا وَلَكُمْ

آیا مخاصمت می کنید ما را در خدا و اوست پروردگار ما و پروردگار شما و ما را است کردارهای ما و مر شما راست

اَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ اَمْ تَقُولُونَ اِنَّ اِبْرٰهِيمَ وَ

کردارهای شما و ما نیم مر او را مخلصان آیا میگویند که ابراهیم و

اِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَالْاَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا اَوْ

اسمعیل و اسحق و یعقوب او فرزندان او بودند یهودان یا

نَصَارٰى قُلْ ءَاَنتُمْ اَعْلَمُ اَمِ اللّٰهُ وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّن كَتَمَ شَهَادَةً

نصاری بگو آیا شما دانا ترید یا خدا و کیست ستمکارتر از آنکه پوشیده دارد گواهی را

عِندَهُ مِنَ اللّٰهِ وَمَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ تِلْكَ اُمَّةٌ

نزد او از خدا و نیست خدا بیخبر از آنچه می کنید آنها امتی بودند

قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُم مَّا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْـَٔلُونَ عَمَّا

که بتحقیق در گذشتند مر آنهاست آنچه کسب میکردند و مر شماست آنچه کسب کردید و سوال کرده نمی شوید از آنچه

اعراب کلمات

کلمه صبغة الله بدل است از ملة ابراهیم و بعضی آنرا منصوب بر اغراء و مفعول فعل محذوف دانسته اند و گفته اند که تقدیر کلام اینست که ابتغوا دین صبغة الله و بعضی گفته اند که مفعول مطلق فعل محذوف است و کلام بدین تقدیر است که صبغة الله صبغة بعد از حذف فعل اضافه مصدر بفاعل شده و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که صبغة الله دین اسلام است و گفته اند که نکته در تعبیر از دین اسلام بصبغة الله مشاکله صبغة نصاراست و آن چنانست که ایشان اطفال خود را باب معموده که آبی است مخلوط بزرنیخ و زعفران می شستند و میگفتند الحال نصرانی برحق شده پس گویا ایشان دین حق را بآن رنگ کردند منشا خشند و صبغه مشتق از صبغ بمعنی رنگ است و بعضی صبغة الله را بخشنه کردن تفسیر کرده اند بعلت آنکه ذکر مخصوص بخون رنگ میشود

والله اعلم

كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ

بودند که میکردند زود باشد که بگویند بخردان از مردمان چه چیز گردانید اینان را از پیش ایشان

الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ ۚ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ

که بودند بر آن بگو مر خدا راست مشرق و مغرب هدایت میکند هر که میخواهد

إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا

بسوی راه راست و همچنین گردانیدیم شما را امت میانه تا بوده باشید

شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا ۗ وَمَا

گواهان بر مردمان و بوده باشد پیغمبر بر شما گواه و

جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ

گردانیدیم قبله آنچه را بودی بر آن مگر که بدانیم کسی که پیروی کند پیغمبر را

مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ ۚ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ

از آنکه برگردد بر پاشنه پایش و اگرچه باشد هر آینه بزرگ مگر بر آنانکه

هَدَى اللَّهُ ۗ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ

هدایت کرد خدا و نیست خدا که ضایع کند ایمان شما را بدرستیکه خدا بمردمان هر آینه مهربان

رَحِيمٌ ۝ قَدْ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ ۖ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً

رحیم بتحقیق که می بینیم گردیدن روی تو بسوی آسمان پس هر آینه روی میگردانیم تو را بسوی قبله که

تَرْضَاهَا ۚ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۚ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ

میخواهیش بگردان روی را سوی مسجد الحرام و هر کجا باشید

فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ ۗ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ

پس بگردانید روهای خود را سوی آن و بدرستی که آنانکه داده شده اند کتاب هر آینه میدانند

أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ ۝ وَلَئِنْ أَتَيْتَ

که آن حق است از پروردگار شان و نیست خدا بیخبر از آنچه می کنند و هر گاه هر آینه بیاری تو

الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ ۚ وَمَا أَنْتَ

آنانکه داده شده اند کتاب را همه نشانه ها پیروی نکنند قبله تو و نیستی تو که

الحرف ۲

ضبط اول

ولقد رخص ... باشد وجعلنا القبلة ... التي كنت عليها ورد دو کلمه ... ليعلم خانچه در مجمع البيان مصرح است

ضبط دوم

اعدل و افضل آنقوم را گویند از حضرت امام محمد باقر منقولست که فرمود نحن الامة الوسطى نحن شهداء الله على خلقه وحجته في ارضه یعنی ما ایم امت وطایفه عدول وما ایم گواهی دهندگان بر اعمال خلایق در روز قیامت وخلفای او در روی زمین واز حضرت امام المومنین مرویست که فرمود ان الله تعالى ابانا عنى بقوله لتكونوا شهداء على الناس فرسول الله شاهد علينا ونحن شهداء على خلقه وحجته في ارضه ونحن الذين قال الله تعالى وكذلك جعلناكم امة وسطا يعني که خدای تعالی ما را خواسته ازین قول که لتکونوا شهداء علی الناس رسول خدا پس گواهی خواهد داد بر ما در روز قیامت برسانیدن شریعت غرای آنحضرت را ما او بر ازارهایی که از امت او بما رسیده وما گواهی خواهیم داد بر کردار خلایق از مطیع و عاصی در روز قیامت وما همان کسانیم که خدای تعالی در شان ایشان فرموده وکذلك جعلناكم وسطا

پیش از تحویل حضرت رسول صلی الله علیه وآله از خدای درخواست که کعبه را قبله او کند در وما همان منتظر وحی می بود که این آیه آمد قد نرى تقلب وجهك

بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ ۚ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ

تابع شوی قبلهٔ ایشانرا و نیستند بعضی شان تابع قبلهٔ بعضی را و اگر پیروی خواهشهای ایشانرا

مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ ۙ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ ۘ الَّذِينَ

از بعد آنچه آمد ترا از دانش بدرستی تو آنگاه هر آینه از ستمکارانی که

آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ ۖ وَإِنَّ فَرِيقًا

داده ایشان کتاب می شناسند او را همچنانکه می شناسند پسران ایشانرا و بدرستی که پاره

مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ

از ایشان هر آینه پوشند حق را و ایشان میدانند حق از پروردگار تست پس مباش البته

مِنَ الْمُمْتَرِينَ ۝ وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ

از شک کنندگان و او برای هر یک جائی است که او روآورنده است پس پیشی جویید خیرات را

أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

هر جا باشید می آرد بشما خدا همگی بدرستی که خدا بر هر چیز توانا است

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۖ وَإِنَّهُ

و از هر جائی که بیرون روی پس بگردان روی خود را سوی مسجد الحرام و بدرستی که

لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ ۗ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۝ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ

آن هر آینه حق است از پروردگارت و نیست خدا بی خبر از آنچه میکنید و از هر جائی که بیرون روی

فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ ۖ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا

پس بگردان روی خود را سوی مسجد الحرام و هر جا که باشید پس بگردانید

وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا

روهای خود را سوی آن تا نباشد مردمان را بر شما حجتی مگر

الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي ۚ وَلِأُتِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ

آنانکه ستم کردند از ایشان پس مترسید از ایشان و بترسید از من و تا تمام کنم نعمت خود را بر شما

وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ ۝ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ

و باشد که شما بهدایت یابید همچنانکه فرستادیم در میان شما فرستاده از شما

اسم جهتی است که روبآن میشود و ضمیر راجع است بحق تعالی و ضمیر مفعول اول در مولیها راجعست بوجهة و مفعول ثانیش محذوف و تقدیر چنین است که هو مولیها ایاه و مراد از کل اهل هر ملتی اند از مسلمانان و یهود و نصاری یا هر فرقه از فرق مسلمانان چه اهل اسلام در بلاد مختلفه برای توجه کعبه هر یک بجهتی روی میکنند از جهات افق بعضی بجنوب و بعضی بشمال و بعضی بمشرق و بعضی بمغرب و بعضی بما بین آن جهات

لئلا یکون

علت از برای تولیه است یعنی روی گردانیدن از قبلهٔ متعدد بکعبه باعث آن میشود که احدی را بر شما حجتی نباشد والا یهود بر شما حجت خواهند گرفت و خواهند گفت که پیغمبر آخر الزمان که در تورات وصف او مذکور است باید بدو قبلهٔ نماز گزارد و کعبه قبلهٔ اوست

خواهند گفت که پیغمبر شما دعوی میکند که بر ملت ابراهیم است و قبلهٔ او کعبه است و ما را بقبلهٔ دیگر

يَتْلُوا عَلَيْكُمْ اٰيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَ

كه بخواند بر شما آيتهاى ما را و پاك سازد شما را و بياموزد شما را كتاب و

الْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ۝ فَاذْكُرُونِي

حكمت و بياموزد شما را آنچه نبوده باشيد كه بدانيد پس ياد كنيد مرا

اَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ ۝ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ

تا ياد كنم شما را و شكر كنيد مرا و ناسپاسى نكنيد اى آنانى كه

اٰمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلٰوةِ اِنَّ اللّٰهَ مَعَ الصّٰبِرِينَ

گرويديد يارى جوييد بصبر و نماز زيرا بدرستى كه خدا با صبر كنندگان است

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ اَمْوَاتٌ بَلْ اَحْيَاءٌ وَ

و مگوييد مر كسانى را كه كشته ميشوند در راه خدا مردگانند بلكه زندگانند و

لٰكِنْ لَا تَشْعُرُونَ ۝ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَ

وليكن نميدانيد و هر آينه مى آزماييم شما را بچيزى از خوف و

الْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْاَمْوَالِ وَالْاَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ

گرسنگى و كاستن از مالها و نفسها و ميوها و مژده ده

الصّٰبِرِينَ ۝ الَّذِينَ اِذَا اَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا اِنَّا لِلّٰهِ

صبر كنندگان را كسانى را كه چون رسد مصيبت ايشان را گويند ما

وَاِنَّا اِلَيْهِ رٰجِعُونَ ۝ اُولٰئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوٰتٌ مِنْ رَبِّهِمْ

و بدرستى كه ما بسوى او بازگشت كننده گانيم آنانند بر ايشانست رحمتهاى از پروردگارشان

وَرَحْمَةٌ وَاُولٰئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ ۝ اِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ

و آمرزش و آنانند آنان هدايت يافتگان بدرستى صفا و مروه

مِنْ شَعَآئِرِ اللّٰهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ اَوِ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ

از نشانهاى خداست پس كسى كه حج كرد آن خانه را يا عمره كرد پس نيست گناهى بر او

اَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَاِنَّ اللّٰهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ

كه طواف كند بر آن دو كسى كه رغبت كند خوبى را پس بدرستى كه خدا شاكر داناست

آية ان الصفا

از حضرت صادق مرويست كه در عمره
الصفا نازل شده و منشاء اين آيه آن بود كه
حضرت رسالت پناه فرمود قريش شرط كرده
بود كه ايشان بيائى كه بر صفا و مروه گذارند
بودند تا مسلمانان مشغول سعى اند بر دارند
و بعد از فراغ از مسلمانان اين بتها را بجاى
خود گذارند اتفاقا يكى از مسلمانان بسبب
مانعى تا آن وقت سعى نكرده بود و بعلت اصنام
و شباهت بكعبه بى رخصت آنحضرت شروع
سعى كند چون شرح حال او بخدمت آنحضرت
عرض شد اين آيه نازل شد پس معنى آن آنست
كه تصورى ندارد سعى و حال آنكه بتها بر صفا
باشند و بعد از مسلمانان سعى ميكردند بتها
وجود بتها بر صفا و مروه دليل ما نيست
كه حضرت رسول با حج
آمده

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ

بدرستی آنانکه پوشند آنچه فرو فرستادیم از بینه‌ها و هدایت از بعد

مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ ۙ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ

آنچه بیان کردیم از برای مردمان در کتاب آنها اند که لعن میکند ایشانرا خدا ولعن می کنند ایشانرا

اللَّاعِنُونَ ۝ إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُوا فَأُولَٰئِكَ أَتُوبُ

لعن کنندگان مگر آنانکه توبه کردند و خوب شدند و بیان کردند پس آنها می پذیرم توبه

عَلَيْهِمْ ۚ وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ

بر ایشان و منم توبه پذیرنده مهربان بدرستی آنانکه کافر شدند و مردند و ایشان

كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

کافر بودند آنها اند بر ایشانست لعنت خدا و فرشتگان و مردمان همگی

خَالِدِينَ فِيهَا ۖ لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ

جاودانیانند در آن تخفیف داده نمیشود از ایشان عذاب نه ایشان منظور داشته

وَإِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ ۖ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَٰنُ الرَّحِيمُ ۝ إِنَّ فِي

و آرمیدا خدای یکتاست نیست خدائی مگر او که بخشنده مهربانست بدرستی که در

خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

آفریدن آسمانها و زمین و اختلاف شب و روز

وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ

و کشتیها که جاری می شود در دریا بآنچه نفع رساند مردم را و آنچه فرو فرستاد

اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ

خدا از آسمان آبی پس زنده کرد بآن زمین را بعد از مردنش و

بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ ۖ وَتَصْرِيفِ الرِّيَاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ

پراکند در آن از همه جنبنده‌ها و گردانیدن بادها و ابر مسخر

بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ وَمِنَ النَّاسِ

میان آسمان و زمین هر آینه آیتهاست برای گروهی که بعقل دریابند و از مردمان

علمای یهود
گمان وصف آنحضرت و محکمات
بعثت او که در تورات آمده
بود نمیشنودند

مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ كَحُبِّ اللَّهِ ۖ وَالَّذِينَ آمَنُوا

کسیست که میگیرد از غیر خدا همتایان دوست میدارد ایشانرا چون دوستی خدا و آنانکه گرویدند

أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ ۗ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ ظَلَمُوا إِذْ يَرَوْنَ الْعَذَابَ ۙ أَنَّ

سخت ترند در دوست داشتن خدا اگر بینند آنانکه ستم کردند هنگامی که ببینند عذاب را بدرستی که

الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا ۙ وَأَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعَذَابِ ۝ إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ

توانائی مخصوص خدا است همگی و بدرستی خدا سخت عذابست وقتی که بیزاری جویند آنانکه

اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ ۙ

پیروی کردند از آنانکه پیروی کردند و ببینند عذاب را و بریده شود بایشان اسبابها

وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا ۗ

و گویند پیروی کردگان کاش بودی برای ما بازگشتنی پس بیزاری جستیم از ایشان چنانکه بیزاری جستند از ما

كَذَٰلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ ۖ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ

همچنان نماید ایشان را خدا کردارشان را حسرتهاست بر ایشان و نباشند ایشان بیرون روندگان

مِنَ النَّارِ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا

از آتش ای مردمان بخورید از آنچه در زمین است حلال

طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

پاکیزه و پیروی مکنید گامهای شیطان را بدرستی که او مر شمارا است دشمنی آشکار

إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ

این است جز این نیست که امر میکند شمارا به بدی و زشتی و آنکه بگوئید بر خدا

مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ

آنچه نمیدانید و چون گفته شود مر ایشان را که پیروی کنید آنچه فرو فرستاد خدا بگویند بلکه

نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ۚ أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

پیروی می کنیم آنچه الفت یافته ایم بر آن پدران خود را اگرچه بوده باشد پدران ایشان که نمیدانند

شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ۝ وَمَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي

چیزی را و نه هدایت یابند و مثل آنانکه کافر شدند مانند مثل کسانی است

ينعق بما لا يسمع الا دعاء ونداء صم بكم عمي فهم لا
که بانگ زند بآنچه نشنود جز بخواندنی و آوازی راست و کنگانند گوراند پس ایشان
يعقلون ۝ يا أيها الذين امنوا كلوا من طيبات ما رزقناكم
در نمی یابند اصل ای آنانکه ایمان آوردید بخورید از پاکیزه ها آنچه روزی کردیم شمارا
واشكروا لله ان كنتم اياه تعبدون ۝ انما حرم عليكم
و سپاس گزید خدای را اگر باشید که او را عبادت کنید جز این نیست که حرام کرد بر شما
الميتة والدم ولحم الخنزير وما اهل به لغير الله فمن اضطر
مردار و خون و گوشت خوک و آنچه صدا بلند کرده بان برای غیر خدا پس کسی که مضطر شد
غير باغ ولا عاد فلا اثم عليه ان الله غفور رحيم ۝ ان
خروج کننده بر امام و نه تجاوز کننده و پس نیست گناهی بر او و بدرستیکه خدا آمرزنده و مهربانست بدرستی که
الذين يكتمون ما انزل الله من الكتاب ويشترون به
آنانکه پنهان میکنند آنچه فرو فرستاد خدا از کتاب و میفروشند بآن
ثمنا قليلا ۝ اولئك ما يأكلون في بطونهم الا النار ولا
بهای اندک آنانند که نمیخورند در شکمهاشان مگر آتش و
يكلمهم الله يوم القيمة ولا يزكيهم ولهم عذاب اليم
سخن می گوید با ایشان خدا روز قیامت و پاک نمیسازد ایشان را و مر ایشانرا ست عذاب دردناک
اولئك الذين اشتروا الضلالة بالهدى والعذاب
آنانند که خریدند گمراهی را بهدایت و عذاب را
بالمغفرة فما اصبرهم على النار ۝ ذلك بان الله نزل
بآمرزش پس چه چیز شکیبا کرد ایشانرا بر آتش این آنست بابن که خدا فرو فرستاد
الكتاب بالحق وان الذين اختلفوا في الكتاب لفي شقاق
کتاب را براستی و بدرستی که آنانکه اختلاف کردند در کتاب هر آینه در بدی و نفاق
بعيد ۝ ليس البر ان تولوا وجوهكم قبل المشرق و
دور رند نیست نیکو که بگردانید روهای خود را پیش از مشرق و

الْمَغْرِبِ وَلٰكِنَّ الْبِرَّ مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَالْمَلٰٓئِكَةِ

مغرب ولیکن نیکو کیست که ایمان آورد بخدا و روز باز پسین و فرشتگان

وَالْكِتٰبِ وَالنَّبِيّٖنَ وَاٰتَى الْمَالَ عَلٰى حُبِّهٖ ذَوِي الْقُرْبٰى وَ

و کتاب پیغمبران و داد مال را بر دوستی او صاحبان قرابت و

الْيَتٰمٰى وَالْمَسٰكِيْنَ وَابْنَ السَّبِيْلِ وَالسَّآئِلِيْنَ وَفِي الرِّقَابِ

یتیمان و درماندگان و رهروندگان راه و سوال کنندگان و در گردنها

وَاَقَامَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَى الزَّكٰوةَ وَالْمُوْفُوْنَ بِعَهْدِهِمْ اِذَا عٰهَدُوْا

و برپای داشت نماز را و داد زکوة را و وفا کنندگان بعهد شان چون بیمان کنند

وَالصّٰبِرِيْنَ فِي الْبَاْسَآءِ وَالضَّرَّآءِ وَحِيْنَ الْبَاْسِ اُولٰٓئِكَ

و شکیبایان در سختیها و زیانها و هنگام کارزار آنها اند

الَّذِيْنَ صَدَقُوْا وَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُتَّقُوْنَ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا

کسانی که راستی کردند و آنها اند پرهیزکاران ای کسانی که گرویدید

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى اَلْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ

نوشته شد بر شما قصاص در کشته شده ها آزاد بآزاد و بنده

بِالْعَبْدِ وَالْاُنْثٰى بِالْاُنْثٰى فَمَنْ عُفِيَ لَهٗ مِنْ اَخِيْهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ

به بنده و زن بزن پس کسی که عفو کرد مر او را از برادرش چیزی پس پی رفتن است

بِالْمَعْرُوْفِ وَاَدَآءٌ اِلَيْهِ بِاِحْسَانٍ ذٰلِكَ تَخْفِيْفٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ

بخوبی و ادا کردن باو بنیکوئی آن سبک است از پروردگار شما

وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدٰى بَعْدَ ذٰلِكَ فَلَهٗ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۝ وَلَكُمْ

و رحمت است پس از انکه از حد گذشت پس مر او راست عذاب دردناک و مر شما راست

فِي الْقِصَاصِ حَيٰوةٌ يّٰٓاُولِي الْاَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُوْنَ

در قصاص زندگانی ای خداوندان خردها باشد که شما پرهیزید

كُتِبَ عَلَيْكُمْ اِذَا حَضَرَ اَحَدَكُمُ الْمَوْتُ اِنْ تَرَكَ خَيْرَا

نوشته شد بر شما چون حاضر شود یکی تا را مرگ اگر واگذارد مالی را

الوصية

یعنی
سخت گیر در قاتل هر گاه پریشان
باشد و صبر کند تا وقتی که
معذور شود
یا قدرت زود و دیت را
بپذیرد و بتاخیر نیندازد

اَلْوَصِيَّةُ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْاَقْرَبِيْنَ بِالْمَعْرُوْفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِيْنَ

وصیت کردن از برای پدر و مادر و نزدیکان بخوبی حق بودنی بر پرهیزکاران

فَمَنْ بَدَّلَهٗ بَعْدَ مَا سَمِعَهٗ فَاِنَّمَآ اِثْمُهٗ عَلَى الَّذِيْنَ يُبَدِّلُوْنَهٗ ؕ اِنَّ

پس کسی بدل کند او را بعد از آنچه شنید او را پس جز این نیست که گناهش بر کسانی که تبدیل کنند او را که

اللّٰهَ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ ۝ فَمَنْ خَافَ مِنْ مُّوْصٍ جَنَفًا اَوْ اِثْمًا فَاَصْلَحَ بَيْنَهُمْ

خدا شنوای داناست پس کسی که ترسید از وصیت کننده میلی یا گناهی پس اصلاح کرد میانشان

فَلَآ اِثْمَ عَلَيْهِ ؕ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا كُتِبَ

پس نیست گناهی بر او بدرستی خدا آمرزنده مهربانست ای کسانیکه گرویدید نوشته شد

عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ

بر شما روزه همچنانکه نوشته شد بر آنانکه بودند پیش از شما باشد که شما

تَتَّقُوْنَ ۝ اَيَّامًا مَّعْدُوْدٰتٍ ؕ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيْضًا اَوْ

پرهیزید روزهای شمرده شد پس کسی که باشد از شما بیمار یا

عَلٰى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ اَيَّامٍ اُخَرَ ؕ وَعَلَى الَّذِيْنَ يُطِيْقُوْنَهٗ فِدْيَةٌ طَعَامُ

بر سفری پس عدتی شمرده از روزهای دیگر و بر آنانکه طاقت دارند فدا دهند طعام

مِسْكِيْنٍ ؕ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَّهٗ ؕ وَاَنْ تَصُوْمُوْا خَيْرٌ لَّكُمْ

بیچاره پس کسی که رغبت کند نیکی را پس آن بهتر است مر او را و آنکه روزه دارید بهتر است برای شما

اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ۝ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِيْٓ اُنْزِلَ فِيْهِ الْقُرْاٰنُ

اگر باشید که بدانید ماه رمضان که فرو فرستاده شد در آن قرآن

هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنٰتٍ مِّنَ الْهُدٰى وَالْفُرْقَانِ ۚ فَمَنْ شَهِدَ

هدایت برای مردمان و پیدا شده ها از هدایت و فرقان پس هر که حاضر شد

مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ ؕ وَمَنْ كَانَ مَرِيْضًا اَوْ عَلٰى سَفَرٍ

از شما آن ماه را پس باید که روزه بگیرد و کسی که باشد بیمار یا بر سفری

فَعِدَّةٌ مِّنْ اَيَّامٍ اُخَرَ ؕ يُرِيْدُ اللّٰهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيْدُ بِكُمُ

پس عدتی شمرده شده از ایام دیگر میخواهد خدا بشما آسانی و نمیخواهد بشما

باشد
شیخ و شسخه و حامل مقرب
ذو العطاش

الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَ

دشواری و از برای اکه تمام کنند شمار را و بزرگی یاد کنند خدا را بر آنچه هدایت کرد شما را و

لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي

باشد که شما شکر کنید و چون پرسند ترا بندگان من از من پس بدرستی که من

قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ ۖ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي

نزدیکم برآورنده ام خواندن خواننده را چون بخواند مرا پس باید طلب اجابت کند مرا و باید بگرود بمن

لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ ۝ أُحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ

باشد که ایشان براه یابند حلال کرده شد برای شما شب روزه جماع با

نِسَائِكُمْ ۚ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ ۗ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ

زنان شان آنها پوشند لباس مر شما را و شما پوشید لباس مر ایشان را دانست خدا که شما

كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ ۖ

بودید که خیانت میکردید خودمان را پس پذیرفت بر شما و درگذشت از شما

فَالْآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ ۚ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا

پس اکنون مباشرت کنید با ایشان و بجویید آنچه نوشت خدا برای شما و بخورید و بیاشامید

حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ

تا پدید آید مر شما را رشته سفید از رشته سیاه از

الْفَجْرِ ۖ ثُمَّ أَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ ۚ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ

صبح پس تمام کنید روزه را تا شب و مباشرت کنید آنها را و شما

عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ ۗ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا ۗ كَذَٰلِكَ

معتکفان در مسجدها اینست حدهای خدا پس نزدیک مشوید آنرا همچنین

يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ

بیان میکند خدا آیتهایش را برای مردمان باشد که پرهیزکار شوند و مخورید یا مال شما را

بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا

میان خودتان بر باطل و فرو هلید بدان آنرا بحاکمها تا بخورید پاره را

امین

مِنْ اَمْوَالِ النَّاسِ بِالْاِثْمِ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ۝ يَسْئَلُوْنَكَ عَنِ

از مالهای مردمان ببدای وشما میدانید سوال میکنند ترا از

الْاَهِلَّةِ ۭ قُلْ هِىَ مَوَاقِيْتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ ۭ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِاَنْ

ماهای ماه بگو آن وقتهاست برای مردمان وحج گذاردن نه خوب باینکه

تَاْتُوا الْبُيُوْتَ مِنْ ظُهُوْرِهَا وَلٰكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقٰى ۚ وَاْتُوا الْبُيُوْتَ

درآیید بخانها از پشتهای آنها ولیکن نیکست کسی که پرهیز کند ودرآیید بخانها

مِنْ اَبْوَابِهَا ۠ وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ۝ وَقَاتِلُوْا فِىْ سَبِيْلِ

از درهای آن وبپرهیزید از خدا باشد که رستگار شوید وکارزار کنید در راه خدا

اللّٰهِ الَّذِيْنَ يُقَاتِلُوْنَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوْا ۭ اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِيْنَ

خدا با کسانیکه کارزار می کنند شما را واز حد در مگذرید بدرستیکه خدا دوست نمیدارد از حد گذرندگان را

وَاقْتُلُوْهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوْهُمْ وَاَخْرِجُوْهُمْ مِّنْ حَيْثُ اَخْرَجُوْكُمْ وَ

وبکشید ایشانرا هرجاکه بیابید ایشان وبیرون کنید ایشانرا از هرجاکه بیرون کردند شمارا

الْفِتْنَةُ اَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ ۚ وَلَا تُقٰتِلُوْهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

وفتنه سخت تراست از کشتن وکارزار مکنید ایشانرا نزد مسجد الحرام

حَتّٰى يُقٰتِلُوْكُمْ فِيْهِ ۚ فَاِنْ قٰتَلُوْكُمْ فَاقْتُلُوْهُمْ ۭ كَذٰلِكَ جَزَاۗءُ

تا انکه کارزار کنند شما را در آن پس اگر کارزار کنند باشما پس کارزار کنید باشان همچنین است جزای

الْكٰفِرِيْنَ ۝ فَاِنِ انْتَهَوْا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝ وَقَاتِلُوْهُمْ

کافران پس اگر باز ایستند پس بدرستی که خدا آمرزنده مهربان است وکارزار کنید ایشانرا

حَتّٰى لَا تَكُوْنَ فِتْنَةٌ وَّيَكُوْنَ الدِّيْنُ لِلّٰهِ ۭ فَاِنِ انْتَهَوْا فَلَا عُدْوَانَ

تا نبوده باشد فتنه وباشد دین برای خدا پس اگر باز ایستند پس نیست تعدی

اِلَّا عَلَى الظّٰلِمِيْنَ ۝ اَلشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمٰتُ

مگر بر ستمکاران ماه حرام بماه حرام است وحرمتها

قِصَاصٌ ۭ فَمَنِ اعْتَدٰى عَلَيْكُمْ فَاعْتَدُوْا عَلَيْهِ بِمِثْلِ

قصاص است پس کسی که تعدی کرد بر شما پس تعدی کنید براو بمانند

چنانچه مشرکان حرمت
ماه ذیقعده والحرام سال گذشته را
نگاه نداشته مانع شما شدند وخواستند
با شما مقاتله نمایند شما هم در ماه
ذیقعده این سال رسید بلکه بعنوان
قهر وغلبه واگر مانع شما شوند شما با
ایشان کارزار نمایید
بی خوف

مَا اعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

آنچه تعدی کرد بر شما و بپرهیزید از خدا و بدانید که خدا با پرهیزکاران است

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ

و انفاق کنید در راه خدا و میندازید به دستهای خود خود را بهلاکت

وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۝ وَأَتِمُّوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ

و نیکوئی کنید بدرستی خدا دوست میدارد نیکوکاران را و تمام کنید حج و عمره را

لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ

برای خدا پس اگر باز داشته شوید پس آنچه میسر شود از هدیه و قربانی و متراشید سرهای خود را

حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحِلَّهُ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى

تا آنکه برسد قربانی بجای خود پس کسی که باشد از شما بیمار یا باو آزاری باشد

مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ فَإِذَا أَمِنْتُمْ

از سر او پس فدیه است از روزه یا صدقه یا قربانی کردن پس چون ایمن شوید

فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ

پس کسی که متمتع گردد بعمره بحج پس آنچه میسر شود از قربانی پس کسی که

يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ

نیافت پس روزه سه روز در حج است و هفت چون بازگشتید این است

عَشَرَةٌ كَامِلَةٌ ذَٰلِكَ لِمَنْ لَمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ

ده روزه تمام آن برای کسیست که نباشد اهل او حاضران مسجد

الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ الْحَجُّ

الحرام و بپرهیزید از خدا و بدانید که خدا سخت عقوبت حج

أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ

ماههای معلوم است پس کسی که واجب کرد در آن حج را پس نه جماع است و نه کارهای بد

وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمْهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا

و نه جنگ در حج و هر چه را میکنید از خوبی میداند آنرا خدا و توشه برگیرید

صادق منقول است که محصور غیر مصدود است محصور مریض و مصدود کسی است که مشرکان او را مانع شود چنانچه مانع رسول خدا شدند مصدود علت مرض نیست و مصدود از زنان حلال میشود و محصور زن بر او حلال نیست و معویه گوید از آنحضرت پرسیدم از محصوری که هدی خود را فرستاده فرمود با یاران خود وعده مقرر میکند اگر در حج است در محل هدی منحر است چون آن میعاد برسد محل میشود و موی سر کم میکند و اگر در احرام عمره است محل هدی مکه است و تقصیر اشطار میکند که باران نبکه رسند و بسا هست که با ایشان وعده کرده در آید چون وقت رسید تقصیر میکند و محل میشود و مثل این خبر بسند صحیح از معاویه بن عمار و در اخبار دیگر است و شیخ ابو علی قدس سره حصر را در این کریمه شامل مریض و مصدود هر دو دانسته و محل هدی را در کلیه طیبه حتی یبلغ الهدی محله شامل موضع صد و حرم هر دو گرفته و گفته از این کریمه حکم مریض و مصدود هر دو بیرون می آید و ابو حنیفه هم چنین گفته و شافعی حصر را تخصیص منع از دشمن و گفته مراد از محل هدی جائیست که ذبح هدی آنجا لازم است و آن موضع صد باشد بدانکه کلیه طیبه فمن کان منکم مریضا او به اذی من راسه ففدیه من صیام او صدقه او نسک در شأن کعب بن عجره انصاری دید که شپش از سر او بر رویش میریزد پرسید که آزار تو میکند گفت آری فرمود تا سر بتراشید و مقرر فرمود که تا سه روز روزه دارد یا شش مسکین را طعام دهد بهر مسکینی دو مد گویا گوسفندی قربان کند و مانند این خبر در تفسیر

فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ ۝ لَيْسَ

پس بهترین توشه پرهیزکاریست و بپرهیزید از من ای صاحبان خردها نیست

عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ ۚ فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ

بر شما گناهی اینکه بجویید زیادتی را از پروردگارتان پس چون برگشتید از

عَرَفَاتٍ فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ ۖ وَاذْكُرُوهُ

عرفات پس یاد کنید خدا را نزد مشعر الحرام و یاد کنید او را

كَمَا هَدَاكُمْ ۚ وَإِنْ كُنْتُمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الضَّالِّينَ ۝ ثُمَّ أَفِيضُوا

چنانکه هدایت کرد شما را و اگرچه بودید پیش از آن هر آینه از گمراهان پس بازگردید

مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

از جائی که برگشتند مردم و آمرزش خواهید از خدا بدرستی که خدا آمرزنده و

رَحِيمٌ ۝ فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ

مهربانست پس چون گزاردید مناسک جهان را پس یاد کنید خدا را

كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا ۗ فَمِنَ النَّاسِ مَنْ

مثل یاد کردن شما پدرانتان را یا سخت‌تر یاد کردنی پس از مردمان کسیست که

يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ ۝

میگوید پروردگارا بده ما را در دنیا و نیست مر او را در آخرت هیچ نصیبی

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ

و از ایشان کسیست که میگوید پروردگارما بده ما را در دنیا خوبی و در آخرت

حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۝ أُولَٰئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِمَّا

خوبی و نگاهدار ما را از عذاب آتش آنها اندمر ایشانرا بهره از آنچه

كَسَبُوا ۚ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ وَاذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ

کسب کردند و خدا زود حسابست و یاد کنید خدا را در روزهای

مَعْدُودَاتٍ ۚ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ ۖ وَمَنْ

شمرده شده پس کسی که شتاب کند در دو روز پس نیست گناهی بر او و کسی که

از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه مرویست که قریش چون از منا بمکه حج فارغ میشدند می نشستند و مفاخر پدران خود را و حکایت روزگاران گذشته را تقریر میکردند پس خدا تعالی فرمود که بجای ذکر پدران خود ذکر خدا کنید در ایام تشریق

از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مرویست که حسنه دنیا زن نیکو اعمال است و حسنه آخرت بهشت است

از اخبار مستفاد است که ایام معدودات عبارتست از ایام تشریق که آن سه روز بعد از عید است و اینکه مراد از ذکر تکبیرات عقب نمازهاست که اول آنها نماز ظهر روز عید است و آخرش نماز صبح روز سیزدهم و در غیر منی تکبیرات اینست که الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر ولله الحمد الله اکبر علی ما رزقنا من بهیمة الانعام والحمد لله علی ما اولانا والله اکبر علی ما ارزقنا

این تکبیرات است

فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ
واپس ماند پس نیست گناه بر او برای کسی که پرهیزکار شد و بپرهیزد از خدا و بدانید بدرستی که شما بسوی او
تُحْشَرُونَ ۝ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا
محشور میشوید و از مردمان کسیست که خوش آید ترا گفتار او در زندگی دنیا
وَيُشْهِدُ اللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ وَهُوَ أَلَدُّ الْخِصَامِ ۝ وَإِذَا تَوَلَّىٰ
و گواه می آورد خدا را بر آنچه در دل اوست و او سخت دشمن است و چون برگردد
سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ
سعی کند در زمین تا فساد کند در آن و نابود کند کشت را و نسل را
وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ
و خدا دوست نمیدارد فساد را و چون گفته شود مر او را که بپرهیز از خدا بگیرد او را
الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ جَهَنَّمُ ۚ وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝ وَمِنَ النَّاسِ
عزت بگناهکاری پس بس باشد او را دوزخ و هر آینه بد بستریست و از مردمان کسیست
مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ
که بفروشد خود را برای جستن رضای خدا و خدا مهربانست به بندگان
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً ۖ وَلَا تَتَّبِعُوا
ای کسانی که گرویدید داخل شوید در صلح همگی و پیروی نکنید
خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۚ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۝ فَإِنْ زَلَلْتُمْ
گامهای شیطان بدرستی او مر شما را دشمن ظاهر است پس اگر بلغزید
مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمُ الْبَيِّنَاتُ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ
از بعد آنچه آمد شما را حجتها پس بدانید بدرستی که خدا عزیز
حَكِيمٌ ۝ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ
حکیم است آیا انتظار میکنند مگر اینکه بیاید ایشانرا خدا در سایبانها از ابر
وَالْمَلَائِكَةُ وَقُضِيَ الْأَمْرُ ۚ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۝ سَلْ بَنِي
و فرشتگان و گذارده شود کار و بسوی خدا باز گردانیده شود کارها پرس پسران

تصف

در میان قبایل عرب منتشر گردد و نوعید
مناف را طاقت مقاومت با همه قبایل نباشد و
حضرت را از دادن حضرت راز داری کند و
رسانند که چون شب شود علی را
خواباند بر فراش خود و
خود بیرون
رود بجهت
ما امیر المومنین علیه السلام
شرح حال نمود
امیر المومنین
علیه السلام رسید که
اسمی بذات شریف شما
نه علی علیه السلام تبسم نموده سجده شکر الهی
بجا آورد گویند اول سجده شکری که واقع
این بود و چون شب شد بر بستر آنحضرت
بوشید و در خوابگاه حضرت سید کائنات خوابید
و مشرکان بخانه آنحضرت آمدند امیر المومنین
علیه السلام را بر جای آنحضرت دیدند بر
محمد گمان بردند که فی حفظ الله و مشرکان
غایب و خاسر ساعی آنحضرت را نگاه داشته
آخر نفهمیده ابی لهب دست از وی بداشتند
و بتفحص حضرت رسالت مشغول گشته مادر غار
پی بردند و چند کبوتر در خانه عنکبوت را بر
در غار دیده مایوس برگشتند پس حق تعالی آن
حضرت را بشرف من الناس من یشری
نفسه ابتغاء مرضات الله مشرف گردانید
و ثعلبی در تفسیر آن گریده گفته که چون حضرت
نبوی صلی الله علیه و آله عازم هجرت شد امیر
المومنین علیه السلام را در مکه گذاشت جهت
ادای قروض و امانتهای مردم و او را بجای
خود خوابانید در آنوقت خدا تعالی جبرئیل
و میکائیل خطاب فرمود که من میان شما
هر دو برادری بستم و عمر یکی را از دیگری زیاد
معمر نمودم که کدام یک از شما عمر دراز را
بر ادر خود میگذارد جبرئیل بعمر گوناگون راضی
نشدند خطاب آمد چرا شما مانند علی نشدید
که من عقد اخوت میان او و برادرش بستم و
او بر فراش محمد خوابید و زندگی او را

سَلْ بَنِيٓ إِسْرَٰٓءِيلَ كَمْ ءَاتَيْنَٰهُم مِّنْ ءَايَةٍۭ بَيِّنَةٍ ۗ وَمَن يُبَدِّلْ نِعْمَةَ ٱللَّهِ

از پسر اسرائیل را که چند دادیم ایشان را از آیت روشن و کسی که تبدیل کند نعمت خدای را

مِنۢ بَعْدِ مَا جَآءَتْهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ شَدِيدُ ٱلْعِقَابِ ۝ زُيِّنَ لِلَّذِينَ

از بعد آنچه آمد او را پس به درستی خدا سخت عقوبت است ۝ آراسته شد برای آنانکه

كَفَرُوا۟ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ ۘ وَٱلَّذِينَ

کافر شدند زندگانی دنیا و سخریه کنند بکسانی که گرویدند و آنانکه

ٱتَّقَوْا۟ فَوْقَهُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۗ وَٱللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

پرهیزکار شدند بالاشان روز قیامت و خدا روزی میدهد کسی را که میخواهد بغیر حساب

كَانَ ٱلنَّاسُ أُمَّةً وَٰحِدَةً فَبَعَثَ ٱللَّهُ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مُبَشِّرِينَ وَ

بودند مردمان امتی یکروه واحد پس برانگیخت خدا پیغمبران را مژده دهنده و

مُنذِرِينَ وَأَنزَلَ مَعَهُمُ ٱلْكِتَٰبَ بِٱلْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ ٱلنَّاسِ

ترساننده و فرو فرستاد با ایشان کتاب را بحق تا حکم کند میان مردمان

فِيمَا ٱخْتَلَفُوا۟ فِيهِ ۚ وَمَا ٱخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ أُوتُوهُ مِنۢ

در آنچه اختلاف کردند در آن و اختلاف نکردند در آن مگر آنانکه داده شد از

بَعْدِ مَا جَآءَتْهُمُ ٱلْبَيِّنَٰتُ بَغْيًۢا بَيْنَهُمْ ۖ فَهَدَى ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ

بعد آنچه آمد ایشان را راه بغی میانشان پس هدایت کرد خدا کسانی را که

ءَامَنُوا۟ لِمَا ٱخْتَلَفُوا۟ فِيهِ مِنَ ٱلْحَقِّ بِإِذْنِهِۦ ۗ وَٱللَّهُ يَهْدِى مَن

گرویدند مر آنچه اختلاف کردند در آن از حق بامر او و خدا هدایت میکند هرکرا

يَشَآءُ إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۝ أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا۟ ٱلْجَنَّةَ

میخواهد بسوی راه راست ۝ یا آیا پنداشتید که داخل میشوید بهشت را

وَلَمَّا يَأْتِكُم مَّثَلُ ٱلَّذِينَ خَلَوْا۟ مِن قَبْلِكُم ۖ مَّسَّتْهُمُ ٱلْبَأْسَآءُ

و نیامده است شما را مثل کسانی که گذشتند پیش از شما رسید ایشان را سختی

وَٱلضَّرَّآءُ وَزُلْزِلُوا۟ حَتَّىٰ يَقُولَ ٱلرَّسُولُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ مَعَهُۥ

و ضررها و جنبانیده شدند تا میگفت فرستاده و کسانی که گرویدند با او

متى نصر الله الا ان نصر الله قريب

ای جعفر علیه السلام
مروست که پس از نوح همه آدمیان
بر فطرت الهی بودند مهتدین
بودند و گمراهان یعنی پیغمبری و شریعتی
نداشتند مکلف بودند بعمل بمقتضای
عقول و فرمود که پس پیغمبران را
خدا تعالی فرستاد با شرایع و
بعضی از مفسرین گفته اند که همه
انبیا پس از نوح علیه السلام
کافر بودند پس خدا تعالی پیغمبران
با شرایع را فرستاد

مَتىٰ نَصرُ اللّٰهِ ؕ اَلَآ اِنَّ نَصرَ اللّٰهِ قَرِيبٌ ۝ يَسـَٔلُونَكَ مَاذَا

کی باشد یاری خدا آگاه باشید بدرستی یاری خدا نزدیک ۝ میپرسند ترا که چه چیز

يُنفِقُونَ ؕ قُل مَآ اَنفَقتُم مِّن خَيرٍ فَلِلوَالِدَينِ وَالاَقرَبِينَ وَ

انفاق کنند بگو آنچه را انفاق کردید از مال پس از برای پدر و مادر و نزدیکان و

الیَتَامٰی وَالمَسَاكِينِ وَابنِ السَّبِيلِ ؕ وَمَا تَفعَلُوا مِن خَيرٍ

بی پدران و بیچارگان و پسران راه و آنچه میکنید از خوبی

فَاِنَّ اللّٰهَ بِهٖ عَلِيمٌ ۝ كُتِبَ عَلَيكُمُ القِتَالُ وَهُوَ كُرهٌ لَّكُم ۚ

پس بدرستیکه خدا بآن داناست ۝ نوشته شد بر شما کارزار و آن مشقت مر شما راست

وَعَسٰٓى اَن تَكرَهُوا شَيـًٔا وَّهُوَ خَيرٌ لَّكُم ۚ وَعَسٰٓى اَن تُحِبُّوا شَيـًٔا

و شاید که ناخوش دارند چیزی را و آن بهتر است مر شما را و شاید که

وَّهُوَ شَرٌّ لَّكُم ؕ وَاللّٰهُ يَعلَمُ وَاَنتُم لَا تَعلَمُونَ ۝ يَسـَٔلُونَكَ

دوست دارید چیزی را و آن بدتر است مر شما را و خدا میداند و شما نمیدانید ۝ میپرسند ترا

عَنِ الشَّهرِ الحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ ؕ قُل قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ ؕ وَصَدٌّ

از ماه حرام کارزار کردن در آن بگو کارزار در آن بزرگست و باز داشتن

عَن سَبِيلِ اللّٰهِ وَكُفرٌ بِهٖ وَالمَسجِدِ الحَرَامِ ۙ وَاِخرَاجُ اَهلِهٖ

از راه خدا و کافر شدن بخدا و مسجد الحرام و بیرون راندن اهل او

مِنهُ اَكبَرُ عِندَ اللّٰهِ ۚ وَالفِتنَةُ اَكبَرُ مِنَ القَتلِ ؕ وَلَا

از آن بزرگتر است نزد خدا و فتنه بزرگتر است از قتل و همیشه

يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُم حَتّٰى يَرُدُّوكُم عَن دِينِكُم اِنِ استَطَاعُوا ؕ

کارزار می کنند با شما تا برگردانند شما را از دین شما اگر توانائی داشته باشند

وَمَن يَّرتَدِد مِنكُم عَن دِينِهٖ فَيَمُت وَهُوَ كَافِرٌ فَاُولٰٓئِكَ حَبِطَت

و کسی که برگردد از شما از دین خود پس بمیرد و او کافر باشد پس آنها ناچیز میشود

اَعمَالُهُم فِي الدُّنيَا وَالاٰخِرَةِ ۚ وَاُولٰٓئِكَ اَصحٰبُ النَّارِ ۚ هُم

کردارشان در دنیا و در آخرت و آنها اند یاران آتش ایشانند

فایده

ان مخففه از ثقیله قایم مقام اسم و خبر محذوف است باعتبار اشتمال ضمیر شان بر ضمیر عیسی و مستدا الیه خانچه آنما یملی لهم خیر لانفسهم بجای مرفوع مفعول بایجسبن حسبت واقع شده و کریمه ولا یحسبن الذین کفروا انما یملی لهم خیر لانفسهم بنابر قرائت لا یحسبن بصیغه غایب

حال اول

مجرور است بر بدلیت از الشهر الحرام و قتال دویم مرفوعست بر ابتدائیت و کبیر خبر او و آن اگرچه نکره است لیکن موصوفه است چه کلمه فی صفت است دیگر موصوفه بخلاف مبتدا میتواند می شد و عن سبیل الله صفت صد است باین علت صد مبتدا شده و کفر که موصوفست بجار و مجرور یعنی معطوفست بر صد و مسجد الحرام معطوفست بر سبیل الله یا بر ضمیر مجرور در به و بصریون اگرچه عطف بر ضمیر مجرور بی اعاده جار جایز نمیدانند اما دلیلی معتد به ندارد و دنبال ایشان قیاس این عطف بر عطف بر ضمیر مرفوع متصل است و گویند چنانکه عطف بر ضمیر مرفوع متصل بی تاکید آن بمنفصل جایز نیست بعلت انکه ضمیر مرفوع متصل نهایت اتصال بفعل دارد و بمنزله جزو است پس عطف بر آن بمنزله عطف بر جزو کلمه است پس باید عطف بر اول جایز نباشد و چون ضمیر مجرور متصل بحال لاعلاج باید اعاده جار نمود و جرمی گوید

فِيهَا خَالِدُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا

در آن جاوید انبان ۝ بدرستی کسانی که گرویدند و کسانی که هجرت کردند ۝ و جهاد کردند

فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ

در راه خدا ۝ آنها اند که امید دارند رحمت خدا را ۝ و خدا آمرزنده

رَحِيمٌ ۝ يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ

مهربانست ۝ می پرسند ترا از شراب و قمار ۝ بگو در آن دو گناهیست بزرگ

وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ

و منفعتهاست مردمانرا ۝ و گناه آن دو بزرگست از نفع آن دو ۝ و می پرسند ترا

مَاذَا يُنفِقُونَ ۝ قُلِ الْعَفْوَ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ

چه چیز انفاق میکنند ۝ بگو عفو ۝ همچنین بیان میکند خدا برای شما آیتها را

لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ ۝ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ

تا باشد شما تفکر کنید ۝ در دنیا و آخرت ۝ و می پرسند ترا

عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ

از یتیمان ۝ بگو اصلاح آوردن مر ایشانرا راست بهتر ۝ و اگر آمیزش کنید با ایشان پس برادرانند شما

وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ

و خدا میداند بدکار را از نیکوکار ۝ و اگر خواسته بود خدا هر آینه در رنج انداخته بودی شما را

اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ وَلَا تَنكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّىٰ يُؤْمِنَّ وَلَأَمَةٌ

بدرستی خدا غالب است کردارش ۝ و نکاح مکنید زنان مشرک را ۝ تا بگروند و هر آینه کنیز

مُؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ

مومنه بهتر است از مشرکه ۝ و اگرچه خوش آید شما را ۝ و زن مدهید کافران را

حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ

تا ایمان بیاورند ۝ هر آینه غلام مومن بهتر است از مشرک ۝ و اگرچه خوش آید شما را

أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ ۖ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَ

آنها ۝ میخوانند بسوی آتش ۝ و خدا میخواند بسوی بهشت ۝ و

انتهی

از حضرت صادق صلوات الله

علیه مروست و این حکم صدقات مستحبه است

و از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مروست

که عفو زاید بر قوت سالیانه است و ظاهر

آنست که بنا بر این مقصود حکم تمس باشد

و ابن عباس گفته آن زاید بر قوت

اهل و عیال است

المغفرة باذنه ويبين آياته للناس لعلهم يتذكرون

آمرزش باذن اوست وبيان ميكند آيتهايش را براى مردمان باشد كه ايشان پند گيرند

ويسئلونك عن المحيض قل هو اذى فاعتزلوا النساء في

و مى پرسند تو را از حيض بگو آن بد است پس كناره جوئيد از زنان در

المحيض ولا تقربوهن حتى يطهرن فاذا تطهرن فاتوهن

حيض و نزديكى نكنيد تا آنكه پاك شوند پس چون پاك شوند پس بيائيد ايشان را

من حيث امركم الله ان الله يحب التوابين ويحب المتطهرين

از همه جا كه فرمود شما را خدا بدرستى خدا دوست ميدارد توبه كنندگان را و دوست ميدارد پاكان را

نساؤكم حرث لكم فاتوا حرثكم انى شئتم وقدموا

زنان شما كشت زار شما اند شما را پس بيائيد كشت زار خود را هر جا خواهيد و مقدم داريد

لانفسكم واتقوا الله واعلموا انكم ملاقوه وبشر المؤمنين

براى خودتان و بپرهيزيد از خدا و بدانيد بدرستى كه شما ملاقات كننده او ايد او را و مژده ده گروندگان را

ولا تجعلوا الله عرضة لايمانكم ان تبروا وتتقوا

و مگردانيد خدا را دست آويز از براى سوگندهاى خودتان كه نيكوئى نكنيد و پرهيزكارى ننمائيد

وتصلحوا بين الناس والله سميع عليم لا يؤاخذكم الله

و اصلاح كنيد ميان مردم و خدا شنواى و داناست نميگيرد شما را خدا

باللغو في ايمانكم ولكن يؤاخذكم بما كسبت قلوبكم

به بيهوده در سوگندهاتان و ليكن ميگيرد شما را به آنچه كسب كرده دلهاى شما

والله غفور حليم للذين يؤلون من نسائهم تربص اربعة

و خدا آمرزنده و بردبار است مر كسانى را كه دور ميباشند از زنانشان انتظار بردن چهار

اشهر فان فاؤا فان الله غفور رحيم وان عزموا الطلاق

ماه است پس اگر باز آيند پس بدرستيكه خدا آمرزنده و مهربانست و اگر اراده كنند طلاق را

فان الله سميع عليم والمطلقات يتربصن بانفسهن ثلثة

پس بدرستى خدا شنواى و داناست و زنان طلاق داده شده انتظار ميبرند بخودهاشان سه

این تفسیر

بنا بر آنست که عرضه بمعنی

مبتذل باشد چنانکه در محشری گفته

که عرضه بمعنی معترض برای کاری یعنی چیزی

که برای کاری منصوب باشد آمده و ابو مسلم

گفته که هر کاه چیزی را ذکر کند در معنی گوید

آنرا عرضه این کرده و حضرت صادق علیه

السلام فرموده سوگند بخدا مخورید نه برای

و نه بدروغی که خدا تعالی فرموده لا تجعلوا الله عرضة

لایمانکم و بنا بر این ان تبروا علت نهی است

بتقدیر لام و گویا گفته لا تبروا و تتقوا و صلاحی حاصل

دیگر بر سبیل داده و گفته عرضه چیزی را هم گویند

که مانع چیزی را گیرد و مانع آن باشد و لام لایمانکم

لام صله ان تبروا ما آخر عطف بیان است

برای ایمانکم و بنا بر این ایمان جمع یمین آن بمعنی

محلوف علیه است و گفته که بمعنی آیه این است

که سوگند بخدا را مانع فعل خیرات منمائید بر کاه

قسم بزرگ آنها خورده باشید بلکه در اینصورت

حلف یمین بهتر است و گفته این آیه نازل شد

وقتی که ابو بکر قسم خورده بود که انفاق نکند بر

مطح بعلت امری که بر عایشه بسته بود در

حکایت افک با درشان عبد الله بن رواحه چون

قسم خورده بود که با داماد خود بشیر بن نعمان سخن

و اصلاح میان او و خواهر خود نکند

از حضرت

ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام مرویست که یمین لغو

قسمی است که در متعارفات خورده میشود و میگویند

لا و الله و بلی و الله برای تاکید و در دل قصد

قسمی نمیکنند بلکه محض لفظی و مؤید این است و لکن

یؤاخذکم بما کسبت قلوبکم یعنی عقوبت میکند شما را

بآن قسمی که در دل داشته باشید و جمعی مفسرین

باین تفسیر مقید نموده اند و چون

دیگر هم گفته اند

ایلاء

در لغت قسم را گویند و در اصطلاح اهل شرع قسمی است

که تعلق کند بترک وطی زوجه مدت چهار ماه یا

قُرُوٓءٍ ۚ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَن يَكْتُمْنَ مَا خَلَقَ ٱللَّهُ فِىٓ أَرْحَامِهِنَّ إِن

طهر ◎ و حلال نیست مر ایشانرا که پنهان کنند ◎ آنچه را آفریده خدا ◎ در رحمهای ایشان اگر

كُنَّ يُؤْمِنَّ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ ۚ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِى ذَٰلِكَ

هستند که ایمان آرند بخدا ◎ و روز ◎ آخرت ◎ و شوهرانشان ◎ سزاوارترند بباز آوردنشان در آن

إِنْ أَرَادُوٓا۟ إِصْلَٰحًا ۚ وَلَهُنَّ مِثْلُ ٱلَّذِى عَلَيْهِنَّ بِٱلْمَعْرُوفِ ۖ

اگر اراده کنند ◎ اصلاح را ◎ و برای ایشانست مانند ◎ آنچه بر ایشانست ◎ بخوبی

وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ ۗ وَٱللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ ٱلطَّلَٰقُ مَرَّتَانِ ۖ

و مردانرا است ◎ بر ایشان ◎ پایه افزونی ◎ و خدا غالب درست کردارست ◎ طلاق دو بارست

فَإِمْسَاكٌۢ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌۢ بِإِحْسَٰنٍ ۗ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَن

پس نگاه داشتن ◎ بخوبی ◎ است ◎ یا رها کردن ◎ بخوبی ◎ و حلال نیست مر شمارا که

تَأْخُذُوا۟ مِمَّآ ءَاتَيْتُمُوهُنَّ شَيْـًٔا إِلَّآ أَن يَخَافَآ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ

بگیرید ◎ از آنچه داده باشید ایشانرا چیزی ◎ مگر ◎ آنگه که بترسند که ◎ بر پای ندارند حدهای

ٱللَّهِ ۖ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِ ۙ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا

خدا را پس اگر ◎ بترسید که ◎ بر پای ندارند حدهای ◎ خدا را پس نیست گناهی ◎ بر ایشان در آنچه

ٱفْتَدَتْ بِهِۦ ۗ تِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا ۚ وَمَن يَتَعَدَّ

فداده بآن زن ◎ این ◎ حدهای خدا ◎ است پس در مگذرید از آنها ◎ و کسانیکه در میگذرند

حُدُودَ ٱللَّهِ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ۝ فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ

حدهای ◎ خدا را پس آنها اند ◎ آنان ◎ ستمکاران ◎ پس اگر ◎ طلاق دهد او را پس حلال نمیشود

لَهُۥ مِنۢ بَعْدُ حَتَّىٰ تَنكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُۥ ۗ فَإِن طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ

او را ◎ از بعد ◎ تا نکاح ◎ در آید شوهری غیر او را پس اگر ◎ طلاق دهد او را پس نیست گناهی

عَلَيْهِمَآ أَن يَتَرَاجَعَآ إِن ظَنَّآ أَن يُقِيمَا حُدُودَ ٱللَّهِ ۗ وَتِلْكَ

بر ایشان ◎ که ◎ برگردند ◎ اگر گمان دارند که بر پای دارند حدهای ◎ خدا را ◎ و این

حُدُودُ ٱللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ وَإِذَا طَلَّقْتُمُ ٱلنِّسَآءَ

حدهای خدا است که ◎ بیان میکند ◎ آنرا برای گروهی که ◎ بدانند ◎ و چون ◎ طلاق دهید ◎ زنانرا

در باب حکم طلاق

رجعی است بیاید دانست که طلاق

بر دو قسمت باین و رجعی طلاق باین طلاقی را

گویند که باعث جدائی زن از شوهر بالکلیه شود

که دیگر در عده رجوع نتواند کرد و آن طلاق رفت

که صغیر باشد یا آنکه غیر مدخوله یا مطلقه ثلاثه

یعنی سه طلاق با و تعلق گرفته باشد یا طلاق فی

که عوض دهد و طلاق کند و درین صورت شوهر

زن رجوع نمیتواند کرد و اگر او را خواهد باید عقد

تازه نماید و رخصت زن بعمل آید مگر مطلقه ثلاثه

که بعقد جدید هم او را نمیتواند خواست مگر بشرطی

چند که معلوم میشود و طلاق رجعی سه طلاقی است

که غیر این هیچ قسم باشد مانند طلاق بائنه غیر بائنه

بی عوضی در طلاق اول یا دوم بعد از دخول

آزار رجعی ازان میکنند که شوهر بآن در عده

او هست هر گاه خواهد رجوع نتواند

کرد و بمجرد رجوع بر او حلال

احتیاج بعقد تازه نیست

فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ

پس برسند بآخر مدتشان پس نگاه دارید ایشان بخوبی یا سر دهید ایشان بخوبی

وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا وَمَنْ يَفْعَلْ ذَٰلِكَ فَقَدْ

و نگاه مدارید بایشان از راه ضرر رسانیدن تا تعدی کنید و کسی که بکند

ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا آيَاتِ اللَّهِ هُزُوًا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ

ستم کرده نفس خود را و فرا مگیرید آیتهای خدا را بازی و یاد کنید نعمت خدا را

عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ

بر شما و آنچه فرو فرستاد بر شما از کتاب و حکمت پند میدهد شما را

بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ وَإِذَا

بآن و بپرهیزید از خدا و بدانید که خدا بهر چیز داناست و چون

طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ يَنْكِحْنَ

طلاق دهید زنان را پس برسند بآخر عدتشان پس منع مکنید ایشان که بنکاح درآیند

أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضَوْا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ذَٰلِكَ يُوعَظُ بِهِ

شوهران ایشان را وقتیکه برضای هم روند میان ایشان بآن پند داده میشود بآن

مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَٰلِكُمْ أَزْكَىٰ

کسی که باشد از شما که ایمان آورد بخدا و روز آخرت این شما را پاکیزه‌تر است

لَكُمْ وَأَطْهَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَالْوَالِدَاتُ

برای شما و پاکتر و خدا میداند و شما نمیدانید و مادران

يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُتِمَّ

شیر دهند فرزندان خود را دو سال تمام برای کسی که خواسته باشد تمام کند

الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ

شیر دادن را و بر کسی که مولود مر اوراست خوراکشان و جامه و پوشاکشان بخوبی

لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ بِوَلَدِهَا

تکلیف کرده نمیشود نفسی مگر باندازه طاقتش که ضرر رسانیده نمیشود مادری بفرزندش

از حضرات

امام محمد باقر و امام جعفر صادق

علیهما السلام مروی است که در تفسیر آن آیه کریمه لا

تضار والدة فرمودند که باید ضرر نرساند

شود والده بسبب ولد پسر خواره خود باینکه بر

شوهرش جماع او را از ترس حمل ضرر رساند و نه

شود والد بسبب ولد خود یعنی زن منع نکند خود را

از پدر بسبب خوف حمل که ضرر بان علت بپدر رسد

بنابراین تفسیر تضار بنی برای مفعول است و بر

مفسرین چند معنی چند معنی گفته اند که نمای همه

برنمای دست برای فاعل یکی آنکه والده ضرر بولد

خود نرساند بعلت خشم شوهرش او را شیر ندهد و

نه پدر بولد خود از خشم مادرش شیر دادن او را باز

دیگر آنکه ضرر نرساند والده شوهر خود را

بسبب ولد بانکه از او خواهد زیاده بر قدر معروف

از نفقه و کسوه که بعلت شیر دادن ولد خود از و

میخواهد بانکه بعد از انکه طفل با و خو کرده باشد

وَلَا مَوْلُودٌ لَّهُ بِوَلَدِهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذٰلِكَ فَإِنْ أَرَادَا

و نه مولودی برای او بفرزندش و بر وارث است مانند آن پس اگر اراده کنند

فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِّنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَ

بشیر باز کردن از روی خشنودی از ایشان و مشورت پس نیست گناهی بر ایشان و

إِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ

اگر خواسته باشید که بدایه بدهید فرزندانتان را نیست گناهی بر شما

إِذَا سَلَّمْتُمْ مَّا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

چون کردن دهید آنچه را داده باشید بخوبی و بپرهیزید از خدا و بدانید که خدا

بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۞ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنكُمْ وَيَذَرُونَ

بآنچه میکنید بیناست و کسانی که وفات میکنند از شما و میگذارند

أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ بِأَنفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا فَإِذَا بَلَغْنَ

جفتهائشان را انتظار برند بخودشان چهار ماه و ده روز پس چون رسیدند

أَجَلَهُنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ

بمدتشان پس نیست گناهی بر ایشان در آنچه بکردند در خودهایشان بخوبی

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۞ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا عَرَّضْتُم

و خدا بآنچه میکنید آگاه است و نیست گناهی بر شما در آنچه بکنایه خبر دادید

بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ أَوْ أَكْنَنتُمْ فِي أَنفُسِكُمْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ

به آن از خواستگاری زنان یا پنهان داشتید در نفسهایتان دانسته است خدا که شما

سَتَذْكُرُونَهُنَّ وَلَٰكِن لَّا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَن تَقُولُوا

بزودی یاد کنید و لیکن وعده ندهید ایشانرا پنهانی مگر آنکه بگوئید

قَوْلًا مَّعْرُوفًا ۞ وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ

سخنی خوب و قصد نکنید بستن نکاح را تا برسد کتاب

أَجَلَهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ وَاعْلَمُوا أَنَّ

مدت او و بدانید که خدا میداند آنچه در نفسهای شماست پس حذر کنید از و بدانید که

عدد وفات

چهار ماه و ده روز است مگر آنکه زن حامله باشد که در اینصورت عدد او ابعد اجلی است از چهار ماه و ده روز و وضع حمل عدد وفات او نیست مطلقا هر چند زوجه صغیره باشد یا یائسه

اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ۝ لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ مَا لَمْ

خدا آمرزنده و بردبار است ۝ نیست گناهی بر شما اگر طلاق دهید زنان را مادام

تَمَسُّوهُنَّ أَوْ تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً وَمَتِّعُوهُنَّ عَلَى الْمُوسِعِ قَدَرُهُ

که مس نکرده باشید یا معین کرده باشید برای ایشان مهری ۝ و برخوردار کنید ایشان را بر هر که توانگر است اندازه اش

وَعَلَى الْمُقْتِرِ قَدَرُهُ مَتَاعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُحْسِنِينَ

و بر آنکه تنگدست است اندازه او و برخوردار کردن بخوبی ۝ حق است بر نیکوکاران

وَإِنْ طَلَّقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمَسُّوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ

و اگر طلاق دادید ایشان را پیش از آنکه مس کنید ایشان را و تحقیق واجب کرده اید برای ایشان

فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوَ الَّذِي

واجبی و مهری را پس نصف آنچه معین کرده اید مگر آنکه ببخشند یا ببخشد کسی که

بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى وَلَا

بدست اوست بستن نکاح و اگر ببخشند نزدیکتر است مر پرهیزکاری را و

تَنْسَوُا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ حَافِظُوا

فراموش نکنید احسان را میان خودتان بدرستیکه خدا آنچه می کنید بیناست ۝ نگاهداری کنید

عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ

بر نمازها و نماز میانه و برپای ایستید برای خدا فرمانبرداران

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ

پس اگر بترسید پیاده گان یا سواران پس چون ایمن شوید پس یاد کنید خدا را

كَمَا عَلَّمَكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ ۝ وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ

چنانکه آموخت شما را آنچه نبودید که بدانید ۝ و کسانی که وفات یابند از شما

وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرَ

و می گذارند زنانی وصیتی برای جفتهاشان برخورداری تا سال بدون

إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ

بیرون رفتن پس اگر بیرون روند پس نیست گناهی بر شما در آنچه کردند در خودهاشان

کتب اخبار و فقه معلوم است مفوضة المهر است
و آن این است که در حین عقد مهر مذکور نکند لیکن عین
تعیین و تعیین آن مفوض بتعیین احد
زوجین بعد از عقد
باشد
از حضرات ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام
مرویست که مراد از صلوة وسطی صلوة ظهر است
و گویا منشا اینکه از او وسطی گفته اند این است
که در میانه نمازهائی که در روز واقع میشود واقع شده
و بعضی از مفسرین تفسیر بنماز عصر کرده اند و بعضی
بنماز شام و بعضی هر یک از نمازهای یومیه را
گفته اند و بنا بر این احتمالات وسطی بمعنی افضلی خواهد
بود و مشتق از وسط بمعنی افضل است و هر یک از
نمازهای یومیه افضل از غیر یومیه و بعضی گفته اند
که آن یکی از این نمازهاست و آن نماز معینی است
از آنها و بر ما معلوم نیست از قبیل
خاتم لیلة القدر در میان سه
شب
از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلام
منقولست که این آیه منسوخ شد بسبب آیه میراث
زنان که آن ربع یا ثمن است و در حدیث دیگر
هم آنحضرت فرموده که پیش ازین بود که هرگاه
مردی بمیرد و انتقال بزرگش واجب بود از
اهل مال او تا یکسال و بعد از سال او را از خانه
بیرون میکردند بی آنکه میراثی باو دهند
بعد از آن آیه میراث زنان که آن ربع یا ثمن است
آنرا منسوخ گردانیده و ظاهر این آنست که عده زنان
هم اگر از خانه شوهر بیرون روند یکسال
بوده باشد و از آنحضرت منقول است که آنرا نسخ
فرموده و عده بعضی با بعضی از اربعة اشهر و
عشرا و با جمله من العلما احتمالی
هست در اینکه حکم این آیه
منسوخ است

مِنۡ مَعۡرُوۡفٍ ؕ وَاللّٰهُ عَزِيۡزٌ حَكِيۡمٌ ۞ وَلِلۡمُطَلَّقٰتِ مَتَاعٌۢ بِالۡمَعۡرُوۡفِ

از خوابی ... خدای تعالی ... و برای طلاق داده شدها متاعیست بخوابی

حَقًّا عَلَى الۡمُتَّقِيۡنَ ۞ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمۡ اٰيٰتِهٖ لَعَلَّكُمۡ

راستی ... پرهیزکاران ... همچنین ... بیان میکند خدا برای شما ... آیتهای خود را باشد که شما

تَعۡقِلُوۡنَ ۞ اَلَمۡ تَرَ اِلَى الَّذِيۡنَ خَرَجُوۡا مِنۡ دِيَارِهِمۡ وَهُمۡ اُلُوۡفٌ

دریابید تعقل ... آیا ندیدی ... بسوی کسانی که بیرون رفتند ... از دیارشان ... و ایشان هزارها بودند

حَذَرَ الۡمَوۡتِ ۖ فَقَالَ لَهُمُ اللّٰهُ مُوۡتُوۡا ثُمَّ اَحۡيَاهُمۡ ؕ اِنَّ اللّٰهَ لَذُوۡ

از ترس ... مرگ ... پس گفت مر ایشانرا ... خدا که بمیرید پس ... زنده کرد ایشانرا ... بدرستی که خدا هر آینه صاحب

فَضۡلٍ عَلَى النَّاسِ وَلٰكِنَّ اَكۡثَرَ النَّاسِ لَا يَشۡكُرُوۡنَ ۞ وَ

احسانست ... بر مردمان ... ولیکن ... بیشتر ... مردمان ... شکر نمی کنند و

قَاتِلُوۡا فِىۡ سَبِيۡلِ اللّٰهِ وَاعۡلَمُوۡۤا اَنَّ اللّٰهَ سَمِيۡعٌ عَلِيۡمٌ ۞ مَنۡ ذَا الَّذِىۡ

کارزار کنید در راه ... خدا و بدانید ... هر آینه خدا شنواست ... دانست ... کیست آنکسی که

يُقۡرِضُ اللّٰهَ قَرۡضًا حَسَنًا فَيُضٰعِفَهٗ لَهٗۤ اَضۡعَافًا كَثِيۡرَةً ؕ

قرض دهد خدا را قرضی ... پس زیاد کند آنرا برای او چندان برابر ... بسیار

وَاللّٰهُ يَقۡبِضُ وَيَبۡصُۜطُ ۪ وَاِلَيۡهِ تُرۡجَعُوۡنَ ۞ اَلَمۡ تَرَ اِلَى الۡمَلَاِ مِنۡ

و خدا میگیرد ... و میگشاید ... و بسوی او باز گردانیده میشوید ... آیا ندیدی ... بسوی گروهی از

بَنِىۡۤ اِسۡرَآءِيۡلَ مِنۡۢ بَعۡدِ مُوۡسٰى ۘ اِذۡ قَالُوۡا لِنَبِىٍّ لَّهُمُ ابۡعَثۡ لَنَا

پسران اسرائیل ... از بعد ... موسی وقتی که گفتند ... مر پیغمبر را مر ایشانرا ... که برانگیز برای

مَلِكًا نُّقَاتِلۡ فِىۡ سَبِيۡلِ اللّٰهِ ؕ قَالَ هَلۡ عَسَيۡتُمۡ اِنۡ كُتِبَ عَلَيۡكُمُ

ما پادشاهی تا کارزار کنیم ... در راه ... خدا گفت ... آیا باشد شما ... اگر نوشته شود بر شما

الۡقِتَالُ اَلَّا تُقَاتِلُوۡا ؕ قَالُوۡا وَمَا لَنَاۤ اَلَّا نُقَاتِلَ فِىۡ سَبِيۡلِ اللّٰهِ

کارزار را اینکه کارزار نکنید ... گفتند ... و چیست مر ما را که ... کارزار نکنیم در راه ... خدا

وَقَدۡ اُخۡرِجۡنَا مِنۡ دِيَارِنَا وَاَبۡنَآئِنَا ؕ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيۡهِمُ الۡقِتَالُ

و بتحقیق بیرون کرده شدیم ... از دیارمان ... و فرزندانمان ... پس چون نوشته شد بر ایشان ... کارزار

ظاهر این آیه آنست که متعه یعنی آنچه بهر وقت تواند شد و در آیه مطلقه مفوضه المهر کدشت بر زوج لازم باشد برای هر مطلقه مفوضه المهر خواه غیر او و خواه مدخوله و خواه غیر او و امامیه رضی الله عنهم بر آنند که حکم این آیه هم موقت مانند آیه پیش خواهد آمد آیه پیش با هم یکبار نازل شده باشند یا جدا جدا اما مراد از مطلقات مطلقات مخصوصی اند که مفوضه المهر و غیر مدخوله باشند بالجمله مذهب اصحاب اختصاص متعه است بهمین مطلقات که مفوضات غیر مدخوله باشند و برای غیر ایشان واجب نیست بلی اگر قایل باستحباب غیر ایشان شده اند بعلت روایتی که برای حسن بن الاخبار ناچار است از حمل آن بر استحباب و ابو حنیفه و اتباع او هم باین قائل شده اند و بعضی از عامه قایل شده اند بلزوم آن در هر مطلقه که مهرش در حال عقد مذکور باشد و طلاقش از دخول باشد و برخی از ایشان درین مطلقه هم قایل بوجوب آن شده بعلت ظاهر این آیه گویند حقتعالی بعد از موسی پیغمبری و پادشاهی را مدتی از بنی اسرائیل برداشت بسبب نافرمانی ایشان تا آنکه دشمنان بر ایشان غالب آمدند بخصوص عمالقه و همیشه در آزار بودند تا آنگاه که اشموئل را ایشان برسالت فرستاده شد والله اعلم

تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ۝ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ

إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا ۚ قَالُوا أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ

الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِنَ

الْمَالِ ۚ قَالَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً

فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ ۖ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ ۚ وَاللَّهُ وَاسِعٌ

عَلِيمٌ ۝ وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ

فِيهِ سَكِينَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ

تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ ۙ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ

فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي إِلَّا مَنِ

اغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ ۚ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِنْهُمْ ۗ فَلَمَّا

جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ ۙ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا الْيَوْمَ

گویند
لشکر طالوت در
آنوقت هشتاد هزار دلیری بودند از
آنجمله بعد اصحاب بدر سیصد و سیزده
تن فرمان برده زیاده از یک کف
آب نیاشامیدند و بسلامت برستند
و ما بقی زیاده خورده و سستی اشان
و لبها سیاه و سفید شده انشدند
از آن شهر عبور نمودند

از
حضرت
ابی جعفر علیه السلام
مرویست که آن تابوت تابوتی
بوده که خدا تعالی برای مادر موسی علیه السلام
فرستاد که او را در آن نهاده در دریا افکنده و آن
تابوت همیشه درمیان بنی اسرائیل بود و بهان آن
تبرک مینمودند و موسی را در هنگام وفات در آن
تابوت نهاده و الواح و درع و آنچه با وی بود
از علامات پیغمبری از یوشع بن نون وصی خود
خود سپرد و همیشه آن تابوت درمیان حضرات
بنی اسرائیل بود و در غزوات برکت آن همیشه
فتح و نصرت بود تا آنکه در آخر حرمت و آن
کودکان در سر راهها هر جا که از امیدند بهان
بازی میکردند پس تعالی بر ایشان خشم کرده
آنرا برداشت و در اینوقت که از پیغمبر خود طلب
خویش پادشاهی کردند تعالی طالوت را با نبی
پادشاهی فرستاد و تابوت را
برایشان برگردانید

بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ ۚ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُم مُّلَاقُوا اللَّهِ كَم مِّن
بجالوت از لشکریش گفت آنانکه گمان داشتند که ایشان ملاقات کنندگان خدایند بسا
فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ مَعَ
گروه اندک که غالب آیند گروه بسیاری را باذن خدا و خدا
الصَّابِرِينَ ۝ وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ
صبر کنندگان است و چون برابر شدند بر جالوت را و لشکرش را گفتند پروردگارا فرو ریز
عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۝
بر ما شکیبائی را و ثابت کن گامهای ما را و یاری ده ما را بر گروه کافران
فَهَزَمُوهُم بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ
پس فرار دادند ایشان را باذن خدا و بکشت داود جالوت را و بداد او را خدا پادشاهی
وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ ۗ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُم
و حکمت و آموخت او را از آنچه میخواست و اگر نبودی دفع کردن خدا مردم را بعضی ایشان
بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ
ببعضی هر آینه تباه می شد زمین ولیکن خدا صاحب احسان است بر جهانیان
تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۚ وَإِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ ۝
این آیتهای خدا است که میخوانیم بر تو براستی و بدرستی که تو هر آینه از فرستادگانی
تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ ۘ مِّنْهُم مَّن كَلَّمَ اللَّهُ
آن رسولان را برتری دادیم بعضی شان را بر بعضی از ایشان کسی که سخن گفت خدا
وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ ۚ وَآتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ
و بلند کرد بعضی شان را مرتبه ها و دادیم عیسی پسر مریم را بینه ها
وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ ۗ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا اقْتَتَلَ الَّذِينَ
و تایید کردیم او را بروح پاکی و اگر میخواست خدا کارزار نمیکردند آنانکه بودند
مِن بَعْدِهِم مِّن بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَلَٰكِنِ اخْتَلَفُوا
از بعد ایشان از بعد آنکه آمد ایشان را بینها ولیکن اختلاف کردند

الجزء ۳

این تفسیر
از حضرت مخزن علوم
الانبیاء والمرسلین امیرالمومنین و امام
المتقین مشغول است و از بعضی مفسرین مانند
فتاده و دیگران هم حکایت شده و موید آنچیزی است
که حضرت صادق فرموده که خدا تعالی دفع میکند
بلا را بسرکت نمازگذاران شیعیان ما از تمامی نمازگذاران
ایشان و اگر همه اتفاق کنند بر ترک نماز هر آینه همه
بلاک خواهند شد و بتحقیق که خدا تعالی بسرکت زکوة
دهندگان شیعه ما دور میگرداند بلا را از تمامی زکوة
ایشان و اگر همه ترک زکوة کنند هر آینه همه بلاک
خواهند شد و بدرستی که خدا تعالی دور میگرداند
بلا را بسرکت حاجیان شیعیان ما از آنکه حج نگذارند
ایشان و اگر همه ترک حج کنند هر آینه همه بلاک

فَمِنْهُمْ مَنْ اٰمَنَ وَمِنْهُمْ مَنْ كَفَرَ ؕ وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ مَا اقْتَتَلُوْا وَ

پس از ایشان کسیت که ایمان آورد از ایشان (۱) کسی که کافر شد (۲) اگر میخواست (۳) خدا (۴) کارزار نکردندی (۵)

لٰكِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيْدُ ۝ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْۤا اَنْفِقُوْا مِمَّا

ولیکن خدا (۱) میکند (۲) آنچه میخواهد (۳) ای (۴) کسانی که (۵) گرویدند (۶) انفاق کنید (۷) از آنچه

رَزَقْنٰكُمْ مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّاْتِيَ يَوْمٌ لَّا بَيْعٌ فِيْهِ وَلَا خُلَّةٌ وَّلَا شَفَاعَةٌ ؕ

روزی دادیم شما را (۱) از پیش (۲) که بیاید (۳) روزیکه نباشد بیعی (۴) در آن (۵) نه دوستی (۶) نه شفاعتی

وَالْكٰفِرُوْنَ هُمُ الظّٰلِمُوْنَ ۝ اَللّٰهُ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ اَلْحَيُّ الْقَيُّوْمُ ۚ

کافران (۱) ایشانند (۲) ستمکاران (۳) خداست (۴) نیست خدائی (۵) مگر (۶) او که زنده و پاینده ایست

لَا تَاْخُذُهٗ سِنَةٌ وَّلَا نَوْمٌ ؕ لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ؕ

نگیرد او را (۱) سنه (۲) و نه خوابی (۳) مر او راست (۴) آنچه در آسمانها (۵) و آنچه در زمین است

مَنْ ذَا الَّذِيْ يَشْفَعُ عِنْدَهٗۤ اِلَّا بِاِذْنِهٖ ؕ يَعْلَمُ مَا بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ

کیست (۱) آنکه شفاعت کند (۲) نزد او (۳) مگر (۴) بفرمان او (۵) میداند (۶) آنچه میان دست ایشانست

وَمَا خَلْفَهُمْ ۚ وَلَا يُحِيْطُوْنَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهٖۤ اِلَّا بِمَا شَآءَ ۚ

و آنچه از پس پشت ایشان است (۱) و احاطه نمیکنند (۲) بچیزی (۳) از دانش او (۴) مگر بآنچه خواسته باشد

وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ ۚ وَلَا يَـُٔوْدُهٗ حِفْظُهُمَا ۚ

گنجایش (۱) پایه کرسی او (۲) آسمانها (۳) و زمین (۴) و گران نیست او را نگاهداری آنها (۵)

وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيْمُ ۝ لَاۤ اِكْرَاهَ فِي الدِّيْنِ ۙ قَدْ تَّبَيَّنَ

و او (۱) بلند (۲) بزرگ (۳) نیست اکراهی (۴) در (۵) دین (۶) بتحقیق ظاهر شد

الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ ۚ فَمَنْ يَّكْفُرْ بِالطَّاغُوْتِ وَيُؤْمِنْ بِاللّٰهِ فَقَدِ

راست روی (۱) از گمراهی (۲) پس کسی (۳) که کافر شد (۴) بهر بتها (۵) و ایمان آورد بخدا (۶) پس بتحقیق (۷) که

اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقٰى ۗ لَا انْفِصَامَ لَهَا ؕ وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ

چنگ در زد (۱) بدستگیره (۲) محکم (۳) که بازشدن نباشد (۴) مر او را (۵) و خدا (۶) شنوای

عَلِيْمٌ ۝ اَللّٰهُ وَلِيُّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ۙ يُخْرِجُهُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ ؕ

(۷) داناست (۱) خدا (۲) دوست (۳) کسانی است که گرویدند (۴) بیرون می برد ایشانرا (۵) از تاریکیها (۶) بسوی روشنی (۷)

از حضرت امام جعفر علیه السلام
مرویست که هر که آیة الکرسی را یکمرتبه
بخواند خدا تعالی ببرکت آن دور
میکرداند از و هزار مکروه از مکاره
دنیا و هزار مکروه از مکاره آخرت
کمکترین مکاره دنیا بیچارگی
و کمکترین مکاره آخرت
عذاب قبر است

از حضرت صادق
مرویست و بعضی از مفسرین هم
چنین گفته اند ما تند مجاهد و قتاده
و بعضی تفسیر هر طاغی از جن و انس کرده
و بعضی ساحر گفته اند و بعضی هر
معبودی غیر خدا گفته اند و کفر
شیطان شامل این معانی همه
هست

والارض

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَآؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ

النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ ۗ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِي حَاجَّ إِبْرَاهِيمَ فِي رَبِّهِ أَنْ آتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ

إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا أُحْيِي وَ

أُمِيتُ ۖ قَالَ إِبْرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِي بِالشَّمْسِ مِنَ الْمَشْرِقِ فَأْتِ

بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِي كَفَرَ ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

الظَّالِمِينَ ۝ أَوْ كَالَّذِي مَرَّ عَلَىٰ قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا

قَالَ أَنَّىٰ يُحْيِي هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا ۖ فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ

ثُمَّ بَعَثَهُ ۖ قَالَ كَمْ لَبِثْتَ ۖ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ

قَالَ بَل لَّبِثْتَ مِائَةَ عَامٍ فَانظُرْ إِلَىٰ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ

لَمْ يَتَسَنَّهْ ۖ وَانظُرْ إِلَىٰ حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِّلنَّاسِ ۖ وَ

انظُرْ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا ۚ فَلَمَّا تَبَيَّنَ

گویند آن خصومت کننده نمرود مردود بود

مفسرین گفته اند که او کالذی عطف است بر معنی کالذی حاج ابراهیم فی ربه او رأیت کالذی مر علی قریه و آن مرد عزیر پیغمبر بود از حضرت امیرالمومنین علیه السلام مروی است که عزیر از خانه خود بیرون آمد و حال آنکه زنش حامله بود و او در آن وقت پسر نه ساله رسیده بود پس خدای تعالی او را بمیراند و بعد از صد سال دیگر زنده کرد پس بخانه خود باز گشت باز بصورت پنجاه سالگان و پسرش که در وقت سفر او حمل بود بصد سالگی رسیده بود پس پسرش بزرگتر از او بود پس این است آیه

از حضرت صادق علیه السلام

مشهور است که ابراهیم علیه السلام مردار را دید که درندگان صحرا و هوا و جانوران آبی آنرا میخورند پس حضرت گفت خداوندا میدانم که آنها را جمع خواهی نمود در محشر ... ارنگهای جانوران من بنما که چگونه زنده خواهی گردانید تا آنکه را ی العین ببینم والسلام

این تفسیر بنا بر آنست که صدر من ازصدر بمعنی قطعه باشد و ضمایر الیک متعلق بخذ اربعه خواهد بود بهمین معنی انضمام چنانچه بعضی از مفسرین گفته اند و بعضی گفته اند که آن از صدر بمعنی مایل است بمعنی آنست که چهار مرغ بگیر و بکش آنها را پس پاره پاره کن آنها را و بر هر کوهی جزئی از آنرا بگذار پس بخوان آنها را بسوی خود ... از آنرا بگذار پس بخوان آنها را بسوی خود ... از آنرا بگذار پس بخوان آنها را بسوی خود ...

اَلنَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ فَمَثَلُهٗ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ

عَلَيْهِ تُرَابٌ فَاَصَابَهٗ وَابِلٌ فَتَرَكَهٗ صَلْدًا لَا يَقْدِرُوْنَ عَلٰى شَيْءٍ

مِمَّا كَسَبُوْا وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكٰفِرِيْنَ ۝ وَمَثَلُ الَّذِيْنَ يُنْفِقُوْنَ

اَمْوَالَهُمُ ابْتِغَآءَ مَرْضَاتِ اللّٰهِ وَتَثْبِيْتًا مِّنْ اَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ

اَصَابَهَا وَابِلٌ فَاٰتَتْ اُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَاِنْ لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلٌّ

وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرٌ ۝ اَيَوَدُّ اَحَدُكُمْ اَنْ تَكُوْنَ لَهٗ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيْلٍ

وَّاَعْنَابٍ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ لَهٗ فِيْهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرٰتِ

وَاَصَابَهُ الْكِبَرُ وَلَهٗ ذُرِّيَّةٌ ضُعَفَآءُ فَاَصَابَهَا اِعْصَارٌ

فِيْهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ

تَتَفَكَّرُوْنَ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَنْفِقُوْا مِنْ طَيِّبٰتِ

مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّآ اَخْرَجْنَا لَكُمْ مِّنَ الْاَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيْثَ

مِنْهُ تُنْفِقُوْنَ وَلَسْتُمْ بِاٰخِذِيْهِ اِلَّآ اَنْ تُغْمِضُوْا فِيْهِ وَاعْلَمُوْٓا

عرض از
تمثیل آنکه چنانچه بارانی
که بر سنگ صلب بارد بی نفع است
گیاهی از آن نمیروید و صدقه دهنده چیزی که
از ردی ریا باشد هم بی منفعت است
و ثوابی بر آن مترتب نیست بخلاف صدقه که
بمحض قرب باشد که آن بمنزله بارانی است که
بر بوستانی بارد که بر بلندی واقع باشد
که مقدار زیادتی میوه‌های آن امثال دو
جزای آن صدقه هم اضعاف مضاعف
می رسد

عرض
از این گریه آنست که آنها انفاق مال کنند
بامنت و ریا در روز قیامت که نهایت احتیاج
بثواب آن دارند ثوابی نمی یابند نهایت حسرت
و اندوه خواهند خورد مانند کسی که بوستانی داشته
باشد و در وقت پیری و ضعف که نهایت احتیاج را
بآن بوستان دارد آتشی بوستان
او را بسوزاند و دست او بخبری
دیگر نرسد و الله
اعلم

از
حضرت
ابی عبد الله علیه السلام
مرویست که این آیه نازل شد در باب جمعی که در
جاهلیت اموالی از زراعت تحصیل نموده بودند
بعد از اسلام آن مال را صدقه میکردند پس
حق تعالی ایشان را نهی فرمود
از انفاق از آن مال و ایما
فرمود بصدقه
از مال حلال

اَنَّ اللّٰهَ غَنِیٌّ حَمِیدٌ ۞ اَلشَّیْطٰنُ یَعِدُکُمُ الْفَقْرَ وَیَاْمُرُکُمْ

بدرستیکه خدا بی نیاز ستوده ذات ۞ شیطان وعده میدهد شما را درویشی و امر میکند شما را

بِالْفَحْشَآءِ ۚ وَاللّٰهُ یَعِدُکُمْ مَغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا ؕ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ

بزشتیها ۞ و خدا وعده میدهد شما را آمرزشی از آن و احسان ۞ و خدا وسعت دهنده

عَلِیْمٌ ۞ یُؤْتِی الْحِکْمَةَ مَنْ یَّشَآءُ ۚ وَمَنْ یُّؤْتَ الْحِکْمَةَ فَقَدْ اُوْتِیَ

دانا است ۞ میدهد حکمت کسی را که میخواهد ۞ و کسی را که داده شود حکمت پس بتحقیق که داده شده

خَیْرًا کَثِیْرًا ؕ وَمَا یَذَّکَّرُ اِلَّآ اُولُوا الْاَلْبَابِ ۞ وَمَآ اَنْفَقْتُمْ

خوبی بسیار ۞ و پند نمی گیرند مگر صاحبان ۞ خرد و با ۞ و آنچه را انفاق کردید

مِّنْ نَّفَقَةٍ اَوْ نَذَرْتُمْ مِّنْ نَّذْرٍ فَاِنَّ اللّٰهَ یَعْلَمُهٗ ؕ وَمَا لِلظّٰلِمِیْنَ

از نفقه یا لازم کردید از نذری پس بدرستی که خدا میداند آنرا ۞ نیست مر ستمکاران را

مِنْ اَنْصَارٍ ۞ اِنْ تُبْدُوا الصَّدَقٰتِ فَنِعِمَّا هِیَ ۚ وَاِنْ تُخْفُوْهَا

هیچ یاوری ۞ اگر ظاهر کنید صدقه ها را پس خوب چیزیست آن و اگر پوشیده دارید آنهارا

وَتُؤْتُوْهَا الْفُقَرَآءَ فَهُوَ خَیْرٌ لَّکُمْ ؕ وَیُکَفِّرُ عَنْکُمْ مِّنْ

و بدهید آنها را بدرویشان پس او بهتر است مر شما را ۞ و میکرداند کفاره را از شما

سَّیِّاٰتِکُمْ ؕ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِیْرٌ ۞ لَیْسَ عَلَیْکَ هُدٰىهُمْ

کناهان شما ۞ و خدا بآنچه می کنید ۞ بینا است ۞ نیست بر تو ۞ راه آنها

وَلٰکِنَّ اللّٰهَ یَهْدِیْ مَنْ یَّشَآءُ ؕ وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ خَیْرٍ فَلِاَنْفُسِکُمْ ؕ

ولیکن ۞ خدا هدایت میکند کسی را که میخواهد ۞ و آنچه انفاق میکنید از مالی پس مر آنرا باشد از خود شما

وَمَا تُنْفِقُوْنَ اِلَّا ابْتِغَآءَ وَجْهِ اللّٰهِ ؕ وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ خَیْرٍ یُّوَفَّ

و انفاق نمیکنید مگر از برای طلب رضای خدا ۞ و آنچه انفاق میکنید از مال رسانیده میشود

اِلَیْکُمْ وَاَنْتُمْ لَا تُظْلَمُوْنَ ۞ لِلْفُقَرَآءِ الَّذِیْنَ اُحْصِرُوْا فِیْ

بسوی شما ۞ و شما ۞ ستمدیده نمیشوید ۞ از برای درویشان که باز داشته شده اند در

سَبِیْلِ اللّٰهِ لَا یَسْتَطِیْعُوْنَ ضَرْبًا فِی الْاَرْضِ ۫ یَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ

راه ۞ خدا که ۞ توانائی نمیدارند ۞ سیر کردنی در ۞ زمین ۞ میپندارد ایشان را نادان

اَغْنِیَآءَ مِنَ التَّعَفُّفِ ۚ تَعْرِفُهُمْ بِسِیْمٰهُمْ ۚ لَا یَسْـَٔلُوْنَ النَّاسَ

توانگران از ۞ خویشتن داری ۞ میشناسی ایشان را بنشانه ایشان ۞ نمیخواهند از مردم

اِلْحَافًا ؕ وَمَا تُنْفِقُوْا مِنْ خَیْرٍ فَاِنَّ اللّٰهَ بِهٖ عَلِیْمٌ ۞ اَلَّذِیْنَ

باصرار ۞ و آنچه انفاق کنید از خوبی پس بدرستی که خدا بآن داناست ۞ آنانکه

یُنْفِقُوْنَ اَمْوَالَهُمْ بِالَّیْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَّعَلَانِیَةً فَلَهُمْ اَجْرُهُمْ

انفاق میکنند مالهای خود را بشب و روز پنهان و آشکارا پس مر ایشانرا است مزد ایشان

عِنْدَ رَبِّهِمْ ۚ وَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُوْنَ ۞ اَلَّذِیْنَ

نزد پروردگار ایشان ۞ و نه ترسی است بر ایشان و نه ایشان اندوهگین میشوند ۞ آنانکه

یَاْکُلُوْنَ الرِّبٰوا لَا یَقُوْمُوْنَ اِلَّا کَمَا یَقُوْمُ الَّذِیْ یَتَخَبَّطُهُ

میخورند ربا را نمیایستند مگر چنانکه میایستد آنکه

الشَّیْطٰنُ مِنَ الْمَسِّ ؕ ذٰلِکَ بِاَنَّهُمْ قَالُوْٓا اِنَّمَا الْبَیْعُ مِثْلُ

شیطان او را از ۞ دیوانگی ۞ این بآنست که ایشان گفتند بدرستی که داد و ستد مانند

الرِّبٰوا ۘ وَاَحَلَّ اللّٰهُ الْبَیْعَ وَحَرَّمَ الرِّبٰوا ؕ فَمَنْ جَآءَهٗ مَوْعِظَةٌ

ربا است ۞ و حلال کرده است خدا داد و ستد را و حرام کرده است ربا را پس هر که آمد او را پندی

مِّنْ رَّبِّهٖ فَانْتَهٰى فَلَهٗ مَا سَلَفَ ؕ وَاَمْرُهٗٓ اِلَى اللّٰهِ ؕ وَمَنْ عَادَ

از پروردگار او پس باز ایستاد پس مر او را است آنچه گذشته است ۞ و کار او بسوی خدا است ۞ و هر که برگشت

فَاُولٰٓئِکَ اَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِیْهَا خٰلِدُوْنَ ۞ یَمْحَقُ اللّٰهُ الرِّبٰوا

پس آنان یاران آتشند ۞ ایشان در آن جاودانه اند ۞ نابود میکند خدا ربا را

وَیُرْبِی الصَّدَقٰتِ ؕ وَاللّٰهُ لَا یُحِبُّ کُلَّ کَفَّارٍ اَثِیْمٍ ۞ اِنَّ الَّذِیْنَ

و زیاد میکند صدقه ها را ۞ و خدا دوست نمیدارد هر ناسپاس گنهکار را ۞ بدرستی که آنانکه

اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّکٰوةَ لَهُمْ

ایمان آوردند و کردند کارهای شایسته و بپا داشتند نماز را و دادند زکوة را مر ایشانرا

اَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۚ وَلَا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلَا هُمْ یَحْزَنُوْنَ ۞

مزد ایشان نزد پروردگار ایشان ۞ و نه ترسی است بر ایشان و نه ایشان اندوهگین میشوند

یٰٓاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَذَرُوْا مَا بَقِیَ مِنَ الرِّبٰٓوا

ای آنانکه ایمان آوردید بترسید از خدا و واگذارید آنچه باقی مانده است از ربا

اِنْ کُنْتُمْ مُّؤْمِنِیْنَ ۞ فَاِنْ لَّمْ تَفْعَلُوْا فَاْذَنُوْا بِحَرْبٍ مِّنَ اللّٰهِ

اگر هستید مؤمنان ۞ پس اگر نکنید پس بدانید بجنگی از خدا

وَرَسُوْلِهٖ ۚ وَاِنْ تُبْتُمْ فَلَکُمْ رُءُوْسُ اَمْوَالِکُمْ ۚ لَا تَظْلِمُوْنَ

و رسول او ۞ و اگر توبه کنید پس مر شما را است سرمایه های شما ۞ ستم نکنید

وَلَا تُظْلَمُوْنَ ۞ وَاِنْ کَانَ ذُوْ عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ اِلٰى مَیْسَرَةٍ ؕ

و ستم نکرده شوید ۞ و اگر باشد تنگدست پس مهلت دادنی است تا بوقت توانگری

وَاَنْ تَصَدَّقُوْا خَیْرٌ لَّکُمْ اِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ ۞ وَاتَّقُوْا یَوْمًا

و اینکه صدقه کنید بهتر است مر شما را اگر هستید میدانید ۞ و بترسید از روزی

تُرْجَعُوْنَ فِیْهِ اِلَى اللّٰهِ ۫ ثُمَّ تُوَفّٰى کُلُّ نَفْسٍ مَّا کَسَبَتْ وَهُمْ

که باز گردانیده میشوید در آن بسوی خدا ۞ پس تمام داده شود هر کسی را آنچه کسب کرده است و ایشان

لَا یُظْلَمُوْنَ ۞ یٰٓاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْٓا اِذَا تَدَایَنْتُمْ بِدَیْنٍ اِلٰٓى

ستم نکرده میشوند ۞ ای آنانکه ایمان آوردید چون معامله کنید بقرضی تا

اَجَلٍ مُّسَمًّى فَاکْتُبُوْهُ ؕ وَلْیَکْتُبْ بَّیْنَکُمْ کَاتِبٌ بِالْعَدْلِ ۪

مدتی معین پس بنویسید آنرا ۞ و باید بنویسد میان شما نویسنده بعدالت

وَلَا یَاْبَ کَاتِبٌ اَنْ یَّکْتُبَ کَمَا عَلَّمَهُ اللّٰهُ فَلْیَکْتُبْ ۚ وَلْیُمْلِلِ

و نباید ابا کند نویسنده از اینکه بنویسد چنانکه آموخته است او را خدا پس باید بنویسد و باید املا کند

الَّذِیْ عَلَیْهِ الْحَقُّ وَلْیَتَّقِ اللّٰهَ رَبَّهٗ وَلَا یَبْخَسْ مِنْهُ شَیْـًٔا ؕ

آنکه بر او است حق و باید بترسد از خدا پروردگار خود و نباید کم کند از آن چیزی

فَاِنْ کَانَ الَّذِیْ عَلَیْهِ الْحَقُّ سَفِیْهًا اَوْ ضَعِیْفًا اَوْ لَا یَسْتَطِیْعُ

پس اگر باشد آنکه بر او است حق سفیه یا ضعیف یا نمیتواند

اَنْ یُّمِلَّ هُوَ فَلْیُمْلِلْ وَلِیُّهٗ بِالْعَدْلِ ؕ وَاسْتَشْهِدُوْا شَهِیْدَیْنِ

که املا کند او پس باید املا کند ولی او بعدالت ۞ و گواه گیرید دو گواه

مِنْ رِّجَالِکُمْ ۚ فَاِنْ لَّمْ یَکُوْنَا رَجُلَیْنِ فَرَجُلٌ وَّامْرَاَتٰنِ

از مردان خود پس اگر نباشند دو مرد پس یک مرد و دو زن

مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَآءِ اَنْ تَضِلَّ اِحْدٰىهُمَا فَتُذَکِّرَ اِحْدٰىهُمَا

از کسانی که پسندیده اید از گواهان تا اگر گمراه شود یکی از آن دو پس یاد دهد یکی از آن دو

الْاُخْرٰى ؕ وَلَا یَاْبَ الشُّهَدَآءُ اِذَا مَا دُعُوْا ؕ وَلَا تَسْـَٔمُوْٓا اَنْ

دیگر را ۞ و نباید ابا کنند گواهان چون خوانده شوند ۞ و ملول نشوید از

تَکْتُبُوْهُ صَغِیْرًا اَوْ کَبِیْرًا اِلٰٓى اَجَلِهٖ ؕ ذٰلِکُمْ اَقْسَطُ عِنْدَ اللّٰهِ

اینکه بنویسید آنرا خرد باشد یا بزرگ تا وقت آن ۞ این عادلانه تر است نزد خدا

وَاَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَاَدْنٰٓى اَلَّا تَرْتَابُوْٓا اِلَّآ اَنْ تَکُوْنَ تِجَارَةً

و استوارتر است برای گواهی و نزدیکتر است باینکه شک نکنید مگر اینکه باشد داد و ستدی

حَاضِرَةً تُدِیْرُوْنَهَا بَیْنَکُمْ فَلَیْسَ عَلَیْکُمْ جُنَاحٌ اَلَّا تَکْتُبُوْهَا ؕ

حاضر که میگردانید آنرا میان خود پس نیست بر شما گناهی که ننویسید آنرا

وَاَشْهِدُوْٓا اِذَا تَبَایَعْتُمْ ۪ وَلَا یُضَآرَّ کَاتِبٌ وَّلَا شَهِیْدٌ ؕ

و گواه گیرید چون داد و ستد کنید ۞ و نباید زیان رسانیده شود نویسنده ۞ و نه گواه

وَاِنْ تَفْعَلُوْا فَاِنَّهٗ فُسُوْقٌۢ بِکُمْ ؕ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ؕ وَیُعَلِّمُکُمُ اللّٰهُ ؕ

و اگر کنید پس بدرستی که آن گناهکاری است از شما ۞ و بترسید از خدا ۞ و میآموزد شما را خدا

وَاللّٰهُ بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ ۞ وَاِنْ کُنْتُمْ عَلٰى سَفَرٍ وَّلَمْ تَجِدُوْا

و خدا بهر چیزی داناست ۞ و اگر باشید بر سفری و نیابید

کَاتِبًا فَرِهٰنٌ مَّقْبُوْضَةٌ ؕ فَاِنْ اَمِنَ بَعْضُکُمْ بَعْضًا فَلْیُؤَدِّ الَّذِی

نویسنده پس گرو گرفته شده ۞ پس اگر ایمن شد بعضی شما بعضی را پس باید ادا کند آنکه

اؤْتُمِنَ اَمَانَتَهٗ وَلْیَتَّقِ اللّٰهَ رَبَّهٗ ؕ وَلَا تَکْتُمُوا الشَّهَادَةَ ؕ

امین شده است امانت خود را و باید بترسد از خدا پروردگار خود ۞ و پنهان نکنید گواهی را

وَمَنْ یَّکْتُمْهَا فَاِنَّهٗٓ اٰثِمٌ قَلْبُهٗ ؕ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ عَلِیْمٌ ۞

و هر که پنهان کند آنرا پس بدرستی که او گناهکار است دل او ۞ و خدا بآنچه میکنید داناست

لِلّٰهِ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ ؕ وَاِنْ تُبْدُوْا مَا فِیْٓ

مر خدا را است آنچه در آسمانها است و آنچه در زمین است ۞ و اگر ظاهر کنید آنچه در

اَنْفُسِکُمْ اَوْ تُخْفُوْهُ یُحَاسِبْکُمْ بِهِ اللّٰهُ ؕ فَیَغْفِرُ لِمَنْ یَّشَآءُ

دلهای شما یا پنهان دارید آنرا حساب میکند شما را بآن خدا ۞ پس میآمرزد مر کسی را که

وَیُعَذِّبُ مَنْ یَّشَآءُ ؕ وَاللّٰهُ عَلٰى کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ ۞ اٰمَنَ الرَّسُوْلُ

میخواهد ۞ و عذاب میکند هر که را میخواهد ۞ و خدا بر هر چیزی تواناست ۞ ایمان آورد رسول

بِمَآ اُنْزِلَ اِلَیْهِ مِنْ رَّبِّهٖ وَالْمُؤْمِنُوْنَ ؕ کُلٌّ اٰمَنَ بِاللّٰهِ

بآنچه فرستاده شد بسوی او از پروردگار او و مؤمنان ۞ همه ایمان آوردند بخدا

وَمَلٰٓئِکَتِهٖ وَکُتُبِهٖ وَرُسُلِهٖ ۫ لَا نُفَرِّقُ بَیْنَ اَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهٖ ۫

و فرشتگان او و کتابهای او و پیغمبران او ۞ نمیجداکنیم میان هیچ یک از پیغمبران او

وَقَالُوْا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا ۫ غُفْرَانَکَ رَبَّنَا وَاِلَیْکَ الْمَصِیْرُ ۞

و گفتند شنیدیم و فرمان بردیم ۞ آمرزش ترا پروردگار ما و بسوی تو است بازگشت

لَا یُکَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا اِلَّا وُسْعَهَا ؕ لَهَا مَا کَسَبَتْ وَعَلَیْهَا مَا

تکلیف نمیکند خدا هیچ کسی را مگر بقدر وسع او ۞ مر او را است آنچه کسب کرده است و بر او است

اکْتَسَبَتْ ؕ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَآ اِنْ نَّسِیْنَآ اَوْ اَخْطَاْنَا ۚ رَبَّنَا وَلَا

آنچه بدست آورده است ۞ پروردگار ما مگیر ما را اگر فراموش کردیم یا خطا کردیم ۞ پروردگار ما و

تَحْمِلْ عَلَیْنَآ اِصْرًا کَمَا حَمَلْتَهٗ عَلَى الَّذِیْنَ مِنْ قَبْلِنَا ۚ رَبَّنَا

بار مکن بر ما گناهی چنانکه بار کردی آنرا بر آنانکه از پیش ما بودند ۞ پروردگار ما و

وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهٖ ۚ وَاعْفُ عَنَّا ۪ وَاغْفِرْ لَنَا ۪

بار مکن بر ما آنچه نیست ما را طاقت آن ۞ و عفو کن از ما ۞ و بیامرز ما را

وَارْحَمْنَا ۪ اَنْتَ مَوْلٰىنَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْکٰفِرِیْنَ ۞

و رحم کن بر ما ۞ تو دوست ما هستی پس یاری کن ما را بر گروه کافران

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که زکوة واجب را علانیه دادن بهتر است و غیر زکوة واجب را اگر پنهان دهد افضل است

نعم از افعال مدح است و در اصل نعم بود بفتح نون و کسر عین و این کسر نون را بمثابت عین کسره داده و نعم بکسر نون و عین میگویند و بعد از آن عین را ساکن میکنند جهة تخفیف و نعم میگویند هر گاه همزه فاعلش لفظا ثابت باشد و اگر ساقط باشد آنرا بحال خود میگذارند چون میخواهند که میم نعم را با ما ادغام کنند چه در اینوقت اگر عین ساکن شود التقا بساکنین لازم خواهد آمد و گفته اند که ما مکره است بمعنی شیء و آن تمییز و موصوفه است و نه موصوله پس فنعما هی در اصل نعم شیئا هی بوده و فاعل ضمیر مستتری است که مفسر و ممیز آن لفظ شیئا واقعشده و هی مخصوص بمدح است

تمام شد

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که این آیه در شان اصحاب صفه نازل شده و از این

اغنیاء من التعفف تعرفهم بسیماهم لا یسئلون الناس
توانگران از تعفف تعرف کنی می شناسی ایشان را بسیمای ایشان سوال نمی کنند مردمان را
الحافا وما تنفقوا من خیر فان الله به علیم الذین ینفقون
باصرار و آنچه را انفاق می کنید از مال پس بدرستی خدا آنرا داناست کسانیکه انفاق می کنند
اموالهم باللیل والنهار سرا وعلانیة فلهم اجرهم
اموالشان را بشب و روز آشکارا و پنهان پس مر ایشانرا است مزدشان
عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون الذین
نزد پروردگارشان و نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک میشوند آنانکه
یاکلون الربوا لا یقومون الا کما یقوم الذی یتخبطه
میخورند ربا را برنمی خیزند مگر همچنانکه برخیزد کسی که مصروع میکرداندش
الشیطان من المس ذلک بانهم قالوا انما البیع مثل
شیطان از دیوانگی آنست باین که گفتند جز این نیست که بیع مانند
الربوا واحل الله البیع وحرم الربوا فمن جاءه موعظة من
ربا است و حلال کرد خدا بیع را و حرام کرد ربا را پس کسی که آمد او را پندی از
ربه فانتهی فله ما سلف وامره الی الله ومن عاد فاولئک
پروردگارش پس باز ایستاد پس مر اوراست آنچه که گذشت و کار او با خداست و کسی که عود کرد پس آنها
اصحاب النار هم فیها خالدون یمحق الله الربوا ویربی
یاران آتشند ایشانند در آن جاودانیان بی برکت گرداند خدا ربا را و افزونی دهد
الصدقات والله لا یحب کل کفار اثیم ان الذین
صدقه ها را و دوست نمیدارد هر ناسپاس گناهکاری را بدرستیکه کسانی که
امنوا وعملوا الصالحات واقاموا الصلوة واتوا الزکوة
گرویدند و کردند کارهای شایسته و بر پای داشتند نماز را و دادند زکوة را
لهم اجرهم عند ربهم ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون

از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق صلوات علیهما منقول است که این آیه در شان حضرت سید الاوصیا صلوات الله علیه نازل شده و فرموده که چهار درهم آنحضرت داشت یکی را در روز صدقه کرد و یکی را در شب و یکی را پنهان و یکی را آشکار و این عباس هم بر اینمعنی در کتب عامه روایت کرده

از حضرت صادق علیه السلام منقول است که تحصیل کمتر از پانزده درهم از پانصد درهم بزرگتر است از کناره جستن از ربا و محرم در وقت احرام و آن شده باشد

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود که در شب معراج دیدم جمعی را که میخواستند بر خیزند و از غایت بزرگی شکم نمی توانستند برخیزند از جبرئیل که ایشان کیستند گفت اینها جمعی رباخوارانند نمیتوانند برخیزند مگر مانند برخواستن کسی که بسبب خبط شیطان ایشانرا مصروع گردانیده و از پا افکنده و ایشان مانند آل فرعون بر آتش عرض میشوند و در قبرها راست شام جهنم بر ایشان عرض میشود و در قبرها راست عقوبت از روی قیامت میکشند و میگویند خداوندا قیام قیامت کی خواهد بود و در کتب عامه از آنحضرت صلی الله علیه و آله منقول است که گفت در شب معراج جمعی را دیدم که شکمهای ایشان مانند خانهای

حضرت صادق صلوات الله علیه

حضرت صادق صلوات الله علیه

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِنْ كُنْتُمْ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید بپرهیزید از خدا و واگذارید آنچه از ربا مانده اگر پسندید

مُؤْمِنِينَ ۝ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ

اگر وتید کان پس اگر نکردید پس اگر اعلام دهید بجنگی از خدا و فرستاده او

وَإِنْ تُبْتُمْ فَلَكُمْ رُؤُسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ

و اگر توبه کردید پس مرشما راست سرمایه‌های شما نه ستم می‌کنید و ستم به شما نمی‌شود

وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا

و اگر بود وی تنگدستی صاحب سختی پس مهلت دادن تا وقت آسودگی و اگر صدقه کنید

خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى

بهتر است مرشما را اگر بودید که بدانید و بپرهیزید از روزیکه باز گردانیده شوید در آن بسوی

اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ يَا أَيُّهَا

خدا پس تمام داده شود هر نفسی آنچه کسب کرده است و ایشان ستم دیده نمی‌شوند ای

الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى فَاكْتُبُوهُ

کسانی که گرویدید اگر معامله کنید بدینی تا مدتی که نام برده شد پس بنویسید آنرا

وَلْيَكْتُبْ بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْبَ كَاتِبٌ أَنْ

و باید بنویسد میانشان نویسنده بعدالت و باید ابا نکند نویسنده اگر

يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ

بنویسد همچنانکه آموخت او را خدا پس باید که بنویسد و باید که املا کند کسی که بر اوست راستی

وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي

و باید که بپرهیزد از خدا که پروردگار اوست و کم نکند از او چیزی را پس اگر بود وی که

عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ

بر اوست حق کم خرد یا ناتوان یا نتواند که املا کند او

فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ

پس املا کند دوست او براستی و گواه بگیرید دو گواه از مردان خود

فان

این تفسیر از حضرت صادق علیه السلام مرویست و از ابن عباس هم روایت شده و بعضی از مفسرین از آن تخصیص بمعنی اول داده‌اند و پاره‌ای میباید دانست که اجابت دعوت برای تحمل شهادت مستحب و

فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ

پس اگر نبود دو مرد پس یکمرد و دو زن از کسی که راضی باشید گواه

الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكِّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ

گواهان تا چون گمراه کند یکی از آن دو پس بیاد آرد یکی از آن دو مرد دیگر

وَلَا يَأْبَ الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا وَلَا تَسْأَمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ

و نباید گواهان وقتی که خوانده شوند و ملول نشوند که بنویسند آنرا

صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ

کوچک یا بزرگ تا مدت او آن شمارا راست تر است نزد خدا و ثابت تر

لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً

از برای شهادت و نزدیکتر است بآنکه شک کنید مگر آنکه بود داد و ستد حاضر که

تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا

میگردانید و باشد آنرا میان شما پس نیست بر شما گناهی آنکه بنویسید آنرا و گواه گیرید

إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفْعَلُوا فَإِنَّهُ

و چون داد و ستد کنید و نباید که زیان رساند بنویسنده و نه گواه و اگر کنید پس هر آینه آن

فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ

نافرمانی است شما را و بپرهیزید از خدا و می آموزد شمارا خدا و خدا بهر چیز

عَلِيمٌ وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَقْبُوضَةٌ

داناست و اگر بوده باشید بر سفری و نیابید نویسنده پس گروگان باید گرفته شود

فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي اؤْتُمِنَ أَمَانَتَهُ

پس اگر ایمن داند بعضی از شما بعضی را پس باید ادا کند آنکسی که ایمن داشته شد امانت او را

وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ

و باید بپرهیزد از خدا که پروردگار اوست و پنهان نکنید شهادت را و کسی که پنهان کند آنرا بدرستی که او

آثِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ

گناهکار است دل او و خدا بآنچه میکنید داناست مر خدا راست آنچه در آسمانها

ضرر کاتب

آنست که اجرت کتابت باو داده نشود و یا در وقتیکه فرصت کتابت ندارد باشد از وی مطالبه کتابت نمایند و ضرر شاهد آنست که فرصت نداشته باشد و وی را بتحمل شهادت یا ادای آن طلب نمایند و ان تفسیر برآنست که بضار صیغه مجهول باشد چنانکه اکثر مفسرین گفته اند و در اصل یضار بفتح را بوده و بتحمل که صیغه معلوم و در اصل یضار بکسر را باشد و بنابراین آنست که قدر آنرا کمتر یا بیشتر از زیاده و بنویسد و باید شاهد هم باو نرساند ضرری که با امکان متحمل نشود یا او اتمام یا تغییری در

وحدت حق نماید

والله اعلم

وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبْدُوا مَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفُوهُ يُحَاسِبْكُمْ

و آنچه در (و) از این است و اگر (آشکار کنید آنچه در) و (نفسهای شماست یا پنهان دارید حساب میکند)

بِهِ اللَّهُ فَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ

شمارا بآن خدا پس آمرزد آنکه را میخواهد (و) عذاب میکند (آنکه را میخواهد (و) خدا (بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ آمَنَ الرَّسُولُ بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِ مِنْ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ

چیز (توانا است (۵) بگروید (فرستاده (او) را بآنچه (فرو فرستاده شد بسوی او از پروردگار او و گروندگان)

كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ

همگی (گرویدند (بخدا (و فرشتگان او (و کتابهای او و فرستادگان او (و تفرقه نمیکنیم

بَيْنَ أَحَدٍ مِنْ رُسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا

میان احدی (از فرستادگان او (و گفتند (شنیدیم (و اطاعت کردیم (آمرزش تو پروردگار ما

وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ ۝ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا

و (بسوی تست (بازگشت (تکلیف نمیکند (خدا (نفسی را (مگر باندازه توانائی او

لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ

برای اوست آنچه را کسب کرد و بر اوست آنچه را (کسب کرد (پروردگار ما مؤاخذه مکن ما را (اگر

نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى

فراموش کردیم یا خطا کردیم (پروردگار ما (و بار مکن (بر ما (بار گرانی همچنانکه بار کردی او را (بر

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِنَا رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا

کسانی که (پیش از ما بودند پروردگار ما (و بار مکن (بر ما آنچه را (نیست توانائی مر ما را آن (و (بگذر (از ما

وَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

و (بیامرز ما را (و (بخشش ما را (تو (آقای ما (پس یاری ده ما را (بر گروهی که پوشندگان حق اند

سورة آل عمران مدنية آياتها مائتان

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای (بخشاینده (مهربان

غفرانک
مصدر فعل محذوف است و
گویا گفته اغفر لنا غفرانک و بعضی
گفته اند که مفعول فعل محذوف
و اصل لنا لک غفرانک
بوده
در کتاب
کافی از حضرت صادق
مرویست که رسول خدا صلی الله
علیه و آله فرمود که از امت من برداشته
چهار چیز خطا و نسیان و معصیتی که مجبور بر آن
باشند و آنچه در تحت قدرت ایشان نبود و ما
و این گفته خدای عزوجل است که ربنا لا تؤاخذنا
ان نسینا او اخطانا تا آخر و گفته خدا است که الا
من اکره و مطمئن بالایمان و جمعی از مفسرین هم بآن
تفسیر گفته اند و بنابراین سؤال از راه خضوع و خشوع
ماشد که بندگی خدا مطلوبست هرچند که در انها
مؤاخذه در واقع نباشد مانند طلب مغفرتی که از
انبیا و اوصیا علیهم السلام صادر میشده از راه
خضوع و ذلت در مقام بندگی نی انکه معصیتی
کرده باشد و بعضی نسیان را بمعنی ترک طاعت و
خطا را بمعنی فعل معصیت گرفته اند
از روی عمد نظر به سؤال
والله اعلم

الٓمٓ ۝ اَللّٰهُ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْحَیُّ الْقَیُّوْمُ ۝ نَزَّلَ عَلَیْكَ الْكِتٰبَ

خدا است که نیست خدائی مگر او زنده و پاینده است فرو فرستاد بر تو کتاب را

بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَیْنَ یَدَیْهِ وَاَنْزَلَ التَّوْرٰىةَ وَالْاِنْجِیْلَ ۝

براستی تصدیق کننده آنچه را میان دو دست اوست و فرو فرستاد تورات و انجیل را

مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَاَنْزَلَ الْفُرْقَانَ ۝ اِنَّ الَّذِیْنَ

از پیش هدایت برای مردمان و فرو فرستاد فرقان را بدرستی آنانکه

كَفَرُوْا بِاٰیٰتِ اللّٰهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِیْدٌ ۝ وَاللّٰهُ عَزِیْزٌ ذُو

کافر شدند به آیتهای خدا مر ایشانرا است عذاب سخت و خدا عزیز صاحب

انْتِقَامٍ ۝ اِنَّ اللّٰهَ لَا یَخْفٰى عَلَیْهِ شَیْءٌ فِی الْاَرْضِ وَلَا

انتقام است بدرستی که خدا پوشیده نیست بر او چیزی در زمین و نه

فِی السَّمَآءِ ۝ هُوَ الَّذِیْ یُصَوِّرُكُمْ فِی الْاَرْحَامِ كَیْفَ

در آسمان اوست آنکه صورت می بندد شما را در رحمها چگونه

یَشَآءُ ۝ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ الْعَزِیْزُ الْحَكِیْمُ ۝ هُوَ الَّذِیْٓ اَنْزَلَ

میخواهد نیست خدائی مگر او که غالب و درست کردار است اوست آنکه فرو فرستاد

عَلَیْكَ الْكِتٰبَ مِنْهُ اٰیٰتٌ مُّحْكَمٰتٌ هُنَّ اُمُّ الْكِتٰبِ

بر تو کتاب بعضی از آن آیتهای محکم است که آنها اصل و مادر کتاب است

وَاُخَرُ مُتَشٰبِهٰتٌ ۝ فَاَمَّا الَّذِیْنَ فِیْ قُلُوْبِهِمْ زَیْغٌ فَیَتَّبِعُوْنَ

و دیگر متشابهات است پس اما کسانی که در دلهاشان اصلی است باطل پس پیروی مینمایند

مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَآءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَآءَ تَاْوِیْلِهٖ وَمَا یَعْلَمُ

آنچه متشابه شد از آن برای طلب فتنه و طلب تاویلش و نمیداند

تَاْوِیْلَهٗٓ اِلَّا اللّٰهُ ۘ وَالرّٰسِخُوْنَ فِی الْعِلْمِ یَقُوْلُوْنَ اٰمَنَّا بِهٖ كُلٌّ

تاویل او را مگر خدا و استواران دانشش میگویند ایمان آوردیم بآن همه

مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا ۚ وَمَا یَذَّكَّرُ اِلَّآ اُولُوا الْاَلْبَابِ ۝ رَبَّنَا

از نزد پروردگار ما است و پند نگیرند مگر صاحبان خردها پروردگارا ما

در تفسیر

محکم و متشابه آیات

قرآنی مفسرین چند وجه گفته اند یکی آنکه محکم آیه ایست که واضح الدلاله بر مطلب بوده و متشابه آنست که بمعرفه دلالت بر آن نکنند دوم آنکه محکم آیه ایست مفصل که احتمال زیادی نداشته باشد و متشابه آنست که محتمل چندین معنی باشد که آنرا باصطلاح اصولیین مجمل گویند سیم آنکه محکم آیه ایست حکمش تا روز قیامت باقی و متشابه آیه ایست منسوخ الحکم چهارم آنکه محکم آیه ایست که الفاظش مکرر در قرآن نباشد و متشابه خلاف آن چون قصه موسی و خضر و آنکه محکم آیه ایست که مراد از آن بی پیچش معلوم باشد و متشابه آنست که چنین نباشد

چون آیه تمام شد

والله اعلم

حضرت صادق

فتنه را در اینجا بکفر تفسیر نموده و بعضی از مفسرین شرف و مال گفته اند و بعضی از ایشان گفته اند که مراد از مبتغی امر و مشتبه یاران دین اسلام است بر ضعیف عقلان مسلمانان چنانکه گفته اند که چون آیه متشابه نازل شد یهود گفتند که چگونه دین خود را گذاشته داخل دینی شویم که بعضش حق و بعضش محال است

الراسخون

عطف است بر الله از حضرت ابی جعفر علیه السلام مرویست که فرمود که حضرت رسول صلی الله علیه وآله فاضلترین راسخین در علم است میدانست هرچه خدا تعالی باو فرستاده از تاویل و تنزیل و جایز نیست خدا را که آنحضرت آیه بفرستد که تاویلش را نداند او و اوصیاء او تفسیر هرچه

لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

مایل مگردان دل ما را بباطل بعد از آنکه هدایت کردی ما را و ببخش ما را از نزد خود رحمتی

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۝ رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَا

بدرستیکه تو بخشنده همیشه پروردگار ما بدرستیکه تو جمع کننده مردمانی را برای روزیکه

رَيْبَ فِيهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا

نیست شکی در آن بدرستیکه خدا خلاف نمیکند وعده را بدرستیکه کسانی که کافر شدند

لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۖ وَأُولَٰئِكَ

دفع نمیکند هرگز از ایشان مالهای ایشان و نه اولادهای ایشان از خدا چیزی و آنها اند

هُمْ وَقُودُ النَّارِ ۝ كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ ۙ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ

آنها هیمه آتش چون عادت آل فرعون و کسانی که پیش از ایشان

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ ۗ وَاللَّهُ شَدِيدُ

تکذیب می کردند آیتهای ما را پس گرفتشان خدا بگناهانشان و خدا سخت

الْعِقَابِ ۝ قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ

عقوبت بگو مر کسانی را که کافر شدند زود باشد که مغلوب شوند و محشور شوند

إِلَىٰ جَهَنَّمَ ۖ وَبِئْسَ الْمِهَادُ ۝ قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ

بسوی جهنم و بد بستریست بتحقیق که بود مر شما را آیتی در دو گروه

الْتَقَتَا ۖ فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُمْ

که بهم رسیدند گروهی کارزار میکردند در راه خدا و دیگری کافر بودند میدیدند ایشان

مِثْلَيْهِمْ رَأْيَ الْعَيْنِ ۚ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ إِنَّ فِي

دو مثل ایشان را دیدن چشم و خدا تایید میکند بیاری خود کسی را که میخواهد بدرستیکه در

ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصَارِ ۝ زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ

این هر آینه عبرتست مر صاحبان دیده ها را آراسته شد مردمان را دوستی خواهشها

مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ

از زنان و پسران و مالهای بسیار تحصیل کرده شده از زر

والفضة

در خبرست از اهل بیت علیه السلام که حضرت رسول بعد از جنگ بدر امر باجتماع یهود در بازار بنی قینقاع نمود و بعد از اجتماع ایشان فرمود که ای گروه یهود بترسید از آنکه خدا تعالی بفرستد بر شما مانند بلیه که بر قریش رسید در بدر مسلمان شوید پیش از آنکه مانند آن بلا بشما نازل شود و حال آنکه شما میدانید که من پیغمبرم فرستاده شده و یافته اید این را در کتاب خود که خدا محمد مغرور مشو از این که غلبه کردی بر جمعی جنگ ندیده که طریق محاربه را دانسته بودند و قوت یافتی بر ایشان اگر با ما تو مقاتله میکردم میدانستی که ما چه مردمیم پس خدا تعالی این آیه را فرستاد

اصحاب بدر

سیصد و سیزده تن بودند و مشرکین چنانچه از حضرت امیر المومنین علیه السلام مرویست هزار کس بودند و در میان مسلمانان هفتاد شتر و دو اسب بود و فرش صحابه داشتند و لباس زره پوش و هشت همشیر دار با مسلمانان بود و خدا تعالی در این روز در وقت محاربه مسلمانان را در برابر مشرکین در نظر فرش در آورد تا آنکه باعث ضعف و جبن فرش شود پس فاعل برون فرقه کفر و اند و مفعول آن فرقه مقاتلین فی سبیل الله و بعضی از مفسرین عکس گفته اند که فرش با آنکه در اینروز زیاده از سه برابر مسلمانان بودند خدا تعالی ایشان را در نظر مسلمین نمود تا آنکه باعث قوت مسلمین شود و بکریزند با علما

وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذٰلِكَ

مَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَاللّٰهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَاٰبِ ۝ قُلْ أَؤُنَبِّئُكُمْ

بِخَيْرٍ مِنْ ذٰلِكُمْ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنّٰتٌ تَجْرِي مِنْ

تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ خٰلِدِينَ فِيهَا وَأَزْوٰاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَرِضْوٰانٌ

مِنَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ۝ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا

آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ ۝ الصّٰابِرِينَ وَ

الصّٰادِقِينَ وَالْقٰانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ

شَهِدَ اللّٰهُ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلٰائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ

قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ

اللّٰهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتٰابَ إِلَّا

مِنْ بَعْدِ مَا جٰاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيٰاتِ اللّٰهِ

فَإِنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ فَإِنْ حَاجُّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ

نصف

صادق صلوات الله
علیه مرویست که هر که طلب مغفرت
کند خدا تعالی را هفتاد مرتبه در وقت
سحر پس او از اهل آیه است و از
حضرت رضا علیه السلام راه حضرت
مرویست که مراد از مستغفرین
مصلین در وقت سحر است
والله اعلم

وَجْهِيَ لِلّٰهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ ۗ وَقُلْ لِّلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ

خود را برای خدا کسی که پیروی کرد مرا و بگو مر آنانرا که داده شدند کتاب را و نا خواندگان را

ءَأَسْلَمْتُمْ ۚ فَإِنْ أَسْلَمُوا فَقَدِ اهْتَدَوْا ۖ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ

آیا مسلم شدید پس اگر مسلم شدند پس بتحقیق هدایت یافتند و اگر روگردانیدند پس جز این نیست که

الْبَلَاغُ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ

بر تست رسانیدن و خدا بیناست به بندگان بدرستی که کسانی که کافر شدند

بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ

بآیتهای خدا و می کشند پیغمبران را بدون حق و میکشند کسانی را

يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ ۙ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ أُولَٰئِكَ

که امر میکنند بعدالت از مردمان پس مژده ایشانرا بعذاب دردناک آنها

الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُم مِّن

کسانی اند که تباه شد کردارشان در دنیا و آخرت و نیست مرایشانرا هیچ

نَّاصِرِينَ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ

یاری کنندگانی آیا نگاه نکردی بکسانی که داده شدند بهره ورا از کتاب

يُدْعَوْنَ إِلَىٰ كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ

خوانده میشوند بسوی کتاب خدا تا حکم کند میانشان پس برمی میگردند پاره از ایشان

وَهُم مُّعْرِضُونَ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا

و ایشان اعراض کنندگانند آنست بانکه ایشان گفتند هرگز نمس میکند ما را آتش مگر

أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ ۖ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ

روزهای شمرده شده و فریفت ایشانرا در دینشان آنچه بودند که افترا بستند

فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْنَاهُمْ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ ۖ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ

پس چگونه باشد چون جمع کنیم ایشانرا از برای روزی نیست شکی در آن و تمام داده شود هر نفس

مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي

آنچه را کسب کردند و ایشان ستم کرده نمیشوند بگو خداوندا که صاحب پادشاهی میدهی

الملك

از این عباس منقول است که مردی و زنی از اشراف یهود دختر زنا کردند و چون حکم زنا پیش ایشان رجم بود دوبخواستند که ایشان را شکنجه کنند گفتند که مرافعه نزد حضرت رسول الله بریم شاید که حکم زنا پیش آنها چیز دیگر باشد بمدینه آمدند و بعد از شرح حال آن حضرت فرمود که حکم ایشان رجم است نعمان ابن اوفی و بحری عمرو گفتند یا محمد جور در حکم ایشان فرموده رجمی را ایشان خدا هست موده آنحضرت فرمود که تورات را حاکم می سازم میان خود و شما گفتند که انصاف در ردی یا ما فرمود که کیست از شما داناتر بتورات گفتند مردیست یکشیم در فدک که او را ابن صوریا میگویند فرستادند و او را از فدک طلبیدند جبرئیل با نحضرت توصیف او کرده بود پس حضرت فرمود که تو ابن صوریائی گفت آری فرمود تو دانا تری یهود گفت چنین گمان میبرند پس آنحضرت طلبید سفری از تورات را که مشتمل بر رجم زانی بود و با او فرمود بخوان چون به رجم رسید کف دست مبارک را بر روی آن گذاشت و ما بعد آن را

الْمُلْكَ مَنْ تَشَآءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَآءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشَآءُ وَ

تُذِلُّ مَنْ تَشَآءُ ط بِيَدِكَ الْخَيْرُ ط اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝

تُوْلِجُ الَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُوْلِجُ النَّهَارَ فِي الَّيْلِ وَتُخْرِجُ

الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَآءُ

بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُوْنَ الْكٰفِرِيْنَ اَوْلِيَآءَ

مِنْ دُوْنِ الْمُؤْمِنِيْنَ ۚ وَمَنْ يَّفْعَلْ ذٰلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللّٰهِ فِيْ شَيْءٍ

اِلَّآ اَنْ تَتَّقُوْا مِنْهُمْ تُقٰىةً ط وَيُحَذِّرُكُمُ اللّٰهُ نَفْسَهٗ ط وَاِلَى

اللّٰهِ الْمَصِيْرُ ۝ قُلْ اِنْ تُخْفُوْا مَا فِيْ صُدُوْرِكُمْ اَوْ تُبْدُوْهُ

يَعْلَمْهُ اللّٰهُ ط وَيَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ط وَاللّٰهُ

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۝ يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ

مُّحْضَرًا ۚ وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوْٓءٍ ۚ تَوَدُّ لَوْ اَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهٗ اَمَدًا

بَعِيْدًا ۗ وَيُحَذِّرُكُمُ اللّٰهُ نَفْسَهٗ ط وَاللّٰهُ رَءُوْفٌ ۢ بِالْعِبَادِ

مراد از
میت کافر و از حی
مومن است و غرض آنکه مومن را از کافر
و کافر را از مومن متولد میسازد
این تفسیر از ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما
السلام و بعضی از مفسرین هم گفته اند
و اکثر ایشان گویند که مراد حیوانات
که از نطفه و هر نطفه ایست که
از حیوان سدا
شود

یتحمل
که تقاء بمعنی اتقاء و
مفعول مطلق تقوا باشد یعنی
مگر آنکه تقیه نمایید از کافران
تقیه کردنی و الله تعالی
یعلم

یوم
منصوب بر ظرفیت برای تودد و محضرا حالست
از مفعول تجد و ما عملت من سوء معطوف است بر
ما عملت من خیر و لو در لو ان حرف مصدریست
چنانکه شیخ رضی در گریمه بود و لو انهم یادون
فی الاعراب گفته لو بمعنی ان مصدریه است
شرطیه نیست باعتبار آنکه بعد از فعلی واقع است
که دلالت بمعنی تمنی دارد و آن با اسم و خبر در

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ لَكُمْ

بگو اگر راست میگوئید که دوست میدارید خدا را پس پیروی کنید مرا که دوست دارد شما را خدا و بیامرزد برای شما

ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ

گناهان شما را و خدا آمرزنده مهربان است بگو فرمان برید خدا را و فرستاده او را

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى

پس اگر اعراض کنند پس همانا خدا دوست نمیدارد کافران را بدرستیکه خدا برگزید

آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ

آدم و نوح را و آل ابراهیم و آل عمران را بر جهانیان

ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ إِذْ قَالَتِ امْرَأَةُ

فرزندانی که بعضی شان از بعضی است و خدا شنوا و داناست همگامیکه گفت زن

عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ

عمران پروردگارا بدرستیکه من نذر کردم برای تو آنچه در شکم منست آزاد از دنیا پس قبول کن

مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ

از من بدرستیکه تو تو شنوای دانا پس چون بنهاد آنرا گفت پروردگارا

إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَى وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعَتْ وَلَيْسَ الذَّكَرُ

بدرستیکه من بنهادم آنرا مونث و خدا داناتر است بآنچه بنهاد و نیست ذکور

كَالْأُنْثَى وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا

چون اناث و بدرستیکه من نام نهادم او را مریم و بدرستیکه من پناه میدهم آنرا بتو و فرزندان آنرا

مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَ

از شیطان رانده شده پس پذیرفت آنرا پروردگارش بپذیرفتنی خوب و

أَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا

رویانید او را رویانیدنی نیکو و کفیل کرد او را زکریا هرگاه در آمد بر او

زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ

زکریا در محراب یافت نزد او روزی را گفت ای مریم

بعضی از مفسرین ذریه را حال از مفعول اصطفی گرفته اند و طایفه از ابدال از این گفته اند

از حضرت ابی عبدالله مرویست که خدا تعالی با عمران پدر مریم گفت تو پسری مبارک عطا میفرمایم که اکمه و ابرص را شفا بخشد و مردگان را زنده کند بفرمان خدا و او را مبعوث خواهم ساخت برسالت برای اهل زمان خود و عمران شرح حال نمود و بار و حنه خود حنه مادر مریم پس چون حنه حامله شد بمریم گمان برد که این حمل همان فرزند موعود است گفت الهی نذرت لک ما فی بطنی محررا و بنا بر این حدیث شریف الف و لام تعریف در الذکر و الانثی طایفه از آنست که الف و لام عهد باشد یعنی نیست آن پسری که وعده کرده شده بود مانند این دختری که بوی داده شده و لکن این بهتر است چه از این دختر آن پسر بوجود خواهد آمد و خود از ذریه بزرگان زنان اهل بهشت است از ابو هریره روایت شده که رسول خدا فرمود بس است از خوبی چهار زن مریم دختر عمران و آسیه زن فرعون و خدیجه دختر خویلد و فاطمه دختر محمد صلی الله علیه و آله و سلم

أَنّٰى لَكِ هٰذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ يَرْزُقُ مَنْ

از کجا است مر تو را این گفت و آن زکریا را خدا است بدرستی خدا روزی میدهد هر کرا

يَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ

میخواهد بحساب در آنجا خواند زکریا پروردگارش را گفت

رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَآءِ

پروردگارا ببخش مرا از نزد خود فرزندی پاکیزه بدرستی تو شنونده دعائی

فَنَادَتْهُ الْمَلَآئِكَةُ وَهُوَ قَآئِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللّٰهَ

پس ندا کردند او را فرشتگان و او ایستاده بود نماز میکرد در محراب بدرستیکه خدا

يُبَشِّرُكَ بِيَحْيٰى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللّٰهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا

مژده میدهد ترا بیحیی تصدیق کننده بکلمه از خدا و بزرگ و بازدارنده خود را

وَنَبِيًّا مِنَ الصّٰلِحِينَ قَالَ رَبِّ أَنّٰى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَقَدْ

و پیغمبری از شایستگان گفت پروردگارا از کجا می شود مرا پسر و بتحقیق

بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذٰلِكَ اللّٰهُ يَفْعَلُ

رسیده مرا پیری و زن من نازاینده است گفت همچنین خدا میکند

مَا يَشَآءُ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ

هر چه را میخواهد گفت پروردگارا بگردان مرا نشانه گفت نشانه تو آنکه سخن نگوئی

النَّاسَ ثَلٰثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْزًا وَاذْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ

با مردم سه روز مگر باشاره و یاد کن پروردگارت را بسیار و تسبیح کن

بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يٰا مَرْيَمُ إِنَّ

در شبانگاه و وقت بامداد و آنگه گفتند فرشتگان ای مریم بدرستی که

اللّٰهَ اصْطَفٰكِ وَطَهَّرَكِ وَاصْطَفٰكِ عَلٰى نِسَآءِ الْعٰلَمِينَ

خدا برگزیده ترا و پاکیزه گردانید تو را و برگزید تو را بر زنان جهانیان

يٰا مَرْيَمُ اقْنُتِي لِرَبِّكِ وَاسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرّٰكِعِينَ

ای مریم عبادت کن مر پروردگارت را و سجود کن مر او را و رکوع کن با رکوع کنندگان

این تفسیر از حضرت ابی جعفر علیه السلام مسئول است و اکثر مفسرین هم حکایت کنند و بعضی از ایشان گفته اند که حصور کسیست که میل خود از نساء بریده باشد

از حضرت ابی جعفر علیه السلام مرویست که مریم علیها السلام سید زنان عالمیان عصر خود بود و فاطمه دختر رسول خدا سید زنان همه عالمیان است تا آنحضرت فرمود معنی آیه این است که خدا تعالی تو را برگزید از نسل و سلاله پیغمبران و پاک گردانید تو را از برای ولادت عیسی بدون شوهری و بنا بر این حدیث شریف تکراری در لفظ اصطفاک نیست چه هر یک معنی دارد مغایر دیگری والله اعلم

ذٰلِكَ مِنْ أَنبَآءِ ٱلْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۖ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ

این از اخبار غیب است که وحی میفرستیم او را بسوی تو و نبودی تو نزدشان آنگاه

يُلْقُونَ أَقْلَٰمَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرْيَمَ وَمَا كُنتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ

می افکنند قلمهای خود را که کدام ایشان کفالت کند مریم را و نبودی تو نزدشان آنگاه که نزاع میکردند

إِذْ قَالَتِ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ يَٰمَرْيَمُ إِنَّ ٱللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ ٱسْمُهُ

آنگاه که گفتند فرشتگان ای مریم بدرستیکه خدا مژده میدهد تو را بکلمه از آن که نامش

ٱلْمَسِيحُ عِيسَى ٱبْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِى ٱلدُّنْيَا وَٱلْءَاخِرَةِ وَمِنَ ٱلْمُقَرَّبِينَ

مسیح است عیسی پسر مریم صاحب جاه در دنیا و آخرت و باشد از مقربان

وَيُكَلِّمُ ٱلنَّاسَ فِى ٱلْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ قَالَتْ

و سخن میکند با مردمان در گهواره و دوران و باشد از نیکوکاران گفت

رَبِّ أَنَّىٰ يَكُونُ لِى وَلَدٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِى بَشَرٌ ۖ قَالَ كَذٰلِكِ

پروردگارا از کجا میشود برای من فرزندی و حال آنکه دست نزده است مرا آدمی گفت همچنین

ٱللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۚ إِذَا قَضَىٰٓ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ

خدا می آفریند آنچه میخواهد چون قرار دهد امری را پس جز این نیست که میگوید مر او را باش پس میشود

وَيُعَلِّمُهُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَٱلتَّوْرَىٰةَ وَٱلْإِنجِيلَ وَرَسُولًا

و می آموزد او را کتاب و حکمت و تورات و انجیل و او را فرستاده

إِلَىٰ بَنِىٓ إِسْرَٰٓءِيلَ أَنِّى قَدْ جِئْتُكُم بِـَٔايَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ أَنِّىٓ

به پسران اسرائیل که من بتحقیق آمدم شما را به نشانه از پروردگارتان بدرستیکه من

أَخْلُقُ لَكُم مِّنَ ٱلطِّينِ كَهَيْـَٔةِ ٱلطَّيْرِ فَأَنفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًۢا

می آفریدم برای شما از گل چون شکل مرغ پس میدمم در آن پس میشود مرغ

بِإِذْنِ ٱللَّهِ ۖ وَأُبْرِئُ ٱلْأَكْمَهَ وَٱلْأَبْرَصَ وَأُحْىِ ٱلْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ

باذن خدا و بهبود میسازم آن کوری که مادرزاد است و پیس و زنده میکنم مردگان را باذن

ٱللَّهِ ۖ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا تَدَّخِرُونَ فِى بُيُوتِكُمْ ۚ إِنَّ فِى

خدا و خبر میدهم شما را بآنچه میخورید و آنچه ذخیره میکنید در خانهایتان بدرستی در

ذٰلِكَ

این عبارت سلام در روایت

که مسیح و وحی فرستادن خدا حال نبودن کار خود را

بنی اسرائیل و آگاه کردن خدا ایشان را بآنچه میخوردند

و ذخیره میکردند در خانهها و نشان دادن

کار بخدا که آنرا عبارت گویند

فضایل مریم و اصطفای او بر زنان عالم

حضرت رسالت صلعم مریم صدیقه را

حضرت امیر علیه السلام مریم را

حضرت صادق علیه السلام

مسیح

معرب مشیحا است

و آن در لغت عربی بمعنی مبارک است و نام عیسی

شده و بقول بعضی از مفسرین اسمه جمله و اوصاف

خبر اول و عیسی خبر ثانی و ابن مریم خبر ثالث

میباشد و چون بنا بر این سبب ظاهر مبنا است

اسماء و بصیغه جمع بود گفته اند که اسمه بعلت اسم

جنس مضاف و مفید عمومی او را ترجیح داده

در مخبری گفته که خبر مجموع المسیح عیسی ابن مریم است

من حیث المجموع و این مجموع حکایتی است

که باعث اعتبار مسمی از جمیع

اعلام است

بنا بر این

تفسیر یعلمه در رسولا

معطوف است بر وجیها مانند من المقربین و یکلم الناس

و من الصالحین و همه حالند از کلمه و انی بتقدیر

حرف و با نی قد جئتکم متعلق است برسولا یا بمحذوف

بعضی از مفسرین گفته اند تبعیضین معنی نطق و گویا گفته

شده و رسولا الی بنی اسرائیل ناطق با نی قد جئتکم

و بقول بعضی و یعلمه الکتاب کلام مستانفی و واو

برای عطف بر مشرک ما برای استیناف و رسولا

مفعول مطلق فعل محذوفی است که آن مفعول فعل

مقدر است بتقدیر و یقول ارسلت رسولا با نی

قد جئتکم و العلم عند الله

تعالی

دلک

ذٰلِكَ لَاٰيَةً لَّكُمْ اِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِيْنَ ۝ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ

این هر آینه نشانه ایست برای شما اگر باشید گروندگان ۝ و تصدیق کننده آنچه میان

يَدَيَّ مِنَ التَّوْرٰىةِ وَلِاُحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِيْ حُرِّمَ عَلَيْكُمْ

دو دست منست از تورات و از برای آنکه حلال کردانم برای شما بعضی از آنچه حرام کرده شد بر شما

وَجِئْتُكُمْ بِاٰيَةٍ مِّنْ رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوْنِ ۝ اِنَّ

و آمدم شما را بنشانه از پروردگار شما پس بپرهیزید از خدا و اطاعت کنید ۝ بدرستی که

اللّٰهَ رَبِّيْ وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوْهُ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ۝ فَلَمَّا

خدا پروردگار من و پروردگار شما است پس بپرستیدش این راه راست ۝ پس چون

اَحَسَّ عِيْسٰى مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ اَنْصَارِيْۤ اِلَى اللّٰهِ قَالَ

احساس کرد عیسی از ایشان کفر را گفت کیست یاور من بسوی خدا گفت

الْحَوَارِيُّوْنَ نَحْنُ اَنْصَارُ اللّٰهِ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَاشْهَدْ بِاَنَّا مُسْلِمُوْنَ

حواریون که ما یاوران خداییم گرویدیم بخدا و گواهی دو که ما مسلمانیم

رَبَّنَاۤ اٰمَنَّا بِمَاۤ اَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُوْلَ فَاكْتُبْنَا مَعَ

پروردگار ما گرویدیم بآنچه فرو فرستادی و پیروی کردیم فرستاده ترا پس بنویس ما را با

الشّٰهِدِيْنَ ۝ وَمَكَرُوْا وَمَكَرَ اللّٰهُ وَاللّٰهُ خَيْرُ الْمٰكِرِيْنَ

گواهان ۝ و مکر کردند و مکر کرد خدا و خدا بهترین مکر کنندگان است

اِذْ قَالَ اللّٰهُ يٰعِيْسٰۤى اِنِّيْ مُتَوَفِّيْكَ وَرَافِعُكَ اِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ

هنگامی که گفت خدا ای عیسی بدرستی که من برداردنده توام و بلند کردانندهٔ تو آم بسوی خود و پاک کردانندهٔ تو ام

مِنَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا وَجَاعِلُ الَّذِيْنَ اتَّبَعُوْكَ فَوْقَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا

از آنانکه کافر شدند و گردانندهٔ آنانکه پیروی کردند ترا بالای آنانکه کافر شدند

اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ ثُمَّ اِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَاَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيْمَا كُنْتُمْ

بسوی روز رستخیز پس بسوی من است بازگشت شما پس حکم میکنم میان شما در آنچه

فِيْهِ تَخْتَلِفُوْنَ ۝ فَاَمَّا الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فَاُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيْدًا

بوده اید که در آن اختلاف میکردید ۝ پس اما آنانکه کافر شدند پس عذاب میکنم ایشانرا عذابی سخت

این تفسیر
یعنی آیت بر تضمین
یعنی الجا چنانچه بعضی گفته اند و
بعضی از مفسرین الی را در این مقام بمعنی
مع یا فی یا لام دانسته اند یعنی گفت که
خدا تعالی مرد کار باشد با
در راه خدا برای محض رضای
آنهی نه برای اغراض
دنیوی

حزب

جهود
با نواع حیله شی
آنحضرت را محک آورد
بقصد کشتن فردا صبحی اورا در خانه محبوس
کردند و حقتعالی آنشب گردانید
یکی ماه مبارک بود اورا بآسمان بردند
و علی الصباح مهتر خود یهودا را بدان
خانه فرستادند که آنحضرت بیرون
آورد که بیاری رسانست خدا تعالی
اورا بصورت عیسی مبدل گردانید
و چون در خانه کسی را ندید از خانه بیرون
آمد در این اثنا یهودان اورا دیدند
بگمان انکه عیسی است بردارش کشیدند
تیر باران نمودند

در اخبار

از طرفین وارد شده

و چنین روایت شده و از علمای طرفین

حکایت کرده اند که نصاری نجران با اسقف

که مکنی بابی الحارثه بود بخدمت حضرت رسالت

آمد در باب نبوت و فرزند علی علیه السلام منازعه

نمودند گفتند چون آنحضرت مدری نداشت

العیاذ بالله جل جلاله و تعالی پدر او خواهد بود

آیه مثل عیسی عند الله تا آخر نازل شد و حق

به آنکه هر گاه خلقت آدم بی پدر و مادر تواند بود

خلقت عیسی بی پدر استبعادی ندارد و چون نصاری

بعد از سماع این آیه بر سخن خود همان مصر بودند

آیه شریفه مباهله نازل شد که فمن حاجک فیه

تا آخره و آنحضرت ایشان را از مضمون این

آیه خبر داده کار مباهله بروز دیگر قرار یافت

در روز دیگر آنحضرت بفرموده جل جلاله و تعالی جناب

مستطاب مخاطب بخطاب نفسنا و نفسک و علیا جناب

عصمت و طهارت قباب بضعه امشاب سیده

نساء العالمین و دو فرزند خود امامین سیدی

شباب اهل الجنه را طلبیده بمباهله بیرون

رفتند بیانی که صاحب کشاف و بیضاوی و

دیگر مفسرین حکایت کرده اند جناب امام

حسین علیه السلام را در بغل گرفته و دست

حضرت امام حسن علیه السلام بدست گرفته فاطمه

زهرا در پس پشت او و امیر المومنین علیه السلام در

عقب خیر النساء فرمود که چون من دعا کنم شما

آمین بگویید اسقف چون ایشان را با این بهجت

مشاهده نمود گفت بخدا سوگند که از نظر نقطه

مباهله پیغمبران سابق است بخدا سوگندی گرد و

تر سایان که روی چندی منم که اگر از خداوند

خواهند کوهی را از جای خود بر دارد بر دارد

ای ترسایان مباهله مکنید که همه هلاک خواهید

شد و از قبیله شما اثری باقی نخواهد ماند

فرمان شاهسوار در جهان شما و از مباهله

پشیمان شده مصالحه کرده

جزیه قبول و مراجعت

نمود

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ ۝ وَأَمَّا الَّذِينَ

در دنیا و آخرت و نیست مر ایشان را هیچ یاری کنندگان و اما آنانکه

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ

گرویدند و کردند کارهای شایسته پس تمام داده میشود ایشان را مزدهای ایشان و خدا دوست نمیدارد

الظَّالِمِينَ ۝ ذَٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيَاتِ وَالذِّكْرِ

ستمکاران را آنست که میخوانیم آنرا بر تو از آیات و ذکری که پند

الْحَكِيمِ ۝ إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ ۖ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ

حکمت است بدرستی که مثل عیسی نزد خدا چون مثل آدم است آفرید او را از خاک

ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

پس گفت مر او را باش پس شد حق از پروردگار تست پس مباش از شک کنندگان

فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا

پس کسی که مجادله کند با تو از بعد آنچه آمده تو را از علم پس بگو بیایید

نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا

بخوانیم پسران خود و پسران شما را و زنان ما و زنان شما را و نفسهای ما

وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ۝

و نفسهای شما را پس مباهله کنیم پس گردانیم لعنت خدا را بر گروه دروغزنان

إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ ۚ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا اللَّهُ ۚ وَإِنَّ اللَّهَ

بدرستی این هر آینه او است قصه های راست و نیست هیچ خدائی مگر خدا و بدرستی خدا

لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ

هر آینه اوست غالب درست کردار پس اگر برگردند پس بدرستی که خدا داناست به بدکاران

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ

بگو ای اهل کتاب بیایید بکلمه برابر میانه ما و

بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ

میانه شما اینکه نپرستیم مگر خدا را و شریک ندانیم با او چیزی را و نگیرد

بعضنا

بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ ۚ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا

بعضی مان بعضی را پروردنده از غیر خدا پس اگر اعراض کنند بگوئید گواه باشید

بِأَنَّا مُسْلِمُونَ ۝ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا

بانکه ما گردن نهندگانیم ای اهل کتاب چرا مجادله می کنید در ابراهیم و

أُنْزِلَتِ التَّوْرَاةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝

فرو فرستاده نشد تورات و انجیل مگر از بعد آن آیا پس نمی یابید بعقل

هَا أَنْتُمْ هَٰؤُلَاءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ تُحَاجُّونَ فِيمَا

آگاه باشید شما آنها اید که مجادله کردید در آنچه نیست مر شما را بآن دانشی پس چرا مجادله می کنید در آنچه

لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ مَا كَانَ إِبْرَاهِيمُ

نیست مر شما را بآن دانشی و خدا می داند و شما نمی دانید ابراهیم

يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَٰكِنْ كَانَ حَنِيفًا مُسْلِمًا ۖ وَمَا كَانَ

ترسا نبود و نه ترسانی ولیکن بود حق گرای گردن نهنده و نبود

مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ

از گروه کافران بدرستی نزدیکتر مردمان بابراهیم هر آینه کسانی اند که پیروی کردند اورا

هَٰذَا النَّبِيُّ وَالَّذِينَ آمَنُوا ۗ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَدَّتْ

این پیغمبر را و کسانی که ایمان آوردند و خدا دوستدار گروندگانست دوست داشته

طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّونَكُمْ ۖ وَمَا يُضِلُّونَ

طایفه از اهل کتاب که گمراه کنند شما را و گمراه نمی کنند شما را

إِلَّا أَنْفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ ۝ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ

مگر خودهاشان و نمی یابند ای اهل کتاب چرا کافر میشوید

بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ ۝ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ

بآیتهای خدا و شما گواهی می دهید ای اهل کتاب چرا میپوشید

الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ وَقَالَتْ

حق را بباطل و پنهان می دارید حق را و شما میدانید و گفتند

يهود

ونصاری باهم

منازعه داشتند درباب حضرت

ابراهیم یهود میگفتند او یهودی بود

ونصاری میگفتند او نصرانی بود و

مرافعه خدمت حضرت رسول آوردند

این آیه آمد غرض انکه منازعه شما

اصلا صورتی ندارد چه دین یهود تورات

موسی و دین نصاری انجیل عیسی علیه

السلام معلوم است و ابراهیم

پیش از موسی بهزار سال و پیش از

عیسی بدو هزار سال بود

چنانچه در تفاسیر است

والله اعلم

وجار ومجرور متعلقان بمحذوف

ودر ظرف وجار ومجرور علت

طَآئِفَةٌ مِّنْ اَهْلِ الْكِتَابِ اٰمِنُوْا بِالَّذِيْٓ اُنْزِلَ عَلَى الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا

طایفه از اهل کتاب که ایمان آرید بآنچه فرو فرستاده شد بر آنانکه گرویدند

وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوْٓا اٰخِرَهٗ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ ۝ وَلَا تُؤْمِنُوْٓا

اول روز و کافر شوید آخرش باشد که ایشان برگردند و ایمان نیاورید

اِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِيْنَكُمْ ۭ قُلْ اِنَّ الْهُدٰى هُدَى اللّٰهِ اَنْ يُّؤْتٰٓى اَحَدٌ

مگر از برای کسی که تابع باشد دین شما را بگو بدرستی که هدایت هدایت خداست اینکه داده شود احدی

مِّثْلَ مَآ اُوْتِيْتُمْ اَوْ يُحَاۗجُّوْكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ ۭ قُلْ اِنَّ الْفَضْلَ

مثل آنچه داده شدید یا محاجت آورند شما را نزد پروردگار شما بگو بدرستی که افضل

بِيَدِ اللّٰهِ يُؤْتِيْهِ مَنْ يَّشَاۗءُ ۭ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِيْمٌ ۝ يَّخْتَصُّ بِرَحْمَتِهٖ

بدست خداست میدهد او را آنرا که میخواهد و خدا وسعت دهنده دانا است مخصوص میگرداند برحمت خود

مَنْ يَّشَاۗءُ ۭ وَاللّٰهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيْمِ ۝ وَمِنْ اَهْلِ الْكِتَابِ

هر کرا میخواهد و خدا صاحب احسان بزرگست و از اهل کتاب

مَنْ اِنْ تَاْمَنْهُ بِقِنْطَارٍ يُّؤَدِّهٖٓ اِلَيْكَ ۚ وَمِنْهُمْ مَّنْ اِنْ تَاْمَنْهُ بِدِيْنَارٍ

کسی باشد که اگر امین سازی او را بمال بسیاری میرساند او را بسوی تو و از ایشان کسی باشد که اگر امین سازی او را بدیناری

لَّا يُؤَدِّهٖٓ اِلَيْكَ اِلَّا مَا دُمْتَ عَلَيْهِ قَاۗىِٕمًا ۭ ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ

نمیرساند او را بتو مگر مادامیکه بایستی بر او ایستاده و آن باین است که ایشان

قَالُوْا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْاُمِّيّٖنَ سَبِيْلٌ ۚ وَيَقُوْلُوْنَ عَلَى اللّٰهِ

گفتند نیست بر ما در باره ناخواندگان راهی و میگویند بر خدا

الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُوْنَ ۝ بَلٰى مَنْ اَوْفٰى بِعَهْدِهٖ وَاتَّقٰى فَاِنَّ

دروغ و ایشان میدانند آری کسی که وفا کند بعهد خود و پرهیزکاری کرد بدرستی که

اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِيْنَ ۝ اِنَّ الَّذِيْنَ يَشْتَرُوْنَ بِعَهْدِ اللّٰهِ وَاَيْمَانِهِمْ

خدا دوست میدارد پرهیزکاران را بدرستی که آنانکه میخرند بعهد خدا و سوگندهای ایشان

ثَمَنًا قَلِيْلًا اُولٰۗىِٕكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ

بهای اندک آنها را نیست نصیبی مر ایشان را در آخرت و سخن نگوید با ایشان

بعضی از ارباب تفسیر گفته اند که ربانی یعنی عالم و بعضی گفته اند که ربانی فلان امر و همه گاه مدبر و آن کار و نیز اصلاح آن کند میگویند ربه فهو ربان پس ربانی یا راء او از برای مبالغه است مانند یا راء احمری در آن معنی بسیار دانا است و بعضی گفته اند که در آن برای نسبت است و الف و نون از زیادتی باشد که در بعضی نسبتها واقع میشود مانند رقبانی و لحیانی در عظیم الرقبه و کثیر اللحیه و بنابراین ربانی یعنی منسوب بعلم رب یعنی عالم دینی که از جانب رب آمده

الله یعلم

این تفسیر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام مشغول است و از جمعی مفسرین هم مانند ابن عباس و غیره حکایت شده و معنی است براینکه لام در لما آتیتکم لام موطئه قسم و ما حرف شرط و آتیتکم جمله شرط و جواب قسم و قایم مقام جزای شرط و لام آن برای تاکید باشد و از انحضرت مرویست که خدا تعالی عهد و پیمان از همه پیغمبران گرفت که خبر دهید امت خود را بمبعث پیغمبر آخر الزمان و اوصاف انحضرت و بشارت دهند از مبعث انحضرت و امر فرمایند ایشان را بتصدیق او و از حضرت صادق صلوات الله علیه معنی که دلالت میکند بر اینکه مضاف به النبیین مقدر باشد و فرمود که معنی چنین است که یاد کن وقتی را که خدا تعالی عهد از انبیای پیغمبران گرفت باینکه تصدیق پیغمبران خود کنند و هر چه از شرایع آورده اند بآن عمل نمایند و ایشان مخالفت پیغمبران خود نمودند و بآن عهود نکردند و بسیاری از شرایع ایشان را

الله ولا ینظر الیهم یوم القیمة ولا یزکیهم ولهم عذاب الیم

خدا از (و) نظر کند بسوی ایشان روز قیامت و پاک نکند ایشان را و مر ایشانرا است عذاب دردناک

وان منهم لفریقا یلوون السنتهم بالکتاب لتحسبوه من

و بدرستیکه از ایشان پاره ای هستند که می پیچند زبانهاشان را بکتاب تا گمان برند آنرا از

الکتاب وما هو من الکتاب ویقولون هو من عند

کتاب و (و) نباشد آن از کتاب و میگویند آن از نزد

الله وما هو من عند الله ویقولون علی الله الکذب وهم

خدا است و نیست آن از نزد خدا و میگویند بر خدا دروغ و ایشان

یعلمون ما کان لبشر ان یؤتیه الله الکتاب والحکم

میدانند نمی باشد از برای انسان اینکه بدهد او را خدا کتاب و حکم

والنبوة ثم یقول للناس کونوا عبادا لی من دون الله

و پیغمبری پس میگوید از برای مردمان که بشوید بندگان مر مرا از غیر خدا

ولکن کونوا ربانیین بما کنتم تعلمون الکتاب وبما

و لیکن باشید ربانیان بآنچه بودید که بیاموزانید کتاب را و بسبب

کنتم تدرسون ولا یامرکم ان تتخذوا الملائکة

بودنتان که بخوانید و هرگز نفرماید شما را که بگیرید (و) فرشتگان

والنبیین اربابا ایامرکم بالکفر بعد اذ انتم مسلمون

و پیغمبران را ارباب آیا امر میکند شما را بکفر بعد از آنکه شما گردن نهندگانید

واذ اخذ الله میثاق النبیین لما آتیتکم من کتاب وحکمة

و هنگامیکه گرفت خدا پیمان پیغمبران را از برای آنچه دادم شما را از کتاب و حکمت

ثم جاءکم رسول مصدق لما معکم لتؤمنن به ولتنصرنه

پس آمد شما را فرستاده و تصدیق کننده مر آنچه با شماست هر آینه بگروید بآن و یاری کنید او را

قال ءاقررتم واخذتم علی ذلکم اصری قالوا اقررنا

گفت آیا اقرار کردید و گرفتید بر آن شما بمان مرا گفتند اقرار کردیم ما

قَالَ فَاشْهَدُوا وَاَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ۝ فَمَنْ تَوَلّٰى بَعْدَ

گفت گواه باشید و من با شما از گروه گواهانم پس کسی برگشت بعد از

ذٰلِكَ فَاُولٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۝ اَفَغَيْرَ دِينِ اللّٰهِ يَبْغُونَ وَلَهٗ

آن پس آن گروهند ایشان بدکاران ۝ آیا پس غیر دین خدا را میطلبند و مر او را

اَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَاِلَيْهِ

گردن نهاده کسی که در آسمانهاست و زمین است از روی رغبت و کراهت و بسوی او

يُرْجَعُونَ ۝ قُلْ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَمَا اُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا اُنْزِلَ عَلٰٓى

برگردانیده میشوند ۝ بگو گرویدیم بخدا و آنچه فرو فرستاده شد بر ما و آنچه فرو فرستاده شد بر

اِبْرٰهِيمَ وَاِسْمٰعِيلَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ وَالْاَسْبَاطِ وَمَا

ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب و فرزندان و آنچه

اُوتِيَ مُوسٰى وَعِيسٰى وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ اَحَدٍ

داده شد موسی و عیسی و پیغمبران از پروردگارشان تفرقه نمیکنیم میان هیچ

مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهٗ مُسْلِمُونَ ۝ وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْاِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ

از ایشان و ما مر او را گردن نهندگانیم ۝ و کسی که میجوید بجز اسلام دینی پس

يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْاٰخِرَةِ مِنَ الْخٰسِرِينَ ۝ كَيْفَ يَهْدِي

قبول نمی شود از او و او در آخرت از خاسرین زیان کاران ۝ چگونه هدایت میکند

اللّٰهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعْدَ اِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا اَنَّ الرَّسُولَ حَقٌّ

خدا گروهی را که کافر شدند بعد از ایمانشان و گواهی دادند که

وَجَآءَهُمُ الْبَيِّنٰتُ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظّٰلِمِينَ ۝ اُولٰئِكَ

و آمد ایشان را حجتها و خدا راه نمینماید گروه ستمکاران را ۝ آنها

جَزَآؤُهُمْ اَنَّ عَلَيْهِمْ لَعْنَةَ اللّٰهِ وَالْمَلٰٓئِكَةِ وَالنَّاسِ اَجْمَعِينَ

که جزای ایشان اینست بر ایشان لعنت خدا و فرشتگان و مردمان همگی

خٰلِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمُ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ

جاودانیانند در آن و تخفیف داده میشود از ایشان عذاب و نه ایشان نظر کرده میشوند

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که جمعی مجبور بر اسلام بودند و بعضی بطوع و رغبت ایمان آوردند و ظاهر آن است که مراد بحضرت باشد که منکرین اسلام هم در حال اضطرار اقرار بحق نمایند و چنانچه از بعضی اخبار مستفاد میشود و کریمه ولئن سألتهم من خلقهم ليقولن الله مشعر بر اوست یا در وقت احتضار چنانچه از مفسرین گفته اند که مومن طوعا ایمان آورده و کافر کرها در وقت موت و کریمه فلم يك ينفعهم ايمانهم لما رأوا بأسنا یاد آن میدهد

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که حارث سوید بن صابت مخدر بن زیاد بلوی را بکشت از روی غدر و حیله و مرتد گشته بمکه گریخت و بعد ازین حرکت شیطان شده نزد خویشان خود که در مدینه بودند فرستاد و از ایشان استدعای آن کرد که از حضرت رسالت پناه بپرسند که توبه او مقبول است یا نه و بعد از سوال ایشان کریمه کيف يهدي الله قوما الآیه تا اولئك هم الضالون نازل شد این مژده باو رسید باز آن فرستاده گفت میدانم تو راست میگوئی و این را هم میدانم که پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله راست گوتر از شماست و اینکه خدا تعالی او را از جمله است و بقولی این آیات شان اهل کتاب نازل شده که پس از بعثت پیغمبر ما و ایمان داشتند و بعد از بعثت از راه حسد و عناد تکذیب او نمودند و بعضی بازگشت نمودند و بعضی بر آن

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعْدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا لَنْ تُقْبَلَ

تَوْبَتُهُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَ

هُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ أَحَدِهِمْ مِلْءُ الْأَرْضِ ذَهَبًا وَلَوِ

افْتَدَىٰ بِهِ ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّىٰ تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ ۝ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ

فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ ۝ كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلًّا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ

إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَىٰ نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنَزَّلَ التَّوْرَاةُ ۗ قُلْ

فَأْتُوا بِالتَّوْرَاةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ فَمَنِ افْتَرَىٰ

عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ قُلْ

صَدَقَ اللَّهُ ۗ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا ۖ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى

الجزء ۳

کویند

یعقوب علیه السلام
آزار عرق النسا داشت نذر کرد که
هرگاه تعالی او را شفا بخشد دوست
ترین طعامها را نخورد و بعد از شفا
چون گوشت و شیر شتر را بسیار دوست
داشتی امید عامی حرمت انها را از
تعالی نموده بر او و بر امتش حرام
شده و یهود میگفتند انچه بر ما حرام است
بر همه پیغمبران از نوح تا اخر دین
حرام بوده و خواهد بود این آیه
برای رد قول ایشان
آمد

للعالمين ﴿ فيه آيات بينات مقام ابرهيم ومن دخله
برای جهانیان در آنست آیتهای روشن مقام ابراهیم و کسی که داخل شد او را
كان آمنا ولله على الناس حج البيت من استطاع اليه سبيلا
باشد ایمن و مر خدا راست بر مردمان حج کردن آن خانه کسی که توانائی دارد بسوی آن راه
ومن كفر فان الله غني عن العالمين ﴿ قل يا اهل الكتاب
و کسی کافر شد پس بدرستی که خدا بی نیاز است از جهانیان بگو ای اهل کتاب
لم تكفرون بايات الله والله شهيد على ما تعملون ﴿ قل يا
چرا کافر شدید بآیتهای خدا و خدا گواه است بر آنچه میکنید بگو ای
اهل الكتاب لم تصدون عن سبيل الله من امن
اهل کتاب چرا باز میدارید از راه خدا کسی که ایمان آورد
تبغونها عوجا وانتم شهداء وما الله بغافل عما تعملون ﴿ يا
میخواهید آنرا کج و شما گواهانید و نیست خدا بیخبر از آنچه میکنید ای
ايها الذين امنوا ان تطيعوا فريقا من الذين اوتوا الكتاب
کسانی که گرویدید اگر پیروی کنید گروهی را از کسانی که داده شدند کتاب
يردوكم بعد ايمانكم كافرين ﴿ وكيف تكفرون وانتم
برمیگردانند شما را بعد از گرویدنتان کافران و چگونه کافر میشوید و شما
تتلى عليكم ايات الله وفيكم رسوله ومن يعتصم بالله فقد
که خوانده میشود بر شما آیتهای خدا و در میان شماست فرستاده او و کسی که چنگ در میزند بخدا پس بتحقیق
هدي الى صراط مستقيم ﴿ يا ايها الذين امنوا اتقوا الله
هدایت یافته شد بسوی راه راست ای آنانکه گرویدید بپرهیزید از خدا
حق تقاته ولا تموتن الا وانتم مسلمون ﴿ واعتصموا بحبل
حق پرهیزکاری او و نمیرید الا که شما باشید گردن نهندگان و چنگ در زنید بریسمان فضل
الله جميعا ولا تفرقوا واذكروا نعمت الله عليكم اذ

ظاهر این
آیه آنست که
تارک حج کافر باشد و مؤید
این معنی آنکه در اخبار اهل بیت علیهم السلام وارد
شده که هر که ترک حج واجب نماید پس میرد
یهودی یا نصرانی لکن اصحاب رضی الله عنهم
کفر را بمعنی بعد از رحمت گرفته اند نه کفری که
موجب خلود در نار باشد و اخبار را حمل نموده اند
بر مراتبی که ترکش از راه انکار باشد و مؤید این
تفسیر از بعضی اخبار وارد است و از جمله واقعات
غریبه آنکه کمترین شبی در واقعه دیدم که در خدمت
شیخ سعید شهید شیخ زین الدین قدس سره نشسته
استفاده مینمایم چون بسیاری از ارشادهای
آن بزرگوار چیزی بخاطر نمانده بود جز آنکه
فرمود توقیعی بیکی از حضرات ائمه اطهار علیهم
السلام که نام مبارک او را بخصوص فرمود
و شیخ را بخاطر نماند بمن رسیده و کتاب شرح
شرایع که از مصنفات اوست نزد او بود او را
گشوده توقیعی بیرون آورد بنصیر داد چون
گشودم مشتمل بود بر سؤال و جوابی بعبارت
عربی که عبارت بخاطر نمانده و مضمون سؤال
آنکه همه کاه شخصی با ایمان بحج و استطاعت ترک
ترک حج نماید ایمان او ایمان است یا نه یا آنکه
او مؤمن است یا نه و آنحضرت صلوات الله
علیه در حاشیه عریضه بخط
مبارک نوشته بودند لا یا
ایمان له

كُنتُم أَعداءً فَأَلَّفَ بَينَ قُلوبِكُم فَأَصبَحتُم بِنِعمَتِهِ إِخوانًا

بودید دشمنان پس الفت بمیان دلهای شما پس گردید بنعمت او برادران

وَكُنتُم عَلىٰ شَفا حُفرَةٍ مِنَ النّارِ فَأَنقَذَكُم مِنها كَذٰلِكَ

و بودید بر کنار مغاک از آتش پس رهانید شما را از آن همچنین

يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُم آياتِهِ لَعَلَّكُم تَهتَدونَ ۝ وَلتَكُن مِنكُم

بیان میکند خدا برای شما نشانهای خود شاید که شما هدایت یابید و باید که باشد از شما

أُمَّةٌ يَدعونَ إِلَى الخَيرِ وَيَأمُرونَ بِالمَعروفِ وَيَنهَونَ عَنِ

گروهی که فرا بخوانند بسوی خوبی و امر کنند بنیکوئی و نهی کنند از

المُنكَرِ ۚ وَأُولٰئِكَ هُمُ المُفلِحونَ ۝ وَلا تَكونوا كَالَّذينَ

زشتی و آن گروهند ایشان رستگاران و مباشید مانند کسانی که

تَفَرَّقوا وَاختَلَفوا مِن بَعدِ ما جاءَهُمُ البَيِّناتُ ۚ وَأُولٰئِكَ

تفرقه شدند در دین و اختلاف کردند پس از بعد آنکه آمد ایشانرا حجتها و آنانند که

لَهُم عَذابٌ عَظيمٌ ۝ يَومَ تَبيَضُّ وُجوهٌ وَتَسوَدُّ وُجوهٌ ۚ فَأَمَّا

برای ایشانست عذاب بزرگ روزیکه سفید شود رویها و سیاه شود رویها پس اما

الَّذينَ اسوَدَّت وُجوهُهُم أَكَفَرتُم بَعدَ إيمانِكُم فَذوقُوا

آنانکه سیاه شد رویهاشان آیا کافر شدید بعد از ایمانتان پس بچشید

العَذابَ بِما كُنتُم تَكفُرونَ ۝ وَأَمَّا الَّذينَ ابيَضَّت وُجوهُهُم

عذاب را بسبب بودنتان که کافر شدید و اما آنانکه سفید شد رویهاشان

فَفي رَحمَةِ اللَّهِ ۖ هُم فيها خالِدونَ ۝ تِلكَ آياتُ اللَّهِ نَتلوها

پس در رحمت خدا ایشان در آن جاودانیان این آیتهای خداست میخوانیم

عَلَيكَ بِالحَقِّ ۗ وَما اللَّهُ يُريدُ ظُلمًا لِلعالَمينَ ۝ وَلِلَّهِ ما فِي

بر تو براستی و نیست خدا که اراده کند ستمی برای جهانیان و مر خدا راست آنچه در

السَّمٰواتِ وَما فِي الأَرضِ ۗ وَإِلَى اللَّهِ تُرجَعُ الأُمورُ ۝ كُنتُم

آسمانها و آنچه در زمین است و بسوی خدا برگردانیده میشود کارها شما

امیرالمؤمنین
صلوات الله علیه
مرویست که فرمود که این آیه
جمعی اند از این امت که بدعتها
در دین گذاشته و هوا های نفسانی
عمل کرده

خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ

بهترین گروهی که پدید آورده شد برای مردمان امر می‌کنید بکار نیکی و نهی می‌کنید

عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ۗ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ

از زشتی و ایمان آورید بخدا و اگر ایمان آورند اهل کتاب هر آینه بود

خَيْرًا لَهُمْ ۚ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ ۝ لَنْ

بهتر از برای ایشان بعضی ایشان گروندگانند و بیشتر ایشان بدکارانند هرگز

يَضُرُّوكُمْ إِلَّا أَذًى ۖ وَإِنْ يُقَاتِلُوكُمْ يُوَلُّوكُمُ الْأَدْبَارَ

ضرر نرسانند شما را مگر اندک آزاری و اگر کارزار کنند با شما پشت دهند شما را

ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ ۝ ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ أَيْنَ مَا ثُقِفُوا إِلَّا

پس یاری کرده نمیشوند زدوده شد بر ایشان خواری هر کجا یافت شوند مگر

بِحَبْلٍ مِنَ اللَّهِ وَحَبْلٍ مِنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَ

بریسمانی از خدا و ریسمانی از مردمان و باز گشتند بغضبی از خدا و

ضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةُ ۚ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ

زدوده شد بر ایشان خواری درماندگی آن بسبب این است که ایشان بودند که کافر می‌شدند بآیتهای

اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ ۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا

خدا را و میکشتند پیغمبران را بناحق حق آن بسبب این است که نافرمانی کردند و بودند که

يَعْتَدُونَ ۝ لَيْسُوا سَوَاءً ۗ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ

تعدی میکردند نیستند برابر از اهل کتاب گروهی باستند

يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ ۝ يُؤْمِنُونَ

میخوانند آیتهای خدا را در اوقات شب و ایشان سجده میکنند بگروند

بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ

بخدا و روز آخرت و امر میکنند بکار نیک و باز میدارند از

الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ ۖ وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ

زشتی و بشتاب می‌گیرند در خوبیها و آنها اند از شایستگاران

ذلک
در هر دو جا
اشاره است بیاد کشت نمودن
بهود بخشم الهی و خوار شدن در دنیا
و غرض آنکه این عقوبت ایشان در دنیا
و آخرت از دو جهت است یکی کفر و قتل
پیغمبران دیگری تجاوز از حد در فروع
یعنی ترک عبادات و فعل محرمات و این
دلیلست بر مذهب اهل حق که آن مکلف را
کفار است بفروع دین و بقولی ذلک با
عصو اشاره است بکفر و
قتل پیغمبران

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ

آنچه را میکنند از هر خوبی پس هرگز ناسپاسی کرده نمیشود و خدا دانا است بپرهیزکاران

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ

بدرستی که آنانکه کافر شدند کفایت نمیکند از ایشان مالهای ایشان و نه فرزندان ایشان

مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

از خدا چیزی و ایشانند یاران آتش ایشانند در آن جاویدانان

مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا

مانند آنچه انفاق میکنند در این زندگانی دنیا چون مثل بادیست که باشد در آن

صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتْهُ وَمَا ظَلَمَهُمُ

سرمای سخت که ببرسد بکشت زار قومی که ستم کردند بر خود و باشان پس نابود کرد آنرا و ستم نکرد بر ایشان

اللَّهُ وَلٰكِنْ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا

خدا ولیکن برخود ایشان ستم میکنند ای آنانکه گرویدید مگیرید

بِطَانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ

بیگانه از غیر خودتان کوتاهی نمی کنند با شما از فساد و گرفتاری دوست داشتند رنج دیدن شما را

قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ

بتحقیق آشکار شد دشمنی از دهنهای ایشان و آنچه پنهان داشتند سینه‌های ایشان بزرگتر است

قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ۝ هَا أَنْتُمْ أُولَاءِ

بتحقیق بیان کردیم برای شما از آیات اگر باشید که بعقل دریابید اکنون باشید شما آنانید که

تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ بِالْكِتَابِ كُلِّهِ وَإِذَا

دوست میدارید ایشان را و دوست نمیدارند شما را و ایمان میاورید بکتاب همه آن و چون

لَقُوكُمْ قَالُوا آمَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا عَلَيْكُمُ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ

ملاقات کردند شما را گفتند ایمان آوردیم و چون خلوت کردند گزیدند بر شما سر انگشتان از خشم

قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ إِنْ

بگو بمیرید بخشمتان بدرستی که خدا داناست بذات سینه‌ها اگر

این خلاصه مضمونست و کفر بمعنی ناسپاسی است و بعلت تضمین معنی حرمان در انجا متعدی بمفعول آمده

تَمْسَسْكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِنْ تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ يَفْرَحُوا بِهَا وَ

اگر میرسد شما را خوبی بدمی آید ایشان و اگر برسد شما را بدی شاد میشوند از آن و

إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ

اگر صبر کنید و پرهیزکاری کنید ضرر نمیرساند شما را مکر ایشان چیزی بدرستیکه خدا

بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ۞ وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ

بآنچه میکنند احاطه کننده است و هنگامی که بیرون رفتی از نزد اهل خود جای آماده میساختی کارزار را

مَقَاعِدَ لِلْقِتَالِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۞ إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ

در نشستنها از برای کارزار و خدا شنوای دانا است هنگامیکه قصد کردند دو طایفه

مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

از شما که سست شوند و خدا ولی دوستدار آن دو و بر خدا باید توکل کنند گروندگان

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ

و بتحقیق یاری داد شما را خدا ببدر و شما بودید خوار ان پس بپرهیزید از خدا شاید شما

تَشْكُرُونَ ۞ إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ

شکر کنید هنگامیکه میگفتی مر مومنان را آیا کفایت نمیکند شما را اینکه

يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنْزَلِينَ ۞

امداد کند شما را پروردگار شما بسه هزار از فرشتگان فرستاده

بَلَى إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فَوْرِهِمْ هَذَا يُمْدِدْكُمْ

آری اگر صبر نمایید و پرهیزکاری کنید و بیایند شما را از فور شان این امداد میکند شما را

رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ ۞ وَمَا

پروردگار شما به پنجهزار از فرشتگان نشان کرده و نه

جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَى لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ وَمَا النَّصْرُ

گردانید او را خدا مگر مژده و از برای شما و از برای اینکه آرام گیرد دلهای شما بآن و نیست نصرتی

إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ ۞ لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِنَ الَّذِينَ

مگر از نزد خدا غالب درست کار تا ببرد کندهٔ پاره را از کسانی که

عامل از
مقدر است بتقدیر
واذکر اذ غدوت از حضرت
ابی جعفر علیه السلام مرویست که این کریمه در باب
غزوهٔ احد آمده و ازابن عباس و جمعی دیگر از مفسرین
هم حکایت شده و بعضی از ایشان در باب اجزاء
گفته اند و بعضی بر دو در مجمع البیان گفته از حضرت
ابی عبد الله علیه السلام مرویست که منشاء جنگ
احد این بود که کفار قریش چون از بدر بمکه برگشتند
و حال آنکه هفتاد نفر از ایشان کشته و هفتاد نفر از
در مجمع
البیان از حضرت ابی جعفر
و ابی عبد الله علیهما السلام
مرویست که این واقعه
بنو اسلمه و بنو حارثه بود که دو
قبیله از انصار و بعضی از
مفسرین گفته اند که یکطائفه
از مهاجر و یکی از انصار بود
که عبد الله بن سلول نیز
با ایشان گشته بود که بمدینه
برگردند

كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا خَائِبِينَ ۝ لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ
شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ ۝ وَلِلَّهِ مَا فِي
السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ ۚ
وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَوا
أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً ۖ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَاتَّقُوا
النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ ۝ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ
لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝ وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَجَنَّةٍ
عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ ۝ الَّذِينَ
يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ
عَنِ النَّاسِ ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ۝ وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً
أَوْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ فَاسْتَغْفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ
يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ

مزوبت
که حضرت سجاد
السجاد علی ابن الحسین زین العابدین
علیهما السلام روزی جمعه وضو ساخته بود و کنیزی
ابریقی برای حاضر ساخته بود چون آنحضرت آن
ابریق را برداشت آفتابه و بر سر مبارک آنحضرت خورد
ابریق از دستش افتاد و بر سر مبارک آنحضرت
جراحتی در سر آنحضرت بهم رسید آنحضرت نگاهی بجانب
کنیز کرد و کنیز گفت که خدا تعالی میفرماید که والکاظمین
الغیظ پس آنحضرت فرمود که خشم مرا فرو نشاندی
پس آنحضرت ساکت شد آن کنیز خواند والعافین عن
الناس آن حضرت فرمود که خدا از تو عفو کند پس
آن کنیز خواند که والله یحب
المحسنین پس آنحضرت فرمود که برو
تو را از مال خود آزاد کردم
قربة الی الله

أُولَٰئِكَ جَزَآؤُهُم مَّغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا

ایشان آنند که جزا ایشان آمرزشی است از پروردگارشان و بهشتهائی که میرود از زیر آنها

الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ۝ قَدْ خَلَتْ مِن

نهرها همیشه اند در آن و خوب است مزد عمل کنندگان بتحقیق که گذشت

قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

پیش از شما سنتها پس سیر کنید در زمین پس بنگرید که چگونه بود عاقبت کار

الْمُكَذِّبِينَ ۝ هَٰذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

دروغگویان این بیانست برای مردمان و هدایت و پندست ازرای پرهیزکاران

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ

و سست مشوید و اندوهگین مباشید و شما برترانید اگر باشید گروندگان

إِن يَمْسَسْكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ ۚ وَتِلْكَ الْأَيَّامُ

اگر مس کند شما را جراحتی پس بتحقیق مس کرد قوم را جراحتی مانند آن و این روزها

نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَتَّخِذَ مِنكُمْ

میگردانیم میان مردم و ازبرای آنکه بداند خدا آنانرا که گرویدند و بگیرد از شما

شُهَدَاءَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ ۝ وَلِيُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا

گواهان و خدا دوست نمیدارد ستمکارانرا و برای آنکه خالص گرداند خدا آنانرا که گرویدند

وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ ۝ أَمْ حَسِبْتُمْ أَن تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا

و نابود گرداند کافرانرا آیا پنداشتید که داخل میشوید بهشت و

يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ ۝ وَلَقَدْ

ندانسته باشد خدا گسانی را که مجاهده کردند از شما و میدانند صبر کنندگانرا و بتحقیق

كُنتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِن قَبْلِ أَن تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنتُمْ

بودید که آرزو میکردید مرگ را از پیش آنکه ملاقات کنید او را پس بتحقیق دیدید آنرا و شما

تَنظُرُونَ ۝ وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِ الرُّسُلُ

نظر میکردید و نیست محمد صلی الله علیه و آله مگر فرستاده بتحقیق که گذشته اند پیش از او فرستادگان

افان

منطقه ام

در اینجا بمعنی بل و هست در استفهام انکاری است یعنی بلکه آیا گمان میبرند یعنی بلکه باید گمان برند که داخل بهشت میشوید و حال آنکه هنوز نباشد خدا تعالی مجاهدان و صابرین شما را و خلاصه معنی آنکه گمان نکنید دخول بهشت را و حال آنکه ما نبود جهاد و نباشید و صبر نرسیده اید او تمنا

أَفَإِن مَّاتَ أَوْ قُتِلَ انقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ ۚ وَمَن يَنقَلِبْ عَلَىٰ

آیا پس اگر مرد و بود یا کشته بود بر پاشنه‌های خود و کسی که برگردد می‌کرد بر

عَقِبَيْهِ فَلَن يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا ۗ وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ

دو پاشنه پس ضرر نرساند خدا چیزی را هرگز و زود باشد که جزا دهد خدا شکرگزندگان را

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَن تَمُوتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ كِتَابًا مُّؤَجَّلًا ۗ وَمَن يُرِدْ

و نیست مر نفسی را که بمیرد مگر باذن خدا کتابی معین المدت و کسی که میخواهد

ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَن يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا

ثواب دنیا دهیمش از آن و کسی میخواهد ثواب آخرت دهیمش از آن

وَسَنَجْزِي الشَّاكِرِينَ ﴿١٤٥﴾ وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيٍّ قَاتَلَ مَعَهُ رِبِّيُّونَ كَثِيرٌ

و زود باشد که جزا دهیم شکرگزاران را و بسا از پیغمبری که کارزار کرد با او گروهای بسیار

فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا ۗ

پس سستی نکردند از آنچه رسید ایشان را در راه خدا و ضعیف نشدند و فروتنی نکردند

وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ ﴿١٤٦﴾ وَمَا كَانَ قَوْلَهُمْ إِلَّا أَن قَالُوا رَبَّنَا

و خدا دوست میدارد صبر کنندگان را و نبود گفتار ایشان مگر آنکه گفتند پروردگارا

اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا

بیامرز ما را گناهان ما را و زیاده‌روی ما در امر ما و ثابت کن قدمهای ما را و نصرت ده ما را

عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ﴿١٤٧﴾ فَآتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَ

بر گروه کافران پس داد ایشان را خدا ثواب دنیا و

حُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ ﴿١٤٨﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

نکوئی ثواب آخرت و خدا دوست میدارد نیکوکاران را ای کسانی که

آمَنُوا إِن تُطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ

ایمان آورده‌اید اگر اطاعت کنید آنان را که کافر شدند برمیگردانند شما را بر پاشنه‌های شما

فَتَنقَلِبُوا خَاسِرِينَ ﴿١٤٩﴾ بَلِ اللَّهُ مَوْلَاكُمْ ۖ وَهُوَ خَيْرُ النَّاصِرِينَ

پس برمیگردید زیان‌کاران بلکه خدا صاحب اختیار شماست و او بهترین یاری کنندگان است

سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ

بزودی می اندازیم در دلهای آنانکه کافر شدند ترسناکی بآنچه شریک آورده بخدا

مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَأْوَاهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ

مادام که فرو فرستاده نشد بآن برهانی و جایگاهشان آتش است و بد است جایگاه ستمکاران است

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ

و بتحقیق براست کرد با شما خدا وعده خود را وقتی که چابک میکشتید ایشانرا بفرمان او تا وقتیکه بد دلی کردید

وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا أَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ

و منازعه نمودید در کار و عصیان ورزیدید از بعد آنچه نمود شما را آنچه دوست میداشتید

مِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَنْ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ثُمَّ صَرَفَكُمْ

از شما کسی است که میخواهد دنیا را و از شما کسی است که میخواهد آخرت را پس برگردانید شما را

عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ وَلَقَدْ عَفَا عَنْكُمْ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى

از ایشان تا بیازماید شما را و بتحقیق درگذشت از شما و خدا صاحب احسانست بر

الْمُؤْمِنِينَ إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَالرَّسُولُ

گروندگان را هنگامیکه بالا میرفتید و نمی ایستادید بر احدی و فرستاده

يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ فَأَثَابَكُمْ غَمًّا بِغَمٍّ لِكَيْلَا تَحْزَنُوا عَلَى مَا

میخواند شما را در واپس شما پس جزا داد شما را غمی بغمی تا اندوهگین نشوید بر آنچه

فَاتَكُمْ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ

فوت شد از شما و نرسید شما را و خدا آگاه است بآنچه می کنید پس فرو فرستاد بر شما

مِنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُعَاسًا يَغْشَى طَائِفَةً مِنْكُمْ وَطَائِفَةٌ

از بعد غم ایمنی پسنکی که میگرفت گروهی را از شما و گروهی

قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنْفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ

بتحقیق بهم انداخته بود ایشانرا نفسهاشان گمان برند بخدا دون حق گمان جاهلیت

يَقُولُونَ هَلْ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ مِنْ شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ

میگفتند آیا باشد مر ما را از امر هیچ چیز بگو بدرستی که کار همه اش

حدیث

وعده فرمود مسلمانرا بنصرت و مدد در غزای احد بشرط صبر و ثبات قدم چنانکه از گریه علی و تضرع و تقوا و یاتوکم من فورهم هذا یمددکم ربکم بآخر آیه استعداد است و وفا بآن وعده شده چه او لا مسلمانرا حاجت آمد و آخر بسبب مخالفتی مشغول آخذ غنیمت شده تیراندازان دهنه کمگاه قریش را خالی کردند مغلوب شده

کوتاه

که آنحضرت با کریختگان ندا میکرد و میفرمود الی عباد الله الی عباد الله انا رسول الله من بگریخت آنچه پنداشت بسوی من پنداشت من من رسول خدایم هر که برگردد بجهاد مشرکین پس آماده است برای او بهشت

لِلّٰهِ يَخْفُونَ فِي أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ
مر خدا را است پنهان میدارند در خود با خود آنچه را آشکار نمیکنند بر تو را میگویند اگر بودی
لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُل لَّوْ كُنتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ
ما را از امر چیزی کشته نمی شدیم در اینجا بگو اگر بودید در خانه های خود
لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ
بر آینه می آمدند آنانکه نوشته شده بود بر ایشان کشتن تا آرامگاهشان و تا بیازماید
اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ
خدا آنچه در سینه های شماست و تا خالص گرداند آنچه در دلهای شماست و خدا
عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنكُمْ يَوْمَ الْتَقَى
دانا است بذات سینه ها بدرستی آنانکه پشت کردند از شما روزی که رو برو شدند
الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ
دو جماعت جز این نیست که بلغزانید ایشان را شیطان ببب بعضی از آنچه کسب کردند و بتحقیق که
عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا
درگذشت خدا از ایشان بدرستی که خدا آمرزنده و بردبار است ای آنانکه گرویدید
تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي
مباشید چون آنانکه کافر شدند و گفتند مر برادران ایشان را چون سفر میکردند در
الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُزًّى لَّوْ كَانُوا عِندَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا
زمین یا بودند غازیان اگر بودند نزد ما نمیمردند و کشته نمی شدند
لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ
تا گرداند خدا آن را حسرت در دلهایشان و خدا زنده میکند و میمیراند
وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ
و خدا آنچه میکنید بیناست و اگر کشته شدید در راه خدا یا مردید
لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ۝ وَلَئِن مُّتُّمْ أَوْ

این آیه هم در حکایت احد است مذکور شد که بعد از شهادت حمزه رضی الله عنه بتمام لشکر اسلام با پیغمبر صلی الله علیه وآله آن کس بودند ابو دجانه و سماک بن خرشه و جماعت امیر علیه السلام و باقی تمام گریختند و بالتمام عامه و خاصه عمر و عثمان و از جمله گریختگان بودند و ابو القاسم بلخی که از جمله علمای عامه است حکایت کرده از عمر که بگوه گریخت و عثمان چنان گریخت که بعد از سه روز بمدینه آمد و در ابو بکر عامه خلاف آن است که گریخته اند و داخل گریختگان بودیانه و بالتمام ایشان هم بعد از انتهزام لشکر اسلام در خدمت حضرت رسالت پناه نبود و از انجام لازم می آید که ایشان داخل گریختگان باشند ما ابتدا از مدینه نیامده باشد مانند عبد الله بن ابی سلول و اصحابش

ضرب در ارض در لغت یعنی سفر در روی زمین باشد و غزی جمع غازیست مانند ضرب و ضراب

قُتِلْتُمْ لَإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ ﴿١٥٨﴾ فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ

کشته شدید | هر آینه بسوی خدا | محشور شوید | پس | ابر حمتی | از خدا | نرمی کردی بر ایشان را

وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ

و اگر | بودی بدخوی | سخت | دل | هر آینه پراکنده شدند | از | حوالی تو پس درگذر

عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ

از ایشان | و آمرزش خواه برای ایشان | و مشورت کن با ایشان | در | کار پس چون عزم کردی پس توکل کن

عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿١٥٩﴾ إِنْ يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ

بر خدا | بدرستی که | خدا دوست دارد توکل کنندگان را | اگر | یاری دهد شما را خدا پس نیست | غالبی

لَكُمْ وَإِنْ يَخْذُلْكُمْ فَمَنْ ذَا الَّذِي يَنْصُرُكُمْ مِنْ بَعْدِهِ وَ

مر شما را و اگر | وا گذارد شما را | پس کیست | آنکه | یاری دهد شما را | از بعد آن | و

عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١٦٠﴾ وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ

بر خدا پس باید توکل کنند | مومنان | و نیست | مر پیغمبری | که خیانت کند | و کسی که

يَغْلُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَا كَسَبَتْ

خیانت میکند | بیاید | بآنچه خیانت کرده | روز | رستخیز | پس | تمام داده شود هر | نفسی | آنچه را کسب کرده

وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿١٦١﴾ أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخَطٍ مِنَ اللَّهِ

و ایشان | ستم داده نمیشوند | آیا پس کسی که پیروی | کرد رضای | خدا را | مانند کسی که بازگشت بغضبی | از خدا

وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ﴿١٦٢﴾ هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ

و آرامگاه او دوزخ است | و بد جای بازگشت | ایشان را | مرتبه هاست | نزد | خدا | و خدا

بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ﴿١٦٣﴾ لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ

بیناست | بآنچه | میکنند | بحقیقت | منت گذاشت خدا | بر | گروندگان | چون برانگیخت | در ایشان

رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ

فرستاده | از | خودهاشان که | بخواند | بر ایشان | آیتهای او را | و پاک گرداند شان | و بیاموزد ایشان

الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ

کتاب | و حکمت | و | اگر | بودند | از | پیش | هر آینه در گمراهی | آشکارا

از جمع
البیان حکایت
کرده که چون حضرت رسول
فرمود صحابه را بسه روز
شدن از احد جمعی از مسلمانان
مخالفت نمودند بجاهای خود در
نشستند و بعضی از مومنان هم
بغنیمت بیرون رفتند
پس این آیه
آمد
گوید
در احد هفتاد تن از مسلمانان
بدرجه شهادت رسیدند
در بدر هفتاد کس از
مشرکان کشته و هفتاد
ن اسیر شدند

أَوَلَمَّا أَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَيْهَا قُلْتُمْ أَنَّىٰ هَٰذَا

قُلْ هُوَ مِنْ عِندِ أَنفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَمَا

أَصَابَكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيَعْلَمَ الْمُؤْمِنِينَ

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا ۖ وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ

أَوِ ادْفَعُوا ۖ قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَّاتَّبَعْنَاكُمْ ۗ هُمْ لِلْكُفْرِ يَوْمَئِذٍ

أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ ۚ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِم مَّا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ ۝ الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا

لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا ۗ قُلْ فَادْرَءُوا عَنْ أَنفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِن كُنتُمْ

صَادِقِينَ ۝ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا

بَلْ أَحْيَاءٌ عِندَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ ۝ فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ

مِن فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِم مِّنْ

خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ يَسْتَبْشِرُونَ

تصویر

مسلمانان در این باب

چنانچه از حضرت ابو جعفر صلوات الله

علیه مرویست این بود که در روز بدر رسول

میخواست از پیران هر که ایمان نیاورده بود

صحابه با یمنی تن در ندادند گفتند مصلحت آنست

که از ایشان فدیه بگیریم و آزاد شان نمائیم

آنحضرت فرمود که اگر فدیه گیرند و آزاد شان

نمایند ملحق اهل مکه خواهند شد و باعث قوت

و شوکت ایشان میگردند و موجب آن خواهد شد

که در سال دیگر از ما بعدد اجماعت کشته گردند

گفتند ما این جزا را نمی هستیم الحال از فدیه

می یابیم و چنانچه در سال دیگر کشته گردیم شهید

خواهیم بود و از حضرت یعقوب الدین امیر المومنین

علیه السلام هم در بعضی از تعابیر بمعنی مقتول است

و بعضی از مفسران گفته اند که تقصیر شان آن

بود که پادگان بر اندازه که در گیت گاه قرش

مو کل بودند جایگاه خود را خالی

گذاشته بشغل احد مشغول

شدند

ابو انجارود
از حضرت ابو جعفر
علیه السلام حدیثی روایت کرده
که خلاصه مضمونش این است که در روز احد وقت
انصراف با حضرت رسالت پناهی صلی الله علیه
و آله خطاب کرد که وعده ما و شما سال دیگر در
صفرای است و ابو سفیان در سال دیگر بمقتضای
وعده باز قریش از مکه بیرون آمدند بطرف مدینه
مشرفه تا آنکه بحوالی مرظهران در موضعی که آنرا
محنه گویند فرود آمدند و خدای عزوجل رعبی از
مسلمانان در دل ایشان انداخت از این حرکت پشیمان
شدند نعیم بن مسعود اشجعی در این وقت بمکه میرفت بقصد
عمره چون ابو سفیان او را دید با او گفت که با
محمد وعده کرده ام که در این سال ببدر صغری حاضر
شوم در این سال سال قحط است نمیخواهم در این
سال بیرون بروم لکن میترسم که محمد هم بمجاربه بیاید
چون من حاضر نشوم باعث زیادتی جرات ایشان
میشود تو بروبمدینه و چنان کن که ایشان بیایند
و من بازای خدمت ده شتر میدهم و آن
شتران را بسهیل بن عمرو پسرد که بعد از ادای
خدمت باو دهد نعیم بمدینه آمد دید که مسلمانان
در تهیه لشکر بدر برای وعده ابو سفیان با ایشان
گفت که بی فکری کرده اید ایشان بر سر شما آمدند
در خانهای شما دیده کرخته اند مگر چند نفری میخواهید
بر سر ایشان روید و حال آنکه ایشان جمعیتی بسیار
کرده اند بخدا سوگند که اگر چنین حرکتی کنید یکی
از شما بخواهید رست اصحاب چون این سخن شنیدند
خواستند که از مدینه بیرون روند پس رسول خدا
فرمود قسم بآنکه روح من در دست اوست که خود
بیرون میروم و هر چند باد شما بروم پس بعضی
مسلمانان از غایت حرص توقف کرده نرفتند و
بعضی بغلبه شجاعت و فرمان برداری تهیه خروج
نمودند و گفتند حسبنا الله نعم الوکیل پس آنحضرت

بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿١٧٤﴾ الَّذِينَ
بنعمتی از خدا بزرگواری و بدرستی خدا ضایع نمی کند مزد گرویدگان را آنانکه
اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ لِلَّذِينَ
اجابت کردند خدا و فرستاده را از بعد آنچه بایشان رسید از جراحت از برای آنانکه
أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقَوْا أَجْرٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٥﴾ الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ
خوبی کردند از ایشان و پرهیز کردند مزد بزرگ کسانی که گفتند مر ایشان را مردمان
إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا
بدرستی که مردمان جمع شدند از برای شما پس بترسید از ایشان پس افزود ایشان را ایمان و گفتند
حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ﴿١٧٦﴾ فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَمْ
بس است ما را خدا و نیکو وکیلی است پس گردیدند بنعمتی از خدا و فضلی
يَمْسَسْهُمْ سُوءٌ وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ
نرسید ایشان را بدی و پیروی کردند خشنودی خدا را و خدا صاحب احسان بزرگست
إِنَّمَا ذَٰلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ وَخَافُونِ
جز این نبود که آن شیطان میترساند دوستانش را پس مترسید از ایشان و بترسید از من
إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿١٧٥﴾ وَلَا يَحْزُنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي
اگر هستید گرویدگان و باید که اندوهگین نسازد تو را که شتاب می کنند در
الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ
کفر بدرستی که ایشان هرگز زیان نرسانند خدا را چیزی میخواهد خدا که نگرداند مر ایشان را
حَظًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴿١٧٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرَوُا
بهره در آخرت و از برای ایشان عذاب بزرگ بدرستی که آنانکه خریدند
الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ﴿١٧٧﴾ وَلَا
کفر را بایمان هرگز زیان نرسانند خدا را چیزی و مر ایشان راست عذاب دردناک و باید که
يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمْلِي لَهُمْ خَيْرٌ لِأَنْفُسِهِمْ إِنَّمَا
پندارند آنانکه کافر شدند که بآنکه مهلت دادیم مر ایشان را بهتر است برای خودهاشان جز این نیست که

نملی لهم لیزدادوا اثما ولهم عذاب مهین ما کان
ملت را هیچ مرا ایشانرا تا زیاد کنند بر ایشان گناه را و مرا ایشانرا است عذاب خوار کننده نباشد که
الله لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتی یمیز الخبیث
خدا او گذارد گرویدگان را بر آنچه شما بر آنید تا جدا سازد پلید را
من الطیب وما کان الله لیطلعکم علی الغیب ولکن
از پاکیزه و نیست خدا را که مطلع سازد شما را بر غیب و لیکن
الله یجتبی من رسله من یشاء فامنوا بالله ورسله وان
خدا برمیگزیند از فرستادگانش هر که را میخواهد پس گروید بخدا و فرستادگان او و اگر
تؤمنوا وتتقوا فلکم اجر عظیم ولا یحسبن الذین یبخلون بما
گروید و پرهیزگار شوید پس مر شماراست مزد بزرگ و نباید که پندارند آنانکه بخل میورزند بآنچه
اتیهم الله من فضله هو خیرا لهم بل هو شر لهم سیطوقون
داده ایشانرا خدا از فضل خود که آن بهتر است مر ایشانرا بلکه آن بدتر است مر ایشانرا بزودی طوق کرده شوند
ما بخلوا به یوم القیمة ولله میراث السموات والارض و
آنچه بخل کردند بآن روز رستخیز و مر خدا راست میراث آسمانها و زمین و
الله بما تعملون خبیر لقد سمع الله قول الذین قالوا ان الله
خدا بآنچه میکنید آگاه است بتحقیق که شنید خدا سخن آنانکه گفتند بدرستی که خدا
فقیر ونحن اغنیاء سنکتب ما قالوا وقتلهم الانبیاء بغیر
محتاج است و ما بی نیازیم بزودی می نویسیم آنچه گفتند و کشتن ایشان پیغمبران را
حق ونقول ذوقوا عذاب الحریق ذلک بما قدمت ایدیکم
بروی حق و میگوئیم بچشید عذاب سوزنده را آن بآنچه پیش فرستاده دستهای شما
وان الله لیس بظلام للعبید الذین قالوا ان الله عهد
و بدرستی که خدا نیست ستمکار مر بندگان را آنانکه گفتند بدرستیکه خدا عهد کرد
الینا الا نؤمن لرسول حتی یاتینا بقربان تاکله النار

از حضرت ابی جعفر علیه السلام مرویست که زکوة واجبی که ادا آن نشده باشد در روز قیامت طوق میشود بر گردن صاحبان و این آیه در باره ایشان است و مان معذب خواهند شد از حضرت رسالت پناهی مرویست که هیچ مردی نیست که ادای زکوة مال خود نکند مگر انکه آن مال در گردن او ماری خواهد شد در روز قیامت پس آیه را تلاوت نمودند و گویا مراد از طوق در این حدیث همین ماری است که بگردن خواهد پیچید

گویند که چون آیه قرض حسن نازل شد یهود گفتند که خداوند فقیر است که از ما قرض میخواهد پس این آیه نازل شد

قُلْ قَدْ جَآءَكُمْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِى بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالَّذِى قُلْتُمْ فَلِمَ
بگو بتحقیق آمدند شما را فرستادگان از پیش من با بینه ها و با آنچه گفتید پس چرا
قَتَلْتُمُوهُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ ۝ فَإِن كَذَّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَ
کشتید ایشان را اگر هستید راست گویان پس اگر تکذیب کنند ترا پس بتحقیق تکذیب کرده شدند
رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ جَآءُو بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ۝
فرستادگان پیش از تو آمدند با بینه ها و زبورها و کتاب روشن
كُلُّ نَفْسٍ ذَآئِقَةُ الْمَوْتِ ۗ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۖ
هر نفسی چشنده مرگ است و جز این نیست که تمام داده شوید مزدهای تان روز رستخیز
فَمَن زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ ۗ وَمَا الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَآ
پس کسیکه دور کرده شد از آتش و داخل کرده شد در بهشت پس بتحقیق برآورد رستگاری را و نیست زندگانی دنیا
إِلَّا مَتَٰعُ الْغُرُورِ ۝ لَتُبْلَوُنَّ فِىٓ أَمْوَٰلِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ وَ
مگر متاع فریب هر آینه آزموده شوید در مالهای تان و در خودهای تان و
لَتَسْمَعُنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَٰبَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوٓا
هر آینه خواهید شنید از آنانکه داده شدند کتاب پیش از شما و از آنانکه شرک آورده اند
أَذًى كَثِيرًا ۚ وَإِن تَصْبِرُوا۟ وَتَتَّقُوا۟ فَإِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ
آزار بسیار و اگر صبر کنید و بپرهیزید پس بدرستیکه آن از عزم
الْأُمُورِ ۝ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَٰقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَٰبَ
کارهاست و هنگامیکه گرفت خدا پیمان آنانکه داده شدند کتاب را
لَتُبَيِّنُنَّهُۥ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُۥ فَنَبَذُوهُ وَرَآءَ ظُهُورِهِمْ وَ
که هر آینه بیان کنید او را برای مردمان و پنهان نکنید او را پس انداختند او را پشتهای شان و
ٱشْتَرَوْا۟ بِهِۦ ثَمَنًا قَلِيلًا ۖ فَبِئْسَ مَا يَشْتَرُونَ ۝ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ
گرفتند بدان متاع فریب هر آینه آزموده شدند در مالهای شان و در خودهای شان و
يَفْرَحُونَ بِمَآ أَتَوا۟ وَّيُحِبُّونَ أَن يُحْمَدُوا۟ بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا۟ فَلَا

سبب نزول آیه

کعب ابن اشرف یهودی هجو حضرت رسول و مسلمانان مینمود و تحریص و ترغیب مشرکان بر قتال مسلمانان مینمود و غزلها در باب زنان مسلمانان میگفت پس آنحضرت فرمود کیست که کعب را بکشد محمد بن مسلمه عرضه داشت که من یا رسول الله پس او با ابو نایله و جمعی دیگر رفتند و او را بحیله کشتند سحرگاه در آخر شب بخدمت حضرت آوردند

تفصیل این قصه خواهد آمد

از حضرت ابی جعفر علیه السلام مرویست که یهود میکشتند با فرزندان خدا و دوستان او و نماز که ازان روزه دار ایم در حال آنکه دوستان خدا و اهل صلوة و صوم بودند

تُحَسِّبَنَّهُم بِمَفَازَةٍ مِّنَ الْعَذَابِ ۖ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۞ وَلِلَّهِ

مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۞ إِنَّ

فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ۞ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَ

قُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ ۖ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ

أَنصَارٍ ۞ رَبَّنَا إِنَّنَا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا

بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا ۚ رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا

وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ ۞ رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ

وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۞ فَاسْتَجَابَ

لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِّنكُم مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ

آداب اهل بیت عصمت و طهارت

مرویست که چون نماز شب بر خیزد نظر باطراف آسمان کرده این پنج آیه را بخواند و در حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که رسول خدا هر شب در وقت خوابیدن مطهره سر بسته بر بالین خود جهة وضو که آشتی و در زیر رختخواب مسواکی مینهاد و چون بیدار می شدند این آیات را میخواندند و وضو ساخته بنماز می ایستادند و چهار رکعت نماز شب میگذارد و در رکوع و سجود دعا بعد از قرائت طول می دادند و بعد از آن بر رختخواب می رفتند پس بیدار شده وضو ساخته نماز بجای آورده دیگر نماز بهمان دستور میگذارد و باز در فراش خود میخوابید پس بیدار شد بدستور این آیات را میخواند و وضو ساخته نماز شفع و وتر را بجای میگذارد پس از خانه بمسجد میرفتند برای نماز صبح و هم از خانواده علوم اولین و آخرین

مرویست که هر نمازی را پس از آن دو رکعت باطله بجا آورد مگر نماز شب را که پیش از آن این آیات خوانده شود

بَعضُكُم مِن بَعضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخرِجُوا مِن دِيَارِهِم

بعضی از بعضی است پس آنانکه هجرت کردند و بیرون رانده شدند از دیارشان

وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنهُم سَيِّئَاتِهِم

و رنجیده شدند در راه من و کارزار کردند و کشته شدند هر آینه بپوشم از ایشان بدیهای ایشانرا

وَلَأُدخِلَنَّهُم جَنَّاتٍ تَجرِي مِن تَحتِهَا الأَنهَارُ ثَوَابًا مِن عِندِ

و در می آورم ایشان را بهشتهائی که میرود در زیر آنها جویها پاداش

اللَّهِ وَاللَّهُ عِندَهُ حُسنُ الثَّوَابِ ۝ لَا يَغُرَّنَّكَ تَقَلُّبُ الَّذِينَ

خداست و خداست نزد او نیکوئی ثواب نباید که فریب دهد تو را رفت و آمد آنان که

كَفَرُوا فِي البِلَادِ ۝ مَتَاعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَأوَاهُم جَهَنَّمُ وَبِئسَ

کافر شدند در شهرها متاعیست اندک پس جایگاه ایشان دوزخست و بد

المِهَادُ ۝ لَكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوا رَبَّهُم لَهُم جَنَّاتٌ تَجرِي مِن تَحتِهَا

بستریست لیکن آنانکه ترسیدند از پروردگارشان مر ایشانرا بهشتها که میرود از زیر آنها

الأَنهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِن عِندِ اللَّهِ وَمَا عِندَ اللَّهِ خَيرٌ

نهرها همیشه در آن نزلی از نزد خدا و آنچه نزد خداست بهتر است

لِلأَبرَارِ ۝ وَإِنَّ مِن أَهلِ الكِتَابِ لَمَن يُؤمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ

مر خوبان را و بدرستی که از بعضی اهل کتاب کسیست که ایمان دارد بخدا و آنچه فرو فرستاده شد

إِلَيكُم وَمَا أُنزِلَ إِلَيهِم خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ

بشما و آنچه فرو فرستاده شد بسوی ایشان خشوع کنندگان برای خدا نمیخرند بآیتهای خدا

ثَمَنًا قَلِيلًا ۚ أُولَٰئِكَ لَهُم أَجرُهُم عِندَ رَبِّهِم ۗ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ

بهائی اندک را آنها اند که مر ایشانرا است مزدشان نزد پروردگارشان بدرستی که خدا زود

الحِسَابِ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا

حسابست ای کسانیکه گرویدید صبر کنید و صبر کنید و استوار باشید

وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُم تُفلِحُونَ

و بپرهیزید از خدا باشد که شما رستگار شوید

سورة النساء مائة وست وسبعون آية

نوابا
مفعول مطلق فعل
محذوف است بتقدیر اثبتوا
ذلک ثوابا من عند الله

نزلا
حال است از جنات و آن
طعام و شرابی است که چون
میهمان آورند

از حضرت
ابی جعفر علیه السلام منقولست
در تفسیر این آیه که صبر کنید در مصیبتها و مصابره
کنید با دشمنان و مرابطه نمایید برای دفع
ضرر دشمنان و جمعی از مفسرین هم چنین گفته اند

بسم الله الرحمن الرحيم

یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس
واحدة وخلق منها زوجها وبث منهما رجالا کثیرا ونساء
واتقوا الله الذی تساءلون به والارحام ان الله کان
علیکم رقیبا واتوا الیتامی اموالهم ولا تتبدلوا الخبیث
بالطیب ولا تاکلوا اموالهم الی اموالکم انه کان
حوبا کبیرا وان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی فانکحوا
ما طاب لکم من النساء مثنی وثلاث ورباع فان خفتم
الا تعدلوا فواحدة او ما ملکت ایمانکم ذلک ادنی
الا تعولوا واتوا النساء صدقاتهن نحلة فان طبن لکم
عن شیء منه نفسا فکلوه هنیئا مریئا ولا تؤتوا السفهاء
اموالکم التی جعل الله لکم قیاما وارزقوهم فیها

حزب

الارحام

معطوفست بر الله یعنی
احتراز نماید از قطع صله خویشان و این
تفسیر از حضرت ابی جعفر علیه السلام مرویست
و در حدیث قدسی مشهور است که خدای تعالی
فرمود منم رحمن آفریدم رحم را و برای
آن نامی از نام خود برآوردم پس هر که
صله رحم کند من با او خواهم کرد
و کسی که قطع رحم کند من با او خواهم کرد

شیخ ابو علی طبرسی گفته که در
تفاسیر اصحاب ما مرویست که این آیه و آن
خشم نازل شد در باب دختر عمی که در حجر رسالت
ولی او بالغ شد و بعلت مال و جمال خواهان
تزویج او را و لیکن کمتر از مهر مثل او پس نهی از نکاح
ایشان واقع شد مگر آنکه بعدالت معلوم باشد حال ایشان
مقرر شود و از غایه المرام
روایت کرده
ایضا

این شش
از حضرت ابی جعفر
مرویست و این عباس هم در شش
این آیه فرموده که هرگاه مردی داند
که زنش با فرزندش شیفته است مال خود را
بدست ایشان مدهد یعنی همه اخراجات
بدو مده و بعضی از مفسرین زن
بشیر گرد و گفته اند که هر دو را
خدا شیفته گردد و مویدان
حدیثی از پس از پیغمبر
ذکر کرده اند

وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا ۝ وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ
و بپوشانید ایشان را و بگویید برای ایشان سخن نیکو و بیازمایید
إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ ۖ فَإِنْ آنَسْتُم مِّنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ
چون برسند ایشان بحد زن شوهری پس اگر بیابید شما از ایشان صلاح معاش پس بدهید ما بایشان
أَمْوَالَهُمْ ۖ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَن يَكْبَرُوا ۚ وَمَن كَانَ
مالهای ایشان را و مخورید آنرا از راه اسراف و شتاب نمایندگان تا اکبر بزرگ شوند و هر که باشد
غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ ۖ وَمَن كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ ۚ فَإِذَا
تو انگر پس باید که بی نیازی نماید و کسی که باشد درویش پس باید بخورد از اجرت آن بوجه شرع پس چون
دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهِدُوا عَلَيْهِمْ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا
دهید ایشان را مالهاشان را پس گواه گیرید بر ایشان و بس است خدای شمار کننده و
لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ ۖ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ
مردرا از است بهره از آنچه گذاشته پدران و مادران و نزدیکان و مر زنان را بهره است
مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ ۚ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا
از آنچه گذاشته پدران و مادران و نزدیکان از آن اندکست از آن متروک یا بسیار است بهره فریضه گردانیده شده
وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُم مِّنْهُ وَقُولُوا
و چون حاضر شوند در قسمت ترکه خداوندان خویشی و یتیمان و بیچارگان پس روزی دهید ایشان را از او و
لَهُمْ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ۝ وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكُوا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعَافًا
گویید مر ایشان را گفتاری بنیکو باید که بترسند آنانی که اگر بگذارند از پس وفات
خَافُوا عَلَيْهِمْ ۖ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ
پس بترسند آنکه نوه بگذارند از خود پس باید بترسند از خدا و باید که بگویند گفتار راست صواب
يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ
میخورند مالهای یتیمان را بی وجه شرع جز این نیست که میخورند در شکمهای خود
نَارًا ۖ وَسَيَصْلَوْنَ سَعِيرًا ۝ يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ
آتش را و زود باشد که در آورده شوند در آتش افروخته وصیت میکند خدا در باب فرزندان شما

للذكر مثل حظ الأنثيين فإن كن نساء فوق اثنتين فلهن
ثلثا ما ترك وإن كانت واحدة فلها النصف ولأبويه
لكل واحد منهما السدس مما ترك إن كان له ولد فإن لم
يكن له ولد وورثه أبواه فلأمه الثلث فإن كان له إخوة
فلأمه السدس من بعد وصية يوصى بها أو دين آباؤكم و
أبناؤكم لا تدرون أيهم أقرب لكم نفعا فريضة من الله
إن الله كان عليما حكيما ولكم نصف ما ترك أزواجكم
إن لم يكن لهن ولد فإن كان لهن ولد فلكم الربع مما
تركن من بعد وصية يوصين بها أو دين ولهن الربع مما
تركتم إن لم يكن لكم ولد فإن كان لكم ولد فلهن الثمن
مما تركتم من بعد وصية توصون بها أو دين وإن كان رجل
يورث كلالة أو امرأة وله أخ أو أخت فلكل واحد

علائی

رعیت میان علمای امامیه رضی الله عنهم در این که دو برادر
پدری یا مادری یا یک برادر و دو خواهر
یا شوهر و مادر میشوند از زیادهٔ از سهم ایشان
جمع بر او جایز است و در کلام فصحا و بلغا شایع
واقع بلکه در قرآن مجید هم در غیر این موضع واقع شده
در گزیده و کنا لحکمهم شاید این چه ضمیر جمع راجع بخبر
داود و سلیمان است و دلیل بر این حکم اخبار اهل بیت
علیهم السلام است و ابن عباس گفته کمتر از سه برادر
و سه خواهر حاجب مادری نمی شوند و ظاهر آیه آنست
که اخوه حاجب مادر باشند هر چند مدر در حیات
نباشد چنانکه قول ضعیفی از اصحاب و مذهب جمع
عامه هست و اکثر اصحاب ما حیات مدری را
کرده اند در حجب ما اعتبار را بکه علت منع ایشان
آنست که آنها عیال مدرند پس باید به مدر برسد
ارث رسد و اخبار اهل بیت علیهم السلام دلالت
بر آن دارد و آنها مخصص
آیه میتواند بود
والله یعلم

این تفسیر

مبنی است بر اینکه یورث صفت رجل باشد از باب
حذف و ایصال بتقدیر یورث منه و نیاز این کلاله
خبر کان است و آن مبنی بی فرزند و بی پدر و بی مادر است
چنانچه اکثر مفسرین گفته اند و محتمل که کلاله مبنی اخوه
باشد یعنی اگر بوده باشد آن میتی که از و میراث
برده میشود برادر یا خواهر وارث اگر وارث یک برادر
یا یک خواهر است سدس میبرد و اگر متعدد است ثلث

مِنهُما السُّدُسُ فَإِن كانوا أكثرَ مِن ذٰلِكَ فَهُم شُرَكاءُ فِي
از برادر و خواهر شش یک پس اگر بوده باشند بیشتر از سه یک پس همه ایشان در
الثُّلُثِ مِن بَعدِ وَصِيَّةٍ يوصىٰ بِها أَو دَينٍ غَيرَ مُضارٍّ وَصِيَّةً
سه یک خواهد بود بعد از بیرون کردن وصیتی که وصیت نموده باشد بآن یا بعد از ادای دینی که آن میت ضرر رساننده نشود
مِنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ ۝ تِلكَ حُدودُ اللَّهِ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَ
از نزد خدا و خدا دانا و بردبار است این احکامی خدا است و هر که فرمان برد
رَسولَهُ يُدخِلهُ جَنّاتٍ تَجرِي مِن تَحتِهَا الأَنهارُ خالِدِينَ فِيهَا
فرستاده او را در می آورد در بهشتهائی که
وَذٰلِكَ الفَوزُ العَظِيمُ ۝ وَمَن يَعصِ اللَّهَ وَرَسولَهُ وَيَتَعَدَّ
و این است رستگاری بزرگ و هر که نافرمانی کند خدا را و فرستاده او را و در گذرد از
حُدودَهُ يُدخِلهُ نارًا خالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذابٌ مُهِينٌ ۝ وَاللّٰتِي
حکمهای او را در آورد او را در آتش جاویدان در آن و مر او را است عذاب خوار کننده و آن زنانی که
يَأتِينَ الفاحِشَةَ مِن نِسائِكُم فَاستَشهِدُوا عَلَيهِنَّ أَربَعَةً مِنكُم
بیایند کار زشت را از زنان شما پس گواه طلبید بر ایشان چهار گواه
فَإِن شَهِدُوا فَأَمسِكُوهُنَّ فِي البُيُوتِ حَتّىٰ يَتَوَفّاهُنَّ المَوتُ أَو
پس اگر گواهی دهند پس نگاه دارید آن زنان را در خانه تا آنگاه که
يَجعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا ۝ وَاللَّذانِ يَأتِيانِهَا مِنكُم فَآذُوهُما
بگرداند خدا برای ایشان راهی و دو مرد یا مرد و زنی بیایند کار زشت را از شما پس آزار رسانید
فَإِن تابا وَأَصلَحا فَأَعرِضُوا عَنهُما إِنَّ اللَّهَ كانَ تَوّابًا رَحِيمًا
پس اگر توبه کردند و باصلاح آوردند کار را پس روی گردانید از آن دو بدرستی که خدا هست توبه پذیر مهربان
إِنَّمَا التَّوبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعمَلُونَ السُّوءَ بِجَهالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ
جز این نیست که پذیرنده توبه بر خدا است برای کسانی است که می کنند بدی را از نادانی پس توبه کنند از
مِن قَرِيبٍ فَأُولٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيهِم وَكانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا
زمان نزدیک پس آنها اند که میپذیرد توبه را خدا بر ایشان و هست خدا دانای درست کار

دیگر

حضرت صادق علیه السلام
مرویست که هر گناهی که آدمی میکند
هر چند که عالم باشد پس او جاهل است در آن
وقتیکه خود را در معصیت الهی اندازد چه تحقیق
که حضرت سبحانه و تعالی حکایت کرده قول یوسف
با برادرانش که هل علمتم ما فعلتم بیوسف و اخیه
اذ انتم جاهلون و ارقام زده حکایت کرده از

وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ

الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ كُفَّارٌ

أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۞ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

لَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرِثُوا النِّسَاءَ كَرْهًا ۖ وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا

بِبَعْضِ مَا آتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِينَ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ ۚ وَعَاشِرُوهُنَّ

بِالْمَعْرُوفِ ۚ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ

يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا ۞ وَإِنْ أَرَدْتُمُ اسْتِبْدَالَ زَوْجٍ

مَكَانَ زَوْجٍ وَآتَيْتُمْ إِحْدَاهُنَّ قِنْطَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا

أَتَأْخُذُونَهُ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا ۞ وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَىٰ

بَعْضُكُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ وَأَخَذْنَ مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ۞ وَلَا

تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ ۚ إِنَّهُ

كَانَ فَاحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا ۞ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ

از حضرت ابی جعفر علیه السلام

مرویست که در جاهلیت هرگاه مردی

میمرد و زنی میگذاشت پسری که از زن دیگر داشت

می آمد و ولی آن پسر می امد رختش بارث میبرد

چنانکه مالش را بمیراث میبرد و جامه بر او

می انداخت پس اگر او را میخواست او را برای خود

نزویج میکرد بهمان صداقی که پدرش داده بود

و اگر میخواست نزویج دیگری میکرد و صداقش را

متصرف می شد پس نهی از زن واقع شد و هم از

آنحضرت منقول است که ابو قیس بن الاسلت

مرد و زنی گذاشت کبشه دختر معن پسرش محصن

ابن ابی قیس جامه بر سر او انداخت و نکاحش را

وارث شد و نه معارت میکرد با او و نه بقصد اضرار

میداد این شکایت بخدمت رسول صلی الله علیه

آله برد این آیه نازل شد نکاحوا ما الآخر

لکم ناکحوا و لا تعضلوهن تا آخر

در باب خلع است

خطاب

در لا تعضلوهن با شوهر است که خدا تعالی فرموده

که هرگاه نخواهید زنان را طلاق دهید و نگاه

دارید ایشان را بقصد اضرار ایشان تا انکه

عوضی بدهند و طلاق گیرند مگر انکه معصیتی از ایشان

صادر شود که از انجمله نشوز زن است که در این

صورت جایز است نگاه داشتن او بقصد اضرار

تا انکه عوضی بدهد و طلاق خلع واقع شود از حضرات

ائمه صلوات الله علیهم اجمعین استفتا شد

از حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه

در این که مردان را بر زنان در حال غضب

میتوان زد یا نه فرمود که نه

أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَ

مادران شما بر و دختران شما بر و خواهران شما بر و عمه های شما بر و خاله های شما بر و

بَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ

دختران برادر شما بر و دختران خواهر شما بر و مادران شما آن مادرانی که شیر داده باشند شما را

وَأَخَوَاتُكُمْ مِنَ الرَّضَاعَةِ وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبَائِبُكُمُ اللَّاتِي

و خواهران شما که خواهر شیری باشند بر شما و مادران زنان شما و دختران زنان شما از آنکه

فِي حُجُورِكُمْ مِنْ نِسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَإِنْ لَمْ تَكُونُوا

در پرورش بود و در کنار شما از زنان شما آنزنانی که درخول کرده شما با ایشان پس اگر نباشد که

دَخَلْتُمْ بِهِنَّ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ

درخول کرده شما با ایشان پس نیست گناهی بر شما و زنان و پسران شما آنانکه از

أَصْلَابِكُمْ وَأَنْ تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ اللَّهَ

پشتهای شما اند و آنکه جمع کنید شما میان دو خواهر مگر آنچه گذشته است بدرستی خدا

كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ

هست آمرزنده مهربان و زنانی که در عقد باشند از زنان شوهردار مگر آنچه مالک شده

أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ

و دستهای ایشان گرفته است خدای بر شما را و حلال کرد برای شما آنچه غیر از اینهاست شما را

أَنْ تَبْتَغُوا بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسَافِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ

برای آنکه طلب کنید بمالهای خود نگاه دارنده باشید خود را نه زنا کنندگان پس آنچه متعه کنید شما

مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا

از زنان پس بدهید ایشان را مهرهای ایشان را از روی واجب و نیست گناهی بر شما در آنچه

تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

خشنود شوید بآن بعد از فریضه بدرستی که خدا هست دانای درست کار

وَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَنْ يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ

و هر که نتواند از شما که بخواهد بحرزنانی را که آزاد باشند و مومن باشند

الجزء ۵

ان تفسیر از اهل بیت نبوت در رسالت صلی الله علیه و آله مشهول است و مومد ایعنی انکه در قرآت عبد الله بن عباس و عبد الله بن مسعود و ابی کعب و ابی است که فما استمتعتم به منهن الی اجل مسمی فاتوهن اجورهن در تفسیر ثعلبی از حبیب بن ابی ثابت مشهول است که ابن عباس مصحفی من داد گفت این قرآن قرات ابی بن کعب است در قرآن دیدم نوشته بود فما

فَمِن مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُم مِّن فَتَيَاتِكُمُ الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ

بِإِيمَانِكُم بَعْضُكُم مِّن بَعْضٍ فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَ

آتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسَافِحَاتٍ وَلَا

مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا أُحْصِنَّ فَإِنْ أَتَيْنَ بِفَاحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ

مَا عَلَى الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنكُمْ

وَأَن تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ

لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ

وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ وَاللَّهُ يُرِيدُ أَن يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ

يَتَّبِعُونَ الشَّهَوَاتِ أَن تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا ۝ يُرِيدُ اللَّهُ أَن

يُخَفِّفَ عَنكُمْ وَخُلِقَ الْإِنسَانُ ضَعِيفًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَن تَكُونَ

تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

فصل سیم

در ذکر وجوه مانع ازدواج

باب صدمی وجوه مانع ازدواج است و آن بر دو قسم است مؤبد و مؤقت اما مؤبد پس آن بر سه قسم است قسم اول آنست که از جهت نسب حرام باشد و آن هفت است مادر و دختر و خواهر و عمه و خاله و دختر برادر و دختر خواهر و اما مؤقت پس آن بر سه قسم است قسم اول آنست که از جهت رضاع حرام باشد و آن نیز هفت است مادر رضاعی و دختر رضاعی و خواهر رضاعی و عمه رضاعی و خاله رضاعی و دختر برادر رضاعی و دختر خواهر رضاعی و بدانکه هر که از جهت نسب بر کسی حرام باشد از جهت رضاع نیز حرام باشد الا مادر برادر که از جهت نسب بر برادر حرام است و از جهت رضاع حلال است و همچنین مادر پدر که از جهت نسب بر پسر حرام است و از جهت رضاع حلال است و همچنین دختر پسر که از جهت نسب بر پدر حرام است و از جهت رضاع حلال است و همچنین دختر دختر که از جهت نسب بر مادر حرام است و از جهت رضاع حلال است و همچنین دختر پسر و دختر دختر که از جهت نسب بر عمه و خاله حرام است و از جهت رضاع حلال است و همچنین دختر برادر و دختر خواهر که از جهت نسب بر عمه و خاله حرام است و از جهت رضاع حلال است و دلیل بر آنکه هر که از جهت نسب بر کسی حرام باشد از جهت رضاع نیز حرام باشد الا آنچه استثنا کرده شد آنست که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب الا ما استثنی و دلیل بر آنکه هر که از جهت رضاع بر کسی حرام باشد از جهت نسب نیز حرام باشد الا آنچه استثنا کرده شد آنست که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که یحرم من النسب ما یحرم من الرضاع الا ما استثنی و دلیل بر آنکه مادر برادر از جهت نسب بر برادر حرام است و از جهت رضاع حلال است آنست که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که لا تحرم علیکم الرضاعة الا ما فتق الامعاء فی الثدی و دلیل بر آنکه مادر پدر از جهت نسب بر پسر حرام است و از جهت رضاع حلال است آنست که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که لا تحرم علیکم الرضاعة الا ما فتق الامعاء فی الثدی و دلیل بر آنکه دختر پسر از جهت نسب بر پدر حرام است و از جهت رضاع حلال است آنست که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که لا تحرم علیکم الرضاعة الا ما فتق الامعاء فی الثدی و دلیل بر آنکه دختر دختر از جهت نسب بر مادر حرام است و از جهت رضاع حلال است آنست که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که لا تحرم علیکم الرضاعة الا ما فتق الامعاء فی الثدی و دلیل بر آنکه دختر پسر و دختر دختر از جهت نسب بر عمه و خاله حرام است و از جهت رضاع حلال است آنست که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که لا تحرم علیکم الرضاعة الا ما فتق الامعاء فی الثدی و دلیل بر آنکه دختر برادر و دختر خواهر از جهت نسب بر عمه و خاله حرام است و از جهت رضاع حلال است آنست که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که لا تحرم علیکم الرضاعة الا ما فتق الامعاء فی الثدی و دلیل بر آنکه هر که از جهت رضاع بر کسی حرام باشد از جهت نسب نیز حرام باشد الا آنچه استثنا کرده شد آنست که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که یحرم من الرضاع ما یحرم من النسب الا ما استثنی و دلیل بر آنکه هر که از جهت نسب بر کسی حرام باشد از جهت رضاع نیز حرام باشد الا آنچه استثنا کرده شد آنست که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که یحرم من النسب ما یحرم من الرضاع الا ما استثنی و دلیل بر آنکه مادر برادر از جهت نسب بر برادر حرام است و از جهت رضاع حلال است آنست که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که لا تحرم علیکم الرضاعة الا ما فتق الامعاء فی الثدی و دلیل بر آنکه مادر پدر از جهت نسب بر پسر حرام است و از جهت رضاع حلال است آنست که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که لا تحرم علیکم الرضاعة الا ما فتق الامعاء فی الثدی و دلیل بر آنکه دختر پسر از جهت نسب بر پدر حرام است و از جهت رضاع حلال است آنست که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که لا تحرم علیکم الرضاعة الا ما فتق الامعاء فی الثدی و دلیل بر آنکه دختر دختر از جهت نسب بر مادر حرام است و از جهت رضاع حلال است آنست که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که لا تحرم علیکم الرضاعة الا ما فتق الامعاء فی الثدی و دلیل بر آنکه دختر پسر و دختر دختر از جهت نسب بر عمه و خاله حرام است و از جهت رضاع حلال است آنست که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که لا تحرم علیکم الرضاعة الا ما فتق الامعاء فی الثدی و دلیل بر آنکه دختر برادر و دختر خواهر از جهت نسب بر عمه و خاله حرام است و از جهت رضاع حلال است آنست که رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که لا تحرم علیکم الرضاعة الا ما فتق الامعاء فی الثدی

مطلب همان حدیثی است که در حرمت متعه عامه مسلمان شده و اند و آن حدیث متواتر است که عمر گفت متعتان کانتا علی رسول الله صلی الله علیه و آله و انا انهی عنهما اعاقب علیهما یعنی دو متعه در زمان حضرت رسول حلال بودند و منع میکنم من شما را از آنها و از هر که صادر میشود او را عقوبت میکنم و تعزیر مینمایم چه اگر در وقایع این حکم نیز منسوخ میشود عمر دست بمنع میزد و تحریم را نسبت بخود نمیداد چه در این وقت بهتر از و قبول میکردند و حاصل آنکه چون جمعی دیده اند که حکام شیع بر رسول خدا بسبب این حدیث متواتر دست زده و سابقت قول عمر نموده اند و گویا که ایشان او من الیهود لیت لنا الکعبوت بنظر ایشان رسیده و حدیث متواتر معنوی را که حلال محمد حلال است تا روز قیامت و حرام محمد حرام است تا روز قیامت نشنیده اند

محصن

و محصنه در لغت آمده و در قرآن هم بآن معانی استعمال شده یکی مردی که زنی داشته باشد و زنی که شوهر دارد باشد دویم حره و حره هم عفیفه و عفیفه مقابل زانی و زانیه در انجا مراد اول است و مراد از ما ملکت ایمانکم کنیزان شوهر دار مردمان سه قسم است یکی شوهرداری از اهل حرب که آمده شود دویم کنیز شوهرداری که خریده شود سیم کنیز شوهرداری که شوهرش غلام کنیز صاحب باشد و در این سه صورت مولی را و علی ان کنیز عار است شرط آنکه در صورت دویم راضی بعقد سابق

بِكُمْ رَحِيمًا ۝ وَمَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ

بشما مهربان ۝ و کسی که بکند از راه دشمنی و بیدادی پس زود باشد که

نُصْلِيهِ نَارًا ۝ وَكَانَ ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرًا ۝ اِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ

بسوزانیم او را در آتش و باشد آن بر خدا آسان ۝ اگر دوری کنید از گناهان بزرگ

مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلْكُمْ مُدْخَلًا

آنچه نهی کرده میشوید از آن می پوشیم از شما گناهان شما را و داخل کنیم شما را بجائی شریف که

كَرِيمًا ۝ وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللّٰهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلٰى بَعْضٍ ۭ لِلرِّجَالِ

بهشت است ۝ و آرزو مکنید آنچه افزونی داده خدا آن چیز را بعضی از شما را بر بعضی مرد را از آنست

نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا ۭ وَلِلنِّسَاۗءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ ۭ وَاسْـَٔـلُوا

بهره از آنچه کسب کرده اند ۝ و مر زنان را بهره است از آنچه کسب کرده و طلب کنید

اللّٰهَ مِنْ فَضْلِهٖ ۭ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا ۝ وَلِكُلٍّ جَعَلْنَا

خدا را از فضل او بدرستی که خدا است بهر چیز دانا ۝ و برای هر یک گردانیدیم

مَوَالِيَ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدٰنِ وَالْاَقْرَبُوْنَ ۭ وَالَّذِيْنَ عَقَدَتْ

میراث خواران از آنچه گذاشته بعد از خود پدر و مادر و

اَيْمَانُكُمْ فَاٰتُوْهُمْ نَصِيْبَهُمْ ۭ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ

نزدیکان و آنانکه ما بایشان بستیم بیمان

شَهِيْدًا ۝ اَلرِّجَالُ قَوَّامُوْنَ عَلَى النِّسَاۗءِ بِمَا فَضَّلَ اللّٰهُ

گواه ۝ مردان حق پیشه دارند بر زنان بآنچه زیادتی داده خدا

بَعْضَهُمْ عَلٰى بَعْضٍ وَّبِمَآ اَنْفَقُوْا مِنْ اَمْوَالِهِمْ ۭ فَالصّٰلِحٰتُ

بعضی را بر بعضی و بسبب آنچه انفاق می کنند از مالهای خود پس زنان نیکوکار

قٰنِتٰتٌ حٰفِظٰتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللّٰهُ ۭ وَالّٰتِيْ تَخَافُوْنَ

فرمان بران و نگاهدارندگان عرض و ناموس شوهر انند در نهان و غیاب شوهر بآنچه نگاه داشت خدا بزنان را که دوست

نُشُوْزَهُنَّ فَعِظُوْهُنَّ وَاهْجُرُوْهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوْهُنَّ

نافرمانی ایشان را پس نصیحت کنید ایشان را و کناره کنید از ایشان در خوابگاه و بزنید ایشان را

فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيًّا كَبِيرًا

پس اگر فرمان بردند شما را پس مجوئید بر آزار ایشان راهی بدرستیکه خدا است بلند مرتبه بزرگ

وَإِنْ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَابْعَثُوا حَكَمًا مِنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِنْ

و اگر بترسید شما از جدائی میان مرد و زن پس برانگیزید داوری از خویشان مرد و داوری از

أَهْلِهَا إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ

خویشان زن اگر خواهند که باصلاح آورند کار زن را بسازگاری و مهربانی الفت خدا میان زن و شوهر بدرستیکه خدا است

عَلِيمًا خَبِيرًا ۞ وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ

دانای آگاه و بپرستید خدا را و شرک نیاورید بوی چیزی و بپدر و مادر خود

إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ

نیکوئی کنید و بخویشاوندان قرابت و خویشی و بکودکان بی پدر و بیچارگان و همسایگان خویش

ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَابْنِ

و صاحب پرده کی و همسایه بیگانه و یار و رفیق و همراه و همنشین و بر رهگذار و مسافر را

السَّبِيلِ ۙ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ

و هر مملوک که شد دستهای شما بدرستی که خدا دوست نمی دارد کسی را که

مُخْتَالًا فَخُورًا ۞ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ

خود بین است و بسیار فخر کننده آنانکه بخل میورزند و امر می کنند مردمان را ببخل

وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ

و پنهان میدارند آنچه داده ایشان را خدا از فضل خود و آماده کرده ایم برای کافران

عَذَابًا مُهِينًا ۞ وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا

عذابی خوار کننده و کسانی که صدقه می کنند مالهای خود را بجهت رو و ریای مردمان و

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ

نمی گروند بخدا و نه بروز بازپسین و هر که باشد شیطان مر او را

قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا ۞ وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ آمَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ

همنشین پس بد همنشینی است و چه زیان بود بر کافران اگر گروند بخدا و بروز

ضمیمه

خطاب در فابعثوا

چنانچه در اخبار اهل بیت علیهم

السلام مستفاد است راجع است بحکام

قضات که هر گاه زن و شوهری که کشوری

میانه ایشان واقع است مرافعه بر دادگاه ایشان

برند ایشان یکی از خویشان مرد و معتمدی

از خویشان زن را مقرر فرمایند که میانه

ایشان بحسبی که مصلحت دانند مصالحه

مقرر نمایند و هر چه حکمین حکم نمایند

بر زوجین عمل بآن

لازم است

الاخر وانفقوا مما رزقهم الله وكان الله بهم عليما ان
الله لا يظلم مثقال ذرة وان تك حسنة يضاعفها
ويؤت من لدنه اجرا عظيما فكيف اذا جئنا من كل
امة بشهيد وجئنا بك على هؤلاء شهيدا يومئذ يود
الذين كفروا وعصوا الرسول لو تسوى بهم الارض
ولا يكتمون الله حديثا يا ايها الذين امنوا لا تقربوا الصلوة
وانتم سكارى حتى تعلموا ما تقولون ولا جنبا الا عابري
سبيل حتى تغتسلوا وان كنتم مرضى او على سفر او جاء
احد منكم من الغائط او لامستم النساء فلم تجدوا
ماء فتيمموا صعيدا طيبا فامسحوا بوجوهكم وايديكم
ان الله كان عفوا غفورا الم تر الى الذين اوتوا نصيبا
من الكتاب يشترون الضلالة ويريدون ان تضلوا

در بعضی
اخبار بسکر تفسیر شده است
بمستی خواب
خلاصه مضمون انکه در حال مستی نماز نکنید
در حال جنابت هم تا غسل نکنید نماز نکنید مگر
انکه مسافر باشید که آب نیابید که در اینصورت
با تیمم بدل از غسل نماز بکنید
این آیه
صریح است در مذهب مشهور میانه امامیه رضی الله
عنهم چه دخول با بعضیه بر وجوهکم دلالت بر آن
دارد که بعضی از رویی که در وضو شستن آن واجب
در تیمم باید مسح شود و عطف ایدی بر وجوه
آنست که باز آنچه داخل شود و بنابر این بعضی
از دستها که در وضو شسته میشود در تیمم ممنوع خواهد

السَّبِيلَ ۞ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِاَعْدَآئِكُمْ ۚ وَكَفٰى بِاللّٰهِ وَلِيًّا ۙ وَّكَفٰى بِاللّٰهِ

نَصِيرًا ۞ مِنَ الَّذِيْنَ هَادُوْا يُحَرِّفُوْنَ الْكَلِمَ عَنْ مَّوَاضِعِهٖ

وَيَقُوْلُوْنَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَاسْمَعْ غَيْرَ مُسْمَعٍ وَّرَاعِنَا لَيًّا

بِاَلْسِنَتِهِمْ وَطَعْنًا فِى الدِّيْنِ ۚ وَلَوْ اَنَّهُمْ قَالُوْا سَمِعْنَا وَاَطَعْنَا

وَاسْمَعْ وَانْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَّهُمْ وَاَقْوَمَ ۙ وَلٰكِنْ لَّعَنَهُمُ اللّٰهُ

بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوْنَ اِلَّا قَلِيْلًا ۞ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ اُوْتُوا الْكِتٰبَ

اٰمِنُوْا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ مِّنْ قَبْلِ اَنْ نَّطْمِسَ وُجُوْهًا

فَنَرُدَّهَا عَلٰۤى اَدْبَارِهَاۤ اَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّاۤ اَصْحٰبَ السَّبْتِ ۚ

وَكَانَ اَمْرُ اللّٰهِ مَفْعُوْلًا ۞ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَغْفِرُ اَنْ يُّشْرَكَ بِهٖ وَيَغْفِرُ

مَا دُوْنَ ذٰلِكَ لِمَنْ يَّشَآءُ ۚ وَمَنْ يُّشْرِكْ بِاللّٰهِ فَقَدِ افْتَرٰۤى اِثْمًا

عَظِيْمًا ۞ اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ يُزَكُّوْنَ اَنْفُسَهُمْ ۭ بَلِ اللّٰهُ يُزَكِّيْ مَنْ يَّشَآءُ

وَلَا يُظْلَمُوْنَ فَتِيْلًا ۞ اُنْظُرْ كَيْفَ يَفْتَرُوْنَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ

مراد
از کلمات لغة
پیغمبر آخر الزمان است
وغیر از آن از احکام شریعه
که در توراة تحریف
کرده اند

خلاصه
مضمون این تفسیر از
ابو الجارود از حضرت ابو جعفر
علیه السلام حکایت شده و بعضی از مفسرین
گفته اند که معنی آنست که پیش از آنکه
آثار روهای شما را محو کنیم تا آنگاه از قبل آن
بسوار شود و دیدهای شما را در آن
قرار دهیم بحیثیتی که در حرکت متحیر
راه روند و از این جا پس بعضی معنوی
و بعضی گفته اند که معنی آنست که روهای
شما را پر موکنیم مثل مورچه
چنانکه اصحاب سبت
شدند

وَكَفَىٰ بِهِۦٓ إِثۡمٗا مُّبِينًا ۝ أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ نَصِيبٗا مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ

يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡجِبۡتِ وَٱلطَّٰغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُواْ

هَٰٓؤُلَآءِ أَهۡدَىٰ مِنَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ سَبِيلًا ۝ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَعَنَهُمُ

ٱللَّهُۖ وَمَن يَلۡعَنِ ٱللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُۥ نَصِيرًا ۝ أَمۡ لَهُمۡ نَصِيبٞ مِّنَ

ٱلۡمُلۡكِ فَإِذٗا لَّا يُؤۡتُونَ ٱلنَّاسَ نَقِيرًا ۝ أَمۡ يَحۡسُدُونَ ٱلنَّاسَ

عَلَىٰ مَآ ءَاتَىٰهُمُ ٱللَّهُ مِن فَضۡلِهِۦۖ فَقَدۡ ءَاتَيۡنَآ ءَالَ إِبۡرَٰهِيمَ ٱلۡكِتَٰبَ

وَٱلۡحِكۡمَةَ وَءَاتَيۡنَٰهُم مُّلۡكًا عَظِيمٗا ۝ فَمِنۡهُم مَّنۡ ءَامَنَ بِهِۦ وَ

مِنۡهُم مَّن صَدَّ عَنۡهُۚ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ سَعِيرًا ۝ إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ

بِـَٔايَٰتِنَا سَوۡفَ نُصۡلِيهِمۡ نَارٗا كُلَّمَا نَضِجَتۡ جُلُودُهُم بَدَّلۡنَٰهُمۡ

جُلُودًا غَيۡرَهَا لِيَذُوقُواْ ٱلۡعَذَابَۗ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمٗا

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ سَنُدۡخِلُهُمۡ جَنَّٰتٖ تَجۡرِي

مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ لَّهُمۡ فِيهَآ أَزۡوَٰجٞ مُّطَهَّرَةٞ

استفهام

برای انکار است یعنی

هرگز نباید قیامت ایشان را

پادشاهی بخواهد

بود

حبسی

چنانکه کفر بعضی از فرزندان

حضرت ابراهیم ضرری بجلال آنحضرت

نداشت کفر یهود هم ضرری بجلال تو

ندارد یا انکه عادت ایشان است

انکار پیغمبران امری تازه

نیست

وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا ۝ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ

إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ

اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا

الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ ۖ

فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ

بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى

الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِكَ

يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا

بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ۝ وَإِذَا قِيلَ

لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ

يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا ۝ فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ

بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ جَاءُوكَ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا

ای فرزندان و پیروان ما شیعیان ما از آل محمد علیهم السلام خدا

شما را رحمت کند و توفیق دهد بر فرمانبرداری ایشان را علی الاطلاق بر خلایق

همگی واجب گردانیده چنانکه فرمانبرداری خود و فرمانبرداری پیغمبر خود را

در همه باب بر همه خلایق واجب ساخته و مخفی نمانده که در هر باب واجب الاطاعه بودن معصوم

لازم دارد چه غیر معصوم غلط و خطا بسیار میشاید و وجوب اطاعت در آنها از طریقه عقل و شرع

بسیار دور است و با اتفاق اهل ملت نبوی صلی الله علیه و آله در این امت غیر ائمه معصوم نبوده و ندارند

معصوم بوده اند بمقتضای کریمه انما یرید الله لیذهب

عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا که با تفاق

علمای ملت در شان ایشان نزول یافته مگر بعضی از

معاندین گفته اند که در شان آنحضرت و ازواج رسول

یافته و بطلان آن بوجوه ظاهر میشود از اخباری که عامه

در کتب صحاح خود روایت کرده اند که بعد از نزول این

احسانا وتوفيقا ۝ اولئك الذين يعلم الله ما في قلوبهم
فاعرض عنهم وعظهم وقل لهم في انفسهم قولا بليغا ۝ وما
ارسلنا من رسول الا ليطاع باذن الله ولو انهم اذ ظلموا
انفسهم جاؤك فاستغفروا الله واستغفر لهم الرسول
لوجدوا الله توابا رحيما ۝ فلا وربك لا يؤمنون حتى يحكموك
فيما شجر بينهم ثم لا يجدوا في انفسهم حرجا مما قضيت ويسلموا
تسليما ۝ ولو انا كتبنا عليهم ان اقتلوا انفسكم او اخرجوا
من ديارهم ما فعلوه الا قليل منهم ولو انهم فعلوا ما يوعظون
به لكان خيرا لهم واشد تثبيتا ۝ واذا لاتيناهم من لدنا
اجرا عظيما ۝ ولهديناهم صراطا مستقيما ۝ ومن يطع الله
والرسول فاولئك مع الذين انعم الله عليهم من النبيين و
الصديقين والشهداء والصالحين وحسن اولئك

رفيقا

در فلاورزبک
زاید و است برای تاکید
قسم

از حضرت امام
جعفر صادق صلوات الله علیه روایت کرده که
آنحضرت با من گفت ای ابا محمد بحقیق که خداوند
تعالی شما یعنی شیعیان را در کتاب خود یاد کرده
پس این آیه را خواند پس فرمود بلی رسول الله

رَفِيقًا ۝ ذٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللّٰهِ وَكَفٰى بِاللّٰهِ عَلِيمًا ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ

آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانْفِرُوا ثُبَاتٍ اَوِ انْفِرُوا جَمِيعًا ۝ وَاِنَّ

مِنْكُمْ لَمَنْ لَيُبَطِّئَنَّ ۚ فَاِنْ اَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةٌ قَالَ قَدْ اَنْعَمَ اللّٰهُ

عَلَيَّ اِذْ لَمْ اَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا ۝ وَلَئِنْ اَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِنَ

اللّٰهِ لَيَقُولَنَّ كَاَنْ لَمْ تَكُنْۢ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يٰلَيْتَنِي

كُنْتُ مَعَهُمْ فَاَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا ۝ فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ الَّذِينَ

يَشْرُونَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا بِالْاٰخِرَةِ ۭ وَمَنْ يُّقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَيُقْتَلْ

اَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ اَجْرًا عَظِيمًا ۝ وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ

فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاۗءِ وَالْوِلْدَانِ

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَآ اَخْرِجْنَا مِنْ هٰذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ اَهْلُهَا

وَاجْعَلْ لَّنَا مِنْ لَّدُنْكَ وَلِيًّا وَّاجْعَلْ لَّنَا مِنْ لَّدُنْكَ نَصِيرًا ۭ

اَلَّذِينَ اٰمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ

از حضرت صادق
علیه السلام مرویست که فرمود
که اگر همه اهل آسمانها بگویند که
خدا احسان کرده بر ما که ما با رسول
بودیم هر آینه همگی بسبب آن
سخن مشرک خواهند بود

گویند
جمعی از ضعفا و فقرای
مسلمانان بعد از هجرت بعلت عدم
استطاعت مهاجرت در مکه آمدند
و از خدا تعالی این استدعا را
مینمودند که نوعی کند که توانند
از مکه بیرون روند

فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ

در راه طاغوت پس کارزار کنید دوستان شیطان را بدرستیکه مکر

الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا

شیطان باشد سست آیا نگاه نکردی بسوی آنانکه گفته شد مرایشانرا که باز دارید

أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ

دستهای خود را و برپای دارید نماز را و بدهید زکوة را پس چون نوشته شد برایشان

الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ

کارزار را ناگاه گروهی از ایشان می ترسیدند مردمان چون ترسیدن کار خدا یا سخت تر

خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا

ترسیدنی و گفتند پروردگارا چرا نوشتی بر ما کارزار کردن چرا

أَخَّرْتَنَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ

باخر نیندازی ما را بسوی مدتی نزدیک بگو مال دنیا برخورداری کم است و آخرت بهتر است

لِمَنِ اتَّقَى وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا ۝ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ

از برای کسی که پرهیزگار شد و ظلم کرده نمیشود قبلی هر کجا باشید درمی یابد شما را مرگ

وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُشَيَّدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا

واگر بوده باشید در برجهای سخت استوار واگر میرسید ایشان را خوبی میگویند

هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ

این از نزد خدا است واگر میرسید ایشان را بدی میگویند این

عِنْدِكَ قُلْ كُلٌّ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ فَمَالِ هَؤُلَاءِ الْقَوْمِ لَا

از نزد تو بگو همه از نزد خدا است پس چیست این قوم را که

يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا ۝ مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ

نزدیک نیست که بدانند سخنی آنچه میرسد بتو از خوبی پس باشد از

اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنْ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ

خدا و آنچه میرسد بتو از بدی پس باشد از نفس خود و فرستادیم ترا

لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا ﴿٧٩﴾ مَنْ يُطِعِ الرَّسُولَ

از برای مردمان فرستاده و بس است خدا از روی گواه ﴿٧٩﴾ کسی که پیروی کرد فرستاده را

فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ ۖ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ﴿٨٠﴾

پس تحقیق پیروی کرد خدا را و کسی که روگردانید پس نفرستادیم تو را بر ایشان نگهبان ﴿٨٠﴾

وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ

و میگویند فرمان بردار است پس چون بیرون میروند از نزد تو شب گردانیده اند در شب گروهی از ایشان

غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ ۖ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ ۖ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَ

غیر آنچه میگوئی و خدا مینویسد آنچه شب میگردانند پس روی گردان از ایشان و

تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ﴿٨١﴾ أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ

توکل کن بر خدا و بس است خدا وکیل ﴿٨١﴾ آیا پس تامل نمیکنند در قرآن

وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا

و اگر بود از نزد غیر خدا هر آینه یافتند در آن خلاف بسیار

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوِ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ ۖ وَلَوْ رَدُّوهُ

و چون که آید ایشان را امری از ایمنی یا ترس افشا میکنند آن را و اگر برگردانند آن را

إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ

بسوی فرستاده و بسوی صاحبان امر از ایشان هر آینه بدانند آن را آنانکه استنباط میکنند

مِنْهُمْ ۗ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ

از ایشان و اگر نبود فضل خدا بر شما و رحمت او هر آینه پیروی میکردید شیطان را

إِلَّا قَلِيلًا ﴿٨٣﴾ فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۚ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ

مگر اندکی ﴿٨٣﴾ پس کارزار کن در راه خدا تکلیف کرده نمیشوی مگر نفس تو

وَحَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ ۖ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ

و ترغیب کن مومنان را شاید که خدا باز دارد بأس آنانرا که کافر شدند

وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنْكِيلًا ﴿٨٤﴾ مَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً

و خدا سخت تر است در عقوبت ﴿٨٤﴾ هر که درخواست

بیت

اینجا نمی درست
کردن کار ریست در شب نمی از
شب مشنها د خاطر خود کردن
که در روز چنین و چنین کند حاصل
معنی اینکه شب تمام شب در فکر
ایستند که فردا خلاف
گفته نو گفتند

در ین
آیه هم از حضرات
ائمه هدی صلوات الله علیهم تفسیر
اولی الامر ما ایشان مشغول است
و عامه بعضی امرای لشکر و بعضی
سلاطین و بعضی علما
گفته اند

از
امام همام ابی جعفر و
ابی عبد الله علیهما السلام منقول است
که فضل خدا و رحمت او پیغمبر ما علی
علیهما الصلوة و
السلام است

حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفَاعَةً سَيِّئَةً

خوب می باشد برای او بهره و از آن و کسی که درخواست کند در خواستنی

يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِنْهَا وَكَانَ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ مُقِيتًا ۝ وَإِذَا

جائی باشد برای او و بهره از آن و باشد خدا بر هر چیزی نگهبان و چون

حُيِّيتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللّٰهَ كَانَ

تحیت داده شوید بخوبتر از آن یا برگردانید آن را بدرستی که خدا باشد

عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا ۝ اَللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلٰى

بر هر چیز محاسب یا نگاه دارنده کافی خدا است که نیست خدائی مگر او هر آینه جمع خواهد شمارا بسوی

يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللّٰهِ حَدِيثًا

روز رستخیز نیست شکی در آن و کیست راستگوتر از خدا در سخن

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنٰفِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللّٰهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ

پس چیست مر شما را در باره منافقان دو گروه و خدا برگردانید ایشان را بآنچه کسب کردند آیا میخواهید

أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللّٰهُ وَمَنْ يُضْلِلِ اللّٰهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا

که هدایت کنید کسی را که گمراه کرد خدا و کسی را که گمراه میکند خدا پس نیابی هرگز برای او راهی

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا

دوست داشتند که کافر شوید همچنانکه کافر شدند پس بوده باشید یکسان پس

مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتّٰى يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ

از ایشان دوستان تا آنکه هجرت کنند در راه خدا پس اگر روگردانند پس بگیرید ایشان را

وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

و بکشید ایشان را هر جا بیابید ایشان را و مگیرید از ایشان دوستی و نه یاوری

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلٰى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ

مگر آنانکه پیوندند بسوی گروهی که باشد میان شما و میان ایشان

جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يُقَاتِلُوكُمْ أَوْ يُقَاتِلُوا قَوْمَهُمْ

آمده باشند شما را تنگ شده سینه شان از که کارزار کنند با شما یا کارزار کنند با گروه ایشان

مصنف

از حضرت ابی جعفر علیه السلام است

که مراد از قوم و این قول که قوم بینکم و بینهم

میثاق هلال ابن عویم سلمی است که عهد کرد

با رسول خدا که هر که از قوم او بیاید و مسلمان

آید از او نکنند و هر که از مسلمانان نزد او رود

او را از ایشان نکنند پس خدا تعالی نهی فرمود

از اینکه احدی متعرض ایشان و مراد از فاعل

جاءوکم چنانچه علی بن ابراهیم در تفسیر خود حکایت

قبیله سنج است که هفتاد نفر بمدینه آمدند پس

حضرت رسالت صلی الله علیه و آله با ایشان خبر ما

برای ضیافت ایشان فرستاد و فرمود که

نیکو چیزی است هدیه فرستادن پیش از آنکه

مطلب ایشان از آمدن معلوم شود و از ایشان

پرسید که بچه مطلب آمده اید گفتند که خانهای

ما بشما بسیار نزدیک است و نمیخواهیم که با شما در جنگ

باشیم و نه با قوم خود بی ضمیره لعلت قلت عدد

این آیه در حضرت ابی جعفر علیه السلام نازل شد که بعد از اسلام مسلمانی را کشت و نمی دانست که مسلمان است و آن مقتول ابو شیشه عامری حارث بن زید بود بقول مجاهد

دیت رجا قتله است و تحریر رقبه بر قاتل و دیت نقش از طلا هزار دینار است و از نقره ده هزار درهم اگر شتر دهد صد شتر است و در خطای شبیه عمد اختیار با دهنده دیت است از هر کدام از ین اجناس که خواهد میدهد و اگر عمد است اختیار با وارث مقتول است اگر خواهد قصاص کند و اگر خواهد بر رضای قاتل هم در کار است و بهر چه تراضی واقع شود میدهد و در خطای محض دیت بر عاقله است و قتل خطا قتلی است که مقصود قاتل فعلی که از او صادر شده قتل است نباشد چنانچه میخواست تیری بصیدی

وَلَوْ شَآءَ اللّٰهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتَلُوكُمْ فَإِنِ اعْتَزَلُوكُمْ
اگر خواسته بود خدا هر آینه تسلط میداد ایشانرا بر ایشان پس هر آینه کارزار میکردند با شما پس اگر کناره گیرند بود شما
فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقَوْا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ فَمَا جَعَلَ اللّٰهُ لَكُمْ
پس کارزار نکرده بودند با شما و انداخته بودند بسوی شما صلحشان را پس نمیگرداند خدا برای شما
عَلَيْهِمْ سَبِيلًا ۝ سَتَجِدُونَ آخَرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَ
بر ایشان راهی بزودی خواهید یافت دیگران را که میخواهند که ایمن شوند از شما و
يَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلَّمَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكِسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ
ایمن شوند از قوم خود هر گاه که خوانده شوند بسوی فتنه برگردانیده شوند در آن پس اگر
يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَمَ وَيَكُفُّوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ
کناره نگیرند از شما و صلح نیندازند با شما و باز ندارند دستهاشان را پس بگیرید ایشانرا
وَاقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَٰئِكُمْ جَعَلْنَا لَكُمْ
و بکشید شان هر جا بیابید ایشان را و آنجا نهاده شما که گردانیدیم مر شما را
عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا ۝ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقْتُلَ مُؤْمِنًا
بر ایشان تسلطی آشکار و نباشد مر مومنی را که بکشد مومنی را
إِلَّا خَطَأً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَأً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ
مگر بخطا و کسی که کشت مومنی را بخطا پس آزاد کردن گردن مومن است براو و خونبهای
مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ
تسلیم کرده شده بسوی اهل او مگر اینکه تصدق کنند پس اگر باشد
عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنْ قَوْمٍ
از گروهی که دشمنند مر شما را و او مومن بوده پس آزاد کردن گردن مومن است و اگر بوده باشد از گروهی که
بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ
میان شما و میان ایشان پیمانی است پس خونبهاست تسلیم کردن بسوی اهل او و آزاد کردن
رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً
گردن مومن پس کسیکه نیابد پس بایست روزه دو ماه پیاپی توبه کردنی

مِنَ اللّٰهِ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ وَمَنْ يَقْتُلْ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا

از خدا و باشد خدا دانای بر دبار و کسی که بکشد مومنی را عمد

فَجَزَآؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا وَغَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ

پس جزای او دوزخ جاوید در آنست و خشم خداست بر او و لعنت بر اوست و آماده کرده

لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ

برای او عذاب بزرگ ای آنانکه گرویدید چون سفر کنید در راه

اللّٰهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقَىٰ إِلَيْكُمُ السَّلَامَ لَسْتَ مُؤْمِنًا

خدا پس جستجو کنید و مگویید هر کسی را که افکند بسوی شما سلام نیستی مومن

تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللّٰهِ مَغَانِمُ كَثِيرَةٌ كَذَٰلِكَ

میخواهید بهایی بر خوردار ی دنیا پس نزد خداست غنیمت بسیار همچنانکه

كُنْتُمْ مِنْ قَبْلُ فَمَنَّ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ

بودید از پیش پس منت نهاد خدا بر ایشان بر شما پس جستجو کنید بدرستی که خداست بآنچه می کنید

خَبِيرًا ۝ لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي

آگاه برابر نیستند نشستنها از گروندگان غیر صاحبان

الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ

رنج و جهاد کنندگان در راه خدا بمالهاشان و خودهاشان

فَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ

فزونی داد خدا جهاد کنندگان را بمالهاشان و خودهاشان بر نشستندگان

دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِينَ

مرتبه و همه را وعده داد خدا بنیکی و فزونی داد خدا جهاد کنندگان را

عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا ۝ دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً وَ

بر نشستندگان مزدی بزرگ مرتبه هایی از او و آمرزشی و

رَحْمَةً وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ

رحمت باشد خدا آمرزنده مهربان بدرستی که آنانکه بمیراند ایشان

یعنی
مستحق خلود در نار است
و اگر جزا داده شود جزایش خلود
خواهد بود و این منافات با عفو
ندارد چنانچه از کریمه و یغفر ما دون
ذلک لمن یشاء مستفاد است
و از بعضی اخبار یعنی
فهمیده شد

کویند
که حضرت رسالت پناه
اسامة بن زید را بجهادی فرستادند
در راه رهگذری را دید که در کوهی ریه میچراند و
مسلمان بود چون ایشان را دید گفت السلام
علیکم لا اله الا الله محمد رسول الله پس مسلمان
بگمان انکه او کافر است و از پی اظهار اسلام
میکند او را کشتند و گوسفندانش را
بغنیمت بردند پس این
آیه

یعنی
چنانکه این مقتول این خود را از قوم خود از
پیش پنهان میداشت شما هم چنین بودید
یا چنانکه او شما نیز است و خایف بود که
مبادا کشته شود شما پیش از این
چنین بودید و بگشت
الهی چنین شدید

در مجمع
ایشان از حضرت ابی جعفر علیه السلام
روایت کرده که مشرکین که در روز بدر
اطفال خود را و صغار و شیوخ و بیماران
خود را حاضر کرده بودند با
ایشان جمعی از مسلمانان

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ
فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا
فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝ إِلَّا
الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ لَا يَسْتَطِيعُونَ
حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا ۝ فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ
عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُوًّا غَفُورًا ۝ وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ
يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاغَمًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ
مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ
عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ
فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ
يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا
مُبِينًا ۝ وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ

تفسیر آیه
وَاِذا ضَرَبتُم فِی الاَرض
بباید دانست که بر کار خوف با سفر هر دو جمع شوند
قصر نماز واجب باجماع علمای امامیه و بعضی
امامیه رضی الله عنهم آنست که در سفر شهابی
خوف هم نماز قصر واجبست و مشهور آنست که خوف
تنها هم موجب قصر است و دلیل ما بر آنکه سفر
موجب قصر است اخبار ائمه علیهم السلام است
از انجمله صحیحه محمد بن مسلم و زراره است که گفتند
بخدمت حضرت ابی جعفر علیه السلام عرض کردیم
که چه میفرمائید در باب نماز سفر چگونه است
و چند رکعت است فرمود که خدای عزوجل فرموده
واذا ضربتم فی الارض فلیس علیکم جناح ان تقصروا
من الصلوة پس باین آیه تقصیر در سفر واجب شد
مانند وجوب اتمام در حضر عرض کردیم که خدا تعالی
بقصر موده مگر این را که فلیس علیکم جناح و بقصر موده
که قصر کنید پس چگونه قصر واجب شد مانند
بهمانی میدهند که سعی صفا و مروه واجبست و لازم
بعلت آنکه خدا تعالی در کتاب خود یاد کرده و پیغمبر
او چنین کرده همچنین تقصیر در نماز خبریست که پیغمبر
کرده و خدا تعالی در کتاب خود یاد فرموده است
و توجیه اینکه فلا جناح اگرچه ظاهرش نفی
حرج و جواز تقصیر است و مفهومش آنست که
اتمام هم جایز باشد لیکن مراد از وجوب تقصیر است
و مفهوم اعتباری ندارد و بر تقدیری که مفهوم معتبر
و حجت باشد وفی حجت است که فایده و مقصود ما
و چنانکه در ایه سعی معلوم شد که فایده و مقصود از وجوب
سعی نفی حرج توهم حرجی از مسلمانان بود که مبادا
سعی ایشان جایز نباشد بعلت وضع بتان بر صفا
و مروه در انجا هم ممکن است که فایده بوده باشد
برای تعبیر از وجوب تقصیر نفی حرج از انجمله
فواید آنچه صاحب کشاف ذکر کرده که چون
مسلمانان الفت تمام با تمام نماز داشتند
بخاطر ایشان میرسید که

منهم معك وليأخذوا اسلحتهم فاذا سجدوا فليكونوا من
وآئكم ولتأت طائفة اخرى لم يصلوا فليصلوا
معك وليأخذوا حذرهم واسلحتهم ود الذين كفروا
لو تغفلون عن اسلحتكم وامتعتكم فيميلون عليكم
ميلة واحدة ولا جناح عليكم ان كان بكم اذى من
مطر او كنتم مرضى ان تضعوا اسلحتكم وخذوا حذركم
ان الله اعد للكافرين عذابا مهينا فاذا قضيتم الصلوة
فاذكروا الله قياما وقعودا وعلى جنوبكم فاذا اطمانتم
فاقيموا الصلوة ان الصلوة كانت على المؤمنين كتابا
موقوتا ولا تهنوا في ابتغاء القوم ان تكونوا تالمون
فانهم يالمون كما تالمون وترجون من الله ما لا يرجون
وكان الله عليما حكيما انا انزلنا اليك الكتاب

انجلی

این حکم
نماز مطارده است
آن وقتی است که دوست و دشمن
در هم ریخته کار محارب بدست و کریبان انجامد
در این وقت هر نحوی میسر شود در حالت ایستاده
یا نشسته یا پهلو افتاده دو رکعت نماز را میکند
با ایما و زیاده از این کار یکجائی میرسد که فرائض
در ایما میسر نمیشود و در این وقت بعد از تکبیر نمازی
هر کدام تکبیری گفته میشود یا تشهد و سلام و در
مجمع البیان روایت کرده که علی
علیه السلام لیلة الهریر پنج نماز را با ما
گذارد و بعضی تکبیر گفته اند و حضرت
رسول صلی الله علیه و آله
لیلة الاحزاب نمازرا
با ما گذارد

بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرٰىكَ اللّٰهُ وَلَا تَكُنْ لِلْخَآئِنِينَ
خَصِيمًا ۝ وَاسْتَغْفِرِ اللّٰهَ إِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَلَا
تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنْفُسَهُمْ ۚ إِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ
خَوَّانًا أَثِيمًا ۝ يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللّٰهِ
وَهُوَ مَعَهُمْ إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضٰى مِنَ الْقَوْلِ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ
بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطًا ۝ هٰأَنْتُمْ هٰؤُلَآءِ جَادَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيٰوةِ
الدُّنْيَا ۖ فَمَنْ يُجَادِلُ اللّٰهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ أَمْ مَنْ يَكُونُ
عَلَيْهِمْ وَكِيلًا ۝ وَمَنْ يَعْمَلْ سُوٓءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللّٰهَ
يَجِدِ اللّٰهَ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ وَمَنْ يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلٰى
نَفْسِهِ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝ وَمَنْ يَكْسِبْ خَطِيٓئَةً
أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيٓئًا فَقَدِ احْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُبِينًا ۝
وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّتْ طَآئِفَةٌ مِنْهُمْ

أَنْ يُضِلُّوكَ ۖ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِن
که گمراه کنند تو را و گمراه نمی کنند مگر خودشان را و هیچ زیان نرسانند تو را از هیچ
شَيْءٍ ۚ وَأَنزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ
چیز و فرو فرستاد خدا بر تو کتاب و حکمت و آموخت تو را آنچه
تَكُن تَعْلَمُ ۚ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا ﴿١١٤﴾ لَّا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ
نبودی که بدانی و هست فضل خدا بر تو بزرگ ﴿۱۱۴﴾ نیست خیر در بسیاری
مِّن نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ
از رازگفتشان مگر کسیکه امر کند بصدقه یا کار خوبی یا اصلاح میان
النَّاسِ ۚ وَمَن يَفْعَلْ ذَٰلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ
مردمان و کسی بکند آنرا در طلب رضای خدا پس زود باشد که
نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا ﴿١١٥﴾ وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ
بدهیم او را اجر و مزدی بزرگ ﴿۱۱۵﴾ و کسی که ستیزه کند با رسول از بعد آنچه ظاهر شد
لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ
برای او هدایت و پیروی کند غیر راه مؤمنان گردانیم او را آنچه روی گردانید و درآریم
جَهَنَّمَ ۖ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ﴿١١٦﴾ إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَن يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ
او را در جهنم و بد است جای بازگشت ﴿۱۱۶﴾ بدرستی که خدا نمی آمرزد آنکه شرک آورد بآن و می آمرزد
مَا دُونَ ذَٰلِكَ لِمَن يَشَاءُ ۚ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا
آنچه فروتر است آن را از برای کسی که میخواهد و کسیکه شرک آورد بخدا پس تحقیق گمراه شد گمراه شدنی
بَعِيدًا ﴿١١٧﴾ إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِ إِلَّا إِنَاثًا وَإِن يَدْعُونَ إِلَّا
دور از حق ﴿۱۱۷﴾ که میخوانند از غیر خدا مگر ماده ها و نمیخوانند مگر
شَيْطَانًا مَّرِيدًا ﴿١١٨﴾ لَّعَنَهُ اللَّهُ ۘ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ
شیطان سرکش را ﴿۱۱۸﴾ لعنت کرده او را خدا و گفت هر آینه فرا گیرم از بندگان تو
نَصِيبًا مَّفْرُوضًا ﴿١١٩﴾ وَلَأُضِلَّنَّهُمْ وَلَأُمَنِّيَنَّهُمْ وَلَآمُرَنَّهُمْ

بهره باز بریده و مقدر ﴿۱۱۹﴾ و هر آینه گمراه کنم ایشان را و هر آینه دور اندازم ایشان را و هر آینه بفرمایم ایشان را

فَلَيُبَتِّكُنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَلَآمُرَنَّهُمْ فَلَيُغَيِّرُنَّ خَلْقَ اللّٰهِ

وَمَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللّٰهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا

مُبِينًا يَعِدُهُمْ وَيُمَنِّيهِمْ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا

غُرُورًا أُولٰئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعْدَ اللّٰهِ حَقًّا وَمَنْ

أَصْدَقُ مِنَ اللّٰهِ قِيلًا لَيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَا أَمَانِيِّ أَهْلِ

الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلِيًّا

وَلَا نَصِيرًا وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ

وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلّٰهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ

مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللّٰهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا وَلِلّٰهِ مَا فِي

یعنی
دین او را چنانکه
از حضرت صادق علیه السلام
مرویست و از ابن عباس و مجاهد و
جمعی دیگر هم حکایت شده و مؤید او
کریمه فطرة الله التی فطر الناس علیها
لا تبدیل لخلق الله و اکثر
مفسرین آنرا تخصیص نموده‌اند
حیوانات و آدمیان
نموده‌اند

یعنی
پس ضمیر لیست راجع است
بامر ثواب و عقاب که از کلام سابق
مستفاد است و خطاب مسلمانان
و بقولی باکفار قریش است
و الله اعلم

نقیر
در اصل رشته ضعیفی است
در شکم خرما و آن گنجایش
از نصف قلت
باشد

السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا ۝

آسمانها و آنچه در زمینست و باشد خدا بهمه چیز احاطه کننده

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَآءِ قُلِ اللّٰهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلٰى

و میخواهند از تو فتوی در زنان بگو خدا فتوی میدهد شما را در آنها و آنچه خوانده میشود

عَلَيْكُمْ فِي الْكِتٰبِ فِي يَتٰمَى النِّسَآءِ اللّٰتِي لَا تُؤْتُونَهُنَّ

بر شما در کتاب در یتیمان زنانی که نمیدهید آنها را

مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ اَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ

آنچه نوشته شده برای ایشان و رغبت میکنید که نکاح کنید ایشان را و از ناتوانان

الْوِلْدَانِ ۙ وَاَنْ تَقُومُوا لِلْيَتٰمٰى بِالْقِسْطِ ۭ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ

فرزندان و آنکه کار کنید مر یتیمان را بعدالت و آنچه میکنید از

خَيْرٍ فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِهٖ عَلِيمًا ۝ وَاِنِ امْرَاَةٌ خَافَتْ مِنْۢ بَعْلِهَا

خوبی پس بدرستی که خدا هست بآن دانا و اگر زنی داند و بترسد از شوهر خود

نُشُوْزًا اَوْ اِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَآ اَنْ يُّصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا ۭ

سرباز زدنی یا روگرداندنی پس نیست گناهی بر آن دو اگر اصلاح کنند میان آن دو بصلح

وَالصُّلْحُ خَيْرٌ ۭ وَاُحْضِرَتِ الْاَنْفُسُ الشُّحَّ ۭ وَاِنْ تُحْسِنُوْا وَتَتَّقُوْا

و صلح بهتر است و حاضر کرده شده نفسها را بخل و اگر نیکوئی کنید و پرهیزید

فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرًا ۝ وَلَنْ تَسْتَطِيْعُوْٓا اَنْ تَعْدِلُوْا

پس بدرستی که خدا هست بآنچه میکنید آگاه و نتوانید هرگز که عدالت کنید

بَيْنَ النِّسَآءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيْلُوْا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوْهَا

میان زنان و هر چند بسیار خواهید باشید پس میل کنید تمام میل پس واگذارید او را

كَالْمُعَلَّقَةِ ۭ وَاِنْ تُصْلِحُوْا وَتَتَّقُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا

چون محبوس پس و اگر باصلاح آرید و پرهیزید پس بدرستی که خدا هست آمرزنده مهربان

وَاِنْ يَّتَفَرَّقَا يُغْنِ اللّٰهُ كُلًّا مِّنْ سَعَتِهٖ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ وَاسِعًا

و اگر جدا شوند بی نیاز میکند خدا هر یک را از توانگری خود و باشد خدا وسعت دهنده

حَكِيمًا ۞ وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا

درست کردار و مرخدا راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و بتحقیق وصیت کردیم ما

الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيّٰكُمْ أَنِ اتَّقُوا اللّٰهَ ۚ وَ

آنان را که داده شدند کتاب از پیش شما و شما را که بپرهیزید از خدا و

إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَكَانَ

اگر کافر شوید پس بدرستی که مرخدا راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و باشد

اللّٰهُ غَنِيًّا حَمِيدًا ۞ وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۚ وَكَفٰى

خدا بی نیاز ستوده و مرخدا راست آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمین است و بس

بِاللّٰهِ وَكِيلًا ۞ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ ۚ

خدا را وکیل اگر خواهد ببرد شما را ای مردمان و بیاورد دیگران را

وَكَانَ اللّٰهُ عَلٰى ذٰلِكَ قَدِيرًا ۞ مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا

و باشد خدا بر آن توانا هر کسکه بخواهد ثواب دنیا را

فَعِنْدَ اللّٰهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ سَمِيعًا بَصِيرًا ۞

پس نزد خدا ست ثواب دنیا و آخرت و هست خدا شنوای بینا

يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوّٰمِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلّٰهِ وَلَوْ

ای کسانی که گرویدید باشید کارگزاران بعدالت گواهان مرخدا راست و اگرچه

عَلٰى أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ ۚ إِنْ يَكُنْ غَنِيًّا أَوْ

باشد بر خودتان یا پدر و مادر و نزدیکان اگر باشند تونگر یا

فَقِيرًا فَاللّٰهُ أَوْلٰى بِهِمَا ۖ فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوٰى أَنْ تَعْدِلُوا ۚ وَإِنْ تَلْوُۥٓا

درمانده پس خدا سزاوارتر است بآن دو پس پیروی خواهشهای خود مکنید که میل کنید و اگر بپیچانید

أَوْ تُعْرِضُوا فَإِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۞ يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ

و روگردانید پس بدرستی خدا هست بآنچه میکنید آگاه ای کسانی که

آمَنُوا آمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَالْكِتٰبِ الَّذِي نَزَّلَ عَلٰى رَسُولِهِ

بگرویدید بخدا و فرستاده او و کتابی که فرستاد بر رسول او

بنابر تفسیر مذکور آن علت است
برای ادای شهادت موافق واقع
عدم متابعت خواهش نفس و بعضی
آنرا از عدول یعنی میل از حق گفته اند
که علت منهی یعنی متابعت
هواست

وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِنْ قَبْلُ ۚ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ

وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ازْدَادُوا كُفْرًا

لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ سَبِيلًا ۝ بَشِّرِ الْمُنَافِقِينَ

بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ

مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَيَبْتَغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ

جَمِيعًا ۝ وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ

يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي

حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۚ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ

وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا ۝ الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ

كَانَ لَكُمْ فَتْحٌ مِنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ وَإِنْ كَانَ

لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحْوِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعْكُمْ مِنَ

الْمُؤْمِنِينَ

اشارات آیات

آیه کریمه که در سوره انعام است که دلالت دارد ایشان

یخوضون فی آیاتنا فاعرض عنهم حتی

یخوضوا فی حدیث غیره و لفظ آن

در اواسط آن مختصر و پیش ضمیر

شان مقدر است و یکفر بها و

یستهزأ بها حال از آیات

الله

ایشان مقدر است و یکفر بها و

یستهزأ بها حال از آیات

الله

المؤمنين فالله يحكم بينكم يوم القيمة ولن يجعل الله
برگزيدگان پس خدا حكم ميكند ميان شما در روز رستخيز و هرگز خدا
للكافرين على المؤمنين سبيلا ان المنافقين يخادعون
براى كافران بر برگزيدگان راهى بدرستى كه منافقان حيله ميكنند
الله وهو خادعهم واذا قاموا الى الصلوة قاموا كسالى
با خدا او فريب دهنده ايشانست و چون برخيزند بسوى نماز برخيزند بحالتى سنگين
يراءون الناس ولا يذكرون الله الا قليلا مذبذبين
مينمايند مردمان را و ياد ميكنند خدا را مگر اندكى سرگردانان
بين ذلك لا الى هؤلاء ولا الى هؤلاء ومن يضلل الله
ميان آن نه بسوى اينها و نه بسوى آنها و كسى را كه گمراه ميكند خدا
فلن تجد له سبيلا يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا الكافرين
پس نيابى هرگز براى او راهى كسانى كه گرويدند مگيريد كافران را
اولياء من دون المؤمنين اتريدون ان تجعلوا لله عليكم
دوستان از غير گرويدگان آيا ميخواهيد كه بكنيد براى خدا بر شما
سلطانا مبينا ان المنافقين في الدرك الاسفل من النار
حجتى آشكارا بدرستى كه منافقان در طبقه زيرين اند از آتش
ولن تجد لهم نصيرا الا الذين تابوا واصلحوا واعتصموا
و نيابى هرگز براى ايشان ياورى مگر آنانكه توبه كردند و باصلاح آمدند و متوسل شدند
بالله واخلصوا دينهم لله فاولئك مع المؤمنين وسوف
بخدا و خالص كردند دينشان را براى خدا پس آنها با گرويدگان و زود باشد كه
يؤت الله المؤمنين اجرا عظيما ما يفعل الله بعذابكم
بدهد خدا گرويدگان را مزدى بزرگ چه ميكند خدا بعذاب شما
ان شكرتم وامنتم وكان الله شاكرا عليما لا يحب الله
اگر شكر گزاريد و ايمان آوريد و باشد خدا شكر گزار دانا دوست ميدارد خدا

از حضرت
ابی جعفر علیه السلام
مرویست که در تفسیر این آیه
که فرمود که خدا دوست نمیدارد
دشنام دادن را برای حضرت باشد
بر خصم مگر از کسی که رسیده باشد
که در اینوقت جایز است
دشنامی که در دین
جایز است

لَا يُحِبُّ اللّٰهُ الْجَهْرَ بِالسُّوْٓءِ مِنَ الْقَوْلِ اِلَّا مَنْ ظُلِمَ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ سَمِيْعًا عَلِيْمًا

صدا بلند کردن بدی را از گفتار مگر از کسی که ظلم کرده باشد و خدا شنوا و دانا

اِنْ تُبْدُوْا خَيْرًا اَوْ تُخْفُوْهُ اَوْ تَعْفُوْا عَنْ سُوْٓءٍ فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ

اگر آشکار کنید خوبی را یا پنهان کنید او را یا درگذرید از بدی پس بدرستی که خدا

عَفُوًّا قَدِيْرًا ۝ اِنَّ الَّذِيْنَ يَكْفُرُوْنَ بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖ وَيُرِيْدُوْنَ

درگذرنده تواناست بدرستیکه آنانکه کافر میشوند بخدا و فرستادگان او و میخواهند

اَنْ يُّفَرِّقُوْا بَيْنَ اللّٰهِ وَرُسُلِهٖ وَيَقُوْلُوْنَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَّنَكْفُرُ بِبَعْضٍ ۙ وَّيُرِيْدُوْنَ

ایمان آوردن ببعضی و کافر شدن ببعضی و میخواهند

اَنْ يَّتَّخِذُوْا بَيْنَ ذٰلِكَ سَبِيْلًا ۝ اُولٰۗىِٕكَ هُمُ الْكٰفِرُوْنَ حَقًّا ۚ وَاَعْتَدْنَا لِلْكٰفِرِيْنَ

که فرا گیرند میان این راهی آنها ایشان کافرانند بحقیقت و آماده ساختیم مر کافرانرا

عَذَابًا مُّهِيْنًا ۝ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖ وَلَمْ يُفَرِّقُوْا بَيْنَ

عذابی خوار کننده و کسانیکه گرویدند بخدا و فرستادگان او و جدائی نکنند میان

اَحَدٍ مِّنْهُمْ اُولٰۗىِٕكَ سَوْفَ يُؤْتِيْهِمْ اُجُوْرَهُمْ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا

هیچیک از ایشان آنگروهی که زود بدهد ایشانرا مزدشانرا و هست خدا آمرزنده

رَّحِيْمًا ۝ يَسْـَٔـلُكَ اَهْلُ الْكِتٰبِ اَنْ تُنَزِّلَ عَلَيْهِمْ كِتٰبًا مِّنَ

مهربان میپرسند ترا اهل کتاب که فرو آوری بر ایشان کتابی از

السَّمَاۗءِ فَقَدْ سَاَلُوْا مُوْسٰٓى اَكْبَرَ مِنْ ذٰلِكَ فَقَالُوْٓا اَرِنَا

آسمان پس بتحقیق درخواست از موسی بزرگتر از آن پس گفتند بنما ما را

اللّٰهَ جَهْرَةً فَاَخَذَتْهُمُ الصّٰعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ۚ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ

خدا آشکارا پس گرفت ایشانرا صاعقه بسبب ستم ایشان پس فرا گرفتند گوساله را

مِنْۢ بَعْدِ مَا جَاۗءَتْهُمُ الْبَيِّنٰتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذٰلِكَ ۚ وَاٰتَيْنَا

معبود از بعد آنچه آمد ایشانرا از معجزها پس درگذشتیم ما از آن و دادیم

مُوْسٰى سُلْطٰنًا مُّبِيْنًا ۝ وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّوْرَ بِمِيْثَاقِهِمْ

موسی را حجتی روشن و برافراشتیم بالای سر ایشان کوهی را بسبب پیمان گرفتن عهد ایشان

وقفنا

وَقُلْنَا لَهُمُ ادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي

السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا ﴿۱۵۵﴾ فَبِمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ

وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَقَوْلِهِمْ

قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا

وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَانًا عَظِيمًا ﴿۱۵۶﴾ وَقَوْلِهِمْ إِنَّا

قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ

وَلَٰكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ ۚ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ﴿۱۵۷﴾ بَلْ

رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿۱۵۸﴾ وَإِنْ مِنْ أَهْلِ

الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ ۖ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ

شَهِيدًا ﴿۱۵۹﴾ فَبِظُلْمٍ مِنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ

أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا ﴿۱۶۰﴾ وَأَخْذِهِمُ

لفظ ما
در فهما تقضهم زائده است
برای تاکید و فا تفریع بر مقدر است
گویا گفته شده فقضوا میثاقهم فبنقضهم میثاقهم
با جر بنا بسبب تقضهم میثاقهم

علی ابن
ابراهیم در تفسیر خود
از پدرش از سلیمان ابن داود
منقری از ابو حمزه ثمالی از شهر ان خوشب روایت
کرده که روزی حجاج بن یوسف گفت که یک آیه
در کتاب خدا هست که از تفسیرش عاجز شده ام
خدا تعالی فرموده وان من اهل الکتاب الا
لیؤمنن به قبل موته بخدا سوگند که بسیاری از
یهودی و نصرانی را گفته ام که گردن زده اند و
میدیده ام که قبض روحش میشده و مدهوش میگردد
گردن بخسبانند پس گفتم که معنی آیه این است که تو فهمیده
گفت پس چه معنی دارد گفتم عیسی ابن مریم از آسمان
فرود خواهد آمد پیش از قیامت بدنیا و هیچ صاحب
مذهبی نمیماند از یهودی و نصرانی و غیر ایشان مگر
آنکه ایمان باو آورد پیش از وفات عیسی نماز
میگذارد نماز او در عقب مهدی حجاج گفت وای بحال
این را از کجا میگوئی گفتم از حضرت باقر علوم

الربوا وقد نهوا عنه وأكلهم أموال الناس بالباطل
وأعتدنا للكافرين منهم عذابا أليما لكن الراسخون
في العلم منهم والمؤمنون يؤمنون بما أنزل إليك وما أنزل
من قبلك والمقيمين الصلوة والمؤتون الزكوة والمؤمنون
بالله واليوم الآخر أولئك سنؤتيهم أجرا عظيما إنا أوحينا
إليك كما أوحينا إلى نوح والنبيين من بعده وأوحينا
إلى إبرهيم وإسمعيل وإسحق ويعقوب والأسباط وعيسى
وأيوب ويونس وهرون وسليمان وآتينا داود زبورا
ورسلا قد قصصناهم عليك من قبل ورسلا لم نقصصهم
عليك وكلم الله موسى تكليما رسلا مبشرين ومنذرين
لئلا يكون للناس على الله حجة بعد الرسل وكان الله عزيزا
حكيما لكن الله يشهد بما أنزل إليك أنزله بعلمه و

الملئكة

ارتكاب بعضهم ما نزل الملك وما نزل الراسخون في
العلم والمؤمنون ما نزل الملك وما نزل الراسخون في
جملة ما نفاه الله بقوله ما لهم به من علم والمؤمنون أيضا
عطف شبه بما نزل الملك وما نزل الراسخون في العلم
وما يصاحبهم يعني ما نزل الملك وما نزل الراسخون
مجرور وهو معطوف على ما نزل الملك وما نزل الراسخون
بما نزل الملك وما نزل الراسخون في العلم وما نزل
المؤمنون لأن كل واحد من هذه الجملات أعظم من
وما نزل الملك وما نزل الراسخون في العلم والمؤمنون
أنزل الملك بما نزل الراسخون في العلم وما نزل
المؤمنون بما نزل الملك وما نزل الراسخون في العلم

الملئكة يشهدون وكفى بالله شهيدا ۞ ان الذين كفروا

فرشتگان گواهی میدهند و بس است خدا گواهی را ۞ بدرستی که آنانکه کافر شدند

وصدوا عن سبيل الله قد ضلوا ضلالا بعيدا ۞ ان

و باز داشتند مردم را از راه خدا بتحقیق بدرستی که گمراهی دور ۞ بدرستی که

الذين كفروا وظلموا لم يكن الله ليغفر لهم ولا ليهديهم

آنانکه کافر شدند و ستم کردند نیست خدا را اینکه بیامرزد مر ایشان را و نه بنماید بدیشان

طريقا ۞ الا طريق جهنم خالدين فيها ابدا وكان ذلك

راهی ۞ مگر راه دوزخ که جاویدان باشند در آن همیشه و هست این کار

على الله يسيرا ۞ يا ايها الناس قد جاءكم الرسول بالحق

بر خدا آسان ۞ ای مردمان بتحقیق که آمد شما را فرستاده بدرستی

من ربكم فامنوا خيرا لكم وان تكفروا فان لله ما في

از پروردگار شما پس بگروید که بهتر است مر شما را و اگر بکافر شوید پس بدرستی که مر خدا راست آنچه

السموات والارض وكان الله عليما حكيما ۞ يا اهل الكتاب

آسمانها و زمین است و بود خدا دانای درست کار ۞ ای اهل کتاب

لا تغلوا في دينكم ولا تقولوا على الله الا الحق انما

از حد تجاوز مکنید در دین خود و مگویید بر خدا مگر حق را جز این نیست

المسيح عيسى ابن مريم رسول الله وكلمته القيها الى مريم

که مسیح عیسی پسر مریم فرستاده خدا است و سخن او که افکند آنرا بسوی مریم

وروح منه فامنوا بالله ورسله ولا تقولوا ثلثة انتهوا

و روحی است از او پس بگروید بخدا و فرستادگان او و مگویید که خدا سه است باز ایستید از شرک

خيرا لكم انما الله اله واحد سبحانه ان يكون له ولد

بهتر است مر شما را جز این نیست که خدا معبود یگانه است پاکست او از اینکه باشد مر او را فرزندی

له ما في السموات وما في الارض وكفى بالله وكيلا ۞

مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و بس است خدا مر کفایت امور را

خبرا لكم خبركان متعد راست

و گویا گفت فامنوا ائتوا خيرا لكم و

چند وجه دیگر هم گفته

شده

خبر مبتدا محذوف است

بتقدیر آلهتنا مثلا تقدیر انکه بعد از

قول لفظی حکایت باید کلام تمام واقع شود و

خبرا مفعول فعل محذوف بتقدیر انتهوا

خیرا لکم یعنی بگوید آنچه بهتر است برای شما

و انتهوا جمله معترضه است برای تاکید نهی که در

لا تقولوا مذکور شده حسن کرده اند و خطاب را بانکه

اینجا هم خبرکان متعد راست

بتقدیر یکن خیرا

لکم

لَن يَسْتَنكِفَ الْمَسِيحُ أَن يَكُونَ عَبْدًا لِّلَّهِ وَلَا الْمَلَائِكَةُ
المُقَرَّبُونَ ۚ وَمَن يَسْتَنكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ
إِلَيْهِ جَمِيعًا ۞ فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ
أُجُورَهُمْ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ ۖ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَ
اسْتَكْبَرُوا فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۙ وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن
دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۞ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم
بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنزَلْنَا إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا ۞ فَأَمَّا الَّذِينَ
آمَنُوا بِاللَّهِ وَاعْتَصَمُوا بِهِ فَسَيُدْخِلُهُمْ فِي رَحْمَةٍ مِّنْهُ وَفَضْلٍ ۙ
وَيَهْدِيهِمْ إِلَيْهِ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا ۞ يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ
يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ ۚ إِنِ امْرُؤٌا هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ
فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ ۚ وَهُوَ يَرِثُهَا إِن لَّمْ يَكُن لَّهَا وَلَدٌ ۚ فَإِن كَانَتَا
اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ ۚ وَإِن كَانُوا إِخْوَةً رِّجَالًا

وقاله

از حضرت
ابی عبد الله مرویست که نور مبین
ولایت علی ابن ابی طالب علیه السلام است
و مفسرین هم فراز اگفته اند
پیش ازین
مذکور شد که آیه هدی کلاله را باخوه و اخوات
تفسیر کرده اند و در انجا مراد برادران و خواهران
پدر مادری یا پدری تنهاست و حکم ایشان انکه
اگر برادری نباشد وارث همین خواهر است اگر
یکست فریضه ایشان ثلث است و بر تعدد اگر
وارثی دیگر هست مانند جده و زوج و زوجه
ایشان هم فریضه خود را میبرند و اگر چیزی زیاد

وَنِسَآءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَن تَضِلُّوا

وَاللَّهُ بِكُلِّ سورة المائدة مائة وعشرون آية مدنية شَيْءٍ عَلِيمٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُم بَهِيمَةُ

الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنتُمْ حُرُمٌ

إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُحِلُّوا شَعَائِرَ

اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَائِدَ وَلَا آمِّينَ

الْبَيْتَ الْحَرَامَ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا

حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَآنُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ

عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَن تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ

وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

الْعِقَابِ حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنزِيرِ

حزب

شعایر

جمع شعیره و آن نام علامت

و مراد از شعایر الله مناسک حج و مواضعی است

که آن مناسک در آنها واقع میشود مانند عرفات

و مشعر و منی و مسجد الحرام مانند آنها و مقصود

نهی از ضایع کردن افعال حج و نگاه داشتن حرمت

آن مواضعست و مفسرین گفته اند که حطم ابن هند

بگرمی از ربیعه در مدینه نخدمت حضرت رسول

مهمانی و لشکرش را در بیرون مدینه گذاشت و

بآنحضرت گفت که بچه دین میخوانی چون آنحضرت

شهادتین را تلفظ کرد گفت مرا مهلت ده

تا دوستی که دارم مشورت کنم و امید دارم که

ایمان آورم و از مدینه بیرون رفت آنحضرت فرمود

که بتحقیق که با روی کافری داخل شد و از روی

حیله و مکری بیرون رفت و پیش از این آنحضرت

اصحاب خود را خبر داده بود که مردی از ربیعه

خواهد آمد که سخن گوید بزبان شیطان و

چون حطم از مدینه بیرون رفت شتران و حیوانات

وَمَآ اُهِلَّ لِغَيْرِ اللّٰهِ بِهٖ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ

وآنچه بانگ زده شد برای غیر خدا بآن و بفشار کشتن مرده و بزدن مرده و بر زمین افتاده و بضرب

وَمَآ اَكَلَ السَّبُعُ اِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَ

شاخ مرده و آنچه خورده باشد درنده مگر آنچه ذبح کردید و آنچه کشته شده باشد بر نام بتان و

اَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْاَزْلَامِ ذٰلِكُمْ فِسْقٌ اَلْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا

اینکه طلب قسمت کنید به تیرهای قمار آنها شما را نامیست امروز ناامید شدند آنانکه کافر شدند

مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ اَلْيَوْمَ اَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ

از دین شما پس مترسید از ایشان و بترسید از من امروز کامل کردانیدم برای شما دین شما را

وَاَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْاِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ

و تمام کردم بر شما نعمت خود را و اختیار کردم برای شما اسلام را دینی پس کسی که

اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِاِثْمٍ فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

بیچاره شد در گرسنگی غیر میل کننده بگناهی را پس بدرستیکه خدا آمرزنده مهربانست

يَسْئَلُونَكَ مَاذَا اُحِلَّ لَهُمْ قُلْ اُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَمَا

میپرسند تو را که چه چیز حلال کرده شد برایشان بگو حلال است برشما پاکیزه‌ها و آنچه

عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللّٰهُ

در آموخت شما را از شکار گیرندگان چون سگ شکار کنید در آموزید آنها را از آنچه آموخته شما را خدا

فَكُلُوا مِمَّا اَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا

پس بخورید از آنچه نگاه کرده شکار بر شما و یاد کنید نام خدا را بر او و بترسید از

اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ اَلْيَوْمَ اُحِلَّ لَكُمُ الطَّيِّبَاتُ وَ

خدا بدرستیکه خدا زود حساب کننده است امروز حلال شد برای شما پاکیزه‌ها و

طَعَامُ الَّذِينَ اُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ

طعام آنانکه داده شدند کتاب حلال است مر شما را و طعام شما حلال است

لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ

مر ایشان را و حلالست شما را آزنان نگاه دارنده و زنان پارسا از آنانی که

ارجحیات

ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام مروی است که

گریه الیوم اکملت لکم دینکم در غدیر خم نازل شده

بعد از آنکه حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله را

بخلافت منصوب گردانید بعد از انصراف حجة

الوداع و این فریضه ایست که خدای عزوجل

فرستاد و بعد از این فریضه نازل نشد و از این سبب

خدری مسئول است که چون این آیه نازل شد

رسول خدا فرمود که الله اکبر الله اکبر علی اکمال

الدین و اتمام النعمة و رضا الرب برسالتی

و ولایت علی ابن ابی طالب علیه السلام بعدی یعنی

بگمبر خدای عزوجل شکرانه این نعمت که خدای تعالی

دین اسلام را کامل گردانید و نعمت خود را تمام

گردانید و راضی شد برسالت من و ولایت و خلافت

علی ابن ابی طالب علیه السلام بعد از من و ایضاً

بطریق متعدده و متکثره در کتب عامه وارد است

و اکثر مفسرین عامه گفته اند که این آیه در عرفات در حجة

الوداع نازل شد و مراد آنست که امروز دین

شما را تمام کردم باکمال قواعد دین چه بعد از این

دیگر فریضه نزول نیافت

و اهل البیت اعلم بما فیه

جرح

در لغت عرب بمعنی رسانیدن چیزی میگویند

میگویند جرح فلان ابله چیزها هر گاه مثلا چوب

چیزی بایشان شود و جوارح جمع جارحه است و

اوتوا الكتاب من قبلكم اذا اتيتموهن اجورهن محصنين

داده شده‌اند کتاب پیش از شما هرگاه دهید بایشان مزدهای ایشان را در حالیکه باعفت باشند

غير مسافحين ولا متخذي اخدان ومن يكفر بالايمان

نه زناکار ونه گیرندگان دوستان نهانی وکسیکه کافر شود بدین اسلام

فقد حبط عمله وهو في الاخرة من الخاسرين ۝ يا ايها الذين

پس تحقیق باطل است کردار او وی در آخرت از زیانکاران ای کسانی که

امنوا اذا قمتم الى الصلوة فاغسلوا وجوهكم وايديكم

گرویدید چون برپا شوید بسوی نماز پس بشویید روهای خودرا وسوهای خودرا

الى المرافق وامسحوا برؤسكم وارجلكم الى الكعبين

تا مرفقها ومسح کنید بسرهای خود وپاهای خود تا دو کعب

وان كنتم جنبا فاطهروا وان كنتم مرضى او على سفر

واگر بوده باشید جنب پس غسل کنید واگر بوده باشید بیماران یا بر سفر

او جاء احد منكم من الغايط او لامستم النساء فلم تجدوا

یا بیاید کسی از شما از بول یا غایط یا جماع کنید با زنان پس نیابید

ماء فتيمموا صعيدا طيبا فامسحوا بوجوهكم وايديكم منه

آبی پس تیمم کنید بخاک پاک پس مسح کنید بعضی ازروهای خود ودستهای خود ازو

ما يريد الله ليجعل عليكم من حرج ولكن يريد ليطهركم

نمیخواهد خدا که بگرداند برشما هیچ گناهی ولکن میخواهد که پاک گرداند شما را

وليتم نعمته عليكم لعلكم تشكرون ۝ واذكروا نعمة

وتا تمام کند نعمت خود را برشما تا شاید شما سپاس گذاری کنید ویاد کنید نعمتهای

الله عليكم وميثاقه الذي واثقكم به اذ قلتم سمعنا و

خدا را برشما وپیمان او را که بسته شده شما را بآن چون گفتید که شنیدیم و

اطعنا واتقوا الله ان الله عليم بذات الصدور ۝ يا ايها

فرمان بردیم وبترسید از خدا بدرستی که خدا داناست بآنچه در سینه هاست ای

الَّذِينَ اٰمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلّٰهِ شُهَدَآءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ

کسانی که گرویده اید باشید ایستادگان برای خدا گواهان بعدل و باید که باز ندارد شما را

شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰٓى اَلَّا تَعْدِلُوا اِعْدِلُوا هُوَ اَقْرَبُ لِلتَّقْوٰى

دشمنی گروهی بر این که عدالت نکنید عدالت کنید که آن نزدیکتر است مر پرهیزکاری را

وَاتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ وَعَدَ اللّٰهُ الَّذِينَ اٰمَنُوا وَ

و بترسید از خدا بدرستی که خدا آگاه است بآنچه می کنید وعده داد خدا کسانی را که گرویدند و

عَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَاَجْرٌ عَظِيمٌ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

کردند کارهای شایسته مر ایشانرا آمرزش و مزد بزرگ و کسانی که کافر شدند

وَكَذَّبُوا بِاٰيٰتِنَآ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَحِيمِ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ

و تکذیب نمودند آیتهای ما را این گروه یاران آتشند ای کسانی که

اٰمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ هَمَّ قَوْمٌ اَنْ يَبْسُطُوٓا اِلَيْكُمْ

گرویدید یاد کنید نعمتهای خدا را بر خود وقتی که قصد کردند گروهی که بگشایند بسوی شما

اَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ اَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ ۚ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ

دستهاشان پس باز داشت دستهای ایشانرا از شما و بترسید از خدا و بر خدا است پس باید توکل کنند

الْمُؤْمِنُونَ ۝ وَلَقَدْ اَخَذَ اللّٰهُ مِيثَاقَ بَنِٓى اِسْرَآءِيلَ ۖ وَبَعَثْنَا

گروندگان و بر آینه بحقیق که گرفت خدا پیمان از فرزندان اسرائیل و برانگیختیم

مِنْهُمُ اثْنَىْ عَشَرَ نَقِيبًا ۖ وَقَالَ اللّٰهُ اِنِّى مَعَكُمْ ۖ لَئِنْ اَقَمْتُمُ الصَّلٰوةَ

از ایشان دوازده مهتر و گفت خدا بدرستی که با شمایم البته اگر بپادارید نماز را

وَاٰتَيْتُمُ الزَّكٰوةَ وَاٰمَنْتُمْ بِرُسُلِى وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَاَقْرَضْتُمُ اللّٰهَ

و بدهید زکوات را و بگروید بفرستادگان من و یاری نمائید ایشانرا و قرض دهید خدا را

قَرْضًا حَسَنًا لَّاُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّاٰتِكُمْ وَلَاُدْخِلَنَّكُمْ

قرضی نیکو هر آینه بپوشانیم از شما بدیهای شما را و هر آینه در آوریم شما را

جَنّٰتٍ تَجْرِى مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ۚ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذٰلِكَ

بهشتهائی که میرود از زیر آنها نهرها پس هر که کافر شود پس از این

برای
پرسیدن از دوازده
سبط بنی اسرائیل سرکرده مقرر شد
بود که متکفل احوال و امور ایشان که
دخل در تعیش نظام دنیای
و اوامر و نواهی که دخل در
نظام امر آخرت دارد
بوده باشد

۱۲

منکم

مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ ۝ فَبِمَا نَقْضِهِم مِّيثَٰقَهُمْ لَعَنَّٰهُمْ

از شما پس تحقیق که گمکرد راه راست راه یافته را پس بسبب شکستن ایشان همان خود را لعنت کردایشانرا

وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَٰسِيَةً يُحَرِّفُونَ ٱلْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِۦ وَ

و گردانیدیم دلهاشان را سخت تغییر میدهند کلام خدایرا از جایگاهشان و

نَسُوا۟ حَظًّا مِّمَّا ذُكِّرُوا۟ بِهِۦ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَىٰ خَآئِنَةٍ مِّنْهُمْ إِلَّا

فراموش کردند بهره از آنچه پند داده شدند بدان همیشه آگاه میشوی بر خیانتی که از ایشان مگر

قَلِيلًا مِّنْهُمْ فَٱعْفُ عَنْهُمْ وَٱصْفَحْ إِنَّ ٱللَّهَ يُحِبُّ ٱلْمُحْسِنِينَ ۝

اندکی از ایشان پس درگذر از ایشان و درگذر بدرستیکه خدا دوست میدارد نیکوکاران را

وَمِنَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓا۟ إِنَّا نَصَٰرَىٰٓ أَخَذْنَا مِيثَٰقَهُمْ فَنَسُوا۟ حَظًّا

و از آنانکه گفتند بدرستی که ما ترسایانیم گرفتیم پیمان از ایشان پس فراموش کردند بهره

مِّمَّا ذُكِّرُوا۟ بِهِۦ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ ٱلْعَدَٰوَةَ وَٱلْبَغْضَآءَ إِلَىٰ يَوْمِ

از آنچه پند داده شدند بدان پس انداختیم میان ایشان دشمنی و عداوت را بسوی روز

ٱلْقِيَٰمَةِ ۚ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ ٱللَّهُ بِمَا كَانُوا۟ يَصْنَعُونَ ۝ يَٰٓأَهْلَ

رستخیز و زود باشد که خبر دهیم ایشانرا خدا آنچه بودند که میکردند ای اهل

ٱلْكِتَٰبِ قَدْ جَآءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا مِّمَّا كُنتُمْ

کتاب بتحقیق آمد شمارا فرستاده ما بیان میکند برای شما بسیاری از آنچه بودید که

تُخْفُونَ مِنَ ٱلْكِتَٰبِ وَيَعْفُوا۟ عَن كَثِيرٍ ۚ قَدْ جَآءَكُم مِّنَ ٱللَّهِ

پنهان میدارید از کتاب و درمیگذارد از بسیاری بتحقیق آمد شمارا از خدا

نُورٌ وَكِتَٰبٌ مُّبِينٌ ۝ يَهْدِى بِهِ ٱللَّهُ مَنِ ٱتَّبَعَ رِضْوَٰنَهُۥ سُبُلَ

نوری و کتابی روشن راه مینماید بآن خدا کسی را که پیروی کرد خشنودی او را راههای

ٱلسَّلَٰمِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِ بِإِذْنِهِۦ وَيَهْدِيهِمْ

سلامتی و بیرون می آرد ایشانرا از تاریکیها بسوی روشنی باذن او و راه مینماید ایشانرا

إِلَىٰ صِرَٰطٍ مُّسْتَقِيمٍ ۝ لَّقَدْ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓا۟ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ

بسوی راه راست بدرستیکه کافر شدند آنانکه گفتند بدرستیکه خدا اوست

المسيح ابن مريم قل فمن يملك من الله شيئا ان اراد ان يهلك
مسیح پسر مریم بگو پس کیست که منع کند از خدای اگر خواست که هلاک کند
المسيح ابن مريم وامه ومن في الارض جميعا ولله ملك
مسیح پسر مریم را و مادر او را و آنکه در زمین باشد همگی و مر خدا راست پادشاهی
السموات والارض وما بينهما يخلق ما يشاء والله على كل
آسمانها و زمین و آنچه میان آنهاست می آفریند آنچه میخواهد و خدا بر هر
شيء قدير وقالت اليهود والنصارى نحن ابناء الله و
چیز توانا است و گفتند یهود و ترسایان که ما پسران خدایم و
احباؤه قل فلم يعذبكم بذنوبكم بل انتم بشر ممن خلق
دوستان او بگو پس چرا عذاب میکند شما را بگناهان شما بلکه شما
يغفر لمن يشاء ويعذب من يشاء ولله ملك السموات و
می آمرزد هر که را میخواهد و عذاب میکند کسی را که میخواهد و مر خدا راست پادشاهی آسمانها
الارض وما بينهما واليه المصير يا اهل الكتاب
زمین و آنچه میان آنهاست و بسوی او ست بازگشت ای اهل کتاب
قد جاءكم رسولنا يبين لكم على فترة من الرسل ان تقولوا
بتحقیق آمد شما را فرستاده ما بیان برای شما بر فاصله از فرستادگان مبادا که گویید
ما جاءنا من بشير ولا نذير فقد جاءكم بشير ونذير
نیامد ما را هیچ مژده دهنده و نه بیم دهنده پس بتحقیق آمد شما را مژده دهنده و بیم دهنده
والله على كل شيء قدير واذ قال موسى لقومه يا قوم
و خدا بر هر چیز توانا است و چون گفت موسی مر قوم خود را ای قوم
اذكروا نعمة الله عليكم اذ جعل فيكم انبياء وجعلكم
یاد کنید نعمت خدا را بر شما هنگامی که گردانید در میان شما پیغمبرانی و گردانید شما را
ملوكا واتاكم ما لم يؤت احدا من العالمين يا قوم ادخلوا

پادشاهان و داد شما را آنچه نداد احدی را از جهانیان ای قوم داخل شوید

سورة

زمان ما مین و رسول ا
گوید که رسولی در میانه خلق باشد
در مجمع البیان از بعضی از مفسران حکایت
کرده که ما مین ولادت عیسی و محمد
پانصد و شصت و شش سال بود و بعد از
عیسی علیه السلام چهار پیغمبر بودند
آنان که خدای تعالی در قرآن مجید
حکایت فرموده که اذ ارسلنا الیهم
اثنین فکذبوهما فعززنا بثالث و گفت
چهارم را پیغمبر ما گفت و از آن
زمان صد و بیست و چهار نبوت بود
و بعد از آن زمان
فطرت
شد

الْاَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللّٰهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلٰٓى اَدْبَارِكُمْ

زمین پاک گردانیده را که نوشت خدا برای شما و پس مروید بر پشتهای تان

فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ ۝ قَالُوا يَا مُوسٰٓى اِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ

پس گردید از یان کاران گفتند ای موسی بدرستیکه در آن گروهی جبر کنندگانند

وَاِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا حَتّٰى يَخْرُجُوا مِنْهَا فَاِنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَاِنَّا دَاخِلُونَ

و بدرستیکه ما هرگز داخل نمیشویم آنرا تا بیرون روند از آن پس اگر بیرون روند از آن پس بدرستی که ما داخل شوندگانیم

قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخَافُونَ اَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمَا ادْخُلُوا

گفتند دو مرد از آنانکه میترسیدند انعام کرد خدا بر ایشان داخل شوید

عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَاِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَاِنَّكُمْ غَالِبُونَ ۝ وَعَلَى اللّٰهِ

بر ایشان از در پس چون داخل شدید آنرا پس بدرستی که شما غالبانید و بر خدا

فَتَوَكَّلُوٓا اِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ قَالُوا يَا مُوسٰٓى اِنَّا لَنْ نَدْخُلَهَا

توکل کنید اگر هستید گرویدگان گفتند ای موسی بدرستی که ما هرگز داخل نمیشویم

اَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ اَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَآ اِنَّا هٰهُنَا

آنرا هیچ گاه مادامیکه ایشان در آن پس برو تو و پروردگار تو پس کارزار کنید که ما اینجا

قَاعِدُونَ ۝ قَالَ رَبِّ اِنِّي لَآ اَمْلِكُ اِلَّا نَفْسِي وَاَخِي فَافْرُقْ

نشستگانیم گفت پروردگارا بدرستی که من مالک نیستم مگر بر نفس خود و برادرم پس جدا کن

بَيْنَنَا وَبَيْنَ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ۝ قَالَ فَاِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ

میان ما و میان گروه بدکاران گفت خدا پس بدرستی که حرام کرده شده بر ایشان

اَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْاَرْضِ فَلَا تَاْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

چهل سال سرگردان خواهند بود در زمین پس مدار اندوه بر گروه بدکاران

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَاَ ابْنَيْ اٰدَمَ بِالْحَقِّ اِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ مِنْ اَحَدِهِمَا

و بخوان بر ایشان خبر دو پسر آدم را براستی که چون قربانی کردند قربانی هر دو پس پذیرفته شد از یکیشان

وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْاٰخَرِ قَالَ لَاَقْتُلَنَّكَ ۝ قَالَ اِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللّٰهُ

و پذیرفته نشد از دیگری گفت البته میکشم ترا گفت جز این نیست که می پذیرد خدا

نصف

مِنَ الْمُتَّقِينَ ۝ لَئِنْ بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ

از پرهیزکاران ۝ البته اگر بکشائی بسوی من دست خود را تا بکشی مرا ۝ من نخواهم کشود دست خود را

يَدِيَ إِلَيْكَ لِأَقْتُلَكَ ۖ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ۝ إِنِّي أُرِيدُ

دست خود را بسوی تو تا بکشم تو را بدرستی که من میترسم از خدا که پروردگار جهانیان است ۝ بدرستی که من میخواهم

أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ۚ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ

که باز گردی بگناه من و گناه خود پس بوده باشی از یاران آتش ۚ و اینست سزای

الظَّالِمِينَ ۝ فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ

ستمکاران ۝ پس فرمان داد او را نفس او کشتن برادرش را پس کشت او را پس گردید

مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝ فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ

از زیان کاران ۝ پس فرستاد خدا زاغی را که میکاوید در ۝ زمین تا بنماید او را چگونه

يُوَارِي سَوْأَةَ أَخِيهِ ۚ قَالَ يَا وَيْلَتَىٰ أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ

پنهان کند جسد برادر خود را گفت ای وای بر من آیا عاجز شدم از این بوده باشم مانند

هَٰذَا الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْأَةَ أَخِي ۖ فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ ۝

این زاغ پس بپوشانیم جسد برادر خود را پس گردید از پشیمانان

مِنْ أَجْلِ ذَٰلِكَ ۛ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا

بسبب کشتن برادر این حکم ما حتم نوشتیم بر پسران اسرائیل که هر کس بکشد

بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا ۚ وَمَنْ

نفسی را بغیر آنکه نفسی را بکشد یا فسادی در زمین کرده باشد پس گویا کشته است مردمان را همه ۚ و کسی که

أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا ۚ وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا

زنده دارد نفسی را پس گویا که زنده داشته است مردمان را همگی ۚ و هر آینه بتحقیق که آمدند ایشان را فرستادگان ما

بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ بَعْدَ ذَٰلِكَ فِي الْأَرْضِ لَمُسْرِفُونَ

با معجزه های روشن پس بدرستی که بسیار از ایشان بعد ازین در زمین اسراف کنندگانند

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ

جز این نیست که سزای آنانکه جنگ میکنند با خدا و فرستاده او و می شتابند در روی زمین

فَسَادًا

فَسَادًا اَنْ يُقَتَّلُوٓا اَوْ يُصَلَّبُوٓا اَوْ تُقَطَّعَ اَيْدِيهِمْ وَاَرْجُلُهُمْ
برای فساد این است که کشته شوند یا بردار کشیده شوند یا بریده شود دستهای ایشان و پاهای ایشان
مِنْ خِلَافٍ اَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْاَرْضِ ذٰلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا
از خلاف یعنی که دست راست با پای چپ یا شد یا آواره شوند از زمین این سزای ایشانست رسوائی در دنیا
وَلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ اِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ اَنْ
و مر ایشانرا در آخرت عذاب بزرگ مگر آنانکه توبه کردند پیش از آنکه
تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوٓا اَنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ
قادر شوند بر ایشان پس بدانید بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست ای کسانی که
اٰمَنُوا اتَّقُوا اللّٰهَ وَابْتَغُوٓا اِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ
گرویدید بپرهیزید از خدا و بجوئید بسوی او وسیلة را و جهاد کنید در راه او
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ اِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ اَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْاَرْضِ
باشد که شما رستگار شوید بدرستی کسانی که کافر شدند اگر آنکه بود مر ایشانرا آنچه در زمین است
جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لِيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ مَا
از همگی و مانند او با آن تا فدا دهند بدان از عذاب روز رستخیز
تُقُبِّلَ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۝ يُرِيدُونَ اَنْ يَخْرُجُوا مِنَ النَّارِ
پذیرفته نشود از ایشان و مر ایشانرا عذاب دردناک میخواهند که بیرون روند از آتش
وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ ۝ وَالسَّارِقُ وَ
و نباشند ایشان بیرون روندگان از آن و مر ایشانرا است عذاب برقرار و
السَّارِقَةُ فَاقْطَعُوٓا اَيْدِيَهُمَا جَزَآءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِنَ اللّٰهِ
دزد و دزد را پس ببرید دستهای ایشان را جزاء دادنی بآنچه کسب کردند عقوبتی از خدا
وَاللّٰهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَاَصْلَحَ فَاِنَّ اللّٰهَ يَتُوبُ
و خدا غالب درست کردار است پس کسی که توبه کرد از بعد ستم خود و بصلاح آمد پس بدرستی که خدا می پذیرد
عَلَيْهِ اِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ اَلَمْ تَعْلَمْ اَنَّ اللّٰهَ لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ

باطاق

علمای ملت محمدی

قطع یکدست لازم است یا قطع چها

بسبب سرقت وان دست راست است در اول دزدی

واگر بعد از قطع آن دزدی کند قطع پای چپش واجب

و دزدی بعد از قطع دست راست و پای چپ اجماع

علمای امامیه دیگر قطع نمیباشد بلکه حبس او لازم

تا زنده است و اگر در حبس دزدی کند کشته میشود

و اخبار اهل بیت علیهم السلام دلالت بر این معنی دارد

و ابو حنیفه هم باین قول قایل شده و شافعی گفته

که مرتبه سیم دست چپش را میبرند و مرتبه چهارم

وَالْاَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَّشَآءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَّشَآءُ وَاللّٰهُ عَلٰى كُلِّ

و زمین عذاب میکند هر آنرا که میخواهد و می آمرزد آنرا که میخواهد و خدا بر هر

شَيْءٍ قَدِيْرٌ ۝ يٰٓاَيُّهَا الرَّسُوْلُ لَا يَحْزُنْكَ الَّذِيْنَ يُسَارِعُوْنَ فِي

چیز توانا است ای فرستاده شاید که اندوهگین تو را آنانکه شتاب میکنند در

الْكُفْرِ مِنَ الَّذِيْنَ قَالُوْٓا اٰمَنَّا بِاَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِنْ قُلُوْبُهُمْ

کفر از آنانکه گفتند ایمان آوردیم بدهنهاشان و ایمان نیاوردند از دلهاشان

وَمِنَ الَّذِيْنَ هَادُوْا سَمّٰعُوْنَ لِلْكَذِبِ سَمّٰعُوْنَ لِقَوْمٍ

و از آنانکه یهود شدند شنوندگانند مر دروغرا شنوندگانند از برای گروهی

اٰخَرِيْنَ لَمْ يَاْتُوْكَ ۛ يُحَرِّفُوْنَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهٖ يَقُوْلُوْنَ

دیگر که نیامدند تو را تحریف میکنند سخن را از بعد جایهایش میگویند

اِنْ اُوْتِيْتُمْ هٰذَا فَخُذُوْهُ وَاِنْ لَّمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوْا ۚ وَمَنْ يُّرِدِ اللّٰهُ

اگر داده شدید این را پس بگیرید او را و اگر داده نشدید آنرا پس حذر کنید و کسی که میخواهد خدا

فِتْنَتَهٗ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهٗ مِنَ اللّٰهِ شَيْـًٔا ۚ اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ لَمْ يُرِدِ اللّٰهُ

فتنه او را پس هرگز مالک نیستی مر او را از خدا چیزی آنها آنند که نخواسته است خدا

اَنْ يُّطَهِّرَ قُلُوْبَهُمْ ۛ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ ۖ وَّلَهُمْ فِي الْاٰخِرَةِ عَذَابٌ

که پاک گرداند دلهاشان را برای ایشان در دنیا رسوائی و مر ایشانرا در آخرت عذاب

عَظِيْمٌ ۝ سَمّٰعُوْنَ لِلْكَذِبِ اَكّٰلُوْنَ لِلسُّحْتِ ۚ فَاِنْ جَآءُوْكَ فَاحْكُمْ

بزرگ شنوندگانند مر دروغرا خورندگانند مر حرام را پس اگر آیند ترا پس حکم کن

بَيْنَهُمْ اَوْ اَعْرِضْ عَنْهُمْ ۚ وَاِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَّضُرُّوْكَ شَيْـًٔا ۭ

میان ایشان یا روگردان از ایشان را و اگر روگردانی از ایشان پس هرگز زیان نرسانند تو را چیزی

وَاِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ ۭ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِيْنَ

و اگر حکم کردی پس حکم کن میان ایشان بعدل بدرستی خدا دوست میدارد عدالت کنندگانرا

وَكَيْفَ يُحَكِّمُوْنَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرٰىةُ فِيْهَا حُكْمُ اللّٰهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ

و چگونه حکم میسازند تو را و نزد ایشانست تورات که در آن است حکم خدا پس روی میگردانند

امی بجز

فصل

بنی النضیر در محلی

حضرت رسول حاضر بود و بنی قریظه به بنی النضیر

در آویختند و گفتند یا محمد ما و بنی النضیر از یک قبیله

پیشیم و بر یک دینیم پدر ما یکی است و پیغمبر ما

یکی است هر گاه از ما یکی را بکشند قاتل را بما میسپارند

که قصاص نمائیم و دیت نمیدهند و شصت وسق خرما بما میدهند

و هر گاه ما یکی از ایشان را بکشیم قصاص میکنند و از ما

صد و چهل وسق خرما میگیرند و اگر کشته ایشان زن

باشد مرد ما را در برابر قصاص میکشند و اگر کشته مرد

باشد و مرد ما را در عوض قصاص میکنند و نمیدهند

از ایشان آزاد ما را قصاص میکنند و دیت هر اعضا

از حضرت صادق صلوات الله

علیه مرویست که سحت یعنی حرام

و انواع بسیار دارد اما رشوه در

حکم پس آن کفر بخدا و نبی

تعالی است

مِنۢ بَعۡدِ ذٰلِكَ ؕ وَمَاۤ اُولٰٓئِكَ بِالۡمُؤۡمِنِيۡنَ ۞ اِنَّاۤ اَنۡزَلۡنَا التَّوۡرٰىةَ

فِيۡهَا هُدًى وَّنُوۡرٌ ۚ يَحۡكُمُ بِهَا النَّبِيُّوۡنَ الَّذِيۡنَ اَسۡلَمُوۡا لِلَّذِيۡنَ

هَادُوۡا وَالرَّبّٰنِيُّوۡنَ وَالۡاَحۡبَارُ بِمَا اسۡتُحۡفِظُوۡا مِنۡ كِتٰبِ

اللّٰهِ وَكَانُوۡا عَلَيۡهِ شُهَدَآءَ ۚ فَلَا تَخۡشَوُا النَّاسَ وَاخۡشَوۡنِ وَلَا

تَشۡتَرُوۡا بِاٰيٰتِىۡ ثَمَنًا قَلِيۡلًا ؕ وَمَنۡ لَّمۡ يَحۡكُمۡ بِمَاۤ اَنۡزَلَ اللّٰهُ

فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الۡكٰفِرُوۡنَ ۞ وَكَتَبۡنَا عَلَيۡهِمۡ فِيۡهَاۤ اَنَّ النَّفۡسَ

بِالنَّفۡسِ ۙ وَالۡعَيۡنَ بِالۡعَيۡنِ وَالۡاَنۡفَ بِالۡاَنۡفِ وَالۡاُذُنَ

بِالۡاُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ ۙ وَالۡجُرُوۡحَ قِصَاصٌ ؕ فَمَنۡ تَصَدَّقَ

بِهٖ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَّهٗ ؕ وَمَنۡ لَّمۡ يَحۡكُمۡ بِمَاۤ اَنۡزَلَ اللّٰهُ فَاُولٰٓئِكَ

هُمُ الظّٰلِمُوۡنَ ۞ وَقَفَّيۡنَا عَلٰۤى اٰثَارِهِمۡ بِعِيۡسَى ابۡنِ مَرۡيَمَ مُصَدِّقًا

لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ مِنَ التَّوۡرٰىةِ ۚ وَاٰتَيۡنٰهُ الۡاِنۡجِيۡلَ فِيۡهِ هُدًى

وَّنُوۡرٌ ۙ وَّمُصَدِّقًا لِّمَا بَيۡنَ يَدَيۡهِ مِنَ التَّوۡرٰىةِ وَهُدًى وَّمَوۡعِظَةً

اما در جراحاتی که غالبا بهلاکت انجامد و بوست و استخوان سر را شکافته بمغز سر رسیده و باشد چون مأمومه و جائفه یعنی جراحتی که بجوف بدن رسیده باشد و بریدن دست و پا و امثال اینها قصاص نمی باشد بلکه دیت بر جارح لازم است بلی اگر جراحت مجروح بهلاکت انجامد در اینصورت قصاص نفس لازم میشود و این احکام در شریعت ما هم ثابت است و مراد از جرح در این هنگام جراحاتی است که غالبا منجر بقتل نباشد که در اینها قصاص نمی باشد تأمل

لِلْمُتَّقِينَ ۝ وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ

برای پرهیزکاران و باید که حکم کنند اهل انجیل آنچه فرو فرستاده خدا در قرآن و کسی که

يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ ۝ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ

حکم نکند آنچه فرو فرستاده خدا پس این گروه ایشانند بدکاران و فرستادیم بسوی تو

الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا

قرآن را براستی در حالیکه تصدیق کننده و آنچه پیش از او بود او از تورات و انجیل و گواهی دهنده است

عَلَيْهِ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ

بر آنچی آن پس حکم کن میان ایشان آنچه فرو فرستاده خدا و پیروی مکن خواهشهای ایشان را از آنچه آمده تو را

مِنَ الْحَقِّ لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ

از آن مذهب حق برای هریک گردانیدیم از برای شما شریعتی و راه روشنی و اگر خواستی خدا

لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ ۖ فَاسْتَبِقُوا

هر آینه گردانیدی شما را گروهی یگانه ولیکن خواست تا بیازماید شما را در آن چیزی که داد شما را پس پیشی گیرید

الْخَيْرَاتِ ۚ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ

بخوبیها بسوی خداست بازگشت شما همگی پس آگاه گرداند شما را آنچه هستید در آن

تَخْتَلِفُونَ ۝ وَأَنِ احْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ

اختلاف می کنید و فرستادیم بر تو حکم کنی میان ایشان آنچه فرو فرستاده خدا و پیروی مکن خواهشهای ایشان را

وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۖ فَإِنْ تَوَلَّوْا

و حذر کن از ایشان مبادا که در فتنه اندازند از پاره آنچه فرو فرستاده خدا بسوی تو پس اگر پشت کنند

فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا

پس بدان که میخواهد خدا که برساند ایشان را بعضی سبب پاره گناهان ایشان و بدرستی که بسیاری

مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ ۝ أَفَحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ ۚ وَمَنْ أَحْسَنُ

از مردمان هر آینه بدکارانند آیا پس حکم جاهلیت را میخواهند و کیست نیکوتر

مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا

از خدا در روی حکم برای گروهی که یقین دارند ای کسانی که گرویدند

مجمع

البیان گفته که مکرر در مکرر ارام بحکم میان اهل کتاب است که حکم مختلف است چه یهود مرافعه نجدمت آنحضرت آوردند او لا در باب زنای محصن حکم آن و بعد ازان محاکمه نزد آنحضرت بردند در باب قتلی که در میان ایشان بود گفت که تنصفی از حضرت ابی جعفر علیه مرویست و از جابری و جمعی از مفسرین هم حکایت شده

از حضرات ابی جعفر و ابی عبدالله علیهما السلام مرویست که این آیه در شان حضرت امیر المومنین علیه السلام نازل شد و از عمار یاسر و ابن عباس و حذیفه هم همین مضمون مقول و دلیل بر این که این صفاتی که در این آیه مذکور شده است در آنحضرت بوده و در غیر آنحضرت نبوده چنانچه بصحت پیوسته از احادیث بسیار در کتب خاصه و عامه از انجمله در صحیح مسلم مذکور است که حضرت رسول در روز خیبر علم را بمردی داد و محاربه اهل

تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَىٰ أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَ

مَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَىٰ

أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ

فَيُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسَرُّوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ وَيَقُولُ الَّذِينَ

آمَنُوا أَهَٰؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ

حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ

يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ

يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ

فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ

مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَ

الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ

ومحتاج به بیان نیست و مرتبه بود که بعضی

اورا دلاب نامیدند از انجمله انکه ابن ابی الحدید

حکایت کرده شبی که آنحضرت بخانه می آمد در

خانه پیرزالی رسیده دید که اطفالش میگریند و

از آن آشی در دیگ میپزانید و از وجه گرسنه

اطفال رسیده پیرزال گفت این اطفال گرسنه

راكعون ۝ ومن يتول الله ورسوله والذين امنوا فان حزب
رکوع کنندگانند ۝ وکسی که دوستی امر خود داند خدا و فرستاده او را و کسانی که گرویدند بدرستی که لشکر
الله هم الغالبون ۝ يا ايها الذين امنوا لا تتخذوا الذين اتخذوا
خدا ایشانند غلبه کنندگان ۝ ای آنکسانیکه گرویدند فرا گیرید آنانی را که فرا گرفتند
دينكم هزوا ولعبا من الذين اوتوا الكتاب من قبلكم
دین شما را از روی سخریه و بازیچه از کسانی که داده شدند کتابها را پیش از شما
والكفار اولياء واتقوا الله ان كنتم مؤمنين ۝ واذا
و از کفار را دوستان و بترسید از خدا اگر هستید گروندگان ۝ و چون
ناديتم الى الصلوة اتخذوها هزوا ولعبا ذلك بانهم قوم
ندا کنید مرا نماز بسوی نماز فرا گیرند آنرا بسخریه و بازیچه این بسبب آنست که ایشان گروهی
لا يعقلون ۝ قل يا اهل الكتاب هل تنقمون منا الا ان
که نمیفهمند ۝ بگو ای اهل کتاب آیا ناخوش دارید از ما چیزی را که بعد از آنکه
امنا بالله وما انزل الينا وما انزل من قبل وان اكثركم
گرویده ایم بخدا و آنچه فرستاده شده بسوی ما و آنچه فرو فرستاده شده از پیش و بدرستی که بسیاری از شما
فاسقون ۝ قل هل انبئكم بشر من ذلك مثوبة عند
بدکارانند ۝ بگو آیا خبر دهم شما را بدترین از جهة پاداش نزد
الله من لعنه الله وغضب عليه وجعل منهم القردة و
خدا کسی که لعن کرد او را خدا و خشم گرفت بر او و گردانید بعضی از ایشان را بوزینگان و
الخنازير وعبد الطاغوت اولئك شر مكانا واضل عن سواء
خوکان صورتان و هر که پرستید شیطان را آنها اند بدتر از مکان و گمراه تر از راه راست
السبيل ۝ واذا جاؤكم قالوا امنا وقد دخلوا بالكفر
۝ و چون بیایند شما را گویند گرویدیم و بدرستی که درآمده اند نزد تو با کفر
وهم قد خرجوا به والله اعلم بما كانوا يكتمون ۝ وترى كثيرا
و ایشان بدرستی بیرون رفته اند بآن نزد تو و خدا داناتر است بآنچه پنهان میکنند ۝ و می بینی بسیاری

منهم يسارعون في الاثم والعدوان واكلهم السحت لبئس
ازایشان کرایشتابند ورگناه وبستم اوخوردن ایشان حرام زاهرآینه بداست
ما كانوا يعملون ۝ لولا ينهيهم الربانيون والاحبار عن قولهم
آنچه هستند که میکنند چرا بازنمیدارندشانرا علمای ربانی واوقاشیدان ازگفتارایشان
الاثم واكلهم السحت لبئس ما كانوا يصنعون ۝ وقالت
گناه را وخوردن ایشان حرام زاهرآینه مکاریست آنچه هستند که بزمی سازند وگفتند
اليهود يد الله مغلولة ۚ غلت ايديهم ولعنوا بما قالوا ۘ بل يداه
یهود ان که دست خدا بسته است بسته باد دستهایشان ولعنت بزایشان بآنچه گفتند بلکه دستهای او گشوده
مبسوطتان ينفق كيف يشاء ۚ وليزيدن كثيرا منهم ما
گشوده است او نفقه میکند چگونه که میخواهد وهرآینه زیاد میکند بسیاری ازیهود ان را آنچه
انزل اليك من ربك طغيانا وكفرا ۚ والقينا بينهم العداوة
فرستاده شد بسوی تو از پروردگارت سرکشی وازنافرمانی وانداختیم میان ایشان دشمنی
والبغضاء الى يوم القيمة ۚ كلما اوقدوا نارا للحرب اطفاها
وکینه تا روز قیامت هرگاه که افروختند آتشی را جنگ را فرومیرانند
الله ويسعون في الارض فسادا ۚ والله لا يحب المفسدين
خدا وميکوشند در زمین بفساد وخدا دوست نمیدارد تباه کاران را
ولو ان اهل الكتاب امنوا واتقوا لكفرنا عنهم سيئاتهم
واگر که اهل کتاب ایمان آوردندی وپرهیزکاری کردندی هرآینه بپوشانیدیم ازایشان بدیهاشان را
ولادخلناهم جنات النعيم ۝ ولو انهم اقاموا التورية و
وهرآینه فرو آوردیم ایشانرا بوستانهای بازنعمت واگر که ایشان بپاداشتندی باحکام تورات را و
الانجيل وما انزل اليهم من ربهم لاكلوا من فوقهم
انجیل را وآنچه را که فرستاده شد بسوی ایشان از پروردگارشان هرآینه خوردندی از بالای سرخود
ومن تحت ارجلهم ۚ منهم امة مقتصدة ۚ وكثير منهم ساء ما
واز زیر پاهای خود بعضی از ایشان گروهی اند راست کردار وبسیاری ازایشان بدست آنچه

یهود
گویند که
حق تعالی عالم ممکنات را
بر ترتیبی که دارد خواهد داشت تا روز
قیامت وبعد از آن الی غیر النهایه در
ازل ایجاد کرده وفعله ودیگر همیشه
معطل بوده وخواهد بود

يَعْلَمُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ

لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ

اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ۝ قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ

لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ

مِنْ رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِنْهُمْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ

طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ

آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئُونَ وَالنَّصَارَىٰ مَنْ آمَنَ

بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

يَحْزَنُونَ ۝ لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَأَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ

رُسُلًا كُلَّمَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا

كَذَّبُوا وَفَرِيقًا يَقْتُلُونَ ۝ وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةٌ فَعَمُوا

وَصَمُّوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُّوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَاللَّهُ

بصیر بما یعملون ۞ لقد کفر الذین قالوا ان الله هو المسیح
ابن مریم وقال المسیح یا بنی اسرائیل اعبدوا الله ربی
وربکم انه من یشرک بالله فقد حرم الله علیه الجنة
وماوه النار وما للظالمین من انصار ۞ لقد کفر الذین
قالوا ان الله ثالث ثلثة وما من اله الا اله واحد وان لم
ینتهوا عما یقولون لیمسن الذین کفروا منهم عذاب الیم
افلا یتوبون الی الله ویستغفرونه والله غفور رحیم ۞ ما
المسیح ابن مریم الا رسول قد خلت من قبله الرسل و
امه صدیقة کانا یاکلان الطعام انظر کیف نبین
لهم الایات ثم انظر انی یؤفکون ۞ قل اتعبدون من دون
الله ما لا یملک لکم ضرا ولا نفعا والله هو السمیع العلیم
قل یا اهل الکتاب لا تغلوا فی دینکم غیر الحق ولا

فایده
از نصاری که عبارتند
از ملکانیه و یعقوبیه و نسطوریه
قایل باقانیم ثلاثه شده اند که عبارتند
از اب و ابن و روح القدس و خدا تعالی را
العیاذ بالله پدر عیسی گفته اند و عیسی را فرزند
او و روح القدس را که نام ملکی است با آن دو
متحد بالذات میدانند و میگویند که هر سه یکدیگر
و باعتبار مختلفند چنانچه صوفیه باین اتحاد در رفته
در جمیع آفریدگان و مغایرتها را باعتبار
مراتب دانسته اند در تنزلات چنانکه مولانای
رومی در مثنوی خود گفته است شعر چونکه پرنکی
اسیر رنگ شد موسی ها
موسی در جنگ شد

تَتَّبِعُوٓا أَهۡوَآءَ قَوۡمٖ قَدۡ ضَلُّواْ مِن قَبۡلُ وَأَضَلُّواْ كَثِيرٗا وَضَلُّواْ
پیروی مکنید خواهشهای گروهی را که گمراه شدند پیش ازین و گمراه نمودند بسیاری را و گمراه شدند
عَن سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ ۝ لُعِنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنۢ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ
از راه راست لعنت کرده شدند آنانکه کافر شدند از فرزندان بنی اسرائیل
عَلَىٰ لِسَانِ دَاوُۥدَ وَعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَۚ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَواْ وَّكَانُواْ
بر زبان داود و عیسی پسر مریم این بسبب گناهی بود و بسبب
يَعۡتَدُونَ ۝ كَانُواْ لَا يَتَنَاهَوۡنَ عَن مُّنكَرٖ فَعَلُوهُۚ لَبِئۡسَ مَا
آنکه تجاوز میکردند بودند که باز نمی ایستادند از کرداری زشت که کردند می آنرا هر آینه بد کاریست آنچه
كَانُواْ يَفۡعَلُونَ ۝ تَرَىٰ كَثِيرٗا مِّنۡهُمۡ يَتَوَلَّوۡنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۚ لَبِئۡسَ
میکردند می بینی بسیاری را ازایشان که دوستی می کنند با کسانی که کافر شدند هر آینه بد است
مَا قَدَّمَتۡ لَهُمۡ أَنفُسُهُمۡ أَن سَخِطَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِمۡ وَفِي ٱلۡعَذَابِ هُمۡ
آنچه پیش فرستاده برای ایشان را نفسهاشان اینست که خشم کرده خدا بر ایشان و در عذاب ایشان
خَٰلِدُونَ ۝ وَلَوۡ كَانُواْ يُؤۡمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلنَّبِيِّ وَمَآ أُنزِلَ إِلَيۡهِ
جاویدانند و اگر بودندی که میگرویدند بخدا و پیغمبر و آنچه فرستاده شد بسوی او
مَا ٱتَّخَذُوهُمۡ أَوۡلِيَآءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرٗا مِّنۡهُمۡ فَٰسِقُونَ ۝ لَتَجِدَنَّ
نگرفتندی ایشان را دوستان و لیکن بسیاری ازایشان بدکارانند هر آینه می یابی
أَشَدَّ ٱلنَّاسِ عَدَٰوَةٗ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلۡيَهُودَ وَٱلَّذِينَ أَشۡرَكُواْۖ وَ
بدترین مردمان را در عداوت با آنانی که گرویده اند یهود و ازا و کسانیکه شرک آوردند و
لَتَجِدَنَّ أَقۡرَبَهُم مَّوَدَّةٗ لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّا نَصَٰرَىٰۚ
هر آینه می یابی نزدیکترین مردمان را از روی دوستی با آنانی که گرویده اند آنانی که گفتند بدرستی که ما ترسایانیم
ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنۡهُمۡ قِسِّيسِينَ وَرُهۡبَانٗا وَأَنَّهُمۡ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ
این دوستی بسبب آنست که ازایشان دانایان و زاهدانند و بسبب آنست که ایشان گردنکشی نمیکنند
وَإِذَا سَمِعُواْ مَآ أُنزِلَ إِلَى ٱلرَّسُولِ تَرَىٰٓ أَعۡيُنَهُمۡ تَفِيضُ مِنَ ٱلدَّمۡعِ
و چون بشنوند آنچه فرو فرستاده شد بسوی فرستاده می بینی دیده های ایشان را که میریزد اشک را

فهرست
البسیان به کورات
که در اول حال چون آنحضرت
مامور بجهاد نبود و قریش در صدد آزار و ایذا
مسلمانان بودند لیکن برعایت آنحضرت از ایشان
ابوطالب مینمودند آنحضرت اصحاب خود را فرمود
که بحبشه رفته در ظل حمایت نجاشی بسر برند و چون
فرمود که او پادشاه بیعدالتست و در آنجا
ستم بر کسی نمیتوانند کرد پس هیجده مرد و چهار زن
مردان و چهار زن از مکه بیرون رفتند و بعد
از آن جعفر ابن ابی طالب بیرون رفت و با
متعاقب یکیک بیرون میرفتند تا آنکه هشتاد و
دو نفر مرد و جمعی از زنان و اطفال رفتند و چون
قریش از اینمعنی آگاه شدند عمرو عاص را با
عمارة بن الولید مصحوب تحفها و هدایا برسالت
بطلب مسلمانان نزد نجاشی و امرای او فرستادند
و عمرو عاص زن خود را در آن سفر با خود برد
و عماره جوانی خوش قامت و خوش رو بود
روزی در کشتی در عالم آب با عمرو گفت زن خود را
بگو مرا ببوسد و عمرو قبول نکرد عماره را اینمعنی گران
آمد و چون عمرو سرگرم شراب شد عماره دستی
زده او را در آب انداخت و عمرو بحیله تمام خود را
از دریا بکشتی کشیده عداوت تمام در میان ایشان
پیدا شد و چون بحبشه رسیدند هدایا را که در
پیغام قریش را رسانیدند نجاشی جعفر را طلبید
جعفر گفت ایها الملک ازایشان پرس که بچه
وجه بطلب ما آمده اند بنده و ایشانیم گفتند بلکه
آزاد یم گفت پرس که دینی از ما میخواهند گفتند
دینی از شما نمیخواهیم گفت اما خونی در گردن ما دارند
که مطالبه قصاص آن نمایند گفتند گفت پس از
ما چه میخواهید ما در ارار بودیم از دست شما هاجر

مما عرفوا من الحق يقولون ربنا امنا فاكتبنا مع الشاهدين
از آنچه شناخته اند از دین حق گویند پروردگارا گرویدیم پس بنویس ما را با گواهان
وما لنا لا نؤمن بالله وما جاءنا من الحق ونطمع ان يدخلنا
و چیست مر ما را که ایمان نیاوریم بخدا و آنچه آمده ما را از دین حق و طمع داریم که در آورد ما را
ربنا مع القوم الصالحين فاثابهم الله بما قالوا جنات
پروردگارا با گروه شایستگاران پس جزا داد ایشان را خدا بسبب آنچه گفتند بوستانهائی که
تجري من تحتها الانهار خالدين فيها وذلك جزاء المحسنين
میرود از زیر آن جویها جاویدان در آن و این پاداش نیکوکاران است
والذين كفروا وكذبوا بآياتنا اولئك اصحاب الجحيم يا
و آنانکه کافر شدند و دروغ بستند بآیتهای ما اینان گروه دوزخند ای
ايها الذين امنوا لا تحرموا طيبات ما احل الله لكم ولا
کسانی که گرویده اید حرام مگردانید پاکیزه های آنچه حلال کرده خدا برای شما و از
تعتدوا ان الله لا يحب المعتدين وكلوا مما رزقكم الله
حکم خدا در مگذرید بدرستی که خدا دوست ندارد از حد گذرندگان را و بخورید از آنچه روزی کرده شما را خدا
حلالا طيبا واتقوا الله الذي انتم به مؤمنون لا يؤاخذكم الله
روزی حلال پاکیزه و بترسید از خدائی که شما باو گرویدگانید نمیگیرد شما را خدا
باللغو في ايمانكم ولكن يؤاخذكم بما عقدتم الايمان
بیهوده در سوگندهای شما ولیکن میگیرد شما را بآنچه بدل ببندید سوگندها
فكفارته اطعام عشرة مساكين من اوسط ما تطعمون
پس کفاره آن طعام دادن ده درویش از میانه ای آنچه میخورانید
اهليكم او كسوتهم او تحرير رقبة فمن لم يجد فصيام ثلثة
اهل و عیال خود را یا جامه دادن ایشان یا آزاد کردن بنده پس کسی که نیابد پس روزه بدارد سه
ايام ذلك كفارة ايمانكم اذا حلفتم واحفظوا ايمانكم
روز این است کفاره سوگندهای شما هرگاه سوگند خورید و نگاه بدارید سوگندهای خود را

بین بگرگفت نمیدونی
فرمایت ورزیا بدست او دهخدائی
صاحب سرو دی گرد و گفت خواهیش علاقه
چون خیانت امریست بسیار مذموم
عرض مطلب را بر ذمت خود لازم
دانستم در این اثنا مجلس امد از آن بوی
خوش استشمام کرده نجاشی از شنیدن
آن بو استشمام خیانت او نموده
سخن عمرو را بر صدق حمل نمود امر
بمجلس عماره و عمرو تهما
بحکم مراجعت کرد
نجاشی
غایت خواهش و علاقه
بودن بحلیه بخط آورده او را
بعماره داد و از استعمال نمود و عمرو
بشر نزد نجاشی رفته گفت عماره را
با یکی از اهل شما علاقه و ربطی بهم رسیده

فائدة گفته اند در العلم
خدا پیوند دو بعضی وجود یکی
فنا ماندس انسان با آنکه در صحرای
این صاحب دلی کو در صحرای معرفت
در خورد دون هل انسانی را در عداد
یکی از انسان در عداد معاملت صاحبان خود
دو خصلت نیست از انسان که هر خصلت معاملت
قرب دو نوع کرد و بیان تقوی نخلاق کتاب
از یک زاویه نیست در باب معاملات
همچنین دو خصلت از انسان هست که
بیان امر است با آنکه خصلت انسان نیز
بیانات مبهمین مکرر مفهوم
تخصیص کردن
تقوی بحیث دو خصلت

كَذٰلِكَ يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمْ اٰيٰتِهٖ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ
همچنین بیان میکند خدا برای شما نشانهای خود را تا مگر شما سپاس گزارید ای آن گروهی که
اٰمَنُوْٓا اِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْاَنْصَابُ وَالْاَزْلَامُ رِجْسٌ
گرویدید و ایمان آوردید جز این نیست که شراب خوردن و قمار باختن و پرستیدن بتان و قمار تیرهای قمار پلید
مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطٰنِ فَاجْتَنِبُوْهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ۝ اِنَّمَا يُرِيْدُ
از کردار شیطانست پس باز ایستید از کردار شیطان تا باشد که شما رستگار شوید همانا خواهد
الشَّيْطٰنُ اَنْ يُّوْقِعَ بَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَآءَ فِي
شیطان مگر این که بیندازد میان شما دشمنی و کینه را در
الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيَصُدَّكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللّٰهِ وَعَنِ الصَّلٰوةِ فَهَلْ
شراب شراب و باختن قمار و باز دارد شما را از یاد خدا و از نماز پس آیا
اَنْتُمْ مُّنْتَهُوْنَ ۝ وَاَطِيْعُوا اللّٰهَ وَاَطِيْعُوا الرَّسُوْلَ وَاحْذَرُوْا فَاِنْ
شما باز ایستادگان و فرمان برید خدا را و پیروی کنید فرستاده را و برحذر باشید از خدا پس اگر
تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوْٓا اَنَّمَا عَلٰى رَسُوْلِنَا الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ ۝ لَيْسَ عَلَى
روگردانید پس بدانید که نیست بر فرستاده ما مگر رسانیدن پیغام آشکارا نیست بر
الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ جُنَاحٌ فِيْمَا طَعِمُوْٓا اِذَا مَا اتَّقَوْا
کسانی که گرویدند و کردند کارهای شایسته هیچ گناهی در آنچه خوردند هر گاه پرهیز نمودند
وَّاٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ ثُمَّ اتَّقَوْا وَّاٰمَنُوْا ثُمَّ اتَّقَوْا وَّاَحْسَنُوْا
و گرویدند و کردند کارهای شایسته پس پرهیز نمودند و گرویدند پس پرهیزکاری نمودند و نیکی کردند
وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَيَبْلُوَنَّكُمُ اللّٰهُ
و خدا دوست میدارد نیکوکاران را ای کسانی که گرویدید و ایمان آوردید هر آینه بیازماید شما را خدا
بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ تَنَالُهٗٓ اَيْدِيْكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللّٰهُ
بچیزی از صید که میرسد بآن دستهای شما و نیزه‌های شما تا آگاه گرداند خدا
مَنْ يَّخَافُهٗ بِالْغَيْبِ ۚ فَمَنِ اعْتَدٰى بَعْدَ ذٰلِكَ فَلَهٗ عَذَابٌ اَلِيْمٌ
کیست که می ترسد از او به پنهانی پس هر که زیاده روی کرد بعد از این پس مر او راست عذاب دردناک

در لغت
صید هر حیوانی است
که در اصل وحشی باشد خواه ماکول
اللحم باشد و خواه نه و خواه از جانوران زمینی باشد
یا پرنده و خواه صحرائی باشد و خواه آبی و مراد در
اینجا صحرائی است بقرینه و اجل لکم صید البحر
مراد از قتل صید است که بخواطرش نباشد که محرم
و دانند هم که صید بر محرم حرام است و چکش انکه در
مرتبه اول کفاره واجبست و در مرتبه ثانی و ثالث
به علت انکه فایده کفاره رفع عقوبت فعل حرام
و عقوبت تکرار صید نسبت بمحرم زیاده از آن است
که کفاره در رفع آن شواند نمود اما صید غیر عمد
یعنی آنکه بخواطرش نباشد احرام یا جاهل مسئله باشد
و نداند که بر محرم صید حرام است پس کفاره بمکرر نمیشود
بتکرار صید چنانکه در مرسله ابن ابی عمیر از بعض
اصحاب از حضرت صادق مرویست که فرمود
که هر گاه محرم از روی خطا صید کند بر او کفاره
لازم است و اگر دیگر باره از روی خطا صید کند
باکفاره بر او واجبست همیشه هر چند صید کند از
روی خطا کفاره میدهد و اگر بار دوم صید عمد

یا ایها

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرُمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ

ای آنکسانی که گرویده اید و ایمان آورده اید نکشید شکار زیرا و شما باشید محرمان و هر که بکشد او را

مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ

از شما عمد پس باداش آن مانند آنچه کشته است از چهارپایان که حکم کند آن بدو عادل

مِنْكُمْ هَدْيًا بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلُ

از شما که آن فرمانی است رسنده بکعبه یا کفارتی او طعام دادن درویشانست هر یکی را

ذَٰلِكَ صِيَامًا لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ

آن روزه داشتن تا بچشد عقوبت کار خود را درگذشت خدا از آنچه گذشته و کسی که

عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ۞ أُحِلَّ لَكُمْ

برگردد پس انتقام کشد خدا از او و خدا غالب است خدای انتقام حلال شد مر شما را

صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَاعًا لَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ وَحُرِّمَ عَلَيْكُمْ

ای محرمان شکار دریایی و خوردن آن بجمله برخورداری شما حلال شد و برای مسافران و حرام شد بر شما

صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرُمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

گرفتن شکار صحرائی مادام که شما محرمانید و بترسید از خدا که بسوی او برانگیخته خواهید شد

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَامًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ

گردانید خدا کعبه را که خانه محترم است برپا دارندگان کارهای مردمان و معتبر در مهمات

الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلَائِدَ ذَٰلِكَ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي

ماه حرام و قربانی و پوشنهای خداوندان قلاده باد این بجمله از آنست تا بدانید که خدا میداند آنچه در

السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۞ اعْلَمُوا

آسمانها و آنچه در زمینست و که خدا بهر چیزی داناست بدانید که

أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۞ مَا عَلَى الرَّسُولِ

خدا سخت عقوبت است و بدرستی که خدا آمرزنده و مهربانست نیست بر پیغمبر صلی الله علیه و آله

إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ ۞ قُلْ لَا

مگر رسانیدن پیام و خدا میداند آنچه آشکار میکنید و آنچه می پوشانید بگوای محمد

عرض

در اینجا بیان حرمت
خوردن گوشت صید صحرائی است
بر محرم هرچند که محلی آن را صید کرده باشد
لیکن در غیر حرم چنانکه مذهب امامیه است
و جمعی از عامه چون گوشت صیدی را که
محل کرده باشد بر محرم حلال میدانند صید
در اینجا بمعنی مصدری حمل نموده این
آیه را تاکید آیه اولی
دانسته اند

مقام

مصدر بیت و در اینجا
بمعنی ما یقوم به یعنی گردانید خدا تعالی
کعبه را چیزی که بسبب آن انتظام مهام
و مستقیم میشود احوال دنیای مردم چه بسبب
زیارت آن انواع نفعها از تجارات
و غیرانها بهمه پس میرسد از مومن و کافر
این تفسیر از حضرت ابی عبدالله علیه السلام
روایت شده و بعضی گفته اند که یعنی
آن را سبب انتظام امور دینوی و
اخروی مردم گردانیده و دنیا
براین اساس را باید تخصیص
بمومنان داد

لَيْسَتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا

نیست یکسان ﴿۱۰۰﴾ پلید و پاکیزه و اگرچه بسیاری پلید بر تو پسند

اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿۱۰۱﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

از خدا ای صاحبان خردها ﴿۱۰۱﴾ باشد که رستگار شوید ای آنکسانی که گرویده اید

لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبْدَ لَكُمْ تَسُؤْكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا

مپرسید از چیزهائی که اگر ظاهر شود مر شما را بد آید شما را و اگر بپرسید

عَنْهَا حِينَ يُنَزَّلُ الْقُرْآنُ تُبْدَ لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ

از آنها هنگامی که فرو فرستاده شود قرآن ظاهر گردد شما را گذشت خدا از آنها و خدا آمرزنده

حَلِيمٌ ﴿۱۰۲﴾ قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِنْ قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ

بردبار است ﴿۱۰۲﴾ بتحقیق پرسیدند آنها را گروهی از پیش از شما پس از آن گردیدند بسبب آن کافران

مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَ

نگردانیده است خدا از هیچ از بحیره و نه از سائبه و نه از وصیله و نه حامی

لَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَأَكْثَرُهُمْ لَا

ولکن آنانکه کافر شدند میبندند بر خدا دروغ را و بیشتر ایشان نه

يَعْقِلُونَ ﴿۱۰۳﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ

میفهمند ﴿۱۰۳﴾ و چون گفته شود مر ایشانرا که بیائید بسوی آنچه فرو فرستاده خدا و بسوی فرستاده

قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا

گویند بس است ما را آنچه یافتیم بر آن پدران خود را اگرچه بودند پدران ایشان که

يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ ﴿۱۰۴﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ

نمیدانستند چیزی را و نه راه یافته بودند ﴿۱۰۴﴾ ای کسانی گرویده اید بر شما باد که

أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ

نگاه دارید خود را که ضرر نرساند شما را هر که گمراه شد چون راه یافته اید را بسوی خدا است بازگشت شما

جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿۱۰۵﴾ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا شَهَادَةُ بَيْنِكُمْ

همگی پس آگاه کند شما را بآنچه بودید میکردید ﴿۱۰۵﴾ ای آنانکه گرویده اید شاهد میان خود

یعنی نر بود و نه ماده و نه فحل گاهی نر بود و گاهی ماده و گاهی نر و ماده و از آن گوسفندان آنرا که صوف دارند و گوشت آن حلال است و از شکم و پشت آن بسیار حاصل میشود و بعضی گفته اند که گوسفندی که در شکم ده ماده و نر بود

از حضرت ابی جعفر امروست
که مراد ازین نماز نماز عصر است و
این مذهب امامیه و جمعی از مفسرین
عامه است و منشا تخصیص اینوقت
آنکه بنا بر این قسم در مردم واقعست
و بعد از عصر اجتماع مردم بیشتر صورت
پذیرست و بعضی از مفسرین عامه
آنرا بنماز اهل ذمه
تفسیر کرده اند
این تفسیر

اِذا حَضَرَ اَحَدَکُمُ الْمَوْتُ حِینَ الْوَصِیَّةِ اثْنانِ ذَوا عَدْلٍ مِنْکُمْ
او اخرانِ مِنْ غَیْرِکُمْ اِنْ اَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِی الْاَرْضِ فَاَصابَتْکُمْ
مُصیبَةُ الْمَوْتِ تَحْبِسُونَهُما مِنْ بَعْدِ الصَّلوٰةِ فَیُقْسِمانِ بِاللّٰهِ
اِنِ ارْتَبْتُمْ لا نَشْتَری بِهِ ثَمَناً وَلَوْ کانَ ذا قُرْبیٰ وَلا نَکْتُمُ
شَهادَةَ اللّٰهِ اِنّا اِذاً لَمِنَ الْاٰثِمِینَ فَاِنْ عُثِرَ عَلیٰ اَنَّهُما اسْتَحَقّا
اِثْماً فَاٰخَرانِ یَقُومانِ مَقامَهُما مِنَ الَّذِینَ اسْتَحَقَّ عَلَیْهِمُ الْاَوْلَیانِ
فَیُقْسِمانِ بِاللّٰهِ لَشَهادَتُنا اَحَقُّ مِنْ شَهادَتِهِما وَمَا اعْتَدَیْنا
اِنّا اِذاً لَمِنَ الظّالِمِینَ ذٰلِکَ اَدْنیٰ اَنْ یَأْتُوا بِالشَّهادَةِ عَلیٰ
وَجْهِها اَوْ یَخافُوا اَنْ تُرَدَّ اَیْمانٌ بَعْدَ اَیْمانِهِمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ وَاسْمَعُوا
وَاللّٰهُ لا یَهْدِی الْقَوْمَ الْفاسِقِینَ یَوْمَ یَجْمَعُ اللّٰهُ الرُّسُلَ
فَیَقُولُ ماذا اُجِبْتُمْ قالُوا لا عِلْمَ لَنا اِنَّکَ اَنْتَ عَلّامُ الْغُیُوبِ
اِذْ قالَ اللّٰهُ یا عِیسَی ابْنَ مَرْیَمَ اذْکُرْ نِعْمَتِی عَلَیْکَ وَعَلیٰ والِدَتِکَ

بنا بر آنست که مفعول یحای فاعل استحق ضمیری
باشد راجع باثم و علی در علیهم بمعنی من باشد
تسلیلی باشد چنانچه بعضی از مفسرین احتمال داده اند
و اگر گفته اند که استحق بصیغه مجهول بمعنی حق
میگویند استحق علیه بمعنی ملک علیه بمعنی اوقع الظلم
علیه و این مسلم حی است و علیهم مفعول یحای
فاعل اوست و الذین بر هر تقدیر عبارتست از
ورثه موصی که ستم رسیده اند با عتبار شهادت
دروغ بر مورثشان و اولیان قسمه اولی است بمعنی
اولی بموصی یا اولی باقامت شهادت بر دروغ
گوئی آن دو شاهد و ظاهر آنست که الاولیان

إِذْ أَيَّدْتُكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا

هنگامی که قوت دادم تورا بروح قدس سخن میگردم با مردمان در گهواره و هنگام دعوی

وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَاةَ وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ

و هنگامی که آموختم تورا کتاب انجیل و شریعت و توراة و انجیل و هنگامی که

تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ

میساختی از گل بهیئت صورت مرغی بفرمان من پس میدمی در آن پس شد مرغ

طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ

زنده بفرمان من و بهبودی کور مادرزاد و صاحب برص را بفرمان من و چون بیرون می آوری

الْمَوْتَى بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ

مردگان را بفرمان من و وقتی که باز داشتم فرزندان یعقوب را از اذیت تو چون آمدی بشانرا با معجزهای آشکار

فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ وَإِذْ

پس گفتند آنانکه کافر شدند از ایشان که نیست این مگر سحری آشکار و هنگامی که

أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ آمِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا آمَنَّا وَاشْهَدْ

وحی فرستادم بسوی حواریان که ایمان آورید بمن و فرستاده من گفتند گرویدیم و گواه باش

بِأَنَّنَا مُسْلِمُونَ إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ

باینکه ما مسلمانانیم یاد کن چون گفتند حواریان ای عیسی پسر مریم آیا میتواند

رَبُّكَ أَنْ يُنَزِّلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنْ كُنْتُمْ

پروردگار تو اینکه فرو فرستد بر ما خوانی آراسته از آسمان گفت عیسی بترسید از خدا اگر هستید

مُؤْمِنِينَ قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ

گروندگان را گفت حواریان میخواهیم که بخوریم از آن تا مانده و آرام گیرد دلهای ما و بدانیم

أَنْ قَدْ صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ قَالَ عِيسَى ابْنُ

که براستی گفته با ما و باشیم بر آن از جمله گواهان گفت عیسی پسر

مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا

مریم بار خدایا پروردگار ما فرو فرست بر ما خوانی از آسمان که بوده باشد ما را

عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ وَارْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

روز جشنی مر ابتدای ما را و آخر ما را و باشد معجزه از تو و روزی کن ما را و تو بهترین روزی دهندگانی

قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزِّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدُ مِنْكُمْ فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ

گفت خدا بدرستی که فرو فرستنده ام بر شما پس کسی که کافر شود بعد ازین از شما پس بدرستی که من عذاب

عَذَابًا لَا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ ۝ وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنَ

کنم او را عذابی که عذاب نکنم بدو با هیچ یک از جهانیان و چون گفت خدای عیسی پسر

مَرْيَمَ أَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ اتَّخِذُونِي وَأُمِّيَ إِلَٰهَيْنِ مِنْ دُونِ

مریم آیا تو گفتی با مردمان که فرا گیرید مرا و مادر مرا دو خدا بغیر از

اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقٍّ إِنْ

خدا گفت عیسی پاک میدانم تو را از شرک نسزد مرا این که بگویم چیزی را که نیست مرا سزاوار اگر

كُنْتُ قُلْتُهُ فَقَدْ عَلِمْتَهُ تَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ

بودم که گفته باشم آنرا پس محقق که دانسته آنرا میدانی آنچه در دل منست و نمیدانم آنچه در ذات تست

إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ۝ مَا قُلْتُ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ

بدرستی که تو بسیار دانندهٔ غیبها نگفته ام مر ایشان را جز آنچه فرمودی مرا بآن

أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا

که بپرستید خدا را که پروردگار من و پروردگار شماست و بودم بر ایشان گواه

دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَىٰ

مادامی که بودم در ایشان پس چون گرفتی مرا بسوی خود بودی تو نگهبان بر ایشان و تو بر

كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ إِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِنْ تَغْفِرْ

هر چیز گواه اگر عذاب میدهی ایشان را پس بدرستی که ایشان بندگان تو اند و اگر بیامرزی

لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ قَالَ اللَّهُ هَٰذَا يَوْمُ يَنْفَعُ

مر ایشان را پس بدرستی که تو توانی غالب درست کردار گفت خدا این روزیست که سود دهد

الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

راستگویان را راستی ایشان مر ایشان را بوستانها که روانست از زیر درختان آنها نهرها

بنا بر قرائت نصب یوم که قرائت نافع است بنا مفعول قال و اشاره است بسوالی که از عیسی علیه السلام نموده و یعنی این سوال و جواب در روز قیامت خواهد بود

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ

که جاوید اند در آنجا همیشه خشنود شده خدا از ایشان و خشنود شدند ایشان از او این است فیروزی

الْعَظِيمُ ۞ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ ۚ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ

بزرگ مر خداراست پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه در میان آنهاست و او بر هر

سورة الأنعام

وفيها ست وخمسون آية

شَيْءٍ قَدِيرٌ ۞

چیزی توانا است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ

سپاس مر خدا را که پدید آورد آسمانها و زمین را و آفرید تاریکیها

وَالنُّورَ ۖ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ ۞ هُوَ الَّذِي

و روشنائی را پس آنانکه کافر شدند به پروردگارشان همسر میگیرند او است آنکه

خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا ۖ وَأَجَلٌ مُسَمًّى عِنْدَهُ ۖ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ

بیافرید شما را از گل پس حکم و مقرر فرمود مدتی که در پیش مرگ و مدتی معین نزد او است پس شما شک میکنید

وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ ۖ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ

و او است خدا در آسمانها و در زمین میداند نهانی شما را و آشکار شما را

وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ ۞ وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا

و میداند آنچه را کسب میکنند و نمی آید ایشانرا هیچ آیتی از آیتهای پروردگارشان مگر

كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ ۞ فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ ۖ فَسَوْفَ

که بودند از آنها روگردانندگان پس بتحقیق دروغ انگاشتند حق را وقتی که آمد ایشانرا پس زود باشد

يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۞ أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا

که بیاید ایشانرا خبرهای آنچه بودند که بآن استهزا میکردند آیا ندیدند که چند هلاک کردیم

مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ

پیش از ایشان از گروهی که توانائی دادیم ایشانرا در زمین توانائی که ندادیم مر شما را

وأرسلنا

از حضرت علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه

خلیفه مروست که سوره انعام تمام یکبار نازل شد و هفتاد هزار فرشته بشایعت آن آمدند همه با آن بلند تسبیح و تهلیل و تکبیر آغاز کردند پس هر که آنرا بخواند آن فرشتگان تسبیح می گویند از برای او تا روز قیامت و عیاشی بسند خود از ابو بصیر روایت کرده که حضرت ابو عبد الله فرمود که سوره انعام تمام یکدفعه نازل شد و هفتاد هزار فرشته بشایعت آن آمدند پس شما تعظیم این سوره را بجا آورید و حرمت آن نگاه دارید که نام خدا تعالی در هفت موضع واقع است و اگر کروبیان آسمان دانند که چه قدر فضیلت در خواندن اوست البته هر گز از آن نخواهند فرود پس آنحضرت فرموده که هر که از خدا تعالی حاجتی خواهد پس هفت چهار رکعت نماز بگذارد و فاتحة الکتاب و سوره انعام و چون از قرائت فارغ شود در نماز بگوید یا کریم یا کریم یا عظیم یا عظیم یا عظیم یا اعظم من کل عظیم یا من هو اله کل شیء و الاله غیره و اللطیف لما یشاء و الاله علی محمد و آل محمد و ارحم ضعفی و فقری و فاقتی و مسکنتی یا ان رحم الشیخ یعقوب حنینه و علیه یوسف فرده علیه یا من رحم ایوب بعد طول بلائه و من الیسع آواه و نصره و علی جباره فرسش و طواغیتها و اکفنی منهم یا منیع یا منیع یا منیع کلمه ها منعت را پس قسم باکه روح من در دست اوست قدرت ندارد که از ان دعا را بخواند و از خدای تعالی حاجتهای خود را بخواهد جز آنکه حاجتهای او را روا می شود

وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِم مِّدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي

و فرو فرستادیم آبرا بر ایشان بارنده پیاپی پرزان و گردانیدیم جویها روان

مِن تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَنشَأْنَا مِن بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ

از زیر درختان ایشان پس هلاک کردیم ایشان را بسبب گناهان ایشان و پدید آوردیم از بعد ایشان گروهی دیگران

وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَاسٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ الَّذِينَ

و اگر فرو فرستیم بر تو نوشته در کاغذی پس مس نمایند او را بدستهای خود هر آینه خواهند گفت

كَفَرُوا إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ

آنانکه کافر شدند نیست این مگر سحری آشکارا و گفتند چرا فرو فرستاده نشد بر او

مَلَكٌ وَلَوْ أَنزَلْنَا مَلَكًا لَّقُضِيَ الْأَمْرُ ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ

راستی فرشته و اگر فرو میفرستادیم فرشته هر آینه تمام شده بودیم امر هلاک ایشان را پس مهلت داده نمیشدند و اگر گردانیم

مَلَكًا لَّجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلْبِسُونَ وَلَقَدِ

مصداق او فرشته هر آینه بگردانیم او را بصورت مردی و مشتبه سازیم بر ایشان آنچه بر خود پوشیده و مشتبه ساخته اند و هر آینه

اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُم مَّا كَانُوا

استهزا کرده شدند پیغمبران پیش از تو پس فرو گرفت آنانی را که سخریه کردند از ایشان آنچه بودند که

بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ انظُرُوا كَيْفَ كَانَ

بآن استهزا میکردند بگوای محمد بگردید در زمین پس نگرید چگونه بود

عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ قُل لِّمَن مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُل لِّلَّهِ

انجام کار دروغگویان بگو که از کیست آنچه در آسمانها و زمین است بگو مر خدا راست

كَتَبَ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ

نوشته گردانیده است بر ذات خود رحمت را هر آینه جمع خواهد کرد شما را در روز قیامت نیست هیچ شکی

فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ وَلَهُ مَا سَكَنَ

در آمدن آن بر آنانکه زیان کردند در سودای نفسهای خود پس ایشان نمیگروند و مر او راست آنچه آرام گزیده

فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ

در شب و روز و او است شنوای دانا بگو آیا جز خدا فرا گیرم

چه آدمیان طاقت دیدن فرشتگان ندارند اگر بصورت مردی اند هر آنچه درباره رسول میگویند که ان انت الا بشر مثلنا درباب آن فرشته میخواهند پس همان استهزایی که دانستند باقی خواهد بود و آمدن او سود مند نخواهد بود

این بر این الی المعنی فی است و بعضی گفته اند که ظرف لیجمعنکم مقدر است و گویا گفته لیجمعنکم فی القبور الی یوم القیمة خواهد کرد در قبرها تا روز قیامت والله یعلم

وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ اِنِّيْ

یار او و پرستی آفریننده آسمانها و زمین و او خوراند می‌دهد و خوراند نمیشود بگو بدرستی که من

اُمِرْتُ اَنْ اَكُوْنَ اَوَّلَ مَنْ اَسْلَمَ وَلَا تَكُوْنَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ قُلْ

مامورم که بودم باسلام اول کسی که گردن نهاد و نباشید البته از شرک آورندگان بگو

اِنِّيْٓ اَخَافُ اِنْ عَصَيْتُ رَبِّيْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيْمٍ مَنْ يُّصْرَفْ

بدرستی که من میترسم که نافرمانی کنم پروردگارم را از عذاب روز بزرگ کسی که گردانیده شود

عَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهٗ وَذٰلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِيْنُ وَاِنْ يَّمْسَسْكَ

از و عذاب این روز پس برا پستی رحمت کرده او را و این است رستگاری آشکار و اگر برساند ترا

اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهٗٓ اِلَّا هُوَ وَاِنْ يَّمْسَسْكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلٰى كُلِّ

بر خدا بضرری از هر پس نیست هیچ دفع کننده آنرا مگر او و اگر برساند ترا بنیکی از نعما و صحت پس او بر هر

شَيْءٍ قَدِيْرٌ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهٖ وَهُوَ الْحَكِيْمُ الْخَبِيْرُ

چیز توانا است و او است قاهر و برتر بالای بندگان و او است درست کردار آگاه

قُلْ اَيُّ شَيْءٍ اَكْبَرُ شَهَادَةً قُلِ اللّٰهُ شَهِيْدٌ بَيْنِيْ وَبَيْنَكُمْ وَاُوْحِيَ

بگو چه چیز است بزرگتر از شهادت دادن بگو خدا گواست میان من و میان شما و وحی کرده شد

اِلَيَّ هٰذَا الْقُرْاٰنُ لِاُنْذِرَكُمْ بِهٖ وَمَنْ بَّلَغَ اَئِنَّكُمْ لَتَشْهَدُوْنَ

بسوی من این قرآن تا انکه بترسانم شما را باین قرآن و کسی که رسید و برتبه امامت آیا شما هر آینه گواهی میدهید

اَنَّ مَعَ اللّٰهِ اٰلِهَةً اُخْرٰى قُلْ لَّآ اَشْهَدُ قُلْ اِنَّمَا هُوَ اِلٰهٌ وَّاحِدٌ وَّ

این که با خدا خدایانی دیگر هستند بگو گواهی نمیدهم بگو فقط جز او معبودی یکانه و

اِنَّنِيْ بَرِيْٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُوْنَ اَلَّذِيْنَ اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ يَعْرِفُوْنَهٗ

بدرستی که من بیزارم از آنچه شریک او میدانید کسانی که دادیم ایشان را توراة می شناسند

كَمَا يَعْرِفُوْنَ اَبْنَآءَهُمُ الَّذِيْنَ خَسِرُوْٓا اَنْفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُوْنَ

محمد صلی الله علیه وآله را چنانکه میشناسند پسران خود را آنانکه زیان کردند در بازرگانی نفسهای خود پس ایشان ایمان نمی آورند

وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ كَذَّبَ بِاٰيٰتِهٖ اِنَّهٗ

و کیست ستمکارتر از کسی که بر بافد بر خدا دروغی یا دروغ انگارد آیتهای او را بدرستیکه

لَا يُفْلِحُ

ابو حمزه ثمالی روایت کرده که چون پیغمبر بمدینه آمد عمر با عبد الله بن سلام گفت که خدای تعالی به پیغمبر خود خبر داد که اهل کتاب آنحضرت را می شناسند چنانکه پسران خود را می شناسند معرف شما با آنحضرت چگونه است عبد الله گفت ما پیغمبر خدا را می شناسیم و بحق الهی که عبد الله که سلام را آفرید که شناخت من محمد را پیشتر است از شناخت پسرم عمر گفت این از چه راه است عبد الله گفت که جهش آنست که محمد را باوصافی که در کتاب الهی است می شناسم پس گواهی میدهم که محمد پیغمبر است و پسرم را چه میدانم که مادرش خیانت کرده است عمر گفت توفیق یافته راست میگوئی

تفسیر من بلغ معطوف است بر ضمیر فاعل در لانذرکم چنانچه از حضرات ابی جعفر و ابی عبد الله مرویست که در معنای من بلغ ان یکون اماما من آل محمد فهو منذر بالقرآن کما انذر به رسول الله و منذرین از ضمیر مفعول در لانذرکم دانسته و گفته اند که معنی آنست که ما انذرکم به انا و من بلغ انذار و تخویف باین قرآن شما را و غیر موجودین در آن عصر و هر کرا قرآن باو خواهد رسید تا روز قیامت

لا يفلح الظالمون ۝ ويوم نحشرهم جميعا ثم نقول للذين اشركوا
ستمکاران ۝ روزی که گرد آوریم ایشانرا همه را پس گوییم مر آنانرا که شرک آوردند
اين شركاؤكم الذين كنتم تزعمون ۝ ثم لم تكن فتنتهم الا
کجایند شریکان که شما شریک خدا پنداشتید آنانکه بودند که گمان میکردید پس نباشد معذرت فتنه ایشان جز
ان قالوا والله ربنا ما كنا مشركين ۝ انظر كيف كذبوا
اینکه گویند سوگند بخدا که پروردگار ماست که نبودیم ما مشرکان آورندگان شرک ۝ نگر چگونه ۝ دروغ میگویند
على انفسهم وضل عنهم ما كانوا يفترون ۝ ومنهم من يستمع
بر نفسهای خود ۝ گمشد ۝ از ایشان آنچه ۝ بودند که دروغ می بستند ۝ واز ایشان کیست که گوش
اليك وجعلنا على قلوبهم اكنة ان يفقهوه وفي اذانهم
میدارد بسوی تو وگردانیده ایم بر ۝ دلهای ایشان پرده ها که فهم کنند قرآن را ۝ در گوشهای ایشان
وقرا وان يروا كل اية لا يؤمنوا بها حتى اذا جاؤك
گرانی است ۝ واگر به بینند هر معجزه را نمیگروند بآن تا آنگه چون بیایند
يجادلونك يقول الذين كفروا ان هذا الا اساطير الاولين
مجادله کنند با تو میگویند آنانکه کافر شدند نیست این مگر افسانهای پیشینیان
وهم ينهون عنه وينأون عنه وان يهلكون الا انفسهم
وایشان باز میدارند از او ودور میگردند از آن ۝ ونابود نمیکنند مگر نفسهای خود را
وما يشعرون ۝ ولو ترى اذ وقفوا على النار فقالوا يا ليتنا
ونمی یابند ۝ واگر به بینی آنرا ۝ هنگامی را که باز داشته شوند بر آتش ۝ پس گویند ای کاش ما
نرد ولا نكذب بآيات ربنا ونكون من المؤمنين
برگردانیده شویم ۝ واگر تکذیب نمائیم نشانهای پروردگار خود را ونباشیم از گروندگان
بل بدا لهم ما كانوا يخفون من قبل ولو ردوا لعادوا لما نهوا
بلکه ظاهر شد ایشانرا آنچه بودند که پنهان میداشتند از ۝ پیش واگر باز گردیده شوند باز گردند بآنچه باز داشته شدند
عنه وانهم لكاذبون ۝ وقالوا ان هي الا حياتنا الدنيا
از آن وبدرستی که ایشان هر آینه دروغگویانند ۝ وگفتند نیست این مگر زندگانی ما در دنیا

اشارت
بحال کفار قریش
وغیر قریش که مردم را نهی و منع
مینمودند از متابعت حضرت رسول و خود
هم از آنحضرت دور میشدند و ایمان نمی آوردند
واکثر مفسرین چنین گفته اند و بعضادی و جمعی از
اهل عناد و شقاق لعنهم الله گفته اند که احتمال
دارد که مراد مذمت جمعی باشد که قریش در صدد
ایذاء و قتل آنحضرت بودند منع و نهی مینمودند از
آزار آنحضرت و حمایت آنحضرت مینمودند و خود
دوری میکردند از او و ایمان نمی آوردند باو و گفته اند
مانند ابو طالب با انکه در کتب سیر و اخبار ایشان
اسلام ابو طالب و اضح تر از آنست که محل اشتباه
شود و بضرورت مذهب خانواده نبوت و رسالت
هرگز آباء و اجداد آنحضرت تا بآدم صفی مشرک نبوده
و قول ایشان قول خدا و رسول خدا است چه در
شأنشان حدیث قدسی انی ترکت فیکم الثقلین وارد
شده و از جمله اخباری که در باب اسلام ابو طالب است
خبری است که صاحب تاریخ طبری باسناد خود روایت
کرده که بزرگان قریش دیدند که ابو طالب حمایت آنحضرت
مینماید گفتند که تو محمد را بما ده ما او را بکشیم و عمارة بن

وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ۝ وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وُقِفُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ

و نیستیم ما برانگیخته شدگان و اگر ببینی وقتی که بازداشته شوند بحکم پروردگار خود گوید آیا نیست

هَٰذَا بِالْحَقِّ ۖ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا ۚ قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ

این بر راست؟ گویند بر آری و بر پروردگار ما گوید پس بچشید عذاب را بسبب آنچه بودید

تَكْفُرُونَ ۝ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمُ

که منکر و میدید بخدا تا بحقیقت زیان کردند آنانکه دروغ انگاشتند بر سیدن بجزای خدا تا آنگه آمد بایشان

السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَا حَسْرَتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَّطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ

قیامت ناگاه گویند ای ندامت ما بسیار ما را بر آنچه تقصیر کردیم ما را در انکار قیامت و ایشان بردارند

أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ ۗ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ ۝ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

بارهای گناهان خود بر پشتهای خود آگاه باشید بد بار است که می کشند ایشان و نیست زندگانی دنیا

إِلَّا لَعِبٌ وَلَهْوٌ ۖ وَلَلدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

مگر بازیچه و غفلت و هر آینه سرای آخرت بهتر است مر آنانی را که پرهیزکاری نمودند آیا پس نمی یابند

قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ

بر آینه میدانیم ما بدرستی که هر آینه اندوهگین میسازد تو را آنکه میگویند پس بدرستی ایشان تکذیب نمی نمایند تو را

وَلَٰكِنَّ الظَّالِمِينَ بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ۝ وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ

ولیکن ستمکاران آیتهای خدا را انکار مینمایند و هر آینه بتحقیق تکذیب کرده شدند فرستادگان

مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأُوذُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا ۚ وَلَا

پیش از تو پس صبر نمودند بر آنچه تکذیب کرده شدند و آزار کرده شدند تا آمد ایشان را یاری ما و نیست

مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ۚ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبَإِ الْمُرْسَلِينَ

تغییر دهنده مر سخنان خدا را و هر آینه بتحقیق آمد ترا از خبر پیغمبران

وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ

و اگر چه بزرگ و گران است بر تو روگردانیدن ایشان پس اگر میتوانی که بجوئی

نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ

سوراخی در زیر زمین یا نردبانی در آسمان پس بیاوری ایشان را معجزه و اگر خواستی خدا

لَجَمَعَهُمْ

وفات آن حضرت

آنکه بشارت بهشت داد او را حضرت

آنکه خضرت او را بخود خواند

آنکه حضرت بر او نماز گزارد

آنکه حضرت او را در قبر نهاد

آنکه حضرت بر او گریست

آنکه حضرت او را وصیت کرد

آنکه حضرت او را خلیفه خود کرد

آنکه حضرت او را وصی خود کرد

آنکه حضرت او را وزیر خود کرد

آنکه حضرت او را برادر خود کرد

آنکه حضرت او را وارث خود کرد

آنکه حضرت او را ولی خود کرد

آنکه حضرت او را امین خود کرد

آنکه حضرت او را حجت خود کرد

آنکه حضرت او را امام خود کرد

آنکه حضرت او را سید خود کرد

آنکه حضرت او را مولای خود کرد

آنکه حضرت او را صاحب خود کرد

آنکه حضرت او را شریک خود کرد

آنکه حضرت او را شفیع خود کرد

آنکه حضرت او را شاهد خود کرد

آنکه حضرت او را رفیق خود کرد

آنکه حضرت او را ناصر خود کرد

آنکه حضرت او را معین خود کرد

آنکه حضرت او را مددگار خود کرد

آنکه حضرت او را مونس خود کرد

آنکه حضرت او را مشیر خود کرد

آنکه حضرت او را مشاور خود کرد

آنکه حضرت او را مصاحب خود کرد

آنکه حضرت او را مقرب خود کرد

آنکه حضرت او را محب خود کرد

آنکه حضرت او را محبوب خود کرد

آنکه حضرت او را مکرم خود کرد

آنکه حضرت او را معظم خود کرد

آنکه حضرت او را مبجل خود کرد

آنکه حضرت او را مشرف خود کرد

آنکه حضرت او را ممدوح خود کرد

آنکه حضرت او را مثنی خود کرد

آنکه حضرت او را مرثی خود کرد

آنکه حضرت او را مرثیه گوی خود کرد

آنکه حضرت او را مرثیه خوان خود کرد

آنکه حضرت او را مرثیه نویس خود کرد

آنکه حضرت او را مرثیه سرا خود کرد

آنکه حضرت او را مرثیه گو

نصف

لجمعهم على الهدى فلا تكونن من الجاهلين ۞ انما يستجيب
جمع نمودی ایشانرا بر راه راست ۞ پس مباش تو از ۞ نادانان ۞ جز این نیست که اجابت میکنند
الذين يسمعون ۘ والموتى يبعثهم الله ثم اليه يرجعون ۞ و
آنانکه ۞ می شنوند ۞ و مردگان برمی انگیزاند ایشانرا خدا ۞ پس بسوی او ۞ باز میگردند ۞ و
قالوا لولا نزل عليه اية من ربه ۚ قل ان الله قادر على ان
گفتند ۞ چرا فرستاده نشد ۞ بر او ۞ معجزه ۞ از پروردگارش بگو تو بر سبیکه خدا ۞ توانائیست ۞ بر ۞ اینکه
ينزل اية ولكن اكثرهم لا يعلمون ۞ وما من دابة في
فرو فرستد معجزه ۞ ولیکن ۞ بیشتر ایشان ۞ نمیدانند ۞ و نیست ۞ هیچ ۞ جنبنده ۞ در
الارض ولا طائر يطير بجناحيه الا امم امثالكم ۚ ما فرطنا
از زمین ۞ و نه پرنده که ۞ پرواز ۞ میکند ۞ بالهای خود ۞ مگر امتهائی ۞ مانند شما ۞ تقصیر نکردیم ما
في الكتاب من شيء ثم الى ربهم يحشرون ۞ والذين كذبوا
در این ۞ کتاب ۞ از هیچ چیز کوتاهی ۞ پس بسوی ۞ پروردگار خود ۞ فراهم آورده میشوند ۞ و آنانکه ۞ دروغ پنداشتند
بايتنا صم وبكم في الظلمات ۗ من يشإ الله يضلله ومن
آیتهای ما را ۞ کرانند ۞ و گنگانند ۞ در تاریکیها گمراهی ۞ هر که را خواهد ۞ خدا او را گمراه گرداند ۞ و هر که را
يشا يجعله على صراط مستقيم ۞ قل ارءيتكم ان اتىكم عذاب
خواهد ۞ بگرداند او را ۞ بر ۞ راه راست ۞ بگو آیا چه می بینید ۞ اگر بیاید شما را ۞ عذاب
الله او اتتكم الساعة اغير الله تدعون ان كنتم صادقين ۞
الله ۞ یا بیاید شما را ۞ قیامت ۞ آیا غیر خدا را ۞ میخوانید ۞ اگر ۞ هستید ۞ راستگویان ۞
بل اياه تدعون فيكشف ما تدعون اليه ان شاء وتنسون
نه چنانست بلکه او را خواهید خواند ۞ پس میبرد ۞ آنچه را ۞ میخوانید ۞ بسوی او ۞ اگر خواهد ۞ و فراموش میکنید
ما تشركون ۞ ولقد ارسلنا الى امم من قبلك فاخذناهم
آنچه را شرک می آورید ۞ و هر آینه بتحقیق فرستادیم ۞ بسوی گروههائی که ۞ پیش از تو بودند ۞ پس گرفتیم ایشانرا
بالباساء والضراء لعلهم يتضرعون ۞ فلولا اذ جاءهم

بیتی
هر چه باید از
مواعظ و غیر آنها در آن
قرآن هست که ولا رطب
ولا یابس الا فی کتاب
مبین

بسختی ۞ و رنجی ۞ و بیماری ۞ تا مگر ایشان ۞ زاری کنند ۞ پس چرا ۞ وقتیکه آمد ایشانرا

بأسنا تضرعوا ولكن قست قلوبهم وزين لهم الشيطان
عذاب زاری کردند ولیکن سخت شد دلهای ایشان ورزینت داد مر ایشانرا دیو رجیم
ما كانوا يعملون ۝ فلما نسوا ما ذكروا به فتحنا عليهم أبواب كل
آنچه بودند که میکردند ۝ پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شدند بآن پس گشودیم بر ایشان درهای هر
شيء حتى إذا فرحوا بما أوتوا أخذناهم بغتة فإذا هم مبلسون
چیزی تا آنگاه که شادی شدند بآنچه داده شدند گرفتیم ایشانرا ناگاه پس آنگاه ایشان نومید شدند
فقطع دابر القوم الذين ظلموا والحمد لله رب العالمين ۝ قل
پس بریده شد بیخ آن گروهی که ستم کردند وسپاس مر خدایرا که پروردگار جهانیان است بگو
أرأيتم إن أخذ الله سمعكم وأبصاركم وختم على قلوبكم من
چه می بینید اگر فرا گرفت خدا شنوائی شما و بینائی از شما و مهر زند بر دلهای شما کیست
إله غير الله يأتيكم به انظر كيف نصرف الآيات ثم هم
معبود دیگر جز خدا که بیاورد بشما آنرا ببین چگونه بگردانیم آیتها پس ایشان
يصدفون ۝ قل أرأيتكم إن أتاكم عذاب الله بغتة أو
روی میگردانند ۝ بگو آیا خبر می دهید شما اگر آید شمارا عذاب خدا ناگاه یا
جهرة هل يهلك إلا القوم الظالمون ۝ وما نرسل المرسلين
آشکارا آیا هلاک کرده میشود جز گروه ستمکاران ۝ و نمی فرستیم پیغمبران را
إلا مبشرين ومنذرين فمن آمن وأصلح فلا خوف عليهم ولا
مگر مژده دهندگان و ترساندگان پس کسی ایمان آورد و کار شایسته کرد پس نیست ترسی بر ایشان و نه
هم يحزنون ۝ والذين كذبوا بآياتنا يمسهم العذاب بما
ایشان اندوهناک میشوند ۝ و آنانکه دروغ پنداشتند بنشانهای ما مس میکند ایشانرا عذاب بآنچه
كانوا يفسقون ۝ قل لا أقول لكم عندي خزائن الله ولا أعلم
بودند که کار زشت میکردند ۝ بگو نمیگویم مر شمارا که نزد منست خزانهای خدا و نمیدانم
الغيب ولا أقول لكم إني ملك إن أتبع إلا ما يوحى إلي قل

يس
بحق آن آیه که دلکرمی
آورد برای پند ایشان و گاهی از
راه دلایل عقلیه پیش می آید و گاهی
از راه موعظه و نصیحت و گاهی از راه
وعده و وعید و مانند
اینها

هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ ۝ وَأَنذِرْ بِهِ

آیا (ای) نابینا (و) بینا یکسان (اند) آیا پس (نمی) فکر نمی‌کنید (تا) بترسان بآن

الَّذِينَ يَخَافُونَ أَن يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُم مِّن دُونِهِ وَلِيٌّ

(کسانی را که) بترسند (از) اینکه فراهم آرند ایشان را بسوی پروردگارشان (نیست) مر ایشانرا (از) غیر او هیچ یاوری

وَلَا شَفِيعٌ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُم بِالْغَدَاةِ

و نه خواهشگری شاید که ایشان (پرهیزکار شوند) و مران کسانی را که (می) خوانند پروردگارشانرا (بامداد)

وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ۖ مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِم مِّن شَيْءٍ

و شامگاه (می) خواهند (خشنودی) او (نیست) بر تو (از) شمار ایشان (هیچ) چیز

وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِم مِّن شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ

و نیست (از) شمار تو بر ایشان (هیچ) چیز (پس) مبرانی ایشانرا پس خواری باشد (از) ستمکاران

وَكَذَٰلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُم بِبَعْضٍ لِّيَقُولُوا أَهَٰؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْهِم

و همچنین آزمودیم بارها ازایشانرا (ببعض) بگویند آیا آنها اند که منت نهاد خدا بر ایشان

مِّن بَيْنِنَا ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ ۝ وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ

از میان ما آیا نیست خدا داناتر (به) سپاس گزارندگان (و) چون آیند تورا کسانی که

يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ

میگروند (بنشانهای ما) پس بگو درود بر شما نوشت (پروردگار شما) بر خویش

الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَن عَمِلَ مِنكُمْ سُوءًا بِجَهَالَةٍ ثُمَّ تَابَ مِن بَعْدِهِ

رحمت (بدرستی) که او هر که (از شما) بدی (بنادانی) پس توبه کرد (از) پس آن

وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ

و (شایسته) پس بدرستی که او آمرزنده مهربانست و همچنین (می) پیدا می‌کنیم (نشانها) و تا روشن شود

سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ ۝ قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن

راه (بر گناهکاران) بگو (بدرستی) که من بازداشته شده ام (از) اینکه بپرستم کسانی را که (می) خوانید (از)

دُونِ اللَّهِ ۚ قُل لَّا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ

غیر خدا بگو (نمی) پیروی نمی کنم (خواهشهای) شما را (بتحقیق) گمراه شده باشم در اینوقت (و) نباشم من (از)

ایمنی
از اهل بیت عصمت
علیهم السلام منقول است در کلام
بسیار روایت و اکثر مفسرین هم
گفته اند
گویند
چون از فرمایش حضرت
رسالت پناه صلی الله علیه و آله رسیدند
که صهیب و بلال و عمار و جمعی دیگر از ضعفا
و فقرا نشسته بودند گفتند ای محمد می بینی
که ما بر و همنشین این جمع باشیم خانچه اشارا
از خود بدانی گاه باشد ما هم ایمان بیاوریم پس
این آیه آمد و صاحب کشاف از سلمان
جناب روایت کرده که گفته این آیه در شان
ما نازل شد ما نزد یک آنحضرت صلی الله
علیه و آله می نشستیم بحدی که زانوی ما
بزانوهای مبارک آنحضرت می رسید
برمیخواست چون این آیه آمد ما
نشسته بودیم آنحضرت برمیخواست
برعایت ما

الْمُهْتَدِينَ ۞ قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي

راه یافتگان ۞ بگو من بر پرستی که بر دلیل درستم از پروردگار خودم و دروغ پنداشتید با آن آنچه نزد منست

مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ ۚ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ ۖ يَقُصُّ الْحَقَّ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ

آنچه شتاب زدگی کنید ۞ آن نیست فرمان مگر برای خدا بیان کند حق را ۞ او بهترین داوران

قُلْ لَوْ أَنَّ عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۗ

بگو اگر نزد من ۞ آنچه میشتابید ۞ آن هر آینه گذاردی کار هلاک میان من و میان شما

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ ۞ وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا

و خدا داناتر است ۞ بحال ستمکاران ۞ و نزد اوست کلیدهای کشایش غیبی نداند آنرا مگر

هُوَ ۚ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۚ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا

او ۞ و میداند آنچه در خشکی ۞ و دریاست ۞ و نمی افتد ۞ هیچ برگی مگر

حَبَّةٍ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ

دانه ۞ در تاریکیهای زمین ۞ و نیست تری ۞ و نه خشکی مگر در کتاب

مُبِينٍ ۞ وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُمْ بِالنَّهَارِ

روشن است ۞ و اوست آنکسی که ۞ میمیراند شما را ۞ بشب ۞ و میداند

ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُسَمًّى ۖ ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُمْ بِمَا

پس ۞ برانگیزد شما را در آن تا گذارده شود مدت زمان نام برده شده پس ۞ بسوی اوست بازگشت شما پس ۞ خبر دهد شما را بآنچه

كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۞ وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ

بودید که ۞ میکردید ۞ و اوست فرو شکننده توانا ۞ بالای بندگان خود ۞ و میفرستد بر شما

حَفَظَةً ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا

نگاهبانان ۞ تا ۞ هنگامیکه بیاید ۞ یکی از شما را ۞ مرگ ۞ بقبض آرند او را فرستادگان ما و ایشان

يُفَرِّطُونَ ۞ ثُمَّ رُدُّوا إِلَىٰ اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ ۚ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ

فرو نهلند ۞ پس ۞ باز گردانیده شوند بسوی خدا خداوند ایشان ۞ که راست ۞ و در سنت آگاه باشید مر او راست حکم

وَهُوَ أَسْرَعُ الْحَاسِبِينَ ۞ قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

و او است زودتر ۞ بحساب کنندگان ۞ بگو کیست ۞ برهاند شما را ۞ از تاریکیهای ۞ بر صحرا بر و دریا

تدعونه

کذبتم

حال است بتقدیر قد و

او در آن برای حال است و ضمیر در به

راجع بقرآنی است که از در مینه شعاد است

و لفظ ما در ما عندی فیه و استعجلون است

و ان موصول است و خبرش عندیست و مراد

از ما تستعجلون عذابی است که کفار

می گفتند که یا محمد آنچه ما را بعد یاوه لیل

بر آن همی کرده و تستعجلونک

با لعذاب است

یعنی

اگر عذاب شما در دست من

بودی هر آینه شما را هلاک کردی

از آن از شما نجات یافته

بودم

از حضرت

ابی عبد الله علیه السلام

مرویست که مراد از ورقه سقط است

و از حبه فرزندان و از ظلمات ارض ارحام مادران

و از رطب آنکه زنده میماند و از یابس آنکه میمیرد

یعنی بعد از ولادت در گودکی

ظاهر آنکه اشاره بوطن

آیات

یعنی

شما را بر هم زند و عداوت

میان شما اندازد که با هم در مقام مجادله باشید چنانکه از حضرت ابی

عبد الله علیه السلام مرویست

بهمن قسم

تَدْعُونَهُ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَئِنْ أَنْجَانَا مِنْ هٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ

الشَّاكِرِينَ ۞ قُلِ اللّٰهُ يُنَجِّيكُمْ مِنْهَا وَمِنْ كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ

تُشْرِكُونَ ۞ قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِنْ

فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبِسَكُمْ شِيَعًا وَيُذِيقَ بَعْضَكُمْ

بَأْسَ بَعْضٍ ۗ انْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَفْقَهُونَ ۞

وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ ۚ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ ۞

لِكُلِّ نَبَإٍ مُسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۞ وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ

يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ

غَيْرِهِ ۚ وَإِمَّا يُنْسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرَىٰ

مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۞ وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ

مِنْ شَيْءٍ وَلَٰكِنْ ذِكْرَىٰ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۞ وَذَرِ الَّذِينَ

اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا ۚ وَذَكِّرْ

ذکری

مقدر فعل محذوف

و مابر تقدیر است که ولکن ذکروهم

ذکری بامعنا و خبرش محذوف است مابر تقدیر که

ولکن علیهم ذکری بقی علیهم وان مذکروهم از

حضرت ابی عبدالله صلوات الله علیه مرویست

که چون گریه فلا تقعد بعد الذکری مع القوم

الظالمین نازل شد مسلمانان گفتند ما چکار کنیم که

چنان باشد هرگاه مشرکین استهزا بقرآن کنند

باید که ما برخیزیم و اشانرا واگذاریم پس آیه

هرگز داخل مسجد الحرام نشویم و طواف خانه را

نکنیم پس خدای تعالی این آیه فرستاد که و ما علی

الذین یتقون تا آخر آیه و امر فرمود مسلمانرا

بهدایت مشرکین و تذکیر و

راهنمائی ایشان تا

توانند

به ان تبسل نفس بما کسبت لیس لها من دون الله ولی ولا
بان مبادا که گرفتار شود بعقبی بآنچه کسب کرده باشد مر او را از غیر خدا کارسازی و دوستی و نه
شفیع وان تعدل کل عدل لا یؤخذ منها اولئک الذین
شفاعت کننده و اگر جزا دهد هر فدائی گرفته نشود از آن ایشانند آنانکه
ابسلوا بما کسبوا لهم شراب من حمیم وعذاب الیم بما کانوا
گرفتار شدند بآنچه کسب کردند مر ایشان شراب از آب جوشان و عذاب دردناک بآنچه بودند
یکفرون قل اندعوا من دون الله ما لا ینفعنا ولا یضرنا و
کافر میشدند بگو آیا بخوانیم از غیر خدا آنچه سود نمیدهد ما را و ضرر نمیرساند ما را و
نرد علی اعقابنا بعد اذ هدانا الله کالذی استهوته الشیاطین
بازپس رویم بر پاشنه‌های خود بعد از آنکه راه نمود ما را خدا چون کسی که راه بردن برده باشد دیوها
فی الارض حیران له اصحاب یدعونه الی الهدی ائتنا قل
در زمین سرگشته مر او را رفیقان باشند که میخوانند او را بسوی راستی که بیا مارا بگو
ان هدی الله هو الهدی وامرنا لنسلم لرب العالمین
بدرستیکه راهنمائی خدا اوست راه راست و مامور شده‌ایم که گردن نهیم مر پروردگار جهانیان را
واقیموا الصلوة واتقوه وهو الذی الیه تحشرون و
و اگر بپا دارید نماز را و بپرهیزید از و او اوست آنکه بسوی او فراهم آورده میشوید و
هو الذی خلق السموات والارض بالحق ویوم یقول کن
اوست آنکه بیافرید آسمانها و زمین را براستی و روزیکه میگوید بشو
فیکون قوله الحق وله الملک یوم ینفخ فی الصور عالم
پس میشود گفتار او براستی است و مر او راست پادشاهی روزیکه دمیده شود در صور دانای
الغیب والشهادة وهو الحکیم الخبیر واذ قال ابرهیم
پنهان و آشکار است و او است درست کردار آگاه و چون گفت ابراهیم را

لابیه ازر اتتخذ اصناما الهة انی اریک وقومک فی
مر پدر خود را آزر آیا میگیری بتان را خدایان بدرستیکه من میبینم تو را و گروه تو را در

ضلال

بیان
تفسیر قوله یستند والحق
خبر او و یوم یقول ظرف حق که آن بمعنی ثابت است
چنانکه الملک یستند او له خبر اوست بتاویل ثابت
له و یوم ینفخ ظرف اوست و یقول الحق صفت ثابت
برای قوله و ان مبتدا و یوم یقول کن فیکون خبر است
و محتمل که قوله الحق اسم کان باشد و بر هر تقدیر واو
و یوم برای استیناف و بعضی او را عاطفه و یوم را
عطف داشته بر ضمیر در اتقوه باید کرد یا تقوه
یوما لا تجزی نفس عن نفس شیئا و چند وجه دیگر
هم گفته شده و مراد از قول
امر بدخول ثبات است

ضَلٰلٍ مُّبِينٍ ۝ وَكَذٰلِكَ نُرِيٓ إِبْرٰهِيمَ مَلَكُوتَ ٱلسَّمٰوٰتِ

گمراهی آشکار ۝ و همچنین می نمودیم ابراهیم را پادشاهی بزرگ آسمانها

وَٱلْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ ٱلْمُوقِنِينَ ۝ فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ ٱلَّيْلُ

و زمین و تا بوده باشد از یقین کنندگان ۝ پس چون در آمد بر او شب تار

رَءَا كَوْكَبًا قَالَ هٰذَا رَبِّي فَلَمَّآ أَفَلَ قَالَ لَآ أُحِبُّ

دید ستاره را گفت این است پروردگار من پس چون فرو شد گفت دوست ندارم فرو روندگان را

ٱلْءَافِلِينَ ۝ فَلَمَّا رَءَا ٱلْقَمَرَ بَازِغًا قَالَ هٰذَا رَبِّي فَلَمَّآ أَفَلَ

پس چون دید ماه را که بر آمد گفت این است پروردگار من پس چون فرو رفت

قَالَ لَئِن لَّمْ يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلضَّآلِّينَ ۝

گفت اگر راه ننماید مرا پروردگار من هر آینه باشم از گروه گمراهان

فَلَمَّا رَءَا ٱلشَّمْسَ بَازِغَةً قَالَ هٰذَا رَبِّي هٰذَآ أَكْبَرُ فَلَمَّآ أَفَلَتْ

پس چون دید آفتاب را برآمده گفت این است پروردگار من این است بزرگتر پس چون فرو رفت

قَالَ يٰقَوْمِ إِنِّي بَرِيٓءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ ۝ إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ

گفت ای قوم بیزارم از آنچه انباز گیرید ۝ بیزارستی که من پیش آوردم روی خود را

لِلَّذِي فَطَرَ ٱلسَّمٰوٰتِ وَٱلْأَرْضَ حَنِيفًا وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُشْرِكِينَ

مر آن کسی را که بیافرید آسمانها و زمین را پاکیزه و نیستم من از شرک آورندگان

وَحَآجَّهُۥ قَوْمُهُۥ قَالَ أَتُحَآجُّوٓنِّي فِي ٱللَّهِ وَقَدْ هَدٰىنِ ۚ وَلَآ أَخَافُ

و بحث کردند با او گروه او گفت آیا بحجت آرید من در دین خدا و بتحقیق راه نمود مرا و نمی ترسم

مَا تُشْرِكُونَ بِهِۦٓ إِلَّآ أَن يَشَآءَ رَبِّي شَيْـًٔا ۗ وَسِعَ رَبِّي كُلَّ

آنچه را انباز گیرید بدان مگر آنکه بخواهد پروردگار من چیزی را فراخ است پروردگار من هر

شَيْءٍ عِلْمًا ۗ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ۝ وَكَيْفَ أَخَافُ مَآ أَشْرَكْتُمْ وَلَا

چیز را از روی دانش آیا پس پند نمیگیرید ۝ و چگونه بترسم آنچه را انباز گرفتید و نه

تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُم بِٱللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِۦ عَلَيْكُمْ سُلْطٰنًا

میترسید از این که شما انباز گرفتید بخدا آنرا که فرو نفرستاده است بآن بر شما حجتی

غرض آنحضرت ازین گفتها الزام حجت بر قول خود که بعضی آفتابپرست و برخی ماهپرست بودند و برخی ستارهپرست

فَاَیُّ الْفَرِیقَیْنِ اَحَقُّ بِالْاَمْنِ اِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ اَلَّذِینَ اٰمَنُوا

پس کدام یک از این دو گروه سزاوارترند بایمنی اگر هستید که بدانید کسانی که گرویدند

وَلَمْ یَلْبِسُوا اِیمَانَهُمْ بِظُلْمٍ اُولٰٓئِکَ لَهُمُ الْاَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ

و دنیا میخشند ایمانشان را بستم ایشانند که ایشانراست ایمنی و ایشانند راه یافتگان

وَتِلْکَ حُجَّتُنَآ اٰتَیْنَاهَآ اِبْرٰهِیمَ عَلٰی قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ

و این است حجت ما که دادیم آنرا ابراهیم بر گروه او بلند گردانیم پایه‌ها آنرا که

نَشَآءُ اِنَّ رَبَّکَ حَکِیمٌ عَلِیمٌ ۝ وَوَهَبْنَا لَهُ اِسْحٰقَ وَیَعْقُوبَ کُلًّا

خواهیم بدرستی که پروردگار تو محکم کار دانا است و ببخشیدیم مر او را اسحق و یعقوب هر یکرا

هَدَیْنَا وَنُوحًا هَدَیْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّیَّتِهِ دَاوٗدَ وَسُلَیْمٰنَ

راهی نمودیم و نوح را راه نمودیم از پیش و از فرزندان نوح داود و سلیمان

وَاَیُّوبَ وَیُوسُفَ وَمُوسٰی وَهٰرُونَ وَکَذٰلِکَ نَجْزِی الْمُحْسِنِینَ

و ایوب و یوسف و موسی و هرون و همچنین جزا میدهیم نیکوکارانرا

وَزَکَرِیَّا وَیَحْیٰی وَعِیسٰی وَاِلْیَاسَ کُلٌّ مِنَ الصّٰلِحِینَ ۝ وَ

و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس هر یک از شایستگان راستند و

اِسْمٰعِیلَ وَالْیَسَعَ وَیُونُسَ وَلُوطًا وَکُلًّا فَضَّلْنَا عَلَی الْعٰلَمِینَ

اسمعیل و الیسع و یونس و لوط و هر یک را فزونی دادیم بر جهانیان

وَمِنْ اٰبَآئِهِمْ وَذُرِّیّٰتِهِمْ وَاِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَیْنٰهُمْ وَهَدَیْنٰهُمْ

و از پدرانشان و فرزندانشان و برادرانشان و برگزیدیم ایشانرا و راه نمودیم ایشانرا

اِلٰی صِرَاطٍ مُسْتَقِیمٍ ۝ ذٰلِکَ هُدَی اللّٰهِ یَهْدِی بِهِ مَنْ یَشَآءُ

براه راست این است راهنمائی خدا که راه مینماید بآن هر کرا میخواهد

مِنْ عِبَادِهِ وَلَوْ اَشْرَکُوا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَا کَانُوا یَعْمَلُونَ ۝

از بندگان خود و اگر انباز گیرند هر آینه باطل شد از ایشان آنچه بودند که میکردند

اُولٰٓئِکَ الَّذِینَ اٰتَیْنٰهُمُ الْکِتٰبَ وَالْحُکْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَاِنْ

آنها کسانی اند که دادیم ایشانرا کتاب و حکمت و پیغمبری پس اگر

یکوع

بِهَا هٰٓؤُلَآءِ فَقَدْ وَكَّلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِهَا بِكٰفِرِينَ

کافر شوند آنها (را) پس بتحقیق گماشتیم آن (را) گروهی را که نباشند بآن کافران

أُولٰٓئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللّٰهُ فَبِهُدٰهُمُ اقْتَدِهْ قُل لَّآ أَسْـَٔلُكُمْ

آنها کسانی اند که راه نمود خدا پس براه ایشان را پیروی کن بگو نمی خواهم

عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٰى لِلْعٰلَمِينَ وَمَا قَدَرُوا اللّٰهَ

بر او مزدی نیست او مگر پندوادنی مر جهانیان را و نشناختند خدا را

حَقَّ قَدْرِهِۦٓ إِذْ قَالُوا مَآ أَنزَلَ اللّٰهُ عَلٰى بَشَرٍ مِّن شَىْءٍ ۗ قُلْ مَنْ أَنزَلَ

چنانکه سزاوار بزرگی وصفات اوست آنگاه که گفتند فرو نفرستاد خدا بر انسان از چیزی بگو که فرو فرستاد

الْكِتٰبَ الَّذِى جَآءَ بِهِۦ مُوسٰى نُورًا وَهُدًى لِّلنَّاسِ

کتاب را آنکه آمد بآن موسی روشنائی و رهنمائی ازبرای مردمان

تَجْعَلُونَهُۥ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ كَثِيرًا ۚ وَعُلِّمْتُم

میکردانید آنرا پاره کاغذ ظاهر کنید آنرا و پنهان دارید بسیاری را و بیاموزید

مَّا لَمْ تَعْلَمُوٓا أَنتُمْ وَلَآ ءَابَآؤُكُمْ ۖ قُلِ اللّٰهُ ۙ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِى خَوْضِهِمْ

آنچه را نمی دانستید شما و نه پدران شما بگو خدا پس بگذار ایشانرا در سخن باطل ایشان که

يَلْعَبُونَ وَهٰذَا كِتٰبٌ أَنزَلْنٰهُ مُبٰرَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِى

بازی کنند و این کتابی است که فرو فرستادیم او را برکت بخش راست دارنده آنرا که پیش

بَيْنَ يَدَيْهِ وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرٰى وَمَنْ حَوْلَهَا ۗ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ

میان دو دست اوست و از برای آنکه بترساند مردمان مکه را و کسیکه گرداگرد اوست و کسانیکه

بِالْءَاخِرَةِ يُؤْمِنُونَ بِهِۦ وَهُمْ عَلٰى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ وَمَنْ أَظْلَمُ

بآخرت میگروند بآن و ایشان بر نمازشان نگاه میدارند و کیست ستمکارتر

مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِىَ إِلَىَّ وَلَمْ يُوحَ

از کسی که بافت بر خدا دروغ یا گفت وحی کرده شد بسوی من و وحی کرده نشد

إِلَيْهِ شَىْءٌ وَمَن قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَآ أَنزَلَ اللّٰهُ ۗ وَلَوْ تَرٰٓى

بسوی او چیزی و کسیکه گفت بزودی فرو فرستم مانند آنچه فرو فرستاد خدا و اگر ببینی

در اقتدا برای بحث در الله و در حال وصل هم بسکون خوانده شود

مضمات

ام القری متصل است بمقدر اصل ام القری و مکه را از آن ام القری نامیده اند والله اعلم

ابن عباس و جمعی دیگر از مفسرین چنین گفته اند که این آیه در باب مسیلمه نازل شد که وحی الیه شیئی و من قال سانزل مثل ما انزل الله در باب عبد الله بن سعد بن ابی سرح که کاتب وحی حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله بود و

إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيهِمْ
هنگامی که ستمکاران باشند در سختی های سکرات مرگ و فرشتگان گشاده باشند دستهای خود را
أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ
که بیرون دهید جانهای خود را امروز جزا داده میشوید بعذاب خواری بسبب آنچه بودید
تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ آيَاتِهِ تَسْتَكْبِرُونَ
که میگفتید بر خدا ناشدنی را و بودید شما از نشانهای او سرکشی میکردند
وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَى كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ
و هر آینه بتحقیق آمدید بسوی ما تنها همچنانکه آفریدیم شمارا اول بار و واگذاشتیم شمارا
مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَى مَعَكُمْ شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ
آنچه دادیم شمارا پس پشتهای شما و نمی بینیم با شما شفاعت کنندگان شمارا که
زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ لَقَدْ تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ
گمان داشتید بدرستیکه ایشان در شما شریکانند هر آینه بتحقیق بریده شد میان شما و گم شد از شما
مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ۝ إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ
آنچه بودید گمان برده (۵) بدرستی که خدا شکافنده دانه و هسته بیرون می آورد زنده را
مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكُمُ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ
از مرده (۵) و بیرون آرنده مرده را از زنده این است خدا شما پس کجا برگردانیده میشوید
فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ
شکافنده سپیده دمها و گردانیده شب را آرامگاه (۵) و آفتاب و ماه را
حُسْبَانًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۝ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ
بشمار روندگان این است اندازه کردن خداوند غالب دانا (۵) و اوست که گردانید
لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ قَدْ فَصَّلْنَا
برای شما ستارگان را تا راه یابید بسبب آنها در تاریکیهای (۵) خشکی و دریا بتحقیق پدید کردیم ما
الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ
نشانهای خود را برای گروهی که میدانند (۵) و اوست که بوجود آورد شمارا از یک تن

فارسی

مینه و کسانی و
حفص سنکم را بصاد خوانده و
و بنابراین ظرفست برای تقطع و فاعل تقطع
مقدرست که از آن مستفاد است بعد لقد
تقطع البقطع سنکم باید تجرید تقطع از معنی تقطع
و همانگونه شده لقد وقع البقطع سنکم یعنی واقع شد
جدائی عظیمی میانه شما و خلاصه یعنی آنکه بریده شد
ربط و پیوندی که در میانه شما و میان شما بود و
محبتی که با آنها داشتید زایل شد و باقی قرائن
سنکم خوانده اند و بنابراین فاعل تقطع اسمی است
بمعنی بینت که بریده شده و ربط و پیوند شما و
دوستی شما نسبت بایشان زایل گردید و باید دانست
که لفظ بین بچند معنی آمده یکی ظرفیت دویم معنی
وصل و ربط چنانکه دانسته شد سیم مصدری بمعنی
افتراق و جدائی نمودن و آن مصدر است از

بابن بسین وتاء
والله اعلم

واحدٍ فمستقرٌ ومستودعٌ قد فصلنا الآيات لقومٍ
یفقهون وهو الذی انزل من السماء ماءً فاخرجنا به
نبات کل شیءٍ فاخرجنا منه خضرًا نخرج منه حبًا متراکبًا
ومن النخل من طلعها قنوان دانیة وجنات من اعنابٍ
والزیتون والرمان مشتبهًا وغیر متشابهٍ انظروا الی
ثمره اذا اثمر وینعه ان فی ذلکم لآیاتٍ لقومٍ یؤمنون
وجعلوا لله شرکاء الجن وخلقهم وخرقوا له بنین وبناتٍ
بغیر علمٍ سبحانه وتعالی عما یصفون بدیع السموات و
الارض انی یکون له ولدٌ ولم تکن له صاحبة وخلق
کل شیءٍ وهو بکل شیءٍ علیم ذلکم الله ربکم لا اله الا
هو خالق کل شیءٍ فاعبدوه وهو علی کل شیءٍ وکیل
لا تدرکه الابصار وهو یدرک الابصار وهو اللطیف

اللطيف الخبير ۞ قد جاءكم بصائر من ربكم فمن ابصر
محمد بان آمد آگاه‌ها بحقیقت آمد شما را بینا بها از پروردگار شما پس کسی بیناشد
فلنفسه ومن عمى فعليها وما انا عليكم بحفيظ ۞ و
پس بنا بر برای خودش و کسی که کور شد پس بر خودش است و نیستم من بر شما نگاهدارنده و
كذلك نصرف الايات وليقولوا درست ولنبينه لقوم
همچنین بگردانیم بگردانیدنی آیتها را و تا بگویند درس خواندی و از برای اینکه بیان کنیم مر
يعلمون ۞ اتبع ما اوحى اليك من ربك لا اله الا هو و
گروهی را که میدانند پیروی کن آنچه وحی کرده شد بسوی تو از پروردگار تو نیست معبودی مگر او و
اعرض عن المشركين ۞ ولو شاء الله ما اشركوا وما جعلناك
روی بگردان از مشرکان و اگر خواسته بود خدا شرک نمی آوردند و نکردایندیم ترا
عليهم حفيظا وما انت عليهم بوكيل ۞ ولا تسبوا الذين
بر ایشان نگاهبان و نیستی تو بر ایشان بکارسازنده و دشنام ندهید آنانرا
يدعون من دون الله فيسبوا الله عدوا بغير علم كذلك
میخوانند از غیر خدا پس دشنام دهند خدا را از روی حد در گذشتن بی دانش همچنین
زينا لكل امة عملهم ثم الى ربهم مرجعهم فينبئهم بما كانوا
آراستیم دادیم مر هر گروهی را کردارشان پس بسوی پروردگارشان بازگشت ایشانست پس خبر دادایشانرا بآنچه بودند که
يعملون ۞ واقسموا بالله جهد ايمانهم لئن جاءتهم اية
میکردند و سوگند خوردند بخدا از سخت ترین سوگندهاشان که اگر آید ایشانرا نشانه
ليؤمنن بها قل انما الايات عند الله وما يشعركم انها اذا
هر آینه بگروند بآن بگو جز این نیست که نشانها نزد خداست و چه دانیدشما که آن نشانها چون
جاءت لا يؤمنون ۞ ونقلب افئدتهم وابصارهم كما
آمد ایشانرا نگروند و بر میگردانیم دلهای ایشانرا و چشمهاشانرا چنانکه
لم يؤمنوا به اول مرة ونذرهم في طغيانهم يعمهون
ایمان نیاوردند بآن اول بار و وامیگذاریم ایشانرا در سرکشی خودشان که سرگشته باشند

لام
در ليقولوا
لام عاقبت نه لام
تعلیل علت مصرف آیات و آن منافی آن
سخن است لیکن چون مشرکین پند از آنها بگیرند
و این سخن گفتند پس علت غائیه تصریف آیات
معنی سخن ایشان بوده و این لام را لام عاقبت
میگویند مانند لام گرمه فلتقطه آل فرعون
لیکون لهم عدوا
و حزنا

گویند
گویند دشمن آنحضرت
گفتند که اگر کوه صفا را طلا کنی و چنین معجزه
ظاهری بنمائی باز نشکنان بر صدق قول تو
گواهی دهند و مانند اینها از معجزها بیاوری
ایمان می آوریم و بر طبق آن دعوی سوگندها
مغلظه خوردند پس این
آیه آمد

الجزء ۸

وَلَوْ اَنَّنَا نَزَّلْنَا اِلَيْهِمُ الْمَلٰٓئِكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتٰى وَحَشَرْنَا

و اگر ما فرو فرستیم بسوی ایشان فرشته و سخن گردهٔ بودندی بایشان مردگان و گرد آوردهٔ بودیم

عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوٓا اِلَّآ اَنْ يَشَآءَ اللّٰهُ وَلٰكِنَّ

بر ایشان هر چیز گروه گروه بنودندی که بگرویدندی مگر که خواهد خدا ولیکن

اَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ ۝ وَكَذٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيٰطِينَ

بیشتر ایشان نادانی کنند و همچنین کردیم برای هر پیغمبری دشمنی از دیوان

الْاِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ اِلٰى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا

آدمیان و پریان میرسانند بارهٔ ایشان بسوی بارهٔ آراسته بگمراهی باطل از روی فریب

وَلَوْ شَآءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ۝ وَلِتَصْغٰٓى

و اگر خواستی پروردگار تو نکردندی آنرا و آنچه می بندند دروغ و تا بگرایند

اِلَيْهِ اَفْـِٕدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْاٰخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا

بسوی آن دروغ دلهای آنانکه نمیگروند بروز باز پسین و تا بپسندند آنرا و تا بکنند

مَا هُمْ مُقْتَرِفُونَ ۝ اَفَغَيْرَ اللّٰهِ اَبْتَغِي حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي اَنْزَلَ

آنچه ایشان کنند گویم آیا پس بجز خدا بجویم داوری و اوست که فرو فرستاد

اِلَيْكُمُ الْكِتٰبَ مُفَصَّلًا ۚ وَالَّذِينَ اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ يَعْلَمُونَ

بسوی شما کتاب را پدید کرده شده و آنانکه دادیم ایشان را کتاب میدانند

اَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِنْ رَبِّكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ۝ وَتَمَّتْ

بدرستی که او فرستاده شده از پروردگار تو براستی پس مباش از شک کنندگان و تمام شد

كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا ۚ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمٰتِهِ وَهُوَ السَّمِيعُ

سخن پروردگار تو راستی و داد دیست بدل کننده مر سخنان او را و اوست شنوای

الْعَلِيمُ ۝ وَاِنْ تُطِعْ اَكْثَرَ مَنْ فِي الْاَرْضِ يُضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ

دانا و اگر پیروی کنی بیشتر کسانی که در زمین اند گمراه کنند تو را از راه

اللّٰهِ اِنْ يَتَّبِعُونَ اِلَّا الظَّنَّ وَاِنْ هُمْ اِلَّا يَخْرُصُونَ ۝ اِنَّ

خدا که ایشان پیروی نکنند مگر گمان را و نیستند ایشان مگر گمراه کنندگان بدرستی که

یعنی خدا میداند که ایشان ایمان نخواهند آورد از این جهت نفرستاد آنرا

عرور مفعول له است برای یوحی و لتصغی علت دیگر است برای آن و معطوف است بر غرورا و بعضی گفته اند که لام در لتصغی لام عاقبت و کونا گفته شد و بعضی گفته اند جعلنا لکل نبی عدوا لیکون ذلک فتصغی الیه افئدة و وجوه دیگر هم نیز گفته اند

رَبُّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَنْ سَبِيلِهِۦ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

پروردگار تو اوست دانا بکسی که گمراه میشود از راه او و اوست داناتر براه یافتگان

فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِـَٔايَٰتِهِۦ مُؤْمِنِينَ وَمَا

پس بخورید از آنچه یاد کرده شد نام خدا بر او اگر هستید بنشانهای گرویدگان و چیست

لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ فَصَّلَ لَكُمْ مَا

مرشما را که بخورید از آنچه یاد کرده شد نام خدا بر او و براستی پدید کرد برای شما آنچه

حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ

حرام شد بر شما مگر آنچه ناچار شوید بسوی او و بدرستیکه بسیاری

بِأَهْوَائِهِم بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُعْتَدِينَ وَذَرُوا

بخواستهای خود بدون دانش بدرستی که پروردگار تو اوست داناتر به از حد در گذرندگان و واگذارید

ظَاهِرَ الْإِثْمِ وَبَاطِنَهُ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْإِثْمَ سَيُجْزَوْنَ

آشکار را گناه و پنهان او را بدرستی که کسانی که کسب کنند گناه را بزودی جزا داده میشوند

بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ

بآنچه بودند که کسب میکردند و نخورید از آنچه یاد کرده نشده نام خدا بر

عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ ۗ وَإِنَّ الشَّيَاطِينَ لَيُوحُونَ إِلَىٰٓ أَوْلِيَائِهِمْ

او و بدرستیکه او هر آینه نافرمانی است و بدرستی که دیوان هر آینه میرسانند بسوی دوستانشان

لِيُجَادِلُوكُمْ ۖ وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ أَوَمَن كَانَ

تا مجادله کنند با شما و اگر پیروی کنید ایشان را بدرستی که شما هر آینه مشرکانید آیا آنکسی که بود

مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُۥ نُورًا يَمْشِى بِهِۦ فِى النَّاسِ كَمَن

مرده پس زنده گردانیدیم او را و گردانیدیم مر او را روشنی که میرود بآن در میان مردمان چون کسی که

مَّثَلُهُۥ فِى الظُّلُمَٰتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا ۚ كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْكَٰفِرِينَ

صفت او میرود در تاریکیها نیست که بیرون آید از آنجا همچنین آراسته شد برای کافران

مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا فِى كُلِّ قَرْيَةٍ أَكَٰبِرَ

آنچه بودند که میکردند و همچنین گردانیدیم در هر دی بزرگان را

آیت ظاهر
که دو چه که در رکعت سیم
شده باشد وقت ذبح حرام باشد مطلقا
خواه عمدا و خواه نسیانا چنانچه مذهب بعضی از
اصحاب قائل بحلیت آن در صورت نسیان شده
و از اهل بیت علیهم السلام
صراحت در این معنی
دارد

مُجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنفُسِهِمْ وَمَا
گناهکاران شهر مکه را در آن تا مکر کنند و مکر نمیکنند مگر بخودشان و
يَشْعُرُونَ ۝ وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَن نُّؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ
نمی دانند ۝ و چون بیاید ایشان را نشانی گویند هرگز ایمان نیاوریم تا آنکه داده شویم مانند
مَا أُوتِيَ رُسُلُ اللَّهِ ۘ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ ۗ
آنچه داده شد پیغمبران خدا را خدا داناتر است که کجا بنهد آن را و بفرستد جهای خود را
سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِندَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ
بزودی خواهد رسید گناهکاران را که بزه کردند خواری نزد خدا و عذابی سخت
بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ ۝ فَمَن يُرِدِ اللَّهُ أَن يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ
بسبب آنچه میکردند ۝ پس کسی را که بخواهد خدا که راه نماید او را میگشاید سینه او را
لِلْإِسْلَامِ ۖ وَمَن يُرِدْ أَن يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا
برای گردن نهادن و کسی را که بخواهد گمراه کند او را میگرداند سینه او را تنگ
كَأَنَّمَا يَصَّعَّدُ فِي السَّمَاءِ ۚ كَذَٰلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى
چنانکه بالا میرود در آسمان همچنین که میگرداند خدا پلیدی را بر
الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَهَٰذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا ۗ قَدْ فَصَّلْنَا
آنانکه نمیگروند ۝ و این است راه پروردگار تو که راست است بتحقیق پدید کردیم
الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ ۝ لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِندَ رَبِّهِمْ
نشانها را برای گروهی که پند گیرند ۝ مر ایشانراست سرای رستگاری نزد پروردگارشان
وَهُوَ وَلِيُّهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ
و او یار ایشانست بآنچه بودند که میکردند ۝ و روزیکه فراهم آرد ایشانرا همه ای گروه
الْجِنِّ قَدِ اسْتَكْثَرْتُم مِّنَ الْإِنسِ ۖ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُم مِّنَ الْإِنسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ
بریان گفت بتحقیق بسیار گرفتید شما از آدمیان و گفت یاران ایشان از آدمیان پروردگارا برخورداری داد یار ما را یار ما
وَبَلَغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَّلْتَ لَنَا ۚ قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ

خَٰلِدِينَ فِيهَآ إِلَّا مَا شَآءَ ٱللَّهُ ۖ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ۝ وَكَذَٰلِكَ

جاوداینان در آن مگر آنچه را خواست خدا بدرستی که پروردگار تو درست کردار دانست و همچنین

نُوَلِّى بَعْضَ ٱلظَّٰلِمِينَ بَعْضًۢا بِمَا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ ۝ يَٰمَعْشَرَ

برگماریم یاره ویرا از بیاره دیگر بآنچه بدست که میکردند ای گروه

ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ ءَايَٰتِى

پریان و آدمیان آیا نیامد مر شما را فرستادگان از شما که بخوانند بر شما اینهای

وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَآءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا ۚ قَالُوا۟ شَهِدْنَا عَلَىٰٓ أَنفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ

و بترسانند شما را در رسیدن روز شما این است که گفتند گواهی دادیم بر خودمان و فریب داد ایشان را

ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا وَشَهِدُوا۟ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا۟ كَٰفِرِينَ ۝

زندگانی دنیا و گواهی دادند بر خودشان بدرستی ایشان نا بودند ناگروندگان

ذَٰلِكَ أَن لَّمْ يَكُن رَّبُّكَ مُهْلِكَ ٱلْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَٰفِلُونَ

این از آنست که نیست پروردگار تو هلاک کننده قریه ها بستم و مردمان وی بیخبرانند

وَلِكُلٍّ دَرَجَٰتٌ مِّمَّا عَمِلُوا۟ ۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ

و از برای هر یک مرتبه هاست از آنچه کردند و نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه میکنند

وَرَبُّكَ ٱلْغَنِىُّ ذُو ٱلرَّحْمَةِ ۖ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ

و پروردگار تو بی نیاز است خداوند بخشایش اگر خواهد میبرد شما را و میگرداند جانشین

مِّنۢ بَعْدِكُم مَّا يَشَآءُ كَمَآ أَنشَأَكُم مِّن ذُرِّيَّةِ قَوْمٍ ءَاخَرِينَ ۚ

از بعد شما آنچه خواهد همچنانکه پدید آورد شما را از فرزندان گروهی دیگر

إِنَّ مَا تُوعَدُونَ لَءَاتٍ ۙ وَمَآ أَنتُم بِمُعْجِزِينَ ۝ قُلْ يَٰقَوْمِ ٱعْمَلُوا۟

بدرستی که آنچه وعده کرده شده اید هر آینه آمدنی است و نیستید عاجز کننده بگو ای گروه کارکنید

عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّى عَٰمِلٌ ۖ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَن تَكُونُ لَهُۥ عَٰقِبَةُ

بر جایگاه و توانائی خود بدرستی که من کارکننده ام پس بزودی بدانید کیست که باشد مر او را سرانجام

ٱلدَّارِ ۗ إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ۝ وَجَعَلُوا۟ لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ ٱلْحَرْثِ

آن سرای بدرستی که زشتکاران نیابند رستگاری و گردانیدند برای خدا از آنچه آفرید از کشت

والانعام

سمبران
از خلق جهیدن
اشاره است بوسایطی که از جهیدن
که پیغام پیغامبران را بجهیدن میرسانیدند چنانکه
کریمه ولوا الی قومهم منذرین یا دار ایمعشی میشد
و بعضی گفته که ضمیر منکم راجع است بادمی زادان
و بعضی از علما گفته اند که شیاطین
هم پیغمبران از خلق خود
بوده

وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا هَٰذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَٰذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا

و چهارپایان (انعام) بهره و نصیبی پس گفتند این برای خداست بگمان بدایشان و این ازبرای انبازان ماست پس آنچه

كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ

باشد ازبرای انبازشان نزدیک نرسد بسوی خدا و آنچه باشد ازبرای خدا پس او میرسد بسوی

شُرَكَائِهِمْ ۗ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ۝ وَكَذَٰلِكَ زَيَّنَ لِكَثِيرٍ مِنَ

انبازانشان بد است آنچه حکم می کنند و همچنین آراست ازبرای بسیاری از

الْمُشْرِكِينَ قَتْلَ أَوْلَادِهِمْ شُرَكَاؤُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبِسُوا عَلَيْهِمْ

مشرکان کشتن فرزندان ایشان را انبازان ایشان تا هلاک سازند ایشان را و پوشیده سازند برایشان

دِينَهُمْ ۖ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ ۝ وَقَالُوا

دین ایشان را و اگر خواسته بود خدا آن را نمیکردند آن را پس واگذار ایشان را و آنچه می بندند بدروغ و گفتند

هَٰذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْثٌ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بِزَعْمِهِمْ وَ

این چهارپایان و کشتی که بازداشته و حرام میخورند آنها را مگر کسی را که میخواهیم بگمان ایشان و

أَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا

چهارپایانی که حرام شده پشتهایشان و چهارپایان که یاد نمیکنند نام خدا را بر آنها

افْتِرَاءً عَلَيْهِ ۚ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ وَقَالُوا مَا فِي

دروغ بستنی بر او زود باشد که جزا دهد ایشان را بآنچه بودند که دروغ می بستند و گفتند آنچه در

بُطُونِ هَٰذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا

شکمهای این چهارپایانست خالص ازبرای مردان ماست و حرام کرده شده بر جفتهای ما

وَإِنْ يَكُنْ مَيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ ۚ سَيَجْزِيهِمْ وَصْفَهُمْ

و اگر باشد مردار پس ایشان در آن انباز اند زود باشد که جزا دهد ایشان را وصف ایشان

إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ۝ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ

بدرستیکه او استوار کار دانا است بحقیقت زیان کردند آنانکه کشتند فرزندان ایشان را کم خردان بدون دانشی

وَحَرَّمُوا مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ ۚ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا

و حرام گردانیدند آنچه روزی کرده ایشان را خدا از راه دروغ بستن بر خدا بتحقیق گمراه شدند و نبودند

خصوصا در کلام مجید و بسا کی گفته که فاصله میانه مضاف و مضاف الیه اول محذوف و بیان

تقدیر است که بنی الذراع الا ید و جبته الاسد و این قرائت را بر بن قتل دانسته اند و گفته که مضاف

الیه قتل محذوف و مضاف به شرکائهم هم محذوف و بیان تقدیر است که و کذلک زین للمشرکین قتل

شرکائهم اولادهم و در بعضی از قرائت زین بصیغه مجهول و رفع قتل و جر اولادهم و رفع

شرکائهم وارد شده و بنا بر این شرکائهم محذوف و جمله متسانفه است گویا کسی می پرسد من قتل

اولادهم جواب میفرماید که قتل اولادهم شرکائهم والله اعلم

بتحقیق الامور

ازابن

عباس مرویست که

قریش زراعتی بنذر خدای تعالی

و زراعتی بنذ ربتان خود میکردند و اگر از حاصل

مزرعه بتان چیزی داخل مزرعه خدا می شد

اشتراع نمودند و جدا میکردند و بر عکس شد

و اگر از آب نهر خدا آبی داخل نهر مزرعه بتان شد

راه آن ابرامیدند و نمیگذاشتند و بر عکس میشد

می نمودند می گفتند خدا غنی و بی نیاز است و بتان

محتاجند پس این آیه آمد و در مجمع البیان گفته

که این تفسیر از ائمه هدی علیهم

السلام هم منقول است

۲۲

حزب

غرض

از این آیه کریمه که حق سبحانه و تعالی می‌فرماید بر پیغمبر خود که بگو ای محمد بیاورید نزد من آنچه را که حرام کرده است پروردگار شما بر شما و آن این است که شرک نیاورید به خدا چیزی را و نیکی کنید به پدر و مادر و نکشید فرزندان خود را از بیم درویشی و نزدیک نشوید به کارهای زشت چه آشکارا باشد و چه پنهان و نکشید نفسی را که حرام کرده است خدا مگر به حق و به حکم شریعت این است که خدا شما را به آن وصیت کرده است تا شاید شما تعقل کنید و نزدیک نشوید به مال یتیم مگر به طریقی که بهتر باشد تا به رشد خود برسد و تمام کنید پیمانه و ترازو را به عدل و راستی و تکلیف نمی‌کنیم هیچ کس را مگر به قدر وسع او و چون سخن گویید عدل کنید اگرچه صاحب شما خویشاوند باشد و به عهد خدا وفا کنید این است که خدا شما را به آن وصیت کرده است تا شاید شما پند گیرید و این است که راست است راه من راست پس پیروی کنید این راه را و پیروی نکنید راه‌های دیگر را که شما را پراکنده می‌کند از راه خدا این است که خدا شما را به آن وصیت کرده است تا شاید شما پرهیزگار شوید پس دادیم موسی را کتاب تورات را تمام کردن نیکوکاری را بر آن کس که نیکوکار باشد و بیان کردن هر چیزی را و راه نمودن و رحمت را تا شاید ایشان به لقای پروردگار خود ایمان آورند و این قرآن کتابی است که فرستادیم آن را پر برکت پس پیروی کنید آن را و پرهیزگار شوید تا شاید بر شما رحمت کنند که نگویید که فرستاده نشده است کتاب بر دو طایفه پیش از ما و ما از خواندن کتاب ایشان غافل بودیم و نگویید که اگر فرستاده شده بود کتاب بر ما هر آینه ما راه یافته‌تر بودیم از ایشان پس آمد شما را حجتی روشن از پروردگار شما و هدایتی و رحمتی پس کیست ستمکارتر از آن کس که دروغ بندد بر خدا و روی بگرداند از آیات او زود باشد که جزا دهیم کسانی را که روی می‌گردانند از آیات ما به بدی آنچه بودند که روی می‌گردانیدند

ركوع

مُهْتَدِينَ ۝ وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ

راه یافتگان ۝ و اوست آنکه پدید آورد بوستانهای برداربست انداخته و غیر

مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أُكُلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ

برداربست انداخته و درخت خرما و کشت غیر یکدیگر میوه خوردنی آن و زیتون و انار

مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ

مانند هم و نامانند یکدیگر بخورید از میوه او چون میوه آرد و بدهید حق او را روز

حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ۝ وَمِنَ الْأَنْعَامِ

درویدن او و اسراف مکنید بدرستی که او دوست نمیدارد اسراف کنندگان را و از چهارپایان

حَمُولَةً وَفَرْشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ

باربردار چون شتر و گاو بخورید از آنچه روزی کرد شما را خدا و پیروی مکنید گامهای

الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۝ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الضَّأْنِ

شیطان را بدرستی که او مر شما را دشمنی است آشکار ۝ هشت جفت از میش

اثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأُنْثَيَيْنِ

دو و از بز دو بگو آیا دو نر را حرام کرده‌اند یا

أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنْثَيَيْنِ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِنْ كُنْتُمْ

یا آنچه اندر برگرفت بر آن زهدانهای دو ماده را خبر دهید مرا از روی دانش اگر هستید

صَادِقِينَ ۝ وَمِنَ الْإِبِلِ اثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ آلذَّكَرَيْنِ

راستگویان و از شتر دو و از گاو دو بگو با آن دو نر را

حَرَّمَ أَمِ الْأُنْثَيَيْنِ أَمَّا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأُنْثَيَيْنِ أَمْ

حرام کرده‌اند یا آن دو ماده را یا آنچه اندر برگرفت بر او زهدانهای دو ماده یا

كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّاكُمُ اللَّهُ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى

بودید شما گواهان هنگامیکه وصیت کرد شما را خدا باین پس کیست ستمکارتر از آنکه ببست بر

اللَّهِ كَذِبًا لِيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

خدا دروغی تا گمراه کند مردمان را بدون دانش بدرستی که خدا راه نمی‌نماید گروه

الظالمین

الظالمين ۝ قل لا أجد في ما أوحي إلي محرما على طاعم
ستمکاران را ... بگو نمی یابم در آنچه ... وحی فرستاده شد بسوی من حرام شده بر خورنده
يطعمه إلا أن يكون ميتة أو دما مسفوحا أو لحم خنزير فإنه
که میخورد آنرا مگر اینکه باشد مردار یا خون ریخته شده یا گوشت خوک پس بدرستی که آن
رجس أو فسقا أهل لغير الله به فمن اضطر غير باغ ولا عاد
پلید است یا زشت که بنام غیر خدا بآن ذبح کرده شده باشد پس کسی بیچاره گردد نه سرکش نه تجاوز کننده
فإن ربك غفور رحيم ۝ وعلى الذين هادوا حرمنا كل
پس بدرستی پروردگار تو آمرزنده مهربان است بر آنانکه یهود شدند حرام کردانیدیم هر
ذي ظفر ومن البقر والغنم حرمنا عليهم شحومهما إلا
صاحب ناخنی از شتر و گاو و گوسفند حرام کردیم بر ایشان پیه های آنها را مگر
ما حملت ظهورهما أو الحوايا أو ما اختلط بعظم ذلك
آنچه را بر دوش ... یا آنچه ... یا آنچه ... با استخوان آن
جزيناهم ببغيهم وإنا لصادقون ۝ فإن كذبوك فقل
سبب سرکشی ایشان را ... بدرستی که ما البته راستگویانیم پس اگر دروغ تو را
ربكم ذو رحمة واسعة ولا يرد بأسه عن القوم المجرمين
پروردگار شما خداوند بخشایش وسعت دهنده است و بازداشته نمیشود عذاب او از گروه گناهکاران
سيقول الذين أشركوا لو شاء الله ما أشركنا ولا آباؤنا
بزودی گویند آنانکه شرک آوردند اگر خواسته بود خدا ما شرک نمی آوردیم ونه پدران ما
ولا حرمنا من شيء كذلك كذب الذين من قبلهم حتى
و حرام نمیکردانیم ما هیچ چیز را همچنین دروغ بستند آنانکه بودند پیش از ایشان تا
ذاقوا بأسنا قل هل عندكم من علم فتخرجوه لنا إن تتبعون
بچشیدند عذاب ما را بگو آیا نزد شما هست از دانش پس بیرون آرید او را برای ما که پیروی میکنید
إلا الظن وإن أنتم إلا تخرصون ۝ قل فلله الحجة البالغة

مکروه است
که باغی کسی باشد که
خروج کرده باشد بر امام زمان و عادل
کسی است که زیاده از سد رمق میخورد
خورده و در تفسیر باطنی گفته
هم گذشت
آن
عبارتست از گوشت
چرب که بر ایشان هم حلال بوده و الحوایا عطف است
بر ظهور هما و آن جمع حویه است که بفارسی روده
گویند و مراد آنست که بچربی که در روده ها بوده
هم بر ایشان حلال
بوده است
در تفسیر علی ابن ابراهیم مذکور است که پادشاهان
بنی اسرائیل شحوم را ممنوع گردانیده بودند از
خوردن گوشت مرغان و از چرپیها حصه ایشان
بشامت و عقوبت این فعل چربیهای مذکوره را
بر ایشان حرام گردانیدند
و آن سه پهلو باشد

فَلَوْ شَآءَ لَهَدٰىكُمْ اَجْمَعِيْنَ ۝ قُلْ هَلُمَّ شُهَدَآءَكُمُ الَّذِيْنَ

پس اگر خواستی بودی هر آینه راه نمودی همه را ۝ بگو که بیارید گواهان خود را که

يَشْهَدُوْنَ اَنَّ اللّٰهَ حَرَّمَ هٰذَا ۚ فَاِنْ شَهِدُوْا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ ۚ

گواهی میدهند که بدرستیکه خدا حرام کرد این را پس اگر گواهی دادند پس مده تو گواهی با ایشان

وَلَا تَتَّبِعْ اَهْوَآءَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَالَّذِيْنَ لَا يُؤْمِنُوْنَ

و از پی مرو خواهش آنان را که دروغ شمردند آیتهای ما و کسانیکه

بِالْاٰخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُوْنَ ۝ قُلْ تَعَالَوْا اَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ

بروز باز پسین و آنها بپروردگار شان برابر می کنند ۝ بگو بیائید تا بخوانم آنچه حرام کرده پروردگار شما

عَلَيْكُمْ اَلَّا تُشْرِكُوْا بِهٖ شَيْـًٔا وَّبِالْوَالِدَيْنِ اِحْسَانًا وَلَا

بر شما این که شریک ندانید بآن چیزی را و بپدر و مادر نیکوئی کنید و نه

تَقْتُلُوْٓا اَوْلَادَكُمْ مِّنْ اِمْلَاقٍ ۭ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَاِيَّاهُمْ ۚ وَلَا تَقْرَبُوا

بکشید فرزندان خود را از درویشی و افلاس ما روزی میدهیم شما را و ایشان را و نزدیک مشوید

الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَنَ ۚ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِيْ حَرَّمَ

کارهای زشت را آنچه آشکار است از آن و آنچه پنهان باشد و بکشید نفسی را که حرام کرده

اللّٰهُ اِلَّا بِالْحَقِّ ۭ ذٰلِكُمْ وَصّٰىكُمْ بِهٖ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ۝ وَلَا

خدا مگر بر استی این است وصیت کرد شما را بآن باشد که شما دریابید ۝ و نزدیک

تَقْرَبُوْا مَالَ الْيَتِيْمِ اِلَّا بِالَّتِيْ هِيَ اَحْسَنُ حَتّٰى يَبْلُغَ اَشُدَّهٗ ۚ وَ

مشوید مال یتیم را مگر بآنچه آن بهتر است تا برسد به بینه دی او و

اَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيْزَانَ بِالْقِسْطِ ۚ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا اِلَّا

تمام بدهید پیمانه را و ترازو را بداد و درستی تکلیف نمیکنیم نفسی را مگر

وُسْعَهَا ۚ وَاِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوْا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰى ۚ وَبِعَهْدِ اللّٰهِ

بقدر توانائی آن و چون بگوئید پس عدالت کنید و اگر باشد صاحب نزدیکی و به پیمان خدا

اَوْفُوْا ۭ ذٰلِكُمْ وَصّٰىكُمْ بِهٖ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُوْنَ ۝ وَاَنَّ هٰذَا

وفا کنید این است که وصیت کرد شما را بآن باشد که شما پند گیرید ۝ و بدرستی که این

هلم

اسمی است

بمعنی فعل امر و لازم آمد و بمعنی تعال

یعنی بیا چون کریمه هلم الینا یعنی بیایید بسوی

ما و متعدی بهم آمد و چنانکه در این کریمه چه هلم شهداءکم

یعنی بیاورید شهدای خود حاضرین ما

گواهان خود را و بنا بلغه مشهوره واحد و تثنیه و جمع

مذکر و مونث همه در ان مساویند میگویند هلم

زید و هلم یا ایها الرجال و

هلم یا هند و هلم یا هندان و هلم ایها النسوه

و این آیه مبنی است بر این لغت مشهوره چه مخاطب

جماعتی آمد و بعضی گویند هلم مختلف میشود در افراد

و تثنیه و جمع و مذکر و مانیث باختلاف مخاطبین

و هلم نیاز بر هر دو مذهب مرکبست از ها تنبیه و لم

که صیغه امر است از لم یلم بمعنی جمع و بعد از ترکیب الف از

اول او افتاده و بعلت سکون لام بوده پس باید که صیغه

امرش الم بوده باشد بسکون لام بر وزن انصر

و همزه وصل افتاده بسبب تحریک لام چه ضمه میم

اول الم بما قبل منقل و میم در میم مدغم شده و چون

لام متحرک شد احتیاج بهمزه وصل نماند همزه

افتاد و لم بحصول پیوست و گویند کفته اند که هلم

در اصل هل ام بوده و حرکت همزه و ما قبل منقل و

همزه افتاده است و این قول مردود است بعلت

جواز دخول هل بر جمله

صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ

راه من راه راست پس پیروی کنید او را و راههای دیگر را پس جدا میکرداند شما را

عَن سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ وَصَّاكُم بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ثُمَّ آتَيْنَا

از راه خود این است که وصیت کرد شما را بآن باشد که شما پرهیزکار شوید پس دادیم

مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ

موسی را کتاب تمام برای تمامی بر کسی که نیکی کرد و برای تفصیل هر چیزی را

وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُم بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ وَهَٰذَا كِتَابٌ

و راهنمائی راه راست و بخشایش باشد که ایشان بدیدن پروردگارشان بگروند و این کتاب

أَنزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ أَن

فرو فرستادیم او را بابرکت پس پیروی کنید او را و پرهیزید باشد که شما بخشیده شوید که مبادا

تَقُولُوا إِنَّمَا أُنزِلَ الْكِتَابُ عَلَىٰ طَائِفَتَيْنِ مِن قَبْلِنَا وَإِن كُنَّا

گوئید جز این نیست که فرو فرستاده شد نامه بگروه پیش از ما و دو طایفه و اگر ما هستیم

عَن دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ

از خواندن ایشان بیخبران یا گوئید اگر آنکه فرو فرستاده شود بر ما آن کتاب

لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ فَقَدْ جَاءَكُم بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى

هر آینه بودیم هر آینه براه راست تر از ایشان پس بدرستی آمد شما را دلیلی از پروردگار شما و راهنمائی

وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي

و بخشایش پس کیست ستمکارتر از آنکه دروغ بست بنشانهای خدا و روی گرداند از آن بزودی جزا دهیم

الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ

آنانرا که روی برگردانند از نشانهای ما بدی عذاب را بآنچه بودند که روی برگردانند

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا أَن تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ

آیا چشم براه و انتظارند مگر آنکه بیاید بایشان فرشتگان یا بیاید پروردگار تو یا

يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنفَعُ

بیاید بعضی از نشانهای پروردگار تو روزیکه بیاید بعضی از نشانهای پروردگار تو سود ندارد

خلاصه معنی این آیه آنکه ما فرآن را فرستادیم برای آنکه شما ای گروه قریش عذری نیاورید که گفت رود رحمت برای گروه خودمان که یهود و نصاری را پیش از ما کتاب آسمانی آمده بود که از آنها حقیقت ملت تو می شود و ما از آنها بیسواد تر هستیم خواند اگر بما هم کتابی می آمد چنانکه بایشان آمده ما هم همانان می آوردیم چنانکه جمعی از ایشان ایمان آوردند بلکه ما زودتر و بهتر ایمان می آوردیم پس عذر شما برطرف شد این قرآن حجت را بر شما تمام کرد از حضرت ابو جعفر علیه السلام مرویست که این آیه در باب ارباب بدعت و ضلالتست و بعضی گفته اند که در باب یهود و نصاری است و بعضی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که یهود هفتاد و یک گروه شدند همه بجهنم خواهند رفت مگر یک گروه و امت من هفتاد و سه گروه خواهند شد و همه بهشت خواهند رفت مگر یک گروه و بعضی گفته اند قریش را گویند

نفسا ایمانها لم تکن امنت من قبل او کسبت فی ایمانها
نفسی را که گرویدن آن که نبوده باشد گرویده باشد از پیش یا در کسب کرده باشد در ایمان خود
خیرا قل انتظروا انا منتظرون ۝ ان الذین فرقوا دینهم
نیکی بگو انتظار باشید بدرستی که ما هم منتظرانیم کسانی دیده در راه بدرستی که آنانکه جدا ساختند دین خود را
وکانوا شیعا لست منهم فی شیء انما امرهم الی الله ثم ینبئهم
و بودند گروه گروه نیست تو از ایشان در چیزی جز این که کار ایشان با خداست پس آگاهی دهد ایشان را
بما کانوا یفعلون ۝ من جاء بالحسنة فله عشر امثالها و
بآنچه بودند که میکردند کسیکه آورد نیکی را پس مر او راست ده برابر مانند آن و
من جاء بالسیئة فلا یجزی الا مثلها وهم لا یظلمون ۝
هر که آورد بدی را پس بدهیم او را باداش مگر مانند آن و ایشان ستم کرده نشوند
قل انني هدانی ربی الی صراط مستقیم ۝ دینا قیما ملة
بگو بدرستیکه مرا راه راست نمود پروردگار من بسوی راه راست دینی که راست است دین
ابرهیم حنیفا وما کان من المشرکین ۝ قل ان صلوتی و
ابراهیم پاکیزه حق گرای است و نبود از شرک آورندگان بگو بدرستی نماز من و
نسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین ۝ لا شریک له
بندگی فرمان برداری من و زندگانی من و مردن من مر خدا راست که پروردگار جهانیان است نیست همتا و انباز مر او را
وبذلک امرت وانا اول المسلمین ۝ قل اغیر الله ابغی ربا
و باین مامور شدم و منم نخستین گردن نهندگان بگو آیا بجز خدا بجویم پروردگاری
وهو رب کل شیء ولا تکسب کل نفس الا علیها ولا تزر
و او است پروردگار همه چیز و نوزرد هیچ نفسی مگر بر او و برنمدارد
وازرة وزر اخری ثم الی ربکم مرجعکم فینبئکم بما
بارگناه برگیرنده بارگناه دیگری را پس بسوی پروردگار شما بازگشت شماست پس آگاهی دهد شما را بآنچه
کنتم فیه تختلفون ۝ وهو الذی جعلکم خلائف الارض
بودید که در آن اختلاف میکردید و او است آنکه گردانید شما را خلیفه ها می روی زمین

وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آ

وبرتری داد پاره از شما را بالای پاره دیگر درمرتبه ها تا بیازماید شما را در آنچه

اٰتٰىكُمْ اِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ ۖ وَاِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

داد شما را بدرستی که پروردگار تو زود عقوبت است و بدرستی او هر آینه آمرزنده مهربان است

سورة الاعراف وهي مائتان وست ومائة مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الٓمٓصٓ ۚ كِتَابٌ اُنْزِلَ اِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ

نامه ایست که فرو فرستاده شده بسوی تو پس مباد که باشد در سینه تو تنگی

مِنْهُ لِتُنْذِرَ بِهٖ وَذِكْرٰى لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ اِتَّبِعُوا مَا اُنْزِلَ اِلَيْكُمْ

از او تا بیم کنی بآن و پندی باشد مر گروندگان را پیروی کنید آنچه فرو فرستاده شده بسوی شما

مِنْ رَبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِنْ دُونِهٖ اَوْلِيَآءَ ۗ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ

از پروردگار شما و پیروی مکنید از غیر او دوستانرا اندکی پند میگیرید

وَكَمْ مِنْ قَرْيَةٍ اَهْلَكْنَاهَا فَجَآءَهَا بَاْسُنَا بَيَاتًا اَوْهُمْ قَآئِلُونَ

وبسا دیه از دیهها که هلاک کردیم آنرا پس آمد آنرا عذاب ما شبهنگام یا بودند ایشان خفتگان در نیمروز

فَمَا كَانَ دَعْوٰىهُمْ اِذْ جَآءَهُمْ بَاْسُنَآ اِلَّآ اَنْ قَالُوٓا اِنَّا كُنَّا

پس نبود درخواست ایشان وقتیکه آمد ایشانرا عذاب ما مگر اینکه گفتند بدرستی که بودیم ما

ظٰلِمِينَ ۝ فَلَنَسْـَٔلَنَّ الَّذِينَ اُرْسِلَ اِلَيْهِمْ وَلَنَسْـَٔلَنَّ الْمُرْسَلِينَ

ستمکاران پس هر آینه می پرسیم گذشتگانرا که فرو فرستاده شد بسوی ایشان و هر آینه می پرسیم از فرستادگان

فَلَنَقُصَّنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَآئِبِينَ ۝ وَالْوَزْنُ يَوْمَئِذٍ

پس هر آینه میخوانیم بر ایشان بدانش خود و نبودیم ما بجهان شدگان و سنجیدن آن بکردار روز

الْحَقُّ ۚ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهٗ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَمَنْ

راست پس هر کسی که گران آمد سنجیدهای او پس این گروه ایشانند رستگاران و آنکه

ضف

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که هر که سوره اعراف را بخواند خواهد شود روز قیامت بان از جمله آنان لاخوف علیهم ولا هم یحزنون واگر در هر جمعه بخواند بحساب داخل خانان شود و در آن آیات محکمه است از روز قیامت شهادت میدهد برای قارئش و محکم آنست که منسوخ نیست پس هر که بخواند ایمن گردد از عذاب قبر که آیات اجابت دعوت شما نمود قوم شما و آیات قبول کردید دعوت پیغمبر را در آیات

خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُم بِمَا كَانُوا

سبک آمد سنجیدهای او پس این گروه کسانی اند که زیان کردند خودهاشان را بسبب آنچه بودند

بِآيَاتِنَا يَظْلِمُونَ ۝ وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا

که بنشانهای ستم میکردند ۝ و هر آینه جمیق جای دادیم شمارا در زمین ۝ و گردانیدیم

لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ

برای شما در آن مایه های زندگانی اندک ۝ همی سپاس دارید ۝ و هر آینه براستی آفریدیم ما شمارا پس

صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا

بنگاشتیم شمارا پس گفتیم مر فرشته را که سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند بمگر

إِبْلِيسَ ۖ لَمْ يَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ ۝ قَالَ مَا مَنَعَكَ أَلَّا تَسْجُدَ إِذْ

شیطان که نبود از سجده کنندگان ۝ گفت چه چیز بازداشت تورا که سجده کنی هنگامیکه

أَمَرْتُكَ ۖ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ

فرمودیم تورا گفت من بهترم از او آفریدی مرا از آتش و آفریدی اورا از گل

قَالَ فَاهْبِطْ فَمَا يَكُونُ لَكَ أَن تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ

گفت پس فرو شو از آن مرتبه پس نباشد مرتو را که برتری ورزی در آن پس برون رو بدرستی که تو از خوارشدگانی

قَالَ أَنظِرْنِي إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۝ قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ ۝ قَالَ

گفت مهلت ده مرا تا روزیکه برانگیخته میشوند ۝ گفت بدرستی که تو از مهلت داده شدگانی گفت

فَبِمَا أَغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ ۝ ثُمَّ لَآتِيَنَّهُم

پس بسبب آنکه گمراه کردی مرا هر آینه بنشینم مرایشانرا برر هگذار براه تو که راست است پس هر آینه می آیم ایشانرا

مِّن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَن شَمَائِلِهِمْ ۖ

از میان دستهای ایشان و از پشت سر ایشان و از جانب راستشان و از دست چپ ایشان

وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ ۝ قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْءُومًا مَّدْحُورًا

و نیابی بیشتر ایشانرا سپاس گذاران گفت برون رو از انجا زشت نکوهیده و رانده شده

لَّمَن تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكُمْ أَجْمَعِينَ ۝ وَيَا آدَمُ

هر آینه آنکه پیروی کرد تورا از ایشان هر آینه پر میکنم دوزخرا از شما همگی ۝ و ای آدم

انگن

از حضرت ابی جعفر علیه السلام مرویست که من بین ایدیهم یعنی خواهم کردانم در نظر ایشان کار آخرت را و من خلفهم امر میکنم ایشان را بجمع اموال و بخل ورزیدن از هر چیزی که خدا را در آن اموال است تا آنکه بگذارند آنها را برای میراث خواران و عن ایمانهم غایب میکنم از ایشان دنیا را بسبب آنچه رغبت میدهم نظر ایشان ضلالت و گمراهی و شهوات نفسانی را و عن شمائلهم بسبب دوست گردانیدن لذتها را

نسبت باشان و غالب نمودن شهوات را برایشان

اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا

شاکن شو تو و زوجت تو بهشت را پس بخورید از هر جا که خواهید باشید و نزدیک مشوید

هٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ

این درخت را پس مباشید از ستمکاران پس وسوسه کرد مر ایشانرا دیو

لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا

تا ظاهر کرداند مر ایشانرا آنچه پوشیده بود از آن از عورتهای ایشان و گفت ابلیس باز نداشت شما را

رَبُّكُمَا عَنْ هٰذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ

پروردگار شما از این درخت مگر اینکه بشوید دو فرشته یا باشید از جاودانان

وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ ۝ فَدَلَّاهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا

و سوگند خورد بدیشان که مر شما را هر آینه از پندهندگانیم پس فرود آورد ایشانرا بفریفتن پس چون چشیدند

الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ

درخت ظاهر گشت مر ایشانرا عورتهاشان و شروع نمودند در ایستادن میچسپاندند و برمیدند و خشد بر خودشان از برگهای

الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكُمَا الشَّجَرَةِ

بهشت و ندا کرد ایشانرا پروردگارشان که آیا نهی نکردم شما را از این دو درخت

وَأَقُلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ ۝ قَالَا رَبَّنَا

و آیا نگفتم مر شما را بدرستیکه شیطان مر شما را دشمنی است آشکار گفتند پروردگارا

ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ

ستم کردیم ما بر نفسهای خود و اگر نیامرزی ما را و نبخشی ما را هر آینه میباشیم از

الْخَاسِرِينَ ۝ قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي

زیان کاران گفت فرود شوید بارة از شما مر بارة را دشمن و مر شما راست در

الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ۝ قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَ

زمین آرامگاه و برخورداری تا هنگامی که گفت خدا در آن زندگانی می کنید و

فِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ ۝ يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ

در آن بمیرید و از آن بیرون آورده میشوید ای پسران آدم بدرستی فرستادیم بر شما

كراهت
مقدار آیت
وکویا کفته شده الا کراهت ان
تکونا ملکین و کراهت تکونا من
الخالدین

لِبَاسًا يُوَارِي سَوْاٰتِكُمْ وَرِيشًا ۖ وَلِبَاسُ التَّقْوٰى ذٰلِكَ خَيْرٌ ۚ

پوششی که پوشانند عورتهای شما را و جامه نرم و لباس پرهیزکاری این است بهتر

ذٰلِكَ مِنْ اٰيٰتِ اللّٰهِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ۝ يٰبَنِيٓ اٰدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ

از آن که از نشانهای خداست باشد که ایشان پند گیرند ای پسران آدم نباید که بفریبد شما را

الشَّيْطٰنُ كَمَآ اَخْرَجَ اَبَوَيْكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا

شیطان همچنین که بیرون کرد پدر و مادر شما را از بهشت برمی کشند از آن

لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوْاٰتِهِمَا ۗ اِنَّهُ يَرٰىكُمْ هُوَ وَقَبِيلُهُ مِنْ حَيْثُ

رختهای را تا بنماید ایشان را عورتشان را بدرستی که او می بیند شما را او و فرزندان و گروه او از جائی که

لَا تَرَوْنَهُمْ ۗ اِنَّا جَعَلْنَا الشَّيٰطِينَ اَوْلِيَآءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ ۝

نمی بینید ایشان را بدرستیکه ما کردانیدیم دیوان را دوستان مر آنان را که نگروند

وَاِذَا فَعَلُوا فَاحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَآ اٰبَآءَنَا وَاللّٰهُ اَمَرَنَا

و چون کنند کاری زشت گویند یافته ایم بر آن پدران خود را و خدا امر کرده ما را

بِهَا ۗ قُلْ اِنَّ اللّٰهَ لَا يَاْمُرُ بِالْفَحْشَآءِ ۗ اَتَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

بآن بگو بدرستی که خدا امر نمیفرماید بکارهای زشت آیا میگویید بر خدا آنچه نمیدانید

قُلْ اَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ ۖ وَاَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ

بگو فرموده پروردگار من بداد و راست دارید روهای خود را نزد هر نمازگاهی

وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۚ كَمَا بَدَاَكُمْ تَعُودُونَ ۝

و بخوانید او را خالص دارندگان برای او دین را همچنانکه آفرید شما را باز گردید

فَرِيقًا هَدٰى وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلٰلَةُ ۗ اِنَّهُمُ اتَّخَذُوا

گروهی را راه نمود و گروهی را راست و ثابت آمد بر ایشان گمراهی بدرستی که ایشان گرفتند

الشَّيٰطِينَ اَوْلِيَآءَ مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَيَحْسَبُونَ اَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ

دیوان را دوستان از غیر خدا و می پندارند که ایشان راه یافتگانند

يٰبَنِيٓ اٰدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا

ای پسران آدم بگیرید زینت خود را نزد هر نمازگاهی و بخورید و بیاشامید

وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ۝ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي

او را اسراف نکنید بدرستی که او دوست ندارد اسراف کنندگان را بگو کسی که حرام کرد زینت خدا را که

أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي

بیرون آورد برای بندگانش و پاکیزه‌ها از روزی بگو آن برای کسانی است که گرویدند در

الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ كَذٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ

زندگانی دنیا خالص و یکتا روز رستخیز همچنین (ما) پدید میکنیم نشانها را

لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّيَ الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا

برای گروهی که میدانند بگو جز این نیست که حرام کرد پروردگار من زشتکاریها را آنچه ظاهر باشد از آن و آنچه

بَطَنَ وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ

پنهان باشد و گناه و ناحق ستمگری بدون راستی و (نیز) این شرک آورید بخدا (را) مادامی که فرو نفرستاده باشد

سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ

حجتی و (نیز) اینکه بگویید بر خدا آنچه را نمیدانید و از برای هر گروهی

أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

زمانی پس چون بیاید مدت ایشان باز پس نمانند ساعتی از زمانی و نه پیشی گیرند

يَا بَنِي آدَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي

ای پسران آدم چون بیایند شما را فرستادگان از شما میخوانند بر شما

فَمَنِ اتَّقَىٰ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ وَالَّذِينَ

پس کسی که پرهیزکاری پیشه آورد و نیکوکار شد پس نیست ترسی بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند و آنانکه

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ

تکذیب کردند نشانهای ما و از سر گردنکشی کردند از آن (ها) گروهی اند که یاران دوزخند

هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

ایشانند در آن جاودانیان پس کیست ستمکارتر از کسی که ببندد بر خدا دروغ را

أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ حَتَّىٰ

یا تکذیب کند نشانهای او (اینانند) که میرسد ایشانرا بهره ایشان از (مقدرات) کتاب تا

سورت

این از ترجمه حضرت

ابی عبد الله علیه السلام روایت

کرده که آنحضرت جبه ارخته و طیلسانی ارخوز

پوشیده بود من عرض کردم که این جامه خراست

در باب پوشیدن ان چه می فرمائی فرمود قصوری

ندارد کشم تارش ابریشم است فرمود قصوری ندارد

و حضرت امام حسین علیه السلام آنوقتی که شهید شد

جبه خزی در بر داشت پس آنحضرت فرمود که چون

امیر المومنین علیه السلام عبد الله عباس را بحجاز

خوارج فرستاد عبد الله بهترین جامه ها ئی که داشت در

بر کرد و بهترین بویهائی خوشبی که داشت بکار برد

بهترین اسبهائی که داشت سوار شد و باین بهیات

در برابر خوارج آمد گفتند ابن عباس بگمان ما تو بهترین

مردم بودی از جهة زهد و صلاح الحال می بینیم

که لباس جباران پوشیده و بر اسبان ایشان سوار

شده و ابن عباس این آیه را خواند که قل من حرم

زینة الله تا آخر آیه پس آنحضرت فرمود که

لباس فاخر پوشش و ثیاب تجمل در برکن برای انکه

خدا تعالی جمیل است و جمال

زینت را دوست می دارد

ولیکن از حلال تحصیلی

کن

إِذَا جَاءَتْهُمْ رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ

هنگامی که آمد ایشان را فرستادگان ما بمیرانند ایشانرا گفتند کجائند آنجا بودید که میخواندند از

دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا

غیر خدا در گفتند گم شدند از ما و گواهی دهند بر خود باشان بدرستی که ایشان بودند

كَافِرِينَ ۝ قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ

کافران گفت داخل شوید در طایفه هائی که بحقیقت در گذشتند پیش از شما از جن

وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا

و انس در میان آتش هر گاه در آیند گروهی لعنت کند هر گروهی خواهر خود را تا بنگاهیکه

ادَّارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأُولَاهُمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ أَضَلُّونَا

در یابند یکدیگر را در آنجا همگی گویند پسینیان ایشان مر پیشینیان ایشانرا پروردگارا اینها گمراه کردند

فَآتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ ۝ قَالَ لِكُلٍّ ضِعْفٌ وَلَكِنْ لَا

پس بده ایشانرا عذابی دوچندان از آتش گفت مر هر یکرا دوچندان ولیکن

تَعْلَمُونَ ۝ وَقَالَتْ أُولَاهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ

نمیدانید و گویند پیشینیان ایشان مر پسینیان ایشان پس نبود مر شمارا بر ما هیچ افزونی

فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا

پس بچشید عذاب را بآنچه بودید که کسب می کردید بدرستی آنانکه تکذیب کردند

بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا

آیتهای ما را و سرکشی کردند از آن گشاده نمیشود از برای ایشان درهای آسمان و

يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ الْخِيَاطِ وَكَذَلِكَ

داخل نشوند بهشت را تا هنگامیکه در آید شتر در سوراخ سوزن و همچنین

نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ ۝ لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ

جزا میدهیم گناهکاران را مر ایشانرا است از دوزخ بستر و از بالاهای ایشان پوششها

وَكَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

و همچنین پاداش میدهیم ستمکاران را و کسانی که گرویدند و کردند کارهای شایسته

یعنی
هر که بهشت نمیرود
چه گذشتن جمل از سوراخ سوزن
که غایت عقوبت ایشان است
محال بالذات است

لا نکلف

سورة الاعراف

مکیة

لا نکلف نفسا الا وسعها اولئک اصحاب الجنة هم فیها

اندر نخواهیم بار از کسی ◎ مگر باندازه توانائی ◎ و آنها اند ◎ یاران بهشت ایشانند در آن

خالدون ۞ ونزعنا ما فی صدورهم من غل تجری من

جاودانیان ◎ و بیرون کشیم آنچه در ◎ سینه های ایشان است از کینه ◎ میرود از

تحتهم الانهار وقالوا الحمد لله الذی هدانا لهذا وما کنا

زیر مساکن ایشان ◎ نهرها ◎ و گفتند ◎ ستایش مر خدای را که ◎ راه نمود ما را باین ◎ و نبودیم ما

لنهتدی لولا ان هدانا الله لقد جاءت رسل ربنا

تا راه یابیم ◎ اگر نه آن بود که راه نمود ما را خدا ◎ هر آینه ◎ آمدند ◎ فرستادگان پروردگار ما

بالحق ونودوا ان تلکم الجنة اورثتموها بما کنتم

براستی ◎ و ندا کرده شوند که نیست ◎ شما را ◎ بهشت ◎ که میراث داده شدید آنچه ◎ بود

تعملون ۞ ونادی اصحاب الجنة اصحاب النار ان قد وجدنا

میکردید ◎ و آواز دادند یاران ◎ بهشت ◎ یاران ◎ دوزخ را که بحقیقت ما یافتیم

ما وعدنا ربنا حقا فهل وجدتم ما وعد ربکم حقا

آنچه ◎ وعده داد ما را پروردگار ما ◎ راستی پس آیا یافتید ◎ آنچه وعده کرد ◎ پروردگار شما ◎ براستی

قالوا نعم فاذن مؤذن بینهم ان لعنة الله علی الظالمین

گفتند ◎ بلی ◎ پس ◎ آگاه کند ◎ ندا کننده میان ایشان ◎ اینکه ◎ لعنت ◎ خدا ◎ بر ◎ ستمکاران است

الذین یصدون عن سبیل الله ویبغونها عوجا وهم بالاخرة

آنانکه ◎ باز میدارند ◎ از راه ◎ خدا ◎ و میجویند آنرا ◎ کجی ◎ و ایشان ◎ بروز بازپسین

کافرون ۞ وبینهما حجاب وعلی الاعراف رجال یعرفون

کافرانند ◎ و میان آن دو ◎ پرده ◎ است ◎ و ◎ بر تارکان ◎ مردانند که می شناسند

کلا بسیماهم ونادوا اصحاب الجنة ان سلام علیکم

همه را ◎ بروی ◎ ایشان ◎ و آواز دهند یاران ◎ بهشت ◎ که درود ◎ بر شما باد

لم یدخلوها وهم یطمعون ۞ واذا صرفت ابصارهم تلقاء

داخل نشده بودند بهشت را ◎ ایشان امید دارند ◎ و چون ◎ گاهی که بازداشته ◎ گردانیده شود دیدگانشان ◎ بجانب

سورة الاعراف

جمع عرف و آنمکان

مرتفع است بعلت این که بسبب بلندی همه کس

آنرا می بیند و می شناسند و مراد در اینجا مکان

مرتفعی است در میان بهشت و دوزخ که اهل محشر

همه آنرا می بینند و قسیم ما رو بجهت بر بالای آن

و پشتیبان و شیعیان خود را و دشمنان خود را که هر یک

بسیمای ایشان میشناسند جدا نموده و از یکدیگر ایشان

و این را بدوزخ می فرستد از حضرت ابی جعفر علیه السلام

مرویست که اصحاب اعراف آل محمد علیهم السلام هستند

نمیرد و مگر کسی که ایشان را بشناسد و ایشان او را

شناسند و بهشتم نمیرد و مگر کسی که ایشان را بشناسد

و ایشان او را بشناسند و از حضرت ابی عبد الله

صلوات الله علیه مرویست که اعراف تلهائی است میان

بهشت و دوزخ می ایستند بر آن طاهر بن مطهری و آن

وصی و خلیفه پیغمبری با گناهکاران امت خود و

حال آنکه نیکوکاران ایشان را بهشت برده و

آنان خلیفه با گناهکاران میگویند برادران نیکو

کار خود را بسلام میکنند چنانکه حق تعالی فرموده است

و نادوا اصحاب الجنان سلام علیکم و ضحاک که از

مفسرین عامه است از ابن عباس حکایت کرده است

که اعراف مکان بلندی است بر صراط که بر آن

برآمده اند حمزه و عباس و علی و جعفر می شناسند دوستان

خود را بنورانی که بسیمای ایشان درخشان است

أَصْحَابِ ٱلنَّارِ قَالُوا۟ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ

یاران دوزخ گفتند پروردگارا مگردان ما را با گروه ستمکاران

وَنَادَىٰٓ أَصْحَٰبُ ٱلْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُم بِسِيمَىٰهُمْ قَالُوا۟

وآواز دهند یاران اعراف مردانی که میشناسند ایشان بنشانهای رویشان گفتند

مَآ أَغْنَىٰ عَنكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ أَهَٰٓؤُلَآءِ

سود نداشت شما را گرد کرد شما را وآنچه بودید شما که گردنکشی کردند آیا اینها

ٱلَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ ٱللَّهُ بِرَحْمَةٍ ۖ ٱدْخُلُوا۟ ٱلْجَنَّةَ لَا خَوْفٌ

که سوگند میخوردید که نمیرساند ایشانرا خدا بخشایش در آیید بهشت را نیست ترسی

عَلَيْكُمْ وَلَآ أَنتُمْ تَحْزَنُونَ وَنَادَىٰٓ أَصْحَٰبُ ٱلنَّارِ أَصْحَٰبَ

بر شما ونه شما اندوهناک میشوید ونداکردند یاران آتش

ٱلْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا۟ عَلَيْنَا مِنَ ٱلْمَآءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ قَالُوٓا۟ إِنَّ

بهشت را که فروریزید بر ما از آب یا از آنچه روزی کرد شما را خدا گویند بدرستی که

ٱللَّهَ حَرَّمَهُمَا عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُوا۟ دِينَهُمْ

خدا ایشان حرام کرد آن دو را بر کافران کسانی که فراگرفتند دین خود شانرا

لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا ۚ فَٱلْيَوْمَ نَنسَىٰهُمْ كَمَا نَسُوا۟

بهو و بازیچه و بفریفت ایشانرا برخورداری دنیا پس امروز فراموش میکنیم ایشانرا همچنانکه فراموش کردند

لِقَآءَ يَوْمِهِمْ هَٰذَا وَمَا كَانُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا يَجْحَدُونَ وَلَقَدْ جِئْنَٰهُم

رسیدن روز شان این و آنچه بودند که بنشانهای ما انکار میکردند و هر آینه محقق بیاوردیم ایشانرا

بِكِتَٰبٍ فَصَّلْنَٰهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

بقرآن که بدیدیم ایشانرا بر دانش راه راست و بخشایش هر گروهی را که میگروند

هَلْ يَنظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُۥ ۚ يَوْمَ يَأْتِى تَأْوِيلُهُۥ يَقُولُ ٱلَّذِينَ نَسُوهُ

آیا نگرند چشم براه دارند مگر سرانجام او روزیکه بیاید سرانجام او گویند کسانی که فراموش کردند

مِن قَبْلُ قَدْ جَآءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِٱلْحَقِّ فَهَل لَّنَا مِن شُفَعَآءَ

او را از پیش که بحقیقت آمدند پیغمبران پروردگار ما بر استی پس آیا هست مر ما را هیچ خواستگاری

فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلَ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۚ قَدْ خَسِرُوا

پس ما را خواهند که برای ما شفاعت کنند یا ما باز گردانیده شویم تا غیر آنچه را بوده ایم ما که میکردیم بجهت زیان کردند

أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُم مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ

نفسهای خود شان را و گم شد از ایشان آنچه بودند که بدروغ می بافتند پروردگار شما خدا است

الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ

آنکه آفرید آسمانها را و زمین را در شش روز پس قصد کرد

عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَ

بر آفریدن عرش همی پوشانید بروز شب روز را که میجوید او را شتاب کنان و آفتاب را و

الْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ ۗ تَبَارَكَ

ماه را و ستارگان فرمان برو تسخیر شده اند بفرمان او آگاه باشید مر او راست آفریدن و فرمان بزرگست بابرکت

اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝ ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً ۚ إِنَّهُ

خدا که پروردگار عالمیان است بخوانید پروردگار خود را از روی زاری او پنهانی بدرستی که او

لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ ۝ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا

دوست نمیدارد از حد در گذرندگان را و فساد و تباهی نکنید در زمین پس از خوب کردن آن

وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا ۚ إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ

و بخوانید او را از روی بیم و امید بدرستی که بخشایش خدا نزدیکست از نیکوکاران

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا

و او است آنکه فرستد بادها را مژده دهنده میان دو دست بخشایش او تا چون

أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ

بردارد ابری گران برانیم او را از برای زمین مرده پس فرو فرستادیم باو آبی

فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ ۚ كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ

پس بیرون آوردیم بآن از همه میوه ها همچنین بیرون آریم مردگان را تا باشد شما

تَذَكَّرُونَ ۝ وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ ۖ وَ

پند گیرید و زمین پاک بیرون می آورد گیاه خود را بفرمان پروردگار خود و

الذی خبث لا یخرج الا نکدا کذلک نصرف الایات
و زمین بد بیرون می آورد گیاه بکمر اندک و دور از هم و همچنین بیگردانیم آیتها را
لقوم یشکرون ۝ لقد ارسلنا نوحا الی قومه فقال یا
برای گروهی که سپاس میگذارند هر آینه فرستادیم نوح را بسوی گروهی که بود او را پس گفت ای
قوم اعبدوا الله ما لکم من الٰه غیره انی اخاف علیکم
گروه من بپرستید خدا را نیست مر شما را هیچ معبودی غیر خدا که من میترسم بر شما
عذاب یوم عظیم ۝ قال الملاء من قومه انا لنریک فی
عذاب روز بزرگ گفتند مهتران از گروه او بدرستی ما هر آینه می بینیم تو را در
ضلال مبین ۝ قال یا قوم لیس بی ضلالة ولکنی رسول
گمراهی آشکار گفت ای گروه من نیست با من گمراهی ولیکن من فرستاده ام
من رب العالمین ۝ ابلغکم رسالات ربی وانصح
از پروردگار جهانیان میرسانم شما را پیغامهای پروردگارم را و پند دهنده
لکم واعلم من الله ما لا تعلمون ۝ او عجبتم ان جاءکم
شما هستم و میدانم از خدا آنچه نمیدانید آیا شگفت دارید که آمد بر شما
ذکر من ربکم علی رجل منکم لینذرکم ولتتقوا ولعلکم
پندی از پروردگار شما بر مردی از شما تا بیم دهد شما را و باید که پرهیزید باشد که شما
ترحمون ۝ فکذبوه فانجیناه والذین معه فی الفلک و
بخشیده شوید پس دروغ بستند او را پس رهانیدیم او را و آنان که با او بودند در کشتی و
اغرقنا الذین کذبوا بایاتنا انهم کانوا قوما عمین ۝
غرق کردیم ما آنان را که دروغ بستند بنشانهای ما بدرستی ایشان بودند گروهی کور
والی عاد اخاهم هودا قال یا قوم اعبدوا الله ما لکم
و بسوی گروه عاد برادر ایشان هود را فرستادیم گفت ای گروه من پرستید خدا را نیست مر شما را
من الٰه غیره افلا تتقون ۝ قال الملاء الذین کفروا من

هیچ خدائی بجز او آیا پس نمی پرهیزید گفت اگروه که کفر ورزیدند از

از ابن
مشغول است که در
کتاب النبوة از حضرت صادق
روایت کرده که چون خدای عزوجل نوح را
برسالت فرستاد اولاد هبة الله بن آدم
همه تصدیق او کردند و دانستند که آنچه او آورده
از جانب الهی حق است و اولاد قابیل تکذیب او
نمودند و گفتند که پیش از ما در زمین چنین بودند
و خدای عزوجل فرشته برسالت میفرستاد پس اگر
خدا میخواست که ما پیغمبری بفرستد هر آینه فرشته
میفرستاد و از آنحضرت مرویست که آنها که با او
گرویدند هشتاد نفر بودند و علی ابن ابراهیم در تفسیر
خود از آنحضرت صلوات الله علیه روایت کرده
که نوح علیه السلام دو هزار و پانصد سال عمر کرد
از آنجمله هشتصد و پنجاه سال پیش از بعثت و رسالت
زندگانی کرده و نهصد و پنجاه سال دعوت قوم
خود نمود و دویست سال بشغل ساختن کشتی پرداخت
و پانصد سال بعد از آنکه کشتی فرو ریخت و آنها
بر زمین فرود رفت پس شهرها بنا کرد و فرزندان
خود را در آن شهرها جا داد پس ملک الموت بحضرت
قبض روح او آمد و آنحضرت در آفتاب بود
گفت بچه کار آمده گفت آمده ام که جان ترا
بردارم گفت آیا مرا مهلت میدهی که از زیر آفتاب
بسایه روم گفت چرا نمیدهم و نوح علیه السلام
چون بسایه رسید با او گفت که گویا آن زندگانی
که من در دنیا کردم همین قدر وقت بوده که از زیر
آفتاب باین سایه آمدم بکن هر چه بآن مامور شدی
پس قبض روح پاک او نمود
صلی الله علی سیدنا محمد

قَوْمِهٖٓ اِنَّا لَنَرٰىكَ فِيْ سَفَاهَةٍ وَّاِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ

گروه او بدرستیکه ما ترا آینه می بینیم تورا در بی خردی و بدرستی که ما گمان بریم تورا از گروه دروغگویان

قَالَ يٰقَوْمِ لَيْسَ بِيْ سَفَاهَةٌ وَّلٰكِنِّيْ رَسُوْلٌ مِّنْ رَّبِّ الْعٰلَمِيْنَ

گفت ای گروه من نیست با من بیخردی ولیکن من فرستاده ام از پروردگار جهانیان

اُبَلِّغُكُمْ رِسٰلٰتِ رَبِّيْ وَاَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ اَمِيْنٌ ۝ اَوَعَجِبْتُمْ

برسانم شما را پیغامهای پروردگار من و من مر شما را پندگوی خیرخواه استوارم آیا شگفت

اَنْ جَآءَكُمْ ذِكْرٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ عَلٰى رَجُلٍ مِّنْكُمْ لِيُنْذِرَكُمْ ۗ وَ

که آمد شما را یاد کردی از پروردگارتان بر مردی از شما تا بترساند شما را و

اذْكُرُوْٓا اِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَآءَ مِنْۢ بَعْدِ قَوْمِ نُوْحٍ وَّزَادَكُمْ فِي

یاد کنید هنگامی که گردانید شما را جانشینان از پس گروه نوح و افزود شما را در

الْخَلْقِ بَصْۜطَةً ۚ فَاذْكُرُوْٓا اٰلَآءَ اللّٰهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ۝ قَالُوْٓا

آفرینش فراخ پس یاد کنید نعمتهای خدا را باشد که شما رستگار شوید گفتند

اَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللّٰهَ وَحْدَهٗ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ اٰبَآؤُنَا ۚ فَاْتِنَا

آمدی ما را تا بپرستیم خدا را یگانگی او و بازگذاریم آنچه بودند که پرستیدند پدران ما پس بیار ما را

بِمَا تَعِدُنَآ اِنْ كُنْتَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ۝ قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ

بآنچه وعده میدهی ما را اگر راستگویان از راست گفت بتحقیق واقع شد و واجب شد بر شما

مِّنْ رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَّغَضَبٌ ۗ اَتُجَادِلُوْنَنِيْ فِيْٓ اَسْمَآءٍ سَمَّيْتُمُوْهَآ

از پروردگارتان عذابی و خشمی آیا مجادله میکنید با من در نامهائی که نام برده اید آنرا

اَنْتُمْ وَاٰبَآؤُكُمْ مَّا نَزَّلَ اللّٰهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ ۚ فَانْتَظِرُوْٓا اِنِّيْ مَعَكُمْ

شما و پدران شما فرو نفرستاد خدایگان از هیچ حجتی پس بمانید که من با شما

مِنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ ۝ فَاَنْجَيْنٰهُ وَالَّذِيْنَ مَعَهٗ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَ

از انتظار بمانندگانم پس رهانیدیم او را و آنانرا که با او بودند بخشایشی از ما و

قَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا وَمَا كَانُوْا مُؤْمِنِيْنَ

بریدیم مار و نباله آنانرا که دروغ پنداشتند بنشانهای ما و نبودند گروندگان

حضرت ابی جعفر علیه السلام
مرویست که قوم عاد بسیار طویل القامه و بزرگ جثه بودند که گویا درختان خرمای بسیار بلند بودند و در قوت بمرتبه بودند که کوه را بدست میگرفتند و از آن سنگهای عظیم بقوت باز و می کندند
سبحان الله

وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ

و بسوی ثمود برادر ایشان صالح را گفت ای گروه پرستید خدا را مر شما را

مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ هَٰذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ

هیچ خدائی جز او بتحقیق آمد شما را نشانها از پروردگار شما این است شتر خدا که مر شما را است

آيَةً فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ

نشانه پس بگذارید آنرا که بخورد در زمین خدا و مسانید او را ببدی پس گیرد شما را

عَذَابٌ أَلِيمٌ وَاذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ

عذاب دردناک و یاد کنید هنگامی که گردانید شما را جانشینان از پس

عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَ

عاد و جای داد شما را در زمین که فراگیرید از پشته ها کوشکها و

تَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آلَاءَ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ

بتراشید از کوهها خانه ها پس یاد کنید نعمتهای خدا را و به تباهکاری مشتابید در زمین

مُفْسِدِينَ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ

تباهکاران گفتند گروه مهتران آنانکه سرکشی کردند از گروه او مر آنانرا

اسْتُضْعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَالِحًا مُرْسَلٌ

که ناتوان شمرده شدند مر کسی را که گروید از ایشان آیا میدانید که صالح

مِنْ رَبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِ مُؤْمِنُونَ قَالَ الَّذِينَ

از پروردگار خود گفتند بدرستی که ما بآنچه فرستاده شده بآن گرویدگانیم آنانکه

اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ فَعَقَرُوا النَّاقَةَ

برتری و بزرگی جستند بدرستی که ما بآنچه گرویدید شما بآن ناگروندگانیم پس پی کردند شتر را

وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يَا صَالِحُ ائْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ

و سرباز زدند از امر پروردگارشان و گفتند ای صالح بیار ما را آنچه وعده دهی ما را اگر

كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي

هستی از فرستادگان پس گرفت ایشان را آواز هیبت و اضطراب پس شدند در

عادیه ماد هلا
شدند چنانچه ایشان را بر زمین میزدند
و هلاکت میرسانید از حضرت ابی جعفر صلوات
علیه مرویست که خدا تعالی را خزانه ها دی است
مثل که اگر درش گشوده شود میانه آسمان
و زمین را ارهم می پاشد و بقوم عاد نفرستاد مگر
بقدر حلقه انگشتری
از آن
ثعلبی
در تفسیر خود بروایت
کرده که رسول خدا صلی الله علیه
و آله با علی علیه السلام فرمود که میدانی کیست
بدبخت ترین اولین گفت خدا و رسول او بهتر
میدانند گفت آنکه ماده صالح را کرد فرمود که راست
گفت بدبخت ترین آخرین گفت خدا و رسول
او بهتر میدانند فرمود کشنده تو و در خبر دیگر
وارد شده که فرمود که این را آنکه رنگین کند از این
و اشاره بریش و سر مبارک آنحضرت فرمود
صدق رسول الله
عذاب
در شبانروز بر ایشان نازل
شد و از اول که از خواب برخواستند
رویهای ایشان زرد شده بود در روز دوم چون
از خواب برخواستند رویهای ایشان سیاه
شده بود و چون از روز بشب رسید در همه شب
جبرئیل نفرموده آلهی نفرستاد که از ترس لرزه
افتاد همه هلاک شدند و همه زهره هاشان شکافته

دارهم جاثمین ۝ فتولی عنهم وقال یاقوم لقد ابلغتکم
رسالة ربی ونصحت لکم ولکن لا تحبون الناصحین ۝
ولوطا اذ قال لقومه اتاتون الفاحشة ما سبقکم بها
من احد من العالمین ۝ انکم لتاتون الرجال شهوة
من دون النساء بل انتم قوم مسرفون ۝ وما کان جواب
قومه الا ان قالوا اخرجوهم من قریتکم انهم اناس یتطهرون
فانجیناه واهله الا امراته کانت من الغابرین ۝ وامطرنا
علیهم مطرا فانظر کیف کان عاقبة المجرمین ۝ والی
مدین اخاهم شعیبا قال یاقوم اعبدوا الله ما لکم من
اله غیره قد جاءتکم بینة من ربکم فاوفوا الکیل و
المیزان ولا تبخسوا الناس اشیاءهم ولا تفسدوا فی الارض
بعد اصلاحها ذلکم خیر لکم ان کنتم مؤمنین ۝

هلاک کرد
حاصل علت اسلام مال خود را
بگذارد آنرا که نه صدرت خدا تعالی الصدقه
از زمین عموم کند و بالا برد برسد که در شکار ایشان
صدمه یکدیگر نرسانند
و از خدا بترسید که بسوی او محشور خواهید شد
فضلنا عالما بما فیها و این بعد از آن بود که خدا تعالی
بنجاتی که از محل بود و بارون بود و زن او را

وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَنْ
و منشینید بهر راهی تا بیم دهید و باز دارید از
سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِهِ وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا وَاذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ
راه خدا هر که بگرود و باو و بجوئید آنرا کژی و باو کنید چون بودید
قَلِيلًا فَكَثَّرَكُمْ وَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ
اندکی پس بسیار کرد شما را و بنگرید چگونه بود سرانجام تباه کاران
وَإِنْ كَانَ طَائِفَةٌ مِنْكُمْ آمَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ وَ
و اگر باشد گروهی از شما که بگروند بچیزی که فرستاده شدم بآن و
طَائِفَةٌ لَمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ
گروهی که نگروند پس شکیبائی نمائید تا حکم کند خدا میان ما و او بهترین
الْحَاكِمِينَ ۝ قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ
داوران گفتند گروه بزرگان آنانکه بسر کشی کردند از گروه خود هر آینه بیرون کنیم ترا
يَا شُعَيْبُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي
ای شعیب و کسانی که گرویدند با تو از دیه ما یا باز آئید در
مِلَّتِنَا قَالَ أَوَلَوْ كُنَّا كَارِهِينَ ۝ قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا
کیش ما گفت اگرچه باشیم دشوار ناخوش دارندگان دروغ بر خدا
إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا
اگر باز گردیم در کیش شما پس از آنکه برهانید ما را خدا از آن و نباشد مر ما را
أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ
که باز آئیم در آن مگر آنکه خواهد خدای ما احاطه کرد پروردگار ما هر چیز
شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا
را بدانائیست بر خدا توکل کردیم پروردگارا بگشای میان ما و میان گروه ما
بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ ۝ وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا

الجزء ۹

نسبت آنحضرت عود
کیش ایشان بخود و اصحابش ارباب
تغلیب است و اگرنه آنحضرت بر کیش قومش
نبوده و محتمل که ارباب مجاز مشاکله باشد
چون قومش نسبت این بازگشت بآنحضرت نمودند
بودند بنا بر عقیده خودشان که آنحضرت اولا
کافر بودند و بعضی گفته اند که ضمیر فهارا جعت
بقریه یا الله یعلم

مِن قَومِهِ لَئِنِ اتَّبَعتُم شُعَيبًا إِنَّكُم إِذًا لَّخَاسِرُونَ ﴿ فَأَخَذَتهُمُ

از گروه خود اگر متابعت کنید شعیب را بدرستی که شما در این هنگام زیانکارانید پس گرفت ایشانرا

الرَّجفَةُ فَأَصبَحُوا فِي دَارِهِم جَاثِمِينَ ﴿ الَّذِينَ كَذَّبُوا

زلزله پس گشتند در خانه های خود بزمین افتاده کسان که آنانکه تکذیب کردند

شُعَيبًا كَأَن لَّم يَغنَوا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيبًا كَانُوا هُمُ

شعیب را گویا هرگز نبودند در آن شهر آنانکه تکذیب کردند شعیب را بودند ایشان

الخَاسِرِينَ ﴿ فَتَوَلَّى عَنهُم وَقَالَ يَا قَومِ لَقَد أَبلَغتُكُم رِسَالَاتِ

زیانکاران پس بگردید از ایشان و گفت ای قوم هر آینه تحقیق رسانیدم شما پیغامهای

رَبِّي وَنَصَحتُ لَكُم فَكَيفَ آسَى عَلَى قَومٍ كَافِرِينَ ﴿ وَمَا

پروردگار خود را و پند دادم شما را پس چگونه اندوه خورم بر هلاک کرده کافران و نه

أَرسَلنَا فِي قَريَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذنَا أَهلَهَا بِالبَأسَاءِ وَ

فرستادیم در هیچ دهی از هیچ پیغمبری مگر آنکه گرفتیم ما اهل آن شهر را بسختی و

الضَّرَّاءِ لَعَلَّهُم يَضَّرَّعُونَ ﴿ ثُمَّ بَدَّلنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الحَسَنَةَ

بیماری شاید ایشان آزاری کنند پس بدل کردیم ما بجای بلا و عرض توانگری

حَتَّى عَفَوا وَّقَالُوا قَد مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذنَاهُم

تا وقتیکه بسیار شد و زیاد گفتند هم چنین رسید پدران ما را زیان و فراخی پس گرفتیم ایشانرا

بَغتَةً وَهُم لَا يَشعُرُونَ ﴿ وَلَو أَنَّ أَهلَ القُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوا

ناگهان و ایشان نمیدانستند و اگر آنکه اهل این شهرها ایمان میاوردند و پرهیز

لَفَتَحنَا عَلَيهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرضِ وَلَكِن كَذَّبُوا

میکردند هر آینه میگشادیم بر ایشان برکتها از آسمان و زمین ولیکن تکذیب کردند

فَأَخَذنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكسِبُونَ ﴿ أَفَأَمِنَ أَهلُ القُرَى أَن

پس گرفتیم ایشانرا بآنچه بودند که کسب میکردند آیا پس ایمن شدند اهل شهرها که

يَأتِيَهُم بَأسُنَا بَيَاتًا وَهُم نَائِمُونَ ﴿ أَوَأَمِنَ أَهلُ القُرَى أَن

بیاید ایشانرا عذاب ما وقت چاشت و ایشان خوابیده گان باشند آیا ایمن شدند اهل شهرها که

مشهور میان مفسرین آنست که قوم شعیب از زلزله هلاک شدند چنانچه ظاهر آیه کریمه اینست و از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که بصیحه همه هلاک شدند و دور نیست که مراد از صیحه در این حدیث صیحه ناشد که در زمین از زلزله شدید حادث می شود و بعضی از مفسرین گفته اند که قوم شعیب بعضی بزلزله هلاک شدند و بعضی بظله گویند که دری از دوزخ بر ایشان گشوده گشته شعبه از حرارت آتش ناایشان رسید نزدیک بود که بمیرند از آن آتش ناآب طلبیدند ابری پیدا شد متوجه آن شدند از آن آتش ناریزه در آمد بمنزله سایبانی چنانکه گفته اند

زریخ و رحمت کیتی مرنجان دل مشو خرم
که آئین جهان گاهی چنین گاهی چنان باشد

غرض ایشان از این سخن یعنی قحط پس آباء ما را الضراء و السراء از آن بود که این بلاها که بما میرسد از کفران و بطلان کیش ما نیست بلکه عادت زمانه و روزگار است که گاهی سختی و بلا رساند و گاهی فراخی و خوشی پیدا کند و گاهی نعمت و آسانی و فراخ

يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ ۝ أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يَأْمَنُ

بیاید ایشانرا عذاب ما چاشت و ایشان بازی میکردند آیا پس ایمن شدند آیا مکر خدا را پس ایمن نشوند

مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْخَاسِرُونَ ۝ أَوَلَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ

از جمله و مکر خدا جز گروه زیان کاران آیا راه نمود مر کسانی را که

يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ أَهْلِهَا أَنْ لَوْ نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ

میراث می برند زمین را از پس اهل آن اینکه اگر میخواهیم میرسانیدیم و میکوفتیم ایشانرا بگناهانشان

وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ۝ تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ

و مهری نهادیم بر دلهاشان پس ایشان نمیشنوند این قریه هاست که میخوانیم بر تو

مِنْ أَنْبَائِهَا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا

از خبرهای آن و هر آینه بیامد بتحقیق آمدایشانرا پیغمبرانشان بنشانهای روشن پس نبودند

لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِنْ قَبْلُ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ

تا بگروند بآنچه تکذیب کردند از پیش همچنین مهر میزند خدا بر دلهای ناگرویدگان

وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِنْ عَهْدٍ وَإِنْ وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ

و نیافتیم ما مر بیشتر ایشانرا از پیمانی و اگر چه یافتیم ما بیشتر ایشانرا

لَفَاسِقِينَ ۝ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ

هر آینه بدکاران پس برانگیختیم از پس ایشان موسی را بنشانهای خود بسوی فرعون

وَمَلَئِهِ فَظَلَمُوا بِهَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ ۝ وَ

و مهتران او پس ستم کردند بآنها پس بنگر چگونه باشد سرانجام کار تباه کاران و

قَالَ مُوسَىٰ يَا فِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ حَقِيقٌ

گفت موسی ای فرعون بدرستیکه من فرستاده ام از نزد پروردگار جهانیان سزاوار است

عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ بَيِّنَةٍ مِنْ

بر اینکه نگویم بر خدا جز راستی بتحقیق آمده ام شما را بنشانهای روشن از

رَبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ۝ قَالَ إِنْ كُنْتَ جِئْتَ بِآيَةٍ

پروردگار شما پس بفرست با من پسران یعقوب را گفت اگر راستی تو که آمده ای بنشانه

تحقیق
خبر مبتدای
محذوف است بتقدیر انک حق
وان جمله مستانفه است یا استیناف بیانی
گویا فرعون گفته چرا این سخن میگوئی جواب گفته
که برای انکه بر من واجبست که جز سخن حق نگویم
مخفی نماند که این ترکیب مشتمل است بر غلب

فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا
پس انداخت عصای خود را پس بماند م
فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ ۝ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ
آن ماری شد آشکار ۝ و برون کرد دست خود را پس ناگاه آن سفید و نورانی گشت مر نگرندگان را
قَالَ الْمَلَأُ مِن قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ۝ يُرِيدُ أَن
گفت مهتران از اگروه فرعون بدرستی که این هر آینه جادوئی است آشکار ۝ دانا میخواهد که
يُخْرِجَكُم مِّنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ۝ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ
بیرون کند شما را از زمین شما پس چه چیز فرمان میدهید ۝ گفتند باز دار او را و برادر او را
وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ ۝ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ
و بفرست در شهرها ۝ گردآورندگان ۝ تا بیارند نزد تو را ۝ بهر جادوگر دانشمندی
وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ
و آمدند ساحران بسوی فرعون گفتند بدرستی آیا ما را مزدی هست اگر باشیم ما
الْغَالِبِينَ ۝ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ ۝ قَالُوا يَا مُوسَىٰ
غلبه کنندگان ۝ گفت فرعون آری و شما باشید هر آینه از مقربان ۝ گفتند ساحران ای موسی
إِمَّا أَن تُلْقِيَ وَإِمَّا أَن نَّكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ ۝ قَالَ أَلْقُوا فَلَمَّا
یا آنست که بیفکنی عصا را و یا باشیم ما نخست افکنندگان ۝ گفت موسی شما بیفکنید پس چون
أَلْقَوْا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ وَجَاءُوا بِسِحْرٍ عَظِيمٍ
افکندند جادوئی کردند بر چشمهای مردمان و بترسانیدند مردم را و آوردند جادوئی بزرگ
وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلْقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا
و وحی کردیم ما بسوی موسی که بیفکن عصای خود را پس آنجا ژاژ باشد و فرو برد آنچه
يَأْفِكُونَ ۝ فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ فَغُلِبُوا هُنَالِكَ
دروغ میکردند ۝ پس ثابت شد حق و باطل شد آنچه بودند که عمل میکردند ۝ پس مغلوب شدند آنجا
وَانقَلَبُوا صَاغِرِينَ ۝ وَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ۝ قَالُوا
و بازگشتند خوار شدگان ۝ و افکنده شدند جادوان سجده کنندگان ۝ گفتند

اٰمَنَّا بِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ۝ رَبِّ مُوْسٰى وَهٰرُوْنَ ۝ قَالَ فِرْعَوْنُ

گرویدیم بپروردگار جهانیان ۝ پروردگار موسی و هارون ۝ گفت فرعون

اٰمَنْتُمْ بِهٖ قَبْلَ اَنْ اٰذَنَ لَكُمْ اِنَّ هٰذَا لَمَكْرٌ مَّكَرْتُمُوْهُ فِي

گرویدید بموسی پیش از آنکه رخصت دهم مر شما را بدرستی که این هر آینه مکریست که مکر کردید شما اورا در

الْمَدِيْنَةِ لِتُخْرِجُوْا مِنْهَا اَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُوْنَ ۝ لَاُقَطِّعَنَّ

مدینه تا بیرون کنید از آن شهر اهل آنرا پس زود باشد که بدانید ۝ هر آینه ببرم دستهای شما

اَيْدِيَكُمْ وَاَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَاُصَلِّبَنَّكُمْ اَجْمَعِيْنَ

پایهای شما را و پایهای شما را بخلاف یکدیگر پس ببارم بزم شما را همه

قَالُوْٓا اِنَّآ اِلٰى رَبِّنَا مُنْقَلِبُوْنَ ۝ وَمَا تَنْقِمُ مِنَّآ اِلَّآ اَنْ اٰمَنَّا

گفتند ما بسوی پروردگار خود بازگردندگانیم ۝ و تو عیب نمیکنی ما را از ما ۝ مگر اینکه آوردیم

بِاٰيٰتِ رَبِّنَا لَمَّا جَآءَتْنَا رَبَّنَآ اَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَّتَوَفَّنَا مُسْلِمِيْنَ

بنشانهای پروردگار خود چون آمد ما را پروردگارا بریز بر ما شکیبائی و بمیران ما را مسلمانان

وَقَالَ الْمَلَاُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ اَتَذَرُ مُوْسٰى وَقَوْمَهٗ لِيُفْسِدُوْا

و گفتند اشراف از گروه فرعون آیا میگذاری موسی و گروه او را تباه کنند

فِي الْاَرْضِ وَيَذَرَكَ وَاٰلِهَتَكَ ۝ قَالَ سَنُقَتِّلُ اَبْنَآءَهُمْ وَنَسْتَحْيٖ

در زمین ۝ و میگذارد تو را و خدایان تو را گفت زود باشد که بکشیم پسران ایشان را و زنده گذاریم

نِسَآءَهُمْ ۚ وَاِنَّا فَوْقَهُمْ قٰهِرُوْنَ ۝ قَالَ مُوْسٰى لِقَوْمِهِ اسْتَعِيْنُوْا

زنان ایشان را و بدرستی که ما بر بالای ایشان غلبه کنندگانیم ۝ گفت موسی مر قوم خود را یاری خواهید

بِاللّٰهِ وَاصْبِرُوْا ۚ اِنَّ الْاَرْضَ لِلّٰهِ يُوْرِثُهَا مَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ ۚ

از خدا و صبر کنید بدرستی که زمین مر خدا راست میراث زمین را بهر که خواهد ۝ از بندگان خود

وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِيْنَ ۝ قَالُوْٓا اُوْذِيْنَا مِنْ قَبْلِ اَنْ تَاْتِيَنَا

و پسر انجام نیکو مر پرهیزگاران راست ۝ گفتند که رنجانیده شدیم پیش از آنکه بیائی بما

وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا ۚ قَالَ عَسٰى رَبُّكُمْ اَنْ يُّهْلِكَ عَدُوَّكُمْ

و از پس آنکه تو آمدی ۝ گفت موسی شاید پروردگار شما ۝ هلاک کند دشمن شما را

وقف
که باران وسیلی آمد
وخانهای قطبیان را تمام خراب
کرد و ایشان بصحرا در خیمه ها بسر میبرند و یکقطره
آب بخانهای بنی اسرائیل نرفت و قطبیان را
تمام خراب کرد و ایشان بصحرا در خیمه بسر میبردند
و یکقطره آب بخانهای بنی اسرائیل نرفت و قطبیان را
گفتند ما بحضرت که دعا کن تا باران را از ما بازدارد
ایمان میاوریم و چون بدعای آنحضرت باران

وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ﴿١٢٩﴾ وَلَقَدْ

و جانشین ایشان کند شما را در زمین مصر پس بنگرد چگونه عمل میکنید و بیچش کرد

أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصٍ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ

گرفتیم ما آل فرعون را بقحط و تنگی و نقصان از میوه‌ها شاید ایشان

يَذَّكَّرُونَ ﴿١٣٠﴾ فَإِذَا جَاءَتْهُمُ الْحَسَنَةُ قَالُوا لَنَا هَٰذِهِ وَإِن

پند گیرند پس چون آمد ایشان را فراخی گفتند مارا بایست این فراخی و چون

تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَن مَّعَهُ ۗ أَلَا إِنَّمَا طَائِرُهُمْ

رسید ایشان را بدی و قحط فال بد میگرفتند بموسی و آنکه با او بودند بگو بدانید که جز این نیست که خیر و شر

عِندَ اللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٣١﴾ وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا

ایشان نزد خداست ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند و گفتند فرعونیان هر گاه بیاری ما

بِهِ مِنْ آيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٣٢﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ

آن معجزه تا ما گه سحر داری ما را بآن پس نیستیم ما مر تو را گروندگان پس فرستادیم بر ایشان

الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ

طوفان آب و ملخ و کنه بزرگ و موزغ و خون علامتهای

مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ ﴿١٣٣﴾ وَلَمَّا وَقَعَ

تفصیل داده شده پس گردنکشی کردند و بودند قومی گناهکاران و هر گاه واقع شد

عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَا مُوسَى ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِندَكَ

بر ایشان عذاب گفتند ای موسی بخوان برای ما پروردگار خود را بآنچه عهد کرده نزد تو

لَئِن كَشَفْتَ عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي

قسم بخدا اگر دور کنی از ما کنی این عذاب را بر آینه ایمان آریم مر تو را و هر آینه بفرستیم با تو پسران

إِسْرَائِيلَ ﴿١٣٤﴾ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُم بَالِغُوهُ إِذَا هُمْ

یعقوب را پس چون زایل شد از ایشان عذاب تا مدتی که معین است این رسیدگانند بآن ایشان

يَنكُثُونَ ﴿١٣٥﴾ فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

بشکنند عهد را پس انتقام کشیدیم از ایشان پس غرق کردیم ایشانرا در دریا بآنکه ایشان تکذیب کردند بنشانهای ما

وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ۝ وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ

و بودند از آنها (غافلان) و میراث دادیم گروهی را که بودند ضعیف شدگان

مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا ۖ وَتَمَّتْ كَلِمَتُ

در مشرق (زمین) و غربی آن که برکت دادیم در آن زمین و تمام شد وعده

رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ ۝ بِمَا صَبَرُوا ۖ وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ

پروردگار تو نیکو بود بر پسران یعقوب بآنچه صبر کردند و خراب کردیم ما آنچه بود

يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ ۝ وَجَاوَزْنَا بِبَنِي

میساخته بود فرعون و قوم او و آنچه بودند که برافراشته بودند و گذاردیم پسران

إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَىٰ قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ ۚ

یعقوب را از دریا پس بگذشتند بر آن گروه که اقامت میکردند بر بندگی بتان مر ایشانرا

قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَل لَّنَا إِلَٰهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ ۚ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ

گفتند ای موسی بکن مر ما را خدائی همچنانکه مر ایشانرا خدایان است گفت موسی که شما قومی

تَجْهَلُونَ ۝ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ مُتَبَّرٌ مَّا هُمْ فِيهِ وَبَاطِلٌ مَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

نادانید بدرستی که ایشان هلاک شدند بآنچه ایشان در آنند (و باطلست) آنچه بودند که میکردند

قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَٰهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ۝

گفت موسی آیا غیر خدا را طلب کنم بجهت شما و او فضیلت داد شما را بر جهانیان

وَإِذْ أَنجَيْنَاكُم مِّنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ يُقَتِّلُونَ

و چون نجات دادیم شما را از آل فرعون میچشانیدند شما را بدی عذاب می کشتند

أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ ۚ وَفِي ذَٰلِكُم بَلَاءٌ مِّن رَّبِّكُمْ

پسران شما را و مینگاه داشتند زنان شما را و در این بلائی بود از پروردگار شما

عَظِيمٌ ۝ وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتْمَمْنَاهَا بِعَشْرٍ فَتَمَّ

بزرگ و چون وعده دادیم ما موسی را سی شب و تمام کردیم آنرا بده شبانه روز

مِيقَاتُ رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ۚ وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ

پس تمام کرده شد وقت پروردگار او چهل شبانه روز و گفت موسی مر برادر خود هارون را

حزب

یعنی مستعدی ضمیر خطاب که مفعول ثانی است شده بواسطه حرف جر مقدر و آلهة مفعول اول است و گویا گفته اجعل لکم آلهة چون گرفته و اختار موسی من قومه سبعین رجلا

در کشاف گفته که یسومونکم سوء العذاب یعذبونکم شدة العذاب من سام السلعة اذا طلبها و بنا بر این یسومونکم هم مانند یعذبونکم تقدیر لام است و گویا گفته یسومونکم سوء العذاب

اخلفنی فی قومی واصلح ولا تتبع سبیل المفسدین

که جانشین باش مرا در قومی که مراست و بصلاح آر کار مرا و پیروی مکن راه بدکاران را

ولما جاء موسی لمیقاتنا وکلمه ربه قال رب ارنی

و وقتیکه آمد موسی بوقتیکه قرار داده بودیم و سخن گفت با موسی پروردگار او گفت پروردگارا بنمای مرا

انظر الیک قال لن ترانی ولکن انظر الی الجبل فان

تا نظر کنم تورا گفت هرگز نبینی مرا ولیکن نظر کن بسوی کوه پس اگر

استقر مکانه فسوف ترانی فلما تجلی ربه للجبل جعله

کوه قرار گیرد بجای خود پس بزودی به بینی مرا پس چون تجلی کرد پروردگار او مر کوه را

دکا وخر موسی صعقا فلما افاق قال سبحانک تبت الیک

ریزه ریزه و افتاد موسی بیهوش پس چون بهوش آمد گفت پاکی تو بازگشتم بسوی تو

وانا اول المؤمنین قال یا موسی انی اصطفیتک علی

و من نخستین گروندگانم گفت ای موسی بدرستی که برگزیدم تورا بر

الناس برسالاتی وبکلامی فخذ ما اتیتک وکن

مردم به پیغامهای من و بسخن گفتن من پس بگیر آنچه دادم تورا و باش

من الشاکرین وکتبنا له فی الالواح من کل شیء

از شکرگذاران و نوشتیم ما برای موسی در لوحها از همه چیزی

موعظة وتفصیلا لکل شیء فخذها بقوة وامر قومک

و نصیحت و زیادتی هر چیزی پس بگیر آنرا بجد و امر کن قوم خود را

یاخذوا باحسنها سأریکم دار الفاسقین سأصرف

که فرا گیرند بنیکوترین آن بزودی بنمایم شما را خانه فاسقان زود باشد که بازدارم

عن آیاتی الذین یتکبرون فی الارض بغیر الحق وان

از آیات خود آنانرا که تکبر میکنند در زمین بناحق و اگر

یروا کل آیة لا یؤمنوا بها وان یروا سبیل الرشد لا یتخذوه

ببینند هر آیتی که نمی گروند بآن و اگر ببینند راه راست را نگیرند آنرا

سبیل الغی یتخذوه ذلک بانهم کذبوا بآیاتنا وکانوا عنها

راه گمراهی را بگیرند این بآنست که دروغ شمردند آیات ما را و بودند از آنها

غافلین والذین کذبوا بآیاتنا ولقاء الآخرة حبطت

غافلان و آنانکه دروغ شمردند آیات ما را و دیدار آخرت را تباه شد

اعمالهم هل یجزون الا ما کانوا یعملون واتخذ قوم

کردارهای ایشان آیا جزا داده نمیشوند مگر بآنچه بودند میکردند و گرفتند قوم

موسی من بعده من حلیهم عجلا جسدا له خوار الم یروا

موسی از پس او از زیورهای خود گوساله را کالبدی که او را بانگ بود آیا ندیدند

انه لا یکلمهم ولا یهدیهم سبیلا اتخذوه وکانوا ظالمین

که او سخن نمیگوید با ایشان و راه نمینماید ایشان را راهی گرفتند او را و بودند ستمکاران

ولما سقط فی ایدیهم ورأوا انهم قد ضلوا قالوا لئن

و چون پشیمان شدند و دیدند که ایشان گمراه شدند گفتند اگر

لم یرحمنا ربنا ویغفر لنا لنکونن من الخاسرین ولما

نبخشاید ما را پروردگار ما و نیامرزد ما را هر آینه باشیم از زیانکاران و چون

رجع موسی الی قومه غضبان اسفا قال بئسما خلفتمونی

بازگشت موسی بسوی قوم خود خشمناک اندوهگین گفت بد جانشینی کردید مرا

من بعدی اعجلتم امر ربکم وألقی الالواح وأخذ برأس

از پس من آیا شتاب کردید در امر پروردگار خود و بیفکند الواح را و گرفت سر

اخیه یجره الیه قال ابن ام ان القوم استضعفونی

برادر خود را میکشید او را بسوی خود گفت ای پسر مادر من بدرستی که قوم ناتوان شمردند مرا

وکادوا یقتلوننی فلا تشمت بی الاعداء ولا تجعلنی

و نزدیک بود که بکشند مرا پس شاد مکن بمن دشمنان را و مگردان مرا

مع القوم الظالمین قال رب اغفر لی ولأخی وأدخلنا

با قوم ستمکاران گفت پروردگارا بیامرز مرا و برادر مرا و درآر ما را

فی رحمتک وانت ارحم الراحمین ان الذین اتخذوا

در رحمت خود و تو مهربانترین مهربانانی بدرستی که آنانکه گرفتند

العجل سینالهم غضب من ربهم وذلة فی الحیوة الدنیا

گوساله را زود باشد که برسد ایشان را خشمی از پروردگار ایشان و خواری در زندگانی دنیا

وکذلک نجزی المفترین والذین عملوا السیئات ثم تابوا

و همچنین جزا میدهیم دروغ بندگان را و آنانکه کردند بدیها پس توبه کردند

من بعدها وآمنوا ان ربک من بعدها لغفور رحیم ولما

از پس آن و گرویدند بدرستی که پروردگار تو از پس آن هر آینه آمرزگار مهربان است و چون

سکت عن موسی الغضب اخذ الالواح وفی نسختها

خاموش شد از موسی خشم برداشت الواح را و در نسخه آن

هدی ورحمة للذین هم لربهم یرهبون واختار موسی

راه یابی و رحمتی است آنانرا که ایشان پروردگار خود را میترسند و برگزید موسی

قومه سبعین رجلا لمیقاتنا فلما اخذتهم الرجفة قال

از قوم خود هفتاد مرد را برای وقت ما پس چون گرفت ایشان را زلزله گفت

رب لو شئت اهلکتهم من قبل وایای اتهلکنا بما فعل

پروردگارا اگر خواستی هلاک کردی ایشان را از پیش و مرا هلاک میکنی بآنچه کرد

السفهاء منا ان هی الا فتنتک تضل بها من تشاء

نادانان از ما نیست این مگر آزمایش تو گمراه میکنی بآن هر که خواهی

وتهدی من تشاء انت ولینا فاغفر لنا وارحمنا وانت

و راه مینمائی هر که خواهی تو دوست مائی پس بیامرز ما را و رحمت کن بر ما و تو

خیر الغافرین واکتب لنا فی هذه الدنیا حسنة وفی الآخرة

بهترین آمرزگارانی و بنویس برای ما در این دنیا نیکی و در آخرت

انا هدنا الیک قال عذابی اصیب به من اشاء ورحمتی

ما رجوع کردیم بسوی تو گفت عذاب من میرسانم بآن هر که خواهم و رحمت من

وسعت کل شیء فسأکتبها للذین یتقون ویؤتون الزکوة

فراگرفته است هر چیزی پس بزودی بنویسم آنرا برای آنانکه پرهیزگاری میکنند و میدهند زکوة

والذین هم بآیاتنا یؤمنون الذین یتبعون الرسول النبی

و آنانکه ایشان بآیات ما میگروند آنانکه پیروی میکنند رسول پیغمبر

الامی الذی یجدونه مکتوبا عندهم فی التورات والانجیل

درس نخوانده را که او را مییابند نوشته نزد ایشان در تورات و انجیل

یأمرهم بالمعروف وینهاهم عن المنکر ویحل لهم الطیبات

فرمان میدهد ایشان را بکار نیک و باز میدارد ایشان را از کار زشت و حلال میکند برای ایشان پاکیزه‌ها

ویحرم علیهم الخبائث ویضع عنهم اصرهم والاغلال

و حرام میکند بر ایشان پلیدیها و برمیدارد از ایشان بارهای گران و زنجیرها

التی کانت علیهم فالذین آمنوا به وعزروه ونصروه

که بودند بر ایشان پس آنانکه گرویدند باو و یاری کردند او را و نصرت دادند

واتبعوا النور الذی انزل معه اولئک هم المفلحون

و پیروی کردند نوری را که فرو فرستاده شد با او آنانند ایشان رستگاران

قل یا ایها الناس انی رسول الله الیکم جمیعا الذی

بگو ای مردم بدرستی که من رسولم خدا را بسوی شما همه آنکه

له ملک السموات والارض لا الا هو یحیی ویمیت

او را است پادشاهی آسمانها و زمین نیست خدائی مگر او زنده میکند و میمیراند

فآمنوا بالله ورسوله النبی الامی الذی یؤمن بالله

پس بگروید بخدا و رسول او پیغمبر درس نخوانده که او میگرود بخدا

وکلماته واتبعوه لعلکم تهتدون ومن قوم موسی امة

و سخنان او و پیروی کنید او را تا شما راه یابید و از قوم موسی گروهی

یهدون بالحق وبه یعدلون وقطعناهم اثنتی عشرة

راه مینمایند بحق و بآن دادگری میکنند و پاره کردیم ایشان را دوازده

اسباطا امما واوحینا الی موسی اذ استسقاه قومه

سبط گروه گروه و وحی کردیم بسوی موسی چون خواستند از او آب قوم او

ان اضرب بعصاک الحجر فانبجست منه اثنتا عشرة

که بزن بعصای خود سنگ را پس بجوشید از آن دوازده

عینا قد علم کل اناس مشربهم وظللنا علیهم الغمام

چشمه بدانست هر گروهی آبشخور خود را و سایه کردیم بر ایشان ابر

وانزلنا علیهم المن والسلوی کلوا من طیبات ما رزقناکم

و فرو فرستادیم بر ایشان منّ و سلوی بخورید از پاکیزه‌ها آنچه روزی دادیم شما را

وما ظلمونا ولکن کانوا انفسهم یظلمون واذ قیل لهم

و ستم نکردند بر ما لیکن بودند بر خویشتن ستم میکردند و چون گفته شد ایشان را

اسکنوا هذه القریة وکلوا منها حیث شئتم وقولوا

فرود آئید در این دیه و بخورید از آن هر جا که خواهید و بگوئید

حطة وادخلوا الباب سجدا نغفر لکم خطیئاتکم

فرو نهادن گناه و درآئید در دروازه سجده کنان بیامرزیم شما را گناهان شما

سنزید المحسنین فبدل الذین ظلموا منهم قولا غیر

بزودی بیفزائیم نیکوکاران را پس بدل کردند آنانکه ستم کردند از ایشان سخنی غیر

الذی قیل لهم فأرسلنا علیهم رجزا من السماء بما

آنکه گفته شد ایشان را پس فرو فرستادیم بر ایشان عذابی از آسمان بآنکه

کانوا یظلمون واسألهم عن القریة التی کانت حاضرة

بودند ستم میکردند و بپرس از ایشان از دیه که بود نزدیک

البحر اذ یعدون فی السبت اذ تأتیهم حیتانهم یوم

دریا چون تجاوز میکردند در روز شنبه چون میآمدند ایشان را ماهیان ایشان روز

سبتهم شرعا ویوم لا یسبتون لا تأتیهم کذلک نبلوهم

شنبه ایشان آشکارا و روز که شنبه نمیکردند نمیآمدند ایشان را همچنین میآزمودیم ایشان را

بما کانوا یفسقون واذ قالت امة منهم لم تعظون قوما

بآنکه بودند نافرمانی میکردند و چون گفت گروهی از ایشان چرا پند میدهید گروهی را

الله مهلکهم او معذبهم عذابا شدیدا قالوا معذرة الی

خدا هلاک کننده ایشان یا عذاب کننده ایشان عذابی سخت گفتند عذری است بسوی

ربکم ولعلهم یتقون فلما نسوا ما ذکروا به انجینا

پروردگار شما و تا باشد که ایشان پرهیزگاری کنند پس چون فراموش کردند آنچه پند داده شدند بآن رهانیدیم

الذین ینهون عن السوء واخذنا الذین ظلموا بعذاب

آنانکه باز میداشتند از بدی و گرفتیم آنانکه ستم کردند را بعذابی

بئیس بما کانوا یفسقون فلما عتوا عما نهوا عنه

سخت بآنکه بودند نافرمانی میکردند پس چون گردنکشی کردند از آنچه باز داشته شدند از آن

قلنا لهم کونوا قردة خاسئین وإذ تأذن ربک لیبعثن

گفتیم ایشان را باشید بوزینگان راندگان و چون آگاه کرد پروردگار تو هر آینه خواهد فرستاد

علیهم الی یوم القیامة من یسومهم سوء العذاب

بر ایشان تا روز قیامت کسانی که بچشانند ایشان را بدی عذاب

ان ربک لسریع العقاب وانه لغفور رحیم وقطعناهم

بدرستی که پروردگار تو زود عقاب است و او هر آینه آمرزگار مهربان است و پاره کردیم ایشان را

فی الارض امما منهم الصالحون ومنهم دون ذلک

در زمین گروه گروه از ایشان نیکوکارانند و از ایشان فروتر از آن

وبلوناهم بالحسنات والسیئات لعلهم یرجعون فخلف

و آزمودیم ایشان را بنیکیها و بدیها تا باشد که ایشان بازگردند پس جانشین شد

من بعدهم خلف ورثوا الکتاب یأخذون عرض هذا الادنی

از پس ایشان جانشینانی که میراث یافتند کتاب را میگیرند متاع این فرومایه

ویقولون سیغفر لنا وان یأتهم عرض مثله یأخذوه

و میگویند بزودی بیامرزند ما را و اگر بیاید ایشان را متاعی مانند آن میگیرند آنرا

الم یؤخذ علیهم میثاق الکتاب ان لا یقولوا علی الله

آیا نه گرفته شد بر ایشان پیمان کتاب که نگویند بر خدا

الا الحق ودرسوا ما فیه والدار الآخرة خیر للذین

مگر حق و خواندند آنچه در آن است و سرای آخرت بهتر است آنانرا که

یتقون افلا تعقلون والذین یمسکون بالکتاب واقاموا

پرهیزگاری میکنند آیا نمیاندیشید و آنانکه چنگ میزنند بکتاب و بپا داشتند

الصلوة انا لا نضیع اجر المصلحین وإذ نتقنا الجبل

نماز را بدرستی که ما ضایع نمیکنیم مزد اصلاح کنندگان را و چون برکندیم کوه

فوقهم کأنه ظلة وظنوا انه واقع بهم خذوا ما آتیناکم

بالای سر ایشان گویا که او سایبانی است و گمان بردند که او افتنده است بر ایشان بگیرید آنچه دادیم شما را

بقوة واذکروا ما فیه لعلکم تتقون واذ أخذ ربک من

بقوت و یاد کنید آنچه در آن است تا باشد که شما پرهیزگاری کنید و چون گرفت پروردگار تو از

بنی آدم من ظهورهم ذریتهم واشهدهم علی انفسهم

پشتهای فرزندان آدم فرزندان ایشان را و گواه گرفت ایشان را بر خودشان

الست بربکم قالوا بلی شهدنا ان تقولوا یوم القیامة

آیا نیستم پروردگار شما گفتند آری گواهی دادیم تا نگوئید روز قیامت

انا کنا عن هذا غافلین او تقولوا انما اشرک آباؤنا من

بدرستی که ما بودیم از این غافلان یا بگوئید بدرستی که شرک آوردند پدران ما پیش از

قبل وکنا ذریة من بعدهم افتهلکنا بما فعل المبطلون

و بودیم فرزندانی از پس ایشان آیا هلاک میکنی ما را بآنچه کرد باطلگرایان

وکذلک نفصل الآیات ولعلهم یرجعون واتل علیهم نبأ

و همچنین بیان میکنیم آیات را و تا باشد که ایشان بازگردند و بخوان بر ایشان خبر

الذی آتیناه آیاتنا فانسلخ منها فأتبعه الشیطان

آنکه دادیم او را آیات ما پس بیرون رفت از آن پس پیروی کرد او را شیطان

فکان من الغاوین ولو شئنا لرفعناه بها ولکنه اخلد

پس بود از گمراهان و اگر خواستیم هر آینه برمیداشتیم او را بآن و لیکن او

الی الارض واتبع هواه فمثله کمثل الکلب ان تحمل

بزمین گرائید و پیروی کرد هوای خود را پس مثل او مانند مثل سگ است اگر

علیه یلهث او تترکه یلهث ذلک مثل القوم الذین

بر او حمله کنی زبان از دهان بیرون کند یا رها کنی او را زبان از دهان بیرون کند این مثل گروهی است که

کذبوا بآیاتنا فاقصص القصص لعلهم یتفکرون ساء

دروغ شمردند آیات ما را پس بازگو کن این قصه را تا باشد که ایشان بیندیشند بد

مثلا القوم الذین کذبوا بآیاتنا وانفسهم کانوا یظلمون

مثلی است گروهی که دروغ شمردند آیات ما را و بر خویشتن ستم میکردند

من یهد الله فهو المهتد ومن یضلل فأولئک هم

هر که را راه نماید خدا پس او راه یافته است و هر که را گمراه کند پس آنانند ایشان

الخاسرون ولقد ذرأنا لجهنم کثیرا من الجن والانس

زیانکاران و هر آینه آفریدیم برای دوزخ بسیاری از پریان و آدمیان

لهم قلوب لا یفقهون بها ولهم أعین لا یبصرون بها

ایشان را دلهائی است که نمیفهمند بآن و ایشان را چشمهائی است که نمی بینند بآن

ولهم آذان لا یسمعون بها أولئک کالأنعام بل هم

و ایشان را گوشهائی است که نمی شنوند بآن آنانند مانند چارپایان بلکه ایشان

أضل أولئک هم الغافلون ولله الأسماء الحسنی

گمراهترند آنانند ایشان غافلان و خدا را است نامهای نیکو

فادعوه بها وذروا الذین یلحدون فی أسمائه سیجزون

پس بخوانید او را بآن نامها و رها کنید آنانرا که کژروی میکنند در نامهای او بزودی جزا داده میشوند

ما کانوا یعملون ومن خلقنا أمة یهدون بالحق وبه

آنچه بودند میکردند و از آنانکه آفریدیم گروهی راه مینمایند بحق و بآن

یعدلون والذین کذبوا بآیاتنا سنستدرجهم من حیث

دادگری میکنند و آنانکه دروغ شمردند آیات ما را بزودی فرو گیریم ایشان را از جائی که

لا یعلمون وأملی لهم إن کیدی متین أولم یتفکروا

نمیدانند و مهلت میدهم ایشان را بدرستی که تدبیر من استوار است آیا نیندیشیدند

ما بصاحبهم من جنة إن هو إلا نذیر مبین أولم

که نیست بیار ایشان هیچ دیوانگی نیست او مگر بیم کننده آشکار آیا نه

ینظروا فی ملکوت السموات والأرض وما خلق الله

نظر کردند در پادشاهی آسمانها و زمین و آنچه آفرید خدا

من شیء وأن عسی أن یکون قد اقترب أجلهم فبأی

از چیزی و آنکه شاید که نزدیک شده باشد اجل ایشان پس بکدام

حدیث بعده یؤمنون من یضلل الله فلا هادی له

سخن از پس او میگروند هر که را گمراه کند خدا پس نیست راه نماینده او را

ویذرهم فی طغیانهم یعمهون یسألونک عن الساعة

و رها میکند ایشان را در سرکشی ایشان سرگردان میشوند میپرسند ترا از ساعت

أیان مرساها قل إنما علمها عند ربی لا یجلیها

کی است وقت ایستادن او بگو بدرستی که علم او نزد پروردگار من است نمیاشکارا کند او را

لوقتها إلا هو ثقلت فی السموات والأرض لا تأتیکم

وقت او مگر او گران شد در آسمانها و زمین نمیآید شما را

إلا بغتة یسألونک کأنک حفی عنها قل إنما علمها

مگر ناگاه میپرسند ترا گویا که تو جستجو کننده از آنی بگو بدرستی که علم او

عند الله ولکن أکثر الناس لا یعلمون قل لا أملک

نزد خدا است و لیکن بیشتر مردم نمیدانند بگو نمیتوانم

لنفسی نفعا ولا ضرا إلا ما شاء الله ولو کنت أعلم

برای خود سود و نه زیان مگر آنچه خواهد خدا و اگر میدانستم

الغیب لاستکثرت من الخیر وما مسنی السوء إن أنا

غیب را هر آینه بسیار میکردم از نیکی و نمیرسید بمن بدی نیست من

إلا نذیر وبشیر لقوم یؤمنون هو الذی خلقکم من

مگر بیم کننده و مژده دهنده گروهی را که میگروند او است که آفرید شما را از

نفس واحدة وجعل منها زوجها لیسکن إلیها فلما

یک تن و پدید آورد از او جفت او را تا آرام گیرد بسوی او پس چون

تغشاها حملت حملا خفیفا فمرت به فلما أثقلت

بپوشید او را بار گرفت بار سبکی پس بگذشت با آن پس چون گران شد

دعوا الله ربهما لئن آتیتنا صالحا لنکونن من

خواندند خدا را پروردگار خود هر آینه اگر دهی ما را فرزند شایسته هر آینه باشیم از

الشاکرین فلما آتاهما صالحا جعلا له شرکاء فیما

شکرگذاران پس چون داد ایشان را فرزند شایسته گردانیدند او را شریکان در آنچه

آتاهما فتعالی الله عما یشرکون أیشرکون ما لا یخلق

داد ایشان را پس برتر است خدا از آنچه شریک میآرند آیا شریک میآرند آنچه

شیئا وهم یخلقون ولا یستطیعون لهم نصرا ولا

چیزی نمیآفریند و ایشان آفریده میشوند و نمیتوانند ایشان را یاری و نه

أنفسهم ینصرون وإن تدعوهم إلی الهدی لا یتبعوکم

خویشتن را یاری میکنند و اگر بخوانید ایشان را بسوی راه راست پیروی نمیکنند شما را

سواء علیکم أدعوتموهم أم أنتم صامتون إن الذین

برابر است بر شما خواندید ایشان را یا شما خاموشید بدرستی که آنانکه

تدعون من دون الله عباد أمثالکم فادعوهم فلیستجیبوا

میخوانید از غیر خدا بندگانند مانند شما پس بخوانید ایشان را پس باید که اجابت کنند

لکم إن کنتم صادقین ألهم أرجل یمشون بها أم لهم

شما را اگر هستید راستگویان آیا ایشان را پاهاست که راه میروند بآن یا ایشان را

أیدی یبطشون بها أم لهم أعین یبصرون بها أم لهم

دستهاست که میگیرند بآن یا ایشان را چشمهاست که میبینند بآن یا ایشان را

آذان یسمعون بها قل ادعوا شرکاءکم ثم کیدون

گوشهاست که میشنوند بآن بگو بخوانید شریکان خود را پس تدبیر کنید

فلا تنظرون إن ولیی الله الذی نزل الکتاب وهو

مرا پس مهلت ندهید مرا بدرستی که یار من خدا است که فرو فرستاد کتاب را و او

یتولی الصالحین والذین تدعون من دونه لا یستطیعون

یاری میکند نیکوکاران را و آنانکه میخوانید از غیر او نمیتوانند

نصرکم ولا أنفسهم ینصرون وإن تدعوهم إلی الهدی

یاری کردن شما را و نه خویشتن را یاری میکنند و اگر بخوانید ایشان را بسوی راه راست

لا یسمعوا وتراهم ینظرون إلیک وهم لا یبصرون

نمیشنوند و میبینی ایشان را که نگاه میکنند بسوی تو و ایشان نمیبینند

خذ العفو وأمر بالعرف وأعرض عن الجاهلین وإما

فرا گیر عفو را و بفرمای بکار نیک و روی بگردان از نادانان و اگر

ینزغنک من الشیطان نزغ فاستعذ بالله إنه سمیع

بیرون کند ترا از شیطان بیرون کردنی پس پناه جوی بخدا بدرستی که او شنوا

علیم إن الذین اتقوا إذا مسهم طائف من الشیطان

و داناست بدرستی که آنانکه پرهیزگاری کردند چون برسد ایشان را وسوسه‌ای از شیطان

تذکروا فإذا هم مبصرون وإخوانهم یمدونهم فی

یاد کنند پس ناگاه ایشان بینایانند و برادران ایشان میکشند ایشان را در

الغی ثم لا یقصرون وإذا لم تأتهم بآیة قالوا لولا

گمراهی پس کوتاه نمیکنند و چون نیاوری ایشان را بآیتی گویند چرا

اجتبیتها قل إنما أتبع ما یوحی إلی من ربی هذا

برنگزیدی آنرا بگو بدرستی که پیروی میکنم آنچه وحی میشود بسوی من از پروردگار من این

بصائر من ربکم وهدی ورحمة لقوم یؤمنون وإذا

بینائیهاست از پروردگار شما و راه یابی و رحمتی است گروهی را که میگروند و چون

قرئ القرآن فاستمعوا له وأنصتوا لعلکم ترحمون

خوانده شود قرآن پس گوش فرا دهید او را و خاموش باشید تا باشد که شما رحمت کرده شوید

واذکر ربک فی نفسک تضرعا وخیفة ودون الجهر من

و یاد کن پروردگار خود را در دل خود زاری کنان و ترسان و فروتر از آواز گفتن از

القول بالغدو والآصال ولا تکن من الغافلین إن

سخن بامداد و شبانگاه و مباش از غافلان بدرستی که

الذین عند ربک لا یستکبرون عن عبادته ویسبحونه

آنانکه نزد پروردگار تو هستند تکبر نمیکنند از پرستش او و تسبیح میکنند او را

وله یسجدون

و او را سجده میکنند

سَبِيلًا وَإِن يَرَوا سَبِيلَ الغَيِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَٰلِكَ بِأَنَّهُم

راه خود — و اگر به بینند — راه — گمراهی را — فرا گیرند آنرا راه خود — این — بسبب آنست

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ ۝ وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

تکذیب کردند نشانها — و بودند — از آنها — بیخبران — و آنانکه — تکذیب کردند نشانهای ما

وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ ۚ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا

و رسیدن — بآخرت — تباه گشت — کردار ایشان — آیا جزا داده نمیشوند — مگر آنچه — بودند که

يَعْمَلُونَ ۝ وَاتَّخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِن بَعْدِهِ مِن حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا

عمل میکردند — و فرا گرفتند قوم — موسی — بعد از رفتن موسی از زیورهای فرعونیان گوساله که بدن محض بود

لَّهُ خُوَارٌ ۚ أَلَمْ يَرَوْا أَنَّهُ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا ۘ اتَّخَذُوهُ

مر او را آوازی — آیا ندیدند — که آن — سخن — میگفت با ایشان — و نه راه مینمود ایشانرا — راه — راست — فرا گرفتند آنرا

وَكَانُوا ظَالِمِينَ ۝ وَلَمَّا سُقِطَ فِي أَيْدِيهِمْ وَرَأَوْا أَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوا

و بودند — ستمکاران — و وقتیکه فرو افتاد در دستهای ایشان — و دیدند که ایشان — گمراه شدند

قَالُوا لَئِن لَّمْ يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ

گفتند — اگر — رحم نکند ما را پروردگار ما — و نیامرزد ما را — هر آینه باشیم — از زیانکاران

وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي

و چون برگشت — موسی — بسوی قوم خود — خشمناک — اندوهگین — گفت — بد است آنچه — جانشینی

مِن بَعْدِي ۖ أَعَجِلْتُمْ أَمْرَ رَبِّكُمْ ۖ وَأَلْقَى الْأَلْوَاحَ وَأَخَذَ

بعد از من — آیا شتاب کردید — فرمان — پروردگار خود را — و انداخت — لوحها را — و گرفت

بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ ۚ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضْعَفُونِي

بسر برادر خود را میکشید او — بسوی خود — گفت پسر مادر من — هر آینه قوم — بیچاره دیدند — مرا

وَكَادُوا يَقْتُلُونَنِي ۖ فَلَا تُشْمِتْ بِيَ الْأَعْدَاءَ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ

و نزدیک بود که بکشند — مرا — پس شاد مان مگردان بمن — دشمنان را — و مگردان مرا — با

الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِأَخِي وَأَدْخِلْنَا

گروه — ستمکاران — گفت موسی پروردگارا بیامرز مرا — و برادر مرا — و داخل گردان ما را

این تفسیر بنام آنست که عجلتم یا خود باشد از عجل عنه بمعنی ترکه و آن اگرچه متعدی بمن میشود لیکن گاه متعدی بنفس میشود باعتبار تضمین معنی سبقت و میگویند عجل امر فلان یعنی تبعه و مراد از سبقت امر فلان در گذشتن از فرمان او و واگذاشتن فرمان اوست و بعضی گفته اند که مراد از تعجیل امر حدا در اینجا پیش از وعده حق تعالی است و گویند چون یکماه از رفتن آنحضرت بطور گذشت و آن حضرت نیامد بنی اسرائیل خیال موت او را در دل راسخ گردانیدند و بودند از مر اجتماعش مایوس شدند و متقائل گشتند که چون از وعده موسی سی روز گذشت سامری گفت تا زیورهائی که بعاریت از فرعونیان گرفته بودند جمع کردند در روز سی و ششم و هفتم و هشتم آنها را گوساله ساخت و روز سی و نهم ایشانرا بگوساله پرستی دعوت کرد ایشان قبول کردند و موسی علیه السلام بعد از تمام شدن چهل روز آمد و قبولی سامری از اهل قریه بود که کافر بودند و گاو پرست و باین علت عشق گوساله در دل داشت و بقول از اهل کرمان

فی رحمتک وانت ارحم الراحمین ان الذین اتخذوا

در رحمت خود و تو بهتر از همه بخشندگانی بدرستی که آنانکه فرا گرفتند

العجل سینالهم غضب من ربهم وذلة فی الحیوة الدنیا

گوساله را زود باشد که برسد ایشانرا غضبی از پروردگارشان و خواری در زندگانی دنیا

وکذلک نجزی المفترین والذین عملوا السیئات ثم

و همچنین جزا میدهیم دروغگویان و آنانکه کردند بدیها پس

تابوا من بعدها وامنوا ان ربک من بعدها لغفور رحیم

توبه کردند از پس آن و ایمان آوردند بدرستی که پروردگار تو بعد از توبه هر آینه آمرزنده مهربان است

ولما سکت عن موسی الغضب اخذ الالواح وفی نسختها

و چون ساکن شد از موسی خشم گرفت الواح را و در آنچه مکتوب بود در آن

هدی ورحمة للذین هم لربهم یرهبون واختار موسی

راه نمودن و رحمت مر آنانرا که از پروردگار خود میترسند و برگزید موسی

قومه سبعین رجلا لمیقاتنا فلما اخذتهم الرجفة قال رب

قوم خود را هفتاد مرد از برای میقات ما پس چون گرفت ایشانرا صاعقه گفت موسی ای خدای من

لو شئت اهلکتهم من قبل وایای اتهلکنا بما فعل

اگر میخواستی تو هلاک میکردی ایشانرا پیش ازین و مرا هم آیا هلاک میکنی ما را بآنچه کردند

السفهاء منا ان هی الا فتنتک تضل بها من تشاء وتهدی

بخردان ما از ما نیست این مگر امتحان تو گمراه میکنی بآن هر که خواهی و راه مینمائی

من تشاء انت ولینا فاغفر لنا وارحمنا وانت خیر الغافرین

هر که خواهی تو یار ما پس بیامرز ما را و رحمت کن ما را و تو بهترین آمرزندگانی

واکتب لنا فی هذه الدنیا حسنة وفی الاخرة انا هدنا

و بنویس برای ما در این دنیا نیکوئی و در آخرت آمرزش بدرستی که ما بازگشتیم

الیک قال عذابی اصیب به من اشاء ورحمتی وسعت

بسوی تو گفت خدا عذاب خود را میرسانم بهر که خواهم و رحمت من فرا رسید

كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَالَّذِينَ هُمْ

همه چیز را پس زود باشد که بنویسم برای آنانکه پرهیز کردند و میدهند زکوة و آنانکه ایشان

بِاٰيٰتِنَا يُؤْمِنُونَ ۝ اَلَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْاُمِّيَّ الَّذِي

بآیات ما ایمان دارند آنانکه متابعت می کنند فرستاده و خدا را که پیغمبر ناخواندهٔ و نانویسنده است

يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرٰىةِ وَالْاِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ

که یابند اسم او را نوشته نزد ایشان در تورات و انجیل امر میکند ایشانرا

بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهٰيهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبٰتِ وَ

بنیکوئی و نهی میکند ایشانرا از بد و حلال میکند ایشانرا خوراکهای پاکیزه و

يُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبٰٓئِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ اِصْرَهُمْ وَالْاَغْلٰلَ الَّتِي

حرام میکند برایشان خورشهای بد و فرو مینهد از ایشان ثقل ایشان را و برمیدارد غلهائی که بوقت خوشی

كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ اٰمَنُوا بِهٖ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ

بود برایشان پس آنانکه ایمان آوردند باو و تعظیم کردند او را و یاری دادند او را و متابعت کردند نوری را

الَّذِي اُنْزِلَ مَعَهٗٓ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ قُلْ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ

که فرستاده شد با او که قرآنست ایشانند رستگاران بگو ای مردمان

اِنِّي رَسُولُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَ

بدرستیکه من فرستاده خدایم بسوی شما همه آنکه مر اوراست پادشاهی آسمانها و

الْاَرْضِ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ يُحْيٖ وَيُمِيتُ فَاٰمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ

زمین نیست خدائی مگر او زنده میکند و میمیراند پس بگروید بخدا و فرستاده او پیغمبر

الْاُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللّٰهِ وَكَلِمٰتِهٖ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

ناخوانده آن پیغمبری که ایمان دارد بخدا و سخنان او و پیروی کنید او را شاید شما راه یابید

وَمِنْ قَوْمِ مُوسٰٓى اُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهٖ يَعْدِلُونَ ۝ وَ

و از قوم موسی گروهی هستند که راه مینمایند خلق را بحق و بحق عدل میکنند و

قَطَّعْنٰهُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ اَسْبَاطًا اُمَمًا وَاَوْحَيْنَآ اِلٰى مُوسٰٓى

متفرق گردانیدیم ایشانرا بدوازده سبط گروه گروه و وحی فرستادیم بموسی

اذا استسقاه

وصلی الله علی سیدنا محمد وآله وصحبه وسلم

تصنیف هفت امیر بود و هفت بنا از آن

فرمانروای کرمان است و دیگری خانجی

جهت علاء الاسلام مشغول است و دیگری

آن بنائی که عمارت آن بخانجی خواجه

با تمام رسانید و گفت از مدتی بنای

در لغت بمعنی گرانی است

که صاحبش را از حرکت بیندازد و اغلال جمع غل و آن

طوقی است که بر گردن گناهکاران میبندند و مراد

در اینجا از اغلال تکالیف شاقه است که بر بنی اسرائیل

مانند قتل نفس در توبه و تعیین قصاص در قتل نفس

قرض موضع نجاست بول از بدن و امثال آنها

و مراد از اصر ثقلی است که از این تکالیف شاقه بنی

اسرائیل میرسیده یا اصل

تکلیف شاقه

از

حضرت

ابی جعفر مرویست که

ایشان همی انداختند بر بنی اسرائیل که جایشان بالاتر

از ضیعین است و مفسرین هم بعضی چنین گفته اند

و گویند که در شب معراج رسول خدا صلی الله علیه و آله

نزد ایشان رفت و بآنحضرت ایمان آوردند

و مامور بجهاد و رزگوه شدند و آنوقت هنوز فرضیه

دیگر نازل نشده بود و دو سوره از قرآن که در مکه

نازل شده بود بایشان تعلیم فرمود در مجمع البیان

إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ

وقتیکه آب خواستند مر او را قوم او که بزن بعصای خود آن سنگ را پس شکافته شد از آن

اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ وَظَلَّلْنَا

دوازده چشمه آب همچنین که دانستند همه آدمیان آبخور خود را و سایبان ساختیم

عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِنْ

بر سر ایشان ابر را و فرو فرستادیم بر ایشان ترنجبین و مرغی معین گفتیم بخورید از

طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

پاکیزه ها آنچه روزی دادیم شما را و ظلم نکردند بر ما ولیکن بودند که بر خود ها شان ظلم میکردند

وَإِذْ قِيلَ لَهُمُ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ وَ

و چون گفته شد مر ایشان را ساکن باشید در این ده و بخورید از طعامها او هر جا که خواهید و

قُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَغْفِرْ لَكُمْ خَطِيئَاتِكُمْ

بگویید کار حطه و داخل شوید در از باب ابتها سجده کنان تا می آمرزیم شما را از گناهان شما را

سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي

زود باشد که زیاد کنیم خوبی نیکوکاران را پس بدل کردند آنان را که ستم کردند از ایشان گفتنی غیر از آنچه

قِيلَ لَهُمْ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ

گفته شد مر ایشان را پس فرستادیم بر ایشان عذابی از آسمان بآنچه بودند که ستم کردند بر خود

وَاسْأَلْهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ

و بپرس ایشان را از خبر دیهی که بود نزدیک دریا که چون در گذشتند

فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا

از حد و حد او در روز شنبه چون آمد ایشان را ماهیان ایشان روز شنبه ایشان در حالتی که ظاهر بود در روز او

يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

غیر شنبه نمی آمدند ماهیان همچنین معامله آزمایندگان کنیم ایشان را بآنچه بودند که فسق میکردند

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ

و چون گفته شد جمعی از ایشان چرا پند میدهید گروهی را که خدا هلاک کننده است ایشان را یا عذاب کننده است ایشان را

این قصه در عهد داود علیه السلام واقع شد چنانکه گذشت

گویند که جمعی از بنی اسرائیل که معصیت روز شنبه از ایشان صادر شده بود بعضی از ایشان موعظه و نهی

عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعْذِرَةً إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

عذابی سخت گفتند این جهت عذریست بسوی پروردگار شما باید ایشان پرهیز کنند

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ وَأَخَذْنَا

پس چون فراموش کردند موعظه خود را نجات دادیم آنانرا که نهی میکردند از بدی و گرفتیم ما

الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ ۝ فَلَمَّا عَتَوْا عَنْ مَا

آنانرا که ستم کردند بعذاب سخت بآنچه بودند که فسق میکردند پس چون گردن کشیدند از آنچه

نُهُوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ ۝ وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ

نهی شده بودند ازو گفتیم مرایشانرا که باشید بوزینگان که دور باشند و چون اعلام کرد پروردگار تو

لَيَبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ ۗ إِنَّ

باید برانگیزد بر ایشان تا روز قیامت کسی را که بچشاند ایشانرا بدترین عذاب بدرستی که

رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ ۖ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي

پروردگار تو هرآینه زود عقوبت است و بدرستی که او آمرزنده و مهربان است و متفرق ساختیم ایشانرا در

الْأَرْضِ أُمَمًا ۖ مِنْهُمُ الصَّالِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ ذَٰلِكَ ۖ وَبَلَوْنَاهُمْ

زمین گروه گروه از ایشان بودند شایستگان و بعضی از ایشان غیر صالح بودند و آزمودیم ایشانرا

بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ

بخوبیها و بدیها تا شاید ایشان باز گردند بخدا پس از پس درآمدند از بعد ایشان

خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ عَرَضَ هَٰذَا الْأَدْنَىٰ

پس آیدگان و میراث گرفتند تورات را میگرفتند متاع این دنیا که دونی است

وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِنْ يَأْتِهِمْ عَرَضٌ مِثْلُهُ يَأْخُذُوهُ ۚ أَلَمْ

و میگویند زود باشد که بیامرزند ما را و اگر آمدی ایشانرا خواسته دنیا مثل آن میگرفتند او را آیا

يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا

گرفته نشده بر ایشان عهد مذکور در تورات که نگویند بر خدا مگر

الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ ۗ وَالدَّارُ الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ ۗ

سخن راست و خوانده اند آنچه در آنجا بست یعنی تورات و خانه آخرت بهتر است مر آنان را که پرهیز میکنند

أَفَلَا

آن

تمام عرض مسئله

یا خذوه حال است از فاعل یقولون

و غرض آنست که این قول ایشان محض گفتار زبان

بود نه از راه ندامت و پشیمانی بلکه در همان حال

استغفار اگر مثل آنچه از گرفتن ان استغفار میکرد

برایشان وارد شدی گرفتندی یا مذر شوهائی که از

قوم خود میگرفتند جهة تحریف بعضی از آیات و

احکام تورات

نصف

مشهور است
از ابن شهر آشوب
که کتاب فرد وس از حدیقه
و جمهور اهل سنت از حضرت رسالت پناهی
روایت کرده که فرمود که اگر میدانستند مردمان
که در وقت اطلاق نام امیر المومنین بر علی شده
بر آینه هیچ احدی منکر فضل و کمال او نشدی
او را امیر المومنین نامیدند و حال انکه آدم علیه
میانه روح و جسد بود و پس این آیه را ملائکه
چونکه بلفظ انا ربکم و محمد نبیکم و علی امامکم یعنی من
پروردگار شمایم و محمد پیغمبر شماست و علی
پشوای شماست
و مجمع
البیان از حضرت ابی جعفر علیه السلام روایت
کرده که این آیه در باب بلعم باعور نازل شده و بعد از آن
خدای تعالی او را مثل زده برای هر کسی که اختیار
کند هوای نفس را بر هدایت الهی و گویند بلعم باعور
مردی بود از کنعانیان و جبارین که صحف خوانده
بود و اسم اعظم میدانست چون موسی علیه السلام

نصف

أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَوٰةَ

آیا پس چرا تعقل نمی کنید ۝ و آنانکه متمسک می شوند باحکام قرآن ۝ و بجای میآرند نماز را

إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ ۝ وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ

بدرستی که ما ضایع نمیکنیم مزد بصلاح آورندگان را ۝ و چون برداشتیم ما کوه طور را بالای ایشان گویا آن

ظُلَّةٌ وَظَنُّوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا

سایبانی بود و گمان کردند اکه او فرود آینده است بایشان بگیرید بآنچه دادیم شما را توانائی و یاد کنید

مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ ۝ وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ

آنچه در اوست شاید که شما پرهیز کنید ۝ و چون گرفت پروردگار تو از فرزندان آدم از

ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ

پشتهای ایشان نسل ایشانرا و گواه کرد ایشانرا بر نفسهای خود آیا نیستم پروردگار شما

قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَنْ تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَٰذَا

گفتند بلی گواه شدیم که نگوئید روز قیامت بدرستی که بودیم ما از این آفریدگار

غَافِلِينَ ۝ أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً

بیخبران ۝ یا نگوئید بدرستی که شرک آورند پدران ما از پیش و بودیم ما فرزندان

مِنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ ۝ وَكَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ

بعد از ایشان آیا پس هلاک میکنی ما را بآنچه کردند مبطلان ۝ و همچنین تفصیل میدهیم

الْآيَاتِ وَلَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ

آیات خود را و شاید ایشان باز گردند ۝ و بخوان بر ایشان خبر آنکس را که دادیم او را

آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَأَتْبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْغَاوِينَ

آیات خود پس بیرون آمد از آن پس دریافت او را شیطان پس گشت از گمراهان

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَٰكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ

و اگر میخواستیم ما برآینه بلند میکردیم او را بآن ولیکن او میل کرد بسوی زمین و پیروی کرد

هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلْ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ

آرزوی خود را پس صفت او مانند صفت سگ است ۝ اگر حمله کنی بر او وا گذاری او را

تَرَكَهُ يَلْهَثْ ذَٰلِكَ مَثَلُ ٱلْقَوْمِ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا ۚ فَٱقْصُصِ

بگذاری او را زبان پس برون آورد مانند قومی است که تکذیب کردند آیات ما را پس بخوان

ٱلْقَصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ ۝ سَآءَ مَثَلًا ٱلْقَوْمُ ٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟

قصه های مذکور را شاید ایشان متفکر شوند بد است مثل گروهی که تکذیب کردند

بِـَٔايَٰتِنَا وَأَنفُسَهُمْ كَانُوا۟ يَظْلِمُونَ ۝ مَن يَهْدِ ٱللَّهُ فَهُوَ ٱلْمُهْتَدِى ۖ

آیات ما را و بر خودشان بودند که ستم کردند و هر که را راه راست نماید خدا پس اوست راه یافته

وَمَن يُضْلِلْ فَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْخَٰسِرُونَ ۝ وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ

و هر که را واگذارد پس ایشانند زیان کاران و بتحقیق آفریدیم برای دوزخ

كَثِيرًا مِّنَ ٱلْجِنِّ وَٱلْإِنسِ ۖ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ

بسیاری از دیوان و آدمیان مر ایشانرا دلهاست که در می یابند بآن و مر ایشانرا

أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ ءَاذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ

چشمها که نمی بینند بآنها و مر ایشانرا گوشها که نمی شنوند بآنها آن گروه

كَٱلْأَنْعَٰمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْغَٰفِلُونَ ۝ وَلِلَّهِ ٱلْأَسْمَآءُ

مانند چارپایند بلکه ایشان گمراه ترند آنگروه ایشانند بیخبران و مر خدا راست نامهای

ٱلْحُسْنَىٰ فَٱدْعُوهُ بِهَا ۖ وَذَرُوا۟ ٱلَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِىٓ أَسْمَٰٓئِهِۦ ۚ

نیکو پس بخوانید خدا را بآن نامها و بگذارید آنانرا که مایل میشوند بکجی در نامهای خدا

سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ۝ وَمِمَّنْ خَلَقْنَآ أُمَّةٌ يَهْدُونَ

زود باشد که جزا داده شوند آنچه هستند که میکردند و از آنها که آفریدیم گروهی اند که راه مینمایند

بِٱلْحَقِّ وَبِهِۦ يَعْدِلُونَ ۝ وَٱلَّذِينَ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم

براستی و بحق عدل می کنند و آنانکه تکذیب کردند آیات ما را زود باشد که بگیریم ایشانرا

مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَأُمْلِى لَهُمْ ۚ إِنَّ كَيْدِى مَتِينٌ ۝ أَوَلَمْ

از آنجا که ندانند و مهلت دهیم ایشانرا بدرستی که کید و مکر من سخت است آیا

يَتَفَكَّرُوا۟ ۗ مَا بِصَاحِبِهِم مِّن جِنَّةٍ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

فکر نکردند نیست یار ایشان را هیچ نوعی جنون نیست او مگر بیم کننده هویدا

در تفسیر خود از حضرت امیر المومنین صلوات الله

علیه روایت کرده که فرمود بحق آنکه جانم در دست

قدرت اوست که این امت هفتاد و یک گروه

خواهند شد و همه بجهنم میروند مگر یک گروه

از حضرات ابو جعفر و ابو عبد الله مرویست که آن

گروه ما ییم

در لغت گرفتن خبری است

ناگاه بعد از امهال و استدراج الهی العیاذ

أَوَلَمْ يَنظُرُوا۟ فِى مَلَكُوتِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ ٱللَّهُ

آیا نگریستند در ملک بزرگ آسمانها و زمین و آنچه آفریده خدا

مِن شَىْءٍ وَأَنْ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ قَدِ ٱقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ ۖ فَبِأَىِّ حَدِيثٍۭ

از هر چیز و آیا نظر کردند که شاید نزدیک رسیده اجل ایشان پس بکدام سخن

بَعْدَهُۥ يُؤْمِنُونَ ۝ مَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَلَا هَادِىَ لَهُۥ وَيَذَرُهُمْ فِى

بعد از قرآن ایمان می آورند هر گمراه کرده خدا پس نیست راه نماینده او را و میگذارد ایشان را در

طُغْيَٰنِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ يَسْـَٔلُونَكَ عَنِ ٱلسَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَىٰهَا

گمراهی خودشان را کورمیروند می پرسند تو را از وقوع قیامت کی باشد اثبات آن

قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ رَبِّى ۖ لَا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَآ إِلَّا هُوَ ۚ ثَقُلَتْ فِى

بگو جز این نیست که علم آن نزد پروردگار من است آشکار نکند قیامت را در وقت آن مگر خدا گران است در

ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۚ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً ۗ يَسْـَٔلُونَكَ

آسمانها و زمین مگر ناگهان می پرسند تو را

كَأَنَّكَ حَفِىٌّ عَنْهَا ۖ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِندَ ٱللَّهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ

گویا تو دوست میداری پرسیدن آنرا بگو جز این نیست که علم قیامت نزد خداست ولیکن بیشتر مردمان

لَا يَعْلَمُونَ ۝ قُل لَّآ أَمْلِكُ لِنَفْسِى نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَآءَ

نمیدانند بگو ای محمد نمیتوانم از برای نفس خود نفعی و نه ضرری مگر آنچه خواهد

ٱللَّهُ ۚ وَلَوْ كُنتُ أَعْلَمُ ٱلْغَيْبَ لَٱسْتَكْثَرْتُ مِنَ ٱلْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِىَ

خدا و اگر بودمی که میدانستم غیب را هرآینه طلب بسیار کردمی از منفعت و نرسیدی بمن

ٱلسُّوٓءُ ۚ إِنْ أَنَا۠ إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ هُوَ ٱلَّذِى

بدی نیستم من مگر بیم دهنده و مژده دهنده برای قومیکه ایمان آورند اوست آنکه

خَلَقَكُم مِّن نَّفْسٍ وَٰحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ

آفرید شما را از یک نفس که آدم بود و پدید آورد از جنس او جفت او را تا آرام گیرد

إِلَيْهَا ۖ فَلَمَّا تَغَشَّىٰهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيفًا فَمَرَّتْ بِهِۦ ۖ فَلَمَّآ أَثْقَلَت

آدم بجوار او پس آن هنگام فرو پوشید آدم حوا را بار گرفت حوا باری سبکی پس رهسپر بود بآن پس چون گران بار شد

دعای آن

از آن بود که

شرکی برای خدا اقرار دهند

گفته اند که در لفظ جعلا و فیما انهما مضاف بضمیر

مقدری است و گویا گفته شد و جعل اولاد

بمالهٔ شرکا فیما آتی اولادهما و مجاهد و ابن عباس

و جمعی دیگر مضافی تقدیر نکرده اند و گفته اند که

چون حوا حامله شد شیطان بصورت مردی بر او

آمد گفت چه میدانی که در شکم تو چیست و از کجا

بیرون می آید گاه باشد جانوری باشد غیر آدمی

حوا از این سخن متزلزل شده صورت حال را با آدم

در میان گذاشت آدم غمگین شد باز شیطان

نزد حوا آمده گفت مرا نزد خدا قرب و منزلتی هست

پس اگر دعا کنم که حمل تو آدمی مانند شما باشد او را

عبد الحارث نام میکنی و دعا کنم که بسهولت از

شکمت بر آید و نام شیطان میان فرشتگان حارث

بود حوا قبول این معنی نموده میان ایشان این

دعوا الله ربهما لئن اتيتنا صالحا لنكونن من الشاكرين

بخوانند خدا را كه پروردگار همه دو بود اگر بدهى ما را فرزند شايسته هر آينه باشيم (۵) از شكر كنندگان

فلما اتيهما صالحا جعلا له شركاء فيما اتاهما فتعالى

پس آن هنگام داد ايشان را فرزندى نيكو گردانيدند براى او فرزندان شايسته گان (۶) در آنچه بخشيد ايشان را پس برتر است

الله عما يشركون ۝ ايشركون ما لا يخلق شيئا وهم يخلقون ۝

خدا از آنچه شريك گيرند او را آيا شريك مى كنند آنچه نيافريند چيزى را و ايشان آفريده شوند

ولا يستطيعون لهم نصرا ولا انفسهم ينصرون ۝ وان

و نميتوانند بتان براى خود يارى را و نه نفسهاى خود را يارى مى دهند (۷) و اگر

تدعوهم الى الهدى لا يتبعوكم سواء عليكم ادعوتموهم

بخوانيد ايشان را بسوى اسلام پيروى نمى كنند شما را يكسانست (۸) بر شما خواه

ام انتم صامتون ۝ ان الذين تدعون من دون الله عباد

يا الكه شما خاموش باشيد بدرستى آنانكه ميخوانيد (۹) غير از خدا بندگان خدايند

امثالكم فادعوهم فليستجيبوا لكم ان كنتم صادقين

مانند شما پس بخوانيد ايشان را پس بايد كه اجابت كنند مر شما را اگر هستيد (۱۰) راستگويان

الهم ارجل يمشون بها ام لهم ايد يبطشون بها ام لهم اعين

آيا مر ايشان را پاهاست كه ميروند بآن پاها يا مر ايشان را دستهاست كه ميگيرند بآنها يا مر ايشان را چشمهاست

يبصرون بها ام لهم اذان يسمعون بها قل ادعوا شركاءكم

كه مى بينند بآن يا مر ايشان را گوشهاست كه مى شنوند بآنها بگو بخوانيد شركاء خود را

ثم كيدون فلا تنظرون ۝ ان وليى الله الذى نزل الكتاب

پس حيله كنيد (۱۱) پس مهلت بدهيد مرا (۱۲) بدرستى كه يار من خداست آنكه فرو فرستاد قرآن را

وهو يتولى الصالحين ۝ والذين تدعون من دونه لا يستطيعون

و او كارساز يار (۱۳) نيكوكاران است (۱۴) و آنانرا كه ميخوانيد غير از خدا نتوانا نيستند

نصركم ولا انفسهم ينصرون ۝ وان تدعوهم الى الهدى لا

يارى شما را و نه بر نفسهاى خود كه يارى كنند (۱۵) و اگر بخوانيد ايشانرا بسوى دين حق

خطاب
در مدعوت بسم بارسول
خدا ست صلى الله عليه وآله و مسجين
در رحيم

يسمعوا

لیسمعوا وترٰهم ینظرون الیک وهم لا یبصرون خذ العفو

بشنوند و می بینی ایشان را که نگرند سوی تو و ایشان نمی بینند تو را فراگیر صفت گذشت

وأمر بالعرف وأعرض عن الجاهلین وإما ینزغنک من

و امر کن مردم بنیکوئی و روی بگردان از نادانان و اگر برانگیزد ترا

الشیطان نزغ فاستعذ بالله انه سمیع علیم إن الذین

شیطان وسوسه پس پناه گیر بخدا که او شنواست بدرستی که آنانکه

اتقوا إذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فإذا هم مبصرون

پرهیزگردند هرگاه برسد ایشان را وسوسه از شیطان یاد کنند خدا را پس آنگاه ایشان بینایانند

وإخوانهم یمدونهم فی الغی ثم لا یقصرون وإذا لم تأتهم

و برادران شیاطین بکشند ایشان را در گمراهی پس باز نمی ایستند و چون نیاوری

بآیة قالوا لولا اجتبیتها قل إنما أتبع ما یوحی إلی من ربی

بمعجزه گویند چرا نیاوردی تمامی این آیه را بگو جز این نیست که پیروی کنم آنچه وحی شد بسوی من از پروردگارم

هذا بصائر من ربکم وهدی ورحمة لقوم یؤمنون

این قرآن دلیلهاست از پروردگار شما و راهنما و بخشایش مر گروهی را که بگروند

وإذا قرئ القرآن فاستمعوا له وأنصتوا لعلکم ترحمون

و چون خوانده شود قرآن پس بشنوید آنرا و خاموش باشید تا شاید شما بخشیده شوید

واذکر ربک فی نفسک تضرعا وخیفة ودون الجهر

و یاد کن پروردگار خود را در دل خود بزاری و ترس و بپائین تر از بلندی

من القول بالغدو والآصال ولا تکن من الغافلین إن

از گفتار بامدادان و شبانگاه و مباش تو از غافلان بدرستی

الذین عند ربک لا یستکبرون عن عبادته ویسبحونه وله

آنانکه نزد پروردگار تو اند نگردنکشی کنند از پرستش خدا و تنزیه می کنند خدای را و

یسجدون

او را سجده می کنند

سورة الأعراف مکیة

وهی مائتان وست آیات

وخمس رکوعات

مشهور من الاصحاب انه

که وجوب انصات و استماع قرآن

مخصوص بما مومم است چنانچه از حضرت ابی جعفر

مرویست و از ابن عباس و ابن مسعود و جمعی دیگر

حکایت شده که مسلمانان در ابتدا حال

اثنای نماز سخن می گفتند و کار که گسی در اثنای وارد

می شد و می پرسید که چند رکعت نماز گذارده شد

ما مومن جواب می گفتند پس خدا تعالی این آیه را

باین آیه منع ازان و در صحیحه سلیمان بن خالد از

حضرت ابی عبد الله مرویست که هرگاه امام

قرائت را بلند کند ساکت شوید که خدا تعالی

فرموده و انصتوا لعلکم ترحمون و ظاهر بعضی از

اخبار وجوب انصات و استماع است مطلقا

چنانچه از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست

که فرمود که واجبست انصات برای شنیدن قرآن

در نماز و در غیر نماز و هم از آنحضرت بسند دیگر

مرویست که ابن کوا از حضرت امیر المومنین

صلوات الله علیه خواند لئن اشرکت لیحبطن عملک

ولتکونن من الخاسرین و آنحضرت از قرات ساکت

حزب

از حضرات ائمه

ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بخشاینده مهربان

يسئلونك عن الانفال قل الانفال لله والرسول فاتقوا الله

می پرسند تو را ای محمد از حکم غنایم بگو غنایم مر خدا راست و پیغمبر را پس بترسید از خدا

واصلحوا ذات بينكم واطيعوا الله ورسوله ان كنتم مؤمنين

و اصلاح کنید در میان خود و بپروی کنید خدا و فرستاده او را اگر هستید گروندگان

انما المؤمنون الذين اذا ذكر الله وجلت قلوبهم واذا تليت

جز این نیست که مومنان کامل آنانند که هرگاه یاد کرده شود خدا بترسد دلهای ایشان وچون خوانده شود

عليهم ايته زادتهم ايمانا وعلى ربهم يتوكلون الذين

بر ایشان آیات قرآن زیاد کند ایشانرا ایمان و بر پروردگار خود توکل کنند آنانکه

يقيمون الصلوة ومما رزقناهم ينفقون اولئك هم المؤمنون

بپای دارند نماز را و از آنچه روزی دادیم ایشانرا انفاق میکنند آن گروه ایشانند گروندگان

حقا لهم درجات عند ربهم ومغفرة ورزق كريم

درستی مر ایشانرا مرتبه ها نزد پروردگارشان و آمرزش و روزی بزرگوار

كما اخرجك ربك من بيتك بالحق وان فريقا من المؤمنين

همچون که بیرون کرد تو را پروردگار تو از خانه خود براستی و بدرستی که طایفه از مومنان

لكارهون يجادلونك في الحق بعد ما تبين كانما

هر آینه کاره بودند جدال میکنند با تو در کار حق بعد از آنکه روشن شد گویا

يساقون الى الموت وهم ينظرون واذ يعدكم الله احدى

رانده می شوند بسوی مرگ و ایشان مینگرند و یاد کن چون وعده داد شمارا خدا یکی

الطائفتين انها لكم وتودون ان غير ذات الشوكة تكون

از دو گروه که آن مر شماراست و دوست میدارید آنکه غیر خداوند ار صلاح کاردان باشد

لكم ويريد الله ان يحق الحق بكلماته ويقطع دابر الكافرين

از شما و میخواهد خدا آنکه ثابت کرداند حق را بآیتهای خود و ببرد بیخ بنیاد کافران

حزب از حضرات ائمه ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام

مشغول است که انفال بر مالی است که گرفته شود از دار الحرب بی جهاد و قتال و بر رئیس مسلمین

که باشد جلای وطن کند از آنجا بی قتال و محاربه و میراث کسی که بی وارث بمیرد و صفایا و

قطایع ملوک اهل حرب یعنی از اموال و خانه ها و باغات و بساطین و جز اینها از اسباب و اثاث

البیتی که مخصوص پادشاهان اهل حرب است و در جهاد بدست مسلمانان افتد بشرط آنکه مخصوص باشد

از مسلمانی با غیر مسلمانی که مال و نفس او محفوظ باشد مانند ذمی و معاهد که اگر مخصوص باشد بعضی

از این چیزها مانند زمینها و خانها و رختهای موات و غیر

اینها از چیزهائی که در جای خود مذکور شده فرمود

که این امورات مذکوره مال خدا و مال پیغمبر است

و بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله مال کسی است

که خلیفه و نایب مناب او است در مصالح خود صرف

نماید بهر وجهی که خواهد و هیچکس در آنها سر کشی

ندارد و عیاشی در تفسیر خود از ابو بصیر از حضرت

صادق صلوات الله علیه روایت کرده که

هر که از شیعیان پوره انفال و برائت را در

ما و یکبار بخواند هرگز نفاق با و نمیرسد و از خلص

شیعیان امیر المؤمنین علیه السلام است در روز

قیامت از نعمتهای بهشت با ایشان خواهد خورد

تا اینکه مردم از حساب فارغ شوند و از محمد

ابن مسلم از حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه روایت

کرده که سوره انفال بسیار بر مدینی

لِيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ ۝ إِذْ تَسْتَغِيثُونَ

تا ظاهر سازد حق را و باطل را گفت کند ۝ و اگرچه کراهت دارند گناهکاران ۝ یاد کن چون فریاد رس میخواستید

رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ

پروردگار خود را پس اجابت کرد مر شما را به درستی که مدد کننده ام شما را بهزار ۝ فرشته از پی درآیندگان

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا النَّصْرُ

و نگردانید آن را خدا ۝ مگر برای مژده و شما و تا آرام گیرد بآن ۝ دلهای شما ۝ و نیست یاری دادن

إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً

مگر ۝ از ۝ نزد ۝ خدا به درستی که خدا غالب درست کار است ۝ چون فرا گرفت شما را خواب سبک برای ایمنی که

مِنْهُ وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ

از خدا بود و فرستاد ۝ بر شما ۝ از آسمان ۝ آبی تا پاک گرداند شما را بآن و ببرد

عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ

از شما ۝ وسوسه شیطان را و تا به بندد ۝ بر ۝ دلهای شما و ثابت کند بآن

الْأَقْدَامَ ۝ إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا

پایهای شما را ۝ چون وحی کرد پروردگار تو بسوی ۝ فرشتگان ۝ که من با شمایم پس ثابت

الَّذِينَ آمَنُوا ۚ سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا

کردید آنانکه گرویدند ۝ زود باشد که بیفکنم در ۝ دلهای آنانکه ۝ کافر شدند ۝ ترس را پس بزنید

فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ

بالای گردنهای ایشان را و بزنید از ایشان ۝ هر ۝ سر انگشتان را ۝ این بسبب آنست که

شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ

ایشان مخالفت کردند خدا و پیغمبر او را ۝ و هر که مخالفت کند خدا ۝ و فرستاده او را پس به درستی که او سخت

الْعِقَابِ ۝ ذَٰلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ

عقوبت است ۝ این است شما را پس بچشید آنرا و به درستی که مر کافران راست ۝ عذاب آتش

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُوَلُّوهُمُ

ای ۝ آنانکه گرویدند چون ملاقات کنید ۝ آنانرا که کافر شدند در حال انبوه پس مگردانید بایشان

ای آل غالب

الادبار ۝ ومن يولهم يومئذ دبره الا متحرفا لقتال او
پشتهارا (کسی که بگرداند از ایشان) (او آن روز) (پشت خود را) (مگر آنکه میل کننده شد مر جنگ را) یا
متحيزا الى فئة فقد باء بغضب من الله ومأوه جهنم
پناه جوینده (بسوی) (گروه) (پس بدرستیکه باز گردد بخشم) (از جانب خدا) (و بازگشت او) (جهنم است)
وبئس المصير ۝ فلم تقتلوهم ولكن الله قتلهم وما رميت اذ
و بد جای بازگشتنی است (پس) (نکشتید شما ایشانرا) (ولیکن کشت خدا ایشان را) (و نیفکندی خدایا خاکرا)
رميت ولكن الله رمى وليبلي المؤمنين منه بلاء حسنا
چون افکندی (ولیکن خدا افکند آنرا) (و تا عطا کند) (مؤمنانرا از خود عطائی خوب)
ان الله سميع عليم ۝ ذلكم وان الله موهن كيد الكافرين
بدرستی که خدا شنوای (و) داناست (این که دیدید) (و بدرستیکه خدا سست کننده) (مکر) (کافرانست)
ان تستفتحوا فقد جاءكم الفتح وان تنتهوا فهو خيرا لكم
اگر طلب نصرت کنید (پس بدرستی آمد شمارا) (فتح) (و اگر باز ایستید) (پس او بهتر است مر شمارا)
وان تعودوا نعد ولن تغني عنكم فئتكم شيئا ولو كثرت
و اگر (باز گردید) (باز گردیم ما) (و دفع نکند) (از شما) (جمعیت شما) (چیزی را) (و اگرچه بسیار باشند)
وان الله مع المؤمنين ۝ يا ايها الذين امنوا اطيعوا الله و
و بدرستی که خدا با (مؤمنان است) (ای) (کسانیکه ایمان آورده اید) (اطاعت کنید خدا را و)
رسوله ولا تولوا عنه وانتم تسمعون ۝ ولا تكونوا كالذين
فرستاده او را (و) (بر مگردید) (از او) (و شما) (می شنوید) (و مباشید) (مانند آنانکه)
قالوا سمعنا وهم لا يسمعون ۝ ان شر الدواب عند الله
گفتند شنیدیم (و ایشان) (نمی شنوند) (بدرستیکه بدترین) (جنبندگان) (نزد خدا)
الصم البكم الذين لا يعقلون ۝ ولو علم الله فيهم خيرا
کرانند (گنگانند) (آنانکه) (در نمی یابند حق را) (و اگر دانستی) (خدا در ایشان) (خیر و نیکی)
لاسمعهم ولو اسمعهم لتولوا وهم معرضون ۝ يا ايها الذين
هر آینه شنوانیدی ایشانرا (و اگر شنوانیدی ایشانرا) (برگشتند) (اعراض کنندگان) (ای کسانی که)

فرستادیم چاره کار ایشان میکردند و
آنحضرت نزد ایشان فرستاد که من میخواهم
شروع در محاربه شما کنم چنانچه از انجا برگردند
ما را با شما کاری نیست چون این آیه نازل شده
بود فان جنحوا للسلم فاجنح لها عتبه با ابوجهل گفت
مصلحت در صلح است ابوجهل گفت رسیده و خود
راضی بمصالحه نشد پس عتبه از راه حمیت و جاهلیت
از لشکرگاه بیرون آمده مبارز طلبید سه تن از
انصار در برابر آمدند عتبه ندا کرد که یا محمد کفوما را
بفرست پس آنحضرت عبیده بن الحارث بن عبد
المطلب را که هفتاد سال بود بمقابله عتبه فرستاد
و عبیده تیغی بر سر عتبه چنان زد که سرش شکافت
و عتبه تیغی بر ساق عبیده زد که پایش افتاد و بر دو
افتادند پس برادر را برابر سپه فرستاد ایشان
بضرب سیوف اشد مشغول گردیدند که شمشیر

آمنوا استجیبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحییکم واعلموا
ان الله یحول بین المرء وقلبه وانه الیه تحشرون واتقوا
فتنة لا تصیبن الذین ظلموا منکم خاصة واعلموا ان الله
شدید العقاب واذکروا اذ انتم قلیل مستضعفون فی
الارض تخافون ان یتخطفکم الناس فاویکم وایدکم بنصره
ورزقکم من الطیبات لعلکم تشکرون یا ایها
الذین امنوا لا تخونوا الله والرسول وتخونوا امانتکم
وانتم تعلمون واعلموا انما اموالکم واولادکم فتنة وان
الله عنده اجر عظیم یا ایها الذین امنوا ان تتقوا الله یجعل
لکم فرقانا ویکفر عنکم سیئاتکم ویغفر لکم والله
ذو الفضل العظیم واذ یمکر بک الذین کفروا لیثبتوک
او یقتلوک او یخرجوک ویمکرون ویمکر الله والله

لا تصیبن

فعل نفی و صیغت مضارعست

یعنی بپرهیزید از چنان فتنه که وبال آن

بستمکاران شما نمیرسد بلکه از شدت آن فتنه

صلحا و متقیان بلا گرفتار میشوند و بعضی از معاصی

چنان است که بشامت کنندگان تر و خشک سوزی

هم میسوزند و این نحوی تجویز نموده و الحق نون تاکید را

بفعل نفی در اختیار و استشهاد باین کریمه نموده

چنانچه شیخ رضی از وی حکایت نموده و قول ابو علی

فارسی بعدم جواز آن بی ضرورت شعری پی

صورتست و او لا تصیبن فعل نهی دانسته اند

چنانکه اکثر مفسرین گفته اند و بنا بر این هم ظاهر است

که صفت فتنه باشد لیکن بتقدیر قول چنانکه قاعدة

در انشائی که در محل اعراب باشد و گویا گفته واتقوا

فتنة ما یقال لها لا تصیبن الذین ظلموا منکم خاصة

و بعضی وجوه دیگر هم گفته اند

گویند

که ابن آبه در باب قصه دارالندوه نازل شد و آن

چنان بود که قریش باهم در آنخانه اجتماع نمودند

و آن خانه قصی ابن کلاب بود و گفتگوی در کار آن

حضرت نمودند هر کسی چیزی گفت ابو جهل گفت

بهتر از قتل چاره نیست باید از هر قبیله از قبایل عرب

خَيْرُ الْمَاكِرِينَ ۝ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ

بهترین جزا دهنده و مکاران است ۝ و چون خوانده شود بر ایشان آیتهای ما گفتند بدرستی که شنیدیم اگر

نَشَاءُ لَقُلْنَا مِثْلَ هَٰذَا إِنْ هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝ وَ

خواهیم هر آینه بگوییم مانند این نیست این مگر قصه‌های پیشینیان ۝ و

إِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَٰذَا هُوَ الْحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ

و نمی‌گفتند بار خدایا اگر هست این قرآن او راست از نزد تو پس ببار

عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ أَوِ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ وَمَا كَانَ

بر ما سنگ از آسمان یا بیار بما عذابی دردناک ۝ و نیست

اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ ۚ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

خدا که عذاب کند ایشانرا و تو در میان ایشانی ۝ و نیست خدا عذاب کننده ایشان را ایشان استغفار میکنند

وَمَا لَهُمْ أَلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

و چیست ایشانرا که عذاب کند ایشانرا خدا و ایشان باز میدارند از مسجد الحرام

وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُ ۚ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ

و نیستند ایشان متولیان مسجد ۝ نیست متولیان مسجد مگر پرهیزکاران ۝ و لیکن بیشتر ایشان

لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً

نمیدانند ۝ و نیست نماز بیشتر کان نزد خانه خدا مگر صفیر کردن

وَتَصْدِيَةً ۚ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ

و دست بدست زدن پس بچشید عذاب را بسبب آنچه بودید که کافر شدید بدرستی که آنانکه

كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۚ فَسَيُنْفِقُونَهَا

کافر شدند نفقه می‌کنند مالهای خود را تا باز دارند مردم را از راه خدا پس زود باشد که نفقه کنند

ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ

مالها را پس باشد بر ایشان پشیمانی پس مغلوب گردند ۝ و آنانکه ثابت اند در کفر بسوی دوزخ

يُحْشَرُونَ ۝ لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ

حشر کرده شوند ۝ تا جدا کند خدا ناپاک را از پاک ۝ و بگرداند جمع کفار را

از حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه مرویست که در تفسیر این کریمه فرمود که نیستند اولیا مسجد الحرام مگر پرهیزکاران

از ابن عباس منقول است که قریش طواف خانه بر هنه میکردند صفیر میزدند و کف دست بهم میزدند

بعضه

بَعْضَهُ عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلَهُ فِي جَهَنَّمَ ۚ أُولَٰئِكَ

هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ قُل لِّلَّذِينَ كَفَرُوا إِن يَنتَهُوا يُغْفَرْ لَهُم

مَّا قَدْ سَلَفَ ۖ وَإِن يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ ۝

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ ۚ فَإِنِ

انتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ وَإِن تَوَلَّوْا فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

مَوْلَاكُمْ ۚ نِعْمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعْمَ النَّصِيرُ ۝ وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن

شَيْءٍ فَأَنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ

وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنتُمْ آمَنتُم بِاللَّهِ وَمَا أَنزَلْنَا

عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ

شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ إِذْ أَنتُم بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُم بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ

وَالرَّكْبُ أَسْفَلَ مِنكُمْ ۚ وَلَوْ تَوَاعَدتُّمْ لَاخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ

وَلَٰكِن لِّيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا ۝ لِّيَهْلِكَ مَنْ هَلَكَ

الحزب ١٠

بدانکه مشهور میان علمای امامیه وجوب خمس است در هفت چیز یکی غنایم دار الحرب که عبارتست از اموال کفار که بمحاربت و جهاد بدست لشکر اسلام آید دویم ارباح تجارات و زراعات و صناعات بعد از اخراج مخارج سال سیم معادن چهارم کنوز پنجم آنچه بغواصی از دریا برآید ششم مال حلالی که مخلوط شود بمال حرامی و مالک آن قدر بهیچ معلوم نباشد هفتم ارض اهل ذمی که از او بمسلمان منتقل شود در میراث و هبه و بیع و صدقه هم خمس واجب است و بعضی در جمیع درختان و امثال آن از چیزهائی که

عَنۢ بَيِّنَةٍ وَيَحْيَىٰ مَنْ حَيَّ عَنۢ بَيِّنَةٍ ۗ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝

از حجتی روشن و زنده و بماند هر که بزید از حجتی روشن و بدرستی که خدا شنوای دانا است

إِذْ يُرِيكَهُمُ ٱللَّهُ فِى مَنَامِكَ قَلِيلًا ۖ وَلَوْ أَرَىٰكَهُمْ كَثِيرًا

چون مینمود ایشانرا خدا ترا در خواب تو اندک و اگر مینمود ترا ایشانرا بسیار

لَّفَشِلْتُمْ وَلَتَنَٰزَعْتُمْ فِى ٱلْأَمْرِ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ سَلَّمَ ۗ إِنَّهُۥ عَلِيمٌۢ بِذَاتِ

هر آینه بد دل میشدید و هر آینه نزاع میکردید در کار ولیکن خدا بسلامت کهداشت بدرستی که او داناست بآنچه در

ٱلصُّدُورِ ۝ وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ ٱلْتَقَيْتُمْ فِىٓ أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا وَيُقَلِّلُكُمْ

سینه هاست و چون نمود خدا ایشانرا چون ملاقات کردید در چشمهای شما اندک و اندک

فِىٓ أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِىَ ٱللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا ۗ وَإِلَى

در چشمهای ایشان تا حکم کند خدا کاریرا که هست کرده شده و بسوی

ٱللَّهِ تُرْجَعُ ٱلْأُمُورُ ۝ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَٱثْبُتُوا۟

خدا باز گردانیده شود کارها ای آنانکه گرویده اید چون ملاقات کنید گروهی پس ثابت شوید

وَٱذْكُرُوا۟ ٱللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَأَطِيعُوا۟ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ

و یاد کنید خدا را بسیار تا شاید شما رستگار شوید و اطاعت کنید خدا و فرستاده او را

وَلَا تَنَٰزَعُوا۟ فَتَفْشَلُوا۟ وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ ۖ وَٱصْبِرُوٓا۟ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ

و نزاع مکنید پس بد دل شوید و ببرود دبدبه قوت و دولت شما و صبر کنید بدرستی که خدا

مَعَ ٱلصَّٰبِرِينَ ۝ وَلَا تَكُونُوا۟ كَٱلَّذِينَ خَرَجُوا۟ مِن دِيَٰرِهِم

با صبر کنندگان است و مباشید مانند آنانکه بیرون رفتند از خانهای خود

بَطَرًا وَرِئَآءَ ٱلنَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ۚ وَٱللَّهُ بِمَا

از سر کبر و نمودن بمردم و باز میدارند از راه خدا و خدا بآنچه

يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ ۝ وَإِذْ زَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ أَعْمَٰلَهُمْ وَقَالَ لَا

میکنند فراگیرنده است و یاد کن آنرا که بیاراست مرایشانرا شیطان کارهای ایشانرا و گفت نیست

غَالِبَ لَكُمُ ٱلْيَوْمَ مِنَ ٱلنَّاسِ وَإِنِّى جَارٌ لَّكُمْ ۖ فَلَمَّا تَرَٰٓءَتِ

غلبه کننده مر شما را امروز از مردمان و بدرستی که من فریادرسنده ام شما را پس چون بدیدند

الجزء الثامن

حضرت
شافعی گفته سهم رسول هم
ساقط میشود باعتبار انکه کمال او آنست که
آنحضرت میراثی نمیگذارد و خمس بحال سهم منقسم
میشود یکی حق ذوی القربی و نیمه سهم حق اصناف
ثلاثه و ابو حنیفه گفته که بعد از آن حضرت سهم
ذوی القربی هم ساقط است بعلة انکه ابو بکر و
عمر در زمان خلافت حق اهل بیت رسالت را ندادند
و گفتند خمس سه سهم منقسم میشود و ثلثی از یتامی و
ثلثی از مساکین و ثلثی از ابن سبیلست و مشهور میان
علمای ما و مذهب جمیع امامیه آنست که مراد ما
و مساکین از سادات است و بعضی از علماء ذوی القربی
بسادات و آن مصنف را از فرش گفته اند
والله اعلم

ایج
در این مقام کنایه
از قوت و نفاذ امر و قدرت عرب میگوید
زکدت ریحه هر گاه فرمانش
جاری نباشد

مذکور
پیش از ین که شیطان
بصورت سراقه بن مالک نزد قریش آمد و

الْفِسْتَانِ نَكَصَ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي

برگشت شیطان بر دو پاشنه و گفت که من بیزارم از شما بدرستی که من

أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ ۚ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ

می بینم آنچه نمی بینید بدرستی که من می ترسم از عذاب خدا و خدا سخت عقوبت

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ غَرَّ هَٰؤُلَاءِ

وقتی که میگویند منافقان و آنانکه در دلهای ایشان مرضی است فریفته است مؤمنان را

دِينُهُمْ ۗ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ وَلَوْ

دین ایشان را و هر که توکل کرد بر خدا پس بدرستی که خدا غالب درست کردار است و اگر

تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ

ببینی ای محمد آنوقت را که قبض روح میکنند فرشتگان کافر شدند میزنند عمود آهنی ایشان بر رویهای

وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ۝ ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ

ایشان و پشتهای ایشان و گویند بچشید عذاب آتش سوزان را این عذاب بسبب آنست که فراپیش داشت

أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِّلْعَبِيدِ ۝ كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ

دستهای شما و بدرستیکه خدا نیست ظلم کننده بسیار بر بندگان همچون عادت کردن فرعونیان است

وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۚ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ

و آنانکه پیش از فرعونیان بودند کافر شدند بآیات خدا پس گرفت ایشان را خدا بگناهان ایشان

إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ

بدرستی که خدا توانای سخت عقوبت است این عقوبت بسبب آنست که خدا نیست

مُغَيِّرًا نِّعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ ۙ وَأَنَّ اللَّهَ

تغییر دهنده نعمتی را که انعام کرده بر گروهی تا وقتیکه تغییر کنند آنچه بنفسهای ایشانست و بدرستی که خدا

سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ كَدَأْبِ آلِ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۚ كَذَّبُوا

شنوای دانایست همچون عادت قوم فرعون و آنانکه بودند پیش از فرعونیان تکذیب کردند

بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُم بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ

بآیات پروردگارشان پس هلاک کردیم ایشان را بگناهان ایشان و غرق کردیم فرعونیان را

در روضه کافی از حضرت ابی جعفر علیه السلام مرویست که جبرئیل در آن روز بصورت حواله شیطان نمود شیطان گریان شده میگفت ای جبرئیل خدا تعالی مرا مهلت داده تا آنکه خود را بدریا انداخت زراره گوید که بخدمت آنحضرت عرض داشتم که شیطان از رحمت خدا مأیوس است از ترشحه جبرئیل و حال آنکه میدانست که تا روز قیامت زنده خواهد ماند فرمود می ترسید که عصوی از او را ناقص گرداند

وَكُلٌّ كَانُوا ظَالِمِينَ ۝ إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِندَ اللَّهِ الَّذِينَ

و همه بودند ستمکاران بدرستی بدترین جنبندگان نزد خدا آنانند

كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ الَّذِينَ عَاهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنقُضُونَ

که کافر شدند پس ایشان نمیگروند آنانرا که عهد کردی از ایشان پس بشکنند

عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ ۝ فَإِمَّا تَثْقَفَنَّهُمْ فِي الْحَرْبِ

عهد خودشان را در هر باری و ایشان پرهیز نمی کنند پس اگر دریابی ایشانرا در جنگ

فَشَرِّدْ بِهِم مَّنْ خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ ۝ وَإِمَّا تَخَافَنَّ مِن

پس پراکنده کن بسبب قتل ایشانرا آنرا که در پشت ایشان است شاید ایشان پند گیرند و اگر ترسی از

قَوْمٍ خِيَانَةً فَانبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ

گروهی که عهد کردند خیانتی را پس بفکن بسوی ایشان برمساوات بدرستی که خدا دوست نمیدارد خیانت کارانرا

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا ۚ إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ ۝ وَ

و نپندارند آنانرا که کافر شدند پیشی کردند بدرستی که ایشان عاجز میکنند مارا و

أَعِدُّوا لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ

آماده کنید برای ایشان آنچه توانید از اسباب حرب و از اسبان بسته برسانید

بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِن دُونِهِمْ ۖ لَا تَعْلَمُونَهُمُ ۖ اللَّهُ

باین استعداد دشمنان خدا و دشمنان خود را و بترسانید دیگرانرا غیر کفار مدینه نمیدانید شما ایشانرا خدا

يَعْلَمُهُمْ ۚ وَمَا تُنفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَ

میداند ایشانرا و آنچه نفقه میکنید از چیزی که در راه خدا تمام کرده خواهد بسوی شما و

أَنتُمْ لَا تُظْلَمُونَ ۝ وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ

شما ستمدیده نخواهید شد و اگر میل کنند مشرکان بصلح پس تو هم میل کن بصلح و توکل کن بر خدا

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ وَإِن يُرِيدُوا أَن يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ

بدرستی او ست شنوای دانا و اگر خواهند که بفریبند تو را بصلح خود پس بدرستی که

اللَّهُ ۖ هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ ۝ وَأَلَّفَ بَيْنَ

خدا اوست آنکه قوت داد ترا بیاری خود و بهمه مومنان و الفت داد میان

تفسیر

در لغت بمعنی ظفر و پیروزی بمعنی تفریق و مراد از من خلفهم مشرکین غیر قریش است یعنی ظفر شما بر قریش باعث آن شود که غیر ایشان متفرق شوند و نقض عهد ننمایند و اجتماع بر محاربه شما نکنند

حاصل

مضمون این آیه کریمه بنا بر تفسیری که بیشتر گمان میکنند کفره اینست که پیش گرفته برامر الهی و او را عاجز کرده اند در کارهای او چنین است ایشان خدا را عاجز نمیتوانند نمود هر چه خدا خواهد میکند و بنا بر تفسیر دیگر که بیشتر گمان میکنند مخاطب ای محمد که کفره پیش گرفته اند برخواست الهی و ایشان هر چه خواهند می کنند چنین نیست بلکه ایشان نمیتوانند خدا را عاجز نمود و هر چه می شود خطاب اگرچه با آنحضرت است لیکن مراد امت اوست

قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ
(دلهایشان) (اگر نفقه میکردی آنچه در زمین است همه) (الفت نمیدادی میان دلهای ایشان)
وَلَٰكِنَّ اللَّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۞ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ
(ولیکن) (خدا) (الفت داد میان ایشان) (بدرستی که او غالب و سست کار است) (ای) (پیغمبر بس است ترا)
اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۞ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ
(خدا) (و هر که پیروی کرد ترا از) (گروندگان) (ای) (پیغمبر) (تحریص کن مومنان را)
عَلَى الْقِتَالِ ۚ إِن يَكُن مِّنكُمْ عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا
(بر جنگ کفار) (اگر باشد) (از شما) (بیست تن) (صبر کنندگان) (غالب شوند)
مِائَتَيْنِ ۚ وَإِن يَكُن مِّنكُم مِّائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا
(بر دویست تن) (و اگر باشد) (از شما) (صد تن) (غالب شوند بر هزار از) (آنانکه) (کافر شدند)
بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَّا يَفْقَهُونَ ۞ الْآنَ خَفَّفَ اللَّهُ عَنكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ
(بسبب اینکه) (گروهی اند که نمی فهمند) (الحال سبک کرد خدا) (از شما) (و دانست خدا) (اینکه در شما)
ضَعْفًا ۚ فَإِن يَكُن مِّنكُم مِّائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ ۚ وَإِن
(سستی است) (پس اگر بود باشد) (از شما) (صد تن) (صبر کننده) (غالب شوند بر دویست تن) (و اگر)
يَكُن مِّنكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفَيْنِ بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ
(باشد) (از شما) (هزار تن) (غالب شوند بر دو هزار تن) (بفرمان خدا) (و خدا) (با صبر کنندگان است)
مَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَن يَكُونَ لَهُ أَسْرَىٰ حَتَّىٰ يُثْخِنَ فِي الْأَرْضِ ۚ
(شاید) (هیچ پیغمبری را که باشد) (مر او را اسیران) (تا آنکه بسیار بکشد در) (زمین)
تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ
(میخواهید) (مال) (دنیا را) (و خدا) (میخواهد) (آخرت را) (و خدا غالب) (محکم کار است)
لَّوْلَا كِتَابٌ مِّنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ
(اگر نه فرمانی) (از خدا) (پیشی گرفته بود) (هر آینه میرسید شما را) (از آنچه) (گرفتید) (عذاب بزرگ)
فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ
(پس بخورید از آنچه) (گرفتید) (پاک) (پاکیزه) (و بپرسید از خدا بدرستی که خدا) (آمرزنده) (مهربانست)

تفسیر
علی ابن ابراهیم
مذکور است که چون در بدر از
حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمان داد
الاذعان بکشتن نضر بن الحارث و عقبة ابن
ابی معیط که از جمله اسیاری بودند صادر شد و ایشان
کشته شدند انصار رسیدند که فرمان قتل همه
اسیران یافته عرضه داشتند که یا رسول الله هشاد
نفر از ایشان را بکشتیم و خویشاوندان تو اند میخواهی
اصل ایشان را بازاندازی فدیه از ایشان بگیرد
ایشان را آزاد کن بعد از مسلت ایشان این
آیه آمد و آنحضرت تجویز کرد فدا نمود و از
حضرت ابی جعفر علیه السلام مرویست که در روز
بدر هر اسیری چهل وقیه که هر وقیه چهل مثقال بود
میگرفتند بغیر از عباس پس که از وی صد وقیه
مطالبه نمودند هنگام اسیر شدن از وی پرسیدند
وقیه طلا گرفته بودند خواست از احساب فدیه
نماید آنحضرت فرمود که آن داخل غنیمت است
و خلی نقد نمیدارد تو فدیه خود و فدیه برادر
زاده هایت را تو فضل و عقیل را بده عباس گفت
هیچ ندارم با خود آنحضرت فرمود که کجا رفت
آن طلائی که بام الفضل یعنی زوجه ات سپردی
گفتی اگر مرا حادثه روی نماید از تو باشد و از
فضل و عبد الله و قثم یعنی پسران او پس عباس
گفت

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُل لِّمَن فِي أَيْدِيكُم مِّنَ الْأَسْرَىٰ إِن يَعْلَمِ اللَّهُ

ای پیغمبر بگو مر کسانی را که در دست شما بند از اسیران اگر داند خدا

فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أُخِذَ مِنكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۚ

در دلهای شما نیکوئی بود شما را بهتر از آنچه فرا گرفته اند از شما و می آمرزد مر شما را

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ ۝ وَإِن يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ

و خدا آمرزنده مهربانست و اگر خواهند خیانت کردن تو پس تحقیق خیانت کردند با خدا

مِن قَبْلُ فَأَمْكَنَ مِنْهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا

پیش ازین پس توانائی تر از ایشان و خدا دانای حکیم است بدرستی که گرویدند و هجرت کردند

وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا

و جهاد کردند بمالهای خود و نفسهای خود در راه خدا و کسانیکه جا دادند

وَّنَصَرُوا أُولَٰئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ

و یاری کردند آن گروه پاره ایشان دوستان اند پاره را و آنانکه گرویدند و

يُهَاجِرُوا مَا لَكُم مِّن وَلَايَتِهِم مِّن شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا ۚ وَإِنِ اسْتَنصَرُوكُمْ

هجرت نکردند مر شما را از دوستی ایشان هیچ چیز تا هجرت کنند و اگر طلب یاری کنند شما

فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ ۗ

در دین پس بر شماست یاری مگر بر گروهی که میان شما و میان ایشان عهدی

وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۚ

و خدا بآنچه میکنید بیناست و آنانکه کافر شدند بعضی شان دوستان بعضی اند

إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُن فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ ۝ وَالَّذِينَ

مگر کنید آنرا حاصل شود فتنه در زمین و فسادی بزرگ در دین و آنانکه

آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوا وَّنَصَرُوا

گرویدند و هجرت کردند و جهاد کردند در راه خدا و آنانکه جا دادند و یاری کردند

أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا ۖ لَّهُم مَّغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ ۝

ایشانند گروندگان راست مر ایشانرا آمرزش و روزی نیکو

وَالَّذِينَ

ضبطیه
تفعلوه را جهت با نخه
در دو آیه پیش مذکور شد از شاهر
و تعاون و تبری از کفا
و غوص الجناب
آنهات

وَالَّذِينَ آمَنُوا مِن بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَٰئِكَ مِنكُمْ

و آنانکه ایمان دارند بعد از صلح و هجرت کردند و جهاد کردند با شما پس ایشان از شمایند

وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ

و خداوندان خویشها بعضی از ایشان اولی و نزدیکترند ببعضی در کتاب خدا بدرستی خدا بهر

شَيْءٍ عَلِيمٌ

چیز دانا است

سورة التوبة مائة وثلاثة وعشرون آية مدنية

بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدتُّم مِّنَ الْمُشْرِكِينَ

این سوره و بیزاریست از خدا و فرستاده خدا بسوی آنانکه پیمان بسته اید از مشرکین

فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي

پس سیر کنید در زمین چهار ماه و بدانید که شما نمیتوانید عاجز کنندگان

اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُخْزِي الْكَافِرِينَ ۝ وَأَذَانٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ

خدا را و بدرستیکه خدا رسوا کننده کافران است و این اعلام است از خدا و فرستاده او

إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ

بسوی مردمان روز حج بزرگ بدرستیکه خدا بیزار است از مشرکان

وَرَسُولُهُ فَإِن تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ

و فرستاده او پس اگر توبه کنید پس آن بهتر است برای شما و اگر برگردید

غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ إِلَّا الَّذِينَ

پس بدانید بدرستی که شما نمیتوانید عاجز کنید خدا را و بشارت ده آنانکه کافر شدند بعذاب دردناک مگر آنانکه

عَاهَدتُّم مِّنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا

پیمان بسته اید از مشرکان پس کم نکردند شما چیزی را از عهد و پشتی نکردند

عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ

بر قتال شما کسی از دشمنان را پس تمام کنید بسوی ایشان عهد ایشان را بسوی مدت مقرر ایشان بدرستی که خدا

يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ۝ فَإِذَا انسَلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرُمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ

دوست میدارد پرهیزکاران را پس چون گذشت چهار ماه حرام است پس بکشید مشرکان را

حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَاحْصُرُوهُمْ وَاقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ
هر جا یابید ایشان را و بگیرید ایشان را و بازدارید ایشان را و بنشینید برای کشتن ایشان بر هر
مَرْصَدٍ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَآتَوُا الزَّكٰوةَ فَخَلُّوا
ممر پس اگر توبه کنند و بپای دارند نماز را و بدهند زکوة را پس خالی کنید
سَبِيلَهُمْ إِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ
راه ایشان را بدرستی که خدا آمرزنده مهربان است و اگر یکی از مشرکان زنهار خواهد از تو
فَأَجِرْهُ حَتّٰى يَسْمَعَ كَلَامَ اللّٰهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ
پس زنهار ده او را تا بشنود کلام خدا پس برسان او را بنا من او این امان بسبب آنکه ایشان
قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ ۝ كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللّٰهِ وَ
گروهی اند که نمیدانند چگونه باشد برای مشرکان عهدی نزد خدا و
عِنْدَ رَسُولِهِ إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا
نزد فرستاده او مگر آنانکه عهد بستند نزد مسجد الحرام پس
اسْتَقَامُوا لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ ۝ كَيْفَ
مستقیم باشند با ایشان مادام که استقامت ورزند مر ایشان را بدرستیکه خدا دوست میدارد پرهیزکاران را چگونه باشد
وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ
و اگر ظفر یابند بر شما مراعات نکنند با شما حق قسم را و نه وفای عهد را راضی میدارند شما را
بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبٰى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ ۝ اشْتَرَوْا بِآيَاتِ
بدهنهای خود و سر باز میزنند دلهای ایشان و بیشتر ایشان بدکار باشند خریدند بنشانهای
اللّٰهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا
خدا بهای اندک را پس اعراض کردند از راه دین خدا بدرستی که ایشان بد کارند آنچه بودند که
يَعْمَلُونَ ۝ لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلًّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولٰئِكَ هُمُ
میکردند مراعات نمی کنند مشرکان در حق مومنی قسم و نه عهد را و ایشان اند ایشانند
الْمُعْتَدُونَ ۝ فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَآتَوُا الزَّكٰوةَ
تجاوز کنندگان پس اگر توبه کنند و بپای دارند نماز را و بدهند زکوة را

احد
فاعل فعل محذوف
و استجارک مفسر اوست بدلیل لزوم
دخول ان بر جمله فعلیه و کو یا گفته و
ان استجارک احد من المشرکین استجارک
فاجره

فَإِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَنُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ وَإِنْ

پس برادران شما باشند در دین ۞ و تفصیل میدهیم آیتها را برای گروهی که میدانند ۞ و اگر

نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا

بشکنند قسمهای خود را از بعد عهد شان ۞ و طعن زنند در ۞ در دین شما پس بکشید

أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ ۝ أَلَا تُقَاتِلُونَ

پیشوایان کفر را بدرستی که ایشان را نیست قسمی باشما شاید که ایشان باز ایستند ۞ آیا جنگ نمی کنید

قَوْمًا نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَهُمْ بَدَءُوكُمْ

با قومی که بشکستند ۞ قسمهای خود را ۞ و قصد کردند بیرون کردن ۞ پیغمبر را ایشان ابتدا کردند

أَوَّلَ مَرَّةٍ أَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

اول مرتبه ۞ آیا می ترسید از ایشان پس خدا سزاوارتر است از آنکه بترسید ۞ اگر هستید گروندگان

قَاتِلُوهُمْ يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ

جنگ کنید با مشرکان تا عذاب کند ایشان را خدا ۞ بدستهای شما ۞ و رسوا سازد ایشان را ۞ و یاری دهد شما را بر ایشان

وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ ۝ وَيُذْهِبْ غَيْظَ قُلُوبِهِمْ

و شفا دهد ۞ سینه های ۞ گروه ۞ گروندگان را ۞ و ببرد خدا اندوه خشم دلهای کفار

وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَى مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ أَمْ حَسِبْتُمْ

و قبول توبه کند خدا برای هر که میخواهد ۞ و خدای دانای ۞ درست کردار است ۞ آیا ۞ می پندارید

أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ

اگر ترک کرده شوید و هنوز ندانسته است خدا ۞ آنانکه ۞ جهاد کردند از شما ۞ و فرا نگرفتند از

دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً ۗ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا

غیر خدا ۞ و ۞ نه پیغمبر فرستاده او ۞ و نه از مومنان دوست نهانی ۞ و خدا آگاه است بآنچه

تَعْمَلُونَ ۝ مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ

میکنید ۞ نیست مشرکان را ۞ آنکه عمارت کنند ۞ مسجدهای خدا را در حالی که گواهانند

عَلَى أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ ۚ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ

بر زیان خودشان ۞ بکفر ۞ آن گروهند باطل شد علمهای ایشان ۞ و در آتش

ابو حمزه مشغول است
که چون عباس در روز بدر اسیر کرد
مهاجر و انصار ملامت او بکفر و قطع رحم مینمودند او
گفت همین در اظهار معایب ما می کوشید و از
محاسن ما هیچ نمیگوئید گفتند مگر شما صفت نیکی هست
گفت بلی بخدا سوگند که ما عمارت مسجد الحرام
و منا و حجابت یعنی دربانی کعبه با ماست و سقایت
حاج میکنیم و هر که در آن زیارت او را نجابت میدهیم
پس خدا تعالی فرستاد که ما کان للمشرکین ان یعمروا
مساجد الله تا آخر آیه

هُمْ خَالِدُونَ ۝ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ

ایشان جاویدند ۝ جز این نیست که عمارت میکند مسجدهای خدا را هر که ایمان آورد بخدا و روز

الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَوٰةَ وَآتَى الزَّكَوٰةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ

قیامت و بپای داشته باشد نماز را ۝ و بدهد زکوة را و نترسد مگر از خدا پس شاید

أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ ۝ أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ

آن گروه آنکه باشند از راه یافتگان ۝ آیا می گردانید سقایت اهل حاج را و

عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي

عمارت مسجد الحرام را چون کسی ایمان آورد بخدا و روز آخر و جهاد کرد در

سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

راه دین خدا برابر نیستند این هر دو نزد خدا و خدا راه نمی نماید گروه ستمکاران را

الَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ

آنانکه گرویدند و مهاجرت کردند و جهاد کردند در راه دین خدا بمالهای خود

وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

و نفسهای خود در حرب بزرگتر است از روی مرتبه نزد خدا و آن گروه ایشانند

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا

مژده دهد ایشان را پروردگارشان برحمت نازل از و خشنودی و بهشتها مر ایشانراست در آن

نَعِيمٌ مُقِيمٌ ۝ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۚ إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

نعمتی دایم ۝ گو جاوید باشند در آن همیشه بدرستیکه خدا نزد اوست مزد بزرگ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ

ای آنانکه گرویدید مگیرید پدران خود را و برادران خود را دوستان اگر

اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ ۚ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَأُولَٰئِكَ

دوست دارند ایشان کفر را بر ایمان ۝ و هر که دوست دارد ایشان را از شما پس ایشانند

هُمُ الظَّالِمُونَ ۝ قُلْ إِنْ كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ

ستمکاران ۝ بگو اگر باشد پدران شما ۝ و پسران شما و برادران شما

باشاق

علمای امامیه

رضی الله عنهم و نقله اخبار از طریقین

خصوصا کتب صحاح عامه این آیه در شان امیرالمومنین

صلوات الله علیه نازل شده از انجمله در طرق

عامه از زید مشغول است که روزی از زر و زرباشیه

و عباس با یکدیگر سخنی در باب تفاخر بر یکدیگر

میان داشتند که امیرالمومنین علیه السلام رسید

پرسید که چه میگویید عباس گفت خصالی مرا فضیلتی

داده که بهیچ احدی نداده مرا منصب میرابی

سقایت حاج سرافراز نموده پس گفت مرا بر تو

والای معماری مسجد الحرام رسانیده و آنحضرت فرمود

که چیزی ندارد از دگران تفاخر چیزی بمن داده است

خدا تعالی این هر سه که بشما داده شده برتر

که چه تو داده شده یا علی فرمود اینکه شمشیر را سینه پای

بزرگ شما را دوم تا ایمان آورده بخدا و رسول او

پس عباس غضبناک برخواست و دامن کشان بشکایت

آنحضرت نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفت

و عرضه داشت که آیا می بینی که پسری که بروی من علی چه

سخن درشتی میگوید و حکایت شکایت امیر را

تقریر نمود آنحضرت فرمود که علی را طلبید چون

آنحضرت حاضر شد رسول خدا فرمود که چه باعث

بود که عم خود را آزرده گردانیدی فرمود که یا رسول الله

سخن چینی با وی کشم خواهد آزرده شود و خواهد خشنود

پس جبرئیل آمد و عرض کرد که ای محمد بخشش که پروردگار

سلامت میرساند و میفرماید بر ایشان بخوان اجعلتم

سقایة الحاج تا آخر آیات پس عباس سه مرتبه

فرمود که بخشش ما راضی

شدیم و در رد و صد

وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ اقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ

و زنان شما و خویشان شما و مالهائی که کسب کردید شما آنرا و بازرگانی که می ترسید شما

كَسَادَهَا وَمَسَاكِنُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَ

کساد آنرا و مسکنها می پسندید آنرا دوست تر بسوی شما از خدا و

رَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ وَ

فرستاده او و جهاد کردن در راه خدا پس انتظار برید تا بیارد خدا عقوبت خود را و

اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝ لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ

خدا راه ننماید گروه بدکاران را بتحقیق که یاری کرد شما را خدا

فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ

در مواضع بسیار و روز جنگ حنین چون بشگفت آورد شما را بسیاری شما

فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ

پس دفع نکرد از شما چیزی را و تنگ آمد بر شما زمین با فراخی آن

ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَ

پس برگشتید از حرب گریختگان پس فرستاد خدا آرام و شکون بر فرستاده خود و

عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا

بر گروندگان و فرستاد لشکرهائی که ندیدند آنرا و عذاب کرد آنانرا که کافر شدند

وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ ۝ ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ

و این پاداش کافران بود پس توبه می پذیرد خدا از بعد این

عَلَى مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا

بر هر که خواهد و خدا آمرزنده مهربانست ای آنانکه گرویده اید جز این

الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا

که مشرکان پلیدند پس نزدیک نشوند بمسجد الحرام بعد ازین سال ایشان نهم هجرت

وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ

و اگر بترسید از درویشی پس زود باشد که بی نیاز گرداند شما را خدا از فضل خود اگر

شَآءَ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ قَٰتِلُوا۟ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَلَا

خواهد بدرستی که خدا دانای درست کردار است ۝ کارزار کنید آنانرا که نگروند بخدا و نه

بِٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ

بروز قیامت و حرام نمیدارند آنچه حرام کرد خدا و پیغمبر او و نمی پذیرند دین

ٱلْحَقِّ مِنَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْكِتَٰبَ حَتَّىٰ يُعْطُوا۟ ٱلْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ

حق را از آنجماعت که داده شدند کتاب تا بدهند جزیه را از دست خود و

صَٰغِرُونَ ۝ وَقَالَتِ ٱلْيَهُودُ عُزَيْرٌ ٱبْنُ ٱللَّهِ وَقَالَتِ ٱلنَّصَٰرَى

ایشان خوار شده باشند ۝ و گفتند ترسایان که عزیر پسر خداست و گفتند ترسایان

ٱلْمَسِيحُ ٱبْنُ ٱللَّهِ ۖ ذَٰلِكَ قَوْلُهُم بِأَفْوَٰهِهِمْ ۖ يُضَٰهِـُٔونَ قَوْلَ ٱلَّذِينَ

که عیسی پسر خداست این گفتار ایشانست بدهنهای ایشان مشابه می سازند سخن خود را بسخن آنانکه

كَفَرُوا۟ مِن قَبْلُ ۚ قَٰتَلَهُمُ ٱللَّهُ ۖ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ۝ ٱتَّخَذُوٓا۟ أَحْبَارَهُمْ

کافر شدند پیش از ایشان بکشد ایشان را خدا چگونه مصروف میشوند از حق بباطل ۝ گرفتند دانایان خود را

وَرُهْبَٰنَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَٱلْمَسِيحَ ٱبْنَ مَرْيَمَ وَمَآ أُمِرُوٓا۟

و زاهدان خود را خدایان از غیر خدا و عیسی پسر مریم را و مامور نشدند

إِلَّا لِيَعْبُدُوٓا۟ إِلَٰهًا وَٰحِدًا ۖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۚ سُبْحَٰنَهُۥ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝

مگر آنکه بپرستند خدای یگانه را نیست خدائی مگر او پاکست او از آنچه با او شریک می سازند

يُرِيدُونَ أَن يُطْفِـُٔوا۟ نُورَ ٱللَّهِ بِأَفْوَٰهِهِمْ وَيَأْبَى ٱللَّهُ إِلَّآ أَن يُتِمَّ

میخواهند انکه فرو نشانند نور خدا را بدهنهای خود و نمیخواهد خدا مگر انکه تمام کند

نُورَهُۥ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْكَٰفِرُونَ ۝ هُوَ ٱلَّذِىٓ أَرْسَلَ رَسُولَهُۥ بِٱلْهُدَىٰ

نور خود را و اگر چه کراهیت دارند کافران ۝ اوست که فرستاد پیغمبر خود را براهنمائی

وَدِينِ ٱلْحَقِّ لِيُظْهِرَهُۥ عَلَى ٱلدِّينِ كُلِّهِۦ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْمُشْرِكُونَ

و دین حق را تا ظاهر کند او را بر همه دینها و اگر چه کراهیت دارند مشرکان

يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓا۟ إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلْأَحْبَارِ وَٱلرُّهْبَانِ

ای آنانکه گرویده اید بدرستی بسیاری از علمای یهود و زاهدان

لیأکلون

از حضرت ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام مرویست که فرمودند بخدا سوگند که یهود و نصاری علمای خود را نپرستیدند لیکن از پیش خود علمای ایشان احکام وضع نمودند و ایشان پیروی آن احکام مینمودند پس من حیث لا یشعر علمای خود را پرستیده اند و این کلام از آنحضرت اشاره و ایست بعبادت اهل خلاف علمای خود را من حیث لا یشعر چه علمای ایشان بهم از پیش خود حلال و حرام اقرار میدهند و عوام الناس متابعت آن احکام می کنند

۱۲۲

از حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه مرویست که این اشاره و ایست بخروج مهدی آل محمد صلوات الله علیهم که در آنوقت هیچکس باقی نماند مگر آنکه اعتراف بنبوت محمد صلی الله علیه و آله بنماید

نصف

لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

هر آینه میخورند نحو مالهای مردمان را بباطل و باز میدارند مردم را از راه دین خدا

وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ

و آنانکه گنج و دفینه میکنند از طلا و نقره و نمیگذارند آن گنجها را در راه

اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ

خدا پس مژده ده ایشانرا بعذاب دردناک روزیکه گرم برآن در آتش دوزخ پس داغ کنند

بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَٰذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ

بآنها پیشانی ایشانرا و پهلوهای ایشانرا و پشتهای ایشانرا کوبند این است گنجهای شما برای نفسهای خود

فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ ۝ إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا

پس بچشید از آنچه بودید گنج ذخیره میکردید بدرستی که حساب ماهها نزد خدا است دوازده

عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ

ماه است در لوح محفوظ خدا روزیکه آفرید آسمانها

مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرُمٌ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ ۝ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنْفُسَكُمْ

از آن دوازده چهار ماه حرام است این دوازده حساب درستست پس ستم مکنید در این چهار ماه بنفسهای خود را

وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ

و کارزار کنید با مشرکان همه چنانکه جنگ میکنند شما را همه و بدانید بدرستی که خدا

مَعَ الْمُتَّقِينَ ۝ إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ

با پرهیزکارانست جز این نیست که تأخیر حرمت ماهی بماه دیگر افزونی است در کفر گمراه میشوند بدین کار آنانکه

كَفَرُوا يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُوَاطِئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ

کافر شدند حلال میکنند نسی را یکسال و حرام میکنند یکسال تا موافق کنند شمار آنچه حرام کرده

اللَّهُ فَيُحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زُيِّنَ لَهُمْ سُوءُ أَعْمَالِهِمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي

خدا پس حلال میکنند آنچه حرام کرده خدا آراسته شد برای ایشان بدی کارهای ایشان و خدا راه نمینماید

الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ

گروه کافرانرا ای آنانکه گرویدند چیست شما را چون گویند

وقف عام

لَكُمُ انفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ اثَّاقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرَضِيتُم بِالْحَيَوٰةِ

شمارا را که بیرون روید در راه خدا گرانی کنید بسوی زمین آیا راضی شدید بزندگانی

الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ

دنیا از آخرت پس نیست برخورداری زندگانی دنیا در آخرت مگر اندکی

إِلَّا تَنفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ

مگر اگر بیرون روید عذاب کند شما را عذابی دردناک و بدل کند بیاورد بقومی غیر شما

وَلَا تَضُرُّوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ إِلَّا تَنصُرُوهُ فَقَدْ

و زیان نتوانند رسانید او را چیزی و خدا بر هر چیز توانا است اگر نصرت ندهید پیغمبر خدا را پس بتحقیق

نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيَ اثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ

نصرت داد پیغمبر را چون بیرون کردند او را آنانکه کافر شدند دوم او وقتیکه او و ابو بکر در غار بودند

إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ

چون گفت پیغمبر مر یار غار را که اندوه مخور بدرستی که خدا با ماست پس فرستاد خدا آرام و سکون

عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَّمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا

بر او و قوت داد پیغمبر را بلشکرها که ندیدند شما را و کرد اندند کلمه آنانکه کافر شدند

السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ انفِرُوا خِفَافًا

فرو تر و کلمه خدا آنست بلند تر و خدا غالب و درست کار است بیرون روید در سبکباری

وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

و بسنگین باری و جهاد کنید بامو ال خود و نفسهای خود در راه دین خدا

ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا

این بهتر است برای شما اگر هستید که بدانید اگر بود متاع دنیا

وَسَفَرًا قَاصِدًا لَّاتَّبَعُوكَ وَلَٰكِن بَعُدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَ

و سفری نزدیک هر آینه پیروی کنند ترا ولیکن دور شد بر ایشان که

سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ

زود باشد که سوگند خورند بخدا اگر توانستیم هر آینه بیرون می آمدیم با شما هلاک میکنند

افسهم

چون حضرت رسالت پناهی متوجه تبوک بود جمعی از منافقان بهانه جسته و عذرها گفتند برای رفتن بآن سفر و آنحضرت عذرهای ایشان را نپذیرفت بمقتضای اسناد دروغ بعضی شانهم فاذن لمن شئت منهم یعنی اگر مسلمانان دستوری خواهند از تو در باب ماندن و نه پیروی رفتن بجهاد در پی کارهای خود پس دستوری ده هر کرا خواهی از ایشان و چون عذرهای ایشان

أَنفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۝ عَفَا اللَّهُ عَنكَ لِمَ أَذِنتَ

خودهاشان را | وخدا می داند | انکه آیشان | دروغگویانند | درگذرد | خدا | از تو برای چه مرخص نمودی

لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ

ایشانرا | تا | روشن شد | مر تورا | آنانکه راست گفتند | ومیدانستی | دروغگویانرا

لَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَن يُجَاهِدُوا

رخصت نمی طلبند از تو | آنانکه | ایمان دارند | بخدا | وروز | قیامت | اینکه جهاد نمایند

بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنفُسِهِمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ ۝ إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ

ببذل مالهای خود | وخودشان | وخدا داناست | بپرهیزکاران | جز این نیست که رخصت بخواهند از تو

الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ

آنانکه | ایمان ندارند | بخدا | وروز | رستخیز | ودرشک افتاده | دلهاشان | پس ایشان

فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ ۝ وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً

در شک خود | سرگردان میگردند | واگر اراده کردند | بیرون | لشکر را | هرآینه آماده میکردند برای خروج | برای

وَلَٰكِن كَرِهَ اللَّهُ انبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ

سفر | ولیکن کراهت داشت | خدا | برانگیختن ایشانرا | پس بازداشت ایشانرا | وگفتند | بنشینید | با

الْقَاعِدِينَ ۝ لَوْ خَرَجُوا فِيكُم مَّا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا

نشستگان | اگر بیرون آمدندی درمیان شما | نیفزودندی شمارا | مگر تباهی | و

لَأَوْضَعُوا خِلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ ۖ وَفِيكُمْ سَمَّاعُونَ

درمیانتان میشتافتند | درمیان شما | طلب میکردند شمارا | فتنه | ودرمیان شما شنوندگانند

لَهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ۝ لَقَدِ ابْتَغَوُا الْفِتْنَةَ مِن قَبْلُ

ایشانرا | وخدا داناست | بستمکاران | هرآینه طلبیدند | فتنه را | پیش ازین

وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ

وگردانیدند | برای تو | کارها را | تا انکه آمد | راستی | وغالب شد | امر خدا | وایشان میخواهند نصرت

وَمِنْهُم مَّن يَقُولُ ائْذَن لِّي وَلَا تَفْتِنِّي ۚ أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا ۗ

واز ایشان | کسی است که میگوید | رخصت ده مرا | ودر فتنه میفکن مرا | بدانکه | در فتنه افتادند

وَاِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ اِنْ تَصْبُكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ

وبدرستیکه دوزخ برآینده فراگیرنده است بکافران اگر برسد بتو خوبی اندوهگین شوند ایشان

وَاِنْ تُصِبْكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ اَخَذْنَا اَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَ

و اگر برسد تورا نامی گویند بدرستی که گرفتیم ما کار خود را پیش ازین و

يَتَوَلَّوا وَهُمْ فَرِحُونَ ۝ قُلْ لَنْ يُصِيبَنَا اِلَّا مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَنَا

برگردند و ایشان شادمانند بگو نرسد ما را مگر آنچه نوشته خدا برای ما

هُوَ مَوْلٰينَا وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝ قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ

اوست کارساز ما و بر خدا پس باید توکل کنند گروندگان بگو آیا انتظار میبرید

بِنَا اِلَّا اِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ اَنْ يُصِيبَكُمُ

بما مگر یکی از دو نیکوئی و ما انتظار میبریم بشما آنکه برساند شمارا

اللّٰهُ بِعَذَابٍ مِنْ عِنْدِهٖ اَوْ بِاَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا اِنَّا مَعَكُمْ

خدا عذابی از نزد خود یا بدستهای ما پس انتظار برید بدرستی ما با شما

مُتَرَبِّصُونَ ۝ قُلْ اَنْفِقُوا طَوْعًا اَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَّلَ مِنْكُمْ

انتظار برندگانیم بگو اگر نفقه کنید از رغبت یا بکراهت قبول کرده نخواهد شد از شما هرگز

اِنَّكُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ ۝ وَمَا مَنَعَهُمْ اَنْ تُقْبَلَ مِنْهُمْ

بدرستی که شما هستید گروهی بدکاران و باز نداشت ایشانرا

نَفَقَاتُهُمْ اِلَّا اَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللّٰهِ وَبِرَسُولِهٖ وَلَا يَاْتُونَ

نفقه های ایشان مگر انکه ایشان کافر شدند بخدا و بفرستاده او و نمی آیند

الصَّلٰوةَ اِلَّا وَهُمْ كُسَالٰى وَلَا يُنْفِقُونَ اِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ

بنماز مگر انکه ایشان کاهلانند و نفقه نمیکنند مگر انکه ایشان ناخوش دارندگانند

فَلَا تُعْجِبْكَ اَمْوَالُهُمْ وَلَآ اَوْلَادُهُمْ اِنَّمَا يُرِيدُ اللّٰهُ لِيُعَذِّبَهُمْ

پس باید بتعجب نیاورد تورا اموالهای ایشان و نه فرزندان ایشان جز این نیست که میخواهد خدا که عذاب کند ایشانرا

بِهَا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ اَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ

بآنها در زندگانی دنیا و برون رود جانهای ایشان و ایشان کافرانند

وَيَحْلِفُونَ

استفهام

انکاریست و غرض

آنست که باید که بدانند که حاقت کار در جهاد

باشهادتست و فوز بنعیم اخروی یا ظفر و غنیمت و هریک نعمتی است عظیم

یکی از

خسی غلبه و غنیمت و دیگر

شهادت و ثواب

دایم

وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُم مِّنكُمْ وَلَٰكِنَّهُمْ قَوْمٌ

و سوگند میخورند بخدا که ایشان از جملهٔ شمایند و نیستند ایشان از شما ولیکن ایشان گروهی اند که

يَفْرَقُونَ ۝ لَوْ يَجِدُونَ مَلْجَأً أَوْ مَغَارَاتٍ أَوْ مُدَّخَلًا لَّوَلَّوْا

می ترسند اگر بیابند پناهی یا غارها یا سوراخی رو میکنند

إِلَيْهِ وَهُمْ يَجْمَحُونَ ۝ وَمِنْهُم مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ

بسوی آن و ایشان می شتابند و از منافقان کسی هست که عیب کند تو را در صدقات

فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رَضُوا وَإِن لَّمْ يُعْطَوْا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ

پس اگر داده شود بعضی از آن خشنود شوند و اگر داده نشوند از آن ناگاه ایشان خشم گیرند

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ

و اگر آنست ایشان خشنود شوند بآنچه داده ایشان را خدا و فرستادهٔ او و گویند کافیست ما را خدا

سَيُؤْتِينَا اللَّهُ مِن فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ

زود باشد که بدهد ما را خدا از فضل خود و فرستادهٔ او بدرستی که ما بسوی خدا رغبت کنندگانیم

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا

جز این نیست که زکوات مر درویشان را و محتاجان را است و عمل کنندگان را بر آن

وَالْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ

و نرمی که الفت کرده شود دلهای ایشان و آزاد کردن بندگان و وامداران و صرف کردن راه خدا

وَابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ وَ

و راه گذران فی مال فرض فرمودنی کردنی از خدا و خدا دانای درست کار است و

مِنْهُمُ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنُ خَيْرٍ

از منافقان آنانند که می آزارند پیغمبر را و میگویند که پیغمبر مردی خوش شنوانست بگو او شنوندهٔ خیرات

لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ آمَنُوا

برای شما میگرود بخدا و میگرود مر مومنان را و رحمتست مر آنانرا که ایمان آرند

مِنكُمْ ۚ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ يَحْلِفُونَ

از شما و آنانکه می آزارند پیغمبر خدا را ایشانرا عذاب دردناک قسم میخورند

باللّٰه لكم ليرضوكم واللّٰه ورسوله أحق أن يرضوه إن كانوا
بخدا برای شما تا راضی کنند شما را و خدا و پیغمبر او سزاوارتر آنکه خشنود سازند اگر هستند
مؤمنين ۞ ألم يعلموا أنه من يحادد اللّٰه ورسوله فأن له
گروندگان آیا نمیدانند آنکه هر که خلاف کند با خدا و فرستاده او پس بدرستی که مر او را
نار جهنم خالدا فيها ذلك الخزي العظيم ۞ يحذر المنافقون
آتش دوزخ همیشه در آنند در آن رسوائی بزرگست حذر میکنند منافقان
أن تنزل عليهم سورة تنبئهم بما في قلوبهم ۞ قل استهزؤا إن
آنکه فرود آید بر ایشان سوره از قرآن که آگاه سازد ایشان را بآنچه در دلهاشانست بگو استهزا کنید بدرستی که
اللّٰه مخرج ما تحذرون ۞ ولئن سألتهم ليقولن إنما كنا
خدا برون آورنده چیزیست که حذر میکنید از آن و اگر بپرسی ایشان را گویند جز این نیست که ما
نخوض ونلعب قل أبا للّٰه وآياته ورسوله كنتم تستهزؤن
مسافران و بازی میکردیم بگو بخدا و آیات او و فرستاده او هستید شما که استهزا می کنید
لا تعتذروا قد كفرتم بعد إيمانكم إن نعف عن طائفة
عذر مگویید بدرستی که کافر شدید بعد از گرویدن شما اگر عفو کنیم از طایفه
منكم نعذب طائفة بأنهم كانوا مجرمين ۞ المنافقون
از شما عذاب میکنیم طایفه دیگر را بآنکه ایشان هستند گناهکاران مردان منافق
والمنافقات بعضهم من بعض يأمرون بالمنكر وينهون
و زنان منافق بعضی از ایشان بعضی امر میکنند بکار بد و باز میدارند
عن المعروف ويقبضون أيديهم نسوا اللّٰه فنسيهم إن المنافقين
از نیکوئی مردم و میگیرند از بخل دستهای خود را ترک کردند امر خدا را فراموش کرد ایشانرا بدرستی که منافقان
هم الفاسقون ۞ وعد اللّٰه المنافقين والمنافقات و
ایشان فاسقانند وعده کرد خدا مردان منافق را و زنان منافق را و
الكفار نار جهنم خالدين فيها هي حسبهم ولعنهم اللّٰه
کافران در آتش دوزخ جاوید باشند در آن بس است ایشانرا و دور کرد ایشانرا از خدا

وعظم

از آن حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه مرویست که هنگام مراجعت رسول خدا صلی الله علیه وآله از جهاد بنو مصطلق در آن وقت که لشکر در آن شب منزل فرود آمدند بعضی از منافقان بعضی دیگر را گفتند که چون بمدینه رویم البته اعز ما اذل را بیرون خواهد کرد و مراد ایشان از اعز خود و از اذل رسول خدا بود چون این سخن بگوش مبارک آن حضرت رسید ناقه خود را طلبید و سوار شد و بلشکر گاه آن جماعت رفت و از ایشان پرسید که چرا چنین سخنی گفته اید گفتند سوگند میخوریم که چنین سخنی نگفته ایم و چون از آن حضرت مفارقت نمودند عبد الله پسر ابی که پسر عبد الله بن ابی منافق بود بخدمت آن حضرت آمد و گفت شنیده ام که پدرم چنین سخنی گفته است اگر میخواهی سر او را برای تو بیاورم بخدا سوگند که خزرج میداند که هیچ کس از من نسبت بپدر خود نیکوکار تر نیست و من میترسم که تو فرمان دهی دیگری سر پدر مرا ببرد و نفس من راضی نشود که قاتل پدر خود را در روی زمین ببینم و بکشم پس او را بقتل رسانم و کافر شوم و بآتش دوزخ روم حضرت فرمود که ما با پدر تو نیکی خواهیم کرد و او را با خود نیکو خواهیم داشت چون این سخن بگوش عبد الله رسید بخدمت آن حضرت آمد و گفت یا رسول الله اکنون دانستم که تو بزرگواری و اخلاق تو نیکوست و چون آن حضرت بمدینه رسید عبد الله بن ابی بخدمت آن حضرت آمد و گفت یا رسول الله چرا بر من و بر اصحاب من خشم گرفته ای و ما را رسوا کرده ای آن حضرت فرمود که پسرت آمد و مرا خبر داد که تو چنین سخنی گفته ای عبد الله گفت سوگند میخورم که چنین سخنی نگفته ام و این جماعت دروغ میگویند و بر من افترا میکنند آن حضرت فرمود که ایشان راست میگویند و پسر تو دروغ میگوید عبد الله گفت یا رسول الله اکنون که چنین است عذر مرا بپذیر و از گناه من در گذر آن حضرت فرمود که ترا عذر نیست و گناه تو آمرزیده نمیشود مگر آنکه بگوئی که گواهی میدهم که نیست خدائی مگر خدا و من بنده خدا و رسول خدایم عبد الله گفت که من گواهی میدهم که نیست خدائی مگر خدا و من بنده خدا و رسول خدایم و چون عبد الله بن ابی بمرد پسر او عبد الله بخدمت آن حضرت آمد و گفت یا رسول الله پدرم مرد و من میترسم که عرب بگویند که چون معاونت اصحاب خود ظفر یافت بر دشمن روی بکشتن ایشان نهاد

یعنی صدقه و انفاق میکند

بعلت بخل

وَلَهُمْ عَذَابٌ مُقِيمٌ ۝ كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ

و ایشانرا است عذاب دایم ۝ همچنان آنانند که بودند پیش از شما که بودند سخت تر از شما

قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلَاقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ

از روی قوت و بیشتر بحسب مال و فرزندان پس بهره گرفتند بنصیب خویش همچنانکه بهره یافتند

بِخَلَاقِكُمْ كَمَا اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلَاقِهِمْ وَخُضْتُمْ

بنصیب خویش همچنانکه بهره یافتند آنانکه بودند پیش از شما بهره خویش و شروع کردید

كَالَّذِي خَاضُوا أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

چنانکه شروع کردند آن گروه نابود گشت کردار ایشان در دنیا و آخرت

وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

و آن گروه ایشان زیان کارند آیا نیامد ایشانرا خبر آنانکه پیش از ایشان بودند

قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَ

قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم را و اصحاب مدین و

الْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ

قوم مؤتفکات آمد ایشانرا پیغمبران ایشان با معجزات پس نیست خدا

لِيَظْلِمَهُمْ وَلَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ وَالْمُؤْمِنُونَ وَ

که ستم کند ایشانرا ولیکن بودند که بر نفسهای خود ستم کردند و مردان مؤمن و

الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ

و زنان مؤمنه بعضی ایشان دوستان بعضی اند امر کنند به نیکوئی و

يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

باز دارند از بدی و بپای میدارند نماز را و میدهند زکوات را

وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ

و فرمان میبرند خدا و فرستاده او را آن گروه زود باشد که رحم کند ایشانرا خدا بدرستی که خدا

عَزِيزٌ حَكِيمٌ ۝ وَعَدَ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ

غالب درست کار است وعده کرد خدا گروندگان را و زنان گروندگان را بهشتها

قریه بودند که قوم لوط داشتند و هر سه یکون شد

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي

که میرود از زیر آنها نهرها که در جاوید باشند در آن و در جایگاهای پاکیزه و در

جَنَّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوَانٌ مِنَ اللَّهِ أَكْبَرُ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

بوستانهای باقامت و خشنودی از خدا بزرگتر است این آن رستگاری بزرگ است

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ

ای پیغمبر جهاد کن با کفار و با منافقان و درشت باش

عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا

بر ایشان و بازگشت ایشان دوزخ است و بد بازگشتی است سوگند میخورند بخدا که

قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ

نگفته اند و بتحقیق گفتند کلمه کفر را و کافر شدند بعد از اسلام ایشان

وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ اللَّهُ وَ

و قصد کردند بآنچه نیافتند و کینه نداشتند مگر از آنکه بی نیاز کرد ایشانرا خدا و

رَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ وَإِنْ يَتَوَلَّوْا

فرستاده او از کرم فضل خود پس اگر توبه کنند آن توبه بهتر است مر ایشانرا و اگر برگردند

يُعَذِّبْهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ فِي

عذاب کند ایشانرا خدا عذابی دردناک در دنیا و آخرت و نیست مر ایشانرا در

الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ وَمِنْهُمْ مَنْ عَاهَدَ اللَّهَ لَئِنْ

زمین هیچ دوستی و یاری دهنده و بعضی از ایشان کسیست که عهد کرد با خدا که اگر

آتَانَا مِنْ فَضْلِهِ لَنَصَّدَّقَنَّ وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ فَلَمَّا

بدهد ما را از فضل خود البته صدقه دهیم و باشیم از شایستگان پس آن هنگام که

آتَاهُمْ مِنْ فَضْلِهِ بَخِلُوا بِهِ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُعْرِضُونَ فَأَعْقَبَهُمْ

داد ایشانرا از کرم فضل خود بخل کردند بآن و روی کردند و ایشان اعراض کنندگانند پس بازپس آورد ایشانرا

نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ مَا وَعَدُوهُ

نفاقی در دلهای ایشان بسوی روزی که ملاقات کنند سبب آنکه خلاف کردند بخدا آنچه وعده دادند

جهاد

با منافقین بالزام حجت و

اقامت حدود شرعیه است و در مجمع البیان

گفته که مرویست که اهل بیت علیهم السلام چنین

قرائت نموده اند که جاهد الکفار بالمنافقین و

فرموده اند که رسول خدا جهاد با منافقین نکرد و

بلکه تالیف قلوب ایشان مینمود برای جهاد با کفار

و چون منافقین اظهار کفر نمیکردند هر چند که

خدا تعالی علم بکفر ایشان داشت

قتل ایشان مباح نبود

بعلت اظهار

ایمان

مراد

از غنا رسول صلی الله

علیه و آله آنست که بمرکت قدوم آنحضرت

اهل مدینه بغنایم و اموال بسیار رسیدند بعد از

آنکه نهایت محتاج بودند

وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ ۝ أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ

وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ۝ الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

فِي الصَّدَقَاتِ وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ

مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ اسْتَغْفِرْ لَهُمْ أَوْ لَا

تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ

لَهُمْ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي

الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝ فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ

رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي

سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا

لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ ۝ فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً

بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَىٰ طَائِفَةٍ مِنْهُمْ

فَاسْتَأْذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ

تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا ۖ إِنَّكُمْ رَضِيتُم بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ

جنگ کنید در مصاحبت من دشمنی را بدرستی که شما راضی شدید بنشستن اول مرتبه

فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ ﴿٨٣﴾ وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُم مَّاتَ أَبَدًا

پس بنشینید با پس ماندگان و نماز مکذار بر هیچ یک از ایشان که مرده باشد همیشه

وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ ۖ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ

و مایست بر سر قبر او بدرستی که ایشان کافر شدند بخدا و فرستاده او و مردند و ایشان

فَاسِقُونَ ﴿٨٤﴾ وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ ۚ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَن

بدکارانند و باید که تعجب نیارد تو را مالهای ایشان و فرزندان ایشان جز این نیست که میخواهد خدا آنکه

يُعَذِّبَهُم بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ

عذاب کند ایشان را بآن در دنیا و بیرون رود جانهای ایشان و ایشان کافران باشند

وَإِذَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ أَنْ آمِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ

و چون فرستاده شود سوره که بگروید بخدا و جهاد کنید بصحابت پیغمبر او

اسْتَأْذَنَكَ أُولُو الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُن مَّعَ الْقَاعِدِينَ

رخصت خواهند از تو خداوندان مال از ایشان و گویند بگذار ما را تا باشیم با نشستگان

رَضُوا بِأَن يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا

راضی شدند بآنکه بوده باشند با زنان و کودکان و مهر نهاده شد بر دلهای ایشان پس ایشان

يَفْقَهُونَ ﴿٨٧﴾ لَٰكِنِ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ

فهم نمی کنند لیکن فرستاده خدا و آنانکه گرویده اند با او جهاد کردند بمالهای خود

وَأَنفُسِهِمْ ۚ وَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

و بنفسهای خود و آن گروه مر ایشانرا خوبیهاست و آن گروه ایشانند رستگاران

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

آماده ساخت برای ایشان بهشتها که میرود از زیر آنها جویها که جاوید باشند

فِيهَا ۚ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿٨٩﴾ وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ

در آن به آنست پیروزی بزرگ و آمدند عذر گویندگان از اعراب

لِيَؤُدَنَّ لَهُمْ وَعَدَ الَّذِينَ كَذَّبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ

تا رخصت داده شود مر ایشان را نشستن آنانکه دروغ گفتند با خدا و فرستاده او زود باشد که برسد

الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا

آنانرا که کافر شدند از ایشان عذاب دردناک نیست بر ناتوانان و نه

عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ

بر بیماران و نه بر آنانکه نیابند چیزی را که نفقه کنند گناهی

إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ

چون بنگوهی نمایند خدا و پیغمبر او را نیست بر نیکوکاران هیچ راه عتابی و خدا

غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ

آمرزنده و مهربان است و نه بر آنانکه چون آیند تو را تا سوار کنی ایشان را گفتی

لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ

نمی یابم چیزی را که سوار کنم شما را بر او باز گشتند و چشمهای ایشان از روان می شد از

الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ ۝ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى

اشک بجهة اندوه اینکه نمیباشد آنچه نفقه کنند جز این نیست که راه عتاب بر

الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءُ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ

آنان که رخصت میخواهند از تو و ایشان توانگرانند خشنود بودند باکه بوده باشند با

الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

زنان و کودکان و مهر نهاد خدا بر دلهای ایشان پس ایشان نمیدانند

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا

عذر خواهند آورد بسوی شما چون بازگردید بسوی ایشان بگو عذر میاورید

لَنْ نُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَّأَنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ

هرگز باور نخواهیم داشت شما را بتحقیق که خبر داده است خدا ما را از خبرهای شما و زود باشد که ببیند خدا کردار شما را

وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ

و فرستاده او پس بازگردانیده خواهید شد بسوی داننده نهان و آشکار پس خبر دهد شما را

از ابو حمزه
ثمالی منقول است
که ایشان هفت نفر بودند
نفر از بنی النجار عبد الرحمن ابن کعب و عتبه بن زید
و عمرو بن عثیمه و سه نفر از بنی عمرو بن عوف سالم
ابن عمیر و هرم ابن عبد الله و عبد الله بن عمرو و یکی
از بنی عبد الله بن معقل بخدمت رسول خدا
رفته هنگام خروج آنحضرت بجهاد تبوک و عرضه
داشتند که یا رسول الله تهیه ما نمای و ما را ماخود
هیچ نداریم آنحضرت فرمود که من هم هیچ
ندارم ایشان بگریه آمدند از
غایت اندوه

بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ

آنچه بودید که میکردید ۝ زود باشد که قسم میخورند بخدا برای شما چون باز گردید شما بسوی ایشان

لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ فَأَعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رِجْسٌ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ

تا اعراض کنید از ایشان پس اعراض کنید از ایشان بدرستی ایشان پلیدند و جای ایشان دوزخ است

جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنْ

پاداش را آنچه بودند که میکردند ۝ قسم میخورند برای شما تا راضی شوید از ایشان پس اگر

تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ ۝ الْأَعْرَابُ

راضی شوید از ایشان پس بدرستی که خدا راضی نمی شود از گروه بدکاران ۝ عربان بادیه

أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا أَنزَلَ

سخت ترند کفر و نفاق را و سزاوارترند از انکه ندانند اندازهای آنچه فرستاد

اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يَتَّخِذُ مَا

خدا بر پیغمبر خود و خدا دانای درست کار است ۝ و از اعراب بادیه کسیست که فرا میگیرد آنچه

يُنفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمُ الدَّوَائِرَ ۚ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ ۗ وَاللَّهُ

نفقه مینماید تاوانی و غرامتی و انتظار میبرند بشما گردشهای روزگار بر ایشان گردشهای بد روزگار و خدا

سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَ

شنوای داناست ۝ و از اعراب بادیه کسانی هستند که ایمان دارند بخدا و روز قیامت و

يَتَّخِذُ مَا يُنفِقُ قُرُبَاتٍ عِندَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ ۚ أَلَا إِنَّهَا

فرا میگیرند آنچه صدقه میدهند اسباب تقرب نزد خدا و سبب درود دعای پیغمبر بدانید که نفقات سبب

قُرْبَةٌ لَّهُمْ ۚ سَيُدْخِلُهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

قربتشان است زود باشد که داخل کند ایشانرا خدا در رحمت خود بدرستی که خدا آمرزنده مهربان است

وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنصَارِ وَالَّذِينَ

و پیشی گیرندگان پیشینیان از مهاجران و از انصار و آنانکه

اتَّبَعُوهُم بِإِحْسَانٍ رَّضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ

پیروی کردند ایشانرا بخوبی خشنود گشت خدا از ایشان و خشنود گشتند از او و آماده کرد برایشان

جلسم
دائره الشوا جمله
دعائیه است برای یقرن
باشان

انسابقون
مبتدا و رضی الله
خبر اوست باتفاق عامه و خاصه اول مومنان
بآنحضرت صلی الله علیه و اله از مردان علی بن ابی
طالب صلوات الله علیه و از زنان خدیجه بود رضی الله
عنها لیکن عامه گویند چون علی علیه السلام در اول
خورد سال بود و بحد بلوغ نرسیده بود ایمان
اعتبار ندارد پس اول مومنین
از مردان ابو بکر است

جَنّٰتٍ تَجْرِی تَحْتَهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِیْنَ فِیْهَآ اَبَدًا ذٰلِكَ
بوستانها که میرود از زیر آنها نهرها همیشه جاوید اند در آن دایم این است
الْفَوْزُ الْعَظِیْمُ ۞ وَمِمَّنْ حَوْلَكُمْ مِّنَ الْاَعْرَابِ مُنٰفِقُوْنَ ۛ وَمِنْ
رستگاری بزرگ و آنانکه گرداگرد شمایند از اعراب منافقان هستند و از
اَهْلِ الْمَدِیْنَةِ ۛ مَرَدُوْا عَلَی النِّفَاقِ ۖ لَا تَعْلَمُهُمْ ۖ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ ۚ
اهل مدینه جمعی هستند که خوگردند بر نفاق نمیدانی تو ایشانرا ما میدانیم ایشانرا
سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَیْنِ ثُمَّ یُرَدُّوْنَ اِلٰی عَذَابٍ عَظِیْمٍ ۞ وَاٰخَرُوْنَ
بزودی عذاب کنیم ایشان را دو مرتبه پس گردانیده شوند بسوی عذاب بزرگ و قومی دیگرند
اعْتَرَفُوْا بِذُنُوْبِهِمْ خَلَطُوْا عَمَلًا صَالِحًا وَّاٰخَرَ سَیِّئًا ۗ عَسَی اللّٰهُ
که اقرار کردند بگناهان خود آمیختند کردار نیک را که عمل بود و کردار بد که مخالفت بود باهم شاید خدا
اَنْ یَّتُوْبَ عَلَیْهِمْ ۗ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ ۞ خُذْ مِنْ اَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً
آنکه بپذیرد توبه ایشان بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست بگیر از مالهای ایشان کوه فریضه را
تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّیْهِمْ بِهَا وَصَلِّ عَلَیْهِمْ ۖ اِنَّ صَلٰوتَكَ سَكَنٌ
تا پاک گردانی ایشانرا و بزنا و کنی حسنات ایشانرا بآن بگیری و دعا کنی بر ایشان بدرستی که دعای تو آرامش
لَّهُمْ ۗ وَاللّٰهُ سَمِیْعٌ عَلِیْمٌ ۞ اَلَمْ یَعْلَمُوْٓا اَنَّ اللّٰهَ هُوَ یَقْبَلُ التَّوْبَةَ
ایشان است و خدا شنوای داناست آیا نمیدانند بدرستی که خدا اوست که قبول میکند توبه را
عَنْ عِبَادِهٖ وَیَاْخُذُ الصَّدَقٰتِ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ التَّوَّابُ
از بندگان خود و میگیرد صدقه های ایشان را و بدرستی که خدا اوست پذیرنده توبه
الرَّحِیْمُ ۞ وَقُلِ اعْمَلُوْا فَسَیَرَی اللّٰهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُوْلُهٗ وَ
که مهربانست و بگو کردار نیک را پس بزودی به بیند خدا کردار شما را و فرستاده او و
الْمُؤْمِنُوْنَ ۖ وَسَتُرَدُّوْنَ اِلٰی عٰلِمِ الْغَیْبِ وَالشَّهَادَةِ فَیُنَبِّئُكُمْ
مومنان را هم و زود باشد که رد کرده شوید بسوی دانای نهان و آشکار پس آگاه سازد شما را
بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ۞ وَاٰخَرُوْنَ مُرْجَوْنَ لِاَمْرِ اللّٰهِ اِمَّا یُعَذِّبُهُمْ
بآنچه بودید که میکردید و دیگران که واپس داشته شده اند برای امر خدا یا عذاب کند ایشانرا

از ابوسعد ثعالبی مشهور است که معترفین سه نفر بودند انصار ابولبابه

وَاَمَّا یَتُوبُ عَلَیْهِمْ وَاللّٰهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ ۝ وَالَّذِینَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا

و یا بگرود توبه و پذیرد ایشان را | و خدای داناست | درست کار است | و آنانکه | بنا نمودند مسجد را

ضِرَارًا وَکُفْرًا وَتَفْرِیقًا بَیْنَ الْمُؤْمِنِینَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ

برای ضرر رسانیدن بمومنان و تقویت کفر و | تفرقه | میان | مومنان | و برای انتظار آنکس که جنگ کرد

اللّٰهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَیَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللّٰهُ

با خدا و رسول او | از پیش | و هر آینه سوگند میخورند | که ما نخواستیم مسجد مگر | خوبی را | و خدا

یَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَکَاذِبُونَ ۝ لَا تَقُمْ فِیهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى

گواهی میدهد | بانکه ایشان | هر آینه دروغگویانند | هرگز | در آن | هر آینه مسجدی که بنا شده | بر

التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ یَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِیهِ فِیهِ رِجَالٌ یُحِبُّونَ

پرهیزکاری | از | اول | روز | سزاوارتر است | از آنکه بایستی | در آن | در مسجد | قیام دارند | که دوست دارند

أَنْ یَتَطَهَّرُوا وَاللّٰهُ یُحِبُّ الْمُطَّهِّرِینَ ۝ أَفَمَنْ أَسَّسَ بُنْیَانَهُ عَلَىٰ

انکه پاک و پاکیزه شوند | و | خدا دوست میدارد | پاکیزه کاران را | آیا پس | هر که | پاک کند بنای | دین خود را | بر

تَقْوَىٰ مِنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانٍ خَیْرٌ أَمْ مَنْ أَسَّسَ بُنْیَانَهُ عَلَىٰ شَفَا جُرُفٍ

پرهیزکاری | از | خدا | و | طلب خشنودی | او بهتر است | یا | آنکه بنا | و اساس نهد | بنای دین خود را | بر | کنار رودی که

هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِی نَارِ جَهَنَّمَ وَاللّٰهُ لَا یَهْدِی الْقَوْمَ الظَّالِمِینَ

زیرش ویران شود | پس | از این | و | آن در آتش | دوزخ است | و خدا | راه نمینماید | گروه | ستمکاران را

لَا یَزَالُ بُنْیَانُهُمُ الَّذِی بَنَوْا رِیبَةً فِی قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ

همیشه | هست | بنای | ایشان | بنائی که بنا نهادند | بشک و نفاق | در | دلهای ایشان | مگر | آنکه پاره پاره کرده

قُلُوبُهُمْ وَاللّٰهُ عَلِیمٌ حَکِیمٌ ۝ إِنَّ اللّٰهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِینَ

دلهای ایشان | و خدا داناست | درست کار است | بدرستی که خدا | بخرید | از | مومنان

أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ یُقَاتِلُونَ فِی سَبِیلِ اللّٰهِ

نفسهای ایشان را | و مالهای ایشان را | بانکه مر ایشان را باشد بهشت | جنگ میکنند | در | راه دین خدا

فَیَقْتُلُونَ وَیُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَیْهِ حَقًّا فِی التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِیلِ

پس میکشند و کشته میشوند | وعده داده خدا بر این | وعده حق | در | تورات | و انجیل

وَالْقُرْآنِ

وَالْقُرْاٰنِ ۚ وَمَنْ اَوْفٰى بِعَهْدِهٖ مِنَ اللّٰهِ فَاسْتَبْشِرُوْا بِبَيْعِكُمُ

و قرآن و کیست وفا کننده تر بعهد خود از خدا پس شاد باشید بخرید و فروخت خود

الَّذِيْ بَايَعْتُمْ بِهٖ ۚ وَذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ۝ اَلتَّآئِبُوْنَ الْعَابِدُوْنَ

آنکه مبایعت کردید باو آن بیع و آن بزرگ رستگاری است ای توبه کنندگان پرستندگان

اَلْحَامِدُوْنَ اَلسَّآئِحُوْنَ اَلرَّاكِعُوْنَ اَلسَّاجِدُوْنَ اَلْاٰمِرُوْنَ

ستایندگان حق روزه داران یا سیر کنندگان راه جهاد رکوع کنندگان سجده کنندگان فرمایندگان

بِالْمَعْرُوْفِ وَالنَّاهُوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُوْنَ لِحُدُوْدِ

بایمان و طاعت پیغمبر و نهی کنندگان از کفر و گناه و نگاه دارندگان امر احکام

اللّٰهِ ۗ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ ۝ مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اَنْ

خدا را و بشارت ده مومنان را اخبر پیغمبر را و آنانکه ایمان دارند آنکه

يَّسْتَغْفِرُوْا لِلْمُشْرِكِيْنَ وَلَوْ كَانُوْٓا اُولِيْ قُرْبٰى مِنْۢ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ

آمرزش طلبند مشرکان را اگر چه بوده باشند خداوندان خویشی و قرابت از پس آنکه روشن شود

لَهُمْ اَنَّهُمْ اَصْحٰبُ الْجَحِيْمِ ۝ وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ اِبْرٰهِيْمَ لِاَبِيْهِ

ایشانرا آنکه ایشان اهل دوزخ اند و نبود خواستن آمرزش ابراهیم برای پدر خود

اِلَّا عَنْ مَّوْعِدَةٍ وَّعَدَهَآ اِيَّاهُ ۚ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهٗٓ اَنَّهٗ عَدُوٌّ لِّلّٰهِ تَبَرَّاَ

مگر بر وعده که وعده داده بود مر عم خود را پس چون ظاهر شد برای او که او دشمن است مر خدا را بیزار شد

مِنْهُ ۚ اِنَّ اِبْرٰهِيْمَ لَاَوَّاهٌ حَلِيْمٌ ۝ وَمَا كَانَ اللّٰهُ لِيُضِلَّ قَوْمًاۢ بَعْدَ

از او بدرستی ابراهیم بسیار ناله کننده و دعا آرزو برد بار بود و نشاید خدا را که گمراه کند قومی را بعد از

اِذْ هَدٰىهُمْ حَتّٰى يُبَيِّنَ لَهُمْ مَّا يَتَّقُوْنَ ۗ اِنَّ اللّٰهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ

آنکه راه نمود ایشانرا تا روشن کرد ایشانرا آنچه واجبست بر پرهیزان بدرستی خدا بر هر چیز داناست

اِنَّ اللّٰهَ لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۗ يُحْيٖ وَيُمِيْتُ ۗ وَمَا

بدرستی که خدا مر اوراست پادشاهی آسمانها و زمین زنده میکند و میمیراند و نیست

لَكُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ مِنْ وَّلِيٍّ وَّلَا نَصِيْرٍ ۝ لَقَدْ تَّابَ اللّٰهُ

مر شما را از غیر خدا هیچ دوستی مر را و نه یاری دهنده هر آینه بحقیق که پذیرفت توبه را خدا

بعضی از مفسرین گفته اند که آواه در لغت حبشه بمعنی مومن و معانی دیگر هم گفته اند و بمعنی مهربانی لطافت خلق است

اولئک علیهم صلوات من ربهم ورحمة وأولئک هم المهتدون ان الصفا والمروة من شعائر الله فمن حج البیت او اعتمر فلا جناح علیه ان یطوف بهما ومن تطوع خیرا فان الله شاکر علیم

علی النبی والمهاجرین والانصار الذین اتبعوه فی ساعة
العسرة من بعد ما کاد یزیغ قلوب فریق منهم ثم تاب علیهم
انه بهم رؤف رحیم وعلی الثلثة الذین خلفوا حتی اذا
ضاقت علیهم الارض بما رحبت وضاقت علیهم انفسهم
وظنوا ان لا ملجا من الله الا الیه ثم تاب علیهم لیتوبوا ان
الله هو التواب الرحیم یا ایها الذین امنوا اتقوا الله وکونوا
مع الصادقین ما کان لاهل المدینة ومن حولهم
من الاعراب ان یتخلفوا عن رسول الله ولا یرغبوا بانفسهم
عن نفسه ذلک بانهم لا یصیبهم ظمأ ولا نصب ولا مخمصة
فی سبیل الله ولا یطئون موطئا یغیظ الکفار ولا ینالون
من عدو نیلا الا کتب لهم به عمل صالح ان الله لا یضیع
اجر المحسنین ولا ینفقون نفقة صغیرة ولا کبیرة ولا

یقطعون

از ثلاثة ابن مالک
ومرارة بن ربیع وهلال ابن امیة اند
که در جهاد تبوک تخلف ورزیده در خدمت آنحضرت
نبودند لیکن نه از روی نفاق بلکه از راه کاهلی و تن
ازم جهت آنحضرت از آنسفر خبر ایشان را کردند
پشیمان شده بخدمت فرستاده در مقام عذرخواهی
واستغفار درآمدند و آنحضرت با ایشان سخن نکفت
و بیشتر با مسلمانان فرموده بود که با این کروه سخن
نگویند و همنشینی ننمایند و با ایشان نزدیکی ننمایند
و زنان ایشان چون غضب خدا و رسول را در ایشان
دیدند بخدمت رفته عرضه داشتند که یا رسول الله
ما را از ایشان دوری کنیم و از خانهای ایشان بیرون
رویم آنحضرت فرمودند لیکن نکذارید که با شما
مباشرت نمایند و مقاربت صدور این نوع غضب از آن
حضرت این بود که بعد از مراجعت تو به جمعی از متخلفین
مانند ابولبابه و جمعیکه کذشت بدرجه قبول افتاد
و ایشان باعتبار این زلت و خواری عوانشد بر
بردار شهر بیرون رفته بر سر کوهها بسر میبردند لیکن
سخن نکفتند تا روز پنجاه و روز ما
وضع کذرانیده در کریه و زاری
و استغاثه و استغفار بودند
تا این آیه
آمد

يَقْطَعُونَ وَادِيًا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا
يَعْمَلُونَ ۝ وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ
فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ
إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا
قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُم مِّنَ الْكُفَّارِ وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً
وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ ۝ وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُم
مَّن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَٰذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَزَادَتْهُمْ
إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ۝ وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ
رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ ۝ أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ
يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ
يَذَّكَّرُونَ ۝ وَإِذَا مَا أُنزِلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ هَلْ
يَرَاكُم مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ انصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُم بِأَنَّهُمْ

يقطعون وادیا الا کتب لهم لیجزیهم الله احسن ما کانوا
یعملون وما کان المؤمنون لینفروا کافة فلولا نفر من کل
فرقة منهم طائفة لیتفقهوا فی الدین ولینذروا قومهم
اذا رجعوا الیهم لعلهم یحذرون یا ایها الذین امنوا
قاتلوا الذین یلونکم من الکفار ولیجدوا فیکم غلظة
واعلموا ان الله مع المتقین واذا ما انزلت سورة فمنهم
من یقول ایکم زادته هذه ایمانا فاما الذین امنوا فزادتهم
ایمانا وهم یستبشرون واما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم
رجسا الی رجسهم وماتوا وهم کافرون اولا یرون انهم
یفتنون فی کل عام مرة او مرتین ثم لا یتوبون ولا هم
یذکرون واذا ما انزلت سورة نظر بعضهم الی بعض هل
یرکم من احد ثم انصرفوا صرف الله قلوبهم بانهم

قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ۞ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ

گروهی اند که نمی یابند بتحقیق که آمد شمارا پیغمبری از جنس شما دشوار است بر او

مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ۞ فَإِنْ تَوَلَّوْا

آنچه در رنج افتید حریص است بر اسلام شما و بگرونده مهربان بخشاینده است پس اگر برگردند

فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ

پس بگو که بسنده مرا خدائی است نیست خدائی مگر او بر او توکل کردم و او است پروردگار

الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

عرش بزرگ

سورة يونس مائة و تسع و تسعون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الر ۚ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ ۞ أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا

منم خدای بخشاینده این سوره آیتهای قرآنست که مشتمل است بحکمت آیا است مردمانرا تعجبی که وحی کردیم

إِلَىٰ رَجُلٍ مِنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ

بسوی مردی که از ایشانست که بیم کن مردم را و مژده ده آنانرا که ایمان آورده اند که مر ایشانرا سابقه

صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ قَالَ الْكَافِرُونَ إِنَّ هَٰذَا لَسَاحِرٌ مُبِينٌ

بزرگی نزد پروردگارشان گفتند کافران بدرستیکه این مرد جادوئیست آشکار

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ

بدرستی که پروردگار شما خدائی است که آفرید آسمانها و زمین را در شش روز

ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ ۖ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ

پس مستولی شد بر آفریدن عرش تدبیر میکند با مر کاینات را نیست هیچ شفاعت کننده مگر پس از

إِذْنِهِ ۚ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۚ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۞ إِلَيْهِ

رخصت او اینست شما را خدا که پروردگار شماست پس بپرستید او را آیا پس یاد نمی کنید بسوی او

مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا ۖ وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا ۚ إِنَّهُ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ

بازگشت شما همه بموت و نشور وعده داد خدا وعده راست بدرستی که خدا اول آفرید خلق را پس میراند و زنده کند

از حضرت ابی عبدالله علیه السلام روایت است که هر که سوره یونس را در هر دو ماه یکبوت بخواند ایمن است از این که از جمله جاهلین باشد در روز قیامت از مقربان درگاه الهی است

سابقه قدم از آن گویند که پس از قدم می نهاد و مراد از ان کردارهای نیکست یا شفاعت شفیع روز محشر

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ ۚ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

تا جزا دهد آنان را که گرویدند و کردند کارهای شایسته بعدل و آنانکه کافر شدند

لَهُمْ شَرَابٌ مِنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

مر ایشانراست آشامیدنی از آب گرم و عذاب دردناک بسبب آنچه بودند که کافر شدند

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسَ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ

اوست آنخداوندی که گردانید آفتابرا روشنی و ماهرا صاحب نور و تقدیر کرد او را منزلها

لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ۚ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَٰلِكَ إِلَّا

تا بدانید شمار سالها و حساب ماهها در آنچه آفرید خدا این را مگر

بِالْحَقِّ ۚ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ إِنَّ فِي اخْتِلَافِ

براستی روشن میگند آیتها را برای گروهی که میدانند بدرستی که در آمد و شد

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

شب و روز و در آنچه آفرید خدا در آسمانها و در زمین

لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَّقُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا

هر آینه نشانهاست مر گروهی را که بترسند بدرستی که آنانکه امید ندارند رسیدن بآخرت را و راضی شدند

بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنُّوا بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ

بزندگانی دنیا و آرام گرفتند بآن و ایشانند از آیتهای ما بیخبران

أُولَٰئِكَ مَأْوَاهُمُ النَّارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا

آنها اند که جایگاه ایشان آتشست بآنچه بودند که کسب میکردند بدرستیکه آنانکه گرویدند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ بِإِيمَانِهِمْ ۖ تَجْرِي مِنْ

و کردند کارهای شایسته راه نماید ایشانرا پروردگارشان بسبب ایمانشان راهیست که میرود از

تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۝ دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ

زیر ماوای ایشان نهرها در بوستانهای برخوردن خواندن ایشان خدایرا در بهشت منزه و پاکی تو

اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ۚ وَآخِرُ دَعْوَاهُمْ أَنِ الْحَمْدُ لِلَّهِ

خداوندا و درود ایشان در بهشت سلامتی و آخر خواندن ایشان این است که ستایش مخدایرا

یا درود
فرشتگان بر ایشان
سلام است کویند سلام علیکم طبتم
فادخلوها خالدین

رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ

کربروردگار جهانیان ۝ واگر شتاب کند خدا برای مردمان در شر را همچون تعجیل ایشان

بِالْخَيْرِ لَقُضِيَ إِلَيْهِمْ أَجَلُهُمْ ۚ فَنَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا

بدعای خیر هر آینه گذارده شود ایشانرا اجل ایشان پس میگذاریم آنانرا که امید ندارند برسیدن ثواب ما

فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ ۝ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا

در گمراهی ایشان سرگردان ۝ وچون برسد بآدمی سختی در بخی بخواند ما را

لِجَنْبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ

حالیکه بکیه کرده باشد یا ایستاده باشد پس چون برداریم از او رنج او را برود بکجه گویا که

لَمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرٍّ مَسَّهُ ۚ كَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا

که او نخوانده باشد که باو رسیده باشد ضرری همچنین ۝ زینت داده شد شیطان برای اسراف کاران آنچه میکنند

يَعْمَلُونَ ۝ وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَ

کرمیکنید ۝ وبدرستی که هلاک کردیم ما امتهارا اهل قرنها را پیش از شما را که ستم کردند و

جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا ۚ كَذَٰلِكَ نَجْزِي

آمد ایشانرا پیغمبران بحجتهای روشن ۝ وبنودند که ایمان آورند همچنین جزا میدهیم

الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ ۝ ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ

گروه گناهکاران را پس گردانیدیم شمارا جانشینها در زمین از

بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ ۝ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا

پس ایشان تا ببینیم عمل میکنید ۝ وچون خوانده شود برایشان آیتهای ما

بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا ائْتِ بِقُرْآنٍ غَيْرِ هَٰذَا أَوْ

کروشن است گفتند آنانکه امید ندارند برسیدن ثواب وعقاب ما بیار قرآنی غیر این یا

بَدِّلْهُ ۚ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَاءِ نَفْسِي ۖ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا

بدل کن او را بگو نیست مرا که تبدیل کنم قرآنرا از پیش خود نفس خود متابعت میکنم مگر

مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ ۖ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

انچه وحی شود بمن بدرستی که من میترسم اگر عاصی شوم از پروردگار خود عذاب روز بزرگ

قدر

معطوفست بر مقدری

گویا گفته شده ولکن لا نجعل والضحی

قدر وغرض آنست که از ارباب استدراج ایشانرا

باقی گذاشتیم وبرکنار ایشان ایشان اگر قهم

نعوذ بالله من غضب الله

غرض
چهل سالی است که
آنحضرت مبعوث گردیده

یعنی
چون حق تعالی مقدر کرد
و فرموده که جزای کردار بدکاران را در آخرت
بدهد و در دنیا متواتر نتماید مجرمان و گناهکاران
را زنده و گذاشته و اگر چنین بودی هر آینه اشیا را
بعضویات کوناکون
مثلا پاچیی

قُلْ لَوْ شَآءَ اللّٰهُ مَا تَلَوْتُهٗ عَلَيْكُمْ وَلَآ اَدْرٰىكُمْ بِهٖ ۖ فَقَدْ لَبِثْتُ
بگو اگر خواستی خدا نخواندی قرآن را بر شما و نه شما را دانا کردی خدا بقرآن پس محققا
فِيْكُمْ عُمُرًا مِّنْ قَبْلِهٖ ۗ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ﴿۱۶﴾ فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى
کردم در میان شما عمر دراز پیش از قرآن آیا پس چرا تعقل نمی کنید پس کیست ستمکارتر از کسی که بندد
عَلَى اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ كَذَّبَ بِاٰيٰتِهٖ ۗ اِنَّهٗ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُوْنَ ﴿۱۷﴾
بر خدا دروغی یا تکذیب کند آیتهای او را بدرستی که رستگار نشوند گناهکاران
وَيَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُوْلُوْنَ
و می پرستند از غیر خدا آنچه زیان نرساند ایشانرا و نه نفع رساند ایشانرا و میگویند
هٰٓؤُلَآءِ شُفَعَآؤُنَا عِنْدَ اللّٰهِ ۗ قُلْ اَتُنَبِّئُوْنَ اللّٰهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي
این بتان شفیعان مایند نزد خدا بگو آیا خبر می کنید خدا را بآنچه نمیداند خدا در
السَّمٰوٰتِ وَلَا فِي الْاَرْضِ ۗ سُبْحَانَهٗ وَتَعٰلٰى عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ﴿۱۸﴾ وَمَا
آسمانها و نه در زمین پاکست و بلند است از آنچه او را شریک میدهند و
كَانَ النَّاسُ اِلَّآ اُمَّةً وَّاحِدَةً فَاخْتَلَفُوْا ۗ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ
نبود مردمان مگر امتی یکانه پس اختلاف کردند و اگر نه کلمه ایست که پیشی گرفته
مِنْ رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيْمَا فِيْهِ يَخْتَلِفُوْنَ ﴿۱۹﴾ وَيَقُوْلُوْنَ لَوْلَآ
از پروردگار تو هر آینه حکم شده میان ایشان در آنچه در آن اختلاف می کنند و میگویند چرا
اُنْزِلَ عَلَيْهِ اٰيَةٌ مِّنْ رَّبِّهٖ ۚ فَقُلْ اِنَّمَا الْغَيْبُ لِلّٰهِ فَانْتَظِرُوْا ۚ اِنِّيْ
فرستاده نشد بر او معجزه از پروردگار او پس بگو جز این نیست که علم غیب مر خدا راست پس انتظار برید بدرستی که من
مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنْتَظِرِيْنَ ﴿۲۰﴾ وَاِذَآ اَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ
با شما از منتظرانم و چون بچشانیم ما مردم مکه را فراخی از پس
ضَرَّآءَ مَسَّتْهُمْ اِذَا لَهُمْ مَّكْرٌ فِيْٓ اٰيَاتِنَا ۗ قُلِ اللّٰهُ اَسْرَعُ مَكْرًا ۗ
سختی که رسیده باشد ایشانرا چون نگری مر ایشانرا مکری در نشانهای ما بگو خدا سریعتر است در جزای مکر
اِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُوْنَ مَا تَمْكُرُوْنَ ﴿۲۱﴾ هُوَ الَّذِيْ يُسَيِّرُكُمْ فِي
بدرستیکه فرستادگان ما می نویسند آنچه می اندیشند اوست آنخدائی که قدرت میدهد شما را در

الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا كُنتُمْ فِي الْفُلْكِ ۖ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ

خشکی و دریا تا چون باشید شما در کشتی و روان شوند ایشان بادی خوش

وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِن كُلِّ

و شاد شوند بآن ناگاه بیاید بادی سخت و آید ایشانرا موج دریا از هر

مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ ۙ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ

جا و گمان کنند که ایشان فرو گرفته شدند و اند بلا بخوانند خدا را در حالی که خالص کنند برای او دین

لَئِنْ أَنجَيْتَنَا مِنْ هَٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۝ فَلَمَّا أَنجَاهُمْ

اگر نجات دهی ما را ازین بلیه هر آینه باشیم از شکرگذاران پس چون نجات داد ایشانرا

إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ ۗ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ

ناگاه ایشان ستم کنند در زمین بناحق ای مردمان جز این نیست که فساد شما

عَلَىٰ أَنفُسِكُم ۖ مَّتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۖ ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُم

بر نفسهای شماست برخورداری از زندگانی دنیا پس بسوی ماست بازگشت شما پس خبر کنیم شما را

بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنزَلْنَاهُ

بآنچه بودید که میکردید جز این نیست که مانند زندگانی دنیا مانند آبی است که فرو فرستادیم آنرا

مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ

از آسمان پس آمیخت بآن گیاه رسته از زمین از آنچه میخورند مردم و

الْأَنْعَامُ ۖ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ وَظَنَّ

انچه میخورند چهارپایان تا وقتیکه فرو گرفت زمین پیرایه خود را و آراسته شد و گمان برند

أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا

اهل آن زمین که ایشان توانا هستند بر آن ناگاه آمد بآن زمین عذاب ما شب یا روز

فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ تَغْنَ بِالْأَمْسِ ۚ كَذَٰلِكَ

پس گردانیدیم شبیه بدرویده گویا که هرگز نبود در زمان متقدم همچنان

نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَىٰ دَارِ

مشروح میگردانیم نشانهای قدرت خود را برای گروهی که تفکر میکنند و خدا میخواند بسوی سرای

متاع
الحیوة الدنیا
بنا بر قرائت نصب چنانکه خفض
خوانده مفعول فعل محذوف و باین تقدیر است
که تمتعون المتاع الحیوة الدنیا و بنا بر قرائت
رفع خبر مبتدا محذوف و بر این تقدیر است که ذلک
متاع الحیوة الدنیا و وجود یکی از
کفته اند والله تعالی
اعلم

لفظ
پس کنایه از زمان
نزدیک بزمان حاضر است
و این کنایه در کلام بلغا شایع است

السلام

اَلسَّلٰمِ وَيَهْدِي مَنْ يَّشَآءُ اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ ۝ لِلَّذِيْنَ

سلامت | وراه مستقیم | هرکرا میخواهد | بسوی | راه | راست | مرآنانرا که

اَحْسَنُوا الْحُسْنٰى وَزِيَادَةٌ ؕ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوْهَهُمْ قَتَرٌ وَّلَا

نیکوئی کرده‌اند | نیکوئی ایمان وزیادت است | و نپوشاند | روهای ایشانرا | غباری و نه

ذِلَّةٌ ؕ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ۝ وَالَّذِيْنَ

خواری | آن گروه | یاران | بهشتند | ایشان | در بهشت جاویدانند | وآنانکه

كَسَبُوا السَّيِّاٰتِ جَزَآءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا ۙ وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ؕ

کسب کردند بدیها را | پاداش | بدیست | مانند آن | و بپوشاند ایشانرا | خواری

مَا لَهُمْ مِّنَ اللّٰهِ مِنْ عَاصِمٍ ۚ كَاَنَّمَآ اُغْشِيَتْ وُجُوْهُهُمْ قِطَعًا

نباشد مرایشانرا | از خدا | هیچ | نگاهدارنده | گویا پوشیده شده | روهای ایشانرا | پارها

مِّنَ الَّيْلِ مُظْلِمًا ؕ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ ۚ هُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ

از شب | در حالی که تاریک بود | آن گروه | یاران آتشند | ایشان | در آن | جاویدانند

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيْعًا ثُمَّ نَقُوْلُ لِلَّذِيْنَ اَشْرَكُوْا مَكَانَكُمْ

ویاد کن روزی که برانگیزانیم ایشانرا | همه | پس | گوئیم | مرآنانرا که شرک آوردند | بایستید برجای شما

اَنْتُمْ وَشُرَكَآؤُكُمْ ۚ فَزَيَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَآؤُهُمْ مَّا كُنْتُمْ

شما | وانبازان شما | پس جدا کنیم میان ایشان | وگویند شرکاء ایشان | که نبودید شما

اِيَّانَا تَعْبُدُوْنَ ۝ فَكَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيْدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اِنْ

که ما را می پرستیدید | پس کافیست خدا | گواه | میان ما | و میان شما | اگر

كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغٰفِلِيْنَ ۝ هُنَالِكَ تَبْلُوْا كُلُّ نَفْسٍ مَّآ اَسْلَفَتْ ۚ

بودیم ما از پرستش شما | بیخبران | در آن مقام | بازمایند | هر | نفسی آنچه پیش فرستاده

وَرُدُّوْٓا اِلَى اللّٰهِ مَوْلٰىهُمُ الْحَقِّ ۚ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ

وبازگردانیده شوند بسوی خدا که متولی ایشان است | براستی | وگم گردد از ایشان | آنچه بودند که دروغ می بستند

قُلْ مَنْ يَّرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ وَالْاَرْضِ اَمَّنْ يَّمْلِكُ السَّمْعَ

بگو کیست که روزی می دهد شما را | از آسمان | و زمین | یا کیست که خداوندی میکند گوش

اشارت است
بسیماهی روی نیکوکاران
چنانکه در کریمه ویوم نحشرهم جمیعا ثم نقول للذین اشرکوا مکانکم
که بواو علی الله وجوههم مسودة واراد شده
تصریح باین است

وَالْاَبْصَارِ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَیَّ مِنَ الْمَیِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَیِّتَ مِنَ الْحَیِّ

و بینائی چشم را و کسی که بیرون می آورد زنده را از مرده و بیرون می آورد مرده را از زنده

وَمَنْ يُدَبِّرُ الْاَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللّٰهُ فَقُلْ اَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿۳۱﴾ فَذٰلِكُمُ

و کیست که تدبیر کند کار عالم را پس گویند که این خداست پس بگو آیا پس نمی ترسید ﴿۳۱﴾ پس آنست شما را

اللّٰهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعْدَ الْحَقِّ اِلَّا الضَّلٰلُ فَاَنّٰى تُصْرَفُونَ

خداست پروردگار شما بحق پس چه چیز است بعد از راستی مگر گمراهی پس کجا گردانیده میشوید

كَذٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوٓا اَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

همچنین سزاوار است فرمان پروردگار تو بر آنانکه کار بد کردند بدرستی ایشان نمیگروند

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَآئِكُمْ مَنْ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ قُلِ

بگو آیا هست از شریکان شما کسی که اول بیافریند خلق را پس اعاده کند بگو

اللّٰهُ يَبْدَؤُا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ فَاَنّٰى تُؤْفَكُونَ ﴿۳۴﴾ قُلْ هَلْ مِنْ

خدا آغاز کند آفرینش خلق پس اعاده کند پس از کجا مصروف میشوید ﴿۳۴﴾ بگو آیا هست از

شُرَكَآئِكُمْ مَنْ يَهْدِٓي اِلَى الْحَقِّ قُلِ اللّٰهُ يَهْدِي لِلْحَقِّ اَفَمَنْ

شریکان شما که بنماید کسی که راه نماید بسوی حق بگو خدا راه مینماید مر حق را آیا پس آنکه

يَهْدِٓي اِلَى الْحَقِّ اَحَقُّ اَنْ يُتَّبَعَ اَمَّنْ لَا يَهِدِّٓي اِلَّآ اَنْ يُهْدٰى

راه مینماید بسوی حق سزاوارتر است که پیروی کرده شود یا آنکه راه نمیابد مگر آنکه راه نموده شود

فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ﴿۳۵﴾ وَمَا يَتَّبِعُ اَكْثَرُهُمْ اِلَّا ظَنًّا اِنَّ

پس چیست مر شما را چگونه حکم کنید ﴿۳۵﴾ و پیروی نمیکند بیشتر ایشان مگر گمانی فاسد را بدرستیکه

الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْـًٔا اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ

گمان بی نیاز نمیکند از حق چیزی بدرستی که خدا داناست بآنچه می کنند

وَمَا كَانَ هٰذَا الْقُرْاٰنُ اَنْ يُفْتَرٰى مِنْ دُونِ اللّٰهِ وَلٰكِنْ

و نیست این قرآن که بافته شود از غیر خدا ولیکن

تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ الْكِتٰبِ لَا رَيْبَ فِيهِ

تصدیق آنچه بود پیش روی او و بیان آنچه نوشته شد بر شما از کتب آسمانی قرآن

این آیه بنا بر آنست که انهم لا یؤمنون دال باشد بر کلیه ریک جمله بیان حکم خانجه بعضی از مفسرین گفته اند و بقول بعضی علت است برای حذف بتقدیر حرف جر و گویا گفته که بانهم لا یؤمنون

خلاصه مضمون این آیه این که این کتاب دروغی نیست که از غیر خدا ایجاد شده و باشد و بلکه حق است و بوحی الهی آمده و مصدق کتابهای پیش است و بیان کننده احکام خداست

مِن رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ

از پروردگار جهانیان ۝ یا میگویند که برساخته قرآن را بگو پس بیارید سوره مانند آن

وَادْعُوا مَنِ اسْتَطَعْتُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝

و بخوانید هر که را توانید از غیر خدا اگر هستید راستگویان

بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ كَذَٰلِكَ

بلکه تکذیب کردند بآنچه احاطه نکردند بعلم آن و نه هنوز بیامده باشان تفسیر آن همچنان

كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ

تکذیب کردند آنان که پیش از ایشان بودند پس بنگر که چگونه بود عاقبت ستمکاران

وَمِنْهُمْ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ لَا يُؤْمِنُ بِهِ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِالْمُفْسِدِينَ

و از ایشان کسی هست که ایمان دارد باو و از ایشان کسی هست که ایمان نمی آرد باو و پروردگار تو داناتر است بتباه کاران

وَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ لِي عَمَلِي وَلَكُمْ عَمَلُكُمْ أَنْتُمْ بَرِيئُونَ مِمَّا

و اگر تکذیب کنند تو را پس بگو که مرا است جزای عمل و مر شما راست جزای عمل شما بیزارید از آنچه

أَعْمَلُ وَأَنَا بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ ۝ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ

من میکنم و من بیزارم از آنچه می کنید ۝ و از ایشان کسی هست که گوش میدارد بسوی تو آیا پس تو

تُسْمِعُ الصُّمَّ وَلَوْ كَانُوا لَا يَعْقِلُونَ ۝ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْظُرُ إِلَيْكَ

بشنوانی کران را و اگرچه هستند که در نمی یابند ۝ و از ایشان کسیست که نظر کند بسوی تو

أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْيَ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ ۝ إِنَّ اللَّهَ لَا

آیا پس تو راه مینمائی کوران را و اگرچه هستند که نمی بینند ۝ بدرستی که خدا

يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَٰكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ

ستم نمیکند بر مردمان را هیچ چیز ولیکن ۝ مردم بر خود شان ستم میکنند ۝ و روز که جمع کنیم کافران را

كَأَنْ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ

گویا که درنگ نکرده اند مگر ساعتی از روز آشنائی دهند با هم میان ایشان بحقیق

خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ ۝ وَإِمَّا

زیان کردند آنانکه تکذیب نمودند بر سیدن بجزای خدا و نبودند راه یافتگان ۝ و اگر

اما زینک

در اصل این زینک بود و دوازده

در مدخول نازده مفصل شرط تو انست که

که موکد شود و نون تاکید اما زینک بحصول پیوست خلاصه مضمون

اینکه اگر تو نمایم یارزا از عقوبتهائی که وعده شده برای کفره و اگر تو را بمیرانیم پس از

دیدن عقوبتهای ایشان پس بدان که بازگشت ایشان در روز قیامت بماست و عذاب عظیم آنروز

نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ

بنمائیم تو را پاره از آنچه وعده داده ایم ایشان را یا بمیرانیم تو را پس بسوی ماست بازگشت ایشان پس

اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ ۝ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَسُولٌ فَإِذَا

خدا گواه است بر آنچه میکنند و مر هر امتی را پیغمبریست پس چون

جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ وَيَقُولُونَ

آمد پیغمبر ایشان حکم شد میان ایشان بعدل و ایشان ستم کرده نمی شوند و میگویند

مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝ قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي

کی خواهد بود این وعده عذاب اگر هستید راست گویان بگو مالک نیستم مر نفس خود را

ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ ۗ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ ۗ إِذَا جَاءَ

ضرری را و نه نفعی مگر آنچه خواهد خدا از برای هر امتی گروهی وقتی معین چون بیاید

أَجَلُهُمْ فَلَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ۝ قُلْ

اجل ایشان پس باز پس نروند ساعتی و نه پیش گیرند بر آن بگو

أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيَاتًا أَوْ نَهَارًا مَاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ

آیا خبر دهید شما را اگر آید شما را عذاب خدا شبگاهان یا در روز چه چیز را شتاب می کنند از او

الْمُجْرِمُونَ ۝ أَثُمَّ إِذَا مَا وَقَعَ آمَنْتُمْ بِهِ ۚ آلْآنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِ

گناهکاران آیا پس چون عذاب افتد ایمان آرید بآن اکنون می آرید و بتحقیق که بودید که بعذاب

تَسْتَعْجِلُونَ ۝ ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ

بعجل میکردید پس گفته شود در مر آنان را که ستم کردند بچشید عذاب جاوید را آیا

تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ ۝ وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقٌّ هُوَ ۖ قُلْ إِي

جزا داده می شوید مگر آنچه بودید که کسب میکردید و خبر پرسند از تو در باب قرآن که آیا حق است آن بگو

وَرَبِّي إِنَّهُ لَحَقٌّ ۖ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ ۝ وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ

آری قسم بپروردگار من که او حق است و نیستید شما عاجز کنندگان او را و اگر باشد مر هر

مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ ۗ وَأَسَرُّوا النَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ

آنچه در زمین است هر آینه فدا دهد بآن و پنهان دارند ندامت خود را چون ببینند عذاب را

از حکم عدل و ثواب

مؤمنان پیغمبران است و عقاب

کافران و این به اشاره است باین که وحی مانند

والشهداء و قضی بینهم بالحق و ایشان را بعضی از

مفسرین گفته اند و بعضی گفته اند که مراد امد آن پیغمبر

ما و سایر پیغمبران است در دنیا و گفته اند مراد از جا

رسولهم و کذبوه و قضی بینهم و خلاصه مضمون آن

بنا بر این هر امتی را پیغمبریست پس هر گاه پیغمبران

ایشان بیامدند و ایشان تکذیب پیغمبران نمودند

حکم میانه ایشان بعدالت می شد باهلاک کفره

عصاة مانند اهلاک قوم لوط و عاد و ثمود و نحایت

مؤمنان و اول ظاهر است

بقرینه ماقبل و مابعد

خلاصه

یعنی این کافران که شتاب میکنند از روی استهزاء و

میگویند که آن وعده عذاب کی بعمل خواهد آمد

بگو باایشان که هر گاه عذاب خدا بشما رسد در

وعده اجل شما آنوقت چه شتاب خواهید کرد

و بنا بر این ذکر مجرمون از باب وضع ظاهر موضع

ضمیر است برای اشعار بجرم ایشان و اثم اذا وقع

تا آخر کلامی است مستانفه و بقول بعضی ان جزا

شرط و ما دا یستعجل منه المجرمون جمله معترضه است

و بقولی هر دو کلام مستانفه اند

وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ

و حکم شود میان ایشان بعدل و ایشان بستم برده نمیشوند ۝ بدانید بدرستی که مر خدا راست آنچه در آسمانها

وَالْأَرْضِ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝

و زمینست بدانید بدرستی که وعدهٔ خدا راستست و لیکن بیشتر ایشان نمیدانند

هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُم

اوست که زنده میکند و میمیراند و بسوی او باز میگردید ۝ ای مردمان بتحقیق آمد شمارا

مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى

پندی از پروردگار شما و شفا مر آنچیزرا که در سینه های شماست و راه نمودن بحق

وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ۝ قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَٰلِكَ فَلْيَفْرَحُوا

و رحمتی مؤمنانرا ۝ بگو شادی کنید بفضل خدا و برحمت او پس باین باید شاد شوند

هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُم مَّا أَنزَلَ اللَّهُ لَكُم مِّن رِّزْقٍ

او بهتراست از آنچه جمع می کنند ۝ بگو آیا دیدید آنچه فرستاد خدا مر شمارا از روزی

فَجَعَلْتُم مِّنْهُ حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ آللَّهُ أَذِنَ لَكُمْ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ

پس گردید شما بعضی از آنرا حرام و حلال ۝ بگو آیا خدا رخصت داد شمارا در آنچه یا آنکه بر خدا دروغ می بندید

وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ

و چیست گمان مر آنانکه افترا میکنند بر خدا دروغ را روز قیامت بدرستی که

اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ ۝

خدا هر آینه خداوند فضلست بر مردمان و لیکن بیشتر ایشان شکر نمی کنند

وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِن قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ

و نباشی تو در کاری و نخوانی از آنچه فرستاد خدا از قرآن و نکنید شما

مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ

هیچ کاری مگر آنگاه باشیم بر شما شاهد گواه هنگامی که شروع می کنید در آن و پوشیده نمیشود

عَن رَّبِّكَ مِن مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا

از پروردگار تو هم سنگ مورچه در زمین و نه در آسمان و نه

خطاب
عتاب آمیز در آرایش
باشرکا نست می گفتند با انعام و
حرث حجر و ما فی بطون هذه الانعام خالصة
لذکورنا و محرم علی ازواجنا

أَصْغَرَ مِنْ ذٰلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ۝ أَلَا إِنَّ

خوردتر ... از مورچه ... ونه ... بزرگتر ... مگر آنکه در کتاب ... روشنست ... بدانید بدرستی که

أَوْلِيَاءَ اللّٰهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ الَّذِينَ آمَنُوا وَ

دوستان ... خدا را نیست ترسی ... بر ایشان ... ونه ایشان ... اندوهگین می شوند ... کسانی که گرویدند و

كَانُوا يَتَّقُونَ ۝ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ ۚ

بودند که پرهیز میکردند ... مر ایشانراست ... مژده ... در ... زندگانی ... دنیا ... و در ... آخرت

لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللّٰهِ ۚ ذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۚ ۝ وَلَا

نیست بدل کردنی ... مر سخنان ... خدا را این ... رستگاری بزرگست ... و باید

يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ ۘ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلّٰهِ جَمِيعًا ۚ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ أَلَا إِنَّ

تحزین نکند ترا گفتار ایشان بدرستی که مر خدا راست ... همه ... اوست شنوای ... دانا ... بدانید بدرستی که

لِلّٰهِ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ ۗ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ

مر خدا راست هر که در آسمانها ... و هر که در ... زمینست ... و چه چیز را متابعت ... میکنند آنانکه میخوانند

مِنْ دُونِ اللّٰهِ شُرَكَاءَ ۚ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا

از ... غیر ... خدا ... انباز را ... پیروی میکنند ... مگر ... گمان را و ایشان ... مگر

يَخْرُصُونَ ۝ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ

دروغ میگویند ... اوست ... آنکه ... گردانید برای شما ... شب را ... تا بیارامید ... در آن

وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۚ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ۝ قَالُوا

و روز را ... روشن ... بدرستی که در ... این ... هر آینه نشانهاست مر گروهی را که میشنوند ... گفتند که

اتَّخَذَ اللّٰهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ ۖ هُوَ الْغَنِيُّ ۖ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي

فراگرفت ... خدا فرزندی ... پاکست خدا ... او است بی نیاز مر اوراست آنچه در ... آسمانها ... و آنچه در

الْأَرْضِ ۚ إِنْ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ بِهٰذَا ۚ أَتَقُولُونَ عَلَى اللّٰهِ

زمینست ... نیست نزد شما ... هیچ ... حجتی بر آن قول ... آیا میگوئید ... بر ... خدا

مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللّٰهِ الْكَذِبَ

آنچه ... نمیدانید ... بگو بدرستی که ... آنانکه ... می بندند ... بر ... خدا ... دروغ

عبیه
بن خالد از
حضرت ابی عبد الله علیه
السلام روایت کرده که فرمود عقبه خداوند
قبول میکند در روز قیامت از بندگان خود آن
دعا که شما دارید و حاجتی نیست میان شما و
میان دیدن چیزی از احوال آخرت که باعث
سرور و روشنی شما باشد مگر آنکه روح شما
رسد و اشاره و برکت کردن مبارک خود فرمود
پس فرمود که این در کتاب الهی مذکور است
خوانده اند که الذین امنوا و کانوا یتقون لهم البشری
فی الحیوة الدنیا از حضرت ابو جعفر علیه السلام
منقول است که چون مومن از قبر برآید شب را
با او می نمایند و وحشتهای استقبال او آمده
لحظه لحظه بشارت باز میدهند با او تا آنکه داخل
شود اللهم ارزقنا
بحاه محمد

حزب

لَا يُفْلِحُونَ ۝ مَتَاعٌ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نُذِيقُهُمُ
(نرستگار نمیشوند) (برخورداری) (در دنیا) (پس) (بسوی ماست بازگشت ایشان) (پس میچشانیم ایشانرا)
الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ ۝ وَاتْلُ عَلَيْهِمْ
(عذاب) (سخت) (بسبب آنکه بودند که) (کفر میورزیدند) (وبخوان برایشان)
نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ إِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكُمْ مَقَامِي
(خبر) (نوح را) (چون گفت) (مر قوم خود را ای قوم من) (اگر) (هست بزرگ) (بر شما) (مقام من)
وَتَذْكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ
(وپند دادن من) (بنشانهای) (خدا) (پس بر) (خدا) (توکل کردم) (پس جمع کنید) (امر خود را)
وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرُكُمْ عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ اقْضُوا
(وشرکاء خود را) (پس باید نباشد) (امر شما) (بر شما) (پوشیده پس) (ادا کنید)
إِلَيَّ وَلَا تُنْظِرُونِ ۝ فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ
(بمن) (آنچه خواهید) (وعجلت بدهید مرا) (پس اگر روی بگردانید) (پس نخواستم از شما) (هیچ مزدی) (نیست مزد من)
إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ فَكَذَّبُوهُ فَنَجَّيْنَاهُ
(الا بر خدا) (ومامورم من که بوده باشم) (از گردن نهندگان) (پس تکذیب کردند او را پس نجات دادیم)
وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ وَجَعَلْنَاهُمْ خَلَائِفَ وَأَغْرَقْنَا الَّذِينَ
(او را وکسی را که با اوست) (در کشتی) (وگردانیدیم ایشانرا) (باقی ماندگان) (وغرق کردیم ما) (آنانرا)
كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنْذَرِينَ ۝ ثُمَّ
(تکذیب کردند بنشانهای ما پس بنگر) (چگونه) (بود) (سرانجام) (بیم کرده شدگان) (پس)
بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا
(برانگیختیم) (از بعد نوح) (پیغمبران بسوی قوم ایشان) (پس آمدند ایشانرا) (با معجزهای روشن) (پس)
كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَٰلِكَ نَطْبَعُ عَلَى
(بودند که ایمان آورند بآنچه تکذیب کردند آن) (بپیش ازین) (همچنین) (مهر مینهادیم) (بر)
قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ ۝ ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ مُوسَىٰ وَهَارُونَ
(دلهای) (از حد در گذرندگان) (پس برانگیختیم از) (بعد ایشان) (موسی) (وهارون)

اجماع

در اینجا بمعنی عزم است

میگویند اجمعت الامر و اجمعت علیه

و جمعت الامر بمعنی عزمت علیه و شرکائکم

مفعول معه است و عزم خود پوشیده و پنهان را

گویند میگویند غم الهلال هر گاه در زیر ابر پوشیده

شود و اقضوا الی یعنی ادوا الی و اظهروا بمعنی

امهال است و خلاصه مضمون آیه اینکه اگر افاده

من در میان شما بند و نصیحت کردن من شما را

بر شما گران است و اراده اخراج یا قتل من دارید

من توکل بر خدا کردم دیگر آسیبی بمن نمیتوانید

رسانید پس شما عزم خود را در باب آزار من

جزم کنید و بتان خود را هم بعد بطلسد و تردد را

از پیش اراده خود بردارید که مطلب شما بر شما

اشتباهی مدشته باشد پس پایید و هر چه خواهید

نسبت بمن بکنید و مرا مهلت مدهید و غرض ان

حضرت این بود که هر که توکل

بر خدا کند و کار خود را باو

واگذارد کجا تواند

سر مویی از و

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِ بِـَٔايَٰتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا۟ وَكَانُوا۟ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ

بسوی فرعون و اشراف قوم با معجزات ما پس گردنکشی کردند و بودند ایشان گروهی گناهکاران

فَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوٓا۟ إِنَّ هَٰذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ ۝ قَالَ

پس چون آمد ایشانرا سخن راست از نزد ما گفتند بدرستی که این هر آینه جادوئی است ظاهر گفت

مُوسَىٰٓ أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَآءَكُمْ ۖ أَسِحْرٌ هَٰذَا ۖ وَلَا يُفْلِحُ ٱلسَّٰحِرُونَ

موسی آیا میگوئید مر سخن راست را که آمد از حق بشما آیا سحر است این و درست کار نشوند جادوبان

قَالُوٓا۟ أَجِئْتَنَا لِتَلْفِتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَآءَنَا وَتَكُونَ لَكُمَا

گفتند آیا آمده مارا تا بگردانی ما را از آنچه یافته ایم بر آن خود از پدران خود و از او باشد از برای شما

ٱلْكِبْرِيَآءُ فِى ٱلْأَرْضِ ۖ وَمَا نَحْنُ لَكُمَا بِمُؤْمِنِينَ ۝ وَقَالَ

بزرگ در پادشاهی در زمین و نیستیم ما مر شما را تصدیق کنندگان و گفت

فِرْعَوْنُ ٱئْتُونِى بِكُلِّ سَٰحِرٍ عَلِيمٍ ۝ فَلَمَّا جَآءَ ٱلسَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰٓ

فرعون بیارید بسوی من بجمله جادوی دانا پس چون آمدند جادوگران گفت مرایشانرا موسی

أَلْقُوا۟ مَآ أَنتُم مُّلْقُونَ ۝ فَلَمَّآ أَلْقَوْا۟ قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُم بِهِ ٱلسِّحْرُ

بیفکنید آنچه شما می اندازید پس چون افکندند گفت موسی مر آنچه آوردید بدان سحر است

إِنَّ ٱللَّهَ سَيُبْطِلُهُۥٓ ۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ ٱلْمُفْسِدِينَ ۝ وَيُحِقُّ ٱللَّهُ

بدرستی که خدا باطل کند آنرا بدرستی که خدا اصلاح نمی کند کار بدکاران را و ثابت کند حق را

ٱلْحَقَّ بِكَلِمَٰتِهِۦ وَلَوْ كَرِهَ ٱلْمُجْرِمُونَ ۝ فَمَآ ءَامَنَ لِمُوسَىٰٓ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ

حق را بسخنان خود و اگرچه کراهت دارند گناهکاران پس ایمان نیاوردند مر موسی را مگر فرزندان

مِّن قَوْمِهِۦ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَإِيْهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ ۚ وَإِنَّ

از قوم او با وجود ترس از فرعون و اشراف قوم ایشان که عذاب کند ایشانرا و بدرستی که

فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِى ٱلْأَرْضِ ۖ وَإِنَّهُۥ لَمِنَ ٱلْمُسْرِفِينَ ۝ وَقَالَ مُوسَىٰ

فرعون هر آینه برتر است در زمین و بدرستی که او از اسراف کنندگانست و گفت موسی

يَٰقَوْمِ إِن كُنتُمْ ءَامَنتُم بِٱللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوٓا۟ إِن كُنتُم مُّسْلِمِينَ

ای گروه من اگر هستید شما گروندگان بخدا پس بر او توکل کنید اگر هستید گردن نهندگان

فقالوا

فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

پس گفتند بر خدا توکل کردیم ای پروردگار ما مگردان ما را محل عذاب برای گروه ستمکاران را

وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ ۝ وَأَوْحَيْنَا إِلَى

و خلاصی ده ما را برحمت خود از گروه کافران ۝ وحی کردیم ما بسوی

مُوسَى وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّآ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ

موسی و برادر او هرون اینکه جای گیرید برای قوم خود بشهر مصر خانه ها و بگردانید خانهای خود را

قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَقَالَ مُوسَى رَبَّنَا

بقبله و بپای دارید نماز را و مژده ده مومنان را ۝ و گفت موسی ای پروردگار ما

إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

بدرستی تو داده فرعون را و اشراف قوم خود را زینت و مالها در زندگانی دنیا

رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَنْ سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ

ای پروردگار ما تا گمراه کنند از راه تو پروردگار ما اثر محو فرست بر مالهای ایشان و سخت بگیر

عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۝ قَالَ قَدْ

بر دلهای ایشان پس ایمان نیارند تا بینند عذاب دردناک ۝ گفت اجابت

أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِّ سَبِيلَ الَّذِينَ

پذیرفته شد دعای شما پس ثابت باشید و پیروی نکنید راه دین آنانرا

لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ

که نمیدانند ۝ و گذرانیدیم ما بپسران اسرائیل را از دریا پس آنرا درآمد بشتاز فرعون

وَجُنُودُهُ بَغْيًا وَعَدْوًا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ

و لشکر او برای ستم و دشمنی تا اینکه دریافت ایشانرا غرق گفت

آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنَتْ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا

فرعون ایمان آوردم باینکه نیست معبودی بحق مگر باینکه خدائی است که گرویده اند باو بنی اسرائیل و من

مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ آلْآنَ وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ

از گردن نهندگانم ۝ آیا حالا ایمان می آورند و بتحقیق که گناه کرده پیش ازین و بوده ای تو از

نکته

در این که اولا

با موسی و هرون شدند در

اینجا ما موسی تنها نیست که حکمی که اولا مذکور

شد از بنا حسن خانه ها در مصر کار موسی و هرون

هر دو بوده بخلاف بشارت نصرت و شت

که آن کار صاحب شریعت است و او موسی میباشد

بود و مان علت خطاب در اقیموا الصلوة جمع آمده

که مومنان قوم موسی هم داخل

در خطاب بوده و اقامت

نماز کار همه

بوده

الآن

در اصل الان بوده چنانچه گذشت و حول

در اینجا مقدر است و کو ما گفته و قیل لا الآن

و قد عصیت و قابل جبرئیل بوده چنانکه علی بن

ابراهیم در تفسیر خود از حضرت ابی عبد الله

روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله

فرموده که جبرئیل همیشه اندوهناک و محزون

من نازل می شد و چون مامور شد بر سانیدن

این آیه من در غایت کمال سرور آمده گفتم ای

وای دوست من ای جبرئیل چه چیز است که پیش

اندوه و حزن می آمدی و امروز خندان و شادان

آمدی عرض کرد ای محمد چون خدای عز و جل فرعون

و جنود او را غرق نمود گفت آمنت انه لا اله الا الذی

المفسدين ۝ فاليوم ننجيك ببدنك لتكون لمن خلفك

به کاران ۝ پس امروز ببر تا بنیم تو را با بدن تو را از آب تا باشی ۝ برای کسی که بعد از تست

اية وان كثيرا من الناس عن اياتنا لغافلون ۝ ولقد

علامتی و بدرستی که بسیاری ۝ از مردمان ۝ از نشانهای ما هر آینه بی خبرانند ۝ و بتحقیق

بوانا بني اسرائيل مبوء صدق ورزقناهم من الطيبات فما

جای دادیم ما پسران یعقوب را جائی که سزاوار صدق و آمده ما بود و روزی دادیم ایشان را ۝ از چیزهای پاکیزه پس

اختلفوا حتى جاءهم العلم ان ربك يقضي بينهم يوم القيمة

اختلاف کردند تا آمد ایشان را ۝ علم ۝ بدرستی که پروردگار تو حکم میکند میان ایشان ۝ روز قیامت

فيما كانوا فيه يختلفون ۝ فان كنت في شك مما انزلنا

در آنچه بودند در آن اختلاف میکردند ۝ پس اگر باشی تو در شک ۝ از آنچه فرستادیم ما

اليك فسئل الذين يقرؤن الكتاب من قبلك لقد

بسوی تو ۝ پس بپرس از آنانکه ۝ میخوانند کتاب را ۝ پیش از تو ۝ بتحقیق که

جاءك الحق من ربك فلا تكونن من الممترين ۝ ولا تكونن

آمد تو را ۝ راستی ۝ از پروردگار تو ۝ پس مباش تو ۝ از شک آورندگان ۝ و مباش تو

من الذين كذبوا بايات الله فتكون من الخاسرين ۝ ان

از ۝ آنانکه تکذیب کردند ۝ نشانهای ۝ خدا ۝ پس باشی تو ۝ از زیانکاران ۝ بدرستی که

الذين حقت عليهم كلمت ربك لا يؤمنون ۝ ولو جاءتهم

آنانکه ۝ سزاوار شد بر ایشان ۝ کلمه ۝ پروردگار تو که ایمان نمی آورند ۝ و اگرچه آید ایشان را

كل اية حتى يروا العذاب الاليم ۝ فلولا كانت قرية امنت

هر ۝ نشانی ۝ تا آنکه ببینند ۝ عذاب ۝ دردناک را ۝ پس چرا ۝ نبودند ۝ اهل دهی که گرویدند

فنفعها ايمانها الا قوم يونس لما امنوا كشفنا عنهم عذاب

پس سود دادی ایشانرا ایمان ایشان ۝ مگر ۝ قوم ۝ یونس ۝ چون ایمان آوردند برداشتیم از ایشان ۝ عذاب

الخزي في الحيوة الدنيا ومتعناهم الى حين ۝ ولو شاء

رسوائی ۝ در ۝ زندگانی ۝ دنیا ۝ و برخورداری دادیم ۝ ایشانرا تا اجل موعود ۝ و اگر خواستی

آن ماه رسید الحضرت با آن عالم از میان

قوم بیرون رفته آن عالم ماند و چون روز وعده

رسید و علامات نزول عذاب ظاهر شد آن قوم

با ایشان گفت ایمان آورید و تضرع و زاری نمائید

بدرگاه الهی گاه باشد که تعالی عذاب را

برگرداند و فرموده که بصحرا روید و اطفال را

از مادران و حیوانات را از فرزندان جدا سازند

و بگریند و دعا کنند ایشانرا چنان کردند حضرت

عزوجل عذاب را از ایشان برگردانید و حال آنکه

نزدیک بایشان رسیده بود و یونس خشمناک از

قوم خود بیرفت تا آنکه بکنار دریا رسید کشتی بر

بار حاضر بود و میخواستند که لنگر بردارند که آنحضرت

رسید از ایشان التماس دخول کشتی نمود درخواست

یافته داخل شد و چون بمیان دریا رسیدند ماهی

عظیمی تعالی فرستاد که مانع حرکت کشتی گردید

پس قرعه انداختند بجهة انداختن یکی را در

دریا و دهن ماهی قرعه بنام آنحضرت برآمد او را

در دریا انداخت و ماهی او را فرو برد و باب فرو

رفت و گویند قوم یونس اهل قریه نینوی بودند

و گویند آن ماهی را ماهی دیگر از ماهی دیگر ربوده

ماهی یکدیگر را فرو بردند و یونس در شکم

هفت ماهی سیار بود و در بعضی از اخبار وارد است

که در قعر دریا ناله خیزی بگوشش رسید گفت

خداوندا این ناله کیست خطاب رسید که ناله

ماهی شنوی ناله قاروره است بسجده های رفع حجاب

نمود و یکدیگر را دیدند قارون از حسب و نسب او

رسیده یونس شرح حال خود نمود و پس رسید که

از حضرت ابی عبد الله

مرویست که رسول خدا صلی الله علیه و آله در شب معراج فرمود که جبرئیل براق آورده آنحضرت به بیت المقدس رفت و هر کرا از پیغمبران علیهما السلام دید صبح با اصحاب خود گفت که شب بیت المقدس رفتم و برادران خود پیغمبران را دیدم گفتند یا رسول الله چگونه به بیت المقدس رفتی در یک شب و باز گردیدی فرمود جبرئیل براق آورد و سوار آن شدم و علامت راهی این بود که قافله ابو سفیان که شصت شتر بودند در جای فلان تزول نموده بودند و شتر سرخ موئی گم کرده در طلب آن بودند گروهی از منافقین که حاضر بودند گفتند این علامت که میگوید ممکن است که سوار شده تمام روی زمین را در یک شب طی کرده باشد و خبر برای وی آورده باشد شما که بشام رفته آنرا دیده اید و بازارها و نهرها و خانه های آنرا پرسیده بپرسید که راست میگوید یا نه و آنحضرت چون شب دیده بود و از احوال اطلاعی نداشت و هر گاه چیزی از آنحضرت می پرسیدند و نمیدانست بسیار بروی گران می آمد بجدی که اثر گرانی بر شانه مبارکش ظاهر شد در آنشب بودند که جبرئیل فرود آمد و گفت یا رسول الله این شام است و حجاب برداشته شد برای آنحضرت پرسیدند نظر فرمود شام را دید پس از آنحضرت پرسیدند که خانه فلانی و فلان مکان کجاست جواب فرمود هر چه پرسیدند جواب داد پس برگردیدند بآنحضرت گفتند اکنون ما را خدای فرموده که خدای فرموده که دما تغنی الآیات و النذر عن قوم لا یؤمنون

رَبُّكَ لَآمَنَ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ
پروردگار تو هر آینه ایمان آوردی در زمین همه آیا پس تو کرا کراه میکنی مردم را
حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ۝ وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُؤْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ
تا آنکه باشند گروندگان و نباشد هیچ نفسی که ایمان آورد مگر بفرمان
اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ ۝ قُلِ انْظُرُوا مَاذَا
خدا و او میگرداند رجس را بر آنانکه تعقل نمی کنند بگو بنگرید که چه چیزهاست
فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ
در آسمانها و زمین و دفع نمیکند دیدن آیتها را و بیم کنندگان از آنکه گروه
لَا يُؤْمِنُونَ ۝ فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ
نمیگروند پس آیا چشم میدارند مگر مانند ایام آنانکه گذشتند پیش
قَبْلِهِمْ ۚ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ۝ ثُمَّ نُنَجِّي
از ایشان بگو پس انتظار برید بدرستی که من با شما از انتظار برندگانیم پس نجات دادیم
رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا كَذَٰلِكَ ۚ حَقًّا عَلَيْنَا نُنْجِ الْمُؤْمِنِينَ ۝
پیغمبران را و آنانکه گرویدند همچنین که سزاوار است بر ما که نجات دهیم مومنان را
قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ فِي شَكٍّ مِنْ دِينِي فَلَا أَعْبُدُ
بگو ای مردمان اگر هستید شما در گمان از دین من پس نمی پرستم
الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَٰكِنْ أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُمْ
آنانرا که شما می پرستید غیر از خدا ولیکن پرستش میکنم من خدا را آنکه میمیراند شما را
وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَأَنْ أَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ
و امر شده ام که باشم از گروندگان و این که راست گردان روی خود را برای دین
حَنِيفًا ۖ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۝ وَلَا تَدْعُ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا
حق و مباش از مشرکان و مخوان غیر از خدا آن چیزی را که
يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ ۖ فَإِنْ فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذًا مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ وَإِنْ
نفع نرساند تو را و نه ضرر رساند تو را پس اگر بکنی پس بدرستی که باشی تو از ستمکاران و اگر

يَمْسَسْكَ اللّٰهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ اِلَّا هُوَ وَاِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ

ار رساند تورا خدا ضرری پس نیست بازدارنده مر آنرا و اگر خواهد ترا بخیری

فَلَا رَآدَّ لِفَضْلِهٖ يُصِيْبُ بِهٖ مَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ وَهُوَ الْغَفُوْرُ

پس نیست بازگرداننده مر فضل خدا را میرساند فضل خود را بهر که خواهد از بندگان خود و او است آمرزنده

الرَّحِيْمُ ۝ قُلْ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَآءَكُمُ الْحَقُّ مِنْ رَّبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدٰى

مهربان بگو ای مردمان بدرستی که آمد شمارا راستی از پروردگار شما پس هر که راه یافت

فَاِنَّمَا يَهْتَدِيْ لِنَفْسِهٖ وَمَنْ ضَلَّ فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَآ اَنَا عَلَيْكُمْ

پس جز این نیست که راه می یابد برای خود و هر که گمراه شد پس جز این نیست که گمراه میشود بر او و نیستم من بر شما

بِوَكِيْلٍ ۝ وَاتَّبِعْ مَا يُوْحٰٓى اِلَيْكَ وَاصْبِرْ حَتّٰى يَحْكُمَ اللّٰهُ وَهُوَ خَيْرُ

نگاهبان و پیروی کن آنچه او می کرده می شود بسوی تو و صبر کن تا حکم کند خدا و او بهترین

سورة هود ثلاث وعشرون

وهي مائة وآية وهي مكية

الْحٰكِمِيْنَ

حکم کنندگان است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الٓرٰ ۚ كِتٰبٌ اُحْكِمَتْ اٰيٰتُهٗ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَّدُنْ حَكِيْمٍ خَبِيْرٍ ۝

منم خدائی که می بینم این کتابی است که استوار کرده شده آیات او پس جدا کرده شد سوره سوره و آیه آیه از نزد حکیم آگاه و دانا

اَلَّا تَعْبُدُوْٓا اِلَّا اللّٰهَ ۭ اِنَّنِيْ لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيْرٌ وَّبَشِيْرٌ ۝ وَّاَنِ

نپرستید مگر خدا را بدرستی که من مر شما را از جانب او بیم دهنده و مژده دهنده ام و اینکه

اسْتَغْفِرُوْا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوْبُوْٓا اِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَّتَاعًا حَسَنًا اِلٰٓى

آمرزش طلبید پروردگار شما پس توبه کنید بسوی او تا برخورداری دهد شما را برخورداری نیکو بسوی

اَجَلٍ مُّسَمًّى وَّيُؤْتِ كُلَّ ذِيْ فَضْلٍ فَضْلَهٗ ۭ وَاِنْ تَوَلَّوْا فَاِنِّيْٓ

تا وقت نام برده شده و تا بدهد هر خداوند فضل را ثواب فضل او و اگر برگردید پس بدرستی که من

اَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيْرٍ ۝ اِلَى اللّٰهِ مَرْجِعُكُمْ ۚ وَهُوَ

می ترسم بر شما عذاب روز بزرگ را بسوی جزای خداست بازگشت شما و او

از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که در روز جمعه سوره هود را بخواند حق سبحانه و تعالی او را با پیغمبران مبعوث گرداند و حساب او را آسان گرداند و در آن روز در بهشت بمکانی عارف شود

از احکام آیات آنکه نوح در آنها را و نیافته یا آنکه براهین و معجزاتی که از بلاغت آنها مستفاد است اثبات صدق آنها شده و مراد از تفصیل آیات آمده و بیان حلال و حرام و قصص پیغمبران گذشته و امم سالفه در آنها شده

مستته ليقولن ذهب السيئات عني انه لفرح فخور ۞
که باو رسیده هر آینه گوید آدمی که برفت بدیها از من بدرستی که او هر آینه شادمان و فخر کننده است
الا الذين صبروا وعملوا الصالحات اولئك لهم مغفرة
مگر آنانکه صبر کردند و کردند کردار شایسته آن گروه مرایشانست آمرزش
واجر كبير ۞ فلعلك تارك بعض ما يوحى اليك وضائق
و مزد بزرگ پس شاید تو ترک کننده باشی پاره از انچه وحی کرده شد بسوی تو و تنگ
به صدرك ان يقولوا لولا انزل عليه كنز او جاء
باظهار آن سینه تو از ترس اینکه گویند چرا فرو نفرستاده بر او گنجی یا چه نیامده
معه ملك انما انت نذير والله على كل شيء وكيل ۞ ام
با او فرشته جز این نیست که تو بیم کننده و خدا بر همه چیز کارساز و کیل است یا
يقولون افتريه قل فاتوا بعشر سور مثله مفتريات وادعوا
بلکه میگویند کاذان که بهم بسته قرآن را بگو ای محمد پس بیارید ده سوره مثل قرآن برساخته شده و بخوانید
من استطعتم من دون الله ان كنتم صادقين ۞ فان لم
هر کرا توانید از غیر خدا اگر هستید راستگویان پس اگر
يستجيبوا لكم فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله
اجابت نکردند شما را پس بدانید که آنچه فرستاده شده بدانستن خدا و بدانید انکه نیست خدائی
الا هو فهل انتم مسلمون ۞ من كان يريد الحيوة الدنيا
مگر او پس آیا هستید شما تابع اسلام هر که خواهد از زندگانی دنیا
وزينتها نوف اليهم اعمالهم فيها وهم فيها لا يبخسون ۞ ۵
و زینتهای وایشان را بتمام بدهیم بسوی ایشان کردارایشان در آن وایشان در آن ناقص نشوند
اولئك الذين ليس لهم في الاخرة الا النار وحبط ما صنعوا
آن گروه آنانند که نیست مرایشانرا در آخرت مگر آتش و تباه گشت آنچه کردند
فيها وباطل ما كانوا يعملون ۞ افمن كان على بينة من
در آن و ناچیز است آنچه بودند که میکردند آیا پس هر که باشد بر برهانی از

عیاشی از حضرت ابی عبد الله علیه السلام روایت که رسول خدا صلی الله علیه و آله با علی بن ابیطالب علیه السلام گفت که من از خدا خواستم که برادری میان من و تو مقرر فرماید چنین کرد و از خدا در خواستم که تو را وصی و خلیفه من گرداند چنین کرد و از خدا در خواستم که بعضی از آن گروه حاضرین گفتند بخدا سوگند که مصاع خر ما و جامه که ساتر عورت باشد بهتر است از آنچه محمد از خدا تعالی سؤال نموده چرا از خدا نخواست که دشمنان را بعدد او فرستد تا گنجی از خدا طلبید گر از

قصر دشت کدیتی آمد

مستته ليقولن ذهب السيئات عني انه لفرح فخور
که باو رسيده هر آينه گويد آدمی که برفت بديها از من بدرستی که او هر آينه شادمان و فخر کننده است
الا الذين صبروا وعملوا الصالحات اولئك لهم مغفرة
مگر آنانکه صبر کردند و کردند کردار شايسته آن کرده مر ايشانست آمرزش
واجر كبير فلعلك تارك بعض ما يوحى اليك وضائق
و مزد بزرگ پس شايد تو ترک کننده باشی پاره از انچه وحی کرده شد بسوی تو تنگست
به صدرك ان يقولوا لولا انزل عليه كنز او جاء
باظهار آن سينه تو از ترس اينکه گويند چرا فرو نفرستاده بر او گنجی يا چرا نيامده
معه ملك انما انت نذير والله على كل شيء وكيل ام
با او فرشته جز اين نيست که تو بيم کننده و او خدا بر هر چيز وکيل است يا
يقولون افتريه قل فاتوا بعشر سور مثله مفتريات وادعوا
بلکه ميگويند کافران که بهم بسته قرآن را بگو ای محمد پس بيارييد ده سوره مثل قرآن برساخته شده و بخوانيد
من استطعتم من دون الله ان كنتم صادقين فان لم
هر کرا توانيد از غير خدا اگر هستيد راستگويان پس اگر
يستجيبوا لكم فاعلموا انما انزل بعلم الله وان لا اله
اجابت نکردند شما را پس بدانيد که آنچه فرستاده شده بدانستن خدا و بدانيد انکه نيست خدائی
الا هو فهل انتم مسلمون من كان يريد الحيوة الدنيا
مگر او پس آيا هستيد شما ثابت بر اسلام هر که خواهد از زندگانی دنيا
وزينتها نوف اليهم اعمالهم فيها وهم فيها لا يبخسون
وزينت وآسايش او را بتمام بدهيم بسوی ايشان کردار ايشان در آن و ايشان در آن ناقص نشوند
اولئك الذين ليس لهم في الاخرة الا النار وحبط ما صنعوا
آن گروه آنانند که نيست مر ايشانرا در آخرت مگر آتش و تباه گشت آنچه کردند
فيها وباطل ما كانوا يعملون افمن كان على بينة من
در آن و ناچيز است آنچه بودند که ميکردند آيا پس هر که باشد بر راهنمائی از

عباسی از حضرت
ابی عبد الله عليه السلام مروی است
که رسول خدا صلی الله عليه و آله با علی بن ابيطالب
عليه السلام گفت که من از خدا خواستم که برادری
ميان من و تو مقرر فرمايد چنين کرد و از خدا در
خواستم که تو را وصی و خليفه من گرداند پس نصی
از آن گروه حاضرين گفتند بخدا سوگند که مصاع
خرما را جايه که سايه ورت باشد بهتر است از انچه
محمد از خدا تعالی سؤال نموده چرا از خدا نخواست
که دشمنان را بدو او فرستد و دشمنان
با انکه گنجی از خدا طلبيده کرا
فقير و تنگدستی

ربه ویتلوه شاهد منه ومن قبله کتاب موسی اماما ورحمة
پروردگارش وازپی درآید برهان او را گواهی از خدا او پیش از قرآن تورات موسی را پیشوا بود و رحمت بر
اولئک یؤمنون به ومن یکفر به من الاحزاب فالنار موعده
آن کرده میگروند بآن او هر که کافر شود بقرآن از گروه بهود پس آتش دوزخ وعده گاه او
فلا تک فی مریة منه انه الحق من ربک ولکن اکثر الناس
پس مباش تو در گمان از این موعد بدرستی که این حق است از پروردگار تو ولیکن بیشتر مردمان
لا یؤمنون ومن اظلم ممن افتری علی الله کذبا اولئک یعرضون
نمیگروند و کیست ستمکارتر از آنکه دروغ بندد بر خدا دروغی را آنگروه عرض خواهند شد در قیامت
علی ربهم ویقول الاشهاد هؤلاء الذین کذبوا علی ربهم
بر پروردگارشان و میگویند گواهان این گروه آنانند که دروغ گفتند بر پروردگارشان
الا لعنة الله علی الظالمین الذین یصدون عن سبیل الله
بدانید که لعنت خدا بر ستمکارانست آن گروه که باز میدارند از راه خدا
ویبغونها عوجا وهم بالاخرة هم کافرون اولئک لم یکونوا
مردم را میخواهند آنرا کجی و ایشانند بآخرت ایشان کافرانند آن گروه نیستند
معجزین فی الارض وما کان لهم من دون الله من اولیاء
عاجز کنندگان در زمین نیست مر ایشانرا بجز خدا هیچ دوستان
یضاعف لهم العذاب ما کانوا یستطیعون السمع وما
افزوده شود برای ایشان عذاب نبودند که توانستند شنیدن و
کانوا یبصرون اولئک الذین خسروا انفسهم وضل عنهم
نبودند که بینا بودند آنگروه آنانند که زیان کردند بر نفسهای خود و گم شد از ایشان
ما کانوا یفترون لا جرم انهم فی الاخرة هم الاخسرون
آنچه بودند که دروغ می بستند بیگمان و شبهه ایشان در آخرت ایشان زیان کارانند
ان الذین امنوا وعملوا الصالحات واخبتوا الی ربهم

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ

اینگروه یاران بهشتند ایشانند و آن جاوید اینان صفت دو گروه مؤمن و کافرند

كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصَمِّ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ ۚ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا

مانند کور و کر و بینا و شنوا است آیا مساوی میشوند از روی صفت

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ

آیا پس پند نمیگیرند و هر آینه بر انبیائی فرستادیم ما نوح را بسوی گروه خود بدرستی که من شما را

نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝ أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ ۖ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ

بیم دهنده ظاهرم که نپرستید مگر خدا را بدرستی که من میترسم بر شما عذاب

يَوْمٍ أَلِيمٍ ۝ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ

روز با درد و الم را پس گفتند اشراف قوم آنانکه کافر شدند از قوم نوح نمی بینیم تو را

إِلَّا بَشَرًا مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ اتَّبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَاذِلُنَا بَادِيَ

مگر آدمی مانند ما و نمی بینیم تو را که پیروی کرده باشند تو را مگر آنانکه ایشان خسیسان ما بند بی

الرَّأْيِ ۖ وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ

تامل و نمی بینیم ما شما را بر ما هیچ افزونی از مال بلکه گمان می کنیم شما را دروغگویان

قَالَ يَا قَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَآتَانِي رَحْمَةً

گفت ای قوم آیا خبر دهید اگر باشم بر حجتی هویدا از پروردگار خود و داده باشد خدا مرا رحمتی

مِنْ عِنْدِهِ فَعُمِّيَتْ عَلَيْكُمْ ۚ أَنُلْزِمُكُمُوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا كَارِهُونَ

از نزد خود که نبوت است پس پوشیده ماند بر شما تا آنوقت الزام کنیم شما را و حال آنکه شما آنرا ناخواهندگان باشید

وَيَا قَوْمِ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا

ای قوم من نمیخواهم از شما بر ادای رسالت مالی نیست که مزد رسالت من شود مگر بر خدا و نیستم

أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ آمَنُوا ۚ إِنَّهُمْ مُلَاقُو رَبِّهِمْ وَلَٰكِنِّي أَرَاكُمْ

من راننده آنانرا که بگروند بدرستی که ایشان رسنده اند بپروردگار خود ولیکن من می بینم شما را

قَوْمًا تَجْهَلُونَ ۝ وَيَا قَوْمِ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ

گروهی که نمیدانید و ای قوم من کیست که یاری مرا از عذاب خدا اگر براندم ایشانرا

أفلا

أفلا تذكرون ۞ ولا أقول لكم عندي خزائن الله ولا أعلم
آیا پس در نمی یابید آن را ۞ و نمیگویم من مر شما را که نزد منست خزینهای علم خدا و نمیدانم من
الغيب ولا أقول إني ملك ولا أقول للذين تزدري أعينكم
غیب را و نمیگویم بدرستیکه من فرشته ام و نمیگویم من مر آنانرا که بخواری در ایشان مینگرند چشمهای شما
لن يؤتيهم الله خيرا الله أعلم بما في أنفسهم إني إذا لمن الظالمين
نمیدهد ایشانرا خدا خوبی خدا داناتر است بآنچه در نفسهای ایشانست اگر من بر انم آن هنگام از ستمکارانم
قالوا يا نوح قد جادلتنا فأكثرت جدالنا فأتنا بما تعدنا
گفتند ای نوح بتحقیق که مخاصمه کردی با ما پس بسیار کردی جدال را با ما پس بیار ما را آنچه وعده دادی ما را
إن كنت من الصادقين ۞ قال إنما يأتيكم به الله إن
اگر از راستگویان ۞ گفت نوح جز این نیست که بیارد شما را آن خدا اگر
شاء وما أنتم بمعجزين ۞ ولا ينفعكم نصحي إن أردت أن
بخواهد و شما نیستید عاجز کنندگان ۞ و سود نمیدهد شما را پند من اگر خواهم که
أنصح لكم إن كان الله يريد أن يغويكم هو ربكم وإليه
نصیحت کنم مر شما را اگر هست خدا خواهد که گمراه کند شما را اوست پروردگار شما و بسوی او
ترجعون ۞ أم يقولون افتراه قل إن افتريته فعلي إجرامي
باز گردانیده شوید ۞ بلکه گفتند دروغ می بندد نوح بگو اگر افترا کرده ام وحی را پس بر منست گناه من
وأنا بريء مما تجرمون ۞ وأوحي إلى نوح أنه لن يؤمن من
و من بیزارم از آنچه گناه میکنید ۞ و وحی کرده شد بسوی نوح که هرگز ایمان نیارد از
قومك إلا من قد آمن فلا تبتئس بما كانوا يفعلون ۞ واصنع
قوم تو مگر کسیکه بتحقیق ایمان آورده پس نامید مباش بآنچه هستند که می کنند ۞ و بساز
الفلك بأعيننا ووحينا ولا تخاطبني في الذين ظلموا
نوح کشتی را بپاری و در حمایت ما و وحی کردن ما و خطاب مکن با من در آنانکه ستم کردند
إنهم مغرقون ۞ ويصنع الفلك وكلما مر عليه ملأ
بدرستی ایشان غرق شدگانند ۞ و می ساخت نوح کشتی را و هرگاه که بگذشتی بر او گروهی

مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ

از قوم او استهزا کردند بر او گفت نوح اگر استهزا میکنید ما را پس بدرستی که استهزا خواهیم کرد شما را

كَمَا تَسْخَرُونَ ۝ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ

همچنانکه استهزا می کنید پس زود باشد که بدانید کی آنکس را که بیاید باو عذاب که رسوا سازد او را و فرود آید

عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ ۝ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا

بر او عذاب دایم تا وقتی آمد عذاب ما و بر جوشید آب از تنور گفتیم ما نوح را

احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلٍّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ

که بردار در آن کشتی از هر نر و ماده دو تا و دو تا و با خود آور اهل خود را مگر آنکی پیش گرفته بر او

عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ ۚ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ ۝ وَقَالَ

بر او گفتار را و در آور در کشتی هر که بگرود و نگرویده بود با او مگر اندکی و گفت

ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا ۚ إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ

سوار شوید در کشتی و بگویید نام خداست هنگام راندن کشتی و ایستادن بدرستی که پروردگار من آمرزنده

رَحِيمٌ ۝ وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ

مهربانست و کشتی می برد ایشان را در میان موجی که از بزرگی مانند کوهها بود و آواز داد نوح

ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ

پسر خود را و بود در کناره از کشتی ای پسر من سوار شو با ما و مباش با کافران

قَالَ سَآوِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ ۚ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ

گفت پسر نوح که زود باشد که جای گیرم بکوهی که نگاه دارد مرا از آب گفت نوح نیست نگاه داری امروز

مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ ۖ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ

از عذاب خدا مگر آنکس که بخشد و حایل شد میان نوح و پسر او موج پس بود پسر نوح از غرق شدگان

وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكِ وَيَا سَمَاءُ أَقْلِعِي وَغِيضَ الْمَاءُ

و گفته شد ای زمین فرو بر آب خود را و ای آسمان باز گیر آب خود را و کم کرده شد آب

وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَى الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ

و گذارده شد کار کفار و قرار گرفت کشتی بر کوه جودی و گفته شد دوری باد از رحمت گروه

الظالمین

فصل

از حضرت ابی عبد الله

مرویست که چون اراده الهی تعلق بهلاک قوم نوح گرفت جلسای پس از طوفان زنان را عقیم گردانید که فرزندی از ایشان متولد نشد و چون نوح از سفینه کشتی فارغ شد بفرمود خدا ازمان پستانی همگی حیوانات را طلبیدند هیچ حیوانی نبود مگر آنکه حاضر شد از هر جنسی از اجناس حیوانات نر و ماده در کشتی گرد بعد از موش و گربه و مومنان تمام روی زمین بهشتادتن بودند و ایشان در کشتی از سر گین حیوانات و کثافات مناذی شده شکایت بخدمت آنحضرت بردند خوک را طلبیده دستی بر پشانی آن مالید همگی موش از بینی آن افتاده و بسر گین و کثافات را میخوردند و توالد و تناسل مینمودند بسبب آن اکثرت موش از شیر را طلبیده دستی بر پشانی آن کشید عطسه کرد همگی از بینی آن افتاده و دو خبر دیگر دارد است که خوک را بکشتی نبرده بود و خوک برای خوردن نجاسات از عطسه فیل شد

الظالمين ونادى نوح ربه فقال رب ان ابنى من اهلى
پسر کنعان را ندا داد نوح پروردگار خود را پس گفت پروردگارا پسری که پسر من از اهل منست
وان وعدك الحق وانت احكم الحاكمين قال يا نوح انه
و پسری که وعده تو راست است و او از تو بهترین حکم کنندگانی گفت خدای نوح پسری که
ليس من اهلك انه عمل غير صالح فلا تسئلن ما ليس لك به
او نیست از اهل تو پسری که او کردار ناشایسته پس سوال مکن آنچه را نیست ترا ای تو بان
علم اني اعظك ان تكون من الجاهلين قال رب اني اعوذ
دانش پسری که پند میدهم ترا از اینکه بوده باشی از نادانان گفت نوح پروردگارا پسری که من پناه
بك ان اسالك ما ليس لي به علم والا تغفر لي وترحمني
میبرم تو را از اینکه میپرسم تو را آنچه نیست مرا بان دانشی و اگر نیامرزی مرا و رحم نکنی بمن
اكن من الخاسرين قيل يا نوح اهبط بسلام منا
باشم از زیان کاران گفته شد ای نوح فرود آی بسلامتی از جانب ما
وبركات عليك وعلى امم ممن معك وامم سنمتعهم ثم
و برکات بر تو و بر امتهائی از آنانکه با تو اند و کروهی که
يمسهم منا عذاب اليم تلك من انباء الغيب نوحيها اليك
بزودی برخوردار میکنیم ایشانرا پس برسد ایشانرا از ما عذاب دردناک این قصه از خبرهای غیب است وحی کردیم ما بسوی تو
ما كنت تعلمها انت ولا قومك من قبل هذا فاصبر ان
نبود ترا که بدانی آنرا تو و نه قوم تو پیش از نزول این قضیه پس صبر کن بدرستی که
العاقبة للمتقين والى عاد اخاهم هودا قال يا قوم
سرانجام مر پرهیزکارانست و بسوی عاد برادر ایشان هود گفت ای قوم
اعبدوا الله ما لكم من اله غيره ان انتم الا مفترون
پرستید خدا را نیست مر شما را هیچ خدائی غیر او نیستید شما مگر دروغ بستگان بخدا
يا قوم لا اسئلكم عليه اجرا ان اجري الا على الذي فطرني
ای قوم نمیخواهم از شما بر او مزدی نیست مزد من مگر بر کسیکه آفرید مرا

حزب

از حضرت علی ابن موسی الرضا صلوات الله علیهما مشهور است که نوح در کشتی آنقدر که خدا خواست ماند و کشتی با مر الهی میرفت پس خدا تعالی باکوهها خطاب فرمود که کشتی خود را ببکی از شما فرود خواهیم آورد پس کوهها همه شتاب کردند و هر یک چنان می پنداشتند که بر روی آن خواهد نشست بسبب ارتفاع و عظمتی که بخود گمان میبردند و جودی که آن کوه کوچکی بود در موصل از راه خضوع و فروتنی راه این نگان نجوئید او پس نظر نمود الهی کشتی بر آن قرار گرفت و چون سینه کشتی بآنکوه رسید نوح گفت یا ما یا ایقن و ایکلام بزبان عبری یا نیمنی است که یا رب اصلح و در روایت دیگر وارد شده که یا بهمان ایقن و ان بتاویل یا احسن است و دور نیست که یا احسن در این خبر تصحیف کاتب باشد و یا رحمن در اصل حدیث و ان باشد

أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ

آیا پس تعقل نمی کنید ای قوم طلب آمرزش کنید از پروردگار خود پس بازگشت کنید بسوی خدا تا بفرستد

السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ

از آسمان بر شما باران فراوان و زیاد کند شما را توانائی بسوی توانائی شما و اعراض مکنید از او مرتکبان گناه

قَالُوا يَا هُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَمَا نَحْنُ بِتَارِكِي آلِهَتِنَا عَنْ قَوْلِكَ

گفتند ای هود نیامدی ما را بحجتی و نیستیم ما ترک کنندگان خدایان خود از گفتهٔ تو

وَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ ۝ إِنْ نَقُولُ إِلَّا اعْتَرَاكَ بَعْضُ آلِهَتِنَا

و نیستیم ما مر تو را گروندگان نمیگوئیم ما مگر آنکه رسانده تو را بعضی از خدایان خود

بِسُوءٍ ۝ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ اللَّهَ وَاشْهَدُوا أَنِّي بَرِيءٌ مِمَّا تُشْرِكُونَ

بدی گفت که من گواه میگیرم خدا را و گواه باشید که من بیزارم از آنچه شریک میسازند آنرا

مِنْ دُونِهِ فَكِيدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنْظِرُونِ ۝ إِنِّي تَوَكَّلْتُ

از غیر خدا پس کید کنید در حق من همه پس مهلت مدهید مرا بدرستی که من توکل کردم

عَلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمْ ۚ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا ۚ

بر خدا پروردگار من و پروردگار شما نیست هیچ جنبنده مگر که او گیرنده است موی پیشانی او را

إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ

بدرستی که پروردگار من بر راه است پس اگر برگردید پس بتحقیق که رسانده ام شما را

مَا أُرْسِلْتُ بِهِ إِلَيْكُمْ ۚ وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا

آنچه فرستاده شده بودم بآن بسوی شما و جانشین شما کند پروردگار من گروهی غیر از شما و

تَضُرُّونَهُ شَيْئًا ۚ إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ ۝ وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا

ضرر نتوانید رسانید بخدا چیزی بدرستی که پروردگار من بر هر چیز نگاهبانست و آن هنگام که آمد امر ما بعذاب

نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَنَجَّيْنَاهُمْ مِنْ

رهانیدیم ما هود را و آنانکه گرویدند با او برحمتی از ما و رهانیدیم ایشان را از

عَذَابٍ غَلِيظٍ ۝ وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا

عذاب درشت و این قبیله عاد انکار کردند نشانهای پروردگارشان و گناه کردند

رسله

رُسُلَهٗ وَاتَّبَعُوْٓا اَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيْدٍ ۝ وَاُتْبِعُوْا فِيْ هٰذِهِ الدُّنْيَا

پیغمبران خود را پیروی کردند فرمان هر گردنکش ستیزه کار را و پیروی کردند در این دنیا

لَعْنَةً وَّيَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۭ اَلَآ اِنَّ عَادًا كَفَرُوْا رَبَّهُمْ ۭ اَلَا بُعْدًا لِّعَادٍ

لعنت را در روز قیامت هم بدانند که قوم عاد کافر شدند پروردگار خود بدانند که دور است عاد را

قَوْمِ هُوْدٍ ۝ وَاِلٰى ثَمُوْدَ اَخَاهُمْ صٰلِحًا ۘ قَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللّٰهَ

گروه هود و فرستادیم بسوی ثمود برادر ایشان صالح گفت ای قوم بپرستید خدا را

مَا لَكُمْ مِّنْ اِلٰهٍ غَيْرُهٗ ۭ هُوَ اَنْشَاَكُمْ مِّنَ الْاَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ

نیست مر شما را هیچ خدائی غیر او و آفرید پدر شما آدم را از زمین و زندگانی داد شما را

فِيْهَا فَاسْتَغْفِرُوْهُ ثُمَّ تُوْبُوْٓا اِلَيْهِ ۭ اِنَّ رَبِّيْ قَرِيْبٌ مُّجِيْبٌ ۝ قَالُوْا

در زمین پس طلب آمرزش کنید او را پس بازگشت کنید بسوی او که پروردگار من نزدیک است اجابت کننده گفتند

يٰصٰلِحُ قَدْ كُنْتَ فِيْنَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هٰذَآ اَتَنْهٰىنَآ اَنْ نَّعْبُدَ مَا

ای صالح بتحقیق که بودی تو در میان ما امیدوار شده پیش ازین آیا نهی میکنی ما را که بپرستیم ما آنچه

يَعْبُدُ اٰبَاۗؤُنَا ۭ وَاِنَّنَا لَفِيْ شَكٍّ مِّمَّا تَدْعُوْنَآ اِلَيْهِ مُرِيْبٍ ۝ قَالَ

می پرستید پدران ما و بدرستی که ما در آینه در شک هستیم از آنچه میخوانی ما را بسوی آن شکی در تهمت افکنده گفت

يٰقَوْمِ اَرَءَيْتُمْ اِنْ كُنْتُ عَلٰي بَيِّنَةٍ مِّنْ رَّبِّيْ وَاٰتٰىنِيْ مِنْهُ رَحْمَةً

ای قوم آیا خبر دهید مرا اگر باشم بر حجتی از جانب پروردگار من و داد مرا از خود رحمتی

فَمَنْ يَّنْصُرُنِيْ مِنَ اللّٰهِ اِنْ عَصَيْتُهٗ فَمَا تَزِيْدُوْنَنِيْ غَيْرَ تَخْسِيْرٍ

پس کیست که یاری کند مرا از خدا اگر نافرمانی کنم امر او را پس زیاد نمیکنید مرا غیر نسبت زیان کاری من

وَيٰقَوْمِ هٰذِهٖ نَاقَةُ اللّٰهِ لَكُمْ اٰيَةً فَذَرُوْهَا تَاْكُلْ فِيْٓ اَرْضِ اللّٰهِ

و ای قوم من این شتر خداست برای شما علامتی پس بگذارید او را تا بخورد در زمین خدا

وَلَا تَمَسُّوْهَا بِسُوْۗءٍ فَيَاْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيْبٌ ۝ فَعَقَرُوْهَا فَقَالَ

و نرسانید باین ناقه را بدی پس بگیرد شما را عذاب بزودیک پس پی کردند آن ناقه را پس گفت

تَمَتَّعُوْا فِيْ دَارِكُمْ ثَلٰثَةَ اَيَّامٍ ۭ ذٰلِكَ وَعْدٌ غَيْرُ مَكْذُوْبٍ ۝

صالح برخوردار شوید در خانهای خود سه روز این وعده وعده ایست غیر دروغ

فَلَمَّا جَآءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَٰلِحًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُۥ بِرَحْمَةٍ مِّنَّا وَ

پس چون آمد فرمان ما بعذاب رهانیدیم صالح را و آنان که ایمان آورده بودند با او برحمتی از ما و

مِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ ۗ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ ٱلْقَوِىُّ ٱلْعَزِيزُ ۝ وَأَخَذَ ٱلَّذِينَ

از رسوائی آن روز بدرستیکه پروردگار تو اوست توانای غالب ۝ و گرفت آنانرا که

ظَلَمُوا ٱلصَّيْحَةُ فَأَصْبَحُوا فِى دِيَٰرِهِمْ جَٰثِمِينَ ۝ كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَآ

ستم کردند فریادی عظیم پس گشتند در خانهای خود بزمین فرو رفتگان گویا هرگز نبودند در خانها

أَلَآ إِنَّ ثَمُودَ كَفَرُوا رَبَّهُمْ ۗ أَلَا بُعْدًا لِّثَمُودَ ۝ وَلَقَدْ جَآءَتْ

بدانید که ثمود کافر شدند بپروردگار خود بدانید که دوریست ثمود را از رحمت و هیچیس که آمدند

رُسُلُنَآ إِبْرَٰهِيمَ بِٱلْبُشْرَىٰ قَالُوا سَلَٰمًا ۖ قَالَ سَلَٰمٌ فَمَا لَبِثَ

فرستادگان ما ابراهیم بمژده دادن فرزند گفتند سلامی کردیم گفت ابراهیم سلام بر شما پس درنگ نکرد

أَن جَآءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ ۝ فَلَمَّا رَأَىٰٓ أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَ

تا که آورد ابراهیم بگوساله بزمان پس چون بدید ابراهیم دستهای ایشان را که نمیرسید بآن گوساله منکر شمرد ایشانرا و

أَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً ۖ قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّآ أُرْسِلْنَآ إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ

در دل خود داشت از ایشان ترسی گفتند ملائکه مترس بدرستی که ما فرستادگانیم بسوی قوم لوط

وَٱمْرَأَتُهُۥ قَآئِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَٰهَا بِإِسْحَٰقَ ۙ وَمِن وَرَآءِ إِسْحَٰقَ

و زن ابراهیم ایستاده بود پس بخندید پس مژده دادیم او را باسحق و از پس اسحق

يَعْقُوبَ ۝ قَالَتْ يَٰوَيْلَتَىٰٓ ءَأَلِدُ وَأَنَا۠ عَجُوزٌ وَهَٰذَا بَعْلِى شَيْخًا

یعقوب گفت پیاره و اعجبا آیا میزایم من و من پیرم و این شوهر من پیر است

إِنَّ هَٰذَا لَشَىْءٌ عَجِيبٌ ۝ قَالُوٓا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ ٱللَّهِ رَحْمَتُ ٱللَّهِ

بدرستیکه این هر آینه چیزی عجب است گفتند ملائکه آیا تعجب میکنی از فرمان خدا رحمت خدا

وَبَرَكَٰتُهُۥ عَلَيْكُمْ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ ۚ إِنَّهُۥ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ ۝ فَلَمَّا

و برکتهای او بر شما که اهل خانه ابراهیمید بدرستی که خدا ستوده شده است بزرگوار است پس چون

ذَهَبَ عَنْ إِبْرَٰهِيمَ ٱلرَّوْعُ وَجَآءَتْهُ ٱلْبُشْرَىٰ يُجَٰدِلُنَا فِى

رفت از ابراهیم ترس و آمد او را مژده مجادله میکرد با رسولان ما در باب

قوم

چهار فرشته بودند جبرئیل و
میکائیل و اسرافیل
و کروبیل
از
حضرت
صادق مرویست
که آن فرشتگان نزد لوط رفتند و آن
حضرت در مزرعه بود نزدیک بقریه پس سلام
کردند بر حضرت بصورتهای جوانان بیموئی نکوروئی
سفید پوشیده بصورت جوانان بموئی نکوروئی
درآمدند و آنحضرت بمیزبانی ایشان برخاست
داده و سماجت قومش را میدانست از ایشان
قضیت ایشان غمگین شد و چاره موافقت نمود
که ضیافت ایشان ناسماجت
قومش را برهم
زند
از حضرت صادق مرویست که خدا تعالی
جبرئیل فرموده بود که آن قوم را هلاک کن تا
لوط چهار نوبت بر وی گرد ایشان سماجت
نمود پس لوط که بهمراهی فرشتگان نجابت میرفت
با خود گفت که چه کاری میرم ایشان نزد
بدترین خلق خدا جبرئیل گفت این کمار لوط
پنجه فرو دیگر همین را
گفت این چهار را
بسم جبرئیل

قَوْمُ لُوطٍ ۝ إِنَّ إِبْرٰهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُّنِيبٌ ۝ يٰإِبْرٰهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ

قوم لوط | بدرستی ابراهیم بردبار | آه کننده رجوع کننده بود گفتیم | ای ابراهیم | اعراض کن از

هٰذَا إِنَّهُ قَدْ جَآءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ ءَاتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ

این | بدرستی که | آمد | فرمان پروردگارت و بدرستی که ایشانرا | آینده است | عذابی که | برگردیده نشود

وَلَمَّا جَآءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِيٓءَ بِهِمْ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ

و چون | آمدند | فرستادگان ما لوط را | بد و بکین شد بدیدن ایشان | و تنگ شد بدیدن ایشان | سینه لوط و گفت

هٰذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ ۝ وَجَآءَهُ قَوْمُهُۥ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ

این روزیست | سخت | بر من | و آمدند قوم لوط در حالی که بشتاب میرفتند بسوی لوط | و پیش ازین

كَانُوا يَعْمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ ۚ قَالَ يٰقَوْمِ هٰٓؤُلَآءِ بَنَاتِى هُنَّ أَطْهَرُ

بودند که میکردند | کارهای بد | چون لوط گفت | ای قوم من | اینها | دختران منند ایشان حلال ترو پاکیزه

لَكُمْ ۖ فَٱتَّقُوا ٱللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِى ضَيْفِىٓ ۖ أَلَيْسَ مِنكُمْ رَجُلٌ

شما | پس بترسید از خدا | و رسوا مکنید مرا | در پیش مهمانان من | آیا نیست مردی از شما

رَّشِيدٌ ۝ قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَ مَا لَنَا فِى بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ

راه یافته شده | گفتند قوم | بحقیق | میدانی که نیست مارا | در دختران | هیچ | حقی و بدرستی که تو

لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ ۝ قَالَ لَوْ أَنَّ لِى بِكُمْ قُوَّةً أَوْ ءَاوِىٓ إِلَىٰ رُكْنٍ شَدِيدٍ

هر آینه میدانی آنچه میخواهیم | گفت لوط کاش بودی برای من بشما توانائی یا پناه میگرفتم بسوی | رکنی | سخت

قَالُوا يٰلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَن يَصِلُوٓا إِلَيْكَ فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ

گفتند ملائکه ای لوط بدرستی که ما فرستادگان پروردگار تو ایم هرگز نرسند | بسوی تو | پس ببر | کسان خود را

بِقِطْعٍ مِّنَ ٱلَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنكُمْ أَحَدٌ إِلَّا ٱمْرَأَتَكَ ۖ إِنَّهُۥ

بعد از پاره | از شب | و باز پس نگرد | از شما | کسی | مگر | زن تو بدرستی که او

مُصِيبُهَا مَآ أَصَابَهُمْ ۚ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ ٱلصُّبْحُ ۚ أَلَيْسَ ٱلصُّبْحُ بِقَرِيبٍ

رسنده است او را آنچه رسد ایشانرا | بدرستی که وعده ایشان | صبح است | آیا نیست | صبح | نزدیک

فَلَمَّا جَآءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَٰلِيَهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا حِجَارَةً

پس آن هنگام که آمد فرمان ما گردانیدیم | بالای آنشهر را | زیر آن | و بارانیدیم ما | بر ایشان | سنگی

این مجادله در خانه لوط واقع شد که میخواستند

بر خانه لوط بریزند و از حضرت صادق

مرویست که چون آنحضرت فرمود لوط لی بکم

قوة جبرئیل گفت کاش لوط میدانست که

قوتی خدا تعالی باو داده و مذاکر دلوط را که

بگذارد داخل خانه شوند چون داخل خانه

شدند جبرئیل انگشت مبارک را اشاره بچشم

ایشان نمود همه کور شدند چنانچه خدا تعالی

در موضع دیگر فرموده که فطمسنا

اعینهم پس کشیدیم بالوط

انا رسل ربک

بعضی

گفته اند که الا

امرأتک مستثنی است از سر

با بلک و بعضی گفته اند که او را هم با خود

برده بود و او مستثنی است از احد لیکن رو به

پس کرد که به بیند تعوش چه میکند رو فرمادی

زد که یا قوما به سنگی بر سرش خورد

و کشته شد

مِن سِجِّيلٍ مَّنضُودٍ ۝ مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ ۖ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ

از گل سخت برهم نهاده شده نشان کرده شده نزد پروردگار تو و نیست این از ستمکاران

بَعِيدٍ ۝ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا ۚ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ

دور و فرستادیم بسوی مدین برادرایشان شعیب را گفت ای قوم بپرستید خدا را

مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ ۖ وَلَا تَنقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ ۚ إِنِّي أَرَاكُم

نیست مر شما را هیچ خدائی غیر او و کم نکنید پیمودن و سنجیدن ترازوها را بدرستی که می بینم شما را

بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ ۝ وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا

مالدار و بدرستیکه می ترسم بر شما عذاب روز احاطه کرده شده و ای قوم تمام

الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ ۖ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ

بپیمائید و بسنجید ترازو را براستی و نکنید ناقص مردمان را چیزهای ایشان را

وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ۝ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن

و تباهی مجوئید در زمین که از بدکاران باشید آنچه باقی گذارد خدا بهتر است برای شما اگر

كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ۝ وَمَا أَنَا عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ ۝ قَالُوا يَا شُعَيْبُ

هستید گرونده گان و نیستم من بر شما نگاهبان گفتند ای شعیب

أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَن نَّتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَن نَّفْعَلَ

آیا نمازهای تو امر میکند تو را انکه ترک کنیم آنچه می پرستند پدران ما یا انکه بکنیم

فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ ۖ إِنَّكَ لَأَنتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ۝ قَالَ يَا قَوْمِ

در مالهای خود آنچه خواهیم بدرستی که تو هر آینه توئی بردبار راه یافته شده گفت شعیب ای قوم

أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا ۚ

آیا دیدید اگر بوده باشم بر حجتی از پروردگار من و روزی داده مرا از نزد خود روزی نیکوی خوب

وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ ۚ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا

و نمیخواهم من این که مخالفت کنم شما را بسوی آنچه نهی میکنم شما را از آن نمیخواهم من مگر

الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ ۚ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ ۚ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

باصلاح آوردن کار شما مادامی که استطاعت داشته باشم و نیست توفیق من مگر بخدا بر او است توکل من

وَإِلَيْهِ

خف

مراد از آن نشان و علامات بقول بعضی نشانهای عذاب بود و بقولی نشانهای امتیاز از سنگهای وی بین بود و بقولی نام بهای اهل قریه بود که بر سنگی نام نفس بود و بقولی بر آن سنگها هر یک سرخ و سفید بود و بقولی بر هر سنگی نام یکی از همکاران این قوم بود و بقولی کفر و قریش در سفرها از حجارشام آن سنگها می بینند و بقولی مراد از ظالمین قوم لوط اند و غرض آنکه بعدی ندارد نزول عذاب بر ایشان بعلت آنکه مستحق آن بودند و بقولی مراد هر ستمکار است و غرض آنست که هر ستمکاری ساعت بساعت باید منتظر نزول چنین عذابی باشد

وَاِلَيْهِ اُنِيبُ ۝ وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي اَنْ يُصِيبَكُمْ

و بسوی اوست بازگشت من ۝ وای قوم من ۝ باید که بر آن ندارد شمارا ۝ دشمنی من ۝ انکه ۝ برسد ۝ شمارا

مِثْلُ مَآ اَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ اَوْ قَوْمَ هُودٍ اَوْ قَوْمَ صَالِحٍ ۚ وَمَا

مانند ۝ آنچه ۝ رسید ۝ قوم ۝ نوح را ۝ یا ۝ قوم ۝ هود را ۝ و قوم ۝ صالح را ۝ و نیست

قَوْمُ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ ۝ وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا

قوم ۝ لوط ۝ از شما ۝ دور ۝ و طلب آمرزش کنید ۝ از پروردگار خود پس ۝ باز گردید

اِلَيْهِ ۚ اِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ۝ قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا

بسوی او بدرستی که پروردگار من مهربان ۝ دوست دارنده است گفتند ۝ ای شعیب ۝ نمی فهمیم ۝ بسیاری

مِمَّا تَقُولُ وَاِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا ۖ وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ

از آنچه ۝ میگوئی ۝ و بدرستیکه ما می بینیم تو را ۝ در میان خود ۝ ناتوان ۝ و اگر نه اقوام ما بر دین تو بودند هر آینه ۝ سنگسار میکردیم

وَمَآ اَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ ۝ قَالَ يَا قَوْمِ اَرَهْطِي اَعَزُّ عَلَيْكُمْ

تو را در نمی ۝ تو ۝ بر ما ۝ غالب ۝ گفت ۝ ای قوم من ۝ آیا ۝ قوم من ۝ عزیزترند ۝ بر شما

مِنَ اللّٰهِ ۖ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَاءَكُمْ ظِهْرِيًّا ۖ اِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

از خدا ۝ و فراگرفته اید امر خدا را پس پشت خود فراموش شد بدرستی که پروردگار من آنچه میکنید احاطه کننده است

وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ اِنِّي عَامِلٌ ۖ سَوْفَ تَعْلَمُونَ

و ای قوم من ۝ عمل کنید ۝ بر ۝ مکان خود آنچه میکردند بدرستی که من عمل کننده ام زود باشد که بدانید

مَنْ يَاْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ ۖ وَارْتَقِبُوا اِنِّي مَعَكُمْ

که گرا بیاید ۝ عذابی که رسوا کند او را و کیست ۝ او دروغ گویند و ۝ انتظار برید بدرستی که من با شما

رَقِيبٌ ۝ وَلَمَّا جَآءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ اٰمَنُوا مَعَهُ

نگاهبانم ۝ و هنگامیکه آمد امر ما ۝ نجات دادیم شعیب را ۝ و آنانکه ۝ گرویدند با او

بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَاَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَاَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ

برحمتی ۝ از جانب ما ۝ و گرفت ۝ آنرا که ستم کردند فریاد جبرئیل ۝ پس گشتند ۝ در خانه هاشان

جَاثِمِينَ ۝ كَاَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۗ اَلَا بُعْدًا لِمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ

مردگان زمین افتاده ۝ گویا ۝ هرگز اقامت نکرده اند دیار بدانید که دوریست ۝ مر اهل مدین را همانگونه که دوریست

یعنی
پرزمانی از
حکایت عذاب قوم نگذشته
با اینکه جایگاه ایشان از شما دور
نیست و می بینید قریه نگون شده
ایشانرا

مِن سِجِّيلٍ مَّنضُودٍ ۝ مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ ۖ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ

از گل سخت برهم نهاده شده نشان کرده شده نزد پروردگار تو و نیست این از ستمکاران

بِبَعِيدٍ ۝ وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا ۚ قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ

دور و فرستادیم بسوی مدین برادرایشان شعیب را گفت ای قوم بپرستید خدا را

مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ ۖ وَلَا تَنقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُم

نیست مر شما را هیچ خدائی غیر او و کم مکنید پیمودن و سنجیدن ترازوها را بدرستی که می بینم شما را

بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ ۝ وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا

مالدار و بدرستیکه می ترسم بر شما عذاب روز احاطه کرده شده و ای قوم تمام

الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ

بپیمائید و بسنجید ترازو را براستی و مکنید ناقص مردمان را چیزهای ایشان را

وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ ۝ بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن

و تباهی مجوئید در زمین که مفسدان باشید آنچه باقی گذارد خدا بهتر است برای شما اگر

كُنتُم مُّؤْمِنِينَ ۝ وَمَا أَنَا عَلَيْكُم بِحَفِيظٍ ۝ قَالُوا يَا شُعَيْبُ

هستید گروندگان و نیستم من بر شما نگاهبان گفتند ای شعیب

أَصَلَاتُكَ تَأْمُرُكَ أَن نَّتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَن نَّفْعَلَ

آیا نمازهای تو امر میکند تو را که ترک کنی آنچه می پرستند پدران ما یا آنکه بکنیم

فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ ۖ إِنَّكَ لَأَنتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ ۝ قَالَ يَا قَوْمِ

در مالهای خود آنچه خواهیم بدرستی که تو هر آینه تو نی بردبار راه یافته شده گفت شعیب ای قوم

أَرَأَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ رِزْقًا حَسَنًا ۚ

آیا دیدید اگر بوده باشم بر حجتی از پروردگار من و روزی داده مرا از نزد خود روزی نیکوی خوب

وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ ۚ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا

و نمیخواهم من این که مخالفت کنم شما را بسوی آنچه نهی میکنم شما را از آن نمیخواهم من مگر

الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ ۚ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ ۚ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ

باصلاح آوردن کار شما مادامی که استطاعت داشته باشم و نیست توفیق من مگر بخدا بر او ست توکل من

وَإِلَيْهِ

نصف

مراد از آن نشان و علامات بقول بعضی نشانهای عذاب بود و بقولی نشانهای سبب عذاب بود و بقولی نشانهای امتیاز از سنگهای دیگر بود و بقولی نام اهل قریه بود که بر هر سنگی نام شخص بود و بقولی آن سنگها هر یک سرخ و سفید بود و بقولی

سنگاران آن زمان بودند کفر و قریش در سفرها از حجاره شام آنها می بینند و بقولی مراد ظالمین قوم لوط اند غرض آنکه بعدی ندارد نزول عذاب بر ایشان بعلت آنکه مستحق آن بودند و بقولی مراد هر سنگ است و غرض آنست که هر سنگاری ساعت بساعت باید منتظر نزول چنین عذابی باشد

وَاِلَيْهِ اُنِيبُ ۝ وَيَا قَوْمِ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي اَنْ يُصِيبَكُمْ

و بسوی اوست بازگشت من ۝ وای قوم من ۝ باید که بر آن ندارد شمارا ۝ دشمنی من ۝ انکه ۝ برسد ۝ شمارا

مِثْلُ مَآ اَصَابَ قَوْمَ نُوحٍ اَوْ قَوْمَ هُودٍ اَوْ قَوْمَ صَالِحٍ ۚ وَمَا

مانند ۝ آنچه ۝ رسید ۝ قوم ۝ نوح را ۝ یا ۝ قوم ۝ هود را ۝ و قوم ۝ صالح را ۝ دنیست

قَوْمُ لُوطٍ مِنْكُمْ بِبَعِيدٍ ۝ وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا

قوم ۝ لوط ۝ از شما ۝ دور ۝ و طلب ۝ آمرزش کنید ۝ از پروردگار خود پس ۝ بازگردید

اِلَيْهِ ۚ اِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ ۝ قَالُوا يَا شُعَيْبُ مَا نَفْقَهُ كَثِيرًا

بسوی او بدرستی که پروردگار من مهربان ۝ دوست دارنده است گفتند ۝ ای شعیب ۝ نمی فهمیم ۝ بسیاری

مِمَّا تَقُولُ وَاِنَّا لَنَرَاكَ فِينَا ضَعِيفًا ۖ وَلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ

از آنچه ۝ میگوئی ۝ و بدرستیکه ما می بینیم تو را ۝ در میان خود ۝ ناتوان ۝ و اگر نه اقوام ما بودند ۝ هر آینه سنگسار میکردیم

وَمَآ اَنْتَ عَلَيْنَا بِعَزِيزٍ ۝ قَالَ يَا قَوْمِ اَرَهْطِي اَعَزُّ عَلَيْكُمْ

تو را و نیستی ۝ تو ۝ بر ما ۝ غالب ۝ گفت ۝ ای قوم من ۝ آیا ۝ قوم من ۝ عزیزترند ۝ بر شما

مِنَ اللّٰهِ ۖ وَاتَّخَذْتُمُوهُ وَرَآءَكُمْ ظِهْرِيًّا ۖ اِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

از خدا ۝ و فراگرفته ۝ امر خدا را پس پشت خود فراموش شد بدرستی که پروردگار من آنچه میکنید احاطه کننده است

وَيَا قَوْمِ اعْمَلُوا عَلٰى مَكَانَتِكُمْ اِنِّي عَامِلٌ ۖ سَوْفَ تَعْلَمُونَ

و ای قوم من ۝ عمل کنید ۝ بر ۝ مکان خود آنچه میکردند بدرستی که من عمل کننده ام زود باشد که بدانید

مَنْ يَاْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَاذِبٌ ۖ وَارْتَقِبُوا اِنِّي مَعَكُمْ

که کرا بیاید ۝ عذابی که رسوا کند او را و کیست ۝ او دروغ گویند و ۝ انتظار برید بدرستی که من با شما

رَقِيبٌ ۝ وَلَمَّا جَآءَ اَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ اٰمَنُوا مَعَهُ

نگاهبانم ۝ و چون ۝ هنگامیکه آمد امر ما ۝ نجات دادیم شعیب را ۝ و آنانکه ۝ گرویدند با او

بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَاَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةُ فَاَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ

برحمتی ۝ از جانب ما ۝ و گرفت ۝ آنانرا که ستم کردند فریاد جبرئیل ۝ پس گشتند ۝ در خانه هاشان

جٰثِمِينَ ۝ كَاَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۗ اَلَا بُعْدًا لِمَدْيَنَ كَمَا بَعِدَتْ

مردگان بزمین افتاده ۝ گویا ۝ هرگز اقامت نکردند دیار ۝ بدانید که دوریست ۝ مر اهل مدین را همچنانکه دوریست

یعنی
پرسرمانی از
حکایت عذاب قوم نگذشته
یا اینکه جایگاه ایشان از شما دور
نیست و می بعید قریه نگون شده
ایشانرا

ثمود ۝ ولقد ارسلنا موسى بآياتنا وسلطان مبين ۝ الى فرعون

قوم ثمود را گفتیم و بتحقیق که فرستادیم موسی را با کتاب تورات و معجزات ظاهر بسوی فرعون

وملائه فاتبعوا امر فرعون وما امر فرعون برشيد ۝ يقدم

و اشراف قوم او پس پیروی کردند حکم فرعون را و نبود حکم فرعون براه رشد و صواب پس روی کند

قومه يوم القيمة فاوردهم النار وبئس الورد المورود ۝ و

قوم خود را روز قیامت پس وارد سازد ایشان را بآتش و بد است آتشی که در آمده شده در آن و

اتبعوا في هذه لعنة ويوم القيمة بئس الرفد المرفود ۝ ذلك

از پی در آمدند شدند در این دنیا لعنت را و روز قیامت بد است عطائی که داده شده این خبر

من انباء القرى نقصه عليك منها قائم وحصيد ۝ وما

از خبرهای دیههاست که میخوانیم بر تو بعضی از آنها که قایم است و بعضی خراب و

ظلمناهم ولكن ظلموا انفسهم فما اغنت عنهم الهتهم التي

ستم نکردیم ما ایشانرا ولیکن ستم کردند بر نفسهای خود پس منع نکرد از ایشان خدایان ایشان که

يدعون من دون الله من شيء لما جاء امر ربك وما زادوهم

میخواندند از غیر خدا هیچ چیز وقتیکه آمد فرمان پروردگار تو بعذاب و نزیاد نکردند

غير تتبيب ۝ وكذلك اخذ ربك اذا اخذ القرى وهي ظالمة

ایشانرا غیر هلاک شدن و همچنین است گرفتن پروردگار تو چون گرفت اهل دیهارا و حال آنکه ستمکار بود

ان اخذه اليم شديد ۝ ان في ذلك لاية لمن خاف عذاب

بدرستیکه گرفتن خدا دردناک سخت است بدرستی که در این هر آینه علامتی است از برای کسی که میترسد عذاب

الاخرة ذلك يوم مجموع له الناس وذلك يوم مشهود

آخرت را این روز قیامت است روزیست که فراهم آمدند در آن مردمان و این روزیست حاضر کرده شده

وما نؤخره الا لاجل معدود ۝ يوم يات لا تكلم نفس

و ما تاخیر نکنیم قیامت را مگر برای مدتی شمرده شده روزیکه بیاید آن روز سخن نگوید هیچ نفسی

الا باذنه فمنهم شقي وسعيد ۝ فاما الذين شقوا ففي النار

مگر بفرمان خدا پس بعضی ایشان بدبخت باشند و بعضی نیکبخت پس اما آنانکه بدبخت اند پس در آتش

لهم

اطلاق

در رد و عطار

آتش جهنم از مال عطار است

و مقدار این استعاره آنست که

آتش جهنم در برابر هر یک از عطایا

که در بهشت بهشتیان داده

میشود

در تفسیر این قصیده معلوم

در جانب اشقیا و بقیه مجهول در

جانب سعدا استعاره باین است که گویا سعادت

کار اشقیا خود شان است و سعادت گویا کار

سعدا نیست بلکه فضل خدا تعالی است چنانکه در

حدیث قدسی وارد شده و که اما اولی

بجنانک منک رحمت

اولی بسیاک منک

منی

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ ۝ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمٰوٰتُ وَ

مر ایشانرا است در آن آتش فریاد سخت و ناله زار که جاوید باشند در آن ۝ مادامیکه قایم باشد آسمانها و

الْأَرْضُ إِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيدُ ۝ وَأَمَّا

زمین ۝ مگر آنچه خواهد پروردگار تو بدرستی که پروردگار تو کننده است هرچه را خواهد ۝ و اما

الَّذِينَ سُعِدُوا فَفِي الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمٰوٰتُ

آنانکه نیکبخت شدند ۝ پس در بهشتند ۝ جاویدانیان در آن ۝ مادامیکه باشد ۝ آسمانها

وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَآءَ رَبُّكَ عَطَآءً غَيْرَ مَجْذُوذٍ ۝ فَلَا تَكُ

و ۝ زمین ۝ مگر آنچه خواهد پروردگار تو ۝ عطائی ۝ غیر ۝ منقطع ۝ پس مباش تو

فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هٰؤُلَآءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا يَعْبُدُ

در گمان ۝ از آنچه ۝ می پرستند ایشان ۝ نمی پرستند ۝ مگر ۝ همچنانکه ۝ می پرستیدند

آبَآؤُهُم مِّن قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوَفُّوهُمْ نَصِيبَهُمْ غَيْرَ مَنقُوصٍ ۝ وَ

پدران ایشان ۝ پیش از ایشان و بدرستی که ما هر آینه تمام رسانیدنده ایم بهره ایشانرا در حالی که غیر ناقص باشد ۝ و

لَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ

بتحقیق که دادیم ما ۝ موسی را ۝ کتاب تورات ۝ پس اختلاف کردند در آن ۝ و اگر نه سخنی بود

سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ

پیشی گرفته از جانب پروردگار تو هر آینه حکم کرده شده میان ایشان ۝ و ایشان هر آینه در شک اند از قرآن ۝ گمانی که در شک اندازد

وَإِنَّ كُلًّا لَّمَّا لَيُوَفِّيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَالَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

و بدرستی که هر یک ۝ چون که تمام خواهد داد ایشانرا ۝ پروردگار تو جزای کردار ایشان ۝ بدرستی خدا آنچه ۝ میکنند کاهست

فَاسْتَقِمْ كَمَآ أُمِرْتَ وَمَن تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ

پس مستقیم باش تو ۝ همچنانکه ۝ امر کرده شدی ۝ و هر که ۝ توبه کرده با تو ۝ و از حد در مگذرید بدرستی که خدا آنچه ۝ می کنید

بَصِيرٌ ۝ وَلَا تَرْكَنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا

بیناست ۝ و میل مکنید میل اندک ۝ بسوی آنانکه ستم کردند پس برسد شمارا آتش ۝ و نیست

لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَآءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ۝ وَأَقِمِ الصَّلٰوةَ

مر شمارا ۝ از غیر خدا ۝ هیچ دوستی پس ۝ یاری کرده نشوید ۝ و بپای دار ۝ نماز را

مراد از سموات و ارض دوام آنهاست تا دنیاست و بعضی گفته اند که لفظ ما دامت السموات و الارض کنایه از خلود و دوام است هر چند که سماء و ارضی نباشد و مقصود این کنایه آن است که تا دنیاست آسمانها و زمین هست پس عرب این کلام را در خلود و دوام مستعمل و چنانکه عددی که مشهور باشد در کثرت میگویند محض کثرت از آن میخواهند و معنی استثنا در دو آیه خالی از اشکالی نیست چه بلا خلاف یعنی کفره هرگز از جهنم بیرون نمی آیند و بعد یعنی مومنین هم بعد از دخول هم بیرون

بمیرزا محمد العلم عفی الله عنه

از حضرت صادق مرویست که مراد از نماز طرفی نهار نماز صبح و شام است و از زلف اللیل نماز خفتن و نهار این نماز ظهر و عصر از این آیه مستفاد است

طرفی النهار وزلفا من اللیل ان الحسنات یذهبن السیئات

و طرف اول روز و در ساعتهای از شب بدرستی که نیکوئیها ببرد بدیها را

ذلک ذکری للذاکرین ۝ واصبر فان الله لا یضیع اجر

این امر پاداشت پندیست مر یاد کنندگان را و صبر کن پس بدرستی که خدا ضایع نمیکند مزد

المحسنین ۝ فلولا کان من القرون من قبلکم اولوا

نیکوکاران را پس چرا نبودند از اهل قرنها از پیش شما بودند خداوندان

بقیة ینهون عن الفساد فی الارض الا قلیلا ممن انجینا

عقل باز میداشتند مردم را از فساد در زمین مگر اندک بودند از آنانکه نجات دادیم ما

منهم واتبع الذین ظلموا ما اترفوا فیه وکانوا مجرمین ۝ وما

از ایشان و پیروی کردند آنانکه ستم کردند آنچیزرا که متنعم بودند در آن و بودند بزه کنندگان و نبود

کان ربک لیهلک القری بظلم واهلها مصلحون ۝ ولو

و نبود پروردگار تو که هلاک کند اهل دیها بستم و حال آنکه اهل آن بصلاح آیندگان باشند و اگر

شاء ربک لجعل الناس امة واحدة ولا یزالون مختلفین

خواستی پروردگار تو هر آینه گردانیدی مردم را یک گروه بر یک دین و همیشه باشند اختلاف کنندگان

الا من رحم ربک ولذلک خلقهم وتمت کلمة ربک لاملان

مگر آنرا که رحم کند پروردگار تو و از این آفرید ایشانرا و تمام شد سخن پروردگار تو هر آینه پر سازم

جهنم من الجنة والناس اجمعین ۝ وکلا نقص علیک

دوزخ را از دیوان و آدمیان همه و هر قصه که میکنیم بر تو

من انباء الرسل ما نثبت به فؤادک وجاءک فی هذه الحق

از خبرهای پیغمبران چیزیست که ثابت میکردانیم بآن دل تورا و آمده است بتو در این آینه راستست

وموعظة وذکری للمؤمنین ۝ وقل للذین لا یؤمنون

و پندیست و یاد کردنی مر مومنانرا و بگو مر آنانرا که ایمان نمی آورند

اعملوا علی مکانتکم انا عاملون ۝ وانتظروا انا منتظرون ۝

عمل کنید بر حالتی که بر آن ممکن ساخته اید بر پرستی که ما عمل کنندگانیم و انتظار برید بدرستی که ما انتظار برندگانیم

ولله

حزب ۱۰

ثمانی از حضرت ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام روایت نموده که روزی حضرت امیر المومنین علیه السلام روی بمردم نمود و فرمود که کدام آیه است در کتاب الهی که باعث امیدواری شما بیشتر است پاره خواندند که ان الله لا یشرک ان یغفر و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء فرمود که این آیه نیکوست لیکن آیه که من میخواهم نیست دیگری گفت و من بعمل سوء او یظلم نفسه الآیه فرمود که این هم نیکوست اما آن نیست دیگری گفت والذین اذا فعلوا فاحشة الآیه فرمود که این هم نیکوست اما آن نیست دیگری گفت یا ایها الذین اسرفوا علی انفسهم الآیه فرمود که نیکوست و آن نیست پس مردم ساکت شدند آنحضرت فرمود که ای گروه مسلمانان چرا ساکت شدید گفتند نه بخدا سوگند که دیگر آیه در این باب معلوم نیست فرمود که شنیدم از دوست خود رسول الله که امیدوار ترین آیه در کتاب خدا این است که و لسوف یعطیک ربک فترضی طرفی النهار و زلفا من اللیل و ما اخر ملاوت نمود و فرمود که ای علی سوگند باو که مرا براستی بخق فرستاده و در حالتی که من بشارت دهنده و بخویف نمایندهام که هر گاه یکی از شما تیر و وضو باز دارد اطراف و جوانب او

وَلِلّٰهِ غَيْبُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَاِلَيْهِ يُرْجَعُ الْاَمْرُ كُلُّهُ

و مر خدا راست غیب آسمانها و زمین و بسوی او باز گردانیده میشوید کار همه

فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

پس بندگی کن او را و توکل کن بر او و نیست پروردگار تو غافل از آنچه میکنید

سورة يوسف فارسی احدی و عشرون آیة مکیة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الٓرٰ تِلْكَ اٰيٰتُ الْكِتٰبِ الْمُبِينِ اِنَّآ اَنْزَلْنٰهُ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا

منم خدای که می بینم این سوره و آیتهای او کتابی است ظاهر بدرستی ما فرستادیم کتاب را که قرآن عربی است

لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ اَحْسَنَ الْقَصَصِ

شاید شما تعقل کنید ما میخوانیم بر تو بهترین قصه ها را

بِمَآ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ هٰذَا الْقُرْاٰنَ وَاِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهٖ لَمِنَ

بآنچه وحی کردیم ما بسوی تو این سوره را که خوانده می شود بدرستی که تو از پیش از نزول این سوره هر آینه از

الْغٰفِلِينَ اِذْ قَالَ يُوسُفُ لِاَبِيهِ يٰٓاَبَتِ اِنِّي رَاَيْتُ اَحَدَ

بیخبران چون گفت یوسف مر پدر خود را ای پدر من بدرستی که من دیدم در خواب

عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَاَيْتُهُمْ لِي سٰجِدِينَ

یازده ستاره و آفتاب و ماه را دیدم آنها را مرا سجده کنندگان بودند

قَالَ يٰبُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلٰٓى اِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ

گفت یعقوب ای پسر من قصه کن خواب خود را بر برادران خود پس حیله کنند مر تو را

كَيْدًا اِنَّ الشَّيْطٰنَ لِلْاِنْسَانِ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَكَذٰلِكَ

حیله کردنی بدرستی که شیطان مر انسان را دشمنی است ظاهر و همچنین که

يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَاْوِيلِ الْاَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ

برگزیده تو را پروردگار تو و بیاموزد تو را از تعبیر حدیث خوابها و تمام کند نعمت خود را

از حضرت ابی عبد الله علیه السلام مرویست که هر که سوره یوسف را در هر روز یا در هر شب بخواند خدای عز و جل او را محشور میگرداند در روز قیامت و جمال او مانند جمال یوسف باشد و هیچ ترسی و فزعی او را نرسد و از جمله بهترین بندگان صالح خدای عز و جل خواهد بود

عَلَيْكَ وَعَلَىٰٓ اٰلِ يَعْقُوبَ كَمَآ اَتَمَّهَا عَلَىٰٓ اَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلُ اِبْرٰهِيمَ

بر تو و بر فرزندان یعقوب همچنانکه تمام کرد آنرا بر پدران تو پیش ازین که ابراهیم

وَاِسْحٰقَ اِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَاِخْوَتِهٖٓ اٰيَاتٌ

و اسحق اند بدرستی پروردگار تو دانای راست کار است بتحقیق که هست در قصهٔ یوسف و برادران او نشانها

لِلسَّآئِلِينَ ۝ اِذْ قَالُوا لَيُوسُفُ وَاَخُوهُ اَحَبُّ اِلَىٰٓ اَبِينَا مِنَّا وَ

قدرت مر پرسندگانرا یاد کن که گفتند برادران که یوسف و برادر او دوست تر است نزد پدر ما از ما و حال که

نَحْنُ عُصْبَةٌ اِنَّ اَبَانَا لَفِي ضَلٰلٍ مُبِينٍ ۝ اُقْتُلُوا يُوسُفَ اَوِ اطْرَحُوهُ

ما جماعتی با قوتیم بدرستی که پدر ما هر آینه در گمراهی ظاهر است بکشید یوسف را یا بیندازید او را

اَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهُ اَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهٖ قَوْمًا صٰلِحِينَ

بزمینی دور خالی از عمارت که خالی ماند از برای شما روی پدر شما و باشید شما بعد از امر یوسف گروهی نیکوکاران

قَالَ قَآئِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَاَلْقُوهُ فِي غَيٰبَتِ الْجُبِّ

گفت گوینده از ایشان نکشید یوسف را که بزرگ گناهیست و بیفکنید او را در قعر چاه

يَلْتَقِطْهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ اِنْ كُنْتُمْ فٰعِلِينَ ۝ قَالُوا يٰٓاَبَانَا مَا

تا فرا گیرند او را بعضی سیر کنندگان اگر هستید شما کنندگان بشورت من گفتند ای پدر ما چیست

لَكَ لَا تَاْمَنَّا عَلٰى يُوسُفَ وَاِنَّا لَهٗ لَنَاصِحُونَ ۝ اَرْسِلْهُ مَعَنَا

مر تو را که ایمن نمیدانی ما را بر یوسف و بدرستی که ما مر او را هر آینه نیکخواهانیم بفرست او را با ما

غَدًا يَرْتَعْ وَيَلْعَبْ وَاِنَّا لَهٗ لَحٰفِظُونَ ۝ قَالَ اِنِّي لَيَحْزُنُنِيٓ اَنْ تَذْهَبُوا

فردا بصحرا تا در عیش بخورد میوه و بازی کند و بدرستی که ما او را هر آینه نگاهدارندگانیم گفت یعقوب بدرستی که مرا هر آینه اندوهگین دارد

بِهٖ وَاَخَافُ اَنْ يَاْكُلَهُ الذِّئْبُ وَاَنْتُمْ عَنْهُ غٰفِلُونَ ۝ قَالُوا

اینکه ببرید او را و میترسم اینکه بخورد او را گرگ و شما از او بیخبران باشید گفتند

لَئِنْ اَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ اِنَّآ اِذًا لَخٰسِرُونَ ۝

بخدای هرگاه بخورد او را گرگ و ما گروه توانا نیم بدرستی ما در آن هنگام هاییم زیان کاران

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهٖ وَاَجْمَعُوٓا اَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غَيٰبَتِ الْجُبِّ وَاَوْحَيْنَآ

پس چون بردند برادران یوسف را و اجماع کردند که بیفکنند او را در قعر چاه و وحی کردیم ما

الربع

إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُم بِأَمْرِهِمْ هَٰذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ وَجَاءُوا أَبَاهُمْ

بسوی او هر آینه خبر دهی ایشانرا باین کارایشان و ایشان نمیدانند و آمدند نزد پدر خود

عِشَاءً يَبْكُونَ ۝ قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا

شبانگاه گریه کنان گفتند ای پدر ما بدرستی که ما رفتیم همی مسابقه کردیم و او را گذاشتیم

يُوسُفَ عِندَ مَتَاعِنَا فَأَكَلَهُ الذِّئْبُ ۖ وَمَا أَنتَ بِمُؤْمِنٍ

یوسف را نزد متاع خود پس خورد او را گرگ و نیستی تو ای پدر باور دارنده

لَّنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ ۝ وَجَاءُوا عَلَىٰ قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ ۚ قَالَ

ما را و اگرچه باشیم ما راستگویان و آوردند بر پیراهن او خونی دروغ گفت

بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا ۖ فَصَبْرٌ جَمِيلٌ ۖ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ

بلکه زینت داد برای شما نفسهای شما کاری را پس کار من صبریست نیکو و خدا یاری خواسته شده

عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ ۝ وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ

بر آنچه وصف می کنید و آمد کاروان روز چهارم پس فرستادند آب کشنده خود را

فَأَدْلَىٰ دَلْوَهُ ۖ قَالَ يَا بُشْرَىٰ هَٰذَا غُلَامٌ ۚ وَأَسَرُّوهُ بِضَاعَةً ۚ

پس فرو گذاشت دلو خود را گفت ای مژده این پسریست و پنهان کردند او را برای تجارت

وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ ۝ وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ ۚ

و خدا داناست بآنچه می کنید و فروختند یوسف را بهای اندک که درا هم چند بود شمرده شده

وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ ۝ وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِن مِّصْرَ

و بودند در باره او از بی رغبتان و نامهربان و گفت آنکس که خرید او را از اهل مصر

لِامْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ عَسَىٰ أَن يَنفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا ۚ وَكَذَٰلِكَ

مر زن خود زلیخا را که گرامی دار آرامگاه او را شاید که سود دهد ما را یا بگیریم او را پسر خواندی و همچنین

مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِن تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ ۚ

جای دادیم مر یوسف را در زمین و تا بیاموزانیم او را از تعبیر خوابها

وَاللَّهُ غَالِبٌ عَلَىٰ أَمْرِهِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَلَمَّا

و خدا غالبست بر امر او ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند و آن بنگام

بیتی

گفته اند که

اسباق ایشان بتیراندازی

بوده که گرد و در این شریعت هم جایز و معمول است

و بعضی اسب تازی و برخی گفته اند که ایشان

مسابقت با قدام بوده و گرد و دویدن بخاطر ثبت

ایشان مجوز بوده

بیضاوی

روایت کرده که چون یعقوب پیراهن خون

آلود را دید بر روی خود مالید تا گریه روی

مبارکش آبخون رنگین شد و گفت تا امروز

گرگی حلیم تر از این گرگ ندیدم پسرم را خورد و

پیراهنش را پاره نکرده و گفته اند از این جهت گفت

بل سولت لکم انفسکم امرا

از

حضرت

علی ابن الحسین علیهما السلام مرویست که

آن پیت در هم بوده و هجده درهم از حضرت

صادق روایت شده و مفسرین بر آنند

و در هم گفته اند و مشهور آنست که بایع

برادران یوسف بودند و گفته اند که یهودا

هر روز بر سر چاه می آمد و نفقه او میفرستاد چون مطلع

شد که قافله او را از چاه برآوردند برادران را

آگاه نمود و آمدند و او را بجمالک که سالار قافله

بود فروختند و مؤید اولست کما فی قوله من الزاهدین

بَلَغَ اَشُدَّهٗ اٰتَيْنٰهُ حُكْمًا وَّعِلْمًا ۭ وَكَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِيْنَ

کہ رسید بہ پاشتداد و بختی دادیم اورا نبوت و علم تعبیر و مانند این وجزا میدہیم ہمچنین نیکوکاران را

وَرَاوَدَتْهُ الَّتِيْ هُوَ فِيْ بَيْتِهَا عَنْ نَّفْسِهٖ وَغَلَّقَتِ الْاَبْوَابَ وَ

و طلب مراد کرد از یوسف کہ یوسف در خانہ او بود از نفس خود و بست درہای خانہ را و

قَالَتْ هَيْتَ لَكَ ۭ قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ اِنَّهٗ رَبِّيْٓ اَحْسَنَ مَثْوَايَ ۭ اِنَّهٗ

گفت کہ پیش من آی کہ من از توام گفت پناہ بخدا میبرم بخدا بپرستی کہ پروردگار من نیکو ساخت جایگاہ مرا بدرستیکہ

لَا يُفْلِحُ الظّٰلِمُوْنَ ۝ وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٖ ۚ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَآ اَنْ رَّاٰ

رستگار نمیشوند ستمکاران و بدرستی کہ قصد کرد او دفع زنرا و اگر نمیدی یوسف راہ

بُرْهَانَ رَبِّهٖ ۭ كَذٰلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوْۗءَ وَالْفَحْشَاۗءَ ۭ اِنَّهٗ مِنْ

برہان پروردگار خود را ہمچنین نمودیم تا بگردانیم از یوسف بدی و کردار زشت را بدرستی کہ او از

عِبَادِنَا الْمُخْلَصِيْنَ ۝ وَاسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيْصَهٗ

بندگان ما خالص ما ست و پیشی کرفت یوسف بفرار و زلیخا بدرخانہ و درید زلیخا پیراہن یوسف را

مِنْ دُبُرٍ وَّاَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا الْبَابِ ۭ قَالَتْ مَا جَزَاۗءُ مَنْ اَرَادَ

از پس پشت و دریافتند ہر دو عزیز زن را نزدیک در گفت زلیخا باعزیز کہ چیست جزای کسی کہ اراده کند

بِاَهْلِكَ سُوْۗءًا اِلَّآ اَنْ يُّسْجَنَ اَوْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ ۝ قَالَ هِيَ رَاوَدَتْنِيْ

باہل تو بدی را مگر انکہ زندان کردہ شود یا بعذاب دردناک گفت یوسف زلیخا درخواست مرا

عَنْ نَّفْسِيْ ۚ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ اَهْلِهَا ۚ اِنْ كَانَ قَمِيْصُهٗ قُدَّ

از نفس من و گواہی داد گواہی دہنده از کسان زلیخا کہ کودک شیرخواره بود اگر ہست پیراہن یوسف پاره

مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكٰذِبِيْنَ ۝ وَاِنْ كَانَ

از پیش پس راست میگوید زلیخا و یوسف از دروغگویان است و اگر باشد

قَمِيْصُهٗ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ الصّٰدِقِيْنَ ۝ فَلَمَّا رَاٰ

پیراہن یوسف پاره از پشت سر دروغ گفت زلیخا و او یوسف از راستگویان است پس چون دید

قَمِيْصَهٗ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ اِنَّهٗ مِنْ كَيْدِكُنَّ ۭ اِنَّ كَيْدَكُنَّ

پیراہن یوسف پاره شده از پشت گفت عزیز بدرستی کہ این از کید شماست بدرستی کہ حیلہ شما زنان

عظیم

از حضرت صادق مرویست که برہان پروردگار او نبوتی بود که حق تعالی باو داده بود که مانع ارتکاب فواحش است و علم شریعتی که صارف از قبایح و بنا بر این اسکالاتی که در این آیه مسطور است همه مندفع میشود و چه خلاصه مضمون این است که اگر نبوت و حکمت بحضرت داده نشده بود می نزدیک بود که او هم اراده کند بسبب این دو مانع عظیم ان اراده از وی صادر شد

شاه

طفلی بود پسته ماهه خوان زاده زلیخا و بقولی مردی دانا از خویشان زلیخا بود و بقولی ان عم زاده زلیخا بود

عَظِيمٍ ۞ يُوسُفُ أَعْرِضْ عَنْ هٰذَا وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ إِنَّكِ

بزرگست گفت یوسف دوری کن از این وای زلیخا طلب آمرزش کن مر گناه خود را بدرستی که تو

كُنْتِ مِنَ الْخَاطِئِينَ ۞ وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ

بودی از خطاکاران و گفتند جمعی از زنان در شهر (مصر) که زن عزیز

تُرَاوِدُ فَتَاهَا عَنْ نَفْسِهِ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرَاهَا فِي ضَلَالٍ

طلب کرده غلام خود را از نفس خود و بدرستی که یوسف شکافته دل او را از دوستی که ما می بینیم زلیخا را در گمراهی

مُبِينٍ ۞ فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ

آشکار پس هنگامی که شنید زلیخا حیله ایشان را فرستاد بسوی زنان و آماده کرد

لَهُنَّ مُتَّكَأً وَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ

برای ایشان تکیه گاه و داد هر یک از زنان کاردی و گفت یوسف که بیرون آی

عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ حَاشَ

بر زنان پس چون دیدند یوسف را بزرگ دیدند او را و بریدند و بجای خود را و گفتند پاکست

لِلَّهِ مَا هٰذَا بَشَرًا إِنْ هٰذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ ۞ قَالَتْ فَذٰلِكُنَّ الَّذِي

خدا از عجز نیست این آدمی نیست این مگر فرشته گرامی گفت زلیخا پس این غلام است که

لُمْتُنَّنِي فِيهِ وَلَقَدْ رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ فَاسْتَعْصَمَ وَلَئِنْ لَمْ

گردید ملامت مرا در آن و بحقیقت که من خواستم او را از نفس او پس نگاه داشت خود را و اگر چنانچه

يَفْعَلْ مَا آمُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ وَلَيَكُونًا مِنَ الصَّاغِرِينَ ۞ قَالَ رَبِّ

نکند یوسف آنچه امر کنم او را هر آینه بزندان کرده شود و هر آینه که باشد از خوارشدگان گفت یوسف ای پروردگار

السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ

زندان دوست تر است نزد من از آنچه میخواند مرا بسوی او و اگر نگردانی از من حیله ایشان را

أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُنْ مِنَ الْجَاهِلِينَ ۞ فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ

میل کنم بسوی زنان و باشم از جمله نادانان پس اجابت کرد برای او پروردگار او

فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۞ ثُمَّ بَدَا لَهُمْ

پس گردانید از او حیله و بدی زنان را بدرستی که او شنوا و داناست پس ظاهر شد برایشان

حاشیه

روایت کرده که چون آن زنان را در مجلس بر خواند و هر یک از ایشان میوه‌ای بخدمت آنحضرت فرستاد و استدعای زیارت و دیدن او را نمودند و بعضی از مفسرین گفته‌اند که آن زنان از زلیخا التماس نمودند که مرخص سازد هر یک را که با آنحضرت خلوت نموده استدعای قضای حاجت زلیخا از وی نماید و بعد از خلوت هر یک برای خود استدعا نمودند

مِنْ بَعْدِ مَا رَأَوُا الْآيَاتِ لَيَسْجُنُنَّهُ حَتَّىٰ حِينٍ ۝ وَدَخَلَ مَعَهُ

از پس آنچه دیدند دلایل و علامات عصمت یوسف را بر آینه در زندان کنند او را وقتی مقرر و داخل شد با یوسف

السِّجْنَ فَتَيَانِ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَانِي أَعْصِرُ خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ

زندان را دو جوان بنده پادشاه گفت یکی از ایشان بدرستی که من میدیدم که می افشردم شراب را و گفت دیگری

إِنِّي أَرَانِي أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِي خُبْزًا تَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْهُ نَبِّئْنَا

بدرستی که من دیدم که برداشته ام بالای سر خود نان را که میخورند مرغان از آن نان خبر ده ما را

بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ ۝ قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ

از تعبیر این خواب بدرستی که ما می بینیم تو را از نیکوکاران گفت یوسف نیاید بشما خوردنی که روزی داده شوید

إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَٰلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِي رَبِّي

مگر آنکه خبر دهیم شما را از تعبیر آنخواب پیش از آنکه بیاید شما را آن خبر این از چیزیست که آموخت مرا پروردگار

إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

بدرستیکه من ترک کرده ام کیش گومی را که نمیگروند بخدا و ایشان بقیامت هم ایشان کافرانند

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۚ مَا كَانَ لَنَا

و پیروی کردم کیش پدران خود ابراهیم و اسحق و یعقوب را نسزد ما را

أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۚ ذَٰلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى

انکه شرک آوریم بخدا چیزی را این بندگی از فضل خداست بر ما و بر

النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ ۝ يَا صَاحِبَيِ السِّجْنِ

مردمان و لیکن بیشتر مردمان شکر نمیکنند ای دو صاحب من در زندان

أَأَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمِ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۝ مَا تَعْبُدُونَ

آیا خداوندان پراکنده کان شمار بهتر است یا خدای یگانه غالب بر همه

مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءً سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَآبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا

غیر از خدا مگر نامهائی چند که نامیده اید آنرا شما و پدران شما خدایان فرستاده خدا بدان

مِنْ سُلْطَانٍ ۚ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ ۚ أَمَرَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ۚ ذَٰلِكَ

آنها هیچ حجتی نیست حکم پرستش مگر برای خدا امر کرده که نپرستید مگر او را این است

الدين

عامل

بدانکه معذرات

و بسیجیده مفسرانست و گویا

کلمه ثم بدان اعلم السجن و بدا یعنی ظهور داشت

و مراد از آیات علاماتی است که دلالت

عصمت یوسف داشت از مراودت ایشان

از عتب و گواهی طفل و بریدن زنان دستهای

خود را و بعضی گفته اند که مراد علامات

پس زلیخاست

یعنی

تعبیری کنم که صدق آن بر شما ظاهر شود

پیش از آنکه طعام شما بیاید و آنچه تعبیر نمایم

واقع شود پیش از

آن

گوید

بعد از تعبیر خواب

که آن مرد مصلوب گفت دروغ گفتم خوابی ندیدم

بودم فرمود که اگر دیده و اگر ندیده تعبیرش

واقع میشود و بعضی گفته اند که بهمک انجوابها

دیده نشده بود و برای انحضرت چون مقرر

که علم تعبیر میدانم آنخوابها را وضع کرده

بودند و از طرق اهل بیت علیهم السلام مروی است

که مصلوب آنخوابرا وضع کرد

و دیگران در واقع در

واقعه

بوده

الذين القيم ولكن اكثر الناس لا يعلمون ۝ يا صاحبي
دين حق درست ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند ای دو مصاحب
السجن اما احدكما فيسقي ربه خمرا واما الاخر فيصلب فتاكل
زندان من آیا از شما پس سیراب کند و پیشا ما مانند پروردگار و آقای خود را شراب و اما دیگری پس بر آویخته شود پس بخورد
الطير من راسه قضي الامر الذي فيه تستفتيان ۝ وقال
مرغان شکاری از سر او حکم کرده شد کار خواب شما که در آن خواب طلب تعبیر کردید و گفت یوسف
للذي ظن انه ناج منهما اذكرني عند ربك فانساه
مر آنکس را که گمان کرد که او رستگار بود از آن دو نفر یاد کن مرا نزد پروردگار خود پس فراموش گردانید
الشيطان ذكر ربه فلبث في السجن بضع سنين ۝ وقال
شیطان یاد کردن پروردگار را پس درنگ کرد یوسف در زندان هفت سال و گفت
الملك اني ارى سبع بقرات سمان يأكلهن سبع عجاف
پادشاه با خواص بدرستی که در خواب دیدم هفت گاو فربه نیکو که میخورند آنها را هفت گاو لاغر
وسبع سنبلات خضر واخر يابسات يا ايها الملا افتوني
و هفت خوشه گندم سبز و هفت دیگر خشک ای بزرگان فتوی دهید
في رؤياي ان كنتم للرؤيا تعبرون ۝ قالوا اضغاث احلام
در تعبیر خواب من اگر هستید مر خوابرا تعبیر کنندگان گفتند این خواب شوریده و پریشان است
وما نحن بتاويل الاحلام بعالمين ۝ وقال الذي نجا منهما
و نیستیم ما بتعبیر خوابهای شوریده دانایان و گفت آنکسی که نجات یافت ازان
وادكر بعد امة انا انبئكم بتاويله فارسلون ۝ يوسف
و بیاد آورد و حکایت یوسف را بعد از هفت سال من خبر دهم شما را بتعبیر آن پس بفرستید مرا بزندان گفت یوسف
ايها الصديق افتنا في سبع بقرات سمان يأكلهن سبع
ای بزرگوار راست گو فتوی ده ما را در هفت گاو فربه که میخورند هفت
عجاف وسبع سنبلات خضر واخر يابسات لعلي ارجع
گاو لاغر را و هفت خوشه گندم سبز و هفت دیگر خشک شاید که من برگردم

علیه مرویست که جبرئیل در زندان بآنحضرت
نازل شد و باو وحی کرد ای یوسف که تو را
بلکوترین جوانان گردانید گفت پروردگار من
گفت که تراو دوست تر از برادرانت گردانید
تو بدر گفت پروردگار من گفت که فرمود
ستارها را که سجده تو کنند فرمود پروردگار من
گفت که ضرر سنگ را از تو باز نداند و گرداند
فرمود پروردگار من گفت که تو را از چاه بجات
داد گفت پروردگار من گفت که از تو گرداند
بگرزمان را گفت پروردگار من گفت بدرستی
که پروردگار تو میگوید که چه چیز باعث آن شد
که حاجت خود را از محلوی خواهی از من و
بعلت آن گفتار چند سال در زندان بماندی

وهم از آنحضرت
مرویست که یوسف از این جهت گفت خود جدا ان
گریست که در دو دیوار زندان
از گریه او بگریه در
آمدند
وهم از آنحضرت مرویست که جبرئیل در زندان
تعلیم وی نمود که در عقب هر نمازی بگوید اللهم
اجعل لی فرجا ومخرجا وارزقني من حيث
ومن حيث لا احتسب وازآنحضرت مرویست
که چون مدت حبس یوسف منقضی شد و خدای
عزوجل رخصت داد که دعای فرج بخواند یوسف
طرف رخ را بر زمین نهاد و گفت اللهم ان كانت
ذنوبي قد اخلقت وجهي عندك فاني اتوجه
اليك بوجه آبائي الصالحين

إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ ۝ قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا

بسوی مردمان شاید ایشان بدانند ۝ گفت یوسف که زراعت کنید هفت سال برعادت مستمر پس آنچه

حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ ۝ ثُمَّ

بدروید پس بگذارید او را در خوشه آن مگر اندکی از آنچه میخورید ۝ پس

يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ سَبْعٌ شِدَادٌ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ إِلَّا قَلِيلًا

بیاید بعد ازین سالها هفت سال سخت که بخورند مردمان آنچه پیش کرده باشید مر ایشان را مگر اندکی

مِمَّا تُحْصِنُونَ ۝ ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ

از آنچه نگاه دارید ۝ پس بیاید بعد ازین سالها که در آن سال فریاد رسیده شوند مردمان

وَفِيهِ يَعْصِرُونَ ۝ وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ

و در این سال بفشرند انگور و غیره ۝ و گفت پادشاه بیارید یوسف را نزد من پس چون آمد فرستاده یوسف

قَالَ ارْجِعْ إِلَىٰ رَبِّكَ فَاسْأَلْهُ مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ

گفت بازگرد بسوی پروردگار خود پس سؤال کن او که چیست حال زنانی که بریدند دستهای خود را

إِنَّ رَبِّي بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ ۝ قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدْتُنَّ

بدرستی که پروردگار من بحیلهٔ ایشان دانا است ۝ گفت پادشاه زنان را که چه بود حال کار شما چون خواستید

يُوسُفَ عَنْ نَفْسِهِ قُلْنَ حَاشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ

یوسف را از نفس او گفتند زنان که پاکست خدا از عجز آنچه ندانستیم ما بر یوسف هیچ بدی

قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ الْآنَ حَصْحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ

گفت زن عزیز اکنون حالا ثابت و مستقر شد حق من من بخواستم او را از نفس او

وَإِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ ۝ ذَٰلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ

و بدرستی که یوسف بود هر آینه از راستگویان ۝ این برای آن بود تا بداند که من خیانت نکردم او را در نهان او

وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ الْخَائِنِينَ ۝ وَمَا أُبَرِّئُ نَفْسِي إِنَّ

و بدرستی که خدا راه نمی نماید بر حیلهٔ خیانت کنندگان را ۝ و نمی پاکیزه میکنم من نفس خود را بدرستیکه

النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ

نفس هر آینه امر کننده است بدی مگر آنچه رحم کند پروردگار من بدرستی که پروردگار من آمرزنده مهربان است

وقال

الحزب ١٣

ذلک یعلم

منقول قول حضرت

موسقت

وَقَالَ الْمَلِكُ ائْتُونِي بِهِ أَسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي فَلَمَّا كَلَّمَهُ قَالَ

و گفت (۱۲) پادشاه (۱۳) بیاریدش (۱۴) بیوسف را (۱۵) تا خالص کنم (۱۶) او را برای نفس خود پس چون سخن گفت پادشاه (۱۷)

إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ ۝ قَالَ اجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ

بدرستی تو امروز (۱۸) نزد ما با جاه (۱۹) و امینی (۲۰) گفت یوسف بگردان مرا بر (۲۱) خزینهای زمین (۲۲)

إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ ۝ وَكَذَٰلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَبَوَّأُ مِنْهَا

بدرستیکه من حفظ کننده (۲۳) دانایم (۲۴) و همچنین (۲۵) جای دادیم (۲۶) ما یوسف را در (۲۷) زمین مصر جای گرفت (۲۸) از زمین

حَيْثُ يَشَاءُ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَنْ نَشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

هر جا را که میخواست (۲۹) میرسانیم ما بمهر رحمت خود را (۳۰) هر که خواهیم (۳۱) و ضایع نمیکنیم مزد نیکوکاران را

وَلَأَجْرُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ۝ وَجَاءَ إِخْوَةُ

و هر آینه مزد آخرت (۳۲) بهتر است مر آنانرا که (۳۳) گرویدند (۳۴) و بودند که پرهیز میکردند (۳۵) و آمدند برادران

يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكِرُونَ ۝ وَلَمَّا

یوسف (۳۶) پس داخل شدند (۳۷) بر یوسف پس شناخت ایشانرا (۳۸) و ایشان (۳۹) مر او را (۴۰) نمیشناسند (۴۱) و هنگامی که

جَهَّزَهُمْ بِجَهَازِهِمْ قَالَ ائْتُونِي بِأَخٍ لَكُمْ مِنْ أَبِيكُمْ أَلَا تَرَوْنَ

بساخت کار ایشانرا (۴۲) بکارسازی ایشان (۴۳) گفت بیاریدش (۴۴) بسوی من برادر خود را که از جانب شماست (۴۵) آیا نمی بینید

أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ ۝ فَإِنْ لَمْ تَأْتُونِي بِهِ

که من (۴۶) تمام می پیمایم (۴۷) کیل را (۴۸) و من (۴۹) بهترین فرود آورندگانم (۵۰) پس اگر (۵۱) نیاریدش (۵۲) من برادر خود را

فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ ۝ قَالُوا سَنُرَاوِدُ عَنْهُ

پس نیست کیلی (۵۳) برای شما (۵۴) نزد (۵۵) من (۵۶) و نزدیک مشوید بولایت من (۵۷) گفتند زود باشد که جلبه کنیم از او

أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ ۝ وَقَالَ لِفِتْيَانِهِ اجْعَلُوا بِضَاعَتَهُمْ

پدر او را (۵۸) و بدرستی ما کنندگانیم (۵۹) و گفت بیوسف مر غلامان خود را که بگذارید (۶۰) مال تجارت ایشانرا

فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ

در بارهای ایشان (۶۱) شاید ایشان (۶۲) بشناسند آنرا (۶۳) چون برگردند (۶۴) بسوی اهل خودشان (۶۵) شاید ایشان

يَرْجِعُونَ ۝ فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ

برگردند (۶۶) پس هنگامی که برگشتند بسوی پدرشان (۶۷) گفتند (۶۸) ای پدر ما منع شد (۶۹) از ما پیمودن طعام

کتاب
النسبة الحضرت
صادق علیه السلام است که چون برادران یوسف
او را در چاه انداختند جبرئیل آمد و گفت که
تو را در چاه انداخته گفت برادرانم از حسدی که
داشتند گفت میخواهی ازین چاه برآئی گفت آری
از خدای ابراهیم و اسحق و یعقوب است جبرئیل گفت
خدای آن سه میفرماید که بگو اللهم انی اسئلک بان
لک الحمد لا اله الا انت بدیع السموات و الارض
یا ذی الجلال و الاکرام ان تصلی علی محمد و آل محمد
برکت این دعا حصول عالی در چاه برای او فرجی
مقرر فرمود و برون آمد ازان چاه و نجات
یافت و مکرآن زن و پادشاهی مصر
که بخیال او در نمی آمد روزی
او گردانید

فَأَرْسِلْ مَعَنَا أَخَانَا نَكْتَلْ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ۝ قَالَ هَلْ

پس بفرست با ما برادر ما را تا پیمانه گیریم طعام بگیریم ما پدر پیری داریم و برادر کهتری ما را گفت آیا

آمَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنْتُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ

ایمن دارم شما را بر او مگر چنانکه ایمن داشتم شما را بر برادر او پیش ازین پس خدا بهتر

حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۝ وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَاعَهُمْ وَجَدُوا

حفظ کننده است و او بخشنده‌ترین بخشندگان است و هنگامی که گشودند بار خود را یافتند

بِضَاعَتَهُمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبْغِي هَٰذِهِ بِضَاعَتُنَا

مال تجارت خود شان را رد شده بسوی ایشان گفتند ای پدر ما چه طلبیم از احسان این بضاعت ماست

رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزْدَادُ كَيْلَ بَعِيرٍ

که رد کرده شد بسوی ما و طعام گیریم بجهة اهل خود و حفظ کنیم برادر ما را و زیاده بستانیم پیمودن شتر واری

ذَٰلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ ۝ قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُ مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا

این یک شتر بار کیلی اندک است گفت هیچ نفرستم او را با شما هرگز تا آنکه بیارید بمن پیمانی و عهدی

مِنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَنْ يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا آتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ

از جانب خدا که البته بیارید بمن او را مگر آنکه احاطه بشما شود پس چون دادند او را پیمان شان را گفت

اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ۝ وَقَالَ يَا بَنِيَّ لَا تَدْخُلُوا مِنْ بَابٍ

خدا بر آنچه میگوییم ما گواه است و گفت ای پسران من داخل مشوید از یک دروازه

وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ

واحد و داخل شوید از دروازه‌های پراکنده و دفع نمیکنم از شما از جانب خدا

مِنْ شَيْءٍ إِنِ الْحُكْمُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ

هیچ چیز نیست حکم مگر خدا را بر او توکل کردم و بر او پس باید که توکل کنند

الْمُتَوَكِّلُونَ ۝ وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُمْ مَا كَانَ

توکل کنندگان و هنگامی که داخل شدند از آنجا که امر کرده بود ایشان را پدر ایشان

يُغْنِي عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا

که دفع کند از ایشان از خدا هیچ چیز را مگر حاجتی بود در نفس یعقوب که ظاهر کرد آنرا

وَإِنَّهُ

از حضرت صادق صلوات الله علیه روایتی مشهور است که خلاصه مضمونش این که چون فرزندان یعقوب بخدمت یوسف رسیدند عرضه داشتند که این یامین برادریست که بفرموده شما آمده بحضرت ایشان را ضیافت کرده ماند و گفت فرمود که هر کدام از یک مادر مدر سر خوانی بنشینید این یامین تنها ایستاده بود در که تو مگر برادر مادری نداری گفت برادری داشتم که برادران میگویند او را گرگ خورد پرسید که اندوه تو در مفارقت او بحد است گفت بحدی که یازده فرزند مرا شد همه را نامی گذاشتم ماخوذ از نام او یوسف گفت چنان میدانم که بعد از وی دست درگردن زمان نمودی و فرزند خود را بوسیدی این یامین گفت آری من پدری صالح دارم مرا فرمود که زن نخواهم کرد که فرزندان از تو بهم پس یوسف گفت بیا در خوان من حاف نمای و گفت من برادر توام بجای برادران نخواهند برادران یامین بگریه گفتند که خدا تعالی یوسف برادرش را زیاده نیکی داده که پادشاه مصر او را بپهلوی خود نشانده با او در خوان طعام منوده

وَإِنَّهُ لَذُو عِلْمٍ لِّمَا عَلَّمْنَاهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

و بدرستی که او خداوند علم بود که آموخته بودیم ما او را و لیکن اکثر مردمان نمیدانند

وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا

و چون داخل شدند بر یوسف جای داد یوسف بسوی خود برادر خود را بدرستی که من برادر توام پس

تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ فَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَازِهِمْ جَعَلَ السِّقَايَةَ

اندوهگین مباش بآنچه بودند که میکردند پس چون کامی که ساز کرد ایشان را بساز راه کردانید مشربه طلا را

فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَيَّتُهَا الْعِيرُ إِنَّكُمْ لَسَارِقُونَ

در بار برادر خود پس ندا کرد ندا کننده ای کاروانیان بدرستیکه شما هر آینه دزدانید

قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِم مَّاذَا تَفْقِدُونَ ۝ قَالُوا نَفْقِدُ صُوَاعَ

گفتند برادران در حالیکه روی آوردند بر ایشان چه چیز گم کردید گفتند گم کردیم صاع

الْمَلِكِ وَلِمَن جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا بِهِ زَعِيمٌ ۝ قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ

پادشاه را و هر که بیارد صاع آنرا او راست بار یکشتر گندم و من بآن ضامنم گفتند قسم بخدا که بتحقیق

عَلِمْتُم مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا سَارِقِينَ ۝ قَالُوا فَمَا

میدانید شما که نیامده ایم ما تا فساد کنیم در زمین و نیستیم ما دزدان گفتند پس چیست

جَزَاؤُهُ إِن كُنتُمْ كَاذِبِينَ ۝ قَالُوا جَزَاؤُهُ مَن وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ

جزای دزد اگر باشید شما دروغگویان گفتند جزای دزد آنکس است که یافت شود مال در بار او پس او است

جَزَاؤُهُ كَذَٰلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ ۝ فَبَدَأَ بِأَوْعِيَتِهِمْ قَبْلَ

جزای دزدی او همچنین جزا میدهیم ستمکاران را پس ابتدا کردند بار کردن بارها ایشان پیش از

وِعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ اسْتَخْرَجَهَا مِن وِعَاءِ أَخِيهِ كَذَٰلِكَ كِدْنَا

ظرف بار برادر او پس بیرون آوردند مشربه را از ظرف بار برادر او همچنین کید و تدبیر دادیم ما

لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ الْمَلِكِ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ

مر یوسف را بالهام نبود یوسف تا بگیرد برادر خود را در کیش پادشاه مگر اینکه خواهد خدا

نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَّن نَّشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ ۝ قَالُوا

بلند میگردانیم مرتبه هر کرا خواهیم و بالای هر خداوند علمی دانائی گفتند

حضرت صادق مرویست که ایشان سارق صاع نبودند آن حضرت هم دروغ نگفت و گویا مراد آنحضرت از نسبت سرقت آن بود که یوسف از مدرس در دزدیدند و درباره او خیانت کرد

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که آن صاع از طلا بود و بعضی از نقره گفته اند و بقولی از نقره و مرصع بوده است

إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسَرَّهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ

اگر دزدی کرد این یامین پس تحقیق کرد دزدی برادر او پیش ازین پس پنهان داشت آنرا یوسف در نفس خود

وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرٌّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ۝ قَالُوا

و اظهار نکرد آنرا برای ایشان گفت شما بدمرد میباید از روی منزلت و خدا داناست باچه وصف میکنید گفتند

يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُ أَبًا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا مَكَانَهُ إِنَّا نَرَاكَ

ای عزیز بدرستی که مر او را پدری پیر بزرگست پس بگیر یکی از ما را بجای او بدرستی ما می بینیم ترا

مِنَ الْمُحْسِنِينَ ۝ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعَنَا

از نیکوکاران گفت پناه میبرم بخدا از انکه بگیریم بجز کسی را که یافتیم متاع خود را

عِنْدَهُ إِنَّا إِذًا لَظَالِمُونَ ۝ فَلَمَّا اسْتَيْئَسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ

نزد او بدرستی ما در این هنگام هر آینه ستمکاران باشیم پس چون ناامید شدند برادران از یوسف بکنار شدند راز گویان گفت

كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ أَبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْثِقًا مِنَ اللَّهِ وَ

بزرگ ایشان آیا نمیدانید که پدر شما بتحقیق گرفت بر شما عهدی محکم از جانب خدا و

مِنْ قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَنْ أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّىٰ يَأْذَنَ لِي

پیش ازین آنچه تقصیر کردید در حق یوسف پس زایل نمیشوم من از زمین مصر تا رخصت دهد مرا

أَبِي أَوْ يَحْكُمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ ۝ ارْجِعُوا إِلَىٰ أَبِيكُمْ

پدر من یا حکم کند خدا برای من و او بهترین حکم کنندگان است بازگردید بسوی پدر خود

فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ ابْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا

پس بگویید ای پدر ما بدرستیکه پسر تو دزدی کرد و شهادت نمیدهیم ما مگر باانچه دانیم ما و نیستیم ما

لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ ۝ وَاسْأَلِ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي

مر غیب را نگاهدارندگان و اگر باور نداری بپرس از اهل دیهی که بودیم ما در آن و آن قافله که

أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ۝ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ

روی نهاده ایم در آن و بدرستی ما راستگویانیم گفت یعقوب بلکه زینت داد برای شما نفسهای شما

أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ

کاری را پس کار بهتر نیکوست شاید خدا اینکه بیاورد بمن ایشانرا همه بدرستی که او دانای

علامه

مضمون این که در
در دین یوسف یا پادشاه
مصر پسر او را نبود در را به بند کی گرفتن
لیکن چون در ملت یعقوب و برادرش
چنین بود این حیله بر انگیخت از
برای نگاهداشتن
برادرش
از
اظهار صلوات الله
علیهم رویست که یعقوب علیه السلام را
خواهری بود که کفیل احوال یوسف در
او میشود در شیرخوارگی و بعد از آن چون
چون چند سال بر آن گذشت میترسد که
یعقوب یوسف را از رو بگیرد و کمر بندد سخن
که نزد او بود بر کمر او بست ادعای
آن نمود چون طریقه ایشان آن
بود که نزد ملک صاحب جمال می شد
و میان جامه او را نگاه
داشت

الحكيم ٭ وتولى عنهم وقال يا أسفى على يوسف وابيضت
درست كارست ٭ وروى كرد وبگردانيد از ايشان ٭ وگفت اى اندوه من بر فراق يوسف ٭ و سپيد شد
عيناه من الحزن فهو كظيم ٭ قالوا تالله تفتؤ تذكر يوسف
چشمهاى او ٭ از اندوه پس او پر بود از خشم فرزندان ٭ گفتند ٭ قسم بخدا كه هميشه باشى كه ناله يا دكنى يوسف را
حتى تكون حرضا او تكون من الهالكين ٭ قال انما اشكو
تا ٭ بشوى بيمار مشرف بر موت يا باشى تو ز ٭ از هلاك شدگان ٭ گفت يعقوب جز اين نيست كه گله
بثى وحزنى الى الله واعلم من الله ما لا تعلمون ٭ يا بنى اذهبوا
مى كنم اندوه خود را ٭ بسوى خدا و ميدانم من ٭ از خدا آنچه نميدانيد ٭ اى فرزندان من برويد
فتحسسوا من يوسف واخيه ولا تاسوا من روح الله انه لا
و تفحص كنيد ٭ از يوسف ٭ و برادر او ٭ و نا اميد مشويد ٭ از رحمت ٭ خدا بدرستى كه او
ييأس من روح الله الا القوم الكافرون ٭ فلما دخلوا
نا اميد نگشود از رحمت ٭ خدا ٭ مگر ٭ گروه ٭ كافران ٭ پس هنگامى كه داخل شدند
عليه قالوا يا ايها العزيز مسنا واهلنا الضر وجئنا ببضاعة
بر او ٭ گفتند ٭ اى ٭ عزيز ٭ رسيد ما را ٭ و كسان ما را ٭ شدت و سختى ٭ و آورديم ما بسته اى
مزجاة فاوف لنا الكيل وتصدق علينا ان الله يجزى
اندك ٭ پس تمام كن براى ما ٭ كيل را ٭ و تصدق كن ٭ بر ما ٭ بدرستى كه خدا جزا ميدهد
المتصدقين ٭ قال هل علمتم ما فعلتم بيوسف واخيه اذ
تصدق كنندگان را ٭ گفت يوسف آيا دانستيد كه ٭ چه كرديد ٭ با يوسف ٭ و برادر او آنوقت
انتم جاهلون ٭ قالوا ائنك لانت يوسف ٭ قال انا يوسف و
كه شما ٭ نادان بوديد ٭ گفتند ٭ آيا تو مى البته ٭ تو ٭ يوسف ٭ گفت منم ٭ يوسف ٭ و
هذا اخى قد من الله علينا انه من يتق ويصبر فان الله لا
اين ٭ برادر منست بتحقيق كه منت نهاد خدا ٭ بر ما بدرستى كه هر كه بترسد ٭ و صبر كند ٭ پس بدرستى كه خدا
يضيع اجر المحسنين ٭ قالوا تالله لقد اثرك الله علينا وان
ضايع ٭ نميكند مزد نيكوكاران را ٭ گفتند ٭ قسم بخدا كه هر آينه بتحقيق برگزيد تو را ٭ خدا ٭ بر ما و بدرستى كه

از حضرت ابى جعفر صلوات الله عليه مرويست كه يعقوب از حضرتش استدعا نمود كه ملك الموت نمود چون او را ديد گفت قبض روح او شده و گفت چون دانست كه زنده است گفت نه بنى او هستند

كُنَّا خَاطِئِينَ ۝ قَالَ لَا تَثْرِيبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ

بودیم ما خطا کننده گان ۝ گفت یوسف هیچ سرزنشی نیست بر شما ۝ امروز که می آمرزد خدا مر شمارا

وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۝ اذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَىٰ وَجْهِ

و او بخشاینده ترین بخشنده گانست ۝ ببرید پیراهن مرا این را پس بیفکنید بدان او را بر روی

أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا وَأْتُونِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ ۝ وَلَمَّا فَصَلَتِ

پدر من تا باز گردد بینا ۝ و بیارید بسوی من کسان خود را همه ۝ و هنگامی که جدا شد

الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا أَنْ تُفَنِّدُونِ ۝

کاروان گفت پدرایشان من می یابم بوی ۝ یوسف را اگر مرا بنقصان عقل نسبت نکنید

قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ ۝ فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ

گفتند قسم بخدا بدرستی که تو هر آینه در گمراهی ۝ قدیمی تو ۝ پس آن هنگام که آمد مژده دهنده

أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيرًا قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ

انداخت پیراهن را بر روی او ۝ پس برگشت بینا ۝ گفت یعقوب آیا نگفتم مر شمارا بدرستی که من دانا ترم از جانب خدا

مَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ

آنچه نمیدانید شما ۝ گفتند ای پدر ما ۝ طلب آمرزش کن برای گناهان ما بدرستی که ما بودیم گناه کاران

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝ فَلَمَّا

گفت یعقوب ۝ بزودی استغفار کنم برای شما پروردگار من بدرستی که او آمرزنده مهربان است ۝ پس چون

دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ آوَىٰ إِلَيْهِ أَبَوَيْهِ وَقَالَ ادْخُلُوا مِصْرَ إِنْ شَاءَ

داخل شدند بر یوسف ۝ جای داد بسوی خود پدر و مادر خود را و گفت داخل شوید در شهر مصر اگر خواهد

اللَّهُ آمِنِينَ ۝ وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ

خدا که ایمن باشید ۝ و برداشت پدر و مادر خود را بر تخت ۝ و بروی در افتادند برای یوسف سجده کنندگان و گفت

يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ

ای پدر این ۝ تفسیر خواب منست ۝ پس از این تحقیق کرد این را پروردگار من راست و تحقیق

أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ

که نیکوکرد بمن ۝ چون بیرون آورد مرا از زندان و آورد شمارا ۝ از بادیه ۝ بعد از آنکه

ان

گویند که یوسف از برادران رسید که کدام یک پیراهن خون آلود مرا برای پدرم بردید یهودا گفت من بردم یوسف گفت این پیراهن مرا هم تو ببر خانچه آن خبر جانسوز را تو بردی این بشارت دلفروز را تو برسان از حضرت صادق مرویست که چون قافله از مصر بیرون رفت همه ملطه بوی آن پیراهن مشام یعقوب که در فلسطین بود دو روز راه بود رسید از حضرت صادق مرویست که چون ابراهیم را آتش می انداخت او را برهنه نموده بود جبرئیل پیراهنی از بهشت آورده بوی پوشانید آن پیراهن از دو تا اسحق از اسحق یعقوب رسید و یعقوب نزائیده مادری نموده بگردن یوسف آویخته همیشه با وی میبود و در آن وقت که برادران یوسف او را برهنه کرده بودند جبرئیل آن پیراهن را آورد و بر شانه یوسف پوشانید و حضرت امام محمد الجواد علیهما السلام مرویست که چون یعقوب گرگ را دید که یوسف را نخورده است گفت این گرگ را خدا بسوی من فرستاده است تا یوسف را بمن برساند و گرگ بزبان فصیح گفت من فرستاده خدا بسوی تو نیستم و یوسف را نخورده ام و از گرگان مثل این نباشد که پیغمبری را بخورد و از علی ابن محمد الجواد علیهما السلام مرویست که سجده یعقوب و یوسف و برادران یوسف سجده تحیت بود و در شریعت ما سجده تحیت نیست سجده عبادت خدا است که آدم را سجده کردند و خلیفه آدم

اَنْ نَزَغَ الشَّيْطٰنُ بَيْنِي وَبَيْنَ اِخْوَتِي اِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِّمَا يَشَآءُ

فساد کرد شیطان میان من و میان برادران من بدرستی که پروردگار من لطف کننده است هر کرا خواهد

اِنَّهٗ هُوَ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ ۝ رَبِّ قَدْ اٰتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي

بدرستی که او دانای حکیم است ۝ پروردگار بتحقیق که دادی مرا پادشاهی و آموختی مرا

مِنْ تَاْوِيْلِ الْاَحَادِيْثِ فَاطِرَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ اَنْتَ وَلِيِّيْ فِي

از تعبیر خوابها ای پیدا کننده آسمانها و زمین تو یاور منی در

الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ تَوَفَّنِيْ مُسْلِمًا وَّاَلْحِقْنِيْ بِالصّٰلِحِيْنَ ۝ ذٰلِكَ

دنیا و آخرت بمیران مرا مسلمان و برسان مرا بنیکوکاران ۝ این قصه یوسف

مِنْ اَنْۢبَآءِ الْغَيْبِ نُوْحِيْهِ اِلَيْكَ ۚ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ اِذْ اَجْمَعُوْٓا

از اخبار غیبست که ما وحی کردیم او را بسوی تو و نبودی تو نزد ایشان چون جمع کردند

اَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُوْنَ ۝ وَمَآ اَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِيْنَ

امر خود را و ایشان مکر میکردند ۝ و نیستند بسیاری از مردم و اگر حریصی تو بایمان آوردن

وَمَا تَسْـَٔلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ ۚ اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعٰلَمِيْنَ ۝ وَ

و میخواهی از ایشان بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی نیست او مگر پندی مر عالمیان را ۝ و

كَاَيِّنْ مِّنْ اٰيَةٍ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يَمُرُّوْنَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا

بسا از نشانهای قدرت ما در آسمانها و زمینست که میگذرند بر او بر آنها و ایشان از آنها

مُعْرِضُوْنَ ۝ وَمَا يُؤْمِنُ اَكْثَرُهُمْ بِاللّٰهِ اِلَّا وَهُمْ مُّشْرِكُوْنَ ۝

اعراض کنندگانند ۝ و نمیگروند بیشتر ایشان بخدا مگر آنکه ایشان مشرکانند

اَفَاَمِنُوْٓا اَنْ تَاْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللّٰهِ اَوْ تَاْتِيَهُمُ السَّاعَةُ

آیا ایمن شدند آنکه بیاید ایشانرا پوشنده از عذاب خدا یا بیاید ایشانرا قیامت

بَغْتَةً وَّهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ ۝ قُلْ هٰذِهٖ سَبِيْلِيْٓ اَدْعُوْٓا اِلَى اللّٰهِ عَلٰى

ناگهان و ایشان نمیدانند ۝ بگو این راه منست که میخوانم مردم را بسوی خدا بر

بَصِيْرَةٍ اَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِيْ ۭ وَسُبْحٰنَ اللّٰهِ وَمَآ اَنَا مِنَ الْمُشْرِكِيْنَ ۝

بینائی من و هر که پیروی کرد و پاکست خدا و نیستم من از مشرکان ۝

وَمَآ أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِم مِّنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ

و نفرستادیم ما پیش از تو مگر مردانی که وحی میکنیم ما بسوی ایشان از اهل دیها

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن

آیا پس سیر نمیکنند در زمین پس بنگرند که چگونه بود سرانجام آنانکه

قَبْلِهِمْ ۗ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ اتَّقَوْا ۗ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا

پیش از ایشان و هر آینه سرای آخرت بهتر است مر آنانرا که پرهیزگار شدند آیا پس تعقل نمیکنید تا آنگه

اسْتَيْأَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ

نومید شدند پیغمبران و گمان کردند بدرستیکه ایشان بحقیق دروغ گوی شده اند آمد ایشانرا یاری ما پس نجات

مَن نَّشَاءُ ۖ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١١٠﴾ لَقَدْ كَانَ فِي

هر که را خواهیم و باز گردانیده نشود عذاب ما از گروه گناهکاران بدرستیکه هست در

قَصَصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ ۗ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن

قصه های ایشان پندی مر خداوندان خردها را نیست قرآن سخن دروغ ولیکن

تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً

هست تصدیق آنچیزی که بود پیش روی او و تفصیل هر چیزی و راه نماینده و وسیله رحمت

سورة الرعد ثلاث وأربعون آية مكية

لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

برای قومی که میگروند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الٓمٓرٰ ۚ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ ۗ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ الْحَقُّ

منم خدائی که میدانم این آیتها آیات قرآن است و آنچیزیست که فرستاده بسوی تو از پروردگار تو راست

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ

و لیکن بیشتر مردم نمیگروند خدای آنکه برافراشت آسمانها

بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۖ

بیستونی که بینید آنرا پس قصد کرد بر استوار داشتن عرش و رام کرد آفتاب و ماه را

از حضرت ابی عبد الله علیه السلام مرویست که هر که سوره رعد را بخواند خداوند شفاعت او را در حق پدر و مادر و جمیع اهل بیت و اشنا و برادران او و یار و خویشان و مسلمانان او

كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ

هر یک میرود تا وقتی نام برده شده تدبیر میکند کار عالم را بیان میکند آیات را شاید شما بر رسیدن خبرها

رَبِّكُمْ تُوقِنُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ

پروردگار شما یقین کنید ۝ و اوست آنکه گشید زمین را بر آب و کرد استوار در آن کوهها

وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشِي

و نهرها و از همه میوها کرد انید در آن دو صنف می پوشاند

اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَفِي

شب را بر روز بدرستیکه در آن هر آینه نشانهاست مر گروهی را که فکر می کنند ۝ و در

الْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ

زمین پارهاست پیوسته بزرگ دیگر مزروع بوستانها از انگور و کشتها و درخت خرما

صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَىٰ بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ

چند شاخ هم و غیر چند شاخ آبداده میشوند بآبی یکانه و زیادتی میدهیم بعضی را بر

بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

بعضی در میوه بدرستیکه در این هر آینه نشانهاست مر گروهی را که تعقل کنند

وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا أَإِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ

و اگر تعجب میداری پس تعجب کرده گفتار ایشان آیا آنوقت که ما باشیم خاک آیا آنوقت که ما باشیم هر آینه در آفرینش تازه

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَٰئِكَ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ

آنهاست که کافر شدند بپروردگار خود و آنگروهند که طوقها در گردنهای ایشان است

وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ

و آن گروه یاران آتشند ایشان در آن جاوید ماندگانند ۝ و طلب تعجیل میکنند از تو بعذاب پیش

قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمُ الْمَثُلَاتُ وَإِنَّ رَبَّكَ

از خوبی و عاقبت و بتحقیق گذشته اند پیش از ایشان عقوبتهای مثال پیشان و بدرستیکه پروردگار تو

لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَىٰ ظُلْمِهِمْ وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ

هر آینه خداوند آمرزش مردمان است بر ستم ایشان و بدرستی پروردگار تو هر آینه سخت عقوبت

وَيَقُولُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْهِ ءَايَةٌ مِّن رَّبِّهِۦٓ ۗ إِنَّمَآ أَنتَ

و میگویند آنانکه کافر شدند چرا فرستاده نمیشود بر او نشانه از پروردگار او جز این نیست

مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ۝ ٱللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنثَىٰ وَمَا

که تو هم گننده و برای هر گروهی هدایت کننده ایست خدا میداند آنچه بر میدارد هر زنی و آنچه

تَغِيضُ ٱلْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ ۖ وَكُلُّ شَىْءٍ عِندَهُۥ بِمِقْدَارٍ ۝ عَٰلِمُ

بکاهد رحمها و آنچه زیاده پذیرد از خلقت و هر چیز نزد او ست باندازه ایست دانای

ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلْكَبِيرُ ٱلْمُتَعَالِ ۝ سَوَآءٌ مِّنكُم مَّنْ أَسَرَّ

نهان و آشکار بزرگوار عظیم الشان برتر یکسانست از شما هر که علم او هر که پوشاند

ٱلْقَوْلَ وَمَن جَهَرَ بِهِۦ وَمَنْ هُوَ مُسْتَخْفٍۭ بِٱلَّيْلِ وَسَارِبٌۢ بِٱلنَّهَارِ

سخن را و هر که آشکار کند بان مردم و هر که طلب پوشیده خفیت در شب و ظاهر گشنده خود است در روز

لَهُۥ مُعَقِّبَٰتٌ مِّنۢ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِۦ يَحْفَظُونَهُۥ مِنْ أَمْرِ ٱللَّهِ ۗ

مر او کسرا فرشتگانند از پیش روی او و از پس او که نگاه میدارند او را بفرمان خدا

إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا۟ مَا بِأَنفُسِهِمْ ۗ وَإِذَآ أَرَادَ ٱللَّهُ

بدرستی که خدا تغییر نمیدهد آنچه بگروهی باشد تا تغییر دهند آنچه در نفسهای ایشانست و چون خواهد خدا

بِقَوْمٍ سُوٓءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُۥ ۚ وَمَا لَهُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَالٍ ۝ هُوَ ٱلَّذِى

بگروهی بدی عذاب پس باز گردانیدن نیست مر او را و نیست مر آنقوم را بغیر از خدا هیچکس متولی اوست آنکه

يُرِيكُمُ ٱلْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنشِئُ ٱلسَّحَابَ ٱلثِّقَالَ ۝ وَ

مینماید شما را برق برای ترس مسافر و طمع مقیم باران و پدید آورد ابرهای گران را و

يُسَبِّحُ ٱلرَّعْدُ بِحَمْدِهِۦ وَٱلْمَلَٰٓئِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِۦ وَيُرْسِلُ ٱلصَّوَٰعِقَ

تسبیح میکند رعد بحمد خدا و فرشتگان از ترس خدا و فرو میفرستد صاعقه ها را

فَيُصِيبُ بِهَا مَن يَشَآءُ وَهُمْ يُجَٰدِلُونَ فِى ٱللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ

پس میرساند بآن هر که میخواهد و ایشان جدل میکنند در شان خدا و او سخت

ٱلْمِحَالِ ۝ لَهُۥ دَعْوَةُ ٱلْحَقِّ ۖ وَٱلَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَسْتَجِيبُونَ

قوتست مر خدا راست خواندن بحق که لا اله الا الله است و آنانکه میخوانند جز از وی اجابت نمی کنند

لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبَاسِطِ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ

مر ایشان را بچیزی مگر مانند کسی که بگشاید هر دو دست خود را بسوی آب تا برسد آب بدهن او و نیست او رساننده بدهن

وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ ۞ وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي

و نیست خواندن کافران مگر در گمراهی و مر خدای را سجده میکنند کسی که در

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُمْ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ

آسمانها و زمین است از روی رغبت و کراهت و سایه های ایشان بامداد و مغرب

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ ۚ قُلْ أَفَاتَّخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ

بگو کیست پروردگار آسمانها و زمین بگو خدا بگو آیا پس فرا گرفتید بجز از خدا

أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا ۚ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي

دوستان مالک نیستند برای نفسهای خود نفعی و نه دفع ضرری بگو آیا برابر باشد

الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ ۞ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ ۞ أَمْ

نابینا و بینا یا آیا برابر است تاریکی شرک و روشنائی ایمان یا

جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَابَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ ۚ

ساختند برای خدا شریکان که بیافریدند چون آفریدن خدا پس مشابه شد آفریده بر ایشان

قُلِ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ ۞ أَنْزَلَ مِنَ

بگو خدا آفریننده هر چیزست و اوست یگانه غالب بر همه فرو فرستاد از

السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا

آسمان آب پس روان شد رودخانها باندازه آن پس برداشت آن آب روان کف

رَابِيًا ۚ وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حِلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ

بلند را و پاره از آنچه می افروزند بر او در آتش چون زر و نقره برای طلب زینت یا برای ظروف کفی است

مِثْلُهُ ۚ كَذَٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ ۚ فَأَمَّا الزَّبَدُ

مانند کف آب همچنانست مثل میزند خدا حق و باطل را پس آما کف روی آب

فَيَذْهَبُ جُفَاءً ۖ وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ ۚ كَذَٰلِكَ

پس میرود در حال مطروح و آنچه سود میرساند مردم را پس میماند در زمین همچنین

حق تعالی

در این آیه دو مثل

زده برای حق و باطل چنانکه در گریه گذارد

الحق و الباطل تصریح بامنعنی شده و اول

تشبیه نموده حق را بآب صافی که وادیها

جاری شده منافع بسیار بر آن مترتب

میشود از آشامیدن و تطهیر و زراعات و امثال

آنها را و باطل را بکفی که بر روی سیل نشیند که

اصلا از آن حاصل نمیشود و ثانیا تشبیه نموده

حق و باطل را بمعدنائی که آتش که آنچه میشود از

خالص از آن برمی آید که زیور و ظروف از آن

و آن بعمل می آید و دردی از آن بهم میرسد

که هیچ اثری بر آن مترتب نیست

حق ثابت اول است

و باطل چون ثانی

يَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ ۝ لِلَّذِيْنَ اسْتَجَابُوْا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنٰى ۛ وَالَّذِيْنَ

میزند خدا امثلها را ۝ مر آنان راکه اجابت نمودند مر پروردگار شانرا ثواب نیکوست و آنانکه

لَمْ يَسْتَجِيْبُوْا لَهٗ لَوْ اَنَّ لَهُمْ مَّا فِى الْاَرْضِ جَمِيْعًا وَّمِثْلَهٗ مَعَهٗ

اجابت نکردند مراورا اگر باشد مرایشانرا آنچه در زمینست همه ۝ و مانند او با او باشد

لَافْتَدَوْا بِهٖ ۛ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ سُوْٓءُ الْحِسَابِ ۙ ۝ وَمَاْوٰىهُمْ جَهَنَّمُ ۛ وَبِئْسَ

هر آینه فدا کنند آنرا ۝ آن گروه مرایشانرا بدی شمار ۝ وجایگاه ایشان دوزخ ۝ و بدست

الْمِهَادُ ۝ اَفَمَنْ يَّعْلَمُ اَنَّمَآ اُنْزِلَ اِلَيْكَ مِنْ رَّبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ

آنجا ۝ آیا پس آنکه میداند ۝ که آنچه فرستاده شد بسوی تو از پروردگار تو راست ۝ مانند کیست که او

اَعْمٰى ۛ اِنَّمَا يَتَذَكَّرُ اُولُوا الْاَلْبَابِ ۙ ۝ الَّذِيْنَ يُوْفُوْنَ بِعَهْدِ اللّٰهِ

کور باشد جز این نیست که پند می پذیرند خداوندان خردها ۝ آنانکه وفا میکنند ۝ بعهد خدا

وَلَا يَنْقُضُوْنَ الْمِيْثَاقَ ۝ وَالَّذِيْنَ يَصِلُوْنَ مَآ اَمَرَ اللّٰهُ بِهٖٓ اَنْ

و نمی شکنند ۝ پیمان را ۝ و آنانکه ۝ می پیوندند آنچه امر کرد خدا بآن ۝ آنکه

يُّوْصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُوْنَ سُوْٓءَ الْحِسَابِ ۝ وَالَّذِيْنَ

پیوند کنند ۝ و می ترسند از پروردگار خود ۝ و میترسند از بدی حساب ۝ و آنانکه

صَبَرُوا ابْتِغَآءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَاَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاَنْفَقُوْا مِمَّا رَزَقْنٰهُمْ

صبر کردند برای طلب رضای پروردگار خود ۝ و بپای داشتند نماز را ۝ و نفقه کردند از آنچه روزی دادیم ایشانرا

سِرًّا وَّعَلَانِيَةً وَّيَدْرَءُوْنَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ اُولٰٓئِكَ لَهُمْ عُقْبَى

پنهان و آشکار ۝ و دفع میکنند ۝ بنیکوئی ۝ بدی را ۝ آن گروه مرایشانرا ۝ سرانجام خانه

الدَّارِ ۝ جَنّٰتُ عَدْنٍ يَّدْخُلُوْنَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ اٰبَآئِهِمْ وَاَزْوَاجِهِمْ

بهشتهای باقامت داخل می شوند در آن و هر که شایسته باشد ۝ از پدران ایشان ۝ و زنان ایشان

وَذُرِّيّٰتِهِمْ وَالْمَلٰٓئِكَةُ يَدْخُلُوْنَ عَلَيْهِمْ مِّنْ كُلِّ بَابٍ ۝

و فرزندان ایشان ۝ و فرشتگان ۝ در آیند برایشان ۝ از هر ۝ دری

سَلٰمٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ ۚ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ ۝ وَالَّذِيْنَ يَنْقُضُوْنَ

رحمت ۝ بر شما باد بسبب آنچه صبر کردید پس خوب ۝ سرانجامی است آن سرای ۝ و آنانکه ۝ می شکنند

عهد الله

نصف

آنچه خدا تعالی فرموده

یوصل و پیوندد بعمومه شامل صله رحم و رعایت
حق ذوی القربی اعنی اهل بیت رسالت صلی الله
علیه و آله هر دو هست بلکه شامل صله مومنین نیز
هست از حضرت ابی عبد الله مرویست که رسول
خدا فرمود که نیکی با پدر و مادر و صله رحم حسابرا
آسان میگرداند پس این آیه را تلاوت فرمود
و از حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام مرویست
که در تفسیر این آیه فرمود که رحم آل محمد است
که بعرش محمد چسبیده و میگوید اللهم صل من وصلنی
و اقطع من قطعنی و حکمش جاریست در هر رحمی
یعنی مقصود بالذات از این آیه
امر بصله آل محمد است حکمش
بالتبع در هر رحمی جاریست

عَهْدَ اللّٰهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللّٰهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ

عهد خدا را از بعد پیمان خود را می‌شکنند آنچه امر کرده خدا آنان که پیوستن آن

وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولٰئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ

و تباهی می‌کنند در زمین آنکه ایشانراست دوری از رحمت و مر ایشانراست بدی سرای آخرت

اَللّٰهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيٰوةِ الدُّنْيَا

خدا می‌گشاید روزی را برای هر که خواهد و تنگ می‌سازد و شاد شدند بزندگانی دنیا

وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا مَتَاعٌ وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا

و نیست زندگانی دنیا در قبال آخرت مگر برخورداری اندک و گویند آنانکه کافر شدند

لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللّٰهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي

چرا فرو نفرستاده بر او آیتی از پروردگار او بگو بدرستی که خدا گمراه میکند هر که را خواهد و راه مینماید

إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللّٰهِ أَلَا

بسوی خود هر که باز گردد و باو آنانکه گرویدند بخدا و آرام میپابد دلهای ایشان بیاد کردن خدا بدانید

بِذِكْرِ اللّٰهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

که بیاد خدا آرام می‌یابد دلها آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته

طُوبٰى لَهُمْ وَحُسْنُ مَآبٍ كَذٰلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ

بزندگانی خوش مر ایشانراست و نیکو بازگشت همچنان فرستادیم تورا در میان گروهی که گذشته اند

مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِتَتْلُوَ عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ

پیش از ایشان امتها تا بخوانی بر ایشان آنچه را که وحی کردیم بسوی تو و ایشان کفر میورزند

بِالرَّحْمٰنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلٰهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ

بگو رحمن چیزیست بگو او پروردگار من نیست معبودی مگر او بر او توکل کردم و بسوی اوست بازگشت

وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ

و اگر بودی کتابی در عالم که بیرکت آن رانده شدی بآن کوهها یا شکافته شدی بآن زمین یا سخن

بِهِ الْمَوْتٰى بَلْ لِلّٰهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَيْأَسِ الَّذِينَ آمَنُوا أَنْ لَوْ يَشَاءُ

بآن مرده بلکه مر خدا راست کار همه آیا پس ناامید نشدند آنانکه گرویدند آنرا که اگر خواهد

خلاصه معنی طوبی

در اینوقت آنست که آنانکه گرویدند و کارهای شایسته کردند در حق ایشان گفته شود که خوش باد حال شما و برای شما باد نیکوئی بازگشت و تحمل که خبریا شد و مراد از طوبی درختی باشد که در بهشت است چنانکه از حضرت ابی جعفر مرویست که طوبی درختی در بهشت ساوه اش در خانه حضرت رسول و بخانه هر مومنی شاخی از آن رسیده و اگر سوار تندروی از سایه آن صد سال بتازد از زیر آن بیرون نمیرود و اگر زاغی از بیخ آن درخت تا بالا پرد بر سر آن درخت نمیرسد تا آنکه از غایت پیری بسیار سفید شود و باید که شما خواهش این درخت را بکنید و بدرستی که مومن کسیست که مشغول کار خود باشد و مردم از وی در آسایش و چون آفتاب شود روی خود را بر زمین نهد و سجده خدا کند و مناجات کند با خدای خود و بسلامت خلاصی از جهنم یابد پس شما را چنین باید بود و بسند حسن از حضرت صادق منقولست که رسول خدا فاطمه را بسیار میبوسید بعضی از زنان آنحضرت را خوش نمی‌آمد پس آنحضرت فرمود که در شب معراج جبرئیل مرا جبرئیل مرا بهشت برد درو یک درخت طوبی دیدم از درخت طوبی خوردم خدای عزوجل آنرا در پشت من نطفه گردانید بعد از مراجعت با خدیجه مباشرت نمودم و فاطمه حامله شد پس هر گاه مشتاق بهشت گردم او را میبوسم هر گز او را نبوسم مگر اینکه بوی بهشت را از او بشنیدم

اللّٰهُ لَهَدَى النَّاسَ جَمِيعًا ۗ وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُمْ بِمَا

خدا هر آینه راه مینماید مردمان را همه و همیشه آنانکه کافر شدند میرسد ایشانرا بسبب آنچه

صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ ۚ إِنَّ

کردند از تکذیب کردند کوبنده یا فرود آید نزدیک از خانه ایشان تا وقتیکه بیاید وعده خدا بدرستی که

اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ ۝ وَلَقَدِ اسْتُهْزِئَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ

خدا خلاف نکند وعده خود را و بتحقیق که استهزا کردند بپیغمبران پیش از تو

فَأَمْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ ۖ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ

پس مهلت دادم مر آنان را که کافر شدند پس گرفتم ایشانرا چگونه بود عقوبت من ایشانرا

أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ ۗ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ ۗ

آیا پس کیست آنکه او بر هر یکی بآنچه کسب کرده و میکردانند برای خدا شریکان

قُلْ سَمُّوهُمْ ۗ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَم بِظَاهِرٍ مِّنَ الْقَوْلِ ۗ

بگو نام نهید ایشانرا یا خبر میدهید خدا را بآنچه نمیداند در زمین است یا بآشکار از سخن

بَلْ زُيِّنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ ۗ وَمَن

بلکه زینت داده شد و برای آنانکه کافر شدند حیله و مکر ایشان و بازداشته شده اند از راه راست و هر که را

يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۝ لَّهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ

فرو گذارد خدا پس نیست مر او را هیچ راه نماینده مر ایشانرا است عذاب در زندگانی دنیا و

لَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ ۖ وَمَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَاقٍ ۝ مَّثَلُ الْجَنَّةِ

هر آینه عذاب قیامت سخت تر است و نیست مر ایشانرا از خدا هیچ نگارنده صفت بهشتی

الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ ۖ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ أُكُلُهَا دَائِمٌ

که وعده داده شدند پرهیزکاران میرود از زیر آنها نهرها میوه آن همیشه باشد

وَظِلُّهَا ۚ تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوا ۖ وَعُقْبَى الْكَافِرِينَ النَّارُ ۝ وَ

و سایه آن برطرف نشود آن عاقبت آنانست که پرهیز کردند و عاقبت کافران آتشست و

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ

آنانکه دادیم ایشان را کتاب شاد میشوند بآنچه فرستاده شد بسوی تو و از

الاحزاب

ابن عباس گوید که طوبی درختیست در بهشت سایه اش در خانه علی و خانه هر مؤمنی شاخه ازان گشیده و منتهی نماند که خانه رسول خدا و خانه علی علیه السلام در بهشت یکی است جناب ابوالقاسم حکانی منقول است که با سناد خود از حضرت موسی بن جعفر از مدرش از آبا امجاد خود روایت کرده که از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدند از طوبی فرمود در جنت عدن است که سایه اش در خانه من است و شاخهایش سایه افکن بر اهل بهشت و بعد ازان گفت از آنحضرت پرسیدند از طوبی و او مشغول بود که سایه اش در خانه علی است گفتند یا رسول الله شما چنین مشغول بودید که سایه اش در خانه است و الحال مشغول فرمودید که در خانه علی است فرمود که خانه من و خانه علی در بهشت یکی است

الاحزاب من ينكر بعضه قل انما امرت ان اعبد الله ولا

گروه کفار ﴿ گوی هست که انکار میکند بعضی از قرآن را بگو جز این نیست که مامور شدم انکه پرستم خدا را ﴾ و

اشرك به اليه ادعوا واليه مآب ﴿ وكذلك انزلناه حكما

شریک نکنم بتان را بخدا بسوی خدا میخوانم خدا را و بسوی او ست بازگشت من ﴿ و همچنین فرستادیم ما قرآن را گوای محکم

عربيا ولئن اتبعت اهوآءهم بعد ما جآءك من العلم مالك

عربی ﴿ و اگر پیروی کنی آرزوهای ایشان را بعد از انکه آمد تورا از دانش نباشد مر تورا

من الله من ولي ولا واق ﴿ ولقد ارسلنا رسلا من

از خدا هیچ یاری دهنده نگاهدارنده ﴿ و بر استی فرستادیم ما پیغمبران را از

قبلك وجعلنا لهم ازواجا وذرية وما كان لرسول ان ياتي

پیش از تو و دادیم ما ایشان را زنان و فرزندان و نشود مر پیغمبران را که بیارد

بآية الا باذن الله لكل اجل كتاب ﴿ يمحوا الله ما يشآء

معجزه که از دو خواهند مگر بفرمان خدا مر هر وقتی را ﴿ نوشته ﴿ محو میکند خدا آنچه میخواهد

ويثبت وعنده ام الكتاب ﴿ وان ما نرينك بعض الذي نعدهم

و ثابت میکند و نزد اوست اصل کتاب ﴿ و اگر بنمایم تورا پاره از انچه وعده دادیم ایشان را

او نتوفينك فانما عليك البلاغ وعلينا الحساب ﴿ اولم

یا بمیرانیم تورا پس جز این نیست بر تو رسانیدن و بر ماست ﴿ حساب ﴿ آیا

يروا انا ناتي الارض ننقصها من اطرافها والله يحكم لا

نمی بینند که فرمان می آریم بزمین که میکاهانیم زمین را از اطراف آن و خدا ﴿ حکم میکند نیست

معقب لحكمه وهو سريع الحساب ﴿ وقد مكر الذين من

بعقب اندازنده مر حکم او را و او ﴿ زود ﴿ حسابست ﴿ و بدرستی که مکر کردند آنانکه

قبلهم فلله المكر جميعا يعلم ما تكسب كل نفس وسيعلم

پیش از ایشان بودند پس مر خدا راست جزای مکر همه میداند خدا آنچه کسب میکند هر نفسی و زود باشد که

الكفار لمن عقبى الدار ﴿ ويقول الذين كفروا لست مرسلا

بدانند کافران هر کرا باشد عاقبت سرای دیگر ﴿ و میگویند آنانکه کافر شدند نیستی تو فرستاده شده

از اخبار ائمه اطهار و اقوال

علمای اخیار معلوم میشود که حقتعالی در لوح ایجاد فرموده جمیع اثبات احوال کاینات در باب قضا و قدر و امضای آنها یکی لوح محو اثبات و هر چه در آن مکتوبست قابل تغییر دارد دیگری لوح محفوظ که از ام الکتاب عبارتست و هر چه در آن ثبت است از امور حتمیه است که بداء در آن راه نمی یابد حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که فرمود دو خبر میباشد یکی امری موقوف یعنی امری غیر حتمی است که متعلق بشرطی است و دیگر امری محتوم امری موقوف خدا را در آن مشیتی و اراده ایست حکم میکند بر هر شی که خواهد اجرای آن حکم منتها وقتی بتغییر آن میدهد و امر محتوم البته واقع میشود و تغییر نمیپذیرد و از حضرت ابو جعفر مرویست که در باب شب قدر فرمود که در آن شب فرشتگان می آیند بآسمان دنیا و میفرستند یعنی در لوح محو و اثبات هر چه در آن سال واقع خواهد شد آنچه به بندگان میرسد و هر چه را در علم الهی موقوف بشرطی است که خدا را در آن مشیتی و اراده ایست و پس از ثبت هر چه خواهد خدا پیش از اجلش می اندازد و هر چه را خواهد محو مینماید و هر چه را خواهد اثبات مینماید و نزد اوست ام الکتاب یعنی لوحی که امور حتمیه در آن ثبت است

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ

بگو بسنده خدا گواه میان من و میان شما و کسی نزد اوست علم کتاب

سورة ابراهيم مكية وهي اثنتان وخمسون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الر كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ

منم خدائی که میدانم این کتابست که فرستادیم او را بسوی تو تا بیرون آوری مردم را از تاریکیهای کفر بسوی روشنائیهای ایمان

بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَىٰ صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۝ اللَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي

بفرمان پروردگارشان بسوی راه خداوند غالب ستوده ۝ اوست خدائی که مراوراست آنچه در

السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَوَيْلٌ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

آسمانها و آنچه در زمینست و ویل مر کافرانراست از عذاب سخت

الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ

آنانکه دوست میدارند زندگانی دنیا را بر آخرت و باز میدارند مردم را از راه

اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا ۚ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۝ وَمَا أَرْسَلْنَا

خدا و میطلبند آنرا کجی را آن گروه اند در گمراهی دور ۝ و نفرستادیم ما

مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ ۖ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ

هیچ پیغمبری را مگر بزبان قوم او تا بیان کند برای ایشان پس گمراه کند خدا هر که را میخواهد

وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا

و راه نماید هر که را میخواهد و اوست غالب درست کار ۝ و بتحقیق که فرستادیم ما

مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ

موسی را بدلایل خود که بیرون آور قوم خود را از تاریکیهای کفر بسوی روشنائیهای ایمان و پند ده ایشان را

بِأَيَّامِ اللَّهِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

بروزهای خدا بدرستی که در این هر آینه علامتهاست برای هر صبر کننده شکرگذاری

از حضرت ابی عبد الله علیه السلام مروی است که هر که سوره ابراهیم و حجر هر دو را در دو رکعت نماز در روز جمعه بخواند هرگز تنگدستی نبیند و هرگز درویشی و جنون باو راه نیابد

در اخبار اهل بیت علیهم السلام مذکور است که مراد از من عنده علم الکتاب حضرت امیر المؤمنین علیه السلام است و در خبری واقعست که در باب آصف بن برخیا گفت و قال الذی عنده علم من الکتاب نگفت علم و دخول من تبعیضی بر کتاب که مفید آنست که اندکی از علم کتاب با او بود و در باب آنحضرت فرمود و عنده من علم الکتاب یعنی با اضافه مصدر بمعرف بلام که مفید عموم است و مؤید اینمعنی آنست اخبار که دلالت میکند بر آنکه اسماء اعظم آلهی هفتاد و دو کلمه است معرف بکی مخصوص

وَاِذْ قَالَ مُوسٰى لِقَوْمِهٖ اذْكُرُوْا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ اَنْجٰىكُمْ

و چون گفت موسی مر قوم خود را یاد کنید نعمت خدا را بر شما وقتی که رهانید شما را

مِنْ اٰلِ فِرْعَوْنَ يَسُوْمُوْنَكُمْ سُوْٓءَ الْعَذَابِ وَيُذَبِّحُوْنَ اَبْنَآءَكُمْ

از آل فرعون میچشانیدند شما را بدی عذاب و میکشتند پسران شما را

وَيَسْتَحْيُوْنَ نِسَآءَكُمْ ۭ وَفِيْ ذٰلِكُمْ بَلَآءٌ مِّنْ رَّبِّكُمْ عَظِيْمٌ ۝

و زنده میگذاشتند زنان شما را و در این محنت شما آزمایشی بود از پروردگار شما بزرگ

وَاِذْ تَاَذَّنَ رَبُّكُمْ لَىِٕنْ شَكَرْتُمْ لَاَزِيْدَنَّكُمْ وَلَىِٕنْ كَفَرْتُمْ

و چون اعلام کرد پروردگار شما که اگر شکر کنید هر آینه زیاد کنم نعمت شما را و اگر کفران کنید

اِنَّ عَذَابِيْ لَشَدِيْدٌ ۝ وَقَالَ مُوْسٰٓى اِنْ تَكْفُرُوْٓا اَنْتُمْ وَمَنْ فِي

بدرستی که عذاب من سخت است و گفت موسی ای قوم اگر کافر شوید از شما و هر که در

الْاَرْضِ جَمِيْعًا ۙ فَاِنَّ اللّٰهَ لَغَنِيٌّ حَمِيْدٌ ۝ اَلَمْ يَاْتِكُمْ نَبَؤُا الَّذِيْنَ

زمینست همه پس بدرستی که خدا هر آینه بی نیاز ستوده است آیا نیامد بشما خبر آنانکه

مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوْحٍ وَّعَادٍ وَّثَمُوْدَ ۛ وَالَّذِيْنَ مِنْۢ بَعْدِهِمْ ۭ لَا

پیش از شما بودند از قوم نوح و عاد و ثمود و خبر آنانکه بعد از ایشان بودند نمیداند

يَعْلَمُهُمْ اِلَّا اللّٰهُ ۭ جَاۗءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنٰتِ فَرَدُّوْٓا اَيْدِيَهُمْ

کسی جز خدا ایشان را هر آینه آمدند ایشان را پیغمبران ایشان با معجزات پس باز کردند دستهای خود را

فِيْٓ اَفْوَاهِهِمْ وَقَالُوْٓا اِنَّا كَفَرْنَا بِمَآ اُرْسِلْتُمْ بِهٖ وَاِنَّا لَفِيْ شَكٍّ

در دهنهای خود و گفتند بدرستی ما کافر شدیم بآنچه فرستاده شدید شما بآن و بدرستی که ما هر آینه در شکیم

مِّمَّا تَدْعُوْنَنَآ اِلَيْهِ مُرِيْبٍ ۝ قَالَتْ رُسُلُهُمْ اَفِي اللّٰهِ شَكٌّ فَاطِرِ

از آنچه میخوانید ما را بسوی آن در تهمت افکنده گفتند پیغمبران ایشان آیا در خدا وجود او شک دارید

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ يَدْعُوْكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوْبِكُمْ

پدید آورنده آسمانها و زمین است میخواند شما را تا بیامرزد مر شما را از گناهان شما

وَيُؤَخِّرَكُمْ اِلٰٓى اَجَلٍ مُّسَمًّى ۭ قَالُوْٓا اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا ۭ

و تا باز پس دارد شما را تا وقتی نام برده شده گفتند نیستید شما مگر آدمی زاده مانند ما

در چون گفت موسی مر قوم خود را یاد کنید نعمت خدا را بر شما وقتی که رهانید شما را

از آل فرعون میچشانیدند شما را بدی عذاب و میکشتند پسران شما را

و زنده میگذاشتند زنان شما را و در این محنت شما آزمایشی بود از پروردگار شما بزرگ

و چون اعلام کرد پروردگار شما که اگر شکر کنید هر آینه زیاد کنم نعمت شما را و اگر کفران کنید

بدرستی که عذاب من سخت است و گفت موسی ای قوم اگر کافر شوید از شما و هر که در

زمینست همه پس بدرستی که خدا هر آینه بی نیاز ستوده است آیا نیامد بشما خبر آنانکه

پیش از شما بودند از قوم نوح و عاد و ثمود و خبر آنانکه بعد از ایشان بودند نمیداند

کسی جز خدا ایشان را هر آینه آمدند ایشان را پیغمبران ایشان با معجزات پس باز کردند دستهای خود را

در دهنهای خود و گفتند بدرستی ما کافر شدیم بآنچه فرستاده شدید شما بآن و بدرستی که ما هر آینه در شکیم

از آنچه میخوانید ما را بسوی آن در تهمت افکنده گفتند پیغمبران ایشان آیا در خدا وجود او شک دارید

پدید آورنده آسمانها و زمین است میخواند شما را تا بیامرزد مر شما را از گناهان شما

و تا باز پس دارد شما را تا وقتی نام برده شده گفتند نیستید شما مگر آدمی زاده مانند ما

حضرت از ابی عبد الله ع مرویست که فرمود که خدا تعالی از من عنده علم الکتاب ما را خواسته و علی و لیکن ما است و فاضلترین ما است و بهترین ما است بعد از پیغمبر در خبر دیگر از آنحضرت مرویست که در سینه خود گفت و اشاره فرمود که نزد ما است و الله علم کتاب تماما و از طرق عامه هم مثل این حدیث منقول است که در تفسیر ثعلبی از عبد الله ابن سلام روایت کرده که حضرت پیغمبر را پرسیدم که گفت آنکه او است علم الکتاب آن حضرت فرمود که آنها و لکن علی ابن ابیطالب و حافظ ابو نعیم از ابن جنیفه حکایت کرده که گفت من عنده علم الکتاب علی ابن ابیطالب و بقول بعضی از مفسرین عامه من عنده علم الکتاب خدا تعالی است

تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ

میخواهید که باز دارید ما را از آنچه بودند که می پرستیدند پدران ما پس بیارید بما حجتی روشن

قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَمُنُّ

گفتند مر ایشانرا پیغمبران ایشان که نیستیم ما مگر آدمی مانند شما ولیکن خدا منت میگذارد

عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ بِسُلْطَانٍ إِلَّا

بر هر که خواهد از بندگانش و نیست مارا آنکه بیاریم بشما حجتی مگر

بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ

بفرمان خدا و بر خدا پس باید توکل کنند مومنان و چیست مارا الا که توکل نکنیم

عَلَى اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ عَلَى مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَى

بر خدا و بتحقیق راه نموده ما را راههای راست و صبر میکنیم بر آنچه ایذا میرسانید ما را و بر

اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ

خدا پس باید توکل کنند توکل کنندگان و گفتند آنانکه کافر شدند مر پیغمبران خودرا

لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ

هر آینه بیرون کنیم شمارا از زمین خود یا آنکه عود کنید در کیش ما پس وحی کرد بسوی ایشان پروردگارشان

لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ وَلَنُسْكِنَنَّكُمُ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ذَلِكَ

هر آینه هلاک گردانیم ستمکارانرا و هر آینه ساکن گردانیم شمارا در زمین از پس ایشان این

لِمَنْ خَافَ مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ وَاسْتَفْتَحُوا وَخَابَ كُلُّ

برای کسیست که بترسد از ایستادن و بترسد از وعید من و طلب فتح کردند و نومید شد هر

جَبَّارٍ عَنِيدٍ مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ

گردنکش متکبر از پس او دوزخ است و بیاشامند او را از آب چرک بدن

يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَمَا

جرعه جرعه میخورد او را آن و نتواند که بکلوفرو برد او را تمامی و بیاید او را مرگ از هر جانبی و

هُوَ بِمَيِّتٍ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا

نیست او بمرده و از پس او عذابی درشت مانند آنانست که کافر شدند

از حضرت ابی عبد الله علیه السلام تفسیر صعد که در آیه واقعست بحرکت وخونی که از فروج زنان زانیه در جهنم پیدا شود متصل است واکثر مفسرین هم چنین گفته اند

بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغْيًا أَنْ يُنَزِّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا بِغَضَبٍ عَلَىٰ غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُهِينٌ

بد است آنچه خریدند بدان نفسهای خود را که کافر شوند بآنچه فرستاد خدا از روی ستم که فرو فرستد خدا از فضل خود بر هر که خواهد از بندگان خود پس بازگشتند بخشم بر خشم و کافران را عذابی است خوار کننده

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ آمِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَهُمْ قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

و چون گفته شود ایشان را که ایمان آرید بآنچه فرستاد خدا گویند ایمان آریم بآنچه فرستاده شد بر ما و کافر شوند بآنچه ورای آن است و آن حق است راست کننده آنچه با ایشان است بگو پس چرا می‌کشتید پیغمبران خدا را از پیش اگر هستید ایمان آورندگان

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاسْمَعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُمْ بِهِ إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

و بتحقیق آمد شما را موسی بحجتهای روشن پس گرفتید گوساله را از بعد او و شما ستمکارانید و یاد کنید چون گرفتیم پیمان شما را و برداشتیم بالای شما کوه را بگیرید آنچه دادیم شما را بقوت و بشنوید گفتند شنیدیم و نافرمانی کردیم و نوشانیده شد در دلهای ایشان گوساله بسبب کفر ایشان بگو بد است آنچه فرماید شما را بدان ایمان شما اگر هستید ایمان آورندگان

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمُ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَىٰ حَيَاةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

بگو اگر هست شما را سرای آخرت نزد خدا خالص از دون مردمان پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید راست گویان و هرگز آرزو نکنند آن را بسبب آنچه پیش فرستادند دستهای ایشان و خدا داناست بستمکاران و هر آینه خواهی یافت ایشان را حریصتر مردمان بر زندگانی و از آنان که شرک آوردند دوست دارد یکی از ایشان که عمر داده شود هزار سال و نیست او را دور کننده از عذاب که عمر داده شود و خدا بیناست بآنچه میکنند

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلَىٰ قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ

بگو هر که دشمن است جبرئیل را پس بدرستی که او فرو فرستاد قرآن را بر دل تو بفرمان خدا راست کننده آنچه پیش از آن است و راه نماینده و مژده دهنده مؤمنان را هر که دشمن است خدا را و فرشتگان او را و پیغمبران او را و جبرئیل را و میکائیل را پس بدرستی که خدا دشمن است کافران را و بتحقیق فرو فرستادیم بسوی تو آیتهای روشن و کافر نمیشود بآنها مگر فاسقان

أَوَكُلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَبَذَهُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ وَاتَّبَعُوا مَا تَتْلُو الشَّيَاطِينُ عَلَىٰ مُلْكِ سُلَيْمَانَ وَمَا كَفَرَ سُلَيْمَانُ وَلَٰكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ وَمَا أُنْزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَارُوتَ وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّىٰ يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا تَكْفُرْ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ وَزَوْجِهِ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَاقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

آیا هر گاه که عهد کردند عهدی بیفکند آن را گروهی از ایشان بلکه بیشتر ایشان ایمان نمیآرند و چون آمد ایشان را رسولی از نزد خدا راست کننده آنچه با ایشان است بیفکند گروهی از آنان که داده شدند کتاب را کتاب خدا را پس پشت خود گویا ایشان نمیدانند و پیروی کردند آنچه میخواندند دیوان در ملک سلیمان و کافر نشد سلیمان و لیکن دیوان کافر شدند میآموختند مردمان را جادوی و آنچه فرو فرستاده شد بر دو فرشته در بابل هاروت و ماروت و نمیآموختند هیچ کس را تا نگویند که ما فتنه‌ایم پس کافر مشو پس میآموختند از ایشان آنچه جدا میکنند بدان میان مرد و زن او و نیستند ایشان زیان رسانندگان بدان هیچ کس را مگر بفرمان خدا و میآموختند آنچه زیان میرساند ایشان را و سود نمیکند ایشان را و بتحقیق دانستند هر آینه هر که خریدار آن است نیست او را در آخرت هیچ بهره و بد است آنچه فروختند بدان نفسهای خود را اگر بودند که میدانستند

وَلَوْ أَنَّهُمْ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انْظُرْنَا وَاسْمَعُوا وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنْسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلِهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

و اگر ایشان ایمان آوردندی و پرهیزگاری کردندی هر آینه ثواب از نزد خدا بهتر بودی اگر میدانستند ای کسانی که ایمان آوردید مگویید راعنا بگویید انظرنا و بشنوید و کافران را عذابی است دردناک دوست نمیدارند آنان که کافر شدند از اهل کتاب و نه مشرکان که فرو فرستاده شود بر شما هیچ خیری از پروردگار شما و خدا اختصاص میدهد بمهربانی خود هر که را خواهد و خدا صاحب فضل بزرگ است هر آیتی که منسوخ کنیم یا فراموش گردانیم بیاوریم بهتر از آن یا مانند آن آیا ندانستی که خدا بر هر چیز تواناست آیا ندانستی که خدا را است پادشاهی آسمانها و زمین و نیست شما را از غیر خدا هیچ دوست و یاری

أَمْ تُرِيدُونَ أَنْ تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ وَدَّ كَثِيرٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِنْ عِنْدِ أَنْفُسِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ بَلَىٰ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

یا میخواهید که بپرسید پیغمبر خود را چنانکه پرسیده شد موسی از پیش و هر که بدل کند کفر را بایمان بتحقیق گم کرد راه راست دوست دارد بسیاری از اهل کتاب که باز گردانند شما را بعد از ایمان شما کافران از روی حسد از نزد خود بعد از آنکه روشن شد ایشان را حق پس عفو کنید و درگذرید تا بیاورد خدا فرمان خود را بدرستی که خدا بر هر چیز تواناست و بپای دارید نماز را و بدهید زکات را و هر نیکی که پیش فرستید برای خود بیابید آن را نزد خدا بدرستی که خدا بآنچه میکنید بیناست و گفتند هرگز در نیاید بهشت را مگر کسی که باشد یهود یا ترسا این آرزوهای ایشان است بگو بیارید حجت خود را اگر هستید راست گویان آری هر که گردانید روی خود را بسوی خدا و او نیکوکار است مر او را مزد او نزد پروردگار او و نیست بیم بر ایشان و نه ایشان اندوهگین شوند

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَٰلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ وَقَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلٌّ لَهُ قَانِتُونَ بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ كَذَٰلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَابَهَتْ قُلُوبُهُمْ قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

و گفتند یهود نیست ترسایان بر چیزی و گفتند ترسایان نیست یهود بر چیزی و ایشان میخوانند کتاب را همچنین گفتند آنان که نمیدانند مانند گفتار ایشان پس خدا حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه در آن اختلاف میکردند و کیست ستمکارتر از آن کس که منع کند مسجدهای خدا را از آنکه یاد کرده شود در آنها نام او و سعی کند در خراب کردن آنها آنان نیست ایشان را که درآیند در آنها مگر ترسان ایشان را در دنیا رسوایی است و ایشان را در آخرت عذابی است بزرگ و مر خدا را است مشرق و مغرب پس هر جا روی کنید آنجا روی خداست بدرستی که خدا گشایش دهنده داناست و گفتند گرفت خدا فرزندی پاک است او بلکه مر او را است هر چه در آسمانها و زمین است همه او را فرمانبردارند پدید آرنده آسمانها و زمین و چون حکم کند بکاری پس جز این نیست که میگوید مر او را باش پس میباشد و گفتند آنان که نمیدانند چرا سخن نمیگوید با ما خدا یا چرا نمیآید ما را نشانی همچنین گفتند آنان که پیش از ایشان بودند مانند گفتار ایشان همانند شد دلهای ایشان بتحقیق بیان کردیم نشانها را برای گروهی که یقین دارند بدرستی که ما فرستادیم تو را براستی مژده دهنده و بیم کننده و سؤال نکرده میشوی از حال دوزخیان و هرگز راضی نشوند از تو یهود و نه ترسایان تا پیروی کنی دین ایشان را بگو بدرستی که راه نمودن خدا راه نمودن است و اگر پیروی کنی خواهشهای ایشان را بعد از آن علمی که آمد ترا نیست مر ترا از خدا هیچ دوست و نه یاری

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِنْ مَقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنْ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَٰذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

آنان که دادیم ایشان را کتاب میخوانند آن را چنانکه حق خواندن آن است ایشان ایمان میآورند بآن و هر که کافر شود بآن پس ایشانند زیان کاران ای فرزندان یعقوب یاد کنید نعمت مرا که انعام کردم بر شما و بدرستی که من برتری دادم شما را بر عالمیان و بترسید از روزی که جزا ندهد هیچ کس از کسی چیزی و قبول نکنند از او شفاعتی و نگیرند از او عوضی و نه ایشان یاری کرده شوند و چون بیازمود ابراهیم را پروردگار او بکلماتی پس بجای آورد آنها را گفت بدرستی که من گردانندهٔ تو ام مردمان را پیشوا گفت و از فرزندان من گفت نمیرسد عهد من ستمکاران را و چون گردانیدیم خانه را جای بازگشت مردمان و جای امن و بگیرید از مقام ابراهیم جای نماز و عهد کردیم بسوی ابراهیم و اسماعیل که پاک کنید خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع کنندگان و سجود کنندگان و چون گفت ابراهیم پروردگارا گردان این را شهری ایمن و روزی ده اهل آن را از میوه‌ها هر که ایمان آورد از ایشان بخدا و روز قیامت گفت و هر که کافر شود پس برخوردار میکنم او را اندکی پس ناچار میکنم او را بسوی عذاب آتش و بد بازگشتگاهی است

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَمَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدِ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَٰهَكَ وَإِلَٰهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَٰهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

و چون بلند میکرد ابراهیم بنیادهای خانه را و اسماعیل میگفتند پروردگار ما قبول کن از ما بدرستی که تو شنوای دانایی پروردگار ما و گردان ما را گردن نهادگان مر تو را و از فرزندان ما امتی گردن نهاده مر تو را و بنما ما را عبادتهای ما را و توبه کن بر ما بدرستی که تو توبه پذیر مهربانی پروردگار ما و برانگیز در میان ایشان رسولی از ایشان که بخواند بر ایشان آیتهای تو و بیاموزد ایشان را کتاب و حکمت و پاک گرداند ایشان را بدرستی که تو توانای درستکاری و کیست که روی گرداند از دین ابراهیم مگر کسی که سبک گرداند نفس خود را و بتحقیق برگزیدیم او را در دنیا و بدرستی که او در آخرت هر آینه از شایستگان است چون گفت مر او را پروردگار او گردن نه گفت گردن نهادم مر پروردگار عالمیان را و وصیت کرد بدین ابراهیم پسران خود را و یعقوب که ای پسران من بدرستی که برگزید خدا برای شما این دین را پس نمیرید مگر و شما گردن نهادگان آیا بودید حاضران چون حاضر شد یعقوب را مرگ چون گفت پسران خود را چه میپرستید بعد از من گفتند میپرستیم خدای تو و خدای پدران تو ابراهیم و اسماعیل و اسحاق خدای یگانه را و ما مر او را گردن نهادگانیم این امتی است که گذشت مر او را است آنچه کسب کرد و مر شما را است آنچه کسب کردید و سؤال نکرده میشوید از آنچه میکردند

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ فَإِنْ آمَنُوا بِمِثْلِ مَا آمَنْتُمْ بِهِ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً وَنَحْنُ لَهُ عَابِدُونَ قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ قُلْ أَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمِ اللَّهُ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

و گفتند باشید یهود یا ترسایان تا راه یابید بگو بلکه دین ابراهیم را که راست رو بود و نبود از مشرکان بگویید ایمان آوردیم بخدا و بآنچه فرو فرستاده شد بسوی ما و بآنچه فرو فرستاده شد بسوی ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان او و بآنچه داده شد موسی و عیسی و بآنچه داده شد پیغمبران از پروردگار ایشان جدا نمیکنیم میان هیچ یک از ایشان و ما مر او را گردن نهادگانیم پس اگر ایمان آرند بمثل آنچه ایمان آوردید بآن پس بتحقیق راه یافتند و اگر روی گردانند پس جز این نیست که ایشان در دشمنی اند پس زود باشد که بسنده باشد ترا خدا و او شنوای داناست رنگ خدا و کیست نیکوتر از خدا در رنگ و ما او را پرستندگانیم بگو آیا با ما مجادله میکنید در خدا و او پروردگار ما و پروردگار شماست و مر ما را است کردار ما و مر شما را است کردار شما و ما او را خالص کنندگانیم یا میگویید بدرستی که ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان او بودند یهود یا ترسا بگو آیا شما داناترید یا خدا و کیست ستمکارتر از آن کس که پنهان کند گواهی را که نزد اوست از خدا و نیست خدا غافل از آنچه میکنید این امتی است که گذشت مر او را است آنچه کسب کرد و مر شما را است آنچه کسب کردید و سؤال نکرده میشوید از آنچه میکردند

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّاهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَىٰ عَقِبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ قَدْ نَرَىٰ تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ وَلَئِنْ أَتَيْتَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ بَعْضٍ وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذًا لَمِنَ الظَّالِمِينَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمُ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ لِئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلِأُتِمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُو عَلَيْكُمْ آيَاتِنَا وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ

زود باشد که بگویند بیخردان مردمان چه گردانید ایشان را از قبله ایشان که بر آن بودند بگو مر خدا را است مشرق و مغرب راه مینماید هر که را خواهد براه راست و همچنین گردانیدیم شما را امتی میانه تا باشید گواهان بر مردمان و باشد پیغمبر بر شما گواه و نگردانیدیم قبله را که بر آن بودی مگر تا بدانیم که کیست که پیروی میکند رسول را از آنکه برمیگردد بر پاشنه‌های خود و بدرستی که آن هر آینه گران است مگر بر آنان که راه نمود خدا و نیست خدا که ضایع گرداند ایمان شما را بدرستی که خدا بمردمان هر آینه بخشاینده مهربان است بتحقیق میبینیم گردانیدن روی تو را در آسمان پس هر آینه بگردانیم ترا بسوی قبله که خشنود شوی بآن پس بگردان روی خود را بسوی جانب مسجد الحرام و هر جا که باشید بگردانید روهای خود را بسوی جانب آن و بدرستی که آنان که داده شدند کتاب را هر آینه میدانند که آن حق است از پروردگار ایشان و نیست خدا غافل از آنچه میکنند و اگر بیاوری آنان را که داده شدند کتاب را هر نشانی که باشد پیروی نکنند قبله ترا و نیستی تو پیروی کننده قبله ایشان و نیست بعضی ایشان پیروی کننده قبله بعضی و اگر پیروی کنی خواهشهای ایشان را بعد از آنکه آمد ترا از علم بدرستی که تو آنگاه هر آینه از ستمکارانی آنان که دادیم ایشان را کتاب میشناسند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

وکردند کارهای شایسته بوستانها که میرود از زیر آنها نهرها که جاویدند

فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ ۝ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ

در آن بفرمان پروردگارشان درود ملائکه بر ایشان در آنجا سلام آیا ندیدی تو که چگونه زد خدا

مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا

مثل را کلمه پاکیزه که توحید است مانند درخت پاکست که اصل آن ثابتست و شاخ آن

فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أُكُلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ

در آسمانست میدهد میوه خود را در هر وقت بفرمان پروردگار خود و میزند خدا

الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ

مثلها را برای مردم شاید ایشان پند گیرند و مثل سخن ناپاکست

كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ

که درختست مانند درخت ناپاکست که جدا کنده شود از بالای زمین نیست مر او را هیچ ثباتی

يُثَبِّتُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي

ثابت میگرداند خدا آنان را که گرویده اند بسخن راست ثابت در زندگانی دنیا و در

الْآخِرَةِ وَيُضِلُّ اللَّهُ الظَّالِمِينَ وَيَفْعَلُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى

آخرت و گمراه میگرداند خدا ستمکاران را و میکند خدا آنچه میخواهد آیا ندیدی تو بسوی

الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ ۝ جَهَنَّمَ

آنانکه بدل کردند شکر نعمت خدا را بکفران و فرود آوردند قوم خود را بسرای هلاک که آن دوزخست

يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ ۝ وَجَعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلُّوا عَنْ

در آیند در آن و بد قرارگاهیست و قرار کردند مر خدا را شریکان تا گمراه کنند مردم را از

سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوا فَإِنَّ مَصِيرَكُمْ إِلَى النَّارِ ۝ قُلْ لِعِبَادِيَ

راه خدا بگو برخورید پس هر آینه بازگشت شما بسوی آتشست بگو مر بندگان مرا

الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَ

که ایمان گرویدند بپای دارند نماز را و نفقه دهند از آنچه روزی دادیم ایشان را پنهان و

علانیة

عَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ اَنْ يَاْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعٌ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ ۝ اَللّٰهُ الَّذِي

آشکار پیش از آنکه بیاید روزی که نباشد خرید و فروخت در آن روز و نه دوستی کردن با هم خدا آنست

خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَاَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً فَاَخْرَجَ بِهٖ

که آفرید آسمانها و زمین را و فرو فرستاد از آسمان آبی پس بیرون آورد بآن

مِنَ الثَّمَرٰتِ رِزْقًا لَّكُمْ ۚ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ

انواع میوه‌ها روزی برای شما و مسخر کرد برای شما کشتی را تا میرود در دریا

بِاَمْرِهٖ ۚ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْاَنْهٰرَ ۝ وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَآئِبَيْنِ ۚ

بامر خدا و مسخر کرد برای شما نهرها و مسخر کرد مر شما را آفتاب و ماه را که پیوسته در راهند

وَسَخَّرَ لَكُمُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۝ وَاٰتٰىكُمْ مِّنْ كُلِّ مَا سَاَلْتُمُوْهُ ۭ وَاِنْ

و مسخر کرد برای شما شب و روز را و بداد شما را از هر چیز سؤال کردید شما او را اگر

تَعُدُّوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ لَا تُحْصُوْهَا ۭ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَظَلُوْمٌ كَفَّارٌ ۝

بشمارید نعمتهای خدا را شمارش نتوانید کرد آنرا بدرستی انسان بسیار بیدادگر است ناسپاس

وَاِذْ قَالَ اِبْرٰهِيْمُ رَبِّ اجْعَلْ هٰذَا الْبَلَدَ اٰمِنًا وَّاجْنُبْنِيْ وَبَنِيَّ

و یاد کن چون گفت ابراهیم پروردگارا بگردان این شهر را ایمن و دور گردان مرا و فرزندان

اَنْ نَّعْبُدَ الْاَصْنَامَ ۝ رَبِّ اِنَّهُنَّ اَضْلَلْنَ كَثِيْرًا مِّنَ النَّاسِ ۚ

انکه بپرستیم بتها را پروردگارا بدرستی که بتان گمراه کردند بسیاری از مردمان را

فَمَنْ تَبِعَنِيْ فَاِنَّهٗ مِنِّيْ ۚ وَمَنْ عَصَانِيْ فَاِنَّكَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝ رَبَّنَا

پس هر که پیروی من کرد پس بدرستی که او از منست و هر که عصیان کرد مرا پس بدرستی که تو آمرزنده مهربانی پروردگارا ما

اِنِّيْٓ اَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِيْ بِوَادٍ غَيْرِ ذِيْ زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ ۙ

بدرستی من ساکن کردم من فرزندان خود را بر وادی خانه که صاحب زرع نیست نزد خانه تو که حرام است

رَبَّنَا لِيُقِيْمُوا الصَّلٰوةَ فَاجْعَلْ اَفْـِٕدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِيْٓ اِلَيْهِمْ

ای پروردگار ما تا بپای دارند نماز را پس بگردان دلهای مردم را که بشتابند بسوی ایشان

وَارْزُقْهُمْ مِّنَ الثَّمَرٰتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُوْنَ ۝ رَبَّنَآ اِنَّكَ تَعْلَمُ

و روزی اهل شهر را از میوه‌ها تا شاید ایشان شکر کنند پروردگارا بدرستیکه تو میدانی

از حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه مرویست که خدا تعالی مردم را امر فرمود که بروند و طواف این خانه کنند پس نزد ما آیند و ما اعلام نمائیم ولایت را اطاعت و محبت خود را و عرض کنند بر ما یاری خود را پس ان آیه را تلاوت نمود

مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ ۗ وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى ٱللَّهِ مِن شَيْءٍ فِي ٱلْأَرْضِ وَلَا

آنچه نهان میکنیم ما و آنچه آشکار میکنیم پوشیده نیست بر خدا هیچ چیز نه در زمین و نه

فِي ٱلسَّمَآءِ ۝ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى ٱلْكِبَرِ إِسْمَٰعِيلَ

در آسمان ستایش مر خدا را است که بخشید مرا بر پیری اسمعیل را

وَإِسْحَٰقَ ۚ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ ٱلدُّعَآءِ ۝ رَبِّ ٱجْعَلْنِي مُقِيمَ ٱلصَّلَوٰةِ

و اسحق را بدرستی که پروردگار من شنوندهٔ دعاست پروردگارا بگردان مرا برپادارندهٔ نماز

وَمِن ذُرِّيَّتِي ۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَآءِ ۝ رَبَّنَا ٱغْفِرْ لِي وَلِوَٰلِدَيَّ وَ

و از فرزندان من پروردگارا و قبول کن دعا را پروردگارا بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و

لِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ ٱلْحِسَابُ ۝ وَلَا تَحْسَبَنَّ ٱللَّهَ غَٰفِلًا عَمَّا يَعْمَلُ

مر مومنان را روزیکه برپا شود حساب و مپندار خدا را غافل از آنچه میکند

ٱلظَّٰلِمُونَ ۝ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ ٱلْأَبْصَٰرُ ۝ مُهْطِعِينَ

ستمکاران جز این نیست که تاخیر میکند خدا ایشانرا برای روزی که خیره شود در آن دیدها که صاحبان دیدها باشند

مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ ۖ وَأَفْـِٔدَتُهُمْ هَوَآءٌ ۝ وَ

شتابندگان بسوی خود برداشتگان خود بازنمیگردد بسوی ایشان چشمهای ایشان و دلهای ایشان از تحیر خالی از فهم است و

أَنذِرِ ٱلنَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ ٱلْعَذَابُ فَيَقُولُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ رَبَّنَآ أَخِّرْنَآ

بترسان مردم را روزی که بیاید ایشانرا عذاب پس گویند آنانکه ستم کردند پروردگارا پس دار ما را

إِلَىٰٓ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّجِبْ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعِ ٱلرُّسُلَ ۗ وَلَمْ تَكُونُوٓا۟

بسوی مدتی نزدیک تا اجابت کنیم خواندن تو را و پیروی کنیم پیغمبران را آیا نبودید که

أَقْسَمْتُم مِّن قَبْلُ مَا لَكُم مِّن زَوَالٍ ۝ وَسَكَنتُمْ فِي مَسَٰكِنِ

قسم میخوردید پیش ازین که نباشد شما را هیچ زوالی و ساکن بودید شما در مسکنهای

ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا

آنانکه ستم کردند بر نفسهای خود و روشن شد مر شما را که چگونه کردیم با ایشان و زدیم ما

لَكُمُ ٱلْأَمْثَالَ ۝ وَقَدْ مَكَرُوا۟ مَكْرَهُمْ وَعِندَ ٱللَّهِ مَكْرُهُمْ وَ

برای ایشان مثلها و بتحقیق مکر کردند مکر ایشان و نزد خدا جزای مکر ایشان است و

امامیه رضی الله عنهم بر ایمان پدر و مادر ابراهیم

چه طلب مغفرت برای کافر جایز نیست پس در

آیه دیگر که حکم بکفر پدر آنحضرت شده معلوم

میشود که آن پدر حقیقی آنحضرت نبوده بلکه آزر

عمش یا حامی او بوده علی الخلاف بعضی از

علمای عامه جواب گفته اند که این طلب بعلت آن

بود که پدرش وعده ایمان نموده بود بدلیل

کریمه و ما کان استغفار ابراهیم لابیه الا عن

موعدة وعدها ایاه فلما تبین له انه عدو لله

بعضی جواب گفته اند که کریمه و ما کان استغفار

ابراهیم در باب استغفار برای آزر بوده و آن منسوخ است

لیکن از ظاهر آیه اشاره بآن استغفار

نمیتواند بود چه استغفار برای آزر در حالت

دعوت ابراهیم بود چنانچه از سیاق مقام و

مستفاد است و این آیه در اواخر حال آنحضرت

بوده بعد از ولادت اسمعیل و اسحق و ولادت

ایشان بعد از بعثی واقع شد چنانکه در کریمه

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر اسمعیل

من امر الله مذکور و اکثر مفسرین گفته اند

که اسمعیل آنحضرت در نود سالگی و اسحق

در صد و دوازده سالگی متولد شدند و بعضی

گفته اند که آنحضرت را فرزندی اصلا نشد

مگر وقتی که بصد و هشاد سالگی رسیده بود و

در انوقت پر ظاهر است که مایوس از امکان

از گردیده بود پس دیگر طلب مغفرت برای

او بمعنی است پس ظاهر شد که مراد از پدر در اینجا

غیر از پدر است والله یهدی من یشاء

الی صراط مستقیم

إِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ ۝ فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ

بدرستیکه بود مکر ایشان تا از جای برود از آن مکر کوهها پس مپندار تو خدایرا

مُخْلِفَ وَعْدِهِ رُسُلَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ ۝ يَوْمَ تُبَدَّلُ

خلاف کننده وعده خود و پیغمبر خود را بدرستیکه خدا غالب خداوند انتقام است روزیکه تبدیل کرده شود

الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ

زمین غیر این زمین و آسمانها با آسمانهای دیگر و ظاهر شوند برای حساب خدائی یگانه غلبه کننده

وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ۝ سَرَابِيلُهُمْ

و به بینی گناهکاران را در آن روز با هم بسته در غلها و بندها پیراهنهای ایشان

مِنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشَى وُجُوهَهُمُ النَّارُ ۝ لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ

از قیر و قطران و بپوشد روهای ایشان را آتش تا جزا دهد خدا هر نفسی را جزای

مَا كَسَبَتْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۝ هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنْذَرُوا

آنچه کسب کرده بدرستیکه خدا زود حسابست این قرآن کفایت رسانیدن مر مردمانرا و تا بیم کرده شوند

بِهِ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ

بآن و تا بدانند جز این نیست که اوست خدای یگانه و تا پند گیرند خداوندان عقلها

سورة الحجر وتسعون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الر ۚ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُبِينٍ ۝ رُبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا

منم خدائی که می بینم این آیتهای سوره و آیتهای او و قرآن روشنست ای بسا وقت که دوست دارند آنانکه کافر شدند

لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ ۝ ذَرْهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِهِمُ الْأَمَلُ

که کاشکی بودند مسلمانان بگذار ایشانرا بخورند و برخوردار باشند و مشغول سازد ایشانرا آرزوها

فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۝ وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَعْلُومٌ

پس زود باشد که بدانند و هلاک نکردیم ما هیچ دیهی را مگر که هلاک کردن ایشانرا زمانی مقرر

در تفسیر سموات و ارض

در روز قیامت چند وجه گفته اند یکی تغییر ذات

آنها چنانکه مفضل وی از حضرت امیر المومنین

روایت کرده که زمین از نقره و آسمانها از طلا

خواهند بود از حضرات ابو جعفر و ابو عبد الله

علیهما السلام مرویست که زمین در آن روز پاک

میشود که خلایق از آن میخورند تا از حساب فارغ

شوند و مویدش آنست که ابو ایوب انصاری

در کتب عامه مرویست که یکی از علمای یهود از

رسول خدا صلی الله علیه و آله استفسار از این

تبدیل نمود آنحضرت فرمود که خلایق در آن روز مهمان

خدا خواهند بود و مائده برای ایشان مهیا می کنند

دویم تغییر باعتبارات صفات چنانکه اکثر اعاظم

مفسرین گفته اند که زمین در آن روز هموار میشود که اصلا

در آن پستی و بلندی و نشیمن و آفتاب و ماه و ستارگان

بر طرف حضرت ایشان خواهند شد

پیغمبر صلی الله علیه و آله فرموده است

هر که این سوره را بعد دعا بخواند

انصار بخواند برای او

دو حسنه بنویسند

الحجر ۱۴

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ۝ وَقَالُوا يَا أَيُّهَا

پیشی نکرد هیچ گروهی مدت هلاک خود را و باز پس نماندند ۝ و گفتند کفار عرب ای

الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ۝ لَوْ مَا تَأْتِينَا

آنکسی که فرو آمده شد بر او قرآن که بدرستی تو دیوانه ۝ چرا نمی آری ما را

بِالْمَلَائِكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ مَا نُنَزِّلُ الْمَلَائِكَةَ إِلَّا

فرشتگان را اگر هستی از راستگویان ۝ فرو نفرستیم ما فرشتگان را مگر

بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذًا مُنْظَرِينَ ۝ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ

براستی و نباشند آن هنگام مهلت داده شدگان ۝ بدرستی ما فرو فرستادیم قرآن را و بدرستی که ما مر او را

لَحَافِظُونَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِيَعِ الْأَوَّلِينَ ۝

نگهبانیم ۝ و بتحقیق فرستادیم پیش از تو در گروه ۝ پیشینیان

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝ كَذَلِكَ

و نیامد بایشان هیچ پیغمبری مگر آنکه بودند که باو استهزا میکردند ۝ همچنین

نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ۝ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ

درمی آوریم ما ذکر قرآن را در دلهای گناهکاران ۝ نمیگروند باو و بتحقیق گذشت سنت

الْأَوَّلِينَ ۝ وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ

پیشینیان ۝ و اگر بگشاییم بر ایشان دری از آسمان پس باشند همه روزه در آن بالا روند

لَقَالُوا إِنَّمَا سُكِّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ ۝

هر آینه گویند جز این نیست که بسته شده چشمهای ما بلکه ما نیم قوم سحر کرده شده

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ ۝ وَ

و بتحقیق که ما قرار دادیم در آسمانها برجها و آراستیم آنرا برای نظر کنندگان ۝ و

حَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ ۝ إِلَّا مَنِ اسْتَرَقَ السَّمْعَ

نگاه داشتیم آسمانرا از هر دیوی رانده شده ۝ مگر دیوی که بدزدد پس سوی را

فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ ۝ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا

پس از پی در آید آنرا ستاره روشن ۝ و زمین را گسترانیدیم و در افکندیم در زمین

مراد از زمین سما

چنانکه از حضرت صادق مرویست و مفسران هم گفته اند زمین آن بسیار پهناست

ابن عباس گفته که شیاطین بآسمان بالا می شدند و استراق سمع مینمودند یعنی پنهان می شدند که فرشتگان چون با هم سخنی گویند در باب کائنات می شنیدند بدزدیده و بعضی از آن میان را از آن خبرها آگاه می ساختند و از آنجا بود که گفته اند در جاهلیت خبر از اخبار آینده میدادند چون عیسی مبعوث شد شیاطین بالکلیه از عروج بآسمان ممنوع شدند و تا آسمان چهارم میرفتند و استراق سمع از فرشتگان این آسمانها میکردند و چون پیغمبر صلی الله علیه و آله مبعوث شد شیاطین بالکلیه از عروج بآسمان ممنوع شدند و استراق سمع از ایشان رفع گردید و اگر خواهند بالا روند تیر شهاب بر میگردند

رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ ۝ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا

کوهها و دو پاشیدیم در زمین از هر چیزی سنجیده و گردانیدیم برای شما در زمین

مَعَايِشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ ۝ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا

اسباب معیشت و ساختیم از آنرا که نیستید او را روزی دهندگان و نیست هیچ چیز مگر که نزد ماست

خَزَائِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ ۝ وَأَرْسَلْنَا الرِّيَاحَ لَوَاقِحَ

خزینهای آن و فرو نمیفرستیم ما آنرا مگر باندازه معلوم و فرستادیم ما بادهای بارور را

فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ

پس فرو فرستادیم از آسمان آبی پس سیراب کردیم شما را از آن آب و نیستید مر آنرا نگاهدارندگان

وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ ۝ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ

و بدرستی که ما زنده میکنیم و میمیرانیم و ما ایم وارثان و هر آینه بحقیق دانستیم ما پیشی گرفتگان را

مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَأْخِرِينَ ۝ وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ

از شما و بحقیق که دانستیم ما پس ماندگان را و بدرستی که پروردگار تو او جمع میکند ایشان را

إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ

بدرستی او درست کاردانست و بحقیق که آفریدیم ما مر آدمی را از گل خشک کرده از لای سیاه

مَسْنُونٍ ۝ وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ ۝ وَإِذْ

بدبوی و جن را آفریدیم ما او را پیش از خلق آدم از آتش بی دود و یاد کن چون

قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ

گفت پروردگار تو مر فرشتگان را بدرستی من آفریننده ام آدمی را از گل خشک شده از

حَمَإٍ مَسْنُونٍ ۝ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا

لای سیاه کهنه بدبوی پس چون راست کردم صورت او را و در آوردم در آن از روح خود پس بیفتید

لَهُ سَاجِدِينَ ۝ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ۝ إِلَّا إِبْلِيسَ

برای او سجده کنندگان پس سجده کردند ملائکه فرشتگان همه ایشان با تمام مگر شیطان

أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ ۝ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ

که ابا کرد از انکه بوده باشد با سجده کنندگان گفت شیطان مر چیست مر تو را که نباشی

مَعَ ٱلسَّاجِدِينَ ۝ قَالَ لَمْ أَكُن لِّأَسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُۥ مِن صَلْصَٰلٍ مِّنْ

با سجده کنندگان ۝ گفت شیطان نیستم من که هرآینه سجده کنم مر آدمی را که آفریدی او را از گل خشک از

حَمَإٍ مَّسْنُونٍ ۝ قَالَ فَٱخْرُجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ۝ وَإِنَّ عَلَيْكَ

لای بدبوی سیاه متغیر ۝ گفت خدا پس برون رو از آسمان پس بدرستی که تو رانده شده و بدرستیکه بر تست

ٱللَّعْنَةَ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلدِّينِ ۝ قَالَ رَبِّ فَأَنظِرْنِىٓ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ

دوری از رحمت ما تا بروز جزا ۝ گفت شیطان پروردگارا پس مهلت ده مرا تا روزیکه برانگیخته شوند مردم

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ ٱلْمُنظَرِينَ ۝ إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْوَقْتِ ٱلْمَعْلُومِ ۝ قَالَ رَبِّ

گفت خدا پس بدرستی که تو از مهلت شدگانی ۝ تا روز وقت دانسته شده ۝ گفت شیطان پروردگارا

بِمَآ أَغْوَيْتَنِى لَأُزَيِّنَنَّ لَهُمْ فِى ٱلْأَرْضِ وَلَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ۝

بسبب نومید ساختن تو مرا هرآینه آراسته گردانم برای آدمیان از زمین گناه و هرآینه گمراه کنم ایشانرا همه

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ ٱلْمُخْلَصِينَ ۝ قَالَ هَٰذَا صِرَٰطٌ عَلَىَّ مُسْتَقِيمٌ ۝

مگر بندگان تو از ایشان که خالص شده باشند ۝ گفت خدا این راهست که حق است بر من رعایت آن را

إِنَّ عِبَادِى لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَٰنٌ إِلَّا مَنِ ٱتَّبَعَكَ مِنَ ٱلْغَاوِينَ

بدرستی که بندگان نیست مر تو را بر ایشان حجتی مگر آن کسیکه متابعت تو کند از گمراهان

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ لَهَا سَبْعَةُ أَبْوَٰبٍ لِّكُلِّ

و بدرستی که دوزخ هرآینه وعده گاه ایشان باشد همه ۝ مر دوزخ را هفت در است از برای هر

بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُومٌ ۝ إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ فِى جَنَّٰتٍ وَعُيُونٍ ۝

دری از جمیع گمراهان پاره ایست قسمت کرده شده ۝ بدرستی که پرهیزکاران در بوستانها و چشمه های آبند

ٱدْخُلُوهَا بِسَلَٰمٍ ءَامِنِينَ ۝ وَنَزَعْنَا مَا فِى صُدُورِهِم مِّنْ غِلٍّ ۝

گویند ایشانرا که درآیید بسلامتی در حالی که ایمن باشید ۝ و برون کنیم آنچه در سینه های ایشانست از کینه

إِخْوَٰنًا عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَٰبِلِينَ ۝ لَا يَمَسُّهُمْ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُم

برادرانند بر تختها که روی بروی یکدیگر باشند ۝ نرسد ایشانرا در بهشت رنجی و نیستند ایشان

مِّنْهَا بِمُخْرَجِينَ ۝ نَبِّئْ عِبَادِىٓ أَنِّىٓ أَنَا ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ۝ وَأَنَّ

از بهشت برون کرده شدگان خبر ده ۝ بندگان مرا بدرستی که من آمرزنده مهربانم ۝ و آنکه

از حضرت امیرالمومنین

صلوات الله علیه مرویست که جهنم هفت طبقه است بر بالای یکدیگر پائین ترین آن طبقات جهنم است و بالای آن بر طبقه نطعی است و بالای آن سقر و بالای آن جحیم و بالای آن سعیر و بالای آن هاویه و اکثر مفسرین هم ابواب را بر این طبقات تفسیر کرده اند لیکن در نامهای آنها و کیفیت ترتیب آن نامها اختلاف کرده اند و بعضی ابواب را بمعنی درها گفته اند نه بابر ظاهر

لفظ

عَذَابِي هُوَ الْعَذَابُ الْأَلِيمُ ۝ وَنَبِّئْهُمْ عَنْ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ ۝ إِذْ دَخَلُوا

عذاب من بر عاصی عذابی است دردناک و خبر ده بندگان مرا از مهمانان ابراهیم هنگامی در آمدند

عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ ۝ قَالُوا لَا تَوْجَلْ

بر او فرشتگان پس گفتند سلام میکنیم گفت ابراهیم بدرستی که ما از شما ترسانیم گفتند مترس

إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ۝ قَالَ أَبَشَّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ

بدرستی که ما مژده میدهیم تو را به پسری دانا گفت ابراهیم آیا بشارت میدهید مرا در وقت آنکه رسیده مرا پیری

فَبِمَ تُبَشِّرُونَ ۝ قَالُوا بَشَّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُنْ مِنَ الْقَانِطِينَ

پس چگونه بشارت میدهید مرا گفتند بشارت میدهیم تو را براستی پس مباش تو از ناامیدان

قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ ۝ قَالَ فَمَا

گفت ابراهیم گیست که نومید باشد از رحمت پروردگار شش مگر گمراهان گفت ابراهیم پس چیست

خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ۝ قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ

کار بزرگ شما ای فرستادگان گفتند بدرستی که ما فرستاده شدیم بسوی گروه

مُجْرِمِينَ ۝ إِلَّا آلَ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجُّوهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ إِلَّا امْرَأَتَهُ

گناهکاران مگر آل لوط را بدرستی که ما نجات دهندگانیم همگی را مگر زن او را

قَدَّرْنَا إِنَّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ ۝ فَلَمَّا جَاءَ آلَ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ ۝

تقدیر کردیم ما که آن زن از بازماندگان باشد پس چون آمدند آل لوط فرستادگان

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ ۝ قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ

گفت بدرستی که شما گروهی ناشناسید شما را گفتند بلکه آمدیم ما تو را بآنچه بودند در آن

يَمْتَرُونَ ۝ وَأَتَيْنَاكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ۝ فَأَسْرِ

شک می کردند و آوردیم بتو خبر عذاب را براستی و بدرستی که ما راستگویانیم پس بران

بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ

اهل خود را بپارهٔ از شب و ببر از عقب اهل خود و باید که نگاه نکند از شما

أَحَدٌ وَامْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ ۝ وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَٰلِكَ

کس و بروید آنجا که مامور شده اید و حکم کردیم ما بسوی او آن را

الامر ان هؤلاء مقطوع مصبحين ﴿٦٦﴾ وجاء اهل المدينة
امر بدرستی که بنیاد آنگروه بریده شده است که بصبح در آیند ﴿٦٦﴾ و آمدند اهل شهر بخانه لوط
يستبشرون ﴿٦٧﴾ قال ان هؤلاء ضيفي فلا تفضحون ﴿٦٨﴾ واتقوا
و مژده میدادند بیکدیگر ﴿٦٧﴾ گفت لوط بدرستی که اینها مهمان منند پس رسوا مکنید مرا و بترسید
الله ولا تخزون ﴿٦٩﴾ قالوا اولم ننهك عن العالمين ﴿٧٠﴾ قال
از خدا و رسوا مسازید مرا ﴿٦٩﴾ گفتند اهل شهر آیا ما نهی نکردیم ترا از حمایت غریبان ﴿٧٠﴾ گفت لوط
هؤلاء بناتي ان كنتم فاعلين ﴿٧١﴾ لعمرك انهم لفي سكرتهم
اینها دختران منند اگر هستید شما کنندگان ﴿٧١﴾ قسم بحیات تو ای محمد بدرستی که قوم لوط بودند در بیهوشی خود
يعمهون ﴿٧٢﴾ فاخذتهم الصيحة مشرقين ﴿٧٣﴾ فجعلنا عاليها
سرگردان ﴿٧٢﴾ پس فراگرفت ایشانرا صدای جبرئیل که بروشنی روز بودند ﴿٧٣﴾ پس گردانیدیم ما بلندی آنرا
سافلها وامطرنا عليهم حجارة من سجيل ﴿٧٤﴾ ان في ذلك
زیر آن شهرها و بارانیدیم ما بر ایشان سنگی از گل محکم کرده ﴿٧٤﴾ بدرستی که در هلاک ایشان
لآيات للمتوسمين ﴿٧٥﴾ وانها لبسبيل مقيم ﴿٧٦﴾ ان في ذلك
علامتهاست مر خداوندان فراست را و بدرستی که آن شهرها بر راهیست که دایم میروند ﴿٧٦﴾ بدرستی که در این
لآية للمؤمنين ﴿٧٧﴾ وان كان اصحاب الايكة لظالمين ﴿٧٨﴾
نشانه ایست برای گروندگان ﴿٧٧﴾ و بدرستیکه بودند یاران ایکه یعنی قوم شعیب ستمکاران ﴿٧٨﴾
فانتقمنا منهم وانهما لبامام مبين ﴿٧٩﴾ ولقد كذب اصحاب
پس انتقام کشیدیم از ایشان و بدرستی که منازل ایکه و مدین بر راهی روشنست ﴿٧٩﴾ و بتحقیق که تکذیب کردند یاران
الحجر المرسلين ﴿٨٠﴾ واتيناهم اياتنا فكانوا عنها معرضين ﴿٨١﴾ و
حجر که مشود پیغمبر انرا ﴿٨٠﴾ و دادیم ما بشود را آیتهای خود را پس بودند از آن آیات اعراض کنندگان ﴿٨١﴾ و
كانوا ينحتون من الجبال بيوتا امنين ﴿٨٢﴾ فاخذتهم الصيحة
بودند که میتراشیدند از کوهها خانها در حالیکه ایمن بودند ﴿٨٢﴾ پس گرفت ایشانرا فریاد جبرئیل
مصبحين ﴿٨٣﴾ فما اغنى عنهم ما كانوا يكسبون ﴿٨٤﴾ وما خلقنا
در حالیکه بصباح در آیندگان بودند ﴿٨٣﴾ پس منع نکرد از ایشان عذاب آنچه بودند که کسب میکردند ﴿٨٤﴾ و نیافریدیم ما

بقولی مراد بغیره
خبر نیست و تحمل که شئون لوطیان
باشد هنگام زیرورشدن
قریه
از حضرت
ابی عبد الله صلوات الله علیه مرویست که
ما تیم متوسمین که راهی که بهشت توان رسید
بسبب ما راست شده و ما تیم راه بهشت و
غرض آنحضرت آنست که ما تیم که هر کسی ما را بصفت
می شناسد از مومن و کافر و هر که با ماست
ما قابل شود برای بهشت
می رود
ایکه
جنگل را گویند و مراد
از یاران ایکه قوم شعیب است
که بسبب عصیان بصیحه
هلاک شدند

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَآ اِلَّا بِالْحَقِّ ۗ وَاِنَّ السَّاعَةَ لَاٰتِيَةٌ

آسمانها و زمین را و آنچه میان این هر دو است مگر براستی و بدرستی که قیامت آینده است

فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ ۝ اِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ۝ وَلَقَدْ

پس درگذر درگذشتنی نیکو بدرستی که پروردگار تو اوست آفریننده دانا و بحقیق

اٰتَيْنَاكَ سَبْعًا مِنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْاٰنَ الْعَظِيمَ ۝ لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ

دادیم ما تو را هفت آیه از مثانی یعنی سورهٔ فاتحه و دادیم قرآن بزرگ را بازمکش ای محمد هر دو چشم خود را

اِلٰى مَا مَتَّعْنَا بِهٖٓ اَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ

بسوی آنچه برخورداری دادیم ما بآن اصناف از کافران را و اندوه مخور بر کفار و فروگیر بال خود را بتواضع

لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ وَقُلْ اِنِّي اَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ ۝ كَمَآ اَنْزَلْنَا عَلَى

مر گروندگان را و بگوای محمد که منم بیم دهندهٔ آشکار همچنانکه فرستادیم بر

الْمُقْتَسِمِينَ ۝ الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْاٰنَ عِضِينَ ۝ فَوَرَبِّكَ لَنَسْـَٔلَنَّهُمْ

قسمت کنندگان آنانکه گردانیدند قرآن را پاره پاره پس قسم بپروردگار تو که هر آینه

اَجْمَعِينَ ۝ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ فَاصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَاَعْرِضْ عَنِ

هر پرسم از ایشان همه از آنچه بودند که میکردند پس آشکار کن بآنچه مامور شده و اعراض کن از

الْمُشْرِكِينَ ۝ اِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ ۝ الَّذِينَ يَجْعَلُونَ

شرک آورندگان بدرستی که ما کفایت کردیم استهزا کنندگان را آنانکه میکردانند

مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۝ وَلَقَدْ نَعْلَمُ اَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرُكَ

با خدای دیگر پس زود باشد که بدانند و بحقیق که میدانیم ما بدرستی که تنگ میشود سینهٔ تو

بِمَا يَقُولُونَ ۝ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ ۝ وَاعْبُدْ

بآنچه میگویند کفار پس تسبیح کن بحمد و سپاس پروردگار خود و باش از سجده کنندگان و پرستش کن

رَبَّكَ حَتّٰى يَاْتِيَكَ الْيَقِينُ

پروردگار خود را تا بیاید بتو مرگ

سورة النحل ثمان وعشرون ومائة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

نام خدای بخشاینده مهربان

حزب

سیر المؤمنین ابی جعفر

و ابی عبد الله صلی الله علیهم تفسیر سبع المثانی

فاتحة الکتاب مرویست و مشار این آنست

که این سوره دو نوبت نازل شده یکی

در مکه و دیگری در مدینه و بلا خلاف هفت

آیه است و وجوه دیگر هم گفته اند و اکثر مفسرین

هم از فاتحة الکتاب تفسیر کرده اند و بعضی

گل قرآن گفته اند و اقوال دیگر هم روایت شده

بعضی

گفته اند که مراد ازدواج

معنی اشباه و امثال است و آن

حال است از ضمیر به و خلاصه مضمون

آنکه نظر میدارد بآنچه ما بعضی از

کفره را بآن بهره مند کرده ایم

از نعمتها در حالتی که آنها

یکدیگر را در عام

لذات

از
حضرت ابی
عبد الله صلوات الله علیه مرویست
که هر که سوره نحل را در هر ماه تلاوت نماید کفایت کرده
شود از فرض او در دنیا و هشاد نوع از انواع بلاها که خفیف ترین آنها جذام و برص است
او را خداوند محفوظ بدارد و مسکن او در بهشت عدن باشد

خطاب
با مشرکین است
که می گفتند فاطر علینا حجارتو
من السماء یا انکه می گفتند متی
یاتی الوعد

اَتٰۤی اَمۡرُ اللّٰهِ فَلَا تَسۡتَعۡجِلُوۡهُ ؕ سُبۡحٰنَهٗ وَتَعٰلٰی عَمَّا یُشۡرِکُوۡنَ ۝
آمد امر خدا که قیامت باشد پس شتاب مکنید در آمدن او پاکست خدا و برتر از آنچه شریک می سازند با او
یُنَزِّلُ الۡمَلٰٓئِکَةَ بِالرُّوۡحِ مِنۡ اَمۡرِهٖ عَلٰی مَنۡ یَّشَآءُ مِنۡ عِبَادِهٖۤ
فرو میفرستد فرشتگان را با وحی یا بقرآن از فرمان خود بر هر که خواهد از بندگان خود
اَنۡ اَنۡذِرُوۡۤا اَنَّهٗ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّاۤ اَنَا فَاتَّقُوۡنِ ۝ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالۡاَرۡضَ
آنکه هم کنند خلق را انکه نیست خدائی مگر من پس بترسید آفرید آسمانها و زمین را
بِالۡحَقِّ ؕ تَعٰلٰی عَمَّا یُشۡرِکُوۡنَ ۝ خَلَقَ الۡاِنۡسَانَ مِنۡ نُّطۡفَةٍ
براستی و برتر است از آنچه شریک می کنند با او آفرید آدمی را از آب منی
فَاِذَا هُوَ خَصِیۡمٌ مُّبِیۡنٌ ۝ وَالۡاَنۡعَامَ خَلَقَهَا ۚ لَکُمۡ فِیۡهَا دِفۡءٌ
پس چون شعور یافت و جدل کند هویداست و چهارپایان آفرید ایشانرا برای شما در آنها پوشش جهت
وَّمَنَافِعُ وَمِنۡهَا تَاۡکُلُوۡنَ ۝ وَلَکُمۡ فِیۡهَا جَمَالٌ حِیۡنَ تُرِیۡحُوۡنَ وَ
و منفعتها و از انها میخورید و در شما را در آن زینتی است وقتی که باز میگردانید از چراگاه
حِیۡنَ تَسۡرَحُوۡنَ ۝ وَتَحۡمِلُ اَثۡقَالَکُمۡ اِلٰی بَلَدٍ لَّمۡ تَکُوۡنُوۡا بٰلِغِیۡهِ
وقتیکه بچراگاه میبرند و برمیدارند این انعام بارهای شما را بسوی شهری که نباشد رسیده بآن
اِلَّا بِشِقِّ الۡاَنۡفُسِ ؕ اِنَّ رَبَّکُمۡ لَرَءُوۡفٌ رَّحِیۡمٌ ۝ وَالۡخَیۡلَ وَالۡبِغَالَ
مگر برنج که بمشقت رسد بدرستی که پروردگار شما مهربان بخشنده است و آفرید اسبان و استرها
وَالۡحَمِیۡرَ لِتَرۡکَبُوۡهَا وَزِیۡنَةً ؕ وَیَخۡلُقُ مَا لَا تَعۡلَمُوۡنَ ۝ وَعَلَی اللّٰهِ
و خرها تا سوار شوند آنها را و آرایش کنید و می آفریند آنچه شما نمیدانید و بر خداست
قَصۡدُ السَّبِیۡلِ وَمِنۡهَا جَآئِرٌ ؕ وَلَوۡ شَآءَ لَهَدٰىکُمۡ اَجۡمَعِیۡنَ ۝
بیان کردن راههای راست و بعضی از آن راهها کجست و اگر خواهد خدا هر آینه راه مینماید شما را همه
هُوَ الَّذِیۡۤ اَنۡزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً لَّکُمۡ مِّنۡهُ شَرَابٌ وَّمِنۡهُ
اوست آنکه فرستاد از آسمان آبی برای شما از آنست آشامیدن و از آنست
شَجَرٌ فِیۡهِ تُسِیۡمُوۡنَ ۝ یُنۡۢبِتُ لَکُمۡ بِهِ الزَّرۡعَ وَالزَّیۡتُوۡنَ وَالنَّخِیۡلَ
درخت در آن میچرانید چهارپایان را میرویاند برای شما باب زراعت و درخت زیتون را و خرما را

وَالۡاَعۡنَابَ

وَالْاَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّقَوْمٍ

و نا گفتا را و از همه میوه ها بدرستی که در این هر آینه نشانیست مر گروهی که

يَتَفَكَّرُوْنَ ۝ وَسَخَّرَ لَكُمُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَ

فکر میکنند و رام گردانید برای شما شب را و روز را و آفتاب و ماه را و

النُّجُوْمُ مُسَخَّرَاتٌ بِاَمْرِهٖ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُوْنَ

و ستارگان رام شدگانند بفرمان او بدرستی که در این علاماتی است برای گروهی که دریابند

وَمَا ذَرَاَ لَكُمْ فِي الْاَرْضِ مُخْتَلِفًا اَلْوَانُهٗ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيَةً

و رام گردانید برای شما در زمین مختلف است رنگهای آن بدرستی که در این اختلاف هر آینه علامتی است

لِّقَوْمٍ يَّذَّكَّرُوْنَ ۝ وَهُوَ الَّذِيْ سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَاْكُلُوْا مِنْهُ لَحْمًا

برای گروهیکه پند گیرند و او ذاتیست که مسخر گردانید دریا را تا بخورید از آن گوشت

طَرِيًّا وَّتَسْتَخْرِجُوْا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُوْنَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَاخِرَ

تازه و بیرون آرید از آن دریا پیرایه که بپوشید آنرا و می بینی کشتی را در شکافنده

فِيْهِ وَلِتَبْتَغُوْا مِنْ فَضْلِهٖ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ ۝ وَاَلْقٰى فِي

در آب و تا که طلب کنید از روزی او و تا شاید شکر گوئید و افکند در روی

الْاَرْضِ رَوَاسِيَ اَنْ تَمِيْدَ بِكُمْ وَاَنْهٰرًا وَّسُبُلًا لَّعَلَّكُمْ

زمین کوههای بلند استوار تا که میل کند زمین بشما و آفرید جویها و راهها تا شاید شما

تَهْتَدُوْنَ ۝ وَعَلٰمٰتٍ وَبِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُوْنَ ۝ اَفَمَنْ يَّخْلُقُ

راه یابید و نشانها و بستارگان آدمیان راه میابند آیا پس کسی که می آفریند

كَمَنْ لَّا يَخْلُقُ اَفَلَا تَذَكَّرُوْنَ ۝ وَاِنْ تَعُدُّوْا نِعْمَةَ اللّٰهِ لَا

چون کسیست که نمی آفریند آیا پس یاد نمی کنید و اگر خواهید که بشمارید نعمت خدا را نتوانید

تُحْصُوْهَا اِنَّ اللّٰهَ لَغَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّوْنَ وَمَا

شمرد آنرا بدرستی که خدا هر آینه آمرزنده مهربان است و خدا میداند آنچه پنهان میکنید و آنچه

تُعْلِنُوْنَ ۝ وَالَّذِيْنَ يَدْعُوْنَ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ لَا يَخْلُقُوْنَ شَيْئًا

ظاهر میکنید و آنانکه میخوانند از غیر خدا نمی آفرینند چیزی را

انواع مختلفه عبارت است از پوشیدنیها و خوردنیها و غیر انها

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که ما علامتیم و نجم رسول خدا صلعم

وَهُمْ يُخْلَقُونَ ۝ أَمْوَاتٌ غَيْرُ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ

و ایشان آفریده شوند و ایشان مردگانند نه زندگان و نمیدانند ایشان که کی برانگیخته میشوند

إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ مُنْكِرَةٌ

خدای شما خدای یگانه است پس آنانکه نمیگروند بآخرت دلهای ایشان ناسپاسنده است

وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ ۝ لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا

و ایشان گردنکشانند مر آنرا حق است بدرستی که خدا میداند آنچه نهان میکنند و آنچه

يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ

ظاهر میسازند بدرستی که خدا دوست ندارد گردنکشان را و چون گفته شوند کافران که چه چیز فرستاد

رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝ لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ

پروردگار شما گفتند سرگذشت پیشینیان را تا بردارند بار گناه خود را تمام و کمال روز

الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ

قیامت و بعضی از گناهان ایشان را که گمراه میسازند ایشانرا بی دانشی بدا بد بار یست آنچه می کشند

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَأَتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ فَخَرَّ

بدرستی که مکر کردند آنانکه بودند پیش ازایشان پس آمد فرمان خدا به بناهای ایشان از جانب اساس پس افتاد

عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ

بر ایشان سقف خانها از بالای ایشان و آمد ایشانرا عذاب از آنجا که نمیدانستند

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشَاقُّونَ

پس روز قیامت رسوا کند خدا ایشانرا و گوید خدا آنروز کجایند مر آنانکه بودند که از خدا و خلایق منکر بودید

فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ

با خدا و را ایشان آنانکه داده شدند علم را بدرستی که رسوائی امروز و بدی بر کافران است

الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوُا السَّلَمَ مَا كُنَّا

آنانکه میمیرانند ایشان را فرشتگان در حالی که ستمکارند بر نفسهای خود پس اندازند صلح و گویند نبودیم ما که

نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ فَادْخُلُوا أَبْوَابَ

میکردیم بدی بلی بدرستیکه خدا داناست بآنچه بودید که میکردید پس درآئید بدرهای

بخلم

کرین

کراین آیه در باب
متقیین یعنی هم سوگندان که
قرب بآن مذکور شد
نازل شده

خیر است

که هر که تسلیم حکمی از احکام شریعت
بدیگری نماید ثواب خود و ثواب عمل
متعلم را میسیابد و هر که بدعتی در دین گذارد
سزای گناه خود و گردار تابع خود را میسیابد
و فایده لفظ بعض آنست که ظاهر شود که
تا بعین هم سزائی بسبب کرده خود می یابد
هر چند که بعد رسیدن سزای متبوعین

نباشد

یعنی

در چنین روزی که اطاعت و انقیاد تقی
ندارد اظهار صلح و فرمان برداری فایده
و زیاده بر این انکار می کنند اعمال ناشایسته
خود را در چنین روزی که آنگاه
هیچ اثری ندارد

جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ۝ وَقِيلَ لِلَّذِينَ

دوزخ در آیند جاودانی که جاوید باشند در آن پس بد جایگاهیست مقام متکبران کردنکشان ۝ وگفته شود آنانرا که

اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَٰذِهِ الدُّنْيَا

پرهیز کردند چه چیز فرستاد خداوند کار شما گفتند قرآن بهتر است مر آنان را که نیکوئی کردند در این دنیا

حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ ۝ جَنَّاتُ عَدْنٍ

نیکوئیست و) دار آخرت بهتر است از آن و) نیکو سرائیست پرهیزکارانرا بهشت باغهائی که

يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ

درآیند در آن جاری میشود از زیر آنها نهرها مر ایشانرا هست در بهشت آنچه میخواهند

كَذَٰلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ ۝ الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ

همانند این جزا میدهد خدا پرهیزکارانرا ۝ آنانکه قبض روح ایشان کنند فرشتگان

طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمُ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ

که پاکیزه باشند میگویند سلام خدا بر شما درآیید در بهشت بسبب آنچه بودید که

تَعْمَلُونَ ۝ هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ

میکردید ۝ آیا انتظار میبرند کافران مگر آنکه آید ایشانرا فرشتگان برداشتن جانهاشان یا بیاید

أَمْرُ رَبِّكَ كَذَٰلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَ

فرمان پروردگار تو همچنین کردند آنانکه پیش از ایشان بودند و ستم نکرد ایشانرا خدا و

لَٰكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا

ولیکن بودند ایشان بر نفسهای خود ستم کردند ۝ پس رسید ایشانرا جزاهای بدیهای آنچه کردند

وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا

و فرود آمد بایشان آنچه بودند که بآن استهزا میکردند ۝ وگفتند آنانکه شرک آوردند

لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ نَحْنُ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا

اگر خواسته خدا نپرستیم ما بغیر از خدا هیچ چیزرا نه ما و نه پدران ما و نه

حَرَّمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَٰلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ

حرام میکردیم ما بی حکم خدا چیزیرا همچنین کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس آیا

كه نیک
اشاره است بنکته
که کفار که تردیک بآن گذشت جاهلند
مضمون این که چنانکه کفر و مذکوره
کذب پیغمبران نمودند پیش از
ایشان هم جمعی از کذبین
بودند

عَلَى الرُّسُلِ اِلَّا الْبَلٰغُ الْمُبِيْنُ ۝ وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِيْ كُلِّ اُمَّةٍ

بر پیغمبران مگر رسانیدن آشکارا و بحقیق برانگیختیم ما در میان هر گروهی

رَّسُوْلًا اَنِ اعْبُدُوا اللّٰهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوْتَ فَمِنْهُمْ مَّنْ هَدَى

فرستاده که بپرستید خدا را و بپرهیزید از پرستیدن بت پس از ایشان کسی بود که هدایت کرد

اللّٰهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلٰلَةُ فَسِيْرُوْا فِي الْاَرْضِ

خداوند او را و از ایشان کسی بود که ثابت شد بر او گمراهی پس سیر کنید در زمین

فَانْظُرُوْا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِيْنَ ۝ اِنْ تَحْرِصْ عَلٰى

پس نظر کنید که چگونه بود سرانجام تکذیب کنندگان اگر حریص باشی بر

هُدٰىهُمْ فَاِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِيْ مَنْ يُّضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نّٰصِرِيْنَ

هدایت ایشان پس بدرستی که خدا هدایت نمیکند کسی را که گمراه ساخت و نیست ایشان را

وَاَقْسَمُوْا بِاللّٰهِ جَهْدَ اَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللّٰهُ مَنْ يَّمُوْتُ بَلٰى وَعْدًا

و قسم خوردند بخدا سخت ترین سوگندان که برنمیانگیزاند خدا کسی را که بمیرد آری برانگیخته شوند و این

عَلَيْهِ حَقًّا وَّلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُوْنَ ۝ لِيُبَيِّنَ لَهُمُ

وعده بر او راست است ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند تا بیان کند برای ایشان

الَّذِيْ يَخْتَلِفُوْنَ فِيْهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْٓا اَنَّهُمْ كَانُوْا

آنچه اختلاف میکردند در آن و تا بداند آنانکه کافر شدند بدرستی که ایشان بودند

كٰذِبِيْنَ ۝ اِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ اِذَآ اَرَدْنٰهُ اَنْ نَّقُوْلَ لَهٗ كُنْ فَيَكُوْنُ ۝

دروغگویان جز این نیست که گفتار ما مر چیزرا که خواهیم آفریدن اگه بگوییم مر آن را باش پس میباشد او را

وَالَّذِيْنَ هَاجَرُوْا فِي اللّٰهِ مِنْۢ بَعْدِ مَا ظُلِمُوْا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا

و آنانکه هجرت کردند در راه دین خدا بعد از آنکه ستم کرده شدند هر آینه جای دهیم ایشان را در دنیا

حَسَنَةً وَلَاَجْرُ الْاٰخِرَةِ اَكْبَرُ لَوْ كَانُوْا يَعْلَمُوْنَ ۝ الَّذِيْنَ صَبَرُوْا

جای نیکو و هر آینه مزد آخرت بزرگتر است اگر باشد که بدانند آنانکه صبر کردند

وَعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُوْنَ ۝ وَمَآ اَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ اِلَّا رِجَالًا

و بر پروردگار خود توکل میکنند و نفرستادیم ما پیش از تو مگر مردانرا

نوحی الیهم فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون بالبینات

که وحی کردیم بسوی ایشان پس پرسید اهل ذکر را اگر هستید شما که نمیدانید فرستادیم با معجزه ها

والزبر وانزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهم و

کتابهای نوشته و فرستادیم بسوی تو قرآن را تا روشن کنی برای مردم آنچه فرستاده شد بسوی ایشان

لعلهم یتفکرون افامن الذین مکروا السیئات ان یخسف

شاید ایشان تفکر کنند آیا پس ایمن شده اند آنانکه مکر کرده اند مکرهای بد اینکه فرو برد

الله بهم الارض او یاتیهم العذاب من حیث لا یشعرون

خدا ایشانرا بزمین یا بیاورد ایشانرا عذاب از جائی که ندانند

او یاخذهم فی تقلبهم فما هم بمعجزین او یاخذهم علی تخوف

یا بگیرد ایشانرا در حالت آمد شد ایشان پس نیستند ایشان عاجز کنندگان خدا یا بگیرد ایشانرا در فرار بر ترس

فان ربکم لرءوف رحیم اولم یروا الی ما خلق الله من شیء

پس بدرستی پروردگار مهربان و بخشنده است آیا ندیدند بسوی آنچه آفریده خدا از چیزی که

یتفیؤا ظلاله عن الیمین والشمائل سجدا لله وهم داخرون

میگردد سایه های ایشان از دست راست و چپ که سجده کنندگان مر خدا را و ایشانرا فرو افتاده و خوار اند

ولله یسجد ما فی السموات وما فی الارض من دابة والملائکة

و خدا را سجده میکند آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست از جنبندگان و فرشتگان

وهم لا یستکبرون یخافون ربهم من فوقهم ویفعلون ما

و ایشان سرکشی نمیکنند میترسند بلاکه از پروردگار خود از بالای ایشان و میکنند آنچه

یؤمرون وقال الله لا تتخذوا الهین اثنین انما هو الله واحد

مامور میشوند و گفت خدا فرا نگیرید دو خدا را بخدائی جز این نیست که خدائی شما یکتاست

فایای فارهبون وله ما فی السموات والارض وله الدین

پس از من بترسید و مر او راست آنچه در آسمانها و زمینست و مر او راست دین که

واصبا افغیر الله تتقون وما بکم من نعمة فمن الله ثم اذا

واجبست آیا پس بغیر از خدا می ترسید و آنچه بشما باشد از نعمتها پس از جانب خداست پس چون

حضرت امام ابی جعفر صلوات الله علیه مرویست که ما ئیم اهل الذکر در این آیه شریفه

عامه از ابن عباس بچند نهج نقل نموده اند که مراد حضرت

اهل الذکر محمد و علی و فاطمه و حسنین علیهم السلام اند و حضرت

حق سبحانه در کریمه دگر از رسولان پیغمبر خود را ذکر

نامیده بعلت آنکه مذکر ثقلین است و بقول ابن

عباس اهل ذکر قاریان قرآنند و

بقول مفسرین علمای یهود

و نصاری اند

چون

عذاب غالبا از

بالا بزیر می آید و ممکن است که

من فوقهم اشاره بعلو قدر او به

الله تعالی باشد

مضف

مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْأَرُونَ ۝ ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنكُمْ إِذَا فَرِيقٌ

برسد بشما ضرری پس بسوی او تضرع می کنید پس چون بردارد آن سختی را از شما آنگاه گروهی

مِّنكُم بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ۝ لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ

از شما بپروردگار شما شرک می آرند تا کفر ورزند بآنچه دادیم ایشانرا پس برخورید پس زود باشد

تَعْلَمُونَ ۝ وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ

که بدانید و میگردانند از برای چیزی که علمی ندارند حصه از آنچه روزی کردیم ایشانرا قسم بخدا

لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَفْتَرُونَ ۝ وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ

که پرسیده شوند از آنچه هستند که دروغ می بندید و میگردانند برای خدا دختران پاکست خدا

وَلَهُم مَّا يَشْتَهُونَ ۝ وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ

و مرایشانرا است آنچه آرزو دارند و چون مژده داده یکی ازایشان بولادت دختری روی او

مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ ۝ يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِن سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ

سیاه گردد و او پر باشد از خشم پنهان شود از قوم از بدی آنچه خبر داده شده

أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

باو آیا نگاه دارد او را بر خواری یا بپوشاند او را در خاک بدانید که بد است آنچه حکم می کنند

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوْءِ ۖ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ ۚ

مر آنانرا که ایمان ندارند بقیامت صفت بدیست کشتن دختران و مر خدا راست صفت بلند

وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِم مَّا تَرَكَ عَلَيْهَا

و او است غالب درست کار و اگر بگیرد خدا مردمانرا بستم و گفر ایشان نگذارد بر روی زمین

مِن دَابَّةٍ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا

جنبنده و لیکن خدا تاخیر میکند ایشانرا تا وقتی نام برده شده پس چون آید اجل ایشان

يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ ۝ وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا

باز پس نروند ساعتی و پیش نیفرستند ساعتی و میگردانند برای خدا آنچه

يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ ۚ لَا جَرَمَ أَنَّ

نمیخواهند و وصف میکند زبانهای ایشان دروغ آنکه مرایشانراست خوبی و بهشت حقا که در آخرت

حکایت
از حال مشرکان
قریش است که بعضی از خود
و حیوانات خود را مخصوص بنان
میدانستند و پیش از
این گذشت
قریش
می گفتند که فرشتگان
دختران خدایند

لَهُمُ النَّارَ وَاَنَّهُمْ مُفْرَطُونَ ۝ تَاللّٰهِ لَقَدْ اَرْسَلْنَا اِلٰٓى اُمَمٍ مِّنْ قَبْلِكَ

مر ایشانرا است آتش و بدرستی که ایشان پیش افکنده شوند ۝ بخدا که بر امتی ۝ فرستادیم پیغمبرانرا بسوی امتان که پیش از

فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطٰنُ اَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ

تو بودند پس بیاراست برای ایشان شیطان کردارشانرا پس او دوست ایشان است امروز و مر ایشانراست عذاب

اَلِيمٌ ۝ وَمَآ اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتٰبَ اِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِى اخْتَلَفُوا

دردناک ۝ و فرو نفرستادیم بر تو ۝ قرآنرا ۝ مگر آنکه روشن کردی مر ایشانرا ۝ آنچه اختلاف کردند

فِيهِ وَهُدًى وَّرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُونَ ۝ وَاللّٰهُ اَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ

در آن ۝ و راه نمائی ۝ و رحمتست ۝ مر گروهی را که ایمان دارند ۝ و خدا فرو فرستاد ۝ از آسمان

مَآءً فَاَحْيَا بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا اِنَّ فِى ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّقَوْمٍ

آبی ۝ پس زنده کرد بآن ۝ زمین را بعد از مردن او ۝ بدرستی که در ۝ این هر آینه علامتی است مر گروهی را

يَّسْمَعُونَ ۝ وَاِنَّ لَكُمْ فِى الْاَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۝ نُسْقِيكُمْ مِّمَّا فِى

که میشنوند ۝ و بدرستیکه شمارا ۝ در ۝ چهارپایان ۝ هر آینه دلالتی می آشامانیم شمارا از آنچه ۝ در

بُطُونِهٖ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَّدَمٍ لَّبَنًا خَالِصًا سَآئِغًا لِّلشّٰرِبِينَ

شکمهای آنهاست از میان سرگین ۝ و خون ۝ شیری پاک ۝ گوارنده ۝ مر شربت کنندگانرا

وَمِنْ ثَمَرٰتِ النَّخِيلِ وَالْاَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَّرِزْقًا

و از ۝ میوهای درخت خرما ۝ و انگورها ۝ فرا میگیرید ۝ از آن مست کننده ۝ و روزی

حَسَنًا ۝ اِنَّ فِى ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّقَوْمٍ يَّعْقِلُونَ ۝ وَاَوْحٰى رَبُّكَ اِلَى

نیکو ۝ بدرستی که در ۝ این هر آینه علامتی است مر گروهی را تعقل میکنند ۝ و الهام کرد پروردگار تو بسوی

النَّحْلِ اَنِ اتَّخِذِى مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَّمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ۝

زنبوران عسل که فرا گیرند ۝ از کوهها خانه ها ۝ و از میان درختان و از آنچه مردمان بنا می کنند

ثُمَّ كُلِى مِنْ كُلِّ الثَّمَرٰتِ فَاسْلُكِى سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا ۝ يَخْرُجُ

پس بخورید از ۝ هر ۝ میوه ۝ پس در روید ۝ براه ۝ پروردگار خود ۝ در حالیکه منقاد باشید

مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ اَلْوَانُهٗ فِيهِ شِفَآءٌ لِّلنَّاسِ ۝ اِنَّ فِى

بیرون می آید از شکمهای ایشان شراب ۝ مختلف ۝ در رنگ ۝ در آن شربت شفاست ۝ مر مردمانرا بدرستی که در

دوست
ایشان است یعنی
در دنیا و اما در آخرت از
آن بیزار است
بگو
قرش می گفتند اگر
محمد راست میگوید که ثواب و عقابی
هست ما از اهل بهشت خواهیم
بود ۱۲

ذٰلِكَ لَاٰيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفّٰىكُمْ وَ

این هر آینه علامتی است مر گروهی را که تفکر می‌کنند ۝ و خدا آفرید شما را پس بمیراند شما را و

مِنكُم مَّن يُرَدُّ إِلٰىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْـًٔا ۚ إِنَّ

از شما کیست که رد کرده میشود بسوی خوارترین زندگی و پیری تا نداند بعد از دانستن چیزی را بدرستی که

اللّٰهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ ۝ وَاللّٰهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلٰى بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ ۚ

خدا دانا است و تواناست ۝ و خدا برتری داده بعضی از شما را بر بعضی در روزی

فَمَا الَّذِينَ فُضِّلُوا بِرَادِّي رِزْقِهِمْ عَلٰى مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ

پس نیستند آنانکه زیاده یافتند از مال برگردانندگان مال خود بر آنچه که مالک شده‌اند دستهای ایشان پس ایشان

فِيهِ سَوَاءٌ ۚ أَفَبِنِعْمَةِ اللّٰهِ يَجْحَدُونَ ۝ وَاللّٰهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ

باشند هر دو در مال مساوی آیا پس بنعمت خدا انکار میکنند ۝ و خدا کرد برای شما از

أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُم بَنِينَ وَحَفَدَةً

نفسهای شما زنان را و کرد برای شما از زنان شما پسران و اولاد اولاد

وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ ۚ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللّٰهِ هُمْ

و روزی کرد شما را از پاکیزه‌ها آیا پس بیهوده گردند و میگروند و بنعمت خدا ایشان

يَكْفُرُونَ ۝ وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللّٰهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ

کافر میشوند ۝ و می پرستند غیر از خدا چیزی را که مالک نیست برای ایشان

رِزْقًا مِّنَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ شَيْـًٔا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ ۝ فَلَا تَضْرِبُوا

روزی دادن از آسمانها و از زمین چیزرا و قدرت ندارند ۝ پس نزنید

لِلّٰهِ الْأَمْثَالَ ۚ إِنَّ اللّٰهَ يَعْلَمُ وَأَنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ ضَرَبَ اللّٰهُ مَثَلًا

برای خدا مثلها و اشباه بدرستی که خدا میداند و شما نمیدانید ۝ زد خدا مثل را این است

عَبْدًا مَّمْلُوكًا لَّا يَقْدِرُ عَلٰى شَيْءٍ وَمَن رَّزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا

که بنده ۝ درم خریده که توانائی ندارد ۝ بر چیزی ۝ و آزادی که روزی دادیم ما او را از خود روزی

حَسَنًا فَهُوَ يُنفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا ۖ هَلْ يَسْتَوُۥنَ ۚ الْحَمْدُ لِلّٰهِ ۚ بَلْ

نیکو ۝ پس آن مرد نفقه می‌کند از آن مال پنهان و آشکارا آیا برابر ند این دو با هم ۝ حمد مر خدا را بلکه

خلاصه

مضمون آیه این که

خدا تعالی بعضی از شما را

در باب رزق زیادتی بر دیگران داده و فرموده

که متکفل احوال ایشان شوید خانچه شما را بر عبید

و اما را تفضیل داده هیچک از شما خود را

راضی نمیتوانید نمود که عبید و اما خود را

شریک در مال خود نمایند و از مال خود با ایشان

عطا کنند پس چون بندگان خدا را شریک او

در ملک میدانید و حاصل اگر چیزی را که بر خود

روا نمیدارید چون بر خود روا میدارید

گفته که این آیه در باب نصاری نجران نازل

شده که مسیح را شریک خدا میدانستند و بعضی از

مفسرین احتمال دیگر هم داده‌اند که فهم نشد

سوای آنکه نفی باشد و حاصلش اگر روزی

نمیدهند عبید و اما را و عیال خود را بلکه

بلکه حق تعالی بهمه روزی داده و جوابش آن

ما عبید و اما را در روزی

مساوی نمیکند

أكثرهم لا يعلمون ۝ وضرب الله مثلا رجلين أحدهما أبكم

پشتر ایشان نمیدانند و زنو خدا مثلی و آن این است که دو مرد که یکی از ایشان گنگ

لا يقدر على شيء وهو كل على مولاه أينما يوجهه لا

قدرت ندارد بر چیزی و او گنگ کرانیست بر کسی که متولی امر او باشد هر جا بفرستد او را باز

يأت بخير هل يستوي هو ومن يأمر بالعدل وهو على صراط

نیاید بخوبی آیا مساویست آن گنگ و کسی که امر میکند بپاسخی و او بر راه

مستقيم ۝ ولله غيب السموات والأرض وما أمر الساعة

راستست و مر خدا راست پنهان آسمانها و زمینست و نیست آمدن قیامت

إلا كلمح البصر أو هو أقرب إن الله على كل شيء قدير

مگر مانند نگریستن چشم زدن یا نزدیکتر بدرستی که خدا بر هر چیز توانا است

والله أخرجكم من بطون أمهاتكم لا تعلمون شيئا وجعل

و خدا بیرون آورد شما را از شکمهای مادران شما نمیدانستید هیچ چیز و آفرید

لكم السمع والأبصار والأفئدة لعلكم تشكرون

برای شما گوش و چشمها و دلها شاید شما شکر کنید

ألم يروا إلى الطير مسخرات في جو السماء ما يمسكهن إلا

آیا نمی بینند بسوی مرغان در حالیکه رام شده اند در میان آسمان و در زمین نگاه نمیدارد ایشانرا مگر

الله إن في ذلك لآيات لقوم يؤمنون ۝ والله جعل لكم من

الله بدرستی که در این هر آینه نشانهاست مر گروهی را که میگروند ۝ و خدا گردانید برای شما از

بيوتكم سكنا وجعل لكم من جلود الأنعام بيوتا تستخفونها

خانهای شما آرامگاهی و گردانید برای شما از پوست چهارپایان خانها سبک می یابید آنرا

يوم ظعنكم ويوم إقامتكم ومن أصوافها وأوبارها وأشعارها

روز کوچ خود و روز فرود آمدن شما و از پشمهای انعام و پشمهای نرم شتر و موهای بز

أثاثا ومتاعا إلى حين ۝ والله جعل لكم مما خلق ظلالا وجعل

و رختهای پوشیدنی و برخورداری ما وقتی کهنه شود ۝ و خدا گردانید برای شما از آنچه آفرید از کوه و دشت و

جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ

گردانید برای شما از کوهها پوششها و گردانید برای شما پیراهنهای صوف و کتان و ازکرباس نگاهدارد

وَسَرَابِيلَ تَقِيكُمْ بَأْسَكُمْ كَذَٰلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ

و پیراهنها که نگاهدارد شما را از جنگ شما و همچنین تمام میکند نعمت خود را بر شما

لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ ۝ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۝

شاید شما اسلام آورید پس اگر برگردند پس نیست بر تو مگر رسانیدن پیغام آشکارا

يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ ۝ وَيَوْمَ

میشناسند مشرکان نعمت خدا را پس منکر میشوند آنرا و بیشتر ایشان کافرند و روزیکه

نَبْعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ

برانگیزیم از هر گروهی گواهی پس رخصت ندهند مر آنانرا که کافر شدند و نه ایشان

يُسْتَعْتَبُونَ ۝ وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ

طلب کرده میشوند و چون به بینند آنانکه ستم کردند عذاب را پس سبک نشود از ایشان

وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ ۝ وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا

عذاب و نه ایشان مهلت داده شوند و چون به بینند آنانکه شرک آوردند شریکان خود را گویند

رَبَّنَا هَٰؤُلَاءِ شُرَكَاؤُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُو مِنْ دُونِكَ فَأَلْقَوْا

پروردگارا اینان شریکان مایند آنان که بودیم که میخواندیم ایشانرا غیر از تو پس افگندند

إِلَيْهِمُ الْقَوْلَ إِنَّكُمْ لَكَاذِبُونَ ۝ وَأَلْقَوْا إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ

بسوی ایشان سخن را بدرستی که شما هر آینه دروغگویانید و افگندند بسوی خدا آنروز

السَّلَمَ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا

که ایمان آوردند و گم کرد از ایشان آنچه بودند که دروغ می بستند آنانکه کافر شدند و باز داشتند مردم

عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ

از راه دین خدا زیاد کردیم ایشانرا عذابی بالای عذاب بآنچه بودند که فساد میکردند

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا

و روزیکه برانگیزانیم در هر گروهی گواهی بر ایشان از نفس ایشان و بیاریم

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که هر امتی را امامی است که ما او محشور میشوند

حزب

بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِكُلِّ

تو را با همه گواه ◎ بر آن گروه ◎ و فرستادیم ما بر تو ◎ قرآن را که بیانی روشنست برای هر

شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ ۞ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ

چیز ◎ و راهنما ◎ و بخشنده ◎ و مژده دهنده مر گردن نهندگان را بدرستی که خدا امر میکند

بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ

بعدل ◎ و نیکوئی طاعت ◎ و عطا دادن خویشان نزدیک ◎ و نهی میکند از کار زشت

وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۞ وَأَوْفُوا

و کردار بد ◎ و ستم ◎ پند میدهد شما را شاید شما ◎ پند گیرید ◎ و وفا کنید

بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا

به پیمان خدا چون عهد ◎ بستید ◎ و مشکنید ◎ سوگندان خود را بعد از استواری

وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ

و بتحقیق گردانیدید بر شما ◎ خدا را بر قسمهای خود ◎ ضامن ◎ بدرستی که خدا میداند ◎ آنچه میکنید شما

وَلَا تَكُونُوا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَاثًا تَتَّخِذُونَ

و مباشید شما مانند زنی که ◎ بشکافت ◎ و بگشاد ریسمان خود را بعد از استحکام که آن رشته آب داشت میکرد

أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا

سوگندان خود را خیانت ◎ میان خود را تا باشید ◎ گروهی ◎ آن گروه زیاده از گروهی دیگر همانا این است

يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

می آزماید شما را خدا آن و تا ظاهر کند برای شما ◎ روز ◎ قیامت ◎ آنچه بودید ◎ که در آن اختلاف میکردید

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِنْ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ

و اگر خواهد ◎ خدا ◎ هر آینه بگرداند شما را ◎ در آن گروه متفق ◎ ولیکن ◎ فرو گذارد بگمراهی هر که را خواهد

وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۞ وَلَا تَتَّخِذُوا

و راه نماید ◎ هر که را خواهد ◎ و هر آینه پرسیده شوید از آنچه بودید ◎ که میکردید ◎ و فرا مگیرید

أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوءَ

سوگندان خود را مخدر دیگر میان خود پس بلغزد قدم ◎ شما از اسلام بعد از استواری آن و بچشید اندوه را بسبب

صراط

صادق صلوات الله

علیه مرویست که این آیات در شان ولایت

علی علیه السلام نازل شد و آن عهدی که رسول خدا

از این امت گرفته بود که سلام کنند بر او بلفظ

امیر المومنین یعنی امت چون بحکی ظاهر او بقول

این عهد نموده بودند حضرتش در این آیات

تاکید عهد و میثاق مذکور نموده و اکثر مفسرین

گویند که خطاب در این آیه با مسلمانی است

که بعث رسول خدا صلی الله علیه و آله نمود

بودند و غرض آنکه البته بعد از تاکید عهد و بیعت

آن را مشکنند مانند آن زنی که رشته خود را

بقوت تمام بافت و آخر تار های آن را از هم

گسسته و گفته اند که آن زنیطه دختر عمرو بن کعب

سعد بن تیم بن مره بود که با کنیزان و دختران

خود هر روز نا نصف روز ریسمان میساخت

پس همه را از هم می انداخت و باین اعتبار

او را حمقا قریش و خرقا مکه می نامیدند و بعضی

این مثلی است که شبیه بوجود خارجی داشته

باشد و ان یکون بتقدیر لام تعلیل علت برای

نقض عهد و حاصلش آنکه نقض عهد میمانید

بعلت آنکه میبینید که گروهی برای خاطر ایشان

این نقض از شما صادر میشود زیاده و امدار طایفه

علیه یا ایشان

بودند و خلاصه کس ایشان

از شما یان دغار

این یا نقض

بِمَا صَدَدتُّمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَلَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۞ وَلَا تَشْتَرُوا

بسبب آنچه ایستادید از راه دین خدا او مر شما راست عذاب بزرگ و مخرید

بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا ۚ إِنَّمَا عِندَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ

بعهد خدا بهای اندک را بدرستی که نزد خدا است او بهتر است مر شما اگر هستید که بدانید

مَا عِندَكُمْ يَنفَدُ ۖ وَمَا عِندَ اللَّهِ بَاقٍ ۗ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا

آنچه نزد شماست فانی شود و آنچه نزد خداست باقی باشد و جزا دهیم آنانرا که صبر کردند

أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۞ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ

مزد ایشان بهتر است آنچه بودند که میکردند هر که کند کردار شایسته از مرد

أَوْ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً ۖ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم

یا زن و او مومن باشد پس هر آینه زنده کانی دهیم او را زندگانی پاکیزه و هر آینه جزا دهیم ایشان

بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۞ فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ

بهتر از آنچه بودند که میکردند پس چون بخوانی قرآن را پس پناه گیر بخدا

مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ ۞ إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ

از شر شیطان رانده شده بدرستیکه نیست شیطانرا تسلطی بر آنانکه گرویدند و بر

رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۞ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُم

پروردگار خود توکل می کنند جز این نیست که تسلط شیطان بر آنان که دوست دارند او را و آنانکه ایشان

بِهِ مُشْرِكُونَ ۞ وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنَزِّلُ

بسبب شیطان شرک آورند گانند و چون بدل کنیم ما آیتی را از قرآن بجای آیتی و خدا داناتر است بآنچه میفرستد

قَالُوا إِنَّمَا أَنتَ مُفْتَرٍ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۞ قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ

گویند جز این نیست که تو افترا کننده ای بلکه بیشتر ایشان ندانند بگو فرو آورد او را

الْقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ آمَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ

جبرئیل از پروردگار تو براستی بجهة آنکه ثبات دهد آنانرا که ایمان دارند و هدایت کردن و مژده دادن

لِلْمُسْلِمِينَ ۞ وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ ۗ لِّسَانُ

مسلمانانرا و براستی ما میدانیم که ایشان میگویند جز این نیست که می آموزاند او را آدمی زبان

گویند قرآن از جانب خدا نیست و محمد مشتمل است بر اخبار امم سابقه و آنحضرت چیزی نخوانده بود و کتابی ندیده بود و معاشرت با کسی که اطلاع بر احوال ایشان داشته باشد نکرده بود بعضی میگفتند آن اخبار را از سلمان فارسی تعلیم دارد و بارها میگفتند که بلعام جوانی بود نصرانی در مکه کلام او دست درجی می گفت که کلام عیش ما عایش رومی است که سلمان شد و بعضی گفته اند که از دو سه رسا که در جاهلیت از مردم عین التمر در مکه سکنی داشته بودند تعلیم گرفت حقتعالی در جواب فرمود که لغت جمعی که شما این قصص را نسبت بایشان میدهید لغت عجمی است و این قصص عربی است و شما با آنکه در کمال فصاحت و بلاغت میدانید خود را نمیتوانید یک آیه مثل آن آورد چگونه این عجمان تواند آورد

الَّذِي يُلْحِدُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَٰذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ

آنکه میکردانند گفتار خود را بسوی او کلا عجمی و این زبان عربی ظاهر است

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ

بدرستی که آنانکه نمیگروند بنشانهای خدا راه نمینماید ایشانرا خدا و مر ایشانرا است عذاب

أَلِيمٌ إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ

دردناک نیست جز این نیست که دروغ می بندند آنانکه نمیگروند بنشانهای خدا و

أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ ۝ مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ

آن گروه ایشانند دروغگویان هر که کافر شود بخدا بعد از ایمان خویش مگر کسی که

أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَٰكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا

اکراه داشته شود و دل او آرمیده باشد بایمان ولیکن هر که بگشاید بکفر سینه خود را

فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ اسْتَحَبُّوا

پس بر ایشان غضب است از خدا و مر ایشانرا است عذاب بزرگ این عذاب بآنست که ایشان دوست

الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

داشتند زندگانی دنیا را بر آخرت و بدرستی که خدا راه نمینماید گروه کافران را

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَسَمْعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَ

آنها اند کسانی که مهر نهاد خدا بر دلهاشان و گوشهای ایشان و چشمهای ایشان و

أُولَٰئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ ۝ لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ

آن گروه ایشانند چنبران حقا که ایشان در قیامت ایشانند زیانکاران

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا وَ

پس بدرستی پروردگار تو مر آنان را هجرت کردند بعد از آنکه عذاب کشیده بودند پس مجاهدت کردند و

صَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ

صبر کردند بدرستی که پروردگار تو بعد از آن هر آینه آمرزنده مهربانست روزیکه بیاید هر

نَفْسٍ تُجَادِلُ عَنْ نَفْسِهَا وَتُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا

نفسی جدل کند با نفس خود و بتمام داده شود هر نفسی جزای آنچه کرده و ایشان

یعنی
زیاد سعی کند در خلاصی خود
و مطلبی بخران نباشد

يظلمون ۝ وضرب الله مثلا قرية كانت امنة مطمئنة

پستمه بدوشوند و زد خدا مثلی و آن ایست که دهی بود ایمن از جبار این آرمیده و

يأتيها رزقها رغدا من كل مكان فكفرت بانعم الله فاذاقها

می آمد بآن دهروزی ایشان فراخ از هر جانبی پس کافر شدند بنعمتهای خدا پس چشانید

الله لباس الجوع والخوف بما كانوا يصنعون ۝ ولقد جاءهم

خدا اهل آن دهرا پوشش گرسنگی و ترس بسبب آنچه بودند که میکردند از بدی و بتحقیق که آمد ایشانرا

رسول منهم فكذبوه فاخذهم العذاب وهم ظالمون ۝ فكلوا

پیغمبری از ایشان پس تکذیب کردند او را پس گرفت ایشانرا عذاب و ایشان ستمکارانند پس بخورید

مما رزقكم الله حلالا طيبا واشكروا نعمت الله ان كنتم اياه

از آنچه روزی داد شمارا خدا حلال پاکیزه و شکر کنید نعمت خدا را اگر هستید که خدا را

تعبدون ۝ انما حرم عليكم الميتة والدم ولحم الخنزير وما

می پرستید جز این نیست که حرام کرده است بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه

اهل لغير الله به فمن اضطر غير باغ ولا عاد فان الله غفور

و آواز برداشته باشد بغیر از نام خدا پس هر که مضطر شود که طالب لذت نباشد و نه درگذرنده پس بدرستیکه خدا آمرزنده

رحيم ۝ ولا تقولوا لما تصف السنتكم الكذب هذا حلال و

مهربانست و مگویید مر آنچیزرا که وصف میکند زبانهای شما دروغرا این حلال است و

هذا حرام لتفتروا على الله الكذب ان الذين يفترون على

این حرام است تا بندید بر خدا دروغ را بدرستی که آنانکه می بندند بر

الله الكذب لا يفلحون ۝ متاع قليل ولهم عذاب اليم ۝ وعلى

خدا دروغرا رستگار نمیشوند متاعی اندکست و مر ایشانرا عذابی دردناک و بر

الذين هادوا حرمنا ما قصصنا عليك من قبل وما ظلمناهم

آنانکه یهود شدند حرام کردیم آنچه خواندیم بر تو پیش از نزول سوره و ستم نکردیم بایشان

ولكن كانوا انفسهم يظلمون ۝ ثم ان ربك للذين عملوا السوء

ولیکن بودند که بخود شان ستم میکردند پس بدرستیکه پروردگار تو مر آنانرا که گناه کردند

عبارت از نکوهش است که رسول خدا صلی الله علیه و آله اهل آن قریه را نفرین کرد و فرمود اللهم اشدد وطاتک علی مضر و اجعل علیهم سنین کسنی یوسف پس هفت سال خدای عزوجل قحط و غلا بر ایشان گماشت تا بحدی که مضطر بخوردن پوست و موی حیوانات شدند و بعضی گفته اند که قریه دیگر بود پیش از حضرت که بعلت تکذیب پیغمبر خود بآن مبتلا شدند

بجهالة ثم تابوا من بعد ذلك وأصلحوا إن ربك من بعدها
بنادانی پس توبه کردند بعد ازآن و بصلاح آوردند کار خود را بدرستی که پروردگار تو بعد از توبه

لغفور رحيم ۝ إن إبرهيم كان أمة قانتا لله حنيفا ولم يك
بر آینه آمرزنده مهربانست بدرستیکه ابراهیم بود یک امت فرمان بردار خدا مایل از ادیان باطله و نبود

من المشركين ۝ شاكرا لأنعمه اجتبىه وهديه إلى صراط
از شرک آورندگان شکر کننده بود مر نعمتهای خود را که برگزیدخدا او را و براه نمود او را بسوی راه

مستقيم ۝ وآتيناه في الدنيا حسنة وإنه في الآخرة لمن
راست و دادیم ما او را در این دنیا نیکوئی و بدرستیکه او در آخرت از جمله

الصالحين ۝ ثم أوحينا إليك أن اتبع ملة إبرهيم حنيفا وما
ارشایسته کارانست پس وحی کردیم ما بسوی تو آنکه پیروی کن کیش ابراهیم را که مایل بود از ادیان

كان من المشركين ۝ إنما جعل السبت على الذين اختلفوا
باطله و نبود از مشرکان جز این نیست که گردانیده شد تعظیم شنبه بر آنانکه اختلاف کردند

فيه وإن ربك ليحكم بينهم يوم القيمة فيما كانوا فيه
در آن و بدرستیکه پروردگار تو هر آینه حکم کند میان ایشان روز قیامت در آنچه بودند که در آن

يختلفون ۝ ادع إلى سبيل ربك بالحكمة والموعظة الحسنة
اختلاف میکردند بخوان مردم را براه پروردگار خود بگ راه اسلام است بدلیل ثابت و پند نیکو

وجادلهم بالتي هي أحسن إن ربك هو أعلم بمن ضل عن
و مباحثه نمای با ایشان بطریقه که آن بهتر باشد بدرستی که پروردگار تو داناتر است بآنکه گمراه شد از

سبيله وهو أعلم بالمهتدين ۝ وإن عاقبتم فعاقبوا بمثل
راه دین حق و اوست داناتر براه یافتگان و اگر عقوبت کنید

ما عوقبتم به ولئن صبرتم لهو خير للصابرين ۝ واصبر وما
آنچه عقوبت کرده شدید باآن را و اگر صبر کنید شما هر آینه او بهتر است مر صبر کنندگان را و صبر کن و نیست

صبرك إلا بالله ولا تحزن عليهم ولا تك في ضيق مما

حضرت ابراهیم را
رحمت نامیده باعتبار آنکه در بدایت حال
او بود صاحب ملت حق تنها یی یا باعتبار آنکه
صفات کمالی که از آنحضرت بود در کثرت و کمال
بمرتبه بود که گویا اجتماعش در یک شخص ممکن نبود پس
بجای جمعی بود متصف بآن صفات از قبیل تجرد
چنانکه گفته اند ولیس من الله بمستنکر ان یجمع
العالم فی واحد و بقولی امت بمعنی مقتدی است
و آنحضرت بمقتضای کریمه انی جاعلک للناس
پیشوای کافه خلایق فرمانفرمای
ایشان بود بفرمان حق تعالی
در امور دینی و دنیوی
و بقولی

مراد آنست که تعظیم روز شنبه مقرر شد
بر بنی اسرائیل که اختلاف کردند در آن و گویند در
بدایت حال خدا تعالی حکم فرمود بر یهود که
که روز شنبه بهتر است که آن روزیست که خدای
عزوجل فارغ شده از آفریدن آسمانها و زمین
پس حق تعالی تعظیم روز شنبه بر ایشان مقرر
فرمود و سخت گرفت بر عصیان
خود در صید آن روز

يَمْكُرُونَ ۝ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوا وَّالَّذِينَ هُم مُّحْسِنُونَ

می‌مکرند — هر کسی که خدا با آنانست که پرهیزکردند و آنانکه ایشان نیکوکارانند

سورة بنی اسرائیل وهی مائة واحد عشرة آیة مکیة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَىٰ بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ

پاک از عیوبست آنکه ببرد بنده خود را در زمانی اندک از شب از مسجد الحرام بسوی مسجد

الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ

الاقصا که او را بر وضع خیر و برکت و کمالات فرمودیم در حوالی آن تا بنمایم او را از غرایب قدرت ما بدرستی که او

الْبَصِيرُ ۝ وَآتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ

شنوای بیناست و دادیم ما موسی را تورات و گردانیدیم او را راهنما بر بنی اسرائیل

أَلَّا تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلًا ۝ ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ

آنکه نگیرید جز از من خدائی را وکیل اولاد آنکسیکه بر داشتیم ما او را با نوح بدرستیکه

كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ۝ وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ

بود نوح بنده شکرگذارنده و اعلام کردیم ما بسوی پسران یعقوب در کتاب تورات

لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا ۝ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ

هر آینه در زمین دو مرتبه و هر آینه بلند شوند تکبری بزرگ پس چون بیاید وعده عقوبت

أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَّنَا أُولِي بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا

اول برانگیزانیم بر شما بندگان ما را که خداوندان کار زار سخت‌اند پس در آیند

خِلَالَ الدِّيَارِ ۚ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا ۝ ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ

میان خانهای شما و هست این وعده کرده شده پس باز کردانیدیم برای شما را غلبه

عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُم بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا

بر ایشان و مدد دهیم شما را بمالها و پسران و گردانیدیم شما را بیشتر از آنکه بودند مردمها

الجزء ۱۵

حضرت امام صادق صلوات الله علیه مروی است که هر که سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند از دنیا بیرون نرود تا آنکه دیدار حضرت قائم آل محمد صلوات الله علیه را دریابد

در مجمع البیان روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که در مکه جبرئیل شبی آمد و با من گفت که برخیز ای محمد برخواستم و با وی خانه بیرون آمدم جبرئیل و میکائیل و اسرافیل را دیدم جبرئیل رانی را پیش کشید و آن زنگیر از درگوش و کوهکشان را سیر بود و دو روی داشت با روی دیبا و دشش چون دم گاو و پایش چون پای شتر زیبا از بهشت و دستها و پایش چون شتر زیبا از بهشت داشت پس گفت سوار شو سوار شدم و در شش ساعت المقدس فرشتگان از آسمان فرود آمدند گفتند بشارت باد تو را بکرامت عظیمی از پروردگار

عروجی
باسمان دوم
شد که بر کرّ خان چهری در
یکوئی مشاهده نموده بودم از انجا
پس باسمان اول قدم و در انجا عجایب
غرایب زیاد مشاهده کردم و فرشتگان آن آسمان
همگی بر من سلام کردند پس جبرئیل مرا باسمان
دویم برد و در انجا عیسی ابن مریم و یحیی ابن زکریا
علیهما السلام را دیدم و از انجا باسمان سیم مرا
برد و در انجا یوسف را دیدم و از انجا باسمان
چهارم برد و در انجا ادریس را دیدم و از انجا
باسمان پنجم برد و هارون را دیدم پس باسمان
ششم برد پس خلق بسیار دیدم که در میان هم
میرفتند و در انجا گریان را دیدم پس باسمان
هشتم برد در انجا هم خلق بسیار و فرشتگان شمار
بیشمار دیدم و از حضرت صادق منقول است که
جبرئیل آنحضرت را در معراج بجائی برد و
گفت یا رسول الله بالاتر جائی هست گفت
پیغمبری قدمی منقول است که آنحضرت فرمود
که از آنجا که گذشتم تا باعلی علیین رسیدم و محکامات
عجبه چند فرمود تا انکه فرمود پس پروردگار با من
سخن کرد و من با او سخن گفتم و بهشت و دوزخ
و سدره المنتهی را دیدم و عرش و کرسی را علاوه
نمودم و از حضرت صادق مرویست که چون
رسول خدا صلی الله علیه و آله باسمان دنیا رسید
فرشتگان آن آسمان همگی باستقبال آمده چندان
خندان بودند پس نفرشته رسیدند و هنا
عبوس گرده گفت یا جبرئیل چرا آن فرشتگان
همه خندان و شادمانند و این
فرشته اند و غمگین گفت
از آن
و علت حزن چیست

إِنْ أَحْسَنتُمْ أَحْسَنتُمْ لِأَنفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ
اگر نیکوئی کنید شما نیکوئی کنید برای نفسهای خود و اگر بدی کنید پس وبال آن بر شماست پس چون آید وعده
الْآخِرَةِ لِيَسُوءُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ
عقوبت فساد تا بد سازند روهای شما را و تا داخل شوند در مسجد کما هیچنانکه داخل شدند اول مرتبه
وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا ۝ عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ
و تا هلاک کنند آنچه غالب شوند بر آن هلاک کردنی شاید پروردگار شما اینکه رحم کند بر شما و اگر
عُدتُّمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا ۝ إِنَّ هَٰذَا الْقُرْآنَ
برگردید بفساد برگردیم ما بعقوبت و گردانیدیم ما دوزخ را برای کافران زندان بدرستیکه این قرآن
يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ
راه مینماید به کسی که آن راست تر است و مژده میدهد بمومنان را که آنانکه میکنند کردارهای شایسته
أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا ۝ وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا
بدرستیکه مر ایشانرا مزدی بزرگ و بدرستی که آنانکه ایمان نمیاورند بآخرت آماده کردیم ما
لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا ۝ وَيَدْعُ الْإِنسَانُ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ
برای ایشان عذابی دردناک و میخواند آدمی بدی مثل خواندن او بخوبی و هست
الْإِنسَانُ عَجُولًا ۝ وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَتَيْنِ فَمَحَوْنَا آيَةَ
انسان بسیار شتاب کننده و گردانیدیم ما شب و روز را دو علامت پس محو کردیم علامتی را
اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ
که شب است و گردانیدیم علامتی را که روز است روشن تا طلب کنید در روشنی افزونی از پروردگار شما
وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَكُلَّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلًا
و تا بدانید شما شمار سالها و حساب آجالرا و همه چیز را تفصیل دادیم تفصیل دادنی
وَكُلَّ إِنسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ
و هر انسانی را لازم کردیم با و عمل او را در گردن او و بیرون آوریم برای او روز
الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا ۝ اقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ
قیامت نوشته گرداریم که ببیند آن کتاب گشاده گویند بخوان نامه خود را بس است نفس تو امروز

عَلَيْكَ حَسِيبًا ۝ مَنِ اهْتَدٰى فَاِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهٖ ۚ وَمَنْ ضَلَّ
بر تو حساب کشنده ۝ هر که راه یابد پس جز این نیست که راه یابد برای نفس خود ۚ و هر که گمراه شد
فَاِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۚ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِّزْرَ اُخْرٰى ۚ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِيْنَ
پس جز این نیست که گمراه می شود بر نفس خود و برندارد هیچ برداشتنده گناه نفس دیگر را و نیستیم ما عذاب کنندگان
حَتّٰى نَبْعَثَ رَسُوْلًا ۝ وَاِذَآ اَرَدْنَآ اَنْ نُّهْلِكَ قَرْيَةً اَمَرْنَا مُتْرَفِيْهَا
تا آنگه برانگیزیم پیغمبری را ۝ و چون خواهیم ما که هلاک کنیم ما اهل شهر را امر کنیم ما منعمان شهر را
فَفَسَقُوْا فِيْهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْنٰهَا تَدْمِيْرًا ۝ وَكَمْ اَهْلَكْنَا
بعبادت پس فاسق شوند ایشان پس واجب شود بر ایشان گفتار پس ایخ برکنیم ایشان را ایخ برکندنی ۝ و بسیار که هلاک کردیم
مِنَ الْقُرُوْنِ مِنْۢ بَعْدِ نُوْحٍ ۗ وَكَفٰى بِرَبِّكَ بِذُنُوْبِ عِبَادِهٖ خَبِيْرًا
از اهل دهها بعد از نوح ۗ و بست پروردگار تو بگناهان ۝ بندگان خود دانا
بَصِيْرًا ۝ مَنْ كَانَ يُرِيْدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهٗ فِيْهَا مَا نَشَآءُ لِمَنْ
و بینا ۝ هر که باشد برهاد که خواهد مال را تعجیل کنیم مال دنیا را برای او در این دنیا انچه خواهیم برای هر که
نُّرِيْدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهٗ جَهَنَّمَ يَصْلٰىهَا مَذْمُوْمًا مَّدْحُوْرًا ۝ وَمَنْ اَرَادَ
خواهیم پس کردانیم ما برای او دوزخ را درآید بدوزخ نکوهیده باشد و رانده شده ۝ و هر که خواهد
الْاٰخِرَةَ وَسَعٰى لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَاُولٰٓئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ
آخرت و بشتابد برای آن شتافتنی و او مؤمن باشد پس آن گروه هست سعی ایشان
مَّشْكُوْرًا ۝ كُلًّا نُّمِدُّ هٰٓؤُلَآءِ وَهٰٓؤُلَآءِ مِنْ عَطَآءِ رَبِّكَ ۗ وَمَا
پسندیده شده ۝ هر یک از این دو گروه را و این گروه را از عطای پروردگار تو ۗ و
كَانَ عَطَآءُ رَبِّكَ مَحْظُوْرًا ۝ اُنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلٰى
عطای پروردگار تو منع کرده شده ۝ بنگر که چگونه افزونی دادیم پاره از آدمیان را بر
بَعْضٍ ۗ وَلَلْاٰخِرَةُ اَكْبَرُ دَرَجٰتٍ وَّاَكْبَرُ تَفْضِيْلًا ۝ لَا تَجْعَلْ
پاره ۗ و هر آینه آخرت بزرگتر است از درجه ها و بزرگتر است بزیادت افزونی ۝ فرا یکی مگردان بنده
مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُوْمًا مَّخْذُوْلًا ۝ وَقَضٰى رَبُّكَ
خدا با خدایان دیگر پس بنشینی در دوزخ نکوهیده ۝ فرو گذاشته شده ۝ و حکم کرد پروردگار تو

جبرئیل
گفت این حزانه
دار جهنم است و خازن
آفریده شده است بخصوص گفت با
جبرئیل بگو با او که دوزخ را من بنمایم جبرئیل
با مالک دوزخ گفت که این محمد رسول الله است
و میخواهد که دوزخ را بوی بنمائی پس مالک پرده
از روی مطبقه از طبقات جهنم برداشت و دیگر
کسی آنحضرت را ندان ندید ما از دنیا بسرای
جاوید خرامید و در کتاب کافی و علل الشرایع
بسند صحیح از آنحضرت در حدیث طویلی روایت
کرده که حصاری محمل از نور که مشتمل بود بر جمل
نوع از انواع نورهای عرش مجید و بر حلقها و
زنجرها و رسول خدا در آن محمل نشست و باسمان
بالا رفت چون باسمان دنیا رسید فرشتگان آن
اسمان با طراف و جوانب اسمان متفرق شدند از
هیبت آنحضرت همگی بسجده رفتند گفتند سبوح
قدوس رب الملئکة و الروح چه شد این
نور پروردگار ما پس جبرئیل گفت ایشان را
پس فرشتگان ساکن شدند در های اسمان گشوده
شد و فرشتگان اجتماع نموده فوج فوج آمدند
بر آنحضرت سلام کردند و گفتند ای محمد
برادرت چه حال دارد آنحضرت فرمود
که او را الحمد لله خداوند خیر و خوبی کرامت
گفتند او را چه منی از ما سلام رسان پس آن
حضرت فرمود که او را چه مناسب گفتند چگونه
نشناسیم و حال آنکه خدای عزوجل پیمان
خلافت او را از ما گرفته و ما همیشه صلوات
بر تو و او میفرستیم پس حصاری اهل نوع دیگر از
انواع نور بر او افزود و بر محمل حلقه ها و زنجرها
زیاد نمود که باین نورها هیچ شباهتی نورهای
اول ندارد و از انجا باسمان دوم برد و چون
بنزدیک آن اسمان رسید فرشتگان از

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ

که نپرستش کنید مگر او را و با پدر و مادر خود نیکوئی کنید اگر برسد البته نزد تو

الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أُفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا

بزرگ سالی یکی از ایشان یا هر دو پس مگو مر ایشان را کلمهٔ اف و بانگ مزن بر ایشان

وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا ۝ وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ

و بگو مر ایشان را گفتن نیکو و فرو گذار برای ایشان بال تواضع را از فرط بخشش بر ایشان

وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ۝ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ

و بگو پروردگارا رحم کن بر ایشان همچنانکه پروردند مرا در کوچکی پروردگار شما داناتر است بآنچه در نفسهای شماست

إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا ۝ وَآتِ ذَا

اگر باشید شایسته کاران پس بدرستی که خداست مر بازگردندگان را آمرزنده و بده خداوند

الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا ۝

خویشی را حق او که حسن است و درویش و راه گذری را حق ایشان و اسراف مکن اسراف کردنی

إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ وَكَانَ الشَّيْطَانُ

بدرستی که اسراف کنندگانند برادران شیاطین و هست

لِرَبِّهِ كَفُورًا ۝ وَإِمَّا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمُ ابْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا

مر پروردگار خود را ناسپاس و اگر اعراض کنی از ایشان برای طلب بخشش از پروردگار تو که امید داری

فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَيْسُورًا ۝ وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِكَ

آنرا پس بگو مر ایشان را گفتنی نرم و نیکو و مگردان دست خود را بسته بگردن خود

وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَحْسُورًا ۝ إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ

و نه بگشای آنرا همه گشادن یعنی اسراف مکن پس بنشینی ملامت کرده شده بدرستی که پروردگار تو میگشاید

الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ۝

روزی را برای هر که خواهد و تنگ میکند بر هر که خواهد بدرستی که خداست بر بندگان خود دانا و بینا

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ

و نکشید فرزندان خود را از ترس درویشی ما روزی میدهیم ایشان را و شما را

فرشتگان

جمع شدند درهای آسمان گشوده شد و گشاده

مرحبا بالآخره و مرحبا بحاجی شیرو و مرحبا بالناشر

محمد خاتم النبیین و علی خیر الوصیین پس سلام

کردند و احوال برادرم را پرسیدند گفتم او در من

خلیفه مثبت آیا او در میان شما سید گفتاری چگونه

شناسیم و هر سال او بطواف بیت المعمور آید

و در انجا پوست سفیدی است که بران نوشته

نام محمد و علی و حسن و حسین و امامان علیهم السلام

و نام شیعیان ایشان تا روز قیامت و همچنین نوزده

افزوده شد مر آسمان چهارم بر درفشگان انجا

هیچ گفتند و بسوی من آمد جبرئیل گفت حی

علی الصلوة حی علی الصلوة حی علی الفلاح حی علی

قد قامت الصلوة قد قامت الصلوة پس

فرشتگان گفتند این برای شیعیان علی است بر پا

میدارند نماز را تا روز قیامت پس فرشتگان

سلام فرستادند و گفتند کجاست برادرت علی

چه حال دارد گفتم مگر شما او را نمیبینید گفتند نه

او را و شیعیان او را دیدیم در بیت المعمور پوشیده از

نور و در آن بود نام محمد و علی و حسن و حسین و امامان

و شیعیان ایشان

از حضرات

ائمه هدی علیهم السلام مرویست که مراد از ذی

القربی در این کریمه اقربای رسول خدایند که

عبارتند از ائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین

و سدی که یکی از عظمای مفسرین عامه است گفته که

إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا ۝ وَلَا تَقْرَبُوا الزِّنَا إِنَّهُ كَانَ فَاحِشَةً

بدرستی که کشتن ایشان هست خطائی بزرگ ۝ و نزدیک مشوید بزنا بدرستی زنا هست خصلت زشت

وَسَاءَ سَبِيلًا ۝ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَنْ

و بد راهی هست ۝ و نکشید آن نفس را که حرام کرده خدا الا بحکم راست و هر که

قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لِوَلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفْ فِي الْقَتْلِ

کشته شد در حالتیکه مظلوم باشد پس بدرستی که گردانیدیم ما برای وارث مقتول تسلطی پس نباید در قتل

إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا ۝ وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

بدرستی که آن ولی خون هست یاری کرده ۝ و نزدیک مشوید بمال یتیم مگر بطریقه که آن طریقه خوبتر است

حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ ۝ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا ۝ وَ

تا برسد یتیم بنهایت قوت ۝ و وفا کنید باهم که عهد کنید بدرستی که عهد هست طلب کرده شده ۝ و

أَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَٰلِكَ خَيْرٌ

به پیمائید کیل را چون به پیمائید ۝ و وزن کنید بترازوی راست آن بهتر است

وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ۝ وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ

و نیکوتر از روی تاویل ۝ و از پی مرو آنچه نیست تو را بآن دانشی بدرستی که گوش و چشم

وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا ۝ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ

و دل همه آنها هست از هریک پرسیده شده ۝ و راه مرو در زمین

مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ۝ كُلُّ ذَٰلِكَ

که هرگز نکنی بدرستی که تو نتوانی شکافت زمین را و هرگز نرسی بکوهها از روی بلندی ۝ همه اینها که مذکور شد

كَانَ سَيِّئُهُ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ۝ ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ

هست بدی نزد پروردگار تو کراهت داشته شده ۝ این از آن چیزیست که وحی کرد بسوی تو

رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ ۗ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا

پروردگار تو از حکمت ۝ و مگردان با خدا خدای دیگر را آنگاه افکنده شوی در جهنم ملامت

مَدْحُورًا ۝ أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُمْ بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ

کرده شده دور رانده شده ۝ آیا پس برگزید برای شما پروردگار شما بپسران و گرفت از فرشتگان

إِنَاثًا

از حضرت صادق صلوات الله علیه تفسیر محسور بعریان و تهی دست

و بصفاری از جابر روایت کرده که وقتی در خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته بودیم که کودکی آمد و عرضه داشت که مادرم پرا نهی از شما میخواهد آنحضرت فرمود که ساعتی دیگر بیا آن کودک بنزد مادر برگشت مادرش گفت برو دیگر که مادرم پرا نهی که بر بدن شما میخواهد آن کودک برگردید و بخدمت حضرت آن حکایت عرضه داشت پس آنحضرت بسرای خود رفت و پیراهن خود را برون آورد آن را بوی داد و برهنه گشت و بلال اذان نماز گفت و مردمان انتظار آنحضرت میکشیدند و آنحضرت بعلت عریانی از خانه بیرون نیامد حق تعالی این آیه فقعد ملوما محسورا را فرستاد

مراد

از پراهن آنست وارث مقتول را که خاطر غیب ناک نکند بریدن گوش پراهنی یا عضوی دیگر پس از قصاص با آنکه غیر قاتل را در عوض بکشند

از حضرت ابو جعفر علیه السلام

مرویست که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که روز حساب بنده سؤال کرده میشود از چهار چیز عمر خود را در چه کار صرف کرده و بدن خود را در چه چیز کهنه کردی و مال خود را از کجا پیدا کردی و بچه مصرف صرف نمودی

چهارم سؤال از دوستی ما خانواده پیغمبر

إِنَّاثًا إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا ۝ وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا الْقُرْآنِ

دختران را بدرستی که شما هر آینه میگوئید گفتاری بزرگ ۝ و بدرستی که گردانیدیم ما در این قرآن برای

لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا ۝ قُل لَّوْ كَانَ مَعَهُ آلِهَةٌ كَمَا

خود را از فرزندان پذیرشوند و نمی افزاید ایشانرا مگر رمیدن ۝ بگو یا محمد اگر باشد با خدای بحق خدایان همچنانکه

يَقُولُونَ إِذًا لَّابْتَغَوْا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا ۝ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ

میگویند آنگاه هر آینه طلب کردندی آنخدایان بسوی خداوند عرش راهی ۝ پاکست خدا و برتر

عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا ۝ تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ

از آنچه میگویند ایشان برتر و بزرگست ۝ تسبیح میکنند مر او را آسمانهای هفتگانه و زمین

وَمَن فِيهِنَّ ۚ وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَٰكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ ۚ

و هر چه در ایشانست و نیست هیچ چیز ۝ مگر که تسبیح میکند خدای را بحمد خداوی لیکن شما نمی یابید تسبیح ایشانرا

إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ۝ وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَ

بدرستی هست خدا بردبار آمرزنده ۝ و چون بخوانی یا محمد قرآن را گردانیدیم ما میان تو و

بَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا ۝ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ

میان آنانکه نمیگروند بقیامت پرده پوشیده ۝ و گردانیدیم بر دلهای ایشان

أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا ۚ وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ

پوششها که مانعست از آنکه بفهمد قرآن را و نهادیم در گوشهای ایشان گرانی و چون یاد کنی

فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَلَّوْا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ۝ نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ

در قرآن یگانه و بگذارند او را باز گردند کافران بپشتهای خود گریزنده ۝ ما دانا تریم بآنچه میشنوند

بِهِ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ

بآن وقتی که میشنوند بسوی تو و وقتیکه ایشان راز گویند چون گفتند ستمگران کافر که متابعت میکنید شما

إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا ۝ انظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا

مگر مردی را که سحر کرده شده است ۝ بنگر که چگونه زدند برای تو مثلها پس گمراه شدند پس

يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ۝ وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ

نمیتوانند یافت راهی ۝ و گفتند آیا وقتی که باشیم استخوان و خاکهای پوسیده آیا ما برانگیخته شدگانیم

خلاصه

مضمون آنکه چون گوش تو دارد هنگام تلاوت نمودن تو گوش میدارند با دارتو بقصد آنچه تو دارند بقصد آن و باین سبب گوش تو دارند ما این را بهتر از ایشان میدانیم

خَلْقًا جَدِيدًا ۝ قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا ۝ أَوْ خَلْقًا مِمَّا يَكْبُرُ فِي

آفریدن تازه‌وار بگو یا محمد اگر باشید سنگ یا آهن یا آفریده از آنچه بزرگست در

صُدُورِكُمْ ۚ فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا ۖ قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۚ

سینه‌های شما چون آسمان اول مرتبه پس زود باشد که گویند کیست بازمی آورد ما را بگو آن کسی که آفرید شما را اول مرتبه

فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هُوَ ۖ قُلْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ

پس زود باشد که بجنبانند بسوی تو سرهای خود را و بگویند کی خواهد بود آن بگو شاید آنکه بود زود باشد

قَرِيبًا ۝ يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ وَتَظُنُّونَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ۝

این نزدیک روزیکه بخواند شما را پس شما اجابت کنید که باو حمد خدا باشید و گمان برید که درنگ کردید مگر اندکی

وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزَغُ بَيْنَهُمْ ۚ

و بگو مر بندگان مرا که بگویند این کلمه را آن بهتر است بدرستی که شیطان دشمنی می‌افکند میان ایشان

إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُبِينًا ۝ رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ ۖ

بدرستی که شیطان هست مر انسان را دشمنی آشکارا پروردگار شما داناتر است بشما

إِنْ يَشَأْ يَرْحَمْكُمْ أَوْ إِنْ يَشَأْ يُعَذِّبْكُمْ ۚ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ

اگر خواهد بخشد شما را و اگر خواهد عذاب کند شما را و نفرستادیم ما تو را بر کفار

وَكِيلًا ۝ وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا

نگهبان و پروردگار تو داناتر است آنچه در آسمانها و زمینست و بحقیق که برتری دادیم ما

بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ ۖ وَآتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا ۝ قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ

پاره‌ای از پیغمبران را بر پاره و دادیم داود را کتاب زبور بگو یا محمد باکفار بخوانید آنانکه

زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضُّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا ۝

گمان کردید که خدایانند بغیر خدا پس مالک نیستند برداشتن سختی از شما و نه بتغییر آن را

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ

آنگروه که میخوانند میطلبند بسوی پروردگارشان وسیله هرکدام از ایشان که نزدیکترند

وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ ۚ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ

بخدا و امید میدارند رحمت او را و میترسند از عذاب او بدرستی که عذاب پروردگار تو هست که

محفوظ

حزب

خلاصه

مضمون آنکه این

پیغمبران که مردم را بر خدا

میخوانند با آنکه در کمال قرب بدرگاه خدا

هرکدام که قربشان بیشتر است متوسل میشوند

بطاعت و خدمتگاری و چه جای آنانکه

قربشان کمتر است پس بطریق اولی باید شما هم

برای تحصیل قرب الهی متوسل بطاعت

شوید

خلاصه

مضمون اینکه مانع ما از فرستادن معجزاتی

که هست تمنای مجرد طلبیدند مانند طلا شدن

صفا و امثال آن نیست جز اینکه پیش ازین

مردم از پیغمبران خود چنین معجزها میخواستند و

ما میدادیم بعد از آن چون ایمان نمی‌آوردند

ایشان را مستاصل میکردیم و بتو هم اگر داده

شود ایمان نخواهند آورد با نصرت درپیش است

امت تو را هم مستاصل نموده و من با جود قرار

قرار داده‌ام که بیرحمت

تو امت تو را مستاصل

نمایم

از
حضرت ابی
عبد الله علیه السلام

مرویست که رسول خدا صلی الله علیه وآله

مَحْذُورًا ۞ وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ

که خدر کرده شود و نیست هیچ دهی مگر که ما هلاک کننده ایم اهل او را پیش از روز قیامت یا

مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا

عذاب کننده ایم اهل او را عذابی سخت هست این حکم در کتاب لوح نوشته شده

وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ

و باز نمیدارد ما را آنکه بفرستیم معجزات خود را مگر آنکه تکذیب کردند بآن پیشینیان

وَآتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ إِلَّا

و دادیم ما ثمود را ناقه که بینا بود پس کافر شدند بآن و تفرستادیم آیات را مگر

تَخْوِيفًا ۞ وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا

برای ترسانیدن و چون گفتیم برای تو بدرستی که پروردگار تو احاطه کند بمردمان و نگردانیدیم ما

الرُّؤْيَا الَّتِي أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي

آن خواب را که بتو نمودیم مگر آزمایش برای مردم و نگردانیم درخت ملعون را در

الْقُرْآنِ وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ۞ وَإِذْ

قرآن و میترسانیم کافران پس نمی افزاید ایشانرا مگر سرکشی بزرگ و چون

قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ

گفتیم ما مر فرشتگان را که سجده کنید مر آدم را پس سجده کردند مگر شیطان گفت شیطان

أَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا ۞ قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَٰذَا الَّذِي كَرَّمْتَ

آیا سجده کنم مر کسی را که آفریده از خاک گفت شیطان آیا دیدی تو آنرا که گرامی داشتی تو

عَلَيَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا

بر من اگر واپس داری تو مرا تا بسوی روز قیامت هر آینه بستولی شوم بر فرزندان او مگر

قَلِيلًا ۞ قَالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ

اندکی گفت خدا که برو هر که متابعت کند تو را از ایشان پس بدرستی که دوزخ جزای شماست

جَزَاءً مَوْفُورًا ۞ وَاسْتَفْزِزْ مَنِ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ

جزای تمام و بلغزان هر که را توانی از ایشان بآواز خود

شبی در خواب دید که بوزینه چند بر منبر رسول خدا صلی الله علیه وآله و خلایق پیش او صف زده میگردند آنحضرت را غمگین از خواب برخواست بجدی که اثر اندوه از روی مبارکش ظاهر می شد پس جبرئیل آمد و این آیه آورد وما جعلنا الرؤیا التی اریناک الا فتنة للناس که شجره ملعونه بنی امیه اند آنحضرت فرمود که آیا در عهد من و در زمان من خواهند بود فرمود نه لیکن آسیای اسلام در گردش خواهد بود از ابتدای هجرت نوزده نه تا ده سال از گردش می افتد تا بر سال سی و پنج از هجرت و تا نجاه سال در گردش خواهد بود و بعد از آن تا چهارصد سال آسیای ضلالت و آن ایستاده بر قطبش پس از آن پادشاهی کروه فرعون صفت است و آنحضرت امام علیه السلام فرمود که خدا تعالی فرستاد در این باب انا انزلناه فی لیلة القدر و ما ادراک ما لیلة القدر لیلة القدر خیر من الف شهر و فرمود یعنی پادشاهی نوامیه است که در شب قدری ایست حضرت رسول آنهارا پنهان داشته حکایت را در نهانی با علی و اهل بیتش اظهار نمود پس حضرت امام فرمود که هیچکس از ما خروج نکرده و خروج نخواهد کرد تا زمان قیام قایم آل محمد مگر که آنرا از بیخ برکند

وَاجْلِبْ عَلَيْهِم بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكْهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَ

و بر انگیز ان بر ایشان سواران و پیادگان خود را و مشارکت کن با ایشان در مالهای حرام و

الْأَوْلَادِ وَعِدْهُمْ ۚ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا ۝ إِنَّ عِبَادِي

فرزندان ایشان و وعده ده ایشانرا و نیست وعده دادن ایشان که شیطان نمیدهد مگر فریب ۝ بدرستیکه بندگان من

لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ ۚ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا ۝ رَبُّكُمُ الَّذِي

نیست مر تو را بر ایشان استیلائی و بست پروردگار تو وکیل بندگان خود و پروردگار شما کسیست که

يُزْجِي لَكُمُ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ ۚ إِنَّهُ كَانَ بِكُمْ

میراند برای شما کشتی را در دریا تا طلب روزی کنید از فضل خدا بدرستی که او هست بشما

رَحِيمًا ۝ وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَن تَدْعُونَ إِلَّا إِيَّاهُ ۖ فَلَمَّا

مهربان ۝ و چون برسد شمارا سختی در دریا گم شود از خاطر شما هر که را میپرستید مگر خدا را پس چون

نَجَّاكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ ۚ وَكَانَ الْإِنسَانُ كَفُورًا ۝ أَفَأَمِنتُمْ

رهاند شمارا بسوی بیابان برگشتید از توحید و هست انسان ناسپاس ۝ آیا پس ایمن شدید

أَن يَخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا ثُمَّ لَا

آنکه فرو برد شمارا بطرفی از زمین یا فرو فرستد بر شما بادی که سنگ ریزه با خود افکند پس

تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا ۝ أَمْ أَمِنتُمْ أَن يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَىٰ

نیابید برای خود نگاه دارنده و یا ایمن شدید آنکه اعاده کند شمارا در دریا مرتبه دیگر

فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا

پس بفرستد بر شما شکننده از باد پس غرق کند شمارا بآنچه کافر شدید پس نیابید

لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا ۝ وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي

برای خود بر ما بآن غرق را پس آینده و بتحقیق که گرامت کردیم ما فرزندان آدم را و برداشتیم ایشانرا در

الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ

خشکی و دریا و روزی دادیم ایشانرا از پاکیزه ها بر و افزونی دادیم ایشانرا بر بسیاری

مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ۝ يَوْمَ نَدْعُو كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ

از آنچه آفریدیم افزونی دادنی ۝ روزیکه بخوانیم هر گروهی از مردم را با پیشوایانشان

بصحت

پوسته از حضرت امام رضا صلوات الله علیه که از مدران بزرگوار خود علیهم السلام از حضرت رسول خدا روایت کرده که در روز قیامت خوانده میشود هر آدمی با امامان زمان خود و کتاب پروردگار خود و سنت پیغمبر خود یعنی منادی ندا خواهد کرد پیایید ای پیروان ابراهیم ای پیروان موسی ای پیروان عیسی ای پیروان محمد ای پیروان ائمه هدی و هر که پیرو اقوال و افعال پیغمبر و امام زمان خود باشد جواب خواهد داد و در تحت لوای او جمع خواهد شد و هر که مخالفت ورزیده باشد در زمره بدبختان محشور و معصیت ابدی گرفتار خواهد گردید از حضرت صادق علیه السلام عبد الله مشغول است که با شیطان خطاب نموده و فرموده که چرا لشکر الهی بجا نمی آورید که چون روز قیامت شود و هر گروهی خوانده شوند بسوی کسی که دوست دارد او و متوسل برسول خدا گردیم و شما بسوی پاسکان دارید که بکجا خواهند برد شما را بسوی بهشت خواهند برد قسم بپروردگار کعبه قسم بپروردگار کعبه الحمد لله علی ما هدانا و له الشکر علی ما اولانا

فَمَنْ اُوتِیَ کِتَابَهُ بِیَمِینِهِ فَاُولٰئِکَ یَقْرَءُونَ کِتَابَهُمْ وَلَا یُظْلَمُونَ

پس هر که آورده شود کتاب او بدست راست او پس آنها میخوانند کتاب خود را و ستم دیده نشوند

فَتِیلًا ۝ وَمَنْ کَانَ فِی هٰذِهِ اَعْمٰی فَهُوَ فِی الْاٰخِرَةِ اَعْمٰی

باندازهٔ قشیله میان خرما و هر که هست در این دنیا نابینا پس او در آخرت کور است

وَاَضَلُّ سَبِیلًا ۝ وَاِنْ کَادُوا لَیَفْتِنُونَکَ عَنِ الَّذِی اَوْحَیْنَا

و گمراه تر از راه یابی و بدرستی که نزدیک بودند کفار که در فتنه اندازند تو را از آنچه وحی کردیم ما

اِلَیْکَ لِتَفْتَرِیَ عَلَیْنَا غَیْرَهُ وَاِذًا لَاتَّخَذُوکَ خَلِیلًا ۝ وَلَوْلَا

بتو تا افترا کنی بر ما آنچه وحی نکردیم و آنگاه که بگیرند تو را دوست و اگر نه آنست

اَنْ ثَبَّتْنَاکَ لَقَدْ کِدْتَّ تَرْکَنُ اِلَیْهِمْ شَیْئًا قَلِیلًا ۝ اِذًا لَاَذَقْنَاکَ

که ثبات دادیم تو را بتحقیق که نزدیک بود که میل کنی بسوی ایشان چیزی اندک آنوقت هر آینه میچشانیم تو را

ضِعْفَ الْحَیٰوةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَکَ عَلَیْنَا نَصِیرًا ۝

دو چندان عذاب زندگانی و دو چندان عذاب مردن پس نمی یابی برای خود در دفع عذاب ما یاری کننده

وَاِنْ کَادُوا لَیَسْتَفِزُّونَکَ مِنَ الْاَرْضِ لِیُخْرِجُوکَ مِنْهَا

و بدرستیکه نزدیک بودند که بلغزانند تو را از زمین تا بیرون کنند تو را از آن

وَاِذًا لَا یَلْبَثُونَ خِلَافَکَ اِلَّا قَلِیلًا ۝ سُنَّةَ مَنْ قَدْ اَرْسَلْنَا

و آنگاه درنگ نکنند بعد از رفتن تو مگر اندکی سنت کردیم برآنها که فرستادیم

قَبْلَکَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِیلًا ۝ اَقِمِ الصَّلٰوةَ لِدُلُوکِ

پیش از تو از پیغمبران ما و نیابی مر عادت ما را تبدیلی پیادار نماز را در وقت زوال

الشَّمْسِ اِلٰی غَسَقِ اللَّیْلِ وَقُرْاٰنَ الْفَجْرِ اِنَّ قُرْاٰنَ الْفَجْرِ کَانَ

آفتاب تا تاریکی شب و بپادار نماز صبح را بدرستی که نماز صبح

مَشْهُودًا ۝ وَمِنَ اللَّیْلِ فَتَهَجَّدْ بِهٖ نَافِلَةً لَکَ عَسٰی اَنْ یَبْعَثَکَ

گواهی شده و بعضی از شب پس بیدار شو بقرآن که نماز شب زیادتی است برای تو شاید برانگیزد ترا

رَبُّکَ مَقَامًا مَحْمُودًا ۝ وَقُلْ رَبِّ اَدْخِلْنِی مُدْخَلَ صِدْقٍ

پروردگار تو مقامی پسندیده و بگو ای پروردگار من داخل کن مرا در قبر در آوردنی راست

در لدلوک الشمس از
برای توقیت و دلوک زوال آفتاب است
بنا بر مذهب امامیه رضی الله عنهم و غسق اللیل
ظلمت آخر شب است و منصف شب در اخبار معتبر
شده از آنجمله از عبید ابن زراره مرویست که
حضرت ابو عبد الله در این آیه فرمود که خدای
عزوجل چهار نماز واجب ساخته که اول وقت
آنها زوال آفتاب است و آخر وقتشان نصف شب است
از آنجمله دو نماز است که اول وقت آنها را
آفتاب آخر وقتشان غروب آفتاب است لیکن
یکی پیش از دیگریست و از آنجمله دو نماز را
که اول وقتشان غروب آفتاب است و آخر آن
نصف شب است لیکن یکی مقدم است بر دیگری
و در کتب عامه از رسول خدا صلی الله علیه و آله
مرویست که جبرئیل وقت دلوک آفتاب
آمد و با من نماز گذارد و مرا امر کرد که در فجر نماز صبح
و آنرا قرآن از آن گفته که مشتمل است بر قرائت
حمد و سوره در جمیع رکعات بخلاف باقی نمازها
که تمام رکعتهای آنها قرائت واجب بلکه
در غیر دو رکعت اول مخیر است مصلی میان قرائت
و تسبیح باعتبار آنکه هر گاه در اول طلوع فجر گذارد
شود فرشته های کاتبان اعمال شب و نویسندگان
اعمال روز هر دو در نامه عمل او مینویسند چنانکه در
اخبار وارد است که هر صبح دو فرشته تحفه
نوشتن اعمال یک دیگر بهر بنده می آیند و
دو فرشته که در شب باین کار مامور بودند
میروند و هر گاه نماز فجر در اول طلوع گذارد

وَاَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا

وبیرون آور مرا بیرون آوردنی راست و بگردان برای من از نزد تو حجتی یاری کننده

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا وَنُنَزِّلُ

و بگو آمد حق و ناچیز شد باطل بدرستیکه باطل هست ناچیز شده و فرو میفرستیم

مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ

از قرآن چیزی که او شفاست و بخشایشی مر گروندگان را و زیاد نمیکند ستمکاران را

إِلَّا خَسَارًا وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا

مگر زیان کردنی و چون انعام کردیم ما بر انسان روی گرداند از ما و دور گردد بپهلوی خود را

مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ

و چون برسد باو بیماری و فقری هست بسیار نا امید بگو هر کس کاری میکند بر طبیعت خود پس پروردگار شما

أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ قُلِ الرُّوحُ

داناتر است باکه او براه یافته است بصواب و سؤال میکنند تو را از کیفیت روح بگو روح

مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا وَلَئِنْ شِئْنَا لَنَذْهَبَنَّ

از امر پروردگار منست و داده نشدید از دانش مگر اندکی و اگر خواهیم ببریم

بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا

آنچه را که وحی کردیم ما بسوی تو پس نیابی تو برای خود بر ما بکسی وکیلی

إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا قُلْ لَئِنِ اجْتَمَعَتِ

مگر رحمت از پروردگار تو بدرستی فضل او هست بر تو بزرگ بگو اگر جمع شوند

الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَٰذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ

آدمیان و جنیان بر اینکه بیارند مانند این قرآن در فصاحت نیارند مانند آن

وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي

و اگرچه باشد بعضی از ایشان مر بعضی را هم پشت و بدرستی که بگردانیدیم ما برای مردم در

هَٰذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا

این قرآن از هر نوعی چون امر دنی پس سر باز زدند بیشتر مردمان مانا ر سپاس را

وقالوا

وَقَالُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنۢبُوعًا ۝ أَوْ تَكُونَ

وگفتند نمیگرویم مر تورا تا روان سازی ما برای ما از زمین که باشد چشمهٔ آب یا باشد

لَكَ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا ۝

مر تورا بستانها از درخت خرما و انگور پس روان کنی جویها درمیان آن بوستانها روان کردنی

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسَفًا أَوْ تَأْتِيَ بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ

یا انکه بیفکنی آسمان را بسوی ما چنانکه وعده دادی تو بر ما پاره پاره یعنی قیامت یا بیاری تو خدای را و فرشتگان را

قَبِيلًا ۝ أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّن زُخْرُفٍ أَوْ تَرْقَىٰ فِي السَّمَاءِ ۖ وَ

برابر ما یا باشد برای تو خانه از زر یا برروی بآسمان و

لَن نُّؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزِّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرَؤُهُ ۗ قُلْ سُبْحَانَ رَبِّي

ایمان نیاریم ما مر برآمدن تورا برآسمان تا فرود آری بر ما کتابی که بخوانیم اورا بگو پاکست پروردگار من

هَلْ كُنتُ إِلَّا بَشَرًا رَّسُولًا ۝ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ

آیا نیستم مگر آدمی فرستاده شده و منع نکرد مردم را آنکه ایمان آرند وقتیکه آمد ایشانرا

الْهُدَىٰ إِلَّا أَن قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَّسُولًا ۝ قُل لَّوْ كَانَ فِي

بیان حق که قرآنست بگرا نکه گفتند که آیا برانگیخت خدا آدمی را پیغمبر بگو یا محمد اگر بودندی در

الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنَزَّلْنَا عَلَيْهِم مِّنَ

زمین فرشتگان که میرفتند در حالیکه مقیم بودند هر آینه میفرستادیم برایشان از

السَّمَاءِ مَلَكًا رَّسُولًا ۝ قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۚ إِنَّهُ

آسمان فرشته را پیغمبر بگو یا محمد گواه بس ست خدا میان من و میان شما بدرستی که

كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ۝ وَمَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ ۖ

خدا ست بر بندگان خود آگاه و بینا و هر کرا حکم هدایت کند خدا پس اوست راه یافته شده

وَمَن يُضْلِلْ فَلَن تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِهِ ۖ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ

و هر کرا گمراه کند پس نیابی تو مر ایشانرا دوستان از غیر خدا و حشر کنیم ایشانرا روز

الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ عُمْيًا وَبُكْمًا وَصُمًّا ۖ مَّأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ ۖ

قیامت بر روهای ایشان کور و گنگ و کر جایگاه ایشان دوزخ

کو
که این آیه یا در جواب
قریش نازل شد که مطالبه
این معجزها از آنحضرت
نموده بودند

كُلَّمَا خَبَتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا ۝ ذَٰلِكَ جَزَآؤُهُم بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا

هرگاه می که ساکن شود زبانه آن زیاد کنیم ایشان را آتش سوزان این است جزای ایشان بدرستی که ایشان کافر شدند بآیات ما

وَقَالُوا أَئِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا ۝ أَوَلَمْ

و گفتند آیا وقتیکه باشیم استخوانها و خاک پوسیده آیا ما برانگیخته گان باشیم خلقی تازه آیا

يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ عَلَىٰ أَن يَخْلُقَ

نمی بینند بدرستیکه خدائی که آفریده آسمانها و زمین را توانا است بر آنکه بیافریند

مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَّا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا

مانند ایشان را و گردانید مر ایشان را مدتی نیست شکی در آن پس ابا کردند ستمکاران از انکار ناسپاسی را

قُل لَّوْ أَنتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَّأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ

بگو اگر شما مالک شوید خزاین رحمت پروردگار مرا آن هنگام البته امساک کنید

الْإِنفَاقِ وَكَانَ الْإِنسَانُ قَتُورًا ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ آيَاتٍ

از نفقه کردن و هست آدمی بخیل و بتحقیق دادیم ما موسی را نه آیت

بَيِّنَاتٍ فَسْأَلْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي

روشن پس بپرس پسران یعقوب را هنگامیکه آمد ایشان را پس گفت مر او را فرعون بدرستی که من

لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَىٰ مَسْحُورًا ۝ قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنزَلَ هَٰؤُلَاءِ

گمان میکنم تو را ای موسی سحر کرده شده یا جنزده گفت موسی بدرستیکه دانسته تو که

إِلَّا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا فِرْعَوْنُ

نفرستاد این آیات را مگر پروردگار آسمانها و زمین که روشنندگان و بدرستیکه من گمان کردم تو را ای فرعون

مَثْبُورًا ۝ فَأَرَادَ أَن يَسْتَفِزَّهُم مِّنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَن مَّعَهُ

هلاک شده پس خواست فرعون آنکه دور کند ایشان را از زمین مصر پس غرق کردیم او را و هر که با او بود

جَمِيعًا ۝ وَقُلْنَا مِن بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ

همه را و گفتیم ما بعد از غرق فرعون مر پسران یعقوب را که ساکن باشید در زمین مصر

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا ۝ وَبِالْحَقِّ أَنزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ

پس چون آمد وعده ایشان در قیامت بیاریم ایشان را که بهم جمعه باشید و بر انبیا فرستادیم قرآن را براستی

آیات تسع

نه معجزه ایست که بآنحضرت
عطا شده بود مد ید بیضا و عصی و تطلیل طور یا
دعای آنحضرت و شکافتن دریا و طوفان و
مخ و قمل و ضفادع و خون و بعضی بنهی گفته اند
که عبارتست از نهی از شرک و از اسراف و
از قتل نفس و از نمامی نزد سلطان یعنی سعایت و
شکایت نزد او و از عمل سحر و از رباخواری و از
قذف محصنه و از فرار از جهاد و از صید
روز شنبه و اقوال دیگر هم
روایت شده

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که فرمود مراد از جهر در این آیه بسیار بلند کردانیدن آواز است و مراد از اخفات بسیار آهسته کردن بحدی که گوش خود نشنود و میانه باید خواند و طاهر این آیه کریمه آنست که جهر و اخفات در نمازهای یومیه تفصیلی که در گذشت مذکور است واجب باشد چنانکه مذهب سید مرتضی و ابن جنید است رضی الله عنهما که قائل باستحباب شده اند و سید گفته که آن سنت مؤکده است بحدی در بعضی از اخبار وارد شده که اگر جهر و اخفات ترک نموده باشد اعاده کند نماز را و سند صحیح از علی ابن جعفر مرویست که از حضرت موسی ابن جعفر صلوات الله علیه سؤال کرد که اگر مردی در نمازهای واجبی که باید قرائت نموده آهسته بخواند چه صورت دارد آنحضرت فرمود که اعتبار دارد اگر خواهد بلند بخواند و اگر خواهد آهسته و مذهب اکثر علمای امامیه وجوب جهر است در نماز صبح و دو رکعت اول نماز خفتن و وجوب اخفات در بواقی بلکه بعضی دعوی اجماع بر آن نموده اند

عباسی از علی ابن جعفر روایت کرده که حضرت ابی عبد الله علیه السلام فرمود که هر که سوره کهف را در شب جمعه تلاوت کند از دنیا نخواهد رفت مگر بشهادت و روز قیامت در حشر با شهدا خواهد بود و در صف شهدا خواهد ایستاد

سورة الكهف مائة وعشر آيات مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذي انزل على عبده الكتاب ولم يجعل له عوجا

قيما لينذر باسا شديدا من لدنه ويبشر المؤمنين الذين

نزل وما ارسلناك الا مبشرا ونذيرا وقرانا فرقناه لتقراه

على الناس على مكث ونزلناه تنزيلا قل امنوا به او لا تؤمنوا

ان الذين اوتوا العلم من قبله اذا يتلى عليهم يخرون للاذقان

سجدا ويقولون سبحان ربنا ان كان وعد ربنا لمفعولا

ويخرون للاذقان يبكون ويزيدهم خشوعا قل ادعوا الله

او ادعوا الرحمن ايا ما تدعوا فله الاسماء الحسنى ولا تجهر

بصلوتك ولا تخافت بها وابتغ بين ذلك سبيلا وقل الحمد

لله الذي لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك في الملك ولم يكن

له ولي من الذل وكبره تكبيرا

يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا ۙ مَّاكِثِينَ فِيهِ أَبَدًا ۙ

میکنند کارهای شایسته بدرستی که مرایشانراست مزدی نیکو که مقیم باشند در آن اجر همیشه

وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا ۙ مَّا لَهُم بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا

و بیم کند آنانرا که گفتند فراگرفت خدا فرزندی نیست مرایشانرا باین گفتار هیچ دانشی و نه

لِآبَائِهِمْ ۖ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ ۚ إِن يَقُولُونَ إِلَّا

مر پدران ایشانرا بزرگست گفتن ایشان که بیرون می آید از دهنهای ایشان نمیگویند مگر

كَذِبًا ۝ فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَّفْسَكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ إِن لَّمْ يُؤْمِنُوا بِهَٰذَا

دروغرا پس همانا تو کشنده نفس خود را بر نشانهای ایشان اگر ایمان نیارند باین

الْحَدِيثِ أَسَفًا ۝ إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوَهُمْ

سخن بسببی قرآن بجهة اندوه و غم بدرستی که ما گردانیدیم آنچه در زمینست از آرایش برای من تا معامله آزمایشکنان

أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۝ وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا ۝

کنیم که کدام بهتر است در کردار و بدرستیکه گردانندهٔ چیزی را که بر روی زمینست زمینی بی گیاه

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا

آیا گمان کردی تو که اصحاب کهف و یاران رقیم بودند از نشانهای قدرت شگفت

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِن لَّدُنكَ

چون جای گرفتند جوانان بسوی غار پس گفتند پروردگارا بده ما را از نزد خود

رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا ۝ فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي

بخشایشی و مهیا ساز برای ما از کار ما صواب و رهنمی پس زدیم ما بر گوشهای ایشان در

الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا ۝ ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ

غار سالهای شمرده شده پس بیدار کردیم ایشانرا تا بدانیم که کدام از دو گروه شمار داشته

لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا ۝ نَّحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ ۚ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا

تا آنچه درنگ کردند مدتی ما قصه میکنیم بر تو خبر ایشانرا براستی بدرستی که ایشان جوانان بودند که گرویدند

بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى ۝ وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا

بپروردگار شان و زیاد کردیم ایشانرا راه نمودن و بستیم ما بر دلهاشان چون ایستادند پس گفتند

مشهور میان مفسرین آنست که اصحاب کهف و اصحاب رقیم کی بوده اند و ایشان همان گروهی اند که خدای عزوجل در این آیات حکایت ایشان کرده و در تفسیر رقیم خلاف شده بعضی گفته اند که آن نام کوهیست که کهف در آن بوده و بقولی نام قریه ایست که اهل کهف از آنجا بمغاره رفتند و بقولی نام لوحی بود که بعد از آنکه اصحاب کهف بیدار شدند و بقصه یافتند حال ایشان بر مردم طاهر شد و بقولی نام سگ ایشان بود که در غار همراه ایشان بود و بقولی نام کتابی است که بر در غار کهف نبشته بود و بقولی نام شهری است که ایشان از آنجا بودند و اشبه اقوال آنست که مثل است در احوال اصحاب کهف

والعلم عند الله

دبن

رَبُّنَا رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ لَنْ نَّدْعُوَ مِنْ دُوْنِهٖٓ اِلٰهًا لَّقَدْ

پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمینست هرگز نخواهیم پرستید غیر از خدا خدایانی دیگر هیچ گه

قُلْنَآ اِذًا شَطَطًا ۝ هٰٓؤُلَآءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِهٖٓ اٰلِهَةً ۭ لَوْلَا

گفته باشیم آن هنگام سخن دور از حق آن گروه که قوم مایند فرا گرفتند از غیر خدا خدایان دیگر چرا

يَاْتُوْنَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطٰنٍۢ بَيِّنٍ ۭ فَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرٰى عَلَي اللّٰهِ كَذِبًا ۝

نمی آرند گواه روشن بر ایشان حجتی ظاهر پس کیست ستمکارتر از آنکه افترا کرد بر خدا دروغی

وَاِذِ اعْتَزَلْتُمُوْهُمْ وَمَا يَعْبُدُوْنَ اِلَّا اللّٰهَ فَاْوٗٓا اِلَى الْكَهْفِ يَنْشُرْ

و چون بکوشه ندازگافران و نمی پرستند مگر خدا را گفت یکدیگر پس بازگشت کنید بسوی غار ما

لَكُمْ رَبُّكُمْ مِّنْ رَّحْمَتِهٖ وَيُهَيِّئْ لَكُمْ مِّنْ اَمْرِكُمْ مِّرْفَقًا ۝ وَتَرَى

بگستراند برای شما پروردگار شما از بخشش خود و بسازد برای شما کار شما را که نفع گیرید و می تو

الشَّمْسَ اِذَا طَلَعَتْ تَّزٰوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِيْنِ وَاِذَا غَرَبَتْ

آفتاب را چون از طلوع کند میل کند از غار ایشان بجهتی که خداوند دست راست و چون

تَّقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِيْ فَجْوَةٍ مِّنْهُ ۭ ذٰلِكَ مِنْ اٰيٰتِ اللّٰهِ ۭ

غروب کند بگرداند از ایشان آن و بگرود بسوی چپ غار و ایشان در فراخی اند از غار این از آیات خداست

مَنْ يَّهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ ۚ وَمَنْ يُّضْلِلْ فَلَنْ تَجِدَ لَهٗ وَلِيًّا مُّرْشِدًا

هر که راه نماید خدا پس اوست راه یافته شده و هر که گمراه کند پس نیابی تو مر او را دوستی راه نماینده راست

وَتَحْسَبُهُمْ اَيْقَاظًا وَّهُمْ رُقُوْدٌ ۚ وَّنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِيْنِ وَذَاتَ

و پنداری ایشان را بیدار و ایشان خفتگانند و میگردانیم ما ایشان را بدست راست و دست

الشِّمَالِ ۡ وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيْدِ ۭ لَوِ اطَّلَعْتَ

چپ و سگ ایشان گسترده است دست خود را بر آستانه خانه نشسته اگر اطلاع یابی

عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَّلَمُلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا ۝ وَكَذٰلِكَ

بر ایشان هر آینه روی بگردانی از ایشان بجهة گریختن و پر کرده شوی از ایشان از روی ترس و همچنین

بَعَثْنٰهُمْ لِيَتَسَاۗءَلُوْا بَيْنَهُمْ ۭ قَالَ قَاۗىِٕلٌ مِّنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ ۭ قَالُوْا لَبِثْنَا

برانگیختیم ایشان را تا سوال کنند میان همه گفت گوینده از ایشان چند وقت درنگ کردید گفتند درنگ کردیم

در آن خانه که در آن خانه محاذی بنات النعش وضع خانه چنان بود که آفتاب هنگام طلوع و غروب بدو پهلوی غار بتابیدی و شعاع آفتاب بدرون غار نتابیدی و یاران غار را حرارت آفتاب محفوظ بودندی و بعد تعالی بقدرت کامله خود چنان کرد که شعاع آفتاب بدرون غار بتابید در آن وقت که آفتاب غروب کردی تا عالم خالی نبود که بتابیدی آفتاب در آن بتابید گویند که پنجاه و نه سال بغار رفتند و وقت ظهر بود که بیدار شدند بعضی گفتند که نیم روز بود خواب بوده ایم و بعضی گفتند یک روز یا کمتر از یک روز وقت صبح تا ظهر روز دیگر خواب بوده اند خدای داند که موها و ناخنها زیاده از حد دراز شده بود که پروردگار بهتر میداند که چه قدر خواب بوده اند

يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ

روزی یا بعضی از روز گفتند پروردگار شما داناتر است بآنچه درنگ کردید پس بفرستید یکی از میان خود

بِوَرِقِكُمْ هَٰذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَىٰ طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ

بدین درمها که دارید بسوی شهر پس باید که بنگرد که کدام یک پاکیزه‌تر است از روی طعام پس بیارد شما

بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا ۝ إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا

خوردنی از آن طعام و باید که نرمی کند و خبر نکند بشما هیچکس را بدرستیکه ایشان اگر قادر شوند

عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا

بر شما سنگسار کنند شما را یا بازگردانند شما را بکیش ایشان و در هر گز رستگاری نیابید آنوقت

وَكَذَٰلِكَ أَعْثَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ

و همچنین پیدا کردیم و مطلع ساختیم بر ایشان تا بدانند بدرستیکه وعدهٔ خدا راست و بدرستیکه قیامت

لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِمْ

شکی نیست در آن وقتی که نزاع میکردند میان خودشان امر دین خود را پس گفتند ابنا بنا نهید بر ایشان

بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ

بنائی پروردگار ایشان داناتر است بایشان گفتند آنانکه غالب بودند بر دین ایشان هر آینه فرا گیریم

عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا ۝ سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ

بر ایشان مسجدی زود باشد که گویند سه تن بودند چهارم ایشان سگ ایشان بود و میگویند

خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ

پنجتن بودند و ششم ایشان سگ ایشان اند انداختن بغیب و میگویند مسلمانان هفت تنند

وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ ۚ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ بِعِدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ ۗ

و هشتم ایشان سگ ایشان است بگو پروردگار من داناتر است بشمارهٔ ایشان نمیدانند ایشانرا مگر اندکی

فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا ۝

پس مجادله مکن در ایشان مگر جدالی آشکارا و فتوی مجوی و پرس در شان ایشان از اهل کتاب هیچکس را

وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا ۝ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ ۚ وَاذْكُرْ

و مگو هرگز چیزی را بدرستی که من کننده‌ام این را فردا مگر اینکه او را مقید سازی بخواست خدا و یاد کن

دبکره

که چون یار غار بجهة خرید طعام بشهر آمد و درهم اورا دید بسکه دقیانوس بود که مدتهای مدید بر ان گذشته بود بعضی از اهل آنشهر گفتند که کیست یافته دقیانوسی و اورا نزد پادشاه کرد مردی بود خدا پرست پنهانی بر دین نصاری بردند پس آن یار غار حکایت خود را نقل کرد بعضی گفتند که ما از پدران خود شنیده ایم که چند جوان در عهد دقیانوس بعلة گریخته اند ایشان آنجماعت خواهند بود و این تفسیر از اهل بیت علیهم السلام مروی است گویند قصهٔ اصحاب کهف را از آنحضرت پرسیدند فرمود که فردا بیائید تا بگویم و ان وعده از آن داد که جبرئیل خبر آورد و وحی نگفت انشاء الله جبرئیل تاخیر کرد پانزده روز نیامد و بعد از آن آمد و این آیه آورد

رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ يَهْدِيَنِ رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَٰذَا

پروردگارت را چون فراموش کنی آنرا و بگو شاید که راه نماید پروردگار من هرچه نزدیکتر است ازشان

رَشَدًا ۝ وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا

اصحاب کهف از روی صواب و درنگ کردند ایشان در غار خود سیصد سال و زیاد کردند

تِسْعًا ۝ قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَبْصِرْ بِهِ

نه سال دیگر بگو یا محمد خدا داناتر است بآنچه درنگ کردند مر خدا راست پوشیدهای آسمان و زمین چه بیناست خدا

وَأَسْمِعْ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا

و شنوا نیست ایشانرا از غیر خدا هیچ دوستی و شریک نمیکند در حکم خود کسی را

وَاتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ

و تلاوت کن آنچه وحی کرده شد بسوی تو از کتاب پروردگار تو نیست تبدیل کننده مر کلمات او را

وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا ۝ وَاصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ

و نیابی تو بجز خدا پناهی و شکیبائی کن نفس خود را با آنانکه میخوانند

رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ

پروردگار خود را بامداد و شبانگاه میخواهند رضای خود را و باید که درنگذرد چشمهای تو از ایشان

تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا

که خواهی تو آرایش زندگانی دنیا را و فرمان مبر آنرا که غافل گردانیدیم دل او را از یاد خود

وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا ۝ وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ

و پیروی کرده آرزوهای نفس خود را و هست کار او پیش افتاده از حق و بگو قول درست که قرآنست از پروردگار شما است پس

وَمَنْ شَاءَ فَلْيَكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا وَ

هر که خواهد ایمان آورد و هر که خواهد پس کافر باش بدرستی که ما آماده کرده ایم برای ستمکاران آتشی که فرو گیرد ایشانرا سراپرده های آن

إِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ

اگر داد خواهی کنند از تشنگی که فریاد رسیده شوند بآبی مانند دردی زیت که بریان کند روها را بد است شراب آن

وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ

و بد جایست آتش گاه ایشان بدرستیکه آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته بدرستی که ما ضایع نمیکنیم

أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا ۝ أُولَٰئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ

مزد هر کسی را که نیکوتر است از کردار ۝ آنگروه مر ایشانراست بوستانهائی با اقامت که میرود از زیر منازل آنها

الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا

نهرها بر آنشده که میگذرند در آن بوستانها از دستبندهای ساخته از طلا ۝ و میپوشند جامه های سبز

مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَّكِئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ ۚ نِعْمَ

از دیبای نازک ۝ و دیبای کنده که بکنار زنان باشند در بهشت ۝ بر تختهای نیکو پادشاهی است

الثَّوَابُ ۚ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ۝ وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا رَجُلَيْنِ جَعَلْنَا

بهشت ۝ و نیکوست از روی نیکوکاه ۝ و بزن برای ایشان | مثلی و آن اینست که دو مرد را که دادیم

لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا

مر یکی از ایشانرا دو بوستان از انگورها ۝ و محفوف گردانیدیم آنرا بخرمابنان ۝ و گردانیدیم میان دو باغ

زَرْعًا ۝ كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهَا وَلَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا ۙ وَ

کشت زاری ۝ آن دو باغ ۝ بدادی میوه خود را و نستم نکردی ۝ از میوه معهود چیزی و

فَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهَرًا ۝ وَكَانَ لَهُ ثَمَرٌ ۚ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ

روان گردیم میان هر دو باغ نهری ۝ و بود مر او را میوه های دیگر پس گفت مر صاحب خود را او جدال میکرد

أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا ۝ وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ

با مومن من بیشترم از تو از جهة مال و عزیزتر از جهة کثرت اولاد ۝ و در آمد بباغ خود و آن کافر او ستم کننده است

لِنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَٰذِهِ أَبَدًا ۝ وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ

مر نفس خود را گفت گمان نمی برم ۝ آنکه فانی شود این هرگز ۝ و گمان ندارم قیامت را

قَائِمَةً ۝ وَلَئِنْ رُدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا ۝

آینده قایم ۝ و اگر ۝ باز گردانیده شوم بسوی پروردگار خود هر آینه بیابم من بهتر ازین باغها جای بازگشتن

قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ

گفت مر او ۝ صاحب خود را ۝ و او جدال میکرد او را آیا کافر شدی ۝ بآنکه ۝ آفرید ترا

مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّاكَ رَجُلًا ۝ لَٰكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي

از خاک پس ۝ از نطفه پس ۝ راست کرد ترا مردی ۝ لیکن میگویم او ست خدا پروردگار من

علی

بن ابراهیم گفته

که مردی کافر تو انگری در همسایگی

مومن فقیری بود و بعضی گفته اند که ایشان

برادر و پسر یکی از بزرگان بنی اسرائیل بودند

یکی مومن و دیگری کافر مومن اموالی که میراث

پدر باو رسید صرف راه خدا نمود و کافر

اموال را تمام بباغات و مزارع داد

و این کفته ها از ایشان

بود

خلاصه گفتار آن کافر با یار مومن این که

این دنیا همیشه خواهد بود و این بوستان تا من هستم

همیشه هست و در قیامت و معادی نیست

و بر فرضی که معادی باشد البته مرا جائی به ازین

بوستان خواهد بود و این سخن را از آن گفت

که گمانش این بود که باستحقاق ذاتی آن بوستان

باو داده شده و همیشه این استحقاق

او را خواهد بود

وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا ۝ وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ

و شریک نمی کنم بپروردگار خود کسی را وچرا وقتیکه داخل شدی در باغ خود نگفتی آنچه خواهد

اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنْ تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا ۝ فَعَسَى

خدا نیست قوت مگر بخدا اگر می بینی مرا که من کمترم از تو از جهت مال و فرزند پس شاید

رَبِّي أَنْ يُؤْتِيَنِ خَيْرًا مِنْ جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِنَ السَّمَاءِ

پروردگار من بدهد بهتر از باغ تو و بفرستد بر بوستان تو صاعقه ها از آسمان

فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا ۝ أَوْ يُصْبِحَ مَاؤُهَا غَوْرًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ

پس گردد بوستان تو زمین بی گیاه یا گردد آب بوستان فرو رفته بزمین پس نتوانی تو مر آن را

طَلَبًا ۝ وَأُحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَى مَا أَنْفَقَ فِيهَا

طلب کردن و احاطه کرده شد بمیوه باغ پس صبح کردند هر دو کف خود را بر آنچه نفقه کرده بود در آن

وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي

و آن افتاده بود بر سقفهای خود و میگفت ای کاش من نمیکردم شریک پروردگار خود

أَحَدًا ۝ وَلَمْ تَكُنْ لَهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنْتَصِرًا

کسی را و نبود آن کافر را گروهی که یاری دهند او را از غیر خدا و نبود آن کافر یاری دهنده خود

هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا ۝ وَاضْرِبْ

آنجا یاری کردن مر خدا راست که راست گوست بهتر از ثواب و بهتر از راه عاقبت و بیان کن

لَهُمْ مَثَلَ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ

برای ایشان مانند زندگانی دنیا را که مانند آبست که فرستادیم آنرا از آسمان پس مخلوط شد بسبب آن گیاه زمین

الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

از زمین پس بامد گردد خشک کشته پراکنده میکند او را بادها و هست خدا بر هر چیز

مُقْتَدِرًا ۝ الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَوٰةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ

توانا مال و پسران آرایش زندگانی دنیاست و کارهای پایدار

الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا ۝ وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ

شایسته بهتر است نزد پروردگار تو از روی ثواب و بهتر است از روی امیدواری و روزیکه سیر بفرمائیم کوهها

صادق صلوات الله

علیه مرویست که فرمود که عجب دارم از کسی که

از خبری ترسد چرا پناه نمیجوید بکفته خدای عز

وجل حسبنا الله و نعم الوکیل در حسی که بعد از ان

حق تعالی فرمود فانقلبوا بنعمة من الله و فضل لم

یمسسهم سوء و عجب دارم از کسی که غمگین باشد چرا

متوسل نمیشود بکلمه لا اله الا انت سبحانک

انی کنت من الظالمین که نخوانده ام که خدا

بعد از ان فرموده که فاستجبنا له و نجیناه من الغم و کذلک

ننجی المؤمنین و عجب دارم از کسی که حیله با او کرده

شود چرا متوسل نمیشود بقول خدای عز و جل

افوض امری الی الله ان الله بصیر بالعباد که

در حسی که شنیدم قول خدا را بعد از ان فوقاه الله

سیئات ما مکروا و عجب دارم از کسی که در دنیا

در رفعت از او دست دارد چرا متوسل نمیشود

باین قول خدای عز و جل که ما شاء الله لا قوة الا

بالله پس تحقیق که خدا تعالی در حق آن فرموده

فعسی ربی ان یؤتین خیرا من جنتک

مرا داد

باقیات صالحات گردار ها و گفتار ها

فرزندان شایسته است و در اخبار مجلسه که از

آنها تفسیر آن یکی از امور مذکوره شده یا علت

اهمیت آن هر چه هست در این مقام نه برای تخصیص

چنانکه از رسول مرویست که فرمود اگر عاجز آید

از شدت نماز شب و از جهاد با دشمن باید که

عاجز نشوید از گفتن سبحان الله و الحمد لله و لا

اله الا الله و الله اکبر برای انکه این کلمات از

جمله باقیات صالحات اند پس بگویید انها را

و از حضرت ابی عبد الله علیه السلام مرویست

وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا ۝ وَ

و بینی زمین را ظاهر شده و جمع کنیم همه را پس فرو نگذاریم از ایشان کسی را و

عُرِضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ

عرض کرده شوند بر پروردگار تو صف کشیده خدا گوید بتحقیق آمدید بما همچنانکه آفریده بودیم شما را اول بار نه چنانست

زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا ۝ وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ

که گمان کردید آنکه نسازیم برای شما وقتی و گذاشته شود نامه های اعمال پس بینی گناهکاران را

مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَٰذَا الْكِتَابِ لَا

ترسناکان از آنچه در کتابهاست و میگویند وای بر ما چه بوده است این نامه اعمال را که

يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا

فرو نگذاشته است گناهان کوچک و نه بزرگ را مگر آنچه شمرده شده است آنرا و بیابند آنچه کرده اند

حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ۝ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ

حاضر و نستم کند پروردگار تو کسی را و چون گفتیم مر فرشتگان را که سجده کنید مر آدم را

فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ

پس سجده کردند همه مگر شیطان که هست از جن پس بیرون رفت از فرمان پروردگار خود آیا پس میگیرید شیطان

وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ

و فرزندان او را دوستان بجز از من و ایشان برای شما دشمنند بد است مر ستمکاران را شیطان

بَدَلًا ۝ مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ

بدل از خدا حاضر نکردانیدم ایشانرا در وقت آفریدن آسمانها و زمین و نه در وقت آفریدن نفسهای

وَمَا كُنْتُ مُتَّخِذَ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا ۝ وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَائِيَ

ایشان و نیستم من فرا گیرنده گمراهان یاران مددکاران و روزیکه گوید خدا بخوانید ایشانرا انبازگان مرا

الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا

آنانکه گمان کردید پس بخوانند ایشانرا پس اجابت نکنند مر ایشانرا و گردانیدیم میان ایشان جای هلاک

وَرَأَى الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا

و ببینند گناهکاران آتش را پس گمان کنند که ایشان در آن و نیابند از آن آتش گردانیدن

تفسیر ضمیر اشهدتهم والنفسهم راجعست بابلیس و ذریت ابلیس و مضلین هم عبارت از ایشان و عرض اظهار کمال قدرت خداست که بسبب محتاج بعبادت کاری نیست یا تعمیر جمعی که اطاعت ایشان نموده اند با آنکه اطاعت شما ایشانرا نمیماند بفرمان برداری کسی شخصی را که گمان قدرتی و دانشی بوی رود و ایشان علم مخلوقات ندارند پس غیر مخلوقات بطریق اولی پس از چه سر از فرمان ایشان می پیچید و بقولی ضمیر راجعست مشرکین که می گویند فرشتگان دختران خدایند و غرض انکار کردن هنگام خلق عالم موجود نبوده اند ایشانرا ایجاد فرشتگانرا نموده اند پس از چه راه میگویند که از خدا متولد شده اند

وَلَقَدْ

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هٰذَا الْقُرْاٰنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ ۚ وَكَانَ

و بتحقیق که ما بیان کردیم در این قرآن برای مردمان از هر مثلی که محتاج بدو هست

الْاِنْسَانُ اَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا ۝ وَمَا مَنَعَ النَّاسَ اَنْ يُّؤْمِنُوْٓا اِذْ

انسان پیشتر از همه چیز که مخلوقست از روی جدل و منع کند مردم را از انکه بگروند وقتیکه

جَآءَهُمُ الْهُدٰى وَيَسْتَغْفِرُوْا رَبَّهُمْ اِلَّآ اَنْ تَاْتِيَهُمْ سُنَّةُ الْاَوَّلِيْنَ

آمد ایشانرا راه نمایندهٔ و آمرزش خواهند پروردگار خود را مگر انتظار اینکه بیاید ایشانرا عادت پیشینیان

اَوْ يَاْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا ۝ وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِيْنَ اِلَّا مُبَشِّرِيْنَ

یا بیاید ایشانرا عذاب آخرت روی بروی و نفرستیم ما پیغمبران را مگر بشارت دهندگان

وَمُنْذِرِيْنَ ۚ وَيُجَادِلُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوْا

و بیم کنندگان و مجادله میکنند آنانکه کافر شدند به بیهوده تا زایل گردانند

بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوْٓا اٰيٰتِيْ وَمَآ اُنْذِرُوْا هُزُوًا ۝ وَمَنْ اَظْلَمُ مِمَّنْ

باطل حق خود را و فراگرفتند آیات کتاب را و آنچه بیم کرده شدند بآن بمسخره و کیست ستمکارتر از انکه

ذُكِّرَ بِاٰيٰتِ رَبِّهٖ فَاَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدٰهُ ۭ اِنَّا

یاد کرده شود بنشانهای پروردگار خود پس اعراض کند از آن و فراموش کند آنچه پیش فرستاده دستهای او بدرستی

جَعَلْنَا عَلٰي قُلُوْبِهِمْ اَكِنَّةً اَنْ يَّفْقَهُوْهُ وَفِيْٓ اٰذَانِهِمْ وَقْرًا ۭ وَاِنْ تَدْعُهُمْ

که ما کردانیدیم بر دلهای ایشان غلاف از بهم آنکه بفهمند آنرا و در گوشهای ایشان گرانی و اگر بخوانی ایشانرا

اِلَى الْهُدٰى فَلَنْ يَّهْتَدُوْٓا اِذًا اَبَدًا ۝ وَرَبُّكَ الْغَفُوْرُ ذُو الرَّحْمَةِ ۭ

بسوی هدایت پس راه نیابند زنهار دعوت تو هرگز و پروردگار تو آمرزنده و خداوند بخشش است

لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوْا لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ ۭ بَلْ لَّهُمْ مَّوْعِدٌ لَّنْ

اگر بگیرد خدا کافران را بآنچه کسب کردند هر آینه تعجیل کند مر ایشانرا عذاب بلکه مر ایشانرا زمان وعده که

يَّجِدُوْا مِنْ دُوْنِهٖ مَوْىِٕلًا ۝ وَتِلْكَ الْقُرٰٓى اَهْلَكْنٰهُمْ لَمَّا ظَلَمُوْا

نیابند بجز از خدا پناهی و این دیهها را هلاک کردیم ما ایشان را هنگامیکه ستم کردند

وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ مَّوْعِدًا ۝ وَاِذْ قَالَ مُوْسٰى لِفَتٰىهُ لَآ اَبْرَحُ

و کردانیدیم برای هلاک ایشان وعده معلوم و چون گفت موسی مر جوان خود را که زایل نمیشوم

کو بند

که موسی علیه السلام

از حقتعالی درخواست که اگر در بندگان تو کسی

دانا تر باشد از من مرا او بر سان که از وی تعلم

کنم وحی آمد که خضر دانا تر است از تو گفت از

کجا جویم او را فرمود در کنار دریا جائی که دریای

فارس و دریای روم بهم رمیخورند در صخره و غیب

از چه معلوم کنم انجا را فرمود که ماهی خشکی را

بردارد هر جا آن ماهی زنده شود انجا بخضر برخوری

موسی علیه السلام ماهی در زنبیلی نهاده با

یوشع بن نون بآن سمت روانه شد و چون مجمع

البحرین رسیدند در کنار دریا موسی بخواب رفت

و یوشع بیدار بود و آن ماهی را دراب کرد

بوذ ناگاه دید که آن ماهی خشک زنده شد و در دریا

رفت چون حضرت موسی بیدار شد از خاطر

یوشع روایت آنحکایت محو شد با موسی نگفت

از آنجا که نشسته بعد از رفتن قدری راه موسی

علیه السلام گرسنه شد و طعام چاشت از یوشع

طلبید آنوقت حکایت ماهی بخاطر یوشع آمده با

موسی ازاد در میان آورد موسی فرمود که

مطلب ما این سفر رفتن بهمان مکانی است که

این امر عجب وقوع یافته از آنجا برگشتند و پی

برداشته خود را بآن صخره رسانیدند

در آنجا ملاقی دو دریای علم

دست بهم

حَتّٰى اَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ اَوْ اَمْضِيَ حُقُبًا ۝ فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا

تا آنکه برسم بمجمعی که میان دو دریاست و گذشت باید روم من زمان دراز پس چون رسیدند بمجمعی میان دو دریا

نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ۝ فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ

فراموش کردند ماهی خود را پس فراگرفت راه خود را در دریا چون بگذشتند گفت موسی

لِفَتٰىهُ اٰتِنَا غَدَآءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هٰذَا نَصَبًا ۝ قَالَ

یار خود را بیار ما طعام ما را هر آینه دیدیم ما از این سفر خود این رنج گفت

اَرَاَيْتَ اِذْ اَوَيْنَآ اِلَى الصَّخْرَةِ فَاِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَآ اَنْسَانِيهُ

خبر داری چون جای گرفتیم بودیم بآن سنگ کنار چشمه پس بدرستی که من فراموش کردم ماهی را و فراموش نکرد مرا

اِلَّا الشَّيْطٰنُ اَنْ اَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا ۝

مگر شیطان از آنکه یاد دهم تو را او گرفت ماهی راه خود را در بحر راه عجب

قَالَ ذٰلِكَ مَا كُنَّا نَبْغِ فَارْتَدَّا عَلٰٓى اٰثَارِهِمَا قَصَصًا ۝ فَوَجَدَا عَبْدًا

گفت این قصه ماهی چیزی بود که طلبیدیم پس بازگشتند بر نشانهای خود از راهی رفتند پس یافتند بنده

مِنْ عِبَادِنَآ اٰتَيْنٰهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنٰهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا

از بندگان ما که دادیم ما او را بخشایشی از نزد ما و آموختیم ما او را از نزد خود دانشی

قَالَ لَهُ مُوسٰى هَلْ اَتَّبِعُكَ عَلٰٓى اَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا ۝

گفت مر او را موسی آیا پیروی کنم تو را بر شرط آنکه بیاموزی مرا از آنچه آموخته شده تو را صواب

قَالَ اِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا ۝ وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلٰى مَا لَمْ تُحِطْ

گفت بدرستی که تو هرگز نتوانی با من صبر کردن و چگونه صبر کنی بر آنچیزی که احاطه نکرده بآن

بِهٖ خُبْرًا ۝ قَالَ سَتَجِدُنِيٓ اِنْ شَآءَ اللّٰهُ صَابِرًا وَّلَآ اَعْصِي لَكَ

خبر را گفت زود باشد که بیابی مرا اگر خواهد خدا صبر کننده و نافرمانی نکنم تو را

اَمْرًا ۝ قَالَ فَاِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْـَٔلْنِي عَنْ شَيْءٍ حَتّٰٓى اُحْدِثَ لَكَ

پس اگر پیروی کنی مرا پس مپرس مرا از چیزی تا من احداث کنم برای تو

مِنْهُ ذِكْرًا ۝ فَانْطَلَقَا حَتّٰٓى اِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ

از آن چیز را بیانی پس روان شدند تا آنکه سوار شدند در کشتی خضر سوراخ کرد کشتی را گفت

خرقها

یعنی
پیروی میکردند
نقش قدمهای خود را پیروی
کردند تا نهایت حرم و احتیاط
که بآن صخره نرسیدند

اَخَرَقتَهَا لِتُغرِقَ اَهلَهَا لَقَد جِئتَ شَيئًا اِمرًا ۝ قَالَ اَلَم اَقُل

آیا سوراخ کردی تا غرق کنی اهل آنرا بدرستیکه آوردی تو چیزی عجب را ۝ گفت آیا نگفتم من

اِنَّكَ لَن تَستَطِيعَ مَعِيَ صَبرًا ۝ قَالَ لَا تُؤَاخِذنِي بِمَا نَسِيتُ

انکه تو نتوانی با من صبر کردن ۝ گفت موسی مواخذه مکن مرا بآنچه فراموش کردم من

وَلَا تُرهِقنِي مِن اَمرِي عُسرًا ۝ فَانطَلَقَا حَتّٰى اِذَا لَقِيَا غُلَامًا

و بکلفت مرسان مرا در کار من ۝ دشواری ۝ پس برفتند ۝ تا چون دیدند پسری

فَقَتَلَهُ قَالَ اَقَتَلتَ نَفسًا زَكِيَّةً بِغَيرِ نَفسٍ لَقَد جِئتَ شَيئًا

پس بکشت او را گفت آیا کشتی ۝ نفسی را پاک گناه بیرون کشتن نفسی بدرستی که آوردی چیزی

نُكرًا ۝ قَالَ اَلَم اَقُل لَكَ اِنَّكَ لَن تَستَطِيعَ مَعِيَ صَبرًا ۝ قَالَ

زشت ۝ گفت آیا نگفتم مر تو را که تو هرگز نتوانی با من صبر کردن ۝ گفت

اِن سَاَلتُكَ عَن شَيءٍ بَعدَهَا فَلَا تُصَاحِبنِي قَد بَلَغتَ مِن لَدُنِّي

اگر سوال کنم تو را از چیزی ۝ بعد ازین ۝ پس مصاحبت مکن با من بدرستی که رسیده باشی تو از نزد من

عُذرًا ۝ فَانطَلَقَا حَتّٰى اِذَا اَتَيَا اَهلَ قَريَةٍ اِستَطعَمَا اَهلَهَا

عذری ۝ پس برفتند ۝ تا چون در آمدند باهل ۝ دهی ۝ طلب طعام کردند از اهل آن ده

فَاَبَوا اَن يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ اَن يَنقَضَّ فَاَقَامَهُ

پس ابا کردند آنکه ضیافت کردند ۝ پس بافتند در آنجا دیواری ۝ میخواست که ۝ بیفتد پس راست کرد او را

قَالَ لَو شِئتَ لَاتَّخَذتَ عَلَيهِ اَجرًا ۝ قَالَ هٰذَا فِرَاقُ بَينِي وَ

گفت ۝ اگر میخواستی هر آینه فرا میگرفتی بر او مزدی ۝ گفت این است جدائی میان من و

بَينِكَ سَاُنَبِّئُكَ بِتَاوِيلِ مَا لَم تَستَطِع عَلَيهِ صَبرًا ۝ اَمَّا

میان تو زود باشد که آگاه کنم تو را بتفسیر آنچه نتوانی بر او صبر کردن ۝ اما آن

السَّفِينَةُ فَكَانَت لِمَسَاكِينَ يَعمَلُونَ فِي البَحرِ فَاَرَدتُ اَن اَعِيبَهَا

کشتی ۝ پس بود ۝ از بیچارگان که کار میکنند ۝ در ۝ دریا پس خواستم بحکم خدا که عیبناک کنم او را

وَكَانَ وَرَاءَهُم مَلِكٌ يَاخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصبًا ۝ وَاَمَّا الغُلَامُ

و هست در عقب ایشان پادشاهی که میگیرد همه کشتی را بغضب ۝ و اما کشتن پسر

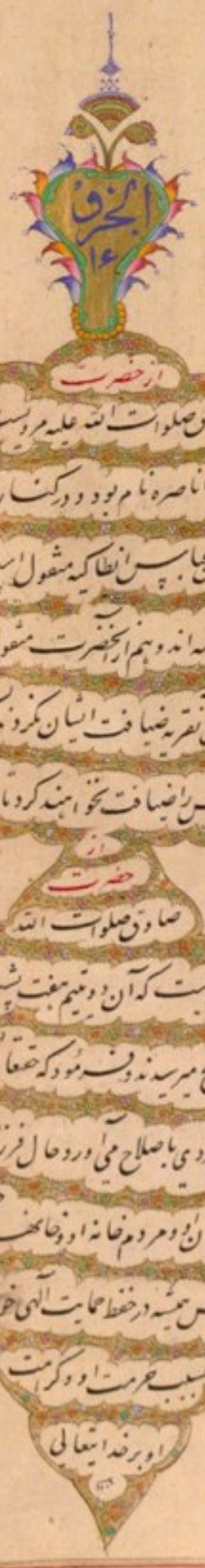

فَكَانَ أَبَوَيْهِ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا طُغْيَانًا وَكُفْرًا

پس بود پدر و مادر او هر دو مومن ۞ پس ترسیدیم ما آنگه در رسانند بدیشان ۞ سرکشی ۞ و کفران

فَأَرَدْنَا أَنْ يُبْدِلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِنْهُ زَكَوٰةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا

پس خواستیم ما اینکه ۞ بدل دهد ایشان را پروردگارشان بهتر از او از روی پاکی و نزدیکتر از روی مهربانی

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ

و اما آن دیوار ۞ پس بود ۞ از دو پسر ۞ یتیم ۞ در این شهر ۞ و هست ۞ در زیر آن دیوار

كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا أَشُدَّهُمَا

گنجی ۞ از ایشان ۞ و بود پدر ایشان مردی نیک ۞ پس خواست پروردگار تو آنگه برسند تمام بقوت

وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ وَمَا فَعَلْتُهُ عَنْ أَمْرِي ذٰلِكَ

و بیرون آورند ۞ گنج خود را جهة بخشش ۞ از پروردگار تو ۞ و نکردم من او را ۞ از پیش خود ۞ این هست

تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا ۞ وَيَسْئَلُونَكَ عَنْ ذِي الْقَرْنَيْنِ

تفسیر که ۞ نتوانستی ۞ بر او ۞ صبر کردن ۞ و بپرسند تو را یهود از قصه ۞ ذو القرنین

قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنْهُ ذِكْرًا ۞ إِنَّا مَكَّنَّا لَهُ فِي الْأَرْضِ وَ

بگو ۞ زود باشد که بخوانیم بر شما ۞ از او خبری ۞ بدرستی ما قوت دادیم ۞ در ۞ زمین ۞ و

آتَيْنَاهُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا ۞ فَأَتْبَعَ سَبَبًا ۞ حَتّٰى إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ

دادیم او را ۞ از هر چیزی ۞ سببی ۞ پس از پی برد ۞ سببی را ۞ تا چون رسید ۞ بجای فرو رفتن آفتاب

وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا ۞ قُلْنَا يَا ذَا

یافت آفتاب را که فرو رفت ۞ در چشمه آب گرم ۞ و یافت ذو القرنین نزدیک آن چشمه جمعی ۞ پرست را گفتیم ای

الْقَرْنَيْنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ وَإِمَّا أَنْ تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا ۞ قَالَ أَمَّا

ذو القرنین ۞ یا ۞ انکه عذاب میکنی آن قوم را و یا ۞ میکیری در باب ایشان ۞ بنیکوئی ۞ گفت ۞ اما

مَنْ ظَلَمَ فَسَوْفَ نُعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلٰى رَبِّهِ فَيُعَذِّبُهُ عَذَابًا نُكْرًا

انکه ستم کند ۞ پس زود باشد که عذاب کنیم او را ۞ پس باز گشته شود بسوی پروردگار خود پس عذاب کند او را عذابی

وَأَمَّا مَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءً الْحُسْنٰى وَسَنَقُولُ لَهُ

و اما ۞ انکه ایمان آورد و کرد ۞ کار شایسته پس مر او راست پاداش ۞ نیکو ۞ و زود باشد که بگوئیم او را

امین

کتاب
کافی از حضرت
ابی عبد الله علیه
السلام مرویست که آن
دفینه طلا بود و نقره و چهار کلمه بود
لا اله الا انا من ایقن بالموت لم یضحک سنه
و من ایقن بالحساب لم یفرح قلبه و من ایقن
بالقدر لم یخش الا الله
ان
حضرت
امیر المومنین علیه السلام مرویست که دو
کس از من بنده شایسته بود که خدا را دوست داشتی
و خدا او را دوست داشتی و پرستش الهی را چه
کمال نمودی خدا کار او را بخیر و خوبی کذرانیدی
امر میسر نمود قوم خود را بتقوی الهی و پرهیزکاری
پس شمشیری بر قرن او یعنی کنار سرش زد و
پس از ایشان غایب شده تا وقتی که خدا خواست باز
برگشت بسوی ایشان و میخواند ایشان را بدین
خدا پس شمشیری دیگر بر طرف دیگر سرش زد و
و باین جهت او را ذو القرنین گفتند در
میان شما هم هست کسی مانند او و مراد آنحضرت
ازین خود بود که دو ضرب شمشیر بر سرش خورد
یکی در حرب خندق مبارزت عمرو بن عبد ود و دیگری
از ابن ملجم و هم آنحضرت صلوات الله علیه مرویست
که خدا تعالی مسخر کرده بود برای او ابر را
که او را برمیداشت و بهر جا که میخواست میبرد
و بهر راهی که خواستی رفتی و نور را برای او متمثل
کردانید بحدی که شب و روز پیش او همان
بودی پس امنیت معنی مکنا له فی الارض
تمکین او در زمین این است که آسان کردانید
بر وی سفر را در روی زمین در راهها و
دشوارها و سنگلاخها را هموار کردانیدی
برای او بحدی که بهر جا خواستی بآسانی رفتی
و در سبب نامیدن ذی القرنین مفسران را

مِنْ أَمْرِنَا يُسْرًا ۝ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ۝ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا

از فرمان خود کاری آسان پس از پی رفتن راهی را تا برسد بجای برآمدن آفتاب یافت آفتاب را

تَطْلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَمْ نَجْعَلْ لَهُمْ مِنْ دُونِهَا سِتْرًا ۝ كَذَٰلِكَ وَقَدْ

که طالع میشد بر قومی که نگردانیده بودیم برای ایشان غیر آفتاب پوششی همچنان بود امر او بحقیقت که

أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا ۝ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا ۝ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ

احاطه کرده بود علم ما بآنچه نزدیک او بود از روی خبر پس از پی در آمد سببی تا چون رسید میان دو کوه

وَجَدَ مِنْ دُونِهِمَا قَوْمًا لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا ۝ قَالُوا يَا ذَا

دریافت پیش آن دو کوه گروهی که نزدیک نبودند که دریابند سخنی را گفتند ای

الْقَرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ

ذو القرنین بدرستی که یاجوج و ماجوج تباهی کنندگانند در زمین پس آیا بگردانیم

لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا ۝ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ

برای تو خرجی از مال خود بر آنکه بنا کنی میان ما و میان ایشان بندی گفت آنچه تمکین داده مرا در آن

رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا ۝ آتُونِي زُبَرَ

پروردگار من بهتر است پس یاری دهید مرا بقوتی که بگردانم میان شما و میان ایشان آن جای سخت بیارید برای من قطعهای

الْحَدِيدِ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ انْفُخُوا حَتَّىٰ إِذَا

بزرگ آهن تا آنگه که مساوی شد میان هر دو جانب او گفت ذو القرنین بدمید با نها تا چون

جَعَلَهُ نَارًا قَالَ آتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا ۝ فَمَا اسْطَاعُوا أَنْ

گردانید آهن آتش گفت بیارید مس تا بریزم بر بالای آهن همه جوش پس نتوانستند یاجوج و ماجوج آنکه

يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَاعُوا لَهُ نَقْبًا ۝ قَالَ هَٰذَا رَحْمَةٌ مِنْ رَبِّي

بالا روند بر آن و ظاهر شوند و نتوانستند او را سوراخ کردن گفت این بخشایشیست از پروردگار من

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّي جَعَلَهُ دَكَّاءَ ۖ وَكَانَ وَعْدُ رَبِّي حَقًّا ۝

پس چون آمد وعده پروردگار من بگرداند آنرا خورد و هست وعده پروردگار من درست راست

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ

و واگذاریم بعضی ایشان را در روز جزا و اضطراب کنند در بعضی دیگر و دمیده شود در صور

تمثیل

گوهری و درختی و بنائی
و عمارتی در و یاقوت نبوده گویند که زمینها ساخته بودند که هنگام حرارت
آفتاب با نها پناه میجستند و گاهی میان دریا
میرفتند و از حضرت صادق صلوات الله علیه
مرویست که این گروه صنعت
بنای خانهای دا
نستند

فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا ۝ وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا ۝

پس جمع کنیم همه را جمع کردنی و عرض کردیم دوزخ را آن روز برای کافران عرض کردنی

الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا

آن کافران که بود چشمهای ایشان در پرده از یاد کردن من و نمیتوانستند که

يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا ۝ أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي

بشنوانند شنیدن کلام را آیا پس میپندارند آنانکه کافر شدند اینکه فرا گیرند بندگان مرا

مِن دُونِي أَوْلِيَاءَ ۚ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ نُزُلًا ۝ قُلْ

از غیر من دوستان چیزی که ما آماده کردیم دوزخ را برای کافران منزلی بگو

هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا ۝ الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ

آیا خبر دهیم شما را بدکارترین مردم از روی کردار آنانکه گم شناختن ایشان

فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا ۝ أُولَٰئِكَ

در زندگانی دنیا و ایشان می پندارند آنکه آنان نیکو می کنند کار را آنگروه

الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ

آنانند که کافر شدند بنشانهای پروردگارشان و رسیدن جزای خود پس تباه گشت کارهای ایشان پس قائم نخواهیم

لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزْنًا ۝ ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمُ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا

کرد برای ایشان روز قیامت ترازوئی اینست که جزا و پاداش ایشان دوزخست بانچه کافر شدند و فرا گرفتند

آيَاتِي وَرُسُلِي هُزُوًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ

آیات مرا و پیغمبران مرا چیزی که سخر گرفتند بدرستی که آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته هست

لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا ۝ خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا

مر ایشانرا بوستانهای فردوس منزل مهمانی که جاوید باشند در آن نجویند از آن بجائی دیگر

قُل لَّوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَن

بگو اگر باشد دریا سیاهی برای نوشتن سخنان پروردگار من هرآینه فانی گردد دریا پیش از آنکه

تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا ۝ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ

فانی شود سخنان پروردگار من و اگر بیاریم بمانند محیط مدد او سیاهی بگو جز این نیست که من آدمیزادم

مثلکم

بقولی

مراد از کلمات جمیع مصدورات

است از اعیان موجودات و بقولی علوم

ارباب طغیان و نواهی اهل

ایمان است

از حضرت

امیر المومنین صلوات الله علیه مرویست که

هیچ بنده نمیخواند این آیه را الا آنکه میسر میشود مشکلهای او

در وقت خواب مگر آنکه آماده میشود برای او نوری

در خوابگاهش تا وقتیکه بیدار شود

بیت الله الحرام باشد نوری خواهد بود برای او

تا بیت المعمور پس از حضرت صادق علیه

السلام مرویست که هیچ بنده نمیخواند آخر

کهف را هنگام خوابیدن مگر آنکه بیدار میشود

وقتی که میخواهد

مثلکم یوحی الی انما الهکم اله واحد فمن کان یرجوا لقاء

مانند شما وحی کرده میشود بسوی من جز این نیست که خدای شما خدای یگانه است پس کسی که امیدوار دیدار

ربه فلیعمل عملا صالحا ولا یشرک بعبادة ربه احدا

بخدای پروردگار خود پس باید بکند کاری شایسته و شریک نسازد به بندگی پروردگار خود کسی را

سورة مریم ثمانون وتسع آیة مکیة

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

کهیعص ذکر رحمت ربک عبده زکریا اذ نادی

این سوره یاد کردن بخشایش پروردگار تست بنده خود زکریا را چون خواند

ربه نداء خفیا قال رب انی وهن العظم منی واشتعل

پروردگار خود را خواندنی نهان گفت زکریا پروردگارا بدرستیکه سست شد استخوانها در بدن من و افروخته شد

الرأس شیبا ولم اکن بدعائک رب شقیا وانی خفت الموالی

از سر من پیری و نبودم من بخواندم تو را ای پروردگار من نا امید و بدرستی که بترسم من از دوستان

من ورائی وکانت امرأتی عاقرا فهب لی من لدنک ولیا

از پس خود من و هست زن من نازاینده پس ببخش مرا از نزد خود فرزندی که متولی

یرثنی ویرث من آل یعقوب واجعله رب رضیا یا زکریا

امر من باشد که میراث گیرد از مال من و میراث گیرد از فرزندان یعقوب و بگردان فرزند مرا پروردگارا شایسته گفتیم ما ای زکریا

انا نبشرک بغلام اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیا

بدرستی که بشارت میدهیم تو را بپسری که اسم او یحیی است نیافریدیم مر او را پیش ازین همنامی

قال رب انی یکون لی غلام وکانت امرأتی عاقرا وقد بلغت

گفت زکریا پروردگار من چگونه باشد مرا پسری و هست زن من نازاینده و بحقیق که رسیده ام

من الکبر عتیا قال کذلک قال ربک هو علی هین و

از پیری بضعف و خشکی اعصاب گفت جبرئیل همچنین در پیری فرزند دهیم تو را گفت پروردگار تو این بر من آسانست و

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که هر که سوره مریم را در فریضه و نافله بخواند در دنیا و نفس و مال و فرزند ایمن باشد و آخرت از اصحاب عیسی و مریم باشد و مقابل پادشاهی چون سلیمان در بهشت باو دهند و امرد بسیار باشد

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که هر که مداومت کند بر خواندن سوره مریم در هر شب جمعه از برای او در دنیا و آخرت خیر بسیار باشد

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که یحیی علیه السلام هیچ گناه نکرد و هیچ معصیت نکرد و هیچ همت بگناه نکرد و از برای او در آسمان و زمین گناهی نوشته نشد

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که امام حسین علیه السلام هم همنامی پیش از خود نداشت و نگریست آسمان و نگریست آسمان بر کسی نگریست بر ایشان که چهل روز بر ایشان نگریست از آنکه کشته شدند و گریستن آسمان چگونه بود فرمود که آفتاب

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که امام علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه نزد مامون رفت دید که وضو میساخت و غلامی آب بدست او میریخت پس فرمود ولا تشرک بعبادة ربه احدا مامون غلام را دور کرد و خود وضو را تمام کرد

از امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که بخواند این سوره را مواظبت نماید میرود تا آنچه مراد او باشد

قَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ تَكُ شَيْئًا ۝ قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِّيْ آيَةً ؕ

و بدرستی آفریدم تورا پیش ازانکه یحیی باشد درحالی که نبودی توچیزی گفت زکریا پروردگارا بگردان ازبرای من علامتی

قَالَ آيَتُكَ أَلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلٰثَ لَيَالٍ سَوِيًّا ۝ فَخَرَجَ عَلٰى قَوْمِهٖ

گفت علامت برای تو آنست که سخن نگوئی با مردم سه روز تمام یعنی شبانه روز پس بیرون رفت بر قوم خود

مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحٰى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ۝ يٰيَحْيٰى

از محراب پس اشارت کرد باشان که تسبیح کنید خدای را هر بامداد و شبانگاه گفت ای یحیی

خُذِ الْكِتٰبَ بِقُوَّةٍ ؕ وَآتَيْنٰهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا ۝ وَحَنَانًا مِّنْ لَّدُنَّا

بگیر کتاب را بجد و جهد و دادیم ما او را حکمت در حال کودکی و دادیم او را رحمتی از نزد خود

وَزَكٰوةً ؕ وَكَانَ تَقِيًّا ۝ وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُنْ جَبَّارًا عَصِيًّا ۝

و پاکیزگی و بود پرهیزکار از گناهان و نیکوکار با پدر و مادر و نبود سرکش و نافرمان پدر و مادر

وَسَلٰمٌ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوْتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا ۝ وَ

و رحمت بر او روزی که متولد شد و روزیکه بمیرد و روزیکه برانگیخته میشود زنده و

اذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ مَرْيَمَ إِذِ انْتَبَذَتْ مِنْ أَهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا ۝

یاد کن در کتاب مریم را چون بگوشه رفت و منفرد شد از اهل خود در جایگاهی که جانب مشرق بود

فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُوْنِهِمْ حِجَابًا ؕ فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوْحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا

پس فرا گرفت از پیش خود پرده پس فرستادیم بسوی مریم روح خود را پس متصور شد او مر

بَشَرًا سَوِيًّا ۝ قَالَتْ إِنِّيْ أَعُوْذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ إِنْ كُنْتَ تَقِيًّا ۝

مریم را آدمی تمام خلقت گفت مریم که من پناه میبرم بخدای بخشاینده از تو اگر هستی تو پرهیزکار

قَالَ إِنَّمَا أَنَا رَسُوْلُ رَبِّكِ ؕ لِأَهَبَ لَكِ غُلٰمًا زَكِيًّا ۝ قَالَتْ أَنّٰى

گفت جبرئیل جز این نیست که من فرستاده پروردگار توام تا بخشم مر تورا پسری پاکیزه و پاک از گناه گفت مریم چگونه

يَكُوْنُ لِيْ غُلٰمٌ وَلَمْ يَمْسَسْنِيْ بَشَرٌ وَّلَمْ أَكُ بَغِيًّا ۝ قَالَ كَذٰلِكِ

باشد مرا پسری و حال آنکه مس نکرده است مرا آدمی بزنا و نبودم من بدکاره گفت جبرئیل چنین است

قَالَ رَبُّكِ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ ۚ وَلِنَجْعَلَهٗ آيَةً لِّلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا

گفت پروردگار تو این امر بر من آسانست و تا بگردانیم او را علامتی برای مردمان و بخشایشی از خود

مراد

از حکم در این کریمه نبوت است

از حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه مرویست

که یحیی علیه السلام هرگاه که شبی با پدر در جواب

لبیک یا یحیی شنیدی

از

حضرت

ابی جعفر صلوات الله علیه مرویست که

جبرئیل لقمه بر آهن مریم علیها السلام را گرفت

و با وی در وی دمید همانساعت فرزندی

در رحمش تمام خلقت شد مانند طفلی که در رحم

نه ماهه شود پس مریم بیرون آمد از آنجا که غسل

میکرد و حال آنکه حامله بسیکین بار بود و خاله اش

که او را دید نشناخت و از همان راهی که داشت

ارشم خاله اش یعنی زن دکر تا و ارشم

ذکریا بجای دوری رفت و آنحمل را بر برد من

که اثبت و هم از حضرت صلوات الله علیه

مرویست که مدت حملش نه ماه بود و بعضی از

مفسرین شش ماه و برخی هشت ماه گفته اند که

این از معجزات آنحضرت است چو هیچ طفلی هشت ماهه

زنده و نخواهد ماند

وَكَانَ أَمْرًا مَقْضِيًّا ۞ فَحَمَلَتْهُ فَانْتَبَذَتْ بِهِ مَكَانًا قَصِيًّا ۞ فَأَجَاءَهَا

و هست این کاری حکم کرده شده ۞ پس آبستن کرد مریم را پس بکنار شد رفت بآن حمل در جائی که دور از شهر بود پس آورد مریم را

الْمَخَاضُ إِلَىٰ جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ يَا لَيْتَنِي مِتُّ قَبْلَ هَٰذَا وَكُنْتُ

درد زاییدن بسوی درخت ۞ خرما ۞ گفت مریم ای کاشکی مرده بودم ۞ پیش از اینحال و بودم من

نَسْيًا مَنْسِيًّا ۞ فَنَادَاهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ

چیز حقیر فراموش شده ۞ پس آواز داد مریم را از زیر قدم او آنکه اندوهگین مباش بدرستی که آفرید پروردگار تو

تَحْتَكِ سَرِيًّا ۞ وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطْ عَلَيْكِ

زیر قدم تو جوی آب ۞ و بجوی ای مریم بسوی خود بنه خرما ۞ خشک را که ۞ فرو ریزد ۞ بر تو

رُطَبًا جَنِيًّا ۞ فَكُلِي وَاشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا فَإِمَّا تَرَيِنَّ مِنَ

خرمای ۞ تر از بار چیده ۞ پس بخور از خرما ۞ و بیاشام از آب ۞ و روشن بدار چشم را پس اگر ببینی تو ۞ از

الْبَشَرِ أَحَدًا فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَٰنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ

آدمیان کسی را پس بگو باشاره که من نذر کردم ۞ برای خدای بخشاینده روزه صمت پس سخن نگویم امروز

إِنْسِيًّا ۞ فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا

آدمی ۞ پس آورد مریم عیسی را بسوی قوم خود که برداشته بود عیسی را گفتند ای مریم بدرستی که آمدی چیزی

فَرِيًّا ۞ يَا أُخْتَ هَارُونَ مَا كَانَ أَبُوكِ امْرَأَ سَوْءٍ وَمَا كَانَتْ

عجب را ۞ ای خواهر ۞ هرون ۞ نبود ۞ پدر تو ۞ مردی بد ۞ و نبود

أُمُّكِ بَغِيًّا ۞ فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ

مادر تو ۞ زناکار ۞ پس اشاره کرد مریم بسوی عیسی گفتند قوم خود که چگونه ۞ سخن گوییم ۞ از آنکه هست

فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا ۞ قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي

در گهواره ۞ کودک ۞ گفت عیسی بدرستی که من بنده خدایم ۞ داده مرا خدا کتاب ۞ و گردانیده

نَبِيًّا ۞ وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ

مرا پیغمبر ۞ و گردانید مرا ۞ مبارک یعنی شفای امراض هر جا باشم ۞ و وصیت کرد مرا باقامت نماز

وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ۞ وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا

و ادای زکوة تا مادام که باشم ۞ و گردانید مرا نیکوکار با مادرم ۞ و نگردانید مرا گردنکش

حزب

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که هشتاد آرزوی مرگ مریم آن بود که در قوم خود نمیدید خداوند فراغت و رشدی که نسبت بنی و زنا ما وند هد و میدانست که همه او را از انه خواهند گفت

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که آن نخله عجوه و عجوه نوعی است از خرما و در مدینه که بهترین انواع خرماهای بهشت است

از حضرت ابو جعفر علیه السلام مرویست که عیسی با پرزمین زد و خرما آبی پیدا شد

شَقِيًّا ۝ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ

بدبخت ۝ و رحمت خدا بر من روزیکه بزادم ۝ و روزی که بمیرم ۝ و روزیکه برانگیخته شوم

حَيًّا ۝ ذٰلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ۚ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ

زنده ۝ این مذکور ۝ عیسی پسر مریم است ۝ گفتار درست ۝ گر آن قول حق که در آن شک دارید

مَا كَانَ لِلّٰهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ ۖ سُبْحَانَهُ ۖ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ

سزاوار نباشد مر خدا را آنکه فرا گیرد و هیچ فرزندی منزه است ازو له چون حکم کند کاری را پس جز این نیست که گوید

لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ وَإِنَّ اللّٰهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ ۚ هٰذَا صِرَاطٌ

مر او را باش پس میباشد ۝ و بدرستی که خدا پروردگار من و پروردگار شماست پس بپرستید او را این است راه راست

مُسْتَقِيمٌ ۝ فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ ۖ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا

راست ۝ پس اختلاف کردند همه فرقه ها از میان یکدیگر ۝ پس وای مر آنرا که کافر شدند

مِنْ مَشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لٰكِنِ

از وقت حاضر شدن روز بزرگ ۝ چه شنوا باشند کافران ۝ و چه بینا باشند روزیکه بیایند بما لیکن

الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ

ستمکاران امروز ۝ در گمراهی هستند آشکار ۝ و بترسان ایشانرا از روز ندامت

إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ

وقتی که ساخته شود کار ایشان ۝ در غفلتند و ایشان ۝ نمیگروند ۝ بدرستیکه ما میراث گیریم

الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ ۝ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ

زمین را ۝ و هر که بر اوست ۝ و بسوی ما باز گشته شوند ۝ و یاد کن ۝ در قرآن

إِبْرٰهِيمَ ۚ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ۝ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ

قصه ابراهیم را ۝ بدرستی که او بود راستگو ۝ پیغمبر ۝ چون گفت ابراهیم مر پدر خود را ای پدر من مپرست

مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا ۝ يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ

چیزرا که نشنود ۝ و نمی بیند ۝ و دفع نمیکند ۝ از تو ۝ چیزی را ۝ ای پدر بدرستی که من

جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا

آمد مرا ۝ از دانش ۝ آنچه نیامد ترا ۝ پس پیروی کن مرا تا راه نمایم ترا راهی راست

بالآیة

باب

در ذکر آنحضرت نبی اسرائیل

پنجمرد شدند پاره بگفر آنحضرت قایل شدند

گفتند که از زنا بهم رسیده و یعقوبیه گفتند که او

خدا است و اسرائیلیه گفتند که او ثالث ثلاثه است

و بسه خدا قایل شدند خدا یتعالی و مریم و عیسی

علیهما السلام و تسطور گویند

که او پسر خدا است

در صحیح

مسلم از ابو سعید خدری

منقول است که رسول خدا فرمود که چون

اهل بهشت بهشت روند و دوزخیان را

بدوزخ برند منادی ندا کند که ای بهشتیان همه

گرد بهم برگشت و نظاره نمایند و گوید ای

دوزخیان همه گردنها برگشید بنظاره پس مر گرا

بیاورند بصورت قوچی فربه پس منادی ما هر دو

گروه گوید مر گرا می شناسید همه گویند آن

این قوچست مرگ همگی شناسند پس بکشند

آنگه راه بگشند پس بهشتیان گویند بشارت

باد شما را از جاویدان در بهشت که مرگ نیست

و باد دوزخیان گویند که ای ما را این همچم مرگ نیست

مبارک که مرگ دعا کنت پس آنحضرت فرمود که

این است تفسیر گفتار خدا که

و انذرهم یوم الحسرة

باجماع علمای امامیه رضی الله عنهم از آنکه حضرت

ابراهیم تبر از آن پدر نموده پدر آنحضرت

نبوده و ها علیها تربیت او را پدر خوانده

و اخبار در این باب بسیار است

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ

ای پدر مپرست شیطان را بدرستیکه شیطان هست مر خدای بخشنده را

عَصِيًّا ۝ يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِنَ الرَّحْمَٰنِ

نافرمان ای پدر بدرستی که من میترسم اگر برسد تو عذابی از خدا

فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا ۝ قَالَ أَرَاغِبٌ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ

پس باشی تو مر شیطان را یار و قرین گفت آیا روی گردانیده تو از خدایان من ای ابراهیم

لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا ۝ قَالَ سَلَامٌ عَلَيْكَ

اگر باز نایستی هر آینه سنگسار کنم تو را و دور کن از من زمانی گفت ابراهیم سلام بر تو باد

سَأَسْتَغْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا ۝ وَأَعْتَزِلُكُمْ وَمَا

زود باشد که آمرزش خواهم تو را از پروردگار خود بدرستی که خدا هست بمن مهربان و کناره گیرم از شما و آنچه

تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُو رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي

میخوانید شما از غیر خدا و میخوانم پروردگار خود را شاید که نباشم بخواندن پروردگار خود

شَقِيًّا ۝ فَلَمَّا اعْتَزَلَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُ

ناامید پس چون کناره گرفت مر ایشان را و آنچه می پرستیدند از غیر خدا وبخشیدیم ما او را

إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۖ وَكُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا ۝ وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِنْ رَحْمَتِنَا

اسحق و یعقوب و همه را گردانیدیم ما پیغمبر وبخشیدیم ما مر ایشان را از بخشش خود

وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا ۝ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ

و گردانیدیم ما برای ایشان زبان راست که بلند بود و یاد کن در قرآن

مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ۝ وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ

موسی را بدرستی که موسی بود پاک کرده شده و بود فرستاده پیغمبر و ندا کردیم او را از جانب کوه

الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا ۝ وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ

طور که دست راست بود و نزدیک گردانیدیم او را که رازگوینده بود و بخشیدیم او را از رحمت خود برادر او

هَارُونَ نَبِيًّا ۝ وَاذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ

هارون را پیغمبر و یاد کن در قرآن اسمعیل را بدرستی او بود راست گو

از حضرت ابی عبد الله

مرویست که آنحضرت با مردی وعده کرده بود که در جای مخصوص انتظار او برد و آن مرد وعده را فراموش نموده آنحضرت یکسال در آنمحل انتظار او برد تا آنکاه که آن مرد آمد و بعضی از مفسرین سه روز گفته اند و ما آمده ایم از آنحضرت گفته اند که آن اسمعیل ذبیح الله نبوده بلکه اسمعیل بن خزقیل است که حقتعالی او را پیغمبری بسوی قومش فرستاده بود و او مکرر مخالفت نموده پوست سر و روی خود را کنده پس حضرت حق سبحانه و تعالی او را مسخر ساخت در عذاب قومش و او از تقصیر ایشان درگذشت و بتو وحی فرستاد که الهی راضی شدم کار ایشان را بخدا که آشتی پس فرشته آمد از نزد پروردگار او گفت خداوند تو را سلام میرساند و میفرماید که دیدم آنچه قوم تو با تو کردند و امر فرمود که فرمان تو برم پس هر عقوبتی که نسبت بایشان اراده فرمائی بفرما تا بتقدیم رسانم آنحضرت فرمود که میخواهم اقتدا بشیوه حسن علیه السلام نمایم

الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا ۝ وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلٰوةِ وَ

وراست وعده و بود فرستاده خدا پیغمبر و بود که میفرمود کسان خود را بنماز کردن و

الزَّكٰوةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا ۝ وَاذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ إِدْرِيسَ

زکوة دادن و بود نزد پروردگار خود پسندیده و یاد کن در قرآن قصه ادریس را

إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا ۝ وَرَفَعْنٰهُ مَكَانًا عَلِيًّا ۝ أُولٰئِكَ الَّذِينَ

بدرستی او بود در راستگو پیغمبر و برداشتیم ما او را بمکانی بلند آنها آنانند

أَنْعَمَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ

که انعام کرد خدا بر ایشان از میان پیغمبران از فرزندان آدم و از فرزند آنها که برداشتیم با

نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَّةِ إِبْرٰهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا ۝

نوح و از فرزندان ابراهیم و یعقوب و از آنها که راه نمودیم و برگزیدیم

إِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ آيٰتُ الرَّحْمٰنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا ۝ فَخَلَفَ

چون خوانده شود بر ایشان آیات خدای بخشاینده بروی در افتادند سجده کنندگان و گریه کنندگان پس رسید

مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلٰوةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهَوٰتِ فَسَوْفَ

بعد از ایشان فرزندان که ضایع کردند نماز را و پیروی کردند آرزوها را پس زود باشد

يَلْقَوْنَ غَيًّا ۝ إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولٰئِكَ يَدْخُلُونَ

که برسند بجزای تباهی مگر آنکه توبه کرده باشند و گرویده باشند و کرده باشند کار نیکو پس آنگروه درآیند

الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا ۝ جَنّٰتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمٰنُ عِبَادَهُ

در بهشت و ستم کرده نشوند چیزی را در بهشتهای باقامت که وعده کرده است خداوند گان را

بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا ۝ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلٰمًا

که نهانند بدرستی که بود وعده خدا آینده نشنوند در بهشت سخن بیهوده مگر سلام

وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ۝ تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ

و مر ایشان راست روزی ایشان در بهشت صبح و شام این بهشت که میراث میدهیم

مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا ۝ وَمَا نَتَنَزَّلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ لَهُ

از بندگان خود را هر که پرهیزکار و فرو نمی آییم مگر بامر پروردگار تو مر اوراست

مابقی

از حضرت ابو جعفر صلوات الله علیه مرویست که ادریس را بآسمان بردند و قبض روح آنحضرت در آسمان چهارم و آسمان پنجم شد

از حضرت علی بن الحسین علیهما السلام مرویست که این آیه در شان ما نازل شده یعنی ما مقصودیم از ذریت ابراهیم و ظاهر آنست که ذریت هر اسرائیل اشاره به پیغمبران بنی اسرائیل باشند

مراد از ضایع گردانیدن نمازها خبر از حضرت صادق صلی الله علیه مرویست خبر آنهاست از اوقات فضیلت

مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَٰلِكَ ۚ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا

آنچه پیش روی ماست ✿ و آنچه در پس ماست ✿ و آنچه در میان اینهاست ✿ و نیست ✿ پروردگار تو فراموشکار

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ

پروردگار آسمانها ✿ و زمین ✿ و آنچه میان آنهاست ✿ پس پرست او را ✿ و صبر کن

لِعِبَادَتِهِ ۚ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا ✿ وَيَقُولُ الْإِنسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ

مر بندگی او را آیا میدانی ✿ خدایرا همنامی ✿ و میگوید ✿ آدمی آیا در وقتی که بمیرم

لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا ✿ أَوَلَا يَذْكُرُ الْإِنسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِن

هر آینه برون آورده شوم ✿ زنده ✿ آیا یاد میکند ✿ آدمی ✿ که ما آفریدیم او را از

قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا ✿ فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ

پیش ✿ و نبود ✿ چیزی ✿ پس قسم بپروردگار تو هر آینه فراهم آوریم ایشانرا با دیوان پس

لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ جَهَنَّمَ جِثِيًّا ✿ ثُمَّ لَنَنزِعَنَّ مِن كُلِّ شِيعَةٍ

حاضر سازیم همه را ✿ اطراف ✿ دوزخ گبزانو درآمده ✿ پس هر آینه ✿ از هر گروهی

أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَٰنِ عِتِيًّا ✿ ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ

هر که از ایشان سخت تر باشد بر ✿ خدای رحمن ✿ پس ما آگاتریم ✿ بآنکسانی ✿ ایشان ✿ سزاوارترند

بِهَا صِلِيًّا ✿ وَإِن مِّنكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا ۚ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا

بدوزخ ✿ از روی درآمدن ✿ نیست از شما ✿ مگر که رسنده است بدوزخ ✿ هست بر ✿ پروردگار تو ✿ حکم

مَّقْضِيًّا ✿ ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوا وَّنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا ✿

حکم کرده شده ✿ پس ✿ نجات دهیم آنانرا که پرهیزگاری کردند ✿ و بگذاریم ✿ ستمکارانرا در آتش ✿ گبزانو درآمده

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ

و چون خوانده شود بر ایشان ✿ نشانهای ما ✿ روشنها ✿ گویند ✿ آنانکه کافر شدند ✿ مر آنانرا که

آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَّقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا ✿ وَكَمْ

گرویدند ✿ از این ✿ دو گروه ✿ بهتر ند از روی مجلس و مکان ✿ بهتر ند از روی مجلس ✿ و بسا که

أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثَاثًا وَرِئْيًا ✿ قُلْ مَن كَانَ

هلاک کردیم ✿ پیش از ایشان ✿ از گروهی را که ایشان ✿ نیکوتر بودند از متاع و هیئت ✿ بگو هر که باشد

چون از بخضرت آمد آن
حال اصحاب کهف و ذی القرنین
روح پرسیدند و آنحضرت بروز
دیگر وعده داد و امید انکه جبرئیل علیه السلام
آید و چون این وعده را متعلق بمشیت نشناخت
جبرئیل چهل روز نیامد پس آمد و این عذر گفت
و این آیه در حکایت آن
عذر آمد

فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمٰنُ مَدًّا ۚ حَتّٰى إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ

در گمراهی پس مهلت کند برای خدا مهلتی و نزدیک هست تا آنچه وعده کرده میشوند بآن

إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ شَرٌّ مَكَانًا

یا عذاب دنیا و یا عذاب قیامت پس زود باشد که بدانند کیست او بدتر از روی مکان

وَأَضْعَفُ جُندًا ۞ وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَاتُ

و ضعیف تر از روی سپاه و زیاد میکند خدا آنان را که هدایت یافته اند راه یافتنی و کارهای

الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِندَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَرَدًّا ۞ أَفَرَأَيْتَ الَّذِي

شایسته که نماز پنجوقته و تسبیحات اربعه بهتر است نزد پروردگار تو از ثواب و بهتر است از روی بازگشت آیا دیدی تو آنرا که

كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتَيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا ۞ أَطَّلَعَ الْغَيْبَ أَمِ

کافر شد بنشانهای ما و گفت بخدا سوگند که داده شوم مال و فرزند آیا مطلع شده بر غیب یا

اتَّخَذَ عِندَ الرَّحْمٰنِ عَهْدًا ۞ كَلَّا ۚ سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ

گرفته است از نزد خداوند رحمان نه چنانست زود باشد که بنویسیم آنچه میگوید و باز کشیم

لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا ۞ وَنَرِثُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا ۞ وَاتَّخَذُوا

از برای او از عذاب باز کشیدنی و میراث گیریم بر ک او آنچه میگوید و پیش ما خواهد آمد تنها و فراگرفتند

مِن دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لِّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا ۞ كَلَّا ۚ سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ

غیر از خدا خدایان تا باشند مر ایشانرا عزیز کنندگان نه چنانست زود باشند که انکار کنند عبادت ایشانرا

وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا ۞ أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى

و باشند بر ایشان دشمن آیا ندیدی بدرستیکه فرستادیم شیطانها را بر

الْكَافِرِينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا ۞ فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ ۖ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا ۞

کافران حرکت میدهند ایشانرا بگناه پس تعجل مکن بر ایشان جز این نیست که میشماریم برای ایشان شمردنی

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمٰنِ وَفْدًا ۞ وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ

روزیکه جمع کنیم پرهیزکاران را بسوی خداوند خود گروه وارد شدگان باشند و میرانیم مجرمان را بسوی دوزخ گروه

وِرْدًا ۞ لَّا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِندَ الرَّحْمٰنِ عَهْدًا ۞

تشنگان باشند مالک نباشند شفاعت کردن کسی را مگر آنکه گرفته است از نزد خدا عهدی

وقالوا

حدیث ثمالی

روایت کرده اند که

در تفسیر خود از حضرت ابی جعفر صلوات الله

علیه روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و

آله فرمود با علی علیه السلام که بگو اللهم اجعل لی

عندک عهداً و اجعل لی فی قلوب المؤمنین ودّاً

پس علی علیه السلام این دو کلمه را گفت پس

این آیه نازل شد و از جابر بن عبد الله انصاری

هم نظیر آن را روایت کرده و از ابن عباس هم حکایت

کرده که گفت این آیه در شان خصوص علی ابن ابیطالب

پس هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه در دل او دوستی

علی علیه السلام باشد و مؤید بهمنی آنچه بصحت پیوست

از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که فرمود اگر بر من

بر مؤمن این شمشیر را برای آنکه مرا دشمن دارد

هرگز مرا دشمن ندارد و اگر دنیا را تمام منافق دهم که

مرا دوست دارد نخواهد داشت این جهتش آنست و همچنین

که در زبان پیغمبر گذشته که دشمن ندارد تو را مسیح

مؤمنی و دوست ندارد تو را هیچ منافقی

تصنیف

شفا عبارتست از کردن کاری که باعث مثقب

نفس باشد و از حضرت صادق مرویست که حضرت

رسول خدا در نماز بر یکپای استاد و برای آزار نفس خود

این آیه نازل شد آنحضرت هر دو پای خود را

از

ابی عبد الله

علیه السلام روایت کرده که ترک کنید

قرائت طه و یس را بدرستی که هر که قرائت کند

میدارد این دو سوره را هر شب که قرائت کند

و بدان دوامت نماید نامه اعمال او را بدست

راست او دهند و بهشت ثواب او باشد

باشد که بحساب نیاید

تمت

سورة طه مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

طه ما انزلنا عليك القرآن لتشقى الا تذكرة لمن يخشى

تنزيلا ممن خلق الارض والسموات العلى الرحمن على العرش

وقالوا اتخذ الرحمن ولدا لقد جئتم شيئا ادا تكاد السموات

يتفطرن منه وتنشق الارض وتخر الجبال هدا ان دعوا

للرحمن ولدا وما ينبغي للرحمن ان يتخذ ولدا ان كل من في

السموات والارض الا اتي الرحمن عبدا لقد احصاهم وعدهم

عدا وكلهم اتيه يوم القيمة فردا ان الذين امنوا

وعملوا الصالحات سيجعل لهم الرحمن ودا فانما يسرناه

بلسانك لتبشر به المتقين وتنذر به قوما لدا وكم اهلكنا

قبلهم من قرن هل تحس منهم من احد او تسمع لهم ركزا

اِسْتَوٰی ۞ لَهٗ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ وَمَا بَیْنَهُمَا وَمَا

بستولی کست ۞ مراورا است آنچه در آسمانها ۞ و آنچه در زمینست ۞ و آنچه میان این هردوست

تَحْتَ الثَّرٰی ۞ وَاِنْ تَجْهَرْ بِالْقَوْلِ فَاِنَّهٗ یَعْلَمُ السِّرَّ وَاَخْفَی ۞

و آنچه در زیر خاکست ۞ و اگر بلند گوئی ۞ گفتن خود را پس بدرستی که میداند ۞ پوشیده و پنهانتر را

اَللّٰهُ لَاۤ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ لَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰی ۞ وَهَلْ اَتٰىكَ حَدِیْثُ

خدائی که نیست خدا بحقی مگر او ۞ مراورا است نامهای نیکو ۞ و آیا آمد ترا خبر

مُوْسٰی ۞ اِذْ رَاٰ نَارًا فَقَالَ لِاَهْلِهِ امْكُثُوْۤا اِنِّیْۤ اٰنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّیْۤ

موسی ۞ چون آمد و دید آتش را ۞ وادی ایمن را ۞ پس گفت ۞ مر اهل خود را که درنگ کنید ۞ بدرستی که من دیدم آتشی را شاید من

اٰتِیْكُمْ مِّنْهَا بِقَبَسٍ اَوْ اَجِدُ عَلَی النَّارِ هُدًی ۞ فَلَمَّاۤ اَتٰىهَا نُوْدِیَ

بیارم برای شما از آنجا پاره ۞ یا بیابم ۞ بر آتش ۞ راهنماینده ۞ پس چون آمد نزد آتش ۞ ندا کرده شد

یٰمُوْسٰۤی ۞ اِنِّیْۤ اَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَیْكَ ۚ اِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ

ای موسی ۞ بدرستی که منم پروردگار تو پس ۞ برون کن نعلین خود را بدرستی که تو ۞ بوادی پاکیزه که

طُوًی ۞ وَاَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا یُوْحٰۤی ۞ اِنَّنِیْۤ اَنَا اللّٰهُ لَاۤ اِلٰهَ

طوی اوست ۞ و من ۞ برگزیدم تو را پس گوش دار ۞ آنچه را که وحی کرده شده ۞ بدرستیکه منم خدای بحق نیست خدائی

اِلَّاۤ اَنَا فَاعْبُدْنِیْ ۙ وَاَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِكْرِیْ ۞ اِنَّ السَّاعَةَ

مگر من ۞ پس بندگی مرا ۞ و بپای دار ۞ نماز را ۞ برای یاد کردن من ۞ بدرستی که قیامت

اٰتِیَةٌ اَكَادُ اُخْفِیْهَا لِتُجْزٰی كُلُّ نَفْسٍۢ بِمَا تَسْعٰی ۞ فَلَا یَصُدَّنَّكَ

آینده است نزدیکست که پنهان کنم از آنرا تا جزا داده شود هر نفسی ۞ بآنچه میکوشد ۞ پس باید که باز ندارد ترا

عَنْهَا مَنْ لَّا یُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوٰىهُ فَتَرْدٰی ۞ وَمَا تِلْكَ بِیَمِیْنِكَ

از قیامت آنکس که ایمان ندارد بآن ۞ و پیروی کرده از روی هوس خود را پس هلاک شوی ۞ و چیست این در دست راست تو

یٰمُوْسٰی ۞ قَالَ هِیَ عَصَایَ ۚ اَتَوَكَّؤُا عَلَیْهَا وَاَهُشُّ بِهَا عَلٰی غَنَمِیْ

ای موسی ۞ گفت موسی این عصای منست ۞ تکیه میکنم ۞ بر آن ۞ و فرو میریزم بآن برگ درخت را ۞ برای

وَلِیَ فِیْهَا مَاٰرِبُ اُخْرٰی ۞ قَالَ اَلْقِهَا یٰمُوْسٰی ۞ فَاَلْقٰىهَا فَاِذَا

گوسفندان خود ۞ و برای من در آن حاجتهای دیگر هست ۞ گفت خدا بینداز تو آنرا ای موسی ۞ پس بینداخت آنرا پس آنجا

گفته اند که مراد از سر گفتار است که با یکدیگر در مقام راز گفتن به پنهانی و آواز میشنود و مراد از خفی تر از آن حدیث نفس است و از حضرات ائمه دین علیهم السلام مرویست که مراد از سر حدیث نفس است و از خفی تر آنچه بخاطر آدمی میرسد پس فراموش کند

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که معنی این آیه کریمه آنست که هر گاه بخاطرت رسد که نماز می برزه ست آنرا بگذار خواه در وقت باشد خواه بعد از وقت

از عباس گفته که مراد آنست که تردیکست که وقت آمدن رور رستخیز را از خود هم مخفی دارم چه جای آنکه بدیگران بنمایم و بعضی در تصحیح این سخن گفته که عادت عرب است که هر گاه خواهند مبالغه در اخفای شی بگویند خود کنند گویند نهان داشتم آنرا حتی از نفس خود و حقیقتی در این کریمه مبالغه در اخفای آن نموده بر وفق متعارف عرب و بعضی گفته اند که معنی آنست که میخواهم آنرا نهان دارم از غیر خود

حَيَّةٌ تَسْعَى ۝ قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا

آن مارى شد كه مى‌شافت ۝ گفت خدا بگيرآن را ۝ و مترس پس از او زود باشد كه ۝ اورا برگردانيم بصورت

الْأُولَى ۝ وَاضْمُمْ يَدَكَ إِلَى جَنَاحِكَ تَخْرُجْ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ

اوّل ۝ و با هم آور دست خود را بسوى پهلوى خود چون بيرون آرى آن دست سفيد روشن بى

سُوءٍ آيَةً أُخْرَى ۝ لِنُرِيَكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَى ۝ اذْهَبْ إِلَى

بدى كه آن معجزه ديگر است ۝ تا بنمايم تو را از نشانهاى خود كه بزرگست ۝ برو با اين معجزه بسوى

فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَى ۝ قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ۝ وَيَسِّرْ لِي

فرعون بدرستى كه او از حد در گذشته است گفت پروردگارا گشاده گردان ۝ براى من سينه مرا ۝ و آسان كن براى من

أَمْرِي ۝ وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي ۝ يَفْقَهُوا قَوْلِي ۝ وَاجْعَلْ

امر مرا ۝ و بگشاى ـ گره ۝ از زبان من ۝ تا فهم كنند گفتار مرا ۝ و بگردان

لِي وَزِيرًا مِنْ أَهْلِي ۝ هَارُونَ أَخِي ۝ اشْدُدْ بِهِ أَزْرِي ۝ وَأَشْرِكْهُ

براى من وزيرى ۝ از كسان من ۝ هرون برادر من ۝ محكم كن بهرون پشت مرا ۝ و شريك كن او را

فِي أَمْرِي ۝ كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا ۝ وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا ۝ إِنَّكَ كُنْتَ

در كار من ۝ تا تسبيح كنيم تو را بسيار ۝ و ياد كنيم تو را ۝ بسيار بدرستى كه تو هستى

بِنَا بَصِيرًا ۝ قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَا مُوسَى ۝ وَلَقَدْ مَنَنَّا عَلَيْكَ

باحوال ما بينا ۝ گفت خدا محقق كه داده شدى آنچه سؤال كردى اى موسى ۝ و بتحقيق منت نهاديم بر تو

مَرَّةً أُخْرَى ۝ إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَى أُمِّكَ مَا يُوحَى ۝ أَنِ اقْذِفِيهِ فِي

مرتبه ديگر ۝ وقتيكه وحى كرديم ما بسوى مادر تو آنچه وحى كرده شد ۝ كه بيفكند از فرزند خود را در

التَّابُوتِ فَاقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ ۝ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ

تابوت ۝ پس بيفكن او را در دريا ۝ پس بيفكند او را دريا بر كنار ۝ فرا گيرد او را

عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُ ۝ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي ۝ وَلِتُصْنَعَ

دشمن من ۝ و دشمن او ۝ و افكندم ۝ بر تو ۝ دوستى از من ۝ و تا پرورده شوى

عَلَى عَيْنِي ۝ إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَى مَنْ يَكْفُلُهُ

بر ديدن من ۝ ياد كن وقتيكه آيد خواهر تو پس گفت او ۝ آيا دلالت كنم شما را ۝ بر كسيكه كفالت او را

فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۚ وَقَتَلْتَ نَفْسًا

اورا کند در شیر دادن پس برگردانیدیم تورا بسوی مادر تو تا روشن شود چشم او و نه اندوهناک گردد ۞ و کشتی تو ۞ قبطی را

فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا ۚ فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ

پس نجات دادیم تورا از غم ۞ و آزمودیم تورا آزمودنی ۞ پس درنگ کردی سالهائی متعدده در میان اهل

مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يَا مُوسَىٰ ۚ وَاصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي ۚ اذْهَبْ

مدین پس آمدی تو بر اندازه ۞ ای موسی ۞ و برگزیدیم تورا برای دوستی خود ۞ برو

أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي ۚ اذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ

تو و برادر تو ببعجزات ما ۞ و سستی مکنید در رسانیدن پیغام من ۞ بروید هر دو ۞ بسوی فرعون

إِنَّهُ طَغَىٰ ۚ فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ ۚ قَالَا

بدرستی که او از حد در گذشته است پس بگویید با او گفتنی نرم ۞ شاید او پند گیرد ۞ یا بترسد ۞ گفتند

رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَىٰ ۚ قَالَ لَا تَخَافَا

پروردگار ما بدرستی که ما میترسیم انکه فرعون عقوبت کند بر ما ۞ یا انکه زیاده سرکشی کند ۞ گفت خدا مترسید

إِنَّنِي مَعَكُمَا أَسْمَعُ وَأَرَىٰ ۚ فَأْتِيَاهُ فَقُولَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ

بدرستیکه من با شمایم می شنوم دعای شما را و می بینم ۞ پس آمدند او را پس گفتند بدرستی که فرستادگان پروردگار

فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ ۙ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ ۖ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِنْ

تو ایم پس بفرست با ما پسران یعقوب را ۞ و عذاب مکن ایشانرا ۞ بحقیق آمدیم ما بتو نشانه از

رَبِّكَ ۖ وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ ۚ إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ

پروردگار تو و سلامتی و جهان بر کسیکه پروی کند راه راست را ۞ بدرستیکه ما بحقیق وحی شد بسوی ما انکه عذاب

عَلَىٰ مَنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۚ قَالَ فَمَنْ رَبُّكُمَا يَا مُوسَىٰ ۚ قَالَ رَبُّنَا

خدا بر کسیست که دروغ بست بر انبیا و روگردانید از ایشان ۞ گفت پس کیست پروردگار شما ای موسی ۞ گفت موسی پروردگار ما

الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَىٰ ۚ قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ

آنست که عطا کرد هر چیزی را از مخلوقات صورتی پس راه نمود ۞ گفت پس چیست حال قرنهای

الْأُولَىٰ ۚ قَالَ عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ ۖ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا

پیشین ۞ گفت موسی علم بحال ایشان نزد پروردگار من است در کتابی که ۞ خطا نکند پروردگار من و

این کنایه از آن است که رعیت مالی چنانچه من میخواهم چه کار شخصی کاری برای دیگری در برابر چشم او کند چنانچه او میخواهد خواهد کرد بسی تمام بخلاف آنکه خائنانه او کند گاه باشد که مسامحه کند و بعضی گفته اند که معنی آیست که تربیت مالی بحفظ و حمایت چه بر کار خواهند و عاشند شخصی را با اینکه حقتعالی خطاب فرمود علیک حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم در مجمع البیان روایت کرده که فرمود در حق موسی را که پیکشت گشت فرعون را از روی خطا و حال مردی را از روی خطا و حال دوازده سال بود گویند خطاب شد بموسی که بمصر برود وحی آمد در مصر بهارون که باستقبال موسی از مصر بیرون بیرون رود در یکمنزلی مصر بهم برخوردند و آنجا مخاطب باین خطابات گردیدند

نیسی ۞ الذی جعل لکم الارض مهدا وسلک لکم فیها سبلا

فراموش نمیکند آنخدائی که گردانید برای شما زمین را نوابش ۞ وپیدا کرد برای شما در زمین راهها

وانزل من السماء ماء فاخرجنا به ازواجا من نبات شتی ۞

وفرستاد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم ما بآن اصناف گوناگون از رستنی پراکنده

کلوا وارعوا انعامکم ان فی ذلک لآیات لاولی النهی

بخورید وبچرانید چهارپایان خود را بدرستی که در این علامتهاست مرخداوندان خرد را

منها خلقناکم وفیها نعیدکم ومنها نخرجکم تارة اخری ۞ و

از زمین آفریدیم شما را ودر زمین باز آریم شما را ودر زمین بیرون آریم شما را مرتبه دیگر و

لقد اریناه آیاتنا کلها فکذب وابی ۞ قال اجئتنا لتخرجنا

بدرستیکه نمودیم ما او را یعنی فرعون را معجزهای خود همه را پس بدروغ داشت موسی را وابا کرد گفت آیا آمده مارا تا بیرون کنی

من ارضنا بسحرک یا موسی ۞ فلنأتینک بسحر مثله فاجعل بیننا

ما را از زمین ما بسحر خود ای موسی پس هرآینه بیاریم برای تو جادوئی مانند جادوئی تو پس مقرر کن میان ما

وبینک موعدا لا نخلفه نحن ولا انت مکانا سوی ۞ قال

ما ومیان خود وعده شما که خلاف نکنیم آنرا ما ونه تو در جائی که مساوی وهموار باشد گفت

موعدکم یوم الزینة وان یحشر الناس ضحی ۞ فتولی فرعون

زمان وعده شما روز آرایشست و جمع کرده شوند مردمان در چاشت پس برگشت فرعون

فجمع کیده ثم اتی ۞ قال لهم موسی ویلکم لا تفتروا علی الله

پس فراهم آورد کید او سحر خود را پس آمد گفت مرایشانرا موسی وای بر شما دروغ مبندید بر خدا

کذبا فیسحتکم بعذاب وقد خاب من افتری ۞ فتنازعوا

دروغی را پس مضطر گرداند شما را بعذاب وبحقیق گویی بهره شد هر که دروغ بست پس منازعه کردند

امرهم بینهم واسروا النجوی ۞ قالوا ان هذان لساحران

کار خود را میان خود ونهان داشتند سرگوشی را گفتند بدرستیکه این دو لقمه ساحرانند که

یریدان ان یخرجاکم من ارضکم بسحرهما ویذهبا بطریقتکم

میخواهند بیرون کنند شما را از زمین شما بسحر خود ویبرند مذهب شما را که بهترین

المثلى فاجمعوا كيدكم ثم ائتوا صفا وقد افلح اليوم من
نه بهمات و آيين پس جمع كنيد ادوات حيله خود را پس بيائيد بوعده گاه صف زده و بتحقيق كه رستگار شد امروز
استعلى قالوا يا موسى اما ان تلقى واما ان نكون اول من
كه برتر شد (؟) گفتند اى موسى يا انست كه تو مى افكنى عصا را يا آنكه ما باشيم اول كسى كه
القى قال بل القوا فاذا حبالهم وعصيهم يخيل اليه من
بيفكند گفت بلكه بيفكنيد پس چون خود را گفت موسى بلكه بيفكنيد از پس آنوقت ريسمانهاى ايشان وعصاهاى ايشان نمود شده بموسى از
سحرهم انها تسعى فاوجس في نفسه خيفة موسى قلنا لا
جادوى ايشان انكه اينها ميشتابند پس دريافت در دل خود ترسى موسى گفتيم ما
تخف انك انت الاعلى والق ما في يمينك تلقف ما صنعوا
مترس بدرستى كه تو اى تو برتر و بيفكن آنچه در دست راست تست تا فرو برد آنچه كردند ساحران
انما صنعوا كيد ساحر ولا يفلح الساحر حيث اتى فالقي
جز اين نيست كه ساخته اند فريبهاى جادوان و پيشكار نميشود ساحر هر جا كه آيد پس درافكنده شدند
السحرة سجدا قالوا امنا برب هرون وموسى قال امنتم له
جادوان سجده كننده گفتند گرويديم بپروردگار هرون و موسى گفت فرعون آيا ايمان آورديد
قبل ان اذن لكم انه لكبيركم الذي علمكم السحر
موسى را پيش از انكه رخصت دهيم مر شما را بدرستيكه او بزرگ شماست انكه آموخت شما را جادوئى
فلاقطعن ايديكم وارجلكم من خلاف ولاصلبنكم في جذوع
پس ببرم دستهاى شما را و پاهاى شما را از خلاف هم و هر آينه بياويزم شما را در شاخهاى درخت
النخل ولتعلمن ايتنا اشد عذابا وابقى قالوا لن نؤثرك
خرما و هر آينه بدانيد كه كدام يك از ما سخت تر است از روى عذاب و پاينده تر گفتند البته اختيار نكنيم تو را
على ما جاءنا من البينات والذي فطرنا فاقض ما انت قاض
بر آنچه آمد ما را از معجزات و بر خدائى كه آفريد ما را پس حكم كن آنچه تو حكم كننده
انما تقضي هذه الحيوة الدنيا انا امنا بربنا ليغفر لنا
جز اين نيست كه حكم اين زندگانى دنيا را بدرستى كه گرويديم ما بپروردگار خود تا بيامرزد ما را

خطايانا

خَطَايَانَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ۝ إِنَّهُ

گناهان ما را و آنچه اکراه کردی ما را بر آن از جادوئی و خدا بهتر است و پاینده‌تر بدرستی که

مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى

هر که بیاید نزد پروردگار خود گناهکار پس مر او راست دوزخ که نمیرد در آن و نه زنده می‌شود

وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ

و هر که بیاید او را گرونده و کرده باشد کارهای شایسته پس آنگروه مر ایشانراست مرتبه‌های بلند

الْعُلَى ۝ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا

عالی و بوستانهای باقامت که میرود از زیر آنها نهرها که جاویدند در آن

وَذَلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّى ۝ وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى أَنْ أَسْرِ

و این جزای کیست که پاکست و بتحقیق که وحی کردیم ما بسوی موسی آنکه ببر

بِعِبَادِي فَاضْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَافُ دَرَكًا

بندگان خود را پس بگزدان برای ایشان راهی در دریا که خشک باشد نترس از درک یافتن

وَلَا تَخْشَى ۝ فَأَتْبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ فَغَشِيَهُمْ مِنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ

و نه ترسیدن پس از پی درآمد ایشانرا فرعون با لشکر خود پس فرو گرفت ایشانرا از دریا آنچه ایشانرا فرو گرفت

وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ وَمَا هَدَى ۝ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ

و گمراه کرد فرعون قوم خود را و راه ننمود ای پسران یعقوب بتحقیق ما نجات دادیم شما را

مِنْ عَدُوِّكُمْ وَوَاعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنَ وَنَزَّلْنَا

از دشمنان شما و وعده دادیم شما را بطرف کوه طور از دست راست و فرستادیم

عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى ۝ كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا

بر شما ترنجبین و مرغ بریان بخورید از پاکیزه‌ها آنچه روزی کردیم شما را و از

تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحْلِلْ عَلَيْهِ غَضَبِي

سرکشی مکنید در آن پس فرود آید بر شما خشم من و هر که فرود آید بر او خشم من

فَقَدْ هَوَى ۝ وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ

پس بتحقیق که افتاد در هلاک و بدرستیکه من هر آینه آمرزنده‌ام مر کسی را که توبه کرد و ایمان آورد و کرد کار شایسته

اهتدی ۞ وما اعجلک عن قومک یا موسی ۞ قال هم اولاء

راه راست یافت ۞ وچه چیز شتابان کرد تو را از قوم تو ۞ ای موسی ۞ گفت ایشانرا

علی اثری وعجلت الیک رب لترضی ۞ قال فانا قد فتنا

بر اثر من ۞ و شتاب کردم بسوی تو پروردگار ما خشنود شوی از من گفت خدا پس ما بر سی که ما معامله آزمایندگان

قومک من بعدک واضلهم السامری ۞ فرجع موسی الی

گردیم قوم تو را ۞ بعد از تو ۞ و گمراه کرد ایشانرا ۞ سامری ۞ پس برگشت ۞ موسی بسوی

قومه غضبان اسفا ۞ قال یا قوم الم یعدکم ربکم وعدا

قوم خود که خشمناک بود اندوهگین ۞ گفت ۞ ای قوم ۞ آیا وعده نداده بود شما را پروردگار شما وعده

حسنا ۞ افطال علیکم العهد ام اردتم ان یحل علیکم

خوب ۞ آیا پس دراز شد ۞ بر شما زمان مفارقت من ۞ یا خواستید ۞ انکه فرود آید بر ایشان

غضب من ربکم فاخلفتم موعدی ۞ قالوا ما اخلفنا موعدک

خشمی ۞ از پروردگار شما پس خلاف کردید ۞ وعده مرا ۞ گفتند که ما نه پرستیدن خلاف بکردیم وعده تو را

بملکنا ولکنا حملنا اوزارا من زینة القوم فقذفناها

باختیار خود ۞ ولیکن ۞ برداشتیم بارهای گرانرا ۞ از زیور ۞ قبطیان ۞ پس درانش انداختیم زیورها را

فکذلک القی السامری ۞ فاخرج لهم عجلا جسدا له خوار

پس همچنین ۞ انکند سامری آنرا در آتش ۞ پس بیرون آورد برای ایشان گاوساله مر او را بانگی بود

فقالوا هذا الهکم واله موسی ۞ فنسی افلا یرون الا

پس گفتند ۞ این است ۞ خدای شما ۞ و خدای موسی ۞ پس فراموش کرد خدا را آیا پس نمی بینند

یرجع الیهم قولا ۞ ولا یملک لهم ضرا ولا نفعا ۞ ولقد قال

انکه باز نمیگردد بسوی ایشان گفتار جواب ۞ و مالک نیست برای ایشان ۞ ضرری ۞ و نه سودی ۞ و بتحقیق که گفت

لهم هرون من قبل یا قوم انما فتنتم به وان ربکم الرحمن

مر ایشانرا هرون ۞ پیش از آمدن موسی ای قوم جز این نیست که مبتلا شدید بان و بدرستی که پروردگار شما بخشنده است

فاتبعونی واطیعوا امری ۞ قالوا لن نبرح علیه عاکفین حتی

يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ ۚ قَالَ يَا هَٰرُونُ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا

برگردد (۱۵) بسوی ما (۱۶) موسی (۱۷) گفت (۱۸) ای هرون (۱۹) چه چیز منع کرد تو را چون دیدی ایشان را (۲۰) گمراه شده

أَلَّا تَتَّبِعَنِ ۖ أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي ۚ قَالَ يَا بْنَؤُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا

آنکه از عقب من بیایی (۲۱) آیا سرکشیدی از فرمان من (۲۲) گفت ای پسر مادر من (۲۳) فرا مگیر (۲۴) محاسن مرا (۲۵) و نه

بِرَأْسِي ۖ إِنِّي خَشِيتُ أَن تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ

موی سر مرا (۲۶) که من ترسیدم (۲۷) از آنکه (۲۸) بگوئی تو جدائی انداختی میان (۲۹) پسران یعقوب (۳۰) و نگاه نداشتی

قَوْلِي ۞ قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَامِرِيُّ ۞ قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا

سخن مرا (۳۱) گفت پس چیست کار عظیم تو ای سامری (۳۲) گفت (۳۳) بینا شدم بآنچه (۳۴) ندیدند

بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَٰلِكَ سَوَّلَتْ

آنرا (۳۵) پس قبض کردم (۳۶) قبضه (۳۷) از (۳۸) نشان قدم (۳۹) جبرئیل پس افکندم آنرا (۴۰) و همچنین (۴۱) بیاراست

لِي نَفْسِي ۞ قَالَ فَاذْهَبْ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَن تَقُولَ لَا مِسَاسَ

برای من نفس من (۴۲) گفت پس برو تو پس بدرستی مر تو راست در زندگانی دنیا (۴۳) آنکه بگوئی بهر پرس که مس کن مرا

وَإِنَّ لَكَ مَوْعِدًا لَّن تُخْلَفَهُ ۖ وَانظُرْ إِلَىٰ إِلَٰهِكَ الَّذِي ظَلْتَ

و بدرستی که مر ترا وعده ایست (۴۴) که خلاف نکنیم (۴۵) و بنگر (۴۶) بسوی خدای که بودی همه روز در بندگی

عَلَيْهِ عَاكِفًا ۖ لَّنُحَرِّقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا ۞ إِنَّمَا إِلَٰهُكُمُ

بر او بودی مقیم (۴۷) هر آینه بسوزانیم او را پس پراکنده کنیم آنرا در دریا (۴۸) پراکندنی (۴۹) جز این نیست که خدای شما

اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا ۞ كَذَٰلِكَ نَقُصُّ

خدائیست (۵۰) که نیست معبودی مگر او (۵۱) فرا گرفته (۵۲) بهر چیز (۵۳) علم او (۵۴) همچنین قصه کنیم

عَلَيْكَ مِنْ أَنبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ ۚ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِن لَّدُنَّا ذِكْرًا

بر تو (۵۵) از اخبار (۵۶) آنچه پیشی گرفته (۵۷) و بتحقیق که دادیم تو را از نزد خود (۵۸) قرآن

مَّنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وِزْرًا ۞ خَالِدِينَ فِيهِ ۖ

هر که روی بگرداند از قرآن (۵۹) پس بدرستیکه او بردارد روز قیامت بار گرانی (۶۰) که جاوید باشند در آن

وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حِمْلًا ۞ يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ ۚ وَنَحْشُرُ

و بدست مر ایشان را (۶۱) روز قیامت بار ایشان (۶۲) روزیکه دمیده شود در صور (۶۳) و حشر کنیم

مساس

صیغهٔ فعال است از

مماسته و معنی لا مساس این است که با بعضی

از ما بعضی را مس نکند و در مجمع البیان گفته

بقول بعضی که همگی بنی اسرائیل و غیر ایشان هم

آلهی مأمور شدند که با سامری مجانبت و مصاحبت

نکنند و خرید و فروشی با او ننمایند کار بر او تنگ شد

در صحراها با بهائم میچریدند و از این جهت مشوش

که اولاد او هم باین بلا مبتلا شدند حتی آنکه

باز ماندگان ایشان هم تا امروز چنین اند

و کسی را که در بیابانها به بیند گویند لا مساس

یعنی نزدیک من میا و دست بمن مرسان

بدانند و دست و اگر یکی از ایشان را بادبگری

از غیر ایشان مماسته بعضوی واقع شدی هر دو

فی الفور تب دار می شدند و مترجم گوید که از

شیخ محقق فاضل مدقق عالم ربانی شیخ علی نوه

شیخ علی بن شیخ ایشان شیخ سعید شهید ثانی رحمن

آلهن قدس سره شنیدم که یکی از مشایخ علماء

دقایقات حکایت کرد که در یکی از صحراهای شام

شخصی عریان میگشت و میگفت لا مساس و از

حضرت ابو جعفر مرویست که موسی اراده

کشتن سامری نمود وحی آمد که ای موسی او را

مکش که بحلیهٔ سخاوت

محلی است

المجرمين يومئذ زرقا ۝ يتخافتون بينهم ان لبثتم الا عشرا

کنا بکارانرا در آنروز که کبود چشمان باشند ۝ پنهان میان خودشان ۝ در نگ نکردیم در دنیا ۝ مگر ده شبانه روز

نحن اعلم بما يقولون اذ يقول امثلهم طريقة ان لبثتم الا يوما

ما داناتریم ۝ بانچه میگویند ۝ وقتیکه گویند ۝ تمامتر ایشان ۝ از روی خرد ۝ درنگ نکردید ۝ مگر روزی

ويسئلونك عن الجبال فقل ينسفها ربي نسفا ۝ فيذرها قاعا

و ۝ پرسند یا محمد تو را ۝ از کوهها ۝ پس بگو پراکنده خواهد نمود آنرا پروردگار من پراکنده کردنی پس بگذارد آنرا

صفصفا ۝ لا ترى فيها عوجا ولا امتا ۝ يومئذ يتبعون

در حالتیکه زمین هموار باشد ۝ نه پستی در آن ۝ اعوجاجی و نه اندک بلند ۝ در آنروز پیروی میکنند مردمان

الداعي لا عوج له وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا

اسرافیل را ۝ هیچ کجی نباشد ۝ او را و پست شود ۝ آوازها ۝ از برای خدا پس نشنوی در آنروز ۝ مگر

همسا ۝ يومئذ لا تنفع الشفاعة الا من اذن له الرحمن ورضي

آواز نرم را ۝ در آنروز سود ندهد ۝ شفاعت ۝ مگر آنکه رخصت دهد مر او را خدا و رضای

له قولا ۝ يعلم ما بين ايديهم وما خلفهم ولا يحيطون به علما

او باشد در سخن گفتن ۝ میداند ۝ خدا آنچه پیش ایشان است ۝ و آنچه پس ایشانست ۝ و احاطه نتوانند کرد بذات خدا از روی

وعنت الوجوه للحي القيوم وقد خاب من حمل ظلما ۝ ومن يعمل

دانش و خواری و ذلیل باشد رویها از برای خدای زنده پاینده و بدرستی که بهره است هر که برداشت ستمی ۝ و هر که عمل میکند

من الصالحات وهو مؤمن فلا يخاف ظلما ولا هضما ۝ و

از کرداریستها ۝ و او گرویده باشد پس نترسد در آنروز از ستم ۝ و نه از شکست ۝ و

كذلك انزلناه قرانا عربيا وصرفنا فيه من الوعيد لعلهم

مانند آن فرستادیم ما نکبارا که قرآن عربیست ۝ و مکرر کردانیدیم در آن از آیات وعید شاید ایشان

يتقون او يحدث لهم ذكرا ۝ فتعالى الله الملك الحق ولا

بپرهیزند یا احداث کند قرآن برای ایشان ۝ پندی ۝ پس بلند مرتبه است خدای پادشاه راست ۝ و

تعجل بالقران من قبل ان يقضى اليك وحيه ۝ وقل رب

شتاب مکن بقرآنت قرآن ۝ پیش از آنکه ادا کرده شود ۝ بسوی تو ۝ وحی آن ۝ و بگو پروردگارا

داعی اسرافیل است
که مردگان را بمیدان صور خوانند
بجایگاه خلایق

زِدْنِي عِلْمًا ۞ وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلُ فَنَسِيَ وَلَمْ نَجِدْ

پیغامبر او را دانش ۞ و بدرستی که عهد کردیم ما ۞ بسوی آدم ۞ پیش از تو پس فراموش کرد عهد و نیافتیم

لَهُ عَزْمًا ۞ وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا

مر او را عزمی ۞ و چون گفتیم ۞ مر فرشتگان را که سجده کنید مر آدم را ۞ پس سجده کردند

إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ ۞ فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَٰذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ

مگر شیطان که ابا کرد ۞ پس گفتیم ما ای آدم ۞ بدرستی که این دشمن ۞ مر ترا ۞ و زن ترا

فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰ ۞ إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا

پس باید بیرون کند شما را ۞ از بهشت پس در رنج افتی تو ۞ بدرستی که مر ترا است در بهشت که گرسنه نشوی در آن

وَلَا تَعْرَىٰ ۞ وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَىٰ ۞ فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ

و نه برهنه باشی ۞ و بدرستی که تو تشنه نشوی در آن و در آفتاب نباشی ۞ پس وسوسه کرد با آدم

الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ

شیطان ۞ گفت ای آدم ۞ آیا راهنمائی کنم ۞ بر درخت ۞ جاوید ۞ و پادشاهی که

لَا يَبْلَىٰ ۞ فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا

کهنه نشود ۞ پس بخوردند از آن گندم پس ظاهر شد مر ایشان را عورت ایشان ۞ و در ایستادند

يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ

میچسبانیدند ۞ بر عورات خود از ۞ برگ درخت بهشت ۞ و خلاف کرد آدم بر پروردگار خود را پس بیره ماند

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ ۞ قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا

پس برگزید آدم را پروردگار او پس قبول کرد توبه او را و راه نمود او را ۞ گفت فرود آیید از بهشت ۞ همه

بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى ۞ فَمَنِ اتَّبَعَ

بعضی از شما ۞ مر بعضی را دشمنند ۞ پس اگر بیاید بشما از من راهنمائی پس هر که پیروی کرد

هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَىٰ ۞ وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ

هدایت را ۞ پس گمراه نشود ۞ و نه برنج افتد ۞ و هر که روگردانید از ۞ ذکر من ۞ پس بدرستی که

لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَىٰ ۞ قَالَ رَبِّ

مر او را است زیستنی ۞ تنگ ۞ و حشر کنیم ۞ روز ۞ قیامت او را نابینا ۞ گفت خداوندا

معوذه

بن عمار گوید

که از حضرت صادق صلوات الله

علیه پرسیدم که مردی حج بگزارد

مالی دارد و فرمود که از مالی است که

خدا تعالی فرموده و نحشره یوم القیمة

اعمی گفتم سبحان الله کور محشور خواهد کرد

او را خدا تعالی از راه حق و اسلام

تمام شد الدرر

لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا ۝ قَالَ كَذَٰلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا

چرا اشرم کردی مرا نابینا و بحقیق بودم من بینا گفت خدا همچنین بود آمد ترا آیات ما

فَنَسِيتَهَا ۖ وَكَذَٰلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَىٰ ۝ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ

پس تو فراموش کردی و همچنین امروز فراموش کنم و همچنین جزا دهیم هر که اسراف کند

وَلَمْ يُؤْمِنْ بِآيَاتِ رَبِّهِ ۚ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَىٰ ۝ أَفَلَمْ

و نگرود بآیات پروردگار خود و هر آینه عذاب آنجهان سخت تر و پاینده تر است آیا

يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ ۗ

راه ننمود مشرکانرا بسا هلاک کردی پیش از ایشان از اصحاب قرنها که میرفتند در مکانهای خود

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِأُولِي النُّهَىٰ ۝ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ

بدرستیکه در این هر آینه علامتهاست مر خداوندان خرد را و اگر نه سخنی است که پیشی کرده

مِنْ رَبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُسَمًّى ۖ فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ

از پروردگار تو هر آینه بودی عذاب ایشان لازم و وقتی نامیده شده پس صبر کن بر آنچه میگویند

وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ

و تسبیح کن بستایش پروردگار تو پیش از طلوع آفتاب و پیش از فرو رفتن آن و از ساعات

اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ ۝ وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ

شب پس نماز گزارد و در طرفهای روز شاید که خشنود شود خدا و باز نکشد چشمت را

إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۚ

بسوی چیزی که متع کرده ایم بآن اصنافا از کفره را چون اهل کتاب بر نعمت زندگانی دنیا تا بیازمائیم ایشانرا در آن

وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ ۝ وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ

و روزی پروردگار تو بهتر است و پاینده تر و امر کن اهل بیت خود را بنماز و صبر کن

عَلَيْهَا ۖ لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا ۖ نَحْنُ نَرْزُقُكَ ۗ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ

بر نماز نمیخواهیم از تو روزی ما روزی میدهیم تو را و سرانجام مر پرهیزکار را راست

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِنْ رَبِّهِ ۚ أَوَلَمْ تَأْتِهِمْ بَيِّنَةُ مَا فِي الصُّحُفِ

و گفتند کفار چرا نمی آری بما نشانه از پروردگار خود آیا نیامد ایشانرا خبر آنچه در کتابها

از حضرت ابو جعفر صلوات الله علیه مرویست که حق تعالی رسول خود را امر فرمود در این آیه که اهل بیت خود را امر بنماز فرماید همه مردمان را با ایشان شریک گردانید تا بدانند مردمان که اهل بیت آنحضرت را خدا تعالی قرب و منزلتی است که دیگران را نیست پس در جای دیگر ایشان را از همه مردمان امر بنماز نمود و در اینجا خصوص ایشانرا مامور گردانید

الاولی ولو انا اهلکناهم بعذاب من قبله لقالوا ربنا لولا

پیش است و اگر ما هلاک کردیم کافررا بعذاب خود پیش ازاو هر آینه گفتند پروردگارا چرا

ارسلت الینا رسولا فنتبع ایاتک من قبل ان نذل ونخزی

نفرستادی بسوی ما پیغمبری پس پیروی میکردیم آیات تورا پیش از آنکه خوار شویم ورسوا گردیم

قل کل متربص فتربصوا فستعلمون من اصحاب الصراط

بگو همه منتظرند پس انتظار برید پس زود باشد که بدانید که کیست یاران راست

السوی ومن اهتدی

وشما ودرآنکه راه یافته است

سورة الانبیاء مائة واثنتا عشرة آیة مکیة

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشاینده مهربان

اقترب للناس حسابهم وهم فی غفلة معرضون ما یاتیهم

نزدیک شد مردم را حساب ایشان و ایشان در بیخبر اعراض کنندگان نیامد ایشانرا

من ذکر من ربهم محدث الا استمعوه وهم یلعبون لاهیة

هیچ پند از پروردگارشان تو فرستاده که تازه باشد مگر انکه بشنوند وایشان بازی میکنند مشغولند

قلوبهم واسروا النجوی الذین ظلموا هل هذا الا بشر مثلکم

دلهای ایشان و پوشیده میدارند راز خودرا آنانکه ستم کردند برخود آیا نیست این مگر آدمی مانند شما

افتاتون السحر وانتم تبصرون قال ربی یعلم القول فی

آیا میروید بسوی شما بی جادو و شما می بینید گفت پروردگار من میداند سخن هرکس را

السماء والارض وهو السمیع العلیم بل قالوا اضغاث

آسمان و زمین و اوست شنوای دانا بلکه گفتند قرآن آمیختهای

احلام بل افتریه بل هو شاعر فلیاتنا بایة کما ارسل الاولون

پراکنده است بلکه محمد بهم بسته دروغ اورا بلکه محمد شاعر است پس باید بیاورد بما آیتی همچنانکه بفرستادند پیغمبران مرسل پیش

ما امنت قبلهم من قریة اهلکناها افهم یومنون وما

ایمان نیاوردند پیش از ایشان از هیچ شهری که هلاک کردیم ایشانرا آیا پس ایمان می آورند ایشان و

منتظر
نصر تیم که خدا تعالی
بما وعده داده و شما انتظار
غلبه بر ما میبرید

الجزء
۱۷

از
ابو عبد الله
مروی است که هر که این سوره را
بشوق بخواند رفیق جمیع پیغمبران باشد در
جنات نعیم و در دنیا در چشم مردمان
عزیز و محترم باشد و حوا
نشود

ارسلنا قبلك الا رجالا نوحي اليهم فاسئلوا اهل الذكر

فرستاديم ما پيش از تو مگر مردان كه وحي كرديم بسوي ايشان پس بپرسيد از اهل كتاب پندي

ان كنتم لا تعلمون وما جعلناهم جسدا لا ياكلون

اگر نميدانيد و نگردانيديم پيغمبران را خداوندان بدني كه نخورند

الطعام وما كانوا خالدين ثم صدقناهم الوعد فانجيناهم

طعام را و نبودند پيغمبران جاويدماندگان پس راست كرديم با ايشان وعده را پس نجات داديم

ومن نشاء واهلكنا المسرفين لقد انزلنا اليكم كتابا فيه

ايشانرا هر كه خواستيم و هلاك كرديم ما اسراف كنندگانرا هر آينه فرو فرستاديم بسوي شما كتابي كه در آنست

ذكركم افلا تعقلون وكم قصمنا من قرية كانت ظالمة

شرف بزرگواري شما آيا پس درنمي يابيد و بسا در هم شكستيم از گروهي كه بودند ستمكار بر خود

وانشانا بعدها قوما اخرين فلما احسوا باسنا اذا هم

و افريديم بعد از ايشان گروهي ديگر پس وقتيكه دريافتند عذاب ما را آنگاه ايشان

منها يركضون لا تركضوا وارجعوا الى ما اترفتم فيه و

از آن ده ميكردند نجنبند ملائكه گفتند مگريزيد و بازگرديد بسوي آنچه متنعم شده بوديد در آن و

مساكنكم لعلكم تسئلون قالوا يا ويلنا انا كنا ظالمين

بسوي مكانهاي خود شايد ايشان پرسيده شويد گفتند اي واي بر ما بدرستي كه ما بوديم ستمكاران

فما زالت تلك دعويهم حتى جعلناهم حصيدا خامدين

پس هميشه بود اين خواندن ايشان تا گردانيديم ايشانرا كجاهي درويده و افسرده

وما خلقنا السماء والارض وما بينهما لاعبين لو اردنا

و نيافريديم آسمان و زمين را و آنچه ميان آنهاست بازي كنندگان بايسته اگر ميخواستيم

ان نتخذ لهوا لاتخذناه من لدنا ان كنا فاعلين بل نقذف

انكه فرا گيريم مشغولي را هر آينه فرا ميگرفتيم از نزد خود اگر بوديم ما كننده لهو بلكه بيفكنيم

بالحق على الباطل فيدمغه فاذا هو زاهق ولكم الويل مما

حق را كه جداست بر باطل پس بشكند باطل را پس آن هنگام باطل محو شده باشد و مر شما راست ويل از آنچه

تصفون

از حضرت ابو جعفر صلوات الله عليه مرويست كه حضرت امير المومنين عليه السلام كه ما ايم اهل الذكر و موجبات معنى آيه كه خداتعالى رسول خود را در كريمه ذكر رسولا ذكرا فرموده و عامه بعضي اخبار يهود و علماء نصاري گفته اند و بقولي مراد از ايشان ارباب سير و تاريخ عارفين باحوال پيشينيان است و بقولي اهل ذكر اهل قرآنند

قوله تعالى قيامت از گردهاي خود يا برگرديد بخانهاي خود شايد سوال كنند درويشان از شما و شما چيزي بايشان بدهيد چاشت ميگرديد

قوله از لهو فرزند و آله رد برانهاست كه مسيح و فرشتگان را پسر و دختران خدا گفتندي و گويند لهو در لغت اهل يمن بمعني فرزند است و بقولي مراد از لهو زن و غرض رد قول نصاراي است كه مريم زن خدا است

تصفون

تَصِفُونَ ۝ وَلَهُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا

وصف میکنند ۝ و مر اوراست آنچه در آسمانها ۝ و زمینیست ۝ و هر که نزدیک اوست ۝

يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ ۝ يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ

سرکشی میکنند ۝ از بندگی خود ۝ و نه ماندگی میشوند ۝ تسبیح میکنند خدای را شب

وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ ۝ أَمِ اتَّخَذُوا آلِهَةً مِنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ

و روز را ۝ پست نمیشوند از عبادت ۝ آیا ۝ فرا گرفته اند خدایان ۝ از زمین که ایشان ۝ مرده زنده میکنند

لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا ۚ فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ

اگر باشد ۝ در میان آسمان و زمین خدایان بجز خدا ۝ هر آینه تباه شدی هر دو پس پاکست خدا که پروردگار عرش است

عَمَّا يَصِفُونَ ۝ لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْئَلُونَ ۝ أَمِ اتَّخَذُوا

از آنچه وصف میکنند ۝ پرسیده نشود خدا از آنچه میکند و ایشان ۝ پرسیده میشوند ۝ آیا ۝ فرا گرفته اند

مِنْ دُونِهِ آلِهَةً ۚ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ ۚ هٰذَا ذِكْرُ مَنْ مَعِيَ

بجز از خدا خدایان دیگر ۝ بگو ۝ بیارید ۝ دلیل خود را ۝ این توحید یاد کردن کسانیست که با منند

وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِي ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ فَهُمْ مُعْرِضُونَ ۝ وَمَا

و یاد کردن کسانی که پیش از من بودند بلکه بیشتر ایشان نمیدانند ۝ حق را پس ایشان ۝ اعراض کنندگانند ۝ و

أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنَا

نفرستادیم ۝ پیش از تو ۝ هیچ ۝ پیغمبری را مگر آنکه وحی کردیم بسوی او که بدرستیکه نیست معبودی مگر من

فَاعْبُدُونِ ۝ وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمٰنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ ۚ بَلْ عِبَادٌ

پس مرا ۝ و گفتند فرا گرفت خدا ۝ فرزند منزه است خدا بلکه ملائکه بندگانند

مُكْرَمُونَ ۝ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ ۝ يَعْلَمُ

گرامی کرده شده ۝ پیشی نمیکنند ملائکه باخدا ۝ بسخن و ایشان ۝ خدا کار میکنند ۝ میداند خدا

مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ ۚ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضٰى وَهُمْ

آنچه پیش ایشانست ۝ و آنچه پس ایشانست ۝ و درخواست نمیکنند ۝ مگر کسی را که خدا راضی باشد و ایشان

مِنْ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ ۝ وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلٰهٌ مِنْ دُونِهِ

از ترس خدا ۝ ترسانند ۝ و هر که گوید از فرشتگان ۝ که من خدایم ۝ بجز از خدا

استفهام انکاریست و غرض توبیخ مشرکان است پرستیدن تبانی که قادر بر احیای مردگان نیستند

حضرت از صادق صلوات الله علیه مرویست که مراد از من معی هر کسیست که با آنحضرت بوده و خواهد بود تا روز قیامت و از من قبلی هر که پیش از آنحضرت بوده از امتهای گذشته و بنابراین مراد از ذکر موعظه و پندی است که در توحید مذکور شد چنانچه بعضی از مفسرین گفته اند و بقول بعضی از ایشان مراد ذکر من قبلی احکام شریعه ایشان است و از ذکر من معی احکام امم سابقه است

فَذٰلِكَ نَجْزِيهِ جَهَنَّمَ كَذٰلِكَ نَجْزِي الظّٰلِمِينَ ۝ أَوَلَمْ يَرَ الَّذِينَ

پس آن جزا دهیم اورا دوزخ همچنین جزا دهیم ستمکاران را آیا ندانستند آنانکه

كَفَرُوا أَنَّ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنٰاهُمَا ۖ وَ

کافر شدند که آسمانها و زمین بودند بسته و بر هم نهاده پس گشادیم ما آنها را و

جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ ۖ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ

گردانیدیم از آب هر چیزی را که زنده است آیا پس نمیگروند و گردانیدیم در زمین

رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

کوههای استوار بجنبانند آدمیان را و گردانیدیم در آن کوهها گشاده راههائی شاید ایشان

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا ۖ وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ ۝

و گردانیدیم آسمان را سقفی نگاه داشته شده و ایشان از نشانهای آسمان اعراض کنندگانند

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۖ كُلٌّ

و اوست آنکه آفرید شب و روز را و آفتاب و ماه را هر یک

فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ ۝ وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ ۖ أَفَإِنْ

در فلکی شنا میکنند و ندادیم ما هیچ آدمی را پیش از تو یا محمد جاوید ماندن آیا پس

مِتَّ فَهُمُ الْخَالِدُونَ ۝ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۗ وَنَبْلُوكُمْ

اگر بمیری تو پس ایشان جاوید ماندگانند هر نفسی چشنده است مرگ را و می آزمائیم شما را

بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً ۖ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ۝ وَإِذَا رَآكَ الَّذِينَ كَفَرُوا

بدی و خوبی آزمودنی و بسوی ما باز گردیده میشوید و چون بینند تو را آنانکه کافر شدند

إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا أَهٰذَا الَّذِي يَذْكُرُ آلِهَتَكُمْ وَهُمْ

فرا نگیرند تو را مگر از روی مسخر گویند آیا این کسی است که مذمت میکند خدایان شما را و ایشان

بِذِكْرِ الرَّحْمٰنِ هُمْ كَافِرُونَ ۝ خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ ۚ سَأُرِيكُمْ

بذکر خدای ایشان کافرانند آفریده شد انسان از شتاب زدگی زود باشد که بنمائیم

آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ ۝ وَيَقُولُونَ مَتٰى هٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ

شما را آیات خود پس شتاب مکنید در عذاب و میگویند کی خواهد بود این وعده اگر هستید

صلاحی

کتاب در روضه کافی از حضرت ابو جعفر صلوات الله علیه در حدیث شامی از آنحضرت پرسید از تفسیر کریمه أولم یر الذین کفروا أن السموات والأرض تا آخر پس آنحضرت فرمود که گویا گمان میکنی که مراد آنست که آسمان و زمین چسبیده بود پس خداوند یکی را از دیگری جدا کرد شامی گفت آری پس آنحضرت فرمود که استغفار کن از این عقیده تحقیق که خدای تعالی در این کلام میفرماید که آسمان رتقا بود یعنی باران نمی بارید و زمین رتقا بود یعنی چیزی نمیرویانید پس چون خلایق را پیدا فرید فتق آسمان نمود بباریدن باران و فتق زمین نمود بر رویانیدن نباتات پس شامی گفت که گواهی میدهم که تو از فرزندان پیغمبرانی و تفسیری که گمان شامی بود از ابن عباس منقول است و بتولی مراد آنست که آسمانها بر هم نشسته و زمینها بر هم نشسته بود پس خدای تعالی فتق آنها نمود یا شکافت آنها را هفت طبقه و آنها هفت طبقه گردانید

و مخفی نیست که ذکر وجعلنا من الماء کل شیء حی مؤید معنی اول است

صادقین ۞ لو یعلم الذین کفروا حین لا یکفون عن وجوههم
(راست‌گویان) (اگر بدانند) (آنان که کافر شدند) (هنگامی که) (باز ندارند) (از رویهای خود)

النار ولا عن ظهورهم ولا هم ینصرون ۞ بل تاتیهم بغتة
(آتش را) (و نه) (از پشتهای خود) (و نه ایشان) (یاری کرده شوند) (بلکه بیاید بایشان) (ناگهان)

فتبهتهم فلا یستطیعون ردها ولا هم ینظرون ۞ ولقد استهزئ
(پس مبهوت کرداند) (ایشانرا) (قدرت داشته باشند) (بازداشتن آنها) (و نه ایشان) (مهلت داده شوند) (و بتحقیق که استهزا کرده شد)

برسل من قبلک فحاق بالذین سخروا منهم ما کانوا به یستهزءون
(پیغمبران) (پیش از تو) (پس گرفت بآنانکه) (مسخر کردند از ایشان) (آنچه بودند که بآن استهزا میکردند)

قل من یکلؤکم باللیل والنهار من الرحمن ۞ بل هم عن ذکر
(بگو) (کیست که نگاه دارد شمارا) (بشب) (و در روز) (از عذاب خدا) (بلکه ایشان) (از یاد)

ربهم معرضون ۞ ام لهم الهة تمنعهم من دوننا ۞ لا یستطیعون
(پروردگارشان اعراض کنندگانند) (آیا) (مر ایشانرا) (خدایانیست که منع کند ایشان را) (غیر از ما) (عذاب ما را شوند) (معبودان ایشان)

نصر انفسهم ولا هم منا یصحبون ۞ بل متعنا هؤلاء وآباءهم
(یاری کردن نفسهای خود را) (و نه ایشان) (از جانب ما مصحوب نصرت شوند) (بلکه برخوردار کردیم ما کافران را و پدران ایشانرا)

حتی طال علیهم العمر ۞ افلا یرون انا نات الارض ننقصها من
(تا) (دراز شد) (بر ایشان) (مدت عمر) (آیا پس نمی بینند آنکه ما می آریم) (زمین را) (ناقص میکنیم آنرا از)

اطرافها ۞ افهم الغالبون ۞ قل انما انذرکم بالوحی ولا
(اطراف آن) (آیا پس ایشان) (غلبه کنندگانند) (بگو جز این نیست که) (بترسانم شمارا) (بوحی) (و)

یسمع الصم الدعاء اذا ما ینذرون ۞ ولئن مستهم نفحة
(نمیشنوند) (کران) (خواندن را) (چون) (هم کرده شوند) (و اگر) (برسد بکافران ایشان) (چیزی)

من عذاب ربک لیقولن یا ویلنا انا کنا ظالمین ۞ ونضع
(از) (عذاب پروردگار تو) (هر آینه) (گویند ای وای بر ما بدرستی که بودیم ما ستمکاران) (و میگذاریم)

الموازین القسط لیوم القیمة فلا تظلم نفس شیئا وان کان

(ترازوهای) (عدل را برای جزای روز قیامت) (پس ستم دیده نشود) (هیچ نفسی چیزی) (و اگر چه باشد)

اشاره است
بآنکه جواب لو محذوف است
و تحمل که لو برای تمنی باشد یعنی
کاش آنوقت را میدانستند و
در آنوقت بنا بر مشهور میان نحات
احتیاج بجواب ندارد

از حضرت
صادق صلوات الله
علیه مرویست که نقصان اطراف ارض
عبارتست از ذهاب علما و کثرت مفسرین گفته اند
که مراد از آن تخریب بلاد کفار و مشرکین است
و اهلاک و استیصال ایشان است بسبب بادی
خدا تعالی مسلمانان را از گفته های
دیگر هم وارد شده

مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ ۝ وَلَقَدْ

همسنگ دانه از اسپند بیاریم ما آنرا و بسنده باحساب کنندگان و بدرستی که

آتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ ۝ الَّذِينَ

دادیم ما موسی و هارون را کتابی و روشنی و پندی مر پرهیزکاران را آنانند که

يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُم مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ ۝ وَهَٰذَا ذِكْرٌ

می ترسند از پروردگار خود بغیب و ایشان از قیامت ترسکانند و این قرآن پندی است

مُّبَارَكٌ أَنزَلْنَاهُ أَفَأَنتُمْ لَهُ مُنكِرُونَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ

مبارک فرستادیم اورا آیا پس شما مر آن فرا انکارکنندگانید و بتحقیق دادیم ما ابراهیم را

رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ ۝ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا

راه یافتنی پیش ازین و بودیم ما باو دانایان چون گفت مر پدر خود را و قوم خود را چیست

هَٰذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ ۝ قَالُوا وَجَدْنَا آبَاءَنَا

این صورتها که بپوسته آنها شما را مجاورانید گفتند یافتیم پدران خود را

لَهَا عَابِدِينَ ۝ قَالَ لَقَدْ كُنتُمْ أَنتُمْ وَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

که اینها را مهر ستایندگان گفت ابراهیم که بودید شما و پدران شما در گمراهی آشکار

قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ ۝ قَالَ بَل رَّبُّكُمْ

گفتند آیا آوردی ما را براستی یا تو از بازی کنندگانی گفت ابراهیم بلکه پروردگار شما

رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكُم مِّنَ

پروردگار آسمانها و زمینست که آفرید آنها را و من بر آنچه گفتم شما را از

الشَّاهِدِينَ ۝ وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُم بَعْدَ أَن تُوَلُّوا

گواهانم و بخدا که هر آینه تدبیری کنم در باب بتان شما بعد از انکه روی گردانید

مُدْبِرِينَ ۝ فَجَعَلَهُمْ جُذَاذًا إِلَّا كَبِيرًا لَّهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ

پشت کنندگان پس گردانید بتانرا پاره پاره مگر بت بزرگ ایشانرا شاید ایشان بسوی او بازگردند

قَالُوا مَن فَعَلَ هَٰذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ ۝ قَالُوا سَمِعْنَا

گفتند که کرد این را بخدایان ما بدرستی که او از ستمکارانست گفتند شنیدیم ما

فَمَنِّ يَذْكُرُهُمْ يُقَالُ لَهُ إِبْرَٰهِيمُ ۝ قَالُوا۟ فَأْتُوا۟ بِهِۦ عَلَىٰٓ أَعْيُنِ ٱلنَّاسِ

که جوانی باد میکرد ایشانرا بدی و میگویند مر او را ابراهیم ۝ گفتند پس بیارید او را بچشمهای مردمان

لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ ۝ قَالُوٓا۟ ءَأَنتَ فَعَلْتَ هَٰذَا بِـَٔالِهَتِنَا يَٰٓإِبْرَٰهِيمُ ۝

تا بدانند ایشان گواهی دهند ۝ گفتند آیا تو کردی این کار را بخدایان ما ای ابراهیم

قَالَ بَلْ فَعَلَهُۥ كَبِيرُهُمْ هَٰذَا فَسْـَٔلُوهُمْ إِن كَانُوا۟ يَنطِقُونَ ۝

گفت ابراهیم بلکه کرده او را بزرگ ایشان تنها این را پس بپرسید ایشانرا اگر هستند که سخن گویند

فَرَجَعُوٓا۟ إِلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوٓا۟ إِنَّكُمْ أَنتُمُ ٱلظَّٰلِمُونَ ۝ ثُمَّ نُكِسُوا۟

پس بازگشتند بجانهای خود پس گفتند بدرستی که شما ستمکارید پس نگونسار کردند

عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَٰٓؤُلَآءِ يَنطِقُونَ ۝ قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ

سرهای خود را گفتند بدرستی که این بتان سخن نگویند ۝ گفت پس بندگی میکنید

مِن دُونِ ٱللَّهِ مَا لَا يَنفَعُكُمْ شَيْـًٔا وَلَا يَضُرُّكُمْ ۝ أُفٍّ لَّكُمْ وَلِمَا

بجز از خدا آنچیزی را که نفع نکند شما را چیزی و نه دفع ضرر کند از شما و آنچه

تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ ۖ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ قَالُوا۟ حَرِّقُوهُ وَٱنصُرُوٓا۟

می پرستید از غیر خدا آیا پس تعقل نمیکنید ۝ گفتند بسوزانید ابراهیم را و یاری دهید

ءَالِهَتَكُمْ إِن كُنتُمْ فَٰعِلِينَ ۝ قُلْنَا يَٰنَارُ كُونِى بَرْدًا وَسَلَٰمًا

خدایان خود را اگر هستید کنندگان نصرت ۝ گفتیم ما ای آتش باش سرد و سلامت

عَلَىٰٓ إِبْرَٰهِيمَ ۝ وَأَرَادُوا۟ بِهِۦ كَيْدًا فَجَعَلْنَٰهُمُ ٱلْأَخْسَرِينَ ۝ وَنَجَّيْنَٰهُ

بر ابراهیم ۝ و خواستند با او بدی پس گردانیدیم ایشانرا زیانکاران ۝ و رهانیدیم ابراهیم

وَلُوطًا إِلَى ٱلْأَرْضِ ٱلَّتِى بَٰرَكْنَا فِيهَا لِلْعَٰلَمِينَ ۝ وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ

و لوط را بسوی زمین آنکه برکت دادیم او را در آن برای جهانیان را ۝ و ببخشیدیم ما ابراهیم را

إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۖ وَكُلًّا جَعَلْنَا صَٰلِحِينَ ۝ وَجَعَلْنَٰهُمْ

اسحق و یعقوب در جائیکه عطیه بود و هر یکرا گردانیدیم ایشانرا از بندگان شایسته کار را و گردانیدیم ایشانرا

أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَآ إِلَيْهِمْ فِعْلَ ٱلْخَيْرَٰتِ وَإِقَامَ ٱلصَّلَوٰةِ

پیشوایان که راه نمایند بفرمان ما و وحی کردیم ما بسوی ایشان انجام کردن نیکوکاریها را و بپای داشتن نماز را

حضرت امام صادق صلوات الله علیه مرویست که چون ابراهیم را در منجنیق نشانیدند و خواستند که در آتش بیندازند جبرئیل آمد و گفت السلام علیک یا ابراهیم و رحمة الله و برکاته ابراهیم گفت حاجتی داری گفت اما الیک فلا یعنی دارم اما بتو نه و چون در آتش انداختند گفت یا الله یا واحد یا احد یا صمد یا من لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد پس تعالی آن آتش را گلستانی گرداند برای او و بوستانی سبز و خرم و با جبرئیل در آن بوستان سبز بصحبت و حکایت مشغول شدند و گویند که آنحضرت در آنوقت شانزده ساله بود

بعضی گفته اند که این عرض مبارک عبارتست از بیت المقدس که مقام پیغمبران بود و بعضی گفته اند که تعالی در حق آن فرموده آن اول بیت وضع للناس للذی ببکة مبارکا و بقولی شام است و آنرا مبارک از آن نامیده که نازونعمت فراوان در آن بوده و بهر بلدی زمینی که از انجا نبات یابد ارض گونی بود

وَاِيتَآءَ الزَّكٰوةِ ۚ وَكَانُوا لَنَا عٰبِدِيْنَ ۝ وَلُوطًا اٰتَيْنٰهُ حُكْمًا وَّعِلْمًا

و دادن کر زکوا تو را و بودند ما را پرستندگان را و لوط را دادیم ما او را حکمت و علم پیغمبران

وَّنَجَّيْنٰهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِيْ كَانَتْ تَّعْمَلُ الْخَبٰٓئِثَ ۭ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمَ

و رهانیدیم او را از دیهی که بودند اهل آن میکردند کارهای بد بدرستیکه ایشان بودند گروهی

سَوْءٍ فٰسِقِيْنَ ۝ وَاَدْخَلْنٰهُ فِيْ رَحْمَتِنَا ۭ اِنَّهٗ مِنَ الصّٰلِحِيْنَ ۝ وَ

بد و بیرون کار و در آوردیم او را در رحمت خود بدرستی که او از شایستگانست و

نُوْحًا اِذْ نَادٰى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهٗ فَنَجَّيْنٰهُ وَاَهْلَهٗ مِنَ الْكَرْبِ

و یاد کن نوح را چون خواند خدا را پیش از ابراهیم پس اجابت کردیم ما مر او را پس رهانیدیم او را و اهل او را از غمی

الْعَظِيْمِ ۝ وَنَصَرْنٰهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِيْنَ كَذَّبُوْا بِاٰيٰتِنَا ۭ اِنَّهُمْ

بزرگ و یاری دادیم ما او را از گروهیکه آنان تکذیب کردند نشانهای ما بدرستی که ایشان

كَانُوْا قَوْمَ سَوْءٍ فَاَغْرَقْنٰهُمْ اَجْمَعِيْنَ ۝ وَدَاوٗدَ وَسُلَيْمٰنَ اِذْ

بودند گروهی بد پس غرق کردیم ایشان را همگی و داود و سلیمان را یاد کن چون

يَحْكُمٰنِ فِي الْحَرْثِ اِذْ نَفَشَتْ فِيْهِ غَنَمُ الْقَوْمِ ۚ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ

حکم کردند در زراعت وقتی که پراکنده شده بودند در شب بودند در آن گوسفندان قوم و بودیم ما مر حکم ایشان را

شٰهِدِيْنَ ۝ فَفَهَّمْنٰهَا سُلَيْمٰنَ ۚ وَكُلًّا اٰتَيْنَا حُكْمًا وَّعِلْمًا ۡ وَ

حاضران پس فهمانیدیم ما آنرا سلیمان را و همه را دادیم ما با موردین حکم و علم بآن و

سَخَّرْنَا مَعَ دَاوٗدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ ۭ وَكُنَّا فٰعِلِيْنَ ۝ وَعَلَّمْنٰهُ

رام کردیم ما با داود کوهها را که تسبیح میکنند و مرغان را و بودیم ما کنندگان و آموختیم ما

صَنْعَةَ لَبُوْسٍ لَّكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِّنْۢ بَاْسِكُمْ ۚ فَهَلْ اَنْتُمْ شٰكِرُوْنَ

داود را ساختن زره برای شما تا نگاه دارد شما را از کارزار شما پس آیا هستید شما شکرگزاران

وَلِسُلَيْمٰنَ الرِّيْحَ عَاصِفَةً تَجْرِيْ بِاَمْرِهٖٓ اِلَى الْاَرْضِ الَّتِيْ بٰرَكْنَا

و رام کردیم برای سلیمان باد را که وزنده بود بسیار میرفت بفرمان او بسوی زمینی که برکت دادیم ما

فِيْهَا ۭ وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عٰلِمِيْنَ ۝ وَمِنَ الشَّيٰطِيْنِ مَنْ يَّغُوْصُوْنَ

او را و بودیم بهر چیز دانایان و رام کردیم دیو را کسانیکه غواصی میکردند

مجمع

البیان از حضرت

ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام روایت کرد

که گله گوسفند مردی در شبی بوستان دیگری

را فاسد کرد و ضایع و نابود کرد مالک آن

بوستان مرافعه را نزد داود علیه السلام

برد آنحضرت فرمود که آن گله را بصاحب باغ

دهند پس سلیمان گفت ای پیغمبر خدا حکم آن

واقعه غیر از این است باید این باغ را بآنجا

گله سپرد تا خدمت نموده از آن حالت اول

برگردانده و گله را در آن مدت بصاحب باغ دهد

تا از ثمر آن منتفع شود و پس از آن هر یک را نصیب

رسد و بعضی گفته اند که بنای حکم سلیمان علیه السلام

بر نسخ حکم داود بود و بعضی از مفسرین عامه بنای هر

دو حکم را باجتهاد کذا نوشته اند و این با طریقه

امامیه موافق نیست چه احکام انبیا همه از وحی الهی

بوده نه باجتهاد انبیا علیهم السلام و شیخ طایفه

محقق محمد ابن یعقوب رضی الله عنه در کتاب

کافی از معویه بن عمار روایت کرده که آنحضرت

فرمود که امامت عهدیست از جانب خدا تعالی

برای جمیع مخصوص و میچ امامی را نمیرسد که

امامت را بعد از خود بدیگری

بدهد غیر از کسیکه خدا تعالی مقرر

فرموده

لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذٰلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ ۝ وَأَيُّوبَ إِذْ

برای او و میکردند کار دیگر غیر خواهی و بودیم ما برای ایشان از نگاه دارندگان و یاد کن ایوب را چون

نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا

خواند پروردگار خود را بدرستی که رسید مرا بدی و تو رحم کننده ترینی رحم کنندگانی پس اجابت کردیم

لَهُ فَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً

مر او را پس بردیم ما آنچه با او رسید از رنج و دادیم ما او را اهل او و مانند ایشان با ایشان رحمتی

مِنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ ۝ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا

از نزد ما و اندرزی برای پرستندگان و اسمعیل و ادریس را و

الْكِفْلِ كُلٌّ مِنَ الصَّابِرِينَ ۝ وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ

ذوالکفل را همه از شکیبایان و در آوردیم ایشان را در رحمت خود بدرستیکه ایشان

مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ

از شایستگان کارانند و صاحب ماهی یونس را وقتیکه رفت از میان قوم خشمناک پس گمان کرد که

لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ

تنگ نگیریم روزی بر او پس ندا کرد در تاریکیهای شب و تنگی که نیست خدائی مگر تو

سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ

منزهی ترا بدرستی که بودم من از ستمکاران پس اجابت کردیم او را و رهانیدیم او را

مِنَ الْغَمِّ وَكَذٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ

از غم و همچنین نجات دادیم مومنان را و یاد کن زکریا را وقتیکه ندا کرد پروردگار خود

رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ ۝ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ

که پروردگارا مگذار مرا تنها و تو بهترین وارثانی پس اجابت کردیم ما او را

وَوَهَبْنَا لَهُ يَحْيَىٰ وَأَصْلَحْنَا لَهُ زَوْجَهُ إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ

و ببخشیدیم ما او را یحیی و بصلاح آوردیم ما برای او زن او را بدرستی که ایشان بودند که سرعت میکردند

فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا وَكَانُوا لَنَا خَاشِعِينَ

در خوبیها و میخواندند ما را از رغبت ثواب و ترسیدن عقوبت و بودند ما را فروتنان

بینی

ظاهر آنست که فرزندانش
که مردند زنده شده و باشند مثل آنها
فرزندان دیگر هم بوی کرامت شده باشد
چنانچه از حضرت ابی عبد الله علیه السلام مرویست
و بقول بعضی از مفسرین آنحضرت از جانب الهی
مخیر شد که در دنیا همان فرزندان برای او زنده
شوند یا اکه مثل آنها بوی داده شود و آنها
در آخرت حیات ابدی داشته باشند و ان
حضرت این شق را اختیار کرده و گویند که فرزندان
او مرده بودند هفت دختر و هفت پسر و بعضی
هفت دختر و سه پسر
بودند

وَالَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهَا مِن رُّوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا

و یاد کن آن زن را که نگاه داشت فرج خود را پس دمیدیم ما در آن از روح خود و گردانیدیم مریم

وَابْنَهَا آيَةً لِّلْعَالَمِينَ ۝ إِنَّ هَٰذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا

و پسر او را علامتی برای جهانیان بدرستیکه این ملت شماست که ملتی است یگانه و منم

رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ ۝ وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ كُلٌّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ

پروردگار شما پس بپرستید مرا و پاره پاره کردند امر خود را میان خود همه ایشان بسوی ما بازگردانده گانند

فَمَن يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ لِسَعْيِهِ وَإِنَّا

پس کسیکه بکند از کارهای شایسته و او گرونده باشد پس ناسپاسی نیست مر سعی او را و بدرستی که ما

لَهُ كَاتِبُونَ ۝ وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ

مر او را نویسندگانیم و محالست بر دهی که هلاک کردیم ما آنها را بدرستی که ایشان باز گردند بدین

حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُم مِّن كُلِّ حَدَبٍ يَنسِلُونَ

تا چون گشاده شود یاجوج و ماجوج و ایشان از هر بلندی و پستی که بشتابند

وَاقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَارُ الَّذِينَ كَفَرُوا

و نزدیک شده وعده راست پس آن هنگام قصه آنست که خیره شده چشمهای آنانکه کافر شدند

يَا وَيْلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَٰذَا بَلْ كُنَّا ظَالِمِينَ ۝ إِنَّكُمْ

گویند ای وای بر ما بدرستی که بودیم ما در غفلت از این بلکه بودیم ستمکاران بدرستی که شما

وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ ۖ أَنتُمْ لَهَا وَارِدُونَ

و آنچه می پرستید از غیر خدا آتش افروز دوزخ است شما مر آنرا در گذرندگانید

لَوْ كَانَ هَٰؤُلَاءِ آلِهَةً مَّا وَرَدُوهَا ۖ وَكُلٌّ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ لَهُمْ فِيهَا

اگر بودی این بتان خدایان در نیامدندی بدوزخ و همگی در آن جاویدگانند مر ایشانرا در آن

زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَىٰ

ناله زار و ایشان در دوزخ نشنوند حرف خوبی بدرستی که آنان که پیشی گرفتند برای ایشان از جانب ما نیکوئی

أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ ۝ لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا اشْتَهَتْ

ایشان از دوزخ دور شده گانند نشنوند آواز آتش را و ایشان در آن در آنچه آرزو برد

أَنفُسُهُمْ

سجده کو

که چون آیه انکم و ما تعبدون

نازل شد عبد الله بن الزبعری که یهودی بود

بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله عرضه داشت

که شما می گفتید عزیر و عیسی و مریم شایستگان

بودند فرمودا ری گفت اشارت بایشان نمودند

بغیر از خدا پس ایشان هیزم دوزخ خواهند رفت

پس تعالی این آیه فرستاد

که ان الذین سبقت لهم

منا الحسنی تا آخر

أَنفُسَهُمْ خَالِدُونَ ۝ لَا يَحْزُنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ

نفسهای ایشان جاوید ماندگانند اندوهناک نکند ایشانرا ترسی که بزرگترین ترسهاست و پیش باز آیند ایشانرا ملائکه

هَٰذَا يَوْمُكُمُ الَّذِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ۝ يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ

این روز ثواب شماست که بودید شما که وعده داده میشدید بدان روز یکه به پیچم آسمانها را مانند پیچیدن

السِّجِلِّ لِلْكُتُبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِيدُهُ ۚ وَعْدًا عَلَيْنَا ۚ إِنَّا كُنَّا

طومار برای کتابها چنانکه ابتدا کردیم اول آفرینش باز گردانیم آنرا وعده ایست بر ما بدرستی که بودیم ما

فَاعِلِينَ ۝ وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ

کنندگان و بتحقیق که نوشتیم ما در زبور بعد از نوشتن آن در تورات آنکه زمین

يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ ۝ إِنَّ فِي هَٰذَا لَبَلَاغًا لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ

بمیراث گیرد آنرا بندگان من شایسته اند بدرستی که در این هر آینه کفایت است مر گروه پرستندگانرا

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ ۝ قُلْ إِنَّمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ

و نفرستادیم ما تو را مگر رحمتی مر همه جهانیانرا بگو جز این نیست که وحی میشود بسوی من که جز این نیست

إِلَٰهٌ وَاحِدٌ ۖ فَهَلْ أَنتُم مُّسْلِمُونَ ۝ فَإِن تَوَلَّوْا فَقُلْ آذَنتُكُمْ عَلَىٰ

خدای شما خدای یگانه است پس باشما گردن نهندگانید پس اگر برگردند پس بگو که آگاه کردم شما را بر

سَوَاءٍ ۖ وَإِنْ أَدْرِي أَقَرِيبٌ أَم بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ ۝ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ

طریق سویه و نمیدانم آیا نزدیک یا دور است آنچه وعده داده میشوید بدرستی که او میداند آشکار

مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ ۝ وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَ

از گفتار و میداند آنچه پنهان میکنید و نمیدانم شاید تاخیر عقوبت را آزمایش باشد مر شما را و

مَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ ۝ قَالَ رَبِّ احْكُم بِالْحَقِّ ۗ وَرَبُّنَا الرَّحْمَٰنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا

برخورداری تا وقت اجل گفت پروردگارا حکم کن بحق و پروردگار ما مهربانست یاری خواسته بر آنچه

تَصِفُونَ

وصف می کنند

سوانح شناق

رسوله وآله وعترته

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

مراد
از فتح اکبر روز
قیامت وقتی که صور قیامت
دمیده شود بدلیل کریمه ویوم
ینفخ فی الصور ففزع من فی السموات
ومن فی الارض و بقولی ففزع وهی آیت
که دوزخیانرا مدوخ کرده

از
حضرت ابی جعفر صلوات الله
وسلامه علیه مرویست که این کرده اصحاب
مهدی آل محمد ند وظهور مهدی آل محمد صلی الله علیه
آله در آخر الزمان متفق علیه عامه وخاصه است
اگرچه خلاف در وقت ولادت آنحضرت شده
و بضرورت مذهب اهل بیت
علیهم السلام آنحضرت
وجود یافته و الحال
غایب است

مصف

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمْ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ ۝ يَوْمَ

ای مردمان بترسید از عذاب پروردگار شما بدرستی که جنبانیدن قیامت زمین چیزی بزرگست روزیکه

تَرَوْنَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ

بینید آنرا غافل شود از هر زن شیرده آنچه شیر داده آنرا و نهد هر زن

حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَارَى وَمَا هُمْ بِسُكَارَى وَلَٰكِنَّ

حامله بار خود را و بینی تو مردم را مست و نیستند ایشان مست ولیکن

عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ ۝ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ

عذاب خدا سخت است و از مردمان کسیست که جدال میکند در راه خدا بی دانش

وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ ۝ كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَنْ تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ

و پیروی میکند هر شیطان را که متمرد است نوشته شده بر شیطان بدرستی که هر که دوست دارد او را بدرستی که

يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ كُنْتُمْ

او گمراه کند او را و راه نماید او را بسوی عذاب آتش سوزان ای مردمان اگر هستید شما

فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ

در شک از برانگیختن خدا مردم پس بدرستی که ما آفریدیم شما را از خاک پس از منی پس از

عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنُبَيِّنَ لَكُمْ ۚ وَنُقِرُّ

خون بسته پس از پاره گوشت تمام خلقت و غیر تمام خلقت تا بیان کنیم برای شما و قرار میدهیم

فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا

در رحمهای مادران آنچه را که خواهیم تا وقت نام برده شده پس پرون شمارا از رحمهای مادران کودک پس از آن برسد

أَشُدَّكُمْ ۖ وَمِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ

بکمال سختیها از قوت و خرد و بعضی از شما کسیست که متوفی گردد از شما بعضی کسیست که رد کرده شود بسوی زبونترین عمر

لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا ۚ وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا

تا نداند بعد از دانستن چیزی را و بینی زمین را خشک پس چون فرستادیم ما

عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ

بر زمین آب بارانرا جنبش کند و بر آید مانند خمیر مایه و بر و یاند از هر صنفی از نبات تازه و نیکو

ذٰلِكَ

از ابی عبد الله

که هر که سوره حج را تلاوت نماید آن

سال بسر نرسد که زیارت بیت الله

مشرف شود اگر بمیرد خدا او را

بهشت روزی کند آنچه خواهد عطا

فرماید او را و راضی شود

گویا مراد از زلزله روز قیامت است که شورش

در مینست وقتی که مردگان از قبرها برانگیزند

و بعضی از مفسران گفته اند که مراد شورش

در روز قیامت و بقولی زلزله ایست که پیش

از برآمدن آن بعضی از علامات قیامت

زلزله علامات قیامت

گویا

افراد خطاب در

تری الناس سکاری یعنی

اختصاص این خطاب است بحضرت رسالت

و بجمله اشعار بآنکه مردمان در از دور اثر

مستی حیرت بحدی رسیده اند که گویا دیگری را

ذٰلِكَ بِأَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِ الْمَوْتٰى وَأَنَّهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آنچه مذکور شد بسبب آنست که خدا اوست ثابت و بدرستیکه او زنده میکند مردگان را و بدرستیکه او بر هر چیز توانا است

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللّٰهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ

و آنکه قیامت آینده ایست نیست شکی در آن و بدرستیکه خدا برمی انگیزاند کسانی که در گورند

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللّٰهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ

و از مردمان کیست که مجادله میکند در کلام خدا بدون دانش و بی دلیل رهنماینده و بی کتاب

مُنِيرٍ ثَانِيَ عِطْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللّٰهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ

روشن در حالیکه پهلو تهی کردن خود را تا گمراه کند مردم را از راه خدا مر او را در دنیا خواری

وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ ذٰلِكَ بِمَا قَدَّمَتْ يَدَاكَ

و بچشانیم او را روز قیامت عذاب آتش سوزان این عذاب بسبب آنست که پیش فرستاده دو دستهای تو

وَأَنَّ اللّٰهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللّٰهَ عَلٰى

و بدرستیکه خدا نیست ستم کننده مر بندگان را و از مردمان کیست که میپرستد خدا را بر

حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ

کناره پس اگر برسد او را خوبی آرام گیرد بآن و اگر برسد او را آزمایشی از مقدر و مرض برگردد

عَلٰى وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ

بر روی خود را از توجه زیان کرد آن دنیا را و آخرت را این زیانی است ظاهر

يَدْعُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا يَنْفَعُهُ ذٰلِكَ هُوَ الضَّلٰلُ

میخواند و پرستش میکند بجز از خدا چیزی را که ضرر نمیرساند او را و نه سود میدهد او را این خواندن و پرستیدن گمراهی

الْبَعِيدُ يَدْعُوا لَمَنْ ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِنْ نَفْعِهِ لَبِئْسَ الْمَوْلٰى وَ

دور است میخواند کسی را که ضرر او نزدیکتر است از نفع او و هر آینه بد یاریست صنم و

لَبِئْسَ الْعَشِيرُ إِنَّ اللّٰهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحَاتِ

بد مصاحبی است و آهیزگاری بدرستی که خدا درمی آرد آنان را که گرویدند و کردند کارهای شایسته

جَنّٰاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهٰارُ إِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ

بوستانها که میرود از زیر آنها رودها بدرستی که خدا میکند آنچه میخواهد

مَنْ كَانَ يَظُنُّ اَنْ لَنْ يَنْصُرَهُ اللّٰهُ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ

هر که باشد که گمان کند آنکه یاری نخواهد داد او را پیغمبر او خدا او را در دنیا و آخرت پس باید فرو گذارد رسنی را سقف

اِلَى السَّمَآءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ ۝ وَ

خانه بسوی آسمان بس آویزد آنرا پس باید نظر کند آیا ببرد این کار او چیزی آنچه خشم آورد او را و

كَذٰلِكَ اَنْزَلْنٰهُ اٰيٰتٍ بَيِّنٰتٍ ۙ وَّاَنَّ اللّٰهَ يَهْدِي مَنْ يُّرِيْدُ ۝ اِنَّ

همچنین فرستادیم او را در حالتی که نشانهای روشنست و بدرستی که خدا راه مینماید هر که را میخواهد براه راستی که

الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَالَّذِيْنَ هَادُوْا وَالصّٰبِـُٔوْنَ وَالنَّصٰرٰى وَالْمَجُوْسَ

آنانکه گرویدند و آنانکه جهود شدند و ستارهپرستان و ترسایان و گبران

وَالَّذِيْنَ اَشْرَكُوْٓا ۖ اِنَّ اللّٰهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۭ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰى

و آنانکه شرک آوردند بدرستیکه خدا جدائی میافکند میان ایشان روز قیامت بدرستی که خدا بر

كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ ۝ اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يَسْجُدُ لَهٗ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَمَنْ

هر چیز گواه است آیا نمی بینی آنرا که خدا را سجده میکند مر او راست هر که در آسمانها و کسی که

فِي الْاَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُوْمُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَ

در زمینست و آفتاب و ماه و ستارگان و کوهها و درختها و

الدَّوَآبُّ وَكَثِيْرٌ مِّنَ النَّاسِ ۭ وَكَثِيْرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ ۭ وَ

چهارپایان و بسیاری از مردمان و بسیاری از ایشان که لازم شد بر او عذاب و

مَنْ يُّهِنِ اللّٰهُ فَمَا لَهٗ مِنْ مُّكْرِمٍ ۭ اِنَّ اللّٰهَ يَفْعَلُ مَا يَشَآءُ ۝ هٰذٰنِ

هر که را خوار کند خدا پس نیست مر او را هیچ اکرام کننده بدرستی که خدا میکند آنچه میخواهد این دو گروه

خَصْمٰنِ اخْتَصَمُوْا فِيْ رَبِّهِمْ ۡ فَالَّذِيْنَ كَفَرُوْا قُطِّعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ

دشمنند که جدال نمودند در دین پروردگار خود پس آنانکه کافر شدند بریده شد برای ایشان جامه‌ها

مِّنْ نَّارٍ يُصَبُّ مِنْ فَوْقِ رُءُوْسِهِمُ الْحَمِيْمُ ۝ يُصْهَرُ بِهٖ مَا فِيْ بُطُوْنِهِمْ

از آتش ریخته میشود از بالای سرهای ایشان آبی جوشان که گداخته شود بآن آنچه در شکمهای ایشان

وَالْجُلُوْدُ ۝ وَلَهُمْ مَّقَامِعُ مِنْ حَدِيْدٍ ۝ كُلَّمَآ اَرَادُوْٓا اَنْ يَّخْرُجُوْا

و پوستها و ایشانرا گرزهاست از آهن هر گاه خواهند که بیرون آیند

مِنْهَا

برای تفسیر لیقطع ماخوذ است از قطع یعنی خفه کردن و محض را ازان قطع میگویند که قطع نفس او می شود و مراد ازسماجه علو است و این مثلی است که گویند باکسی که بخشم آید و علاجی نیابد فرو خورد خود را بگلوی کسی و بقولی مراد ازآیه آنست که کسی که گمان میبرد و میخواهد که خدا نصرت محمد نکند پس میاندازد کمندی بر آسمان و جنگ بران زند و قطع مسافت نماید و منع نصرت او کند

مِنْهَا مِنْ غَمٍّ اُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ ۝ إِنَّ اللَّهَ

از انجا ۞ از غم او باطاقی و باز گردانیده شوند در آن و گویند بچشید عذاب آتش سوزان ۞ بدرستی که خدا

يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

در می آورد آنانرا که گرویدند ۞ و کردند ۞ کارهای شایسته ۞ در بوستانها ۞ که میرود از زیر آنها

الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ

نهرها ۞ زیور بسته شوند در آن ۞ از دستینه های ۞ از ۞ طلا ۞ و مروارید ۞ و پوشش ایشان

فِيهَا حَرِيرٌ ۝ وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ

در بهشت ابریشم است ۞ و راه نموده شوند مومنان بچیزهای پاکیزه ۞ از ۞ گفتار ۞ و براه یافته شوند بسوی راه خدای

الْحَمِيدِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ

ستوده ۞ بدرستی که آنانکه کافر شدند ۞ و باز میدارند مردم را از ۞ راه دین ۞ خدا

وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ

و از آن مسجد الحرامی که ۞ ساختیم او را ۞ برای مردمان که مساویست ۞ مقیم ۞ در آن

وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ وَ

و آینده از بادیه ۞ و هر که اراده کند در آن حرم که میل از حق باشد ۞ و ستم ۞ قرین باشد بچشانیم او را از عذاب ۞ دردناک ۞ و

إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَنْ لَا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَطَهِّرْ

چون بسبب کردیم ۞ و نشین نمودیم برای ۞ ابراهیم جای خانه کعبه را ۞ گفتیم او را شرک مباور ۞ بمن چیزی ۞ و پاکیزه کن

بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ ۝ وَأَذِّنْ فِي

خانه مرا برای طواف کنندگان ۞ و ایستادگان بنماز ۞ و رکوع کنندگان ۞ و سجده کنندگان ۞ و ندا در ده ای ابراهیم

النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ

میان مردم بحج ۞ تا بیایند بتو که پیادگان باشند ۞ و سوار ۞ و بر هر شتری لاغر ۞ آیند ۞ از هر

فَجٍّ عَمِيقٍ ۝ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ

راه فراخ که دور باشد ۞ تا حاضر شوند نزد منفعتهای ۞ که برای ایشانست ۞ و تا یاد کنند نام ۞ خدا را در روزهای

مَعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَ

معلوم ۞ بر آنچه روزی داد ایشانرا از ۞ چهارپایان ۞ پس بخورید از آن ۞ و

اَطْعِمُوا الْبَآئِسَ الْفَقِيرَ ۝ ثُمَّ لْيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلْيُوفُوا نُذُورَهُمْ

بخورانید محنت کشیده و محتاج را پس بگذارند همه مناسک حج را و وفا کنند نذرهای خود را

وَلْيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ ۝ ذٰلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ حُرُمَاتِ اللّٰهِ

و باید که طواف کنند بخانهٔ آزاد از غرق طوفان ۝ امور حج این است و هر که بزرگ دارد حرمتهای خدا را

فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ ۗ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ

پس آن بهتر است برای او نزد پروردگار او و حلال کرده شد برای شما همه چارپایان مگر آنکه خوانده شود بر شما

فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ۝ حُنَفَاءَ

پس دور شوید از پلیدی که آن بتانند و دور شوید از گفتار دروغ که مثل کنندهٔ بتند

لِلّٰهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ ۚ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللّٰهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَآءِ فَتَخْطَفُهُ

برای خدا نه شرک آورندگان بخدا و هر که شرک آورد بخدا پس گویا در افتاده و از آسمان بزمین پس بوده باشد او را

الطَّيْرُ أَوْ تَهْوِي بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ ۝ ذٰلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ

مرغان ربایند او را یا دور اندازد او را باد در مکانی دور از دسترس ۝ حقیقت امر آنست و هر که بزرگ دارد

شَعَآئِرَ اللّٰهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ ۝ لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ

حرمتهای خدا را پس بدرستیکه آن تعظیم از پرهیزکاری دلهاست ۝ مر شما را در آن منافعی است تا

أَجَلٍ مُسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَى الْبَيْتِ الْعَتِيقِ ۝ وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا

زمان قیامت نام برده شده پس جای نماسک حج بسوی خانهٔ آزاد از غرق است ۝ و مر هر گروهی را که پیش از شما بودند

مَنْسَكًا لِيَذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ ۗ

گردانیدیم محل عبادتی تا یاد کنند نام خدا را بر ذبح آنچه روزی کرد ایشان را از بستهٔ زبانان شتر و گاو و گوسفند

فَإِلٰهُكُمْ إِلٰهٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا ۗ وَبَشِّرِ الْمُخْبِتِينَ ۝ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ

پس خدای شما خدائی است یکتا پس مر او را گردن نهید و مژده ده فروتنان را ۝ آنانکه چون یاد کرده شود

اللّٰهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي

خدا بترسد دلهای ایشان و مژده ده صبر کنندگان را بر آنچه رسیده ایشان را و بپای دارندگان

الصَّلٰوةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۝ وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ

نماز را و از آنچه روزی داده ایم ایشان را انفاق میکنند ۝ و شتر را بزرگ گردانیدیم و مقرر ساختیم برای شما

مِنْ

بعضی شعائر را همه مناسک حج تفسیر کرده اند و منافع را منافع دنیوی و اخروی از تجارات و امثال آنها و محل مناسک را بجای محل شدن آن گفته اند بعلت آنکه آخر افعال حج طواف مر سنگ را که بعد از آن همه محرمات احرامی حلال میشود و بعضی شعائر را تفسیر نهدی سیاق نموده گفته اند که محل ذبح آن در احرام عمره ضروره است در ما بین صفا و مروه و در احرام حج منی است و بنا بر این اطلاق بیت عتیق که نام کعبه است بر همه بعنوان مجاز است و منافع را شان بمنافع دنیوی سیاق از سواری و شیر و شم و مانند آنهاست اجل مسمی آنوقتی است که قربانی هدی شود بنا بر اول وقت فراغ از افعال

مِن شَعَآئِرِ اللّٰهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللّٰهِ عَلَيْهَا صَوَآفَّ فَاِذَا

از نشانهای دین خدا مر شمارا | در آن نیکوئی بسیار است پس یاد کنید نام | خدا را بر کشتن شتر که صف زده ایستاده باشند

وَجَبَتْ جُنُوبُهَا فَكُلُوا مِنْهَا وَاَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ كَذٰلِكَ

پس چون بیفتد بر زمین پهلوهای شتر آن پس بخورید از آن و بخورانید درویش قناعت کننده و درویش سؤال کننده همچنان که

سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ لَنْ يَنَالَ اللّٰهَ لُحُومُهَا

رام کردیم برای شما شاید که شما | شکر کنید هرگز نرسد بخدا گوشتهای قربانی

وَلَا دِمَآؤُهَا وَلٰكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوٰى مِنْكُمْ كَذٰلِكَ سَخَّرَهَا

و نه خونهای ایشان ولیکن میرسد بقبول آنچه پرهیزکاریست از شما همچنین رام کردیم

لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللّٰهَ عَلٰى مَا هَدٰىكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ ۝ اِنَّ اللّٰهَ

انعام را برای شما تا بزرگی یاد خدا را بر آنچه راه نمود شما را و مژده ده نیکوکاران را بدرستیکه خدا

يُدَافِعُ عَنِ الَّذِينَ اٰمَنُوا اِنَّ اللّٰهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ كَفُورٍ

دفع کند ضرر کفار را از آنان که ایمان آوردند بدرستی که خدا دوست نمیدارد هر خیانت کننده ناسپاس را

اُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتَلُونَ بِاَنَّهُمْ ظُلِمُوا وَاِنَّ اللّٰهَ عَلٰى نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

رخصت شد مر آنانرا که خواهند کارزار کنند بدرستی که ایشان ستمدیده شدند و بدرستی که خدا بر یاری ایشان هر آینه تواناست

الَّذِينَ اُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ اِلَّآ اَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللّٰهُ وَ

آنانکه بیرون کرده شدند از خانه‌های خود | بناحق مگر آنکه میگفتند که پروردگار ما خداست و

لَوْلَا دَفْعُ اللّٰهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهُدِّمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ

اگر نه دفع کردن خدا بودی مردم را پاره از ایشان را پاره هر آینه ویران شدی صومعه‌ها ابهان و کلیساها

وَصَلَوٰتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللّٰهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ

و کنیسه‌ها و مسجدهای مسلمانان که همیشه یاد کرده شده در آنها نام خدا بسیار و هر آینه یاری دهد

اللّٰهُ مَنْ يَنْصُرُهُ اِنَّ اللّٰهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ ۝ اَلَّذِينَ اِنْ مَكَّنّٰهُمْ فِي

خدا کسی را که یاری کند او را خدا بدرستی که خدا هر آینه توانا و غالب است اینجماعت آنانند که اگر تمکین دادیم ایشانرا در

الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتَوُا الزَّكٰوةَ وَاَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَ

زمین بپای دارند نماز را و بدهند زکوة را و امر کنند بمعروف و نیکوئی و

از حضرت ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام مرویست که قانع آنست که قناعت کند بهرچه باو عطا کنی بدش نیاید و رویش بخندد و بخشم نیاید و معتر آنست که دست دراز کند برای گرفتن چیزی و در روایتی دیگر از حضرت صادق مرویست که قانع آنست که سؤال کند و هرچه بوی عطا خشنود باشد و معتر آنست که بگدایی رود

از حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه مرویست که این آیه اذن للذین اخرجوا تا آخر در باب مهاجرین نازل شده و حکمش جاریست در آل محمد که از شهرهای خود بیرون کرده شدند یعنی از خانهای خلافت امامت و مهاجرین در حدیث و آیه دو قول منفیرین احتمال مهاجرین از یکدیگند یا از یکجا بجایی دارد و هر دو محتمل است

نَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ ۚ وَلِلّٰهِ عَاقِبَةُ الْاُمُورِ ۞ وَاِنْ يُكَذِّبُوكَ

نهی کردند از زشتیها و مرخدا راست سرانجام کارها و اگر تکذیب کردند تورا

فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودُ ۞ وَقَوْمُ اِبْرٰهِيمَ

پس بتحقیق که تکذیب کردند پیش ازایشان قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم

وَقَوْمُ لُوطٍ ۞ وَاَصْحٰبُ مَدْيَنَ وَكُذِّبَ مُوسٰى فَاَمْلَيْتُ

و قوم لوط و اصحاب مدین پیغمبران خودرا و تکذیب کرده شد موسی پس مهلت دادم

لِلْكٰفِرِينَ ثُمَّ اَخَذْتُهُمْ ۖ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ۞ فَكَاَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ

مرکافرانرا پس گرفتم ایشانرا پس چگونه بود ناپسند من ایشانرا پس چه بسیار از اهل شهرها

اَهْلَكْنٰهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلٰى عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ

که هلاک کردیم ما آنهارا و حال انکه ظالم بودند پس آن دیهها افتادند بر سقفهای خود و با چاه معطل شده

وَقَصْرٍ مَشِيدٍ ۞ اَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْاَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ

و با کوشک بلند افراخته آیا پس سیر نکردند در زمین پس بودی مرایشانرا دلها که

يَعْقِلُونَ بِهَا اَوْ اٰذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا ۖ فَاِنَّهَا لَا تَعْمَى الْاَبْصٰرُ

دریابند بسبب آنها یا گوشها بشنوند بآن گوشها پس قصه این است که کور نیست چشمها

وَلٰكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ ۞ وَيَسْتَعْجِلُونَكَ

و لیکن کور است دلهای ایشان که در سینه هاست و طلب تعجیل میکنند از

بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللّٰهُ وَعْدَهُ ۚ وَاِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ

کفار بتنزول عذاب و هرگز خلاف نکند خدا وعده خود را و بدرستی که روزی از روزهای نزد پروردگار تو

كَاَلْفِ سَنَةٍ مِمَّا تَعُدُّونَ ۞ وَكَاَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ اَمْلَيْتُ لَهَا

مانند هزار سال است از آنچه می شمارید و چندین از اهل دیهها که مهلت دادیم آنهارا

وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ اَخَذْتُهَا ۖ وَاِلَيَّ الْمَصِيرُ ۞ قُلْ يٰٓاَيُّهَا النَّاسُ اِنَّمَا

و ایشان ستمکار بودند پس گرفتم ایشانرا بعذاب و بسوی منست بازگشت بگو ای مردمان جز این نیست

اَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ ۞ فَالَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ

که منم مرشمارا بیم کننده ظاهر پس آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته مرایشانرا

يعنی
اولاً شهرهایش
خراب شده و پس ازان دیوارها
بر روی شهرها افتاده

مغفرة ورزق كريم ۝ والذين سعوا في آياتنا معاجزين

آمرزش و روزی بزرگوار و آنانکه سعی کردند در ابطال آیات ما در حالی که زعم ایشان

اولئك اصحاب الجحيم ۝ وما ارسلنا من قبلك من رسول ولا

آن بود که انگیزه ایشان و نفرستادیم ما پیش از تو هیچ رسولی و نه

نبي الا اذا تمنى القى الشيطان في امنيته فينسخ الله ما يلقي

پیغمبری مگر آنگه چون تلاوت کرد افکند شیطان در وقت تلاوت او پس باطل کرد خدا آنچه می افکند

الشيطان ثم يحكم الله آياته والله عليم حكيم ۝ ليجعل

شیطان پس محکم میکند خدا آیات خود را و خدا دانای درست کارها باز گرداند

ما يلقي الشيطان فتنة للذين في قلوبهم مرض والقاسية

آنچه القا میکند شیطان آزمایشی برای آنانکه در دلهای ایشان مرضی و مر آنانرا که سخت است

قلوبهم وان الظالمين لفي شقاق بعيد ۝ وليعلم الذين اوتوا

دلهای ایشان و بدرستی که ستمکاران هر آینه در خلافی دور اند و برای آنست که بداند آنانکه داده شده اند

العلم انه الحق من ربك فيؤمنوا به فتخبت له قلوبهم وان الله

علم که بدرستیکه قرآن حق است از پروردگار تو پس گروند بقرآن پس نرم شود بقرآن دلهای ایشان و بدرستی که خدا

لهاد الذين امنوا الى صراط مستقيم ۝ ولا يزال الذين كفروا

هر آینه راه نماینده آنانست که گرویدند بسوی راه راست و پیوسته نباشند آنانکه کافر شدند

في مرية منه حتى تاتيهم الساعة بغتة او ياتيهم عذاب يوم

در شک از قرآن تا بیاید ایشانرا قیامت ناگهان یا بیاید ایشانرا عذاب روز

عقيم ۝ الملك يومئذ لله يحكم بينهم فالذين امنوا وعملوا

نازاینده پادشاهی در آن روز مر خدا راست حکم میکند میان ایشان پس کسانی که گرویدند و کردند

الصالحات في جنات النعيم ۝ والذين كفروا وكذبوا بايتنا

کارهای شایسته در بوستانهای پر نعمتند و آنانکه نگرویدند و تکذیب کردند آیات ما را

فاولئك لهم عذاب مهين ۝ والذين هاجروا في سبيل الله

پس انگیزه مر ایشانرا عذاب خوار کننده و آنانکه هجرت کردند در راه دین خدا

رضی الله فرموده که تمنی احتمال دارد که معنی تلاوت باشد و خلاصه مضمون آیه اینکه هر پیغمبری که پیش از تو بود چنین بوده که چون تلاوت مینمود آنچه مامور بود بر رسانیدن آن بقوم خود ایشان تحریف آنرا مینمودند و زیاده و کم میکردند چنانچه بهود کردند و نسبت آن تحریف بشیطان لعین آنست که بفریب او شده پس خدا تعالی آن تحریف را نسخ و زایل کرده آیات محکمه خود را بر آن غرض این سخن تسلی دادن رسول آخر الزمان است بر آنچه مشرکان میکردند بتکذیب آنحضرت و زیاده کردن مدح خدایان خود را بر آنچه آنحضرت تلاوت مینمود و فرموده که تمنی در لغت عرب بمعنی تلاوت آمده چنانچه حسان ابن ثابت گفته شعر تمنی کتاب الله اول لیله و آخره لاقی حمام المقادر و اگر مراد از تمنی تمنای دل باشد توجیه کلام آنست که رسولی هرگاه در دل آرزوی بعضی از خیرها کند شیطان او را وسوسه نموده بباطل میخواند و خدا تعالی آیات خود را باز میدارد و راهنمائی خود او را از فریب او باز میدارد بقول پاره از مفسرین اهل سنت تمنی قلبی کرده و گفته اند که مراد آنست که رسول هرگاه در دل خود قصد کاری و تدبیر در چاره کند شیطان در خواطر او القاء وساوسی کند که مخالف مراد او باشد و آخر الامر خدا تعالی آیات خود را محکم میکند و بقول بعضی از ایشان آنحضرت چون خواهش تمام در رعایت قومش داشت در ایمان آوردن چون سوره والنجم را تلاوت کرد شیطان این سخن را بر زبان او انداخت که تلک الغرانیق العلی و ان شفاعتهن لترتجی مشرکان از استماع این سخن

ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ
پس کشته شدند یا مردند هر آینه روزی دهد ایشانرا خدا روزی نیکوتر و بدرستی که خدا بهترین روزی دهندگان و بدرستی که خدا بیکوترین
الرَّازِقِينَ ۝ لَيُدْخِلَنَّهُمْ مُدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ
روزی دهندگانست هر آینه در آورد ایشانرا در آوردنی که راضی شوند و بدرستیکه خدا هر آینه داناست بردبار است
ذَٰلِكَ ۖ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ
این امر خداست و هر که عقوبت کند بمانند آنچه عقوبت کرده شود بآن پس ستم کرده شود بر او هر آینه نصرت دهد
اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُوٌّ غَفُورٌ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ
خدا بدرستی که خدا هر آینه درگذرنده آمرزنده است این قدرت بسبب آنست که خدا در آورد شب را در روز
وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ
و در می آورد روز را در شب و بدرستی که خدا شنواى بیناست این نصرت بسبب آنست که خدا
هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ
اوست ثابت و آنست که آنچه میخوانند بجز از خدا اوست باطل و بدرستی که خدا اوست
الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ
برتر بزرگوار آیا ندیدی که خدا فرستاد از آسمان آبی پس گشت
الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً ۚ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي
زمین سبز و خرم بدرستی که خدا لطف کننده آگاه است مر اوراست آنچه در آسمانها و آنچه در
الْأَرْضِ ۚ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا
زمینست و بدرستی که خدا مر اوست بی نیاز ستوده آیا ندیدی بدرستی که خدا رام کرد برای شما آنچه
فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ ۚ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ
در زمینست و رام کرد کشتی را که میرود در دریا بامر خدا او و نگاه میدارد آسمانرا اینکه
تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ
بیفتد بر زمین مگر بفرمان او بدرستی که خدا بمردمان مهربان بخشاینده است
وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ۗ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ
و اوست آنخدائی که زنده کرد شما را پس میمیراند شما را پس زنده میکند شما را بدرستی که آدمی ناسپاس است

بغایت مسرور شده همگی بسجده افتادند و نماند کسی در مسجد از مؤمنان و مشرکان مگر آنکه سجده نمود پس جبرئیل آنحضرت را از آنحال آگاه نموده بغایت غمگین شد بجهة تسلی او این آیه آمد و گروهی از ایشان نزل نموده گفته اند که شیطان بعد از تلاوت آنحضرت آیات را که مذکور شد در سوره نجم ملک الفرانیق را ما آخر خواند بر وسی که مردمان گمان برند که آنحضرت خوانده میترجم گوید که حاشا و معاذالله که شیطان بر جسیم را بر دل و زبان پیغمبران باشد یا داخلی در کار خانه برو حی مذکور تواند کرد بلکه ظاهر آنست که سخن مذکور از ملک الفرانیق تا آخر از مفتریات مشرکان بود که بجهة معارضه قرآن مسکفه در مقابله معاونت شیاطین جن و انس بان سخنها انجامیده و گویا مراد از آیه

لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُنَّكَ فِي الْأَمْرِ

هر امتی کردنی را که گردانیدیم ما دینی و نهادی که ایشان پذیرنده آن بودند پس نباید نزاع کنند تو در این امر

وَادْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٍ ۝ وَإِنْ جَادَلُوكَ

و بخوان مردم را بسوی پروردگار خود بدرستی که تو هر آینه بر راه راستی و اگر جدال کنند با تو

فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا

پس بگو خدا داناتر است به آنچه میکنید خدا حکم میکند میان شما روز قیامت در آنچه

كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ ۝ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَ

هستید در آن اختلاف می کنید آیا ندانسته اید که خدا میداند آنچه در آسمان و

الْأَرْضِ إِنَّ ذَٰلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ ۝ وَيَعْبُدُونَ

زمین است بدرستی که همه آنها در کتاب نوشته شده بدرستی که علم بر همه اشیا بر خدا آسان است و می پرستند

مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يُنَزِّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُم بِهِ عِلْمٌ ۗ وَمَا

بجز از خدا چیزی که فرو نفرستاده است بر پرستش آن حجتی و برهانی و آنچیزی را که نیست مر ایشانرا آن علمی و

لِلظَّالِمِينَ مِن نَّصِيرٍ ۝ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ

مر ستمکارانرا هیچ یاری کننده و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما که روشنند بینائی

فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنكَرَ ۖ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ

در روی آنانکه کافر شدند انکار و ناخوشی آنرا نزدیک باشند که بر جهند و بگیرند آنانرا که

يَتْلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا ۗ قُلْ أَفَأُنَبِّئُكُم بِشَرٍّ مِّن ذَٰلِكُمُ ۗ النَّارُ وَعَدَهَا

میخوانند بر ایشان آیات ما را بگو آیا پس خبر دهم شما را بدتر از این که میگویند این آتش است که وعده کرد

اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ۖ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ ضُرِبَ

آنرا خدا آنانرا که کافر شدند و بد موضع بازگشتن است دوزخ ای مردمان زده شد

مَثَلٌ فَاسْتَمِعُوا لَهُ ۚ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَن يَخْلُقُوا

مثلی مر پرستش شما بتان را پس بشنوید آنرا و این است آنانکه میخوانید بتان را از غیر خدا هرگز نیافرینند

ذُبَابًا وَلَوِ اجْتَمَعُوا لَهُ ۖ وَإِن يَسْلُبْهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَّا يَسْتَنقِذُوهُ

مگسی را با وجود خردی و اگرچه اجتماع کنند برای آفریدن و اگر برباید از ایشان بتان مگس چیزی را نتوانند خلاص کرد آنرا

منکر
مصدر است چنانچه
در مجمع البیان گفته و مراد از آیات
آثار انکار است که آن عبارت است
از تغییر رنگ و ورش روی

مِنْهُ ضَعُفَ الطَّالِبُ وَالْمَطْلُوبُ ۝ مَا قَدَرُوا اللّٰهَ حَقَّ قَدْرِهٖ

از کیست سست است جویند و یعنی کیست ضعیف است مطلوب که بتباشد در دفع آن تعظیم نکردند کفار خدای تعظیم کردن

اِنَّ اللّٰهَ لَقَوِیٌّ عَزِیزٌ ۝ اَللّٰهُ یَصْطَفِیْ مِنَ الْمَلٰٓئِكَةِ رُسُلًا وَّمِنَ النَّاسِ

بدرستی که خدا هر آینه توانای غالبست خدا برمیگزیند از فرشتگان پیغمبران و از مردمان پیغمبران

اِنَّ اللّٰهَ سَمِیْعٌ بَصِیْرٌ ۝ یَعْلَمُ مَا بَیْنَ اَیْدِیْهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ ؕ وَاِلَی اللّٰهِ

بدرستی که خدا شنوای بیناست میداند آنچه پیش روی ایشانست و آنچه پس ایشانست و بسوی خدا

تُرْجَعُ الْاُمُوْرُ ۝ یٰٓاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوا ارْكَعُوْا وَاسْجُدُوْا وَاعْبُدُوْا

بازگردانیده شود کارها ای آنانکه گرویده اید رکوع کنید و سجود کنید و بپرستید

رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَیْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُوْنَ ۝ وَجَاهِدُوْا فِی اللّٰهِ حَقَّ

پروردگار خود را و بکنید نیکوئی را شاید شما رستگار شوید و جهاد کنید در راه دین خدا حق

جِهَادِهٖ ؕ هُوَ اجْتَبٰىكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَیْكُمْ فِی الدِّیْنِ مِنْ حَرَجٍ ؕ

جهاد کردن او حق سبحانه برگزید شما را و نساخت بر شما از امور دین هیچ تنگی

مِلَّةَ اَبِیْكُمْ اِبْرٰهِیْمَ ؕ هُوَ سَمّٰىكُمُ الْمُسْلِمِیْنَ ۝ مِنْ قَبْلُ وَفِیْ هٰذَا

بلکه وسیع کرد چون توسعه دین پدر شما ابراهیم او نام نهاد شما را مسلمانان پیش از قرآن و در قرآن نیز

لِیَكُوْنَ الرَّسُوْلُ شَهِیْدًا عَلَیْكُمْ وَتَكُوْنُوْا شُهَدَآءَ عَلَی النَّاسِ ۚ فَاَقِیْمُوا

تا باشد پیغمبر شما گواه بر شما بقبول دعوت و باشید شما گواهان بر مردمان پس بپای دارید

الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاعْتَصِمُوْا بِاللّٰهِ ؕ هُوَ مَوْلٰىكُمْ ۚ فَنِعْمَ الْمَوْلٰی

نماز را و بدهید زکوة را و چنگ در زنید بفضل خدا اوست متولی کار شما پس نیکو خداوندیست او

وَنِعْمَ النَّصِیْرُ

و نیکو یاری دهنده او

سورة المؤمنون مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قَدْ اَفْلَحَ الْمُؤْمِنُوْنَ ۝ الَّذِیْنَ هُمْ فِیْ صَلٰوتِهِمْ خٰشِعُوْنَ ۝ وَ

بتحقیق رستگار شدند مومنان کسانی که ایشان در نماز خود فروتنی کنندگانند و

الذین هم

الجزء ١٨

از بنی عبد الله

مرویست که هر که سوره مومنون را بخواند حقتعالی خاتمه امور او را بسعادت مقرون گرداند و هر که هر جمعه و شب جمعه تلاوت آن سوره مداومت نماید جایگاه او با پیغمبران مرسل در فردوس برین خواهد بود

الَّذِينَهُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ ۝ وَالَّذِينَهُمْ لِلزَّكٰوةِ فَاعِلُونَ ۝ وَ

آنانکه ایشان از بیهوده روگردانندگانند (و) ایشان که مر زکوة را واجب کنندگانند

الَّذِينَهُمْ لِفُرُوجِهِمْ حَافِظُونَ ۝ إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ

و کسانی که ایشان مر عورت خود را نگاه دارندگانند از مباشرت حرام مگر بر زنان حلال خود یا بر آنکه مالک شده

أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ ۝ فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ

دستهای ایشان یعنی کنیزان پس هیچ پرسشی که ایشان ملامت کرده شده اند پس هر که جوید به مباشرت غیر زنان و کنیزان خود پس

الْعَادُونَ ۝ وَالَّذِينَهُمْ لِأَمَانَاتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ ۝ وَالَّذِينَهُمْ

ایشان درگذرندگانند و آنانکه ایشان مر امانتهای خود و عهدهای خود را رعایت کنندگانند و آنانکه

عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ۝ أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ۝ الَّذِينَ يَرِثُونَ

بر نمازهای خود محافظت می کنند آنگروه ایشان میراث برندگانند آنانکه میراث برند

الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن

فردوس را ایشان در آن جاوید ماندگانند و بتحقیق که آفریدیم بشر آدمی را از

سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ ۝ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ ۝ ثُمَّ خَلَقْنَا

خلاصه پرورده شده از گل پس گردانیدیم نسل آدم را از نطفه قرار گرفته در قرارگاه استوار پس گردانیدیم

النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ

آن نطفه بسته را خون سرخ پس آفریدیم آن خون بسته را پاره گوشتی چاییده شده پس آفریدیم آن گوشت را

عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ

استخوان پس پوشیدیم آن استخوانها را بگوشت پس آفریدیم او را آفرینش دیگر پس بزرگست خدا

أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ ۝ ثُمَّ إِنَّكُم بَعْدَ ذَٰلِكَ لَمَيِّتُونَ ۝ ثُمَّ إِنَّكُمْ

که بهترین آفریننده گانست پس بدرستی که شما بعد از خلق اعضا بر آدمیت همیرید پس بدرستی که شما

يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ ۝ وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَائِقَ وَمَا كُنَّا

روز قیامت برانگیخته میشوید و بتحقیق که آفریدیم بالای شما هفت آسمانرا که طریقهای آسمانگانند

عَنِ الْخَلْقِ غَافِلِينَ ۝ وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّاهُ

و نیستیم ما از خلق بیخبران و فرو فرستادیم ما از آسمان آبی باندازه پس ساکن گردانیدیم آنرا

مراد
از لغو هر قول و فعل
و صوت حرام و بی فائده است و در بعضی
از اخبار اهل بیت علیهم السلام تفسیر لغو بغنا و ملاهی
شده و از حضرت صلوات الله علیه مسطور است
که اعراض از لغو آنست که هر گاه کسی با تو خشونتی
کند یا فحشی بتو دهد از وی روی بگرداند
و در صدد انتقام او
در نیائی

متعه
داخل است در ازواج
لغة و عرفا پس آیه دلالت
بر حرمت متعه یا باعتبار حصر زنان حلال
بر ازواج و ملک یمین چه زوجه خصائص معقوده
بعقد دوام ندارد و بلکه معقوده مطلق است چه
بعقد دوام باشد یا عقد منقطع و صاحب کشاف
هم گفته این آیه دلالت میکند بر حرمت متعه چه
هر گاه نکاح صحیح باشد او هم داخل ازواج است
پس استدلال بعضی از عامه باین آیه بر حرمت
نکاح متعه بی صورت است و صحت نکاح متعه
پیش ازین در آیه متعه مذکور
شده

فِي الْأَرْضِ ۖ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ ﴿١٨﴾ فَأَنشَأْنَا لَكُمْ بِهِ

در زمین و بدرستیکه ما بر بردن آن آب هر آینه قادریم پس بیافریدیم برای شما بآن آب

جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا

بوستانها از خرماستان و انگورستان برای شما در آنها میوه‌های بسیار است و از آن میوه‌ها

تَأْكُلُونَ ﴿١٩﴾ وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِن طُورِ سَيْنَاءَ تَنبُتُ بِالدُّهْنِ وَصِبْغٍ

میخورید و درختی که بیرون می آید از کوه طور سینا زیتون میروید با روغن و نان خورش

لِّلْآكِلِينَ ﴿٢٠﴾ وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۖ نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا

مر خورندگان را و بدرستی مر شمارست در چهارپایان هر آینه عبرتی میدهیم شمارا از آنچه در شکم ایشانست

وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ﴿٢١﴾ وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ

و مر شمارا است در ایشان منفعتهای بسیار و از آن میخورید و بر این انعام و بر کشتی

تُحْمَلُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا

برداشته میشوید و بتحقیق فرستادیم نوحرا بسوی قوم خود پس گفت ای قوم بپرستید

اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ ۖ أَفَلَا تَتَّقُونَ ﴿٢٣﴾ فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا

خدارا نیست مر شمارا هیچ خدائی غیر خدای بحق آیا پس پرهیز نمی کنید پس گفتند اشراف قوم او انانکه کافر شدند

مِن قَوْمِهِ مَا هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَن يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ ۚ

از قوم نوح نیست این مگر آدمی مانند شما میخواهد بآنکه تفضل کند بر شما

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنزَلَ مَلَائِكَةً مَّا سَمِعْنَا بِهَٰذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ

و اگر خواستی خدا هر آینه فرستادی فرشتگانرا نشنیدیم اینکه آدم پیغمبر باشد در میان پدران پیشینیان

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ حِينٍ ﴿٢٥﴾ قَالَ رَبِّ

نیست این مگر مردی که با و دیوانگی است پس انتظار برید با و تا وقت مردن گفت پروردگارا

انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ﴿٢٦﴾ فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنِ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا

یاری ده مرا بسبب آنچه تکذیب کردند پس وحی کردیم ما بسوی او انکه بساز کشتی را بحافظت ما

وَوَحْيِنَا فَإِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِن كُلٍّ

و تعلیم ما پس چون بیاید امر ما و بجوشد تنور پس در آور در کشتی از هر

طور

کوهی است بین مصر
و ایله و بقولی در فلسطین و آنرا طور سینا
بکسر سین و فتح آن و طور سینین گویند
باعتبار وقوع آن کوه در
یا در سینین که نام
آن سرزمین
میباشد

نان خورش را از آن صبغ گویند
که نان را رنگین
میکند

زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَنْ سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ وَلَا

دو صنف از حیوانات و داخل ساز اهل خود را مگر آنکه پیشی گرفت بر او (۱) گفتار عذاب از اهل تو که زن نوح

تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُغْرَقُونَ ۝ فَإِذَا اسْتَوَيْتَ أَنْتَ

بود و خطاب مکن مرا با تماس در آنانکه ستم کردند بدرستی که ایشان غرق شدگانند پس چون راست نشینی (۱۵) تو

وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلْكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّانَا مِنَ الْقَوْمِ

و هر که با تست بر کشتی پس بگو حمد و سپاس مر خدایرا که رهانید ما را از گروه

الظَّالِمِينَ ۝ وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ

ستمکاران (۱۶) و بگو پروردگارا فرود آور مرا فرود آوردنی بابرکت و تو بهترین فرود آورندگانی

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ وَإِنْ كُنَّا لَمُبْتَلِينَ ۝ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ

بدرستیکه در این (۱۷) هر آینه علامتهاست و بدرستی که بودیم ما رسانندگان بلای بزرگ پس فرو فرستادیم ما و آفریدیم

بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ ۝ فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ أَنِ اعْبُدُوا

بعد از ایشان گروهی دیگر (۱۸) پس فرو فرستادیم ما در ایشان پیغمبری از ایشان (۱۹) که بپرستید

اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۝ وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ

خدا را نیست مر شما هیچ خدائی بجز خدا آیا پس پرهیز نمی کنید (۲۰) و گفتند اشراف از قوم او آنانکه

كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

کافر شدند (۲۱) و تکذیب کردند برسیدن قیامت (۲۲) و فراخ بسیار دادیم ایشانرا در زندگانی دنیا

مَا هَٰذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ

نیست این (۲۳) مگر آدمی مانند شما (۲۴) میخورد از آنچه شما میخورید از او و می آشامد

مِمَّا تَشْرَبُونَ ۝ وَلَئِنْ أَطَعْتُمْ بَشَرًا مِثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذًا لَخَاسِرُونَ

از آنچه شما می آشامید (۲۵) و اگر اطاعت کنید آدمیرا مانند خود بدرستی که شما آنوقت هر آینه زیانکارانید

أَيَعِدُكُمْ أَنَّكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظَامًا أَنَّكُمْ مُخْرَجُونَ

آیا وعده کرد شمارا بدرستی که شما چون بمیرید (۲۶) و باشید شما خاک و استخوان بدرستیکه شما بیرون آورده شوید

هَيْهَاتَ هَيْهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ ۝ إِنْ هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا

دور است (۲۷) دور است آنچه وعده داده میشوید شما (۲۸) نیست این مگر زندگانی دنیا

یعنی
صالح را چنانکه
آخر قصه دلالت بر آن دارد
از عذاب صیحه

نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ ۝ إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ

میمیریم و زنده میشویم و نیستیم ما برانگیخته شدگان نیست این نبود مگر مردی که افترای کرد بر خدا

كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُ بِمُؤْمِنِينَ ۝ قَالَ رَبِّ انْصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونِ ۝ قَالَ

دروغی و نیستیم ما مر او را باورداران گفت پروردگارا یاری ده مرا بسبب آنچه تکذیب کردند گفت

عَمَّا قَلِيلٍ لَيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ ۝ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ

خدا بعد از اندک زمانی هر آینه گردند کافران پشیمانان پس گرفت ایشانرا آواز یاد جبرئیل بوجهی ثابت پس گردانیدیم

غُثَاءً فَبُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا

ایشانرا چون خاشاک آب آورده پس دوریست از رحمت مر گروه ستمکاران را پس آفریدیم از بعد ایشان قرنهای

آخَرِينَ ۝ مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَأْخِرُونَ ۝ ثُمَّ

دیگر هیچ شوانست گرفت هیچ گروهی در وقت عذاب و باز پس نمانند از آن پس

أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرَا كُلَّمَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَأَتْبَعْنَا

فرستادیم ما پیغمبران را که پی در پی بودند هر گاه آمدی قومی را پیغمبر ایشان تکذیب کردند او را پس از پی در آوردیم

بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ

پاره ایشانرا ببارهٔ و ساختیم ایشانرا سخنان یعنی حکایتی مانند از ایشان پس دوریست از رحمت گروهی را که نمیگروند

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ ۝ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝

پس فرستادیم موسی و برادر او را هارون با معجزات ما و حجتی ظاهر که عصا بود

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَائِهِ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ ۝ فَقَالُوا

بسوی فرعون و اشراف قوم او پس تکبر کردند از قبول ایمان و بودند گروهی گردنکشان پس گفتند

أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عَابِدُونَ ۝ فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا

آیا ایمان آریم ما بدو آدمی مانند خود مان و حال آنکه قوم ایشان مر ما را بندگانند پس تکذیب کردند ایشانرا پس بودند

مِنَ الْمُهْلَكِينَ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

از هلاک شدگان و بتحقیق که دادیم ما موسی را کتاب شاید ایشان راه یافته شدگان باشند

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ آيَةً وَآوَيْنَاهُمَا إِلَىٰ رَبْوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ

و گردانیدیم پسر مریم و مادر او مریم را علامتی و جای دادیم ایشانرا به بلندی در پهنت المقدس که صاحب آرامش

وجعلنا

وَمَعِينٍ ۝ يَا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا

وخداوند آب ای پیغمبران بخورید از پاکیزه‌ها و بکنید کردار شایسته

إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ۝ وَإِنَّ هَٰذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ

بدرستیکه من بآنچه میکنید دانایم و بدرستیکه این امت شماست امتی درحالتیکه یگانه است ومنم پروردگار شما

فَاتَّقُونِ ۝ فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ

پس بپرهیزید پس پریدند کار دین خود را میان ایشان پاره پاره فرقه فرقه هر گروهی بآنچه نزد ایشانست

فَرِحُونَ ۝ فَذَرْهُمْ فِي غَمْرَتِهِمْ حَتَّىٰ حِينٍ ۝ أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم

شاد است پس بگذار ایشانرا در گرداب ضلالت خود تا کشته شوند یا بمیرند آیا می پندارند آنچه مدد میکنم

بِهِ مِن مَّالٍ وَبَنِينَ ۝ نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ ۚ بَل لَّا يَشْعُرُونَ

ایشانرا بآن از مال و فرزندان میشتابم برای ایشان در نیکوئیها نه چنانست بلکه نمیدانند

إِنَّ الَّذِينَ هُم مِّنْ خَشْيَةِ رَبِّهِم مُّشْفِقُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُم بِآيَاتِ

بدرستیکه آنانکه ایشان از ترس پروردگارشان خائف میباشند و آنانکه ایشان بآیات

رَبِّهِمْ يُؤْمِنُونَ ۝ وَالَّذِينَ هُم بِرَبِّهِمْ لَا يُشْرِكُونَ ۝ وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ

پروردگارخود ایمان میآورند و آنانکه ایشان بپروردگارخود شرک نمی آورند و آنانکه میدهند زکوة

مَا آتَوا وَّقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ ۝ أُولَٰئِكَ

آنچه دادند از زکوة و دلهای ایشان ترسانست بدرستیکه بسوی پروردگارشان برگردندگانند

يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ ۝ وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا

میشتابند در خوبیها و ایشان مر نیکیرا پیشی گیرندگانند و تکلیف نمیکنیم هیچ نفسی را

إِلَّا وُسْعَهَا وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۝ بَلْ

مگر بگنجایش آن و نزد ما کتابیست که میگوید بر راستی و ایشان ستم نمیشوند بلکه

قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَٰذَا وَلَهُمْ أَعْمَالٌ مِّن دُونِ ذَٰلِكَ هُمْ

دلهای ایشان در حیرتست که فرو گرفته آنرا از این و ایشانرا کردارهاست غیر از خطاهای بزرگ شرک ایشان

لَهَا عَامِلُونَ ۝ حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْأَرُونَ

مر آنرا کننده گانند تا وقتیکه گرفتیم ما منعمان ایشانرا بعذاب آنگاه ایشان فریاد برمیکشند

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که رسول خدا فرمود که خدا تعالی میفرماید که بنده مومن من محزون میگردد هرگاه بروی شک کردم ازین دنیا چیزی را و حال آنکه آن موجب قربت اوست بدرگاه من و شاد میشد هرگاه فراخ کردم نعمتهای دنیا را و حال آنکه آن باعث عدم زیادتی روزی اوست از درگاه من پس آنحضرت این آیه را تلاوت فرمود

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که مراد آنست که دلهای ایشان خائف است از آنکه آن عطای ایشان پذیرفته نگردد و بنا بر این مضمون آیه اینست که میترسند که کردهای ایشان پذیرفته نشود برای آنکه میدانند که بازگشت خواهند کرد بسوی پروردگار خود و همچنین گفته

لَا تَجْـَٔارُوا الْيَوْمَ اِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنْصَرُونَ ۝ قَدْ كَانَتْ اٰيٰتِي تُتْلٰى

گفته گویم فریاد مکنید امروز به پیش ما یاری کرده نشوید هیچیش که بود آیتهای ما قرآن که خوانده

عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلٰٓى اَعْقَابِكُمْ تَنْكِصُونَ ۝ مُسْتَكْبِرِينَ بِهٖ

می شد بر شما پس بودید شما بر پاشنهای شما باز میگشتید قهقرا که گرد نکشان بودید بحرم مکه

سَامِرًا تَهْجُرُونَ ۝ اَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ اَمْ جَآءَهُمْ مَا لَمْ يَاْتِ اٰبَآءَهُمُ

شب قصه قرآن میگردید و اعراض میکردید آیا پس تدبر نمیکنند در قرآن آیا آمد ایشانرا آنچه نیامد پدران ایشانرا

الْاَوَّلِينَ ۝ اَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهٗ مُنْكِرُونَ ۝ اَمْ يَقُولُونَ

که پیشینیان بودند یا آیا نشناختند پیغمبر خود را پس ایشان مر او را انکار کنندگانند یا آیا می گویند

بِهٖ جِنَّةٌ بَلْ جَآءَهُمْ بِالْحَقِّ وَاَكْثَرُهُمْ لِلْحَقِّ كٰرِهُونَ ۝ وَلَوِ

که باین پیغمبر رسیده دیوانگی بلکه آمد ایشانرا بحق و بیشتر ایشان مرحق را ناخوشنده گانند و اگر

اتَّبَعَ الْحَقُّ اَهْوَآءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمٰوٰتُ وَالْاَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ

تابع شدی حق آرزوهای ایشانرا هر آینه تباه شدی آسمانها و زمین و هر که در آنهاست

بَلْ اَتَيْنٰهُمْ بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنْ ذِكْرِهِمْ مُعْرِضُونَ ۝ اَمْ تَسْـَٔلُهُمْ

بلکه دادیم ایشانرا کتابی که پند ایشانست پس ایشان از پند ایشان اعراض کنندگانند آیا تو میخواهی ایشانرا

خَرْجًا فَخَرَاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ ۚ وَهُوَ خَيْرُ الرّٰزِقِينَ ۝ وَاِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ

رسالت ایشانرا مزدی پس مزد پروردگار تو بهتر است و او بهترین روزی دهندگانست و بدرستیکه تو هر آینه میخوانی ایشانرا

اِلٰى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ وَاِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْاٰخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ

بسوی راه راست و بدرستی که آنانکه نمیگروند بقیامت از راه راست

لَنٰكِبُونَ ۝ وَلَوْ رَحِمْنٰهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِنْ ضُرٍّ لَلَجُّوا فِي طُغْيَانِهِمْ

عدول کنندگانند و اگر بیخشایم ایشانرا و برداریم آنچه با ایشانست از بدی هر آینه لجاج نمایند در گمراهی خود

يَعْمَهُونَ ۝ وَلَقَدْ اَخَذْنٰهُمْ بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ

که متحیر باشند و بتحقیق که گرفتیم ایشانرا بعذاب پس فروتنی نکردند مر پروردگار خود را

وَمَا يَتَضَرَّعُونَ ۝ حَتّٰٓى اِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ

و نه زاری مینمودند تا چون گشادیم بر ایشان درهای که خداوند عذاب سخت بود

ربع

ضمیره

راج است بحرم کعبه

قریش میگفتند که ما بهترین خلایقیم

بسبب آنکه خدمت کعبه با ماست بآن علت

تکبر بر خلایق مینمودند و بعضی گفته اند که ضمیر

راجع است بپیغمبر خدا صلی الله علیه و آله یعنی

تکه از متابعت او منمایند و سامر امم جمع است

یعنی سامرین ایشان جمعی اند که شبها نشسته و

باهم صحبت نمایند و از هر جا سخنی در میان

آورند و مراد در اینجا سخن گفتن ایشان است با

یکدیگر در باب عیب جویی آنحضرت

و قرآن مجید و دین حق

إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ

ناگاه ایشان در آن نا امید بوده اند او است آنکه آفرید برای شما گوش و چشمها

وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ

و دلها اندکی شما شکر میکنید او است آنکه آفرید شما را در زمین

وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتِلَافُ

و بسوی او جمع کرده شوید او است آنکه زنده میکند و میمیراند و مر او راست آمد و شد

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ۝ بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوَّلُونَ

شب و روز آیا پس تعقل نمی کنید بلکه گفتند مانند آنچه گفتند پیشینیان

قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ ۝ لَقَدْ وُعِدْنَا

گفتند آیا چون میریم ما و باشیم ما خاک و استخوانها آیا بر انگیخته شدگانیم هر آینه وعده داده

نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَٰذَا مِن قَبْلُ إِنْ هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝ قُل

شدیم ما و پدران ما این سخن را پیش از آمدن محمد نیست این مگر افسانهای پیشینیان بگو محمد بگو

لِّمَنِ الْأَرْضُ وَمَن فِيهَا إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُل

از کیست زمین و هر که در آنست اگر هستید که میدانید زود باشد که بگویند که مر خدا راست

أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ۝ قُلْ مَن رَّبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ

آیا پس پند نمیگیرید بگو محمد بگو کیست پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش

الْعَظِيمِ ۝ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ ۝ قُلْ مَن بِيَدِهِ مَلَكُوتُ

بزرگ زود باشد که بگویند مر خدا را بگو آیا پس چرا نمی پرهیزید بگو یا محمد کیست بدست او است پادشاهی

كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ سَيَقُولُونَ

هر چیز و او زنهار دهد و فریاد رسد و زنهار داده نشود او اگر هستید که میدانید زود باشد که بگویند

لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّىٰ تُسْحَرُونَ ۝ بَلْ أَتَيْنَاهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ۝

برای خدا بگو پس چرا فریب خورده میشوند بلکه آوردیم ایشانرا امر درست و بدرستیکه ایشان هر آینه دروغگویانند

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِن وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَٰهٍ إِذًا لَّذَهَبَ كُلُّ إِلَٰهٍ

فرا نگرفت خدا هیچ فرزندی و نیست با او هیچ خدائی چون خدائی دیگر بودی هر آینه میبردی هر خدائی

استیهام
در افلا تذکرون و افلا
تتقون برای پند یم است

بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَا بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝ عَالِمِ

آنچه آفریدی و برآنه برتری جستند پاره‌شان از خدایان بر دیگری پاکست خدا از آنچه وصف میکنند ۝ خداوندای

الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيَنِّي مَا

نهان و آشکارست پس برتر و بزرگوارتر ازانست که شریک می آورند ۝ بگو پروردگارا اگر بنمائی مرا آنچه

يُوعَدُونَ ۝ رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَإِنَّا عَلَىٰ

وعده کرده میشوند ۝ پروردگارا پس مگردان مرا در گروه ستمکاران ۝ و بدرستی که ما بر

أَنْ نُرِيَكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَادِرُونَ ۝ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةَ

انکه بنمائیم تو آنچه وعده میدهیم ایشانرا هر آینه توانیم ۝ دفع کن بخصلتی که آن خصلت نیکوترست خصلت بدرا

نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ ۝ وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ

ما دانا تریم ۝ و میدانیم بآنچه وصف می کنند و بگو پروردگارا پناه میبرم تو ۝ از وسوسه های شیاطین

وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونِ ۝ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ

و پناه میبرم پروردگارا تو ۝ انکه حاضر شوند دیوان نزدمن تا هنگامیکه بیاید یکی از ایشانرا مرگ

قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ ۝ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا

گفت پروردگارا بازگردان مرا ۝ شاید من بکنم کار شایسته در آنچه ترک کردم ۝ حاشا که او بازگردد

كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۝ فَإِذَا

بر سبیلکه او کلمه ایست بگوید و اثر ندارد و از پس ایشان ۝ مانعیست که نتوانند بدنیا آمد تا روزیکه برانگیخته میشوند پس چون

نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ ۝

دمیده شود در صور پس ۝ نسبتها نباشد میان ایشان ۝ آنروز یعنی خویشی نفعی ندارد و نپرسند یکدیگر را از حال هم

فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَمَنْ خَفَّتْ

پس هر که گران باشد ترازوی او ۝ پس انگروه آنانند رستگاران ۝ و هر که سبک باشد

مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ

ترازوی کردار او پس آن گروه آنانند که زیان کردند بر نفسهای خود ۝ در دوزخ جاوید ماندگانند

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ ۝ أَلَمْ تَكُنْ آيَاتِي تُتْلَىٰ

بسوزاند روی‌های ایشانرا آتش و ایشان ۝ در آتش زشت رویان باشند ۝ آیا نبود آیات من که خوانده می شد

اما
مرکبست ازان
شرطیه و ما زائده کافه بعلت
ما نون تاکید بر محل شرط در آمده و
فلا تجعلنی جزای شرطست و تصدیر
هر یک از شرط جزا ابتدای پروردگار
برای کمال تضرع و خشوع است خلاصه
مضمون اینکه اگر البته عذاب موعود را
خواهی فرستاد بر مشرکان پس مرا از
میان ایشان برون کن
که عذاب من
نرسد
مراد
از خصلت نیکوتر کلمه
توحید و از سیئه کلیه بدی گست و تعولی
اول امر معروف و ثانی نهی از منکرست
و تعولی دیگر اول خصلت عفو و احسان
و ثانی مواخذه خلق بدی
که از ایشان صادر شود
والله تعالی اعلم

عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿١٠٥﴾ قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا

بر شما پس بودید شما باین آیات که تکذیب میکردید ﴿١٠٥﴾ گویند ای پروردگار ما غالب شد بر ما بدبختی ما

وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ ﴿١٠٦﴾ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ

و بودیم ما گروهی گمراهان ﴿١٠٦﴾ پروردگار ما بیرون آر ما را از آتش پس اگر باز گردیم ما پس هر آینه ستمکاریم

قَالَ اخْسَئُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ ﴿١٠٨﴾ إِنَّهُ كَانَ فَرِيقٌ مِنْ عِبَادِي

گوید خدا خاموش باشید در آتش و حرف مزنید ﴿١٠٨﴾ بدرستیکه شان این است که بودند گروهی از بندگان من

يَقُولُونَ رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ ﴿١٠٩﴾

که میگویند ای پروردگار ما ایمان آوردیم پس بیامرز ما را و بیخش ما را و تو ئی بهترین رحم کنندگان ﴿١٠٩﴾

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِنْهُمْ تَضْحَكُونَ

پس فرا گرفتید موشان را بر سخریه تا آنکه فراموش کردید یاد کردن مرا و بودید شما باایشان خنده میکردید

إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا أَنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿١١١﴾ قَالَ كَمْ

بدرستی که من جزا دادم ایشان را امروز بآنچه صبر کردند بدرستی که ایشان ایشانند رستگاران ﴿١١١﴾ گفت خدا چند

لَبِثْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ ﴿١١٢﴾ قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ

درنگ کردید در زمین از روی شمار سالها ﴿١١٢﴾ گفتند درنگ کردیم یک روز یا بعضی از یک روز

فَاسْأَلِ الْعَادِّينَ ﴿١١٣﴾ قَالَ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَوْ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ

پس پرس ای پرسنده از شمارکنندگان ﴿١١٣﴾ گفت خدا اگر درنگ نکردید مگر اندکی اگر آنکه شما بودید

تَعْلَمُونَ ﴿١١٤﴾ أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ

میدانید ﴿١١٤﴾ آیا پس پنداشتید آنکه آفریدیم ما شما را از روی بازی و آنکه شما بسوی ما باز گردانیده نشوید

فَتَعَالَى اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْكَرِيمِ ﴿١١٦﴾

پس برتر است خدا پادشاه راست سزاوار نیست هیچ معبودی مگر او که پروردگار عرش بزرگست ﴿١١٦﴾

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا حِسَابُهُ عِنْدَ

و هر که بخواند با خدای خدای دیگر هیچ حجتی نیست مر او را بپرستش خدایان پس جز این نیست که حساب او نزد

رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ ﴿١١٧﴾ وَقُلْ رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ

پروردگار اوست رستگار نمیشوند کافران ﴿١١٧﴾ و بگو یا محمد پروردگار من بیامرز و رحم کن مرا و تو

سورة النور مع رسوخ آيه مدنية

الرّاحمين

رحم کننده کانی

خير

بهشه بن

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

سورة انزلناها وفرضناها وانزلنا فيها آيات بينات لعلكم

این سوره ایست که فرو فرستادیم آنرا و فرض کردیم احکام این سوره را و فرستادیم در آن آیتهای روشن شاید شما

تذكرون الزانية والزاني فاجلدوا كل واحد منهما

پند گیرید آنست که زن زناکار و مرد زناکار را پس بزنید هر یک از این دو را

مائة جلدة ولا تأخذكم بهما رأفة في دين الله ان كنتم تؤمنون

صد تازیانه و باید که فرا نگیرد شما را بایشان مهربانی در حفظ دین خدا اگر هستید که ایمان می آورید

بالله واليوم الآخر وليشهد عذابهما طائفة من المؤمنين

بخدا و روز باز پسین و باید که حاضر شوند در زدن ایشان گروهی بسیار از مؤمنان تا شهرت یابد

الزاني لا ينكح الا زانية او مشركة والزانية لا ينكحها الا

مرد زناکننده نکاح نبندد مگر زن زناکننده را یا مشرکه را و زن زناکار بنکاح نیاورد او را مگر

زان او مشرك وحرم ذلك على المؤمنين والذين يرمون

مرد زناکننده یا مرد مشرک و حرام شد این تزویج بر مؤمنان و آنانکه رمی کنند

المحصنات ثم لم يأتوا باربعة شهداء فاجلدوهم ثمانين جلدة

زنان محصنه را پس نیاورند چهار گواه عادل پس بزنید ایشان را هشتاد تازیانه

ولا تقبلوا لهم شهادة ابدا واولئك هم الفاسقون الا

و قبول نکنید از آن قذف کنندگان گواهی را هرگز و آن گروه ایشانند بدکاران گواهی ایشان را پذیرید مگر

الذين تابوا من بعد ذلك واصلحوا فان الله غفور رحيم

آنانکه توبه کردند از پس این قذف و اصلاح کنند پس بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست

والذين يرمون ازواجهم ولم يكن لهم شهداء الا انفسهم

و آنانکه رمی کنند بزنا کردن زنان خود را و نباشد مر ایشان را گواهان مگر نفسهای ایشان

فتهاده

از حضرات ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام مروی است که ایشان مردان و زنانی بودند مشهور بزنا در زمان رسول خدا پس حق تعالی نهی فرمود از نکاح آن مردان و زنان و امر فرمود حکم چنین است که کسی که مشهور بزنا باشد یا حد زنا خورده باشد نکاح نکند او را تا توبه اش معلوم شود و ظاهر آنست که نهی تحریمی باشد نه تحریمی و آیه کریمه بنا بر این منسوخ خواهد بود چنانچه مشهور میانه اصحاب است و بعضی از عامه گفته اند که نهی تحریمی بوده و در صدر اسلام حرام بوده و بعد از آن منسوخ شده و از عبد الله بن عباس و عبد الله بن عمر و جمعی دیگر از مفسرین منقول است که این آیه نازل شد

فَشَهَادَةُ اَحَدِهِمْ اَرْبَعُ شَهَادَاتٍ بِاللّٰهِ اِنَّهُ لَمِنَ الصّٰدِقِيْنَ ۞ وَ

پس واجب گواهی دادن یکی از ایشان چهار گواهی ۞ بخدا بدرستی که او هر آینه از راستگویانست ۞ و

الْخَامِسَةُ اَنَّ لَعْنَتَ اللّٰهِ عَلَيْهِ اِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِيْنَ ۞ وَ

گواهی پنجم ۞ آنکه لعنت خدا ۞ بر او ۞ اگر باشد ۞ از ۞ دروغگویان ۞ و

يَدْرَؤُا عَنْهَا الْعَذَابَ اَنْ تَشْهَدَ اَرْبَعَ شَهَادَاتٍ بِاللّٰهِ اِنَّهُ لَمِنَ

دفع کند و باز دارد از آن زن عذاب را آنکه گواهی دهد چهار ۞ گواهی ۞ بخدا بدرستی که شوهر او هر آینه از

الْكَاذِبِيْنَ ۞ وَالْخَامِسَةَ اَنَّ غَضَبَ اللّٰهِ عَلَيْهَا اِنْ كَانَ مِنَ

دروغگویانست ۞ و گواهی پنجم ۞ آنکه غضب ۞ خدا بر آن زن باشد ۞ اگر باشد از

الصّٰدِقِيْنَ ۞ وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَاَنَّ اللّٰهَ تَوَّابٌ

راستگویان ۞ و اگر نه ۞ فضل ۞ خدا بر شما بودی شما ۞ و رحمت او و بدرستی که خدا توبه پذیرنده

حَكِيْمٌ ۞ اِنَّ الَّذِيْنَ جَآءُوْا بِالْاِفْكِ عُصْبَةٌ مِنْكُمْ ۚ لَا تَحْسَبُوْهُ شَرًّا

است کارها ۞ بدرستی که آنانکه آوردند دروغ را ۞ در میان شما ۞ جماعتی از شما ۞ مپندارید آن دروغ را بدی

لَكُمْ ۚ بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَكُمْ ۚ لِكُلِّ امْرِئٍ مِنْهُمْ مَا اكْتَسَبَ مِنَ الْاِثْمِ ۚ

برای خود ۞ بلکه آن بهتر است برای شما از برای هر ۞ گروهی از اهل بهتان جزای آن ۞ چیزیست که کسب کرده از گناه ۞

وَالَّذِيْ تَوَلّٰى كِبْرَهٗ مِنْهُمْ لَهٗ عَذَابٌ عَظِيْمٌ ۞ لَوْلَآ اِذْ سَمِعْتُمُوْهُ

و آنکس که فرا گرفت معظم تر از ایشان ۞ مر ۞ ایشانرا است عذاب بزرگ ۞ چرا آنگاه ۞ شنیدید او را

ظَنَّ الْمُؤْمِنُوْنَ وَالْمُؤْمِنٰتُ بِاَنْفُسِهِمْ خَيْرًا ۙ وَّقَالُوْا هٰذَآ اِفْكٌ

گمان کردند گروندگان مرد و زنان ۞ گرونده ۞ بنفسهای خود ۞ خوبی را و گفتندی ۞ این ۞ دروغ

مُّبِيْنٌ ۞ لَوْلَا جَآءُوْ عَلَيْهِ بِاَرْبَعَةِ شُهَدَآءَ ۚ فَاِذْ لَمْ يَاْتُوْا بِالشُّهَدَآءِ

ظاهر است ۞ چرا نیاوردند ۞ بر این سخن ۞ چهار ۞ گواه ۞ پس چون نیاوردند گواهان را

فَاُولٰٓئِكَ عِنْدَ اللّٰهِ هُمُ الْكٰذِبُوْنَ ۞ وَلَوْلَا فَضْلُ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ

پس ایشان ۞ نزد خدا ایشانند ۞ دروغگویان ۞ و اگر نه ۞ فضل خدا بودی بر شما

وَرَحْمَتُهٗ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِيْمَآ اَفَضْتُمْ فِيْهِ عَذَابٌ عَظِيْمٌ

و رحمت او ۞ در دنیا ۞ و آخرت هر آینه رسیدی بر شما در آنچه خوض کردید ۞ در آن عذابی بزرگ

کسی
که نسبت زنا بزن
خود دهد و آن زن مرافعه نزد حاکم
شرع برد حاکم از آن شوهر مطالبه بینه میکند
که عبارت از چهار شاهدی است که شهادت
دهند بر مشاهده آن زنا کالمیل فی المکحله و برین تقدیر
شهادت ایشان آن زن مستحق رجم میشود و اگر نه
تحقق نیابد آن مرد در اشاعه زنا نه میرسد حد
قذف و اگر آن مرد خواهد رفع حد از خود نماید بلعان
میتواند نمود و کیفیت لعان آنکه چهار نوبت خدا را
بگواهی مطلبد که آنچه گفته راست گفته و نوبت پنجم
لعنت خدا بر خود میکند اگر در رفع گفته باشد و
بعد از تحقق آن زن مستحق رجم میشود مگر که او هم چهار
مرتبه خدا تعالی را بگواهی مطلبد در اینکه آنچه را
شوهرش نسبت باو داده دروغ و افترا است و
نوبت پنجم لعنت خدا بر خود کند اگر شوهرش
راست گفته باشد و بعد از تحقق لعان از طرفین
حد از هر دو ساقط میشود لیکن بر یکدیگر حرام
مؤبد میشوند و آن زن از زوجیت او بیرون میرود
و اگر خواهد بعد از انقضای عده شوهر دیگر نمود
نمودن مانند مطلقه و احتیاج بطلاق
نیست بلکه لعان حکم طلاق
دارد

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِأَلْسِنَتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ

وقتیکه فرا گرفتید این سخن را ببزبانهای خود و می گفتند ◎ بدهنهای خود آنچیزرا که نیست برای شما بآن دانشی

وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ ۝ وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ

وگمان میکردید آنرا سهل ◎ وآن نزد خدا بزرگست ◎ وچرا وقتیکه آنرا شنیدید

قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ

گفتید نشاید ما را ◎ آنکه سخن گوئیم باین گفتار پاکی تو این سخنها بهتانی است بزرگ

يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ وَيُبَيِّنُ

وعظ میکند شمارا خدا آنکه عود کنید ◎ بمثل آن هرگز تا زنده باشید اگر هستید گروندگان ◎ وبیان میکند

اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ

خدا برای شما آیتها که بدانید خدا دانای ◎ درست کار است ◎ بدرستی که آنانکه دوست میدارند آنکه

تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَ

فاش شود ◎ زشتیها می زنا ◎ در شان کسانی که ایمان آوردند مرایشانرا ست عذاب دردناک ◎ در دنیا ◎ و

الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ

آخرت ◎ وخدا میداند ◎ وشما نمیدانید ◎ واگر نه فضل خدا بودی بر شما

وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا

ورحمت او ◎ وبدرستی که خدا مهربان بخشاینده ◎ است ◎ ای ◎ آنانکه گرویدید ◎ پیروی مکنید

خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ

گامهای ◎ شیطانرا ◎ وهر که پیروی کند ◎ گامهای ◎ شیطانرا ◎ پس بدرستی که او بشیطان امر

بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا

میکند بکار زشت ◎ و ناپسند ◎ واگر نه فضل خدا بودی بر شما ◎ ورحمت او

زَكَى مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ

پاک نگشتی از شما ◎ هیچکس ◎ همیشه تا آخر ولیکن خدا پاک میکند ◎ هر که را میخواهد ◎ و خدا

سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ وَلَا يَأْتَلِ أُولُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا

شنوای ◎ داناست ◎ و باید سوگند نخورند خداوندان افزونی از شما ◎ و خداوندان فراخی که بدهند

ضمیر

پس متمم و راجعست

با لفظ و خطاب غائب هم آنچه ضمایر است

که شهرت حکایت لفظ از ایشان صادر شده

و مراد از مومنین و مومنات همین جماعتست از

باب وضع ظاهر موضع ضمیر جهة اشعار بانکه

ایمانشان مقتضی آن بود که از آن قبول کنند چه

جای انکه بدگوئی هم حکایت کنند و باشتها

آن گوشند و مراد از القسم امانی امد که

لفظ ایشان شده ها عتبار انکه مومنین همه

کفس واحده اند

نصف

مراد

از فضل در اینجا

افزونی در مال است بقرینة

عطف صفت بر ان

اُولِی الْقُرْبٰی وَالْمَسٰکِیْنَ وَالْمُهٰجِرِیْنَ فِیْ سَبِیْلِ اللّٰهِ ۖ وَلْیَعْفُوْا
صاحبان خویشی ۞ و درویشان ۞ و مهاجران ۞ در راه ۞ خدا و باید که درگذرد
وَلْیَصْفَحُوْا ۗ اَلَا تُحِبُّوْنَ اَنْ یَّغْفِرَ اللّٰهُ لَکُمْ ۗ وَاللّٰهُ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ
جریمه را و باید که روی بگرداند از هفتاد آیا دوست نمیدارید و خدا اینکه بیامرزد مر شما را و خدا آمرزنده مهربان است
اِنَّ الَّذِیْنَ یَرْمُوْنَ الْمُحْصَنٰتِ الْغٰفِلٰتِ الْمُؤْمِنٰتِ لُعِنُوْا فِی
بدرستی که آنانکه رمی میکنند ۞ زنان عفیفه را که ۞ بیخبرند از فعل بد ایمان دارنده اند دور کرده شده اند
الدُّنْیَا وَالْاٰخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِیْمٌ ۞ یَوْمَ تَشْهَدُ عَلَیْهِمْ
در دنیا و آخرت و مر ایشانرا است عذاب بزرگ ۞ روزیکه گواهی دهد بر ایشان
اَلْسِنَتُهُمْ وَاَیْدِیْهِمْ وَاَرْجُلُهُمْ بِمَا کَانُوْا یَعْمَلُوْنَ ۞ یَوْمَئِذٍ یُّوَفِّیْهِمُ
زبانهای ایشان ۞ و دستهای ایشان ۞ و پاهای ایشان بآنچه بودند که میکردند ۞ آنروز تمام میدهد ایشانرا
اللّٰهُ دِیْنَهُمُ الْحَقَّ وَیَعْلَمُوْنَ اَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ الْمُبِیْنُ ۞ اَلْخَبِیْثٰتُ
خداوند ایشانرا جزای که سزاوار باشند آنرا و میدانند بدرستی که خدا اوست ثابت بذات خود ظاهر بر سخنان ناپاک تنها
لِلْخَبِیْثِیْنَ وَالْخَبِیْثُوْنَ لِلْخَبِیْثٰتِ ۚ وَالطَّیِّبٰتُ لِلطَّیِّبِیْنَ وَ
مر ناپاکان راست و پلیدان شایسته ۞ و پلیدان ۞ مر پاکیزه را و مردان پاکیزه برای مردان پاکیزه اند و
الطَّیِّبُوْنَ لِلطَّیِّبٰتِ ۚ اُولٰٓئِکَ مُبَرَّءُوْنَ مِمَّا یَقُوْلُوْنَ ۗ لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ
مردان پاکیزه برای زنان پاکیزه اند آن گروه ۞ مبرا هستند از آنچه میگویند درباب افک مر ایشانرا است آمرزش
وَّرِزْقٌ کَرِیْمٌ ۞ یٰٓاَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا لَا تَدْخُلُوْا بُیُوْتًا غَیْرَ
و روزی نیکو ۞ ای ۞ آنانکه ایمان آورده اند در میایید بخانهای ۞ غیر
بُیُوْتِکُمْ حَتّٰی تَسْتَاْنِسُوْا وَتُسَلِّمُوْا عَلٰٓی اَهْلِهَا ۗ ذٰلِکُمْ خَیْرٌ لَّکُمْ
خانهای خود ۞ تا وقتیکه اعلام کنید ۞ و سلام کنید ۞ بر ۞ اهل آنخانها این است اعلام شما بهتر است برای شما
لَعَلَّکُمْ تَذَکَّرُوْنَ ۞ فَاِنْ لَّمْ تَجِدُوْا فِیْهَآ اَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوْهَا
شاید شما ۞ پند گیرید ۞ پس اگر نیابید ۞ در آن خانه ها کسی را پس داخل نشوید در آنخانه ها
حَتّٰی یُؤْذَنَ لَکُمْ ۚ وَاِنْ قِیْلَ لَکُمُ ارْجِعُوْا فَارْجِعُوْا هُوَ اَزْکٰی

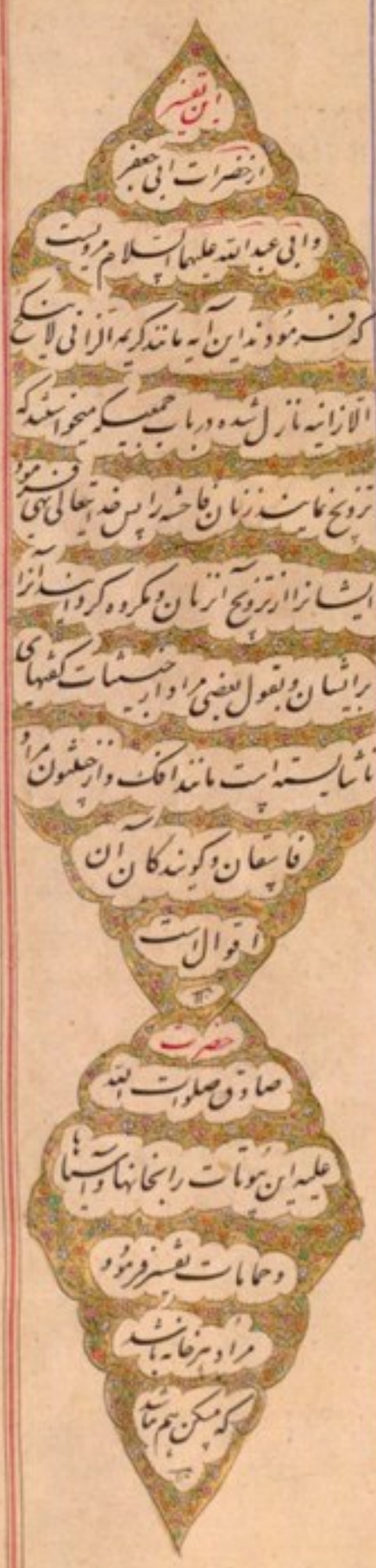

لَكُمْ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ ۝ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ اَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا

برای شما و خدا آنچه میکنید داناست | نیست بر شما گناهی از اینکه در اینها برخصت

غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ

بخانه هائی که کسی بآن ساکن نباشد در آن خانه ها | متاع شما باشد و خدا میداند | آنچه آشکار میکنید و آنچه پنهان میدارید

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذٰلِكَ

بگو یا محمد مر مومنان را که بپوشند چشمهای خود را از نامحرم | و نگاه دارند | فرجهای خود را از زنا | و لواط این

اَزْكٰى لَهُمْ اِنَّ اللّٰهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ۝ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ

پاکیزه تر است برای | ایشان بدرستی که خدا آگاه است بآنچه میکنند | و بگو یا محمد مر زنان مومنه را که بپوشند

مِنْ اَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ اِلَّا مَا

چشمهای خود را از مردان نامحرم و نگاه دارند فرجهای خود را از زنا و ظاهر نکنند موضع زینت خود را بنامحرم مگر آنچه

ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلٰى جُيُوبِهِنَّ ۖ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ

ظاهر باشد از آن زینت بوقت قیام و باید که فرو گذارند مقنعه های خود را بر گریبانهای خود یعنی گردن را بپوشند و ظاهر نکنند

اِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ اَوْ اٰبَآئِهِنَّ اَوْ اٰبَآءِ بُعُولَتِهِنَّ اَوْ اَبْنَآئِهِنَّ اَوْ اَبْنَآءِ

زینت خود را مگر برای شوهران خود یا پدران خود یا پدران شوهران خود | یا پسران خود | یا پسران خود و

بُعُولَتِهِنَّ اَوْ اِخْوَانِهِنَّ اَوْ بَنِيٓ اِخْوَانِهِنَّ اَوْ بَنِيٓ اَخَوٰتِهِنَّ اَوْ نِسَآئِهِنَّ

شوهران خود | یا | برادران خود | یا پسران برادران خود | یا پسران خواهران خود | یا زنان خود

اَوْ مَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُنَّ اَوِ التّٰبِعِينَ غَيْرِ اُولِي الْاِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ

یا آنچه مالک شده | و دستهای ایشان از کنیزان یا پیروان که غیر محتاج باشند از مردان از زنان یعنی بسیار پیر باشند

اَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلٰى عَوْرٰتِ النِّسَآءِ ۖ وَلَا يَضْرِبْنَ

یا کودکانی که | که ظاهر نیستند یعنی اطلاع ندارند بر عورات | زنان | و باید نزنند زنان

بِاَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ ۚ وَتُوبُوٓا اِلَى اللّٰهِ جَمِيعًا

پاهای خود را تا دانسته شود | آنچه پنهان میدارند از زینت خود شان و بازگشت کنید بسوی خدا | همه

اَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَاَنْكِحُوا الْاَيَامٰى مِنْكُمْ

ای | مومنان | شاید شما | رستگار شوید | و بنکاح در آرید زنان بی شوهر را از شما

وَالصّٰلِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَاِمَآئِكُمْ ۚ اِنْ يَكُونُوا فُقَرَآءَ يُغْنِهِمُ اللّٰهُ

و صالحان از بندگان خود و کنیزان خود | اگر باشند | فقیر | بی نیاز گرداند ایشان را خدا

وَالصّٰلِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَاِمَآئِكُمْ ۚ اِنْ يَكُونُوا فُقَرَآءَ يُغْنِهِمُ اللّٰهُ

از

حضرت

صادق صلوات الله

علیه مرویست و مفسرین هم گفته اند

که هر جا در قرآن خطاب فرج وارد شده مراد

محافظت ایست از زنا بغیر از این آیه که مراد

نگاه داشتن ایست از نظر نامحرم و مراد از زینت

ظاهره و باطنه مواضع زینت ایست و بنا بر

مشهور میانه امامیه عورت زن نسبت بأجانب

تمام بدن ایست بغیر از وجه و کفین و ظاهر قدمین

و مراد از آیه گریدانیست که حرام زنا را

اظهار مواضع زینت با جانب یعنی اظهار غیر وجه

و کفین و قدمین ایست و اظهار این مواضع که محل

زینتهای ظاهره اند نسبت با جانب حرام

زینت و نسبت بمحارم اظهار مواضع زینتهای

باطنه هم حرام زینت و آنها عبارتند از بعضی

سر و بدن و تمام اعضا بغیر از فرجین که فرجین غیر

شوهر حرمتند چنانچه از حضرت صادق علیه

السلام مرویست که از آنحضرت پرسیدند که

چه عضو از زن را مرد نامحرم میتواند دید فرمود

که رو و کف دستها و قدمها

(زنان همه را

فاضل

یکی از اولاد علی الماکه در ما وراء النهر

ابی ا

محصالی باین آیه نظر کرد

ابی زنان

وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ

و شایستگان ۞ از بندگان خود ۞ و کنیزان خود ۞ اگر باشند ۞ درویشان غنی گردانند ایشان را

اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ۞ وَلْيَسْتَعْفِفِ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ

خدا ۞ از فضل خود ۞ و خدا وسعت دهنده ۞ داناست ۞ و باید که جهد کنند ۞ آنانکه ۞ نیابند اسباب

نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَالَّذِينَ يَبْتَغُونَ الْكِتَابَ

نکاح را تا وقتیکه توانگر کند ایشان را ۞ خدا ۞ از فضل خود ۞ و آنانکه ۞ طلب می کنند مکاتبت را که بنده خود را بخرد

مِمَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا وَآتُوهُمْ

از آنچه مالک شده اند دستهای شما ۞ پس مکاتبت سازید ایشان را ۞ اگر دانید ۞ در ایشان ۞ خوبی را و بدهید ایشان را

مِنْ مَالِ اللَّهِ الَّذِي آتَاكُمْ ۚ وَلَا تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ

از ۞ مال ۞ خدای ۞ که داده است شما را ۞ و اجبار مکنید کنیزان خود را ۞ بر زنا

إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِتَبْتَغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ وَمَنْ يُكْرِههُنَّ فَإِنَّ

اگر خواهند پرهیزکاری را ۞ تا فراگیرید مال زندگانی دنیا را ۞ و هر که اکراه کند کنیزان خود را

اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرَاهِهِنَّ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۞ وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ

پس بدرستی که خدا بعد از اکراه کنیزان ۞ آمرزنده و مهربان است ۞ و بتحقیق ما فرستادیم بسوی شما ۞ آیتهای

مُبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ

روشنها را ۞ و مثلی از مثلهای ۞ از آنانکه گذشته اند ۞ پیش از شما ۞ و پندی ۞ از برای پرهیزکاران

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا

خدا آفریننده نور آسمانها ۞ و زمین است ۞ وصف نوری که منسوب با و مانند روزنه و فانوسیست که در آن

مِصْبَاحٌ ۖ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ ۖ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ

چراغی افروخته باشد ۞ آن چراغ افروخته ۞ در ۞ قندیل ۞ آبگینه باشد و آن قندیل گویا ستاره ایست درخشان چون

يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ

چراغ افروخته شده از روغن درخت بابرکت که زیتونست ۞ نه از جانب مشرق ۞ و نه از جانب مغرب نزدیکست که

زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ ۚ نُورٌ عَلَىٰ نُورٍ ۗ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ

روغن درخت روشنی دهد و اگرچه ۞ آتش بر سیده نباشد بآن آتش روشنی است بر روشنی افزوده راه مینماید خدا بنور خود

کتاب

وکتابت مکاتبه را

گویند و آن آنست که مولی

با مملوک خود گوید که مالی در یک مدت یا چند مدت

معلومی بدهد و آزاد شود و مملوک هم با عنقریب آزاد

گردد و چون آن مال ادا شود آن مملوک آزاد است

و خبر نبوی مشهور میان امامیه ایمان و صلاحیت

و بقول بعضی از مفسرین مال است و الله تعالی اعلم

حضرت

ابو عبد الله

در حدیث صالح بن سهل همدانی که

در کتاب کافی مذکور است تفسیر فرموده مشکوة را

بفاطمه علیها السلام و مصباح را بحسن و زجاجه را بحسین

علیهما السلام و در تفسیر کانها کوکب دری فرمود

که فاطمه ستاره ایست درخشان میان زنان دنیا

و شجره مبارکه را یاد یهم که نه یهودی بوده نه نصرانی

و فرمود که یکاد زیتها یضیء نزدیکست که

علم از و منفجر شود نور علی نور امامی است از آن

شجره بعد از امام مهدی الله نوره من یشاء هدایت

میکند خدا هر که را خواهد بوسیله ائمه علیهم السلام

و مومد اینمعنی آیت تعلق فی بیوت اذن الله

تا آخر مشکوة چه مراد از آن بیوت خانهای

خانواده نبوتست چنانکه بعضی از مفسرین جامه

گفته و روایت کرده اند که چون رسول خدا

مَنْ يَشَآءُ وَيَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

هر که را خواهد و بیان میکند خدا ◌ مثلها را ◌ برای مردمان و خدا بهر چیز دانا است

فِي بُيُوتٍ اَذِنَ اللّٰهُ اَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا

در خانه هایست که رخصت داد خدا که بلند شود ◌ و آن آوازها یاد کرده شود و در آن نام خدا تسبیح میکنند مر خدا را در آن

بِالْغُدُوِّ وَالْاٰصَالِ ◌ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ

مسجد یا عادتگاه و شبانگاه ◌ مردانی که مشغول نمیسازد ایشانرا تجارت و نه خرید و فروخت از یاد کردن

اللّٰهِ وَاِقَامِ الصَّلٰوةِ وَاِيتَآءِ الزَّكٰوةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ

خدا مانع نشود تجارت ایشانرا بر پا داشتن نماز و دادن زکوة ◌ میترسند ایشان روزی را که بگردد در آن روز

الْقُلُوبُ وَالْاَبْصَارُ ◌ لِيَجْزِيَهُمُ اللّٰهُ اَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُمْ

دلها از ادراک و دیدها از دیدن ◌ تا جزا دهد ایشانرا خدا ◌ بهتر ◌ از آنچه کردند و زیاد کند ایشانرا

مِنْ فَضْلِهِ وَاللّٰهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَآءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ ◌ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

از فضل خود و خدا روزی میدهد هر که را میخواهد ◌ بی حساب ◌ و آنانکه کافر شدند

اَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْاٰنُ مَآءً حَتّٰٓى اِذَا جَآءَهُ

اعمال ایشان از صدقه رحم و قطعه مانند سراب است بزمین همواری پندارد آنرا تشنگان آب ◌ تا چون آمد آنرا هیچ

لَمْ يَجِدْهُ شَيْـًٔا وَوَجَدَ اللّٰهَ عِنْدَهُ فَوَفّٰىهُ حِسَابَهُ ◌ وَاللّٰهُ سَرِيعُ

نیابد او را چیزی و بیابد عذاب خدا را نزد عمل خود پس تمام دهد او را جزای او ◌ و خدا زود

الْحِسَابِ ◌ اَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُجِّيٍّ يَغْشٰىهُ مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ

زود حسابست ◌ یا کردار کفار مانند تاریکیهاست در دریای عمیق که پوشد آنرا موجی از بالای آن

مَوْجٌ مِنْ فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ اِذَآ اَخْرَجَ يَدَهُ

موج از بالای موج ثانی ابریست این تاریکیها ◌ بعضی از آن بالای بعضی اند چون بیرون آرد دست را

لَمْ يَكَدْ يَرٰىهَا وَمَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللّٰهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ

نزدیک نباشد که چند آنرا ◌ و هر که نگرداند خدا برای او نوری پس نیست مر او را هیچ نوری

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَالطَّيْرُ

آیا ندیدی که بدرستی که خدا را تسبیح میکند مر او راست هر چه در آسمانها و زمینست ◌ و مرغان

صافات

علاوت
نمود پرسیدم که این کدام
خانهاست فرمودند که بیوت انبیاس
ابو بکر برخواست و عرضه داشت که این خانه
یعنی خانهای علی و فاطمه از آن خانهاست فرمود
آری از بهترین و فاضلترین آن خانهاست
و بنابراین مراد از رجال ائمه هدی علیهم السلام خواهند
بود و از حسن بصری که پیشوای علمای عامه است
هم منقول است که گفته مراد از مشکوة فاطمه
و از مصباح حسنین و زجاجه که گویا ستاره ایست
درخشنده فاطمه است از میان زنان دنیا و آخرت
مبارکه حضرت ابراهیم است که نه شرقیست
و نه غربی یعنی نه یهودی است و نه نصرانی
و مراد از نور علی نور امام بعد از
امام است که ذریت او تا روز
قیامت باشند و خدا را یاد نمایند
بسبب او هر که را
خواهد

صَآفَّاتٍ كُلٌّ قَدْ عَلِمَ صَلٰوتَهٗ وَتَسْبِيحَهٗ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ

با الهام کشاده رهمه بحقیق دانسته است دعای خود و تسبیح خود را و خدا داناست باآنچه می کنند

وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَى اللّٰهِ الْمَصِيرُ ۞ أَلَمْ تَرَ أَنَّ

و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین و بسوی خدا است بازگشت ۞ آیا ندیدی آنکه

اللّٰهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهٗ ثُمَّ يَجْعَلُهٗ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ

خدا میراند ابر را پس میچسباند میان قطعه را پس میگرداند آنرا بر هم نشسته پس می بینی باران را

يَخْرُجُ مِنْ خِلٰلِهٖ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَآءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ

بیرون میآید از میان آن و فرو میفرستد ۞ از آسمان ۞ از بلندی کوههائی که در آنست از قطعه های بزرگ

فَيُصِيبُ بِهٖ مَنْ يَشَآءُ وَيَصْرِفُهٗ عَنْ مَنْ يَشَآءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهٖ

از تگرگ پس میرساند بآن عذاب بهر که خواهد و میگرداند آنرا از ۞ هر که خواهد نزدیکست که روشنی برق او را

يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ ۞ يُقَلِّبُ اللّٰهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي

ببرد ۞ چشمها را ۞ میگرداند خدا شب و روز را بدرستی که در

ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِأُولِي الْأَبْصَارِ ۞ وَاللّٰهُ خَلَقَ كُلَّ دَآبَّةٍ مِنْ

این هر آینه اعتبار یست مر خداوندان بینائی را ۞ و خدا آفرید هر جنبنده را از

مَآءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلٰى بَطْنِهٖ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلٰى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ

آب پس بعضی از ایشان آنست که میرود بر شکم خود و بعضی از ایشان آنست که می رود بر دو پا ۞ و بعضی از ایشان

مَنْ يَمْشِي عَلٰى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللّٰهُ مَا يَشَآءُ إِنَّ اللّٰهَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آنست که میرود بر چهار دست و پا می آفریند خدا آنچه میخواهد بدرستی که خدا بر هر چیز توانا است

لَقَدْ أَنْزَلْنَآ آيَاتٍ مُبَيِّنَاتٍ وَاللّٰهُ يَهْدِي مَنْ يَشَآءُ إِلٰى صِرَاطٍ

هر آینه بتحقیق فرستادیم نشانهای روشن را ۞ و خدا راه مینماید هر که خواهد بسوی راه

مُسْتَقِيمٍ ۞ وَيَقُولُونَ آمَنَّا بِاللّٰهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلّٰى

راست ۞ و میگویند منافقان ایمان آوردیم بخدا و بغمبر ستاده او و پیروی کرده ایم پس برمیگردد

فَرِيقٌ مِنْهُمْ مِنْ بَعْدِ ذٰلِكَ وَمَآ أُولٰٓئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ ۞ وَإِذَا

گروهی از ایشان بعد از اقرار بایمان و نیستند ایشان ۞ گروندگان ۞ و چون

ضبه

فاعل علم و ضمیر

صلاته و تسبیحه همه را جمع بکل یعنی

هر یک از اهل سموات و اهل ارض و مرغان

همه دانسته اند طریقه نماز و پرستش ایشان

مر خدا تعالی را که خدا بر ایشان

مقرر فرموده

دعوا الى الله ورسوله ليحكم بينهم اذا فريق منهم معرضون

خوانده و شوند بسوی خدا و رسول او تا حکم کند میان ایشان آن هنگام گروهی از ایشان اعراض کنندگانند

وان يكن لهم الحق ياتوا اليه مذعنين ۝ افي قلوبهم مرض

و اگر باشد مر ایشانرا حق بیایند بسوی پیغمبر گردن نهند آیا در دلهای ایشان بیماریست

ام ارتابوا ام يخافون ان يحيف الله عليهم ورسوله بل اولئك

یا در شک اند از ند یا بترسند از آنکه جور کند خدا بر ایشان و فرستاده او بلکه آنگروه

هم الظالمون ۝ انما كان قول المؤمنين اذا دعوا الى الله و

ایشانند ستمکاران ۝ جز این نیست که هست گفتار مومنان چون خوانده شود بسوی خدا و

رسوله ليحكم بينهم ان يقولوا سمعنا واطعنا واولئك

فرستاده او تا حکم کند میان ایشان آنگه گویند شنیدیم و فرمان بردیم و آن گروه

هم المفلحون ۝ ومن يطع الله ورسوله ويخشى الله ويتقه

ایشانند رستگاران ۝ و هر که اطاعت میکند خدا و فرستاده او را و ترسد از خدا و بپرهیزد از خشم او

فاولئك هم الفائزون ۝ واقسموا بالله جهد ايمانهم لئن

پس آنها اند ایشان رستگاران ۝ و قسم خوردند بخدا سخت ترین سوگندان ایشان اگر

امرتهم ليخرجن ۖ قل لا تقسموا طاعة معروفة ۖ ان الله خبير بما

بفرمائی ایشانرا بیرون روند بگو سوگند مخورید مطلوب از شما اطاعت معروف باخلاص است بدرستی که خدا آگاه است بآنچه

تعملون ۝ قل اطيعوا الله واطيعوا الرسول ۖ فان تولوا فانما

میکنید ۝ بگو بپروی کنید خدا را و بپروی کنید فرستاده او را پس اگر برگردند پس جز این نیست

عليه ما حمل وعليكم ما حملتم ۖ وان تطيعوه تهتدوا

که بر عهده اوست آنچه حمل کرده شد و بر شماست آنچه بار کرده اید و اگر بپروی کنید او را راه یابید

وما على الرسول الا البلاغ المبين ۝ وعد الله الذين امنوا

و نیست بر فرستاده او مگر رسانیدن ظاهر ۝ وعده داد خدا آنانرا که گرویدند

منكم وعملوا الصالحات ليستخلفنهم في الارض كما استخلف

از شما و کردند کارهای شایسته هر آینه خلیفه گرداند ایشانرا در زمین همچنانکه خلیفه گردانیده

الذين

مراد از خلافت در این کریمه وعد الله الذی آمنوا خلافت مهدی آل محمد است چنانچه از اخبار اهل بیت مستفاد میشود و در بعضی از تفاسیر مذکور است و مؤید اینکه ظاهر فی الارض خلافت تمام روی زمین است و این خلافت بحر وقت ظهور آنحضرت بوده و خواهد بود و از حضرت ابی جعفر و ابی عبد الله هم روایت شده که تصریح بخلافت سه کس در قرآن مجید واقع شده اول آدم حیث که انی جاعلک فی الارض خلیفه دویم داود که انا جعلناک فی الارض خلیفه سیم حضرت امیر المومنین که لیستخلفنهم فی الارض تا آخر دکه یعنی خلیفه گردانیم چنانکه خلیفه گردانیده بود یعنی داود و سلیمان را

الذين من قبلهم وليمكنن لهم دينهم الذي ارتضى لهم وليبدلنهم
آنانكه پيش از ايشان بودند و هر آينه متمكن گرداند مر ايشانرا دين ايشان كه پسنديده است مر ايشانرا و هر آينه بدل دهد
من بعد خوفهم امنا يعبدونني لا يشركون بي شيئا ومن كفر
ايشان را از پس ترسيدن ايشان ايمنى كه بپرستند مرا و شريك نسازند با من چيزى را و هر كه كافر شود
بعد ذلك فاولئك هم الفاسقون ٥ واقيموا الصلوة واتوا
بعد از اين پس آنها اند ايشان از بدكاران و بجا بپاداريد نماز را و بدهيد
الزكوة واطيعوا الرسول لعلكم ترحمون ٥ لا تحسبن الذين
زكوة را و اطاعت كنيد پيغمبر را شايد كه شما رحم كرده شويد اى محمد مپندار آنانرا كه
كفروا معجزين في الارض ومأويهم النار ولبئس المصير ٥
كافر شدند عاجز كنندگان خداوند را از من و بازگشت ايشان آتش است و هر آينه بد بازگشتنى است
يا ايها الذين امنوا ليستأذنكم الذين ملكت ايمانكم
اى كسانى كه ايمان آورديد بايد كه رخصت طلبند از شما آنانكه مالك شده دستهاى شما
والذين لم يبلغوا الحلم منكم ثلث مرات من قبل صلوة الفجر
و آنانكه نرسيدند باحتلام از شما در شبانه روزى سه مرتبه پيش از نماز صبح
وحين تضعون ثيابكم من الظهيرة ومن بعد صلوة
و بجاى وقت بكنى نهيد جامهاى خود را از نيمروز براى قيلوله و بجا بعد از نماز
العشاء ثلث عورات لكم ليس عليكم ولا عليهم جناح
خفتن اين سه وقت عورتست براى شما نيست بر شما و نه بر ايشان گناهى
بعدهن طوافون عليكم بعضكم على بعض كذلك يبين الله
بعد از اين سه وقت طواف كنندگانند بر شما بعضى از شما بر بعضى مانند اين روشن ميكند خدا
لكم الايات والله عليم حكيم ٥ واذا بلغ الاطفال منكم
براى شما دلايل حق را و خداى دانا و چون برسند كودكان از شما
الحلم فليستأذنوا كما استأذن الذين من قبلهم كذلك يبين
باحتلام پس بايد رخصت دخول جويند همچنانكه رخصت ميطلبند آنانكه بالغ شدند پيش از ايشان مانند اين روشن ميسازد

يعنى
هر آينه متمكن و قوت
ميدهيم دين ايشانرا كه پسنديده است
مر ايشانرا و هر آينه بدل ميكنيم ترس ايشانرا
بامنى و هر كه كفران اين نعمت يعنى ولايت
حضرت امير المؤمنين على ابن ابى طالب صلوات الله
عليه ورزد بعد از وعده الهى پس آنگروه كافرند
نعمتان خداوندان فسق و عصيانند و در تفسير
اهل بيت عليهم السلام مذكورست كه اول
كسى كه كفران ورزيد طايفه بودند كه مخالفت اهل بيت
خلاصه
معنى اين دو آيه
آنكه غلامان و كنيزان و كودكان
نابالغ آنرا دريابند كه چون خواهند نزد شما
آيند در اين سه وقت كه پيش از طلوع فجر و وقت
پسين كه وقت قيلوله است و بعد از نماز عشاء
رخصت نزد شما نيايند چون در اين سه وقت مستعار
باشد برهنه شدن بلكه بارمان ملاعبه و مباشرت
نمودن پس مخبر نيايند نزد شما كه مطلع بر عورت
شما خواهند شد و در غير اين سه وقت اگر
بر رخصت شما نزد شما آيند قصورى و گناهى
نيست بعلت اينكه ايشان خدمتكاران شمايند
و هر لحظه بايد نزد شما حاضر شوند اگر در هر
مرتبه رخصتى بايد حرج لازم خواهد آمد و كودكان
آزاد كه بحد بلوغ رسيده بايد كه هر وقتى كه نزد
شما آيند اول رخصت بخواهند و هر رخصت بر
شما داخل نشوند اين آيه آنست كه غلامان محرم
زنان باشند

اللّٰهُ لَكُمْ اٰيٰتِهٖ وَاللّٰهُ عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ۝ وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَآءِ الّٰلٰتِي

خدا برای شما آیتهای خود را و خدا دانای درست کار است و آنانکه نشستند از زنانی که

لَا يَرْجُوْنَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ اَنْ يَّضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ

امید ندارند از بهری نکاح خود را پس نیست بر ایشان گناهی که بنهند جامه های خود را در

مُتَبَرِّجٰتٍ بِزِيْنَةٍ وَاَنْ يَّسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللّٰهُ سَمِيْعٌ عَلِيْمٌ

حالتی که ظاهر کننده کان نباشند مواضع زینت خود را و اگر طلب عفو کنند بهتر است برای شما و خدا شنوای دانا است

لَيْسَ عَلَى الْاَعْمٰى حَرَجٌ وَّلَا عَلَى الْاَعْرَجِ حَرَجٌ وَّلَا عَلَى الْمَرِيْضِ

نیست بر نابینا گناهی و نه بر لنگ گناهی و نه بر بیمار

حَرَجٌ وَّلَا عَلٰٓى اَنْفُسِكُمْ اَنْ تَاْكُلُوْا مِنْ بُيُوْتِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ اٰبَآئِكُمْ

گناهی و نه بر خویشتنهای شما گناهی از آنکه بخورید از خانهای خود یا خانهای پدران خود

اَوْ بُيُوْتِ اُمَّهٰتِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ اِخْوَانِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ اَخَوٰتِكُمْ اَوْ

یا خانهای مادران خود یا خانهای برادران خود یا خانهای خواهران خود یا

بُيُوْتِ اَعْمَامِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ عَمّٰتِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ اَخْوَالِكُمْ اَوْ بُيُوْتِ

خانهای عموهای خود یا خانهای عمه های خود یا خانهای خالوهای خود یا خانهای

خٰلٰتِكُمْ اَوْ مَا مَلَكْتُمْ مَّفَاتِحَهٗٓ اَوْ صَدِيْقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ

خالهای خود یا خانهای آنچه مالک شده اید تمزاین آنرا یا خانهای دوستان خود نیست بر شما

جُنَاحٌ اَنْ تَاْكُلُوْا جَمِيْعًا اَوْ اَشْتَاتًا فَاِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوْتًا فَسَلِّمُوْا

گناهی انکه بخورید طعام را همگی با هم یا پراکنده پس چون در آیید بخانهای پس سلام کنید

عَلٰٓى اَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللّٰهِ مُبٰرَكَةً طَيِّبَةً كَذٰلِكَ

بر نفسهای خود سلام کردنی از نزد خدا بسیار خیر با برکت پاکیزه خوش همچنین

يُبَيِّنُ اللّٰهُ لَكُمُ الْاٰيٰتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ ۝ اِنَّمَا الْمُؤْمِنُوْنَ

بیان میکند خدا برای شما آیتهای خود را تا شاید شما تعقل کنید جز این نیست که گروندگان

الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاللّٰهِ وَرَسُوْلِهٖ وَاِذَا كَانُوْا مَعَهٗ عَلٰٓى اَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ

آنانند که گرویدند بخدا و فرستاده او و چون باشند با او بر کاری جمع کنند چون

يَذْهَبُوْا

فائده

زنی را گویند

که یائسه و از حیض و زادن

نشسته باشد و الّائی لا یرجون نکاحا یعنی

احتراز است جهة احتراز از غیر عجوزه و شیخوخه

غرض ازین آیه بیان محرمیت زنان بسیار

پرهیز بجدی که گویی رغبت مباشرت با

ایشان برداشته باشد چنانکه پیش ازین مذکور شد

و بنا بر یک تفسیر اینکه مردان بسیار پیر کز رغبت

مباشرت باز زنان برداشته

باشند محرم زنهاید

مراد

سلام بر اهل خانه است

چنانچه از حضرت صادق مرویست

صلوات الله و سلامه

علیه

مراد

از امر جامع امریست

که مقتضای اجتماع مردم بوده باشد

مانند حضور جهاد و مشورت در

کاری یا نماز جماعتی

و امثال

آنها

يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ

نماز وجهاد نروند از پیش رسول تا رخصت طلبند از او بدرستی که آنانکه رخصت میطلبند آن گروه آنانند

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِذَا اسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأْذَن لِّمَن

که ایمان می آرند بخدا و فرستاده او پس طلب رخصت کنند تو را یا محمد برای بعضی از کارهای خود پس رخصت ده هر کرا

شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمُ اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ لَّا تَجْعَلُوا

خواهی از ایشان و طلب آمرزش کن برای ایشان از خدا بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست مگردانید

دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُم بَعْضًا قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ

خواندن پیغمبر شما را میان خود همچون خواندن بعضی از شما بعضی بحقیقت میداند خدا

الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ

آنانرا که پنهان میروند اندک اندک از میان شما که پوشند یکدیگر را از پیغمبر پس باید بپرهیزند آنانکه مخالفت می کنند از فرمان خدا

أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي

که مگر برسد ایشانرا آزمایشی یا برسد ایشانرا عذاب دردناک بدانید که مرخداراست آنچه در

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنتُمْ عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ

آسمانها و زمینست بحقیقت میداند آنچه شما برآنید و روزیکه برگردانیده شوند بسوی او

فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

پس آگاه سازد ایشانرا بآنچه کردند و خدا بهر چیز داناست

سورة الفرقان مكية وهي سبع وسبعون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا

بزرگوارست آنکه فرو فرستاد فرقان را بر بنده خود محمد تا باشد مر جهانیان را بیم کننده

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ

آنخدائیست که مر اوراست پادشاهی سموات یعنی آسمانها و زمین و فرا نگرفت فرزندان و نیست شد مر اورا

شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَّرَهُ تَقْدِيرًا وَاتَّخَذُوا

شریکی در پادشاهی و آفرید هر چیز را پس اندازه کرد او را اندازه کردنی و فرا گرفتند

مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً لَّا يَخْلُقُونَ شَيْـًٔا وَهُمْ يُخْلَقُونَ ۝ وَلَا يَمْلِكُونَ

کافران بجز از خدایان که بنیافرینند چیزرا و ایشان آفریده شدند و قدرت ندارند

لِأَنفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا وَلَا حَيَوٰةً وَلَا نُشُورًا

برای نفسهای خود دفع ضرری و نه جلب نفعی و نیستند این خدایان میرانند تورا و نه زنده کردن کسی را و نه برحشر

وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِنْ هَٰذَآ إِلَّآ إِفْكٌ ٱفْتَرَىٰهُ وَأَعَانَهُۥ عَلَيْهِ

و گفتند آنانکه کافر شدند نیست این قرآن مگر دروغی که بافته آنرا محمد و یاری داده او را بر آن

قَوْمٌ ءَاخَرُونَ فَقَدْ جَآءُو ظُلْمًا وَزُورًا ۝ وَقَالُوٓا۟ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ

گروهی دیگر چون بیهود پس محقق آمدند بستمی و بهتانی و گفتند قرآن افسانهای پیشینیان است

ٱكْتَتَبَهَا فَهِىَ تُمْلَىٰ عَلَيْهِ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ۝ قُلْ أَنزَلَهُ ٱلَّذِى

نوشته محمد آنرا پس آن نوشته املا کرده می شود بر آن در صبح و شام بگوای محمد فرستاده این قرآنرا

يَعْلَمُ ٱلسِّرَّ فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ إِنَّهُۥ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا ۝ وَ

میداند هر پوشیده را در آسمانها و زمین بدرستی که همیشه آمرزنده است او مهربان و

قَالُوا۟ مَالِ هَٰذَا ٱلرَّسُولِ يَأْكُلُ ٱلطَّعَامَ وَيَمْشِى فِى ٱلْأَسْوَاقِ

گفتند کفار چیست این پیغمبر را که میخورد طعام و میرود در بازارها

لَوْلَآ أُنزِلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونَ مَعَهُۥ نَذِيرًا ۝ أَوْ يُلْقَىٰٓ إِلَيْهِ كَنزٌ أَوْ

چرا فرستاده نشد بسوی او فرشته تا باشد با او بیم کننده یا چرا انداخته نشد بسوی او گنجی یا

تَكُونُ لَهُۥ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا ۚ وَقَالَ ٱلظَّٰلِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا

باشد برای او بوستانی که بخورد از آن و گفتند ستمکاران انکه پیروی میکنید مگر مردی

مَّسْحُورًا ۝ ٱنظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا۟ لَكَ ٱلْأَمْثَالَ فَضَلُّوا۟ فَلَا

جادو شده را بنگر چگونه زدند برای تو مثلها پس گمراه شدند پس

يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا ۝ تَبَارَكَ ٱلَّذِىٓ إِن شَآءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّن

نتوانائی ندارند براهی بزرگوار است آنکس که اگر خواهد بگرداند برای تو بهتر از

ذَٰلِكَ جَنَّٰتٍ تَجْرِى مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ وَيَجْعَل لَّكَ قُصُورًا

این گنج و بوستانی که میرود از زیر آن نهرها و بسازد برای تو قصرها

کاه
می گفتند مسحور است
و کاه میگفتند فقیر است و بیان علت
آن روی گشته برای او می کردند
کاه میگفتند مصلحت دین خود و کار
خود را نمیدانند

بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا ۝

بلکه تکذیب کردند قیامت را و آماده کردهایم مر کسی را که تکذیب کرد قیامت را آتش سوزان

إِذَا رَأَتْهُمْ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغَيُّظًا وَزَفِيرًا ۝ وَإِذَا

چون ببیند آتش ایشانرا از جائی دور بشنوند در آن آتش آواز جوشیدن و خشم غریدن را چون

أُلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُقَرَّنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا ۝ لَا

اندر جنته شوند در آتش بجائی تنگ بهم بسته بخوانند در آن مقام بر خود هلاک را

تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيرًا ۝ قُلْ أَذَٰلِكَ

مخوانید امروز یک هلاک را و بخوانید هلاک بسیار را بگو یا محمد آیا این

خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيرًا

بهتر است یا بهشت جاوید که وعده داده شدند پرهیزکاران هست مرایشانرا جزای کردار و بازگشتن

لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ وَعْدًا مَسْئُولًا

مرایشانرا است در بهشت آنچه خواهند جاویدان هست آرزوی ایشان بر پروردگار تو وعده خواسته شده

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنْتُمْ أَضْلَلْتُمْ

و یاد کن روزی که محشور کنند ایشان را و آنچه می پرستند از غیر خدا پس گوید آیا شما گمراه کردید

عِبَادِي هَٰؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ۝ قَالُوا سُبْحَانَكَ مَا

بندگان مرا این گروهند یا ایشان گم کردند راه را گویند پاکی تو نیست

كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلَٰكِنْ مَتَّعْتَهُمْ

مارا رسنده و مرما را آنکه فرا گیریم جز از تو هیچ دوستی ولیکن برخوردار کردی ایشانرا

وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا ۝ فَقَدْ كَذَّبُوكُمْ

و پدران ایشانرا تا فراموش کردند یاد کردن ترا و بودند گروهی هلاک شده پس تکذیب کردند شما را

بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِمْ مِنْكُمْ

بآنچه میگویید پس نتوانند مبعودان دفع عذاب و نه یاری کردن شما را و هر که ستم کند از شما

نُذِقْهُ عَذَابًا كَبِيرًا ۝ وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ

بشرک میچشانیم او را عذابی بزرگ و نفرستادیم ما پیش از تو پیغمبرانرا

نسبت
روایت بدوزخ
باانکه دوزخیان آرامی شند
همه مبالغه در عذاب اوست که گوید مینماید
باایشان آثار خشم و غضب خود را و از
حضرت صادق علیه السلام منقول است که
دوزخیان در قیامت از یکساله راه آواز
زبانه آتش دوزخ را می شنوند و بقول بعضی
از مفسرین از صد ساله راه می شنوند
نعوذ بالله

وعده
دخول بهشت را
مسئول نامیده باعتبار انکه
مومنان در دنیا سئوال نموده بودند و
حق تعالی اجابت سئوال ایشان نموده و در
باعتبار انکه بسئوال فرشتگان شده چنانکه
کریمه ربنا وادخلهم جنات عدن التی وعدتهم
چنانکه در مجمع البیان گفته باهر دو
اعتبار چنانچه این آیه
کریمه یا داران آن

إِلَّآ إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ ٱلطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِى ٱلْأَسْوَاقِ ۗ وَجَعَلْنَا

مگر آنکه ایشان میخوردند طعام را و میرفتند در بازارها و گردانیدیم

بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ ۗ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا ۝ وَقَالَ

بعضی از شما را برای بعضی آزمایش آیا صبر می کنید و هست پروردگار تو بینا و گفتند

ٱلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَآءَنَا لَوْلَآ أُنزِلَ عَلَيْنَا ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ أَوْ

آنانکه امید ندارند رسیدن بجزای ما را چرا فرستاده نمیشود بر ما فرشتگان یا

نَرَىٰ رَبَّنَا ۗ لَقَدِ ٱسْتَكْبَرُوا۟ فِىٓ أَنفُسِهِمْ وَعَتَوْ عُتُوًّا كَبِيرًا ۝ يَوْمَ

چرا نمی بینیم پروردگار خود را بتحقیق که استکبار کردند در نفسهای خود و در گذشتند از اندازه در گذشتنی بزرگ روزیکه

يَرَوْنَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ حِجْرًا

ببینند فرشتگان را نیست مژده آنروز مر کافران را و گویند حرام است بر شما

مَّحْجُورًا ۝ وَقَدِمْنَآ إِلَىٰ مَا عَمِلُوا۟ مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَٰهُ هَبَآءً مَّنثُورًا

حرام کرده شده و قصد کنیم ما بسوی آنچه کردند از کردار خوب پس گردانیدیم آنرا ذره های پراکنده

أَصْحَٰبُ ٱلْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا ۝ وَيَوْمَ

چون شرط قبول ایمان است یاران بهشت در آنروز بهتر اند از روی قرارگاه و خوشگوارتر اند از روی مکان و یاد کن روزیکه

تَشَقَّقُ ٱلسَّمَآءُ بِٱلْغَمَٰمِ وَنُزِّلَ ٱلْمَلَٰٓئِكَةُ تَنزِيلًا ۝ ٱلْمُلْكُ يَوْمَئِذٍ

شکافته شود آسمان با ابر سپید و فرستاده شوند فرشتگان فرستادنی پادشاهی در آنروز

ٱلْحَقُّ لِلرَّحْمَٰنِ ۚ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى ٱلْكَٰفِرِينَ عَسِيرًا ۝ وَيَوْمَ

ثابت است برای خدای بخشاینده و باشد آنروز بر کافران دشوار و یاد کن روزیرا

يَعَضُّ ٱلظَّالِمُ عَلَىٰ يَدَيْهِ يَقُولُ يَٰلَيْتَنِى ٱتَّخَذْتُ مَعَ ٱلرَّسُولِ

که بگزد ستمکار دست خود را و گوید ای کاش که من گرفتمی

سَبِيلًا ۝ يَٰوَيْلَتَىٰ لَيْتَنِى لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا ۝ لَّقَدْ أَضَلَّنِى

راهی ای وای کاش من نگرفتمی فلان یعنی شیطان را دوست بدرستی که گمراه کرد مرا

عَنِ ٱلذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَآءَنِى ۗ وَكَانَ ٱلشَّيْطَٰنُ لِلْإِنسَٰنِ خَذُولًا

از یاد خدا بعد از انکه آمده بود مرا نزد من و هست شیطان مر آدمی را فرو گذارنده

فعال

الفرقان ۱۱

مجرا

مفعول ثانی جعل است

وان یا مفعول اول مقدر است

و فاعل یقولون یاد در حیاتند و کلام بآن

تقدیر است که جعل الله الجنة علینا حجرا محجورا

و این قول ایشان از راه حسرت ندامت یا

فرشتگانند بتقدیر جعل الجنة علیکم حجرا محجورا پس

غرض از این قول ما یوسف گردانیدن ایشان

از بهشت و محجورا صفت حجرا شده برای

مبالغه در حرمت مانند موت مانت و دور

که مراد آن باشد که فرشتگان خدا بگویند که

سزای شما پستای دوزخیان

حبسی مخلد

بار

در بالغنام سپیدی است

و این اشاره بنزول فرشتگان

عذابست از آسمان در ابر بانی که در سیرا شان

سایه گسترده است و گویند مراد از فرشتگان

که با نامهای اعمال بندگان

ایند

وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا

و گفت پیغمبر در آخرت ای پروردگار من بدرستی که قوم من فرا گرفتند این قرآن را متروک بهذیان

وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ ۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ

و همچنان گردانیدیم برای هر پیغمبری دشمنی از گناهکاران از کفار و بس است پروردگار تو

هَادِيًا وَنَصِيرًا ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ

راهنماینده و یاری دهنده ۝ و گفتند کافران آنانکه کافر شدند چرا نازل نمیشود بر محمد قرآن

جُمْلَةً وَاحِدَةً ۚ كَذَٰلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ ۖ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا ۝

همه یکبار همچنین تا ثابت گردانیدیم بآن دل تو را و بر تو خواندیم آنرا خواندنی

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا ۝

و نمی آرند تو را بمثلی مگر آوردیم برای تو جوابی درست و نیکوتر از روی تفسیر

الَّذِينَ يُحْشَرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ ۚ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا

آنانند که محشور میشوند بر روهای خود بسوی دوزخ آن گروه بدترند از روی مکان

وَأَضَلُّ سَبِيلًا ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ

و گمراه تر از روی راه ۝ و بتحقیق دادیم ما موسی را کتاب و گردانیدیم با موسی

أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا ۝ فَقُلْنَا اذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا

برادر او هارون را یار و مدد کار ۝ پس گفتیم بروید هر دو بسوی گروه قبطی آنانکه تکذیب کردند

بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا ۝ وَقَوْمَ نُوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا الرُّسُلَ

با آیتهای ما پس هلاک کردیم ایشانرا هلاک کردنی ۝ و گروه نوح را آن هنگام که تکذیب کردند پیغمبرانرا

أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً ۖ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا

غرق کردیم ایشانرا و گردانیدیم ایشانرا برای مردمان نشانه و آماده کردیم برای ستمکاران عذابی

أَلِيمًا ۝ وَعَادًا وَثَمُودَ وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَٰلِكَ

دردناک ۝ و عاد و ثمود و یاران چاه رس و اهل قرنهائی که بودند میان این

كَثِيرًا ۝ وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ ۖ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا ۝ وَلَقَدْ

بسیار ۝ و هر یک بزدیم برای او مثلها ۝ و همه را نیست کردیم نیست کردنی ۝ و بتحقیق

در مجمع البیان گفته بقول عکرمه رس چاهی بود که اصحاب آن پیغمبر خود را در آن چاه افکندند و بقول بعضی اصحاب که رس گروهی بودند که بر سر چاهی عبادت بتان خود میکردند و شعیب برایشان مبعوث شد و ایشان تکذیب او کردند حضرت مودد خدا تعالی بر ایشان خشم گرفته چاه ایشانرا خراب گردانید و ایشان در آن چاه خراب شدند بر زمین فرو رفتند و بقولی قریه ایست در یمامه که آنرا فلج می نامند و پیغمبر خود را کشتند خدا تعالی ایشانرا هلاک گردانید و گفته که پیغمبر ایشان حنظله بود و بقولی رس چاهی بود در انطاکیه که در آنجا حبیب نجار را کشتند و از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت کرده که اصحاب رس زمانشان همه محق کشندگان بودند

أَتَوْا عَلَى الْقَرْيَةِ الَّتِي أُمْطِرَتْ مَطَرَ السَّوْءِ أَفَلَمْ يَكُونُوا يَرَوْنَهَا

آمدند قریش بر وهی ﴿ که باریده شد بر آن باران بد آیا پس ﴿ نبودند قریش که دیدندش آنرا

بَلْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ نُشُورًا ﴿ وَإِذَا رَأَوْكَ إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوًا

بلکه بودند که امید نداشتند بعث را ﴿ و چون می بینند تو را فرا نمی گیرند تو را مگر با مسخره گرفتند

أَهَٰذَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ رَسُولًا ﴿ إِنْ كَادَ لَيُضِلُّنَا عَنْ آلِهَتِنَا

آیا این آنکسیست که برانگیخت خدا فرستاده ﴿ نزدیک بود که محمد گمراه کند ما را از خدایان ما

لَوْلَا أَنْ صَبَرْنَا عَلَيْهَا ۚ وَسَوْفَ يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ

اگر نه آن بود که صبر کردیم ما بر عادت پدران و زود باشد که بدانند زمانی که به بینند عذاب را کیست

أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿ أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَٰهَهُ هَوَاهُ ۖ أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ

گمراه تر از راه راست ﴿ آیا دیدی تو کسی را که فرا گرفت خدای خود را آرزوی خود آیا پس تو باشی بر او

وَكِيلًا ﴿ أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ ۚ إِنْ هُمْ

نگاهبان ﴿ بلکه گمان میبری تو که بیشترشان میشنوند یا تعقل می کنند نیستند ایشان

إِلَّا كَالْأَنْعَامِ ۖ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا ﴿ أَلَمْ تَرَ إِلَىٰ رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ

مگر مانند چهارپایان ﴿ بلکه ایشان گمراه تر از راه رفتن را ﴿ آیا ندیدی بسوی صنع پروردگار خود که چگونه

الظِّلَّ ۖ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا

گسترانید سایه را و اگر خواستی هر آینه گردانیدی سایه را ساکن گردانیدیم آفتاب را ﴿ بر معرفت سایه دلیل

ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا ﴿ وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ

پس فرا گرفتیم آنسایه را بسوی خود قبضه اندک آسان ﴿ و اوست آنکه گردانید برای شما شب را

لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا ﴿ وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ

پوشش ﴿ و خواب را راحت ﴿ و گردانید روز را مایه پراکندگی ﴿ و اوست آنکه فرستاد

الرِّيَاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۚ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا

بادها را مژده دهنده پیش از نزول رحمت و فرستادیم ما از آسمان آبی پاکیزه

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا

تا زنده گردانیم بآن آب شهر مرده را و سیراب کردانیم از آنچه آفریدیم چهارپایان ﴿ و مردمان بسیار

وَلَقَدْ

یعنی
بلکه دیدند قریش را
لیکن از حال آن قوم عبرت گرفتند
بعلت آنکه اعتقاد بروز
قیامت ندارند
گویند
مراد از ظل هوای ما بین طلوع
فجر و طلوع آفتاب است که بهترین هواهای شبانروز است
و باین علت در صفت بهشت واقع شده و ظل ممدود
و دلالت شمس بر آن از آنست که مشاهد و محسوس
این ظل وضع خاص آفتاب است در تحت افق
و مراد از قبض ظل زوال آنست بسبب طلوع
آفتاب و بقولی مراد از ظل هوای عام شب است
بتحمل که مراد سایه باشد که از اشیا از مقابلهٔ آفتاب
پیدا میشود و آن وقت طلوع آفتاب امتدادی دارد
و بتدریج کم میشود تا آنگاه که آفتاب بنصف النهار
رسد و بعد از آن زیاد میشود بتدریج تا هنگام
غروب آفتاب و قبض عبارت ازین زیادیست
و نقص تدریجی باشد و معنی امتداد و دلالت
شمس در این وقت در وضوح کالشمس فی رابعة
النهار است

وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا

و بدرستی که ما گردانیدیم میان ایشان بارانرا تا متذکر شوند در آن پس ابا کردند بیشتر مردم مگر کفران پیغمبر را

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا ۝ فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ

و اگر میخواستیم ما برآینه می انگیختیم در هر دیهی بم کننده پس فرمان مبر کافرانرا

وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا ۝ وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَٰذَا عَذْبٌ

و جهاد کن با ایشان بقرآن جهادی بزرگ و اوست آنکه بهم کشت دو دریارا که این آب

فُرَاتٌ وَهَٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا ۝ وَ

شیرینی است و این یک شور و تلخ و ساخت میان این دو دریا مانعی حاجزی محروم و نامرئی و

هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا ۗ وَكَانَ رَبُّكَ

اوست آنکه آفرید از آبی آدمی را پس گردانید او را خداوند نژاد و پیوند و هست پروردگار تو

قَدِيرًا ۝ وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ ۗ وَ

توانا و میپرستند کفار بجز از غیر خدا آنچه سود ندهد ایشانرا و نه ضرر رساند ایشانرا و

كَانَ الْكَافِرُ عَلَىٰ رَبِّهِ ظَهِيرًا ۝ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَ

هست کافر بر نافرمانی پروردگار خود پشت و ما نفرستادیم ترا مگر مژده دهنده و

نَذِيرًا ۝ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ

بم کننده بگو نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی مگر آنکه خواهد که گیرد

إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا ۝ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ

بسوی پروردگار خود راهی و توکل کن بر زنده که نمیرد و تسبیح

بِحَمْدِهِ ۚ وَكَفَىٰ بِهِ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا ۝ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ

مقرون بحمد او و بست خدا بگناهان بندگان خود آگاه آنخدائی که آفرید آسمانها

وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۚ

و زمین و آنچه درمیان آنهاست در شش روز پس مستولی شد بر عرش

الرَّحْمَٰنُ فَاسْأَلْ بِهِ خَبِيرًا ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَٰنِ قَالُوا

خداوند بخشنده پس بپرس باو آگاهی را و چون گفته شود فرایشانرا که سجده کنید مر خداوند بخشاینده گویند

یعنی
میگردانیم باران را
در اطراف روی زمین برای مصلحت
خلایق هر روزی در جائی و هر لحظه
در مکانی بر وفق حاجت آنمکان و جاه
بنابراین ضمیر در صرفناه راجع بباران است
و بقولی راجع بقول نه کور است یعنی
مکرر ذکر کردیم در قرآن
این نعمتهارا

وَمَا الرَّحْمٰنُ اَنَسْجُدُ لِمَا تَاْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُوْرًا ۝ تَبٰرَكَ الَّذِیْ جَعَلَ

و چه چیز است رحمن آیا سجده کنیم هر چیز را که بفرمائی ما را و زیاد کند ایشان را رمیدن از ایمان بزرگوار است آنکه گردانید

فِی السَّمَآءِ بُرُوْجًا وَّجَعَلَ فِیْهَا سِرٰجًا وَّقَمَرًا مُّنِیْرًا ۝ وَهُوَ الَّذِیْ

در آسمان برجهای دوازده گانه و گردانید در آسمان چراغی که آفتاب و ماه است تابان و اوست آنکه

جَعَلَ الَّیْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِّمَنْ اَرَادَ اَنْ یَّذَّكَّرَ اَوْ اَرَادَ

گردانید شب و روز را مخالف یکدیگر برای کسیکه خواهد آنکه یاد کند امر خود را یا خواهد

شُكُوْرًا ۝ وَعِبَادُ الرَّحْمٰنِ الَّذِیْنَ یَمْشُوْنَ عَلَی الْاَرْضِ هَوْنًا وَّاِذَا

شکر کند و بندگان خدای بخشنده آنانند که میروند بر روی زمین از روی تواضع و

خَاطَبَهُمُ الْجٰهِلُوْنَ قَالُوْا سَلٰمًا ۝ وَالَّذِیْنَ یَبِیْتُوْنَ لِرَبِّهِمْ

چون خطاب کنند ایشان را نادانان گفتند گفتاری با سلامت و عباد الرحمن آنانند که شب بروز می آرند برای

سُجَّدًا وَّقِیَامًا ۝ وَالَّذِیْنَ یَقُوْلُوْنَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ

رضای پروردگار خود سجده کنندگان و بپای ایستاده و کسانی که میگویند پروردگارا بگردان از ما عذاب

جَهَنَّمَ اِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا ۝ اِنَّهَا سَآءَتْ مُسْتَقَرًّا وَّمُقَامًا

دوزخ را بدرستی که عذاب دوزخ هست دائم بدرستی که دوزخ بدجاست از روی مکان و جایی بودن

وَالَّذِیْنَ اِذَآ اَنْفَقُوْا لَمْ یُسْرِفُوْا وَلَمْ یَقْتُرُوْا وَكَانَ بَیْنَ ذٰلِكَ قَوَامًا

و آنانند که چون نفقه کنند اسراف نکنند و تنگ گیری نکنند و هست اسراف ایشان میان اسراف و تفریط

وَالَّذِیْنَ لَا یَدْعُوْنَ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهًا اٰخَرَ وَلَا یَقْتُلُوْنَ النَّفْسَ الَّتِیْ

و راست ایستاده و آنانند که نمیخوانند با خدایان دیگر و نمیکشند آن نفسی را که

حَرَّمَ اللّٰهُ اِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا یَزْنُوْنَ ۚ وَمَنْ یَّفْعَلْ ذٰلِكَ یَلْقَ اَثَامًا

حرام کرده خدا مگر بر اساسی و زنا نمیکنند و هر که بکند شرک و قتل را بیابد جزای خود

یُّضٰعَفْ لَهُ الْعَذَابُ یَوْمَ الْقِیٰمَةِ وَیَخْلُدْ فِیْهٖ مُهَانًا ۝ اِلَّا

دوچندان کرده شود مر او را عذاب روز قیامت و جاوید باشد در عذاب که خوار باشند مگر

مَنْ تَابَ وَاٰمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَاُولٰٓئِكَ یُبَدِّلُ اللّٰهُ سَیِّاٰتِهِمْ

کسیکه بازگشت کند و بگرود و بکند کارهای شایسته پس آنگروه را بدل کند خدا بدیهای ایشان را

حسنات

مراد از ذکر و شکر معنی عامی است که شامل تفکر در مصنوعات چه استدلال بر کمال قدرت علم صانع و ادای فرایض غایته در هر یک از شب و روز را چه در هر روز و شب مشاهده مصنوعات عجیبه و نمازهائی که در هر یک موقت شود در دو یکی مدارک آنها میتوان نمود پس هر یک از شب و روز جانشین دیگرند درین و از اینجا حضرت صادق صلوات الله علیه فرموده در تفسیر خلفه که یقضی صلوته النهار باللیل و یقضی صلوته اللیل بالنهار روآن پیشوا فرد اکمل ذکر و شکر است نه برای اختصاص و بقولی مراد از ذکر قضای فوائت و از شکر قضای نوافل باشد

حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۞ وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ

بخوبیها و هست خدای آمرزنده مهربان و هر که توبه کرد و کار شایسته پیش

يَتُوبُ إِلَى اللّٰهِ مَتَابًا ۞ وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا

بدرستی که او باز گردد بسوی خدا بازگشتنی نیکو و آنانند که حاضر نشوند در محکه باطلها و گواهی دروغ ندهند و چون

بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا ۞ وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا

بلغو بگذرند در حالیکه کریم باشند و آنانند که هرگاه یاد کرده شوند بآیتهای پروردگارشان نیفتند بر آن

صُمًّا وَعُمْيَانًا ۞ وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَ

در حالیکه کران و کوران باشند و آنانند که میگویند پروردگارا بخش ما را از زنان ما و

ذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا ۞ أُولَٰئِكَ يُجْزَوْنَ

فرزندان ما کسی که روشنی دیده ما باشد و بکن ما را برای پرهیزکاران پیشوا آن گروه پاداش داده شوند

الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا تَحِيَّةً وَسَلَامًا ۞ خَالِدِينَ فِيهَا

غرفه بهشت را بآنچه صبر کردند و عطا داده شوند در بهشت زندگانی باقی و سلامتی از آفات که جاوید باشند در آن

حَسُنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا ۞ قُلْ مَا يَعْبَؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا

نیکو غرفه ایست بهشت از روی قرارگاه و جای بودن بگو چه وزن اعتبار نهد شما را پروردگار من اگر نه

دُعَاؤُكُمْ ۞ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ ۞ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا ۞

خواندن شما باشد پس بتحقیق که تکذیب کردید پس زود باشد که جزای آن لازم باشد همیشه

سورة الشعراء مائتان وسبع وعشرون آية مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

طٰسٓمٓ ۞ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ ۞ لَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ

منم خدای طاهر سائر مجد این سورة آیتهای کتاب هویدا است شاید تو هلاک کننده نفس خود باشی

أَلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ ۞ إِنْ نَشَأْ نُنَزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ

بجهة آنکه نمیشوند کافران مؤمنان اگر خواهیم فرو فرستیم بر ایشان از آسمان آیه خدا برا پس گردد

ظاهر
آنست که مراد
از زور هر باطلی باشد و تفسیر آن
بعینها چنانکه از حضرات ابی جعفر و ابی عبد الله
علیهما السلام مرویست از باب بیان فرد
اکمل باشد و بقولی خاص عباست و بقولی
در تفسیر
عیاشی از برید بن معویه
مجلی منقول است که گفت بحدمت
حضرت ابی جعفر عرضه داشتم که ملاوت بسیار
کردن بهتر است یا بسیار دعا کردن آنحضرت
فرمود که بسیار دعا کردن فاضلتر است و این
آیه را ملاوت فرمود

حزب

از
ابو عبد الله
علیه السلام مرویست که هر که
قرأت طواسیم ثلاثه نماید از اولیاء الله
باشد و در دنیا هرگز درویش نشود و در آخرت
چندان مرتبت یابد که فوق تصور
او باشد و او را بصدیقین
ملحق گرداند

اَعۡنَافُهُمۡ لَهَا خَاضِعِيۡنَ ۝ وَمَا يَاۡتِيۡهِمۡ مِّنۡ ذِكۡرٍ مِّنَ الرَّحۡمٰنِ مُحۡدَثٍ

گردنهای ایشان مر آن آیه را فرمان بر ۝ و نمی آید ایشان را ، هیچ موعظه : از خدای بخشاینده که تازه فرستاده باشد

اِلَّا كَانُوۡا عَنۡهُ مُعۡرِضِيۡنَ ۝ فَقَدۡ كَذَّبُوۡا فَسَيَاۡتِيۡهِمۡ اَنۡۢبٰٓؤُا مَا كَانُوۡا

مگر آنکه باشند از آن اعراض کنندگان پس تحقیق تکذیب کردند قرآن را پس زود باشد ایشان را وقت مردن آنچه

بِهٖ يَسۡتَهۡزِءُوۡنَ ۝ اَوَلَمۡ يَرَوۡا اِلَى الۡاَرۡضِ كَمۡ اَنۡۢبَتۡنَا فِيۡهَا مِنۡ كُلِّ

بودند که بآن استهزا میکردند ۝ آیا نمی بینند منکران حشر بسوی زمین چندین گیاه بر رویانیدیم در آن از هر

زَوۡجٍ كَرِيۡمٍ ۝ اِنَّ فِىۡ ذٰلِكَ لَاٰيَةً ؕ وَمَا كَانَ اَكۡثَرُهُمۡ مُّؤۡمِنِيۡنَ ۝

صنف نیکو و پسندیده بدرستی که در این نبات هر آینه علامتی است و نیستند بسیاری از ایشان گروندگان

وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الۡعَزِيۡزُ الرَّحِيۡمُ ۝ وَاِذۡ نَادٰى رَبُّكَ مُوۡسٰٓى اَنِ ائۡتِ

و بدرستی که پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان و یاد کن یا محمد چون ندا کرد پروردگار تو موسی را که توجه کن

الۡقَوۡمَ الظّٰلِمِيۡنَ ۝ قَوۡمَ فِرۡعَوۡنَ ؕ اَلَا يَتَّقُوۡنَ ۝ قَالَ رَبِّ اِنِّىۡٓ اَخَافُ

بگروه ستمکاران که طایفه فرعونند آیا نمی ترسند گفت موسی پروردگارا بدرستی که من

اَنۡ يُّكَذِّبُوۡنِ ۝ وَيَضِيۡقُ صَدۡرِىۡ وَلَا يَنۡطَلِقُ لِسَانِىۡ فَاَرۡسِلۡ اِلٰى

میترسم از آنکه تکذیب کنند مرا و تنگ شود دل و پسندیده من گویا نگشاید زبان من از عقده گی پس بفرست

هٰرُوۡنَ ۝ وَلَهُمۡ عَلَىَّ ذَنۡۢبٌ فَاَخَافُ اَنۡ يَّقۡتُلُوۡنِ ۝ قَالَ كَلَّا ۚ

بسوی هرون ۝ و مر ایشانرا است بر من گناهی پس میترسم این که بکشند مرا عوض آن گفت خدا نه چنانست

فَاذۡهَبَا بِاٰيٰتِنَآ ؕ اِنَّا مَعَكُمۡ مُّسۡتَمِعُوۡنَ ۝ فَاۡتِيَا فِرۡعَوۡنَ فَقُوۡلَاۤ

پس بروید هر دو با آیات ما بدرستی که ما با شما شنوندگانیم پس بیائید نزد فرعون پس بگویید

اِنَّا رَسُوۡلُ رَبِّ الۡعٰلَمِيۡنَ ۝ اَنۡ اَرۡسِلۡ مَعَنَا بَنِىۡۤ اِسۡرَآءِيۡلَ ۝ قَالَ

بدرستی که ما فرستادگان پروردگار عالمیانیم اینکه بفرست با ما بنی اسرائیل را گفت فرعون

اَلَمۡ نُرَبِّكَ فِيۡنَا وَلِيۡدًا وَّلَبِثۡتَ فِيۡنَا مِنۡ عُمُرِكَ سِنِيۡنَ ۝ وَ

آیا پرورده نکردیم ترا در میان خود طفل زندی و درنگ کردی در میان ما از زندگی خود سالها و

فَعَلۡتَ فَعۡلَتَكَ الَّتِىۡ فَعَلۡتَ وَاَنۡتَ مِنَ الۡكٰفِرِيۡنَ ۝ قَالَ

کردی کردن خود را که کردی و بودی تو از کافران نعمتان گفت موسی

فَعَلۡتُهَاۤ

فَعَلْتُهَا إِذًا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ ﴿٢٠﴾ فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ

کردم فعل در آن هنگام که بودم من از گمراهان ﴿٢٠﴾ پس بگریختم از شما چون ترسیدم از شما پس ببخشید

لِي رَبِّي حُكْمًا وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ ﴿٢١﴾ وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُنُّهَا

مرا پروردگار من فرمانی ﴿٢١﴾ وگردانید مرا از فرستادگان ﴿٢١﴾ و این نعمت که منت مینهی آنرا

عَلَيَّ أَنْ عَبَّدْتَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ﴿٢٢﴾ قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ

بر من بسبب آنست که بنده کردی بنی اسرائیل را ﴿٢٢﴾ گفت فرعون و چیست پروردگار جهانیان

قَالَ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ﴿٢٣﴾ قَالَ

گفت پروردگار آسمانها و زمین ﴿٢٣﴾ و آنچه میان آنهاست اگر هستید شما یقین کنان ﴿٢٣﴾ گفت فرعون

لِمَنْ حَوْلَهُ أَلَا تَسْتَمِعُونَ ﴿٢٤﴾ قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ

مر آنان را که دور او بودند آیا نمیشنوید ﴿٢٤﴾ گفت پروردگار شما و پروردگار پدران شما که پیش بودند

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمُ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ ﴿٢٧﴾ قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ

گفت فرعون که پیغمبر شما ﴿٢٧﴾ که فرستاده شده است بسوی شما هر آینه دیوانه است ﴿٢٧﴾ گفت پروردگار مشرق

وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ ﴿٢٨﴾ قَالَ لَئِنِ اتَّخَذْتَ إِلَهًا

و مغرب ﴿٢٨﴾ و آنچه میان آنهاست اگر هستید که فهم میکنید ﴿٢٨﴾ گفت فرعون اگر فرا گیری خدائی

غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ ﴿٢٩﴾ قَالَ أَوَلَوْ جِئْتُكَ بِشَيْءٍ مُبِينٍ

غیر من ﴿٢٩﴾ هر آینه بگردانم تو را از زندانیان ﴿٢٩﴾ گفت موسی اگر بیارم تو را بمعجزه بخبری روشن

قَالَ فَأْتِ بِهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ﴿٣٠﴾ فَأَلْقَى عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ

گفت پس بیار آنرا اگر هستی ﴿٣٠﴾ از راست گویان ﴿٣٠﴾ پس افکند عصای خود را پس آن ناگاه

ثُعْبَانٌ مُبِينٌ ﴿٣٢﴾ وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ ﴿٣٣﴾ قَالَ

اژدهائی بود ظاهر ﴿٣٢﴾ و بیرون آورد دست خود را پس آن دست او درخشنده بود مر نظر کنندگان را ﴿٣٣﴾ گفت

لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلِيمٌ ﴿٣٤﴾ يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ

فرعون مر اشراف قوم خود را که دور او بودند بدرستی که این هر آینه جادوگریست دانا ﴿٣٤﴾ میخواهد اینکه بیرون کند شما را از زمین شما

بِسِحْرِهِ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ ﴿٣٥﴾ قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَابْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ

بسحر خود پس چه چیز است که امر میکنید در دفع موسی گفتند تأخیر کن کار او را و برادر او را و بفرست در شهرهای خود

یعنی

چون نبی اسرائیل را
بنده و ذلیل گردانیدی و پسران
ایشان را کشتی آن باعث این شد که مرا مادرم
بدریا انداخت و تو برداری و تربیت کنی و غرض
آنکه اگرچه تربیت کردن تو مرا نعمتی زیادتو
و عظیم لیکن منشاش کاری که جمله اسباب آن
نعمت نموده و بقولی ملک اشاره است بخصلت
ذمیمه و خوی بدی که اهم مبهم و نامعلوم است
و ان عبدت بیان و موضح اوست و حاصل
مضمون آنکه موسی در جواب فرعون میگوید ما این
خوی مذکه میدانی گیری نبی اسرائیل را هم نعمتی
بوده که منت نهی بر من یعنی اگرچه آن کار کردی
که در واقع نعمتی است لیکن این کار را هم کردی
که رفع جبران مینماید و بهر تقدیر
کلام از باب استفهام انکاری است

حَاشِرِينَ ۝ يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَّارٍ عَلِيمٍ ۝ فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ

جمع کنندگان تا بیارند هر جادوئی دانا را پس شدند جادوان برای هنگام

يَوْمٍ مَعْلُومٍ ۝ وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُجْتَمِعُونَ ۝ لَعَلَّنَا نَتَّبِعُ

روزی دانسته شده و گفته شد مر مردم را آیا هستید شما جمع آینده گان شاید ما پیروی کنیم

السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَالِبِينَ ۝ فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ

جادوان را اگر باشند ایشان غلبه کنندگان پس آن هنگام که آمدند جادوان گفتند مر فرعون را

أَئِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ ۝ قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ

آیا باشد ما را از نزد تو مزدی اگر باشیم ما غلبه کنندگان گفت فرعون آری شما را اجر است بدرستیکه

الْمُقَرَّبِينَ ۝ قَالَ لَهُمْ مُوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ ۝ فَأَلْقَوْا حِبَالَهُمْ

شما در این هنگام از مقربند گفت مر ایشان را ای موسی بیندازید آنچه شما افکنندگانید پس افکندند ساحران

وَعِصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَالِبُونَ ۝ فَأَلْقَىٰ مُوسَىٰ

ریسمانهای خود را و عصاهای خود را و گفتند سوگند بعزت فرعون بدرستی که ما هر آینه ما نیم غلبه کنندگان پس انداخت موسی

عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ ۝ فَأُلْقِيَ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ ۝

عصای خود را پس آن هنگام فرو برده بود آنچه ایشان تدویر کرده بودند پس افتادند جادوان سجده کنندگان

قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ۝ قَالَ آمَنْتُمْ

گفتند گرویدیم ما بپروردگار جهانیان پروردگار موسی و هارون گفت فرعون آیا ایمان

لَهُ قَبْلَ أَنْ آذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرُكُمُ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ

آورده بدمر او را پیش از انکه رخصت دهم شما را بدرستیکه موسی هر آینه بزرگ شماست که آموخته شما را سحر پس هر آینه زود باشد

تَعْلَمُونَ ۝ لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خِلَافٍ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ

که بدانند عقوبت مرا هر آینه می برم دستهای شما را و پاهای شما را از خلاف یکدیگر و هر آینه بردارکنم شما را

أَجْمَعِينَ ۝ قَالُوا لَا ضَيْرَ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ ۝ إِنَّا نَطْمَعُ

همه گفتند جادوان ضرری نیست بدرستی که ما بسوی پروردگار خود بازگردندگانیم بدرستی که ما طمع داریم

أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطَايَانَا أَنْ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَ

که بیامرزد ما را پروردگار ما گناهان ما را که بودیم ما اول گروندگان و

اَوحَينَآ اِلٰى موسٰٓى اَن اَسرِ بِعِبَادِى اِنَّكُم مُّتَّبَعُونَ ۝ فَاَرسَلَ فِرعَونُ فِى

وحی کردیم ما بسوی موسی آنکه در شب ببر بندگان مرا بدرستیکه شما از پی درآینده شده گانید پس ایشان چون فرستاد فرعون

المَدَآئِنِ حٰشِرِينَ ۝ اِنَّ هٰٓؤُلَآءِ لَشِرذِمَةٌ قَلِيلُونَ ۝ وَاِنَّهُم

در شهرهای خود جمع کنندگان گفت فرعون بدرستی که اینگروهی اندکند و بدرستی که ما ایشانرا

لَنَا لَغَآئِظُونَ ۝ وَاِنَّا لَجَمِيعٌ حَاذِرُونَ ۝ فَاَخرَجنٰهُم مِّن جَنّٰتٍ

بخشم آورندگانیم و بدرستی که جمعی سنیم ما گرد کنندگانیم از دشمن پس بیرون آوردیم ایشانرا از بوستانها

وَعُيُونٍ ۝ وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ۝ كَذٰلِكَ وَاَورَثنٰهَا بَنِى

و چشمه ها و گنجهای زر و نقره و منزلهای نیکو همچنین و میراث دادیم اموال و عمارت ایشانرا

اِسرَآئِيلَ ۝ فَاَتبَعُوهُم مُّشرِقِينَ ۝ فَلَمَّا تَرَٰٓاءَ الجَمعَانِ قَالَ اَصحٰبُ

بنی اسرائیل پس از پی درآمدند ایشان را در حالیکه از طرف مشرق میرفتند پس چون دیدند هر دو گروه را گفتند یاران

مُوسٰٓى اِنَّا لَمُدرَكُونَ ۝ قَالَ كَلَّا اِنَّ مَعِىَ رَبِّى سَيَهدِينِ ۝

موسی بدرستی که دریافته شدگانیم گفت موسی نه چنین است بدرستی که با منست پروردگار من زود باشد که راه نماید

فَاَوحَينَآ اِلٰى موسٰٓى اَنِ اضرِب بِّعَصَاكَ البَحرَ فَانفَلَقَ فَكَانَ

پس وحی کردیم ما بسوی موسی آنکه بزن عصای خود دریا را بدرستی که شکافت دریا پس بود

كُلُّ فِرقٍ كَالطَّودِ العَظِيمِ ۝ وَاَزلَفنَا ثَمَّ الـَٔاخَرِينَ ۝ وَاَنجَينَا

هر پاره جدا چون کوه بزرگ و نزدیک گردانیدیم آنجا دیگران را و فرعونیانرا و رهانیدیم ما

مُوسٰى وَمَن مَّعَهُ اَجمَعِينَ ۝ ثُمَّ اَغرَقنَا الـَٔاخَرِينَ ۝ اِنَّ فِى

موسی را و هر که با او بود همه را پس غرق کردیم ما فرعونیانرا بدرستی که در

ذٰلِكَ لَاٰيَةً وَمَا كَانَ اَكثَرُهُم مُّؤمِنِينَ ۝ وَاِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ

این نجات هر آینه علامتی است و نبودند بیشتر قوم فرعون گروندگان و بدرستی که پروردگار تو هر آینه او

العَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ وَاتلُ عَلَيهِم نَبَاَ اِبرٰهِيمَ ۝ اِذ قَالَ لِاَبِيهِ وَقَومِهِ

غالب مهربان و بخوان بر ایشان خبر ابراهیم را چون گفت مر پدر خود را و گروه خود را

مَا تَعبُدُونَ ۝ قَالُوا نَعبُدُ اَصنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عٰكِفِينَ ۝

چیست که میپرستید گفتند میپرستیم بتان را پس همیشه میباشیم مر ایشانرا مجاوران

گویند
لشکر موسی شصد و
هفتاد هزار بودند و مقدمه لشکرش
قبطیان هفتصد هزار تن بودند که پیش از
فرعون و لشکرش از مصر بیرون شدند

چه
آنانکه در مصر ماندند
بودند همیان نیاوردند و آنانکه
با موسی بودند گوساله
پرست بودند
یعنی
غم خود را که از ربوبیت رفت
بحضرت او راه در خواهی

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ ۝ أَوْ يَنفَعُونَكُمْ أَوْ يَضُرُّونَ ۝

گفت ابراهیم آیا می شنوند از شما چون میخوانید ایشان را یا نفع میکنند شما را یا دفع ضرری میکنند

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا آبَاءَنَا كَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ ۝ قَالَ أَفَرَأَيْتُم مَّا كُنتُمْ

گفتند نه چنانست بلکه یافتیم پدران خود را چنین میکردند گفت ابراهیم آیا دیده اید آنچه هستید

تَعْبُدُونَ ۝ أَنتُمْ وَآبَاؤُكُمُ الْأَقْدَمُونَ ۝ فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّي

که می پرستید شما و پدران شما که پیش ازین بودند پس پرستی که ایشان دشمنند مرا

إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ ۝ الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ ۝ وَالَّذِي هُوَ

مگر پروردگار جهانیان آنکه آفرید مرا پس اوست راه مینماید مرا و آنکه او

يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ ۝ وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ ۝ وَالَّذِي يُمِيتُنِي

طعام میدهد مرا و آب می آشامد مرا و چون بیمار شوم پس اوست شفا میدهد مرا و آنکه میمیراند مرا

ثُمَّ يُحْيِينِ ۝ وَالَّذِي أَطْمَعُ أَن يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ ۝

پس زنده میکند مرا و آنکه طمع دارم که بیامرزد مرا گناهان مرا در روز قیامت

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ ۝ وَاجْعَل لِّي لِسَانَ

پروردگار ببخش مرا حکمی و ملحق بگردان مرا بشایستگاران و بگردان برای من زبان

صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ ۝ وَاجْعَلْنِي مِن وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ ۝ وَ

راست در میان پسینگان و بگردان مرا از وارثان بهشت پر نعمت و

اغْفِرْ لِأَبِي إِنَّهُ كَانَ مِنَ الضَّالِّينَ ۝ وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ ۝ يَوْمَ

بیامرز پدر مرا بدرستی که بود از گمراهان و رسوا مساز مرا روزیکه برانگیخته شوند مردم روزیکه

لَا يَنفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ ۝ إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ۝ وَأُزْلِفَتِ

نفع نکند مال و نه اولاد مگر آنکه بیاید بخدا بدل خالص از کفر و روزیکه نزدیک کرده شود

الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ ۝ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ ۝ وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَمَا

بهشت مر پرهیزگاران را و ظاهر کرده شود آتش دوزخ برای گمراهان و گفته شود مر اهل شر را که کجایند

كُنتُمْ تَعْبُدُونَ ۝ مِن دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنصُرُونَكُمْ أَوْ يَنتَصِرُونَ ۝

آنچه بودید که می پرستید از غیر خدا آیا یاری میدهند شما را یا انتقام میکشند

وبقولی
مراد از پسان صدق
فرزندیکو کار است که عبارت
از محمد صلی الله علیه وآله واولاد
امجاد او علیهم السلام

فَكُبْكِبُوا فِيهَا هُمْ وَالْغَاوُنَ ۝ وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ ۝ قَالُوا

پس برو می در افکنده شوند در دوزخ تبهان | و گمراهان | و لشکریان شیطان | همه | گویند

وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ ۝ تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ إِذْ

و حال که | ایشان در آن دوزخ باشند و با هم دشمنی کنند | قسم بخدا بدرستی که بودیم ما هر آینه در گمراهی آشکار | وقتیکه

نُسَوِّيكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ ۝ فَمَا لَنَا

برابر میکردیم شما را ای بتان بپروردگار جهانیان | و گمراه نکرد ما را مگر گناهکاران | پس نیست ما را

مِنْ شَافِعِينَ ۝ وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ ۝ فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونَ مِنَ

هیچکس از شفاعت کنندگان | و نه دوستی | مهربان | پس کاش اگر بودی ما را بازگشتنی بدنیا پس میبودم

الْمُؤْمِنِينَ ۝ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۝

از گروندگان | بدرستی که در آن هر آینه نشانه است | و نبودند بیشتر ایشان | گروندگان

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ ۝

و بدرستی که پروردگار تو او است غالب مهربان | تکذیب کردند قوم نوح | فرستادگان را

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ۝ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۝

چون گفت مر ایشانرا برادر ایشان | نوح | آیا پرهیز نمیکنند | بدرستی که من شما را | پیغمبری | امینم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۝ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ

پس پرهیزید از خدا و پیروی کنید مرا | و نمیخواهم من از شما | بر آن | هیچ مزدی بدرستیکه مزد من

إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۝ قَالُوا أَنُؤْمِنُ

نیست مگر بر پروردگار جهانیان | پس بپرهیزید از خدا و پیروی کنید مرا | گفتند آیا ایمان آوریم

لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ ۝ قَالَ وَمَا عِلْمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝

مر تو را و پیروی کردند تو را ارذل قوم ما | گفت نوح و نیست دانش من بآنچه | بودند که میکردند

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ ۝ وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ ۝

نیست حسابشان | مگر بر | پروردگار من اگر دانید | و نیستم من | رانده | مؤمنان

إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝ قَالُوا لَئِنْ لَمْ تَنْتَهِ يَا نُوحُ لَتَكُونَنَّ

نیستم من | مگر | بیم کننده | ظاهر | گفتند | اگر | باز نایستی از این ای نوح | هر آینه باشی تو از

بسند خود از حمران بن
اعین روایت کرده که حضرت
صادق صلوات الله علیه فرمود که نخواهد کرد
که البته ما شفاعت کنیم شیعیان خود را آنگاه که
مردمان گویند ما نه شافعین و نه صدیقین هستیم در
روایت دیگر بجای مردمان دشمنان ما
وارد شده و از اخبار بسیار مستفاد می شود که
شفاعت کنه کاران در آن روز مخصوص ایشان
نیست بلکه شیعیان ایشان هم در آن روز شفاعت خواهند
یکدیگر مذاز انجمله از امان بن تغلب مرویست که آن
حضرت فرمود که مؤمن شفاعت کند در روز
قیامت خانواده خود را و شفاعتش مدرجه قبول
افتد تا آنگاه که خدمتکار محرمش ماند پس گوید
وحال آنکه آمرزیده شده است تا برود آشامه باشد
این خادمک من نگاه میداشت مرا از گرما پس قبول
شفاعتش درباره او شود

مِنَ الْمَرْجُومِينَ ۝ قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ ۝ فَافْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ

از سنگساران (؟) گفت نوح پروردگارا بدرستی که قوم من تکذیب کردند پس بگشای میان من میان

فَتْحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي

ایشان گشایشی و نجات ده مرا و هر که با منست از مومنان (؟) پس نجات دادیم ما او را و هر که با او بود در

الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ ۝ ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدُ الْبَاقِينَ ۝ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً

کشتی پر از آدمیان پس غرق کردیم ما بعد از نجات نوح باز ماندگان را بدرستی در این هر آینه علامتی است

وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و نبودند بیشتر ایشان مومنان و بدرستی پروردگار تو هر آینه او است غالب مهربان

كَذَّبَتْ عَادٌ الْمُرْسَلِينَ ۝ إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ

تکذیب کردند قوم پیغمبران را چون گفت مر ایشانرا برادرشان هود آیا نمیترسید از خدا

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۝ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۝ وَمَا أَسْأَلُكُمْ

بدرستی که من مر شما را پیغمبری امینم پس بترسید از خدا و پیروی کنید مرا و نمی پرسم شما را

عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ أَتَبْنُونَ بِكُلِّ

بر آن هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار عالمیان آیا بنا میکنید بهر

رِيعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ ۝ وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ ۝ وَإِذَا

موضع بلندی علامتی می کنید و فرا میگیرید حوضهای آب محکم تا شاید شما جاوید خواهید بود و چون

بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ ۝ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۝ وَاتَّقُوا الَّذِي

سخت گیری کنید سخت گیری کنید در حالیکه منکر باشید پس بترسید از خدا و پیروی کنید مرا و پرهیز کنید آنکه

أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ ۝ أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ ۝ وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۝ إِنِّي

کمدد کرد شما را بآنچه میدانید کمدد کرد شما را بچهارپایان و پسران و بوستانها و چشمه های آب بدرستی که من

أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَظْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ

میترسم بر شما عذاب روز بزرگ را گفتند مساویست بر ما اگر موعظه کنی تو یا آنکه باشی

مِنَ الْوَاعِظِينَ ۝ إِنْ هَٰذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ ۝ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ

از (؟) موعظه کنندگان نیست این بپرستی ما مگر عادت پیشینیان و نیستیم ما عذاب کرده شدگان

یعنی
احتیاج ندارد مانجا آنجا
بلکه از روی لهو و لعب بنا میکنند
گویند کبوترخانه ها پاشه بودند یعنی کبوتر
بازی و بقولی کوشکها بر سر راهها بنا
کرده بودند بار اهگذاران شوخی و استهزا میکردند
و بقولی در راهها علامتها یعنی شناخت
راهها پاشه بودند و مردم احتیاج بانها
نداشتند بعلت ستاره ها

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ

پس تکذیب کردند او را پس هلاک کردیم ایشانرا | بدرستیکه در این هلاک هر آینه علامتیست و نبودند بیشتر ایشان | گروندگان

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ ۝ إِذْ

و بدرستی پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان | تکذیب کردند قوم ثمود | پیغمبران را | چون

قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ۝ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۝

گفت مر ایشانرا | برادر ایشان | صالح | آیا پرهیز نمیکنید | بدرستی که من مر شمارا | پیغمبری | امینم

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۝ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ

پس بترسید از خدا و پیروی کنید مرا | و نمیخواهم از شما | بر آن | هیچ مزدی | نیست

أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَٰهُنَا آمِنِينَ ۝

مزد من | نیست | مگر | بر پروردگار جهانیان | آیا خواهید گذاشت در آنچه از نعم دنیا اینجا در حالیکه ایمن باشید

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۝ وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلْعُهَا هَضِيمٌ ۝ وَتَنْحِتُونَ

در بوستانها | و چشمه ها | و کشتها | و خرماستانها که شکوفه آن لطیفست | و میتراشند

مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَارِهِينَ ۝ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۝ وَلَا تُطِيعُوا

از کوهها | خانه ها | در حالیکه شادانند | پس بترسید از خدا و پیروی کنید مرا و پیروی مکنید حکم

أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ ۝ الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ

کفار را که مسرفند بر نفس خود | آنانکه | تباهی میکنند | در | زمین | و باصلاح نمی آرند کار خود را

قَالُوا إِنَّمَا أَنتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ۝ مَا أَنتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا فَأْتِ بِآيَةٍ

گفتند جز این نیست که تو از جمله سحر کرده شدگانی | نیستی تو | مگر آدمی مانند ما پس بیار علامتی

إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ قَالَ هَٰذِهِ نَاقَةٌ لَّهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ

اگر هستی | از راستگویان | گفت صالح | این شتریست که مر اوراست نصیبی از آب و مر شمارا

شِرْبُ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ ۝ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ

بهره از آب روز معلوم | و مس مکنید آن ناقه را بدی پس میگیرد شما را | عذاب

يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَادِمِينَ ۝ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ

روز | بزرگ | پس پی کردند ناقه را پس گشتند از پشیمانان | پس گرفت ایشانرا | عذاب

یعنی
این ماده شتر است که
مدران ماده شتر اند و ما از آن اردست
نمیگذاریم و بسیب آن معاقب بخواهیم شد
و بقولی بذا اشاره است بسخن هود یعنی امثال
این سخنان که تو میگوئی پیش از تو هم بسیار
شنیده ایم و گوش بآن نکرده ایم و بقولی و بکر
اشاره است بموت و سایر عقوباتی که هود
با نها تهدید ایشان مینمود یعنی این ملیات هم
در میان مردم واقع می شده و دلیلی در آن
نمیدارد مخالفت تو و پیغمبران
والله تعالی اعلم

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ۝ وَإِنَّ رَبَّكَ

بدرستیکه در این هر آینه نشانه است و نبودند بیشتر ایشان گروندگان ۝ و بدرستی که پروردگار تو

لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ ۝ إِذْ قَالَ

هر آینه اوست غالب مهربان ۝ تکذیب کردند طایفه لوط ۝ پیغمبران را ۝ چون گفت

لَهُمْ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ ۝ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۝ فَاتَّقُوا اللَّهَ

مرایشانرا برادرایشان لوط آیا پرهیز نمی کنید ۝ بدرستی که من مرشمارا پیغمبری امینم ۝ پس بپرهیزید از خدا

وَأَطِيعُونِ ۝ وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ

و عذاب او و اطاعت کنید مرا ۝ و نمیخواهم من از شما بر ادای رسالت هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر

رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ ۝ وَتَذَرُونَ مَا

پروردگار عالمیان ۝ آیا می آیید بمردان یعنی لواطه میکنید از میان عالمیان ۝ و میگذارید آنرا که

خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُمْ ۚ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ ۝ قَالُوا

افرید برای شما پروردگار شما از زنان شما ۝ بلکه شما گروهی از حد درگذشتگانید ۝ گفتند

لَئِن لَّمْ تَنتَهِ يَا لُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ ۝ قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُم

اگر نایستی تو ای لوط هر آینه باشی تو بیرون شدگان ۝ گفت که من هر آینه کردار شمارا

مِّنَ الْقَالِينَ ۝ رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ ۝ فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ

از دشمنانم ۝ پروردگارا برهان مرا و اهل مرا از آنچه می کنند ایشان ۝ پس رهانیدیم او را و اهل او را

أَجْمَعِينَ ۝ إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ ۝ ثُمَّ دَمَّرْنَا الْآخَرِينَ ۝ وَأَمْطَرْنَا

همگی ۝ مگر پیرزن لوط که بود از باقی ماندگان پس ۝ هلاک کردیم دیگران را ۝ و بارانیدیم

عَلَيْهِم مَّطَرًا ۖ فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذَرِينَ ۝ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا

بر ایشان بارانی پس بد بود باران بیم شدگان ۝ بدرستیکه در این هر آینه علامتیست و

كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ ۝ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝

نبودند بیشتر ایشان گروندگان ۝ و بدرستی که پروردگار تو هر آینه اوست غالب مهربان

كَذَّبَ أَصْحَابُ لْأَيْكَةِ الْمُرْسَلِينَ ۝ إِذْ قَالَ لَهُمْ شُعَيْبٌ أَلَا

تکذیب کردند یاران بیشه ۝ پیغمبران را ۝ چون گفت مرایشانرا شعیب آیا

تَتَّقُونَ ۝ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۝ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونِ ۝ وَمَا

نمی پرهیزید ۝ بدرستی که من شما را پیغمبری امینم ۝ پس پرهیز کنید از عذاب خدا و پیروی کنید مرا و نخستم من

أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝

که بهم از شما بر او هیچ مزدی نیست مزد من مگر بر پروردگار جهانیان ۝

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ ۝ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ

تمام بپیمایید کیل را و مباشید از کم پیمایندگان ۝ و وزن کنید براستی

الْمُسْتَقِيمِ ۝ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ

راست ۝ و کم نکنید از مردم چیزهای ایشان را و تباهی مجویید در زمین

مُفْسِدِينَ ۝ وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّةَ الْأَوَّلِينَ ۝

گردنکاران باشید ۝ و بترسید از کسیکه آفرید شما را و گروه پیشینیان را ۝

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ ۝ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَإِنْ

گفتند جز این نیست که تو از جادو گرشدگانی ۝ و نیستی تو مگر آدمی مانند ما و بدرستی که

نَظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ ۝ فَأَسْقِطْ عَلَيْنَا كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ

گمان میکنیم ترا البته از دروغگویان ۝ پس بیفکن بر ما پاره را از آسمان

إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ فَكَذَّبُوهُ

اگر هستی تو از راستگویان ۝ گفت پروردگار من داناتر است بآنچه می کنند ۝ پس تکذیب کردند

فَأَخَذَهُمْ عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ إِنَّ

پس گرفت ایشانرا عذاب روز سایبان آتش بدرستی که آن بود عذاب روز بزرگ ۝ بدرستیکه

فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ

در این عذاب علامتی است و نبودند بیشتر ایشان گروندگان ۝ و بدرستی که پروردگار تو هم

الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ ۝ وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ

او است غالب مهربان ۝ و بدرستی که این قرآن فرستاده پروردگار جهانیان است ۝ فرستاد قرآن را بصاحبت

الْأَمِينُ ۝ عَلَىٰ قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنْذِرِينَ ۝ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ

جبرئیل ۝ بر دل تو تا باشی از بیم کنندگان ۝ بزبان عربی

یعنی
که ما این قرآن را بتو فرستادیم
برای آنکه تو از فصحای عرب باشی
این قرآن بلغت عربی است و این باعث
سهولت فهم اعجاز است و اگر بر عجمی انرا
میفرستادیم بآن نمیگرویدند
علت عدم فهم اعجاز آن

مُبِينٍ ۝ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأَوَّلِينَ ۝ أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةً أَنْ يَعْلَمَهُ

ظاهر را و بدرستیکه ذکر قرآن در کتب پیشینان است آیا نیست مر قریش را آیتی برآنکه میدانند

عُلَمَاءُ بَنِي إِسْرَائِيلَ ۝ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَىٰ بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ ۝ فَقَرَأَهُ عَلَيْهِم

قرآن را علماء بنی اسرائیل و اگر میفرستادیم قرآن را بر بعضی که عجم بودند پس خواندی قرآن را بر

مَّا كَانُوا بِهِ مُؤْمِنِينَ ۝ كَذَٰلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ ۝ لَا

بر ایشان نبودند ایشان گروندگان بقرآن همچنین ما درآوردیم قرآن را در دلهای گناهکاران

يُؤْمِنُونَ بِهِ حَتَّىٰ يَرَوُا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۝ فَيَأْتِيَهُم بَغْتَةً وَهُمْ لَا

نگروند بآن تا بینند عذاب دردناک پس بیاید ایشان را ناگهان و ایشان

يَشْعُرُونَ ۝ فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ ۝ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ

نمیدانند پس گویند آیا ما مهلت داده شدگانیم آیا پس بعذاب ما شتاب می کنند

أَفَرَأَيْتَ إِن مَّتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ ۝ ثُمَّ جَاءَهُم مَّا كَانُوا يُوعَدُونَ ۝

آیا پس دیدی تو اگر برخورداری دهیم ایشانرا سالها پس بیاید ایشانرا آنچه بودند که وعده داده شده اند

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا يُمَتَّعُونَ ۝ وَمَا أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا

دفع نکند از ایشان عذابرا آنچه بودند که متع میکردند بآن و هلاک نکردیم ما هیچ دهی را مگر اهل آن را

مُنذِرُونَ ۝ ذِكْرَىٰ وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ ۝ وَمَا تَنَزَّلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ

پیغمبران هم گذشته بودند یادآوردن و نیستیم ما ستمکاران و فرو نیاوردند قرآن را دیوان

وَمَا يَنبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ ۝ إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعْزُولُونَ ۝ فَلَا

و سزاوار نباشد مر ایشانرا و توانا نی ندارند بر آن بدرستیکه ایشان از شنیدن کلام ملائکه معزولانند پس

تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ ۝ وَأَنذِرْ عَشِيرَتَكَ

مخوان با خدا ایان دیگر را پس باشی تو از عذاب کرده شدگان و بترسان خویشان

الْأَقْرَبِينَ ۝ وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ فَإِنْ

نزدیک خود را و فرو گذار بال خود را برای کسیکه متابعت تو کرده از گروندگان پس اگر

عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ ۝ وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ

نافرمانی کنند پس بگو بدرستی که من بیزارم از آنچه میکنید و توکل کن برخدای غالب

پیش ازین گذشت که اخبار یهود قبل از بعثت پیغمبر آخر الزمان خبر از بعثت آنحضرت میدادند و طلب فتح و نصرت بسرکت آنحضرت مینمودند و اخبار ایشان منشاء اسلام قبیله اوس و خزرج شد

مشرکان میگفتند که قرآن را دیوان بمحمد تعلیم میدهند

الشعراء

آلرحیم الذی یریك حین تقوم وتقلبك فی الساجدین

مهربان آنکه ترا هنگامی که برمیخیزی و می پسندد گردیدن تو را در میان سجده کنندگان

انه هو السمیع العلیم هل انبئکم علی من تنزل الشیاطین

بدرستی او شنوای داناست آیا خبر کنم شما را بر آنانکه فرود آیند شیطانها

تنزل علی کل افاک اثیم یلقون السمع واکثرهم کاذبون

فرود آیند بر هر دروغگوی گناهکار می اندازند گوش را بشتاب و بیشتر ایشان دروغگویند

والشعراء یتبعهم الغاوون الم تر انهم فی کل واد یهیمون

و شاعران پیروی می کنند ایشان را گمراهان آیا نه بینی تو که ایشان در هر وادی متحیرند

وانهم یقولون ما لا یفعلون الا الذین امنوا وعملوا الصالحات

و بدرستی که ایشان می گویند آنچه نمی کنند مگر آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته

وذکروا الله کثیرا وانتصروا من بعد ما ظلموا وسیعلم الذین

و یاد کردند خدا را بسیار و انتقام کشیدند بعد از آنکه ستم دیده شدند و زود باشد که بدانند آنانکه

ظلموا ای منقلب ینقلبون

ستم کردند بکدام مکان بازخواهند گشت

سورة النمل ثلاث وتسعون آية

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

طس تلك آیات القرآن وکتاب مبین هدی وبشری

نامیست از نامهای خدا این است آیتهای قرآن و نشانهای کتاب روشن درحالیکه راه نماینده و مژده

للمؤمنین الذین یقیمون الصلوة ویؤتون الزکوة وهم بالاخرة

دهنده است گروندگان را کسانی که بپای میدارند نماز را و میدهند زکوة را و ایشان بآخرت

هم یوقنون ان الذین لا یؤمنون بالاخرة زینا لهم اعمالهم

یقین دارند بدرستیکه آنانکه نمیگروند بقیامت آراسته ایم برای ایشان کردار ایشان را

فهم یعمهون اولئك الذین لهم سوء العذاب وهم فی

پس ایشان متحیرند آنگروه آنانند که ایشانراست بدی عذاب و ایشانند در

خواص سوره طسم در سوره یاسین گذشت

حزب

الْاٰخِرُوْنَ هُمُ الْاَخْسَرُوْنَ ۝ وَاِنَّكَ لَتُلَقَّى الْقُرْاٰنَ مِنْ لَّدُنْ حَكِيْمٍ

قیامت ایشان زیانکارند ۝ و بدرستی که تو یا محمد تلقی میشوی قرآن را از نزد حکیم

عَلِيْمٍ ۝ اِذْ قَالَ مُوْسٰى لِاَهْلِهٖٓ اِنِّيْٓ اٰنَسْتُ نَارًا سَاٰتِيْكُمْ مِّنْهَا

دانا ۝ چون گفت موسی مر اهل خود را بدرستی که من دیدم آتشی زود باشد که بیارم شما را از آن

بِخَبَرٍ اَوْ اٰتِيْكُمْ بِشِهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُوْنَ ۝ فَلَمَّا جَآءَهَا

خبری یا بیارم شما را شعله آتش فراگرفته شده تا شاید شما گرم شوید ۝ پس آن هنگام که آمد

نُوْدِيَ اَنْۢ بُوْرِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا ۭ وَسُبْحٰنَ اللّٰهِ رَبِّ

ندا کرده شد که برکت داده شده کسی که در مکان آتش و هر که گرداگرد است و پاکست خداوند پروردگار

الْعٰلَمِيْنَ ۝ يٰمُوْسٰٓى اِنَّهٗٓ اَنَا اللّٰهُ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ ۝ وَاَلْقِ عَصَاكَ ۭ

جهانیان ۝ ای موسی بدرستی که شان اینست که منم خدای غالب درست کار ۝ و بیفکن عصای خود را

فَلَمَّا رَاٰهَا تَهْتَزُّ كَاَنَّهَا جَاۗنٌّ وَّلّٰى مُدْبِرًا وَّلَمْ يُعَقِّبْ ۭ يٰمُوْسٰٓى لَا

پس چون دید موسی عصی را که حرکت میکرد گویا ماری بود پشت کرد روی و بازنگشت بعقب ای موسی

تَخَفْ اِنِّىْ لَا يَخَافُ لَدَيَّ الْمُرْسَلُوْنَ ۝ اِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ

مترس بدرستی که نمیترسند نزد من پیغمبران ۝ مگر آنکه ستم کرد پس بدل کرد

حُسْنًۢا بَعْدَ سُوْۗءٍ فَاِنِّىْ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝ وَاَدْخِلْ يَدَكَ فِيْ جَيْبِكَ

آن ستم را بنکوئی بعد از بدی پس بدرستی که من آمرزنده مهربانم ۝ و در آور دست خود را در بغل خود

تَخْرُجْ بَيْضَاۗءَ مِنْ غَيْرِ سُوْۗءٍ ۭ فِيْ تِسْعِ اٰيٰتٍ اِلٰى فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهٖ ۭ

تا بیرون آید سفید درخشان از غیر بدی برص که در آنست بسوی فرعون ۝ و قوم او بدرستی که ایشان

كَانُوْا قَوْمًا فٰسِقِيْنَ ۝ فَلَمَّا جَاۗءَتْهُمْ اٰيٰتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوْا هٰذَا سِحْرٌ

بودند گروهی بدکاران ۝ پس آنهنگام که آمد ایشانرا آیات ما که بودند روشن گفتند این جادوئیست

مُّبِيْنٌ ۝ وَجَحَدُوْا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَآ اَنْفُسُهُمْ ظُلْمًا وَّعُلُوًّا ۭ فَانْظُرْ

ظاهر ۝ و منکر شدند آنها و یقین میدانستند نفسهای ایشان از روی ستم و بزرگی پس بنگر

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِيْنَ ۝ وَلَقَدْ اٰتَيْنَا دَاوٗدَ وَسُلَيْمٰنَ

چگونه بود سرانجام تباهکاران ۝ و بتحقیق دادیم داود را و سلیمان را

مراد از من فی النار فرشتگانی اند که در آن نور مشغول تسبیح و تهلیل الهی بودند و از من حولها موسی چنانچه در مجمع البیان گفته و محتمل که فرشتگان هم در حوالی آن نور بوده باشند

علما وقالا الحمد لله الذی فضلنا علی کثیر من عباده المؤمنین
دانش دادند ایشان حمد مر خدای را که ما را بر بسیاری از بندگان خود که مومنند
ووَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ
و میراث گرفت سلیمان از داود و گفت ای مردمان آموخته شده ام زبان مرغان را
وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ ۝ وَ
و داده شده ام از هر چیز بدرستیکه این عطا آیینه عطاییست ظاهر و
حُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ
فراهم آمده شد مر سلیمان را لشکرهای او از دیوان و آدمیان و مرغان پس ایشان باز داشته شدند
حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِي النَّمْلِ قَالَتْ نَمْلَةٌ يَا أَيُّهَا النَّمْلُ
بودند تا چون آمدند بر وادی مورچگان گفت مورچه که پادشاه مورچگان نوید می کرده مورچگان
ادْخُلُوا مَسَاكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ
درآیید در جایگاه خود تا درهم نشکند شما را سلیمان و لشکرهای او و ایشان
لَا يَشْعُرُونَ ۝ فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي
ندانند که شما را پایمال کردانند پس تبسم کرد سلیمان در حالی که ضاحک بود و گفت پروردگارا الهام ده مرا
أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ
تا شکر کنم نعمت تو را که انعام کردی بر من و بر پدر و مادر من و آنکه بکنم
صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ
کار شایسته که راضی شوی و درآر مرا برحمت خود در میان بندگان خود که شایسته گانند
وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهُدَ أَمْ كَانَ مِنَ
و تفحص لشکر و مرغان را پس گفت چیست مرا که نمی بینم هدهد را آیا هست از
الْغَائِبِينَ ۝ لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِّي
غایب شدگان بخدا که هر آینه عذاب کنم او را عذابی سخت یا بکشم او را یا بیارد بمن
بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝ فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ

در تفسیر
این آیه در مجمع
گفته که واحدی بسند خود از مجاهد از
جعفر بن محمد از پدرش علیهم السلام روایت کرده
که داده شد سلیمان بن داود را پادشاهی مشارق
و مغارب روی زمین پس مقصد سال و ششماه
مالک پادشاهی جهانیان همه بوده از جنیان و آدمیان
و دیوان و حیوانات و مرغان و درندگان
و داده شده دانش هر چیزی و زبان هر جانوری
و در عهد او صنعتهای عجیبه که مردمان
از آن شنیده اند بظهور رسیده است
تفسیر کریمه و علمنا منطق
الطیر تا آخر
منشا
طلب هدهد این که حضرت سلیمان محتاج باب
بود و هدهد آبی که در زیر زمین میدید از آن
ایشان را آب مینمود و تعرفی منشا طلب هدهد آن
بود که چون سلیمان در مجلس نشستی مرغان هوا
مجلس او را بر سر گرفتندی که مانع آفتاب
نباشد و هر یک جای مخصوص داشتند و در اوقات
چون همه شش سایه بود و جای آن خالی بود
آفتاب از آن روزنه در مجلس
او تابیده بود

تُحِطْ بِهِ وَجِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ ۝ إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ

مشاهده نکرده او را آمدم بتو از بعضه یقین بخبر راست بدرستی که من یافتم زنی را که ملکیست پادشاهی

وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ ۝ وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا

میکند ایشان را داده شد آن زن از هر چیز و مر آن راست تخت بزرگ یافتم آن زن را و قوم او را

يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ

که سجده میکردند مر آفتاب را از غیر خدا و آراسته برای ایشان شیطان کردار شان را

فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ ۝ أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ

پس باز داشته ایشان را از راه راست پس ایشان راه یافته نمی شوند آنکه سجده نکنند مر خدا را

الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبْءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ

که بیرون می آرند پوشیده را در آسمانها و زمین و میداند آنچه پنهان میکنید

وَمَا تُعْلِنُونَ ۝ اللَّهُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ۝ قَالَ

و آنچه ظاهر میکنید خدائیست خدائی که او پروردگار عرش بزرگست گفت

سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ۝ اذْهَبْ بِكِتَابِي

زود در نگریم آیا راست گوئی تو یا هستی از دروغگویان ببر این نوشته مرا

هَٰذَا فَأَلْقِهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّ عَنْهُمْ فَانْظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ ۝ قَالَتْ

پس بیفکن او را بسوی ایشان پس بگرد از ایشان پس بنگر که ایشان بچه چیز باز میگردند گفت بلقیس چون

يَا أَيُّهَا الْمَلَؤُا إِنِّي أُلْقِيَ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ ۝ إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَ

نامه را دیدای گروه اشراف بدرستیکه انداخته شد بسوی من نوشته بزرگوار بدرستی که این نامه از سلیمانست و

إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝ أَلَّا تَعْلُوا عَلَيَّ وَأْتُونِي مُسْلِمِينَ

بدرستیکه این نامه مشتمل است بر نام خدای بخشنده مهربان انکه بزرگی نکنید بر من و بیائید بمن در حالیکه مسلمان باشید

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَؤُا أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا

گفت بلقیس ای اشراف قوم من فتوی دهید مرا در کار من نبودم من قطع کننده کاری

حَتَّىٰ تَشْهَدُونِ ۝ قَالُوا نَحْنُ أُولُو قُوَّةٍ وَأُولُو بَأْسٍ شَدِيدٍ

تا حاضر نمی شوید گفتند اشراف ما خداوندان قوتیم و صاحبان کارزار سخت

والامر

وَالْاَمْرُ اِلَيْكِ فَانْظُرِي مَاذَا تَاْمُرِينَ ۝ قَالَتْ اِنَّ الْمُلُوكَ اِذَا

و اختیار این کار با تست پس بنگر که چه چیز میفرمائی گفت ملکه بلقیس در رسمی که پادشاهان چون

دَخَلُوا قَرْيَةً اَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا اَعِزَّةَ اَهْلِهَا اَذِلَّةً وَكَذٰلِكَ

در آیند در دهی تباه سازند آنرا و بگردانند عزیزان اهل آن ده را خوار و همچنین

يَفْعَلُونَ ۝ وَاِنِّي مُرْسِلَةٌ اِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ

میکنند و بدرستی که من فرستاده ام بسوی ایشان تحفه پس نگرنده ام چه چیز باز میگردند

الْمُرْسَلُونَ ۝ فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ اَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا اٰتَانِيَ

فرستادگان پس آن هنگام که آمد نزد سلیمان گفت آیا مدد میدهی مرا بمال پس آنچه عطا کرده من

اللّٰهُ خَيْرٌ مِمَّا اٰتَاكُمْ بَلْ اَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ ۝ اِرْجِعْ اِلَيْهِمْ

خدا بهتر است از آنچه داده شما بلکه شما بهدیه خود شاد میشوید برگرد بسوی ایشان

فَلَنَاْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا اَذِلَّةً وَهُمْ

پس البته بیاریم بایشان آن لشکری که طاقت مقاومت ندارند ایشان آن و هر آینه بیرون کنیم ایشان را از آن ده خوار و

صَاغِرُونَ ۝ قَالَ يَا اَيُّهَا الْمَلَؤُا اَيُّكُمْ يَاْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ اَنْ

خوارشدگان باشند گفت سلیمان ای اشراف قوم من کدام یک می آرید بخدمت او را نزد من پیش از آنکه

يَاْتُونِي مُسْلِمِينَ ۝ قَالَ عِفْرِيتٌ مِنَ الْجِنِّ اَنَا اٰتِيكَ بِهِ قَبْلَ اَنْ

بیایند بمن گردن نهندگان گفت دیوی مهیبات از جن من بیارم تو آنرا پیش از آنکه

تَقُومَ مِنْ مَقَامِكَ وَاِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ اَمِينٌ ۝ قَالَ الَّذِي

برخیزی از جای حکم خود و بدرستیکه من بر آوردن آن هر آینه توانای امینم گفت آنکه

عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتٰبِ اَنَا اٰتِيكَ بِهِ قَبْلَ اَنْ يَرْتَدَّ اِلَيْكَ

نزد او ست دانشی از کتاب الهی من می آورم تو آنرا پیش از آنکه باز گردد بسوی تو

طَرْفُكَ فَلَمَّا رَاٰهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هٰذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي

چشم تو پس هنگامی که دید سلیمان تخت را قرار گرفته نزد خود گفت این از فضل پروردگار منست

لِيَبْلُوَنِي ءَاَشْكُرُ اَمْ اَكْفُرُ وَمَنْ شَكَرَ فَاِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ

تا بیازماید مرا آیا شکر میکنم یا کفران میورزم و هر که شکر کرد پس جز این نیست که شکر میکند بنفع خود را

وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ ۝ قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنظُرْ

و هر که کفران میکند پس بدرستی که پروردگار من بی نیاز کریم است گفت سلیمان ناشناخت کنید برای بلقیس تخت او را تا بنگریم

أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ ۝ فَلَمَّا جَاءَتْ

آیا راه میبابد بتخت خود یا هست از آنانکه راه نیافته نمیشوند پس چون آمد بلقیس

قِيلَ أَهَٰكَذَا عَرْشُكِ ۖ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ ۚ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا

گفته شد که آیا این تخت تست گفت بلقیس گویا او است و داده شده ایم ما علم پیش از قدرت خدا پیش از این

وَكُنَّا مُسْلِمِينَ ۝ وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِن دُونِ اللَّهِ ۖ إِنَّهَا

و هستیم ما گردن نهندگان و منع کرد سلیمان بلقیس را از آنچه بود که میپرستید از غیر خدا بدرستی که بلقیس

كَانَتْ مِن قَوْمٍ كَافِرِينَ ۝ قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ ۖ فَلَمَّا رَأَتْهُ

بود پیش از اسلام از گروه کافران گفته شد بلقیس را که درآی در ساحت این قصر پس چون دید آنرا

حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن سَاقَيْهَا ۚ قَالَ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن

پنداشت آنرا دریا و برگشید دامن جامه را از ساقهای خود گفت بدرستی که این صرح است هموار و صاف از

قَوَارِيرَ ۗ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ

آبگینه گفت بلقیس پروردگارا بدرستی که من ستم کردم بر نفس خود و گردن نهادم با سلیمان

لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا

مر خدای را که پروردگار جهانیانست و بتحقیق فرستادیم بسوی ثمود برادر ایشان صالح او گفت

أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ ۝ قَالَ يَا قَوْمِ لِمَ

که عبادت کنید خدا را پس ناگاه ایشان دو فرقه شدند که با هم خصومت میکردند گفت ای قوم چرا

تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ ۖ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ

شتاب می کنید بدیها پیش از نیکی چرا استغفار نمی کنید

اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ ۝ قَالُوا اطَّيَّرْنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَ ۚ قَالَ

خدا را شاید شما رحم کرده شوید گفتند قوم فال بد زدیم بتو و بهر که با تست گفت

طَائِرُكُمْ عِندَ اللَّهِ ۖ بَلْ أَنتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ ۝ وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ

فال بد شما راست نزد خدا بلکه شما گروهی هستید که آزموده میشوید و بودند در شهر صالح

در مجمع

البیان گفته که

سلیمان علیه السلام چون شنید

که بلقیس متوجه خدمت او شده بجهة آزمایش

کیاست او فرمود دیوان را در مجلس او

تختگاهی از شیشه ساختند که در زیر او آب روانی

بود و در آب ماهیان و ضفادع و جانوران

آبی بسیار بود و تخت خود را در آن تختگاه نهاد

و نشست و بقولی کوشکی از شیشه بنا کردند که

از غایت صفا مانند آب صافی بود و عرش

از وضع این بنا آن بوده که بپندد که استدلال

میکند باین آیت بر معرفت صانع تعالی شأنه

و چون سلیمان خواهش تزویج او داشت و ماو

گفته بودند که پای پر موئی دارد خواست که نگاه

پایش را بپندد چون بلقیس بمجلس رسید و آنرا

دید گمان در یا چه آب کرده پایها را برهنه کرد

و آب ندید چون حضرت پای او را دید خجلش شد

دیوان جهة ازاله موی او اهک و زریخ را اختراع کردند

و او کشیده و از زیر بهم رسیده و ازین است

در بعضی از اخبار ما وارد شده که

در وقت نور رسیدن بگوید

اللهم ارحم سلیمان بن

داود عبدک

المستوفی

تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ ۝ قَالُوا تَقَاسَمُوا

نه نفر از اشراف قوم او که بتها می‌ساختند در زمین و بصلاح نمی‌آوردند کار خود را گفتند هم در میکه

بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ

قسم میخورند بخدا که هر آینه شبخون میکنیم بر صالح و اهل او پس میگوییم مر ولی او را که ما حاضر نبودیم و ندیدیم موضع

أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ ۝ وَمَكَرُوا مَكْرًا وَمَكَرْنَا مَكْرًا

هلاک اهل او را و بدرستی که ما هر آینه راست گویانیم و مکر کردند ایشان مکری و مکر کردیم ما مکری

وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ فَانْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا

و ایشان نمیدانستند پس بنگر چگونه بود عاقبت مکر ایشان را بدرستیکه ما

دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةً بِمَا ظَلَمُوا

هلاک کردیم ایشان را و قوم ایشان را همه پس آنست خانهای ایشان خالی و منهدم بآنچه ستم کردند

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا

بدرستی که در این هر آینه علامتیست مر گروهی را که میدانند و رهانیدیم ما آنان را که گرویدند و بودند

يَتَّقُونَ ۝ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ وَأَنْتُمْ

پرهیزکاران و فرستادیم لوط را بقوم خود چون گفت مر قوم خود را آیا می‌آیید بخصلت زشت یعنی لواطه و شما میدانید

تُبْصِرُونَ ۝ أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ ۚ بَلْ

زشتی آنرا آیا شما بر آینه می‌آیید بمردان برای شهوت غیر از زنان بلکه

أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ ۝ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا

شما گروهی هستید که نمیدانید پس نبود جواب قوم لوط مگر آنکه گفتند که بیرون کنید

آلَ لُوطٍ مِنْ قَرْيَتِكُمْ ۖ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ۝ فَأَنْجَيْنَاهُ وَ

آل لوط را از شهر خود بدرستی که ایشان مردمانی‌اند پاک از افعال ما پس نجات دادیم او را

أَهْلَهُ إِلَّا امْرَأَتَهُ قَدَّرْنَاهَا مِنَ الْغَابِرِينَ ۝ وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ

و اهل او را مگر زن او را که تقدیر کردیم آنرا از باقی ماندگان در عذاب و باریانیدیم بر ایشان

مَطَرًا ۖ فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ ۝ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ

بارانی ۱ پس بد است باران بیم کرده شدگان بگو حمد مر خدا راست و سلام بر بندگان او

کوبند
صالح علیه السلام شها
در غاری بعبادت الهی اشتغال
مینمود قومش گفتند که او سه روز دیگر وعده
عذاب مینموده مثل از سه روز او را بقتل آوریم
شب جمعی از ایشان بآن غار رفته در کمین نشستند
ناگاه سنگی از کوه افتاده در غار را مسدود نمود
و در آنجا هلاک شدند

الذين اصطفى آلله خير امّا يشركون ۞ امّن خلق السموات و
که ۞ برگزیده خدا این بهتر است یا آنچه شریک می کنند با او ۞ یا بهتر است آنکه آفرید آسمانها و
الارض وانزل لكم من السماء ماء فانبتنا به حدائق ذات
زمین را و فرستاد برای شما از آسمان آب پس رویانیدیم ما بآن آب بوستانهای میوه که
بهجة ما كان لكم ان تنبتوا شجرها ءاله مع الله بل هم قوم يعدلون
خداوند خرمی بودند نیست مر شما را که بروبانند درختان آنها را آیا هست خدائی با خدا بلکه مشرکان گروهی اند که عدول
امّن جعل الارض قرارا وجعل خلالها انهارا وجعل لها
میکنند از حق یا آنکس که گردانید زمین را قرارگاه و گردانید درمیان زمین ۞ نهرها ۞ و گردانید برای آن کوهها
رواسي وجعل بين البحرين حاجزا ءاله مع الله بل اكثرهم
زمین کوههای بلند و گردانید میان دو دریا مانعی که مخلوط نشوند آیا هست خدائی با خدا بلکه بیشتر ایشان
لا يعلمون ۞ امّن يجيب المضطر اذا دعاه ويكشف السوء و
نمیدانند ۞ آیا بهتر است آنکه اجابت کند بیچاره را چون بخواند او را و برمیدارد بدی را و
يجعلكم خلفاء الارض ءاله مع الله قليلا ما تذكرون
میگرداند شما را خلیفه های ۞ زمین آیا خدائی دیگر هست با خدا اندکی ۞ پند ۞ نمی پذیرند
امّن يهديكم في ظلمات البر والبحر ومن يرسل الرياح بشرا
آیا آنکس بهتر است شما را که راه مینماید در تاریکیهای بیابان و دریا و آنکس که میفرستد بادها را ۞ در حالیکه
بين يدي رحمته ءاله مع الله تعالى الله عما يشركون ۞ امّن
مژده دهنده است پیش از نزول رحمت آیا هست خدائی با خدا ۞ بلند است خدا از آنچه شریک می کنند یا بهتر است
يبدؤا الخلق ثم يعيده ومن يرزقكم من السماء والارض
آنکه پیدا کرد خلق را پس اعاده کند او را و کیست که روزی میدهد شما را از آسمان و زمین
ءاله مع الله قل هاتوا برهانكم ان كنتم صادقين ۞ قل لا
آیا هست خدائی دیگر با خدا بگو بیارید ۞ دلیل خود را اگر هستید راستگویان ۞ بگو یا محمد
يعلم من في السموات والارض الغيب الا الله وما يشعرون
نمیداند هر که در آسمانهاست ۞ و زمینست غیب را مگر خدا ۞ و نمیدانند

أَيَّانَ يُبْعَثُونَ ۝ بَلِ ادَّارَكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْهَا

که که ایام وقت برانگیخته مشوند ۝ بلکه نیک رسیده و استحکام یافته علم ایشان | در قیامت بلکه ایشان | در شکند از آن

بَلْ هُمْ مِنْهَا عَمُونَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا وَآبَاؤُنَا

بلکه ایشان | از آخرت نابینایانند ۝ و گفتند | آیا آنگه که گاه شدند | آیا وقتیکه باشیم ما خاک و پدران ما

أَئِنَّا لَمُخْرَجُونَ ۝ لَقَدْ وُعِدْنَا هَٰذَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ إِنْ

آیا ما بیرون شدگانیم ۝ هر آینه بدرستی که وعده داده شده ایم ما | و پدران ما | پیش ازین نیست

هَٰذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ ۝ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانْظُرُوا

این وعده مگر افسانهای | پیشینیان ۝ بگوای محمد بروید | در | زمین | پس بنگرید

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ ۝ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ

چگونه بود | سرانجام گناهکاران ۝ و اندوهناک مشو بر ایشان | و مباش | تنگدل | بر

مِمَّا يَمْكُرُونَ ۝ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

از آنچه مکر میکنند ۝ و میگویند | کی خواهد بود این وعده | اگر | هستید | راستگویان

قُلْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ رَدِفَ لَكُمْ بَعْضُ الَّذِي تَسْتَعْجِلُونَ ۝ وَإِنَّ

بگو باشد که بود | که باشد که ازپی درآید شما را | بعضی ۝ آنانکه شتاب میکنند | و بدرستیکه

رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ

پروردگار تو هر آینه خداوند فضلست بر | مردمان ۝ ولیکن | بیشتر ایشان | شکر نمیکنند

وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ۝ وَمَا مِنْ

و بدرستی پروردگار تو هر آینه میداند | آنچه پنهان میدارند سینه هاشان | و آنچه ظاهر میکنند ۝ و نیست | هیچ

غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ۝ إِنَّ هَٰذَا

پوشیده | در آسمان | و | زمین | مگر | در کتاب | روشن ۝ بدرستیکه این

الْقُرْآنَ يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

قرآن | میخواند | بر | پسران یعقوب | بیشتر آنچه ایشان | در آن اختلاف میکنند

وَإِنَّهُ لَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِينَ ۝ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ بِحُكْمِهِ

و بدرستی این قرآن راهنماینده و رحمتست | مر مؤمنان را ۝ بدرستی پروردگار تو حکم میکند میان ایشان | بحکم خود

غرض

آنست که آنچه در
این دنیا انکار و تکذیب آن مینمایند
در روز قیامت یقین کامل بصدق آن خواهند
داشت و از وزر این علم تقصی بحال ایشان نخواهد
داشت چنانچه در مجمع البیان گفته است

اشارت

بگشته شدن و
اسیر کردن بدست مسلمانان در
بدر و غیر آن از غدابهائی
که پیش از موت بایشان
رسید

وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ ۝ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ ۝ إِنَّكَ

واوست غالب و دانا پس توکل کن بر خدا بدرستیکه او بر حق ظاهر بدرستی که تو

لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ۝ وَمَا

نمیتوانی شنوانید مردگانرا و نمیتوانی شنوانید کرانرا خواندن قرآن چون برگردند که پشت کردند و نیستی

أَنْتَ بِهَادِي الْعُمْيِ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا

تو راهنماینده کافران کور را از گمراهی ایشان نمیتوانی تو مگر آنرا که ایمان دارد بآیات ما

فَهُمْ مُسْلِمُونَ ۝ وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِنَ

پس ایشان گردن نهندگانند وچون واقع شود گفتار وعده بر ایشان بیرون آریم برای ایشان جنبنده از

الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ ۝ وَ

زمین که سخن میگوید ایشانرا بدرستیکه مردمان بودند که بآیات ما یقین نمیداشتند و

يَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ۝

یاد کن روزیرا که جمع کنیم از هر امتی گروهی از آنانکه تکذیب کرده باشند بآیات ما پس ایشان بازداشته شوند

حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوا قَالَ أَكَذَّبْتُمْ بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا أَمَّاذَا كُنْتُمْ

تا چون آیند گوید آیا دروغ داشتید آیات مرا و احاطه نکردند بآن از روی دانش یا آنچه بودید

تَعْمَلُونَ ۝ وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ ۝ أَلَمْ

که میکردید و واقع شود گفتار عذاب بر ایشان بآنچه ستم کردند پس ایشان سخن نگویند آیا

يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لِيَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي

نمی بینند بدرستی که ما گردانیدیم شب را تا آرام گیرند در آن و روز را روشن گرد بدرستیکه در

ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ

این هر آینه نشانه ایست مر گروهی را که میگروند و روزیکه دمیده شود در صور پس بترسند هر که

فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ وَكُلٌّ أَتَوْهُ

در آسمانها و هر که در زمینست مگر آنکه خواهد خدا و همه مر او را آیند کاتند

دَاخِرِينَ ۝ وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ

کوچکان و بزرگ می بینی کوهها را پنداری آنرا برجای خود ایستاده و گوهها میروند چون رفتن ابر

صنع الله

بنابر
طریقه حقه امامیه
رضی الله عنهم این آیه اشاره است
برجعت در دنیا هنگام ظهور دولت صاحب الامر

صلوات الله علیه در بحشر و در قیامت و مؤید
این تفسیر است تکیر فوجا که مقید بقلیل است و
تبعیضیه است در ممن یکذب چه در روز قیامت
همه آدمیان از اولین و آخرین محشور خواهند
شد و اختصاص بعضی ندارد و بلکه گذشته از اجماع
بضرورت مذهب امامیه رضی الله عنهم و اخبار
متکثره متواتره از اهل بیت علیهم السلام است
که تعالی در ظهور قائم آل محمد علیهم السلام
گروهی از مردگان شیعیان اهل بیت و جمعی
از مردگان دشمنان ایشان را برانگیزد
تا آنها نصرت دین خدا و شیوایان را دهی نمود
انتقام از آنها کشند

در مجمع البیان از حاکم ابوالقاسم حسکانی باسناد او از زید ابن علی بن الحسین علیهما السلام روایت کرد که گفت شنیدم که حضرت ابوجعفر صلوات الله علیه میفرمود که ابوعبدالله جدی بحدیث امیر المؤمنین رسید آنحضرت فرمود ای عبدالله میخواهی خبر دهم تو را از تفسیر کریمه من جاء بالحسنة فله خیر منها تا الا ما کنتم تعملون آری فدای تو شوم فرمود که حسنه دوستی ما خانواده و سالمیت و سیئه دشمنی ماست و هم از حاکم ابوالقاسم حسکانی بسند او از جابر بن عبدالله انصاری روایت کرده که رسول خدا فرمود ای علی اگر امت من بروزه دارند بحدی که بگردند مثل آلات طرب و در لاغری مانند زه کمان و البته نماز گذارند که پشتشان خم گردد مانند کمان و سرا دشمن ما باشند هرآینه سرنگون بر بینهای خود در دوزخ افتند

خواص این سوره در سوره شعرا گذشت

صُنْعَ اللّٰهِ الَّذِیْٓ اَتْقَنَ کُلَّ شَیْءٍ اِنَّهٗ خَبِیْرٌ بِمَا تَفْعَلُوْنَ ۝ مَنْ جَآءَ
چون بفعل آرد خدائی که محکم کرد هر چیز هر آئینه او آگاه است بآنچه میکنید ۝ هر که یاید
بِالْحَسَنَةِ فَلَهٗ خَیْرٌ مِّنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ یَّوْمَئِذٍ اٰمِنُوْنَ ۝ وَمَنْ
بنیکوئی پس مراورا است بهتر از آن حسنه وایشان از ترس روز قیامت ایمنند ۝ و هر که
جَآءَ بِالسَّیِّئَةِ فَکُبَّتْ وُجُوْهُهُمْ فِی النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ اِلَّا
آید ببدی پس نگونسار شود رویهای ایشان در آتش آیا جزا داده شوید مگر
مَا کُنْتُمْ تَعْمَلُوْنَ ۝ اِنَّمَآ اُمِرْتُ اَنْ اَعْبُدَ رَبَّ هٰذِهِ الْبَلْدَةِ
آنچه بودید که میکردید ۝ جز این نیست که مامورم آنکه بپرستم پروردگار این خانه و شهر را
الَّذِیْ حَرَّمَهَا وَلَهٗ کُلُّ شَیْءٍ وَّاُمِرْتُ اَنْ اَکُوْنَ مِنَ الْمُسْلِمِیْنَ ۝
که حرام کرده آنرا او مراورا است هر چیز ۝ و مامورم بآنکه باشم از گردن نهادگان
وَاَنْ اَتْلُوَا الْقُرْاٰنَ فَمَنِ اهْتَدٰی فَاِنَّمَا یَهْتَدِیْ لِنَفْسِهٖ وَمَنْ
و آنکه بخوانم قرآن را پس هر که راه یابد پس جز این نیست راه یابد بسود نفس خود و هر که
ضَلَّ فَقُلْ اِنَّمَآ اَنَا مِنَ الْمُنْذِرِیْنَ ۝ وَقُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ سَیُرِیْکُمْ
گمراه شود پس بگو جز این نیست که من از ترسانندگانم ۝ و بگو ستایش مر خدا راست زود باشد که بنماید
اٰیٰتِهٖ فَتَعْرِفُوْنَهَا وَمَا رَبُّکَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ ۝

شمار نشانهای خود پس بشناسید آنرا و نیست پروردگار تو بیخبر از آنچه شما می کنید

سورة القصص مکیة و ثمانون او احدی و ثمانون آیة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

طٰسٓمٓ ۝ تِلْکَ اٰیٰتُ الْکِتٰبِ الْمُبِیْنِ ۝ نَتْلُوْا عَلَیْکَ مِنْ نَّبَاِ مُوْسٰی
تفسیر جواب قسم آنکه این سوره آیتهای کتاب روشنست ۝ میخوانیم بر تو از خبر موسی
وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ یُّؤْمِنُوْنَ ۝ اِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِی الْاَرْضِ
و فرعون براستی برای قومی که بگروند ۝ بدرستیکه فرعون برتری جست در زمین

وَجَعَلَ اَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضْعِفُ طَآئِفَةً مِنْهُمْ يُذَبِّحُ اَبْنَآءَهُمْ

و گروه‌ها کرد اهل مصر را گروه متفرقه زبون و ناتوان گرفت ازایشان را میکشت پسران ایشان را

وَيَسْتَحْيٖ نِسَآءَهُمْ اِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِيْنَ ۝ وَنُرِيْدُ اَنْ نَّمُنَّ عَلَى

و زنده میگذاشت زنان ایشان را بدرستی که فرعون بود از تباه کاران و میخواستیم که منت نهیم بر

الَّذِيْنَ اسْتُضْعِفُوْا فِى الْاَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ اَئِمَّةً وَّنَجْعَلَهُمُ الْوٰرِثِيْنَ

آنانکه ضعیف شده بودند در زمین و بگردانیم ایشان را پیشوایان و بگردانیم ایشان را وارثان

وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِى الْاَرْضِ وَنُرِىَ فِرْعَوْنَ وَهَامٰنَ وَجُنُوْدَهُمَا

و بجای گیر کنیم ایشان را در زمین و بنمائیم فرعون و هامان را و لشکرهای ایشان را

مِنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَحْذَرُوْنَ ۝ وَاَوْحَيْنَآ اِلٰٓى اُمِّ مُوْسٰٓى اَنْ اَرْضِعِيْهِ

از ایشان آنچه بودند که حذر میکردند و وحی فرستادیم بسوی مادر موسی که شیر ده موسی را

فَاِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَاَلْقِيْهِ فِى الْيَمِّ وَلَا تَخَافِىْ وَلَا تَحْزَنِىْ اِنَّا

پس چون بترسی بر او پس بیفکن او را در دریا و مترس و اندوهگین مباش در بابت کودک ما

رَآدُّوْهُ اِلَيْكِ وَجَاعِلُوْهُ مِنَ الْمُرْسَلِيْنَ ۝ فَالْتَقَطَهٗٓ اٰلُ فِرْعَوْنَ

بازگردانندهایم موسی را بسوی تو و گردانیم او را از پیغمبران پس گرفتند موسی را اهل و کسان فرعون

لِيَكُوْنَ لَهُمْ عَدُوًّا وَّحَزَنًا اِنَّ فِرْعَوْنَ وَهَامٰنَ وَجُنُوْدَهُمَا

تا باشد موسی مر ایشان را دشمن و اندوهگین بدرستیکه فرعون و هامان و لشکرهای ایشان

كَانُوْا خٰطِـِٕيْنَ ۝ وَقَالَتِ امْرَاَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٍ لِّىْ وَلَكَ ۗ

بودند خطاکاران و گفت زن فرعون است که موسی روشنی چشم منست و تو

لَا تَقْتُلُوْهُ ۖ عَسٰٓى اَنْ يَّنْفَعَنَآ اَوْ نَتَّخِذَهٗ وَلَدًا وَّهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ ۝

مکش او را شاید آنکه سود بخشد ما را یا فراگیریم فرزند و ایشان نمیدانستند

وَاَصْبَحَ فُؤَادُ اُمِّ مُوْسٰى فٰرِغًا ۭ اِنْ كَادَتْ لَتُبْدِيْ بِهٖ لَوْلَآ اَنْ

و گشت دل مادر موسی خالی از صبر چون دید که نزدیک بود تا ظاهر کند موسی را اگر نه آنکه

رَّبَطْنَا عَلٰى قَلْبِهَا لِتَكُوْنَ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ ۝ وَقَالَتْ لِاُخْتِهٖ

نهادیم بر دل او تا باشد از گروندگان و گفت مادر موسی مر خواهر خود را

قصه

که بصحت پیوسته که امیر المؤمنین

فرمود پس گفت باید که دانه را شکافته و خلایق را

آفریده که مرآنرا دنیا را مهربانی کند و با

برگردد بعد از آنکه با ما بدی کرد و سرکشی کرده

مانند مهربانی ما در بر فرزندش پس فرمود

تا آخر و حضرت علی بن الحسین علیهما السلام فرمود

قسم بآنکه محمد را براستی فرستاد بشارت دهنده

و بیم نماینده که نیکوکاران از ما خانواده رسالتیم

و شیعیان ایشان چون موسی و شیعیان او

و دشمنان ما و شیعیان انها

بمنزله فرعون و شیعیان

او اند

حزب

عن جنب
در محل نصب است
بر حالت از فاعل بصرت یعنی
بعید و میگویند بصرت به عن جنب یعنی عن بعد
و ملخص معنی انکه چون ما در موسی خواهر موسی را
که عبارت ازمریم بود که پی جوئی موسی کن و سمن
که با موسی چه میکنند و او بخانه فرعون کیار چو
آمده و او را بسلامت دید و شنید که در کنکاش
تحصیل دایه اند برای شیر دادن موسی و انحضرت
شیر نمیگرفت گفت میخواهید دایه
نیکی برای او پیدا کنم و مادرش را
نشان دادیم او را سرد
۱۱۰۰

قُصِّيهِ فَبَصُرَتْ بِهِۦ عَن جُنُبٍ وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ

برو پی برادر خود پس دید موسی را از دور و ایشان نمیدانستند و حرام کردیم ما بر موسی

ٱلْمَرَاضِعَ مِن قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰٓ أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُۥ

شیر دادنکان را پیش از آمدن خواهر پس گفت آیا راه نمایم شما را بر اهل خانه که کفالت این طفل را

لَكُمْ وَهُمْ لَهُۥ نَٰصِحُونَ ۝ فَرَدَدْنَٰهُ إِلَىٰٓ أُمِّهِۦ كَىْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا

برای شما و ایشان مر او را خیر خواهان باشند پس باز گردانیم موسی را بسوی مادر خود تا روشن شود چشم او و

تَحْزَنَ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝

اندوهگین نباشد و تا بداند بدرستیکه وعدهٔ خدا راست است ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَٱسْتَوَىٰٓ ءَاتَيْنَٰهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى

و آنهنگام که رسید بقوت و کمال خود و راست شد قد او دادیم او را نبوت و دانش و همچنین جزا میدهیم

ٱلْمُحْسِنِينَ ۝ وَدَخَلَ ٱلْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ

نیکوکاران را و در آمد موسی بشهر مصر در هنگام غفلتی از اهل مصر پس یافت

فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِن شِيعَتِهِۦ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِۦ فَٱسْتَغَٰثَهُ

در آنشهر دو مرد که منازعه مینمودند با هم این از تابعان موسی بود و این از دشمنان او بود پس فریاد

ٱلَّذِى مِن شِيعَتِهِۦ عَلَى ٱلَّذِى مِنْ عَدُوِّهِۦ فَوَكَزَهُ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ

خواست موسی را آنکس که از شیعه بود بر آنکس که از دشمنان او بود پس مشت زد او را موسی پس بکشت او را

قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ ٱلشَّيْطَٰنِ إِنَّهُۥ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ ۝ قَالَ رَبِّ

گفت موسی این از کار شیطان است بدرستی که او دشمنی گمراه کنندهٔ ظاهر است گفت پروردگارا

إِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى فَٱغْفِرْ لِى فَغَفَرَ لَهُۥٓ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ

بدرستیکه من ستم کردم بر خود پس بیامرز مرا پس آمرزید او را بدرستیکه او آمرزنده مهربانست

قَالَ رَبِّ بِمَآ أَنْعَمْتَ عَلَىَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ ۝ فَأَصْبَحَ

گفت موسی پروردگارا بآنچه انعام کردی بر من از قوت پس هرگز نباشم مددکار گناهکاران پس بامداد

فِى ٱلْمَدِينَةِ خَآئِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا ٱلَّذِى ٱسْتَنصَرَهُۥ بِٱلْأَمْسِ

در شهر بود ترسنده و انتظار میبرد پس آنگاه آنکس که طلب یاری میکرد

لِيَسْتَصْرِخَهُ قَالَ لَهُ مُوسَىٰ إِنَّكَ لَغَوِيٌّ مُبِينٌ ۝ فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ

باز طلب فرمادن میکرد گفت اورا ۝ موسی بدرستیکه تو هر آینه گمراهی ظاهر ۝ پس آن هنگام که خواست

أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَا مُوسَىٰ أَتُرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي

موسی انکه بگیرد ۝ آنکس را که او دشمن موسی و بنی اسرائیل بود گفت مبطی ای موسی آیا میخواهی آنکه بکشی مرا

كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ

همچنانکه کشتی ۝ نفسی را ۝ دیروز ۝ میخواهی مگر آنکه ۝ باشی گردنکش ۝ در ۝ زمین

وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ ۝ وَجَاءَ رَجُلٌ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ

و ۝ میخواهی ۝ آنکه باشی ۝ از اصلاح کنندگان ۝ و آمد ۝ مردی ۝ از دورتر جای شهر

يَسْعَىٰ قَالَ يَا مُوسَىٰ إِنَّ الْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ

کشتاب میکرد گفت ای موسی بدرستی که اشراف قوم مشورت کردند در باب تو تا بکشند تو را پس بیرون رو

إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ ۝ فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي

بدرستی که من تو را از خیرخواهان ۝ پس بیرون رفت از مصر ترسان منتظر ۝ گفت پروردگارا

مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ ۝ وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي

نجات ده مرا از گروه ستمکاران ۝ و آن هنگام که روی آورد بطرف مدین ۝ گفت شاید پروردگارم

أَنْ يَهْدِيَنِي سَوَاءَ السَّبِيلِ ۝ وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ

انکه راه نماید مرا براه راست ۝ و چون وارد کنار آب مدین ۝ یافت

عَلَيْهِ أُمَّةً مِنَ النَّاسِ يَسْقُونَ ۝ وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ

بر سر آن گروهی بسیار از مردمان که آب میدهند مواشی خود را و یافت از فرود ایشان دو زن که منع میکردند

تَذُودَانِ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ الرِّعَاءُ

گفت چیست حال شما گفتند آب نمیدهیم اغنام را تا انکه باز گردانند مردم مواشی

وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ۝ فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ

خود را و پدر ما پیری است کهن سال ۝ پس آب داد برای ایشان پس ۝ برگردید بسوی سایه درختی پس گفت

رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ۝ فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي

پروردگارا بدرستی که من آن چیزرا که بفرستی بسوی من از نیکوئی محتاجم ۝ پس آمد بسوی موسی یکی از دو زن که میرفت

گویند
که مدین شهر شعیب
بود هشت روزه راه از مصر
بود و از مملکت فرعون بیرون
بود

صفوان
بن یحیی مروست
که گفت از حضرت صادق علیه السلام
پرسیدند که کدام یک از دو اجل
شعیب این پیغام را بموسی آورد فرمود
آنکه زن او شد پرسیدند ما کدام
یک از آن دو مدت خدمت
کرد فرمود که مدت دو
ارده سال

عَلَى اسْتِحْيَآءٍ قَالَتْ اِنَّ اَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ اَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا
بر طریق حیا و شرم گفت ای موسی بدرستی که پدر من میخواند تو را تا مزد آن بدهد تو را مزد آب دادن گوسفندان
فَلَمَّا جَآءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ
پس چون آمد موسی نزد شعیب و خواند بر او قصه های خود را گفت مترس رهائی یافتی از گروه
الظَّالِمِينَ قَالَتْ اِحْدٰىهُمَا يَا اَبَتِ اسْتَاْجِرْهُ اِنَّ خَيْرَ مَنِ
ستمکاران گفت یکی از آن دو دختر ای پدر من بمزد گیر موسی را بدرستی که بهتر کسیست
اسْتَاْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْاَمِينُ قَالَ اِنِّي اُرِيدُ اَنْ اُنْكِحَكَ اِحْدَى
که بمزد گیری مزدور توانای امین است گفت شعیب ای موسی بدرستیکه میخواهم بنکاح تو در آورم یکی
ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلٰى اَنْ تَاْجُرَنِي ثَمٰنِيَ حِجَجٍ فَاِنْ اَتْمَمْتَ عَشْرًا
از دو دختر خود را بر صداق آنکه بمن خود را اجاره دهی بمن هشت سال پس اگر تمام کردی ده سال
فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا اُرِيدُ اَنْ اَشُقَّ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي اِنْ شَآءَ
پس از نزد یست و میخواهم آنکه مشقت نهم بر تو زود باشد که بیابی مرا اگر خواهد
اللّٰهُ مِنَ الصّٰلِحِينَ قَالَ ذٰلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ اَيَّمَا الْاَجَلَيْنِ
خدا از شایستگان در معامله گفت این شرط میان من و میان تو که هر کدام از آن دو مدت
قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ عَلَيَّ وَاللّٰهُ عَلٰى مَا نَقُولُ وَكِيلٌ فَلَمَّا
که بگذارم پس نیست هیچ تعدی بر من و خدا بر آنچه میگوئیم وکیل است پس انگاه
قَضٰى مُوسَى الْاَجَلَ وَسَارَ بِاَهْلِهٖ اٰنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا
که بگذارد موسی مدت ده سال را و سیر کرد موسی با اهل خود بمصر دید از طرف کوه طور آتشی
قَالَ لِاَهْلِهِ امْكُثُوا اِنِّي اٰنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي اٰتِيكُمْ مِنْهَا
گفت مر اهل خود را که درنگ کنید بدرستی که من دیدم آتشی را شاید که من بیارم شما را از آن آتش
بِخَبَرٍ اَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ فَلَمَّآ اَتٰىهَا نُودِيَ
خبر راه را یا پاره از آن آتش شاید شما گرم شوید پس چون آمد نزد آتش ندا کرده شد
مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْاَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبٰرَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ
از جانب رود که از جانب راست ایمن بود در جای برکت داده شده از درخت

اَنْ يَا مُوسٰى اِنِّى اَنَا اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ ۝ وَاَنْ اَلْقِ عَصَاكَ ۚ فَلَمَّا

آنکه ای موسی بدرستیکه منم خدائی که پروردگار عالمیانم ۞ و آنکه بیفکن عصای خود را پس چون

رَاٰهَا تَهْتَزُّ كَاَنَّهَا جَآنٌّ وَّلّٰى مُدْبِرًا وَّلَمْ يُعَقِّبْ ۚ يَا مُوسٰى اَقْبِلْ

دید عصا را که حرکت میکند گویا مار بیست بسرعت برگشت و پشت کرد و ایستاد و برنگشت گفتیم ای موسی پیش آی

وَلَا تَخَفْ ۖ اِنَّكَ مِنَ الْاٰمِنِيْنَ ۝ اُسْلُكْ يَدَكَ فِىْ جَيْبِكَ تَخْرُجْ

و مترس بدرستی که تو از ایمانیانی ۞ در آور دست خود را در گریبان خود تا بیرون آید

بَيْضَآءَ مِنْ غَيْرِ سُوْٓءٍ ۖ وَاضْمُمْ اِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذٰنِكَ

سفید درخشنده از غیر بدی ۞ و جمع کن بسوی خود بازوی خود را از ترس پس این

بُرْهَانٰنِ مِنْ رَّبِّكَ اِلٰى فِرْعَوْنَ وَمَلَا۟ئِهٖ ۚ اِنَّهُمْ كَانُوْا قَوْمًا فٰسِقِيْنَ

دو علامت روشنند از پروردگار تو بسوی فرعون و اشراف قوم او بدرستی که ایشان هستند گروهی فاسقان

قَالَ رَبِّ اِنِّىْ قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَاَخَافُ اَنْ يَّقْتُلُوْنِ ۝ وَاَخِىْ

گفت پروردگارا بدرستیکه من کشتم از قوم فرعونیان شخصی را پس میترسم آنکه بکشند مرا ۞ و برادر من

هٰرُوْنُ هُوَ اَفْصَحُ مِنِّىْ لِسَانًا فَاَرْسِلْهُ مَعِىَ رِدْاً يُّصَدِّقُنِىْٓ ۖ اِنِّىْٓ

هارون او فصیحتر است از من از روی زبان پس بفرست او را با من که مددکار من باشد و تصدیق من کند

اَخَافُ اَنْ يُّكَذِّبُوْنِ ۝ قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِاَخِيْكَ

بدرستی که من میترسم که تکذیب کنند ایشان مرا ۞ گفت زود باشد که سخت کنیم بازوی تو را بسبب برادر تو

وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطٰنًا فَلَا يَصِلُوْنَ اِلَيْكُمَا ۚ بِاٰيٰتِنَآ ۚ اَنْتُمَا وَمَنِ

و بگردانیم برای شما تسلطی را پس نرسند بسوی شما پس بروید با معجزات ما شما و هر که

اتَّبَعَكُمَا الْغٰلِبُوْنَ ۝ فَلَمَّا جَآءَهُمْ مُّوْسٰى بِاٰيٰتِنَا بَيِّنٰتٍ قَالُوْا مَا

متابعت کند شما را غلبه کنندگانند پس هنگامی که آمد ایشان را موسی با معجزات که ظاهر بود گفتند نیست

هٰذَآ اِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرًى ۚ وَمَا سَمِعْنَا بِهٰذَا فِىْٓ اٰبَآئِنَا الْاَوَّلِيْنَ ۝

این مگر جادوئی آشکار دروغ شده و نشنیدیم ما مثل این سحر در روزگار پیشینیان

وَقَالَ مُوْسٰى رَبِّىْٓ اَعْلَمُ بِمَنْ جَآءَ بِالْهُدٰى مِنْ عِنْدِهٖ وَمَنْ تَكُوْنُ

و گفت موسی پروردگار من داناتر است بکسی که آمد براه نمودن از نزد او و دانا تر است مر آنرا که باشد

یعنی
اگر زیادتی شعاع
نور دست تو خوف بر تو مستولی
کند هر دستی را بزیر بازوی دست
دیگر بر تا بحال خود آید

لَهُۥ عَٰقِبَةُ ٱلدَّارِ ۚ إِنَّهُۥ لَا يُفْلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ۝ وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَٰٓأَيُّهَا

برای او پسر انجام خوب بدرستیکه رستگار نمیشوند ستمکاران ۝ و گفت فرعون ۝ ای

ٱلْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرِى ۖ فَأَوْقِدْ لِى يَٰهَٰمَٰنُ عَلَى

اشراف قوم نمیدانم من برای شما هیچ خدائی بجز من ۝ پس برافروز برای من ای هامان آتشی بر

ٱلطِّينِ ۝ فَٱجْعَل لِّى صَرْحًا لَّعَلِّىٓ أَطَّلِعُ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّى

گل تا بخته شود ۝ پس بگردان برای من کوشکی بلند تا شاید که من مطلع شوم بر خدای موسی و بدرستی که من

لَأَظُنُّهُۥ مِنَ ٱلْكَٰذِبِينَ ۝ وَٱسْتَكْبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُۥ فِى ٱلْأَرْضِ

گمان دارم او را از دروغگویان ۝ و گردنکشی کرد فرعون و لشکرهای او در زمین

بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ وَظَنُّوٓا۟ أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ ۝ فَأَخَذْنَٰهُ وَجُنُودَهُۥ

بناحق و گمان بردند بدرستیکه ایشان بسوی ما برگردیده نمیشوند ۝ پس گرفتیم ما او را و لشکرهای او را

فَنَبَذْنَٰهُمْ فِى ٱلْيَمِّ ۖ فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلظَّٰلِمِينَ ۝ وَ

پس افکندیم ایشانرا در دریا پس بنگر چگونه بود پسرانجام ستمکاران ۝ و

جَعَلْنَٰهُمْ أَئِمَّةً يَدْعُونَ إِلَى ٱلنَّارِ ۖ وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ لَا يُنصَرُونَ

گردانیدیم ما ایشانرا پیشوایان گمراهان میخوانند بسوی آتش و روز قیامت یاری کرده نخواهند شد

وَأَتْبَعْنَٰهُمْ فِى هَٰذِهِ ٱلدُّنْيَا لَعْنَةً ۖ وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ هُم مِّنَ ٱلْمَقْبُوحِينَ

و بازپی درآوردیم ما ایشانرا لعنت در این دنیا و روز قیامت ایشان از زشت روی شدگان

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى ٱلْكِتَٰبَ مِنۢ بَعْدِ مَآ أَهْلَكْنَا ٱلْقُرُونَ

و بتحقیق که دادیم ما موسی را توراة بعد از آنکه هلاک کردیم اهل قرنهای

ٱلْأُولَىٰ بَصَآئِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

پیشین را که روشن بود برای مردم و راهنماینده و بخشش شاید ایشان پند پذیرند

وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ ٱلْغَرْبِىِّ إِذْ قَضَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَى ٱلْأَمْرَ وَمَا كُنتَ

و نبودی تو بطرف وادی غربی یا بناحیه طور چون گذاردیم بسوی موسی امر و وحی را و نبودی تو

مِنَ ٱلشَّٰهِدِينَ ۝ وَلَٰكِنَّآ أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ

از حاضران ۝ و لیکن ما آفریدیم قرنهای بسیار پس دراز شد بر ایشان

یعنی
مدتها گذشته بود که
وحی منقطع بود و خبرهای پیشینیان را هی
در میان مردمان نمانده بود و لهذا خبرها
ایشانرا بتو فرستادیم

الْعُمُرِ وَمَا كُنْتَ ثَاوِيًا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا وَ

عمر زندگی و نبودی تو مقیم در اهل مدین بخوانی بر ایشان آیات ما را و

لَكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ۞ وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَ

ولیکن ما هستیم فرستنده تو و نبودی تو حاضر بطرف کوه طور وقتی که ندا کردیم ما و

لَكِنْ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِنْ قَبْلِكَ

ولیکن خبر دادیم تو را بخشی از پروردگار تو تا بیم کنی گروهی را که نیامده بایشان را هیچ بیم کننده پیش از تو

لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۞ وَلَوْلَا أَنْ تُصِيبَهُمْ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ

شاید ایشان پند پذیرند و اگر نه آن بودی که بدیشان رسیدی بآنچه پیش فرستاده

أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ

دستهای ایشان پس گفتندی پروردگار ما چرا نفرستادی بسوی ما پیغمبری تا پیروی کنیم آیات تو را

وَنَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۞ فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا

و باشیم ما از گروندگان پس چون آمد ایشانرا راستی از نزد ما گفتند چرا

أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ مُوسَىٰ أَوَلَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ

داده نشد مثل آنچه داده شد بموسی آیا کافر نشدند بآنچه داده شده بود بموسی

مِنْ قَبْلُ قَالُوا سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلٍّ كَافِرُونَ

پیش ازین گفتند این دو ساحر هم پشت شدند و گفتند که ما بهمه آن ناگروندگانیم

قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعْهُ إِنْ كُنْتُمْ

بگو پس بیارید کتابی را از نزد خدا باشد که آن راهنماینده تر باشد از تورات و قرآن پیروی کنم

صَادِقِينَ ۞ فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ

آنرا اگر هستید راستگویان پس اگر اجابت نکنند مر تورا پس دان این که جز این نیست که پیروی میکنند خواهشهای

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي

خود را و کیست گمراه تر از کسیکه پیروی کند آرزوی خود را بجز راه نمودنی از جانب خدا بدرستی که خدا راه ننماید

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۞ وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

گروه ستمکاران را و بتحقیق که متصل گردانیدیم برای ایشان قرآن را شاید ایشان پند پذیرند

خلاصه

مضمون اینکه تورا فرستادیم
تورا برای الزام حجت بر ایشان و قطع عذر ایشان
چه اگر پیغمبر نفرستادیم ترا بر رسالت و دعوت ایشان
بر کفر ایشان را عقوبت ننمودیم میتوانستند گفت
چرا پیغمبری بفرستادی که ما فرمان تو برویم
و چون تورا فرستادیم این نمیتوانند
گفت والسلام

سحران خبر مبتدای محذوف باشد تقدیر بیما
سحران و تظاهرا صفت است و مراد قرآن است
این دو خبر معجزات موسی و معجزه محمد است
مظاهرت و معاونت باعتبار آنست که هر یک
از آنها مصدق دیگری اند و بقولی مراد از سحران
موسی و محمدند ارباب مبالغه در ساحری نامیدند
عدل و بنا بر قرأت سیاحران مراد موسی و هارون
حضرتست و بقولی موسی و هارون و این بسیار
ضعیف است

اَلَّذِينَ اٰتَيْنٰهُمُ الْكِتٰبَ مِنْ قَبْلِهٖ هُمْ بِهٖ يُؤْمِنُونَ ۝ وَاِذَا يُتْلٰى

آنانکه دادیم ایشانرا کتاب تورات را پیش از قرآن بآن میگروند وچون خوانده شود

عَلَيْهِمْ قَالُوٓا اٰمَنَّا بِهٖٓ اِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَآ اِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهٖ مُسْلِمِينَ

برایشان گفتند گرویدیم بآن بدرستی که قرآن راست از پروردگار ما بدرستیکه ما بودیم پیش از قرآن گردن نهندگان

اُولٰٓئِكَ يُؤْتَوْنَ اَجْرَهُمْ مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ

آنها اند که داده میشوند مزد ایشان دو مرتبه بآنکه صبر کردند ودفع میکنند بکار نیکو

السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنٰهُمْ يُنْفِقُونَ ۝ وَاِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ اَعْرَضُوا

بدی کفر را وازانچه روزی دادیم ایشانرا نفقه میکنند وچون بشنوند سخن بیهوده اعراض کنند

عَنْهُ وَقَالُوا لَنَآ اَعْمَالُنَا وَلَكُمْ اَعْمَالُكُمْ سَلٰمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي

از آن وگفتند مارا است کردار ما ومرشما راست کردار شما رحمت وسلامتی باد برشما نمی طلبیم

الْجٰهِلِينَ ۝ اِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ اَحْبَبْتَ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ يَهْدِي

صحبت نادانرا بدرستی که تو راه نمیتوانی نمود هر کرا دوست داری ولیکن خدا راه مینماید

مَنْ يَّشَآءُ وَهُوَ اَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ۝ وَقَالُوٓا اِنْ نَّتَّبِعِ الْهُدٰى

هر کرا خواهد واو داناتر است براه یافته شدگان وگفتند اگر پیروی کنیم طریق هدایت را

مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ اَرْضِنَا ۭ اَوَلَمْ نُمَكِّنْ لَّهُمْ حَرَمًا اٰمِنًا يُّجْبٰٓى

با تو ربوده شویم از زمین خود آیا ما جای ندادیم ایشانرا در حرم با امنیت کشیده میشود

اِلَيْهِ ثَمَرٰتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِّنْ لَّدُنَّا وَلٰكِنَّ اَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُوْنَ

بسوی حرم میوها از هر چیزی روزی دادن از نزد ما ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند

وَكَمْ اَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍۢ بَطِرَتْ مَعِيْشَتَهَا ۚ فَتِلْكَ مَسٰكِنُهُمْ

وبسا که هلاک کردیم ما از دیهی که شادی میکردند در زندگانی خود پس آنست جاهای ایشان

لَمْ تُسْكَنْ مِّنْۢ بَعْدِهِمْ اِلَّا قَلِيْلًا ۭ وَكُنَّا نَحْنُ الْوٰرِثِيْنَ ۝ وَمَا

نسکن نشده است از بعد ایشان مگر اندکی وبودیم ما میراث گیرندگان دیهها

كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرٰى حَتّٰى يَبْعَثَ فِيْٓ اُمِّهَا رَسُوْلًا يَّتْلُوْا

پروردگار تو هلاک کننده اهل دیهها نیست تا آنکه برانگیزد در بزرگ آنشهر پیغمبری که بخواند

یکبار
برای ایمان ایشان
بقرآن از روی تورات و انجیل
پیش از نزول قرآن و یکبار دیگر
ایمان ایشان بقرآن بعد از نزول
آن و بقبولی یکمزد برای ایمان ایشان
و مزد دیگر برای صبر بر آزاری که
از مشرکان کشیدند

عَلَيْهِمْ اٰيٰتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرٰى اِلَّا وَاَهْلُهَا ظٰلِمُوْنَ ۝ وَمَآ

بر ایشان آیات ما را و نبودیم ما هلاک کننده دیها مگر انکه اهل آن دیها ستمکار اند و آنچه

اُوْتِيْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَزِيْنَتُهَا وَمَا عِنْدَ اللّٰهِ

داده شده اید از چیزی پس آنرا متاع زندگانی دنیاست و زینت آن و آنچه نزد خداست

خَيْرٌ وَّاَبْقٰى اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ ۝ اَفَمَنْ وَّعَدْنٰهُ وَعْدًا حَسَنًا فَهُوَ

بهتر است و باقی آنرا آیا پس تعقل نمیکنید آیا پس انکه وعده کردیم اورا وعده نیکو پس او

لَاقِيْهِ كَمَنْ مَّتَّعْنٰهُ مَتَاعَ الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ مِنَ

دریابنده آن موعد است مانند کسی که برخورداری دادیم اورا از زندگانی دنیا پس او روز قیامت از

الْمُحْضَرِيْنَ ۝ وَيَوْمَ يُنَادِيْهِمْ فَيَقُوْلُ اَيْنَ شُرَكَآءِيَ الَّذِيْنَ كُنْتُمْ

حاضر کرده شدگانست و روز یکه بخواند ایشانرا پس گوید کجاست شرکای من آنانکه بودید

تَزْعُمُوْنَ ۝ قَالَ الَّذِيْنَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هٰٓؤُلَآءِ الَّذِيْنَ

گمان میکردید گویند آنانکه واجب شد بر ایشان کلمه عذاب پروردگار ما اینگروه ضعفا آنانکه

اَغْوَيْنَا اَغْوَيْنٰهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّاْنَآ اِلَيْكَ مَا كَانُوْٓا اِيَّانَا يَعْبُدُوْنَ

گمراه کردیم گمراه کردیم ایشانرا چنانکه گمراه شدیم تبرا کردیم بسوی تو نبودند ایشان که ما را پرستند

وَقِيْلَ ادْعُوْا شُرَكَآءَكُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيْبُوْا لَهُمْ وَرَاَوُا

و گفته شود که بخوانید شرکان خود را پس بخوانند ایشانرا پس اجابت نکنند ایشانرا و به بینند

الْعَذَابَ لَوْ اَنَّهُمْ كَانُوْا يَهْتَدُوْنَ ۝ وَيَوْمَ يُنَادِيْهِمْ فَيَقُوْلُ

عذاب را اگر انکه ایشان بودند که راه یافته شدند و روز یکه ندا کند خدا کافررا پس گوید

مَاذَآ اَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِيْنَ ۝ فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْاَنْۢبَآءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ

چه جواب دادید شما پیغمبران را پس پوشیده شود بر ایشان اخبارها در آن روز پس ایشان

لَا يَتَسَآءَلُوْنَ ۝ فَاَمَّا مَنْ تَابَ وَاٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسٰٓى

نپرسند از هم پس اما انکه توبه کرد و ایمان آورد و کرد کار شایسته پس شاید

اَنْ يَّكُوْنَ مِنَ الْمُفْلِحِيْنَ ۝ وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ وَيَخْتَارُ مَا

آنکه بود از رستگاران و پروردگار تو می آفریند آنچه میخواهد و اختیار میکند

بلکه
موسی پیش خود
و شیطانرا پرستیدند در پیروی
و یحتمل که مراد آن باشد که سزاوار
بود در دنیا ایشانرا
پرستند

كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ اللّٰهِ وَتَعَالٰى عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝ وَرَبُّكَ

برایشان اختیاری پاکست خدا و برتر است از آنچه شرک می آورید و پروردگار تو

يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ ۝ وَهُوَ اللّٰهُ لَا إِلٰهَ إِلَّا

میداند آنچه پوشانده سینه های ایشان و آنچه را ظاهر میکنند و اوست خدائی که نیست خدائی مگر

هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولٰى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

او مر او راست ستایش در این جهان و در آن جهان و مر او راست حکم و بسوی او برگردانیده میشوید

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللّٰهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلٰى يَوْمِ

بگو آیا می بینید اگر گرداند خدا بر شما شب را پاینده تا روز

الْقِيٰمَةِ مَنْ إِلٰهٌ غَيْرُ اللّٰهِ يَأْتِيكُمْ بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ ۝ قُلْ

قیامت کیست خدائی غیر خدای بحق که بیارد برای شما روشنی آیا پس نمی شنوید بگو

أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللّٰهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

آیا می بینید اگر گرداند خدا بر شما روز را پاینده تا روز قیامت

مَنْ إِلٰهٌ غَيْرُ اللّٰهِ يَأْتِيكُمْ بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهِ أَفَلَا تُبْصِرُونَ

کیست خدائی غیر خدای بحق که بیارد برای شما شب را تا ساکن شوید در آن آیا پس نمی بینید آثار قدرت را

وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ

و از بخشایش خود بیافرید برای شما شب و روز را تا ساکن شوید در شب

وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ

و تا طلب کنید از فضلش در روز و تا شاید شما شکر کنید و یاد کن ای محمد روزی که ندا کند کفار را

فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ ۝ وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ

پس گوید کجاست شرکای من آنانکه بودید شما گمان میبردند و بیرون آریم ما از هر

أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلّٰهِ

امتی گواهی پس گوئیم بیارید حجت و برهان خود را پس بدانند که حق مر خدا راست

وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ ۝ إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ

و گم گردد از ایشان آنچه بودند که افترا میکردند ۝ بدرستی که قارون بود از قوم

بگمراهی خود و ندای ثانی جهة بیان آنست که گمراهی

ایشان بی پسند و محض متابعت هوای نفس امارة است

کوید

که موسی به یک علم کیمیا را

بهارون آموخت و به یک آنرا بیوشع

به یک آنرا بهارون قارون بحیله آن

دو ثلث را هم از هارون و یوشع فراگرفت و

بکیمیا گری آن اموال را اندوخت و بتعولی مرا

از آن علم بوجوه صناعات و تجارات و

زراعاتی که بنی اسرائیل شناسائی

آنها نداشتند

مجمع در بیان حکایت کرده که قارون زنی از زنان کاران بنی اسرائیل را تطمیع کرده و بدره زر سر مهر خود بوی داد شرط آنکه فردا در مجمع بنی اسرائیل گوید که موسی میخواست با من زنا کند و از آن قبول نمی نمود و بدره زر بگیرد و بخانه برود از این حکایت پشیمان شده با خود گفت که این شنیعه که میکردی پس تو که میخواهی بهمت زنا بر پیغمبر خدا زنی چون رو شد آن بدره را بهر اثر این قضیه مجمع بنی اسرائیل آورده و گفت قارون را حکایت کرده موسی از این حکایت غضب شد و او را بلعنت گرفت و بخطاب الهی رسید که زمین را رام تو کردیم هر چه خواهی از عقوبت قارون بآن فرمای پس موسی فرمود ای زمین بگیر قارون را زمین در زیر تخت قارون بلرزه آمد تخت را فرو برد قارون چون این حال عجب را مشاهده کرد موسی را بحق خویشی که عم زاده هم بودند سوگند داد که از تقصیر وی در گذرد موسی قبول نموده بازفرمود که ای زمین فرو گیر او را تا قدمهایی در لمیعید و باز موسی را سوگند داد قبول نکرده امر بسلع وی نمود تا کمر در زمین رفت باز او را سوگند داد بدرجه قبول نشمود تا باز زمین فرو رفت پس وحی آمد بموسی که قارون چند نوبت بتو استغاثه کرد و تو سوگند دادی بحق خویشی که از تقصیر او در گذری و از وی عفو نکردی اگر یکنوبت مرا میخواند و من استغاثه مینمود هر آینه از وی عفو میکردم و بفریادش می رسیدم

موسی فبغی علیهم واتیناه من الکنوز ما ان مفاتحه لتنوء
موسی پس ستم کرد بر ایشان و دادیم ما او را از گنجها آنقدر که حمل کلیدهای آن هر آینه رنج
بالعصبة اولی القوة اذ قال له قومه لا تفرح ان الله لا
می آورد بسیاری از مردمان با قوت را چون گفتند مر او را قوم او که شاد مباش بدرستیکه خداوند
یحب الفرحین ۞ وابتغ فیما اتاک الله الدار الاخرة ولا تنس
دوست ندارد شادی کنندگان را و بطلب در آنچه داده تو را خدا سرای آخرت ۞ و فراموش مکن
نصیبک من الدنیا واحسن کما احسن الله الیک ولا تبغ
بهره خود را از دنیا ۞ و نیکوئی کن بسخا نکه نیکوئی کرد خدا با تو و طلب مکن
الفساد فی الارض ان الله لا یحب المفسدین ۞ قال انما
تباه کاری را در زمین بدرستیکه خدا دوست نمیدارد تباه کاران را ۞ گفت جز این نیست
اوتیته علی علم عندی ۞ ولم یعلم ان الله قد اهلک من قبله
که داده شده ام سبب علمی که نزد منست آیا ندانسته آنکه خدا هلاک کرد پیش از او
من القرون من هو اشد منه قوة واکثر جمعا ولا یسئل
از روزگار کسیرا که اکنس سخت تر بود از او از روی قوت و بیشتر از روی جمعیت مال و پرسیده نمیشود
عن ذنوبهم المجرمون ۞ فخرج علی قومه فی زینته قال الذین
از گناهان گناهکاران پس بیرون رفت بر قوم خود در زینت خود گفتند آنانکه
یریدون الحیوة الدنیا یا لیت لنا مثل ما اوتی قارون انه
میخواستند زندگانی دنیا را ای کاش بودی مارا مانند آنچه داده شده بقارون بدرستیکه او
لذو حظ عظیم ۞ وقال الذین اوتوا العلم ویلکم ثواب الله خیر
صاحب بهره بزرگست ۞ و گفتند آنانکه داده شد ایشان را علم وای بر شما پاداش خدا بهتر است
لمن امن وعمل صالحا ولا یلقیها الا الصابرون فخسفنا
برای کسیکه گروید و عمل کرد کار شایسته و پیش آورده نشوند مگر صبر کنندگان ۞ پس فرو بردیم ما
به وبداره الارض فما کان له من فئة ینصرونه من دون
قارون و خانه او را بزمین پس نبود مر او را جمعی که یاری کنند او را غیر از

اللّٰهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ ۞ وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ

خدا و نبودند از منع کنندگان و بامداد کردند آنانکه آرزو کردند جایگاه او را

بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيْكَأَنَّ اللّٰهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

دیروز میگفتند باهم چه مانند است بصواب این که خدا میگشاید روزی را برای هر که میخواهد از بندگان

وَيَقْدِرُ لَوْلَا أَنْ مَنَّ اللّٰهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيْكَأَنَّهُ لَا يُفْلِحُ

و تنگ میکند اگر نه آن بودی که منت نهاد خدا بر ما هر آینه فرو بردی ما را و چه میماند که رستگاری نمی یابند

الْكَافِرُونَ ۞ تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ

کافران آن سرای دیگر را گردانیدیم ما آنرا برای آنانکه نمیخواهند

عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ۞ مَنْ جَاءَ

برتری در زمین و نه تباهی را و سرانجام برای پرهیزگاران است هر که بیاید

بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِنْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ

بحسنات نیکو پس مر او راست ثواب بهتر از آن و هر که بیاید بخصلت بد پس جزا داده نشوند آنانکه

عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۞ إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ

کردند بدیها مگر مانند آن چیزی که بودند که میکردند بدرستی که آنکسی که فرض کرد بر تو

الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَى مَعَادٍ قُلْ رَبِّي أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَى وَ

تلاوت قرآن را هر آینه باز گرداننده است ترا بسوی باز گشت بگو پروردگار من داناتر است بکسی که آمد براه راست و

مَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۞ وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَى إِلَيْكَ

کسی او در گمراهی ظاهر است و نبودی تو که امید داشتی آنکه القا کرده شود بسوی تو

الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِلْكَافِرِينَ ۞

این کتاب که قرآنست مگر بخشش از پروردگار تو پس مباش تو هم پشت مر کافران را

وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنْ آيَاتِ اللّٰهِ بَعْدَ إِذْ أُنْزِلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ إِلَى

و باید که باز ندارند تو را از آیتهای خدا بعد از آنکه فرو آمد بسوی تو و بخوان مردم را بسوی

رَبِّكَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ۞ وَلَا تَدْعُ مَعَ اللّٰهِ إِلٰهًا آخَرَ

پروردگار خود و مباش تو از مشرکان و مخوان تو با خدا خدای دیگر

بقولی
مراد از معاد مکه است
و بقولی بهشت و سرای آخرت
و مؤید معنی اول است آنچه ارباب لغت مقبول است که
معاد الرجل بلده و لا ینصرف
فی البلاد ثم یعود الیه
و الله اعلم

لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ اِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَاِلَيْهِ

نیست خدائی مگر او، هر چیزی نیست شونده است مگر ذات او جل جلاله مر او راست حکم و فرمان و بسوی او

سورة العنكبوت مكية ٦٩ — ترجعون — سورة الروم مكية ٨٤

برگردانیده میشوید

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الٓمّٓ اَحَسِبَ النَّاسُ اَنْ يُّتْرَكُوْٓا اَنْ يَّقُوْلُوْٓا اٰمَنَّا وَهُمْ لَا

منم خدائی که میدانم آیا پندارند مردمان آنکه فروگذاشته شوند باینکه گویند ایمان داریم و ایشان

يُفْتَنُوْنَ ۝ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللّٰهُ الَّذِيْنَ

آزموده نشوند ۝ و بتحقیق که ما امتحان کردیم آنانکه پیش از ایشان بود و پس هر آینه بداند خدا آنکه امتحان

صَدَقُوْا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكٰذِبِيْنَ ۝ اَمْ حَسِبَ الَّذِيْنَ يَعْمَلُوْنَ

آنانرا که راست گفتند و هر آینه بداند دروغگویانرا ۝ بلکه میپندارند آنانکه میکنند

السَّيِّاٰتِ اَنْ يَّسْبِقُوْنَا سَآءَ مَا يَحْكُمُوْنَ ۝ مَنْ كَانَ يَرْجُوْا

بدیها از کفر و گناه آنکه پیشی گیرند بر ما بد است آنچه حکم میکنند ۝ هر که باشد امیدوار

لِقَآءَ اللّٰهِ فَاِنَّ اَجَلَ اللّٰهِ لَاٰتٍ ۚ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْعَلِيْمُ ۝ وَمَنْ جَاهَدَ

بر سیدن ثواب خدا پس بدرستی که مدت خدا هر آینه آینده است و او ست شنوای دانا ۝ و هر که جهاد کرد

فَاِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهٖ ۚ اِنَّ اللّٰهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعٰلَمِيْنَ ۝ وَالَّذِيْنَ

پس جز این نیست که جهاد کند برای نفس خود بدرستی که خدا هر آینه بی نیاز است از جهانیان ۝ و آنانکه

اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّاٰتِهِمْ وَ

گرویدند و کردند کارهای شایسته ۝ هر آینه محو کنیم از ایشان گناهان ایشانرا و

لَنَجْزِيَنَّهُمْ اَحْسَنَ الَّذِيْ كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ۝ وَوَصَّيْنَا الْاِنْسَانَ

هر آینه پاداش دهیم ایشانرا بهتر از انکه ۝ بودند که میکردند ۝ و امر کردیم ما آدمی را

بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا ۭ وَاِنْ جَاهَدٰكَ لِتُشْرِكَ بِيْ مَا لَيْسَ لَكَ

بپدر و مادرش بنکوئی کردن و اگر کوشش نمایند تا شریک آری تو بمن آنچیزرا که نیست برای تو

حزب

از ابی عبد الله رواست

که هر که سورهٔ روم و عنکبوت را

در شب بیست و سیم ماه مبارک رمضان

بخواند پس بخدا سوگند که او از اهل بهشت

باشد و استثنا نمیکنم بگفتهٔ خدا انشاء الله بگفته

از روی جزم حکم میکنم و خبر میدهم که

حسنائی را در دین سوگند متواتره کند

بدرستی که این هر دو سوره را

در درد کاران

عظیم است

در مجمع البیان از حضرات امیر المؤمنین و

جعفر ابن محمد صلوات الله علیهم روایت

یعلمن را در هر دو موضع بصیغهٔ باب افعال روایت

کرده و از محمد ابن عبد الله بن الحسن هم روایت کرده

خلاصه

مضمون اینکه بلکه کارانی

می کنند بدکاران این که بدرستی

رفت از دست قدرت ما که شوانیم ایشانرا

عذاب نمود مانند کسی که پیشی گیرد در

که خواهد او را گیرد دربای

عقوبت

به علم فلا تطعهما الی مرجعکم فانبئکم بما کنتم تعملون

بآن دانشی پس اطاعت مکن ایشانرا بسوی منست مرجع شما پس آگاه کنم شمارا بآنچه بوده که میکردید

والذین امنوا وعملوا الصالحات لندخلنهم فی الصالحین

و آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته هرآینه درآریم ایشانرا در زمره شایستگان

ومن الناس من یقول امنا بالله فاذا اوذی فی الله جعل

و از مردمان کسیست که میگوید گرویدیم بخدا پس چون ایذا کرده شوند در راه خدا گرداند

فتنة الناس کعذاب الله ولئن جاء نصر من ربک

عذاب مردمانرا همچو عذاب خدا و اگر آید یاری از پروردگار تو

لیقولن انا کنا معکم اولیس الله باعلم بما فی صدور العالمین

هرآینه گویند بدرستی که بودیم ما با شما آیا نیست خدا داناتر آنچه در سینه های عالمیانست

ولیعلمن الله الذین امنوا ولیعلمن المنافقین وقال الذین

و هرآینه میداند خدا آنانکه گرویدند و هرآینه میداند منافقانرا و گفتند آنانکه

کفروا للذین امنوا اتبعوا سبیلنا ولنحمل خطایاکم وما هم

کافر شدند برای آنانکه گرویدند پیروی کنید راه ما را و باید که ما برداریم گناهان شما را و نیستند

بحاملین من خطایاهم من شیء انهم لکاذبون ولیحملن

ایشان برداریندگان از گناهان ایشان هیچ چیز بدرستی ایشان هرآینه دروغگویانند و هرآینه برمیدارند

اثقالهم واثقالا مع اثقالهم ولیسئلن یوم القیمة عما

بارهای گران خود را و بارهای دیگر از بار خود و پرسیده خواهند شد روز قیامت از آنچه

کانوا یفترون ولقد ارسلنا نوحا الی قومه فلبث فیهم

بودند که افترا میکردند و بتحقیق که فرستادیم نوحرا بسوی قوم او پس درنگ کرد در ایشان

الف سنة الا خمسین عاما فاخذهم الطوفان وهم ظالمون

هزار سال مگر پنجاه سال پس گرفت ایشانرا طوفان و ایشان ستمکار بودند

فانجیناه واصحاب السفینة وجعلناها ایة للعالمین

پس گردانیدیم او را و یاران کشتی را و گردانیدیم ما کشتی را علامتی برای جهانیان

یعنی
هر گاه آزاری بر
باو نسبت دین الهی از مشرکان
از دین برگردد بعلت ترس از
عذاب ایشان و عذاب
آدمیان را چون عذاب
خداوند ملکه سخت تر
کرده

لیحملن
عطف است بر لیتبعوا او
نکته در عطف این کافران امر خود را بحمل خطای
مخاطبین بمتابعت سبیل ایشان مبالغه
در این حمل و دلیر گردانیدن مخاطبین است
در این متابعت و از این جهة حقتعالی در مقام
رد قول ایشان فرموده که
و ما هم بحاملین من خطایاهم
من شیء

وَإِبْرَٰهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ ٱعْبُدُوا۟ ٱللَّهَ وَٱتَّقُوهُ ۖ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ

و ابراهیم چون گفت مر قوم خود را که بپرستید خدا را و بترسید از عذاب خدا این بهتر است

لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ ۝ إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوْثَٰنًا

برای شما اگر هستید که بدانید جز این نیست که میپرستید بجز از خدا بتان را

وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا ۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ

و دروغی می بافید دروغ بدرستیکه آنانکه می پرستید ند بجز از خدا مالک نیستند

لَكُمْ رِزْقًا فَٱبْتَغُوا۟ عِندَ ٱللَّهِ ٱلرِّزْقَ وَٱعْبُدُوهُ وَٱشْكُرُوا۟ لَهُۥٓ

برای شما روزی را پس طلب کنید نزد خدا روزی را و بپرستید او را و شکر کنید مر او را

إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ وَإِن تُكَذِّبُوا۟ فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ۖ وَمَا

بسوی او بر گردیده میشوید و اگر تکذیب کردند پیغمبر را پس بتحقیق که تکذیب کردند گروهی که پیش از شما بودند و

عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلْبَلَٰغُ ٱلْمُبِينُ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا۟ كَيْفَ يُبْدِئُ

نیست بر فرستاده مگر رسانیدن آشکار آیا ندیدند که چگونه ابتدا کرد

ٱللَّهُ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥٓ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٌ ۝ قُلْ سِيرُوا۟

خدا آفریدن خلق را پس اعاده میکند او را بدرستی که این ابتدا بر خدا آسان است بگو سیر کنید

فِى ٱلْأَرْضِ فَٱنظُرُوا۟ كَيْفَ بَدَأَ ٱلْخَلْقَ ثُمَّ ٱللَّهُ يُنشِئُ ٱلنَّشْأَةَ

در زمین پس بنگرید که چگونه آفرید خدا خلق را پس خدا پدید آورد پدید آوردن

ٱلْءَاخِرَةَ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ ۝ يُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ وَ

دیگر را بدرستی که خدا بر هر چیز توانا است عذاب کند هر که را خواهد و

يَرْحَمُ مَن يَشَآءُ ۖ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ ۝ وَمَآ أَنتُم بِمُعْجِزِينَ فِى ٱلْأَرْضِ

رحم کند هر که را خواهد و بسوی او بر گردانیده میشوید و نیستید شما عاجز کنندگان خدا در زمین

وَلَا فِى ٱلسَّمَآءِ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِىٍّ وَلَا نَصِيرٍ

و نه در آسمان و نیست مر شما را بجز از خدا هیچ دوستی و نه یاری کننده

وَٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَلِقَآئِهِۦٓ أُو۟لَٰٓئِكَ يَئِسُوا۟ مِن رَّحْمَتِى

و آنانکه کافر شدند بنشانه های خدا و رسیدن بجزای او آن گروه ناامید خواهند بود از رحمت

وَاُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ اَلِيمٌ ۝ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهٖٓ اِلَّآ اَنْ قَالُوا

و آن گروه مر ایشان راست | عذاب دردناک | پس نبود | جواب | قوم ابراهیم مگر آنکه گفتند

اقْتُلُوْهُ اَوْ حَرِّقُوْهُ فَاَنْجٰىهُ اللّٰهُ مِنَ النَّارِ اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ

بکشید او را یا بسوزانید او را پس نجات داد او را خدا از آتش بدرستی که در آن نجات هر آینه علامتی است

لِّقَوْمٍ يُّؤْمِنُوْنَ ۝ وَقَالَ اِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُوْنِ اللّٰهِ اَوْثَانًا مَّوَدَّةَ

برای گروهیکه ایمان دارند | و گفت ابراهیم جز این نیست که فرا گرفتید بجز از | خدا | بتان | برای دوستی

بَيْنِكُمْ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۚ ثُمَّ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُمْ بِبَعْضٍ

میان شما در زندگانی | دنیا پس | روز | قیامت | کافر میشوند بعضی از شما | ببعضی

وَّيَلْعَنُ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَّمَاْوٰىكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُمْ مِّنْ نّٰصِرِيْنَ

و لعنت میکند | بعضی از شما | بعضی را و بازگشت شما آتش است و نیست مر شما را | هیچ یاری کنندگان

فَاٰمَنَ لَهٗ لُوْطٌ ۘ وَقَالَ اِنِّيْ مُهَاجِرٌ اِلٰى رَبِّيْ ۭ اِنَّهٗ هُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ

پس ایمان آورد مر ابراهیم را لوط و گفت بدرستی که من هجران کننده ام بآنچه پروردگار من فرموده بدرستیکه او غالب حکیم است

وَوَهَبْنَا لَهٗٓ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ وَجَعَلْنَا فِيْ ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَ

و بخشیدیم ما مر او را اسحق | و یعقوب | و گردانیدیم ما در فرزندان یعقوب پیغمبری و

الْكِتٰبَ وَاٰتَيْنٰهُ اَجْرَهٗ فِي الدُّنْيَا ۚ وَاِنَّهٗ فِي الْاٰخِرَةِ لَمِنَ

کتابها را | و دادیم ما مر او را مزد هجرت او را در دنیا و بدرستیکه او در قیامت هر آینه از

الصّٰلِحِيْنَ ۝ وَلُوْطًا اِذْ قَالَ لِقَوْمِهٖٓ اِنَّكُمْ لَتَاْتُوْنَ الْفَاحِشَةَ

شایستگانست | و فرستادیم لوط را چون گفت مر قوم خود را بدرستی شما آیید بخصلت زشت یعنی

مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ اَحَدٍ مِّنَ الْعٰلَمِيْنَ ۝ اَىِٕنَّكُمْ لَتَاْتُوْنَ الرِّجَالَ

لواطه که پیشی نکرد | شما بآن بهیچ | از جهانیان | آیا شما | می آیید | بمردان

وَتَقْطَعُوْنَ السَّبِيْلَ ۙ وَتَاْتُوْنَ فِيْ نَادِيْكُمُ الْمُنْكَرَ ۭ فَمَا كَانَ

بطریق مباشرت و می برید راه را | بر مردم | و می آیید | در مجلس خود | بفعل زشت | پس نبود

جَوَابَ قَوْمِهٖٓ اِلَّآ اَنْ قَالُوا ائْتِنَا بِعَذَابِ اللّٰهِ اِنْ كُنْتَ مِنَ

جواب قوم لوط | مگر | آنکه گفتند | بیار ما | عذاب خدا را | اگر | هستی تو از

کویند
بسبب ابتدای مشرکان
ابراهیم با تفاق سیاره و لوط از کوثی که از
قرای کوفه بود به شام مهاجرت فرمودند
و بقولی از کوثی بحران و از آنجا بشام رفتند
ابراهیم در فلسطین و لوط در سدوم رحل
اقامت افکندند

و آن
خرطه است چنانکه
از حضرت رضا علیه السلام روایت
شده و بقولی لواطه و بقولی انواع
قبایح از غنا و قمار و لواطه
و غیر اینها

الصادقين ۝ قال رب انصرني على القوم المفسدين ۝
را راستگویان ۝ گفت لوط پروردگارا یاری ده مرا بر گروه تباه کاران ۝

ولما جاءت رسلنا ابرهيم بالبشرى قالوا انا مهلكوا اهل
و آن هنگام که آمدند فرستادگان ما نزد ابراهیم جهة مژده دادن او پسر و فرزند و گفتند بدرستی که ما هلاک کنندگان

هذه القرية ان اهلها كانوا ظالمين ۝ قال ان فيها لوطا
اهل این ده ایم بدرستی اهل آن ده بودند ستمکاران ۝ گفت ابراهیم بدرستی که در آن ده لوط

قالوا نحن اعلم بمن فيها لننجينه واهله الا امرأته كانت
گفتند ملائکه ما دانا تریم بهر که در آنست هر آینه نجات دهیم او را و اهل او را مگر زن او را که هست

من الغابرين ۝ ولما ان جاءت رسلنا لوطا سيء بهم وضاق
از باقی ماندگان در عذاب و آن هنگام که آمدند فرستادگان ما نزد لوط اندوهناک ببب ایشان و تنگ

بهم ذرعا وقالوا لا تخف ولا تحزن انا منجوك واهلك الا
باشان طاقت لوط و گفتند فرشتگان که مترس و اندوهناک مباش بدرستیکه ما نجات دهندهٔ تو و اهل تو ایم مگر

امرأتك كانت من الغابرين ۝ انا منزلون على اهل هذه القرية
زن تو که هست از باقی ماندگان در عذاب بدرستی که ما فرود آورندگانیم بر اهل این ده

رجزا من السماء بما كانوا يفسقون ۝ ولقد تركنا منها اية
عذابی از آسمان ببب آنکه بودند که بدکاری میکردند و بتحقیق که گذاشتیم ما از خرابی آن ده نشانی

بينة لقوم يعقلون ۝ والى مدين اخاهم شعيبا فقال يا
روشن برای گروهی که تعقل میکنند و فرستادیم بسوی مدین برادر ایشان را شعیب پس گفت ای

قوم اعبدوا الله وارجوا اليوم الاخر ولا تعثوا في الارض
گروه من پرستید خدا را و امید دارید روز قیامت را و غایت تباهی در زمین که

مفسدين ۝ فكذبوه فاخذتهم الرجفة فاصبحوا في دارهم
تباه کار باشید پس تکذیب کردند او را پس گرفت ایشانرا زلزله پس بامداد کردند در خانهای ایشان

جاثمين ۝ وعادا وثمود وقد تبين لكم من مساكنهم وزين
بزانو در آمدگان و یاد کن قوم عاد و ثمود را و بتحقیق که روشن شده برای شما از مکانهای ایشان و زینت

چون آن فرشتگان بصورتهای نیکو با حسن و جمال تمام آمده بودند و لوط علیه السلام رسید که قومش قصد ایشان کنند در چاره کار متحیر بود

لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَكَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ

برای ایشان شیطان کردار ایشانرا پس بازداشت ایشانرا از راه راست و بودند ایشان بینایان

وَقَارُونَ وَفِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ

و یاد کن قارون و فرعون و هامان را و بتحقیق که آمد ایشانرا موسی با معجزات

فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ ۖ فَكُلًّا أَخَذْنَا

پس سرکشی کردند در زمین و نبودند پیشی گیرندگان پس هریک از آنها را گرفتیم

بِذَنبِهِ ۖ فَمِنْهُم مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا وَمِنْهُم مَّنْ أَخَذَتْهُ

بگناه او پس بعضی از ایشان کسی بود که فرستادیم ما بر او سنگریزه و بعضی از ایشان کسیکه گرفت او را

الصَّيْحَةُ وَمِنْهُم مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ وَمِنْهُم مَّنْ أَغْرَقْنَا ۚ وَمَا

صدای جبرئیل و بعضی از ایشان کسیکه فرو بردیم او را بزمین و بعضی از ایشان کسی که غرق کردیم ما او

كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَٰكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ ۝ مَثَلُ

نبود خدا تا ستم کند ایشانرا ولیکن بودند که بر نفسهای خود ستم میکردند مانند

الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنكَبُوتِ ۖ

آنانکه فراگرفتند از غیر خدا دوستان مانند عنکبوتست که

اتَّخَذَتْ بَيْتًا ۖ وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنكَبُوتِ ۖ لَوْ كَانُوا

گرفت برای خود خانه و بدرستی که سست ترین خانها هر آینه خانه عنکبوت اگر باشد

يَعْلَمُونَ ۝ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ مِن شَيْءٍ ۖ وَهُوَ

که بدانند بدرستی که خدا میداند آنچه میخوانند بجز از خدا از هر چیزی و اوست

الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ وَتِلْكَ الْأَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ ۖ وَمَا

غالب درست کار و این مثلها را بیان می کنیم برای مردمان و

يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ ۝ خَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ

درنمی یابند مگر دانایان آفرید خدا آسمانها و زمین را براستی

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ ۝ اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ

بدرستی که در این هر آینه نشانهاست مر گروندگان را بخوان بآنچه وحی کرده میشود بسوی تو از

الكتاب واقم الصلوة ان الصلوة تنهى عن الفحشاء والمنكر

کتاب [illegible] و بپادار نماز را و بدرستیکه نماز باز میدارد از علمهای زشت و ناخوش

ولذكر الله اكبر والله يعلم ما تصنعون ولا تجادلوا اهل

و هر آینه ذکر خدا بزرگتر است و خدا میداند آنچه میکنید شما و جدال نکنید با اهل

الكتاب الا بالتي هي احسن الا الذين ظلموا منهم وقولوا امنا

کتاب مگر بخصلتی که آن بهتر است مگر آنانکه ستم کردند از ایشان و بگویید که گرویدیم

بالذي انزل الينا وانزل اليكم والهنا والهكم واحد و

بآنچه فرستاده شد بسوی ما و فرستاده شد بسوی شما و خدای ما و خدای شما یکیست و

نحن له مسلمون وكذلك انزلنا اليك الكتاب فالذين

ما حکم او را گردن نهندگانیم و همچنین فرستادیم بسوی تو کتاب پس آنانکه

اتيناهم الكتاب يؤمنون به ومن هؤلاء ومن يؤمن

دادیم ایشان را کتاب تورات میگروند بقرآن و ازین گروه عرب کیست که ایمان می آورد

به وما يجحد بآياتنا الا الكافرون وما كنت تتلوا من قبله

بقرآن و انکار نمیکنند آیات ما را مگر کافران و نبودی تو که بخوانی پیش از قرآن

من كتاب ولا تخطه بيمينك اذا لارتاب المبطلون

هیچ کتابی و نمینوشتی کتابی را بدست راست خود آن هنگام در شک می افتادند تباه کاران

بل هو آيات بينات في صدور الذين اوتوا العلم وما

بلکه قرآن آیتهای روشنست در سینه های آنانکه داده شدند علم و

يجحد بآياتنا الا الظالمون وقالوا لولا انزل عليه آيات

منکر نشوند آیتهای ما را مگر ستمکاران و گفتند کافران چرا فرستاده نمیشود بر او برهانها

من ربه قل انما الآيات عند الله وانما انا نذير مبين

از پروردگارش بگو آیتها نزد خداست و جز این نیست که من هم گشنده ظاهرم

اولم يكفهم انا انزلنا عليك الكتاب يتلى عليهم ان في

آیا بسنده نیست ایشانرا انکه فرستادیم ما بر تو کتاب را خوانده میشود بر ایشان بدرستی که در

ذلك

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که هر که خواهد که بداند که نمازش قبول شده یا نه نظر کند که نمازش او را از قبایح باز داشته یا نه که بقدر آنچه مانع شود از قبایح پذیرفته می شود یعنی اگر پیش از نبوت پیوسته خواندی و نوشتی هر آینه در کار ایشان بشک می افتادند در نبوت بسبب احتمال آنکه میگویند در کتابشان دیده باشی

ذٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرٰى لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ قُلْ كَفٰى بِاللّٰهِ شَهِيدًا

این هر آینه رحمتی است و پندی مر گروهی را که ایمان می آورند ۝ بگو ای محمد بست خدا گواه

بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَالَّذِينَ

میان من و میان شما گواه میداند آنچه در آسمانها و زمینست و آنانکه

اٰمَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللّٰهِ أُولٰٓئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ وَ

گرویدند بباطل و کافر شدند بخدا انگروه ایشانند زیانکاران ۝ و

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُسَمًّى لَجَاءَهُمُ الْعَذَابُ ۗ

و بشتاب در میخواهند از تو نزول عذابرا و اگر نه مدتی نام برده هر آینه آمدی ایشانرا عذاب

وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ ۝ يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ

و می آید ایشانرا عذاب ناگهان و ایشان ندانند ۝ و شتاب میخواهند از تو نزول عذابرا

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ ۝ يَوْمَ يَغْشٰىهُمُ الْعَذَابُ

و بدرستی که دوزخ هر آینه احاطه کننده است کافرانرا ۝ روزیکه فرا پوشد ایشانرا عذاب

مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ وَيَقُولُ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

از بالای ایشان و از زیر پاهای ایشان و گوید خدا بچشید جزای آنچه بودید که میکردید

يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ اٰمَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِيَّايَ فَاعْبُدُونِ

ای بندگان من آنانکه گرویدند بدرستیکه زمین من فراخست پس مرا بپرستید

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ ۝ وَالَّذِينَ

هر نفسی چشنده مرگست پس بسوی ما برگردانیده میشوید ۝ و آنانکه

اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي مِنْ

گرویدند و کردند کارهای شایسته هر آینه جای دهیم ایشانرا از بهشت منزلهای بلند که میرود از

تَحْتِهَا الْأَنْهٰرُ خَالِدِينَ فِيهَا ۚ نِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ۝ الَّذِينَ

زیر آنها نهرها که جاویدانند در آن نیکو مزد نیکوکنندگان ۝ آنانکه

صَبَرُوا وَعَلٰى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ ۝ وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَا

صبر کردند و بر پروردگارشان توکل میکنند ۝ و بسا از جنبندگان که

نصران
حارث گفت مطر
علینا حجارة من السما

حضرت
صادق صلوات الله
علیه فرمود که هرگاه بعلت مسخ
عذاب آلهی واقع باشد در همی
که میباشی پس هرون
روز بر همی دگر

تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ وَلَئِنْ

برنمیدارد روزی خود را خدا روزی میدهد آنها و شما را او است شنوای دانا و اگر

سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

بپرسی تو از ایشان که که آفرید آسمانها و زمین را و رام کرد آفتاب و ماه را

لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ۝ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ

هرآینه گویند خدا پس کجا برگردانیده میشوند خدا میگستراند روزی را برای هر که خواهد از

عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ

بندگان خود و تنگ میکند مر او را بدرستیکه خدا بهر چیز داناست و اگر بپرسی تو از ایشان

مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا

که فرو میفرستد از آسمان آبی پس زنده میکند بآن آب زمین را بعد از مردن آن

لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ۝ وَمَا هَٰذِهِ

هرآینه گویند در جواب خدا بگو یا محمد سپاس مر خدا راست بلکه بیشتر ایشان درنمی یابند و نیست این

الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ

زندگانی دنیا مگر مشغولی باطل و بازی و بدرستیکه خانه آخرت مر آنرا است سرای زندگانی

لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ فَإِذَا رَكِبُوا فِي الْفُلْكِ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ

اگر باشند که بدانند پس هرگاه سوار شوند در کشتی بخوانند خدا را در حالیکه خالص

لَهُ الدِّينَ ۝ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ ۝ لِيَكْفُرُوا بِمَا

گردانند برای او دین را پس آن هنگام نجات داد ایشانرا بسوی خشکی ناگاه ایشان شرک می آورند تا کافر شوند بآنچه

آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا

دادیم ایشانرا و تا برخوردار شوند پس زود باشد که بدانند آیا ندیدند بدرستیکه ما گردانیدیم مکه را حرمی

آمِنًا وَيُتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ

ایمن از قتال و حال آنکه ربوده میشوند از حوالی ایشان آیا پس بباطل میگروند و بنعمت

اللَّهِ يَكْفُرُونَ ۝ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ

خدا کفران میکنند و کیست ستمکارتر از آنکه افترا کرد بر خدا دروغرا یا تکذیب کرد

سورة الروم مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

الٓمٓ غُلِبَتِ الرُّومُ فِيٓ أَدۡنَى الۡأَرۡضِ وَهُم مِّنۢ بَعۡدِ غَلَبِهِمۡ

سوگند ما بحروف که مغلوب شدند رومیان در نزدیکترین زمین عرب و ایشان بعد از مغلوب شدن ایشان

سَيَغۡلِبُونَ فِي بِضۡعِ سِنِينَۗ لِلَّهِ ٱلۡأَمۡرُ مِن قَبۡلُ وَمِنۢ بَعۡدُۚ

زود باشد که غالب شوند در اندک سالی که میان نه تا سه است حکم پیش از غلبه و بعد از آن

وَيَوۡمَئِذٖ يَفۡرَحُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ بِنَصۡرِ ٱللَّهِۚ يَنصُرُ مَن يَشَآءُۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ

در روز غلبه شادی کنند مومنان بیاری دادن خدا یاری میدهد هر که را خواهد و اوست عزیز

ٱلرَّحِيمُ وَعۡدَ ٱللَّهِۖ لَا يُخۡلِفُ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا

مهربان وعده کرد خدا غلبه روم را خلاف نکند خدا وعده خود را ولیکن بیشتر مردمان

يَعۡلَمُونَ يَعۡلَمُونَ ظَٰهِرٗا مِّنَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَاۖ وَهُمۡ عَنِ ٱلۡأٓخِرَةِ

نمیدانند میدانند آنچه ظاهر است از زندگانی دنیا و ایشان از آخرت

هُمۡ غَٰفِلُونَ أَوَلَمۡ يَتَفَكَّرُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۡۗ مَّا خَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ

ایشان بیخبرانند آیا هرگز تفکر کنند در نفسهای خود اینکه نیافرید خدا آسمانها

وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَآ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَأَجَلٖ مُّسَمّٗىۗ وَإِنَّ كَثِيرٗا

و زمین را و آنچه میان آنهاست مگر براستی و وقتی نام برده شده و بدرستی که بسیاری

مِّنَ ٱلنَّاسِ بِلِقَآيِٕ رَبِّهِمۡ لَكَٰفِرُونَ أَوَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ

از مردمان بچزائی پروردگار خود البته کافرانند آیا سیر نمیکنند در زمین

خواص این سوره در ضمن سه پاره بیان گذشت

گویند که اهل فارس بر روم

غلبه کردند و کفره قریش از همین شادمان

شدند طعنه بر مسلمانان میزدند که رومیان اهل

کتاب بودند مانند شما و فارسیان که مشرکند

بر ایشان غلبه کردند ما هم بر شما غالب خواهیم

شد پس این آیه آمد و بضع ما بین سه و ده است

پس نه سال فارسیان بر رومیان غالب بودند

و بعد از آن در سال نهم رومیان بر فارسیان

غلبه کردند و اخبار بغیبی که در این کریمه وارد است

در آن وقت بظهور رسید و مسلمانان از آن حکایت

شادمان شدند و در روضه کافی از ابو عبیده

مرویست که گفت از حضرت ابو جعفر سوال کردم

از تفسیر کریمه الٓمٓ غلبت الروم فی ادنی الارض

فرمود یا اباعبیده این آیه را ماولی است که

نمیداند از اهل مکر خدا و را سپس در علم از خانواده

محمد صلی الله علیه و آله بدرستیکه رسول خدا چون

هجرت نمود بمدینه و دین اسلام

قوی شد نامه

نامهٔ پادشاه روم نوشت و دعوت او بدین خدا نمود و نامهٔ پادشاه عجم نوشت برای دعوت او بدین حق و پادشاه روم تعظیم نامهٔ رسول خدا نمود و احترام از رسول بحضرت بجای آورد و اما پادشاه عجم پس و استخفاف نمود بنامهٔ بحضرت و نامهٔ را پاره کرد و رسولان بحضرت سبک و خوار داشت و در آن وقت میانهٔ پادشاه عجم و پادشاه روم جنگ در میان بود و مسلمانان منتظر شدند و آرزو میکردند که پادشاه روم غالب آمد بر پادشاه عجم پس چون پارسیان غالب آمدند بر رومیان مسلمانان را اندهی عظیم شد بدین خدای تعالی در این باب این آیه فرستاد که الم غلبت الروم فی ادنی الارض یعنی غالب آمدند بر روم پارسیان در ادنای ارض و ایشان از بعد غلبهٔ خود سیغلبون و حوالی انها پس در تفسیر و هم من بعد غلبهم سیغلبون یعنی غالب آیند بر ایشان مسلمانان در بضع سنین پس چون مسلمانان جهاد کردند با پارسیان و فتح بلاد عجم نمودند بنصرت خدای تعالی شادمان گشتند ابو عبیده گوید عرض کردم که خدای تعالی فرموده سیغلبون فی بضع سنین و فتح بلاد عجم در عهد عمر شد و سالها او د[ر]

سورة الروم

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِ الْأَرْضَ
بیرون می آورد خدا زنده را از مرده و بیرون می آورد مرده را از زنده و زنده میگرداند زمین را
بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذٰلِكَ تُخْرَجُونَ ۝ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ
بعد از مردن آن و مانند این بیرون آورده خواهید شد و از نشانهای قدرت اوست که آفرید شما را از
تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ ۝ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ
خاک پس ناگاه شما آدمیانید که پراکنده میشوید و از آیتهای اوست آنکه آفرید برای شما
مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً
از نفسهای شما زنان را تا میل کنید بسوی ایشان و گردانید میان شما دوستی
وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ وَمِنْ آيَاتِهِ
و مهربانی بدرستی که در این آفریدن هر آینه آیتهاست برای گروهی که تفکر کنند و از آیات او
خَلْقُ السَّمٰوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ
آفریدن آسمانها و زمینست و مخالفت زبانهای شما و رنگهای شما
إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالِمِينَ ۝ وَمِنْ آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ
بدرستی که در این مخالفت هر آینه نشانهاست برای جهانیان و از آیات او خواب کردن شماست
بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَاتٍ
بشب و بروز و جستن شما روزی را از فضل خدا بدرستی که در اینچنین چیزها هر آینه
لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ ۝ وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّلُ
نشانهاست برای گروهی که میشنوند و از نشانهای اوست که مینماید بشما برق را امیدوار ترسیدن و طمع کردن و میفرستد
مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذٰلِكَ
از آسمان آبی پس زنده میکند بآن زمین را بعد از مردنش بدرستی که در این
لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَ
هر آینه نشانهاست مر گروهی را که درمی یابند و از نشانهای اوست که ایستاده آسمان بستون و
الْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ
زمین بفرمان او پس چون بخواند شما را خواندنی از زمین آنگاه شما

تخرجون ﴿ وله من في السموات والارض كل له قانتون
پس بیرون آیید از قبرها و مر او راست هر که در آسمانها و زمینست همه آنها مر خدا را فرمان بردارند

وهو الذي يبدؤا الخلق ثم يعيده وهو اهون عليه و
و اوست آنکه خلقرا آفریند پس اعاده کند او را و آن اعاده بر او آسانتر است و

له المثل الاعلى في السموات والارض وهو العزيز الحكيم
مر اوراست بلند در آسمانها و زمین و اوست غالب درست کار

ضرب لكم مثلا من انفسكم هل لكم مما ملكت ايمانكم
زد خدا برای شما مثلی از نفسهای شما آیا هست مر شما را از آنچه مالک دستهای شما

من شركاء فيما رزقناكم فانتم فيه سواء تخافونهم كخيفتكم
از شرکاء در آنچه روزی کردیم شما را پس شما در آن هر یکسان باشند ترسیدن شما از ایشان چون ترسیدن شما

انفسكم كذلك نفصل الايات لقوم يعقلون ﴿ بل
از نفسهای خود مانند این تفصیل کنیم آیات را برای گروهی که درمی یابند بلکه

اتبع الذين ظلموا اهواءهم بغير علم فمن يهدي من اضل الله
پیروی می کنند آنانکه ستم کردند آرزوهای خود را که نادانند پس کیست که راه نماید آنرا که فرو گذاشت خدا

وما لهم من ناصرين ﴿ فاقم وجهك للدين حنيفا فطرت
و نیست مر ایشانرا هیچ یاری کننده پس راست گردان روی خود را برای دین میل کننده خلقت

الله التي فطر الناس عليها لا تبديل لخلق الله ذلك الدين
خدا را که آفرید خدا مردمانرا بر آن نیست تبدیلی مر خلق خدا را این مقطور دین

القيم ولكن اكثر الناس لا يعلمون ﴿ منيبين اليه و
راست و لیکن بیشتر مردمان نمیدانند که برگردگانند بسوی او و

اتقوه واقيموا الصلوة ولا تكونوا من المشركين ﴿ من الذين
برحذر شوید از او و بپای دارید نماز را و مباشید از شرک آورندگان از آنانکه

فرقوا دينهم وكانوا شيعا كل حزب بما لديهم فرحون ﴿
پراکنده کردند دین خود را و بودند هر گروهی بر گروهی هر گروهی بآنچه نزد ایشانست شادمانند

یعنی
چون راضی نشدند که
بندگان شما شریک باشند در مالهای شما
که من روزی شما کرده ام و میخواهید که ایشان
در اموال شما تصرف نمایند مانند تصرف شما
پس چگونه باشند در خدائی و ایشانرا متصرف
میدانید در ملک من
تعالی شأنه عما یقولون
مراد
از فطرت الله در اینجا چنانکه از اخبار بسیار
در تفسیر این آیه وارد شده توحید است و در
بعضی از اخبار وارد شده که همه افراد آدمیان
بر فطرت توحید آفریده شده اند پس مدرد
مادر شان یهودی و نصرانی و مجوس میکنند اشارة
یعنی همگی در حال خلقت مقر و معترف بودند
بصانع خود بآن اقرار و اعترافی که در عالم ذر
واقع شد و در این عالم این ادیان بمتابعت
پدران و مادران پیدا

وادنا

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُم مُّنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا أَذَاقَهُم

وچون برسد آدمیانرا سختی از فقر و مرض بخوانند پروردگار خود را که بازگشتگان باشند بسوی او پس چون بچشاند ایشانرا

مِّنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُم بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ ۝ لِيَكْفُرُوا

از نزد خود بخشایشی آن هنگام گروهی از ایشان بپروردگار خود شرک می آورند تا کافر شوند

بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ۝ أَمْ أَنزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا

بآنچه دادیم ایشانرا پس بهره یابید پس زود باشد که بدانید یا فرستادیم بر کافران حجتی

فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ ۝ وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً

پس آن کتاب سخن کند بآنچه بودند که بسبب آن شرک می آورند وچون بچشانیم مردمانرا صحت و نعمت

فَرِحُوا بِهَا وَإِن تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ

شاد شوند بآن وچون برسد ایشانرا بدی بآنچه پیش فرستاده دستهای ایشان آنگاه ایشان

يَقْنَطُونَ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۚ

نومید شوند آیا ندیده اند بدرستی که خدا گشاده میکند روزی را برای هر که خواهد و تنگ میکند

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ۝ فَآتِ ذَا الْقُرْبَىٰ

بدرستی که در این هر آینه علامتهاست برای گروهی که ایمان می آرند پس بده ای محمد خداوند نزدیکتر را

حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ۚ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ

حق او را و بیچارگان و راه گذاران را این بهتر است برای آنانکه میخواهند

وَجْهَ اللَّهِ ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَمَا آتَيْتُم مِّن رِّبًا لِّيَرْبُوَ

ذات خدا را خالص و الکزوده ایشانند رستگاران و آنچه میدهید از ربای حرام تا بفزاید

فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُو عِندَ اللَّهِ ۖ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ

در مالهای مردم پس زیاد نمی شود نزد خدا و آنچه میدهید از زکوة

تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُضْعِفُونَ ۝ اللَّهُ الَّذِي

که بخواهید بآن ثواب خدا را پس آنگروه ایشانند خداوندان افزونی خداست آنکه

خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ۖ هَلْ مِن شُرَكَائِكُم

آفرید شما را پس روزی داد شما را پس میراند شما را باز زنده میکند شما را آیا هست از شریکان شما

مَّن يَفْعَلُ مِن ذَٰلِكُم مِّن شَيْءٍ ۚ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝

کسی که بکند از این چیزها هیچ چیز منزه است او و برتر است از آنچه شرک می آورند

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُم

پدید آمد فساد در خشکی و دریا بسبب آنچه کسب کرده دستهای مردم تا بچشاند ایشانرا

بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ

بعض آنچه کردند تا شاید ایشان بازگردند بگو سیر کنید در زمین

فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ ۚ كَانَ أَكْثَرُهُم

پس بنگرید چگونه بود عاقبت آنانکه پیش از این بودند بیشتر ایشان

مُّشْرِكِينَ ۝ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَ يَوْمٌ

مشرکان بودند پس راست دار روی خود را بدین راست پیش از آنکه بیاید روزی

حضرت امام ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام مروی است که چون این آیه نازل شد رسول خدا فدک را بحضرت فاطمه عطا فرمود

مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذٰلِكُمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالٰى عَمَّا يُشْرِكُونَ

کسی که بکند از این خلق و رزق شما چیزی را پاکست خدا و برتر است از آنچه شرک می آورند

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ

آشکار شد تباهی در بیابان و دریا بسبب آنچه کسب کرده دستهای آدمیان تا بچشاند ایشان را

بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ

بعضی از آنچه کردند شاید ایشان برگردند بگو یا محمد سیر کنید در زمین

فَانْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ

پس بنگرید که چگونه بود سرانجام آنانکه پیش از ایشان بودند بیشتر ایشان

مُشْرِكِينَ ۝ فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَيِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ

مشرکان بودند پس راست روی خود را برای دین راست پیش از آنکه بیاید روزی که

لَا مَرَدَّ لَهُ مِنَ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ يَصَّدَّعُونَ ۝ مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ

باز گشت نیست مر او را از خدا در آن روز مردمان جدا شوند از هم هر که کافر شد پس بر اوست

كُفْرُهُ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ ۝ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ

وبال کفر او و کسیکه کرد کار شایسته پس برای نفس خود میگسترانند تا جزا دهد خدا آنانرا

آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ

که گرویدند و کردند کار شایسته از فضل خود بدرستیکه او دوست نمیدارد کافرانرا

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ يُرْسِلَ الرِّيَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَكُمْ مِنْ

و از نشانهای قدرت او آنکه میفرستد بادها را در حالیکه مژده دهنده باشند و تا بچشاند شما را از

رَحْمَتِهِ وَلِتَجْرِيَ الْفُلْكُ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ

رحمت او و تا بروند کشتیها بفرمان خدا او و تا طلب کنید از فضل خدا و شاید شما

تَشْكُرُونَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ

شکر کنید و بتحقیق که فرستادیم پیش از تو پیغمبرانرا بسوی گروه ایشان

فَجَاءُوهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَانْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ حَقًّا

پس آمدند ایشانرا با معجزات روشن پس انتقام کشیدیم از آنانکه گناهکار شدند و هست سزاوار

عَلَيْنَا

یعنی
احدی از دو زر ابر نمیتواند
گردانید آنچه خدا خواسته
میشود یا خدا او را بر میگرداند یعنی
آمدنش حتمی است و بر این دو نشر
من الله متعلق است بمردود
و بقولی متعلق است
بیاتی
لیذیقکم
عطف است بر علتی
مقدر برای ارسال که از مبشرات
مستفاد می شود و گویا گفته شده
یرسل الریاح لیبشرکم و
لیذیقکم

عَلَيْنَا نَصْرَ الْمُؤْمِنِينَ ۞ اَللّٰهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا

بر ما | یاری دادن گروندگان | خدای بخش آنکه | میفرستد بادها را | پس برمی آمد ابرها

فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسَفًا فَتَرَى

پس بگستراند خدا ابر را در آسمان ها | چگونه که میخواهد | و میگرداند او را پاره پاره پس می بینی تو

الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ

باران را که بیرون می آید | از میان آن پس چون | برساند خدا باران را بزمین هر که خواهد از بندگان خود

إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ ۞ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنَزَّلَ

آنگاه ایشان | بآن شادمان شوند | و بدرستیکه بودند | پیش از آنکه فرستاده شود

عَلَيْهِمْ مِنْ قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ ۞ فَانْظُرْ إِلَىٰ آثَارِ رَحْمَتِ اللّٰهِ كَيْفَ

بر ایشان | از پیش آن نا امیدان از باران | پس نظر کن بسوی نشانهای رحمت خدا که چگونه

يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ

زنده میکند زمین را | بعد | مردنش بدرستی که | آن | هر آینه زنده کننده است مردگان را و او بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۞ وَلَئِنْ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا

هر | چیز | توانا است | و اگر | بفرستیم ما | بادی | پس ببینند زراعت را زرد شده

لَظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ ۞ فَإِنَّكَ لَا تُسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا

هر آینه گردند | بعد از آن | کافر نعمتهای | گذشته | پس بدرستی که تو نتوانی شنوانید | مردگان را | و نتوانی

تُسْمِعُ الصُّمَّ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ۞ وَمَا أَنْتَ بِهَادِي

شنوانید | کران را | خواندن | چون برگردند | در حالیکه پشت کنندگانند | و نیستی | تو | راهنماینده

الْعُمْيِ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ

کوران | از گمراهی ایشان | نمی شنوانی تو | فرا نیاز مگر کسی که | ایمان آرد بآیات ما پس ایشان

مُسْلِمُونَ ۞ اَللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ

گردن نهندگانیم | خدای بخش آنست که | آفرید شما را | از چیزی ست که نطفه است پس گردانید

بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً

شما را از پس پستی قوت | پس گردانید | از پس قوت جوانی پستی | و پیری

يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۚ وَهُوَ ٱلْعَلِيمُ ٱلْقَدِيرُ ۝ وَيَوْمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ ۚ

می آفریند هر گرا میخواهد او داناست و تواناست وروزیکه قایم شود قیامت

يُقْسِمُ ٱلْمُجْرِمُونَ ۝ مَا لَبِثُوا۟ غَيْرَ سَاعَةٍ ۚ كَذَٰلِكَ كَانُوا۟ يُؤْفَكُونَ ۝

قسم خورند گنه کاران که درنگ نکردند در دنیا بجز ساعتی همچنین همیشه گشته اند که دروغ میگویند

وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُوا۟ ٱلْعِلْمَ وَٱلْإِيمَٰنَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِى كِتَٰبِ ٱللَّهِ

وگفتند آنانکه داده شدند علم و ایمان بتحقیق درنگ کردید در کتاب خدا

إِلَىٰ يَوْمِ ٱلْبَعْثِ فَهَٰذَا يَوْمُ ٱلْبَعْثِ وَلَٰكِنَّكُمْ كُنتُمْ لَا

تا روز برانگیختن پس این روز روز بعث است ولیکن شما هستید که

تَعْلَمُونَ ۝ فَيَوْمَئِذٍ لَّا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ مَعْذِرَتُهُمْ وَلَا هُمْ

نمیدانید پس در آن روز نفع نکند آنان را که ستم کردند معذرت ایشان ونه ایشان

يُسْتَعْتَبُونَ ۝ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِى هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ مِن

توانند رضای خدا جویند و بتحقیق که زدیم ما برای مردمان در این قرآن از

كُلِّ مَثَلٍ ۚ وَلَئِن جِئْتَهُم بِـَٔايَةٍ لَّيَقُولَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓا۟ إِنْ أَنتُمْ

هر مثلی واگر بیاوری بایشان آیتی هرآینه البته گویند آنانکه کافر شدند نیستید شما

إِلَّا مُبْطِلُونَ ۝ كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلَّذِينَ لَا

مگر تزویر کنندگان همچنین مهر مینهد خدا بر دلهای آنانکه

يَعْلَمُونَ ۝ فَٱصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ ٱللَّهِ حَقٌّ ۖ وَلَا يَسْتَخِفَّنَّكَ ٱلَّذِينَ لَا

نمیدانند پس صبر کن یا محمد بدرستیکه وعده خدا حق است و باید تو را بر سبکساری ندارند آنانکه

يُوقِنُونَ ۝

یقین ندارند

سورة لقمان مكية

وآياتها

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

الٓمٓ ۝ تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْحَكِيمِ ۝ هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ

منم خدای دانا این آیات قرآنست که خداوند حکمتست در حالیکه راه نماینده رحمتست مر نیکوکاران را

حضرت ابو جعفر علیه السلام فرموده است که هر که سوره لقمان را بخواند در شب بی فرشته بر او موکل گردد که حفظ او بسازد از ابلیس و جنود او و اگر روز بخواند نگهبان او باشند تا شب

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَهُم بِالْاٰخِرَةِ هُمْ

آنانکه بپامیدارند نماز را و میدهند زکوة را و ایشانند بقیامت ایشان

يُوقِنُونَ ۝ أُولٰئِكَ عَلٰى هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝

یقین دارند کانند و آن گروه بر راه راستند از پروردگار ایشان و آن گروه ایشان رستگارانند

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ

و از مردمان کسی هست که میخرد سخن بازی و بیهوده را تا اینکه گمراه سازد مردم را از راه خدا

بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۝ وَإِذَا

بی دانشی و فرا میگیرد راه خدا را افسوس آنگروه مر ایشانرا عذابی خوار کننده ۝ و چون

تُتْلٰى عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَلّٰى مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِي

خوانده شود بر او آیات ما روی بگرداند در حالیکه گردن کش بود ۝ گویا هرگز نشنیده آنرا گویا که در

أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

هر دو گوش گرانی است پس مژده او را بعذاب دردناک ۝ بدرستی که آنانکه گرویدند و کردند

الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ ۝ خَالِدِينَ فِيهَا وَعْدَ اللَّهِ حَقًّا

کارهای شایسته مر ایشانرا ست بوستانهای پر نعمت ۝ که جاوید مانند در آن وعده خدا راست

وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا

و اوست غالب درست کار ۝ آفرید آسمانها را بدون ستون در حالیکه می بینید آنرا

وَأَلْقٰى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ

و انداخت در زمین کوههای ثابت بجهة آنکه حرکت ندهد شمارا از زمین و پراکنده کرد در زمین از هر

دَابَّةٍ وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ

جنبنده و فرو فرستاد از آسمان آبی پس رویانیدیم در زمین از هر صنف گیاهی

كَرِيمٍ ۝ هٰذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِن دُونِهِ

نیکو ۝ اینست مخلوقات خدا پس نمایید مرا که چه چیز آفریده اند آنانکه ۝ غیر از خدا

بَلِ الظَّالِمُونَ فِي ضَلٰلٍ مُّبِينٍ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ

بلکه ستمکاران در گمراهی آشکارند ۝ و بتحقیق دادیم ما لقمان را حکمت

مراد از لهو حدیث هر کلام و سخن بیهوده است و از جمله آنها غناست چنانچه حضرات ابی جعفر و ابی عبد الله و الی الحسن الرضا علیهم السلام منقول است که در ذم او منه القاء و از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که لهو حدیث طعنه زدن بر دین حق و استهزا کردن بآنست و آنچه ابو جهل و یارانش او میگفتند که ای معشر قریش میخواهید بشما از روی که بهتر از آن نموده شما را یار شما یعنی پیغمبر صلی الله علیه و آله پیش فرستاد و گره خرمایی حاضر ساخت و گفت این است آن روی که بهتر نموده شما را از آن

أَنِ اشْكُرْ لِلّٰهِ وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَنْ كَفَرَ

آنکه شکر کونی خدارا و هر که شکر کند خدارا پس جز این نیست که شکر برای نفس خود و هر که کافر گردد

فَإِنَّ اللّٰهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝ وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ

پس بدرستی که خدا بی نیاز ستوده است ۝ و چون گفت لقمان ۝ مر پسر خود را و پند میداد او را

يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللّٰهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ ۝ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ

که ای پسرک من شریک مکن بخدا بدرستی که شرک هر آینه ستم بزرگست ۝ و وصیت کردیم ما آدمیرا

بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَىٰ وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ

بنیکوئی با پدر و مادر خود برداشت آن آدمیرا که مادر اوست بود بر بالای پست شدن وجدا کردن او از شیر در مدت دو سال

أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ ۝ وَإِنْ جَاهَدَاكَ

آنکه شکر کونی مرا و مر پدر و مادر خود را بسوی منست بازگشت ۝ و اگر کوشش کنند ترا

عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبْهُمَا

بر آنکه شرک آری بمن آنچه نیست مر تو را بآن دانشی پس فرمان مبر ایشانرا و مصاحبت کن

فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ

با ایشان در دنیا بوجه شرع و پیروی کن راه ۝ کسی را که بازگشته بسوی من پس بسوی من بازگشت شماست

فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ يَا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ

پس آگاه سازم شمارا بآنچه بود دید که شما میکردید ۝ ای پسرک من بدرستی که این اگر باشد هم وزن

حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمٰوٰتِ أَوْ فِي

یکدانه از خردل پس باشد آن در اندرون سنگ یا در آسمانها یا در

الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللّٰهُ إِنَّ اللّٰهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ ۝ يَا بُنَيَّ أَقِمِ

زمین می آرد بآن خدا بدرستی که خدا باریک بین آگاه است ۝ ای پسرک من بپای دار

الصَّلٰوةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا

نماز را و امر کن بنیکوئی و نهی کن از خلاف شرع و صبر کن بر آنچه

أَصَابَكَ إِنَّ ذٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ۝ وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ

برسد بتو از شدائد بدرستیکه این ها از مفروضات امورست ۝ و بیکو مبر روی خود را

يعنی
هر که عمر چهل گذارد
طاعت و معصیت کم و بسیار همه را حاضر
خواهد کرد و حساب خواهد نمود در روز قیامت
هر جا باشد هر چند در زیر زمین یا در آسمان باشد
و اینها کنایه از غایت خفای اوست و حضار
آنها بر حقتعالی گران نیست و عیاشی بسند خود
از عبد الله بن سنان در تفسیر خود روایت کرده
که حضرت صادق صلوات الله علیه فرموده
که هر بیست در گناهانی که آنها را حقیر میشمارد
پس بدرستی که آنها را طلب کاری هست باید
بگوید یکی از شما که این گناه را میکنم و توبه میکنم
بدرستی که حقتعالی میفرماید آن
یک مثقال حبه من خردل
الآیه

لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ

برای مردمان و مرو در زمین بسیار شادان بدرستیکه خدا دوست ندارد هر متکبر

فَخُورٍ ۝ وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ

فخر کننده را و میانه رو باش در رفتن خود و کم گردان از آواز خود بدرستیکه

أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ ۝ أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ

بدترین آوازها آواز خر است آیا نمی بینید بدرستی که خدا مسخر کرد برای شما

مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً

آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست و تمام ساخت بر شما نعمتهای خود را که ظاهر

وَبَاطِنَةً ۗ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى

و پنهانست و از مردمان کسیست که جدال میکند در کتاب خدا بی دانشی و بی دلیل و هدایتی

وَلَا كِتَابٍ مُنِيرٍ ۝ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ

و بی کتابی روشن و چون گفته شود مر ایشانرا که پیروی کنید آنچه فرستاد خدا گفتند بلکه

نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا ۗ أَوَلَوْ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ

پیروی میکنیم آنچه یافتیم بر آن پدران خود را یا اگر باشد شیطان که میخواند ایشانرا

إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ ۝ وَمَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ

بسوی عذاب آتش سوزان و هر که تفویض کند خود را بدرگاه خداوند نیکوکار باشد

فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ ۗ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

پس بحقیق چنگ در زد بدست آویزی محکم و بسوی خداست سرانجام کارها

وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزُنْكَ كُفْرُهُ ۚ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُمْ بِمَا

و هر که کافر شد پس باید و بناک نکند تو را کفر او بسوی ماست بازگشتشان پس بیاگاهانیم ایشانرا بآنچه

عَمِلُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝ نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ

کردند بدرستی که خدا دانا است بآنچه در سینه های شماست برخورداری میدهیم ایشانرا اندک پس مضطر میسازیم ایشانرا

إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ ۝ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ

بسوی عذاب قوی و اگر بپرسی از کفار که کیست آنکه آفرید آسمانها

از حضرت ابی جعفر صلوات الله علیه روست که نعمت ظاهر نعمت است و آنچه آورده در باب شناخت پروردگار و توحید او و اما نعمت باطنه پس آن ولایت و قبول خلافت ما خانواده نبوتست و در دل داشتن دوستی ماست و ظاهر آنست که این تفسیر مبنی بر بیان فرد اکمل نعمتهای ظاهره و باطنه باشد

وَالْاَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللّٰهُ ۚ قُلِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ ۚ بَلْ اَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

و زمین را البته گویند خدا آفرید بگو سپاس مرخدا راست بلکه بیشتر ایشان نمیدانند

لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۚ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

مرخدا راست آنچه در آسمانها و زمینست بدرستی که خدا اوست بی نیاز ستوده

وَلَوْ اَنَّ مَا فِي الْاَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ اَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ

و اگر انکه بودی آنچه در زمینست از درختان قلمها و دریای محیط مرکب از پس فنای مداد

سَبْعَةُ اَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمٰتُ اللّٰهِ ۚ اِنَّ اللّٰهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ ما

هفت دریای دیگر تمام نشدی علوم الهی بدرستی خدا غالب درست کارست

خَلْقُكُمْ وَلَا بَعْثُكُمْ اِلَّا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ ۚ اِنَّ اللّٰهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

آفریدن شما و زنده انیختن شما مگر مانند یکتن در عدم احتیاج بدرستیکه خدا شنوای بیناست

اَلَمْ تَرَ اَنَّ اللّٰهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ

آیا ندیدی تو آنکه خدا درمی آرد شب را در روز و درمی آرد روز را در شب

وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۖ كُلٌّ يَجْرِي اِلٰى اَجَلٍ مُسَمًّى وَاَنَّ

و رام کرد آفتاب را و ماه را هریک میروند تا زمانی نام برده شده و بدرستیکه

اللّٰهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ذٰلِكَ بِاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْحَقُّ وَاَنَّ مَا

خدا بآنچه میکنید آگاه است این بسبب آنست که خدا اوست ثابت و بدرستی که آنچه

يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الْبَاطِلُ ۙ وَاَنَّ اللّٰهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

میخوانند بجز از خدا باطلست و بدرستی که خدا اوست برتر بزرگوار

اَلَمْ تَرَ اَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللّٰهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ اٰيٰتِهِ ۚ

آیا ندیدی تو آنکه کشتی میرود در دریا بنعمت و احسان خدا تا بنماید شما را از نشانهای خود

اِنَّ فِي ذٰلِكَ لَاٰيٰتٍ لِكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ وَاِذَا غَشِيَهُمْ

بدرستی که در این هرآینه علامتی است برای هر صبر کننده شکر کننده و چون فرو گیرد ایشانرا

مَوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوُا اللّٰهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا نَجّٰىهُمْ

موجی که مانند سایبانهاست بخوانند خدا را درحالیکه خالص کنندگانند برای او دین را پس آنگاه رهانید ایشانرا

مراد از کلمات الهی بقولی جمیع مقدورات است از اعیان موجودات و بقولی معلومهای ارباب عصیان و ثوابهای ارباب اطاعت و ایمان است و بقولی کلمه‌ها و حکمتها و اوامر و نواهی اوست

إِلَى ٱلْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ ۚ وَمَا يَجْحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا كُلُّ خَتَّارٍ

بسوی بیابان پس بعضی از ایشان راست ایستاده‌اند و انکار نمیکنند آیات ما مگر هر غدر کننده

كَفُورٍ ۝ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُوا۟ رَبَّكُمْ وَٱخْشَوْا۟ يَوْمًا لَّا يَجْزِى

ناسپاس ای مردمان پرهیزکنید از عذاب پروردگار خود بترسید روزی را که باز ندارد

وَالِدٌ عَن وَلَدِهِۦ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِۦ شَيْـًٔا ۚ إِنَّ وَعْدَ

عذاب را پدر از پسر خود و نه فرزند او باز دارنده از پدر خود چیزی از خدا را بدرستی که وعده

ٱللَّهِ حَقٌّ ۖ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلْحَيَوٰةُ ٱلدُّنْيَا ۖ وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ

خدا راست پس باید فریب ندهد شما را زندگانی دنیا و باید که مغرور نسازد شما را بخدا

ٱلْغَرُورُ ۝ إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥ عِلْمُ ٱلسَّاعَةِ ۖ وَيُنَزِّلُ ٱلْغَيْثَ ۖ وَيَعْلَمُ

شیطان فریبنده بدرستی که خدا نزد اوست دانستن وقوع قیامت و فرو میفرستد باران را و میداند

مَا فِى ٱلْأَرْحَامِ ۖ وَمَا تَدْرِى نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا ۖ

آنچه در رحمهاست و نمیداند نفسی که چه چیز کسب میکند فردا

وَمَا تَدْرِى نَفْسٌۢ بِأَىِّ أَرْضٍ تَمُوتُ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ۝

و نمیداند هیچ نفسی که بکدام زمین میمیرد بدرستیکه خدا دانای آگاه است

سورة السجدة تلوتها ثلاثون آية مكية

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

الٓمٓ ۝ تَنزِيلُ ٱلْكِتَٰبِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ۝ أَمْ

منم خدای دانا فرو فرستادن قرآن نیست شکی در آن از پروردگار جهانیان آیا

يَقُولُونَ ٱفْتَرَىٰهُ ۚ بَلْ هُوَ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا مَّآ أَتَىٰهُم

میگویند بلکه محمد بافت بهم قرآن را بلکه قرآن حق است از پروردگار تو تا بیم کنی گروهی را که نیامد بایشان را

مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ ۝ ٱللَّهُ ٱلَّذِى خَلَقَ

پیغمبر هم کننده پیش از تو شاید ایشان راه یابند خدای بحق آنکس است که آفرید

حسن ابن ابی علا از ابی عبد الله علیه السلام روایت کرده که هر که سوره الم سجده را در هر شب جمعه بخواند در روز قیامت نامه عمل او را بدست راست او دهند و حساب او را آسان دارند و رفقای پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ اَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى

آسمانها و زمین را و آنچه میان آن دو ناست در شش روز پس مستولی شد حکم او بر

الْعَرْشِ مَا لَكُمْ مِنْ دُوْنِهٖ مِنْ وَلِيٍّ وَّلَا شَفِيْعٍ اَفَلَا تَتَذَكَّرُوْنَ

عرش نیست مر شما را بجز از خدا هیچ دوستی و نه شفاعت کننده آیا پس پند پذیر نمیشوید

يُدَبِّرُ الْاَمْرَ مِنَ السَّمَآءِ اِلَى الْاَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ اِلَيْهِ فِيْ يَوْمٍ كَانَ

می سازد کار دنیا را او پس میفرستد ملائکه را از آسمان بسوی زمین پس عروج می کند بسوی آسمان در روزی که هست

مِقْدَارُهٗٓ اَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّوْنَ ۝ ذٰلِكَ عٰلِمُ الْغَيْبِ وَ

مقدار او هزار سال از آنچه شمارد او میکنند این خداوند مدبر دانای نهان و

الشَّهَادَةِ الْعَزِيْزُ الرَّحِيْمُ ۝ الَّذِيْٓ اَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهٗ وَ

آشکار غالب آمرزگار آنکه نیکو کرد هر چیزی که آفرید او را و

بَدَاَ خَلْقَ الْاِنْسَانِ مِنْ طِيْنٍ ۝ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهٗ مِنْ سُلٰلَةٍ

آغاز کرد آفرینش آدمیرا از خاک پس کرد پیوند فرزندان او را از خلاصه پست و

مِّنْ مَّآءٍ مَّهِيْنٍ ۝ ثُمَّ سَوّٰىهُ وَنَفَخَ فِيْهِ مِنْ رُّوْحِهٖ وَجَعَلَ لَكُمُ

از آب خوار حقیر پس راست کرد قالب آدمی را و دمید در آن از روح خود و کرد پیدا برای شما

السَّمْعَ وَالْاَبْصَارَ وَالْاَفْـِٕدَةَ ۝ قَلِيْلًا مَّا تَشْكُرُوْنَ ۝

گوشها و چشمها و دلها در زمان اندکی که شما شکر میکنید

وَقَالُوْٓا ءَاِذَا ضَلَلْنَا فِي الْاَرْضِ ءَاِنَّا لَفِيْ خَلْقٍ جَدِيْدٍ ۝ بَلْ هُمْ

و گویند آیا چون گم شویم ما در زمین بدرستی که ما هر آینه در آفرینش تازه ایم بلکه ایشان

بِلِقَآءِ رَبِّهِمْ كٰفِرُوْنَ ۝ قُلْ يَتَوَفّٰىكُمْ مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِيْ

بلقاء پروردگارشان کافرند بگو ای محمد فرا میگیرد روح شما را با تمام فرشته مرگ که

وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ اِلٰى رَبِّكُمْ تُرْجَعُوْنَ ۝ وَلَوْ تَرٰٓى اِذِ الْمُجْرِمُوْنَ

موکل شده بر شما پس بسوی پروردگار خود برگردانیده شوید و اگر به بینی چون مجرمان را که

نَاكِسُوْا رُءُوْسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَآ اَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا

زنکنندگان باشند سرهای خود را نزد پروردگارشان گویند پروردگارا دیدیم وعده تو را و شنیدیم پس گردان ما را

نعلا

فی

تقدیر و تدبیر کائنات

از آسمان تا زمین همه میکند تا دنیا

هست و هر چیزی را هر کسی را بکاری بازدارد

در روز قیامت که باندازه هزار سال از دنیاست

همه آن کارها بهم میخورد و باز میگردد و کار

تدبیر احوال خلایق همگی بسوی قدر و قضا می

حق سبحانه برمیگردد و کار کرکی بخداوند میماند چنانچه

گرداننده الملک تو مندند بر اینمعنی گواه آیت و

بتفویض مراد آنست که فرشتگان را موکل گردانید

بتفویض احوال کائنات و چون هر فرشته

از کار خود فارغ گردد برگردد بموضعی که مامور

بعروج است بآنموضع پس آن فرشته قطع مسافت

آنقدر میکند در یکروز از روزهای دنیا که غیر

فرشته از مردمان و آدمیان در هزار سال

کنند و اقوال دیگر هم

دارد شده

نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ ۝ وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدَاهَا

تا بکنیم کار شایسته بدرستیکه ما یقین کنندگانیم و اگر میخواستیم هر آینه میدادیم هر نفسی را آنچه هدایت

وَلَٰكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

ایشان بشد ولیکن ثابت شد این گفتار از من که هر آینه پر کنم دوزخ را از جن و آدمی

أَجْمَعِينَ ۝ فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ

همه پس بچشید عذاب را بسبب آنچه فراموش کردید دیدار روز شما را این امروز ما را این بدرستی که فراموش کردیم شما را

وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا

و بچشید عذاب را که همیشه است بآنچه بودید که میکردید جز این نیست که میگروند بآیات ما

الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا

آنانکه چون پند داده شوند بآنها بروی سجده کنندگان و تسبیح کنند بستایش پروردگار خود و ایشان

يَسْتَكْبِرُونَ ۝ تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ

سرکشی نکنند دور میشود پهلوهای ایشان از خوابگاهها میخوانند پروردگار خود را

خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ ۝ فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَا

از روی ترس و طمع و از آنچه روزی کردیم ایشانرا نفقه میکنند پس نمیدانند هیچ نفسی آنچه

أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ أَفَمَنْ كَانَ

پنهان داشته شد برای ایشان از روشنی چشمها جزاء دادنی بسبب آنچه بودند که میکردند آیا پس کسیکه

مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ ۝ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا

گرونده مانند کسیست که باشد فاسق برابر نیستند اما کسانیکه گرویدند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ نُزُلًا بِمَا كَانُوا

و کردند کارهای شایسته پس مرایشانرا بوستانها جایگاه که پیشکشی است آنچه بودند

يَعْمَلُونَ ۝ وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا

که میکردند و اما آنانکه بیرون رفتند از دین پس جایگاه ایشان آتشست هرگاه که خواهند

أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ

از بیرون روند از آتش برگردانیده شوند در آتش و گفته شود مرایشانرا بچشید عذاب

مراد
نماز شب گذارانند
که از بستریها بجهة نماز برخیزند چنانچه
از حضرات ابی جعفر و ابی عبد الله
علیهما السلام مرویست
از
حضرت
صادق صلوات الله
علیه منقول است که هیچ حسنه نیست
مگر آنکه ثواب آن بیان شده در قرآن مگر نماز
شب که بسبب بزرگی ثواب آن تعالی
در قرآن بفرموده و فرموده که فلا تعلم نفس
ما اخفی لهم الآیه

اَلنَّارُ الَّذِي كُنتُم بِهِ تُكَذِّبُونَ ۝ وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ

آتش را که بودند که بآن تکذیب میکردند ۝ و هر آینه بچشانیم ایشانرا از عذاب نزدیکتر

دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن

بجز عذاب بزرگتر شاید ایشان برگردند ۝ و کیست ستمکارتر از انکه

ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا ۚ إِنَّا مِنَ الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ

پند داده شود بآیات پروردگار خود پس اعراض کرد از آن بدرستی که ما از گنهکاران انتقام کشندگانیم

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُن فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَائِهِ ۖ وَجَعَلْنَاهُ

و بتحقیق که دادیم ما موسی را کتاب پس مباش تو در شک از دیدن این کتاب که دادیم ما

هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ ۝ وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا

تورات را راهنما کننده برای پسران یعقوب ۝ و گردانیدیم ما از ایشان پیشوایان که راه نمودند خلق را بفرمان ما

لَمَّا صَبَرُوا ۖ وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ ۝ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ

آن هنگام که صبر کردند و بودند نشانهای ما یقین کنندگان ۝ بدرستی که پروردگار تو او حکم کند میان ایشان

يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝ أَوَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ

روز قیامت در آنچه بودند که در آن اختلاف میکردند ۝ آیا راه ننمودی برای ایشان که چند

أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ فِي مَسَاكِنِهِمْ ۚ إِنَّ فِي

هلاک کردیم ما پیش از ایشان از قرنها میروند در مکانهای ایشان بدرستی که در

ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ ۖ أَفَلَا يَسْمَعُونَ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى

این هر آینه نشانهاست آیا پس نمیشنوند ۝ آیا نمی بینند آنکه ما میرانیم آبرا بسوی

الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنفُسُهُمْ ۖ

زمین خالی از گیاه پس بیرون آریم بآن آب زراعت میخورند از آن چهارپایان ایشان و پشتهای ایشان

أَفَلَا يُبْصِرُونَ ۝ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْفَتْحُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ

آیا پس نمی بینند ۝ و میگویند کی باشد این فتح اگر هستید راستگویان

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ

بگوای محمد روز فتح نفع نکند آنانرا که کافر شدند ایمان ایشان نه ایشان

مراد از عذاب ادنی عذابیست دنیاست و از عذاب اکبر عذاب قیامت و از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که عذاب ادنی عذاب دابة الارض و عذاب دجالست

فضیلت سورهٔ احزاب و ثواب خواندن آن

ابی بن کعب از سید عالم صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که سورهٔ الاحزاب را بخواند و اهل خود و بنده و کنیز خود را تعلیم نماید حضرت باری تعالی او را از عذاب قبر ایمن گرداند

سورة الاحزاب مدنیة

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشنده مهربان

یا ایها النبی اتق الله ولا تطع الکافرین والمنافقین

ای پیغمبر بر گزیده و پرهیز کن از خدا و دایم باش بر ترس از عذاب خدا و اطاعت مکن کافران و منافقان را

ان الله کان علیما حکیما ۝ واتبع ما یوحی الیک من ربک

بدرستی که خدا هست دانای درست کار و متابعت کن آنچه زیرا که وحی کرده شده بسوی تو از پروردگار تو

ان الله کان بما تعملون خبیرا ۝ وتوکل علی الله وکفی

بدرستی که خدا هست آنچه میکنید آگاه است و توکل کن بر خدا و بس است

بالله وکیلا ۝ ما جعل الله لرجل من قلبین فی جوفه

خدا کارساز نیافرید خدا از برای هیچ مردی از دو دل در درون او

وما جعل ازواجکم اللائی تظاهرون منهن امهاتکم

و نگردانید زنان شما را که از آن زنان اظهار میکنید از ایشان مادران شما

وما جعل ادعیاءکم ابناءکم ذلکم قولکم بافواهکم

و نگردانید خدا پسر خواندگان شما را پسران شما آنچه ذکر شد سخن شماست به دهنهای شما

والله یقول الحق وهو یهدی السبیل ۝ ادعوهم لابائهم

و خدا میداند سخن راست را و او راه مینماید بطریق حق بخوانید ایشان را با سم پدران ایشان

هو اقسط عند الله فان لم تعلموا ابائهم فاخوانکم فی

این راست تر است نزد خدا پس اگر ندانید پدران ایشان را پس برادران شمایند در

الدین ومواليكم وليس عليكم جناح فيما اخطاتم به

دین و دوستان شما و نیست بر شما و بالی در آنچه خطا کردید شما به آن

فضیلت سورهٔ احزاب و ثواب خواندن آن

ابی بن کعب از سید عالم صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که سورهٔ الاحزاب را بخواند و اهل خود و بنده و کنیز خود را تعلیم نماید حضرت باری تعالی او را از عذاب قبر ایمن گرداند

گویند غرض ازین کریمه رد قول عربان است
که مردمان را دو دل میدانند در زمان
مظاهره مانند مادران حرام مودند پسر
خواندگان در حکم پسران اند و از همه زیدبن حارثه
که آزاد کرده رسول و پسر خوانده آنحضرت بود
پسر آنحضرت میگفتند و زن او بر آنحضرت حرام
میدانستند و ظهار آنست که شوهر مادن خود بگوید
که انت علی کظهر امی و بمجرد این قول مثل مادر
حرام نمیشود بلکه کفاره لازم میشود چنانچه تفصیل
آن در جای خود خواهد بود و بقولی یا جعل الله لرجل من
قلبین فی جوفه متعلق بما قبل و کلام بمنزله تشبیه است
یعنی چنانچه دو دل برای آدمی نمیباشد زنان مظاهر
فضیلت سورهٔ احزاب و ثواب خواندن آن

وَلٰكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ ۚ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝

ولیکن آنچه دلهای شما عمدا قصد کند ۔ وهست خدا آمرزنده مهربان

اَلنَّبِيُّ اَوْلٰى بِالْمُؤْمِنِيْنَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ وَاَزْوَاجُهٗٓ اُمَّهٰتُهُمْ ۗ وَ

پیغمبر برگزیده سزاوارتر است مؤمنان را از نفسهای ایشان ۔ وزنان پیغمبر مادران ایشانند ۔ و

اُولُوا الْاَرْحَامِ بَعْضُهُمْ اَوْلٰى بِبَعْضٍ فِيْ كِتٰبِ اللّٰهِ مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ

خویشاوندان نزدیک ۔ بعضی از ایشان ۔ سزاوارترند بعضی را در کتاب خدا ۔ از مؤمنان

وَالْمُهٰجِرِيْنَ اِلَّآ اَنْ تَفْعَلُوْٓا اِلٰٓى اَوْلِيٰٓئِكُمْ مَّعْرُوْفًا ۗ كَانَ

و مهاجران ۔ مگر آنکه بکنند ۔ بسوی دوستان خود ۔ وصیتی نیکو ۔ هست

ذٰلِكَ فِي الْكِتٰبِ مَسْطُوْرًا ۝ وَاِذْ اَخَذْنَا مِنَ النَّبِيّٖنَ مِيْثَاقَهُمْ

این مذکور ۔ در لوح ۔ نوشته شده ۔ و یاد کن چون فرا گرفتیم ما از پیغمبران پیمان ایشان را

وَمِنْكَ وَمِنْ نُّوْحٍ وَّاِبْرٰهِيْمَ وَمُوْسٰى وَعِيْسَى ابْنِ مَرْيَمَ ۠ وَ

و از تو ۔ و از نوح ۔ و ابراهیم ۔ و موسی ۔ و عیسی ۔ پسر مریم ۔ و

اَخَذْنَا مِنْهُمْ مِّيْثَاقًا غَلِيْظًا ۝ لِّيَسْـَٔلَ الصّٰدِقِيْنَ عَنْ صِدْقِهِمْ ۚ

گرفتیم ما از ایشان ۔ پیمانی ۔ محکم ۔ تا سؤال کند ۔ راستگویان را از راستگویی ایشان

وَاَعَدَّ لِلْكٰفِرِيْنَ عَذَابًا اَلِيْمًا ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوا اذْكُرُوْا

ایشان را ۔ آماده کرد برای کافران ۔ عذاب دردناک ۔ ای ۔ آنانکه ۔ گرویدید یاد آورید

نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ اِذْ جَآءَتْكُمْ جُنُوْدٌ فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيْحًا

نعمت خدا را ۔ بر شما ۔ چون آمد شما را ۔ لشکرهای کفار پس فرستادیم بر ایشان ۔ بادی

وَّجُنُوْدًا لَّمْ تَرَوْهَا ۚ وَكَانَ اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ بَصِيْرًا ۝ اِذْ جَآءُوْكُمْ

و لشکرهای ملائکه که نمیدیدند ایشان را ۔ و هست خدا بآنچه می کنید ۔ بینا ۔ یاد کنید چون آمد شما را

مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ اَسْفَلَ مِنْكُمْ وَاِذْ زَاغَتِ الْاَبْصَارُ وَ

از بالای شما ۔ و از ۔ زیرودی شما لشکرها ۔ و چون خیره شد ۔ چشمها ۔ و

بَلَغَتِ الْقُلُوْبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّوْنَ بِاللّٰهِ الظُّنُوْنَا ۝ هُنَالِكَ

در رسید ۔ دلهای مؤمنان بحنجرها ۔ و گمان کردید بخدا انواع گمانها ۔ آنجا

ابتلی المؤمنون

در صدر اسلام

میراث پسر دند مسلمانان از یکدیگر بجهت هجرت و دوستی و اخوت دینی و بیان آیه اولوا الارحام الی آخر آن حکم منسوخ و توارث منوط بقرابت

وخویشی شد و بسند عبد الرحیم قصیر از حضرت ابی جعفر مرویست که فرمود این آیه نازل شد در باب امارت و خلافت مدبرستی که این آیه جاری است در فرزندان حسین بعد از او پس ما سزاوارتریم بامارت و خلافت رسول خدا از مؤمنان و مهاجران انصار پس گفتم که فرزندان جعفر طیار را در این خلافت بهره هست فرمود پس عرضه داشتم که فرزندان عباس را در آن بهره هست فرمود نه پس شمردم جمیل بن عبد المطلب یکیک و میپرسیدم که ایشانرا بهره هست فرمود نه و فراموش کردم قرین هست میفرمودند نه پس حسن را پس بعد از آن بخدمت آنحضرت رفتم و گفتم نبی حسن را در این امر نصیبی هست فرمود نه بخدا سوگند ای عبد الرحیم که هیچک از فرزندان محمد را در این امر نصیبی نیست غیر از ما و مخفی نیست که این تفسیر ما قبل و ما بعد آن آیه مناسب برآنست

این آیات در حکایت جنگ احزابست که بجنگ خندق اشتهار دارد

و محل آن جا و چنانکه در مجمع البیان حکایت کرده آنکه جمعی از یهود که رسول خدا ایشانرا از جایگاهان

ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا ۝ وَإِذْ يَقُولُ

آزموده شدند گروندگان و جنبانیده شدند جنبانیدن سخت ۝ و یاد کن وقتی که گفتند

الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ

منافقان ۝ و آنانکه در دلهای ایشان مرض است وعده نکرد ما را خدا و

رَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا ۝ وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ

پیغمبر او مگر وعدهٔ فریب ۝ و یاد کن چون گفتند ۝ طایفه از ایشان ای اهل مدینه

لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ

جای بودن نیست مر شما را پس برگردید و رخصت خواستند گروهی از ایشان از پیغمبر

يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا

می گفتند بدرستی که خانهای ما خالیست و حال آنکه آنها خالی نبود انکه میخواستند مگر گریختن را

وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا

و اگر داخل شوند بر ایشان از جوانب مدینه پس خواسته شوند فتنه هر آینه بیارند

وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا ۝ وَلَقَدْ كَانُوا عَاهَدُوا اللَّهَ مِنْ

و درنگ نکنند بفتنه مگر زمان اندک ۝ و بتحقیق که بودند همی که عهد کردند با خدا از

قَبْلُ لَا يُوَلُّونَ الْأَدْبَارَ وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا ۝ قُلْ

پیش که برنگردانند پشتهای خود را و هست عهد خدا سوال کرده شده ۝ بگو

لَنْ يَنْفَعَكُمُ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِنَ الْمَوْتِ أَوِ الْقَتْلِ وَإِذًا لَا

نفع نمیکند شما را گریختن اگر بگریزید شما از مرگ یا از کشتن و آن هنگام که بگریزند

تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلًا ۝ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُمْ مِنَ اللَّهِ

برخوردار نمیشوید از عمر مگر اندکی ۝ بگو با محمد کیست آنکه نگاه دارد شما را از خدا

إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ

اگر خدا خواهد بشما بدی یا خواهد بشما بخشش ۝ و نمییابند مردم برای

مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ

از غیر خدا دوستی و نه یاری کننده ۝ بتحقیق که میداند خدا بازدارندگان خود را

سپاه ابن ای
انجمن وی ابن خطب
گروهی از بنی نضیر بمکه نزد قریش
رفته ترغیب بجنگ ایشان بمقاتله
مسلمانان نمودند چون ایشان را آماده دیدند
بنی نضیر عطفان را ترغیب بجنگ کردند و وعده
دادند که نصف غله خیبر را بدهند اگر فتح کنند
قریش هم بعطفان وعده دادند و بنی نضیر
بعضی از رؤسای خود را نزد کعب بن اسد
سردار جنگی یهود فرستادند که عهد او را
بشکند و با قریش جنگ کند او ابا نمود و گفت
محمد را بعهد وفا کرده ام و از او جفا ندیده ام
سردار ایشان گفت اگر تو با ما جنگ نکنی
ما هم با محمد صلح میکنیم و ترا یاری نمیکنیم
کعب عهد خود را شکست و با قریش
بجنگ برخاست

بنی اشجع را
سعد بن حیله
اشجعی بنی اسد را طلیحه
سردار بودند و چون رسول الله
صلی الله علیه و آله از حرکت ایشان
آگاهی یافت با سه هزار تن از مدینه بیرون آمد
لشکر اشرار شتافتند و در حوالی احد نزول
اجلال فرمود و بمشورت سلمان فارسی رضی الله
عنه کرد اگرد لشکر اسلام خندقی بعرض ده ذرع
کندند و چون لشکر اشرار بحوالی قلعه یهودی
فرظه رسیدند مدتی بن خطب بدر قلعه ایشان
رفته ایشان را بمجدد خود دعوت نمود ایشان
بعلت امان و پیمانی که با رسول خدا نموده بودند
سر باز زده رضی بآمدن نمی شدند در آخر
بطایف تحمل ایشان هم از حصار خود بیرون
آمده بلشکر اشرار پیوستند و چون دو لشکر در
برابر هم جا برجا قرار گرفتند عمرو بن عبدود
که در میان میدان اورا با هزار دلیر کار بود
برابر میدان استاد از غایت جلادت و دلاوری
اسب ارتفدق تاخته در برابر لشکر اسلام
ایستاد مبارز طلبیده و مسلمانان چون او را
دلاوری او رشنیده بودند هیچکس جرات
مقاتله او ننموده پس حضرت علی علیه السلام
بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و اله آمده
گفت من بکارزار او میروم آنحضرت
فرمود که ایمرد عمرو است بنشین عمرو بانگ
کرد و گفت ارباب سر زنش مسلمانان کسی
که برابر من آید کجاست بهشتی که میگوید که اگر
کسی از شما کشته شود بآنجا میرود مسلمانان
همه ساکت و هراسان شدند امیر المومنین
برخواست و عرض کرد یا رسول الله من اورا
شایم باز آنحضرت تاج او شده نوبت

منكم والقائلين لإخوانهم هلم إلينا ولا يأتون البأس إلا
از شما و گویندگان مر برادران خود را که بیائید بسوی ما و نمی آیند مناقشان بجنگ مگر
قليلا ۝ أشحة عليكم فإذا جاء الخوف رأيتهم ينظرون
اندکی در حالیکه بخیلانند بر شما پس چون آید ترس از دشمن دیدی ایشانرا که مینگرند
إليك تدور أعينهم كالذي يغشى عليه من الموت فإذا
بسوی تو میگردد چشمهای ایشان مانند چشم کسی که پوشیده شده باشد بر او از مرگ پس چون
ذهب الخوف سلقوكم بألسنة حداد أشحة على الخير
برود ترس بزنجانند شمارا بزبانهای تند درحالتیکه بخیلند بر غنیمت
أولئك لم يؤمنوا فأحبط الله أعمالهم وكان ذلك على الله
آن گروه ایمان نمی آورند پس باطل گردانید خدا کردار ایشانرا و هست این بر خدا
يسيرا ۝ يحسبون الأحزاب لم يذهبوا وإن يأت الأحزاب
آسان می پندارند مناقشان آنکه لشکرهای کفار نرفته اند از مدینه و اگر بیایند لشکرهای کفار
يودوا لو أنهم بادون في الأعراب يسئلون عن أنبائكم
دوست دارند اگر ایشان صحرانشینان بودندی در عربها میپرسیدند از خبرهای شما
ولو كانوا فيكم ما قاتلوا إلا قليلا ۝ لقد كان لكم في
و اگر بودندی در میان شما جنگ نکردندی مگر اندکی بدرستی که هست مر شمارا در ذات
رسول الله أسوة حسنة لمن كان يرجو الله واليوم
پیغمبر خدا خصلتی پسندیده مر کسی را که امید دارد بخدا و روز
الآخر وذكر الله كثيرا ۝ ولما رأى المؤمنون الأحزاب
قیامت و یاد کرد خدا را بسیار و آن هنگام که دیدند گروندگان لشکرهای کفار را
قالوا هذا ما وعدنا الله ورسوله وصدق الله ورسوله
گفتند این آن چیزیست که وعده کرد ما را خدا و پیغمبر او و راست گفت خدا و پیغمبر او
وما زادهم إلا إيمانا وتسليما ۝ من المؤمنين رجال
و نیفزود ایشانرا مگر ایمان و گردن نهادنی از مؤمنان مردانند

دی نهاد دوازده سال نه علاقه بود پس فرمود که رود چون حضرت علی علیه السلام متوجه جانب عمرو شد رسول خدا فرمود که اللهم احفظ من بین یدیه و من خلفه و عن یمینه و عن شماله و من فوقه و من تحت قدمیه و آنحضرت رجزی چند مشتمل بر قوت و جلادت خود خوانده برابر عمرو ایستاد عمرو گفت تو کیستی فرمود منم علی عمرو گفت پسر عبد مناف فرمود منم علی بن ابیطالب بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف پس عمرو گفت برگرد و دیگری را بفرست که از تو بزرگتر باشد برادرزاده من که میخواهم خون تو را بریزم آنحضرت فرمود لیکن مرا نمی آید ریختن خون تو پس عمرو بخشم رفته مرکب فرو آمده شمشیر چون شعله آتش کشیده بخشم تمام بر سر آنحضرت فرود آورد آنحضرت پر بر سر کشیده و تیغ آن بابکار بر سر او رسیده سپر مبارک آنحضرت را مجروح گردانیده پس آنحضرت ذو الفقار بر دوش او بر وایت حذیفه بر پای او شکاف کردند چنانکه از شدت ضعف آن از پای در آمد پس آنحضرت سر او را از تن جدا کرده بخدمت رسول خدا آورد از طرف اصحاب تا رضی الله عنهم مروی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که ضربت علی یوم الخندق افضل من عبادة الثقلین و نوفل عبد الغزی میان خندق آمده خواست از خندق برآید که مدارک خون عمرو نمایند مسلمانان او را بسنگ بار نمودند و آخر مقاتله زبیر ابن عوام کشته شد و حضرت امام فرمود که امروز شبیه بود بروز قیامت و گویند که فرشتگان همه در آن جدد مسلمانان آمدند

بیستی
یهود بنی قریظه
که قلعه ایشان در حوالی مدینه بود

واز مسلمانان در امان بودند و نقض عهد کردند
بمعاونت احزاب بقلعه خود گریختند و چون
ابن اخطب هم بقلعه ایشان گریخت و در مجمع
السیر حکایت کرده که چون رسول خدا از
خندق مراجعت فرمود و اسلحه حرب را از
بر مبارک خود بیرون کرد و سر و تن بشست
در اینوقت جبرئیل مسلح و مکمل آمد و گفت ای
محمد چرا اسلحه را از تن خود بیرون کردی و حال
آنکه ما هنوز با اسلحه مهیای جهاد ایم باید بجهاد
بنی قریظه رفت پس رسول از جای خود برجست
و مردمان را فرمود که بجانب حصار بنی قریظه
بیرون روند و ایشان را قسم داد که عار عصر را
نگذارند مگر در پای حصار ایشان و علم را بدست امیر
مومنان داد و او را با لشکری پیش فرستاد و خود
از عقب رفت نزدیک بغروب بقلعه ایشان
رسیدند و آنحضرت در راه بجمعی از انصار رسیدند
که ایستاده منتظر مقدم شریف آنحضرت بودند
و ایشان گفتند که دحیه کلبی بر اسر شهانی که
بر روی آن اسر قطیفه دیبائی بود نشسته بحضرت
فرمود که او دحیه کلبی نبود بلکه جبرئیل بود جعفیانی
او را فرستاده بسوی قریظه که ایشان را بترساند
در آورد و بر دلهای ایشان افکند و بحضرت
چون نزدیک قلعه ایشان رسید فرمود یا اخوة
القردة و الخنازیر هل اخزاکم الله و انزل بکم

صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ
که راست گفتند آنچه عهد بستند با خدا برآنچه پس از ایشان کسی هست که وفا کرد بعهد و از ایشان
مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ
کسی هست که انتظار شهادت میکشد و تغییر ندارد و تغییر داد نی تا پاداش دهد خدا راستگویان را بر راستی ایشان
وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ
و عذاب میکند منافقان را اگر خواهد یا قبول توبه کند بر ایشان بدرستی که خدا هست
غَفُورًا رَحِيمًا وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا
آمرزنده مهربان و باز گردانید خدا آنانرا که کافر شدند بخشم ایشان نیافتند خیر و نصرتی
وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا وَأَنْزَلَ
و کفایت کرد خدا مومنان را بمقاتله کردن و هست خدا توانای غالب و فرود آورد
الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ وَقَذَفَ
آنانرا که پشتی کردند ایشان را از اهل کتاب تورات از قلعهای ایشان و انداخت
فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا وَأَوْرَثَكُمْ
در دلهای ایشان ترس گروهی را که میکشتند و اسیر میگردید گروهی را و میراث داد
أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطَئُوهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَى
خدا شما را زمین ایشان و خانه‌های ایشان و مالهای ایشان را و زمینی را که گام بنهادید بر آنرا و هست خدا بر
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتُنَّ
همه چیز توانا ای پیغمبر گفته بگو مر زنان خود را اگر هستید شما که
تُرِدْنَ الْحَيَوٰةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ
میخواهید زندگانی دنیا را و آرایش آنرا پس بیائید که متعه طلاق دهم شما را
سَرَاحًا جَمِيلًا وَإِنْ كُنْتُنَّ تُرِدْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ
رها کردنی نیکو و اگر هستید که میخواهید خدا و پیغمبر او را و سرای آخرت را
فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ
پس بدرستی که خدا آماده برای نیکوکاران از شما مزدی بزرگ ای زنان پیغمبر

مَنْ يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ

هر که بیاید از شما بکاری زشت بروشن دو چندان کرده شود مر او را عذاب

ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا ۞ وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ

دو چندان و هست این بر خدا آسان و هر که مداومت کند بر طاعت از شما

وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُّؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا

خدا و کند کار شایسته بدهیم مزد او را دو مرتبه و آماده ساخته ایم برای او روزی

كَرِيمًا ۞ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ

نیکو ای زنان پیغمبر نیستید شما مانند یکی از زنان امت اگر پرهیزگاری کنید

فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ

از خدا پس نرمی ننمایید بگفتن پس طمع کند آنکه در دل او مرضی است و بگویند

قَوْلًا مَّعْرُوفًا ۞ وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ

گفتاری پسندیده و قرار گیرید در خانهای خود و اظهار مکنید زینت خود را مانند اظهار کردن زمان جاهلیت

الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۚ إِنَّمَا

اولی و برپا دارید نماز را و بدهید زکوة را و اطاعت کنید خدا و فرستاده او را

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ

جز این نیست که میخواهد خدا ببرد از شما پلیدی گناه را ای خانواده پیغمبر و پاک گرداند شما را

تَطْهِيرًا ۞ وَاذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ ۚ

پاک کردنی و یاد کنید ای زنان پیغمبر آنچه خوانده شود در خانهای شما از آیات خدا و سخنان خدا

إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ۞ إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ

بدرستی که خدا هست لطف کننده آگاه بدرستی مردان مسلم و زنان مسلمه و مردان مومن

وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَ

و زنان مومنه و مردان فرمانبر و زنان فرمانبرده و مردان راستگو و زنان راستگو

وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَ

و مردان صبر کننده و زنان صابره و مردان تواضع کننده و زنان متواضعه و

المصدق

بیاید
ناچگی باتفاق از قلعه
پیرون آیم و شبخون ریزم
ایشان بر ما هم راضی نشده گفت کنیم
عاقلی در میان شما نبود پس بخدمت آن
حضرت فرستاده استدعا کردند از قلعه
بیرون آیند و هر چه سعد ابن معاذ درباره ایشان
حکم کند اجرا شود آنحضرت قبول نمودند
ایشان از قلعه بیرون آمدند سعد حکم کرد
درباره ایشان کشتن مردان کاری و اسیر کردن
کودکان و زنان و غارت کردن اموال ایشان
و گفت که باغات و بساتین ایشان مخصوص
مهاجرین باشد چون انصار در مدینه باغات
و مزارعات دارند و مهاجرین ندارند پس آنحضرت
فرمود که آن حکم همان حکمی است که حق تعالی
بالای هفت آسمان کرده پس مردان ایشان را
که شش صد تن و بقولی چهار صد و پنجاه تن بودند
کشتند و زنان و کودکان و اموال ایشان را
میان مسلمانان قسمت نمودند

بیان

علمای امامیه رضی الله عنهم و اخبار اهل بیت
رسالت صلی الله علیه و آله این آیه در شان آنحضرت
و امیر المومنین و فاطمه و حسنین علیهم السلام
نازل شده و از طرق عامه هم اخبار در این باب
زیاده از حد حصر است از انجمله از ثعلبی مسطور است
که در تفسیر خود بسند خود از ابو سعید خدری
روایت کرده که رسول خدا فرمود این آیه در شان
من و علی و حسن و حسین و فاطمه است ابو حمزه ثمالی
از ام سلمه روایت کرده که فاطمه علیها السلام
آمد و حریره آورد پیش رسول گفت که شوهر

یا رسول الله
من هم با ایشانم
آنحضرت فرمود انت الی خیر یعنی تو

المُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ

مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده و مردان روزه دار و زنان صائمه

وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا

و مردان نگاهدارنده فرجهای خود و زنان نگاهدارنده خود و مردان ذکر کننده خدا بسیار

وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ۝ وَمَا كَانَ

و زنان ذکر کننده آماده کرده خدا برای ایشان آمرزش و مزدی بزرگ و نشاید

لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ

هیچ مؤمن و زن مؤمنه را چون خدا و پیغمبر او در کاری آنکه باشد مر ایشانرا

الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا

اختیاری از کار خود و هر که نافرمانی کند خدا و فرستاده او را پس بحقیق گمراه شد گمراه شدنی

مُبِينًا ۝ وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ

ظاهر و یاد کن ای محمد چون گفتی مر آنکس را که انعام کرد خدا بر او و انعام کردی بر او

أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ

بازدار نگاهدار بر ای خود زن خود را و بترس از خدا و نهان میکردی در نفس خود آنچیزی را که

مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ

خدا ظاهر کننده آنست و میترسی تو از سرزنش مردمان و خدا سزاوارتر است آنکه بترسی از او پس چنانکه گذارد زید

مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ

حاجت خود را او طلاق داد ترا زوج نمودیم ترا بزینب تا نباشد بعد از تو بر مؤمنان تنگی

فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ

در زنان پسر خواندگان خود وقتیکه گذارده شد از ایشان حاجت و هست حکم خدا

مَفْعُولًا ۝ مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ

کرده شده و نیست بر پیغمبر هیچ ورزو و بالی در آنچه واجب کرده خدا برای او سنت نهاد

اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا

خدا الم در دین آنانکه گذشتند پیش ازین و هست حکم خدا حکمی اندازه شده و ناقد

یا رسول الله من هم با ایشانم
آنحضرت فرمود انت الی خیر یعنی تو

زن نیکی هستی اما از اهل بهشتی و شیخ ابو
علی طبرسی رضی الله عنه از ابو القاسم حسکانی بسند
او از جابر ابن عبد الله روایت کرده که گفت
این آیه نازل شد بر پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله
و حال آنکه بنود در خانه آنحضرت بغیر از فاطمه
و چنین و علی علیهم السلام پس آنحضرت فرمود که
اللهم هؤلاء اهل بیتی و بستد او از را دان
حکایت کرده که حسن ابن علی علیهما السلام فرمود
که چون این آیه نازل شد ما را جمع فرمود زیر عبای
و فرمود که اللهم هؤلاء اهل بیتی
و عترتی
در مجمع
البیان گفته که رسول خدا صلی الله علیه و آله
زینب را که عمه زاده آنحضرت بود خواستگاری
نمود و زینب را گمان آن بود که او را آنحضرت برای
خود میخواهد چون یافت که برای زید میخواهد ابا
نمود و قبول نکرد و گفت من عمه زاده توام
زن آزاد کرده تو نمیشوم و برادر زینب عبد الله
ابن جحش هم از آن حکایت ابا نمود پس آیه
و من یعص الله من الاول الی آخر نازل شده
پس زینب گفت یا رسول الله راضی شدم و
اختیار خود را بدست تو دادم و عبد الله
هم تن داد پس آنحضرت برفتی او را بزید داد
و ده دینار و شصت درهم و روپاکی و چادری

در تفسیر خود حکایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله زید را بسیار دوست میداشت و هرگاه زید در بخدمت آنحضرت رسیدی بخانه او رفتی و احوال او گرفتی روزی بخدمت آنحضرت رسید در آنحضرت بخانه وی فت دید که زینب در میان حجره مشغول سائیدن طیب است چون آنحضرت او را دید فرمود سبحان الله خالق النور تبارک الله احسن الخالقین و بازگردید و چون زید بخانه آمد زینب آنچه دیده و شنیده حکایت کرد برای زید زید گفت گویا دوستی تو در دل رسول خدا آنجای کرده میخواهی که تو را طلاق گویم تا آنحضرت تو را بزوج نماید زینب گفت میسر هم تو مرا طلاق گوئی آنحضرت مرا بزنی بخواهد پس زید بخدمت رسول خدا عرضه داشت که میخواهم زینب را طلاق گویم آنحضرت فرمود که نگاهدار زن خود را و طلاق مگو او را و از خدا بترس از آزار او و جدائی او و آنحضرت در خاطر داشت که اگر زید او را طلاق گوید خود بزوج نماید میسر نشد از سرزنش مردمان که بگویند گفت زید را که زن خود را طلاق گو پس از طلاق زید خود خواست و از حضرت علی ابن الحسین مرویست که حق سبحانه و تعالی او را خبر داده بود که زید زینب را طلاق خواهد داد و از جمله ازواج آنحضرت خواهد شد پس حق تعالی خطاب فرمود که چرا در دل خود پنهان میداری آنچه ما آشکارا خواهیم کرد و از مردمان میترسی و حال آنکه ترسیدن از ما سزاوارتر است پس چون زید حاجت خود از زینب برآورد یعنی او را طلاق داد و عدت او بسر آمد ما تو را بزنی او درآوردیم تا دیگر مؤمنان را در زنان پسر خواندگان خود که حاجت خود از ایشان برآورند تنگی نباشد و فرمان خدا کردنی است

اَلَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللّٰهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ اَحَدًا
آنانکه میرسانند پیغامهای خدا را و میترسند از خدا و نمیترسند از کسی
اِلَّا اللّٰهَ وَكَفٰى بِاللّٰهِ حَسِيبًا ۝ مَا كَانَ مُحَمَّدٌ اَبَا اَحَدٍ مِّنْ
مگر خدا را و بس است خدا کفایت کننده نیست محمد پدر یکی از
رِّجَالِكُمْ وَلٰكِنْ رَّسُولَ اللّٰهِ وَخَاتَمَ النَّبِيّٖنَ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ بِكُلِّ
مردان شما ولیکن فرستاده خدا و ختم پیغمبرانست و هست خدا بهر چیز
شَيْءٍ عَلِيمًا ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا اذْكُرُوا اللّٰهَ ذِكْرًا كَثِيرًا
چیز دانا ای آنانکه گرویده اید یاد کنید خدا را یاد کردنی بسیار
وَّسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَّاَصِيلًا ۝ هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَ
و تسبیح کنید او را بامداد و شبانگاه اوست آنخداوندی که رحمت میکند بر شما و
مَلٰٓئِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُمْ مِّنَ الظُّلُمٰتِ اِلَى النُّوْرِ ۗ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ
آمرزش خواهند فرشتگان تا بیرون آرد شما را از تاریکیهای کفر بسوی نور اسلام و هست خدا بمؤمنان
رَحِيمًا ۝ تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ سَلٰمٌ ۚ وَاَعَدَّ لَهُمْ اَجْرًا كَرِيمًا
مهربان درود خدا مؤمنان را روزیکه بر سند بر بهشت اسلام و آماده کرده برای ایشان مزدی بزرگوار
يٰٓاَيُّهَا النَّبِيُّ اِنَّآ اَرْسَلْنٰكَ شَاهِدًا وَّمُبَشِّرًا وَّنَذِيرًا ۝
ای پیغمبر بدرستی که ما فرستادیم تو را گواه بر امت و مژده دهنده و بیم کننده
وَّدَاعِيًا اِلَى اللّٰهِ بِاِذْنِهٖ وَسِرَاجًا مُّنِيرًا ۝ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِيْنَ
و خواننده مردم را بپرستش خدا بفرمان او و چراغی روشن افروخته و مژده ده مؤمنان را
بِاَنَّ لَهُمْ مِّنَ اللّٰهِ فَضْلًا كَبِيرًا ۝ وَلَا تُطِعِ الْكٰفِرِيْنَ وَ
باینکه مر ایشانرا است از خدا بخشش بزرگ و پیروی مکن کفار را و
الْمُنٰفِقِيْنَ وَدَعْ اَذٰىهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ ۗ وَكَفٰى بِاللّٰهِ
منافقان را و دست بدار از رنج رسانیدن ایشان و توکل کن بر خدا و بس است خدا
وَكِيلًا ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوٓا اِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنٰتِ ثُمَّ طَلَّقْتُمُوهُنَّ
کارسازی ای کسانیکه گرویده اید چون نکاح کنید زنان مؤمنه را پس طلاق دهید ایشانرا

مِنْ قَبْلِ اَنْ تَمَسُّوْهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُّوْنَهَا

پیش از آنکه دست کنید ایشان را پس نیست مر شما را بر ایشان هیچ عدّه که بشمارند آنرا

فَمَتِّعُوْهُنَّ وَسَرِّحُوْهُنَّ سَرَاحًا جَمِيْلًا ۝ يٰٓاَيُّهَا النَّبِيُّ اِنَّآ

پس متمتع سازید آزاد رها کنید ایشان را رها کردن نیکو ای نبی بدرستی که ما

اَحْلَلْنَا لَكَ اَزْوَاجَكَ الّٰتِيْٓ اٰتَيْتَ اُجُوْرَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ

حلال کردیم برای تو زنان تو را که دادی مهرهای ایشان را و آنچه مالک شده

يَمِيْنُكَ مِمَّآ اَفَآءَ اللّٰهُ عَلَيْكَ وَبَنٰتِ عَمِّكَ وَبَنٰتِ عَمّٰتِكَ

دستهای تو از آنچه گردانید خدا بر تو و دختران عم تو و دختران عمه های تو

وَبَنٰتِ خَالِكَ وَبَنٰتِ خٰلٰتِكَ الّٰتِيْ هَاجَرْنَ مَعَكَ

و دختران خالهای تو و دختران خاله های تو که هجرت کردند با تو

وَامْرَاَةً مُّؤْمِنَةً اِنْ وَّهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ اِنْ اَرَادَ النَّبِيُّ

و زنان مؤمنه را اگر ببخشند نفس خود را به پیغمبر اگر خواهد پیغمبر

اَنْ يَّسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِنْ دُوْنِ الْمُؤْمِنِيْنَ ۭ قَدْ عَلِمْنَا

آنکه طلب نکاح کند او را خالص است این مر تو را بغیر از مؤمنان بتحقیق دانسته ایم ما

مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِيْٓ اَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ اَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا

آنچه فرض کرده ایم بر ایشان در زنان ایشان و آنچه مالک شده دستهای ایشان تا

يَكُوْنَ عَلَيْكَ حَرَجٌ ۭ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا ۝ تُرْجِيْ مَنْ تَشَآءُ

نباشد بر تو تنگی و هست خدا آمرزنده مهربان باز پس دار هر که خواهی

مِنْهُنَّ وَتُــــْٔوِيْٓ اِلَيْكَ مَنْ تَشَآءُ ۭ وَمَنِ ابْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا

از ایشان و جای ده بسوی خود هر که خواهی و هر که خواهی طلبی از آنها که یکطرف رفته اند

جُنَاحَ عَلَيْكَ ۭ ذٰلِكَ اَدْنٰٓى اَنْ تَقَرَّ اَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَّ وَ

پس نیست گناهی بر تو این نزدیکتر است باینکه روشن شود چشمهای ایشان و اندوهناک نشوند و

يَرْضَيْنَ بِمَآ اٰتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ ۭ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ مَا فِيْ قُلُوْبِكُمْ ۭ

خشنود شوند بآنچه بدهی بایشان همه از نفقه و خدا میداند آنچه در دلهای شماست

وَكَانَ اللّٰهُ عَلِيمًا حَلِيمًا ۝ لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا

وهست خدا دانای بردبار ۝ حلال نیست مر تو را از زنان دیگر بعد ازین زنان و نه

اَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ اَزْوَاجٍ وَلَوْ اَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ اِلَّا مَا مَلَكَتْ

انکه بدل کنی ایشان را از زنان دیگر ۝ و اگر بشگفت آرد تو را حسن ایشان ۝ مگر آنچه مالک شده

يَمِينُكَ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا ۝ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا

دستهای تو ۝ وهست خدا بر هر چیز نگاهبان ۝ ای کسانیکه گرویدید

لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ اِلَّا اَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ اِلٰى طَعَامٍ غَيْرَ

داخل مشوید بخانه پیغمبر مگر انکه مرخص باشید شما بخوردن طعام در حالتی که غیر

نٰظِرِينَ اِنٰىهُ وَلٰكِنْ اِذَا دُعِيتُمْ فَادْخُلُوا فَاِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا

منتظر باشید وقت طعام را ولیکن چون خوانده شوید پس داخل شوید پس چون طعام خوردید پس پراکنده شوید

وَلَا مُسْتَاْنِسِينَ لِحَدِيثٍ ۚ اِنَّ ذٰلِكُمْ كَانَ يُؤْذِي النَّبِيَّ

و داخل مشوید در حالی که آرام گیرندگان باشید برای سخن ۝ بدرستیکه این در هنگام شما هست که

فَيَسْتَحْيِي مِنْكُمْ ۖ وَاللّٰهُ لَا يَسْتَحْيِي مِنَ الْحَقِّ ۚ وَاِذَا سَاَلْتُمُوهُنَّ

پس شرم میدارد پیغمبر از شما و خدا شرم ندارد ۝ از راست گفتن و چون سوال کنید از زنان پیغمبر

مَتَاعًا فَاسْـَٔلُوهُنَّ مِنْ وَرَاۤءِ حِجَابٍ ۚ ذٰلِكُمْ اَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ

چیزی که بدان انتفاع کنید پس بپرسید از ایشان از پس پرده این سوال از جهت پاکتر است مر دلهای شما را

وَقُلُوبِهِنَّ ۚ وَمَا كَانَ لَكُمْ اَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللّٰهِ وَلَاۤ اَنْ

و دلهای ایشان را و روا نباشد مر شما را که برنجانید پیغمبر خدا را و نه آنکه

تَنْكِحُوۤا اَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ اَبَدًا ۚ اِنَّ ذٰلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللّٰهِ

نکاح کنید زنان پیغمبر را از بعد پیغمبر همیشه بدرستی که نکاح ازواج پیغمبر هست نزد خدا

عَظِيمًا ۝ اِنْ تُبْدُوا شَيْـًٔا اَوْ تُخْفُوهُ فَاِنَّ اللّٰهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ

بزرگ ۝ اگر آشکار کنید چیزی را یا پنهان دارید از پس بدرستی که خدا هست بهر چیز

عَلِيمًا ۝ لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِيۤ اٰبَآئِهِنَّ وَلَاۤ اَبْنَآئِهِنَّ وَلَاۤ

دانا ۝ هیچ گناهی نیست بر زنان در روی نمودن به پدران خود و نه پسران خود و نه

اِخْوَانِهِنَّ

خلاصه معنی آیکه مرخصت حضرت پیغمبر بخانه او مرو دید و هنگام شمار انجوانید بطعام می روید در حالتیکه منتظر باشید وقت طعام را و لیکن چون خوانده شوید داخل شوید پس چون طعام خوردید پراکنده شوید و مروید در حالتیکه بعد از خوردن طعام نشسته باشید و با هم سخن گویید و حکایت کنید بلکه بعد فراغ از طعام فی الفور برخیزید و مروید مجمع ایشان گفته که در عروسی زینب رسول خدا ولیمه ساخت و اصحاب را بآن دعوت نموده کروه کروه می آمدند بخانه بحضرت و طعام میخوردند و میرفتند و چون همگی خوردند و نرفتند آن حضرت برخاست و بیرون رفت و چون همگی برخاستند و رفتند و هم از جای خود نجنبیدند و بطول انجامیدند مکث ایشان پس رسول خدا از مجلس برخاست تا شاید ایشان برخیزند چون میخواست خلوت کند با زینب و قدری راه رفت و گمان آنکه ایشان برخواسته و رفته اند مراجعت نمود دید که باز ایشان بسر رشته اند و نمیخواهند که ایشان را برنجاند و شرم داشت از آنکه ایشان را از جای خود بیرون کند پس این آیه آمد در انموقع مردان و زنان دیدن ایشان برگشتند مگر محارمی که در آیه بعد استثنا شده گویند روزی جمعی در خانه آنحضرت طعام میخوردند از مردان و زنان آنحضرت تیز بودند در اثنای طعام خوردن و دست مردی بدست عایشه رسید آنحضرت را این امر مکروه طبع مبارک آمد آیه حجاب نازل شد

اخوانهن

اخوانهن ولا ابنآء اخوانهن ولا ابنآء اخواتهن ولا

برادران خود و نه پسران برادر خود و نه پسران خواهران خود و نه

نسآئهن ولا ملكت ايمانهن واتقين الله ان الله كان

زنان خود و نه آنچه مالکست و بترسید ای زنان از خدا بدرستی که خدا

على كل شيء شهيدا ان الله وملآئكته يصلون على

بر همه چیز گواه بدرستیکه خدا و فرشتگان او درود میفرستند بر

النبي يا ايها الذين امنوا صلوا عليه وسلموا تسليما

پیغمبر ای کسانی که گرویدید درخواست کنید برای او و تسلیم کنید حکم او را تسلیم کردنی

ان الذين يؤذون الله ورسوله لعنهم الله في الدنيا و

بدرستیکه آنانکه میرنجانند خدا و پیغمبر او را لعنت کرد ایشانرا خدا در دنیا و

الاخرة واعد لهم عذابا مهينا والذين يؤذون المؤمنين

قیامت و آماده کرده برای ایشان عذابی خوارکننده و آنانکه میرنجانند مردان مومن

والمؤمنات بغير ما اكتسبوا فقد احتملوا بهتانا و

و زنان مومنه را بغیر آنچه کسب کردند پس بتحقیق که برداشتند بار بهتانی و

اثما مبينا يا ايها النبي قل لازواجك وبناتك و

گناهی هویدا ای پیغمبر بگو مر زنان خود را و دختران خود را و

نسآء المؤمنين يدنين عليهن من جلابيبهن ذلك ادنى

زنان مومن را که در وقت خروج نزدیک کنند یعنی فروگذارند بر رویهای خود چادرهای خود را این نزدیکتر است

ان يعرفن فلا يؤذين وكان الله غفورا رحيما لئن لم ينته

باینکه شناخته شوند پس ایذا کرده نشوند و هست خدا آمرزنده مهربان اگر باز نه ایستند

المنافقون والذين في قلوبهم مرض والمرجفون في المدينة

منافقان و آنانکه در دلهای ایشان مرضست از قصد زنان و اراجف گویندگان در مدینه

لنغرينك بهم ثم لا يجاورونك فيها الا قليلا ملعونين

هر آینه بر کاریم تو را بایشان پس همسایگی نکنند تو را در مدینه مگر اندکی در حالتیکه ملعون باشند

از ابو جمره ثعالبی مرویست که پسندیده خواهد بود

ابن عجره روایت کرده که چون آیه ان الله وملائکته یصلون

تا آخر نازل شد گفتم یا رسول الله السلام

کردن بر تو را میدانیم چگونه است صلوه بر تو را

میدانیم فرمود بگویید اللهم صل علی محمد و آل

محمد کما صلیت علی ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید

مجید و بارک علی محمد و آل محمد کما بارکت علی

ابراهیم و آل ابراهیم انک حمید مجید محمد و آل

ابو بصیر حکایت کرده که گفت از حضرت صادق

علیه السلام رسیدم از تفسیر این کریمه و عرضه

داشتم که چگونه است صلوات خدا بر رسول او

فرمود که ای ابا محمد صلوات خدا از حضرت

عبارتست از ثنا و کردن او بپاکی در پاکان

آسمان بلند مرتبه پس عرضه داشتم که صلوات

بر آنحضرت میدانیم تسلیم ما چگونه است فرمود

که آن عبارتست از انقیاد و فرمان برداری

او در هر باب و بقولی تسلیم عبارتست از کفار از اسلام

علیک یا رسول الله و امثال آن و علمای ملت

اجمعی در باب وجوب صلوه و سلام بر آنحضرت

اختلاف کرده بعضی قایل بوجوب

آن شده هر گاه نام مبارک

آنحضرت مذکور شود

از حضرت

صادق صلوات الله علیه مرویست که رسول

از خانه بیرون آمد و حال آنکه دست فاطمه

بدست خود گرفته بود فرمود که هر که او را شاد

أَيْنَمَا ثُقِفُوا أُخِذُوا وَقُتِّلُوا تَقْتِيلًا ۝ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا

هر کا و یافت شوند ایشان گرفته شوند و کشته شوند کشتنی بخواری ۝ سنت نهاد خدا را در ... دین آنانکه گذشته اند

مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۝ يَسْئَلُكَ النَّاسُ

پیش ازین و نیابی تو مر سنت و طریق خدا را میل کردنی ۝ میپرسند ترا مردمان

عَنِ السَّاعَةِ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ

از قیامت بگو جز این نیست که دانستن آن نزد خداست و چه چیز دانا کرد تو را شاید آمدن قیامت

تَكُونُ قَرِيبًا ۝ إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكَافِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا ۝

باشد نزدیک بدرستیکه خدا لعنت کرده کافران را و آماده کرده برای ایشان دوزخ را

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝ يَوْمَ تُقَلَّبُ

که جاوید اند در آن همیشه نیابند دوستی و نه یاری دهنده روزیکه گردانیده شود

وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا

رویهای ایشان در آتش گویند ای کاشکی فرمان بردیم خدا و پیروی کردیم

الرَّسُولَا ۝ وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا

پیغمبر را و گفتند پروردگارا بدرستی که ما اطاعت کردیم مهتران خود و بزرگان خود را پس گمراه کردند

السَّبِيلَا ۝ رَبَّنَا آتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنْهُمْ لَعْنًا

ما را از راه حق پروردگارا بده ایشانرا دو برابر از عذاب و لعنت کن بر ایشان لعنتی

كَبِيرًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ آذَوْا مُوسَى

بزرگ ای کسانیکه گرویدند مباشید مانند آنانکه رنجانیدند موسی را

فَبَرَّأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

پس پاک کرد او را خدا از آنچه گفتند و بود موسی نزد خدا با جاه و قرب ای کسانی که

آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا ۝ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ

گرویدید بترسید از عذاب خدا و بگویید گفتنی استوار تا بصلاح آرد برای شما کارهای شما را و

يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ

بیامرزد برای شما گناهان شما را و هر که فرمان برد خدا و پیغمبر او را پس بتحقیق که فیروزی یافت

يعنى
ايذاى محمد مكنيد
و نسبت بدهيد با وچيزى را كه
مالايق است از سفاهت و دروغ و
نصب خليفه از پيش خود و مجرد دوستى خانواده
خود چنانچه بعضى از منافقان كردند هنگام
اخبار آن حضرت در خندق بفتح بلاد و
خواب فتح مكه و نصب امير المؤمنين عليه
السلام همچنانكه قوم موسى امثال اين سخنان از
گستن هارون و غير آن بآن جناب نسبت
كردند

مراد
از امانت درین
کریمه او امر و نواهی است
و غرض آنها بر سایگان آسمانها از زمینیان
و ساکنان از حیوانات است و بقبولی حق تعالی
هنگام آفریدن آسمانها و زمین آنها را شعوری
کرامت فرمود که شرعی قرار میدهم و هر که
فرمان بر بهشت میبرم او را و هر که نافرمانی
من کند بدوزخش میسپرم گفتند ما در حکم و فرمان
تو ایم نه بهشت جاودان میخواهیم و نه عذاب
آتش سوزان داریم و قبول تکلیف کردند
و بقبولی عرض شدت امر تکلیف است که گویا
اگر آسمان و زمین با این بزرگی هیکل اگر شعوری میداشتند
قبول آن نمینمودند از خصوص خیانت انسان
و آدمیزاد با این همه قبول آن را نمود
این کتب از سید عالم
صلی الله علیه و آله نقل کرده که هر که پیوسته
بسا و خاطر او در شب بخواند تا روز
در خط خدا باشد و خیری با او
نخواند رسانید و اگر در روز بخواند تا شب
نگذرد و خدا او
خشنود شود

فَوْزًا عَظِيمًا ۞ إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ

فیروزی بزرگ ۞ بدرستی که ما عرض کردیم امانت را که تکلیف است بر آسمانها و زمین

وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ

و کوهها پس سر باز زدند از آنکه بردارند امانت را و ترسیدند از آن و برداشت آن را آدمی

إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا ۞ لِيُعَذِّبَ اللّٰهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ

بدرستی که هست آدمی بسیار کار نادان عرض امانت بجهة آن بود تا عذاب خدا مردان منافق و زنان منافقه را

وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللّٰهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و مردان مشرک و زنان مشرکه را و تا رجوع کند خدا برحمت بر مردان مؤمن و زنان مومنه

وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَحِيمًا

و هست خدا آمرزنده مهربان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ

همه ستایش مر خدا را راست که مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است و مر او راست

الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ ۞ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي

ستایش در آخرت و او است درست کار باریک بین میداند آنچه میرود در

الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ

زمین و آنچه بیرون می آید از آن و آنچه فرود می آید از آسمان و آنچه بالا میرود

فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ ۞ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا

در آن و او است مهربان آمرزنده و گفت آنانکه کافر شدند نمی آید ما

السَّاعَةُ قُلْ بَلَى وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ

قیامت بگو ای محمد بلی می آید بحق پروردگار من هر آینه میاید شما را قیامت دانای پنهان او دور نشود از قلم او

مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمٰوٰتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ

سنگ مورچه خورد نه در آسمانها و نه در زمین و نه هست خورد تر از

ذٰلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ ۝ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ آمَنُوا

مثقال ذره و نه بزرگتر است مگر در کتاب روشن تا جزا دهد آنان را که گرویدند

وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

و کردند کارهای شایسته آمرزشی گناه و روزی نیکو

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي آيَاتِنَا مُعَاجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِنْ رِجْزٍ

و آنانکه سعی کردند در آیات ما عجز کنندگان آنگروه مر ایشانراست عذاب از عذاب

أَلِيمٌ ۝ وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ

دردناک و میداند آنانکه داده شدند علم آنچه فرستاده شد بسوی تو از پروردگار تو

هُوَ الْحَقَّ وَيَهْدِي إِلَىٰ صِرَاطِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ

اوست حق و راه مینماید بسوی خدای غالب ستوده و گفتند آنانکه

كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنَبِّئُكُمْ إِذَا مُزِّقْتُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ

کافر شدند آیا دلالت کنیم شما را بر مردی که خبر میدهد شما را که چون پاره پاره

إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝ أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ

می شوید پاره پاره که باشد بدرستی که شما هر آینه در آفرینش تازه اید آیا می بندد بر خدا دروغ یا با او دیوانگی

بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ

بلکه آنانکه نمیگروند بقیامت در عذاب و گمراهی دورند

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

آیا پس نمی بینند بسوی آنچه میان دستهای ایشان است و آنچه پس ایشان است از آسمان و زمین

إِنْ نَشَأْ نَخْسِفْ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطْ عَلَيْهِمْ كِسَفًا مِنَ السَّمَاءِ

اگر خواهیم فرو بریم ایشانرا بزمین یا فرو افکنیم بر ایشان پاره از آسمان

إِنَّ فِي ذٰلِكَ لَآيَةً لِكُلِّ عَبْدٍ مُنِيبٍ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا

بدرستی که در این هر آینه دلیلی است برای هر بنده بازگرداننده و بتحقیق دادیم ما

دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَأَلَنَّا لَهُ

داود را از خود فضلی گفتیم ای کوهها بازگردانید آواز خود را با او و ای مرغان شما نیز چنین کنید و نرم

تا وب

عبارتست از رجوع

تسبیح و بازگشت نمودن با و تسبیح پس از

تسبیحی دگر خلاصه مضمون آنکه کوهها را همه

فرمودیم که تسبیح خدا کنند هرگاه داود

تسبیح او گویند و مرغان را فرمودیم که تسبیح

خدا گویند با داود و بقولی تاوب بمعنی سیر

و حرکت در روز است و کوهها و مرغها هم

همه مامور بودند که هرجا

داود رود با او

بروند

الحدید ۲۷ ان اعمل سابغات وقدر فی السرد واعملوا صالحا
گردیم برای او آهن را امر گردیم که بسازد زره بهای ◎ واندازه نگهدار در بافتن آن وگفتیم که عمل کنید عمل شایسته
انی بما تعملون بصیر ◎ ولسلیمان الریح غدوها شهر
بدرستیکه من بآنچه میکنید بینایم ◎ ومسخر گردیم برای سلیمان باد را که رفتن آن در بامداد یکماه راه بود
ورواحها شهر واسلنا له عین القطر ومن الجن من یعمل
ورفتن آن در شبانگاه نیز یکماه راه بود وجاری گردیم برای او چشمه مس را مانند آب کرم ورام او گردیم از جنیان کسانی که
بین یدیه باذن ربه ومن یزغ منهم عن امرنا نذقه من عذاب
کار میکردند پیش او بفرمان پروردگار او وهر که میل میکند از ایشان از فرمان ما میچشانیدیم او را از عذاب
السعیر یعملون له ما یشاء من محاریب وتماثیل وجفان
آتش افروخته ◎ میساختند دیوان برای سلیمان آنچه میخواست از غرفه ها وصورتهای زشت وکاسه های چون
کالجواب وقدور راسیات اعملوا آل داود شکرا و
مانند حوضهای بزرگ ودیگهای بلند بزرگ وگفتیم ما عمل کنید از آل داود شکر این نعمتها را و
قلیل من عبادی الشکور ◎ فلما قضینا علیه الموت
اندکی ◎ از بندگان من شکر کننده اند ◎ پس آن هنگام که حکم کردیم بر سلیمان مردن را
ما دلهم علی موته الا دابة الارض تاکل منسأته فلما
رهنمونی نکرد دیو از را بر مردن او مگر جنبنده ◎ از زمین که میخورد ◎ عصای او را پس آنهنگام
خر تبینت الجن ان لو کانوا یعلمون الغیب ما لبثوا فی العذاب
که افتاد عصا بسلیمان ظاهر شد جنیان را اگر بودند که میدانستند ◎ غیب را درنگ نمیکردند یکسال در عذاب
المهین ◎ لقد کان لسبا فی مسکنهم ایة جنتان عن
خوار کننده ◎ بدرستیکه بود مر اولاد سبا بن یعجب در مسکنهای ایشان ◎ علامتی دو بوستان از
یمین وشمال ◎ کلوا من رزق ربکم واشکروا له بلدة
راست و چپ ◎ گفت بخورید از روزی پروردگار خود و شکر کنید مر او را آن شهری
طیبة ورب غفور ◎ فاعرضوا فارسلنا علیهم سیل

منجمان گفته اند که چون بر سلیمان ظاهر شد که اجلش نزدیک و بنای بیت المقدس هنوز ناتمام رسیده بود بلکه یکسال دیگر کار داشت و آدمیان هم گمان میکردند که همه دیوان عالمند بخبرهای نهانی آنحضرت از خدا تعالی درخواست که مرگ او را از آنان نهان دارد تا دیوان کار بیت المقدس را تمام نمایند و برآدمیان هم معلوم شود که دیوان علم غیب ندانند بمحراب عبادت رفت یکه بر عصا کرده قبض روح او شد و تا یکسال ایستاده بود و دیوان او را همیدیدند و گمان حیات او بود و دیوان بکار مشغول بودند خدا تعالی ارضه را فرستاد تا عصای او را خورد چون سلیمان افتاد برآدمیان ظاهر شد که جنیان دانای علم غیب نیستند اگر علم غیب داشتندی تا یکسال در عذاب مهین نمیماندند بلکه بفوت آنحضرت دست از کار کشیدندی پیش ازین آدمیان را عقیده آن بود که جنیان علم غیب میدانند

العرم وبدلناهم بجنتيهم جنتين ذواتي اكل خمط و
از بندی محکم و بدل کردیم برای ایشان باآن دو بوستان دو باغ دیگر که خداوند میوه های بد طعم بود و درخت
اثل وشيء من سدر قليل ذلك جزيناهم بما كفروا وهل
شوره گز وچیزی از درخت سدر اندکی و ایشان را بدین عذاب پاداش دادیم بسزا بانکه کفران کردند و جزا
نجازي الا الكفور وجعلنا بينهم وبين القرى التي
ندهیم باین جزا مگر ناسپاسی در کفران و کردانیدیم میان ایشان و آن دیهایی که
باركنا فيها قرى ظاهرة وقدرنا فيها السير سيروا فيها ليالي
برکت داده بودیم در آنها دیهای ظاهر و تقدیر کردیم در آن دیها رفتن مردم را سیر کنید در آن دیها شبها
واياما امنين فقالوا ربنا باعد بين اسفارنا وظلموا
و روزها در حالیکه ایمن باشند پس گفتند خدایا پروردگارا دوری افکن میان منازل سفرهای ما و ستم کردند
انفسهم فجعلناهم احاديث ومزقناهم كل ممزق ان في
بر خود پس گردانیدیم ایشانرا افسانهائی که تعجب کردند و پراکنده گردیم ایشانرا همه پراکنده شدنی بدرستی که در
ذلك لايات لكل صبار شكور ولقد صدق عليهم
این عبرتهاست مر هر صبر کننده شکر گذاری را و بدرستی که راست کرد بر اهل سبا
ابليس ظنه فاتبعوه الا فريقا من المؤمنين وما كان له
شیطان گمان خود را پس پیروی کردند او را مگر طایفه از مومنان و نبود مر شیطانرا
عليهم من سلطان الا لنعلم من يؤمن بالاخرة ممن هو منها
بر ایشان هیچ تسلطی مگر برای آنکه بدانیم کسی را که ایمان آرد بقیامت از آنکس که او از آخرت
في شك وربك على كل شيء حفيظ قل ادعوا الذين
در شک است و پروردگار تو بر هر چیز نگهبانست بگو بخوانید آنانرا
زعمتم من دون الله لا يملكون مثقال ذرة في السموات
که گمان کردید از غیر خدا مالک نیستند همسنگ مورچه خورد در آسمانها
ولا في الارض وما لهم فيهما من شرك وما له منهم من ظهير
و نه در زمین نیست مر ایشانرا در زمین و در آسمان هیچ شرکتی و نیست مر خدا را از این معبودان هیچ معاونکاری

یعنی
حالت شهر سبا من ارض
ویرانی چنان بود که میانه دیهات ایشان و دیهات
شام دیهای متصل بهم که در هر دیهی دیهی دیگر
ظاهر و نمودار بود گویند که مسافران را
شبها میرفتند در بیم جانور شهرها و دیهای
بجدی که شب در دیهی یا شهری سر میبردند
و خاست دف قیلوله در دیهی یا شهری دیگر
میرفتند و احتیاج بحمل توشه و زادی نداشتند و
گویند چهار هزار و هفتصد
بود در میان سبا
در
مجمع
البیان در تفسیر این آیه
گفته یعنی چنین نیست که ابلیس را بر ایشان
تسلطی باشد که ایشانرا جبر بر ضلالت نماید
بلکه همین وسوسه میکند ایشانرا و صدور صلاح
از ایشان باختیار خود است چنانچه در گریه
و ما کان لی علیکم من سلطان الا ان دعوتکم
فاستجبتم لی فلا تلوموني ولوموا انفسكم
وارد است و بنا بر این در کلام تقدیری خواهد
بود بتقدیر انما ملکه من وسوسته
الا لنعلم

گویند
با مشرکان که پروردگار
شما در دنیا که گفته بود گویند
گفته بود که آن شریکان هم اکنون
از روز رستخیز گرداخود گرفتار
خواهند شد

نصف

وَلَا تَنفَعُ الشَّفَاعَةُ عِندَهُ إِلَّا لِمَنْ أَذِنَ لَهُ ۚ حَتَّىٰ إِذَا فُزِّعَ عَن

و نفع نکند شفاعت کسی نزد او مگر آن کسیکه رخصت داده باشد مر او را تا آنگه چون زایل فزع نماید

قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ ۖ قَالُوا الْحَقَّ ۖ وَهُوَ الْعَلِيُّ

از دلهای ایشان گویند با هم چه چیز گفت پروردگار شما گفتند سخن راست او اوست خدای برتر

الْكَبِيرُ ۞ قُلْ مَن يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ قُلِ اللَّهُ ۙ وَإِنَّا

بزرگوار بگو کیست که روزی دهد شما را از آسمان ها و زمین بگو خدا و بدرستی که ما

أَوْ إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًى أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۞ قُل لَّا تُسْأَلُونَ

یا شما بر راه راستیم یا در گمراهی آشکار بگو پرسیده نخواهید

عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ ۞ قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ

از آنچه گسب کردیم ما از گناه و سؤال کرده نشویم از آنچه شما می کنید بگو جمع کند میان ما پروردگار ما پس

يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ ۚ وَهُوَ الْفَتَّاحُ الْعَلِيمُ ۞ قُلْ أَرُونِيَ الَّذِينَ

حکم کند میان ما براستی و اوست گشاینده دانا بگو بنمایید من آنانرا

أَلْحَقْتُم بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا ۚ بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۞ وَمَا

که ملحق کرده اید به خدا شریکان نه چنان است بلکه او خدای غالب درست کار است و

أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ

نفرستادیم تو را مگر فرستادنی عام مر مردمان را مژده دهنده و بیم کننده ولیکن بیشتر

النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۞ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ

مردم نمی دانند و میگویند کی باشد این وعده ثواب و عقاب اگر هستید راستگویان

قُل لَّكُم مِّيعَادُ يَوْمٍ لَّا تَسْتَأْخِرُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا تَسْتَقْدِمُونَ

بگو ای محمد مر شما راست وعده روزی که باز پس نروید از آن روز مقداری اندک از زمان و پیشی نگیرید بر آن

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن نُّؤْمِنَ بِهَٰذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي

و گفتند آنانکه کافر شدند هرگز ایمان نیاریم باین کتاب که فرو آمد پیش از آن

بَيْنَ يَدَيْهِ ۗ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ۖ

پیش روی تو و اگر به بینی تو چون مشرکان پیشگاه را باز داشتگان نزد پروردگار خود

يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ ٱلْقَوْلَ يَقُولُ ٱلَّذِينَ ٱسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ

که بازمیگرداند بعضی از ایشان بسوی بعضی از ایشان سخن را میگویند آنانکه ضعیف بودند مر آنان را

ٱسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ ۝ قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوا

که گردنکشی کردند اگر نه میبودید شما هر آینه بودیم ما گروندگان گفتند آنانکه گردنکشی کردند

لِلَّذِينَ ٱسْتُضْعِفُوا أَنَحْنُ صَدَدْنَاكُمْ عَنِ ٱلْهُدَىٰ بَعْدَ إِذْ جَاءَكُم

مر آنان را که ضعیفان بودند آیا ما بازداشتیم شما را از راه راست بعد از آنکه آمد بشما

بَلْ كُنتُم مُّجْرِمِينَ ۝ وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱسْتُضْعِفُوا لِلَّذِينَ ٱسْتَكْبَرُوا

بلکه بودید شما گناهکاران و گفتند آنانکه ضعیف و بیچاره بودند مر آنانرا که گردنکشی کردند

بَلْ مَكْرُ ٱلَّيْلِ وَٱلنَّهَارِ إِذْ تَأْمُرُونَنَآ أَن نَّكْفُرَ بِٱللَّهِ وَنَجْعَلَ

بلکه مکر شما شب و روز که میفرمودید ما را بسته باینکه کافر شویم بخدا و فرا گیریم

لَهُۥٓ أَندَادًا ۚ وَأَسَرُّوا ٱلنَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا ٱلْعَذَابَ ۚ وَجَعَلْنَا

مر خدا را همتایان و پنهان دارند پشیمانی را هنگامی که دیدند عذاب را و بگردانیم ما

ٱلْأَغْلَٰلَ فِىٓ أَعْنَاقِ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا ۚ هَلْ يُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كَانُوا

غلامهای آتشین را در گردنهای آنانکه کافر شدند آیا جزا داده شوند مگر آنچه بودند که

يَعْمَلُونَ ۝ وَمَآ أَرْسَلْنَا فِى قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَآ إِنَّا بِمَآ

میکردند و نفرستادیم ما در هیچ دیهی از پیم کننده مگر آنکه گفتند متنعمان آن دیه پیغمبر را بدرستی که ما

أُرْسِلْتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ۝ وَقَالُوا نَحْنُ أَكْثَرُ أَمْوَالًا وَأَوْلَٰدًا وَمَا

بآنچه فرستاده شدی تو بآن کافرایم و گفتند ما بیشتریم از روی مال و فرزندان و نیستیم ما

نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ۝ قُلْ إِنَّ رَبِّى يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ

ما عذاب کرده شدگان بگو بدرستی که پروردگار من میگشاید روزی را برای هر که میخواهد و تنگ میکند

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَمَآ أَمْوَٰلُكُمْ وَلَآ أَوْلَٰدُكُم

ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند و نیست مالهای شما و نه فرزندان شما

بِٱلَّتِى تُقَرِّبُكُمْ عِندَنَا زُلْفَىٰٓ إِلَّا مَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحًا

بآنچیزی که نزدیک گرداند شما را نزد ما نزدیک گردانیدنی مگر کسی که آورد و کرد کار شایسته

فاولئک

عامه درین آیه گفته که رجع ایشان مر فرقه
دوم را یعنی باهم گفتگو میکنند
و سخن هم را رد میکنند یکدیگر را و جواب
آن میگویند و حاصل انکه باهم نزاع و مجادله
دارند و بقول الذین استضعفوا اما آخر
جمله متانفه است برای بیان
حسرتهای ایشان

منار
تکرار این آیه ازینست که در
اول غرض تکرار توبیخ کافران بود
در اینجا پند مومنان و ازین جهه
در اول بعد ازان واقع شده که و لکن
اکثر الناس لا یعلمون و
در اینجا نه

فَاُولٰٓئِكَ لَهُمْ جَزَآءُ الضِّعْفِ بِمَا عَمِلُوْا وَهُمْ فِي الْغُرُفٰتِ اٰمِنُوْنَ

پس آنگروه مرایشانرا پاداش بازداده بسبب آنکه کردند وایشان در غرفات بهشت ایمنند

وَالَّذِيْنَ يَسْعَوْنَ فِيْٓ اٰيٰتِنَا مُعٰجِزِيْنَ اُولٰٓئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُوْنَ

و آنانکه میشتابند در ابطال آیات ما که عاجز کنندگان آیند آن گروه در عذاب دوزخ حاضر کرده شدگان

قُلْ اِنَّ رَبِّيْ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖ وَيَقْدِرُ لَهٗ ؕ

بگو بدرستی که پروردگار من میگشاید روزی را برای هرکه خواهد از بندگان خود و تنگ میکرداند برای او

وَمَآ اَنْفَقْتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهٗ ۚ وَهُوَ خَيْرُ الرّٰزِقِيْنَ ۝ وَ

و آنچه نفقه کنید از چیزی پس او خلف میدهد او را و او بهترین روزی دهندگان است و

يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيْعًا ثُمَّ يَقُوْلُ لِلْمَلٰٓئِكَةِ اَهٰٓؤُلَآءِ اِيَّاكُمْ

روز یاد کن که جمع شوندا یشان همه پس گوئیم مر فرشتگانرا آیا ایشان شما را

كَانُوْا يَعْبُدُوْنَ ۝ قَالُوْا سُبْحٰنَكَ اَنْتَ وَلِيُّنَا مِنْ دُوْنِهِمْ ۚ

بودند که میپرستیدند گویند ملائکه پاکی تو تونی خداوند ما نه ایشان از

بَلْ كَانُوْا يَعْبُدُوْنَ الْجِنَّ ۚ اَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُّؤْمِنُوْنَ ۝ فَالْيَوْمَ

بلکه بودند که می پرستیدند دیوان را بیشتر مردمان بدیشان گرونده اند پس آروز قیامت

لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَّفْعًا وَّلَا ضَرًّا ؕ وَنَقُوْلُ لِلَّذِيْنَ ظَلَمُوْا

مالک نمیشود بعضی از شما مر بعضی را نفعی و نه ضرری و گوئیم ما مر آنانرا که ستم کردند

ذُوْقُوْا عَذَابَ النَّارِ الَّتِيْ كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُوْنَ ۝ وَاِذَا

بچشید عذاب آتش را که بودید شما بآن تکذیب می کردید و چون

تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيَاتُنَا بَيِّنٰتٍ قَالُوْا مَا هٰذَآ اِلَّا رَجُلٌ يُّرِيْدُ اَنْ

خوانده شود بر ایشان آیات ما که روشنست گویند نیست محمد مگر مردی که میخواهد که

يَّصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ اٰبَآؤُكُمْ ۚ وَقَالُوْا مَا هٰذَآ اِلَّآ اِفْكٌ مُّفْتَرًى ؕ

باز دارد شما را از آنچه بود که میپرستید پدران شما و گفتند که نیست این کلام مگر دروغی برساخته

وَقَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لِلْحَقِّ لَمَّا جَآءَهُمْ ۙ اِنْ هٰذَآ اِلَّا سِحْرٌ

و گفتند آنانکه کافر شدند مر حق را چون آمد ایشان را بدرستیکه این نیست مگر جادوئی

مُبِينٌ ۞ وَمَآ اٰتَيْنٰهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُوْنَهَا وَمَآ اَرْسَلْنَآ اِلَيْهِمْ

ظاهر ۞ ندادیم ما مشرکان را از کتابهای قرآن که درس میکنند و نفرستادیم ما بسوی ایشان

قَبْلَكَ مِنْ نَّذِيْرٍ ۞ وَكَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوْا مِعْشَارَ

پیش از تو هیچ بیم کننده ۞ و تکذیب کردند آنانکه پیش از ایشان بودند و نرسیدند اهل مکه بده یک

مَآ اٰتَيْنٰهُمْ فَكَذَّبُوْا رُسُلِيْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيْرِ ۞ قُلْ اِنَّمَآ اَعِظُكُمْ

آنچه دادیم ایشان را پس تکذیب کردند پیغمبران ما را پس چگونه بود انکار من ۞ بگو که جز این نیست که پند میدهم

بِوَاحِدَةٍ ۚ اَنْ تَقُوْمُوْا لِلّٰهِ مَثْنٰى وَفُرَادٰى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوْا ۚ مَا بِصَاحِبِكُمْ

شما را بیک کلمه واحده و آن آنست که برخیزید برای خدا دو دو و یک یک پس با هم فکر کنید که نیست بصاحب شما

مِّنْ جِنَّةٍ ۚ اِنْ هُوَ اِلَّا نَذِيْرٌ لَّكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيْدٍ

هیچ دیوانگی نیست او مگر بیم کننده مر شما را پیش از وقوع عذاب سخت

قُلْ مَا سَاَلْتُكُمْ مِّنْ اَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ۚ اِنْ اَجْرِيَ اِلَّا عَلَى اللّٰهِ ۚ وَهُوَ عَلٰى

بگوای محمد که نمیخواهم من از شما مزدی پس آن مر شماراست نیست مزد من مگر بر خدا و اوست بر

كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ ۞ قُلْ اِنَّ رَبِّيْ يَقْذِفُ بِالْحَقِّ ۚ عَلَّامُ الْغُيُوْبِ

هر چیز گواه ۞ بگو بدرستی که پروردگار من می افکند حق را بر باطل پر گاه خواهد دانای پوشیدها

قُلْ جَآءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيْدُ ۞ قُلْ اِنْ ضَلَلْتُ

بگو آمد حق و سخن راست و نمی آفریند باطل و نه باز گرداند ۞ بگو یا محمد اگر گمراه شدم

فَاِنَّمَآ اَضِلُّ عَلٰى نَفْسِيْ ۚ وَاِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوْحِيْٓ اِلَيَّ رَبِّيْ ۚ اِنَّهٗ

پس جز این نیست که گمراه شدم بر ضرر خود و اگر براه راست روم پس بسبب آنست که وحی میکند بسوی من پروردگار من

سَمِيْعٌ قَرِيْبٌ ۞ وَلَوْ تَرٰٓى اِذْ فَزِعُوْا فَلَا فَوْتَ وَاُخِذُوْا مِنْ مَّكَانٍ

بدرستی که او شنواست نزدیک ۞ و اگر به بینی یا محمد کفار را چون برسان شوند پس نباشد فوتی و گرفته شوند ایشان از جایگاه

قَرِيْبٍ ۞ وَّقَالُوْٓا اٰمَنَّا بِهٖ ۚ وَاَنّٰى لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِنْ مَّكَانٍۢ

نزدیک ۞ و گفتند وقت مردن ایمان آوردیم بمحمد از کجا باشد مر ایشانرا فراگرفتن ایمان بآسانی از مکان

بَعِيْدٍ ۞ وَّقَدْ كَفَرُوْا بِهٖ مِنْ قَبْلُ ۚ وَيَقْذِفُوْنَ بِالْغَيْبِ مِنْ

دور که آخرت ۞ و بتحقیق که کفر ورزیدند بمحمد از پیش و می افکندند بپوشیدگی سخن از

خلاصه

ابتکه این نصیحت میکنم شمارا

که دو دو و یک یک برخیزید و تامل کنید و از هم

بپرسید که هر گز در وی یا علامت جنونی در پیغمبر

دیده اید و بعد از آن تعقل را بر ابطال عقیده

ایشان مبنی باید که نرسیده باشد شمارا بهیچ جنونی

یعنی

دین حق که اسلام است

آمد و باطل که شرکست بالکلیه رفت و نفسی که

نماند از او دیگر ظهوری و اعاده و نه آغازی و نه

او باری

بقولی

این فرع فرع مشرکان است در وقت مرگ

معاینه عذاب آخرت کنند و شوانند خود را

از آن باز دارند و گرفته شوند از جائی نزدیک یعنی

بسهولت و آسانی چه هر جائی که باشد بخدا

نزدیکست و قبض روح او بلا صعوبتی میدهد

خدا و بقولی قرع روز قیامت بهر تقدیر گویند

مَكَانٍ بَعِيدٍ ۝ وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ ۝ كَمَا

جایگاه دور وجدا کرده شود میان ایشان ومیان آنچه آرزو برند همچنانکه

فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُرِيبٍ

کرده شد با تباع ایشان از کفار پیش از ایشان بدرستیکه ایشان بودند در شکی تهمت افکنده

سورة الملئكة خمس وأربعون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا

ستایش مرخدایراست که آفریننده آسمانها و زمینست گرداننده ان فرشتگان را بسوی

أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ

صاحب بالهای متعدد هستند دو دو وسه سه وچهار چهار زیاد میکند خدا در آفریده خود آنچه خواهد

اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ مَا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا

بدرستیکه خدا بر هر چیز توانا است آنچه بگشاید خدا برای مردمان از بخشایش پس نیست

مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ

بازدارنده مر آنرا و آنچه باز گیرد پس فرستنده نیست مر او را پس از باز گرفتن او و است غالب

الْحَكِيمُ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ

درست کار ای مردمان یاد کنید نعمت خدا را بر شما است آیا هیچ

خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ

آفریننده هست غیر از خدا روزی میدهد شما را از آسمان و زمین نیست خدائی مگر او

فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ ۝ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ

پس کجا گردانیده میشوید و اگر تکذیب کنند تو را پس بتحقیق تکذیب کرده شدند پیغمبران پیش از تو

وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا

و بسوی خدا باز گردانیده میشود کارها ای مردمان بدرستیکه وعده خدا راست پس

از ابی بن کعب روایت است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که هر که سوره ملائکه را بخواند فردای قیامت از درهای بهشت او را بخوانند و گویند بهر دری که خواهی درآی

تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللّٰهِ الْغَرُورُ ۝ اِنَّ

بایدکه فریبنده زندگانی دنیا و نفریبد شما را بکرم خدا شیطان فریبنده بدرستی که

الشَّيْطٰنَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا ۚ اِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهٗ لِيَكُونُوا

شیطان مرشما را دشمنست پس فراگیرید او را دشمن چرا این نیست که میخواند شیطان گروه خود را تا باشند

مِنْ اَصْحٰبِ السَّعِيرِ ۝ اَلَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۝ وَ

از اصحاب آتش آنانکه کافر شدند مرایشانراست عذاب سخت و

الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَاَجْرٌ كَبِيرٌ

آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته مرایشانراست آمرزش و مزد بزرگ

اَفَمَنْ زُيِّنَ لَهٗ سُوٓءُ عَمَلِهٖ فَرَاٰهُ حَسَنًا ۚ فَاِنَّ اللّٰهَ يُضِلُّ مَنْ يَّشَآءُ

آیا پس کسی آراسته شد برای او بدی عمل وکرد او را پس دید آن کار زشت را پس بدرستی که خدا فرو میگذارد در گمراهی هرکرا

وَيَهْدِي مَنْ يَّشَآءُ ۖ فَلَا تَذْهَبْ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ حَسَرٰتٍ ۚ اِنَّ

و راه مینماید هرکرا خواهد پس مباد که برود نفس تو برایشان حسرتها بدرستی که

اللّٰهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ۝ وَاللّٰهُ الَّذِيٓ اَرْسَلَ الرِّيٰحَ فَتُثِيرُ

خدا داناست بآنچه میکنند و خدای آنکس است که فرستاد بادها را پس برمی انگیزاند

سَحَابًا فَسُقْنٰهُ اِلٰى بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَاَحْيَيْنَا بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا ۚ

ابرها را پس راندیم ابر را بسوی بلدی مرده پس زنده کردیم بآن زمین را بعد از مردن آن

كَذٰلِكَ النُّشُورُ ۝ مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا ۚ

همچنان باشد برانگیختن هرکه باشد که خواهد برای خود عزت و بزرگی را پس مرخدا راست بزرگی همه

اِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهٗ ۚ وَالَّذِينَ

بسوی او بالا میرود سخن پاک و کردار شایسته برمیدارد آن را و آنانکه

يَمْكُرُونَ السَّيِّاٰتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ۖ وَمَكْرُ اُولٰٓئِكَ هُوَ

مکر میکنند مکرهای بد مرایشانراست عذابی سخت و مکر این گروه آن مکر

يَبُورُ ۝ وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ مِّنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ

فاسد و هالک شود و خدا آفرید شما را از خاک پس از نطفه پس گردانید شما را

علیهم متعلق است بلایتب زیحسرات بنا بر انکه معمول مصدر متقدم بر آن نشود و حسرات مصدر فعل محذوف و متعلق بان مقدر است تقدیر متحسر حسرات علیهم و ضلالتهم نکته در جمع مبالغه در اندوه خوردن ان حضرت بر ضلالت ایشان و لایمت نفسک است و این مثل آن است که لعلک باخع نفسک ان لا یکونوا مومنین

أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ مِنْ مُعَمَّرٍ

اصناف مستوره و آبستن نشود هیچ زنی و نزاید مگر بعلم خدا و عمر داده نشود از عمری

وَلَا يُنْقَصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

و کم نشود از عمر معمری مگر آنکه ثابت باشد در لوح محفوظ بدرستی که این بر خدا آسانست

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَ

و برابر نیستند دو دریا این آب شیرین خوشگوار آشامیدن آن او

هَٰذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنْ كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ

این آب شور ناخوشگوار و از هریک ازین دو دریا میخورند گوشت تازه و بیرون می آرید از آنها

حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ

پیرایه مروارید که میپوشید آنرا و می بینی تو کشتی را در آن میشکافد دریا را تا طلب کنید از فضل او

وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ۝ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ

و شاید شما شکر کنید درمی آرد شب را در روز و درمی آرد روز را

فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُسَمًّى ذَٰلِكُمُ

در شب و رام گردانید آفتاب و ماه را هریک میروند تا وقتی نام برده شده است

اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مَا يَمْلِكُونَ

خدا که پروردگار شماست مر اوراست پادشاهی و آنان را که میخوانید بجز از خدای مالک نمی شوند

مِنْ قِطْمِيرٍ ۝ إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا

مقدار پوست پشت خرما اگر بخوانید معبودان خود را نمی شنوند خواندن شما را و اگر فرضا بشنوند

مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا

اجابت نمیکنند برای شما و روز قیامت انکار کنند شرک شما و

يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَ

خبر کند تو را مانند دانای بحق ای مردمان شما محتاجید بسوی خدا و

اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝ إِنْ يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ

خدا اوست بی نیاز ستوده اگر خواهد ببرد شما را و بیارد آفرینشی

محرر
در لغه بمعنی شکافتن کشتی است
آب دریا را کشتی راهگذر
گویند و مواخر جمع
است

جَدِيدٍ ۝ وَمَا ذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ بِعَزِيزٍ ۝ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرٰى

تا نزند ... نیست این برون آوردن بر خدای دشوار ... برندارد هیچ کس گناه دیگری را

وَإِنْ تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلٰى حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبٰى

و اگر بخواند ... نفس گرانبار گناه ... برداشتن بعضی از گناهان برداشته از آنچه نزدیک باشد خداوند خویش

إِنَّمَا تُنْذِرُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَمَنْ

جز این نیست که بیم کنی تو آنان را که می ترسند از پروردگار خود به پنهان ... و بپای دارند ... نماز را و هر که

تَزَكّٰى فَإِنَّمَا يَتَزَكّٰى لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللّٰهِ الْمَصِيرُ ۝ وَمَا يَسْتَوِي

پاکیزه است پس جز این نیست که پاکیزه بود برای نفس خود و بسوی خداست بازگشت ... و برابر نیستند

الْأَعْمٰى وَالْبَصِيرُ ۝ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ ۝ وَلَا الظِّلُّ وَلَا

نابینا ... و بینا ... و نه تاریکیها ... و نه روشنی ... و نه سایه ... و نه

الْحَرُورُ ۝ وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللّٰهَ يُسْمِعُ

حرارت ... و مساوی نیستند زندگان ... و نه مردگان بدرستی که خدا میشنواند

مَنْ يَشَاءُ وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَنْ فِي الْقُبُورِ ۝ إِنْ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ

هر که را میخواهد ... و نیستی تو شنواننده سخن هر که در قبرها باشد ... نیستی تو مگر بیم کننده

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِنْ مِنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا

بدرستی که ما فرستادیم تو را براستی مژده دهنده و ترساننده ... و نبود هیچ امتی مگر آنکه گذشت در آن

نَذِيرٌ ۝ وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ

ایشان هم دروغ زن دانستند و اگر تکذیب کردند تو را پس بتحقیق دروغ گفتند آنانکه پیش از ایشان بودند آمدند ایشان را پیغمبران

بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ۝ ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ

ایشان بحجتهای روشن و نامهای آسمانی و کتاب روشن ... پس گرفتم ... آنان را که کافر شدند پس چگونه

كَانَ نَكِيرِ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللّٰهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ

بود انکار من بر ایشان آیا نمی بینی که خدا فرو فرستاد از آسمان آبی پس بیرون آوردیم بآن میوها

مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ

که مختلف است رنگهای آن و از کوهها راههای سفید و سرخ مختلف است رنگهای آن و سیاههای

و بقولی
در حالتیکه غالب آید
از خلق یعنی در خلوتها خوف
از خدای تعالی دارند از
روی ریا
یعنی
نمیتوانی شنوانید
بکافران حق را تا بگروند
همچنانکه نمیتوانی مردگان در
قبرها
را شنوانید

از
حضرت
ابی جعفر و ابی عبد الله
علیهما السلام مروست که مراد

سُودٌ وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَٰلِكَ إِنَّمَا

بغایت سیاه و از آدمیان و جنبندگان و از چهارپایان که اختلاف دارد در رنگهای آن همچنان چیزیست که

اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ

میترسند از خدا از جمله بندگان او علما بدرستیکه خدا غالب آمرزنده است بدرستیکه آنان که میخوانند کتاب

اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً

خدا را و برپا میدارند نماز را و نفقه کردند در راه خدا از آنچه روزی دادیم ایشان را پنهان و آشکارا

يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ لِيُوَفِّيَهُمْ أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُمْ مِنْ فَضْلِهِ

امید میدارند باین اعمال تجارتی هرگز بار بآن نکند تا تمام گرداند خدا ایشان مزدهای ایشانرا و زیاده کند ایشانرا از فضل خود

إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ

بدرستی که او آمرزنده شکر کنندگان است و آنچه وحی کردیم ما بسوی تو از قرآن آن

الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ ثُمَّ أَوْرَثْنَا

راست و درستست موافق تصدیق کننده مر آنچیزرا که پیش از و بود بدرستی که خدا به بندگان آگاه و بیناست پس میراث دادیم ما

الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَ

از قرآن آنانکه برگزیدیم ما از بندگان خود پس بعضی از ایشان ستمکار است مر نفس خود را و

مِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بِإِذْنِ اللَّهِ ذَٰلِكَ

بعضی از ایشان میانه رونده و بعضی ایشان پیش گیرنده اند بنکوئیها بفرمان خدا اینست

هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُحَلَّوْنَ

او را فضل و بخشایش بزرگ بوستانهای باقامت درآیند ایشان در آن زینت

فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ

کرده شوند در بهشت از دستبندها از طلا و مروارید و جامه ایشان در بهشت حریر

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ

و گفتند ستایش مر خداراست که ببرد از ما اندوه بدرستی که پروردگار ما آینه آمرزنده

شَكُورٌ الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا

شکر کنندگان است آنکه فرود آورد ما را بسرای اقامت از فضل خود نمیرسد ما را

از آنکه خدای تعالی ایشان را برگزیده بامت و
بس وارسید مرتضی رضی الله عنه مشغول است که
گفته چون تعالی توریث کتاب یعنی قرآن را
تخصیص داد بیرگزیدگان خود در عقب ان علت
این تخصیص را بیان منفرد ماند که در میان بندگان
جمعی ستمکاران میباشند که قابلیت توریث
آن ندارند و در مجمع البیان از حضرت صادق
روایت کرده که ستمکار بر نفس خود از شیعیان
ما کسی است که حق امام را نشناسد و معصیت
کند حق امام را شناسد و سابق بخیرات امام است
و ایشان همه آمرزیده شوند و از حضرت باقر
علیه السلام روایت کرده که ستمکار بر نفس خود
از ما یعنی شیعیان کسی است که گاهی کار نیک
کند و گاهی کار زشت و مقتصد کسیست که همیشه
بندگی خدا او کوشش کند در کارهای نیک و اما
سابق بخیرات پس علی و حسن و حسین علیهم السلام
و هر کسیست که شهید شود از خانواده محمد صلی الله
علیه و آله و در خبری هم گورشده برگزیدگان ما هم
و مفسرین عامه برگزیدگان را بعلمای این امت
تفسیر کرده اند و بعضی برگزیدگان را همه امت
و ضمیر منهم را بایشان راجع کرده اند و در
برگزیدگان را به پیغمبران همه و منهم را همه بندگان
خدا تفسیر نموده اند
العلم عند الله

فِيهَا نَصَبٌ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ

در آن رنجی و نیز نه ما را در آن سرای ماندگی و آنانکه کافر شدند مر ایشانرا است

نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا

آتش دوزخ حکم نشود بر ایشان تا بمیرند و سبک نشود از ایشان چیزی از عذاب دوزخ

كَذَٰلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَفُورٍ ۝ وَهُمْ يَصْطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَا

همچنین جزا میدهیم هر ناسپاسی و ایشان فریاد میخواهند در دوزخ و میگویند ای

أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ أَوَلَمْ نُعَمِّرْكُمْ مَا يَتَذَكَّرُ

پروردگار ما بیرون آر ما را بدنیا فرست تا بجنبم کار شایسته غیر از آنکه بودیم که میکردیم آیا عمر ندادیم شما را آنمقدار که پند گیرد

فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ وَجَاءَكُمُ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ

در آن عمر هر که خواهد پند گیرد و آمد شما را هم گوشنده پس بچشید عذاب را پس نیست مر ستمکاران را هیچ

نَصِيرٍ ۝ إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ

یاری دهنده بدرستی که خدا دانای پنهان آسمانها و زمین بدرستی که او دانا است بآنچه

الصُّدُورِ ۝ هُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ

در سینه هاست اوست که گردانید شما را خلیفه ها در زمین پس هر که ناسپاسی کرد

فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا

پس بر اوست جزای کفر او و زیاد نکند کافران را کفرایشان نزد پروردگارشان مگر دشمنی

وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ

و زیاد نکند کافران را کفرایشان مگر زیان بگو یا محمد آیا دیدید شریکان خود را

الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ

که میخوانید از غیر خدا بنمایید مرا که چه چیز خلق کرده اند از زمین

أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَاوَاتِ أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَتِهِ

یا هست مر ایشان شرکتی در آفریدن آسمانها یا داده ایم ایشانرا کتابی پس ایشان بر حجت روشنند

مِنْهُ بَلْ إِنْ يَعِدُ الظَّالِمُونَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا ۝

از کتاب بلکه وعده نمیدهند ستمکاران بعضی شان بعضی را مگر از روی فریب

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که غرض ازین آیه توبیخ گروهی است از ایشان که بسن شباب رسیده بودند در دنیا و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده که مراد از این عمر شصت سالگی است و از حدیث نبوی صلی الله علیه و آله هم این وارد شده و قول مفسرین سن چهل سالگی است

إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا ۚ وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ

بدرستی که خدا نگاه میدارد آسمانها و زمین را از انکه زایل شوند و اگر زایل شوند

أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ ۚ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا ۝ وَ

نگاه ندارد ایشان را هیچ احدی بعد از زوال بدرستی که او هست بردبار آمرزنده و

أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِنْ جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ

سوگند خوردند بخدا سخت ترین سوگندان ایشان که اگر آید ایشان را بیم کننده هر آینه بوده باشند راه یافته تر

مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ ۖ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَا زَادَهُمْ إِلَّا نُفُورًا ۝ اسْتِكْبَارًا

از یکی از ایشان یعنی از امتهای دیگر پس چون آمد ایشان را بیم کننده نیفزود ایشان را مگر گریختن از حق و گردنکشی

فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ ۚ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئُ إِلَّا بِأَهْلِهِ ۚ

در زمین و مکر کردند مکر بد و احاطه نمیکند مکر و حیله بد مگر باهل او

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ ۚ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۖ

پس آیا انتظار میبرند مگر عادت الهی را که عذاب پیشینیان بود پس نیابی تو مر عادت خدا را تبدیلی

وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا ۝ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا

و نیابی تو مر سنت خدا را گردیدن آیا سیر نمیکنند در زمین پس به بینند

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً ۚ

چگونه بود فرجام آنان که بودند پیش از ایشان و بودند سخت تر از ایشان از روی قوت

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ شَيْءٍ فِي السَّمٰوٰتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ ۚ إِنَّهُ

و نیست که خدا که عاجز کرداند او هیچ چیز در آسمانها و نه در زمین بدرستی که او

كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا ۝ وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا

هست دانای توانا ۝ و اگر بگیرد خدا مردم را بچزای آنچه کسب کردند از

تَرَكَ عَلَىٰ ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلٰكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى ۚ

گناه نگذاشتی بر پشت آن از هیچ جنبنده ۝ و لیکن تاخیر میکند ایشان را عذاب تا وقتی که نام برده شده است

فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا ۝

پس چون آمد اجل ایشان پس بدرستی که خدا هست به بندگان خود بینا

سورة یس ثلاث وثمانون آیة وهی مکیة

بسم الله الرحمن الرحیم

نام خداوند بخشاینده مهربان

یٰسٓ وَالْقُرْاٰنِ الْحَكِیْمِ اِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِیْنَ عَلٰی صِرَاطٍ

ای سید عالم قسم بقرآن ناطق بحکمت بدرستی که تو البته از پیغمبرانی بر راه

مُّسْتَقِیْمٍ تَنْزِیْلَ الْعَزِیْزِ الرَّحِیْمِ لِتُنْذِرَ قَوْمًا مَّاۤ اُنْذِرَ اٰبَآؤُهُمْ

راست فرستادن قرآن را خدای غالب مهربان تا بیم کنی گروهی را که بیم کرده نشدند مدران ایشان

فَهُمْ غٰفِلُوْنَ لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلٰۤی اَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا یُؤْمِنُوْنَ

پس ایشان بیخبرانند هر آینه بتحقیق راست گشت گفتار ما بعذاب بر بیشتر ایشان پس ایشان ایمان نمی آورند

اِنَّا جَعَلْنَا فِیْۤ اَعْنَاقِهِمْ اَغْلٰلًا فَهِیَ اِلَی الْاَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُوْنَ

بدرستی که ما کرده ایم در گردنهای ایشان بندها پس آن بندها تا بزنخها پس ایشان درهوا کشندگانند

وَجَعَلْنَا مِنْۢ بَیْنِ اَیْدِیْهِمْ سَدًّا وَّمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَاَغْشَیْنٰهُمْ

و کرده ایم از میان دستهای ایشان پرده و از پشت ایشان پرده پس پوشانیده ایم چشمهای

فَهُمْ لَا یُبْصِرُوْنَ وَسَوَآءٌ عَلَیْهِمْ ءَاَنْذَرْتَهُمْ اَمْ لَمْ تُنْذِرْهُمْ

ایشان را پس ایشان نمی بینند و یکسانست بر ایشان آیا بیم دهی ایشانرا یا بیم نکنی ایشانرا

لَا یُؤْمِنُوْنَ اِنَّمَا تُنْذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِیَ الرَّحْمٰنَ

ایمان نمی آرند جز این نیست که بیم میکنی کسی که متابعت کند قرآنرا و بترسد از خدا

بِالْغَیْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَّاَجْرٍ كَرِیْمٍ اِنَّا نَحْنُ نُحْیِ الْمَوْتٰی وَ

بآنچه پوشیده است پس مژده ده او را بآمرزش و مزدی بزرگ بدرستی که ما زنده میکنیم مردگان را و

نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوْا وَاٰثَارَهُمْ وَكُلَّ شَیْءٍ اَحْصَیْنٰهُ فِیْۤ اِمَامٍ مُّبِیْنٍ

مینویسیم آنچه از پیش فرستاده اند و مینویسیم اثرهای ایشان را و هر چیز از بدو نیک شمرده ایم او را در پیشوائی که روشنست

وَاضْرِبْ لَهُمْ مَّثَلًا اَصْحٰبَ الْقَرْیَةِ اِذْ جَآءَهَا الْمُرْسَلُوْنَ

و بزن برای ایشان مثلی یاران انطاکیه وقتیکه آمدند بآن ده پیغمبران

از حضرت ابو جعفر صلوات الله علیه مرویست که رسول را در قرآن هفتاد اسم است محمد و احمد و عبد الله و یاسین و نون و ناء بر این یاسین مقسم است بقدر او اقسم یعنی سوگند یاد میکند بقرآن با مساوات الی بقدر حرف یعنی با سین

از کتب اخبار

رسول صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که این سوره را قربة الی الله بخواند از جمیع گناهان پاک شود و توابی دهند بعدد کسی که دانسته باشد که دارد و باز آن قرآن کرده باشد و اهل آن دوزخ نباشد

شیخ ابو علی طبرسی قدس سره در مجمع البیان حکایت کرده که عیسی دو رسول مبعوث باهل انطاکیه و فرستاد و چون نزدیک بآن شهر رسیدند مرد پیری را دیدند که گوسفند میچراند و او مرد حبیب نجار بود پس سلام کردند بر آن مرد پرسید که شما کیانید گفتند ما فرستادگان عیسی ایم و آمده ایم که بخوانیم شما را بعبادت پروردگار و باز داریم از پرستش بتان گفت معجزه دارید گفتند ما را از شفا میدهیم و کوران مادر زاد را شفا میدهیم و ورش میکنیم و برص را رفع مینمائیم بفرمان پروردگار پس گفت مر پسر مرا که مدتی بود که در بستر بیماری افتاده بود چند سال است گفتند مار انجانه خود ببر تا او را بینیم پس ایشانرا بر پسر مار بردند پس دستی بر او کشیدند فی الحال بفرمان خدا برخاست پس ازین خبر در شهر فاش شد و بیماران بسیار شفا یافتند از آن دو پیغمبر

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اثْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا

چون فرستادیم ما بسوی ایشان | دو کس را پس تکذیب کردند ایشان را پس غالب کردیم بسیم ایشان را پس گفتند بدرستی که

إِلَيْكُمْ مُرْسَلُونَ ۝ قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ

سوی شما فرستاده شده گانیم ۝ گفتند نیستید شما مگر آدمی مانند ما و نفرستاد

الرَّحْمَٰنُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ ۝ قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ

خدای بخشاینده هیچ چیز از وحی نیستید شما مگر دروغگویان ۝ گفتند پروردگار ما میداند بدرستی که ما

لَمُرْسَلُونَ ۝ وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ ۝ قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا

بسوی شما هر آینه فرستاده شده گانیم ۝ نیست بر ما مگر رسانیدن آشکارا ۝ گفتند بدرستیکه ما فال بد زدیم

بِكُمْ لَئِنْ لَمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجُمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُمْ مِنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ

بشما هر گاه باز نه ایستید از آن دعوی هر آینه سنگسار کنیم شما را و البته برسد شما را از ما عذاب دردناک

قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُسْرِفُونَ ۝

گفتند بفالهای بد شما از شماست | آیا پند داده شوید بشما بلکه شما | قومی هستید اسراف کنندگان

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَىٰ قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ

و آمد | از دورترین جای شهر | مردی | میدوید گفت ای قوم پیروی کنید گسی را از فرستادگان

اتَّبِعُوا مَنْ لَا يَسْأَلُكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُهْتَدُونَ ۝ وَمَا لِيَ لَا أَعْبُدُ

پیروی کنید گسی را که نمیخواهد بشما را | مزدی و ایشان | راه یافته شده گانند ۝ و چیست مرا که نپرستم

الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ۝ أَأَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ آلِهَةً إِنْ

آنرا که آفرید مرا و بسوی او باز گشت کنید ۝ آیا فرا گیرم بجز از خدا خدایان دیگر اگر

يُرِدْنِ الرَّحْمَٰنُ بِضُرٍّ لَا تُغْنِ عَنِّي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِذُونِ

اراده کند مرا خدای بخشاینده بضرری کفایت نکند از من درخواست ایشان | چیزی را | و خلاص نکنند مرا

إِنِّي إِذًا لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ إِنِّي آمَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمَعُونِ ۝

بدرستیکه من در این هنگام هر آینه در گمراهی ظاهر باشم ۝ بدرستیکه ایمان آوردم بپروردگار شما پس بشنوید

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ ۝ بِمَا غَفَرَ لِي

گفته شد داخل شو بهشت را گفت | ای کاش بودم که قوم من میدانستند ۝ بآنچه آمرزید مرا

یعنی
آمد و چپ نجار زود
که ایمان بعیسی آورد چون آن دو رسول
بیمار او را شفا دادند و در آن وقت چون شنید
که اهل شهر تکذیب ایشان کرده اند و میخواهند
ایشان را بکشند و جمعی نمانند از خانه خود که بر او قصد
دری از درهای آن شهر بود بشتاب آمد و
مردم را از عیب مثابت
ایشان نمود
یعنی
گشتند چپ نجار را اهل انطاکیه بسبب آن
سخنها که فرستادگان با وی گفتند که در آن وقت
بقول
بعضی از مفسرین او را
بکشتند چون خواستند بکشندش خدای تعالی
او را زنده بالا برد بهشت بعضی گفته اند که او را
لگدکوب کردند و کشتند
غرض
استحضار آن گروهی است که چپ را کشتند از
این که در هلاک ایشان چه سماح بود که لشکری
از آسمان بر ایشان بگماریم چنانکه در جنگ بدر
واحد واقع شد بلکه بیک صیحه جبرئیل ایشان را هلاک
گردانید گویند که بعد از کشته شدن چپ جبرئیل
دروازه آن شهر را گرفت بدست و بضبط بند و نعره
کشید که همه اهل آن شهر هلاک شدند سبحان الله

ربي وجعلني من المكرمين ۝ وما أنزلنا على قومه من بعده
پروردگار من وگردانید مرا از بزرگواران اهل بهشت ۝ و فرو نفرستادیم ما بر قوم او از پس او
من جند من السماء وما كنا منزلين ۝ ان كانت الا صيحة
هیچ لشکری از آسمان و نه فرستندگان ما فرستندگان ۝ نبود عقوبت ایشان مگر فریادی
واحدة فاذا هم خامدون ۝ يا حسرة على العباد ما يأتيهم
واحد جبرئیل پس ناگاه ایشان تنها فسرده و مردگان ۝ ای تأسف بر بندگان مشرک که نیامد ایشان را
من رسول الا كانوا به يستهزءون ۝ ألم يروا كم أهلكنا
هیچ فرستاده مگر که بودند که باو استهزا میکردند ۝ آیا ندیدند که بسیاری را هلاک کردیم ما
قبلهم من القرون أنهم إليهم لا يرجعون ۝ وإن كل لما
پیش از ایشان از اهل دهها بدرستی ایشان بسوی ایشان باز نمیگردند ۝ و نیستند همه ایشان مگر
جميع لدينا محضرون ۝ وآية لهم الأرض الميتة أحييناها
فراهم آمدگان نزد ما حاضر کردگان ۝ و علامتست مر ایشان را زمین مرده که زنده کردیم آنرا
وأخرجنا منها حبا فمنه يأكلون ۝ وجعلنا فيها جنات
و بیرون آوردیم از آن دانه پس از آن دانه میخورند ۝ و گردانیدیم ما در آن زمین بوستانها
من نخيل وأعناب وفجرنا فيها من العيون ۝ ليأكلوا من
از درخت خرما و انگور و روان گردیم ما در آن از چشمه های آب تا بخورند از
ثمره وما عملته أيديهم أفلا يشكرون ۝ سبحان الذي
میوه های آن و از آنچه کرده دستهای ایشان آیا پس شکر نمی کنند ۝ پاکست آنکه
خلق الأزواج كلها مما تنبت الأرض ومن أنفسهم ومما
آفرید انواع اشیا را همه آنها از آنچه میرویاند زمین و از نفسهای مردم و از آنچه
لا يعلمون ۝ وآية لهم الليل نسلخ منه النهار فإذا هم
نمیدانند ۝ و نشانه دیگر مر ایشان را است شب که میکنیم از او روز را پس ناگاه ایشان
مظلمون ۝ والشمس تجري لمستقر لها ذلك تقدير العزيز
در تاریکی داخلند ۝ و آفتابست که میرود برای قرارگاهی که مر او راست این تقدیر کردن خداوند غالب

العليم

یعنی
آنکه تا آخر ماه بار یک
و خم شده هلالی مانند شاخ نازلی

العليم ۞ والقمر قدرناه منازل حتى عاد كالعرجون القديم

و دانا ۞ و ماه را تقدیر کردیم ما او را در منزلها تا وقتی که گردد مانند چوب خرمای شش ماهه

لا الشمس ينبغي لها أن تدرك القمر ولا الليل سابق النهار

نه آفتاب را سزد مر او را که دریابد ماه را ۞ و نه شب را که پیش گیرد بر روز

وكل في فلك يسبحون ۞ وآية لهم أنا حملنا ذريتهم في

و همه کواکب در فلک خود شنا می کنند ۞ و نشانه برای ایشانست که ما برداشتیم آباء و اجداد ایشان را در

الفلك المشحون ۞ وخلقنا لهم من مثله ما يركبون ۞ و

کشتی پر از آدم ۞ و آفریدیم ما برای ایشان از مثل کشتی نوح ۞ و

إن نشأ نغرقهم فلا صريخ لهم ولا هم ينقذون ۞ إلا رحمة منا

اگر خواهیم ما غرق سازیم ایشان را پس نیست فریادرسی مر ایشان را ۞ و نه ایشان خلاص می شوند از غرق ۞ مگر آنکه رحمتی از ما باشد

ومتاعا إلى حين ۞ وإذا قيل لهم اتقوا ما بين أيديكم وما

و برخورداری دهیم ایشان را تا وقت مرگ ۞ و چون گفته شود مر ایشان را که بپرهیزید از آنچه پیش از شما بوده و آنچه

خلفكم لعلكم ترحمون ۞ وما تأتيهم من آية من آيات ربهم

در عقب شماست ۞ شاید شما رحم کرده شوید ۞ و نیامد ایشان را هیچ نشانه از نشانه های پروردگارشان

إلا كانوا عنها معرضين ۞ وإذا قيل لهم أنفقوا مما رزقكم

مگر آنکه بودند از آنها اعراض کنندگان ۞ و چون گفته شود مر ایشان را انفاق کنند در ایشان را از آنچه روزی

الله قال الذين كفروا للذين آمنوا أنطعم من لو يشاء الله

داده شما را خدا گفتند آنان را که کافر شدند مر آنان را که گرویدند آیا طعام دهیم ۞ آنکس را که اگر خواهد خدا

أطعمه إن أنتم إلا في ضلال مبين ۞ ويقولون متى هذا الوعد

طعام دهد او را نیستید شما ۞ مگر در گمراهی ظاهر ۞ و میگویند کی خواهد بود این وعده

إن كنتم صادقين ۞ ما ينظرون إلا صيحة واحدة تأخذهم

اگر هستید از راستگویان ۞ انتظار نمیکنند ۞ مگر یک فریاد صور را که بگیرد ایشان را

وهم يخصمون ۞ فلا يستطيعون توصية ولا إلى أهلهم

و ایشان مجادله کنند ۞ پس نتوانند تر دادن حال وصیت کرده ۞ و نه باستطاعت داشته باشند که

یعنی از شیعیان من نیستی لیکن بار مسئله خود را گفت

چه میگوئی در باب مردی که نزد مرگ گوید هر مملوکی که

پس آنحضرت فرمود که هر مملوکی که شما در ملک

بوده باشد قدیم و از اهل است گفت چرا چنین است

گفت بدلیل آنکه خدا تعالی فرموده و القمر قدرناه

منازل حتى عاد كالعرجون القديم خدا تعالی

يَرْجِعُونَ ۝ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ

گروهی اهل خود برگردند و دیده شود ... شود در صور پس ناگاه ایشان ... از قبرها ... بسوی پروردگار خود

يَنسِلُونَ ۝ قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَّرْقَدِنَا هَٰذَا مَا وَعَدَ

میشتابند ... گویند ای وای بر ما ... که برانگیخت ما را از خوابگاه ما ... این است آنچه وعده کرده بود

الرَّحْمَٰنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ ۝ إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً

خداوند ... راست گفته اند پیغمبران ... نبود این جز آواز ... یک فریاد که نفخهٔ آخرین است

فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ ۝ فَالْيَوْمَ لَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا

پس ناگاه ایشان ... همه ... نزد ما حاضر کرده شوند ... پس امروز ستم کرده نشود ... هیچ نفسی هیچ چیز را و

تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمَ فِي شُغُلٍ

جزا داده نشوید مگر آنچه را که بودید ... که میکردید ... بدرستی که یاران بهشت امروز در کاری باشند

فَاكِهُونَ ۝ هُمْ وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلَالٍ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكِئُونَ ۝

شادان ... وایشان ... وزنان ایشان ... در سایه ها باشند بر ... تختهای آراسته تکیه زدگان

لَهُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ ۝ سَلَامٌ قَوْلًا مِّن رَّبٍّ رَّحِيمٍ

مر ایشان را است در بهشت جنس میوها و مر ایشان را است آنچه خواهند ... مر ایشان را است ... سلام گفتنی ... از پروردگار مهربان

وَامْتَازُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ ۝ أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ

و خطاب رسد که جدا شوید امروز ... ای گناهکاران ... آیا عهد نکردیم با شما ای فرزندان آدم

أَن لَّا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ ۝ وَأَنِ اعْبُدُونِي

آنکه نپرستید ... شیطان را ... بدرستی او مر ... شما را دشمنی ظاهر است ... و آنکه بپرستید مرا

هَٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ ۝ وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنكُمْ جِبِلًّا كَثِيرًا أَفَلَمْ

این ... راه ... راست است ... و بتحقیق گمراه کرد ... از شما ... خلقی ... بسیار آیا پس

تَكُونُوا تَعْقِلُونَ ۝ هَٰذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ۝ اصْلَوْهَا

نبودید که تعقل کنید ... این دوزخی که می وعده شدید آنست که ... ترسانیده میشدید ... درآیید بدوزخ

الْيَوْمَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ۝ الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا

امروز ... بآنچه بودید که ... کافر میشدید ... امروز ... مهر می نهیم ... بر دهنهای ایشان ... و سخن گویند با ما

این نقطه دوم است که روز قیامت بآن ... باشود ... مشغول ... بنعمتهایی بهشتند و از ... حضرت صادق علیه السلام ... مرویست که مشغول از اله بکار است ... باکرانند بخلاع و ظاهر است که ... چنین باشد

أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا

دستهای ایشان وگواهی میدهد پاهای ایشان بآنچه بودند که میکردند ۝ واگر خواهیم میرانیم نابینا میکنیم

عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ ۝ وَلَوْ نَشَاءُ

برچشمهای ایشان پس بشتاب گیرند در راه پس چگونه بینند ۝ واگر خواهیم

لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَاعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ

مسخ کنیم ایشانرا بر جای خود که نشسته اند پس نتوانند رفتن از موضع خود ونه باز پس گردند

وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ ۖ أَفَلَا يَعْقِلُونَ ۝ وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ

وهر که اعمر میدهیم برگردانیم اورا در خلق پس تعقل نمی کنند ۝ وتعلیم نکردیم ما محمد را شاعری

وَمَا يَنْبَغِي لَهُ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ ۝ لِيُنْذِرَ

وشاید او را نیست مر او شعر گفتن نیست این قرآن مگر یاد کردن وکتابی روشن ۝ تا بیم دهد

مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا

هر که باشد زنده ۝ وتا واجب شود کلمه عذاب بر کافران ۝ آیا نمی بینند ازانکه ما

خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ ۝ وَذَلَّلْنَاهَا

آفریدیم برای ایشان از آنچه کردند دستهای ما چهارپایان را پس ایشان مالکان آنها اند ۝ ورام کردیم آنها را

لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ۝ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَ

انعام را برای ایشان پس از آنها است مرکبی ایشان واز آنهاست که میخورند ۝ ومر ایشانرا است در چهارپایان منفعتها و

مَشَارِبُ ۖ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ۝ وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ

آشامیدن شیر آیا پس شکر نمیکنند ۝ وفرا گرفتند از غیر خدا خدایان تا مگر باشد که ایشان

يُنْصَرُونَ ۝ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُحْضَرُونَ

یاری کرده شوند ۝ نمیتوانند خدایان یاری دادن ایشان را ایشان مر ایشانرا لشکری اند حاضر کرده شده

فَلَا يَحْزُنْكَ قَوْلُهُمْ ۘ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ۝ أَوَلَمْ

پس باید که غمگین نسازد ترا گفتار ایشان بدرستی که ما میدانیم آنچه نهان میکنند وآنچه آشکار میکنند ۝ آیا

يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُبِينٌ

ندید آدمی انکه ما آفریدیم اورا از آب منی پس ناگاه او جدال کننده ظاهر است

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ ۖ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ

و آورد برای ما مثلی و فراموش کرد آفریدن خود را گفت که زنده میکند استخوانرا و آن

رَمِيمٌ ۝ قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ

پوسیده باشد بگو زنده کند استخوانها را آنکس که آفرید آنرا اول مرتبه و اوست بآفریدن هر چیز

عَلِيمٌ ۝ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ

دانا آنکه گردانید برای شما از درخت سبز آتشی را پس آنگاه شما ازان درخت

تُوقِدُونَ ۝ أَوَلَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِقَادِرٍ

می افروزید آیا نیست آنکه آفرید آسمانها و زمین توانا

عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ ۖ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ ۝ إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ

بر آنکه بیافریند مانند ایشانرا آری میتواند گردد اوست آفریننده دانا جز این نیست هرگاه خواهد خدا

شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ ۝ فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ

چیزی را آنست که گوید مر او را باش پس میباشد پس پاکست آنکس که بدست قدرت اوست

كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

هر چیز و بسوی او برگردیده میشوید

سورة الصافات مائة وثمانية وسبعون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالصَّافَّاتِ صَفًّا ۝ فَالزَّاجِرَاتِ زَجْرًا ۝ فَالتَّالِيَاتِ ذِكْرًا ۝

بحق فرشتگان صف کشیده صف زنی پس بحق ملائکه رانندگان شیطان پس بحق فرشتگان که خواندگان تسبیح خدایند

إِنَّ إِلَٰهَكُمْ لَوَاحِدٌ ۝ رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

بدرستیکه خدای شما هر آینه یکیست پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان هر دو است

وَرَبُّ الْمَشَارِقِ ۝ إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةٍ الْكَوَاكِبِ

و پروردگار مشرقها بدرستیکه ما آراستیم آسمان اولی را که نزدیکست بما بآرایش ستارگان

وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ مَارِدٍ ۝ لَا يَسَّمَّعُونَ إِلَى الْمَلَإِ

و نگاه داشتیم آنرا از هر دیو سرکش نافرمان طاقت شنیدن ندارند بسوی سخن اشراف

از امام جعفر علیه السلام

مروی است که هر که در هر جمعه دست بجمعه بسوی

والصافات را بخواند از جمیع ملمات محفوظ

باشد و روزی او فراخ و شیطان در بدن او مال

او داخل نشود و سلطان ظالم با او بد نکند

و اگر در آنروز یا در آن شب بمیرد شهید مرده باشد

و در زمره شهدا محشور باشد و در غرفات

شهدا بهشت رود و درجه

شهدا را دریابد

اَلَا عَلٰی وَیُقْذَفُوْنَ مِنْ کُلِّ جَانِبٍ دُحُوْرًا وَّلَهُمْ عَذَابٌ

از علی و انداخته می شوند بر ایشان از هر طرف راندن ایشان و مر ایشانرا است عذاب دائم

وَّاصِبٌ اِلَّا مَنْ خَطِفَ الْخَطْفَةَ فَاَتْبَعَهٗ شِهَابٌ ثَاقِبٌ

و دائم مگر کسی که در رباید از ایشان در ربودنی پس از پی در آید او را آتش درخشنده سوزان

فَاسْتَفْتِهِمْ اَهُمْ اَشَدُّ خَلْقًا اَمْ مَّنْ خَلَقْنَا اِنَّا خَلَقْنٰهُمْ مِّنْ

پس طلب فتوی کن از مشرکان آیا ایشان سخت تر اند از روی خلق یا آنکه آفریدیم ما در سنی که ما آفریدیم ایشانرا از

طِیْنٍ لَّازِبٍ بَلْ عَجِبْتَ وَیَسْخَرُوْنَ وَاِذَا ذُکِّرُوْا لَا

گل چسبنده بلکه تعجب کنی و ایشان سخریه میکنند و چون پند داده شوند

یَذْکُرُوْنَ وَاِذَا رَاَوْا اٰیَةً یَّسْتَسْخِرُوْنَ وَقَالُوْٓا اِنْ هٰذَآ اِلَّا

پند پذیرند و نشوند و چون به بینند معجزه مبالغه کنند در سخریه و گویند نیست این مگر

سِحْرٌ مُّبِیْنٌ ءَاِذَا مِتْنَا وَکُنَّا تُرَابًا وَّعِظَامًا ءَاِنَّا لَمَبْعُوْثُوْنَ

سحری ظاهر آیا چون بمیریم ما و باشیم ما خاک و استخوانها آیا ما برانگیخته شدگان باشیم

اَوَاٰبَآؤُنَا الْاَوَّلُوْنَ قُلْ نَعَمْ وَاَنْتُمْ دَاخِرُوْنَ فَاِنَّمَا هِیَ زَجْرَةٌ

یا پدران ما زنده شوند بگو آری زنده شوند و شما خوار باشید پس جز این نیست که این بعث

وَّاحِدَةٌ فَاِذَا هُمْ یَنْظُرُوْنَ وَقَالُوْا یٰوَیْلَنَا هٰذَا یَوْمُ الدِّیْنِ

یک زدنست پس آنوقت ایشان بینگرند و گویند ای وای بر ما این روز جزاست

هٰذَا یَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِیْ کُنْتُمْ بِهٖ تُکَذِّبُوْنَ اُحْشُرُوا

اینست روز حکم آنچنان روزی که بودید شما بآن تکذیب میکردید جمع کنید

الَّذِیْنَ ظَلَمُوْا وَاَزْوَاجَهُمْ وَمَا کَانُوْا یَعْبُدُوْنَ مِنْ دُوْنِ

آنانرا که ستم کردند بر خود و جفتهای ایشانرا و آنچه بودند که می پرستیدند از غیر

اللّٰهِ فَاهْدُوْهُمْ اِلٰی صِرَاطِ الْجَحِیْمِ وَقِفُوْهُمْ اِنَّهُمْ مَّسْئُوْلُوْنَ

خدا پس راهنما بید ایشانرا بسوی راه دوزخ و بازدارید ایشانرا بدرستیکه ایشان پرسیده شوند

مَا لَکُمْ لَا تَنَاصَرُوْنَ بَلْ هُمُ الْیَوْمَ مُسْتَسْلِمُوْنَ وَاَقْبَلَ

چیست مر شمارا که یاری نمیدهید بلکه ایشان امروز گردن نهادگانند و روی آرند

مراد از صافات ملیکه اند که صف میکشند در آسمانها در مقام بندگی و تسبیح حقتعالی مانند صفوف آدمیان در نماز جماعت تقریبا مانند و بقولی مراد بقوس مومنانند که در نمازهای جماعت و در جهاد صف میکشند و مراد از زاجرات هم بقولی فرشتگانی اند که زجر و منع خلایق از عصیان میمایند و بقولی مراد راهنمایانی اند از بنی آدم که زجر خلایق از معاصی مینمایند و بقولی آیهای از قرآن که زاجر از معصیت است و بقولی قاریان قرآنند که در تلاوت آواز را بلند کنند

چه زجره بمعنی صیحه آمده و مراد از تالیات هم بقولی فرشتگانی اند که کتابهای خداوند جهان همه خوانند یا کتابی که حقتعالی برای فرشتگان نوشته خوانند و بقولی مراد قاریان قرآنند از بنی آدم

بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَآءَلُونَ ۝ قَالُوٓا۟ إِنَّكُمْ كُنتُمْ تَأْتُونَنَا

بعضی از ایشان بر بعضی از یکدیگر احوال پرسند گویند بدرستی که شما بودید که می آمدید مارا

عَنِ ٱلْيَمِينِ ۝ قَالُوا۟ بَل لَّمْ تَكُونُوا۟ مُؤْمِنِينَ ۝ وَمَا كَانَ لَنَا

از جهة منفعت گویند بلکه نبودید شما مؤمنان و نبود مرمارا

عَلَيْكُم مِّن سُلْطَٰنٍ ۖ بَلْ كُنتُمْ قَوْمًا طَٰغِينَ ۝ فَحَقَّ عَلَيْنَا

بر شما هیچ قوتی بلکه بودید شما گروهی ازحد گذرندگان پس واجب شد برما

قَوْلُ رَبِّنَآ ۖ إِنَّا لَذَآئِقُونَ ۝ فَأَغْوَيْنَٰكُمْ إِنَّا كُنَّا غَٰوِينَ ۝ فَإِنَّهُمْ

سخن پروردگار ما بدرستی که ما چشندگان عذابیم پس گمراه ساختیم شما را بدرستی که ما بودیم گمراهان پس بدرستی که ایشان

يَوْمَئِذٍ فِى ٱلْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ ۝ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِٱلْمُجْرِمِينَ

در آن روز در عذاب شریکان باشند بدرستیکه ما مانند این عذاب پاداش میدهیم گناهکاران را

إِنَّهُمْ كَانُوٓا۟ إِذَا قِيلَ لَهُمْ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ يَسْتَكْبِرُونَ ۝ وَيَقُولُونَ

بدرستی که ایشان بودند که چون گفته شدی مرایشانرا نیست خدائی مگر خدا تکبر میکردند ومیگفتند

أَئِنَّا لَتَارِكُوٓا۟ ءَالِهَتِنَا لِشَاعِرٍ مَّجْنُونٍ ۝ بَلْ جَآءَ بِٱلْحَقِّ وَصَدَّقَ

آیا ما هرآینه ترک کنندگانیم خدایان خودرا برای شاعری دیوانه بلکه آمد محمد بحق وراست گفت

ٱلْمُرْسَلِينَ ۝ إِنَّكُمْ لَذَآئِقُوا۟ ٱلْعَذَابِ ٱلْأَلِيمِ ۝ وَمَا تُجْزَوْنَ إِلَّا

پیغمبران را بدرستی که هرآینه چشندگانید عذاب دردناک را وجزا داده نمیشوید مگر

مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلَصِينَ ۝ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ

آنچه بودید که میکردید مگر بندگان خدا که پاکند اگروه مرایشانراست

رِزْقٌ مَّعْلُومٌ ۝ فَوَٰكِهُ ۖ وَهُم مُّكْرَمُونَ ۝ فِى جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ

روزی معین میوها وایشان بزرگوار باشند در بهشتهای پرنعمت

عَلَىٰ سُرُرٍ مُّتَقَٰبِلِينَ ۝ يُطَافُ عَلَيْهِم بِكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍۭ

بر بالای تختها که برابر هم باشند گردانیده میشود برایشان بجام ازخمر که ازچشمه بیرون آید

بَيْضَآءَ لَذَّةٍ لِّلشَّٰرِبِينَ ۝ لَا فِيهَا غَوْلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنزَفُونَ ۝

خمری سفید خوش لذت مرآشامندگانرا نیست در آن فسادی ونه ایشان

از یمین
یعنی برکت آمد
یعنی شما مارا از راه نصیحت و برکت
پیش آمدید و گمراه نمودید و رجاج یمین را یعنی
حق تفسیر کرده و گفته یعنی مارا از روی دین پیش
آمدید و جا نمودید که دین حق این است که بجا آرید
و بعضی یمین را بمعنی قوت گرفته اند
یعنی مارا از اقوای راهها
پیش آمدید و فریب
دادید
یعنی
حکم او بعذاب ما محقق
و ثابت شده یا حکم او بضلالت
و گمراهی ما محتوم
بود

وَعِندَهُم قَاصِرَاتُ الطَّرفِ عِينٌ ۝ كَأَنَّهُنَّ بَيضٌ مَّكنُونٌ ۝

و نزد ایشان باشند کوتاه کنندگان چشم فراخ گویا ایشان تخم شترمرغند که پوشیده و شده باشد

فَأَقبَلَ بَعضُهُم عَلَىٰ بَعضٍ يَتَسَاءَلُونَ ۝ قَالَ قَائِلٌ مِّنهُم إِنِّي

پس روی آرند بعضی از ایشان بر بعضی سوال کنند از احوال هم گوید گوینده از ایشان بدرستی که

كَانَ لِي قَرِينٌ ۝ يَقُولُ أَئِنَّكَ لَمِنَ المُصَدِّقِينَ ۝ أَئِذَا مِتنَا وَ

مرا بود همنشینی میگفت آیا تو از جمله تصدیق کنندگان حشری آیا چون بمیریم ما و

كُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَئِنَّا لَمَدِينُونَ ۝ قَالَ هَل أَنتُم مُّطَّلِعُونَ

باشیم خاک و استخوانهای پوسیده یا داش داده کان باشیم گوید آیا مزد آیا شما مطلعید

فَاطَّلَعَ فَرَآهُ فِي سَوَاءِ الجَحِيمِ ۝ قَالَ تَاللَّهِ إِن كِدتَّ لَتُردِينِ

پس مطلع گردد پس بیند او را در میان آتش گوید بخدا سوگند که نزدیک بود تو مرا هلاک کنی

وَلَولَا نِعمَةُ رَبِّي لَكُنتُ مِنَ المُحضَرِينَ ۝ أَفَمَا نَحنُ بِمَيِّتِينَ ۝

و اگر نه عطا و بخشش من بودی هر آینه بودم من از حاضر شدگان آیا پس نیستیم ما مردگان

إِلَّا مَوتَتَنَا الأُولَىٰ وَمَا نَحنُ بِمُعَذَّبِينَ ۝ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الفَوزُ

مگر مردن ما در اول که دنیا بود و نیستیم ما عذاب کرده شدگان بدرستی که این مر او را هر آینه رستگاری

العَظِيمُ ۝ لِمِثلِ هَٰذَا فَليَعمَلِ العَامِلُونَ ۝ أَذَٰلِكَ خَيرٌ نُّزُلًا

بزرگست ازبرای مثل این پس باید عمل کنند عمل کنندگان آیا این مهمانی کو بهتر است از روی پذیرائی

أَم شَجَرَةُ الزَّقُّومِ ۝ إِنَّا جَعَلنَاهَا فِتنَةً لِّلظَّالِمِينَ ۝ إِنَّهَا شَجَرَةٌ

یا درخت زقوم بدرستیکه ما کردانیدیم ما آنرا آزمایش برای ستمکاران بدرستی که زقوم درختیست

تَخرُجُ فِي أَصلِ الجَحِيمِ ۝ طَلعُهَا كَأَنَّهُ رُؤُوسُ الشَّيَاطِينِ ۝ فَإِنَّهُم

که بیرون می آید از بیخ دوزخ میوه آن درخت گویا سرهای شیاطین است پس بدرستی که دوزخیان

لَآكِلُونَ مِنهَا فَمَالِـُٔونَ مِنهَا البُطُونَ ۝ ثُمَّ إِنَّ لَهُم عَلَيهَا

البته میخورند از آن درخت پس از آن پر کنند شکمها را پس بدرستی که مر ایشان را بر بالای آن

لَشَوبًا مِّن حَمِيمٍ ۝ ثُمَّ إِنَّ مَرجِعَهُم لَإِلَى الجَحِيمِ ۝ إِنَّهُم أَلفَوا آبَاءَهُم

درخت آمیخته از آب گرم پس بدرستی بازگشت ایشان البته بدوزخست بدرستی که ایشان یافتند پدران خود

غرض
از این استفهام تقریر
و توبیخ قرنست بر کفر و ضلالت

شوب
مخلوط و ممزوج کردن است
چیزی بچیزی دیگر و چون از آن درخت خورند
و تشنه شوند از آب جوشانی آشامند
شوند که مخلوط باچرک و ریم دوزخیان باشد
یا در دلهای ایشان طعام باشد
این آب ممزوج
شود

ضَآلِّينَ ۝ فَهُمْ عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِمْ يُهْرَعُونَ ۝ وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ

گمراهان بودند پیش ایشان | بر نهجهای پدران خود | دشتاب فکنند | و بتحقیق گمراه شدند پیش از ایشان | بیشتر

ٱلْأَوَّلِينَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِم مُّنذِرِينَ ۝ فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ

پیشینیان | و بتحقیق | فرستادیم ما در میان ایشان | بیم کنندگان | پس نگر چگونه بود

عَٰقِبَةُ ٱلْمُنذَرِينَ ۝ إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلَصِينَ ۝ وَلَقَدْ نَادَىٰنَا

سرانجام بیم کرده شدگان | مگر بندگان خدا که پاک کرده شده اند | و بتحقیق که خواند ما را

نُوحٌ فَلَنِعْمَ ٱلْمُجِيبُونَ ۝ وَنَجَّيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥ مِنَ ٱلْكَرْبِ ٱلْعَظِيمِ

نوح پس نیک اجابت کنندگانیم | و رهانیدیم او را و اهل او را | از اندوه | بزرگ

وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُۥ هُمُ ٱلْبَاقِينَ ۝ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِى ٱلْءَاخِرِينَ

و گردانیدیم اولاد او را ایشان | ماندگان | و باقی گذاشتیم | بر او | در | آخرین

سَلَٰمٌ عَلَىٰ نُوحٍ فِى ٱلْعَٰلَمِينَ ۝ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ ۝ إِنَّهُۥ

درود | بر نوح | در میان جهانیان | بدرستی که ما چنین جزا میدهیم | نیکوانرا | بدرستی که

مِنْ عِبَادِنَا ٱلْمُؤْمِنِينَ ۝ ثُمَّ أَغْرَقْنَا ٱلْءَاخَرِينَ ۝ وَإِنَّ مِن شِيعَتِهِۦ

از بندگان | مؤمن ما بود | پس | غرق گردیم ما | دیگران را | و بدرستیکه از پیروان نوح

لَإِبْرَٰهِيمَ ۝ إِذْ جَآءَ رَبَّهُۥ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ ۝ إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِۦ

ابراهیم است | چون آمد پروردگار خود را بدل | خالص | چون گفت | مر پدر خوانده خود و قوم خود را

مَاذَا تَعْبُدُونَ ۝ أَئِفْكًا ءَالِهَةً دُونَ ٱللَّهِ تُرِيدُونَ ۝ فَمَا ظَنُّكُم

چیست آنچه می پرستید | آیا بدروغ گذب خدایان | بجز از خدا | میخواهید | پس چیست گمان شما

بِرَبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ۝ فَنَظَرَ نَظْرَةً فِى ٱلنُّجُومِ ۝ فَقَالَ إِنِّى سَقِيمٌ ۝

بپروردگار جهانیان | پس دید نگرستنی | بستارگان | پس گفت بدرستی که من بیمارم

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ ۝ فَرَاغَ إِلَىٰٓ ءَالِهَتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ ۝

پس برگشتند از او پشت دهندگان بودند | پس میل کرد | بسوی خدایان ایشان | پس گفت آیا میخورید

مَا لَكُمْ لَا تَنطِقُونَ ۝ فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًۢا بِٱلْيَمِينِ ۝ فَأَقْبَلُوٓا

چیست مر شما را که سخن نمیگویید | پس میل کرد | بر ایشان | زدنی براست | پس روی آوردند

إِلَيْهِ

بقول
بعضی از جمله مفسرین
سلام علی نوح فی العالمین در محل نصب است بر
مفعولیت ترکنا و گویا گفته شده و ترکنا علیه
ان یسلموا علیه یسلما الی یوم القیمة حاصل مضمون
اینکه ما رحم کردیم او را و شفقت کردیم بر او
در آیندگان در آخر الزمان که او را دعا کنند
و سلام بروی فرستند و سلام علی نوح بنا
بر این جمله مستحب است

در تفسیر
از حضرت امیر علیه السلام ضرب
قوی است و باعتبار آنست که
دست راست قوی تر است از
دست چپ و ضربی که از آن صادر
شود اقوی است و بعضی چنین را
بدست راست تفسیر کرده اند
چنانچه در نجا

إِلَيْهِ يَزِفُّونَ ۝ قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ ۝ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا

بسوی او بر آسیم میخواستند او را بکشند ۝ گفت آیا می پرستید ۝ چیزی را که خود تراشید ۝ و خدا آفرید شما را ۝ و آنچه

تَعْمَلُونَ ۝ قَالُوا ابْنُوا لَهُ بُنْيَانًا فَأَلْقُوهُ فِي الْجَحِيمِ ۝ فَأَرَادُوا بِهِ

میکنید ۝ گفتند قوم بنا کنید برای او بنائی پس بیندازید او را در آتش ۝ پس اراده کردند باو

كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ ۝ وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي

مکری ۝ پس گردانیدیم ایشان را خوارترین ۝ و گفت ابراهیم بدرستی که من روندهام بسوی پروردگارم

سَيَهْدِينِ ۝ رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ

زود باشد که راه نماید مرا ۝ پروردگارا ببخش مرا فرزندی از شایستگان ۝ پس مژده دادیم او را به پسری

حَلِيمٍ ۝ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي

بردبار ۝ پس چون رسید با پدر موضع سعی ۝ گفت ای پسر من بدرستی که من دیدم در خواب ۝ آنکه من

أَذْبَحُكَ فَانْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ ۚ قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ ۖ سَتَجِدُنِي

تو را ذبح کنم ۝ پس بنگر در این کار چه می بینی تو ۝ گفت ای پدر من ۝ بکن آنچه مامور شدهای زود باشد که بیابی

إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ ۝ فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهُ لِلْجَبِينِ ۝ وَ

اگر خواهد خدا از صبر کنندگان ۝ پس آن هنگام که گردن نهادند و افکند او را بر پیشانی و

نَادَيْنَاهُ أَنْ يَا إِبْرَاهِيمُ ۝ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّؤْيَا ۚ إِنَّا كَذَٰلِكَ

ندا کردیم ما او را که ای ابراهیم ۝ بتحقیق راست کردی خواب خود را بدرستی که ما چنین

نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ الْبَلَاءُ الْمُبِينُ ۝ وَفَدَيْنَاهُ

جزا میدهیم نیکوکاران را ۝ بدرستی که این هر آینه بلائی بود ظاهر ۝ و فدا کردیم او را

بِذِبْحٍ عَظِيمٍ ۝ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ ۝ سَلَامٌ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

بذبح کردن بزرگ ۝ و باقی گذاشتیم بر او ثنای نیکو در میان آخرین ۝ سلام بر ابراهیم

كَذَٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ ۝ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَ

همچنین ۝ جزا میدهیم نیکوکاران را ۝ بدرستی که او از بندگان ما مومن ما بود ۝ و

بَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ ۝ وَبَارَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ

مژده دادیم ما او را باسحق که پیغمبر باشد از شایستگان ۝ و برکت دادیم ما بر او و بر اسحق

بدانکه میان علمای اسلام

بهود و نصاری اختلاف شده در آن

ذبیح مشهور میان امامیه رضی الله عنهم آنست

که اسمعیل بوده و اخبار دالّه بر این از اهل بیت

بسیار است از انجمله عبد الله بن سنان از

حضرت صادق صلوات الله علیه پرسید از

خداوند قربانی فرموده که او اسمعیل بود و زیاد

ابن سوقه هم از حضرت ابی جعفر از آن پرسید و آن

حضرت فرمود که اسمعیل است و ظاهر از آیات

کریمه هم آنست چه تعالی بعد از بشارت بغلام

حلیم و حکایت قربانی او فرموده و بشرناه باسحق

نبیا من الصالحین پس ظاهر میشود که آن غیر این است

و اکثر عامه و قاطبه یهود و نصاری او را اسحق

گفته اند و در بعضی از اخبار اهل بیت علیهم السلام

وارد شده و ظاهر آنست که از باب تعمیه باشد

العلم عند الله

كُنتُم صَادِقِينَ ۝ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجِنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ

بپندارید راست پسگویان و گردانیدند میان خدا و میان جنیان خویشی و بدرستی که

عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ ۝ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝

میدانست جنیان که کافران حاضرشدگانند خدا را از آنچه وصف می کنند

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۝ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ ۝ مَا أَنتُمْ

مگر بندگان خدا که خالص باشند پس بدرستی که شما و آنچه می پرستید نیستید شما

عَلَيْهِ بِفَاتِنِينَ ۝ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالِ الْجَحِيمِ ۝ وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ

بر او بتباه کنندگان مگر آنکه او در آینده است آتش را و نیست از ما کسی که مگر آنکه او را

مَقَامٌ مَّعْلُومٌ ۝ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُّونَ ۝ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ

برای عبادت جایگاه دانسته شده و بدرستی که ما هر آینه از صف زنانیم و بدرستی که ما هر آینه از تسبیح کنندگانیم

وَإِن كَانُوا لَيَقُولُونَ ۝ لَوْ أَنَّ عِندَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْأَوَّلِينَ ۝

و بدرستی که بودند گفتار هر آینه می گفتند اگر بودی نزد ما کتابی از جنس کتب پیشینیان

لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ ۝ فَكَفَرُوا بِهِ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۝

هر آینه بودیم مانند کان خدا پاک از شرک پس کافر شدند بقرآن پس زود باشد که بدانند

وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ ۝ إِنَّهُمْ لَهُمُ

و هر آینه پیشی گرفت سخن ما برای بندگان ما که فرستادگانند بدرستی ایشان هر آینه

الْمَنصُورُونَ ۝ وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ ۝ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ

یاری شدگانند و بدرستیکه لشکر ما هر آینه ایشان غلبه کنندگانند پس روی بگردان از ایشان

حَتَّىٰ حِينٍ ۝ وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ۝ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ

تا هنگام معین و بنگر ایشان را پس زود باشد که ببینند فتح ترا آیا پس بعذاب ما شتاب میکنند

فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ ۝ وَتَوَلَّ

پس چون فرود آید بمنازل ایشان پس بد است صباح بیم کردگان و روی بگردان

عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ ۝ وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ ۝ سُبْحَانَ رَبِّكَ

از ایشان تا هنگام معین و بنگر ایشان را پس زود باشد که ببینند پاکست پروردگار تو

بیان
خدا و میان
بر آن نسبت زن و شوهری است
گویند عرب را عقیده آن بود که
جمعالی با زنان بزرگان جن
موصلت کرد
بیان
حکایت از قول جبرئیل
علیه السلام بحضرت رسول خدا
صلی الله علیه و آله و بقولی
فرشتگان همراه

رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ ۝ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ

پروردگار غالب از آنچه وصف میکنند ۝ و سلام بر ۝ فرستادگان ۝ و ستایش مر خدارا

سورة ص مکیة

رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ عدد آیاتها

پروردگار جهانیان است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

صٓ وَالْقُرْآنِ ذِي الذِّكْرِ ۝ بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَ

سوگند بحقیقت صاد و قسم بقرآن که خداوند شرفت بلکه آنانکه کافر شدند در نهایت کبر و

شِقَاقٍ ۝ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ فَنَادَوْا وَلَاتَ حِينَ

سرکشی بسیار هلاک کردیم ما پیش از مشرکان از امم ماضیه پس ندا کردند وقت عذاب

مَنَاصٍ ۝ وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ

و نبود آن هنگام گریختن و بلکه عجب داشتند انکه آمد ایشانرا بیم کننده از ایشان و گفتند کافران

هٰذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ۝ أَجَعَلَ الْآلِهَةَ إِلٰهًا وَاحِدًا ۖ إِنَّ هٰذَا

این جادوئیست دروغگو آیا کرد ایشان خدایان را خدای یکانه بدرستی که این

لَشَيْءٌ عُجَابٌ ۝ وَانْطَلَقَ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَىٰ

هر آینه چیزیست عجب آورنده و بشتاب روان شدند اشراف از ایشان که بروید و صبر کنید بر

آلِهَتِكُمْ ۖ إِنَّ هٰذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ ۝ مَا سَمِعْنَا بِهٰذَا فِي الْمِلَّةِ

پرستش خدایان خود بدرستی که این با ما چیزیست اراده کرده شده و هرگز نشنیدیم این را در ملت

الْآخِرَةِ ۖ إِنْ هٰذَا إِلَّا اخْتِلَاقٌ ۝ أَأُنْزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِنْ

باز پسین نیست این مگر بر بافتن آیا فرستاده شد بر محمد قرآن از

بَيْنِنَا ۚ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِنْ ذِكْرِي ۖ بَلْ لَمَّا يَذُوقُوا عَذَابِ ۖ أَمْ

میان ما بلکه ایشان در شکند از قرآن من بلکه هنوز نچشیده اند عذاب را یا

عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ ۝ أَمْ لَهُمْ مُلْكُ

نزد ایشانست خزینه های رحمت پروردگار تو که غالب بخشنده هست آیا مر ایشانرا پادشاهی

از امام محمد باقر علیه السلام

مرویست که هر که در هر شب جمعه بسورهٔ صاد را بخواند اورا ثواب

و آخرت دهند گنهی را نماند و باشد که پیغمبران مرسل و فرشتگان مقرب را دارد

بهشت برزمامر که ماواست حق جاودانی

که در دنیا بخدمت او خادم نبود

باشد اگرچه از اهل

شفاعت نباشد

در مجمع البیان حکایت کرده که پانزده نفر از

بزرگان قریش بخدمت ابوطالب رفته عرضه داشتند

که تو شیخ و بزرگ مائی آمده ایم که حکم کنی میان ما و

برادرزاده ات یعنی محمد صلی الله علیه و آله که ما را

بی عقل میشمارد و خدایان ما را دشنام میدهد

پس ابوطالب آنحضرت را طلبید و عرضه داشت

که قوم تو از تو سؤالی دارند فرمود چه میخواهید گفت

استدعا داریم که دست از خدایان ما بازداری

و ما را با خدایان خود بگذاری تا ما هم تو را با

خدای تو بگذاریم آنحضرت با ایشان فرمود

که کلمه ئی از شما میخواهم که بگوئید تا سبب آن

مالک عرب و عجم شوید پس ابوجهل گفت

السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَلْيَرْتَقُوا فِي الْاَسْبَابِ

آسمانها و زمین و آنچه میان هر دو است پس باید بالا روند از ترس و بیمناک گردند از سبب

جُنْدٌ مَا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِنَ الْاَحْزَابِ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ

لشکر زبون از موضع بدر شکسته شده از قبل آن گروه تکذیب کردند پیش از مشرکان

قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ ذُو الْاَوْتَادِ وَثَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَ

گروه نوح و عاد و فرعون که خداوند میخها بود و جماعت ثمود و قوم لوط و

اَصْحٰبُ لْـَٔيْكَةِ اُولٰٓئِكَ الْاَحْزَابُ اِنْ كُلٌّ اِلَّا كَذَّبَ

و یاران بیشه که قوم شعیب اند آنگروه گروهیند نبود هیچیک از ایشان مگر تکذیب کرد

الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ وَمَا يَنْظُرُ هٰٓؤُلَآءِ اِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً

پیغمبران را پس سزاوار عقوبت و انتظار نمیکشند این گروه مگر یک فریاد را

مَا لَهَا مِنْ فَوَاقٍ وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطَّنَا قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ

نیست آن فریاد را هیچ رجوعی و گفتند پروردگارا بشتاب بده نامه ما را پیش از روز حساب

اِصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوٗدَ ذَا الْاَيْدِ اِنَّهُ اَوَّابٌ

صبر کن یا محمد بر آنچه میگویند و یاد کن بنده ما داود را خداوند قوت بود بدرستی که او رجوع

اِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْاِشْرَاقِ وَ

بدرستی که ما رام کردیم کوهها را با او تسبیح میکردند هنگام شب و روشن شدن روز و

الطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَهُ اَوَّابٌ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَاٰتَيْنٰهُ

مرغان را که جمع شده بودند هر یک تسبیح او را باز کرده بودند و محکم کردیم پادشاهی او را و دادیم او را

الْحِكْمَةَ وَفَصْلَ الْخِطَابِ وَهَلْ اَتٰىكَ نَبَؤُا الْخَصْمِ اِذْ تَسَوَّرُوا

حکمت و کلامی خالص از التباس و آیا آمد بتو خبر آن گروه که خصومت کردند وقتی که

الْمِحْرَابَ اِذْ دَخَلُوا عَلٰى دَاوٗدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ قَالُوا لَا تَخَفْ

بالا رفتند بر سوراخ غرفه چون در آمدند بر داود پس بترسید از ایشان گفتند مترس از ما

خَصْمٰنِ بَغٰى بَعْضُنَا عَلٰى بَعْضٍ فَاحْكُمْ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ

که خصم یکدیگریم و ستم کرد بعضی از ما بر بعضی پس حکم کن میان ما براستی و جور مکن در حکم ما

وَاهْدِنَا

حاصل

معنی انکه آن گروه

که در مجلس ابوطالب آن سخنها

گفتند گروهی اند اندک یا بسیار که خواهند

گریخت از جمله طوایفی که بر محمد صلی الله علیه و آله

خروج کنند از معامله آنحضرت در بدر و

کلام در مکه نازل شده و اخبار غیبی است که قریش

قریش و مغلوب شدن ایشان است در جنگ

بدر و بقولی مراد از احزاب کفار است در

خندق و اشاره بکثرت مشرکان

در آن جنگ

ذو الاوتاد

کنایه از شدت قوت و

سلطنت است و بقولی چهار میخی داشت

فرعون که مغضوبین خود را بآن عقوبت کردی

و بقول ابن مسعود آسیه زوجه خود را بعلت

ایمان بچهار میخ کشید و سنگ آسیائی بر

بر سینه او نهاد تا انکه بآن

عقوبت بهشت جاوید

خرامید

وَاهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ ۞ إِنَّ هَٰذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ

و راه نما ما را بسوی راه راست ۞ بدرستی که این مرد برادر منست مراورا نود و نه

نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةٌ وَاحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ

میش ۞ و مراست میشی یکتا ۞ پس گفت بگذار آن مرا کفیل میش خود و غلبه کرد ۞ در این مخاطبه

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ ۖ وَإِنَّ كَثِيرًا

گفت داود که بتحقیق ۞ ستمکرد تو را بخواستن ۞ میش تو ۞ بسوی میشهای خود ۞ و بدرستیکه ۞ بسیاری

مِنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

از شریکان هر آینه ستم می کنند بعضی از ایشان ۞ بر بعضی ۞ مگر آنانکه ۞ ایمان آوردند ۞ و کردند

الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَا هُمْ ۗ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّاهُ فَاسْتَغْفَرَ

کارهای شایسته ۞ و اندکند چنان مردم ۞ و دانست داود ۞ آنکه امتحان کردیم او را پس آمرزش خواست

رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ۩ فَغَفَرْنَا لَهُ ذَٰلِكَ ۖ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا

از پروردگار خود و افتاد رکوع کننده ۞ و بازگشت ۞ پس آمرزیدیم او را امر او را این ترک اولی ۞ و بدرستیکه مر او راست نزدیکی

لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَآبٍ ۞ يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي

بر آینه نزدیکی ۞ و خوبی ۞ بازگشت ۞ ای داود بدرستی که ما گردانیدیم تو را جانشین ۞ در

الْأَرْضِ فَاحْكُمْ بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ

زمین ۞ پس حکم کن ۞ میان مردمان ۞ براستی ۞ و پیروی مکن ۞ خواهش را پس گمراه سازد ترا

عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ۚ إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ

از راه خدا بدرستی که آنانکه ۞ گمراه میشوند از راه ۞ خدا مر ایشان را ۞ عذاب

شَدِيدٌ بِمَا نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ ۞ وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ

سخت ۞ بسبب آنچه فراموش کردند روز حساب ۞ و نیافریدیم آسمان ۞ و زمین را

وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ۚ ذَٰلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا ۚ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا

و آنچه میان هر دو است باطل ۞ این ۞ گمان ۞ آنانکه کافر شدند ۞ پس وای مر آنانرا که کافر شدند

مِنَ النَّارِ ۞ أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ

از آتش ۞ آیا ۞ گردانیدیم ما آنانرا که گرویدند ۞ و کردند ۞ کارهای شایسته مانند تباه کاران

یعنی

اگر چنین باشد در واقع

و کوشش مال تو باشد و برادرت بحر از تو گرفته باشد

ستم بر تو کرده است چه گاه باشد مدعی در وقوع گردد

و با مدعوای خود را ثبوت نرساند و پیش از اثبات

دعوی حکم برای مدعی کردن صورت ندارد و

بنا بر این استغفار آنحضرت نه از راه خطائی در حکم

یا گناهی بوده بلکه از راه کمال انقطاع بخدا تعالی

باتمام خضوع و خشوعی است که انبیاء و اولیا

علیهما السلام را میسود چنانکه در حکایت از قول

ابراهیم وارد شده والذی اطمع ان یغفر لی خطیئتی یوم

الدین و مراد از فغفرنا له ذلک آنست که او را

بر این استغفار و خضوع و خشوع ثواب جزیل کرامت

فرمودیم و تعبیر از اینمعنی بمغفرت از باب مجاز

مشاکله است مانند نسبت مخادعه بخدای عز

و جل در کریمه یخادعون الله و هو خادعهم و نیز

معصیت

امامیه و بعضی از علمای عامه بمشک نسبت خطا و

بانبیا علیهم السلام جایز نیست و بعضی از عامه

که نسبت خطا و معصیت را بایشان تجویز کرده اند

در تفسیر این آیات بعضی از ایشان گفته اند که او با

زنی را خواستگاری نموده و خویشان او میخواستند

فِي الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ ۝ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ

در زمین یا گردانیدیم پرهیزکاران را مانند بدکاران ۝ کتابی است که فرستادیم آنرا بسوی تو

مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ ۝ وَوَهَبْنَا

برکت داده شده تا تفکر نمایند در آیات او و تا پند گیرند بوعظ خداوندان عقل ۝ و ببخشیدیم ما

لِدَاوُودَ سُلَيْمَانَ نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ ۝ إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ

مر داود را سلیمان نیکو بنده بود بدرستی که او رجوع کننده بود بخدا وقتی که عرض کرده شد بر او آخر روز

الصَّافِنَاتُ الْجِيَادُ ۝ فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَنْ ذِكْرِ

اسبان ایستاده بر کنار پسم پس گفت که من دوست داشتم دوستی مال را از یاد کردن

رَبِّي حَتَّىٰ تَوَارَتْ بِالْحِجَابِ ۝ رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ

پروردگار خود تا پوشیده برده شب آفتاب را ۝ بازگردانید این اسبان را بر من پس ایستاده شد بمسح کردن بی ساقها

وَالْأَعْنَاقِ ۝ وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَىٰ كُرْسِيِّهِ

و گردنهای ایشان ۝ و بتحقیق که آزمودیم ما سلیمان را و انداختیم ما بر تخت او

جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ ۝ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا

جسدی پس مرد و پس بازگشت بخدا ۝ گفت پروردگارا بیامرز مرا و ببخش مرا پادشاهی که

يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ ۝ فَسَخَّرْنَا لَهُ

نشاید مر احدی را از بعد من بدرستی تو تویی بسیار بخشنده ۝ پس مسخر کردیم برای او

الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ ۝ وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ

باد را که میرفت بفرمان خود از روی نرمی هر جا که قصد کرد ۝ و مسخر کردیم از جنس شیاطین هر

بَنَّاءٍ وَغَوَّاصٍ ۝ وَآخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ ۝ هَٰذَا عَطَاؤُنَا

بناکننده و هر شناکننده ۝ و دیگران را مسخر کردیم که با هم بسته بودند در بندها ۝ این پادشاهی بخش ماست

فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَ

پس عطا کن یا منع کن که بحساب نیست ۝ و بدرستی که سلیمان را نزد ما بود قرب و منزلت و

حُسْنَ مَآبٍ ۝ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ أَنِّي

نیکوئی بازگشت ۝ و یاد کن بنده ما ایوب را وقتی که خواند پروردگار خود را بدرستی که

خلاصه مضمون آنکه چون عرض کرده شد بر سلیمان علیه السلام در وقت عصر ان اسبان چشم از نماز او مشغول دیدن اسبان شد تا آنکه آفتاب غروب نمود چنانچه از امیر المؤمنین علیه السلام در مجمع البیان حکایت کرده و در بعضی از اخبار اهل بیت علیهم السلام وارد شده که آفتاب غروب کرده بود بلکه از اول وقت باخر وقت رسیده بود و هنوز وقت باقی بود پس سلیمان خطاب فرمود بامر شکان که موکلند بر حرکت دادن آفتاب که برگردانید آفتاب را بجای خود در وقت عصر یا در اول وقت عصر میباشد و بفرمان الهی آفتاب بآن موضع برگردید پس سلیمان شروع نمود بمسح ساقهای پای خود و گردن خانچه قرار وضوی نماز ایشان بود و نماز عصر گذارد و آفتاب پس از آنحضرت فی الفور غروب نمود و اکثر مفسران عامه در تفسیر این آیه گفته اند که ان حضرت مشغول دیدن اسبان شد تا غروب آفتاب و چون اسبان باعث قضای نماز وی شده بود فرمود تا اسبان را برگردانیدند و جمله ساقهای پای اسبان را و گردنهای ایشان را بشمشیر قطع نمود که بسبب محبت آنها سبب فوت نماز وی شده دوست ترین مال خود را که اسبان باشند تصدق نمود که نماز قضایش مقبول درگاه الهی شود و طریقه گشتن حیوانات نزد ایشان بزدن ساقها و گردنها بوده

مَسَّنِيَ الشَّيْطٰنُ بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ ۝ اُرْكُضْ بِرِجْلِكَ هٰذَا

رسانید مرا شیطان رنج بدن ۞ وعذاب گفتیم بزن پای خود را باین چشمه

مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ ۝ وَوَهَبْنَا لَهٗ اَهْلَهٗ وَمِثْلَهُمْ

جای غسلست وچشمهٔ دیگر آبی سرد و آشامیدنی هست ۞ وبخشیدیم اورا وکسان اورا ومانند ایشانرا

مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنَّا وَذِكْرٰى لِاُولِي الْاَلْبَابِ ۝ وَخُذْ بِيَدِكَ

با ایشان بخشش ازما وپندی مرخداوندان خردها را ۞ وگفتیم بگیر بدست خود

ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِّهٖ وَلَا تَحْنَثْ ۗ اِنَّا وَجَدْنٰهُ صَابِرًا ۗ نِعْمَ الْعَبْدُ ۗ

دسته گیاه پس بزن بآن وگناه کار مشو بدرستی که یافتیم ما او را صبر کننده نیکو بنده بود

اِنَّهٗ اَوَّابٌ ۝ وَاذْكُرْ عِبٰدَنَآ اِبْرٰهِيْمَ وَاِسْحٰقَ وَيَعْقُوْبَ

بدرستی که او رجوع کننده بود ۞ ویاد کن بندگانرا ابراهیم واسحق ویعقوب

اُولِي الْاَيْدِيْ وَالْاَبْصَارِ ۝ اِنَّآ اَخْلَصْنٰهُمْ بِخَالِصَةٍ

خداوندان دستها وچشمها بودند ۞ بدرستی که ما خالص کردیم ایشانرا بآن که خالص بود

ذِكْرَى الدَّارِ ۝ وَاِنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْاَخْيَارِ ۝

یاد کردن سرای آخرت وبدرستیکه ایشان نزد ما هرآینه از برگزیدگان بسیار نیکو بودند

وَاذْكُرْ اِسْمٰعِيْلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ ۗ وَكُلٌّ مِّنَ الْاَخْيَارِ ۝

ویاد کن اسمعیل والیسع وذی الکفل را وهمه ایشان از برگزیدگان بودند

هٰذَا ذِكْرٌ ۗ وَاِنَّ لِلْمُتَّقِيْنَ لَحُسْنَ مَاٰبٍ ۝ جَنّٰتِ عَدْنٍ

این شرفیست وبدرستی که مر پرهیزگاران راست نیکوئی بازگشت بوستانهای باقامت

مُّفَتَّحَةً لَّهُمُ الْاَبْوَابُ ۝ مُتَّكِـِٕيْنَ فِيْهَا يَدْعُوْنَ فِيْهَا بِفَاكِهَةٍ

درحالتی که گشاده است مرایشانرا درها ۞ تکیه زدگان در آن میخواهند در آنها میوه‌ها

كَثِيْرَةٍ وَّشَرَابٍ ۝ وَعِنْدَهُمْ قٰصِرٰتُ الطَّرْفِ اَتْرَابٌ ۝

بسیار وشراب خوب ۞ ونزد ایشانست زنان کوتاه کننده چشم بر شوهران

هٰذَا مَا تُوْعَدُوْنَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ ۝ اِنَّ هٰذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهٗ

این آنست که وعده داده میشدید برای روز حساب ۞ بدرستی این نعمتها هرآینه روزی ماست

در تفسیر کبیر آورده است که ایوب پیغمبر

وعذاب بعضی گفته اند که مرض آنحضرت بشدت انجامید تا آنکه مردمان از وی اجتناب کردند پس شیطان وسوسه کرد با مردمان که با او معاشرت مکنید واورا از میان خود بیرون کنید که مبادا آزارت کند از وبشما وزنش را که هم خدمت او میکند پیش او راه میبرد وآنحضرت از اینمعنی متاذی متالم بود ودر مجمع البیان از حضرت صادق صلوات الله علیه روایت کرده که آنحضرت هفت سال یا سه سال مبتلا بود ودر کلمه ارکض برجلک تا آخر گفته اند که آنحضرت بفرموده خدا چون پا بر زمین زد بقدرت الهی چشمه آبی سرد و شیرین پدید آمد واز آن آب خورد و بدن شفا یافت و جمیع اعضای او بحالت اول برگردید صلا از ان بلا اثری نماند

منشاء قسم آنحضرت بر زدن زن خود صد تازیانه چنانکه در مجمع البیان حکایت کرده آن بود که روزی یحیی گفت که پسند خواطر آن حضرت نبود سوگند یاد کرد که اگر از آن از ار شفا یابد او را صد تازیانه بزند وبقولی روزی برای قضای حاجتی برای آنحضرت رفت ودیر شد مراجعت دلتنگ شده از اینمعنی آن سوگند خورد وظاهر آنست که در شریعت آنحضرت هرگاه زند صد تازیانه واجب می شد ضرب پسته چوبی که مشتمل بر صد چوب باشد مجزی بوده

مِن نَفَادٍ ﴿٥٤﴾ هٰذَا ۚ وَإِنَّ لِلطَّاغِينَ لَشَرَّ مَـَٔابٍ ﴿٥٥﴾ جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا ۖ

مر اورا هیچ انقطاعی | این حال اهل بهشت است و بدرستی که مر نافرمانان را هر آینه بدی بازگشت | دوزخ | درمی‌آیند در آن

فَبِئْسَ ٱلْمِهَادُ ﴿٥٦﴾ هٰذَا ۙ فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ ﴿٥٧﴾ وَءَاخَرُ مِن

پس بد فراش و خوابگاهی است | این عذاب را باید بچشند | آب گرم | و چرک کنیده | و عذابی دیگر از

شَكْلِهِۦٓ أَزْوَاجٌ ﴿٥٨﴾ هٰذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ ۖ لَا مَرْحَبًۢا بِهِمْ ۚ إِنَّهُمْ

مثل عذاب مذکوره انواع گویند | گروهی اند که با | سختی درآیند | با شما نیست | مرحبا بایشان بدرستی که ایشان

صَالُوا۟ ٱلنَّارِ ﴿٥٩﴾ قَالُوا۟ بَلْ أَنتُمْ ۖ لَا مَرْحَبًۢا بِكُمْ ۖ أَنتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ

درآیندگانند آتش را | گفتند بلکه شما را | مرحبا نباد | بشما | شما | پیش داشتید ورا

لَنَا ۖ فَبِئْسَ ٱلْقَرَارُ ﴿٦٠﴾ قَالُوا۟ رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هٰذَا فَزِدْهُ عَذَابًا

لنا پس بد | قرارگاهیست | گفتند پروردگارا هر که پیش داشته برای ما این عذاب را پس زیاد کن او را عذاب

ضِعْفًا فِى ٱلنَّارِ ﴿٦١﴾ وَقَالُوا۟ مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُم

دوبرابر در آتش | و گویند | چیست ما را که نمی‌بینیم مردانی را که بودیم ما میشمردیم ایشان را

مِّنَ ٱلْأَشْرَارِ ﴿٦٢﴾ أَتَّخَذْنَٰهُمْ سِخْرِيًّا ۚ أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمُ ٱلْأَبْصَٰرُ

از جمله بدکاران | آیا گرفتیم ایشانرا | در دنیا بسخریه یا | گرایید از ایشان | چشمها

إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ ٱلنَّارِ ﴿٦٤﴾ قُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ مُنذِرٌ ۖ وَمَا

بدرستی که این هر آینه حق است جدال | اهل | دوزخ | بگو جز این نیست که من ترساننده ام و نیست

مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّا ٱللَّهُ ٱلْوَٰحِدُ ٱلْقَهَّارُ ﴿٦٥﴾ رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ

هیچ خدائی مگر خدای | یگانه | قهر کننده | پروردگار آسمانها | و زمین

وَمَا بَيْنَهُمَا ٱلْعَزِيزُ ٱلْغَفَّارُ ﴿٦٦﴾ قُلْ هُوَ نَبَؤٌا عَظِيمٌ ﴿٦٧﴾ أَنتُمْ عَنْهُ

و آنچه میان هر دو است | غالب | آمرزنده | بگو این خبریست بزرگ | شما | از آن خبر

مُعْرِضُونَ ﴿٦٨﴾ مَا كَانَ لِىَ مِنْ عِلْمٍۭ بِٱلْمَلَإِ ٱلْأَعْلَىٰٓ إِذْ يَخْتَصِمُونَ

اعراض کنندگانید | نبود مرا هیچ دانشی بکلام | گروه اشراف | اعلی | هنگامیکه مخاصمه میکردند

إِن يُوحَىٰٓ إِلَىَّ إِلَّآ أَنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٌ مُّبِينٌ ﴿٧٠﴾ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَٰٓئِكَةِ

که | وحی کرده نمیشود بسوی من مگر جز این نیست که هم کننده ظاهرم | یاد کن چون گفت پروردگار تو مر فرشتگانرا

إِنِّى خَٰلِقٌۢ بَشَرًا مِّن طِينٍ ﴿٧١﴾ فَإِذَا سَوَّيْتُهُۥ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِن

من آفریننده ام بشری را از گل | پس چون راست کردم او را و دمیدم در او از

خلاصه

مضمون این که

برای طاغیان آماده است

دوزخ و گفته شود با ایشان که این جهنم و عذاب

بچشید و برای ایشان انواع دیگر هست از عذاب

مانند جهنم و غساق و از جنس هر یک و گفته شود

با ایشان که این گروهی دیگرند که با شما در

دوزخ بشتابند متابعت شما و ان متبوعین

گویند ارباب تقرین با تابعان خود که خدای تعالی

توسعه ندهد شما را شما هم مانند بدوزخ درمی

پس فرجی رخ نمی نماید ما را از دیدن شما پس

تابعان تقرین را بمتبوعین برگردانند و گویند بلکه

شما را خدای تعالی توسعه ندهد این عذاب را پیش

و پیشنهاد دیدند برای ما و در ترکیب این آیه اقوال

دیگر شده که خالی از

بعدی نیست

إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ ۝ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي
بدرستی که من آفریننده‌ام آدمی را از خاک ۝ پس چون تمام کردانیدم او را و دمیدم در او ۝ از روح خود
فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ ۝ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ ۝ إِلَّا إِبْلِيسَ
پس بروی در افتید مر او را سجده کننده ۝ پس سجده کردند فرشتگان همه با تمام ۝ مگر شیطان
اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ ۝ قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ
که بزرگ داشت خود را او بود ۝ از کافران ۝ گفت ای ابلیس چه چیز باز داشت تو را از
تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِيَدَيَّ أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ ۝ قَالَ
آنکه سجده کنی تو چیزی را که آفریدم بدو بدست خود آیا بزرگ گردی یا بودی ۝ از بلند مرتبگان ۝ گفت شیطان
أَنَا خَيْرٌ مِنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ ۝ قَالَ فَاخْرُجْ
من بهترم از او آفریدی مرا از آتش و آفریدی او را از خاک ۝ گفت خدا پس برون رو
مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ ۝ وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ۝ قَالَ
از میان ملائکه پس بدرستی که تو راندهشده و بدرستی که بر تو لعنت من تا روز قیامت ۝ گفت
رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ ۝ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ ۝
پروردگار پس مهلت ده مرا تا روزی که برانگیخته شوند ۝ گفت خدا پس بدرستی که تو از مهلت داده شدگانی
إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ ۝ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ
تا روز وقتیکه دانسته شده ۝ گفت پس قسم بعزت تو که هر آینه گمراه کنم آدمیان را همه
إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ ۝ قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقَّ أَقُولُ
مگر بندگان تو از ایشان که خالصند از شرک ۝ گفت خدا پس من خدای بحقم و راست میگویم
لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ قُلْ مَا
هر آینه پر می سازم دوزخ را از تو و هر که پیروی تو کند از ایشان همه ۝ بگو
أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ۝ إِنْ
نمیخواهم از شما بر تبلیغ رسالت هیچ مزدی و نیستم من از تکلف کنندگان ۝ نیست
هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ۝ وَلَتَعْلَمُنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ
این قرآن مگر پندی از جانب مر جهانیان را ۝ و البته بدانید خبر قرآن را بعد از زمان

سورة الزمر خمس وسبعون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

تنزيل الكتاب من الله العزيز الحكيم ۝ انا انزلنا اليك الكتاب

فروفرستادن کتاب از جانب خدای غالب درست کار ۝ بدرستی که ما فرستادیم بسوی تو قرآن را

بالحق فاعبد الله مخلصا له الدين ۝ الا لله الدين الخالص ۝

براستی پس پرست خدا را که خالص گردانیده باشی برای او دین را ۝ بدانید که مر خدا راست دین خالص ۝

والذين اتخذوا من دونه اولياء ما نعبدهم الا ليقربونا الى الله

آنانکه فرا گرفتند بجز از خدا دوستان نمی پرستیم ایشان را مگر آنکه نزدیک گردانند ما را بسوی

زلفى ان الله يحكم بينهم فيما هم فيه يختلفون ۝ ان الله لا يهدي

رحمت خدا بدرستی که خدا حکم میکند میان ایشان در آنچه ایشان در آن اختلاف میکردند ۝ بدرستی که خدا راه نمینماید

من هو كاذب كفار ۝ لو اراد الله ان يتخذ ولدا لاصطفى

آنکس که او دروغ گوینده ناسپاس است ۝ اگر خواهد خدا آنکه بگیرد فرزندی هر آینه برگزیدی

مما يخلق ما يشاء سبحانه هو الله الواحد القهار ۝ خلق

از آنچه می آفریند آنچه خواستی پاکست ذات اوست خدای یکتای قهر کننده ۝ آفرید

السموات والارض بالحق يكور الليل على النهار ويكور

آسمانها و زمین را براستی درمی آورد شب را بر روز و درمی آرد

النهار على الليل وسخر الشمس والقمر كل يجري لاجل

روز را بر شب و رام کرد آفتاب و ماه را همه میرود در فلک خود تا زمان

مسمى الا هو العزيز الغفار ۝ خلقكم من نفس واحدة ثم

نام برده شده بدانید که اوست غالب آمرزنده ۝ آفرید شما را از نفس تنها پس

جعل منها زوجها وانزل لكم من الانعام ثمانية ازواج

آفرید از آن نفس او جفت او را و فرستاد برای شما از چهارپایان هشت جفت

بخلقكم

در مجمع البیان از حضرت ابو جعفر صلوات الله علیه روایت کرده که این سه ظلمت ظلمت بطن مادر و ظلمت رحم و ظلمت مشیمه است و بقولی ظلمت صلب پدر و ظلمت رحم و ظلمت بطن مادر است

يَخْلُقُكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ
آفریدشما را در شکمهای مادران شما آفریدنی بعد از آفریدنی در تاریکی
ثَلَاثٍ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُصْرَفُونَ
سه گانه آنکه خلق این است شما کردخدا که پروردگار شماست مراوراست پادشاهی نیست بحق خدائی پس گردانیده میشوید
إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ
اگر کافر شوید پس بدرستی که خدا بی نیاز است از شما و نمی پسندد برای بندگان خود کفر را
وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ
و اگر شکر کنید بپسندد برای شما آنرا و برندارد و هیچ برداردنده گناه دیگری را پس بسوی
رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ
پروردگار شماست بازگشت شما پس آگاه سازد شمارا با نچه بودید که میکردید بدرستی که خدا دانا ست با نچه
الصُّدُورِ وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ
در سینه هاست و چون رسید آدمی را ضرر و قحط بخواند پروردگار خود را برگردنده بسوی او
ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ نِعْمَةً مِنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِنْ قَبْلُ وَ
پس چون عطا فرمود نعمتی از خود فراموش کند آنچه را میخواند بسوی او از پیش و
جَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ
گردانید برای خدا همتایان تا گمراه کند مردم را از راه دین خدا بگو برخوردار باش بکفر خود
قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا
اندکی بدرستیکه تو از یاران آتشی این کافر بهتر است یا آنکه ایستاده و دعا کننده در ساعتهای شب
وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ
سجود کننده و ایستاده میترسد از عذاب قیامت و امید میدارد بخشش پروردگار خود را بگو آیا مساویست آنانکه
يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ قُلْ
میدانند و آنانکه نمیدانند جز این نیست که پند پذیر میشوند صاحبان عقلها
يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَٰذِهِ
ای بندگان من آنانکه گرویده اید بترسید از عذاب پروردگار خود مر آنانرا که نیکوئی کرده اند در این دنیا

آلدنيا حسنة وارض الله واسعة انما يوفى الصابرون اجرهم
دنیا نیکوئی و زمین خدا گشاده است جزاین نیست که تمام داده شود صبر کنندگان مزدشان
بغير حساب ۞ قل اني امرت ان اعبد الله مخلصا له الدين
بی شمار بگو بدرستی که من مامورم که بپرستم خدا را در حالیکه خالص کننده ام برای او دین را
وامرت لان اكون اول المسلمين ۞ قل اني اخاف ان عصيت
و مامورم که باشم اول کردن نهندگان بگو بدرستی که من میترسم اگر نافرمانی کنم
ربي عذاب يوم عظيم ۞ قل الله اعبد مخلصا له ديني
پروردگار خود را عذاب روز بزرگ را بگو خدا را میپرستم که خالص کننده برای او دین خود را
فاعبدوا ما شئتم من دونه ۞ قل ان الخاسرين الذين خسروا
پس بپرستید آنچه خواهید بجز خدا بگو بدرستی که زیان کاران آنانند که زیان کردند
انفسهم واهليهم يوم القيمة ۞ الا ذلك هو الخسران المبين
بر نفسهای خود و بر کسان خود روز قیامت بدانید که این زیان زیانی است ظاهر
لهم من فوقهم ظلل من النار ومن تحتهم ظلل ۞ ذلك يخوف
مر آن جانگران را از بالای ایشان سایبانها از آتش و از زیر ایشان سایبانها این است که میترساند
الله به عباده ۞ يا عباد فاتقون ۞ والذين اجتنبوا الطاغوت
خدا بآن بندگان خود را ای بندگان من بترسید و آنانکه اجتناب کردند شیطانرا
ان يعبدوها وانابوا الى الله لهم البشرى ۞ فبشر عباد الذين
آنکه پرستش کنند آنها را و باز گشتند بسوی خدا مر ایشانرا است مژده پس مژده ده بندگان مرا آنانکه
يستمعون القول فيتبعون احسنه ۞ اولئك الذين هديهم
میشنوند گفتار حق را پس پیروی کنند نیکوترین آنرا آنگروه آنانند که راه نمود ایشانرا
الله واولئك هم اولوا الالباب ۞ افمن حق عليه كلمة
خدا و آنگروه هم ایشان خردها صاحبان آیا پس آنکه واجب شده بر او سخن عذاب
العذاب ۞ افانت تنقذ من في النار ۞ لكن الذين اتقوا ربهم
عذاب آیا پس تو ای محمد میتوانی او را از آتش لیکن آنانکه پرهیزگاری کردند از پروردگار

حضرت ابی عبد الله علیه السلام مرویست که در آن وقت که بازگرده شود نامهای اعمال خلایق و ترازوها برپا شود برای مصیبت زدگان ترازوئی برپا نشود و نامیل ایشان باز نگردد پس این آیه را تلاوت نمود

از حضرت ابی عبد الله علیه السلام مرویست که شما ندانید که چگونه فرمان برد جباری را پس بحقیقت که عبادت او کرده و هم مرویست که استماع قول و متابعت احسن در این آیه استماع قوالی است که در باب امامت آید جور و هدایت و متابعت امام حق و باطل است

لَهُمْ غُرَفٌ مِّن فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ
ایشانرا غرفه ها از بالای آن غرفه های دیگر بنا کرده شده میرود از زیر آن نهرها
وَعْدَ اللَّهِ ۖ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ
وعده دادن خداست خلاف نمیکند خدا وعده خود را آیا نمی بینی بدرستی خدا فرستاد از آسمان
مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ
آبی پس در آورد آن را در چشمه ها که در زمینست پس بیرون می آورد بآن کشت را که مختلف است رنگهای آن
ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ
پس خشک میشود پس می بینی او را زرد پس میگرداند او را ریزه ریزه بدرستیکه در این هر آینه یاد کردنی است
لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۝ أَفَمَن شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ
مر خداوندان خردها را آیا پس آنکه گشاده خدا سینه او را برای قبول اسلام پس او بر
نُورٍ مِّن رَّبِّهِ ۚ فَوَيْلٌ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ ۚ أُولَٰئِكَ
روشنی معرفتست از پروردگار خود پس وای بر جماعتی سختست دلهای ایشان از جهة یاد کردن خدا آنگروه
فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ ۝ اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَابِهًا
در گمراهی ظاهرند خدا فرو فرستاد نیکوترین سخنی را که آن کتابست مشابه بعضی
مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ
مثنی و مکرر میلرزد از خوف وعید پوستهای آنانکه می ترسند پروردگار ایشان پس نرم میشود
جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي
پوستهای ایشان و دلهای ایشان بسوی یاد کردن خدا این کتاب راه نمودن خداست راه مینماید
بِهِ مَن يَشَاءُ ۚ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۝ أَفَمَن يَتَّقِي
بآن هر کرا خواهد و کسی که گمراه می سازد او را خدا پس نیست مر او را هیچ راهنماینده آیا پس کسی پرهیزد
بِوَجْهِهِ سُوءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ وَقِيلَ لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا
برای خود از بدی عذاب روز قیامت و گفته شود مر ستمکاران را بچشید
مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ ۝ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَتَاهُمُ الْعَذَابُ
آنچه بودند که کسب کردید تکذیب کردند آنانکه بودند پیش از ایشان پس آمد ایشانرا که کفار باشند عذاب

مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ ۝ فَأَذَاقَهُمُ اللَّهُ الْخِزْيَ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا

از آنجا که شعور بآن نداشتند پس چشانید ایشانرا خدا رسوائی در زندگانی دنیا

وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ۝ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ

و هر آینه عذاب قیامت بزرگتر است اگر هستند که بدانند و بدرستی که زدیم ما برای مردم

فِي هٰذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ۝ قُرْآنًا

در این کتاب از هر مثلی شاید ایشان پند پذیرند بآن قرآنیست

عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ۝ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلًا

بزبان عربی نیست خداوندان کجی شاید ایشان پرهیزکنند زد خدا مثل مردیرا که

فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَاكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ

در او شرکان باشند و مخالف کنند با هم و مردی که شرکت نداشته باشد برای مردی آیا مساوی باشند

مَثَلًا ۚ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَيِّتُونَ

مثلا سپاس مرخدارا است بلکه بیشتر ایشان ندانند بدرستی که تو مرده و بدرستی که ایشان هم مرده اند

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ عِنْدَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ۝ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ

پس بدرستی که شما روز قیامت نزد پروردگار خود مجادله خواهید کرد پس کیست ستمکارتر از آنکه

كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ ۚ أَلَيْسَ فِي

دروغ گفت بر خدا و دروغ گفت بقرآن چون آمد او را آیا نیست در

جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْكَافِرِينَ ۝ وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ

دوزخ جایگاه مر کافران را و آنکه آمد براستی و تصدیق کرد

بِهِ ۙ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ ۝ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۚ ذَٰلِكَ

قرآنرا آنگروه ایشانند پرهیزکاران برای ایشان در بهشت آنچه خواهند نزد پروردگارشان این

جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ ۝ لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَ

جزای نیکوکارانست تا بپوشد خدا از ایشان بدترین آنچه کرده باشند و

يَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ

باداش دهد ایشانرا مزدایشان را نیکوترین آنچه بودند که میکردند آیا نیست خدا کفایت کننده

عَبدَهُ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِن دُونِهِ ۚ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ

بندهٔ خود را از صدر رو مترسانید تو را آنانکه غیر از خدا است و کسی گمراه کرد خدا او را پس نیست مر او را

مِن هَادٍ ۝ وَمَن يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّضِلٍّ ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي

هیچ راه نماینده و هر که را راه نماید خدا پس نیست مر او را هیچ گمراه کننده آیا نیست خدا غلبه کننده

انتِقَامٍ ۝ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ

کینه کشنده و اگر بپرسی ازایشان که آفرید آسمانها و زمین البته گویند

اللَّهُ ۚ قُلْ أَفَرَأَيْتُم مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ

در جواب خداوند بگو آیا پس می بینید آنرا که میخوانید از غیر خدا اگر اراده کند بمن خدا ضرری

هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّهِ أَوْ أَرَادَنِي بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَاتُ

آیا باشند ایشان رفع کننده ضرر او یا اراده کند بمن بخشی آیا باشند ایشان باز دارندگان

رَحْمَتِهِ ۚ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ ۖ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ ۝ قُلْ يَا

رحمت او بگو بس است خدا برای او توکل میکنند توکل کنندگان بگو ای

قَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ ۖ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

گروه عمل کنید بر حالتیکه هستید شما بدرستی که من عمل کننده ام پس زود باشد که بدانید

مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ۝ إِنَّا

آنکس که بیاید او را عذابی که رسوا کند او را و فرود آید بر او عذابی که دایم باشد بدرستی که ما

أَنزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ ۖ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ

فرستادیم ما بر تو کتاب برای مردم براستی پس هر که راه یافت پس برای نفس او است

وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا ۖ وَمَا أَنتَ عَلَيْهِم بِوَكِيلٍ ۝ اللَّهُ

و هر که گمراه شد پس جز این نیست که گمراه برخود و نیستی تو بر ایشان نگاهبان خدا

يَتَوَفَّى الْأَنفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا ۖ فَيُمْسِكُ

قبض میکند همه نفسها را وقت مردنشان و نفسی را که نمرده در خواب خود پس نگاه میدارد

الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأُخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۚ

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ أَمِ اتَّخَذُوا مِن دُونِ

بدرستی که در این هر آینه علامتی است مر کروهی را که تفکر میکنند یا فرا کرفته اند از غیر

اللَّهِ شُفَعَاءَ ۚ قُلْ أَوَلَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ

خدا شفیعان بکو اکرچه باشند ایشان که بهیچوجه مالک نشوند چیزرا و نه اندیشند کان خودرا

قُل لِّلَّهِ الشَّفَاعَةُ جَمِيعًا ۖ لَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ

بکو مر خدا راست شفاعت همه مر اورا ست پادشاهی آسمانها و زمین پس بسوی او

تُرْجَعُونَ ۝ وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا

برکردانده می شوید و چون یاد کرده شود خدا تنها برمد دلهای آنانکه

يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ ۖ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِن دُونِهِ إِذَا هُمْ

نمیکروند بآخرت و چون یاد کرده شوند آنانکه از غیر خدا اینند در آنوقت ایشان

يَسْتَبْشِرُونَ ۝ قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عَالِمَ

فرخناک باشند بکو خداوندا پدیدآورنده آسمانها و زمین دانای

الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا

نهان و آشکار تو حکم میکنی میان بندکان تو در آنچه بودند که

فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۝ وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا

در آن اختلاف میکردند و اکر آنانکه ستم کردند آنچه در زمینست همه

وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَافْتَدَوْا بِهِ مِن سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ وَ

و مانند آنرا با او دو چندان باشد باو از بدی عذاب روز قیامت و

بَدَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ ۝ وَبَدَا لَهُمْ

ظاهر شود مرایشانرا از خدا آنچه بودند که کمان داشته باشند که بایشان رسد و ظاهر شود مرایشانرا

سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

بدیهای آنچه کسب کردند و احاطه نماید بایشان آنچه بودند که بآن استهزا میکردند

فَإِذَا مَسَّ الْإِنسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ

پس چون برسد آدمی را رنج و ضرر بخواند ما را پس چون دادیم او را نعمتی از فضل خود کفت

إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلْمٍ ۚ بَلْ هِىَ فِتْنَةٌ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

جز این نیست که داده شدم آنرا بر دانش بلکه این امتحانست ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند

قَدْ قَالَهَا ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَمَآ أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ ۝

بتحقیق گفت این کلمه را آنانکه پیش از ایشان بودند پس بازنداشت از ایشان آنچه بودند که کسب میکردند

فَأَصَابَهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُوا۟ ۚ وَٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ مِنْ هَٰٓؤُلَآءِ سَيُصِيبُهُمْ

پس رسید ایشانرا بدیهای آنچه کسب کردند و آنانکه ستم کردند از این گروه زود باشد که برسد

سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُوا۟ ۚ وَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ ۝ أَوَلَمْ يَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ

ایشانرا بدیهای آنچه کسب کردند و نیستند ایشان عاجز کنندگان خدا آیا ندانستند بدرستی که خدا گشاده کند

ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَـَٔايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

روزی را برای هر که خواهد و تنگ میکند بدرستی که در این هر آینه نشانهاست مر گروهی را که بگروند

قُلْ يَٰعِبَادِىَ ٱلَّذِينَ أَسْرَفُوا۟ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا۟ مِن رَّحْمَةِ

بگو ای بندگان من آنانکه اسراف کردند بر نفسهای خود بمعاصی نومید مشوید از رحمت

ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًا ۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ۝

خدا بدرستیکه خدا میآمرزد گناهکارانرا همه بدرستی که اوست خدای آمرزنده مهربان

وَأَنِيبُوٓا۟ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا۟ لَهُۥ مِن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلْعَذَابُ

و برگردید بسوی پروردگار خود و گردن نهید مر او را پیش از آنکه بیاید شمارا عذاب

ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ۝ وَٱتَّبِعُوٓا۟ أَحْسَنَ مَآ أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُم

پس یاری کرده نشوید و پیروی کنید بهترین آنچه فرستاده شده بسوی شما از پروردگارشما

مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ

پیش از آنکه بیاید شمارا عذاب ناگهان و شما

أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَٰحَسْرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَّطتُّ فِى جَنۢبِ ٱللَّهِ وَإِن

آنچه گوید نفس ای فسوس بر من و ندامت بر آنچه تقصیر کردم در جانب خدا و بدرستیکه

كُنتُ لَمِنَ ٱلسَّٰخِرِينَ ۝ أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ ٱللَّهَ هَدَىٰنِى لَكُنتُ

بودم من از مسخره کنندگان یا گوید اگر آنکه خدا راه نمودی مرا هر آینه بودم من

مِنَ الْمُتَّقِينَ ۝ أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ

از پرهیزکاران ۝ یا گوید وقتیکه ببیند عذاب را اگر آنکه بودی برای من برگشتی پس بودمی من

مِنَ الْمُحْسِنِينَ ۝ بَلَىٰ قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ

از نیکوکاران آری بحقیق آمد ترا آیات من پس تکذیب کردی تو آنرا و گردنکشی کردی

وَكُنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ ۝ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا

و بودی تو از کافران ۝ و روز قیامت بینی آنانرا که تکذیب کردند

عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُمْ مُسْوَدَّةٌ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِلْمُتَكَبِّرِينَ ۝

بر خدا روهای ایشان سیاه شده آیا نیست در دوزخ جای آرام مر گردنکشانرا ۝

وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا هُمْ

و نجات دهد خدا آنان را که پرهیز کردند بسبب ایمان نرسد بایشان بدی و نه ایشان

يَحْزَنُونَ ۝ اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

اندوهگین شوند ۝ خدا آفریننده هر چیزست و اوست بر هر چیز او کیل

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ

مر اوراست کلیدهای آسمانها و زمین و آنانکه کافر شدند بنشانهای خدا

أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ قُلْ أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَأْمُرُونِّي أَعْبُدُ أَيُّهَا

ایشانند زیان کاران ۝ بگو آیا پس غیر خدا را امر میکنید که من پرستم ای

الْجَاهِلُونَ ۝ وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ

نادانان ۝ و بحقیق وحی کرده شد بسوی تو و بسوی آنانکه پیش از تو بودند

لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ ۝ بَلِ اللَّهَ

اگر شرکت کردند آری تو هر آینه باطل باشد عمل تو و هر آینه باشی تو از جمله زیان کاران ۝ بلکه خدا را

فَاعْبُدْ وَكُنْ مِنَ الشَّاكِرِينَ ۝ وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ

پرستش کن و باش از شکر کنندگان ۝ و تعظیم نکردند خدا را سزای بزرگواری او را

الْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ

زمین ۝ با تمام در قبضه اقتدار اوست روز قیامت و آسمانها ۝ درهم پیچیده است

بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۞ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ

بدست قدرت او پاکیزه و پاکست و بلند است قدر او از آنچه شریک میسازند و دمیده شود در صور پس بیهوش شود

مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَن شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ

هر که در آسمانهاست و هر که در زمینست مگر آنکرا خواهد خدا پس دمیده

فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنظُرُونَ ۞ وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ

شود در صور نفخه دیگر پس ناگاه ایشان ایستاده باشند و نگرند و روشن گردد زمین بنور

رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشُّهَدَاءِ وَ

پروردگار خود و نهاده شود نوشته ها و بیارند پیغمبران و گواهان را و

قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۞ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ

حکم کرده شود میان ایشان براستی و ایشان ستمدیده نشوند و تمام داده شود هر نفسی را جزای آنچه کرده

وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ ۞ وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ

واو داناتر است بآنچه میکنند و رانده شوند آنانکه کافر شدند بسوی دوزخ

زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ

گروه گروه تا وقتیکه بیایند بدوزخ گشوده شود درهای آن و گفت مرایشانرا خازنان دوزخ آیا

يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ

نیامد شمارا پیغمبران از شما که بخواندند بر شما نشانهای پروردگار خود را و بیم کنند شمارا

لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ

از رسیدن امروز شما گفتند گویند بلی و لیکن واجب شد سخن خدا بر نوع عذاب

عَلَى الْكَافِرِينَ ۞ قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا

بر کافران گفته شود درآیید بدرهای دوزخ جاودانگان در آن

فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ۞ وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى

پس بد آرامگاهی است گردنکشانرا و رانده شوند آنانکه پرهیزگار کردند پروردگار خود را بسوی

الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا

بهشت گروه گروه تا چون بیایند بدو و گشوده شود درهای آن و گویند مرایشانرا خازنان بهشت

حزب

سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ ۝ وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ

رحمت بر شما باد پاک بودید در دنیا پس داخل شوید در بهشت جاوید ماندگان و گویند اهل بهشت سپاس مر خدارا

الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ

که راست کرد با ما وعده خود را و میراث داد ما را زمین بهشت را جای میگیریم از بهشت

حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ۝ وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ

هر جا که خواهیم پس نیکوست مزد عمل کنندگان و بینی فرشتگان را در آرزو زده گرد گرفتگان

مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُمْ بِالْحَقِّ وَقِيلَ

گرد گرداگرد عرش تسبیح می کنند خدارا بستایش پروردگارشان و حکم کرده شود میان ایشان براستی و گفته شد

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝

ستایش مر خدارا است پروردگار جهانیانست

سورة المؤمن وهي خمس وثمانون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

حٰمٓ ۝ تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۝ غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ

قسم بحافظ و مجید آنکه فرو فرستاد کتاب یعنی قرآن از جانب خدای غالب داناست آمرزنده گناه و قبول کننده

التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ ۖ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ ۖ إِلَيْهِ

توبه سخت عقوبت خداوند نعمت نیست خدائی مگر او بسوی اوست

الْمَصِيرُ ۝ مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرْكَ

بازگشت جدال نکنند در آیتهای خدا مگر آنانکه کافر شدند پس باید فریب ندهد ترا

تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبِلَادِ ۝ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ

گردیدن کفار در بلاد شام و یمن بتجارت تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح و گروهی چند از

بَعْدِهِمْ ۖ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَادَلُوا

بعد ایشان و قصد کردند هر گروهی پیغمبر خود را تا بگیرند آن پیغمبر را و مجادله کردند

بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ

بسخن باطل تا زایل کنند آن باطل سخن حق را پس گرفتم ایشانرا پس چگونه بود عقاب من

از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که در سه روز یکبار سوره مومن را بخواند خدای تعالی جمیع گناهان اول و آخر او را بیامرزد و تقوی را لازم او گرداند و نصیب خوب از دنیا و کرامت فرماید و علما گفته اند که از جمله فضیلت این سوره آنست که در او آیه منسوخ نیست

(دکر نیز)

وَكَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ

وهمچنان واجب بود بر امم سالفه واجب شد حکم پروردگار تو بر آنانکه کافر شدند بدرستیکه ایشان یاران

النَّارِ ۝ الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ

آتشند آنانکه برمیدارند عرش را و آنانکه گرداگرد اویند تسبیح می کنند بستایش پروردگار خود

وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ

و ایمان دارند بوحدت خدا و طلب آمرزش می کنند برای آنانکه گرویدند پروردگارا فراگرفته همه چیز

رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ

رحمت و علم تو پس بیامرز آنانکه توبه کردند و پیروی کردند راه تو را و نگاهدار ایشان را از عذاب

الْجَحِيمِ ۝ رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ

آتش پروردگارا و درآور ایشان را در بوستانهای باقامت که وعده داده ایشان را و هر که کار

مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ ۚ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝

شایسته گردد از پدران ایشان و زنهای ایشان و فرزندان ایشان بدرستی که تویی تو غالب درست کار

وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ ۚ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ ۚ

و نگاهدار ایشان را از بدیهای کناه در روز جزا و هر که را نگاهداری از بدیهای کناه در آن روز بدرستی بخشیدی او را

وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادَوْنَ

و این نگاهداشتن آنست فیروزی بزرگ بدرستی که آنانکه کافر شدند ندا کرده شوند

لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ

هر آینه دشمنی خدا بزرگتر است از دشمنی شما با نفسهای شما وقتیکه خوانده میشوید بسوی ایمان

فَتَكْفُرُونَ ۝ قَالُوا رَبَّنَا أَمَتَّنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ

پس شما کفر ورزید بدان گفتند پروردگارا میرانیدی ما را دو نوبت و زنده کردی ما را دو مرتبه

فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَىٰ خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ ۝ ذَٰلِكُمْ بِأَنَّهُ

پس اقرار کردیم بگناهان خود پس آیا براه بیرون رفتن هیچ راهی این عذاب شما را بسبب آنکه

إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ ۖ وَإِنْ يُشْرَكْ بِهِ تُؤْمِنُوا ۚ فَالْحُكْمُ

چون خوانده میشد خدا را بتنهائی کافر شدید و اگر شرک آورده می شد بآن خدا میگرویدید پس حکم

لِلّٰهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ ۞ هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ

مر خدا را که بلند مرتبه بزرگوار است ۞ اوست آنکه مینماید شما را آیات خود و میفرستد برای شما از

السَّمَاءِ رِزْقًا وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ ۞ فَادْعُوا اللّٰهَ مُخْلِصِينَ

آسمان روزی را و پند نمیپذیرد مگر آنکه بازگردد بخدا پس بخوانید خدا را در حالیکه خالص

لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ۞ رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ ذُو

گردانند باشد برای او دین را و اگرچه اکراه داشته باشند کافران ۞ بردارندهٔ مرتبه ها خداوند

الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنْذِرَ

عرش عظیم می افکند وحی را از فرمان خود بر آنکه میخواهد ۞ از بندگان خود تا بیم کند مردم را

يَوْمَ التَّلَاقِ ۞ يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ ۖ لَا يَخْفَىٰ عَلَى اللّٰهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ ۗ لِمَنِ

از روز بهم رسیدن یکدیگر روز وجد روزیکه ایشان بیرون آینده باشند پوشیده نشود بر خدا از گردار بندگان امر کراست

الْمُلْكُ الْيَوْمَ لِلّٰهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ ۞ الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا

پادشاهی امروز گویند مر خدا راست که یگانه است پادشاهی قهر کننده امروز جزا داده میشود هر نفسی بآنچه

كَسَبَتْ ۚ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ ۚ إِنَّ اللّٰهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ ۞ وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ

کسب کرده بود نیست ستمی امروز بدرستی که خدا زود حسابست ۞ و بترسان کافران را از روز

الْآزِفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَاظِمِينَ ۚ مَا لِلظَّالِمِينَ

قیامت در آنوقت دلهای مردم نزدیک حنجرهای ایشان باشد که فرو خورندگان خشم باشند نیست مر ستمکاران را

مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ ۞ يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي

هیچ خویشی که دفع عذاب کند و شفاعت کننده که فرمان برده شود میداند خیانتهای

الصُّدُورُ ۞ وَاللّٰهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ ۖ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ

سینه ها و خدا حکم میکند براستی و آنانکه میخوانند بجز از خدا

لَا يَقْضُونَ بِشَيْءٍ ۗ إِنَّ اللّٰهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۞ أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي

حکم میکنند بچیزی بدرستی که خدا اوست شنوای بینا آیا سیر نمیکنند در

الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ ۚ

زمین پس به بینند چگونه بود عاقبت آنانکه بودند پیش از ایشان

كَانُوا

كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ ۝١

بودند ایشان سخت‌تر از ایشان از روی قوت و از روی علامت در زمین پس گرفت ایشانرا خدا

بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ

بگناهانشان و نبود مرایشانرا از خدا هیچ نگاه دارنده این بسبب آنست که بود

تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ

می آمد باشان پیغمبران ایشان با معجزات پس کافر شدند پس گرفت ایشانرا خدا بدرستی که او توانای

شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ

سخت عقوبت است و بتحقیق فرستادیم ما موسی را با معجزات ما و حجتی

مُبِينٍ ۝ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَقَارُونَ فَقَالُوا سَاحِرٌ

ظاهر بسوی فرعون و هامان وزیر او و قارون پس گفتند که موسی جادوگر است

كَذَّابٌ ۝ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ

دروغگو پس آن هنگام که آمد ایشان دین راست از نزد ما گفتند بکشید پسران

الَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ ۚ وَمَا كَيْدُ الْكَافِرِينَ

آنانکه ایمان آورده اند با موسی و زنده بگذارید دختران ایشانرا و نیست مکر کافران

إِلَّا فِي ضَلَالٍ ۝ وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَىٰ وَلْيَدْعُ

مگر در گمراهی و گفت فرعون بگذارید مرا تا بکشم موسی را و بخواند

رَبَّهُ ۖ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ

موسی پروردگار خود را که من میترسم آنکه بدل کند دین شما را یا آنکه ظاهر شود در زمین مصر

الْفَسَادَ ۝ وَقَالَ مُوسَىٰ إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ

فساد و گفت موسی بدرستی که من پناه گرفتم بپروردگار خود و پروردگار شما از هر

مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ ۝ وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ

گردنکشی که ایمان نیارد بروز حساب و گفت مردی که ایمان داشت از آل

فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ

فرعون پوشیده میداشت ایمان خود را آیا میکشید شما مردی را که میگوید پروردگار من خدا است

وَقَدْ جَآءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ

و بر استی آمد شمارا ببعجزات از پروردگار شما و اگر باشد دروغگوی پس براوست

كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ

دروغ او و اگر باشد راستگو میرسد بشما بعضی از انچه وعده میکند شمارا

إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ ۝ يَا قَوْمِ لَكُمُ

بدرستی که خدا راه نمینماید هرگاه او گذرنده دروغگوست ای قوم مر شمارا است

الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ

پادشاهی امروز که غالبند بر بنی اسرائیل در زمین پس کیست یاری کند مارا از عذاب خدا اگر

جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى وَمَا أَهْدِيكُمْ

بیاید مارا گفت فرعون نمینمایم شمارا مگر انچه مصلحت میبینم از قتل موسی و راه نمینمایم

إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ ۝ وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ

شمارا مگر راه راست و گفت انکس که ایمان آورد ای قوم بدرستی که من میترسم

عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ۝ مِثْلَ دَأْبِ قَوْمِ نُوحٍ وَ

بر شما مانند روز هلاک جماعت گذشته مانند عادت قوم نوح و

عَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ

عاد و ثمود و آنانکه بعد ازایشان بودند و نیست خدا که بخواهد ستمرا برندگان خود

وَيَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ ۝ يَوْمَ تُوَلُّونَ مُدْبِرِينَ

و ای قوم بدرستی که من میترسم بر شما از عذاب روز ندا کردن او روزی که روی گردانیده شوند بازگشتگان

مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ ۝

نیست مر شمارا از عذاب خدا هیچ نگاهدارنده و هرگاه گمراه گرداند خدا پس نیست مراورا هیچ راهنماینده

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي شَكٍّ

و بتحقیق که آمد شمارا یوسف پیش ازین با معجزات پس همیشه بودید در شک

مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّى إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا

از انچه آمد بشما از احکام تا انکه چون هلاک شد گفتند شما هرگز برنخواهد انگیخت خدا از بعد او پیغمبری

كَذٰلِكَ يُضِلُّ اللّٰهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُّرْتَابٌ ۝ اَلَّذِيْنَ يُجَادِلُوْنَ

همچنانکه شمارا گمراه میکند خدا هر که او از حد در گذرنده و شک آرنده است آنانکه جدال میکنند

فِيْٓ اٰيٰتِ اللّٰهِ بِغَيْرِ سُلْطٰنٍ اَتٰىهُمْ ۭ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللّٰهِ وَعِنْدَ

در دفع آیات خدا بی حجتی که آمده باشد با ایشان بزرگست خشم ایشان از روی عداوت نزد خدا و نزد

الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا ۭ كَذٰلِكَ يَطْبَعُ اللّٰهُ عَلٰي كُلِّ قَلْبِ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ ۝

آنانکه گرویدند همچنین مهر مینهد خدا بر هر دل هر گردنکشی

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يٰهَامٰنُ ابْنِ لِيْ صَرْحًا لَّعَلِّيْٓ اَبْلُغُ الْاَسْبَابَ ۝

و گفت فرعون ای هامان بنا کن برای من بنای بلند افراشته شاید برسم راهها

اَسْبَابَ السَّمٰوٰتِ فَاَطَّلِعَ اِلٰٓى اِلٰهِ مُوْسٰى ۙ وَاِنِّىْ لَاَظُنُّهٗ كَاذِبًا ۭ

راههای آسمانها پس مطلع شوم بسوی خدای موسی و بدرستی که من بر آینه گمان میکنم موسی را

وَكَذٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرْعَوْنَ سُوْۗءُ عَمَلِهٖ وَصُدَّ عَنِ السَّبِيْلِ ۭ وَمَا

و همچنین آراسته شد برای فرعون بدی کردار او و بازداشته شد از راه راست و نبود

كَيْدُ فِرْعَوْنَ اِلَّا فِيْ تَبَابٍ ۝ وَقَالَ الَّذِيْٓ اٰمَنَ يٰقَوْمِ اتَّبِعُوْنِ

مکر فرعون مگر در زیان کاری و گفت آنکه گروید ای قوم پیروی کنید مرا

اَهْدِكُمْ سَبِيْلَ الرَّشَادِ ۝ يٰقَوْمِ اِنَّمَا هٰذِهِ الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا

تا بنمایم شما را راه راست ای قوم جز این نیست که این زندگانی دنیا

مَتَاعٌ ۡ وَاِنَّ الْاٰخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ ۝ مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزٰٓى

برخورداریست و اندکست بدرستیکه آخرت آنست سرای آرام گرفتن هر که کرد کاری بد پس جزا داده نشود

اِلَّا مِثْلَهَا ۚ وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ اَوْ اُنْثٰى وَهُوَ مُؤْمِنٌ

مگر مانند آن و هر که کار شایسته از مرد یا زن و حال آنکه او مومن باشد

فَاُولٰۗىِٕكَ يَدْخُلُوْنَ الْجَنَّةَ يُرْزَقُوْنَ فِيْهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ ۝ وَ

پس آنگروه در می آیند در بهشت روزی داده میشوند در آن بی حساب و

يٰقَوْمِ مَا لِيْٓ اَدْعُوْكُمْ اِلَى النَّجٰوةِ وَتَدْعُوْنَنِيْٓ اِلَى النَّارِ ۝ تَدْعُوْنَنِيْ

ای قوم چیست مرا که میخوانم شما را بسوی نجات و میخوانید مرا بسوی آتش میخوانید مرا

لَا أَكْفُرُ بِاللّٰهِ وَأُشْرِكُ بِهٖ مَا لَيْسَ لِيْ بِهٖ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى

تا کافر شوم بخدا و شریک گردانم باو آنچه نیست مرا بآن دانشی و من میخوانم شما را بسوی

الْعَزِيْزِ الْغَفَّارِ ۝ لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُوْنَنِيْ إِلَيْهِ لَيْسَ لَهٗ دَعْوَةٌ فِيْ

خدای غالب آمرزنده بلکه ناچیست آنچه میخوانید مرا بسوی او نیست مرا و را خواندنی در

الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنَّ مَرَدَّنَا إِلَى اللّٰهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِيْنَ هُمْ

دنیا و نه در آخرت و اینکه بازگشت ما بسوی خداست و اینکه اسراف کنندگان اینانند

أَصْحٰبُ النَّارِ ۝ فَسَتَذْكُرُوْنَ مَا أَقُوْلُ لَكُمْ وَأُفَوِّضُ أَمْرِيْ إِلَى

یاران آتش پس زود باشد که یاد کنید آنچه میگویم برای شما و باز میگذارم کار خود را بسوی

اللّٰهِ إِنَّ اللّٰهَ بَصِيْرٌ بِالْعِبَادِ ۝ فَوَقٰىهُ اللّٰهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَرُوْا

خدا بدرستی که خدا بینناست به بندگان پس نگاه داشت خدا او را از بدیهای آنچه مکر کردند

وَحَاقَ بِاٰلِ فِرْعَوْنَ سُوْٓءُ الْعَذَابِ ۝ اَلنَّارُ يُعْرَضُوْنَ عَلَيْهَا

و فرو گرفت بدودمان فرعون را بدی عذاب غرق و فرو گرفت ایشان را آتش که عرضه کرده میشوند بر آن

غُدُوًّا وَّعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُوْمُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوْٓا اٰلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ

صبح و شام و روزیکه می ایستد قیامت گویند در آیید ای قوم فرعون سخت ترین

الْعَذَابِ ۝ وَإِذْ يَتَحَاجُّوْنَ فِي النَّارِ ۝ فَيَقُوْلُ الضُّعَفٰٓؤُا لِلَّذِيْنَ

عذاب را و وقتی که مخاصمه کنند در آتش پس گویند ضعیفان مر آنانرا

اسْتَكْبَرُوْٓا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُّغْنُوْنَ عَنَّا نَصِيْبًا

که سرکش بودند بدرستی که ما بودیم مر شما را پیروان پس آیا شما هستید دفع کنندگان از ما بهره

مِّنَ النَّارِ ۝ قَالَ الَّذِيْنَ اسْتَكْبَرُوْٓا إِنَّا كُلٌّ فِيْهَآ إِنَّ اللّٰهَ قَدْ حَكَمَ

از آتش گفتند آنانکه سرکشی کردند بدرستی که ما و شما همه در دوزخیم بدرستی که خدا بتحقیق حکم کرد

بَيْنَ الْعِبَادِ ۝ وَقَالَ الَّذِيْنَ فِي النَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ادْعُوْا رَبَّكُمْ

میان بندگان و گفتند آنانکه در آتشند مر خازنان دوزخ را بخوانید پروردگار

يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِّنَ الْعَذَابِ ۝ قَالُوْٓا أَوَلَمْ تَكُ تَأْتِيْكُمْ

خود را تا سبک کند از ما روزی را از عذاب گویند آیا نبود در دنیا که آمد بشما

رسلکم

رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا فَادْعُوا وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ

پیغمبران شما با معجزات گویند بلی آمدند گفتند پس دعا کنید و نیست دعای کافران

إِلَّا فِي ضَلَالٍ ۝ إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ

مگر در گمراهی بدرستی که ما یاری میدهیم پیغمبران را و آنانکه گرویدند در زندگانی

الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ ۝ يَوْمَ لَا يَنفَعُ الظَّالِمِينَ مَعْذِرَتُهُمْ

دنیا و روزیکه برپا میشوند گواهان روزی که نفع نکند ستمکاران را عذرایشان

وَلَهُمُ اللَّعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ ۝ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْهُدَىٰ

و مرایشانرا است دوری از رحمت و مرایشانرا است سرای بد و بتحقیق دادیم ما موسی را راه نمودن

وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ ۝ هُدًى وَذِكْرَىٰ لِأُولِي

و بمیراث دادیم پسران یعقوب را کتاب بجهة راهنمائی و پند دادن مر خداوندان

الْأَلْبَابِ ۝ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ

خردها را پس صبر کن بدرستی که وعدهٔ خدا راست است و طلب آمرزش کن برای گناه خود

وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ ۝ إِنَّ الَّذِينَ

و تسبیح گن بحمد پروردگار خود شام و صبح بدرستی که آنانکه

يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَاهُمْ إِن فِي صُدُورِهِمْ

جدال میکنند در آیات خدا بی حجتی که آمده باشد بایشان نیست در سینه های ایشان

إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُم بِبَالِغِيهِ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ

مگر سرکشی نیستند ایشان رسنده بآن پس پناه گیر بخدا بدرستی که او ست شنوای

الْبَصِيرُ ۝ لَخَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ

بینا هر آینه آفریدن آسمانها و زمین بزرگتر است از آفریدن مردم

وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ

ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند و برابر نیستند نابینا

وَالْبَصِيرُ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَلَا الْمُسِيءُ

و بینا و آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته و نه بدکار

قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ۝ إِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ لَّا رَيْبَ فِيهَا وَلَٰكِنَّ

اندکی ۝ بند نمی پذیرند ۝ بدرستی که قیامت هر آینه آینده است نیست شکی در آن ۝ ولیکن

أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ ۝ وَقَالَ رَبُّكُمُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ ۝

بیشتر ۝ مردمان ۝ نمیگروند ۝ وگفت پروردگار شما ۝ بخوانید مرا تا اجابت کنم برای شما

إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ

بدرستی آنانکه ۝ سرکشی میکنند ۝ از بندگی من ۝ زود باشد که درآیند در دوزخ ۝ خوارشدگان

اَللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا

خدای یحق آنست که گردانید برای شما ۝ شب را ۝ تا ساکن شوید در آن ۝ و روز را بینا ۝ تا بهره جویید در آن

إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

بدرستی که خدا هر آینه خداوند فضلست بر ۝ مردمان ۝ ولیکن ۝ بیشتر ۝ مردمان ۝ شکر نمی کنند

ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَّا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ

اینست ۝ خدائی که پروردگار شما و آفریننده هر چیزست نیست خدائی ۝ مگر او ۝ پس کجا برگردانیده میشوید

كَذَٰلِكَ يُؤْفَكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ ۝

همچنین ۝ برگردانیده میشوند آنانکه بودند ۝ بآیات ۝ خدا ۝ انکار میکردند

اَللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَصَوَّرَكُمْ

خدای یحق آنست که گردانید برای شما ۝ زمین ۝ جایگاه ۝ و آسمان را بنائی برافراشته ۝ و تصویر کرد شما را

فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَرَزَقَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ

پس نیکو ساخت صورتهای شما را ۝ و روزی داد شما را ۝ از پاکیزه ها ۝ آنکه فاعل اینها خداست پروردگار شما

فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ ۝ هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ

پس بزرگوار است خدا که پروردگار جهانیان است ۝ اوست زنده نیست خدائی مگر او ۝ پس بخوانید او را

مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۗ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ قُلْ إِنِّي نُهِيتُ

درحالیکه خالص سازید برای دین را ۝ حمد مرخدا را که پروردگار جهانیان است ۝ بگو بدرستی که نهی کرده شدم

أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ لَمَّا جَاءَنِيَ الْبَيِّنَاتُ

از آنکه بپرستم آنانکه ۝ میخوانید ۝ بجز از خدا ۝ آن هنگام که آمد ۝ مرا معجزات ظاهره

مِن رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسْلِمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُم

از پروردگار من دما مور شدم که گردن بنهم حکم پروردگار جهانیان را ۝ اوست آنکه آفرید شما را

مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ

از خاک پس از آب منی پس از خون بسته پس بیرون آرد شما را کودک پس

لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِتَكُونُوا شُيُوخًا وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ مِن قَبْلُ

پس برسید شما بسخت تر بن قوت شباب پس باشید شما پیران ۝ و از شما کسیست که میمیرد پیش از پیری

وَلِتَبْلُغُوا أَجَلًا مُّسَمًّى وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ ۝ هُوَ الَّذِي يُحْيِي

و تا برسید شما باجل نام برده شده و باشد شما ۝ تعقل کنید ۝ اوست آنکه زنده میکند

وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُن فَيَكُونُ ۝ أَلَمْ تَرَ

و میمیراند پس چون حکم کند بامری پس جز این میگوید مراورا باش پس میباشد ۝ آیا نه می بینی

إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّىٰ يُصْرَفُونَ ۝ الَّذِينَ

بسوی آنانکه ۝ مجادله میکنند در آیات خدا چگونه برگردانیده میشوند ۝ آنانکه

كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

دروغ بستند بقرآن و بآنچه فرستادیم بآن پیغمبران خود را پس زود باشد که بدانند

إِذِ الْأَغْلَالُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلَاسِلُ يُسْحَبُونَ ۝ فِي الْحَمِيمِ

وقتی که بندهای آتشین در گردنهای ایشان باشد و زنجیرها در حالی که کشیده میشوند ایشان را در آب جوشان

ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ۝ ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنتُمْ تُشْرِكُونَ

پس در آتش سوخته شوند پس ۝ گفته شود مر ایشانرا کجایند آنانکه بودید شما که شریک میگردید

مِن دُونِ اللَّهِ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَل لَّمْ نَكُن نَّدْعُو مِن قَبْلُ

بجز از خدا ۝ گویند دور شدند از ما بلکه ۝ نبودیم که خوانده باشیم ۝ پیش ازین

شَيْئًا كَذَٰلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ ۝ ذَٰلِكُم بِمَا كُنتُمْ تَفْرَحُونَ

چیزرا ۝ همچنان فروگذارد خدا ۝ کافران را ۝ این فروگذاشتن شما بسبب آنست که بودید بناحق

فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنتُمْ تَمْرَحُونَ ۝ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ

بشدید در زمین بچیزی که حق نبود از عبادت نشان بسبب آنکه بودند نشاط میکردید در آنجا ۝ درهای دوزخ

خَالِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ ۝ فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ

جاوید انسان باشید در آن پس بد آرامگاهست گردنکشان را ۝ پس صبر کن بدرستی که وعدهٔ خدا

حَقٌّ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا

راست پس هرآینه بنمائیم تورا بعضی از آنچه وعده کرده‌ایم ایشانرا یا بمیرانیم تورا پس بسوی ما

يُرْجَعُونَ ۝ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِنْ قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَنْ قَصَصْنَا

برگردانیده شوند ۝ و بتحقیق فرستادیم ما پیغمبرانرا پیش از تو از ایشان کسانی‌اند که خواندیم ما

عَلَيْكَ وَمِنْهُمْ مَنْ لَمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ

بر تو قصهٔ ایشانرا و بعضی ازایشان کسانی‌اند که نخوانده‌ایم قصهٔ آنها را بر تو ۝ و نبود هیچ پیغمبر آنکه

يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ

بیارد معجزه مگر بفرمان خدا پس چون آمد فرمان خدا بعذاب کفار حکم شود براستی و زیان کنند

هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ ۝ اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا

آنجا اهل بطلان ۝ خدای بحق آنست که گردانید برای شما چهارپایان را تا سوار شوید بعضی ازآنها

وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ ۝ وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبْلُغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً

و بعضی ازآنها را بخورید ۝ و مر شمارا است در آن نفعها ۝ و تا برسید بسفر کردن بر آنها بحاجتی که

فِي صُدُورِكُمْ عَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ ۝ وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ

در سینه‌های شماست و بر انعام و خشکی و بر کشتی در دریا برداشته میشوید ۝ و مینماید شمارا خدا آیات خود را

فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ ۝ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا

پس کدام آیه از آیات خدا را انکار میکنید ۝ آیا پس سیر نکردند در زمین پس بنگرند

كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ

چگونه بود سرانجام آنانکه پیش از ایشان بودند بیشتر از ایشان در عدد و سخت‌تر

قُوَّةً وَآثَارًا فِي الْأَرْضِ فَمَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

در قوت و نشان در زمین پس دفع نکرد از ایشان آنچه بودند که کسب میکردند

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِنَ الْعِلْمِ

پس آن هنگام که آمد ایشانرا پیغمبران ایشان با معجزات شاد شدند بآنچه نزد ایشان بود از دانش

وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ ۝ فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا آمَنَّا

و فرود آمد بایشان آنچه بودند که بآن استهزا میکردند پس آن هنگام که دیدند عذاب ما را گفتند گرویدیم

بِاللَّهِ وَحْدَهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا بِهِ مُشْرِكِينَ ۝ فَلَمْ يَكُ يَنفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ

بخدا یکتا و کافر شدیم ما بآنچه بودیم ما بآن شرک آورندگان پس نبود که نفع کند ایشانرا ایمان ایشان

لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ

چون دیدند عذاب ما را در آن وقت عادت خدایست که بگذشته در میان بندگان خود و زیان کار شدند

هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ ۝

در زمان دیدن عذاب کافران

سورة فصلت اربع وخمسون آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

حم ۝ تَنزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ ۝ كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا

بحق حمید مجید که فرو فرستاد این قرآن را از خدای بخشاینده مهربان است کتابی است که تفصیل داده شده آیتهای آن قرآنیست عربی

لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ۝ بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا

مر قومی را که بدانند مژده دهنده و بیم کننده پس اعراض کردند بیشتر ایشان پس ایشان

يَسْمَعُونَ ۝ وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا

و گفتند که دلهای ما در غلافست از آنچه ترا میخوانید ما را بسوی او و در گوشهای ما

وَقْرٌ وَمِن بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّنَا عَامِلُونَ ۝ قُلْ

گرانی است و میان ما و میان تو پرده ایست پس عمل کن بدرستی که ما عمل کنندگانیم بگو

إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَٰهُكُمْ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا

جز این نیست منم آدمی مانند شما وحی کرده میشود بسوی من جز این نیست که خدای شما خدای یگانه است پس راست باشید

إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ ۝ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ

در توجه باو و طلب آمرزش کنید از و سختی عذاب برای مشرکان است آنانکه نمیدهند زکوة

وَهُم بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

و ایشانند بآخرت ایشان کافران بدرستی که آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته

حزب

از امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که سوره فصلت را تلاوت نماید روز قیامت نوری باو عطا کنند بمقدار همه بصره باشد و آن روز شادان باشند و در دنیا محمود بود و چنان که همه مردمان آن روشنی ببینند و از خداوند تمنای آن مرتبه کنند

لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۝ قُلْ أَئِنَّكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ

مر ایشانرا است مزدی که منت نهاده نشود ۝ بگو آیا شما کافر میشوید بآنکه آفرید

الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَنْدَادًا ذَٰلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ

زمین را در دو روز و میگردانید برای او همتایان اینست پروردگار جهانیان

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا

و آفرید در زمین کوههای استوار از بالای آن و برکت داد در آنها منافع و تقدیر کرد در زمین روزیها

فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِلسَّائِلِينَ ۝ ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ

در چهار روز یکسانست مر سائلانرا پس قصد کرد بسوی آسمان و آسمان

دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا

دودی بود پس گفت مر آسمانرا و مر زمین را که بیائید در حالت رغبت یا کراهت گفتند آمدیم ما

طَائِعِينَ فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ

بهرچه فرمانی فرمان برندگانیم پس حکم کرد در آن هفت آسمان در دو روز و وحی فرمود در هر

سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَٰلِكَ

آسمان کار آنرا و زینت دادیم آسمان دنیا را بچراغهای ستارگان و نگاه داشتیم آنرا

تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ۝ فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً

اندازه کردن خدای غالب و داناست پس اگر اعراض کنند پس بگوئیم بیم کردم شمارا از عذاب صاعقه

مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ ۝ إِذْ جَاءَتْهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ

مانند صاعقه عاد و ثمود چون آمدند بایشان پیغمبران از میان

أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا

دستهاشان و از پشتهاشان که نپرستید مگر خدارا گفتند اگر خواستی پروردگار ما

لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ۝ فَأَمَّا عَادٌ

هر آینه میفرستاد فرشتگانرا پس بدرستی ما بآنچیزی که فرستاده شده اید بآن کافرانیم پس اما قوم عاد

فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً

پس گردنکشی کردند در زمین بناحق و گفتند کیست سخت تر از ما از روی توانائی

اَوَلَمْ يَرَوْا اَنَّ اللّٰهَ الَّذِىْ خَلَقَهُمْ هُوَ اَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً ۭ وَكَانُوْا

آیا ندانستند بدرستی که خدائی که آفرید ایشانرا او سخت‌تر است از ایشان از روی توانائی و بودند

بِاٰيٰتِنَا يَجْحَدُوْنَ ۝ فَاَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيْحًا صَرْصَرًا فِىْٓ اَيَّامٍ

بنشانهای ما که انکار میکردند پس فرستادیم بر ایشان بادی سخت و زننده در روزهای

نَّحِسَاتٍ لِّنُذِيْقَهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِى الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا ۭ وَلَعَذَابُ

شوم تا بچشانیم ایشانرا عذاب رسوائی در زندگانی دنیا و البته عذاب

الْاٰخِرَةِ اَخْزٰى وَهُمْ لَا يُنْصَرُوْنَ ۝ وَاَمَّا ثَمُوْدُ فَهَدَيْنٰهُمْ

آخرت رسواتر است و ایشان یاری داده نمیشوند و اما طایفه ثمود که قوم صالح بودند پس راه نمودیم ایشانرا

فَاسْتَحَبُّوا الْعَمٰى عَلَى الْهُدٰى فَاَخَذَتْهُمْ صٰعِقَةُ الْعَذَابِ

پس دوست داشتند نابینائی بر راه راست پس گرفت ایشانرا صاعقه عذاب

الْهُوْنِ بِمَا كَانُوْا يَكْسِبُوْنَ ۝ وَنَجَّيْنَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَكَانُوْا

خوار کننده بسبب آنچه بودند که کسب کردند و رهانیدیم آنان را که گرویدند و بودند که

يَتَّقُوْنَ ۝ وَيَوْمَ يُحْشَرُ اَعْدَاۗءُ اللّٰهِ اِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوْزَعُوْنَ ۝

پرهیز میکردند و روزی که جمع کرده شود دشمنان خدا بسوی آتش پس ایشان بازداشته شوند

حَتّٰٓى اِذَا مَا جَاۗءُوْهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَاَبْصَارُهُمْ وَ

تا وقتیکه در آیند در آتش گواهی دهد بر ایشان گوشهای ایشان و چشمهای ایشان و

جُلُوْدُهُمْ بِمَا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ ۝ وَقَالُوْا لِجُلُوْدِهِمْ لِمَ شَهِدْتُّمْ عَلَيْنَا ۭ

پوستهای ایشان بآنچه بودند که میکردند و گفتند بپوستهای خود ایشان چرا گواهی دادید بر ما

قَالُوْٓا اَنْطَقَنَا اللّٰهُ الَّذِيْٓ اَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَّهُوَ خَلَقَكُمْ اَوَّلَ

گویند اعضا بسخن آورد ما را خدائی که بسخن آورد هر چیزی را و او آفرید شما را اول

مَرَّةٍ وَّاِلَيْهِ تُرْجَعُوْنَ ۝ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُوْنَ اَنْ يَّشْهَدَ عَلَيْكُمْ

مرتبه و بسوی او برگردانیده میشوید و نبودید پوشیده که گواهی دهند بر شما

سَمْعُكُمْ وَلَآ اَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُوْدُكُمْ وَلٰكِنْ ظَنَنْتُمْ اَنَّ

گوش شما و نه چشمهای شما و نه پوستهای شما ولیکن گمان داشتید بدرستیکه

اللّٰهُ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِّمَّا تَعْمَلُونَ ۝ وَذٰلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنتُمْ

خدا را نداند بسیار را از انچه میکنید و این دعوای شما گمان شماست که گمان داشتید

بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُم مِّنَ الْخَاسِرِينَ ۝ فَإِن يَصْبِرُوا فَالنَّارُ

پروردگار خود هلاک کرد شما را پس گشتید از زیان کاران پس اگر صبر کنند گفتار پس آتش

مَثْوًى لَّهُمْ وَإِن يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُم مِّنَ الْمُعْتَبِينَ ۝ وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ

مکانست مر ایشانرا و اگر طلب رضا خواهند نباشند پس هستند ایشان از اجابت کردگان و تقدیر کردیم ما برای ایشان

فَزَيَّنُوا لَهُم مَّا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي

پس بیاراستند برای ایشان آنچه در پیش ایشان و آنچه از پس ایشانست و واجب شد بر ایشان کلمه در حالیکه بودند

أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ

از جمله گروه گذشته پیش از ایشان از جن و آدمی بدرستی که ایشان بودند زیان کاران

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَٰذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ

و گفتند آنانکه کافر شدند مشنوید این قرآن را و سخن لغو مکنید در میان

لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ ۝ فَلَنُذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا

آن شاید شما غلبه کنید پس بچشانیم آنانرا که کافر شدند عذاب سخت را

وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ ذٰلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللّٰهِ

و هر آینه جزا دهیم ایشانرا بدترین جزای آنانکه بودند که میکردند این عذاب بدتر جزای دشمنان خداست

النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ۝

آتش مر ایشانرا ست در آن آتش سرای جاوید این جزا بسبب آنچه بودند که بآیات ما انکار میکردند

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذَيْنِ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنِّ وَ

و گفتند آنانکه کافر شدند پروردگارا بنما ما آنانرا که گمراه کردند از جن و

الْإِنسِ نَجْعَلْهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ ۝ إِنَّ

آدمی زاد تا بگردانیم ایشانرا زیر قدمهای ما تا باشند ما را از جمله فروتنان بدرستی که

الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ

آنانکه گفتند پروردگار ما خداست پس راست ایستادند فرود آیند بر ایشان فرشتگان

أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

اکنون مترسید ۞ واندوهناک مشوید وشاد شوید ۞ بهشت ۞ که بودید شما که وعده داده میشدید

نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا

ما ایم دوستان شما ۞ در زندگانی دنیا ۞ و در آخرت ومرشماراست ۞ درآن

مَا تَشْتَهِي أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ۝ نُزُلًا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ

آنچه آرزو کند ۞ نفسهای شما ومرشماراست ۞ درآن آنچه رابخواهند ۞ درحالیکه پیشکش باشد ازخدای آمرزنده مهربان

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي

وکیست نیکوتر ازروی گفتار ازانکه بخواند ۞ بسوی عبادت خدا وبکند کار شایسته ۞ وگوید بدرستی که من

مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۝ وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي

ازگردن نهندگان ۞ و برابر نیست ۞ نیکوئی که توحید است ونه بدی که کفر است دفع کن ۞ بدیرا که

هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ۝ وَمَا

آن نیکوتر است پس ۞ آنکس که میان تو ۞ ومیان او دشمنی است گویا او دوستی کارساز خویش است ۞ و

يُلَقَّاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلَقَّاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ۝ وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ

عطا کرده نشود مگر این خصلت مگر آنانکه صبر کردند ۞ وعطا کرده نشود این خصلت مگر خداوند بهره بزرگ ۞ واگر برسد بتو

مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ۝ وَ

از شیطان خارخاری ۞ پس پناه جو ۞ بخدا بدرستیکه اوست شنوای ۞ دانا ۞ و

مِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا

از جمله نشانهای قدرت خدا شب وروز است ۞ وآفتاب ۞ وماه ۞ سجده مکنید

لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِنْ كُنْتُمْ

مرآفتاب را ۞ ونه ماه را ۞ وسجده کنید مرخدای را که ۞ آفریده ایشانرا ۞ اگر هستید شما که

إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ۝ فَإِنِ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ

او را ۞ می پرستید بوحدت ۞ پس اگر گردنکشی کردند ۞ پس آنانکه ۞ نزد پروردگار تو اند تسبیح می گویند

لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ۝ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنَّكَ

مرخدارا ۞ بشب ۞ وروز ۞ وایشان ۞ ملول نمیشوند ۞ و ازجمله نشانهای اوست ۞ که تو

ترى الارض خاشعة فاذا انزلنا عليها الماء اهتزت وربت
می بینی زمین را خوار و خشک پس چون فرستیم ما بر آن زمین آب باران بجنبش در آید و بر آید ما نیز از
ان الذی احیاها لمحی الموتی انه علی کل شیء قدیر ان
بدرستیکه آنکه زنده کرد او را هر آینه زنده میکند مردگان بدرستی که او بر هر چیز توانا است بدرستی که
الذین یلحدون فی ایاتنا لا یخفون علینا افمن یلقی فی النار
آنانکه میل میکنند در آیات ما پوشیده نمیشوند بر ما آیا پس کسی که افکنده شود در آتش
خیر ام من یاتی امنا یوم القیمة اعملوا ما شئتم انه بما تعملون
بهتر است یا کسی که بیاید ایمن از آتش روز قیامت بکنید آنچه خواهید بدرستی که او بآنچه می کنید
بصیر ان الذین کفروا بالذکر لما جاءهم وانه لکتاب
بیناست بدرستی آنانکه کافر شدند بقرآن هنگامیکه آمد باشان و بدرستی که قرآن هر آینه کتاب
عزیز لا یاتیه الباطل من بین یدیه ولا من خلفه تنزیل
ارجمند است نیاید باو هیچ باطل از پیش قرآن و نه از پشت قرآن فرو فرستاده
من حکیم حمید ما یقال لک الا ما قد قیل للرسل من
از حکیم ستوده شده گفته نمی شود مر تو را مگر آنچه بتحقیق گفته شد مر پیغمبران را پیش
قبلک ان ربک لذو مغفرة وذو عقاب الیم ولو جعلناه
از تو بدرستیکه پروردگار تو هر آینه خداوند آمرزش و خداوند عقوبت دردناک است و اگر میکردیم اینرا
قرانا اعجمیا لقالوا لولا فصلت ایاته ءاعجمی وعربی
این کتابرا زبان عجم هر آینه می گفتند چرا مبین نشده آیات این قرآن آیا این کلام عجمی است و مخاطب عرب
قل هو للذین امنوا هدی وشفاء والذین لا یؤمنون فی اذانهم
بگو این قرآن برای آنست که گرویدند که را نماینده و شفا دهنده و آنانکه نمی گروند در گوشهاشان
وقر وهو علیهم عمی اولئک ینادون من مکان بعید
گرانی است و این کتاب بر ایشان پوشیده است آنکه وه ندا کرده می شوند از مکان دور
ولقد اتینا موسی الکتاب فاختلف فیه ولولا کلمة
و بتحقیق که دادیم ما موسی را کتاب تورات پس اختلاف کرده شد در آن و اگر نه بودی سخنی که

الجزء ٢٠

سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ ۝
پیشی گرفته از پروردگار تو هر آینه حکم کرده میشد میان ایشان و بدرستیکه ایشان هر آینه در شک اند از قرآنی گمان کرده شده

مَّنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۗ وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ
هر که کرد کار شایسته پس برای نفس خود و هر که بد کرد پس بر نفس اوست و پروردگار تو نیست ستم کننده

لِّلْعَبِيدِ ۝ إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ ۚ وَمَا تَخْرُجُ مِن ثَمَرَاتٍ مِّنْ
مر بندگان را بسوی او رد کرده میشود دانش قیامت و بیرون نیامده هیچ میوه از

أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ ۚ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ
غلافهای خود و باز نکند و هیچ ماده و نهد بار خود را مگر به دانستن خدا و روزی که بخواند خدا

أَيْنَ شُرَكَائِي ۖ قَالُوا آذَنَّاكَ ۖ مَا مِنَّا مِن شَهِيدٍ ۝ وَضَلَّ
مشرکان را که کجایند شریکان من گویند اعلام کردیم ما تو را که نیست از ما هیچ گواهی و گمشد

عَنْهُم مَّا كَانُوا يَدْعُونَ مِن قَبْلُ ۖ وَظَنُّوا مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ ۝ لَّا
از ایشان آنچه بودند که میخواندند پیش از قیامت و گمان کنند که نیست مر ایشان را هیچ خلاصی

يَسْأَمُ الْإِنسَانُ مِن دُعَاءِ الْخَيْرِ ۖ وَإِن مَّسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ
ملول نمیشود آدمی از خواهش نیکو و اگر برسد او را شری پس ناامید

قَنُوطٌ ۝ وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِن بَعْدِ ضَرَّاءَ مَسَّتْهُ
و ناامید است و اگر بچشانیم ما کافر را رحمتی از جانب ما بعد از سختی که باو رسیده بود

لَيَقُولَنَّ هَٰذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّجِعْتُ
هر آینه میگوید که این مراست و گمان نمیبرم قیامت را برخاسته و اگر باز گردانیده شوم

إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِندَهُ لَلْحُسْنَىٰ ۚ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا
بسوی پروردگار خود مراست نزد او خصلتی نیکو پس خبر کنیم آنان را که کافر شدند

بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ۝ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى
بآنچه کردند و هر آینه بچشانیم ایشان را از عذاب درشت و چون انعام کنیم بر

الْإِنسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ ۖ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ
آدمی روی گرداند و دور آورد بجانب خود را و چون برسد او را شری پس خداوند دعای

عَرِيضٍ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ

بسیار است بگوای محمد آیا دیدید شما اگر باشد از نزد خدا پس کافر شدید به آن کیست

أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ۝ سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ

گمراه تر از آنکه او در خلافی باشد دور زود باشد که بنمائیم کفار را قدرت خود در آفاق

وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ

و در نفسهای ایشانست تا روشن گردد برای ایشان انکه رسول حق است آیا کفایت نمیکند پروردگار تو بدرستی که او

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ

بر هر چیز گواه است بدانید بدرستی که ایشان در شک اند از رسیدن جزای پروردگار خود بدانید که

بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ

خدا بهمه چیز دانا است

سورة الشورى مكية وهي ثلاث وخمسون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

حمعسق ۝ كَذَٰلِكَ يُوحِي إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ

قسم بحمعسق مثل آنچه وحی میکند بسوی تو و بسوی آنانکه پیش از تو بودند خداوند غالب

الْحَكِيمُ ۝ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ

درست کار مر او راست آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست و اوست برتر

الْعَظِيمُ ۝ تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ

بزرگوار نزدیک شد که آسمانها شکافته شوند از بالای هم و فرشتگان

يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ

تسبیح میکنند بستایش پروردگار خود و آمرزش میطلبند از برای کسانی که در زمینند بدانید که

اللَّهَ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ

خدا اوست آمرزنده مهربان و آنانکه فرا گرفتند از غیر خدا اولیاء خدا

حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ ۝ وَكَذَٰلِكَ أَوْحَيْنَا

نگهبانست بر ایشان و نیستی تو بر ایشان نگماشته شده و همچنین وحی فرستادیم ما

از امام جعفر صادق علیه السلام روایت است که هر که سوره شوری را بخواند خدا تعالی در قیامت روی او را چون ماه شب چهاردهم کند و ما او خطاب کند که ای بنده ما سوره حمعسق را بخواندی و مرا به واب آن ترا بشارت دهم اگر علم ثواب آن داشتی از ملائکه میمول نمیشدی و دایم میخواندی پس فرماید ملائکه را که او را زنده و در بهشت ساکن کنید او را جایی دلپسند و فرشتگان در حضرت کبریا همه آن را بجای آرند و خندان باشد صاحبانش که باطن و ظاهر ایشان شاهد و شود او هزار حور العین نورانی نامزد او نماید ما سایر انواع کرامت و نعمتها

إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنْذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا وَتُنْذِرَ يَوْمَ

بسوی تو قرآن عربی را تا بیم کنی بآن اهل مکه را وکسانیکه در حوالی مکه اند وبیم کنی ایشانرا در روز

الْجَمْعِ لَا رَيْبَ فِيهِ ۚ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ ۝ وَلَوْ شَاءَ

جمع شدن نیست شکی در آن بعضی ازایشان در بهشتند وگروهی در دوزخ واگر خواستی

اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ ۚ وَ

خدا هرآینه گردانیدی ایشانرا گروهی یکتا ولیکن درمی آورد هرکرا خواهد در رحمت خود و

الظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ ۝ أَمِ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ

ستمکاران نیست مرایشانرا هیچ دوستی ونه یاری دهنده یا فرا گرفتند از غیر خدا

أَوْلِيَاءَ ۖ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ

دوستان پس خدا اوست دوستدار واو زنده میکند مرده را واو بر هر چیز

قَدِيرٌ ۝ وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ۚ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ

توانا است وآنچه اختلاف میکنید در آن از چیزی پس حکم او بسوی خدا است اینست خدای

رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ ۝ فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ

بحق پروردگار من بر او وبسوی او بر گردانیده شده آفریننده آسمانها وزمین

جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا ۖ يَذْرَؤُكُمْ

آفرید برای شما از نفسهای شما زنان را واز چهارپایان جفتهای گوناگون بسیار میکند شما

فِيهِ ۚ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ ۖ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ ۝ لَهُ مَقَالِيدُ

در آن نیست مانند او چیزی واوست شنوای بینا مر اوراست کلیدهای

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّهُ بِكُلِّ

آسمانها وزمین که میگشاید روزی را برای هرکه خواهد وتنگ میکند اندازه سنجی که او بهر چیز

عَلِيمٌ ۝ شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّىٰ بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا

داناست بیان کرد برای شما از دین آنچه فرمود بآن نوحرا واآنچه وحی کردیم با

إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَىٰ ۖ أَنْ أَقِيمُوا الدِّينَ

بسوی تو واآنچه امر کردیم ما بآن ابراهیم را وموسی وعیسی را که بپای دارید دین را

وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ ۚ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ إِلَيْهِ ۚ اللَّهُ يَجْتَبِي

و متفرق مشوید در آن بزرگست بر مشرکان آنچه میخوانی ایشانرا بسوی اسلام و توحید خدای یکتا

إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ ﴿١٣﴾ وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ

بسوی خود هر کرا میخواهد و راه مینماید بتوفیق حق هر کرا که باز گردد و پراکنده نشدند مگر از

بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ

بعد آنچه آمد ایشانرا دانش بستمکاری میان ایشان و اگر نبودی سخنی پیشی گرفته از پروردگار تو

إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ۚ وَإِنَّ الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ

تا مدت نام برده شده هر آینه حکم شود میان ایشان بدرستی که آنانکه میراث داده شدند کتاب را از

بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ﴿١٤﴾ فَلِذَٰلِكَ فَادْعُ ۖ وَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ ۖ

بعد ایشان هر آینه در شک اند از قرآن در هیبت افکنده پس بنا بر این پس بخوان مردم را راست قیام باش چنانکه فرموده

وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ ۖ وَقُلْ آمَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ ۖ وَأُمِرْتُ

و پیروی مکن آرزوهای ایشانرا و بگو ایمان آوردم بآنچه فرستاد خدا از جنس کتاب و مامور شدم من

لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ ۖ اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ ۖ لَنَا أَعْمَالُنَا وَلَكُمْ أَعْمَالُكُمْ ۖ

که عدل کنم میان شما خدا پروردگار ما و پروردگار شماست از برای ماست کردار ما و برای شماست کردار شما

لَا حُجَّةَ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ ۖ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا ۖ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ ﴿١٥﴾ وَالَّذِينَ

نیست خصومتی میان ما و میان شما خدا جمع میکند میان ما و بسوی اوست بازگشت و آنانکه

يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ

مخاصمه میکنند در دین خدا از بعد آنکه اجابت کرده شده باشد مر قول خدا را روز میثاق حجت ایشان باطلست

رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ ﴿١٦﴾ اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ

نزد پروردگار ایشان و بر ایشان است غضب و مر ایشانرا است عذاب سخت خدای بحق آنست که فرو فرستاد

الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ ۗ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ قَرِيبٌ

قرآن را براستی و بطریق حق که میزانست و چه چیز دانا کرد تو را شاید وقت قیامت نزدیک باشد

يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا ۖ وَالَّذِينَ آمَنُوا مُشْفِقُونَ

شتاب میکند بآمدن عذاب آنانکه ایمان نمی آرند بآن و آنانکه ایمان آوردند ترسانند

مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ ۗ أَلَا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ فِي السَّاعَةِ لَفِي

از قیامت و میدانند انکه آمدن قیامت حق است بدانند که آنانکه مخاصمه کردند از روی انکار در قیامت هر آینه

ضَلَالٍ بَعِيدٍ ۝ اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ ۖ وَهُوَ

در گمراهی دور و بند ۝ خدا بسیار لطف کننده است بر بندگان خود روزی دهد هر که را خواهد و او است

الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ ۝ مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي

توانای غالب ۝ هر که باشد که او را اراده نماید کشت آخرتی را بیفزاییم او را در

حَرْثِهِ ۖ وَمَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي

کشت او و هر که باشد که اراده نماید کشت دنیا را بدهیم او را نصیبی از دنیا و نیست مر او را در

الْآخِرَةِ مِنْ نَصِيبٍ ۝ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ

آخرت هیچ بهره ۝ بلکه مر ایشان راست شریکان که وضع کردند برای ایشان از دین باطل آنچه

يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ ۗ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ

اذن نداده بآن خدا و اگر نه سخن حق بودی که فصل در قیامت باشد هر آینه حکم کرده شدی میان ایشان و بدرستیکه ستمکاران

لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ

مر ایشانرا است عذاب دردناک ۝ می بینی تو مشرکان را بسیار ترسان از آنچه کسب کردند و او

وَاقِعٌ بِهِمْ ۗ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ

رسنده است بایشان و آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته در مرغزارهای

الْجَنَّاتِ ۖ لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

بهشتها ماشند مر ایشانرا است آنچه میخواهند نزد پروردگار ایشان اینست آن فضل بزرگ

ذَٰلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهُ عِبَادَهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ۗ

این ثواب آنست که مژده میدهد خدا بندگان خود را آنانکه گرویدند و کردند کار شایسته

قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ ۗ وَمَنْ يَقْتَرِفْ

بگو سوال نمیکنم از شما بر او مزدی مگر دوستی ثابت در خویشان من و هر که کسب کند

حَسَنَةً نَزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ ۝ أَمْ يَقُولُونَ

نیکی زیاده کنیم مر او را در آن نیکوئی بدرستی که خدا آمرزنده شکر کننده است ۝ یا میگویند

افترى على الله كذبا فان يشاء الله يختم على قلبك ويمح الله الباطل
افترا كرد بر خدا دروغى پس اگر خواهد خدا مهر ننهد بر دل تو ومحو كند خدا باطل را
ويحق الحق بكلماته انه عليم بذات الصدور وهو الذى
وثابت گرداند حق را بسخنان خود بدرستى كه دانا است بهر چه در سينه هاست واوست آنكه
يقبل التوبة عن عباده ويعفوا عن السيئات ويعلم ما
قبول ميكند توبه را از بندگانش ومى گذرد از بدها ومى داند آنچه
تفعلون ﴿٢٥﴾ ويستجيب الذين امنوا وعملوا الصالحات ويزيدهم
ميكنيد واجابت كند دعاى آنان را كه گرويدند وكردند كارهاى شايسته وزياد كرداند
من فضله والكافرون لهم عذاب شديد ولو بسط
ايشانرا از فضل خود وكافران مر ايشانرا است عذاب سخت واگر بگستراند
الله الرزق لعباده لبغوا فى الارض ولكن ينزل بقدر ما
خدا روزى را براى بندگان خود هر آينه فساد كنند در زمين ولكن فرو فرستد روزى را باندازه آنچه
يشاء انه بعباده خبير بصير ﴿٢٧﴾ وهو الذى ينزل الغيث
خواهد بدرستى كه او به بندگان خود آگاه وبيناست واوست آنكه فرو فرستد باران را
من بعد ما قنطوا وينشر رحمته وهو الولى الحميد ﴿٢٨﴾ ومن
از بعد آنكه نوميد شده باشند وپراكنده كند رحمت خود را واوست دوست ستوده شده واز
ايته خلق السموات والارض وما بث فيهما من دابة وهو
نشانهاى اوست آفريدن آسمانها وزمين وآنچه پراكنده است در آنها از جنبنده واو
على جمعهم اذا يشاء قدير ﴿٢٩﴾ وما اصابكم من مصيبة
بر جمع كردن ايشان هر گاه خواهد قادر است وآنچه رسد بشما از آفات مال وبدن
فبما كسبت ايديكم ويعفوا عن كثير ﴿٣٠﴾ وما انتم بمعجزين فى الارض
پس آنچه كسب كرده دستهاى ايشان ودر ميگذرد از بسيارى ونيستيد شما عاجز كننده در زمين
وما لكم من دون الله من ولى ولا نصير ﴿٣١﴾ ومن ايته الجوار
ونيست مر شما را از غير خدا هيچ دوستى ونه يارى دهنده واز نشانهاى قدرت وكشتيها

فِي ٱلْبَحْرِ كَٱلْأَعْلَٰمِ ۝ إِن يَشَأْ يُسْكِنِ ٱلرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَىٰ ظَهْرِهِۦٓ

جاریه است در دریا مانند کوهها ﴿۳۲﴾ اگر خواهد ساکن گرداند باد را پس گردند آن کشتیها استادگان بر پشت دریا

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ ۝ أَوْ يُوبِقْهُنَّ بِمَا

بدرستیکه در این هر آینه آیتهاست برای هر صبر کننده شکر کننده ﴿۳۳﴾ یا اگر خواهد هلاک کند آنها را

كَسَبُوا۟ وَيَعْفُ عَن كَثِيرٍ ۝ وَيَعْلَمَ ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا

بآنچه کسب کرده اند و درگذرد از بسیاری ﴿۳۴﴾ و تا بداند آنانکه مخاصمه میکنند در آیات ما

مَا لَهُم مِّن مَّحِيصٍ ۝ فَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَىْءٍ فَمَتَٰعُ ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا

نیست مر ایشانرا هیچ گریزگاهی ﴿۳۵﴾ پس آنچه داده شدید از چیزی پس آن برخورداری زندگانی دنیا دارد

وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

و نیست نزد خدا بهتر است و باقی تر مر آنانرا که گرویدند و بر پروردگارشان توکل میکنند

وَٱلَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَٰٓئِرَ ٱلْإِثْمِ وَٱلْفَوَٰحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا۟ هُمْ

و آنانکه اجتناب میکنند از گناهان و کارهای زشت وچون خشم گیرند ایشان

يَغْفِرُونَ ۝ وَٱلَّذِينَ ٱسْتَجَابُوا۟ لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَأَمْرُهُمْ

زود درمیگذرند ﴿۳۷﴾ و آنانکه اجابت کردند مر پروردگارخودرا و بپای داشتند نماز را و کارایشان

شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ ۝ وَٱلَّذِينَ إِذَآ أَصَابَهُمُ

مشورت کرده است میان ایشان و از آنچه روزی دادیم ایشانرا انفاق میکنند ﴿۳۸﴾ و آنانکه چون برسد ایشانرا

ٱلْبَغْىُ هُمْ يَنتَصِرُونَ ۝ وَجَزَٰٓؤُا۟ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا

گمراهی ایشان انتقام میکشند ﴿۳۹﴾ و پاداش کردار بد بدیست مانند آن پس هر که درگذرد

وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُۥ عَلَى ٱللَّهِ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ ۝ وَلَمَنِ ٱنتَصَرَ بَعْدَ

و باصلاح آورد پس مزد او بر خداست بدرستی که خدا دوست نمیدارد ستمکارانرا ﴿۴۰﴾ و هر آینه کسی که انتقام کشد بعد

ظُلْمِهِۦ فَأُو۟لَٰٓئِكَ مَا عَلَيْهِم مِّن سَبِيلٍ ۝ إِنَّمَا ٱلسَّبِيلُ عَلَى ٱلَّذِينَ

ستم کشیدن پس آن گروه نیست بر ایشان هیچ راهی ﴿۴۱﴾ جز این نیست که راه عقوبت بر آنانکه

يَظْلِمُونَ ٱلنَّاسَ وَيَبْغُونَ فِى ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ

ستم کنند بر مردم و خواهند افزونی را در زمین بناحق آن گروه مر ایشانراست

عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ ۝

عذاب دردناک — و هر که صبر کرد و درگذشت بدرستی که این از کارهای — مجزوم است

وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَلِيٍّ مِنْ بَعْدِهِ ۗ وَتَرَى الظَّالِمِينَ

و هر که — گمراه گذارد خدا پس نیست مر او را هیچ دوستی — از بعد او و به بینی — ستمکاران را

لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِنْ سَبِيلٍ ۝ وَتَرَاهُمْ

چون دیدند — عذاب را — گویند — آیا هست بسوی بازگشتن بدنیا هیچ راهی — و بینی ایشان را

يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَاشِعِينَ مِنَ الذُّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ طَرْفٍ خَفِيٍّ ۗ

که عرض کرده شوند بر آتش — که فروتنان باشند — از خواری — مینگرند — از نهان نگریستن

وَقَالَ الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ

و گویند — آنانکه ایمان آوردند بدرستی که زیان کاران آنانند که زیان کردند نفسهای خود را و

أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُقِيمٍ ۝ وَمَا

کسان خود را — روز قیامت — بدانید بدرستی که ستمکاران در — عذاب دایم باشند — و نیست

كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۗ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ

مر ایشان را — هیچ دوستانی که یاری دهند ایشان را — بجز از خدا — و هر که را گمراه گذارد خدا

فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ ۝ اسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ

پس نیست مر او را هیچ راهی — اجابت کنید مر پروردگار خود را پیش از آنکه — بیاید مر او را روزی که بازگردانیدن نیست

لَهُ مِنَ اللَّهِ ۗ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَإٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ ۝ فَإِنْ

مر او را از نزد خدا نیست مر شما را — هیچ پناهی — در آن روز و نیست مر شما را — هیچ انکاری — پس اگر

أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۖ إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا الْبَلَاغُ ۗ وَ

اعراض کنند از ایمان پس نفرستادیم ما تو را بر ایشان — نگاهبان نیست بر تو — مگر رسانیدن پیغام و

إِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرِحَ بِهَا ۖ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ

بدرستی که چون بچشانیم ما — انسان را از نزد خود رحمتی شاد شود — بآن و اگر برسد بایشان — بدی

بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ ۝ لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ

بآنچه پیش فرستاده دستهای ایشان پس بدرستی که انسان ناسپاس است — مر خدای راست پادشاهی آسمانها

والارض

٥٧٢

وَالْاَرْضِ ۚ يَخْلُقُ مَا يَشَآءُ ۚ يَهَبُ لِمَنْ يَشَآءُ اِنَاثًا وَّيَهَبُ لِمَنْ يَّشَآءُ

و زمین می آفریند آنچه میخواهد می بخشد هر کرا میخواهد دختران و می بخشد هر کرا میخواهد

الذُّكُوْرَ ۙ اَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَّاِنَاثًا ۚ وَيَجْعَلُ مَنْ يَّشَآءُ عَقِيْمًا

پسران یا جفت میکرداند ایشانرا پسران و دختران و میکرداند هر کرا میخواهد بی فرزند

اِنَّهٗ عَلِيْمٌ قَدِيْرٌ ۚ وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ اَنْ يُّكَلِّمَهُ اللّٰهُ اِلَّا وَحْيًا

و نازا بدرستی او دانست و توانا و نیست مر آدمی را آنکه سخن گوید با او خدا مگر بوحی

اَوْ مِنْ وَّرَآئِ حِجَابٍ اَوْ يُرْسِلَ رَسُوْلًا فَيُوْحِيَ بِاِذْنِهٖ مَا يَشَآءُ ۚ

یا از پس پرده یا بفرستد پیغمبری پس وحی میکند باذن او آنچه میخواهد

اِنَّهٗ عَلِيٌّ حَكِيْمٌ ۚ وَكَذٰلِكَ اَوْحَيْنَآ اِلَيْكَ رُوْحًا مِّنْ اَمْرِنَا ۚ مَا

بدرستی که خدا برتر درست کارست و همچنین وحی فرستادیم بسوی تو قرآنرا که روح دلست بفرمان خود

كُنْتَ تَدْرِيْ مَا الْكِتٰبُ وَلَا الْاِيْمَانُ وَلٰكِنْ جَعَلْنٰهُ نُوْرًا

نبودی تو که بدانی پیش ازوی چه چیزست کتاب و نه خواندن بایمان ولیکن کردانیدیم اورا نور

نَّهْدِيْ بِهٖ مَنْ نَّشَآءُ مِنْ عِبَادِنَا ۚ وَاِنَّكَ لَتَهْدِيْٓ اِلٰى صِرَاطٍ

راه مینمائیم باو هر کرا خواهیم از بندگان خود و بدرستی که تو البته راه مینمائی براه

مُّسْتَقِيْمٍ ۙ صِرَاطِ اللّٰهِ الَّذِيْ لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ ۗ

راست راه راست خدائیکه مر اورا است آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست

اَلَآ اِلَى اللّٰهِ تَصِيْرُ الْاُمُوْرُ ۗ

بدانید که بسوی خدا است بازگشت همه کارها

سورة الزخرف وهي ثمان وثمانون اية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

حٰمٓ ۚ وَالْكِتٰبِ الْمُبِيْنِ ۙ اِنَّا جَعَلْنٰهُ قُرْاٰنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُوْنَ

قسم باسما حسنی و کتاب روشن بدرستی که گردانیدیم ما قرآنرا بلغت عرب شاید شما دریابید آنرا

وَاِنَّهٗ فِيْٓ اُمِّ الْكِتٰبِ لَدَيْنَا لَعَلِيٌّ حَكِيْمٌ ۚ اَفَنَضْرِبُ عَنْكُمُ

و بدرستی که او در اصل کتاب نزد ما هر آینه بزرگوار محکم است آیا پس باز گذاریم از شما

از حضرت امام محمد باقر علیه السلام مرویست که هر که سوره زخرف را مداومت کند خدای تعالی او را در لحد از هوام و فشار قبر ایمن گرداند در روز قیامت این سوره بصورتی زیبا برآمده ملاقات کند او را و بهشت بود در درجات اعلی مقام او باشد

الذكر صفحا ان كنتم قوما مسرفين ۝ وكم ارسلنا من نبي في
فرو آزاريم زو باز نشنی اگر هستید شما گروهی از حد گذشتگان و بسا که فرستادیم از جنس پیغمبران در
الاولين ۝ وما يأتيهم من نبي الا كانوا به يستهزءون ۝
میان پیشینیان و نمی آمد ایشانرا هیچ پیغمبری مگر آنکه بودند که بآن استهزا میکردند
فاهلكنا اشد منهم بطشا ومضى مثل الاولين ۝ ولئن سالتهم
پس هلاک کردیم سخت ترازشان از روی توانائی و گذشت قصه پیشینیان و اگر پرسی ایشانرا
من خلق السموات والارض ليقولن خلقهن العزيز العليم
از آفرینش آسمانها و زمین هر آینه گویند آفریدآنها را خدای غالب دانا
الذي جعل لكم الارض مهدا وجعل لكم فيها سبلا لعلكم
آنکس که گردانید برای شما زمین را بساط گسترده و گردانید برای شما در آن راهها شاید شما
تهتدون ۝ والذي نزل من السماء ماء بقدر فانشرنا
راه یابید و آنکه فرستاد از آسمان آبی باندازه حاجت پس زنده کردیم ما
به بلدة ميتا كذلك تخرجون ۝ والذي خلق الازواج كلها
بآن شهرهای مرده را همچنین برون آورده خواهید شد و آنکه آفرید اصناف مخلوقات را همه
وجعل لكم من الفلك والانعام ما تركبون ۝ لتستووا
و گردانید برای شما از کشتی و چهارپایان آنچه سوار میشوند تا راست نشوید
على ظهوره ثم تذكروا نعمة ربكم اذا استويتم عليه وتقولوا
بر پشتهای ایشان پس یاد کنید نعمت پروردگار خود را چون راست نشستید بر آن و بگوئید
سبحان الذي سخر لنا هذا وما كنا له مقرنين ۝ وانا الى
پاکست آنکه رام گردانید برای ما این را و نبودیم ما مر او را فرمانبرندگان و بدرستی که بسوی
ربنا لمنقلبون ۝ وجعلوا له من عباده جزءا ان الانسان
پروردگار خود بازگردندگانیم و گردانیدند برای خدا از بندگان او پاره بدرستی که آدمی
لكفور مبين ۝ ام اتخذ مما يخلق بنات واصفاكم بالبنين
هر آینه ناسپاس ظاهر است آیا فراگرفته خدا از آنچه آفریده دختران را و برگزیده شما را به پسران

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَٰنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ

و چون مژده داده شد یکی از مشرکان آنچه مثل زده برای بخشنده مثلی بگردد روی او سیاه شده و

هُوَ كَظِيمٌ ۝ أَوَمَن يُنَشَّؤُا فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ

او خشم دارنده است آیا کسی را میگیرند در زینت و او است در مخاصمه غیر ظاهر

وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبَادُ الرَّحْمَٰنِ إِنَاثًا ۚ أَشَهِدُوا

و گردانیدند فرشتگان را که ایشان بندگان خدایند دختران آیا حاضر بودند

خَلْقَهُمْ ۚ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ ۝ وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَٰنُ

در آفریدن ایشان زود باشد که نوشته شود گواهی ایشان و پرسیده شوند و گفتند اگر خواستی خدای بخشنده

مَا عَبَدْنَاهُم ۗ مَّا لَهُم بِذَٰلِكَ مِنْ عِلْمٍ ۖ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ ۝ أَمْ

نمی پرستیدیم ملائکه را نیست مر ایشانرا بآنچه میگویند دانشی نیستند ایشان مگر آنکه افترا کنند یا

آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ فَهُم بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ ۝ بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا

داده ایم ایشانرا کتابی از پیش او پس ایشان بآن چنگ زدگانند بلکه گفتند بدرستی که ما یافتیم

آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّهْتَدُونَ ۝ وَكَذَٰلِكَ مَا

پدران خود را بر ملتی و بدرستی که ما بر اثرهای ایشان راه یافته شدگانیم و همچنین

أَرْسَلْنَا مِن قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا

نفرستادیم ما پیش از تو در دیهی هیچ بیم دهنده مگر آنکه گفتند تواگران آن دیه که ما

وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِم مُّقْتَدُونَ ۝ قَالَ

یافتیم پدران خود را بر دینی و بدرستی که ما بر اثر ایشان اقتدا کنندگانیم گفت

أَوَلَوْ جِئْتُكُم بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدتُّمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ ۖ قَالُوا إِنَّا بِمَا

آیا نیاورده ام شما را دینی راست تر از آنچه یافتید شما بر آن پدران خود را گفتند بدرستی که ما بآنچه

أُرْسِلْتُم بِهِ كَافِرُونَ ۝ فَانتَقَمْنَا مِنْهُمْ ۖ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ

فرستاده شدید بآن کافرانیم پس انتقام گرفتیم از ایشان پس بنگر که چگونه بود سرانجام

الْمُكَذِّبِينَ ۝ وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا

دروغگویان و چون گفت ابراهیم مر پدر خود را و قوم خود را بدرستی که من بیزارم از آنچه

تعبدون ۝ الا الذی فطرنی فانه سیهدین ۝ وجعلها

بپرستید لیکن آنخدائی که آفریدمرا پس بدرستی که زود باشد که راه نماید مرا و گردانید ابراهیم

کلمة باقیة فی عقبه لعلهم یرجعون ۝ بل متعت هؤلاء

توحید را کلمه پاینده در میان ایشان شاید ایشان باز گردند بلکه برخوردار داشتم این قوم

وابآءهم حتی جاءهم الحق ورسول مبین ۝ ولما جاءهم الحق

و پدران ایشان تا آمد بایشان سخن راست و پیغمبری که ظاهر است و هنگامی که آمد ایشانرا سخن حق

قالوا هذا سحر وانا به کافرون ۝ وقالوا لولا نزل هذا القرآن

گفتند این قرآن سحر است و بدرستی که ما بآن ناگروندگانیم و گفتند چرا فرستاده نشد این قرآن

علی رجل من القریتین عظیم ۝ اهم یقسمون رحمة ربک نحن

بر مردی که از یکی از این دو دیه است بزرگ قدر آیا ایشان قسمت میکنند رحمت پروردگار تورا ما

قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیوة الدنیا ورفعنا بعضهم فوق

قسمت کنیم میان ایشان روزیهای ایشانرا در زندگانی دنیا و برداشته ایم بعضی از ایشانرا بالای

بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضا سخریا ورحمة ربک خیر

بعضی درجه ها تا آنست تا فرا گیرند بعضی از ایشان بعضی را رام و رحمت پروردگار تو بهتر است

مما یجمعون ۝ ولولا ان یکون الناس امة واحدة لجعلنا لمن

از آنچه جمع میکنند و اگر نه آن بود که مردم گرد شوند بر دین کفر هر آینه میگردانیدیم برای

یکفر بالرحمن لبیوتهم سقفا من فضة ومعارج علیها یظهرون

کسی که کافر میشود بخدای بخشنده مر خانهای ایشانرا سقفها از نقره و نردبانها بر بالای آن خانه ها تا ظاهر گشتند خودرا

ولبیوتهم ابوابا وسررا علیها یتکئون ۝ وزخرفا وان کل

و مر خانهای ایشان را درها و تختها که بر آن تکیه کنند و از طلا ساخته شده آنها را و نیست همه

ذلک لما متاع الحیوة الدنیا والاخرة عند ربک للمتقین

مذکور شد مگر برخورداری زندگانی دنیا و آخرت نزد پروردگار تو برای پرهیزگاران است

ومن یعش عن ذکر الرحمن نقیض له شیطانا فهو له قرین

و هر که چشم پوشد از یاد خدای بخشنده بر گماریم بر او شیطانرا پس او مر او را همنشین است

والهکم

وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ

و بدرستی که ایشان هر آینه باز میدارند قرا این خودرا از راه حق ومی پندارند انکه ایشان بغیروی شیطان راه یافته گانند

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ

تا وقتیکه بیایند بما گوید آن مرد ای کاش میان من ومیان تو دوری مشرق ومغرب بود پس بد

الْقَرِينُ ۝ وَلَنْ يَنْفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذْ ظَلَمْتُمْ أَنَّكُمْ فِي الْعَذَابِ

همنشینی تو ۝ و البته نفع نکند شمارا امروز چون ستم کردید که شما در عذاب

مُشْتَرِكُونَ ۝ أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْيَ وَمَنْ كَانَ

باهم شریکان ۝ آیا پس تو میشنوانی کران را یا راه مینماید کورانرا و هرکه

فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ۝ فَإِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ

در گمراهی ظاهر ۝ پس اگر ببریم ترا پس بدرستی که ازایشان انتقام

أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِي وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِمْ مُقْتَدِرُونَ ۝ فَاسْتَمْسِكْ

گیرنده گانیم یا نمایم ترا آنچه وعده داده ایم ایشانرا پس بدرستی که ما بر ایشان قادریم ۝ پس چنگ در زن

بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ۝ وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ

بآن چیزی که وحی کرده شد بسوی تو بدرستی که تو بر راه راستی ۝ و بدرستی که این قرآن هر آینه

لَكَ وَلِقَوْمِكَ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ ۝ وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا

شرفیست ترا و قوم ترا ودر زود باشد که پرسیده شوید ۝ و بپرس احوال کسانی که فرستادیم

مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَٰنِ آلِهَةً يُعْبَدُونَ

پیش از تو از پیغمبران خود آیا قرار نمودیم ما که بجز از خدای بخشاینده خدایان دیگر پرستیده شوند

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ فَقَالَ إِنِّي

و بتحقیق که فرستادیم ما موسی را با معجزات بسوی فرعون و اشراف قوم او پس گفت بدرستی من

رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۝ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ

فرستاده پروردگار عالمیانم ۝ پس آن هنگام که آمد ایشانرا بمعجزه ها آنوقت ایشان ازآن میخندیدند

وَمَا نُرِيهِمْ مِنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ

و ما نمینمودیم ایشانرا از هیچ معجزه مگر آنکه او بزرگتر بود از معجزه پیش و گرفتیم ما ایشانرا بعذاب

لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ ۝ وَقَالُوا يَا أَيُّهَا السَّاحِرُ ادْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ

شاید ایشان برگردند و گفتند ای جادوگشنده بخوان برای ما پروردگار خود را آنچه عهد کرد

عِنْدَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ ۝ فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمُ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ

نزد خود بدرستی ما هر آینه راه یافته شدگانیم پس چون برداشتیم از ایشان عذاب را ناگاه ایشان

يَنْكُثُونَ ۝ وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ

بشکستند عهد خود را و ندا کرد فرعون در میان قوم خود گفت ای قوم آیا نیست مرا مملکت

مِصْرَ وَهَٰذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِنْ تَحْتِي ۖ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ۝ أَمْ أَنَا

مصر در تصرف و این جویهای نهر نیل میروند از زیر قصر من آیا پس نمی بینید یا که من

خَيْرٌ مِنْ هَٰذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ ۝ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ ۝ فَلَوْلَا

بهتریم از این کس که او خوار است و نمیتواند روشن گفت پس چرا

أُلْقِيَ عَلَيْهِ أَسْوِرَةٌ مِنْ ذَهَبٍ وَجَاءَ مَعَهُ الْمَلَائِكَةُ مُقْتَرِنِينَ

نه انداخته اند بر او دستورنها از زر طلا یا چرا نیامده با او فرشتگان از مقارن با او

فَاسْتَخَفَّ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ ۚ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ ۝ فَلَمَّا

پس سبک عقل یافت قوم خود را پس فرمان بردند او را بدرستی که آنها بودند گروهی بدکاران پس چون

آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ ۝ فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا

در غضب کردند ما را انتقام گشیدیم از ایشان پس غرق کردیم ما ایشان را همه پس گردانیدیم ما ایشان را پیشرو

وَمَثَلًا لِلْآخِرِينَ ۝ وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ

و عبرتی مر پسینیان را و چون زده شد پسر مریم مثلی آنگاه قوم تو

مِنْهُ يَصِدُّونَ ۝ وَقَالُوا أَآلِهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ ۚ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ

از آن مثل آواز بر دارند و گویند آیا خدایان ما بهترند یا عیسی نزدند آن مثل را برای تو

إِلَّا جَدَلًا ۚ بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ ۝ إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ

مگر جدل بلکه ایشان مردمان گروهی خصومت کنندگانند عیسی مگر بنده که انعام کردیم بر او بنبوت

وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِبَنِي إِسْرَائِيلَ ۝ وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ

و گردانیدیم او را آیتی برای پسران یعقوب و اگر خواهیم ما هر آینه گردانیم بدل شما

ملائکة

مَلٰٓئِكَةً فِى الْاَرْضِ يَخْلُفُوْنَ ۝ وَاِنَّهٗ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا

فرشتگانرا در زمین جانشین آرزو میکنیم و بدرستیکه عیسی البته نشانه است مر قیامت را پس شک مکنید

وَاتَّبِعُوْنِ ۗ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ ۝ وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطٰنُ ۚ اِنَّهٗ

در آن و پیروی کنید مرا این است راه راست و باید که باز ندارد شمارا شیطان بدرستی که او

لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِيْنٌ ۝ وَلَمَّا جَآءَ عِيْسٰى بِالْبَيِّنٰتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ

مر شمارا دشمنی ظاهر است و چون آمد عیسی آشکارا گفت بحقیق که آمدم شمارا

بِالْحِكْمَةِ وَلِاُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِىْ تَخْتَلِفُوْنَ فِيْهِ ۖ فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ

بسنی حکمت و تا آنکه بیان کنم برای شما بعضی از آنچه اختلاف میکنید در آن پس بترسید از خدا و

اَطِيْعُوْنِ ۝ اِنَّ اللّٰهَ هُوَ رَبِّىْ وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوْهُ ۗ هٰذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيْمٌ

پیروی کنید مرا بدرستی که خدا اوست پروردگار من و پروردگار شما پس بپرستید او را این است راه راست

فَاخْتَلَفَ الْاَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ ۚ فَوَيْلٌ لِّلَّذِيْنَ ظَلَمُوْا مِنْ عَذَابِ يَوْمٍ

پس اختلاف کردند گروهی از میان ایشان پس وای بر آنانکه ستم کردند از عذاب روز

اَلِيْمٍ ۝ هَلْ يَنْظُرُوْنَ اِلَّا السَّاعَةَ اَنْ تَاْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَّهُمْ لَا يَشْعُرُوْنَ

دردناک آیا انتظار میکشند مگر آنکه قیامت را آنکه بیاید بایشان ناگهان و ایشان ندانند

اَلْاَخِلَّآءُ يَوْمَئِذٍۢ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ اِلَّا الْمُتَّقِيْنَ ۝ يٰعِبَادِ

کسانی که دوستان بودند در آن روز بعضی ایشان مر بعضی را دشمنند مگر پرهیزکاران ای بندگان من

لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَآ اَنْتُمْ تَحْزَنُوْنَ ۝ اَلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا بِاٰيٰتِنَا

نیست ترسی بر شما امروز و نه شما اندوهگین باشید آنانکه گرویدند بنشانهای ما

وَكَانُوْا مُسْلِمِيْنَ ۝ اُدْخُلُوا الْجَنَّةَ اَنْتُمْ وَاَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُوْنَ ۝

و بودند گردن نهندگان درآیید در بهشت شما و زنان شما درحالیکه شاد باشید

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَّاَكْوَابٍ ۚ وَفِيْهَا مَا تَشْتَهِيْهِ

گردانیده شود بر آن مردمان کاسه ها از زر و کوزه ها و در بهشت باشد آنچه آرزو کنند

الْاَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْاَعْيُنُ ۚ وَاَنْتُمْ فِيْهَا خٰلِدُوْنَ ۝ وَتِلْكَ الْجَنَّةُ

آنرا نفسها و لذت برد از چشمها و شما در بهشت جاویدان باشید و این بهشتی است

الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِنْهَا

که میراث داده شده اید آنرا بآنچه بودید که میکردید و شمارا در بهشت میوه های بسیار از آنها

تَأْكُلُونَ ۝ إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابِ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ ۝ لَا يُفَتَّرُ

میخورید بدرستی که گناهکاران در عذاب دوزخ جاویدند جاویدند که سبک کرده نشود

عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ ۝ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَٰكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ

از ایشان و ایشان در آن عذاب نا امیدانند و ستم نکردیم ما ایشان را ولیکن بودند ایشان ستمکاران

وَنَادَوْا يَا مَالِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ قَالَ إِنَّكُمْ مَاكِثُونَ ۝ لَقَدْ

بخواهند ندا کنند که ای مالک باید حکم کند بر ما پروردگار تو گفت بدرستی که شما درنگ کنندگانید بتحقیق که

جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَارِهُونَ ۝ أَمْ أَبْرَمُوا

آمدیم ما شمارا براستی ولیکن بیشتر شما مر سخن حق را خواهان بودید بلکه محکم کرده بودند

أَمْرًا فَإِنَّا مُبْرِمُونَ ۝ أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ

کار را پس بدرستی که ما محکم کنندگانیم بلکه می پندارند که ما نمیشنویم سخن نهانی ایشانرا

بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ ۝ قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَٰنِ وَلَدٌ

بلی و فرستادگان ما که نزدیک ایشانند بنویسند آنرا بگو اگر بوده باشد مرخدای بخشنده را فرزندی

فَأَنَا أَوَّلُ الْعَابِدِينَ ۝ سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ

پس من اول پرستندگانم پاکست پروردگار آسمانها و زمین پروردگار

الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ ۝ فَذَرْهُمْ يَخُوضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ

عرش از آنچه وصف میکنند پس بگذار ایشانرا تا شروع کنند در امر باطل و تا ملاقات کنند روز ایشان

الَّذِي يُوعَدُونَ ۝ وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَٰهٌ وَفِي الْأَرْضِ إِلَٰهٌ

که وعده داده شده اند و اوست آنکه در آسمان معبود ملائکه است و در زمین معبود جن و انس

وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ۝ وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ

و او دانا محکم کار است و بزرگوار است آنکه مر اوراست پادشاهی آسمانها

وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

و زمین و آنچه میان هر دو است و نزد اوست دانستن قیامت و بسوی او برگردانیده میشوید

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ شَهِدَ

و مالک نباشند آنانکه میخوانند بجز از خدا شفاعت را مگر کسانی که گواهی دادند

بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ ۝ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ

براستی و ایشان بدانند و اگر بپرسی ایشانرا که آفرید ایشانرا هر آینه گویند خدا

فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ ۝ وَقِيلِهِ يَا رَبِّ إِنَّ هَٰؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ

پس چگونه گردانیده میشوید و گفتن رسول را ای پروردگار من بدرستی که ایشان گروهی اند که نمیگروند

فَاصْفَحْ عَنْهُمْ ۝ وَقُلْ سَلَامٌ ۝ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ۝

پس اعراض کن از ایشان و بگو سلام پس زود باشد که بدانند

سورة الدخان وهي تسع وخمسون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

حٰمٓ ۝ وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ ۝ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ

سوگند بجلالت و محبت ما و این کتاب روشن بدرستی که ما فرو فرستادیم این قرآنرا در شب مبارک

إِنَّا كُنَّا مُنْذِرِينَ ۝ فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ ۝ أَمْرًا مِنْ عِنْدِنَا

بدرستی که ما هستیم بیم کنندگان در این شب فصل داده شود هر کار حکم کرده شده کاری حاصل از نزد ما

إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ۝ رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

بدرستی که ما بودیم فرستادگان پیغمبران بخشایش از پروردگار تو بدرستی که او شنوای دانست

رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ ۝ لَا

پروردگار آسمانها و زمینست و آنچه میان آنهاست اگر هستید یقین کنندگان نیست

إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ

خدائی مگر او زنده میسازد و میمیراند پروردگار شما و پروردگار پدران شما که پیش بودند

بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ يَلْعَبُونَ ۝ فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ

بلکه ایشان در شک اند و بازی می کنند پس انتظار کش برای ایشان روزی که بیارد آسمان دودی

ابو حمزه ثمالی از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که هر که این سوره را بخواند در نوافل و فرایض خصوصا در شب جمعه از جمله امانان مبعوث سازد در قیامت و در عرصات خودش جایی دهد و حساب او را آسان کند و نامه اعمال او را بدست راست او دهد

از حضرت ابی جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام مرویست که لیلة مبارکه شب قدر است در ماه رمضان و بصحت پیوسته که قرآن تمام در شب قدر باسمان دنیا نازل شد و از آنجا بتدریج سوره سوره و آیه آیه نازل شد و بقول بعضی از مفسرین آن شب نیمه شعبان است بنابر آنکه شب قدر را این شب میدانند

مُبِينٍ ۝ يَغْشَى النَّاسَ هٰذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ

ظاهر را فرو گیرد مردمان را این عذاب دردناک پروردگارا برگردان از ما عذاب قحط را

إِنَّا مُؤْمِنُونَ ۝ أَنَّىٰ لَهُمُ الذِّكْرَىٰ وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ ۝

بدرستی که ما ایمان آورندگانیم چگونه بود مر ایشان را پند گرفتن و بدرستی که آمد ایشان را پیغمبری ظاهر

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَجْنُونٌ ۝ إِنَّا كَاشِفُوا الْعَذَابِ قَلِيلًا

پس اعراض کردند از او و گفتند آموخته شده و دیوانه است بدرستی که ما کشف کنندگان عذاب اندکیم

إِنَّكُمْ عَائِدُونَ ۝ يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَىٰ إِنَّا مُنْتَقِمُونَ

بدرستی که شما برگشت کنندگانید روزیکه گیریم آنها را گرفتن بزرگ بدرستیکه ما انتقام کشندگانیم

وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ ۝ أَنْ أَدُّوا

و بدرستی که ما در فتنه انداختیم پیش از کفار قوم فرعون را و آمد ایشان را پیغمبر بزرگوار انکه برسانید

إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ ۝ وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ

بسوی من بندگان خدا را بدرستی که من برای شما فرستاده امینم و آنکه تکبر کنید بر خدا

إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝ وَإِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ

بدرستی که من می آیم شما را سلطانی ظاهر و بدرستی که من پناه میگیرم بپروردگارم و پروردگار شما

أَنْ تَرْجُمُونِ ۝ وَإِنْ لَمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاعْتَزِلُونِ ۝ فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ

انکه سنگسار کنید مرا و اگر نمیگروید بمن پس کناره کنید از من پس دعا کرد موسی پروردگار

هٰؤُلَاءِ قَوْمٌ مُجْرِمُونَ ۝ فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنَّكُمْ مُتَّبَعُونَ

خود را انکه گروه قبطیان گناهکارند پس گفت خدا ببندگان مرا در شب بدرستی که شما پی درآمده شدگانید

وَاتْرُكِ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُغْرَقُونَ ۝ كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنَّاتٍ

و بگذار دریا را ساکن بدرستی که ایشان لشکری اند غرق شدگان چه بسیار گذاشتند از بوستانها

وَعُيُونٍ ۝ وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ ۝ وَنَعْمَةٍ كَانُوا فِيهَا فَاكِهِينَ

و چشمه های آب روان کشتها و خانهای نیکوی بزرگوار و نعمتی که بودند در آن شادی کنان

كَذَٰلِكَ وَأَوْرَثْنَاهَا قَوْمًا آخَرِينَ ۝ فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَ

چنین است و میراث دادیم منزلها شانرا گروهی دیگر پس نگریست برایشان آسمان و

مجمع

البیان گفته که

حضرت رسول خدا قوم خود را

نفرین کرده چون تکذیب او نمودند و گفت

خداوندا قحطی بایشان بگمار مانند سالهای قحطی

که بقوم یوسف رسید و بدعای آنحضرت

چنان قحطی در قریش پیدا شد که محتاج شدند

بخوردن مردهای حیوانات پس بخدمت آنحضرت

رفته استغاثه نمودند و عرض کردند که همیشه مرا

امر بصله رحم مینمودی و قوم تو هلاک شدند بفرما

ایشان برسد پس آنحضرت از خدای تعالی سؤال نمود

فراوانی نعمتها را و بعد از ظهور نعمتها بر کفر خود

ماندند و بعضی گفته اند گرسنگی را خدای تعالی ازان

دخان نامیده که بسبب گرسنگی دیدها ضعیف میشود

و گمان میکنند که دود دیگر عالم را گرفته و دنیا در

نظرش تار مینماید و بقولی مراد آن دخانی است

که از علامات ظهور قیامت شمرده

شده

حزب

الارض وما كانوا منظرين ﴿ ولقد نجينا بني اسرائيل من العذاب

زمين و نبودند ايشان مهلت شدگان ﴿ و بحقيق رهانيديم پسران يعقوب را از عذاب

المهين ﴿ من فرعون انه كان عاليا من المسرفين ﴿ ولقد

خوار كننده ﴿ از جانب فرعون كه آن بندگي ايشان بود سركشنده از حد گذرندگان ﴿ و بدرستي كه

اخترناهم على علم على العالمين ﴿ واتيناهم من الايات ما فيه

برگزيديم ما ايشانرا برحالكه دانا بوديم بر جهانيان ﴿ و داديم ايشانرا از نشانهاي قدرت آنچه در آن

بلاء مبين ﴿ ان هؤلاء ليقولون ﴿ ان هي الا موتتنا الاولى

نعمتي ظاهر است ﴿ بدرستي كه قريش هر آينه ميگويند ﴿ نيست عاقبت ما مگر مردن ما اول ما

وما نحن بمنشرين ﴿ فاتوا بابائنا ان كنتم صادقين ﴿ اهم

و نيستيم ما زنده شدگان ﴿ پس بياريد ما را اگر هستيد راستگويان ﴿ آيا قريش

خير ام قوم تبع والذين من قبلهم اهلكناهم انهم كانوا

بهتر مند يا گروه تبع و آنانكه پيش از ايشان بودند ﴿ هلاك كرديم ما ايشان را بدرستي كه ايشان بودند

مجرمين ﴿ وما خلقنا السموات والارض وما بينهما

گناهكاران ﴿ و نيافريديم ما آسمانها و زمين را و آنچه ميان آن دو است

لاعبين ﴿ ما خلقناهما الا بالحق ولكن اكثرهم لا يعلمون

بازي كنان ﴿ نيافريديم ما اينهارا مگر بر راستي ﴿ و ليكن بيشتر ايشان نميدانند

ان يوم الفصل ميقاتهم اجمعين ﴿ يوم لا يغني مولى عن مولى

بدرستي كه روز جدائي ايشان هنگام جمع شدن ﴿ آن ميانست همه روزيكه دفع نكند هيچ دوستي از دوستي

شيئا ولا هم ينصرون ﴿ الا من رحم الله انه هو العزيز الرحيم

چيزي را و نه ايشان ياري كرده شوند ﴿ مگر كسيكه رحم كند خدا بدرستي كه اوست خداي غالب مهربان

ان شجرة الزقوم ﴿ طعام الاثيم ﴿ كالمهل يغلي في البطون

بدرستي كه درخت زقوم ﴿ طعام گناهكار است ﴿ مانند مسيست كه كه آشه شود ميجوشد در شكمها

كغلي الحميم ﴿ خذوه فاعتلوه الى سواء الجحيم ﴿ ثم صبوا

مانند جوشيدن آب گرم ﴿ بگيريد او را پس بكشيد او را بميانه دوزخ ﴿ پس بريزيد

فَوْقَ رَأْسِهِ مِنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ ذُقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ

بر زبر سر او از عذاب آب گرم جوشان بگوید او را بچش بدرستی که تو بودی ارجمند بزرگوار در قوم

إِنَّ هَٰذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ

بدرستی که این است آنچه بودید که بآن شک میکردید در آن بدرستیکه پرهیزکاران در جایگاه ایمن باشند

فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ يَلْبَسُونَ مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُتَقَابِلِينَ

در بوستانها وچشمه های جاری میپوشند جامه ها از حریر نازک و حریر ستبر که مقابل هم باشند

كَذَٰلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ

وچنین احوال اهل بهشت قرین میسازیم ایشانرا با زنان سفید گشاده چشم طلب میکنند در آن باحضار هر میوه

آمِنِينَ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ وَوَقَاهُمْ

در حالیکه ایمن باشند نمیچشند در بهشت مردن را مگر مرگ اول ونگاهداریشانرا

عَذَابَ الْجَحِيمِ فَضْلًا مِنْ رَبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

از عذاب دوزخ از روی تفضل که واقعست از پروردگار این حیات ابد آنست رستگاری بزرگ

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ فَارْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُرْتَقِبُونَ

پس جز این نیست که آسان کردیم قرآن را بزبان تو شاید ایشان پند پذیرند پس منتظر عذاب ایشان باش بدرستیکه ایشان منتظرند

سورة الجاثية مكية وهي سبع وثلاثون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

حم تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ

قسم بحفظ ملک خودم که فرو آمدن قرآن از جانب خدای غالب درست کارست بدرستی که در آسمانها

وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ

و در زمین هر آینه علامتهاست مر مومنانرا و در آفریدن شما و در آنچه پراکنده از جمع خلندگان

آيَاتٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا أَنْزَلَ

علامتهاست مر گروهی را که یقین دارند و در آمد و شد شب و روز و آنچه فرستاد

ابو بصیر از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که قاری سوره جاثیه آتش دوزخ نبیند و فرشته بهشتی جهنم نشنود و در جنت اعلی رفیق سید انبیاء باشد

اللّٰهُ مِنَ السَّمَآءِ مِنْ رِّزْقٍ فَاَحْيَا بِهِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ

خدا از آسمان از سبب روزی پس زنده کرد بآن زمین را بعد از مردن آن و در گردانیدن

الرِّيَاحِ اٰيَاتٌ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ ۝ تِلْكَ اٰيَاتُ اللّٰهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ

بادها علامتهاست مر گروهی را که تعقل کنند این دلایل قدرت خداست میخوانیم آنرا بر تو

بِالْحَقِّ فَبِاَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ اللّٰهِ وَاٰيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ ۝ وَيْلٌ لِّكُلِّ

براستی پس بکدام از سخن بعد از سخن خدا و دلایل قدرت او میگروند عذاب مر هر

اَفَّاكٍ اَثِيمٍ ۝ يَسْمَعُ اٰيَاتِ اللّٰهِ تُتْلٰى عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَاَنْ

دروغگوی گناهکار را که میشنود آیات کلام خدا را که خوانده میشود بر او پس اصرار میکند که گویا

لَّمْ يَسْمَعْهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ اَلِيمٍ ۝ وَاِذَا عَلِمَ مِنْ اٰيَاتِنَا شَيْـًٔا اتَّخَذَهَا

نشنیده آنرا پس مژده ده او را بعذاب دردناک و چون بداند از آیات کتاب ما چیزی را فرا گیرد آنرا

هُزُوًا اُولٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ ۝ مِّنْ وَّرَآئِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي

باستهزا آن گروه مر ایشانرا است عذاب خوار کننده از پس ایشان دوزخ است و باز ندارد

عَنْهُمْ مَّا كَسَبُوا شَيْـًٔا وَّلَا مَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللّٰهِ اَوْلِيَآءَ وَلَهُمْ

از ایشان آنچه کسب کردند چیزی و نه آنچه فرا گرفته باشند از غیر خدا دوستان و ایشانرا است

عَذَابٌ عَظِيمٌ ۝ هٰذَا هُدًى وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِاٰيَاتِ رَبِّهِمْ

عذاب بزرگ این قرآن راهنماست و آنانکه کافر شدند بنشانهای پروردگار خود

لَهُمْ عَذَابٌ مِّنْ رِّجْزٍ اَلِيمٌ ۝ اَللّٰهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ

مر ایشانرا است عذاب سخت ترین عذابست خدای بحق آنست که رام کرد برای شما دریا را تا بیرود

الْفُلْكُ فِيهِ بِاَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

کشتیها در آن دریا بفرمان او و تا طلب کنید از فضل او و شاید شما شکر کنید

وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ اِنَّ فِي ذٰلِكَ

و رام کرد برای شما آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست همه را از دست بدرستی که در این

لَاٰيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ۝ قُلْ لِّلَّذِينَ اٰمَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ

بر آینه نشانهاست برای گروهی که فکر می کنند بگو مر آنانرا که گرویدند می آمرزند مر آنانرا که

لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٤﴾ مَنْ عَمِلَ

امید ندارند وقایع خدا را تا پاداش دهد کروهی را بآنچه بودند که کسب میکردند هر که کند

صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۖ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ ﴿١٥﴾ وَ

کار شایسته پس برای نفس او و هر که بد کند پس بر اوست پس بسوی پروردگار شما برگردانیده میشوید و

لَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ

بتحقیق دادیم ما پسران یعقوب را کتاب و حکمت و پیغمبری و روزی دادیم

مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ﴿١٦﴾ وَآتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ

ایشانرا از پاکیزها و زیادتی دادیم ایشانرا بر جهانیان و دادیم ایشانرا نشانهای معجزه

مِنَ الْأَمْرِ ۖ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۚ

از کار دین پس اختلاف نکردند مگر بعد از انکه آمد ایشانرا دانش بجهة حسد میان ایشان

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ﴿١٧﴾

بدرستی که پروردگار تو حکم میکند میان ایشان روز قیامت در آنچه بودند که در آن اختلاف میکردند

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ

پس گردانیدیم تو را بر طریقه از کار دین پس پیروی کن آنرا و پیروی مکن آرزوهای آنانرا

لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾ إِنَّهُمْ لَنْ يُغْنُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۚ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ

که نمیدانند بدرستی که ایشان دفع نکنند از تو از عذاب خدا چیزی و بدرستی که ستمکاران

بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۖ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ ﴿١٩﴾ هَٰذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ

بعضی شان دوستان اند بعضی را و خدا دوست پرهیزکارانست این قرآن بینائیهاست مردمانرا

وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ ﴿٢٠﴾ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا

و راهنمائی و بخشش است مر گروهیرا که یقین دارند آیا پنداشتند آنانکه کسب کردند

السَّيِّئَاتِ أَنْ نَجْعَلَهُمْ كَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

بدیهارا انکه بگردانیم ایشانرا مانند آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته

سَوَاءً مَحْيَاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ ۚ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ ﴿٢١﴾ وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ

مساویست زندگانی ایشان و مردن ایشان بد حکمی است آنچه میکنند ایشان و آفرید خدا آسمانها

وَالْاَرْضَ بِالْحَقِّ وَلِتُجْزٰى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ﴿٢٢﴾

و زمین را براستی و تا مادانش و بدخداهر نفسی را آنچه کسب کرده و ایشانرا ستم دیده نشوند

اَفَرَاَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ اِلٰهَهٗ هَوٰىهُ وَاَضَلَّهُ اللّٰهُ عَلٰى عِلْمٍ وَخَتَمَ

آیا پس می بینی کسی را که فراگرفت خدای خود را آرزوی خود و فرو گذاشت او را خدا بر دانش و مهر نهاد

عَلٰى سَمْعِهٖ وَقَلْبِهٖ وَجَعَلَ عَلٰى بَصَرِهٖ غِشٰوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ

بر گوش او و دل او و گرد آنید بر چشم او پرده پس کیست راه نماید او را

مِنْ بَعْدِ اللّٰهِ اَفَلَا تَذَكَّرُونَ ﴿٢٣﴾ وَقَالُوا مَا هِيَ اِلَّا حَيَاتُنَا

بعد از راه خدا آیا پس پند پذیر نمی شوند و گفتند نیست این مگر زندگانی دنیا

الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا اِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذٰلِكَ

دنیا میمیریم و زنده میشویم و هلاک نکند ما را مگر در زمان و نیست مر ایشانرا باین گفتار

مِنْ عِلْمٍ اِنْ هُمْ اِلَّا يَظُنُّونَ ﴿٢٤﴾ وَاِذَا تُتْلٰى عَلَيْهِمْ اٰيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ

هیچ دانشی نیستند ایشان مگر آنکه گمان میبرند و چون خوانده شود بر ایشان آیات ما که واضحست بر

مَا كَانَ حُجَّتَهُمْ اِلَّا اَنْ قَالُوا ائْتُوا بِاٰبَائِنَا اِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ

نباشد دلیل ایشان مگر آنکه گویند بیارید پدران ما را اگر هستید راستگویان

قُلِ اللّٰهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ اِلٰى يَوْمِ الْقِيٰمَةِ لَا رَيْبَ

بگو خدا زنده میکند شما را پس میمیراند شما را پس جمع می کند شما را بسوی روز قیامت نیست شکی

فِيهِ وَلٰكِنَّ اَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٥﴾ وَلِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَ

در آن ولیکن بیشتر مردمان نمیدانند و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و

الْاَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَئِذٍ يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ ﴿٢٦﴾ وَتَرٰى

زمین و روزیکه برپا شود قیامت در آنروز زیان کنند تباه کاران و بینی تو ای محمد

كُلَّ اُمَّةٍ جَاثِيَةً كُلُّ اُمَّةٍ تُدْعٰى اِلٰى كِتَابِهَا اَلْيَوْمَ تُجْزَوْنَ

همه گروهی را بزانو در آمده هر گروهی خوانده شود بسوی نوشته خود و گویند که امروز جزا داده میشوید

مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾ هٰذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ اِنَّا كُنَّا

آنچه بودید که میکردید این کتاب ماست که سخن گوید بر شما براستی بدرستی که بودیم ما

يعنى
بعضى از ما ميميريم
وبعضى زندگانى ميكنند بتقويلى
ما ميميريم واولاد ما زنده ميشوند
وبتقويل تقديم وما خيرى شده
يعنى زنده ميشويم هريك از ما
پس ميميريم والعلم
عند الله

نستنسخ ما كنتم تعملون ۝ فاما الذين امنوا وعملوا الصالحات

كواو مينگرديم آنچه بوديد كه عمل ميكرديد پس اما آنانكه گرويدند وكردند كارهاى شايسته

فيدخلهم ربهم في رحمته ذلك هو الفوز المبين ۝ واما

پس درمى آورد ايشانرا پروردگارشان در رحمت خود اين درآوردن بهشت آنست رستگارى ظاهر واما

الذين كفروا افلم تكن اياتي تتلى عليكم فاستكبرتم وكنتم

آنانكه كافر شوند آيا پس نبود يا نيامد بشما كتابهاى ما كه خوانده شود بر شما پس كبر كرديد شما وبوديد شما

قوما مجرمين ۝ واذا قيل ان وعد الله حق والساعة لا ريب

گروهى گناهكاران وچون گفته شود انكه وعده خدا راست است وآمدن قيامت نيست شكى

فيها قلتم ما ندري ما الساعة ان نظن الا ظنا وما نحن

در آن گفتيد نميدانيم چيست قيامت گمان ميبريم مگر گمانى ضعيف ونيستيم ما

بمستيقنين ۝ وبدا لهم سيئات ما عملوا وحاق بهم ما

بى گمانان وظاهر گردد مر ايشانرا بديها آنچه كردند وفرو آيد بايشان آنچه

كانوا به يستهزءون ۝ وقيل اليوم ننسيكم كما نسيتم

بودند كه بآن استهزا ميكردند وگفته شود امروز فراموش كنيم شمارا چنانكه فراموش كرديد

لقاء يومكم هذا ومأوىكم النار وما لكم من ناصرين ۝ ذلكم

شمار ديدن روز خودرا اين وجايگاه شما آتشست ونيست شمارا هيچ يارى كنندگان اين عذاب شما

بانكم اتخذتم اياتي الله هزوا وغرتكم الحيوة الدنيا

بسبب آنست كه شما فرا گرفتيد آيتهاى خدارا كه استهزا كنيد وفريفت شمارا زندگانى دنيا

فاليوم لا يخرجون منها ولا هم يستعتبون ۝ فلله الحمد

پس امروز بيرون آورده نشويد از آتش ونه ايشان طلب رضاى خدا توانند كرد پس مر خداراست ستايش كه

رب السموات ورب الارض رب العالمين ۝ وله الكبرياء

پروردگار آسمانها وپروردگار زمينست پروردگار جهانيان ومر اوراست بزرگوارى

في السموات والارض ۝ وهو العزيز الحكيم

در آسمانها وزمين وهوست غالب درست كار

الحزب ٢٠

٥١٩

سورة احقاف مکی و ثلثون آیة

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشاینده مهربان

حٰمٓ تنزیل الکتاب من الله العزیز الحکیم ما خلقنا السموات

قسم بحمد مجید که فرستادن این کتاب از خداست که غالب و درست کار است نیافریدیم آسمانها

والارض وما بینهما الا بالحق واجل مسمی والذین کفروا

و زمین را و آنچه میان هر دو است مگر راست و درست و وقتی نام برده شده و آنانکه کافر شدند

عما انذروا معرضون قل ارایتم ما تدعون من دون الله ارونی

از آنچه بیم کرده شدند اعراض کنندگان بگو آیا می بینید آنچه میخوانید از غیر خدا بنمایید مرا که

ماذا خلقوا من الارض ام لهم شرک فی السموات ائتونی بکتاب

چه آفریده اند از زمین آیا مر ایشانرا است شرکتی در آسمانها آوردن بیارید من کتابی

من قبل هذا او اثارة من علم ان کنتم صادقین ومن

پیش ازین قرآن یا بیارید من کتابی بقیه از آثار علم اگر هستید راست گویان و کیست

اضل ممن یدعوا من دون الله من لا یستجیب له الی یوم القیمة

گمراه تر از آنکه میخواند از غیر خدا آنرا که را اجابت نکند مر اورا تا روز قیامت

وهم عن دعائهم غافلون واذا حشر الناس کانوا لهم

و ایشان از خواندن گفتار بیخبرانند و چون محشور شوند مردمان باشند مر ایشان

اعداء وکانوا بعبادتهم کافرین واذا تتلی علیهم ایاتنا

دشمنان و باشند بپرستش ایشان کافران و چون خوانده شود بر ایشان آیتهای ما

بینات قال الذین کفروا للحق لما جاءهم هذا سحر مبین

کو روشنست گویند آنانکه کافر شدند مر حق را آن هنگام که آمد ایشانرا این جادوئیست ظاهر

ام یقولون افتریٰه قل ان افتریته فلا تملکون لی من الله شیئا

یا میگویند محمد بر ساخته قرآن را بگو اگر بافته باشم او را پس شما مالک نتوانید مرا ای از خدا چیزی

از امام جعفر صادق علیه السلام

مرویست که هر که سوره احقاف را بخواند خدای تعالی او را از ترس و بیم فزع عفو ایمن گرداند

آنست که چگونه افترا کنم بر خدای تعالی و قرآن را از نزد خود ساخته جرات نسبت آن بخدا هم برای شما محال

آنکه اگر خدای تعالی مرا عقوبت نماید بر این افترا شما نیستید که دفع نمائید عقوبت او را از

هُوَ اَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَهُوَ
اوست داناتر | بآنچه شروع می کنید در آن کافیست خدایان گواه میان من و میان شما و او
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ ۝ قُلْ مَا كُنْتُ بِدْعًا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا
آمرزنده مهربانست | بگو نیستم من نوپیدا شده از پیغمبران و نمیدانم چه
يُفْعَلُ بِي وَلَا بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُبِينٌ
خواهد شد بمن و نه بشما نسابت میکنم بشما مگر آنچه وحی کرده شده بسوی من و نیستم من مگر بیم دهنده آشکار
قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ
بگو چگونه می بینید | اگر باشد این قرآن از نزد | خدا و کافر شده باشید | بآن و گواهی داده باشد گواهی
مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَآمَنَ وَاسْتَكْبَرْتُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي
از پسران یعقوب | بر آنچه مانند قرآنست پس ایمان آورده شد و سرکشی کرده شد بآن آیا نه تو چنین که خدا راه
الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ آمَنُوا لَوْ كَانَ
نماید گروه ستمکاران را | و گفتند آنانکه کافر شدند مر آنانرا که گرویدند اگر بودی
خَيْرًا مَا سَبَقُونَا إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَٰذَا
بهتر از دین ما پیشی نگرفتند بر ما باسلام | و چون راه نیافتند بقرآن پس زود باشد که گویند این قرآن
إِفْكٌ قَدِيمٌ ۝ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَٰذَا
دروغ کهنه ایست | و پیش از قرآن کتاب موسی را پیشوا فرمود و بخشش و این قرآن
كِتَابٌ مُصَدِّقٌ لِسَانًا عَرَبِيًّا لِيُنْذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ
کتابی است تصدیق کننده تورات که بزبان عربی است تا بیم کند آنانرا که ستم کردند و مژده دهند
لِلْمُحْسِنِينَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ
مر نیکوکاران را | بدرستی که آنانکه گفتند پروردگار ما خدا است پس ایستادند در آن پس نیست ترسی
عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ ۝ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا
بر ایشان و نه ایشان اندوهناک شوند | آن گروه یاران بهشتند در حالیکه جاوید باشند در آن
جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ۝ وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا
جزا داده شود بآنچه بودند که میکردند | و وصیت کردیم ما آدمی را به پدر و مادر خود نیکوئی

بلکه
ما سزاوار تر بودیم
بپذیرفتن آن

حَمَلَتْهُ اُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلٰثُونَ شَهْرًا

برداشته آزار مادر او در حالیکه کاره حمل بود و زاینده او را بکراهت و مدت حمل او و زمان شیر باز گرفتن سی ماه است

حَتّٰى اِذَا بَلَغَ اَشُدَّهُ وَبَلَغَ اَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ اَوْزِعْنِي اَنْ

تا وقتیکه رسید بنهایت قوت و رسید ۞ بچهل ۞ سال ۞ گفت پروردگارا الهام کن مرا آنکه

اَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي اَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلٰى وَالِدَيَّ وَاَنْ اَعْمَلَ

شکر کنم نعمت تو را که انعام کردی بر من و بر پدر و مادر من و آنکه بکنم

صَالِحًا تَرْضٰىهُ وَاَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي اِنِّي تُبْتُ اِلَيْكَ وَاِنِّي

کار شایسته که بپسندی او را و بصلاح آر برای من در فرزندان من بدرستی که من بازگشتم بسوی تو و بدرستی که من

مِنَ الْمُسْلِمِينَ ۞ اُولٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ اَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَ

از گردن نهندگانم ۞ آن گروه آنانند که قبول میکنیم از ایشان نیکوترین آنچه کرده اند و

نَتَجَاوَزُ عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي اَصْحٰبِ الْجَنَّةِ وَعْدَ الصِّدْقِ الَّذِي

میگذریم از گناهان ایشان در حالی که میان اهل بهشت باشند وعده راست خدا برا ستی آن وعده که

كَانُوا يُوعَدُونَ ۞ وَالَّذِي قَالَ لِوَالِدَيْهِ اُفٍّ لَكُمَا اَتَعِدَانِنِي

بودند که وعده داده میشدند ۞ و آن کافر که گفت مر پدر و مادر خود را دلتنگی باد شما را آیا وعده میدهید مرا

اَنْ اُخْرَجَ وَقَدْ خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَغِيثَانِ اللّٰهَ

آنکه بیرون آورده شوم و حال آنکه گذشته اند قرنهای بسیار پیش از من و یکی بر نمیگردد بدانها استغاثه کنند خدا را

وَيْلَكَ اٰمِنْ اِنَّ وَعْدَ اللّٰهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هٰذَا اِلَّا اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ

وای بلاک باد بر تو ایمان آر بدرستی که وعده خدا راست است پس گوید نیست این قرآن مگر افسانهای پیشینیان

اُولٰئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي اُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ

آن گروه آنانند که واجب گشته بر ایشان کلمه عذاب در گروهی که گذشته اند پیش از ایشان

مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنَّهُمْ كَانُوا خٰسِرِينَ ۞ وَلِكُلٍّ دَرَجٰتٌ

از جن و آدمی و بدرستی که ایشان بودند گروه زیان کاران ۞ و هر یکرا مراتبست

مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُوَفِّيَهُمْ اَعْمَالَهُمْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ ۞ وَيَوْمَ يُعْرَضُ

از آنچه کردند و تا تمام گرداند ایشانرا جزاء کردارشان و ایشان ستمدیده نمیشوند ۞ و روزیکه عرضه کرده شوند

این آیه درشان پدر و مادر کافری است که عاق پدر و مادر باشند که پدر و مادر دشمن مسلمان باشند و بقول بعضی درشان عبدالرحمن ابن ابی بکر است

الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَذْهَبْتُمْ طَيِّبَاتِكُمْ فِي حَيَاتِكُمُ الدُّنْيَا

آنانکه کافر شدند بر آتش برند شما چیزهای لذیذ خود را در زندگانی خود در دنیا

وَاسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ

و برخوردار شدید بآنها پس امروز جزا داده خواهید شد عذاب سوائی بسبب آنکه بودید که استکبار میکردید

فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ ۝ وَاذْكُرْ أَخَا

در زمین بدون استحقاق و بسبب آنکه بودید که بیرون میرفتید از ایمان و باد کن برادر

عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتِ النُّذُرُ مِنْ بَيْنِ

عاد هود را چون بیم کرد کرده خود را بموضع احقاف و بتحقیق که گذشته بودند بیم کننده پیش از

يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ

او و از پس او آنکه نپرستید مگر خدا را بدرستی که من میترسم بر شما عذاب

يَوْمٍ عَظِيمٍ ۝ قَالُوا أَجِئْتَنَا لِتَأْفِكَنَا عَنْ آلِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا

روز بزرگ گفتند عادیان آیا آمدی بما تا برگردانی ما را از خدایان ما پس بیار ما را بآنکه وعده میکنی ما

إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ ۝ قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ

اگر هستی از راستگویان گفت هود جز این نیست که علم نزد خداست و میرسانم بشما

مَا أُرْسِلْتُ بِهِ وَلَكِنِّي أَرَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ ۝ فَلَمَّا رَأَوْهُ

آنچه فرستاده شدم من بآن ولیکن من می بینم شما را گروهی که نادانند پس آن هنگام که دیدند

عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أَوْدِيَتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ مُمْطِرُنَا بَلْ هُوَ

عذابرا که ابری بود پهن شده که روی آورده بود بوادیهای ایشان گفتند این ابریست پهن که باران دهنده است ما را بلکه آن

مَا اسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ

ازچیزیست که تعجیل میکردید بآن بادیست که در آن عذاب دردناکست هلاک کند این هر چیزرا بفرمان

رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَى إِلَّا مَسَاكِنُهُمْ كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ

پروردگار خود پس برگشتند که دیده نمی شد مگر مسکنهای ایشان همچنین جزا میدهیم گروه گناهکارانرا

وَلَقَدْ مَكَّنَّاهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَّنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا

و بدرستی تمکین دادیم ایشانرا در آنچه تمکین ندادیم شما را در آن و گردانیدیم برای ایشان گوش

از درازی عمر و کثرت اموال و اعوان و انصار و قوت و قدرت و آن زائده است و بقولی شرطیه و جزائش محذوف تقدیر آن تمکنا کم فیه کان بعیدکم اگر و خلاصه معنی بنابراین انکه تمکین ایشان نمودیم بر روی زمین در وقتی که اگر شما را در آن مدت تمکین میدادیم هر اینه ضلالت و گمراهی

وایضا

وَابْصَارًا وَافْـِٔدَةً فَمَآ اَغْنٰى عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَآ اَبْصَارُهُمْ

و چشمها و دلها پس دفع نکرد از ایشان خدا بر اگوش ایشان و نه چشمهای ایشان

وَلَآ اَفْـِٔدَتُهُمْ مِّنْ شَيْءٍ اِذْ كَانُوْا يَجْحَدُوْنَ بِاٰيٰتِ اللّٰهِ وَحَاقَ

و نه دلهای ایشان هیچ چیز زیرا که بودند که انکار میکردند بنشانهای خدا و بگردد در آمد

بِهِمْ مَّا كَانُوْا بِهٖ يَسْتَهْزِءُوْنَ وَلَقَدْ اَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ

ایشانرا آنچه بودند که بآن استهزا میکردند و بدرستی که گردیم هلاک آنچه گرد اگرد شما بود

مِّنَ الْقُرٰى وَصَرَّفْنَا الْاٰيٰتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ فَلَوْلَا نَصَرَهُمُ

از دیها و شهرها و مکرر کردیم ما آیات خود را شاید ایشان برگردند از کفر پس چرا یاری نکردند ایشانرا

الَّذِيْنَ اتَّخَذُوْا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ قُرْبَانًا اٰلِهَةً بَلْ ضَلُّوْا عَنْهُمْ وَذٰلِكَ

آنانکه فرا گرفتند از غیر خدا چیزی را که مقرب شوند بآن خدایان خود بلکه گشتند از ایشان و این

اِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوْا يَفْتَرُوْنَ وَاِذْ صَرَفْنَآ اِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ

دروغ ایشان است و بودند که افترا میکردند و چون گردانیدیم ما بسوی تو گروهی را از جن که

يَسْتَمِعُوْنَ الْقُرْاٰنَ فَلَمَّا حَضَرُوْهُ قَالُوْٓا اَنْصِتُوْا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا

میشنیدند قرآن را پس آن هنگام که حاضر شوند نزد قرآن گفتند خاموش باشید پس چون گذارده شد

اِلٰى قَوْمِهِمْ مُّنْذِرِيْنَ قَالُوْا يٰقَوْمَنَآ اِنَّا سَمِعْنَا كِتٰبًا اُنْزِلَ

بازگشتند بسوی گروه خود که بودند بیم کنندگان گفتند ای قوم ما بدرستی که ما شنیدیم کتابی را که فرو فرستاده شد

مِنْ بَعْدِ مُوْسٰى مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِيْٓ اِلَى الْحَقِّ وَ

بعد از کتاب موسی تصدیق کننده مر آن چیزیرا که پیش اوست راه مینماید بسوی حق و

اِلٰى طَرِيْقٍ مُّسْتَقِيْمٍ يٰقَوْمَنَآ اَجِيْبُوْا دَاعِيَ اللّٰهِ وَاٰمِنُوْا بِهٖ

بسوی حق و براه راست ای گروه ما اجابت کنید خواننده خدارا و ایمان آورید بآن

يَغْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوْبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابٍ اَلِيْمٍ وَمَنْ

تا بیامرزد خدا برای شما از گناهان شما را و امان دهد شما را از عذاب دردناک و هر که

لَّا يُجِبْ دَاعِيَ اللّٰهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْاَرْضِ وَلَيْسَ لَهٗ مِنْ دُوْنِهٖ

اجابت نکند خواننده خدارا پس نیست عاجز کننده در زمین و نیست مر او را جز از

در مجمع
از زبری که چون ابو طالب وفات
یافت قریش در صدد ایذای آنحضرت در
آمدند و از آزارهای ایشان آنحضرت بلطایف
تا شاید چند روزی بیاساید و شاید اورا
دهند و آن گروه اشرار هم بتر از قریش ایذای
آنحضرت می نمودند حتی آنکه چون آنحضرت در
میان ایشان گذشتی سنگ بروی می افشاندند
و روزی دو صف در سر راه وی کشیدند و همه
بروی سنگ می انداختند چنانچه گامی بر
نمیداشت و نمیگذاشت مگر آنکه سنگی بر پای وی
خوردی و بخون آغشتی تا آنکه از ایشان گریخت
و از زیارهای ایشان آنحضرت بلطایف
تحاستان و
تحاستان عتبه و شیبه پسران ربیعه بودند و ایشان
چون آنحضرت را دیدند غلامی نصرانی که او
علداس میگفتند با طبق انگوری بخدمت آنحضرت
فرستادند چون بخدمت آنحضرت رسید آن
حضرت بر سید که تو از کدام شهری گفت
از نینوا فرمود که از شهر بنده صالح یونس بن متی
علداس گفت که یونس متی را چگونه شناسی و
که من پیغمبر خدایم و خدای تعالی مرا از حال

أَوْلِيَآءُ أُولَٰٓئِكَ فِي ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ ٱللَّهَ ٱلَّذِي

دوستان آن گروه در گمراهی ظاهرند آیا ندیدند بدرستی که خدا آنست که

خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَلَمْ يَعْيَ بِخَلْقِهِنَّ بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن

آفرید آسمانها و زمین را و درمانده نشد بآفریدن آنها قادرست بر آنکه

يُحْيِيَ ٱلْمَوْتَىٰ ۚ بَلَىٰٓ إِنَّهُۥ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ وَيَوْمَ يُعْرَضُ ٱلَّذِينَ

زنده کند مردگان را بلی بدرستی که او بر هر چیز توانا است و روزیکه عرض شوند آنانکه

كَفَرُوا۟ عَلَى ٱلنَّارِ ۚ أَلَيْسَ هَٰذَا بِٱلْحَقِّ ۚ قَالُوا۟ بَلَىٰ وَرَبِّنَا ۚ قَالَ

کافر شدند بر آتش آیا نیست این عذاب براست گفتند آری و پروردگار ما گوید

فَذُوقُوا۟ ٱلْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ ۝ فَٱصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُو۟لُوا۟

پس بچشید عذاب را بآنچه بودید که کفر میورزیدید پس صبر کن چنانکه صبر کردند خداوندان

ٱلْعَزْمِ مِنَ ٱلرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِل لَّهُمْ ۚ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَ مَا يُوعَدُونَ

ثبات از پیغمبران و تعجیل مکن بعذاب قریش گویا ایشان روزی که بینند آنچه وعده داده شده

لَمْ يَلْبَثُوٓا۟ إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ ۚ بَلَٰغٌ ۚ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا ٱلْقَوْمُ

درنگ نکنند مگر یکساعت از روز دنیا پندیست پس هلاک نشود مگر گروه

ٱلْفَٰسِقُونَ ۝

بدکاران

سورة محمد مدنية

وتلوا آية مدنية

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

نام خداوند بخشاینده مهربان

ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ وَصَدُّوا۟ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَٰلَهُمْ ۝

آنانکه کفر ورزیدند بوحدانیت خدا و نبوت محمد و اعراض کردند از راه دین خدا باطل کرد خدا کردار ایشانرا

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَءَامَنُوا۟ بِمَا نُزِّلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ

و آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته و گرویدند بآنچه فرستاده بر محمد

وَهُوَ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ ۙ كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّـَٔاتِهِمْ وَأَصْلَحَ بَالَهُمْ

و قرآن راستیست از پروردگار ایشان بپوشاند از ایشان گناهان ایشانرا و بصلاح آرد حال ایشانرا

ذلك

دعای حرز امام جعفر صادق

علیه السلام و اوست که هر که

سوره محمد صلی الله علیه و آله را بخواند هر روز

در دین خود شک نکند و از کفر و شرک محفوظ

باشد تا بمیرد بعد از مرگ خدا تعالی هزار فرشته

بفرستد تا بر او نماز کنند و استغفار

کنند تا او را بموقف امن و امان حاضر

سازند و او دایم در امان

خدا او پسندیده باشد

ذٰلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا

این بسبب آنست که آنانکه کافر شدند پیروی کردند باطل را و بدرستی که آنانکه گرویدند پیروی کردند

الْحَقَّ مِن رَّبِّهِمْ كَذٰلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ ۝ فَإِذَا

حق را از پروردگار خود همچنین بیان میکند خدا برای مردمان احوال ایشانرا پس چون

لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّىٰ إِذَا أَثْخَنتُمُوهُمْ

ملاقات کنید آنانرا که کافر شدند پس بزنید گردنهای ایشانرا تا چون بسیار شود کشتن ایشان

فَشُدُّوا الْوَثَاقَ فَإِمَّا مَنًّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّىٰ تَضَعَ الْحَرْبُ

پس محکم کنید بندرا پس یا منت نهید برایشان بعد ازین گرفتن یا فدیه تا چون بگذارد اهل جنگ

أَوْزَارَهَا ۝ ذٰلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ ۝ وَلٰكِن لِّيَبْلُوَ

سلاح خود را این کار و اگر خواهد خدا هر آینه انتقام کشد از کفار ولیکن تا بیازماید

بَعْضَكُم بِبَعْضٍ ۝ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَلَن يُضِلَّ

بعضی شما بعضی را و آنانکه کشته شدند در راه خدا پس هرگز باطل نکند خدا

أَعْمَالَهُمْ ۝ سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ ۝ وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ

کردار ایشانرا زود باشد که راه نماید ایشانرا و بصلاح آرد حال ایشانرا و درآورد ایشانرا بهشت که

عَرَّفَهَا لَهُمْ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ

تعریف کرد بهشت را برای ایشان ای آنانکه گرویدید اگر یاری کنید خدارا یاری کند خدا ایشما را استوار دارد

أَقْدَامَكُمْ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعْسًا لَّهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ ۝

قدمهای شما را و آنانکه کافر شدند پس نغزیدند که ایشانرا بود و گمشد کردار ایشان

ذٰلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَالَهُمْ ۝ أَفَلَمْ يَسِيرُوا

این بسبب آنست که ایشان کراهت داشتند آنچه فرستاد خدا پس باطل کرد خدا کردار ایشانرا آیا پس سیر نکردند

فِي الْأَرْضِ فَيَنظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۖ

در زمین پس بنگرند که چگونه بود سرانجام آنانکه بودند پیش ازایشان

دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ۖ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَالُهَا ۝ ذٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ

برکند خدا نفس ایشانرا و مر کافرانرا است مانند آن عاقبت آنچه ذکر شده بسبب آنست که خدا

مجلس دوم

البیان از ائمه

هدی علیهم السلام مرویست که

اسیران بر دو قسم اند یکی انکه اسیر شود پیش

از انقضای حرب و هنوز معرکه قتال برپا باشد

حکمش تخییر امام است میانه کشتن و بریدن دست

راست و پای چپ و گذاشتن تا انکه خون الصدر

برود که میرود در این وقت منت نهادن یا ازادی

و عوض نفس از وی گرفتن و رها کردن او بی چیزی

جایز نیست قسم دویم اسیرانی که گرفته شوند و

بعد از انکه معرکه کارزار از هم پاشیده و جنگ از

پا بایستد حکمش تخییر امام است میانه منت

نهادن و فدیه گرفتن و بنده کردن و کردن ایشان

و اگر در یکی از این دو وقت مسلمان شود همه آن

احکام ساقط میشود و در حکم

مسلمانان است

از

حضرت

ابی جعفر علیه السلام

مرویست که در تفسیر این آیه فرمود

که کرامت داشتند آنچه را که خدا تعالی

فرستاده بود در شان

علی علیه السلام

مَوْلَى الَّذِينَ اٰمَنُوا وَاَنَّ الْكٰفِرِينَ لَا مَوْلٰى لَهُمْ ۝ اِنَّ اللّٰهَ يُدْخِلُ

دوست آنانست که گرویدند و آنکه کافرانرا نیست دوستی مرایشانرا بدرستی که خدا درمی آرد

الَّذِينَ اٰمَنُوا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ جَنّٰتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا

آنانرا که گرویدند و کردند کارهای شایسته بوستانهاست که میرود از زیر آنها

الْاَنْهٰرُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَاْكُلُونَ كَمَا تَاْكُلُ

نهرها و آنانکه کافر شدند برخورداری می یابند و میخورند همچنانکه میخورند

الْاَنْعٰامُ وَالنّٰارُ مَثْوًى لَهُمْ ۝ وَكَاَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ هِيَ اَشَدُّ قُوَّةً

چهارپایان و دوزخ آرامگاهست ایشانرا و بسیار از اهل دهها که ایشان سخت بودند از دهی

مِنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي اَخْرَجَتْكَ اَهْلَكْنٰاهُمْ فَلَا نٰاصِرَ لَهُمْ ۝ اَفَمَنْ كٰانَ

تو از ناحیهٔ از دهات تو که بیرون کردند تو را هلاک کردیم ما ایشانرا نیست یاری مرایشانرا آیا پس هر که باشد

عَلٰى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّهِ كَمَنْ زُيِّنَ لَهُ سُوٓءُ عَمَلِهِ وَاتَّبَعُوٓا اَهْوَآءَهُمْ

بر حجتی ظاهر از پروردگار خود همچو کسیست که زینت داده شد مر او را بدی کردار او و پیروی کردند آرزوهای خود را

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ ۖ فِيهَا اَنْهٰرٌ مِنْ مٰٓاءٍ غَيْرِ

صفت بهشتی که وعده داده شدند پرهیزکاران در آن بهشتست نهرها از آبی که متغیر نیست

اٰسِنٍ وَاَنْهٰرٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَاَنْهٰرٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ

رنگ و بوی او و نهرها از شیر که متغیر نیست طعم او و نهرها از شرابی که لذیذ است

لِلشّٰرِبِينَ ۝ وَاَنْهٰرٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى ۖ وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ

برای آشامندگان و نهرها از عسل صاف شده و نیست مرایشانرا در آن از هر گونه

الثَّمَرٰاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ ۖ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النّٰارِ وَسُقُوا

میوها و آمرزش از پروردگارشان مانند کسی که او جاوید باشد در آتش و چشانیده شود

مٰٓاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ اَمْعَآءَهُمْ ۝ وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ اِلَيْكَ حَتّٰٓى

آبی گرم پس پاره کند روده‌هایشان را و پاره‌هاشان را آنانکه گوش میدارند بسوی تو تا

اِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا لِلَّذِينَ اُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ

چون بیرون روند از نزد تو گویند مرآنانرا که داده شدند علم چه گفت پیغمبر

انفا

اصبغ بن نباته از حضرت امیرالمومنین صلوات الله علیه روایت کرده که نماز در رسول خدا صلی الله علیه و آله چهل روز پس آنحضرت خبر میداد ما را بوحی و من خط و رعایت آن وحی مینمودیم و چون بیرون می آمدیم میگفتند و می پرسیدند از من آنانکه نمیفهمیدند کلام آنحضرت را که چه گفت آن ساعت که در خدمت آنحضرت بودیم و گویند غرض منافقان ازین قول استهزا و اظهار آن بود که ما مشغول شنیدن و فهمیدن کلام آنحضرت بودیم و بقولی غرض ایشان ازین کلام تحقیر کلام آنحضرت بود یعنی چیزی که بر آن فایده مترتب نشود و بگفت

انفا اولئك الذين طبع الله على قلوبهم واتبعوا اهوآءهم
اول وقت آن گروه آنانند که مهر خذلان نهاد خدا بر دلهای ایشان و پیروی کردند آرزوهای خود را

والذين اهتدوا زادهم هدى واتهم تقوىهم فهل
و آنانکه راه یافتند و زیاد میکند خداوند پشنانی ایشانرا و میدهد ایشانرا پرهیزکاری پس آیا

ينظرون الا الساعة ان تاتيهم بغتة فقد جآء اشراطها
انتظار میکشند مگر قیامت را انکه بیاید ایشانرا ناگهان پس بتحقیق آمد علامتهای ان

فانى لهم اذا جآءتهم ذكرىهم فاعلم انه لا اله الا الله
پس از کجا شد مر ایشانرا چون آمد ایشانرا پند گرفتن ایشان پس بدان آنکه نیست خدائی مگر خدای یکی

واستغفر لذنبك وللمؤمنين والمؤمنات والله يعلم
و آمرزش خواه از برای گناه خود و از برای مردان مومن و زنان مومنه و خدا میداند

متقلبكم ومثويكم ويقول الذين امنوا لولا نزلت
جای گردیدن شما و آرامگاه شما را و میگویند آنانکه گرویدند چرا فرستاده نشد

سورة فاذا انزلت سورة محكمة وذكر فيها القتال رايت
سوره پس چون فرستاده شود سوره که محکم باشد و یاد کرده شود در آن بمقاتله بینی تو

الذين في قلوبهم مرض ينظرون اليك نظر المغشى عليه
آنانرا که در دلهای ایشان بیماری نفاق است بنگرند بسوی تو مانند نگاه کردن کسی که فرود آمده باشد

من الموت فاولى لهم طاعة وقول معروف فاذا عزم
بر او بیهوشی از مرگ پس سزاوار است برای ایشان فرمان بردن در جهاد و گفتن سخن نیکو پس چون جزم شد

الامر فلو صدقوا الله لكان خيرا لهم فهل عسيتم ان
امر قتال پس اگر راست گویند با خدا هر آینه بودی بهتر مر ایشانرا پس آیا متوقعست از شما اگر

توليتم ان تفسدوا في الارض وتقطعوا ارحامكم
متولی شوید که فساد کنید در زمین و ببرید از خویشان خود

اولئك الذين لعنهم الله فاصمهم واعمى ابصارهم
آن گروه آنانند که لعنت کند ایشانرا خدا پس کر کرد و کور کرد چشمهای ایشانرا

در مجمع البیان از ابن عباس
حکایت شده که بعثت پیغمبر
از جمله علامات قیامت است و
آنحضرت فرموده که بعثت انا والساعة
کهاتین و بقولی بسر قسر و دهان
هم داخلست در اشراط
ساعت

أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا ۝ إِنَّ الَّذِينَ

آیا پس چرا تدبر نکنند در قرآن یا بر دلهای ایشان قفلهاست بدرستی که آنانکه

ارْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَى الشَّيْطَانُ

برگشتند بر پشتهای خود بعد از آنکه روشن شده بود مر ایشانرا هدایت شیطان

سَوَّلَ لَهُمْ وَأَمْلَىٰ لَهُمْ ۝ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لِلَّذِينَ كَرِهُوا مَا

بیاراست برای ایشان عملها و دراز کرد امل ایشانرا این بسبب آنست که ایشان گفتند مر آنانرا که کراهت داشتند آنچه

نَزَّلَ اللَّهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْأَمْرِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِسْرَارَهُمْ

فرستاد خدا زود باشد که فرمان بریم شما را در بارهٔ بعض کار و خدا میداند پنهانی ایشانرا

فَكَيْفَ إِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ

پس چگونه باشد وقتی که متوفی سازد ایشانرا فرشتگان میزنند بر رویهای ایشان و پشتهای ایشان

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمُ اتَّبَعُوا مَا أَسْخَطَ اللَّهَ وَكَرِهُوا رِضْوَانَهُ فَأَحْبَطَ

این بسبب آنست که ایشان پیروی کردند چیزی را که بخشم آورد خدا را و کراهت داشتند خشنودی خدا را پس باطل کرد

أَعْمَالَهُمْ ۝ أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ أَنْ لَنْ يُخْرِجَ

عملهای ایشانرا آیا گمان کردند آنان که در دلهای ایشان مرض است آنکه هرگز بیرون نیاورد

اللَّهُ أَضْغَانَهُمْ ۝ وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكَهُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ ۚ

خدا کینه‌های ایشانرا و اگر خواهیم هر آینه نمائیم شما را پس اگر بشناسی ایشانرا بعلامت ایشان

وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ ۝ وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ

و البته بشناسی ایشانرا در گردانیدن سخن و خدا میداند کردارهای شما را و هر آینه می آزمائیم شما را

حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ ۙ وَنَبْلُوَ أَخْبَارَكُمْ

تا بدانیم جهاد کنندگان از شما را و صبر کنندگان را و آزمایش نمائیم اخبار شما را

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا

بدرستی که آنانکه کافر شدند و باز داشتند از راه خدا و مخالفت کردند

الرَّسُولَ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ

پیغمبر را پس از آنکه روشن شده بود مر ایشانرا راه راست هرگز ضرر نرسانند خدا را

از حضرت ابو جعفر و ابو عبد الله

مرویست که این گروه بنی امیه اند

که کراهت داشتند از آنچه خدا تعالی

در شان علی ابن ابی طالب

صلوات الله علیه

فرستاد

در طریق

عامه از ابو سعید

خدری مرویست که گفت لحن

قول عبارتست از بغض علی ابن ابی طالب علیه

السلام و از جابر ابن عبد الله انصاری هم

مانند این روایت شده و از عباده بن صامت

منقول است که گفت ما فرزندان خود را

می آزمودیم بدوستی علی ابن ابی طالب علیه

السلام پس اگر میدیدیم که یکی از ایشان

آنحضرت را دوست نمیدارد

میدانستیم که از زنا حمل

شده

شَيْئًا وَسَيُحْبِطُ أَعْمَالَهُمْ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ

چیزی وزود باشد که باطل کند گرداریشان را ای کسانیکه گرویدید فرمان برید خدارا

وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ ۝ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا

و پیروی کنید فرستاده خدارا و باطل مسازید عملهای خودرا بدرستی که آنانکه کافر شدند

وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ

و منع کردند مردم را از راه خدا پس مردند وحال آنکه ایشان کافر بودند پس هرگز نیامرزد خدا

لَهُمْ ۝ فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلْمِ ۖ وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ ۖ وَاللَّهُ

مرایشانرا پس سست مشوید و مخوانید کفاررا بآشتی وحال آنکه شما برترید وخدا

مَعَكُمْ وَلَنْ يَتِرَكُمْ أَعْمَالَكُمْ ۝ إِنَّمَا الْحَيَوٰةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ

باشماست وهرگز ناقص نکند شمارا خداوند کردار شمارا جزاین نیست که زندگانی دنیا بازی و

لَهْوٌ ۖ وَإِنْ تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْـَٔلْكُمْ أَمْوَالَكُمْ

لهو است واگر بگروید وپرهیزکنید بدهد شمارا خداوند مزدهای شمارا و نخواهد از شما مالهای شمارا

إِنْ يَسْـَٔلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبْخَلُوا وَيُخْرِجْ أَضْغَانَكُمْ ۝ هَا أَنْتُمْ

اگر بخواهد از شما مال شمارا پس مبالغه کند با شما بخیلی کنید و بیرون آورد کینه‌های شمارا آگاه باشید

هَٰؤُلَاءِ تُدْعَوْنَ لِتُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۖ فَمِنْكُمْ مَنْ يَبْخَلُ ۖ وَمَنْ يَبْخَلْ

اکنون شما اید که خوانده شوید از برای آنکه نفقه کنید در راه خدا پس بعضی از شما کسیست که بخل میکند و هرکه بخل کند

فَإِنَّمَا يَبْخَلُ عَنْ نَفْسِهِ ۚ وَاللَّهُ الْغَنِيُّ وَأَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ ۚ وَإِنْ تَتَوَلَّوْا

پس جزاین نیست که بخل کند از نفس خود و خدا بی نیاز است و شما محتاجید و اگر روی برگردانید

يَسْتَبْدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُونُوا أَمْثَالَكُمْ

ازما مورات بدل کند خدا گروهی دیگر غیر شما پس نباشند آنجماعت مانند های شما

سورة الفتح تسع وعشرون آية وهي مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا ۝١ لِيَغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ

بدرستی که ما فتح کردیم برای تو فتحی روشن تا بیامرزد مر تو را خدا آنچه گذشته پیش از فتح از گناه تو

وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيَكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا ۝٢

و آنچه بعد بیشود و تمام کرداند نعمت خود را بر تو و بنماید تو را راه راست

وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيزًا ۝٣ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي

و یاری دهد تو را خدا یاری دادنی که غالب شوی او ست آنکه فرو فرستاد چیزی را که موجب سکونست در

قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ ۗ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ

دلهای گروندگان تا زیاد کنند ایمانی را با ایمان خود و مر خدا راست لشکرهای آسمانها

وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا ۝٤ لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و زمین و میباشد خدا دانای درست کار تا در آورد مردان مومن و زنان مومنه را

جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرَ

در بوستانها که میرود از زیر آن جویها که جاوید باشند در آن و برای آنکه بپوشاند

عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ ۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا ۝٥ وَيُعَذِّبَ

از ایشان گناهانشان را و هست این نزد خدا رستگاری بزرگ و عذاب کند

الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ الظَّانِّينَ

مردان منافق و زنان منافقه را و مردان مشرک و زنان مشرکه را که گمان برند

بِاللَّهِ ظَنَّ السَّوْءِ ۚ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ ۖ وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَ

بخدا گمان بد بر ایشان باد گردش بد و خشم گرفت خدا بر ایشان و

لَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ ۖ وَسَاءَتْ مَصِيرًا ۝٦ وَلِلَّهِ جُنُودُ

دور کرد از رحمت خود ایشان را و آماده کرد برای ایشان دوزخ را و بد بازگشتی است و مر خدا راست لشکرهای

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۚ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ۝٧ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ

آسمانها و زمین و هست خدا غالب درست کار بدرستی که ما فرستادیم ترا

شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا ۝٨ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُعَزِّرُوهُ

که گواه باشی و مژده دهنده و بیم کننده تا بگروید بخدا و فرستاده او و قوت دهید او را

وَتُوَقِّرُوهُ

امام جعفر صادق علیه السلام فرموده که مال و زمان و آنچه نزد شماست نصرت پیغمبر و فتح حفظ نمایند هر که مداومت کند مناجاتی ندانموده که همه اهل عرصات بر او رشک برند و گوید ای بنده تو از جمله خواص منی پس نفرستگان ندا کند که او را از بندگان خالص ملحق سازید و بهشت بر او گوارا گردانید و او را بجنانند

انا فتحنا مژده است بفتح مکه که در سال بعد نزول این سوره واقع شد چه این سوره در عام حدیبیه بعد از وقوع مصالحه و انصراف پیغمبر در عرض راه نزول یافت و در سال دیگر فتح مکه صورت پذیرفت و تعبیر از آن بلفظ ماضی اشعار بآنست که این فتح البته واقع خواهد شد

و در تحقق وقوع بمنزله فتحی است که واقع شده باشد

از عمران بن حصین مرویست که گفت از حضرت صادق پرسیدم از تفسیر آنکه لیغفر لک الله فرمود که آنحضرت را هیچ گناهی هرگز نبوده و اراده معصیتی ابدا ننموده و لیکن خدای تعالی گناهان شیعیان او را بروی بار کرده پس امرزیده همه را برای وی

و ایضا آنحضرت فرموده که خدا ضامن شیعیان شده از گناه

وَتُوَقِّرُوهُ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا ۝ إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ

و بزرگ دارید فرمان او را و نیایش کنید او را در بامدادان و شام ۝ بدرستی که آنانکه ۝ بیعت میکنند تو را

إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ

جز این نیست که بیعت میکنند با خدا دست خدا است بالای دستهای ایشان پس هر که بشکند پس جز این نیست که بشکند عهد را بر

نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهُ اللَّهَ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

زیان خود و هر که وفا کرد آنچه عهد کرده است بر او خدا را پس زود باشد که بدهد او را خدا مزدی بزرگ

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا وَ

زود باشد که بگویند مر تو را باز پس ماندگان از اعرابان مشغول ساخت ما را مالهای ما و

أَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِأَلْسِنَتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ

زنان و فرزندان ما پس طلب آمرزش کن برای ما میگویند ۝ بزبانهای خود آنچه نیست در دلهای ایشان

قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ بِكُمْ ضَرًّا أَوْ

پس بگو که کیست که مالک و قادر باشد برای شما از خدا چیزی اگر خواهد ۝ بشما ضرری رساند یا

أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا ۝ بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ

خواهد بشما نفعی رساند بلکه هست خدا بآنچه میکنید آگاه است ۝ بلکه گمان کردید ۝ انکه

لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ أَبَدًا وَزُيِّنَ ذَٰلِكَ

بر نگردد ۝ پیغمبر ۝ و بر نگردند گروندگان بسوی اهالی خود ۝ آراسته شد این گمان

فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَنْتُمْ ظَنَّ السَّوْءِ وَكُنْتُمْ قَوْمًا بُورًا ۝ وَمَنْ

در دلهای شما ۝ و گمان کردید گمان بد ۝ و گشتید شما گروهی هلاک شدگان ۝ و هر که

لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَعِيرًا

نگرود ۝ بخدا و فرستاده او پس بدرستی که ما آماده کرده ایم برای کافران ۝ آتش را

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ

و مر خدا راست پادشاهی آسمانها و زمین ۝ می آمرزد هر که را خواهد ۝ و عذاب میکند

مَنْ يَشَاءُ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا ۝ سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ

هر که را خواهد ۝ و هست خدا ۝ آمرزنده مهربان ۝ زود باشد که بگویند باز پس ماندگان

إِذَا انطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَغَانِمَ لِتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ
چون بروید بسوی غنیمتهای خیبر تا فراگیرید بدو آنرا بگذارید ما را تا پیروی کنیم شما را میخواهند
أَن يُبَدِّلُوا كَلَامَ اللَّهِ قُل لَّن تَتَّبِعُونَا كَذَٰلِكُمْ قَالَ اللَّهُ مِن
آنکه تبدیل کنند سخن خدا را بگو نمیکنید متابعت ما همچنین گفت خدا از
قَبْلُ ۖ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا ۚ بَلْ كَانُوا لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا
پیش پس زود باشد که بگویند بلکه حسد میبرید ما را بلکه هستند که درنمی یابند مگر
قَلِيلًا ﴿١٥﴾ قُل لِّلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سَتُدْعَوْنَ إِلَىٰ قَوْمٍ أُولِي
اندک بگو مر پس ماندگان را از اعرابان زود باشد که خوانده شوید بسوی قومی خداوندان
بَأْسٍ شَدِيدٍ تُقَاتِلُونَهُمْ أَوْ يُسْلِمُونَ ۖ فَإِن تُطِيعُوا يُؤْتِكُمُ اللَّهُ
کارزار سخت تند کارزار کنید با ایشان یا مسلمان شوند پس اگر فرمان برید بدهد شما را خدا
أَجْرًا حَسَنًا ۖ وَإِن تَتَوَلَّوْا كَمَا تَوَلَّيْتُم مِّن قَبْلُ يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا
مزدی نیکو و اگر روی برگردانید همچنانکه برگشتید از پیش از آنکه عذاب کند شما را عذابی
أَلِيمًا ﴿١٦﴾ لَّيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى
دردناکی نیست بر نابینا گناهی و نه بر لنگ گناهی و نه بر
الْمَرِيضِ حَرَجٌ ۗ وَمَن يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي
بیمار گناهی و هر که فرمان برد خدا و فرستاده او را درمی آورد خدا او را در بوستانهائی که میرود
مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۖ وَمَن يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا ﴿١٧﴾ لَّقَدْ رَضِيَ
از زیر آنها نهرها و هر که روی بگرداند عذاب کند خدا او را عذابی دردناک هیچش که راضی شد
اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ
خدا از گروندگان وقتیکه بیعت کردند با تو در زیر درخت پس میداند خدا آنچه در دلهاشان است
فَأَنزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَابَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا ﴿١٨﴾ وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً
پس فرستاد آرامش را بر ایشان و باداش داد ایشان را فتحی نزدیک و غنایم بسیار
يَأْخُذُونَهَا ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٩﴾ وَعَدَكُمُ اللَّهُ مَغَانِمَ
که گرفتند آنرا و هست خدا غالب درست کار وعده کرد شما را خدا غنیمتهای

نصف

مراد از فتح قریب بنا بر مشهور فتح خیبر و غنایم در آیه اول عبارتست از غنایم خیبر که مشهور بکثرت مال و عقار بوده و بقولی فتح قریب فتح مکه و غنایم در آیه اول غنایم هوازن است که بعد از فتح مکه در غزای حنین بدست مسلمانان آمد و در هر دو قول غنایم در آیه دوم غنایمی است که بدست مسلمانان آمد تا روز قیامت و همچنین عیست معجله با تفاق همه عیست

كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هٰذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ

بسیار که بگیرید آنرا پس تعجیل فرمود شما را این و بازداشت دستهای مردم را از شما

وَلِتَكُونَ آيَةً لِلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا

و تا باشد نشانه مر مؤمنان را و بنماید شما را راهی راست

وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ

و دیگر را که قادر نشدید بر آن هنوز بدرستی که احاطه کرد خدا بآنها و هست خدا بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا ۝ وَلَوْ قَاتَلَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوُا الْأَدْبَارَ

هر چیز توانا و اگر کارزار کردند با شما آنانکه کافر شدند هر آینه گردانیدندی پشتها را

ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا ۝ سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ

پس آنگاه نیابند دوستی و نه یاری دهنده سنت کرد خدا آنچنان سنتی که گذشته

مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا ۝ وَهُوَ الَّذِي كَفَّ

پیش ازین و نیابی مر سنت خدا را تبدیلی و اوست که بازداشت

أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ

دستهای ایشان را از شما و دستهای شما را از ایشان در وادی مکه بعد از آنکه

أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا ۝ هُمُ الَّذِينَ

ظفر دادیم شما را بر ایشان و هست خدا بآنچه میکنید بینا ایشان آنانند که

كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيَ مَعْكُوفًا

کافر شدند و بازداشتند شما را از مسجد الحرام و منع کردند شتران هدی را

أَنْ يَبْلُغَ مَحِلَّهُ وَلَوْلَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءٌ مُؤْمِنَاتٌ

که بازداشته بودند بجای خود و اگر نبودی مردان گرونده کان و زنان گرونده

لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَئُوهُمْ فَتُصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعَرَّةٌ بِغَيْرِ عِلْمٍ لِيُدْخِلَ

که ندانید شما ایشانرا اگر که کام نهادید بر ایشان پس میرسید شما را از ایشان بمکروهی بقتل خطا که علم نداشتید تا در آورد

اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا

خدا در رحمت خود هر که خواهد و اگر جدا بودندی آن مؤمنان را هر آینه عذاب میکردیم آنانرا که کافر شدند

در مجمع البیان در بیان شأن نزول این آیه گفته که در روز حدیبیه قریش چهل تن بکارزار مسلمانان آمده همه بر دست اهل اسلام اسیر گشتند همه ایشان را بخدمت آنحضرت آوردند و بقولی هشتاد تن از کوه تنعیم سپیده دم بقصد شبیخون بزیر آمدند و همه اسیر شدند و بقولی آنحضرت با امیر المؤمنین در سایه درختی متغول نوشتن مصالحه بودند که سی تن از قریش مسلح و مکمل بقصد شهادت ایشان رسیدند و آنحضرت ایشانرا بقهر کرده دیدهای ایشان کور کردند و آنها شدند و بهزار زحمت مصالحه انجامید آنحضرت را آزاد نمود و در ذیل تفسیر آیه از آن حکایت صلح و منع از مقاتله مسلمانان با مشرکان تفسیر کرده والله اعلم

مِنهُم عَذابًا اَلیمًا ۞ اِذ جَعَلَ الَّذینَ کَفَروا فی قُلوبِهِمُ

از ایشان عذابی دردناک ۞ چون گردانیدند آنانکه کافر شدند در دلهای ایشان

الحَمِیَّةَ حَمِیَّةَ الجاهِلِیَّةِ فَاَنزَلَ اللهُ سَکینَتَهُ عَلی رَسولِهِ

عزت را عزت زمان ۞ جاهلیت را پس فرو فرستاد خدا آرام و طمانینه خود را بر فرستاده خود

وَعَلَی المُؤمِنینَ وَاَلزَمَهُم کَلِمَةَ التَّقوی ۞ وَکانوا اَحَقَّ بِها

و بر گروندگان و لازم ساخت بر ایشان کلمه پرهیزکاری را ۞ و بودند سزاوارتر از مشرکان

وَاَهلَها ۞ وَکانَ اللهُ بِکُلِّ شَیءٍ عَلیمًا ۞ لَقَد صَدَقَ اللهُ

و اهل ایشان را و بهست خدا بهمه چیز دانا را ۞ بحقیق که راست گردانید خدا

رَسولَهُ الرُّؤیا بِالحَقِّ لَتَدخُلُنَّ المَسجِدَ الحَرامَ اِن شاءَ اللهُ

فرستاده خود را در خواب براستی که داخل میشوید البته در مسجد الحرام اگر خواسته باشد خدا

اٰمِنینَ مُحَلِّقینَ رُؤُسَکُم وَمُقَصِّرینَ لا تَخافونَ ۞ فَعَلِمَ ما لَم

در حالی که ایمن باشندگان سرهای خود و تقصیر کنندگان موی یا ناخن نمی ترسید از کسی پس دانست خدا آنچه

تَعلَموا فَجَعَلَ مِن دونِ ذٰلِکَ فَتحًا قَریبًا ۞ هُوَ الَّذی اَرسَلَ

ندانستید شما پس گردانید برای شما بجز آن فتحی نزدیک ۞ اوست آنکه فرستاد

رَسولَهُ بِالهُدیٰ وَدینِ الحَقِّ لِیُظهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ ۞ وَکَفیٰ

پیغمبر خود را بهدایت مردمان و دین راست اسلام تا غالب گرداند اسلام را بر دینها همه ۞ و بس است

بِاللهِ شَهیدًا ۞ مُحَمَّدٌ رَسولُ اللهِ ۞ وَالَّذینَ مَعَهُ اَشِدّاءُ عَلَی

خدا گواه ۞ محمد صلی الله علیه و آله فرستاده خداست و آنانکه با او بند سخت دلانند بر اهل

الکُفّارِ رُحَماءُ بَینَهُم تَرٰیهُم رُکَّعًا سُجَّدًا یَبتَغونَ فَضلًا

کفر رحیم دل میان ایشان می بینی ایشان را رکوع کنندگان سجده کنندگان میخواهند افزونی مرتبه

مِنَ اللهِ وَرِضوانًا سیمٰاهُم فی وُجوهِهِم مِن اَثَرِ السُّجودِ ۞ ذٰلِکَ

از خدا و خشنودی او را علامت ایشان در روهای ایشانست از اثر سجده کردن این نمونه

مَثَلُهُم فِی التَّورٰیةِ ۞ وَمَثَلُهُم فِی الاِنجیلِ کَزَرعٍ اَخرَجَ شَطـَٔهُ

صفت ایشان است در تورات و صفت ایشانست در انجیل مانند دانه که کاشته اند پس برون آرد شاخهای خود را

فارغ

مجلس در بیان حکایات

کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در
مدینه پیش از سفر حدیبیه در خواب دید که
مسلمانان مسجد الحرام درآمده و صحابه را اران
خواب آگاهی داد ایشان پنداشتند تعبیر آن
در همین سال وقوع خواهد یافت پس چون در حدیبیه
کار مصالحه انجامید و مراجعت فرمودند
منافقان گفتند نه سر تراشیدیم و نه تقصیر کردیم
و نه بمسجد الحرام درآمدیم پس حقتعالی این آیت فرستاد
و خبر داد که آنخواب را بآنحضرت براستی نمود
نه بدروغ و البته داخل مسجد الحرام خواهد شد
و بسوگند بر طبق این مژده یاد
کرده لتدخلن المسجد الحرام
ان شاء الله

فَازَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ

پس قوی گردانید پس ستبر و غلیظ شود پس راست بایستد بر ساقهای خود بشگفت آرد زارعان را تا خشم گیرد

بِهِمُ الْكُفَّارَ ۗ وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ

بقوت ایشان کافران را وعده کرد خدا آنانرا که گرویدند و کردند کارهای شایسته از ایشان

مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

آمرزش گناهان و مزدی بزرگ

سورة الحجرات مدنية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاتَّقُوا

ای کسانیکه گرویده اید پیش مدارید پیش امری را نزد خدا و فرستاده او و بپرهیزید از خدا

اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ

خدا بدرستیکه خدا شنوای داناست ای آنانکه گرویده اید بلند مکنید آوازهای خود را

فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ

بالای آواز پیغمبر و بلند حرف مزنید با آنحضرت آشکارا مسازید سخن گفتن چون آشکار کند بعضی از شما

لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ

مر بعضی را مر که مبادا باطل شدن اعمال شما و شما نمیدانید آنرا بدرستی که آنانکه فرو خوابانند

أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ

آوازهای خود را نزد پیغمبر خدا آنانند که امتحان کرده خدا دلهای ایشانرا

لِلتَّقْوَىٰ ۚ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنْ

برای پرهیزکاری مر ایشانراست آمرزش و مزدی بزرگ بدرستی که آنانکه ندا میکنند ترا از

وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ ۝ وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّىٰ

پس حجره ها بیشتر ایشان مر عقل ندارند و اگر اینکه ایشان صبر کنند تا بیرون آی

تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

تو یا محمد بسوی ایشان هر آینه هست بهتر برای ایشان و خدا آمرزنده مهربانست ای آنانکه

حسن
ابن علا از ابو عبد الله
علیه السلام روایت کرده که هر که سوره
حجرات را در هر شب بخواند از جمله
زوار پیغمبر خدا صلی الله
علیه و آله باشد

در مجمع
البیان در شان نزول
آیه ان الذین ینادونک کفته که گروهی از قبیله
بنی تمیم که از آنجمله اقرع بن حابس و زبرقان بن
بدر و عمرو بن اشیم و قیس بن عاصم بودند بمدینه آمدند
و چون داخل مسجد شدند رسول خدا را از پس زنان حجره
آنحضرت صدا زدند و گفتند ای محمد برون آی
آنحضرت از خانه برون آمد گفتند آمده ایم تا با شما
مفاخره نمائیم رخصت ده شاعر و خطیب ما را که
فخریه برای ما بخواند فرمود رخصت دادم پس عطارد
این حاجب برخواست و گفت الحمد لله الذی
جعلنا ملوکا الذی له التفضل علینا والذی و
عطانا افضل

اٰمَنُوٓا اِنْ جَآءَكُمْ فَاسِقٌۢ بِنَبَاٍ فَتَبَيَّنُوٓا اَنْ تُصِيبُوا قَوْمًۢا بِجَهَالَةٍ

کردید به اگر بیاورد شما مردی بدکار خبری را پس تفحص کنید آنکه رسانید گروهی را نادانی

فَتُصْبِحُوا عَلٰى مَا فَعَلْتُمْ نٰدِمِينَ ۝ وَاعْلَمُوٓا اَنَّ فِيكُمْ رَسُولَ

پس گردید بر آنچه کردید شما پشیمانان ۝ و بدانید بدرستی که در میان شماست پیغمبر

اللّٰهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِى كَثِيرٍ مِنَ الْاَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلٰكِنَّ اللّٰهَ حَبَّبَ

خدا اگر فرمان برد شما را در بسیاری از امور هر آینه در رنج افتید ولیکن خدا دوست کرد

اِلَيْكُمُ الْاِيمَانَ وَزَيَّنَهٗ فِى قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ اِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَ

بسوی شما ایمان را و زینت آنرا در دلهای شما و مکروه ساخت بسوی شما کفر و

الْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ اُولٰٓئِكَ هُمُ الرّٰشِدُونَ ۝ فَضْلًا مِنَ

به کارها و گناهان را آنگروه ایشان راه یافتگانند این فضلیست از

اللّٰهِ وَنِعْمَةً وَاللّٰهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ۝ وَاِنْ طَآئِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

خدا و نعمتی و خدا دانای درست کارست ۝ و اگر دو گروه از مومنان

اقْتَتَلُوا فَاَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَاِنْ بَغَتْ اِحْدٰىهُمَا عَلَى الْاُخْرٰى

کارزار کنند با هم پس اصلاح کنید میان ایشان پس اگر ستم کند یکی ازین دو طایفه بر دیگری

فَقَاتِلُوا الَّتِى تَبْغِى حَتّٰى تَفِٓيءَ اِلٰٓى اَمْرِ اللّٰهِ فَاِنْ فَآءَتْ فَاَصْلِحُوا

پس کارزار کنید با گروهی که ستم میکنند تا برگردند بسوی فرمان پس اگر بازگردند گروه باغیه پس اصلاح کنید

بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَاَقْسِطُوٓا اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ۝ اِنَّمَا

میان ایشان بعدالت و عدالت کنید بدرستی که خدا دوست میدارد عدل کنندگان را ۝ جز این نیست

الْمُؤْمِنُونَ اِخْوَةٌ فَاَصْلِحُوا بَيْنَ اَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللّٰهَ لَعَلَّكُمْ

که مومنان برادران هم اند پس اصلاح کنید میان برادران خود و بپرهیزید از خدا باشد شما

تُرْحَمُونَ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ اٰمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسٰٓى

رحم کرده شوید ۝ ای آنانکه گرویدید باید که مسخره نکنند قومی از شما قومی دیگر را شاید

اَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَآءٌ مِنْ نِسَآءٍ عَسٰٓى اَنْ يَكُنَّ خَيْرًا

که باشند آنگروه بهتر از ایشان و نه زنان مسخره کنند زنان دیگر را شاید زنان مسخره شدگان بهتر باشند

مقبل

برای خود ماند آنچه

ماشرد دم و نشست پس رسول خدا صلی الله

علیه و آله ثابت بن قیس بن شماس را گفت

برخیز و جواب او بگو برخواست و گفت الحمد لله

الذی خلق السموات و الارض خلقه و قضی فیه

امره وسع کرسیه علمه و لم یکن شیئی قط الا

من فضله ثم کان فضله انا جعلنا ملوکا و اصطفی

من خیر خلقه رسوله اکرمهم بیتا و اصدقه

و افضله حسبا فانزل علیه کتابا و ائتمنه علی

خلقه فکان خیرته الله علی العالمین ثم دعا

الناس الی الایمان بالله فامن به المهاجرون

من قومه و ذوی رحمه اکرم الناس احسابا

پس زرقان بن بدر برخواست و می خندد

فخر خود بخواند و حسان بن ثابت می خندد

جواب او گفت و چون حسان فارغ شده

ارقع گفت ای مرد یعنی منبر خطیب بلندتر

از خطیب شاعر ماست و آواز ایشان بلندتر

از آواز ماست و چون فارغ شدند رسول

ایشان را جایزه داد و ایشان مسلمان شدند

و بقولی گروهی از قبیله بنی المنتفق که در بعضی

غزوات طایفه از ایشان اسیر شده بود

دست مسلمانان بدینه آمده بود و ایشان جهت

استخلاص اسیران خود آوردند و آنحضرت را

از بیرون خانها صدا زده پسند

و گفتند یا محمد بیرون ای

منتظره

مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الِاسْمُ

از ایشان و مایه کز عیب کنید (۲) نفسهای خود را و مایه که بدی یعنی ملقبهای بد زشت یکدیگر را بخوانند بدنامیست کسی را

الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ ۚ وَمَنْ لَمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

بهود و رسوا و بدنامی خواندن بعد از ایمان (۲) و هر که توبه نکند پس آنگروه ایشانند ستمکاران

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ

ای (۲) آنانکه گرویدند دور شوید (۲) بسیار (۲) از گمان بد بدرستیکه بعضی از

الظَّنِّ إِثْمٌ ۖ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبْ بَعْضُكُمْ بَعْضًا ۚ أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ

گمان بد گناهست (۲) و جستجو مکنید (۲) و غیبت مکنید (۲) بعضی از شما (۲) بعضی را آیا دوست میدارد یکی از شما

أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ

آنکه بخورد (۲) گوشت برادر خود را که مرده باشد پس کراهت خواهید داشت و بترسید از خدای جل ابد بدرستیکه خدا

تَوَّابٌ رَحِيمٌ ۝ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَ

توبه پذیرنده مهربان است (۲) ای (۲) مردمان بدرستی که ما آفریدیم شما را از (۲) مرد و

أُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا ۚ إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ

زن (۲) و گردانیدیم شما را شعبه ها (۲) و قبیله ها تا بشناسید یکدیگر را بدرستی که گرامی ترین شما نزد

اللَّهِ أَتْقَاكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ ۝ قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا ۖ

خدا پرهیزکارترین شماست بدرستی که خدا دانا (۲) آگاهست گفتند اعراب گرویدیم

قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَلَٰكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي

بگو نگرویده اید (۲) و لیکن بگویید که اسلام آورده ایم و هنوز در نیامده ایمان در

قُلُوبِكُمْ ۖ وَإِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِنْ أَعْمَالِكُمْ

دلهای شما (۲) و اگر پیروی کنید خدا و فرستاده او را لم یکزدانه خدا (۲) از کارهای شما

شَيْئًا ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ

چیزی بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست (۲) جز این نیست که گرویدگان آنانند که گرویدند بخدا

وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي

و فرستاده او پس (۲) شک نکردند در ایمان و جهاد کردند (۲) بمالهای خود (۲) و نفسهای خود (۲) در

سَبِيلِ اللَّهِ ۖ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ ﴿ قُلْ أَتُعَلِّمُونَ اللَّهَ بِدِينِكُمْ

راه خدا آنگروه ایشانند راستگویان بگو آیا می آموزید خدا را بدین خود

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ

و خدا میداند آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست و خدا بهر چیز

عَلِيمٌ ﴿ يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا ۖ قُلْ لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُمْ ۖ

داناست منت مینهند بر تو باسلام آوردن خود بگو منت مگذارید بر من اسلام خود را

بَلِ اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

بلکه منت مینهد خدا بر شما بانکه راه نمود شما را بایمان اگر هستید شما راستگویان

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا

بدرستی که خدا میداند پوشیده آسمانها و زمین را و خدا بیناست بآنچه

تَعْمَلُونَ ﴿

میکنند

سورة حم والزخرف

آية ما ملكت

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قٓ ۚ وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ ﴿ بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ

قسم بکوه قاف و قسم بقرآن بزرگوار بلکه عجب داشتند مشرکان آنکه آمد ایشانرا بیم دهنده از ایشان

فَقَالَ الْكَافِرُونَ هَٰذَا شَيْءٌ عَجِيبٌ ﴿ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا

پس گفتند کافران این نبوت محمد چیزیست عجب کو بند آیا زنده شویم و قتیکه بمیریم و باشیم خاک

ذَٰلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ ﴿ قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَ

این بازگشتنی دور از عادتست بدرستی که میدانیم ما آنچه ناقص کند و بخورد زمین از ایشان و

عِنْدَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ ﴿ بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ

نزد ماست کتابی که نگاه دارنده است بلکه تکذیب کردند قرآن را بر آن هنگام که آمد ایشان را

فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَرِيجٍ ﴿ أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ

پس ایشان در کاری شوریده اند آیا پس نمینگرند بسوی آسمان که در بالای ایشان چگونه

بنيناها

ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام روایت کرده که هر که مداومت کند سوره ق را در نماز فریضه و نوافل خداوند روزی او را فراخ گرداند و کتاب اعمال او را بدست راست او دهد و حساب او را آسان

بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا لَهَا مِن فُرُوجٍ ۝ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا

بنا کردیم آنرا و آراستیم آنرا و نیست آنرا از هیچ فرجه و زمین را گستردیم

وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ

و افکندیم در آن کوههای استوار و رویانیدیم در زمین از هر صنف نبات آراسته

تَبْصِرَةً وَذِكْرَىٰ لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ ۝ وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ

بجهة بادکردن و پند دادن هر بنده بازگردنده را و فرستادیم از آسمان

مَاءً مُّبَارَكًا فَأَنبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ ۝ وَالنَّخْلَ

آبی مبارک را پس زود رویانیدیم بآن آب بوستانها و نبات که درویده میشود و درختان خرما

بَاسِقَاتٍ لَّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ ۝ رِّزْقًا لِّلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ

درحالیکه بلند میشوند مر آن نخلهارا شکوفه بارهم نهاده روزی مر بندگانرا و زنده کردیم بآن آب

بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَٰلِكَ الْخُرُوجُ ۝ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ

زمین مرده را همچنانست بیرون آمدن ایشان تکذیب کردند پیش از ایشان قوم نوح و یاران

الرَّسِّ وَثَمُودُ ۝ وَعَادٌ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ ۝ وَأَصْحَابُ

چاه پر از سنگ و قوم ثمود و عاد و فرعون و برادران لوط و یاران

الْأَيْكَةِ وَقَوْمُ تُبَّعٍ ۚ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ وَعِيدِ ۝

بیشه که اصحاب شعیب بودند و قوم تبع همه تکذیب کردند پیغمبران را پس واجب گشت وعید من

أَفَعَيِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ ۚ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ ۝

آیا پس درمانده شدیم بآفرینش اول بلکه ایشان در شکند از آفریدن تازه

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ ۖ

و هرآینه که آفریدیم مردم را و میدانیم آنچه وسوسه میکند بآن نفس او

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ ۝ إِذْ يَتَلَقَّى الْمُتَلَقِّيَانِ

و ما نزدیکتریم باو از رگ گردن وقتیکه فراگیرنده فراگیرد

عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ ۝ مَّا يَلْفِظُ مِن قَوْلٍ إِلَّا

از راست و از چپ که ملازم اند بسیار نمی افکند از دهن خود هیچ سخنی مگر

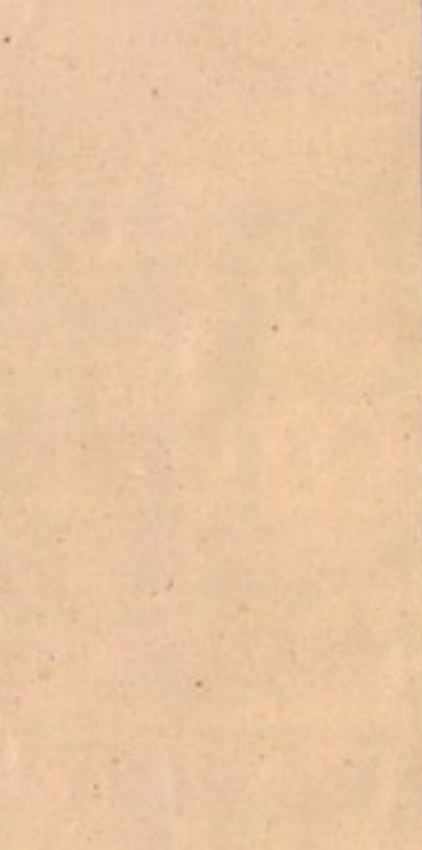

لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ ۝ وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذٰلِكَ

نزد آن هر یکی نگهبان آماده است و بیاید بیهوشی مرگ آن امر درست که آخرت

مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدُ ۝ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذٰلِكَ يَوْمُ الْوَعِيدِ

چیزیست که بودی تو از آن میل میکردی و میدیدی و در صور آن روزیست که مردم را بآن میترساند

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ ۝ لَقَدْ كُنْتَ فِي

و بیاید در آن روز هر نفسی که با آن باشد راننده و گواه او فرشته و بحقیقت بودی در

غَفْلَةٍ مِنْ هٰذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ

بیخبری از این امر پس برداشتیم ما از تو پرده غفلت را پس چشم تو شده است امروز

حَدِيدٌ ۝ وَقَالَ قَرِينُهُ هٰذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ ۝ أَلْقِيَا فِي

در یقین معاد و گوید آن روز همنشین او که این نامه اعمال نزد من آماده است بیفکنید در

جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ ۝ مَنَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُرِيبٍ ۝

دوزخ هر ناکرده شنیده کننده را بسیار منع کننده مر خیر را در گذرنده از حد شک

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللّٰهِ إِلٰهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ الشَّدِيدِ

آنکه گردانید با خدا خدایان دیگر پس بیفکنید او را در عذاب سخت

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْغَيْتُهُ وَلٰكِنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ

گوید همنشین او شیطان است پروردگارا طاغی نساختم من او را ولیکن خود بود در گمراهی

بَعِيدٍ ۝ قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ

دور گوید خدا مخاصمت نکنید نزد من و بدرستی که من از پیش فرستادم بسوی شما

بِالْوَعِيدِ ۝ مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ

وعید خود را تغییر داده نمیشود سخن نزد من و نیستم من ستم کننده مر بندگان را

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأْتِ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَزِيدٍ ۝

روزی که گوییم مر دوزخ را آیا پر شدی از کفار و عاصی گوید دوزخ آیا هیچ زیادتی هست

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ ۝ هٰذَا مَا تُوعَدُونَ

و نزدیک کرده شده بهشت مر پرهیزکاران را در هنگامی که دور نباشد این ثواب آنچیزیست که وعده داده شده

در مجمع البیان از ابو الهیثم حکانی بسند او از ابو سعید خدری روایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که چون روز قیامت شود خدا تعالی ندا من و علی خطاب کند که چند از مرد در دوزخ هر کرا که دشمنی داشته باشما و در آورید بهشت هر کرا که دوست داشته شما را و فرمود که این است تفسیر کفار خدا تعالی القیا فی جهنم کل کفار عنید و بقول بعضی از مفسرین خطاب با دو فرشته ایست که موکلند بر عباد که عبارتند از نفس و شهید مراد از قرین چنانکه در مجمع البیان از حضرات باقر و جعفر و ابی عبد الله علیهما السلام روایت کرده که فرشته ایست که گواه اعمال و کاتب اوست بوده خلاصه معنی آنکه کاتبان اعمال در آن روز گواهی دهند بر کردهای عباد از خیر و شر و گویند این گواهی که میدهیم خبریست که ثبت شده و در روزنامه اعمال ایشان نزد ما حاضر است و بقول جمعی از مفسرین قرین عبارتست از شیاطین که در دنیا وسوسه عباد میکردند و معنی آنکه این شیطان گوید که این بنده شخصی است که در ملک من و فرمان بردار من بوده و مهیا شده برای دوزخ

لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ ۝ مَّنْ خَشِيَ الرَّحْمَٰنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ

ازبرای هر بسیج کننده نگاهدارنده ۝ هرکه بترسد از خدا بغیبت که پنهانست و آمد بدل

مُّنِيبٍ ۝ ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ ۝ لَهُم مَّا يَشَاءُونَ

بازگشته بحق درآیید در بهشت بسلامتی این وقت طول روز جاویدست مرایشانرا آنچه میخواهند

فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ ۝ وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ

در آن ونزد ماست زیاده ۝ وبسا که هلاک کردیم ما پیش ازایشان از اهل روزگار که ایشان سخت تر بودند

مِنْهُم بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِن مَّحِيصٍ ۝ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ

ازایشان از قوت نقب زدند در شهرها آیا بود هیچ گریزگاهی ایشانرا بدرستی در این

لَذِكْرَىٰ لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ ۝

هر آینه پندیست مرکسی راکه باشد مر او را دلی که تفکر کند یا بیندازد گوش را و او حاضر باشد

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ

و بدرستی که آفریدیم ما آسمانها و زمین را و آنچه میان هردو است در شش

أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ ۝ فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ

روز و نرسیده ما را در آفریدن هیچ ماندگی پس صبر کن بر آنچه میگویند و بسبح کن

بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ ۝ وَمِنَ اللَّيْلِ

بحمد پروردگار خود پیش از طلوع آفتاب و پیش از غروب و بعضی از شب

فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ ۝ وَاسْتَمِعْ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِن

پس تسبیح کن او را در عقب سجده های نماز ها و بشنو از روزیکه ندا کند ندا کننده از

مَّكَانٍ قَرِيبٍ ۝ يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ

جای نزدیک روزیکه بشنوند آواز مهیب را بآنچه راستست این روز

الْخُرُوجِ ۝ إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي وَنُمِيتُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ ۝ يَوْمَ تَشَقَّقُ

بیرون آمدن از قبر است بدرستی که ما زنده میکنیم و میمیرانیم و بسوی ماست بازگشت روزی که بشگافد

الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ ۝ نَّحْنُ أَعْلَمُ بِمَا

زمین از ایشان شتابندگان این انگیختنی است بر ما آسان ما میدانیم آنچه

مرویست
کز حضرت صادق
صلوات الله علیه رسیده مداوم بقدر
کریمه وسبح بحمد ربک قبل طلوع الشمس وقبل الغروب
فرمود که بگوچون بامداد شود و هنگام شبانگاه
لا اله الا الله وحده لاشریک له الملک وله الحمد
یحیی ویمیت ویحیی وهو علی کل شیء قدیر
وهم از آنحضرت مرویست که مراد از ادبار السجود
نماز وتری است که بعد از شب
گذارده می شود

يَقُولُونَ وَمَا أَنتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكِّرْ بِالْقُرْآنِ مَنْ يَخَافُ

میگویند کافران درباره تو هرآینه جبرکننده پس پند کن بموعظه قرآن کسی که بترسد

سورة الذاريات

وعيد

تسع آيات وهي مكية

از وعده عذاب من

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

وَالذَّارِيَاتِ ذَرْوًا ۝ فَالْحَامِلَاتِ وِقْرًا ۝ فَالْجَارِيَاتِ يُسْرًا

سوگند بادهای پراکنده ابرهای پراکنده گردانی پس برداران کنندگان بارگران بارانرا پس بکشتیهای رونده بآسانی

فَالْمُقَسِّمَاتِ أَمْرًا ۝ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ ۝ وَإِنَّ الدِّينَ

پس بقسمت کنندگان کارهای روزی و مرگ جز این نیست که آنچه وعده داده شده اید راست و بدرستی که دین البته

لَوَاقِعٌ ۝ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ ۝ إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُخْتَلِفٍ

واقعست وقسم بآسمان خداوند راههای نیکو بدرستیکه شما هرآینه در گفتار مختلف هستید پیغمبر

يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ ۝ قُتِلَ الْخَرَّاصُونَ ۝ الَّذِينَ هُمْ فِي

برگردیده شده از ایمان هرکه برگردیده میشد کشته شدند دروغگویان آنانکه ایشان در

غَمْرَةٍ سَاهُونَ ۝ يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمُ الدِّينِ ۝ يَوْمَ هُمْ عَلَى

غمره خود بیخبرانند میپرسند کنار که کی خواهد بود روز جزا روزیکه ایشان بر

النَّارِ يُفْتَنُونَ ۝ ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَٰذَا الَّذِي كُنتُم بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ

آتش سوخته میشوند بچشید سوختن خودرا این عذابست که بودید شما که بآن شتاب میکردید

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ ۝ آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ

بدرستی پرهیزکاران در بهشتها وچشمه های آب روانند گیرندگانند آنچه داد بایشان پروردگارشان

إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُحْسِنِينَ ۝ كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ

بدرستیکه ایشان بودند پیش ازین نیکوکاران بودند در زمان اندک از شب

مَا يَهْجَعُونَ ۝ وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ ۝ وَفِي أَمْوَالِهِمْ

خواب میکردند و بهنگامها ایشان استغفار میکردند و در مالهای ایشان

از امام جعفر صادق

مرویست که هرکه سوره والذاریات را

در هر شب یا روز بخواند جمعی مشقت او را اصلاح

و روزی را بروی فراخ گرداند و نوری

در قبر او پیدا شود که مارون

قیامت قرار او شود

مرویست

که ابن کوا از حضرت

امیرالمؤمنین صلوات الله علیه و آله

پرسید که مراد از والذاریات ذروا چیست فرمود

که بادها پرسید که فالحاملات وقرا چیست فرمود

ابرها پرسید که فالجاریات یسرا فرمود کشتیها

فالمقسمات امرا فرمود فرشتگان یعنی ذاریات

بادهائی است که خاروخاشاک را برانگیزند

نماید و حاملات وقرا ابرهائی است که بارگران

بارانرا بردارند و از جائی بجائی دیگر برند و جاریات

کشتیهاست که در دریا بآرامی روند و مقسمات

امرا فرشتگانند که موکل اند بتقسیم ارزاق و دیگر

خلایق و تقدیرات و مدبرات

مهمات ایشان

حَقٌّ لِّلسَّآئِلِ وَالْمَحْرُومِ ۝ وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ ۝

نصیبی بود مر خواهنده و محروم را و در زمین نشانهاست بر وجود صانع مر بندگان نازا

وَفِي أَنفُسِكُمْ ۚ أَفَلَا تُبْصِرُونَ ۝ وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا

و در نفسهای شما آیا پس نمی بینید و در جانب آسمان روزی شماست و آنچه

تُوعَدُونَ ۝ فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقٌّ مِّثْلَ مَا أَنَّكُمْ

وعده داده میشوید از بهشت پس قسم بر وردگار آسمان و زمین بدرستی که این راست مانند آنچه شما

تَنطِقُونَ ۝ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ ۝

حرف میزنید آیا آمد بتو یا محمد سخن مهمانان ابراهیم که گرامی بودند

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا ۖ قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُّنكَرُونَ ۝

چون در آمدند بر ابراهیم پس گفتند سلام گردیم سلام گردی گفت ابراهیم سلام بر شما گروهی ناشناسید

فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجْلٍ سَمِينٍ ۝ فَقَرَّبَهُ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا

پس میل کرد ابراهیم بسوی اهل خود پس بیاورد گوساله فربه پس نزدیک کرد آنرا بسوی ایشان گفت آیا

تَأْكُلُونَ ۝ فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً ۖ قَالُوا لَا تَخَفْ ۖ وَبَشَّرُوهُ

میخورید پس در خاطر گرفت از ایشان ترسی گفتند مترس و مژده دادند

بِغُلَامٍ عَلِيمٍ ۝ فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَّةٍ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا

او را پسری دانا پس روی بگانه نهاد زن ابراهیم در حالی که فریاد میکرد و طپانچه زد بر روی خود

وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ ۝ قَالُوا كَذَٰلِكِ قَالَ رَبُّكِ إِنَّهُ هُوَ

و گفت من پیرزن نازاینده ام گفتند فرشتگان همچنین گفت پروردگار تو بدرستیکه او

الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ ۝ قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ ۝

درست کار و داناست گفت ابراهیم پس چیست کار بزرگ شما ای فرستادگان

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ ۝ لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً

گفتند که ما فرستاده شدیم بسوی گروه گناهکاران تا فرو فرستیم بر ایشان سنگی

مِّن طِينٍ ۝ مُّسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ ۝ فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ

از گل مصنوع که آن سنگها نشان کرده شده بود نزد پروردگار تو برای اسراف کنندگان پس بیرون کردیم هر که بود

ربع

در لغت عبارت بود از رفتن بسوی چیزی پنهانی و در مجمع اللسان گوید که علت خصه رفتن آن حضرت بسوی اهل خود برای حاضر گردانیدن طعامی آی مهمانان پس از آن بود که مبادا اهلش مانع از تکلیف در ضیافت شوند چنانکه عادت کریمان است

الذاریات ۲۰۷

فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ۝ فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

در آن ... از گروندگان ... پس نخواهیم یافت در آن شهر با غیر اهل یک خانه از مسلمانان

وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ ۝ وَفِي

و باقی گذاشتیم ما در آن شهرها علامتی برای آنانکه می ترسند از عذاب دردناک و در

مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝ فَتَوَلَّىٰ

قصه موسی چون فرستادیم او را بسوی فرعون با معجزه حجتی ظاهر پس برگشت از ایمان

بِرُكْنِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ۝ فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ

بقوت و گفت فرعون که موسی جادوگر یا دیوانه است پس فراگرفتیم فرعون و لشکرهای او را پس انداختیم

فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ ۝ وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ

ایشانرا در دریا و او ملامت کننده خود بود و در قصه عاد چون فرستادیم بر ایشان بادی بی خیر

مَا تَذَرُ مِنْ شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلَتْهُ كَالرَّمِيمِ ۝ وَفِي

منگذاشت هیچ چیزرا که بگذشت بر او مگر آنکه گردانید او را مثل کهنه ریزه ریزه و در قوم

ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُمْ تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ ۝ فَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ

ثمود نیز آیتی است چون گفته شد مرایشانرا که برخوردار شوید در عمر تا وقت عذاب پس سرکشیدند از کار پروردگار خود

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّاعِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ ۝ فَمَا اسْتَطَاعُوا مِنْ

پس گرفت ایشانرا صاعقه و ایشان نگریستند پس نتوانستند هیچ

قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُنْتَصِرِينَ ۝ وَقَوْمَ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا

برخاستن و نبودند انتقام گشندگان و در قوم نوح آیتی است که پیش بود بدرستی که ایشان

قَوْمًا فَاسِقِينَ ۝ وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ

بودند گروهی بدکاران و آسمانرا بنا نهادیم بتوانائی خود و بدرستی که ما توانائیم بر آن

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ ۝ وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ

و زمین را گسترانیدیم آنرا پس نیک گسترانیده ایم و از همه چیز

خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ ۝ فَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ

آفریدیم دو صنف شاید تا شما پند گیرید پس بگریزید بسوی خدا

در مجمع البیان گفته که باد برکنده برای تعذیب است و مراد از رکن قوم و لشکر اوست که با ایشان قوت و منعت یعنی کردند خود را رد کردان از دین حق

در مجمع البیان در تفسیر وهو ملیم گفته یعنی کرد کاری که سبب ملامت او بود که آن عبارت از کفر و جحود بود

إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝ وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَٰهًا آخَرَ

بدرستی که من شمارا از عذاب خدا ایم دهنده و ظاهرم ۝ و مگردانید با خدا معبودی دیگر

إِنِّي لَكُمْ مِنْهُ نَذِيرٌ مُبِينٌ ۝ كَذَٰلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

بدرستی که من شمارا از عذاب خدا ایم دهنده و ظاهرم ۝ چنین بود احوال امم سابقه تا آنکه بودند پیش از کفار

مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ ۝ أَتَوَاصَوْا بِهِ بَلْ هُمْ

هیچ فرستاده ۝ مگر آنکه گفتند قوم تو این مرد جادوگر یا دیوانه است ۝ آیا وصیت کردند امم سابقه بلکه ایشان

قَوْمٌ طَاغُونَ ۝ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ فَمَا أَنْتَ بِمَلُومٍ ۝ وَذَكِّرْ فَإِنَّ

گروهی اند نافرمان ۝ پس روی بگردان از ایشان پس نیستی تو ملامت زده ۝ و پند ده اهل ایمان را پس بدرستی که

الذِّكْرَىٰ تَنْفَعُ الْمُؤْمِنِينَ ۝ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ

پند دادن نفع میدهد ۝ اهل ایمان را ۝ و نیافریدم من جن و آدمی را

إِلَّا لِيَعْبُدُونِ ۝ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ

مگر آنکه بپرستند مرا ۝ نمیخواهم از این مخلوقات هیچ روزی و نمیخواهم آنکه

يُطْعِمُونِ ۝ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ ۝ فَإِنَّ

طعام دهند مرا ۝ بدرستی که خدا اوست روزی دهنده خداوند توانائی استوار ۝ پس بدرستی که

لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذَنُوبًا مِثْلَ ذَنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونِ

آنانکه ستم کردند بهره ایست از عذاب مثل عذاب یاران ایشان پس نباید شتاب کنند

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ ۝

پس وای مر آنانرا که کافر شدند از عذاب روز ایشان آنکه وعده داده میشوند

سورة الطور ثمان وأربعون آية ومكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالطُّورِ ۝ وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ ۝ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ ۝ وَالْبَيْتِ

قسم بطور سینا ۝ و کتاب نوشته شده در صحیفه گشوده شده ۝ و قسم بخانه

یعنی برای نفع خود نافرمانی ایشان را و بقولی مراد آنست که نخواستیم از شما اینکه اطعام نمائید از آفریدگان را و اینکه اطعام نمائید آفریدگان را و اینکه اطعام نمائید آفریدگان همه عیال خداوند مند پس اطعام ایشان بمنزله اطعام خداست

محمد بن شاذان از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که هر که سوره والطور را بخواند حق سبحانه و تعالی خیر دنیا و آخرت باو کرامت فرماید

الْمَعْمُورِ ۝ وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ ۝ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ ۝ إِنَّ عَذَابَ

آباد آن ۝ و سقف بلند افراشته ۝ و سوگند بدریای پر آمده ۝ بدرستی که عذاب

رَبِّكَ لَوَاقِعٌ ۝ مَا لَهُ مِن دَافِعٍ ۝ يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا ۝

پروردگار تو هر آینه ۝ واقعست نیست مر او را هیچ دفع کننده ۝ روزیکه ۝ مضطرب شود آسمان مضطرب

وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا ۝ فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۝ الَّذِينَ هُمْ

و روان شود کوهها روان شدنی ۝ پس وای در آن روز مر تکذیب کنندگان را ۝ آنانکه ایشان

فِي خَوْضٍ يَلْعَبُونَ ۝ يَوْمَ يُدَعُّونَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعًّا ۝ هَٰذِهِ

در شر و رخ کردن با توان بازی می کنند ۝ روزیکه ۝ دفع کرده شوند بسوی آتش دوزخ ۝ دفع شدنی که این

النَّارُ الَّتِي كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ۝ أَفَسِحْرٌ هَٰذَا أَمْ أَنتُمْ لَا

آتش آنست که ۝ بود بدید ۝ شما که بآن تکذیب می کردید ۝ آیا پس سحر است این یا ۝ شما نه

تُبْصِرُونَ ۝ اصْلَوْهَا فَاصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا

می بینید عذابرا ۝ در آیید بدوزخ پس صبر کنید ۝ یا صبر نکنید ۝ یکسانست بر شما جزا این نه

تُجْزَوْنَ مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ ۝

که جزا داده میشوید آنچه بودید که میکردید ۝ بدرستی که پرهیزکاران در بهشتها ۝ و نعمتهایند

فَاكِهِينَ بِمَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ ۝ كُلُوا

متنعمان بسبب عطا کردن ایشانرا ۝ پروردگارشان و نگاه داشتن ایشانرا ۝ پروردگارایشان از عذاب دوزخ ۝ بخورید

وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ مُتَّكِئِينَ عَلَىٰ سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ ۝

و بیاشامید گوارنده بسبب آنچه بودید ۝ که میکردید ۝ در حالیکه تکیه زدگان باشند بر تختهای بهم نهاده

وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ ۝ وَالَّذِينَ آمَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم

و جفت کنیم ایشانرا ۝ بزنان سفید ۝ و آنانکه ۝ گرویدند و پیروی شدند ایشانرا ۝ فرزندانشان

بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُم مِّنْ عَمَلِهِم مِّن شَيْءٍ

بسبب ایمان ۝ درساینیم بایشان ۝ فرزندان ایشانرا ۝ و کم نکنیم ایشانرا ۝ از ثواب کردار ایشان ۝ هیچ چیز

كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ ۝ وَأَمْدَدْنَاهُم بِفَاكِهَةٍ وَلَحْمٍ

هر ۝ مردی بآنچه کسب کرده از کردار در گرو است ۝ و بفزاییم پرهیزکارانرا ۝ زیاده از آنچه دارند گوشت

از حضرت صادق صلوات الله علیه مرویست که اطفال مومنان در روز قیامت راه نموده میشوند بسوی پدران خود و در طرق عامه از امیر المومنین علیه السلام منقول است که رسول خدا فرمود که مومنان و فرزندان ایشان در بهشتند در روز قیامت و این آیه را تلاوت نمود

مِمَّا يَشْتَهُونَ ۝ يَتَنَازَعُونَ فِيهَا كَأْسًا لَّا لَغْوٌ فِيهَا وَلَا تَأْثِيمٌ

از آنچه آرزو کنند دادوستد کنند باهم در بهشت کاسه شراب را سخن بیهوده نباشد در آن و نه گناه کار

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَّهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ ۝ وَ

شدن وطواف کنند بر ایشان غلامان که مر ایشانرا گویا ایشان مروارید پوشیده اند و

أَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ ۝ قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي

روی آورند بعضی از ایشان بر بعضی در حالی که پرسند از هم گویند پیش ازین در پرستش که بودیم با پیش از زن در

أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ ۝ فَمَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا وَوَقَانَا عَذَابَ السَّمُومِ

میان خود ترسندگان از خدا بس منت نهاد خدا بر ما و نگاه داشت ما را از عذاب آتش سوزان

إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلُ نَدْعُوهُ ۖ إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ ۝ فَذَكِّرْ فَمَا أَنتَ

پرستش که ما بودیم پیش ازین که میپرستیدیم خدا را پرستش که او نیکوکار مهربان است پس پند ده ای محمد بقرآن پس نیستی تو

بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ ۝ أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ

بحق نعمت پروردگار خود خبر دهنده و نه دیوانه بلکه میگویند محمد شاعر است انتظار میبریم او را

بِهِ رَيْبَ الْمَنُونِ ۝ قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُم مِّنَ الْمُتَرَبِّصِينَ

بوی حادثه و مصیبت روزگار بگوای محمد انتظار برید هلاک را پس درستی که من با شما از جمله منتظرانم

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَامُهُم بِهَٰذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ ۝ أَمْ يَقُولُونَ

بلکه امر میکند ایشانرا عقول ایشان باین بلکه ایشان گروهی اند از حد در گذشتگان بلکه میگویند

تَقَوَّلَهُ ۚ بَل لَّا يُؤْمِنُونَ ۝ فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِن كَانُوا

گفار که بر ساخته محمد قرآن را نه چنانست بلکه ایمان نمی آورند پس باید که بیارند ایشان سخنی مانند قرآن اگر هستند

صَادِقِينَ ۝ أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمُ الْخَالِقُونَ ۝ أَمْ

راست گویان آیا آفریده شده اند بی چیزی یا ایشان آفرینندگان نفس خود اند یا

خَلَقُوا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ ۚ بَل لَّا يُوقِنُونَ ۝ أَمْ عِندَهُمْ

آفریده اند آسمانها و زمین را نه چنانست بلکه یقین ندارند بآن یا نزد ایشانست

خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمُ الْمُصَيْطِرُونَ ۝ أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ

خزینه های پروردگار تو یا ایشان خداوندانند بر شما یا مر ایشانرا ست از دبانی که بآسمان رفته بشنوند

فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ ۝ أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ

در آن کلام ملائکه را پس باید که بیاورد شنوندهٔ ایشان حجتی روشن بر فتن آسمان یا مر خدا راست دختران

وَلَكُمُ الْبَنُونَ ۝ أَمْ تَسْئَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ۝

و مر شما راست پسران آیا سؤال میکنی از ایشان مزدی پس ایشان از التزام تاوان آن گرانبار نه

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُبُونَ ۝ أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ

یا نزد ایشانست آنچه در غیب نوشته شده پس ایشان بنویسند یا آنکه میخواهند مکری و حیله در بارهٔ تو پس آنانکه

كَفَرُوا هُمُ الْمَكِيدُونَ ۝ أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا

کافر شدند ایشانند گیرندگان کید کردهٔ شدگان یا مر ایشانرا هست معبودی غیر خدا پاکست خدا از آنچه

يُشْرِكُونَ ۝ وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ

شرک می آورند و اگر ببینند پاره از آسمان فرو آیند بر ایشان میگویند ابر غلیظ انبار

مَرْكُومٌ ۝ فَذَرْهُمْ حَتَّى يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ ۝

بر است بر هم نشسته پس گذار ایشانرا تا به بینند آن روز خود را که در آن روز هلاک کرده شوند

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنْصَرُونَ ۝ وَإِنَّ لِلَّذِينَ

روزی دفع کرده نشود از ایشان مکر ایشان چیزی از عقاب از ایشان یاری کرده شوند و بدرستی که مر آنانرا که

ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَٰلِكَ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَاصْبِرْ

ستم کردند عذابیست غیر از عذاب آخرت ولیکن بیشتر ایشان نمیدانند و صبر کن

لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ

مر حکم پروردگار خود را پس بدرستی تو در حفظ مائی و تسبیح کن خدای را مقرون بحمد پروردگار خود وقتیکه برخیزی از خواب

سورة النجم اثنتان وستون آية مكية

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ

و بعضی از شب پس نماز کن در برگشتن ستارها

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

نام خدای بخشاینده مهربان

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ ۝ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ۝ وَمَا يَنْطِقُ

قسم بستاره وقتی که بهبوط کند گمراه نشد مصاحب شما محمد و نه خطا کرد و سخن نگفت

یعنی
کربزخیزید و تسبیح
پروردگار خود گویید و از امیرالمؤمنین
علیه السلام مرویست که فرمود که هر که
دوست دارد که کیله کرده شود یعنی بوات
او پس باید که باشد آخر سخن او در هر مجلسی
سبحان ربک رب العزة عما یصفون و
سلام علی المرسلین و الحمد لله
رب العالمین

تمت

این ابی خلیفه از ابی عبد الله
علیه السلام روایت کرده است که هر که
در روز یا در شب سوره نجم را بخواند
در میان مردمان سود کند
و در عالمیان عزیز
باشد

سورة النجم

حضرت رسالت پناه صلی الله علیه وآله وسلم را دو حالت است یکی آنکه در آسمان بود و دیگر آنکه در زمین بود و در هر حالتی دو حالت دیگر بود یکی آنکه بیدار بود و دیگر آنکه خواب بود پس در آسمان بیداری را معراج گویند و خواب را رؤیا و در زمین بیداری را دعوت گویند و خواب را مبشرات و در هر یک از این احوال معجزه ای ظاهر شد و در این سوره هر دو حالت را یاد کرده است

عَنِ الْهَوٰى ۝ اِنْ هُوَ اِلَّا وَحْيٌ يُّوْحٰى ۝ عَلَّمَهٗ شَدِيْدُ الْقُوٰى

از روی نفس نیست نطق او مگر وحی که فرو آمد وی را شدید القوی آموزانید پیغمبر را فرشته که سخت قوت است

ذُوْ مِرَّةٍ ۭ فَاسْتَوٰى ۝ وَهُوَ بِالْاُفُقِ الْاَعْلٰى ۝ ثُمَّ دَنٰى فَتَدَلّٰى

صاحب خرد پس راست بایستاد و او در کنار بلند تر بود از دنیا پس نزدیک شد پیغمبر بس آنگاه

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ اَوْ اَدْنٰى ۝ فَاَوْحٰٓى اِلٰى عَبْدِهٖ مَآ اَوْحٰى

جبرئیل پس بود مقدار دو کمان یا نزدیک تر پس وحی کرد بسوی بنده خود که محمد است آنچه وحی

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَاٰى ۝ اَفَتُمٰرُوْنَهٗ عَلٰى مَا يَرٰى ۝ وَلَقَدْ

کرد دروغ نگفت دل محمد آنچه دید آیا مجادله میکنید با محمد بر آنچه دید معراج و بتحقیق

رَاٰهُ نَزْلَةً اُخْرٰى ۝ عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهٰى ۝ عِنْدَهَا جَنَّةُ

دید محمد جبرئیل را بصورت خود یکبار دیگر نزدیک درخت سدره المنتهی نزد آن سدره است بهشتی که

الْمَاْوٰى ۝ اِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشٰى ۝ مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا

مقام صالحان است وقتی که پوشیده بود سدره را آنچه پوشیده بود میل نکرد دیدهٔ محمد و

طَغٰى ۝ لَقَدْ رَاٰى مِنْ اٰيٰتِ رَبِّهِ الْكُبْرٰى ۝ اَفَرَءَيْتُمُ اللّٰتَ

در نگذشت از آنچه که مامور بود و قسم بخدا که دید از نشانهای بزرگ کار خود که بزرگترین نشانها بود آیا پس دید لات

وَالْعُزّٰى ۝ وَمَنٰوةَ الثَّالِثَةَ الْاُخْرٰى ۝ اَلَكُمُ الذَّكَرُ وَلَهُ

و عزی را و بت منات که بت سیم است که یکی دیگر اصنام بود آیا مر شماراست فرزند نر و مر خدای را

الْاُنْثٰى ۝ تِلْكَ اِذًا قِسْمَةٌ ضِيْزٰى ۝ اِنْ هِيَ اِلَّآ اَسْمَآءٌ سَمَّيْتُمُوْهَآ

فرزند ماده این قسمت در این هنگام قسمتی است ناراست نیستند این بتان مگر اسمی چند که نام نهاده اید

اَنْتُمْ وَاٰبَآؤُكُمْ مَّآ اَنْزَلَ اللّٰهُ بِهَا مِنْ سُلْطٰنٍ ۭ اِنْ يَّتَّبِعُوْنَ

آنرا شما و پدران شما فرو نفرستاده خدا بآن هیچ حجتی پیروی نمیکنند

اِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْاَنْفُسُ ۚ وَلَقَدْ جَاۗءَهُمْ مِّنْ رَّبِّهِمُ

مشرکان مگر گمان را و آنچه آرزو میکند آنرا نفسها و بتحقیق آمد ایشان را از پروردگار ایشان

الْهُدٰى ۝ اَمْ لِلْاِنْسَانِ مَا تَمَنّٰى ۝ فَلِلّٰهِ الْاٰخِرَةُ وَالْاُوْلٰى

آنچه سبب هدایت ایشانست آیا مر آدمی را آنچه آرزو کند هست پس مر خدا راست آخرت و دنیا

در مجمع البیان تفسیر کرده شدید القوی را جبرئیل که بتحقیق صاحب قوت است چنانکه شهر لوط بدان علیه السلام را از طبقه هفتم گنده بال خود بالا برد تا بجائی که فرشتگان آسمان صدای سگهای آنرا می شنیدند و از آنجا سرنگون نمود و ارشدت قوت نعره او قوم ثمود و جمعی دیگر هلاک

وَكَمْ مِنْ مَلَكٍ فِي السَّمٰوٰتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا مِنْ
وبسیاری از فرشتگان در آسمانهاست که شفاعت ایشان را هیچ سود ندهد شفاعت ایشان
بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللّٰهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضٰى ۝ إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ
جز بر آنکس که رخصت دهد خدا برای هر که خواهد و بپسندد و بدرستی که آنانکه
بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةَ الْأُنْثٰى ۝ وَمَا لَهُمْ
باخرت نمی آرند فرشتگان را نام نهادن زنان و نیست مر ایشان را
بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ
بآن هیچ دانشی پیروی نمی کنند مگر گمان را و بدرستی که گمان سود نمیدهد از حقیقت
شَيْئًا ۝ فَأَعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلّٰى ۝ عَنْ ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيٰوةَ
چیزی را پس روی بگردان از آنکه روی میگرداند از ذکر ما که قرآنست و نخواستند مگر زندگانی
الدُّنْيَا ۝ ذٰلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ
دنیا را این دوستی دنیا غایت رسیدن ایشان است از علم بدرستی که پروردگار تو اوست داناتر
عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدٰى ۝ وَلِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ
از راه حق و او داناتر است آنانکه راه یافتند و مر خداراست آنچه در آسمانهاست
وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَاءُوا بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ
و آنچه در زمینست تا جزا دهد آنانرا که بد کردند بعقوبت آنچه عمل کردند و تا جزا دهد آنانرا
أَحْسَنُوا بِالْحُسْنٰى ۝ الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَ
که نیکوئی کردند بمثوبت نیکو آنانکه اجتناب میکنند از کبایر گناه و کبیره ای
الْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ إِنَّ رَبَّكَ وَاسِعُ الْمَغْفِرَةِ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ
فاحشه جز زنا مگر آنچه صغیره باشد بدرستی پروردگار تو بسیار آمرزش است او داناتر است بشما
إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ
در وقتیکه پیدا کرد شما را از زمین و وقتی که شما خرد بودید در شکمهای مادران شما
فَلَا تُزَكُّوا أَنْفُسَكُمْ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقٰى ۝ أَفَرَأَيْتَ الَّذِي

پس نسبت مدهید پاکیزگی نفسهای خود را او داناتر است بکسی که تقوی کند آیا پس دیدی آنکس را

از حضرت صادق علیه السلام

مرویست که در تفسیر این آیه کریمه فرمود که فواحش زنا و سرقه است و لمم آنست که شخصی گناهی افتد و توبه کند و عبارت امنت اللهم الرجل یلم بالذنب فیستغفر الله منه و در باب اللمم از آنحضرت مرویست که فرمود که هیچ مؤمنی نیست مگر آنکه گناهی از وی صادر شود که بعد از آن نادم میشود و مدتها ترک میکند پس باز بسر آن می آید و امنت معنی گفتار خداوند الا اللمم

تَوَلّٰى ۝ وَاَعْطٰى قَلِيلًا وَّاَكْدٰى ۝ اَعِنْدَهٗ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهُوَ

روی گردانید از حق و داد اندک از مال خود رشوت و باز داشت باقی را آیا نزد اوست دانش پوشیده پس او

يَرٰى ۝ اَمْ لَمْ يُنَبَّاْ بِمَا فِيْ صُحُفِ مُوْسٰى ۝ وَاِبْرٰهِيْمَ الَّذِيْ وَفّٰٓى

بیند اندازها یا خبر داده نشده باو آنچه در صحیفه های موسی است و آنچه در صحیفه ابراهیم است که تمام وفا کرد آن

اَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِّزْرَ اُخْرٰى ۝ وَاَنْ لَّيْسَ لِلْاِنْسَانِ اِلَّا مَا سَعٰى

و آن آنست که برندارد هیچ برداره گناه دیگری را و آنکه نیست مر آدمی را مگر ثواب آنچه

وَاَنَّ سَعْيَهٗ سَوْفَ يُرٰى ۝ ثُمَّ يُجْزٰىهُ الْجَزَآءَ الْاَوْفٰى ۝ وَاَنَّ

سعی کند و آنکه آدمی سعی خود را زود باشد که به بیند در قیامت پس پاداش داده شود باداش تمامتر و آنکه

اِلٰى رَبِّكَ الْمُنْتَهٰى ۝ وَاَنَّهٗ هُوَ اَضْحَكَ وَاَبْكٰى ۝ وَاَنَّهٗ هُوَ اَمَاتَ

بسوی پروردگار تست نهایت کار خلایق و بنزد او میخندانند مومن را و میگریاند کافر را در قیامت و آنکه او

وَاَحْيٰى ۝ وَاَنَّهٗ خَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْاُنْثٰى ۝ مِنْ نُّطْفَةٍ

زنده میگرداند و آنکه آفرید از حیوانات دو صنف نر و ماده از آب منی

اِذَا تُمْنٰى ۝ وَاَنَّ عَلَيْهِ النَّشْاَةَ الْاُخْرٰى ۝ وَاَنَّهٗ هُوَ اَغْنٰى وَاَقْنٰى

وقتیکه جدا کرده شود از ایشان آنکه برخاست آفرینش دیگر در قیامت و آنکه اوست خدای تو انگر و بدهنده

وَاَنَّهٗ هُوَ رَبُّ الشِّعْرٰى ۝ وَاَنَّهٗ اَهْلَكَ عَادًا الْاُوْلٰى ۝ وَثَمُوْدَ

که سر مایه زد و آنکه اوست پروردگار ستاره شعری و آنکه اوست که هلاک کرد قوم عاد اول را و هلاک کرد قوم ثمود را

فَمَآ اَبْقٰى ۝ وَقَوْمَ نُوْحٍ مِّنْ قَبْلُ اِنَّهُمْ كَانُوْا هُمْ اَظْلَمَ وَاَطْغٰى ۝

پس باقی نگذاشت کسی را از قوم نوح را هلاک کرد پیش از عاد و ثمود پرستی که ایشان ظالمتر و سرکش تر

وَالْمُؤْتَفِكَةَ اَهْوٰى ۝ فَغَشّٰىهَا مَا غَشّٰى ۝ فَبِاَيِّ اٰلَآءِ رَبِّكَ

و شهرهای قوم لوط را بیفکند بعد از بلندی پس بپوشانید او را آنچه بپوشانید پس کدام یک از نعمتهای پروردگار

تَتَمَارٰى ۝ هٰذَا نَذِيْرٌ مِّنَ النُّذُرِ الْاُوْلٰى ۝ اَزِفَتِ الْاٰزِفَةُ ۝ لَيْسَ

خود شک میکنی این پیغمبر که محمد است هم کننده ایست از جنس هم کنندگان اول و نزدیک شد قیامت نیست وقت آن

لَهَا مِنْ دُوْنِ اللّٰهِ كَاشِفَةٌ ۝ اَفَمِنْ هٰذَا الْحَدِيْثِ تَعْجَبُوْنَ ۝ وَ

آنرا بجز از خدا کسی که ظاهر کننده آن باشد آیا پس از این سخن که قرآنست تعجب میکنید و

سورة النجم

غرض
سرآغاز و توضیح جمعی از
قریش است که ستاره شعری را
می پرستیدند گویند ایشان قبیله
جراعه بودند

عاد اولی
عبارت اند از قوم عمود که از
نسل عاد بن ارم بوده و اعقاب
ایشانرا عاد اخری
می گفتند

البسمله سوره ایست
که گریند افرایت الذی تولی تا
آخر هفت آیه در باب عثمان بن عفان
نازل شده که روگردان از جهاد شد در روز
احد و کرخت صدقه و انفاق مال خود نمود
تا آنکه عبدالله بن سعد بن ابی سرح که برادر
رضاعی او بود گفت این چه کاریست که میکنی
نزدیکست مالت تمام شود عثمان گفت گناه
بسیار کرده ام امید دارم که ببرکت این صدقات
حق تعالی از من عفو نماید عبدالله گفت اگر شتر خود را
بازین بخشی من متحمل گناهان تو شوم عثمان چنان کرد
و گواهی بر این مدعا گرفت

تَضحَكُونَ وَلَا تَبكُونَ وَأَنتُم سَامِدُونَ فَاسجُدُوا لِلَّهِ وَاعبُدُوا

میخندید و نمیگریید و شما بازی کننده و غافلانید پس سجده کنید مر خدایرا و پرستید او را

سورة القمر خمس وخمسون آية مكية

بِسمِ اللَّهِ الرَّحمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اقتَرَبَتِ السَّاعَةُ وَانشَقَّ القَمَرُ وَإِن يَرَوا آيَةً يُعرِضُوا وَ

نزدیک شد قیامت و شکافته شد ماه و اگر به بینند نشانی از قرآن اعراض کنند و

يَقُولُوا سِحرٌ مُستَمِرٌّ وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهوَاءَهُم وَكُلُّ أَمرٍ مُستَقِرٌّ

گویند این جادویست دایم و تکذیب کردند و پیروی نمودند آرزوهای خود را و هر کاری قرار گیرنده است بجای خود

وَلَقَد جَاءَهُم مِنَ الأَنبَاءِ مَا فِيهِ مُزدَجَرٌ حِكمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغنِ

و بتحقیق که آمد اهل مکه را از اخبار گذشته آنچه در آن بازداشتن است حکمتی است تمام پس نفع نمیدهد

النُّذُرُ فَتَوَلَّ عَنهُم يَومَ يَدعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيءٍ نُكُرٍ خُشَّعًا

پیم کنندگان پس روی گردان از ایشان روزیرا که بخواند خواننده مردم را بسوی چیزی زشت که خوار باشد

أَبصَارُهُم يَخرُجُونَ مِنَ الأَجدَاثِ كَأَنَّهُم جَرَادٌ مُنتَشِرٌ مُهطِعِينَ

چشمهای ایشان از هول برون می آیند از قبرهای گویا ایشان ملخ پراکنده اند که شتاب کنندگان باشند

إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الكَافِرُونَ هَٰذَا يَومٌ عَسِرٌ كَذَّبَت

بسوی خواننده و گویند کافران این روزیست دشوار تکذیب کردند

قَبلَهُم قَومُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبدَنَا وَقَالُوا مَجنُونٌ وَازدُجِرَ فَدَعَا

پیش از ایشان قوم نوح پس دروغ داشتند بنده ما نوح را و گفتند او دیوانه است و باز داشته شده پس خواند

رَبَّهُ أَنِّي مَغلُوبٌ فَانتَصِر فَفَتَحنَا أَبوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنهَمِرٍ

پروردگار خود را بدرستی منم مغلوب پس یاری کن مرا پس بگشادیم درهای آسمان را بآبی فراوان

وَفَجَّرنَا الأَرضَ عُيُونًا فَالتَقَى المَاءُ عَلَىٰ أَمرٍ قَد قُدِرَ وَحَمَلنَاهُ

و روان ساختیم زمین چشمها پس تلاقی شد آب آسمان بر حالیکه اندازه کرده شده بود و برداشتیم او را

واجبه سجده

از ابو عبد الله علیه السلام روایتست که هر که سوره قمر را بخواند خداوند تعالی او را در وقت خروج از قبر برنائه از ناقهای بهشت سوار کند و بهشت عدن رساند

باجماع اهل اسلام مراد از انشقاق قمر در این آیه شکافته شدن ماه در شب بدر که قرص ماه تمام بود و ظهور این معجزه از دست معجزنمایی آنحضرت بصحت پیوسته متواتر بلکه بضرورت مذهب اسلام است و از چیزهای معلوم است که ماه بدر باشاره آنحضرت بدو شق شد بحدی که نیمه آن بر سر این کوه و نیمه دیگر بر سر آن کوه بود یعنی کوه صفا و مروه و از عبد الله بن مسعود مشغول است که گفت قسم بآنکه روح من در قبضه قدرت اوست که دیدم کوه حرا را در میان

عَلىٰ ذاتِ اَلْواحٍ وَدُسُرٍ تَجْرِي بِاَعْيُنِنا جَزاءً لِمَنْ كانَ كُفِرَ

نوحرا برکشتی که خداوند میخها و تخته ها بود میرفت آن کشتی بحفظ و حراست ما برای جزای هر که کافر بود

وَلَقَدْ تَرَكْناها آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ فَكَيْفَ كانَ عَذابِي

و بتحقیق که باقی گذاشتیم این قصه را نشانه پس آیا هیچ پند گیرنده است پس چگونه بود عذاب من

وَنُذُرِ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ

و بیم کردن من و هر آینه آسان گردانیدیم ما قرآن را برای یاد کردن امم پس آیا هیچ قبول کننده هست

كَذَّبَتْ عادٌ فَكَيْفَ كانَ عَذابِي وَنُذُرِ إِنَّا أَرْسَلْنا عَلَيْهِمْ

تکذیب کرد عاد هود را پس چگونه بود عذاب کردن من و بیم کردن من بدرستی که ما فرستادیم بر ایشان

رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجازُ

بادی بغایت سرد در روز نحسی که استمرار داشت بر میکند آن باد مردم را گویا ایشان تنهای درخت

نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ فَكَيْفَ كانَ عَذابِي وَنُذُرِ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا

خرما بودند برکنده شده پس چگونه بود عذاب من و بیم کردن من و بدرستی که آسان گردانیدیم ما

الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذُرِ

قرآن را برای پند گرفتن پس آیا هیچ پند گیرنده هست تکذیب کردند قوم ثمود صالح را بیم کردن

فَقالُوا أَبَشَرًا مِنَّا واحِدًا نَتَّبِعُهُ إِنَّا إِذًا لَفِي ضَلالٍ وَسُعُرٍ

پس گفتند آیا آدمی را که از جنس ماست تنها که خویشی ندارد در پیروی کنیم بدرستی که ما آنوقت در گمراهی و آتشیم

أَأُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنا بَلْ هُوَ كَذّابٌ أَشِرٌ سَيَعْلَمُونَ

آیا القا شده وحی بر او از میان ما بلکه او دروغگوییست ناپسند منکر رونده باشد که بدانند

غَدًا مَنِ الْكَذّابُ الْأَشِرُ إِنَّا مُرْسِلُوا النّاقَةِ فِتْنَةً لَهُمْ

فردا کیست دروغگوی ناپسند بدرستیکه ما فرستادیم شتر را برای امتحان ایشان

فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ وَنَبِّئْهُمْ أَنَّ الْماءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ

پس نگاه بان باش ایشان را و صبر کن و آگاه کن ایشان را بدرستی که آب چشمه بخش شده میان ایشان هر نصیبی از آن

مُحْتَضَرٌ فَنادَوْا صاحِبَهُمْ فَتَعاطى فَعَقَرَ فَكَيْفَ كانَ عَذابِي

حاضر شده پس بخواندند قوم ثمود یار خود را پس بگرفت شمشیر خود را پس پی کرد ناقه را پس چگونه بود عذاب من

در عهد آنحضرت واقع بودی
بایستی که هر که در روی زمین است بیند
و این بی صورت است که گاه باشد که بر گرد مردم
مخفی شده باشد بعلت ابر و غبار و بعلت اختلاف
آفاق زمین لامحاله ما در آنوقت در زیر زمین
بوده و دیگر آنکه این حکایت در شب واقع شد
و گشتن مردمان آنوقت در خواب و در جاهای
مسقف بوده و در زیر آسمان هم اگر باشند ضرور
نیست که مطلع بر آن واقعه شوند بعلت عدم
التفات باسمان و اشتغاق قرهم امتدادی
نداشته بلکه لحظه بوده مانند ستاره که میجهد و کی
مطلع بر آن میشود و اکثر نمی یابند و بالجمله ما توانیم
این حکایت که مفید علم قطعی است
انکار او باین شبهه ها صعوبت
والله یعلم

وَنُذُرِ ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ

و بیم کردن من بدرستی که ما فرستادیم بر ایشان یک فریاد جبرئیل پس گشتند مانند درخت خشک

ٱلْمُحْتَظِرِ ۝ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا ٱلْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ ۝

در هم شکسته و بدرستی که آسان گردیم ما قرآن را برای پند گرفتن پس آیا هیچ پند گیرنده هست

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍۭ بِٱلنُّذُرِ ۝ إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا

تکذیب کردند قوم لوط را به پیم کردن بدرستی که ما فرستادیم بر ایشان باد سنگ پارنده

إِلَّآ ءَالَ لُوطٍ ۖ نَّجَّيْنَٰهُم بِسَحَرٍ ۝ نِّعْمَةً مِّنْ عِندِنَا ۚ كَذَٰلِكَ نَجْزِى

مگر لوط و اولاد لوط را رهانیدیم ایشانرا بوقت سحر انعامی از نزد ما همچنان که جزا دادیم ایشانرا

مَن شَكَرَ ۝ وَلَقَدْ أَنذَرَهُم بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِٱلنُّذُرِ ۝

جزا میدهیم هر که سپاس دارد و بتحقیق که ترسانید ایشانرا از شدت گرفتن ما پس شک آوردند بان بیم کردن

وَلَقَدْ رَٰوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِۦ فَطَمَسْنَآ أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِى

و بتحقیق که طلبیدند لوط را از مهمانان او پس بر کردیم چشمهای ایشانرا پس بچشید عذاب مرا

وَنُذُرِ ۝ وَلَقَدْ صَبَّحَهُم بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ ۝ فَذُوقُوا

و بیم کردن مرا و بتحقیق که بامداد کردند قوم لوط را در اول روز عذابی قرار گرفته پس بچشید

عَذَابِى وَنُذُرِ ۝ وَلَقَدْ يَسَّرْنَا ٱلْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِن مُّدَّكِرٍ ۝

عذاب مرا و بیم کردن مرا و بدرستی که ما آسان گردیم قرآن را برای موعظه پس آیا هیچ پند شنونده هست

وَلَقَدْ جَآءَ ءَالَ فِرْعَوْنَ ٱلنُّذُرُ ۝ كَذَّبُوا۟ بِـَٔايَٰتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَٰهُمْ

و بتحقیق آمد بفرعون و آل او بیم کردن تکذیب کردند آیات ما را همه پس گرفتیم ایشانرا

أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ ۝ أَكُفَّارُكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أُو۟لَٰٓئِكُمْ أَمْ لَكُم

گرفتنی غالب با شدت توانا بر هلاک آیا کافران شما بهتر اند از آن در نوشتهای پیشینیان یا شما راست

بَرَآءَةٌ فِى ٱلزُّبُرِ ۝ أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرٌ ۝ سَيُهْزَمُ

برائی در کتابهای آسمان یا میگویند کفار که ما گروه جمع شده ایم انتقام کشنده زود باشد که هزیمت کرده

ٱلْجَمْعُ وَيُوَلُّونَ ٱلدُّبُرَ ۝ بَلِ ٱلسَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَٱلسَّاعَةُ أَدْهَىٰ

شوند این جمع و برگردانند پشتهای خود را بلکه روز قیامت وعده ایشانست و قیامت بقطع تر

وَأَمَرُّ

خطاب با قریش است

و حاصل معنی انکه شما که ایمان نمی

آورید ای قریش باعتبار آنست که شمایید

قوی تر از قوم عاد و ثمود و امثال ایشان

از کشتگان بجنگی که توانید دفع نمود عذاب

آلهی را از خود یا برای شما برات سلمی از عذاب

خدا در کتابهای سماوی آمده یا توانید دفع

هم نمود هیچک واقع نیست پس حذر از عذاب

آلهی نمیتوانید و نمیکنید

وَامْرُ ۞ اِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ ۞ يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي

و فعرانست بدرستیکه گناهکاران در گمراهیند و آتش سوزان روزی که کشیده شوند در

النَّارِ عَلَى وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ ۞ اِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ

آتش بر روهای خود بچشید سوختن دوزخ را بدرستی که ما چیزی را آفریدیم

بِقَدَرٍ ۞ وَمَا اَمْرُنَا اِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ ۞ وَلَقَدْ

باندازه خود و نیست فرمودن ما مگر کلمه واحده مانند گردیدن بچشم و بدرستی که

اَهْلَكْنَا اَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ ۞ وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي

هلاک کردیم ما اشباه شما را پس آیا هیچ پند گیرنده هست و هر چیزی را که کرده اند نوشته در

الزُّبُرِ ۞ وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌ ۞ اِنَّ الْمُتَّقِينَ

نامهای اعمال و هر خردی و بزرگی نوشته شده بدرستی پرهیزکاران

فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ ۞ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ

در بوستانها باشند و نهرها در مکان پسندیده نزد پادشاهی مقتدر

سورة الرحمن مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ۞

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اَلرَّحْمٰنُ ۞ عَلَّمَ الْقُرْاٰنَ ۞ خَلَقَ الْاِنْسَانَ ۞ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ

خداوند بخشاینده آموخت به پیغمبر خود قرآن را آفرید انسان را بیاموخت او را روشنی بیان

اَلشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ ۞ وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ ۞

آفتاب و ماه بحسابی مقدر میروند و گیاه بی ساق و ستاره و درخت سجده میکنند خدا را

وَالسَّمَآءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ ۞ اَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ

و آسمان را برداشت بر بالای زمین و وضع کرد ترازو را تا تجاوز نکنید در میزان

وَاَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ ۞ وَالْاَرْضَ

و بپای دارید سنجیدن را بعدل و کم نکنید ترازو را و زمین را

نصف

از حضرت امام موسی کاظم مرویست که هر چیزی را عروسیست و عروس قرآن سوره الرحمن است و از امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که هر که سوره الرحمن را هر روز جمعه بخواند و هر کار که دارد بر آسان شود و از پیغمبر صلی الله علیه و آله روایت کرده که هر که سوره الرحمن را بخواند در شبهای آدینه بر نعمتهای خدا شکر کند و از عذاب آتش ایمن باشد و از حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله مرویست که هر که سوره الرحمن را بخواند در شب جمعه حق تعالی دو فرشته را موکل گرداند که نگهبان او باشند تا صبح و اگر صبح بخواند نیز دو ملک را موکل گرداند که حافظ او باشند تا شب

وَضَعَهَا لِلْاَنَامِ ۞ فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْاَكْمَامِ ۞

نهاد در روی آب برای آدمیان ۞ در زمین انواع میوه‌هاست و درخت خرما که خداوند ۞ غلاف‌ها است

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ ۞ فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞

و دانه ایست که صاحب برگ خشک است و ریحانست ۞ پس بکدام یک از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنید

خَلَقَ الْاِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ ۞ وَخَلَقَ الْجَآنَّ مِنْ

آفرید ۞ آدمی را ۞ از گل خشک مجوف مانند گل پخته ۞ و آفرید جانوران ۞ از

مَّارِجٍ مِّنْ نَّارٍ ۞ فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ

آتش ۞ متحرک ۞ پس بکدام یک از نعمتهای پروردگار تکذیب می کنید ۞ پروردگار دو مشرق

وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ ۞ فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ مَرَجَ

و پروردگار دو مغرب ۞ پس بکدام یک از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید ۞ روان کرد

الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ ۞ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَّا يَبْغِيَانِ ۞ فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا

دو دریا را که بهم میرسند ۞ میان آن دو دریا مانعی است از حکمی که فرمانی نمیجویند ۞ پس بکدام یک از نعمتهای

تُكَذِّبَانِ ۞ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ ۞ فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ

پروردگار خود تکذیب می کنید ۞ پرون می آید از این دو دریا مروارید بزرگ و مروارید کوچک ۞ پس بکدام یک از نعمتهای

رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنْشَاٰتُ فِي الْبَحْرِ كَالْاَعْلَامِ ۞

پروردگار خود تکذیب می کنید ۞ و مر خداراست کشتیهای روندهٔ برداشته بادبانها در دریا مانند کوهها

فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ ۞ وَيَبْقٰى

پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید ۞ هر که بر روی زمینست فانی است ۞ و باقی ماند

وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ ۞ فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا

ذات پروردگار تو که صاحب عظمت ۞ و غنای مطلق است ۞ پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود

تُكَذِّبَانِ ۞ يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ

تکذیب می کنید ۞ سؤال میکند از و هر که در آسمانهاست ۞ و زمینست ۞ هر روزی او

فِي شَاْنٍ ۞ فَبِاَيِّ اٰلَاۤءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ ۞ سَنَفْرُغُ

در کاریست ۞ پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید ۞ زود باشد که فارغ شویم

در مجمع البیان از عوالی آفتاب

حکایت کرده که مروارید از دریای شور نهاست و نه از آب شیرین نهاست بلکه از محل تلاقی این دو آب بهم میرسد و امتزاج این دو آب داخل در حصول این دارد و بنابراین وجه تثنیه ضمیر ظاهر است و در مجمع البیان از سلمان فارسی رضی الله عنه و سعید ابن جبیر روایت کرده که مراد از بحرین علی و فاطمه و از برزخ محمد صلی الله علیه و آله و از لؤلؤ و مرجان حسنین علیهما السلام که از آن دو دریای علم بوجود آمده اند و ظاهر این است که تاویل باطن آیه کریمه است و ظاهرش همان است که اول گفته شد

فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ ۝ یَا مَعْشَرَ

برای شما ای گروه جن و انس پس کدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید ای گروه

الْجِنِّ وَالْاِنْسِ اِنِ اسْتَطَعْتُمْ اَنْ تَنْفُذُوا مِنْ اَقْطَارِ السَّمٰوٰتِ

جن و آدمیان اگر توانید شما آنکه بیرون روید از کنارهای آسمانها

وَالْاَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُوْنَ اِلَّا بِسُلْطَانٍ ۝ فَبِاَیِّ

و از زمین پس بیرون روید بیرون نمیتوانید رفت مگر بتسلط پس کدام

اٰلَآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ ۝ یُرْسَلُ عَلَیْکُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ

از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید فرستاده شود بر شما زبانه تند از آتش

وَّنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ ۝ فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ ۝

و دودی سیاه بامس گداخته پس باری نتوانید کرد پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید

فَاِذَا انْشَقَّتِ السَّمَآءُ فَکَانَتْ وَرْدَةً کَالدِّهَانِ ۝ فَبِاَیِّ

پس چون بشکافد آسمان پس گردد مانند گل سرخ چون روغن زیت پس بکدام

اٰلَآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ ۝ فَیَوْمَئِذٍ لَّا یُسْئَلُ عَنْ ذَنْۢبِهٖٓ

از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید پس در آن روز سؤال کرده نشود از گناه خود

اِنْسٌ وَّلَا جَآنٌّ ۝ فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ ۝ یُعْرَفُ

آدمی و نه جن پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید شناخته میشود

الْمُجْرِمُوْنَ بِسِیْمٰهُمْ فَیُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِیْ وَالْاَقْدَامِ ۝ فَبِاَیِّ

گناهکاران بسیاهی روی پس گرفته بموهای پیشانی و قدمها پس بکدام

اٰلَآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ ۝ هٰذِهٖ جَهَنَّمُ الَّتِیْ یُکَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُوْنَ

از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنید این آن دوزخیست که تکذیب میکردند بآن گناهکاران

یَطُوْفُوْنَ بَیْنَهَا وَبَیْنَ حَمِیْمٍ اٰنٍ ۝ فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ ۝

طواف کنند میان دوزخ و میان آب بغایت گرم شده پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنید

وَلِمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهٖ جَنَّتٰنِ ۝ فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّکُمَا

و از برای کسیکه بترسد از ایستادن نزد پروردگار خود دو بهشت پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود

بقول
اکثر مفسرین مراد از
این دو بهشت آدمیان آنست
مردگانرا از قبرها و علت عدم سؤال آنست
که گناهکاران و نیکوکاران از یکدیگر ممتاز میشوند
ایشان که آنها سیاه روو انهها سفید روند تا اگر
خطائی هریک را میشناسد و احتیاج بسؤال
ندارد در معرفت ایشان و از حضرت امام رضا
مرویست که فرمود فیومئذ لا یسئل عن ذنبه
انس ولا جان یعنی خطاب در این آیه با شیعیان است
و غرض آنست که هر که با عتقاد حق از دنیا رود
هر چند که گناه باشد از جنیان و آدمیان در
روز قیامت سؤال از گناه او واقع نخواهد شد
بلکه بفضل الهی عفو از گناه او می شود یا در عالم
برزخ عذابی که مستحق اوست واقع خواهد شد
گناه باشد بسکرات موت جزای او بعمل آید
و بهر حال در روز قیامت بگناه
محشور گردد چنانچه از
اخبار دیگر مستفاد
میشود

تُكَذِّبَانِ ذَوَاتَا أَفْنَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

تکذیب می کنند این دو جنت صاحب شاخهای درخشند پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنند

فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

در آن دو جنت دو چشمه است که روانست پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنند

فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا

در این دو بهشت از هر نوع میوه دو صنف اند پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود

تُكَذِّبَانِ مُتَّكِئِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَ

تکذیب میکنند در حالی که تکیه کنندگان باشند بر فرشهائی که آستر آنها از دیبای ستبر است و

جَنَا الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِنَّ

میوه چیدن آن دو بهشت نزدیکست پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنند در این بهشتها

قَاصِرَاتُ الطَّرْفِ لَمْ يَطْمِثْهُنَّ إِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ فَبِأَيِّ

کوتاه چشمان باشند که بجز زوج خود بدیگری نگریسته نباشد ایشان را آدمی پیش از ایشان و نه جنیان پس بکدام

آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ

از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنند گویا آن حوریان یاقوتند در سبزی و مروارید در خوردی

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ

پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنند آیا پاداش نیکوئی باشد

إِلَّا الْإِحْسَانُ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ وَمِنْ

مگر نیکوئی پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنند و از

دُونِهِمَا جَنَّتَانِ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ مُدْهَامَّتَانِ

نزدیک آن دو بستان دو بستان دیگرست پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنند بسیار سبز شاخ

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ

باشند پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنند در این دو جنت باشند دو چشمه جوشنده

فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَنَخْلٌ وَ

پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنند در آن دو بهشت میوه است و درخت خرما و

تفسیر عیاشی

سند او از علی بن اسلام مرویست که گفت شنیدم از حضرت ابو عبد الله که میفرمود آیتی در کتاب الهی هست که عام و محکم است گفتم کدام آیت است فرمود هل جزاء الاحسان الا الاحسان شامل مومن و کافر نیکوکار و بدکردار است گفتم که در دنیا نسبت بوی احسانی کرده شود لازم آنست که در برابر آن احسانی مانند آن باشد فرمود بعمل آوردن و مکافات بهمین حاصل میشود گفتم مثل آن احسان بعمل آوری نیست بلکه باید زیاده بر آن بجای آوری که اگر مثل احسان او کنی او را زیادتی بر تو خواهد بود بعلت آنکه او اولا به این کار کرده

رُمّانٌ ۝ فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ ۝ فِیهِنَّ خَیْرَاتٌ

انار است (ای) پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید (دو) در آن بهشت دختران

حِسَانٌ ۝ فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ ۝ حُورٌ مَقْصُورَاتٌ

خوب صورت باشند پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب میکنید حوران باز داشته شده

فِی الْخِیَامِ ۝ فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ ۝ لَمْ یَطْمِثْهُنَّ

در خیمه ها باشند پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید نسوده است ایشانرا

اِنْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَآنٌّ ۝ فَبِاَیِّ اٰلَآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ

آدمی پیش از اهل بهشت و نه جنیان پس بکدام از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید

مُتَّکِئِینَ عَلٰی رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِیٍّ حِسَانٍ ۝ فَبِاَیِّ

تکیه کنندگانند بر فرشهای سبز و بالشهای قیمتی خوب پس بکدام

اٰلَآءِ رَبِّکُمَا تُکَذِّبَانِ ۝ تَبَارَکَ اسْمُ رَبِّکَ ذِی الْجَلَالِ

از نعمتهای پروردگار خود تکذیب می کنید بزرگست اسم پروردگار تو که خداوند بزرگیها

سورة الواقعة ۝ والاکرام ۝ وتسمی سورة الغنی

و گرمیهاست

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۝ لَیْسَ لِوَقْعَتِهَا کَاذِبَةٌ ۝ خَافِضَةٌ

یاد کنید چون واقع شود واقعه نیست مر وقوع شدن آنرا دروغ گوینده واقعه پست سازنده

رَافِعَةٌ ۝ اِذَا رُجَّتِ الْاَرْضُ رَجًّا ۝ وَبُسَّتِ الْجِبَالُ

برداردنده چون جنبانده شود زمین جنبانیدنی و ریزه ریزه شود کوهها

بَسًّا ۝ فَکَانَتْ هَبَآءً مُنْبَثًّا ۝ وَکُنْتُمْ اَزْوَاجًا ثَلٰثَةً

ریزه ریزه شدنی پس باشد کوهها غباری پراکنده و باشید شما ای اصناف سه گانه

فَاَصْحٰبُ الْمَیْمَنَةِ ۝ مَآ اَصْحٰبُ الْمَیْمَنَةِ ۝ وَاَصْحٰبُ

پس یاران دست راست چه چیزند یاران دست راست و یاران

از اصحاب میمنه

کسانی اند که در روز قیامت نامه اعمال ایشان بدست راستشان داده شود و اصحاب میمنه آنانی اند که نامه کردارشان را بدست چپ دهند

از حضرت ابی جعفر روایت کرده که هر که در شب سوره الواقعه را بخواند پیش از آنکه خواب کند روزی که بخدا ملاقات کند روی او چون ماه شب چهارده باشد

و از ابی عبد الله علیه السلام مرویست که هر که در شب جمعه سوره اذا وقعت را بخواند خدای تعالی در او بهشت خود را و هر که در دنیا درویش باشد از او اندوه و آزار مخصوص باشد

الْمَشْأَمَةِ ۝ مَا أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۝ وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ

دست چپ — چه اند یاران دست چپ — و پیشی گرفتگان پیشی گرفتگانند

أُولَئِكَ الْمُقَرَّبُونَ ۝ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ ۝ ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ

ایشانند مقربان — در بوستانهای نعمت — گروهی بسیار از پیشینیان

وَقَلِيلٌ مِنَ الْآخِرِينَ ۝ عَلَىٰ سُرُرٍ مَوْضُونَةٍ ۝ مُتَّكِئِينَ عَلَيْهَا

و گروهی اندک از پسینیان — بر تختهای بهشت که بافته شده باشد — تکیه زدگان باشند بر آن

مُتَقَابِلِينَ ۝ يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُخَلَّدُونَ ۝ بِأَكْوَابٍ

در حالیکه برابر هم قرار گرفته باشند — گرد برایشان — پسران جاوید ماندگان برگودگی با کوزه‌ای

وَأَبَارِيقَ ۝ وَكَأْسٍ مِنْ مَعِينٍ ۝ لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا

و آبریقها — و جامها از شراب جاری — در دسر نگیرند از آن شراب خوردن و نه

يُنْزِفُونَ ۝ وَفَاكِهَةٍ مِمَّا يَتَخَيَّرُونَ ۝ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ

بی عقل شوند — و میوها از آنچه اختیار کنند — و گوشت مرغ از آنچه آرزو کنند

وَحُورٌ عِينٌ ۝ كَأَمْثَالِ اللُّؤْلُؤِ الْمَكْنُونِ ۝ جَزَاءً بِمَا كَانُوا

و طواف کنند بر ایشان حوران بزرگ چشم مانند مروارید نوشیده در صدف است — پاداش دادن ایشان آنچه بود

يَعْمَلُونَ ۝ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْثِيمًا ۝ إِلَّا قِيلًا سَلَامًا

که میکردند — نشنوند در بهشت سخن بیهوده و نه سخنی که موجب گناه باشد مگر گفتاری که آن سلام است

سَلَامًا ۝ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ ۝ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ ۝ فِي سِدْرٍ

سلام — و یاران دست راست — چه اند یاران دست راست — در زیر درخت سدر

مَخْضُودٍ ۝ وَطَلْحٍ مَنْضُودٍ ۝ وَظِلٍّ مَمْدُودٍ ۝ وَمَاءٍ مَسْكُوبٍ

بی خار — و درخت موز — برهم چیده — و سایه گسترده شده — و آب ریخته شده

وَفَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ ۝ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ ۝ وَفُرُشٍ مَرْفُوعَةٍ

و میوهای بسیار — نه بریده شده — و نه منع کرده شده — و گسترده‌ها که برداشته شده

إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنْشَاءً ۝ فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا ۝ عُرُبًا أَتْرَابًا

ما آفریدیم ایشان را آفریدنی — پس گردانیدیم ایشان را دوشیزه — همسال هم

لِأَصْحَابِ

حضرت
ابو جعفر صلوات الله
علیه مرویست که سابقان چهار
نفرند پسر آدم که کشته شد و سابق
در امت موسی وان مومن آل فرعون
بود و سابق در امت عیسی و او حبیب
نجار بود و سابق در امت محمد صلی الله
علیه و آله علی ابن ابی طالب
صلوات الله
علیه بود

لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ ثُلَّةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَثُلَّةٌ مِنَ الْآخِرِينَ

برای یاران دست راست که گروهی اند از پیشینیان و گروهی از پسینیان

وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ

و یاران دست چپ چه اند یاران دست چپ هستند در بادی بسیار گرم و

وَظِلٍّ مِنْ يَحْمُومٍ لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ

آبی گرم و سایه بی غایت از دودی سیاه نیست خنک و نه نیکو در ساینده پیش از

ذَٰلِكَ مُتْرَفِينَ وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنْثِ الْعَظِيمِ وَكَانُوا

این در دنیا بناز و نعمت پرورده شدگان بودند و بودند که اصرار میکردند بر گناه بزرگ و بودند

يَقُولُونَ أَئِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَامًا أَإِنَّا لَمَبْعُوثُونَ

که میگفتند بر وجه انکار آیا وقتی که بمیریم و گردیم خاک و استخوانها آیا ما وقتی که بر انگیخته شویم از قبرها

أَوَآبَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ لَمَجْمُوعُونَ

یا پدران ما که پیش بودند بگو بدرستی پیشینیان و پسینیان هر آینه جمع کرده شدگانند

إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَعْلُومٍ ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيُّهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ

بسوی آنچه موقت شده که آن روزی معلوم است پس بدرستی که شما ای گمراهان تکذیب کنندگانید

لَآكِلُونَ مِنْ شَجَرٍ مِنْ زَقُّومٍ فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ

هر آینه خورندگانید از درخت زقوم پس پر کنندگانید از آن شکمها را

فَشَارِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ فَشَارِبُونَ شُرْبَ الْهِيمِ هَٰذَا

پس آشامندگانید بر بالای آن از آب گرم پس آشامندگانید مانند آشامیدن شتران این است

نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ

پیشکش ایشان در روز جزا ما آفریدیم شما را پس چرا باور نمیکنید

أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ نَحْنُ

آیا پس دیدید آنچه را که میریزید در رحم آیا شما می آفرینید آن را یا ما آفرینندگانیم ما

قَدَّرْنَا بَيْنَكُمُ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ عَلَىٰ أَنْ

نُبَدِّلَ أَمْثَالَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِيمَا لَا تَعْلَمُونَ ۝ وَلَقَدْ

تبدیل شما کنیم با مثال شما | و بیافرینیم شما را در چیزی که ندانید | و بدرستیکه

عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ ۝ أَفَرَأَيْتُم مَّا تَحْرُثُونَ

دانستید شما | آفرینش | نخستین را پس چرا یاد نمیکنید | تو آنانی که میکارید آیا پس دیدید | آنچه زراعت می کنید

ءَأَنتُمْ تَزْرَعُونَهُۥٓ أَمْ نَحْنُ ٱلزَّٰرِعُونَ ۝ لَوْ نَشَآءُ لَجَعَلْنَٰهُ حُطَٰمًا

آیا شما | میرویانید آن تخم را | یا ما | رویانندگانیم | اگر خواهیم | هر آینه بکردانیم ما او را | درهم شکسته

فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ ۝ إِنَّا لَمُغْرَمُونَ ۝ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ۝

پس همه روز | شما تعجب میکنید | گویند ما | التزام کرده شدگانیم | بلکه ما | محرومکرده شدگانیم

أَفَرَءَيْتُمُ ٱلْمَآءَ ٱلَّذِى تَشْرَبُونَ ۝ ءَأَنتُمْ أَنزَلْتُمُوهُ مِنَ ٱلْمُزْنِ

آیا پس دیدید | آبی را | که | می آشامید | آیا شما | فرو فرستادید آنرا از ابر سفید

أَمْ نَحْنُ ٱلْمُنزِلُونَ ۝ لَوْ نَشَآءُ جَعَلْنَٰهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ

یا | ما | فرو فرستندگانیم | اگر خواهیم | گردانیم او را | تلخ | پس چرا | شکر میکنید

أَفَرَءَيْتُمُ ٱلنَّارَ ٱلَّتِى تُورُونَ ۝ ءَأَنتُمْ أَنشَأْتُمْ شَجَرَتَهَآ أَمْ نَحْنُ

آیا پس دیدید | آتشی را | که | بیرون می آید از درخت سبز | آیا شما | آفریدید | درخت آتش را | یا | ما

ٱلْمُنشِـُٔونَ ۝ نَحْنُ جَعَلْنَٰهَا تَذْكِرَةً وَمَتَٰعًا لِّلْمُقْوِينَ

پدیدآرندگانیم | ما | گردانیدیم آن آتش را | یادکردن دوزخ و سبب نفع | برای کسیکه نزول کند در بیابان

فَسَبِّحْ بِٱسْمِ رَبِّكَ ٱلْعَظِيمِ ۝ فَلَآ أُقْسِمُ بِمَوَٰقِعِ ٱلنُّجُومِ ۝ وَإِنَّهُۥ

پس تسبیح کن | بنام | پروردگار خود که بزرگست | پس نه قسم میخورم | بمواضع | ستارگان | و بدرستیکه

لَقَسَمٌ لَّوْ تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ ۝ إِنَّهُۥ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ ۝ فِى كِتَٰبٍ مَّكْنُونٍ

البته قسمی است | اگر بدانید | بزرگ | بدرستیکه این | قرآن | بزرگوار است | در کتابی | پوشیده

لَّا يَمَسُّهُۥٓ إِلَّا ٱلْمُطَهَّرُونَ ۝ تَنزِيلٌ مِّن رَّبِّ ٱلْعَٰلَمِينَ ۝ أَفَبِهَٰذَا

که مس نمیکند آنرا | مگر | پاکان | فرو فرستاده شده از پروردگار جهانیان | آیا پس این

ٱلْحَدِيثِ أَنتُم مُّدْهِنُونَ ۝ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنَّكُمْ

قرآن است که | شما | تهاون کنندگانید | و میگردانید | روزی خود را | بدرستیکه شما

مجمع البیان از حضرات ابوجعفر و ابوعبدالله علیهما السلام روایت کرده که مراد از مواقع نجوم ستارهایی است که برای رجم شیاطین می افشند و نقولی معصوم نزول آیات و سوره قرآنی است که بمجاور فشند

حزب

فی کتاب مکنون صفت دیگر است برای قرآن و مراد از آن لوح محفوظ است و مجاهد گفته مراد از آن مصحف محمد است و این قول ضعیف است و لا یمسه الا المطهرون بنابر مشهور صفت دیگر است برای قرآن و بنابر آن مراد از مطهرون کروبیان از ملائکه است که پاکند باشند از حدث صغر و حدث اکبر و آیه دلیل است بر حرمت مس محدث از مسلمانان نوشته قرآن

تُكَذِّبُونَ ۝ فَلَوْلَآ إِذَا بَلَغَتِ ٱلْحُلْقُومَ ۝ وَأَنتُمْ حِينَئِذٍ تَنظُرُونَ

دروغ میپندارید ۝ پس چرا ۝ چون برسد روح بحلقوم ۝ و شما ۝ آن هنگام می نگرید

وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنكُمْ وَلَٰكِن لَّا تُبْصِرُونَ ۝ فَلَوْلَآ

و ما ۝ نزدیکتریم بسوی او ۝ از شما ۝ و لیکن شما نمی بینید ۝ پس چرا

إِن كُنتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ ۝ تَرْجِعُونَهَآ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ۝

اگر باشید ۝ جزا داده شدگان ۝ باز گردانید روح را اگر هستید ۝ راستگویان

فَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلْمُقَرَّبِينَ ۝ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ ۝ وَجَنَّتُ

پس اما ۝ اگر باشد مختص ۝ از مقربان ۝ پس مر او راست راحت و ریحان و بوستان ۝ نعمت

نَعِيمٍ ۝ وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنْ أَصْحَٰبِ ٱلْيَمِينِ ۝ فَسَلَٰمٌ لَّكَ مِنْ

پر نعمت ۝ و اما ۝ اگر باشد ۝ از یاران دست راست ۝ پس سلامتی ۝ مر تو راست از

أَصْحَٰبِ ٱلْيَمِينِ ۝ وَأَمَّآ إِن كَانَ مِنَ ٱلْمُكَذِّبِينَ ٱلضَّآلِّينَ

یاران دست راست ۝ و ۝ اگر باشد آن ۝ از تکذیب کنندگان گمراهان

فَنُزُلٌ مِّنْ حَمِيمٍ ۝ وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ ۝ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ حَقُّ ٱلْيَقِينِ

پس مهمانی او ۝ از آب گرم ۝ و در آوردن در آتش سوزان ۝ بدرستی که آنچه گفته شد مر او راست حق ثابت

فَسَبِّحْ بِٱسْمِ رَبِّكَ ٱلْعَظِيمِ

پس تسبیح کن بنام پروردگار خود که بزرگست

سورة الحديد مدنية وعشرون آية

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ

تسبیح کند خدا را آنچه در آسمانها و زمینست و او است غالب درست کار

لَهُۥ مُلْكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ ۖ يُحْىِۦ وَيُمِيتُ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ

مر او راست پادشاهی آسمانها و زمین زنده میکند و میمیراند و او است بر هر

شَىْءٍ قَدِيرٌ ۝ هُوَ ٱلْأَوَّلُ وَٱلْءَاخِرُ وَٱلظَّٰهِرُ وَٱلْبَاطِنُ ۖ

چیز توانا ۝ او است اول و آخر و آشکار و نهان

خلاصه

یعنی انکه اگر مقهور
حکم و تقدیر الهی نیستند بگمان
باطل خود پس چرا باز نمیگردانند ارواح خود و
دوستان خود را بدن نهانگامی که آن ارواح
در حال احتضار بگلوهای شما رسید اگر راست
گفتارید در این گمان باطل

از
ابو عبد الله
مرویست که هر که سوره حدید
مجادله را بخواند و مداومت کند
خدا تعالی هرگز او را بعذا
و در مال و نفس او بدی نرساند
و در جمیع آفات دنیا
باشد

وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضَ فِي

واوست بهر چیز دانا ۝ اوست آنکه آفرید آسمانها و زمین را در

سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوٰى عَلَى الْعَرْشِ ۖ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ

شش روز پس مستولی شد بر آفریدن عرش میداند آنچه در آید در زمین

وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۖ وَهُوَ

و آنچه بیرون می آید از آن و آنچه فرو می آید از آسمان و آنچه بالا رود در آن و او

مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ لَهُ مُلْكُ

با شماست هر جا که باشید و خدا بآنچه میکنید بیناست ۝ مر اوراست پادشاهی

السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۖ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ ۝ يُولِجُ اللَّيْلَ

آسمانها و زمین و بسوی خدا برگردیده شود کارها ۝ درمی آورد شب را

فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ۖ وَهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

در روز و درمی آرد روز را در شب و اوست دانا بآنچه در سینه هاست

آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ ۖ

بگروید بخدا و پیغمبر او و ببخشید از آنچه گردانید شما را بازماندگان دران

فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ ۝ وَمَا لَكُمْ لَا

پس آنانکه گرویدند از شما و نفقه کردند مر ایشانرا مزد بزرگ ۝ و چیست مر شما را که

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ ۖ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ

نمیگروید بخدا و فرستاده او میخواند شما را تا بگروید بپروردگار خود و بحقیق که گرفته خدا

مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ۝ هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَى عَبْدِهِ

پیمان شما را اگر هستید گروندگان ۝ اوست آنکه فرستاد بر بنده خود

آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِيُخْرِجَكُمْ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۖ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ

آیتهای روشن تا بیرون آرد شما را از تاریکیها بسوی نور و بدرستی که خدا بشما

لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ

هر آینه مهربان است ۝ و چیست مر شما را که نفقه نمیکنید در راه خدا و مر خدا راست

مِيرَاثُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ لَا يَسْتَوِيْ مِنْكُمْ مَّنْ اَنْفَقَ مِنْ

میراث آسمانها و زمین برابر نیست از شما هر که نفقه کند

قَبْلِ الْفَتْحِ وَقٰتَلَ ۭ اُولٰۗىِٕكَ اَعْظَمُ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِيْنَ اَنْفَقُوْا

پیش از فتح مکه و کارزار کردن آن گروه بزرگتر است از روی درجه از آنانکه نفقه کردند

مِنْۢ بَعْدُ وَقٰتَلُوْا ۭ وَكُلًّا وَّعَدَ اللّٰهُ الْحُسْنٰى ۭ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ

از بعد فتح و کارزار کردند و همه را وعده داد خدا نیکو کارا را و خدا آنچه میکنید

خَبِيْرٌ ۝ مَنْ ذَا الَّذِيْ يُقْرِضُ اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضٰعِفَهٗ

آگاه است کیست آنکه قرض دهد بندگان خدا را قرض نیکو پس زیاد گرداند خدا آنقرض را

لَهٗ وَلَهٗٓ اَجْرٌ كَرِيْمٌ ۝ يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ

او را و مر او راست مزدی بزرگ روزی که به بینی مردان مومن و زنان مومنه را

يَسْعٰى نُوْرُهُمْ بَيْنَ اَيْدِيْهِمْ وَبِاَيْمَانِهِمْ بُشْرٰىكُمُ الْيَوْمَ

که میرود بشتاب نور ایشان در میان دستهای ایشان و راست ایشان مژده باد شما را آنروز

جَنّٰتٌ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ خٰلِدِيْنَ فِيْهَا ۭ ذٰلِكَ

رفتن آنروز در بوستانها که میرود از زیر آنها نهرها در حالیکه جاوید باشند در آن این مژده

هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيْمُ ۝ يَوْمَ يَقُوْلُ الْمُنٰفِقُوْنَ وَالْمُنٰفِقٰتُ

او است رستگاری بزرگ روزی که گویند مردان منافق و زنان منافقه

لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوا انْظُرُوْنَا نَقْتَبِسْ مِنْ نُّوْرِكُمْ ۚ قِيْلَ ارْجِعُوْا وَرَاۗءَكُمْ

مر آنانرا که ایمان آورده اند نظر کنید ما تا بگیریم از نور شما گفته شود که برگردید به پس خود

فَالْتَمِسُوْا نُوْرًا ۭ فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُوْرٍ لَّهٗ بَابٌ ۭ بَاطِنُهٗ فِيْهِ الرَّحْمَةُ

پس بجوئید روشنی را پس زده شود میان ایشان بدیواری که مر او راست دری داخل آن در او بخشش است

وَظَاهِرُهٗ مِنْ قِبَلِهِ الْعَذَابُ ۝ يُنَادُوْنَهُمْ اَلَمْ نَكُنْ مَّعَكُمْ ۭ

یعنی بهشت و خارج آن از نزد او پیش آن عذاب که دوزخست بخوانند ایشانرا و گویند آیا نبودیم با شما

قَالُوْا بَلٰى وَلٰكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ اَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ

گفتند بلی و لیکن شما در هلاکت افکندید نفسهای خود را بر آن سبب نفاق و انتظار مصیبت مسلمانان

وَغَرَّتْكُمُ الْاَمَانِيُّ حَتّٰى جَآءَ اَمْرُ اللّٰهِ وَغَرَّكُمْ بِاللّٰهِ الْغَرُورُ

دانستید و بفریفت شما را آرزوهای دور و دراز تا آمد حکم خدا و فریب داد شما را بخدا شیطان فریبنده

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مَاْوٰىكُمُ النَّارُ

پس امروز گرفته نشود از شما چیزی که فدا کنید و نه از آنانکه کافر شدند جای همه شما آتش است

هِيَ مَوْلٰىكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ اَلَمْ يَاْنِ لِلَّذِينَ اٰمَنُوا اَنْ تَخْشَعَ

این سزاوار است شما را و بد بازگشتنی است آیا وقت نیامد مر آنانرا که گرویدند آنکه بترسد

قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللّٰهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ اُوتُوا

دلهای ایشان برای یاد کردن خدا و آنچه فرستاد خدا از کلام حق و نباشند مانند آنان که داده شدند

الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْاَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ

کتاب پیش ازین پس دراز شد برایشان زمان یعنی عمر دراز پس سخت شد دلهای ایشان و بسیاری

مِنْهُمْ فَاسِقُونَ اِعْلَمُوا اَنَّ اللّٰهَ يُحْيِ الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ

از ایشان بدکارانند بدانید بدرستیکه خدا زنده میکند زمین را بعد مردن آن تحقیق که

بَيَّنَّا لَكُمُ الْاٰيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ اِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَالْمُصَّدِّقَاتِ

بیان کردیم برای شما نشانها شاید شما دریابید بدرستی که مردان صدقه کننده و زنان صدقه

وَاَقْرَضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا يُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ اَجْرٌ كَرِيمٌ

کننده و مردان زنانی که قرض دهند بندگان خدا را قرض نیکو زیاده شود مر ایشانرا و مر ایشانراست مزدی بزرگ

وَالَّذِينَ اٰمَنُوا بِاللّٰهِ وَرُسُلِهٖٓ اُولٰٓئِكَ هُمُ الصِّدِّيقُونَ وَ

و آنانکه گرویدند بخدا و فرستادگان او آنگروه ایشانند راستگویان و

الشُّهَدَآءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ اَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا

گواهان نزد پروردگار ایشان مر ایشانراست مزد ایشان و نور ایشان و آنانکه کافر شدند

وَكَذَّبُوا بِاٰيٰتِنَآ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ الْجَحِيمِ اِعْلَمُوٓا اَنَّمَا الْحَيٰوةُ

و تکذیب کردند نشانهای ما آن گروهاند یاران دوزخ بدانید که جز این نیست زندگانی

الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهْوٌ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي

دنیا بازی و مشغول است و زینتی و تفاخری میان شما و مباهات کردن در

الاموال

تفسیر

عیاشی از حارث اعور

مغیره روایت کرده که گفت ما

در خدمت حضرت ابو جعفر صلوات الله علیه

بودیم پس آنحضرت فرمود که عارف باین امر

در میان شما یعنی آنکه شناسا بحق آنست هدی

علیهم السلام باشد و انتظار ظهور دولت امام

بحق کشد بمحض رضای الهی بخدا سوگند که مانند

کسی است که جهاد کند بشمشیر با دشمنان آنحضرت

در خدمت قائم آل محمد صلی الله علیه و آله پس گم

فرمود که بخدا سوگند که مانند کسیست که جهاد

کند در راه خدا بشمشیر خود در خدمت پیغمبر خدا

پس بار سیم فرمود که آری بخدا سوگند که مانند

کسی است که شهید شده باشد در خدمت رسول ال

در خیمه آنحضرت و در رباب شما آیه نازل شده

الاموال والاولاد كمثل غيث اعجب الكفار نباته ثم

مالها و فرزندان او مانند بارانی است که بزرع نه شگفت آرد کافران انبات آن را

يهيج فتريه مصفرا ثم يكون حطاما وفي الاخرة عذاب

پس خشک شود پس می بینی آنرا زرد پس باشد بعد از زردی درهم شکسته و در آخرت عذابی

شديد ومغفرة من الله ورضوان وما الحيوة الدنيا

سخت و آمرزش از جانب خدا و خشنودی و نیست زندگانی در دنیا

الا متاع الغرور سابقوا الى مغفرة من ربكم وجنة

مگر متاع فریبنده پیشی گیرید بسوی آمرزش از پروردگار خود و بهشتی که

عرضها كعرض السماء والارض اعدت للذين امنوا بالله

پهنای آن مانند پهنای آسمان و زمینست آماده کرده شده برای آنانکه گرویدند بخدا

ورسله ذلك فضل الله يؤتيه من يشاء والله ذو الفضل

و فرستادگان او این فضل خداست میدهد آنرا هر که خواهد و خدا صاحب فضلست

العظيم ما اصاب من مصيبة في الارض ولا في انفسكم

بزرگ نرسد بهیچ مصیبتی در زمین و نه در نفسهای شما

الا في كتاب من قبل ان نبرأها ان ذلك على الله

مگر در کتابی پیش از آنکه بیافرینیم نفسها را بدرستی که این بر خدا

يسير لكيلا تأسوا على ما فاتكم ولا تفرحوا بما

آسانست تا اندوهگین نشوید بر آنچه فوت شده باشد از شما و شادمان نگردید بآنچه

اتاكم والله لا يحب كل مختال فخور الذين يبخلون و

داده شما را خدا دوست نمیدارد هر متکبر فخرکننده را آنانکه بخل میکنند و

يأمرون الناس بالبخل ومن يتول فان الله هو الغني الحميد

امر میکنند مردم را ببخل کردن و هر که روی بگرداند پس بدرستی که خدا اوست بی نیاز ستوده

لقد ارسلنا رسلنا بالبينات وانزلنا معهم الكتاب و

بتحقیق فرستادیم فرستادگان را با حجتهای روشن و فرستادیم با ایشان کتاب را و

در کتاب خدا

حارث گوید گفتم کدام آیه از قرآن

تو گردم فرمود که والذین امنوا بالله ورسله

اولئک هم الصدیقون والشهداء عند ربهم پس

فرمود که گرویدند بخدا پس گفت صادقان و شهیدان

نزد پروردگار خود و هم از همین قصاب روایت

کرده که گفت از خدمت حضرت ابو عبد الله علیه

السلام استدعا کردم که دعا کند تا خدای تعالی شهادت

روزی من گرداند پس نخصرت فرمود

که مومن شهید است و این آیه را

تلاوت فرمود

مروی است

که مردی بخدمت

حضرت علی ابن الحسین علیهما السلام

آمده از حقیقت زهد استفسار نمود فرمود که زهد

مشتمل است بر دو مرتبه و بالاترین درجات آن

پست ترین درجات ورع است و بالاترین

درجات ورع پست ترین درجات یقین است

و بالاترین درجات یقین پائین ترین درجات رضاست

و بدرستی که همه مراتب زهد در این

آیه از کتاب الهی است که لکیلا

تاسوا علی ما فاتکم ولا تفرحوا

بما آتاکم والله

سلمه

الميزان ليقوم الناس بالقسط وانزلنا الحديد فيه باس

ترازو را تا قایم شوند مردمان بعدل وفرستادیم آهن را که در آن آهن کارزار

شديد ومنافع للناس وليعلم الله من ينصره ورسله

سخت است ومنفعتهای بسیار برای مردمان وتا بداند خدا آنکس را که نصرت میدهد او وفرستادگان او

بالغيب ان الله لقوي عزيز ولقد ارسلنا نوحا وابراهيم

پنهان بدرستی که خدا توانای غالبست وبتحقیق که فرستادیم نوح را وابراهیم را

وجعلنا في ذريتهما النبوة والكتاب فمنهم مهتد وكثير

وگردانیدیم ما در میان فرزندان ایشان پیغمبری را وکتاب را پس بعضی از ایشان راه یافتگانند وبسیاری

منهم فاسقون وقفينا على اثارهم برسلنا وقفينا بعيسى

از ایشان بدکارانند وازپی درآوردیم بر اثرهای ایشان فرستادگان خود وازپی درآوردیم عیسی

ابن مريم واتيناه الانجيل وجعلنا في قلوب الذين اتبعوه

پسر مریم را ودادیم او را انجیل وگردانیدیم در دلهای آنانکه پیروی کردند

رافة ورحمة ورهبانية ابتدعوها ما كتبناها عليهم

او را مهربانی وبخشایشی وطریق رهبانیت را که از نو پیدا کردند ننوشتیم ما بر ایشان

الا ابتغاء رضوان الله فما رعوها حق رعايتها فاتينا الذين

مگر آنرا کردند بطلب خشنودی خدا پس رعایت نکردند آنرا حق رعایت آن پس دادیم آنانرا که

امنوا منهم اجرهم وكثير منهم فاسقون يا ايها الذين امنوا

گرویدند از ایشان مزد ایشانرا وبسیاری از ایشان فاسقانند ای آنانکه گرویده اید

اتقوا الله وامنوا برسوله يؤتكم كفلين من رحمته ويجعل

بپرهیزید از خدا وبگروید به پیغمبر او تا بدهد بشما را دو حصه از رحمت خود ویگرداند

لكم نورا تمشون به ويغفر لكم والله غفور رحيم لئلا يعلم

برای شما روشنی که بروید بآن ویبامرزد مر شما را والله آمرزنده مهربانست تا آنکه بدانند

اهل الكتاب الا يقدرون على شيء من فضل الله وان

اهل کتاب آنکه قادر نیستند بر چیزی از فضل خدا وبدرستی که

الفضل

الجزء ۲۸

خواص سوره مجادله در ضمن خواص سوره حدید مذکور شد

سورة المجادلة مدنية وعشر آياتها

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده و مهربان

قد سمع الله قول التي تجادلك في زوجها وتشتكي إلى الله

بتحقیق که شنید خدا سخن آن زن را که مجادله میکرد با تو در کار شوهر خود و شکایت میکرد بسوی خدا

والله يسمع تحاوركما إن الله سميع بصير الذين يظاهرون

و میشنود خدا مراجعت کلام شما را بدرستی که خدا شنوای بیناست آنانکه اظهار کنند

منكم من نسائهم ما هن أمهاتهم إن أمهاتهم إلا اللائي

از شما از زنان خود نیستند آنزنان مادران ایشان مگر زنانی که زائیدند مادران ایشان مگر زنانی که

ولدنهم وإنهم ليقولون منكرا من القول وزورا وإن

زائیده اند ایشان را و بدرستی که ایشان هر آینه میگویند انکار کرده شده از سخن ناشروع و دروغ و بدرستی که

الله لعفو غفور والذين يظاهرون من نسائهم ثم يعودون

خدا هر آینه درگذرنده آمرزنده است و آنانکه اظهار میکنند از زنان خود پس بازگردند

لما قالوا فتحرير رقبة من قبل أن يتماسا ذلكم توعظون به

بسوی آنچه گفتند پس بر ایشانست آزاد کردن بنده پیش از آنکه مس کنند بجماع آن حکم پند داده میشوید بآن

والله بما تعملون خبير فمن لم يجد فصيام شهرين متتابعين

و خدا آنچه میکنید آگاه است پس هر که نیابد پس بر اوست روزه داشتن دو ماه پی در پی

من قبل أن يتماسا فمن لم يستطع فإطعام ستين مسكينا

پیش از آنکه مس کنند بجماع پس هر که استطاعت روزه نداشته باشد پس بر اوست طعام دادن شصت مسکین

ذلك لتؤمنوا بالله ورسوله وتلك حدود الله وللكافرين

این از آنست تا بگروید بخدا و فرستاده او و این حدهای خداست و مر کافران را

در مجمع البیان حکایت کرده که اوس بن صامت

روزی با زن خود خولة بنت خویلد یا دختر ثعلبه

علی اختلاف القولین از وی غضب کرد گفت انت

علی کظهر امی و چون این سخن در جاهلیت طلاق بود

و نهایت محبت و مودت میانه او و زنش همه

بود از این حرکت پشیمان شد و با زنش گفت چه

می پندارم که تو بر من حرام شده زن گفت چه

میگوئی برو از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرس

گفت مرا شرم می آید که از آنحضرت این سؤال

نمایم زن گفت مرا دستوری ده تا بروم و از

آنحضرت استفسار نمایم دستوری داد آن زن نزد

عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ

عذاب دردناک ۝ بدرستی که آنانکه ۝ خلاف میکنند خدا و فرستاده او خوار شوند همانگونه که

الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَقَدْ أَنزَلْنَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ ۚ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ

شدند آنانکه پیش از ایشان بودند و بتحقیق که فرستادیم آیتهای روشن ۝ و مر کافران است عذاب

مُّهِينٌ ۝ يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا ۚ أَحْصَاهُ اللَّهُ

خوار کننده ۝ روزی که برانگیزاند ایشانرا خدا همه پس خبر دهد ایشانرا بآنچه کرده باشند شمرده است خدا

وَنَسُوهُ ۚ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ۝ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي

و فراموش کردند و خدا بر ۝ هر ۝ چیز گواه است ۝ آیا ندیدی که خدا میداند آنچه در

السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ مَا يَكُونُ مِن نَّجْوَىٰ ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ

آسمانها ۝ و آنچه در زمینست نباشد واقع نشود هیچ رازگفتن سه کس مگر آنکه خدا

رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَىٰ مِن ذَٰلِكَ

چهارم ایشانست و نه رازگفتن پنج تن مگر آنکه خداششم ایشانست ۝ و نه کمتر از سه کس ۝ از به پس

وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ۖ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ

و نه بیشتر از آن مگر آنکه خدا با ایشانست هرجا باشند پس خبر دهد ایشانرا بآنچه کردند در روز

الْقِيَامَةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ

قیامت بدرستی که خدا بهر چیز داناست ۝ آیا ندیدی بسوی آنانکه باز داشته شدند از

النَّجْوَىٰ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَيَتَنَاجَوْنَ بِالْإِثْمِ وَ

رازگفتن باز پس باز میگردند ۝ بسوی آنچه نهی کرده شدند از او و رازمیگویند بآنچه گناه میسازد و

الْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ ۖ وَإِذَا جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ

تعدی ۝ و ۝ نافرمانی ۝ پیغمبر نمایند و چون آیند نزد تو تحیت کنند ترا بآنچه

يُحَيِّكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا

تحیت نکرد ترا بآن خدا ۝ و میگویند در نفسهای خود چرا عذاب نمیکند ما را خدا بآنچه

نَقُولُ ۖ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصْلَوْنَهَا ۖ فَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

میگوییم بس است ایشانرا دوزخ ۝ درآیند در آن پس بد بازگشتی است ۝ ای آنانکه

آمنوا

ذکور

نساخت

باز فرمود که حرام شده براو

در باب توهین زن حکمی من نازل نشده دیگر

آن سخن میگفت و از آنحضرت همان جواب

می شنید و هرگاه آنحضرت میفرمود که حرام شد

بر او افغان و ناله میکرد و میگفت بار خدایا

حکم آزار پیغمبر خود بفرست در این حال این آیات

آمد پس بآن زن گفت شوهر خود را بطلب چون

حاضر شد این آیات بروی خواند و فرمود

که میتوانی بنده آزاد نمائی گفت قیمت بنده

در اینوقت بسیار گرانست و من چندان مال

ندارم پس فرمود میتوانی دو ماه پی در پی روزه

بداری گفت من در هر روز سه نوبت چیزی

میخورم و اگر نخورم دیده ام ضعیف میشود و

میترسم که دیده ام نابود شود فرمود که میتوانی

شصت مسکین را طعام دهی گفت بخداوند

پسوگند مگر آنکه اعانت و مدد من نمائی ای

پیغمبر خدا پس فرمود که پانزده صاع بتو میدهم

ودعا میکنم که خدا برکت بمال تو دهد پس طعام

شصت مسکین نمود و حرمت جماع از آن نسبت

این کفاره زایل گردید و این

اول ظهاری بود که در دین

اسلام وقوع یافت

اٰمَنُوْٓا اِذَا تَنَاجَيْتُمْ فَلَا تَتَنَاجَوْا بِالْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ

گروهیدند چون راز گویید با هم پس راز مگویید بگناه و بیداد و نافرمانی

الرَّسُوْلِ وَتَنَاجَوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوٰى ۚ وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِيْٓ اِلَيْهِ

پیغمبر و راز گویید به نیکوکاری و پرهیزکاری و بترسید از عذاب خدا که بسوی او

تُحْشَرُوْنَ ۝ اِنَّمَا النَّجْوٰى مِنَ الشَّيْطٰنِ لِيَحْزُنَ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَ

جمع کرده شوید جز این نیست که راز گفتن بد کار شیطانست تا اندوهناک گرداند آنانرا که گرویدند و

لَيْسَ بِضَآرِّهِمْ شَيْـًٔا اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ۚ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ

نیست ضرر رساننده ایشانرا چیزی مگر بفرمان خدا و بر خدا پس باید توکل کنند

الْمُؤْمِنُوْنَ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِذَا قِيْلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوْا فِى

گروندگان ای آنانکه گرویده اید چون گفته شود مرشما را جای فراخ کنید در

الْمَجٰلِسِ فَافْسَحُوْا يَفْسَحِ اللّٰهُ لَكُمْ ۚ وَاِذَا قِيْلَ انْشُزُوْا فَانْشُزُوْا

نشستن برای هم پس فراخ کنید تا فراخ کند خدا برای شما در بهشت و چون گفته شود که برخیزید پس برخیزید

يَرْفَعِ اللّٰهُ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا مِنْكُمْ ۙ وَالَّذِيْنَ اُوْتُوا الْعِلْمَ دَرَجٰتٍ ۚ وَ

تا برآرد خدا آنانرا که گرویدند از شما و آنانکه داده شدند علم بر تبه ها و

اللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُوْنَ خَبِيْرٌ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْٓا اِذَا نَاجَيْتُمُ

خدا بآنچه میکنید آگاه است ای آنانکه گرویدید چون سرگوشی کنید

الرَّسُوْلَ فَقَدِّمُوْا بَيْنَ يَدَىْ نَجْوٰىكُمْ صَدَقَةً ۚ ذٰلِكَ

پیغمبر را پس پیش درآرید نزد اراده راز گفتن خود صدقه این

خَيْرٌ لَّكُمْ وَاَطْهَرُ ۚ فَاِنْ لَّمْ تَجِدُوْا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝

بهتر است برای شما و پاکیزه تر پس اگر نیابید وجه صدقه را پس بدرستی خدا آمرزنده مهربانست

ءَاَشْفَقْتُمْ اَنْ تُقَدِّمُوْا بَيْنَ يَدَىْ نَجْوٰىكُمْ صَدَقٰتٍ ۚ فَاِذْ

آیا بیمناک شدید آنکه پیش دهید نزد راز گفتن خود صدقه ها پس چون

لَمْ تَفْعَلُوْا وَتَابَ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ فَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا

نکردید و بازگشت خدا بر شما پس بپای دارید نماز را و بدهید

مجمع

البیان گفته

که چون مسلمانان بمجلس حضرت

رسالت پناهی می آمدند همگی میخواستند که

نزدیک آنجناب بنشینند و باین علت جای

بر ایشان تنگ میشد این آیه آمد که ای اهل

آمنوا آنا آخر و بقولی آنجناب عایت احترام

اهل بدر را بسیار میفرمود روزی از روزها جمعیه

آنحضرت در صفه و صحابه گرد او گرد وی نشسته بودند

در اینوقت گروهی از اهل بدر که از آنجمله ثابت

ابن قیس بن شماس بود آمد و بر آنحضرت سلام

کرد پس بر مسلمانان سلام کرد و بعلت تنگجایی

آنحضرت باگروهی از مهاجر و انصار بعد از ان

بدریان فرمود برخیزید تا ایشان

بنشینند و اینمعنی بر ایشان گران

آمد این آیه بجهة تسلی ایشان

نزول یافت

در مجمع

البیان گفته که اغنیا خدمت رسول خدا

می آمدند و با آنحضرت راز بسیار می گفتند پس

فقرا کمتر فرصت راز گفتن می یافتند

از اینجهت گران آمد

الزكوة واطيعوا الله ورسوله والله خبير بما تعملون ۝ الم تر
زکوة را و پیروی کنید خدا و فرستاده او و خدا آگاه است بآنچه میکنید آیا نمی بینی
الى الذين تولوا قوما غضب الله عليهم ما هم منكم ولا
بسوی آنانکه دوست گرفتند قومی را غضب خدا است بر ایشان نیستند ایشان از شما و نه
منهم ويحلفون على الكذب وهم يعلمون ۝ اعد الله لهم
از یهودان و سوگند میخورند بدروغ و ایشان میدانند آماده کرده خدای برای
عذابا شديدا انهم ساء ما كانوا يعملون ۝ اتخذوا ايمانهم
ایشان عذاب سخت را بدرستی که ایشان بد بود آنچه بودند که میکردند فرا گرفتند سوگندان خود را
جنة فصدوا عن سبيل الله فلهم عذاب مهين ۝ لن
سپری پس بازداشتند مردم را از راه خدا پس ایشانرا است عذاب خوار کننده هرگز
تغني عنهم اموالهم ولا اولادهم من الله شيئا اولئك
دفع نکند از ایشان مالهای ایشان و نه فرزندان از خدا چیزی را آنانکه
اصحاب النار هم فيها خالدون ۝ يوم يبعثهم الله جميعا
یاران آتشند ایشان هم در آن جاویدان روزیکه برانگیزاند ایشانرا خدا همه
فيحلفون له كما يحلفون لكم ويحسبون انهم على شيء الا انهم
پس سوگند خورند برای خدا چنانکه میخورند برای شما و گمان دارند آنکه ایشان
هم الكاذبون ۝ استحوذ عليهم الشيطان فانسيهم
دروغگویانند مستولی بر ایشان شیطان پس فراموش کرد
ذكر الله اولئك حزب الشيطان الا ان حزب الشيطان
ایشانرا یاد خدا آنگروه لشکر شیطانند بدانید بدرستی لشکر شیطان
هم الخاسرون ۝ ان الذين يحادون الله ورسوله اولئك
ایشانند زیانکاران بدرستی که آنانکه خلاف کنند خدا و فرستاده او را آنگروهند
في الاذلين ۝ كتب الله لاغلبن انا ورسلي ان الله قوي

در سلک خواران ۝ نوشته است خدا که هرآینه غالب شوم و پیغمبران من بدرستیکه خدا توانای

عزیز ۹

آنحضرت با
کشید پس آیه رخصت یعنی کرم
اشقتم ان تقدموا اما آخر برای نسخ آن
حکم نزول یافت از امیر المؤمنین صلوات الله علیه
روایت کرده که در کتاب الهی آیه ایست که
هیچ احدی بمقتضای آن عمل نکرده پیش از من و
عمل نخواهد کرد بعد از من و آن این آیه است
که یا ایها الذین آمنوا اذا ناجیتم الرسول آنا
آخر وقتی بود که من یکدینار را شصت درهم
فروختم و هر گاه میخواستم که رازی با آنحضرت
بگویم در پیش مشرف تصدق میکردم پس نسخ
آن حکم را آیه دیگر که اشقتم ان تقدموا اما آخر
پس قرار یافت که سبب من تخفیف نمود خدای تعالی
از این امت و نازل نشد آن آیه در شان کسی
پیش از من و نازل نخواهد شد در شان کسی بعد از
من و از عبد الله بن عمر روایت کرده که گفت
حضرت علی ابن ابی طالب را سه خصلت بود که
اگر یکی از آنها مرا میبود بهتر بود مر من از
سرخ موی اول ترویج نمودن رسول بوی فاطمه را
علیها السلام و دادن علم را بوی در روز خیبر
آیه نجوی و از مجاهد روایت کرده که گفت
چون خدای تعالی نهی فرمود مردمان را از راز
گفتن با آنحضرت صلی الله علیه و آله پس از صدقه
نکرد با آنحضرت بغیر از علی ابن ابی طالب صلوات الله
علیه پیش کردن آن صدقه را و راز
نمود پس آیه رخصت فرود آمد

غرض

از این آیه چانچه
از مجمع البیان مستفاد میشود آنست
که موالات و دوستی کافران هرچند
خویش و نزدیک باشند با ایمان جمع نمیشود و
بقولی در باب عبد الله بن ابی نازل شده چون
پسرش نخدمت رسول بود آنحضرت آمد
او گفت کاش سنور خود را میدیدم که
میبردم و پدرم میخورد شاید که ایمان آورد
جامه کرد آنحضرت حاجت روا کرد
نیم خورده آن را بوی داد چون برادر
برد و شرح حال نمود عبد الله گفت کاش
این آب بول مادرت را می آوردی آن پسر
آنحضرت آمده و حکایت عرضه داشت رخصت
قتل پدرش را از آنحضرت خواست آن معدن فتوت
و منبع نبوت فرمود که با مادرت مهربانی

سعد سکاری
از ابو عبد الله روایت کرده
که هر که در شبانگاه سوره الرحمن و حشر را
بخواند حسنات فرشته بخانه او درآید که
شمیر کشیده تا صبح پاسبانی
اهل و اولاد کند

این اهل الکتاب گروهی
النضیر ند از قبایل جهود ان که رسول خدا
صلی الله علیه و آله بفرمان الهی ایشان را از
خانمان آواره ساخته گروهی بخیبر
و بعضی بازرعات شام
رفتند

عزیز لا تجد قوما یؤمنون بالله والیوم الاخر یوادون
غالبست نیابی گروهی را که میگروند بخدا و روز قیامت که دوستی کنند
من حاد الله ورسوله ولو کانوا اباءهم او ابناءهم او
کسانی که خلاف کنند خدا و فرستاده او را اگر باشند پدران ایشان یا پسران ایشان یا
اخوانهم او عشیرتهم اولئک کتب فی قلوبهم الایمان
برادران ایشان یا خویشان ایشان آنگروه نوشته در دلهای ایشان ایمان را
وایدهم بروح منه ویدخلهم جنات تجری من تحتها
و تقویت کرده خدا ایشان را بچیزی که دلشان زنده شود و درآورد ایشان را در بوستانها که میرود از زیر آنها
الانهار خالدین فیها رضی الله عنهم ورضوا عنه اولئک
نهرها که جاویدانند در آن خشنود شود خدا از ایشان و خشنود باشند از خدا آن گروه
حزب الله الا ان حزب الله هم المفلحون
لشکر خدایند بدانید که لشکر خدا ایشان رستگارانند

سورة الحشر مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداوند بخشاینده مهربان
سبح لله ما فی السموات وما فی الارض وهو العزیز الحکیم
تسبیح کرد مر خدا را آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست و اوست خدای غالب درست کار
هو الذی اخرج الذین کفروا من اهل الکتاب من دیارهم
اوست آنکه بیرون کرد آنانرا که کافر شدند از اهل کتاب از دیارشان
لاول الحشر ما ظننتم ان یخرجوا وظنوا انهم مانعتهم
در اول راندن ایشان گمان نداشتند آنکه بیرون روند و گمان داشتند ایشان را که منع کنند ایشان
حصونهم من الله فاتیهم الله من حیث لم یحتسبوا وقذف
حصارهای ایشان از عذاب خدا پس آمد بایشان عذاب خدا از آنجا که گمان نمیبردند و افکند خدا

فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ

در دلهای ایشان ترس را خراب میکردند خانهای خود را بدستهای خود و دستهای مومنان

فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِي الْأَبْصَارِ ۝ وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ

پس عبرت گیرید ای صاحبان بینائی و اگر نه آن بود که نوشته است خدا بر ایشان

الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ

جلای از خانهای برآینده عذاب ایشان را در دنیا و مر ایشانرا در آخرت عذاب آتش

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِّ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ

این بسبب آنست که ایشان مخالفت کردند خدا و فرستاده او را و هر که خلاف کند خدا را پس بدرستی که خدا

شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ مَا قَطَعْتُمْ مِنْ لِينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا

سخت عقوبت است آنچه ببریدید از خرماستان یا بگذاشتید آنرا

قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ ۝ وَمَا

ایستاده بر اصلهای خود پس آن باذن خدا است و تا خوار کند خدا بدکاران را و آنچه

أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا

باز گردانید خدا بر فرستاده خود از مالهای ایشان پس نتاختید بر آن اموال بمسیح اسبی و نه

رِكَابٍ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يُسَلِّطُ رُسُلَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ

شتری و لیکن خدا میکند مسلط پیغمبران خود را بر هر که خواهد و خدا

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ

بر هر چیز توانا است آنچه باز گردانید خدا بر فرستاده خود از اهل دیها

فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ

پس خدا و مر فرستاده او را و مر خداوندان خویشی و ایتمان آل محمد و درویشان و راه گذاران

السَّبِيلِ كَيْلَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ ۚ وَمَا

راه گذاران تا نباشد آن چیز متداول میان بی نیازان از شما و آنچه

آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ

بدهد شما را پیغمبر پس بگیرید آنرا و آنچه نهی کند شما را از آن پس باز ایستید و بپرهیزید از خدا

إِنَّ اللَّهَ

اِنَّ اللّٰهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ۝ لِلْفُقَرَآءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ اُخْرِجُوا

بدرستیکه خدا سخت عقوبتست مر درویشان را مهاجرانست آنانکه بیرون رفتند

مِنْ دِيَارِهِمْ وَاَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللّٰهِ وَرِضْوَانًا

از خانهای خود و مالهای خود و طلب کنند افزونی را از خدا و خشنودی

وَيَنْصُرُونَ اللّٰهَ وَرَسُولَهُ اُولٰٓئِكَ هُمُ الصّٰدِقُونَ ۝ وَالَّذِينَ

و یاری میدهند دین خدا و فرستاده او آن گروه ایشانند راست گویان و آنانکه

تَبَوَّءُوا الدّٰارَ وَالْاِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ اِلَيْهِمْ

جای در سرای گرفتند و در ایمان پیش از مهاجران دوست میدارند هر که هجرت کرد بسوی ایشان

وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّآ اُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلٰٓى

و نیابند در سینه های ایشان انچه احتیاج باشد از آنچه داده شده اند و اختیار میکنند

اَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَاُولٰٓئِكَ

بر نفسهای خود و اگرچه هست ایشان را بانچه میدهند و هر که نگاه داشته شود در بخل نفس خود پس انگروه

هُمُ الْمُفْلِحُونَ ۝ وَالَّذِينَ جَآءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا

ایشانند رستگاران و آنانکه آمدند بعد از مهاجران و انصار میگویند پروردگارا

اغْفِرْ لَنَا وَلِاِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْاِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ

بیامرز ما را و برادران ما را آنانکه پیشی گرفتند ما را بایمان و مگردان

فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ اٰمَنُوا رَبَّنَا اِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ۝ اَلَمْ تَرَ

در دلهای ما کینه و حسدی مر آنانرا که گرویدند پروردگارا بدرستی که تو مهربان بخشاینده

اِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِاِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ اَهْلِ

بسوی آنانکه منافقی میورزند و میگویند مر برادران خود را آنانکه کافر شدند از اهل

الْكِتَابِ لَئِنْ اُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا نُطِيعُ فِيكُمْ اَحَدًا اَبَدًا

کتاب هر آینه اگر بیرون کرده شوید بیرون آییم البته با شما و فرمان نبریم در خلاف شما کسی را هرگز

وَاِنْ قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللّٰهُ يَشْهَدُ اِنَّهُمْ لَكٰذِبُونَ

و اگر کارزار کرده شوید هر آینه یاری دهیم خدا را و خدا گواهی میدهد بدرستی که ایشان مردروغگویانند

در مجمع البیان حکایت کرده از ابن عباس که رسول خدا روزی با انصار گفت که اگر خواهید اموال و خانهای خود و غنایم نبی النضیر شریک باشید با مهاجر و اگر خواهید اموال و خانهای شما مخصوص شما باشد و در این غنایم شما را هم نصیبی باشد ایشان گفتند ما خانها و اموال خود را قسمت مینمائیم با مهاجر و غنایم را مخصوص ایشان میگردانیم این آیه و الذین تبوء الدار ما آخر در زمانی نازل شد که مردی بخدمت رسول خدا آمده عرضه داشت که گرسنه ام و طعامی طلبید آنحضرت بخانه خود کس فرستاد که اگر طعامی باشد بیچه او بیاورد هیچ در خانه آنحضرت نبود پس فرمود که کیست که امشب این مرد را ضیافت نماید مردی از انصار برخواست و او را بخانه برد و هیچ در خانه نداشت بغیر طعامی که بیچه کودکان خود مهیا کرده بود آن طعام را برای او بیاورد و چون بمیرسید که آن طعام بنفهمد که آن طعام از کودکان

لَئِنْ أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِنْ قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ وَلَئِنْ

اگر بیرون کرده شوند بیرون نمیروند با ایشان و اگر کارزار کرده شوند یاری نمیکنند ایشانرا و اگر

نَصَرُوهُمْ لَيُوَلُّنَّ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنْصَرُونَ ۝ لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهْبَةً

یاری دهند ایشانرا هر آینه برگردانند پشتهای خودرا پس یاری کرده نشوند هر آینه شما سخت تر مدازروی ترس

فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ ۝ لَا

در سینه های ایشان از خدا است این ترس بسبب آنست که ایشان گروهی اند که نمی فهمند

يُقَاتِلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرًى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ

کارزار نمیکنند درحالی که جمع باشند مگر در دیههای پستوار یا از پس

جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّىٰ

دیوارها کارزار ایشان در میان هم سختست پنداری تو ایشانرا جمع همه وحال انکه دلهای ایشان متفرق است

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ ۝ كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

این بسبب آنست که ایشان میان گروهی اند که نمیفهمند مانند مثل آنانست که پیش از ایشان بودند

قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ كَمَثَلِ

زمان اندک بچشیدند عاقبت کار ایشان ومر ایشانرا است عذابی دردناک چون وعده

الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ إِنِّي

شیطانست چون گفت مر آدمی را که بر کفر خود ثابت باش پس چون کافر شد گفت که من

بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ ۝ فَكَانَ عَاقِبَتَهُمَا

بیزارم از تو بدرستی که من میترسم از خدا که پروردگار عالمیانست پس هست عاقبت این شیطان

أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدَيْنِ فِيهَا وَذَٰلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ ۝ يَا

و آدمی بدرستی که ایشان در آتش همیشه باشند در آن و این باداش ستمکارانست ای

أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ

آنانکه گرویدید بپرهیزید از عذاب خدا و باید که نظر کند هر نفسی آنچه پیش فرستاده برای فردای قیامت

وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝ وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ

و بترسید از عذاب خدا بدرستی که خدا داناست بآنچه می کنند و مباشند مانند آنانکه

و

بعلت زخم بر
کودکان آنرا بخورد و چراغ را
خاموش کرده زنش کودکانرا بیت و بعل
بخواب کرده آمد و زن انگشتان خودرا
در تاریکی میگیزند تا میهمان هم گمان کند که
ایشان هم طعام میخورند تا طعام سر بخورد
و چون آن میهمان سیر شد و آمد و زن بامداد
با گودکان گرد مجدمت رسول خدا آمدند
چون آنحضرت ایشانرا دید تبسم فرمود و
آیه را تلاوت کرد و بسند صحیح از ابوهریره
مرویست که آن میزبانانی که چراغ را خاموش
و اطفال را بخواب کردند علی و فاطمه علیهما السلام

کمثل
الذین من قبلهم

خبر مبتدای محذوف تقدیر مثل بنی النضیر
کمثل الذین و مراد الذین من قبلهم مشرکانند
که پیش از قضیه بنی النضیر در بدر کشته و
اسیر گردیدند و پاره ذلیل و خوار بمکه گریختند
و بقولی بنی قینقاع اند که بعد از مراجعت رسول
از جها و بدر ایشان نقض عهد نمودند و علت
آنحضرت ایشانرا اجلای وطن فرمود و کمثل
الشیطان هم خبر مبتدای محذوف تقدیر
مثل المنافقین کمثل الشیطان خلاصه مضمون
این دو آیه انکه دو ایشان فریفته شدن بنی النضیر
بکثرت و شدت و شوکت خود مانند دو ایشان
فریفته شدن مشرکان قریش است که بکثرت
و قوت خود فریفته شده درصدد مقابله و قتال
مسلمانان برآمدند خصوصا ایشانرا در جها بدر

نَسُوا اللّٰهَ فَاَنْسٰهُمْ اَنْفُسَهُمْ ؕ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْفٰسِقُوْنَ ۝ لَا يَسْتَوِيْٓ

فراموش کردند خدا پس فراموش کرد خدا ایشان را نفسهای ایشان را آنگروه ایشان فاسقانند برابر نیستند

اَصْحٰبُ النَّارِ وَاَصْحٰبُ الْجَنَّةِ ؕ اَصْحٰبُ الْجَنَّةِ هُمُ الْفَآئِزُوْنَ

یاران آتش و یاران بهشت یاران بهشت ایشان رستگارانند

لَوْ اَنْزَلْنَا هٰذَا الْقُرْاٰنَ عَلٰى جَبَلٍ لَّرَاَيْتَهٗ خَاشِعًا مُّتَصَدِّعًا

اگر فرو فرستیم ما این قرآن بر کوهی هر آینه میدیدی آنرا ترسنده شکافته از هم

مِّنْ خَشْيَةِ اللّٰهِ ؕ وَتِلْكَ الْاَمْثَالُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ

ریخته از ترس خدا و این مثلها را بیان کنیم ما برای مردمان شاید ایشان

يَتَفَكَّرُوْنَ ۝ هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ عٰلِمُ الْغَيْبِ

تفکر کنند اوست خدائی که نیست خدائی مگر او دانای نهان

وَالشَّهَادَةِ ۚ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ ۝ هُوَ اللّٰهُ الَّذِيْ لَآ اِلٰهَ اِلَّا

و آشکار اوست بخشنده مهربان اوست خدائی که نیست خدائی مگر

هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوْسُ السَّلٰمُ الْمُؤْمِنُ الْمُهَيْمِنُ الْعَزِيْزُ الْجَبَّارُ

او پادشاه عالم که پاک و سالم از عیبهاست ایمن کننده بندگان نگهبان غالب بزرگوار

الْمُتَكَبِّرُ ؕ سُبْحٰنَ اللّٰهِ عَمَّا يُشْرِكُوْنَ ۝ هُوَ اللّٰهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ

در نهایت کبریا پاکست خدا از آنکه شریک میسازند اوست خدای آفریننده مخلوقات

الْمُصَوِّرُ لَهُ الْاَسْمَآءُ الْحُسْنٰى ؕ يُسَبِّحُ لَهٗ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ

آفریننده ممکنات مراورا ست نامهای نیکو تسبیح میکند مراورا آنچه در آسمانها و

الْاَرْضِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ

زمینست و او غالب درست کارست

سورة الممتحنة ثلث عشرة آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَتَّخِذُوْا عَدُوِّيْ وَعَدُوَّكُمْ اَوْلِيَآءَ

ای کسانی که گرویده اید مگیرید دشمنان من و دشمنان شما دوستان

ابو حمزه ثمالی از علی بن الحسین علیه السلام روایت کرده که هر که سوره ممتحنه را بخواند حق تعالی دل او را ایمان امتحان کند چشم او را منور نماید و هر گز نه بیند نه او و نه اولاد او

بیان در شان نزول این آیات در مجمع البیان چنین حکایت

تلقون الیهم بالمودة وقد کفروا بما جاءکم من الحق یخرجون
می افکنند بسوی ایشان دوستی را بمکاتبه و بحقیق که کافر شدند بآنچه آمده بشما از راستی بیرون میکنند
الرسول وایاکم ان تؤمنوا بالله ربکم ان کنتم خرجتم
پیغمبر و شمارا بسبب انکه بایمان آورید بخدا پروردگار شما اگر هستید که بیرون آمده اید
جهادا فی سبیلی وابتغاء مرضاتی تسرون الیهم بالمودة
بجهة جهاد در راه من و برای طلب رضای من بپنهانی میفرستید بسوی ایشان دوستی را
وانا اعلم بما اخفیتم وما اعلنتم ومن یفعله منکم
و من میدانم آنچه را پنهان میکنید و آنچه را آشکار میکنید و هر که بکند این کار را از شما
فقد ضل سواء السبیل ان یثقفوکم یکونوا لکم اعداء
پس بدرستی که گمگرده راه راست را اگر بیابند شمارا دشمنان که باشند مر شمارا دشمنان
ویبسطوا الیکم ایدیهم والسنتهم بالسوء وودوا
و بگشایند بسوی شما دستهای خودرا و زبانهای خودرا ببدی و دوست دارند
لو تکفرون لن تنفعکم ارحامکم ولا اولادکم یوم
اگر کافر شوید شما هرگز نفع نخواهند رسانید بشما خویشان شما و نه فرزندان شما روز
القیمة یفصل بینکم والله بما تعملون بصیر قد کانت
قیامت جدا کند میان شما و خدا آنچه میکنید بینا است بدرستی هست
لکم اسوة حسنة فی ابراهیم والذین معه اذ قالوا لقومهم
مر شمارا قدوه نیکو که بآن اقتدا باید کرد در ابراهیم و آنانکه با او بودند در وقتیکه گفتند ایشان مر قوم خود را
انا برآء منکم ومما تعبدون من دون الله کفرنا بکم
بدرستی که ما بیزاریم و از آنچه میپرستید بجز از خدا از اصنام کافر شدیم بدین شما
وبدا بیننا وبینکم العداوة والبغضاء ابدا حتی تؤمنوا
و ظاهر شد میان ما و میان شما عداوت و دشمنان بدل و دشمنی بدیست تا انکه ایمان آرید
بالله وحده الا قول ابراهیم لابیه لاستغفرن لک

بخدا که یکتا است او مگر در گفتن ابراهیم مر پدر خود را که هر آینه آمرزش می طلبم برای تو

کرده که بعد از واقعه بدر سال سیم هجرت

از آنکه بمدینه آمد و رسول خدا صلی الله علیه و آله

از مشاجرت وی استفسار فرمود و فرمود

که آیا مسلمان شده گفت نه فرمود مطلب چیست

از آنکه دستگاهی بمدینه ندارد عرض کرد نه بلکه

بعلت فقر و فاقه آمده ام چون بزرگان قریش

متاصل شدند در بدر پس آنحضرت صلی الله

علیه و آله اولاد عبد المطلب را فرمود تا طعام

و کسوه و سواری و زاد و راحله سفر مکه بوی

دادند و در آنوقت آنحضرت اراده فتح مکه داشت

پس حاطب بن ابی بلتعه نامه بقریش نوشت که

پیغمبر اراده فتح مکه دارد باخبر باشید و تهیه کار

خود نمایید و آن را بسواره داد چون سواره آنرا

شد جبرئیل آنحضرت را از آنمعنی آگاهی داد آن

حضرت با علی علیه السلام و عمار و عمر و زبیر و طلحه

مقداد فرمود بروید تا بروضه خاخ و آن محلی است

در ما بین الحرمین در آنجا سواره را دیده نامه از وی

مطالبه نمودند و او منکر شد قسم یاد نمود که

نامه با او نیست و اسباب او را ملاحظه تمام نمودند

چیزی نیافتند رفقا خواستند برگردند امیر المومنین

فرمود بخدا سوگند که پیغمبر صلی الله علیه و آله دروغ نگفته و نامه البته با او هست و با شمشیر

با او گفت نامه را میدهی و الا بخدا که گردنت را

وَمَآ اَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللّٰهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَاِلَيْكَ

و ما مالک نیستم برای تو دفع عذاب خدا هیچ چیزی پروردگار ما بر تو توکل کردیم و بسوی تو

اَنَبْنَا وَاِلَيْكَ الْمَصِيرُ ۝ رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا

بازگشتیم و بسوی حکم تست بازگشت همه ای پروردگار ما مگردان ما را آزمایش برای آنانکه کافر شدند

وَاغْفِرْ لَنَا رَبَّنَآ اِنَّكَ اَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ۝ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ

و بیامرز ما را پروردگار ما بدرستی که تو ئی تو غالب درست کار بدرستی که هست شما را در ابراهیم و

اُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللّٰهَ وَالْيَوْمَ الْاٰخِرَ وَمَنْ

قوم او خصلتی نیکو مر کسی را که باشد امید وار رضای خدا و روز قیامت و هر که

يَتَوَلَّ فَاِنَّ اللّٰهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ ۝ عَسَى اللّٰهُ اَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ

روی بگرداند بدرستی که خدا اوست بی نیاز ستوده امید هست انکه خدا بگرداند میان شما

وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوَدَّةً وَاللّٰهُ قَدِيرٌ وَاللّٰهُ غَفُورٌ

و میان آنانکه دشمنی داشتید از گفار دوستی و خدا توانا است و خدا آمرزنده

رَحِيمٌ ۝ لَا يَنْهٰكُمُ اللّٰهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ

مهربان است نهی نمیکند شما را خدا از آنانکه کارزار نکردند با شما در کار دین

وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ اَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا اِلَيْهِمْ اِنَّ

و بیرون نکردند شما را از خانهای شما انکه بکوشید با ایشان و حکم بعدل کنید بسوی ایشان بدرستی که

اللّٰهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ ۝ اِنَّمَا يَنْهٰكُمُ اللّٰهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ

خدا دوست میدارد عدل کنندگان را جز این نیست که نهی میکند شما را خدا از آنانکه کارزار کردند با شما

فِي الدِّينِ وَاَخْرَجُوكُمْ مِّنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلٰٓى اِخْرَاجِكُمْ

در دین و بیرون کردند شما را از دیارشما و هم پشت شدند بر بیرون کردن شما

اَنْ تَوَلَّوْهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الظّٰلِمُونَ ۝ يٰٓاَيُّهَا

انکه دوستی کنید با ایشان و هر که دوست دارد ایشان را پس آنگروهند ستمکاران ای

الَّذِينَ اٰمَنُوٓا اِذَا جَآءَكُمُ الْمُؤْمِنٰتُ مُهٰجِرٰتٍ فَامْتَحِنُوهُنَّ

آنانکه گرویدید چون بیایند شما را زنان مؤمنه که هجرت کنندگان باشند پس بیازمایید آنها را

آورده
با حضرت داد ایشان
معاودت بمدینه نموده کیفیت بعرض حضرت
رسالت پناه رسانیدند آنحضرت حاطب را
طلبیده فرمود که غرض تو از این حرکت
چه بوده گفت یا رسول الله از ارادتی که
مسلمانان شده ام هرگز کفر نورزیدم و از
آنوقت که اظهار خیر خواهی تو نموده ام دیگر
هرگز صلاح حال تو را منظور نداشتم و از انکاه
که از قریش جدائی نموده بخدمت شما قیام دیگر
هرگز ایشان را دوست نداشتم و فشار این حرکت
آن بود که مرا در مکه خویشان هست که اموال
و ضعیفند و میترسیدم که از ایستادن حرکت مسلمانان
بمکه قریش در صدد ایذای قوم من در آیند من
خواستم که ایشان را ممنون خود نمایم شاید که
ایشان بقوم من نرسند و امید است که خدای
عزوجل تو را نصرت خواهد داد و بر قریش غالب
خواهی شد و نامه من بحال تو ضرری ندارد
آنحضرت صلی الله علیه و آله
عذر او را در پذیرفت
مجلس
ایشان حکایت کرد
از ابن عباس که این آیه در شان
حاطب و نبی مدح نازل شده که یا رسول
مصالحه نمودند بشرط انکه خود محاربه
مسلمانان ننمایند و مدتی بدین هم
ننمایند

اَللّٰهُ اَعْلَمُ بِاِيْمَانِهِنَّ فَاِنْ عَلِمْتُمُوْهُنَّ مُؤْمِنٰتٍ فَلَا تَرْجِعُوْهُنَّ

خداوانا تر است بگرویدن ایشان پس اگر دانستید آنهارا که مؤمنه اند پس باز نگردانید ایشانرا

اِلَى الْكُفَّارِ ؕ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّوْنَ لَهُنَّ ؕ وَاٰتُوْهُمْ

بسوی کفار نه این زنان حلال ست مرکافرانرا ونه کفار حلال می شوند مرآن زنانرا واو بدهید ایشانرا

مَّآ اَنْفَقُوْا ؕ وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ اَنْ تَنْكِحُوْهُنَّ اِذَآ اٰتَيْتُمُوْهُنَّ

آنچه خرج کرده اند ونیست گناه بر شما اگر نکاح کنید زنان مهاجره را چون بدهید ایشانرا

اُجُوْرَهُنَّ ؕ وَلَا تُمْسِكُوْا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ وَاسْئَلُوْا مَآ اَنْفَقْتُمْ

مزدهای ایشانرا و چنگ مزنید بعقدهای کافره و بپرسید از کفار آنچه خرج کرده

وَلْيَسْئَلُوْا مَآ اَنْفَقُوْا ؕ ذٰلِكُمْ حُكْمُ اللّٰهِ ؕ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ ؕ وَاللّٰهُ

و باید که بخواهند کفار آنچه خرج کرده اند از شما این فرمان خداست حکم میکند میان شما و خدا

عَلِيْمٌ حَكِيْمٌ ۝ وَاِنْ فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ اَزْوَاجِكُمْ اِلَى الْكُفَّارِ

دانای درست کارهست و اگر فوت شود از شما چیزی از زنان شما بسوی کفار

فَعَاقَبْتُمْ فَاٰتُوا الَّذِيْنَ ذَهَبَتْ اَزْوَاجُهُمْ مِّثْلَ مَآ اَنْفَقُوْا ؕ

پس عاقبت ظفر از شماست پس بدهید آنانرا که رفته اند زنان ایشان مانند آنچه نفقه کرده اند

وَاتَّقُوا اللّٰهَ الَّذِيْٓ اَنْتُمْ بِهٖ مُؤْمِنُوْنَ ۝ يٰٓاَيُّهَا النَّبِيُّ اِذَا جَآءَكَ

و بترسید از عذاب خدائی که شما بآن خدا گروندگانیم ای پیغمبر برگزیده چون بیایند نزد تو

الْمُؤْمِنٰتُ يُبَايِعْنَكَ عَلٰٓى اَنْ لَّا يُشْرِكْنَ بِاللّٰهِ شَيْئًا وَّلَا يَسْرِقْنَ

زنان مومنه مبایعه کنند با تو بر آنکه شرک نیارند بخدا چیزی و دزدی نکنند

وَلَا يَزْنِيْنَ وَلَا يَقْتُلْنَ اَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَاْتِيْنَ بِبُهْتَانٍ يَّفْتَرِيْنَهٗ

و زنا نکنند و نکشند فرزندان خودرا و نیایند بدروغی که افترا کرده باشند آنرا

بَيْنَ اَيْدِيْهِنَّ وَاَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيْنَكَ فِيْ مَعْرُوْفٍ فَبَايِعْهُنَّ

میان دستهای خود و پاهای خود و عاصی نشوند با تو در کار نیکو پس بیعت کنند با

وَاسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللّٰهَ ؕ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا

ایشان و طلب آمرزش کنید برای ایشان از خدا بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست ای آنانکه ایمان آورده اید

مجمع

البیان حکایت

کرده که در صلح شرط شده بود که هر گاه

از مشرکان قریش بمدینه آیند حضرت رسول

او را بمکه باز پس فرستد هر چند مسلمان شده باشد

و بعد از وقوع مصالحه همان در حدیبیه سبیعه

صبیه حارث اسلمیه بلشکر اسلام آمد و اظهار

اسلام نمود شوهرش مسافر کرا فرستاد تا

محرومش بود آمد و بمقتضای مصالحه

زن خود را مطالبه نمود پس آیه

یا ایها الذین آمنوا

اذا جاءکم ها جر

آیه

مجمع

البیان گفته که چون آیه مذکور

نزول یافت مسلمانان اطاعت فرمان الهی

نموده مهرهای زنان مشرکانرا که بسبب اسلام

بمدینه می آمدند بشوهران کافرایشان میدادند

مشرکان قریش باین حکم عمل ننمودند واگر زنی

از مسلمانان سبب ارتداد بمکه رفته بمشرکان

می پیوست مهرش را بشوهرش نمیرسانیدند پس

حق تعالی این آیه فرستاد که

وان فاتکم شیئ من ازواجکم

ما خر آیه

در مجمع

البیان مذکورست که این آیه در روز فتح

نزول یافت وقتی که رسول خدا صلی الله

علیه وآله بر صفا از بیعت کردن زنان فارغ شد

فارغ شد زنان برای بیعت آمدند و در بیعت

ایشان شروطی که در آیه مذکورست بر زنان

مقرر شد

سورة الصف مدنية

لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللّٰهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْاٰخِرَةِ كَمَا يَئِسَ
دوستی مکنید گروهی را که غضب کرد خدا بر ایشان بجهت که نومید شدند از ثواب آخرت همچنانکه نومید شدند
الْكُفَّارُ مِنْ اَصْحٰبِ الْقُبُوْرِ
کافران از یاران گورها

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ
بنام خدای بخشاینده مهربان

سَبَّحَ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْاَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيْزُ الْحَكِيْمُ
تسبیح کرد خدا را آنچه در آسمانها و آنچه در زمینست و او ست غالب محکم کار

يٰٓاَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لِمَ تَقُوْلُوْنَ مَا لَا تَفْعَلُوْنَ ۝ كَبُرَ مَقْتًا
ای آنانکه گرویده اید چرا میگویید آنچه نخواهید کرد بزرگست از روی خشم

عِنْدَ اللّٰهِ اَنْ تَقُوْلُوْا مَا لَا تَفْعَلُوْنَ ۝ اِنَّ اللّٰهَ يُحِبُّ الَّذِيْنَ
نزد خدا آنکه بگویید آنچه نخواهید کرد بدرستی که خدا دوست میدارد آنانکه

يُقَاتِلُوْنَ فِيْ سَبِيْلِهٖ صَفًّا كَاَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرْصُوْصٌ ۝ وَاِذْ
کارزار میکنند در راه دین خدا در حالی که صف زدگانند گویا ایشان بناهای ریخته شده اند از زر و یا دکن

قَالَ مُوْسٰى لِقَوْمِهٖ يٰقَوْمِ لِمَ تُؤْذُوْنَنِيْ وَقَدْ تَّعْلَمُوْنَ اَنِّيْ رَسُوْلُ
چون گفت موسی مر قومش را ای قوم چرا میرنجانید مرا و حال آنکه میدانید شما بدرستی که من

اللّٰهِ اِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوْٓا اَزَاغَ اللّٰهُ قُلُوْبَهُمْ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي
فرستاده خدایم بسوی شما پس آن هنگام که کژ شدند از ایمان کژ گردانیدند خدا دلهای ایشان را و خدا راه ننماید

الْقَوْمَ الْفٰسِقِيْنَ ۝ وَاِذْ قَالَ عِيْسَى ابْنُ مَرْيَمَ يٰبَنِيْٓ اِسْرَآءِيْلَ
گروه بدکار را ایشان و یاد کن یا محمد چون گفت عیسی پسر مریم ای بنی اسرائیل

اِنِّيْ رَسُوْلُ اللّٰهِ اِلَيْكُمْ مُّصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرٰىةِ
بدرستی که من رسول خدا بسوی شما که باور دارنده ام مر آنچیزی را که پیش روی شماست از کتاب توراة

وَمُبَشِّرًا بِرَسُوْلٍ يَّاْتِيْ مِنْۢ بَعْدِي اسْمُهٗٓ اَحْمَدُ ۭ فَلَمَّا جَآءَهُمْ
و مژده دهنده به پیغمبری که می آید از بعد من نام او احمد است پس چون آمد ایشان را

ابو بصیر از امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که هر که سوره صف را در فرایض و نوافل بخواند و بآن مداومت نماید حق تعالی او را در صف انبیا و فرشتگان جای دهد بقول اکثر مفسرین این آیه نازل شد در شان گروهی که میگفتند بعد از ثواب سماع مجاهدین و شهدا بدر اگر دیگر جهادی رود هم ثابت قدم باشیم تا شهید گردیم و در روز احد همه گریختند و رسول را با امیر المؤمنین تنها و بودجانه گذاشتند

بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هٰذَا سِحْرٌ مُبِينٌ ۝ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ

معجزات روشن گفتند این سحریست ظاهر و کیست ستمکارتر از کسی که دروغ بست

عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَىٰ إِلَى الْإِسْلَامِ ۚ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي

بر خدا دروغی و او مفتری خوانده می شود بسوی اسلام و خدا راه ننماید

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ ۝ يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ

گروه ستمکاران را اینکه فرو نشانند نور خدا را بدهنهای خود و خدا تمام کننده نور خود است

وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ ۝ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ

و اگرچه کراهت داشته باشند کافران اوست آنکه فرستاد پیغمبر خود را براهنمائی

وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ۝

و مذهب راست تا غالب کند این را بر همه دینها و اگرچه کراهت داشته باشند مشرکان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُنْجِيكُمْ مِنْ

ای کسانی که ایمان آورده اید آیا دلالت کنم شما را بر بازرگانی که رهاند شما را از

عَذَابٍ أَلِيمٍ ۝ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي

عذاب دردناک بگروید بخدا و فرستاده او و جهاد کنید با کفار در

سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ۚ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ

راه خدا بمالهای خود و بنفسهای خود این بهتر است برای شما اگر هستید که

تَعْلَمُونَ ۝ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ

بدانید بیامرزد خدا برای شما گناهان شما را و درآورد شما را در بوستانهائی که

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ

میرود از زیر آنها نهرها و مسکنهای پاکیزه در بوستانهای

عَدْنٍ ۚ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا ۖ نَصْرٌ مِنَ

باقامت این رستگاری بزرگست و نعمتی دیگر در دنیا که دوست میدارید آنرا نصرت

اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ ۗ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ ۝ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

از خدا و فتحی نزدیک و مژده ده مؤمنان را ای آنانکه گرویدند

كونوا

كونوا انصار الله كما قال عيسى ابن مريم للحواريين من انصاري
باشند نصرت كنندگان دين خدا چنانكه گفت عيسى پسر مريم مر حواريان را كيست ياري دهنده
الى الله قال الحواريون نحن انصار الله فامنت طائفة
من بسوى خدا گفتند حواريان ما ايم ياري دهندگان خدا پس گرويدند طايفه
من بني اسرائيل وكفرت طائفة فايدنا الذين امنوا على
از بني اسرائيل بر رسالت عيسى وكافر شد طايفه ديگر پس قوت داديم ما آنانرا كه گرويدند بر
عدوهم فاصبحوا ظاهرين
دشمنان ايشان پس گشتند غالبان

سورة الجمعة احدى عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم
بنام خداى بخشنده مهربان
يسبح لله ما في السموات وما في الارض الملك القدوس
تسبيح ميكند خدارا آنچه در آسمانهاست وآنچه در زمينست پادشاهى از نقص
العزيز الحكيم هو الذي بعث في الاميين رسولا
غالب محكم كار اوست آنكه برانگيخت در ميان ناخواندگان نويسندگان پيغمبرى
منهم يتلوا عليهم اياته ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة
از ايشان كه ميخواند بر ايشان آيتهاى كلام خدارا و پاك ميكند ايشانرا و مى آموزد ايشانرا قرآن واحكام شريعت
وان كانوا من قبل لفي ضلال مبين واخرين منهم
واگر بودند پيش ازبعثت هر آينه در گمراهى ظاهر و ديگر مبعوث ساخت
لما يلحقوا بهم وهو العزيز الحكيم ذلك فضل الله يؤتيه
پيغمبر را در ميان جماعتى ديگر كه هنوز لاحق نشده اند بايشان غالب است كار او احسان خداست ميدهد آنرا
من يشاء والله ذو الفضل العظيم مثل الذين حملوا
هر كه خواهد و خدا صاحب فضل واحسان بزرگست مانند آنانكه بار كرده شدند
التورية ثم لم يحملوها كمثل الحمار يحمل اسفارا بئس مثل

تورات را پس برنداشتند آنرا چنانكه حق آنست مانند صفت آنست كه خرى برميدارد كتابها را بد است مانند

نصف

از حضرت ابى عبد الله مرويست كه از جمله واجبات بر شيعيان ما
است كه بخوانند در شب جمعه در نماز عشا سوره جمعه و
سبح اسم و در نماز ظهر جمعه جمعه و منافقين را و هر گاه چنين كنند
پس گويا كرده هر چه رسول خدا كرده و بهشت جاوف
يعنى محمد صلى الله عليه وآله
كه از نوع قريش بود و ايشانرا
از آن ميگفتند كه منصوب بودند بنام القرى
كه نام مكه معظمه است يا مراد از امين كرونيه
از قريش كه سواد و خط مى نوشتند و بسايا الحال
از ما در زاده شده اند و مراد از آخرين در اينجا غير
عرب است چنانكه در مجمع البيان از حضرت ابو جعفر
و از عبد الله بن عمر روايت كرده و مويد اوست
حديثى كه بطريق عامه از حضرت رسول خدا صلى الله
عليه وآله مشهور است كه بعد از
قرائت اين آيه پرسيدند كه اين گروه كيانند

اَلْقَوْمَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِاٰيَاتِ اللّٰهِ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ

گروه آنانکه تکذیب کردند آیتهای خدا را و خدا راه نمینماید گروه

الظَّالِمِينَ ۝ قُلْ يَا اَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا اِنْ زَعَمْتُمْ اَنَّكُمْ

ستمکاران را بگو ای گسانیکه یهود شدید اگر گمان شما آنست که شما

اَوْلِيَاءُ لِلّٰهِ مِنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوُا الْمَوْتَ اِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ۝

دوستان خدائید غیر از مردم پس آرزو کنید مرگ را اگر هستید شما راستگویان

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ اَبَدًا بِمَا قَدَّمَتْ اَيْدِيهِمْ وَاللّٰهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ ۝

و آرزو نکنند یهود هرگز بسبب آنچه پیش فرستاده دستهایشان و خدا داناست بستمکاران

قُلْ اِنَّ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَاِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ تُرَدُّونَ

بگو ای محمد پرستی این مرگ که میگریزید شما از او پس پرستی که او رسنده است بشما پس بازگردانیده

اِلٰى عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۝ يَا اَيُّهَا

شوی دانای نهان و آشکار پس خبر دهد شما را بآنچه بودید شما که میکردید ای

الَّذِينَ اٰمَنُوا اِذَا نُودِيَ لِلصَّلٰوةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا

آنانکه گرویدید چون نداداده شود برای نماز از روز جمعه پس بشتابید

اِلٰى ذِكْرِ اللّٰهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ اِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

بسوی یاد کردن خدا که نماز است و بگذارید خرید و فروخت این بهتر است برای شما اگر هستید که بدانید

فَاِذَا قُضِيَتِ الصَّلٰوةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْاَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ

پس چون گذارده شود نماز پس پراکنده شوید در زمین و بجویید از فضل

اللّٰهِ وَاذْكُرُوا اللّٰهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ۝ وَاِذَا رَاَوْا تِجَارَةً

خدا و یاد کنید خدا را بسیار شاید شما رستگار شوید و چون به بینند کاروانی را

اَوْ لَهْوًا انْفَضُّوا اِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللّٰهِ خَيْرٌ

یا لهوی که طبل زدن بود متفرق شوند در مجلس بسوی آن و بگذارند تو را ایستاده بر منبر بگو ای محمد آنچه نزد خداست بهتر است

مِنَ اللَّهْوِ وَمِنَ التِّجَارَةِ ۝ وَاللّٰهُ خَيْرُ الرّٰزِقِينَ ۝

از لهو و از بازرگانی و خدا بهترین روزی دهندگانست

بسم الله

در مجمع البیان حکایت کرده که رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز جمعه در اثنای خطبه و نماز بود که قافله تجار شام بمدینه رسید و طبل برای اعلام مردمان کوفتند اهل مسجد چون آواز طبل شنیدند همگی از مسجد باثر آواز طبل رفتند بغیر از دوازده مرد و یکصد و بقولی یازده تن و بقولی هشتاد تن و بعضی گفته اند که سه نفر دو مرد و زنی چون معامله رود داد که هر نوبت قافله از شام در روز جمعه در اوای خطبه رسیدی بدستور مذکور مردمان نماز را گذاشتندی تا قافله کاه میرفتند جهت خریدن متاع کاروان و شنیدن آواز طبل هنگام خبر فروش مردان پس این آیه نزول یافت

سورة المنافقون احدی عشرة آیة ومدنیة

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشنده مهربان

إذا جاءك المنافقون قالوا نشهد إنك لرسول الله و

چون بیایند نزد تو منافقان گویند گواهی میدهیم بدرستیکه تو فرستاده خدائی او

الله يعلم إنك لرسوله والله يشهد إن المنافقين لكاذبون

خدا میداند انکه تو البته پیغمبر اوئی و خدا گواهی میدهد که منافقان هر آینه دروغگویانند

اتخذوا أيمانهم جنة فصدوا عن سبيل الله إنهم ساء ما

فراگرفتند قسمهای خود را سپری پس بازمیدارند مردم را از راه دین خدا بدرستی که ایشان بد است آنچه

كانوا يعملون ذلك بأنهم آمنوا ثم كفروا فطبع على قلوبهم

بودند که میکردند این بسبب انست که ایشان گرویدند پس کافر شدند پس مهر خذلان نهاده شد بردلهای

فهم لا يفقهون وإذا رأيتهم تعجبك أجسامهم وإن يقولوا

ایشان پس ایشان درنمی یابند و چون ببینی منافقانرا بشگفت آرد تو را اجسامهای ایشان واگر سخن گویند

تسمع لقولهم كأنهم خشب مسندة يحسبون كل صيحة

گوش میکنی بسخن ایشان گویا ایشان چوبهای بدیوار پشت نهاده اند گمان میبرند هر فریادی که

عليهم هم العدو فاحذرهم قاتلهم الله أنى يؤفكون

برایشان برآید ایشان دشمنند پس حذر کن از ایشان بکشد ایشانرا خدا پس چگونه برگردانیده میشوند

وإذا قيل لهم تعالوا يستغفر لكم رسول الله لووا رؤوسهم

وچون گفته شود مرایشانرا بیائید تا طلب آمرزش کند برای شما پیغمبر خدا بپیچند سرهای خودرا

ورأيتهم يصدون وهم مستكبرون سواء عليهم

و به بینی ایشانرا که اعراض میکنند ازآن و ایشان گردن کشانند یکسانست برایشان

أستغفرت لهم أم لم تستغفر لهم لن يغفر الله لهم

اگر استغفار کنی برای ایشان یا استغفار نکنی برای ایشان نمی آمرزد خدا ایشانرا

خواص سورهٔ منافقان در ضمن فضیلت سورهٔ جمعه گذشت

در مجمع البیان حکایت

کرده که هنگام مراجعت رسول از جهاد بنی المصطلق در سر چاهی برای کسب آب بعلت کثرت واز دحام لشکری منازعه واقع شد میان جهجاه غفاری که اجیر عمر بن الخطاب بود و میان سنان جهنی انصاری که حلیف خزرج بود و منجر بمضاربه و مقاتله گردید و شخصی از مهاجرین که او را جهال می گفتند بمدد جهجاه و بمعاونت سنان هم جمعی از انصار آمدند و کار منازعه قوت گرفت عبد الله بن ابی منافق باجهال گفت این فتنه در زمستان باجهال گفت عبد الله باو هم در برابر ستمکار درشت گفت عبد الله باو خود گفت که شما تقویت این گروه مسلمانان نمودید بخانهای خود ایشانرا جای دادید و اموال خود را باشان عطا نمودید بخدا قسم که چون بمدینه بازگشتم هر آینه بیرون کند عزیزترین ما خوار ترین ما را و مراد او از عزیز خود و اصحاب او و از ذلیل مسلمانان بود و از زید پسر ارقم بود که در آن وقت جوانی خرد

اِنَّ اللّٰهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ ۝ هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا

بدرستی که خدا راه ننماید گروه بدکاران را ایشانند آنانکه میگویند

تُنْفِقُوا عَلَىٰ مَنْ عِنْدَ رَسُولِ اللّٰهِ حَتّٰى يَنْفَضُّوا ۗ وَلِلّٰهِ خَزَائِنُ السَّمٰوٰتِ

نفقه مکنید و طعام ندهید بر کسی که نزد رسول خداست تا متفرق شوند و مر خداراست خزینهای آسمانها

وَالْأَرْضِ وَلٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ ۝ يَقُولُونَ لَئِنْ

و زمین ولیکن منافقان نمیدانند که روزی با خداست میگویند منافقان اگر

رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ ۚ وَلِلّٰهِ الْعِزَّةُ

بازگردیم ما بسوی شهر هرآینه بیرون کند عزیزترین ازمدینه خوارترین مردم را و مر خداراست

وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلٰكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۝ يَا أَيُّهَا

عزت و مر رسولش را و مر مومنان را ولیکن منافقان نمیدانند ای

الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ

آنان که گرویدید باید مشغول نسازد شما را مالهای شما و نه فرزندان شما از یاد کردن

اللّٰهِ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذٰلِكَ فَأُولٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ۝ وَأَنْفِقُوا

خدا و هر که بکند این کار را پس انگروه ایشان زیانکارانند و نفقه کنید در راه

مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ

خدا از آنچه روزی دادیم شما را پیش از آنکه بیاید یکی از شما را مرگ پس گوید پروردگارا من

لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَّقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ

چرا مهلت ندهی مرا تا مدتی نزدیک پس تصدق کنم و باشم از جمله شایستگان

وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللّٰهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا ۚ وَاللّٰهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ ۝

و هرگز تاخیر نکند خدا هیچ نفسی را چون بیاید وقت آن و خدا آگاه است بآنچه میکنید

سورة التغابن مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشنده مهربان

این سخن را شنیده و بحدیث حضرت رسول خدا عرضه داشت آنحضرت عبدالله بن ابی را طلبیده و وعید او بر این گفتار نمود عبدالله سوگند بخدا خورد که آن سخن وی نیست و حاضران انصار عرضه داشتند که عبدالله بن ابی بزرگ و شیخ ماست سخن کودکی را در باره وی باور مکن و بحضرت عذر عبدالله را پذیرفت و انصار زبان طعن و ملامت بر زید بن ارقم گشودند و زید گوید که چون پیش خدا صلی الله علیه و آله آمدم و سخن نشستیم پس سوره منافقان نازل گردید پس رسول خدا صلی الله علیه و آله از روی محبت رو داد گوش مرا گرفته جا بر دهشت و فرمود که ای کودک آنچه شنیدی راست گفتی و آنچه گوشهای تو شنیده مطابق واقع است و خدای تعالی در این باب سوره فرستاد که چون این آیات نزول یافت باعبدالله گویند بیا تا رسول خدا برای تو استغفار کند خود تو به نما و آمرزش جوی شاید از تقصیر تو عفو فرماید عبدالله سر باز زد و گفت فرمود ایمان بیاورد آوردم گفتند زکوة مال خود بده دادم کاری نماند که نکردم مگر سجده محمد پس کرده واذا قیل لهم تعالوا یستغفر لکم رسول الله نازل شده است الخ که ولکن المنافقین لا یعلمون

يُسَبِّحُ لِلّٰهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۖ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ

تسبیح میکند خدا را آنچه در آسمانهاست و آنچه در زمینست مر او راست پادشاهی و مر او راست سپاس

وَهُوَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۝ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ فَمِنْكُمْ كَافِرٌ

و او بر هر چیز توانا است اوست آنکه آفرید شما را پس بعضی از شما کافرند

وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ ۗ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ۝ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَ

و بعضی از شما مؤمن و خدا بآنچه میکنید بیناست آفرید آسمانها و

الْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ ۖ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

زمین را براستی و صورت کرد شما را پس نیکو ترکرد صورتهای شما را و بسوی اوست بازگشت

يَعْلَمُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ ۗ

میداند آنچه در آسمانهاست و زمینست و میداند آنچه می پوشید از هم و آنچه اظهار میکنید

وَاللّٰهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ ۝ أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَؤُا الَّذِينَ كَفَرُوا

و خدا دانا است بآنچه در سینه های شماست آیا نیامد بشما خبر آنانکه کافر شدند

مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ۝ ذٰلِكَ بِأَنَّهُ

پیش از شما پس بچشیدند عقوبت روزگار خود را و مر ایشانرا است عذاب بردرد این بسبب آنست که

كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ يَهْدُونَنَا

بود آمد بایشان پیغمبران ایشان بامعجزه های روشن پس گفتند آیا آدمی مانند ما راه مینماید ما را

فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللّٰهُ ۚ وَاللّٰهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ ۝ زَعَمَ الَّذِينَ

پس کافر شدند و روی بگردانیدند و بی نیاز است خدا و خدا بی نیاز ستوده است گمان کردند آنانکه

كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا ۚ قُلْ بَلٰى وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا

کافر شدند هرگز برانگیخته نشوند بگو یا محمد آری قسم بپروردگار من که البته مبعوث می شوید پس خبرداده میشوید

عَمِلْتُمْ ۚ وَذٰلِكَ عَلَى اللّٰهِ يَسِيرٌ ۝ فَآمِنُوا بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي

بآنچه کردید و این بر خدا آسانست پس بگروید بخدا و فرستاده خدا و روشنی که

أَنْزَلْنَا ۚ وَاللّٰهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ ۝ يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ

فرستادیم ما و خدا بآنچه میکنید آگاه است روزی که جمع کند خدا شما را برای روز جمع

ابو عبد الله علیه السلام
مرویست که هر که سوره التغابن را
در فریضه بخواند در روز قیامت شفاعت
او کند و شاهد عدل او گردد نزدی
او گردد و مفارقت نکند از و تا او را
بهشت در آورد و مصاحب
او باشد

ذٰلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ ۗ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللّٰهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ

آن روز روز زیان کردن است و کسی که ایمان آورد بخدا و بکند کار شایسته

عَنْهُ سَيِّـَٔاتِهِ وَيُدْخِلْهُ جَنّٰتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ

از او گناهان او را و در آورد او را در بوستانها که میرود از زیر آنها جویها

خٰلِدِينَ فِيهَآ اَبَدًا ۗ ذٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَ

جاویدان در آن همیشه این است رستگاری بزرگ و آنانکه کافر شدند و

كَذَّبُوا بِاٰيٰتِنَآ اُولٰٓئِكَ اَصْحٰبُ النَّارِ خٰلِدِينَ فِيهَا ۖ وَبِئْسَ

تکذیب کردند بنشانهای ما آنگروه یاران آتشند جاویدند در آن و بد

الْمَصِيرُ ۝ مَآ اَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ اِلَّا بِاِذْنِ اللّٰهِ ۗ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللّٰهِ

جای بازگشتنی است رسد هیچ مصیبتی مگر باذن خدا و هر که ایمان آورد بخدا

يَهْدِ قَلْبَهُ ۗ وَاللّٰهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ ۝ وَاَطِيعُوا اللّٰهَ وَاَطِيعُوا

راه نماید خدا دل او را و خدا بهر چیز داناست و فرمان برید خدا و فرمان برید

الرَّسُولَ ۚ فَاِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَاِنَّمَا عَلٰى رَسُولِنَا الْبَلٰغُ الْمُبِينُ ۝ اَللّٰهُ

پیغمبر او را پس اگر روی گردانید پس جز این نیست که بر پیغمبر ماست رسانیدن ظاهر خدائی

لَآ اِلٰهَ اِلَّا هُوَ ۚ وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ ۝ يٰٓاَيُّهَا الَّذِينَ

که نیست خدائی مگر او و بر خدا پس توکل کنند مومنان ای کسانی که

اٰمَنُوٓا اِنَّ مِنْ اَزْوَاجِكُمْ وَاَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ ۚ

گرویدید بدرستی که بعضی از زنان شما و اولاد شما دشمنانند مر شما را پس حذر کنید از ایشان

وَاِنْ تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ ۝ اِنَّمَا

و اگر نه درگذارید و بگردانید و بپوشانید پس بدرستی که خدا آمرزنده مهربانست جز این نیست

اَمْوَالُكُمْ وَاَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ۚ وَاللّٰهُ عِنْدَهُ اَجْرٌ عَظِيمٌ ۝ فَاتَّقُوا

که مالهای شما و فرزندان شما آزمایشند و خدا نزد اوست مزد بزرگ پس بترسید

اللّٰهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَاسْمَعُوا وَاَطِيعُوا وَاَنْفِقُوا خَيْرًا لِاَنْفُسِكُمْ ۗ

از خدا آنچه توانید و بشنوید و فرمان برید و نفقه کنید بهتر است از برای نفسهای شما

وَمَنْ

وَمَن يُوقَ شُحَّ نَفْسِهِۦ فَأُولَٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُفْلِحُونَ ۝ إِن تُقْرِضُوا۟ ٱللَّهَ

و هر که نگاه داشته شد بخل نفس او پس انگروه ایشانند رستگاران (۱۰) اگر قرض دهید خدای را

قَرْضًا حَسَنًا يُضَٰعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۚ وَٱللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ ۝ عَٰلِمُ

قرضی نیکو زیاده کند آنرا برای شما و بیامرزد شما را و خدا جزا دهنده شکر و بردبار است (۱۱) دانای

ٱلْغَيْبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ

نهان و آشکار

سورة الطلاق واثنا عشر آية

ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ

غالب راست کار

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشنده مهربان

يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِىُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ ٱلنِّسَآءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعِدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا۟

ای پیغمبر چون طلاق دهید زنان را پس طلاق دهید ایشان را در وقت عده ایشان را و بشمارید

ٱلْعِدَّةَ ۖ وَٱتَّقُوا۟ ٱللَّهَ رَبَّكُمْ ۖ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنۢ بُيُوتِهِنَّ وَلَا

عده ایشان را و بترسید از خدای خود که پروردگار شماست بیرون مکنید زنان مطلقه را از خانهای ایشان و

يَخْرُجْنَ إِلَّآ أَن يَأْتِينَ بِفَٰحِشَةٍ مُّبَيِّنَةٍ ۚ وَتِلْكَ حُدُودُ ٱللَّهِ ۚ وَمَن يَتَعَدَّ حُدُودَ ٱللَّهِ فَقَدْ

بیرون نروند مگر آنکه بیایند بکار زشت ظاهر و این حدهای احکام خداست هر که

ظَلَمَ نَفْسَهُۥ ۚ لَا تَدْرِى لَعَلَّ ٱللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَٰلِكَ أَمْرًا ۝

ستم کرده بر نفس خود نمیدانی تو شاید خدا تازه کند بعد از آن کاری را

فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ

پس چون برسند زنان بمدت خود پس نگاه دارید ایشان را به نیکوئی یا مفارقت کنید از ایشان به نیکوئی

وَأَشْهِدُوا۟ ذَوَىْ عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا۟ ٱلشَّهَٰدَةَ لِلَّهِ ۚ ذَٰلِكُمْ

و گواه گیرید دو کس عادل از خود و قائم کنید گواهی را برای خدا آنچه مذکور شد

يُوعَظُ بِهِۦ مَن كَانَ يُؤْمِنُ بِٱللَّهِ وَٱلْيَوْمِ ٱلْءَاخِرِ ۚ وَمَن يَتَّقِ

پند داده میشود بآن هر که هست که بگرود بخدا و روز قیامت و هر که بترسد

ٱللَّهَ يَجْعَل لَّهُۥ مَخْرَجًا ۝ وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ ۚ وَمَن

از خدا بگرداند برای او جای بیرون شدن و روزی او را از آنجا که گمان نبرد و هر که

ابو
نصیر از
ابو عبد الله روایت کند
که هر که سوره طلاق و سوره تحریم را
در فریضه بخواند خدا تعالی او را در نا
خود کرده و از خوف روز قیامت نگاه دارد
و از دوزخ نجات داده بهشتش را
زیرا که این هر دو سوره محمود است
که پیغمبر خدا صلی الله
علیه و آله

یعنی طلاق دهید زنان را در وقتی که توانند
آن وقت را حساب نمود از عده و آن وقتی است
که زن پاک باشد از حیض و نفاس در طهری غیر
طهر موافقت که طلاق در حال طهر موافقت و حیض
و نفاس باجماع امامیه فاسد است و مراد از
زنان در این آیه بنا بر مشهور من الاصحاب زنانی
که در سن من تحیض باشند یعنی بالغه و صغیره
نباشند و مدخوله هم باشند و حامله هم نباشند
طلاق غیر مدخوله و حامله در حال حیض و نفاس حرام
و طلاق بالغه و صغیره هم در طهر غیر موافقه
صحیحست و ازینجا

يَتَوَكَّلْ عَلَى اللّٰهِ فَهُوَ حَسْبُهُ ۚ اِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ اَمْرِهٖ ۚ قَدْ جَعَلَ اللّٰهُ

توکل کند بر خدا پس او خدا بسنده اوراست بدرستی که خدا رساننده کار خود است بتحقیق که گردانیده خدا

لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا ۝ وَالّٰٓـِٔيْ يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيْضِ مِنْ نِّسَآئِكُمْ اِنِ

برای هر چیز اندازه ۝ و آن زنانی که نومید گشته از حیض از زنان شما اگر

ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلٰثَةُ اَشْهُرٍ ۙ وَّالّٰٓـِٔيْ لَمْ يَحِضْنَ ۚ وَاُولَاتُ

شک دارید پس زمان عده ایشان سه ماه است و عده زنانی که حایض نشده باشند و خداوندان

الْاَحْمَالِ اَجَلُهُنَّ اَنْ يَّضَعْنَ حَمْلَهُنَّ ۚ وَمَنْ يَّتَّقِ اللّٰهَ يَجْعَلْ لَّهٗ مِنْ

بارها مدت عده شان آنست که بنهند بار خود را و هر که پرهیزگار از عذاب خدا گرداند خدا

اَمْرِهٖ يُسْرًا ۝ ذٰلِكَ اَمْرُ اللّٰهِ اَنْزَلَهٗۤ اِلَيْكُمْ ۚ وَمَنْ يَّتَّقِ اللّٰهَ يُكَفِّرْ

برای او از کار خود آسانی ۝ آنچه مذکور شد حکم خداست فرو فرستاده آنرا بسوی شما و هر که پرهیزگار از عذاب خدا

عَنْهُ سَيِّاٰتِهٖ وَيُعْظِمْ لَهٗۤ اَجْرًا ۝ اَسْكِنُوْهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ

بپوشاند خدا از وی بدیهای او را و بزرگ سازد برای او مزد او را ۝ ساکن گردانید او را از زمان مطلقه از آنجا که ساکن شدید

مِّنْ وُّجْدِكُمْ وَلَا تُضَآرُّوْهُنَّ لِتُضَيِّقُوْا عَلَيْهِنَّ ۚ وَاِنْ كُنَّ اُولَاتِ

از وسع طاقت شما و رنج مرسانید مطلقات را برای آنکه تنگ گردانید بر ایشان و اگر باشند زنان از

حَمْلٍ فَاَنْفِقُوْا عَلَيْهِنَّ حَتّٰى يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ ۚ فَاِنْ اَرْضَعْنَ لَكُمْ

صاحبان بار پس نفقه کنید بر ایشان تا بنهند بار خود را پس اگر شیر دهند زنان برای شما

فَاٰتُوْهُنَّ اُجُوْرَهُنَّ ۚ وَاْتَمِرُوْا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوْفٍ ۚ وَاِنْ تَعَاسَرْتُمْ

پس بدهید بایشان مزد ایشان را و سازکاری میان خود بنیکوئی و اگر سخت گیری کنید

فَسَتُرْضِعُ لَهٗۤ اُخْرٰى ۝ لِيُنْفِقْ ذُوْ سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهٖ ۚ وَمَنْ قُدِرَ

پس زود باشد که شیر دهد فرزند او را زنی دیگر ۝ باید که نفقه دهد توانگر از توانگری خود و هر که تنگ کرده شده

عَلَيْهِ رِزْقُهٗ فَلْيُنْفِقْ مِمَّاۤ اٰتٰىهُ اللّٰهُ ۚ لَا يُكَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا

بر او روزی او پس باید که نفقه کند از آنچه داده است خدا او را تکلیف نکند خدا بهیچ کس را

اِلَّا مَاۤ اٰتٰىهَا ۚ سَيَجْعَلُ اللّٰهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُّسْرًا ۝ وَكَاَيِّنْ مِّنْ قَرْيَةٍ

مگر آنچه عطا کرده او را بآن بزودی باشد که پدید آرد خدا بعد از دشواری آسانی ۝ و بسا از اهل دیهی

عشر

مرتضی رضی الله عنه

همگی علمای سنیان گویند که مراد از

اللائی یئس من المحیض زنانی اند که بعلت پیری

ماءوس از حیض و نفاس باشند و ان از بهم معنی

ان چهستم عدتها تفسیر کرده اند و اللائی

لم یحضن را صغیره گفته اند و حاصل معنی گردد

بنا بر اینکه زنانی که بعلت پرسالی یا

از حیض و نفاس باشند و دختران نابالغ عده

ایشان را اگر نمیدانید بدانید که آن سه ماه است

و بنا بر این گویند صغیره و یائسه هم عده

و بدانکه داولات الاحمال اجلهن ان یضعن حملهن

بیان عده زنان حامله است و آن وضع حمل است

هر چند یکلحظه پس از طلاق باشد و این احکام در

طلاق است و اما عده وفات پس آن چهار

ماه و ده روز است نسبت بهر زنی مگر حامله

عده او کشادن مرین است از وضع حمل و چهار

ماه و ده روز خانچه از ادله

دیگر مستفاد است

۱۳۶

عتت عن امر ربها ورسله فحاسبناها حسابا شديدا و

گریسه بازرند از فرمان پروردگار خود و پیغمبران او پس حساب کنیم ما ایشانرا حسابی سخت و

عذبناها عذابا نكرا فذاقت وبال امرها وكان عاقبة

عذاب کنیم ما ایشانرا عذابی زشت پس بچشیدند عقوبت کار ایشانرا و بود سرانجام کار

امرها خسرا اعد الله لهم عذابا شديدا فاتقوا الله يا اولي

ایشان زیان کاری آماده کرد خدا برای ایشان عذاب سخت پس بترسید از خدا ای خداوندان

الالباب الذين امنوا قد انزل الله اليكم ذكرا رسولا

خردها آنانکه ایمان آوردند بحقیق که فرستاد خدا بسوی شما قرآنرا فرستاده پیغمبری

يتلوا عليكم ايات الله مبينات ليخرج الذين امنوا وعملوا

که میخواند بر شما آیتهای خدا را که روشن کننده احکام است تا بیرون آورد آنانرا که ایمان آوردند و کردند

الصالحات من الظلمات الى النور ومن يؤمن بالله ويعمل صالحا

کارشایسته از تاریکیهای کفر بسوی روشنیهای ایمان و هر که ایمان آورد بخدا و بکند کار شایسته

يدخله جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا

درمی آورد او را خدا بهشتهائی که میرود از زیر آنها نهرها در حالی که جاوید باشند در آن همیشه

قد احسن الله له رزقا الله الذي خلق سبع سموات ومن

بحقیق که نیکو گردانید خدا برای او روزی را خدائی که آفریده هفت آسمانرا و با فریداز

الارض مثلهن يتنزل الامر بينهن لتعلموا ان الله على كل

زمین مانند آن آسمانها فرود می آید فرمان خدا میان آسمانها تا بدانید بدرستی که خدا بر هر

شيء قدير وان الله قد احاط بكل شيء علما

چیز توانا است و بدرستیکه خدا بحقیق فرا رسیده بهمه اشیا از روی علم

سورة التحريم مدنية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشنده مهربان

در مجمع

البیان از

عیاشی روایت کرده که حضرت ابو الحسن

علیه السلام کف دست چپ را گشود و

فرمود که این زمین دنیاست و کف دست راست

بر بر آن گشود و فرمود که این آسمان دنیاست

و قبه ایست بر زمین و زمین دویم بر بر

آسمان دنیا و آسمان دویم گنبدیست بر بر

آن و ما بقی آسمانها و زمینها را باین دستور بیان

فرمود پس زمین هفتم فرمود که بالای آسمان

ششم و آسمان هفتم قبه ایست بر بر آن

فرمود و نیست معنی کشادن خدا تعالی سبع سموات

و من الارض مثلهن یتنزل الامر بینهن و فرمود

که صاحب امر نیست جز رسول خدا و وصی او

این زمین است و امر الهی نازل میشود از بالا

میانه آسمانها و زمینها و بعضی هفت زمین را

بطبقات همین زمین و بعضی بطبقات دیگر

تفسیر کرده اند و بقولی هفت زمین

در زیر فلک قمر است

که دریاها در میانه آنها

واسطه است

سوره تحریم مشتمل بر دو رکوع است خطاب

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ أَزْوَاجِكَ

ای پیغمبر بزرگ قدر چرا حرام میکنی بر خود آنچه حلال کرد خدا برای تو طلب میکنی باین تحریم خشنودی زنان خود را

وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ

و خدا آمرزنده مهربانست بتحقیق که تقدیر خدا کرد برای شما گشودن قسمهای شما را و خدا

مَوْلَاكُمْ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ وَإِذْ أَسَرَّ النَّبِيُّ إِلَىٰ بَعْضِ أَزْوَاجِهِ

متولی شماست و او دانا است و درست کار و یاد کنید که چون راز گفت پیغمبر با بعضی از زنان خود

حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَّفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ

یعنی حفصه سخنی را پس آن هنگام که خبر کرد بآن عایشه را و ظاهر کرد خدا بر پیغمبر آن حدیث را شناسانید پیغمبر بعضی از آنچه حفصه را اعراض

عَنْ بَعْضٍ فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَٰذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ

کرد از بعضی پس آنوقت که خبر کرد پیغمبر حفصه را بآن گفت که خبر داد ترا باین حدیث گفت پیغمبر خبر داد مرا خدای دانای

الْخَبِيرُ إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا

آگاه اگر توبه کنید دو باز گردید بسوی خدا پس بتحقیق کشته است دلهای شما و اگر هم پشت شوید

عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيلُ وَصَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَ

بر آزار دل پیغمبر پس بدرستی که خدا اوست یار پیغمبر و صالح المومنین یعنی پیشرو مومنان علی ابن ابی طالب مشوا و سر همه اهل

الْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَٰلِكَ ظَهِيرٌ عَسَىٰ رَبُّهُ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ

ایمان و فرشتگان بعد از نصرت خدا همه پشت و معاون او یند شاید پروردگار او اگر طلاق دهد شما را پیغمبری که

يُبْدِلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِنْكُنَّ مُسْلِمَاتٍ مُؤْمِنَاتٍ قَانِتَاتٍ تَائِبَاتٍ

بدل دهد او را زنان دیگر بهتر از شما گردن نهندگان حکم خدا گروندگان فرمان بران توبه کنندگان

عَابِدَاتٍ سَائِحَاتٍ ثَيِّبَاتٍ وَأَبْكَارًا يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

عبادت کنندگان روان شوندگان شوهر دیدگان و دختران ای بسا آنانکه گرویدید

قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا

نگاه دارید نفسهای خود را و اهلی خود را از آتش و هیمه و آتش گیره آن مردمان باشند و سنگ گبریت بر آن آتش

مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ

فرشتگان درشت سخن در تعذیب نافرمانی نکنند خدا را آنچه فرمود ایشان را و میکنند

خواص این سوره کریمه در ضمن خواص سوره طلاق گذشت

در مجمع البیان آورده که رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی با کنیز خود ماریه قبطیه میکنی بام ابراهیم در خلوت بود و روزی بود که نوبه عایشه بود حفصه گاه شد آنحضرت او را گفت که این راز را بعایشه افشا مکن و ماریه را خود حرام کرد بر خود و حفصه سخن آنحضرت شنیده با عایشه آن حکایت را در میان آورد و بر پدر خود افشای آن سر نمود و بقولی از نزد نوبت حفصه بود پس از آگاهی حفصه آنحضرت فرمود که مهدا این را از باش و حفصه این حکایت را با عایشه در میان آورد و بر آنحضرت آنحضرت ماگوار آمده حفصه را طلاق گفت و بست و شب در شربه ام ابراهیم شبهائی بسر برد و از زنان همه دوری گزید و بقولی انعالیجناب در بیست و نه روز در نزد زوجات بقدر نوبه بسر برد

الیسار کسی

کسی را نیافت از طرفین خاصه وقتی

و در این سه روز که صالح المؤمنین امیر المؤمنین

جملات الیوم سلام علیکم دخلت شما

الفضل از همه مهمتر بود که دخلت شما

جضرت علیه السلام فرمود که مراد

علی علیه السلام مراد بود

از فضل که فرمود من کنت مولاه فعلی مولاه

و فرمود آن را بر ما

مَا يُؤْمَرُونَ ۞ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَذِرُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا

آنچه مامور می شوند بان ای آنانکه کافر شدید عذر مباورید در روز قیامت جز این نیست

تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ ۞ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ

که پاداش داده شوید آنچه بودید که میکردید ای کسانیکه ایمان آوردید توبه کنید بسوی خدا

تَوْبَةً نَصُوحًا عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَ

بازگشتی خالص شاید پروردگار شما بپوشاند از شما گناهان شما را و

يُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ

در آورد شما را در بوستانها که میرود از زیر آنها نهرها روزی که رسوا نکند خدا

النَّبِيَّ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَى بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ

پیغمبر را و آنانرا که گرویدند با او نورشان میرود پیش از ایشان و بجانب راست ایشان

يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتْمِمْ لَنَا نُورَنَا وَاغْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

میگویند پروردگار ما تمام کن برای ما نور ما را و بیامرز ما را بدرستی تو بر هر چیز

قَدِيرٌ ۞ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ

قادری ای پیغمبر برگزیده جهاد کن با کفار بشمشیر و با منافقان درشتی کن بصحبت

عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۞ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ

بر ایشان و بازگشت ایشان دوزخست و بد جایی بازگشتی است زد خدا مثلی برای آنان که

كَفَرُوا امْرَأَةَ نُوحٍ وَامْرَأَةَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ

کافر شدند آن مثل زن نوحست و زن لوط بودند آن هر دو زن در زیر حکم دو بنده از

عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَ

بندگان ما شایسته کان در همه امور پس خیانت کردند با دو بنده پس دفع نکردند از خود خدا چیزی را که و

قِيلَا ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ ۞ وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ

گفته شد در آیند در آتش با در آیندگان و بیان کرد خدا مثلی برای آنانکه

آمَنُوا امْرَأَةَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي

گرویدند آن مانند زن فرعونست زیرا که گفت پروردگارا بنا کن برای من نزد خود خانه در

الجنة ونجني من فرعون وعمله ونجني من القوم الظالمين

در بهشت و نجات ده مرا از فرعون و کردار او و نجات ده مرا از گروه ستمکاران

ومريم ابنت عمران التي احصنت فرجها فنفخنا فيه من

و بیان کرد حال مثل مریم دختر عمران را که نگاه داشت فرج خود را پس دمیدیم در او از

روحنا وصدقت بكلمات ربها وكتبه وكانت من القانتين

روح خود و تصدیق کرد مریم سخنان پروردگار خود را و کتابهای خدای او بود مریم از فرمان بردارن

سورة الملك ثلثون آية مكية

الجزء ۲۹

از حضرت امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب

صلوات الله علیه مرویست که هر که سوره تبارک را بخواند در روز قیامت بالای بال فرشتگان استاده باشد و روی او مانند روی یوسف نیکو باشد و در هر خانه که خوانده شود خیر و برکت در آن خانه زیاد گردد و پاینده باشد

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

تبارك الذي بيده الملك وهو على كل شيء قدير الذي

بزرگوار است خدائی که بدست اوست پادشاهی و او بر هر چیز توانا است آنخدائی که

خلق الموت والحيوة ليبلوكم ايكم احسن عملا وهو

آفرید مرگ و زندگی را تا بیازماید شما را که کدام یک از شما نیکوتر است از روی کردار و او

العزيز الغفور الذي خلق سبع سموات طباقا ما ترى في

غالب آمرزنده آنخدائی که آفرید آسمانهای هفتگانه را مطابق یکدیگر نه پستی در

خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل ترى من فطور

آفرینش خدای بخشاینده هیچ تفاوتی پس بازگردان دیده را آیا می بینی تو در آن هیچ شکافی

ثم ارجع البصر كرتين ينقلب اليك البصر خاسئا وهو

پس بازگردان دیده را دو بار بازگردد بسوی تو چشم تو که دور باشد او

حسير ولقد زينا السماء الدنيا بمصابيح وجعلناها رجوما

ماندهٔ باشد و بتحقیق که زینت دادیم آسمان دنیا را بچراغها یعنی ستارها و کردانیدیم ما ستارگان را

للشياطين واعتدنا لهم عذاب السعير وللذين كفروا

رانده شدگان دیوان و مهیا کردیم ما برای ایشان عذاب آتش سوزان و مر آنانرا که کافر شدند

کرتین یعنی کرة بعد کرة و غرض تکرار نظر

نمودن در خلق کائنات است برای جستجوی

در یکی از آنها و بیان آنکه در هیچک از آنها

نقصی نیست بلکه در آفرینش هر ذره حکمتها

کالشمس فی رابعة السماء هویدا است و مراد از

کرتین همین دو مرتبه نیست و نظیر این کلمه است

در قصد معنی تکرار زیاده از دو یا سه و سعدیک

بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ ۞ إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا

بپروردگار خود عذاب دوزخ و بد جای بازگشتنی است چون برگشته شوند کافران در جهنم بشنوند مر

شَهِيقًا وَهِيَ تَفُورُ ۞ تَكَادُ تَمَيَّزُ مِنَ الْغَيْظِ كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا

دوزخ را آوازی مانند آواز خر دوزخ میجوشد نزدیک باشد که پاره پاره شود از خشم هر گاه انداخته شود در آن

فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ ۞ قَالُوا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ

گروهی که پرسند از ایشان خازنان دوزخ آیا نیامد شما را پیغمبر هم کننده پس تکذیب کردیم و گفتیم نفرستاده

اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ ۞ وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ

خدا از هیچ چیز نیستید شما مگر در گمراهی بزرگ و گویند اگر میشنودیم گوش

أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ۞ فَاعْتَرَفُوا بِذَنْبِهِمْ فَسُحْقًا

یا تعقل میکردیم سخن پیغمبر را نبودیم ما از یاران دوزخ پس اقرار کنند بگناهان خود پس دور کند

لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ ۞ إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ بِالْغَيْبِ لَهُمْ

دور گردانی مر یاران دوزخ را بدرستی که آنانکه بترسند از پروردگار خود که آن عذاب غایب است مر ایشان را

مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ ۞ وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ إِنَّهُ عَلِيمٌ

آمرزش و مزدی بزرگ و پنهان کنید سخن خود را یا ظاهر کنید او را بدرستی که خدا دانا است

بِذَاتِ الصُّدُورِ ۞ أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

بآنچه در سینه هاست آیا نمیداند آنکس که آفرید آنرا و او باریک بین آگاه است

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا

اوست آنکه گردانید زمین را برای شما رام پس بروید در دوشهای زمین

وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ ۞ أَأَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ أَنْ

و بخورید از روزی او و بسوی اوست برانگیختن آیا ایمن شدید از آنکه در آسمان است بر عظم

يَخْسِفَ بِكُمُ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ تَمُورُ ۞ أَمْ أَمِنْتُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ

آنکه فرو برد شما را بزمین پس ناگهان زمین اضطراب کند یا ایمن شدید از آنکه در آسمان است

أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ ۞ وَ

آنکه بفرستد بر شما بادی پس زود باشد که بدانید که چگونه است بیم کردن من

لَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ۝ أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى

بدرستی که تکذیب کردند آنانکه پیش از ایشان بودند پس چگونه بود بر ایشان عقوبت من آیا نمی‌نگرند بسوی

الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَافَّاتٍ وَيَقْبِضْنَ مَا يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَٰنُ إِنَّهُ

مرغان که بالای ایشانند صف کشیده و درهم گیرند بالهای خود را باز نمیدارد ایشانرا مگر خدای بخشاینده

بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ ۝ أَمَّنْ هَٰذَا الَّذِي هُوَ جُندٌ لَّكُمْ يَنصُرُكُم مِّن

بدرستیکه او بهر چیز بیناست آیا کیست آنکس این که او لشکر باشد مر شما را یاری کند شما را بجز

دُونِ الرَّحْمَٰنِ إِنِ الْكَافِرُونَ إِلَّا فِي غُرُورٍ ۝ أَمَّنْ هَٰذَا الَّذِي

از خدای بخشاینده نیستند کافران مگر در فریب شیطان آیا کیست آنکس که

يَرْزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ بَل لَّجُّوا فِي عُتُوٍّ وَنُفُورٍ ۝ أَفَمَن يَمْشِي

روزی میدهد شما را اگر باز گیرد روزی خود را از شما بلکه لجاج کردند در سرکشی و گریز آیا پس کسی که میرود

مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّن يَمْشِي سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

در حالی که سر نگونست بر روی خود راه یافته تر است یا آنکس که میرود در حالی ایستاده بر راه راست

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَ

بگو یا محمد اوست آنکسی که آفرید شما را و گردانید برای شما گوش و چشمها و

الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ ۝ قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي

دلها اندکی شکر میکنید یا محمد بگو اوست آنکه آفرید شما را در

الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ۝ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا الْوَعْدُ إِن

زمین پراکنده کرد و بسوی او محشور می شوید و میگویند کی خواهد بود این وعده قیامت اگر

كُنتُمْ صَادِقِينَ ۝ قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِندَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

هستید شما راستگویان بگو یا محمد جز این نیست که علم نزد خداست و جز این نیست که من بیم کننده ظاهرم

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سِيئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَٰذَا

پس آن هنگام که بسنگرند او را نزدیک بخود زشت کرده رویهای آنانکه کافر شدند و گفته شود مر ایشانرا

الَّذِي كُنتُم بِهِ تَدَّعُونَ ۝ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِيَ اللَّهُ وَمَن مَّعِيَ

این آنست که بودید که بآن طلب میکردید بگو یا محمد آیا می بینید اگر هلاک کند مرا خدا و هر که با منست

أَوْ

از حضرات

ابو جعفر صلوات الله

علیه مرویست که در تفسیر این آیه

فرمود که چون در روز رستخیز مشتقدر و مرات

علی بن ابی طالب علیه السلام را نزد رسول خدا آرند

آثار خرمن و علامات اندوه بر آنانکه کافر شده

از روهای ایشان هویدا گردد یعنی آنانکه

خلافت آنحضرت کرده اند و در مجمع البیان

از ابو القاسم حکانی روایت کرده باسناد

صحیحه از اعمش که در تفسیر این آیه گفته چون به

قدر و منزلت و قربی که علی بن ابی طالب را

نزد خدای عزوجل است آثار خرمن و اندوه

از روهای آنانکه کافر شده اند

ظاهر و هویدا گردد

والسلام علی من اتبع الهدی

سورهٔ القلم آیاتها ۵۲ معین وخمسون آیة مکیة

معین

آبی گوارای ظاهر

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خدای بخشاینده مهربان

ن والقلم وما یسطرون ما انت بنعمة ربك بمجنون

قسم بدوات وقلم وآنچه مینویسند حقظه نیستی تو بنعمت پروردگار خود دیوانه

وان لك لاجرا غیر ممنون وانك لعلی خلق عظیم

وبدرستیکه مر تو راست مزد غیر منقطع وبدرستیکه تو یا محمد بر خلقی بزرگی

فستبصر ویبصرون بایکم المفتون ان ربك هو

پس زود باشد که ببینی تو وبنگرند معاندان که کدام یک شما در فتنه اند بدرستی که پروردگار تو او

اعلم بمن ضل عن سبیله وهو اعلم بالمهتدین فلا تطع

داناتر است بانکه گمراه شد از راه او واوست داناتر براه یافتگان پس فرمان مبر

المکذبین ودوا لو تدهن فیدهنون ولا تطع کل حلاف

دروغگویان را دوست میدارند اگر نرمی کنی پس ایشان نرمی کنند و فرمان مبر هر قسم خورنده

مهین هماز مشاء بنمیم مناع للخیر معتد اثیم

بدرونج عیب کننده وبسیار رونده بسخن چینی منع کننده مر خوبی را ستم کننده در گذرنده گنه کاری را

عتل بعد ذلك زنیم ان کان ذا مال وبنین اذا

خوی بعد از اینها جفا افزاده بجهة انکه هست صاحب مال وفرزند چون

تتلی علیه آیاتنا قال اساطیر الاولین سنسمه علی الخرطوم

خوانده شود بر او آیتهای ما گوید افسانه های پیشینیان زود باشد که داغ کنیم بر بینی

انا بلوناهم کما بلونا اصحاب الجنة اذ اقسموا لیصرمنها

ما آزمودیم ایشان را چنانکه آزمودیم صاحبان باغ را چون سوگند خوردند که بچینند

مصبحین ولا یستثنون فطاف علیها طائف من ربك وهم

بامداد و نگویند اگر خواهد خدا پس گشت بر آن باغ گشتنی از پروردگار تو و ایشان

نائمون فاصبحت کالصریم فتنادوا مصبحین ان اغدوا

خفته بودند پس شد مانند شب تاریک پس بانگ کردند بامداد که بروید

علی حرثکم ان کنتم صارمین فانطلقوا وهم یتخافتون

بکشت خود اگر هستید چیدنی پس رفتند و ایشان آهسته سخن میگفتند

ان لا یدخلنها الیوم علیکم مسکین وغدوا علی حرد

که نباید که درآید امروز بر شما درویشی بامداد رفتند بر

قادرین فلما رأوها قالوا انا لضالون بل نحن محرومون

توانائی بر آن پس چون دیدند آن باغ را گفتند بدرستی که ما گم کرده راهیم بلکه ما بی بهره ایم

قال اوسطهم الم اقل لکم لولا تسبحون قالوا سبحان

گفت میانه ایشان آیا نگفتم شما را چرا نمی ستائید خدای را گفتند

ربنا انا کنا ظالمین فاقبل بعضهم علی بعض یتلاومون

پاکست پروردگار ما بدرستی که ما بودیم ستمکاران پس روی آورد بعضی بر بعضی سرزنش میکردند

قالوا یا ویلنا انا کنا طاغین عسی ربنا ان یبدلنا خیرا

گفتند ای وای بر ما بدرستی که ما بودیم سرکشان امید است پروردگار ما که بدهد ما را بهتر

منها انا الی ربنا راغبون کذلك العذاب ولعذاب

از آن بدرستی که ما بسوی پروردگار خود رغبت کنندگانیم چنین است عذاب و عذاب

الاخرة اکبر لو کانوا یعلمون ان للمتقین عند ربهم

آخرت بزرگتر است اگر بودند که میدانستند بدرستی که مر پرهیزگاران را نزد پروردگار

جنات النعیم افنجعل المسلمین کالمجرمین ما لکم

بهشتهای نعمت آیا پس گردانیم مسلمانان را مانند گناهکاران چیست شما را

کیف تحکمون ام لکم کتاب فیه تدرسون ان لکم فیه

چگونه حکم میکنید یا مر شما را کتابی است که در آن میخوانید بدرستی که شما را در آن

لما تخیرون ام لکم ایمان علینا بالغة الی یوم القیمة

هر آنچه برگزینید یا مر شما را سوگندهائی است بر ما رسنده تا روز قیامت

ان لکم لما تحکمون سلهم ایهم بذلك زعیم ام لهم

بدرستی که شما را هر آنچه حکم کنید پرس ایشان را کدام یک ایشان بدان ضامن است یا مر ایشان را

شرکاء فلیأتوا بشرکائهم ان کانوا صادقین یوم یکشف

انبازانند پس باید که بیاورند انبازان خود را اگر هستند راستگویان روزی که برهنه کنند

عن ساق ویدعون الی السجود فلا یستطیعون خاشعة

از ساق و خوانده شوند بسجود پس نتوانند فروتنی کنان

ابصارهم ترهقهم ذلة وقد کانوا یدعون الی السجود

دیدگانشان میپوشد ایشان را خواری و بتحقیق بودند که خوانده میشدند بسجود

وهم سالمون فذرنی ومن یکذب بهذا الحدیث سنستدرجهم

و ایشان تندرست پس بگذار مرا و هر که دروغ میگوید باین سخن زود باشد که بکشانیم ایشان را

من حیث لا یعلمون وامهل لهم ان کیدی متین ام تسألهم

از جائی که ندانند و مهلت دهم ایشان را بدرستی که تدبیر من استوار است یا میخواهی از ایشان

اجرا فهم من مغرم مثقلون ام عندهم الغیب فهم یکتبون

مزدی پس ایشان از تاوان گران بارند یا نزد ایشان است غیب پس ایشان مینویسند

فاصبر لحکم ربك ولا تکن کصاحب الحوت اذ نادی وهو

پس شکیبا باش بحکم پروردگار خود و مباش مانند صاحب ماهی چون بخواند و او

مکظوم لولا ان تدارکه نعمة من ربه لنبذ بالعراء وهو

اندوهگین بود اگر نه آن بود که دریابد او را نعمتی از پروردگار او هر آینه افکنده میشد بزمین بی درخت و او

مذموم فاجتباه ربه فجعله من الصالحین وان یکاد

نکوهیده پس برگزید او را پروردگار او پس گردانید او را از شایستگان و نزدیک است

الذین کفروا لیزلقونك بابصارهم لما سمعوا الذکر

آنانکه کافر شدند که بلغزانند ترا بدیدگانشان چون شنیدند قرآن را

ویقولون انه لمجنون وما هو الا ذکر للعالمین

و میگویند بدرستی که او دیوانه است و نیست قرآن مگر پندی مر جهانیان را

در مجمع البیان

از ابو القاسم حسکانی بسند او از اصحاب

ابن مردویه روایت کرده که چون قریش دیدند

که رسول خدا صلی الله علیه وآله علی بن ابیطالب

صلوات الله علیه را بر همگی صحابه مقدم داشت

و نهایت تعظیم و احترام مینمود و زبان بسب کردن

آن دو بزرگوار گشوده گفتند محمد دیوانه و فریفته

علی شده پس حق تعالی فرو فرستاد ن والقلم و ما یسطرون تا آنجا که

آن بک هو اعلم بمن ضل عن سبیله و اشان

و هو اعلم بالمهتدین را علی بن ابی طالب

ابو عبد الله علیه

السلام مروی است که هر که سوره نون

والقلم را تلاوت کند در فریضه یا

نافله نمیرند و ماشد حق سبحانه و تعالی

او را از فقر امین گرداند و از

عذاب و فشار قبر نگاه دارد

و از بعد اش

نویسند

بقولی

بار در نعمة ربك با اسبی است

و مراد از نعمت عقل کامل و نبوت و حکمت است

برای شفای جنون از آنحضرت گویند این

آیه جواب قول قریش است که در مقام استهزا

بآنحضرت میگفتند ما بها الذی

نزل علیه الذکر انك

لمجنون

تُتْلَىٰ عَلَيْهِ اٰيَاتُنَا قَالَ اَسَاطِيرُ الْاَوَّلِينَ ﴿۱۵﴾ سَنَسِمُهُ عَلَى

خوانده شود براو آیات ما گوید این قصه بیشینیان است زود باشد که نشان کنیم ما او را

الْخُرْطُومِ ﴿۱۶﴾ اِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا اَصْحَابَ الْجَنَّةِ اِذْ اَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا

بر دماغ بدرستی که ما آزمودیم ایشان را چنانکه آزمودیم یاران باغ و بوستانی را که در صفا بودند چون قسم خوردند که

مُصْبِحِينَ ﴿۱۷﴾ وَلَا يَسْتَثْنُونَ ﴿۱۸﴾ فَطَافَ عَلَيْهَا طَآئِفٌ مِنْ رَبِّكَ

بیرند میوه‌های باغ را در وقت صبح و استثنا نکردند پس طواف کرد بر آن باغ طواف کننده از پروردگار تو

وَهُمْ نَآئِمُونَ ﴿۱۹﴾ فَاَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ ﴿۲۰﴾ فَتَنَادَوْا مُصْبِحِينَ ﴿۲۱﴾ اَنِ

و ایشان خوابیدگان بودند پس گشت آن باغ چون باغی که چنری ندارد پس فرا کردند هم را در وقت صبح آنکه

اغْدُوا عَلَى حَرْثِكُمْ اِنْ كُنْتُمْ صَارِمِينَ ﴿۲۲﴾ فَانْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَافَتُونَ

بامداد بیرون روید بر کشتهای خود اگر هستید میوه برنده گان پس روان شدند و ایشان نرم و آهسته

اَنْ لَا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مِسْكِينٌ ﴿۲۳﴾ وَغَدَوْا عَلَى حَرْدٍ

میرفتند آنکه در نیاید باین باغ امروز بر شما هیچ درویشی و بامداد رفتند بر قصد منع

قَادِرِينَ ﴿۲۴﴾ فَلَمَّا رَاَوْهَا قَالُوا اِنَّا لَضَآلُّونَ ﴿۲۵﴾ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ

در حالیکه توانایان بودند پس چون دیدند باغ را گفتند بدرستی که ما گمکرده گان راه باغیم بلکه ما محرومیم از میوه باغ

قَالَ اَوْسَطُهُمْ اَلَمْ اَقُلْ لَكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ ﴿۲۸﴾ قَالُوا سُبْحَانَ رَبِّنَا

گفت بهترین ایشان از روی عقل آیا نگفتم مر شما را که چرا تسبیح میکنید خدای را گفتند پاکست پروردگار ما

اِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ ﴿۲۹﴾ فَاَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَلَاوَمُونَ ﴿۳۰﴾ قَالُوا

بدرستی که ما بودیم ستمکاران پس روی آوردند بعضی از ایشان بر بعضی که ملامت هم میکردند گفتند

يَا وَيْلَنَا اِنَّا كُنَّا طَاغِينَ ﴿۳۱﴾ عَسَىٰ رَبُّنَا اَنْ يُبْدِلَنَا خَيْرًا مِنْهَا

ای وای بر ما بدرستیکه ما بودیم ستمکاران شاید پروردگار ما آنکه بدل دهد ما را بهتر از این باغ

اِنَّا اِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ ﴿۳۲﴾ كَذٰلِكَ الْعَذَابُ وَلَعَذَابُ الْاٰخِرَةِ اَكْبَرُ

بدرستی که ما بسوی پروردگار خود در رغبت کنندگانیم همچنین است عذاب ما در دنیا و هر آینه عذاب قیامت بزرگتر است

لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ ﴿۳۳﴾ اِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ

اگر باشد که مردم بدانند بدرستی که مر پرهیزکاران راست نزد پروردگارشان بوستانهای پر نعمت

فجعلناه

در مجمع

البیان حکایت

کرده که در قریه ضروان که در چهار فرسنگی

صنعا و بقولی دو فرسنگی آن واقع است

مردی بوستانی و باغی داشت حاصل خیز

و بقدر قوت خود و عیال خود از حاصل

برمیداشت و مابقی را بر فقرا و مساکین بخش

مینمود و بازنده بود و حال منمنوال بود تا بعد از

وفات آمد فرزندانش گفتند که ما حقیم

بحاصل این بوستان چرا باید بدیگران داد

عزیمت بر حرمان فقرا و مساکین کردند

تعالی در سزای ایشان نزاز حاصل آن

بوستان محروم گردانید

در مجمع

البیان گفته که کافران میگفتند اگر حشر

و نشر و ثواب و عقابی باشد چنانچه محمد صلی الله

علیه و آله میگوید در آنجا ما بهتر از اینیم

و نعیم بهشت چنانچه در دنیا پرورده ما را دهند

این آیه در جواب انکار قول ایشان نزول یافت و اکثر

مفسرین گفته اند که خطاب با مکه است از

فصل اللغات از لغت

نخطاب

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ ۝ مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ ۝ أَمْ

آیا پس گردانیم مسلمانان را مانند مشرکان چیست شما را چگونه حکم میکنید آیا

لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ ۝ إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ ۝

مر شما راست کتابی که در آن کتاب درس میخوانید بدرستی که مر شما راست در آن آنچه اختیار کنید

أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بَالِغَةٌ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا

یا مر شما راست عهود موکده بر ما رسنده تا روز قیامت باکه شما راست آنچه

تَحْكُمُونَ ۝ سَلْهُمْ أَيُّهُمْ بِذَٰلِكَ زَعِيمٌ ۝ أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا

حکم میکنید بپرس ایشان را کدام یک ایشان باین حکم ضامنند یا مر ایشان راست شرکان پس باید بیارند

بِشُرَكَائِهِمْ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ ۝ يَوْمَ يُكْشَفُ عَنْ سَاقٍ

شرکان خود را اگر هستند راست گویان روزی که برداشته شود از ساق

وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ ۝ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ

و خوانده شوند مردمان بسجود پس نتوانند سجده کردن که فرو افتاده باشد چشمهاشان

تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ۖ وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَالِمُونَ

فرو گیرد ایشانرا خواری و بدرستی که بودند که خوانده میشدند بسجده خدا و ایشان سالم بودند از مرض

فَذَرْنِي وَمَنْ يُكَذِّبُ بِهَٰذَا الْحَدِيثِ ۖ سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ

پس بگذار مرا و آنکس که تکذیب میکند باین سخن زود باشد که بگیریم ایشانرا از آنجا که

لَا يَعْلَمُونَ ۝ وَأُمْلِي لَهُمْ ۚ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ ۝ أَمْ تَسْأَلُهُمْ

ایشان ندانند و مهلت دهیم ایشانرا بدرستی که عقوبت من محکم است یا طلب میکنی از ایشان

أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَغْرَمٍ مُثْقَلُونَ ۝ أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ

مزدی پس ایشان از غرامت آن گرانبار شده یا نزد ایشان است لوح محفوظ پس ایشان

يَكْتُبُونَ ۝ فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ

می نویسند پس صبر کن مر حکم پروردگار خود را و مباش تو مانند خداوند ماهی

إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ ۝ لَوْلَا أَنْ تَدَارَكَهُ نِعْمَةٌ مِنْ رَبِّهِ

چون خواند پروردگار را چون پر بود از خشم اگر نبودی که در یافتی او را رحمتی از پروردگار او

در مجمع البیان از حضرات ابوجعفر و ابوعبدالله علیهما السلام روایت کرده که در تفسیر این آیه کریمه فرمودند که این گروه را بسبب امت وحسرت ترسی عظیم عارض گردد و از غایت اندوه و ندامت زبانشان از گفتار بماند و بعلت حیرت دیدها باز مانده و بسبب شدت حزن و اندوه دلهاشان بتپد یا بلا رود

لَنَبِذَ بِالْعَرَآءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ ۝ فَاجْتَبٰهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ

هر آینه افکنده شدی بصحرا خالی و او ملامت کرده شده ○ پس برگزید او را پروردگار او پس گردانید او را از

الصّٰلِحِينَ ۝ وَاِنْ يَّكَادُ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا لَيُزْلِقُوْنَكَ بِاَبْصَارِهِمْ

شایستگان ○ و بدرستی که نزدیک بود آنان که کافر شدند هر آینه بلغزانند و هلاک کنند تو را بچشمهای خود

لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُوْلُوْنَ اِنَّهٗ لَمَجْنُوْنٌ ۝ وَمَا هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعٰلَمِيْنَ

آن هنگام که شنیدند قرآن را و میگفتند بدرستی محمد مردی دیوانه است ○ و حال آنکه نیست مگر آن پندی مر عالمیان را

سورة الحاقة اثنان وخمسون مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام ○ خداوند بخشاینده مهربان

اَلْحَآقَّةُ ۝ مَا الْحَآقَّةُ ۝ وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا الْحَآقَّةُ ۝ كَذَّبَتْ ثَمُوْدُ

ساعتی که سزاوار است ○ چه چیز است ساعت ○ و چه چیز دانا کرد تو را که چه چیز است حاقه ○ تکذیب کردند قبیله ثمود

وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ ۝ فَاَمَّا ثَمُوْدُ فَاُهْلِكُوْا بِالطَّاغِيَةِ ۝ وَاَمَّا عَادٌ

و عاد ○ ساعت کوبنده ○ پس اما ثمود ○ پس هلاک کرده شدند بسبب طغیان ○ و اما قوم عاد

فَاُهْلِكُوْا بِرِيْحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ ۝ سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَّ

پس هلاک کرده شدند بادی سخت و از حد در گذشته ○ مسخر کرد باد را بر ایشان هفت شب و

ثَمٰنِيَةَ اَيَّامٍ حُسُوْمًا فَتَرَى الْقَوْمَ فِيْهَا صَرْعٰى كَاَنَّهُمْ اَعْجَازُ نَخْلٍ

هشت روز متوالی ○ پس میدید قوم عاد را در آن ایام افتاده گویا ایشان تنهای درخت خرمای

خَاوِيَةٍ ۝ فَهَلْ تَرٰى لَهُمْ مِّنْۢ بَاقِيَةٍ ۝ وَجَآءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ

پوسیده بودند ○ پس آیا می بینی مر ایشان را نفسی باقی مانده ○ و آمد فرعون و آنها که

قَبْلَهٗ وَالْمُؤْتَفِكٰتُ بِالْخَاطِئَةِ ۝ فَعَصَوْا رَسُوْلَ رَبِّهِمْ

پیش از او بودند و اهل دیهها ی برگردانده بخطا و گناه کاری ○ پس نافرمانی کردند فرستاده پروردگار خود را

فَاَخَذَهُمْ اَخْذَةً رَّابِيَةً ۝ اِنَّا لَمَّا طَغَى الْمَآءُ حَمَلْنٰكُمْ فِى الْجَارِيَةِ

پس گرفت ایشان را گرفتن افزون از شدت ○ بدرستی که ما آن هنگام که طغیان کرد آب برداشتیم پدران شما را در کشتی

لِنَجْعَلَهَا

حزب

جابر جعفی از ابو جعفر روایت کند که هر که این سوره را در لیالی فرایض بخواند موجب سلامت ایمان قارئست و هرگز از دسلوت نشود تا اینکه بخداوند ملاقات کند حاقه نام روز قیامت است و از آن روز را از آن حاقه میگویند که هر آنچه در آن روز واقع گردد حق و ثابت است و در آن شبهه نیست و قارعه هم عبارتست از روز قیامت و آن مشتق است از قرع که در آن روز کوبیده میشوند مجرمان کافران با میگونه

الهای بندگانرا

ربع

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيَهَا أُذُنٌ وَاعِيَةٌ ۝ فَإِذَا نُفِخَ فِي

تا بگردانیم آنرا برای شما پندی و نگاه دارد آن پند را گوش نگاه دارنده پس چون دمیده شود در

الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ ۝ وَحُمِلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا

صور دمیدن تنها و برداشته شود از زمین و کوهها پس درهم کوفته شود

دَكَّةً وَاحِدَةً ۝ فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ ۝ وَانْشَقَّتِ السَّمَاءُ

درهم شکستنی تنها پس در آن روز واقع شود قیامت و بشکافد آسمان

فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ ۝ وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ

پس آسمان در آن روز سست و ضعیف بود و فرشتگان بر کنارهای آسمان باشند و بردارند عرش

رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ ۝ يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى

پروردگار ترا بالای ملائکه در آن روز هشت فرشته در آن روز عرض کرده شوید پنهان نماند

مِنْكُمْ خَافِيَةٌ ۝ فَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ فَيَقُولُ هَاؤُمُ

از شما هیچ پوشنده پس اما آنکه داده شود نوشته او بدست راست او پس گوید بگیرید نامه مرا

اقْرَءُوا كِتَابِيَهْ ۝ إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهْ ۝ فَهُوَ فِي

بخوانید کتاب عمل مرا بدرستی که من یقین دارم آنکه ملاقات کننده ام حساب خود را پس آنکس در

عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ ۝ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝ قُطُوفُهَا دَانِيَةٌ ۝

زندگانی باشد پسندیده در بهشتی که بلند باشد میوه های آن نزدیک بچیدن است

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ ۝

گویند بخورید و بیاشامید گوارنده بآنچه پیش فرستاده اید در روزهای گذشته

وَأَمَّا مَنْ أُوتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ فَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَ كِتَابِيَهْ

و اما آنکه داده شود نامه او بدست چپ او پس گوید ای کاشکی داده نشدی نامه را

وَلَمْ أَدْرِ مَا حِسَابِيَهْ ۝ يَا لَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ ۝ مَا أَغْنَى عَنِّي

و کاشکی ندانستی که حساب من چیست ای کاشکی مردن در دنیا بودی حکم نماینده دفع کرده از من

مَالِيَهْ ۝ هَلَكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهْ ۝ خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ۝ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ ۝ ثُمَّ فِي

عذاب را مال من هلاک شد از من تسلط خطاب رسد بزبانیه که بگیرید او را پس غل کنید او را پس در آتش در آورید پس آنگاه

در مجمع البیان از طبرسی

بسند او از نکول روایت کرده

که چون کریمه وتعیها اذن واعیه نازل گردید

پیغمبر خدا فرمود که بگرداند این گوش را گوش

علی پس علی فرمود از آنوقت دیگر چیزی نشنیدم

از رسول خدا که فراموش کرده باشم و هم از طبرسی

بسند او از بریده اسلمی روایت کرده که رسول خدا

با علی فرمود که ای علی بتحقیق که خدا تعالی فرموده

تو را نزدیک کردانم بخود و از خود دور دارم

و تعلیم نمایم تو را و تو بخاطر نگاهداری و لازم است

بر خدا تعالی که چنان کند پس نازل شد کریمه

وتعیها اذن واعیه و هم بسند خود از عثمان خطاب

معمر که بعلت درازی عمر مشهور بابی الدنیا

بود در روایت کرده که علی علیه السلام فرمود

که چون کریمه وتعیها اذن واعیه نزول یافت

رسول خدا با من گفت که از خدا تعالی درخواستم

که بگرداند این گوش را

گوش تو یا علی

سِلسِلَةٍ ذَرعُهَا سَبعُونَ ذِرَاعًا فَاسلُكُوهُ ۝ اِنَّهُ كَانَ

در زنجیری که گز آن هفتاد گز است پس بیچید او را بدرستی که او بود در دنیا

لَا يُؤمِنُ بِاللّٰهِ العَظِيمِ ۝ وَلَا يَحُضُّ عَلٰى طَعَامِ المِسكِينِ ۝ فَلَيسَ

که ایمان نمی آورد بخدای بزرگوار و بر نمیانگیزد بطعام دادن درویش پس نیست

لَهُ اليَومَ هٰهُنَا حَمِيمٌ ۝ وَلَا طَعَامٌ اِلَّا مِن غِسلِينٍ ۝ لَا يَأكُلُهُ

او را امروز در اینجا خویشی و نیست خوردنی مگر از غسالهٔ دوزخیان نمیخورند آنرا

اِلَّا الخَاطِئُونَ ۝ فَلَا اُقسِمُ بِمَا تُبصِرُونَ ۝ وَمَا لَا تُبصِرُونَ

مگر گناهکاران پس قسم میخورم بآنچه می بینید و آنچه نمی بینید

اِنَّهُ لَقَولُ رَسُولٍ كَرِيمٍ ۝ وَمَا هُوَ بِقَولِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَا تُؤمِنُونَ

بدرستی که قرآن هر آینه گفتار پیغمبر بزرگوار است و نیست قرآن گفتار شاعر اندکی تصدیق میکنید آنرا

وَلَا بِقَولِ كَاهِنٍ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ ۝ تَنزِيلٌ مِن رَبِّ العَالَمِينَ

و نیست سخن کسی که اخبار غیب نماید بسبب جن اندکی متذکر میشوند قرآن فرستاده شده از پروردگار جهانیان

وَلَو تَقَوَّلَ عَلَينَا بَعضَ الأَقَاوِيلِ ۝ لَأَخَذنَا مِنهُ بِاليَمِينِ ۝

و اگر افترا کند بر ما پیغمبر پاره سخنان را هر آینه بگیریم ما از او دست راست او را

ثُمَّ لَقَطَعنَا مِنهُ الوَتِينَ ۝ فَمَا مِنكُم مِن اَحَدٍ عَنهُ حَاجِزِينَ

پس ببریدیم ما از او رگ گردن او را پس نیست از شما هیچکس از قتل او که منع کنندگان باشد

وَاِنَّهُ لَتَذكِرَةٌ لِلمُتَّقِينَ ۝ وَاِنَّا لَنَعلَمُ اَنَّ مِنكُم مُكَذِّبِينَ

و بدرستی که قرآن هر آینه پندیست مر پرهیزکاران را و بدرستی که ما میدانیم آنکه بعضی از شما تکذیب کنندگانند

وَاِنَّهُ لَحَسرَةٌ عَلَى الكَافِرِينَ ۝ وَاِنَّهُ لَحَقُّ اليَقِينِ ۝ فَسَبِّح بِاسمِ

و بدرستی که قرآن هر آینه حسرتست بر کافران و بدرستی که درست و راستست پس تسبیح کن بنام

رَبِّكَ العَظِيمِ

پروردگار خود که بزرگست

سورة المعارج اربع واربعون اية

بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ لِلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ مِنَ

درخواست خواهنده عذابی فرود آینده که نیست مرکافران را هیچ دفع کننده از جانب

اللهِ ذِي الْمَعَارِجِ تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ

خدا که خداوند درجه هاست بالا میروند فرشتگان و روح بسوی عرش خدا در روزیکه

كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ أَلْفَ سَنَةٍ فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا

هست مقدار آن روز پنجاه هزار سال پس صبر کن صبر کردن نیکو

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا وَنَرَاهُ قَرِيبًا يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ

بدرستی که کافران می بینند قیامت را از دور و می بینیم ما آنرا نزدیک روزی که بگردد آسمان مانند نقره

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ وَلَا يَسْئَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا يُبَصَّرُونَهُمْ

و گردد کوهها مانند پشم رنگ کرده زده و پرسیده نشود هیچ خویشی از خویش خود حال کرده شده باشند

يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنِيهِ وَصَاحِبَتِهِ

دوست دارد گناهکار اگر فدا به دهد از عذاب آن روز به پسران خود و خداوندزن خود

وَأَخِيهِ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا

و برادر خود را و خویشان خود را آنانکه جای دادند باشند و هر که در زمین باشد همه را

ثُمَّ يُنْجِيهِ كَلَّا إِنَّهَا لَظَى نَزَّاعَةً لِلشَّوَى تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ

پس برهاند او را نه چنانست که آن فامانده و پذیرنده است خالی از درد بسیار کننده و پوست سر اینشان را خواند آنش را که پشت

وَتَوَلَّى وَجَمَعَ فَأَوْعَى إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا

کرد بحق و روی گردانید از دین و جمع کرد مال دنیا را پس حفظ کرد به بدرستی که آدمی آفریده شد بسیار حریص چون

مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ

برسد او را بدی جزع کننده و چون برسد او را خیری منع کننده مگر نمازگذارندگان

الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ

آنانکه ایشان بر نماز خود مداومت کنند گانند و آنانکه در مالهای ایشان حقی است دانسته شده

لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ وَ

برای سائل فقیر و فقیر نا خواهنده و آنانکه تصدیق کنند به روز قیامت و

ابو جعفر علیه السلام فرمود که هر که مداومت فرائض سوره معارج نماید حق سبحانه و تعالی روز قیامت از گناهان او پرسد و او در بهشت با محمد صلی الله علیه و آله همنشین باشد

ان داعی عذاب نعمان ابن الحارث

بود چنانکه حامد و خاصه روایت کرده اند و در کتاب سنبان از حاکم ابو القاسم حسکانی سند او از سفیان بن عیینه مرویست چنانچه در مجمع البیان حکایت کرده که حضرت جعفر ابن محمد الصادق صلوات الله علیهما از پدران خود روایت کرده که چون رسول خدا در روز غدیر خم علی را بخلافت خود تعیین فرمود و فرمود من کنت مولاه و این خبر خبر اثر در بلاد اسلام مشاریها نعمان بن حارث فهری بمدینه بخدمت رسول آمد و گفت ما را امر نمودی بشهادت توحید و رسالت و بحج و نماز و روزه و ما همه را قبول کردیم باینها قناعت نکردی و رضی فرمان بردیم باینها قناعت نکردی و این پسر را بر ما امیر گردانیدی پس گفتی ما انکنت مولاه فعلی مولاه این فرمان حضرت که بفرمان خود داده

الذين هم من عذاب ربهم مشفقون ۝ ان عذاب ربهم
آنانکه ایشان از عذاب پروردگارشان ترسناکانند بدرستی که عذاب پروردگار ایشان
غير مامون ۝ والذين هم لفروجهم حافظون ۝ الا على ازواجهم
مامون نیست ۝ وآنانکه ایشان مر فرجهای خودرا دارندگانند ۝ مگر بر زنان خود
او ما ملكت ايمانهم فانهم غير ملومين ۝ فمن ابتغى وراء
یا آنچه مالک شده دستهای ایشان پس بدرستی که ایشان ملامت کرده نیستند ۝ پس هر که طلب کند چیزی غیر
ذلك فاولئك هم العادون ۝ والذين هم لاماناتهم وعهدهم
این ۝ پس آنگروه ایشانند درگذرندگان از حد ۝ وآنانکه ایشان مر امانتهای ایشان و عهدهای خود را
راعون ۝ والذين هم بشهاداتهم قائمون ۝ والذين هم على
رعایت کنندگانند ۝ وآنانکه ایشان بگواهی خودشان قائم ایستادگانند ۝ وآنانکه ایشان بر
صلوتهم يحافظون ۝ اولئك في جنات مكرمون ۝ فما
نمازهای خود محافظت میکنند ۝ آنگروه در بوستانها اند گرامی کرده شدگان ۝ پس چیست
للذين كفروا قبلك مهطعين ۝ عن اليمين وعن الشمال
مر آنانرا که کافر شدند که بجانب تو شتابندگانند ۝ بدست راست ۝ و دست چپ
عزين ۝ ايطمع كل امرئ منهم ان يدخل جنة نعيم ۝ كلا انا
جماعات متفرقه اند آیا طمع دارد ۝ هر مردی از ایشان ۝ آنکه درآورده شود در بوستانهای نعمت ۝ نه چنین است بدرستیکه
خلقناهم مما يعلمون ۝ فلا اقسم برب المشارق والمغارب
آفریدیم ایشانرا از آنچه میدانند ۝ پس قسم میخورم ۝ بپروردگار مشرقها و مغربها
انا لقادرون ۝ على ان نبدل خيرا منهم وما نحن بمسبوقين
بدرستی که ما بر آنه توانا ایم ۝ بر آنکه تبدیل کنیم ایشانرا بهتر از ایشان ۝ و نیستیم ما پیشی کرده شدگان
فذرهم يخوضوا ويلعبوا حتى يلاقوا يومهم الذي يوعدون
پس بگذار ایشانرا تا شروع کنند در امور باطله و بازی کنند تا برسند روز خود را ۝ آنروزی که موعود شده اند
يوم يخرجون من الاجداث سراعا كانهم الى نصب
روزیکه بیرون آیند ۝ از قبرها در حالی که شتابکنندگان باشند گویا ایشان ۝ بسوی علمی برپا شده

مراد
از محافظت
نمازها آنست که هر یکرا در وقت
فضیلتش بگذارد با شرایطی که در آنها معتبر است
از حضرت ابو جعفر مرویست که هر که نمازهای
واجبی را در وقتش بگذارد و حرمت آنها را سبک
و بزرگ نشمرد برآنها کاری دیگر را نپوسندد خدای تعالی
برای او برائی از عذاب و هر که آنرا عمدا
و کسی که آنهارا در غیر اوقات فضیلت بعمل آورد
و در اوقات فضیلت آنها بکاری دیگر بپردازد
قبول آن نمازها در دست خداست اگر خواهد
می پذیرد او را و می آمرزد
اگر خواهد او را در عصوبت نمیامرزد

يُوفِضُونَ خَاشِعَةً أَبْصَارُهُمْ تَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ ذَٰلِكَ الْيَوْمُ

بیشتابند درحالی که فرو افتاده باشد چشمهای ایشان پوشد ایشانرا خواری این روز روز ایست

الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ

که بودند که وعده داده شدند

سورة نوح مكية وهي ثمان وعشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ

بدرستی که ما فرستادیم نوحرا بسوی قوم او باآنکه بیم کن قوم خود را پیش ازایشان آنکه

يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُبِينٌ أَنِ

بیاید بایشان عذاب بردرد گفت نوح ای قوم بدرستی که من مر شمارا بیم کننده ظاهرم که

اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُونِ يَغْفِرْ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرْكُمْ

بپرستید خدا را و بترسانید ازو و فرمان برید مرا تا بیامرزد خدا شمارا بعضی از گناهان شمارا و تا باز پس دارد شمارا

إِلَىٰ أَجَلٍ مُسَمًّى إِنَّ أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

بسوی وقتی نامزد برده شده بدرستی مدت مقدر خدا چون آمد مؤخر نشود اگر هستید که بدانید

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي

گفت پروردگارا بدرستی که من خواندم قوم خود را شب و روز پس نیفزود ایشانرا خواندن من

إِلَّا فِرَارًا وَإِنِّي كُلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصَابِعَهُمْ

مگر گریختن ایشان و بدرستی که هرگاه خواندم ایشانرا تا بیامرزی ایشانرا درآوردند انگشتان خود را

فِي آذَانِهِمْ وَاسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصَرُّوا وَاسْتَكْبَرُوا اسْتِكْبَارًا

در گوشهای خود و بسر درکشیدند جامهای خود را و مصر شدند و سرکشی کردند سرکشی کردن بزرگی

ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ

پس بدرستی که من خواندم ایشانرا آواز بلند پس بدرستی که من آشکار کردم برای ایشان دعوت را و آهسته کردم

لَهُمْ إِسْرَارًا فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا

ایشانرا آهسته کردنی پس گفتم آمرزش کنید پروردگار خود را بدرستی او هست آمرزنده

از ابو
عبد الله علیه السلام
مرویست که هرکه این سوره را در فریضه
و نافله بخواند حقتعالی او را در امن
جای دهد و مثل چنان با وعطا فرماید و انواع
کرامت و اصناف نعمت با و نوازش نماید
و دویست حور عین با وعنایت کند و چهار
هزار رحمت با وعطا فرماید
والعلم عند الله

يُرْسِلِ السَّمَآءَ عَلَيْكُم مِّدْرَارًا ۝ وَيُمْدِدْكُم بِأَمْوَالٍ

بفرستد ابر را از آسمان بر شما بسیار بارنده ۝ و مدد دهد شما را بمالها

وَبَنِينَ وَيَجْعَل لَّكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَل لَّكُمْ أَنْهَارًا ۝

و پسران و بگرداند برای شما بوستانها و جاری کند برای شما نهرها

مَّا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا ۝ وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا ۝ أَلَمْ تَرَوْا

چیست مر شما را که امید ندارید مر برای خدا تعظیم کردن ۝ و بتحقیق آفرید شما را بعد از تازه آیا نمی بینید

كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا ۝ وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ

که چگونه آفرید خدا هفت آسمان را طبقه بالای طبقه ۝ و گردانید ماه را در آسمانها

نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسَ سِرَاجًا ۝ وَاللَّهُ أَنبَتَكُم مِّنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا

روشنی و گردانید آفتاب را چراغ اهل زمین ۝ و خدا برویانید شما را از زمین رویانیدنی

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا ۝ وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ

پس باز برد شما را در زمین و بیرون آورد شما را بیرون آوردنی ۝ و خدا گردانید برای شما زمین را

بِسَاطًا ۝ لِّتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا ۝ قَالَ نُوحٌ رَّبِّ إِنَّهُمْ

گسترده ۝ تا بروید از این زمین براههای کشاده ۝ گفت نوح پروردگارا بدرستی که

عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَن لَّمْ يَزِدْهُ مَالُهُ وَوَلَدُهُ إِلَّا خَسَارًا ۝

ایشان نافرمانی مرا و پیروی کردند کسانی را که نزیادت نکرد او را مال او و فرزندان او مگر زیان کاری

وَمَكَرُوا مَكْرًا كُبَّارًا ۝ وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آلِهَتَكُمْ وَلَا

و پیروی کردند کسانی را که مکر کردند مکر کردنی بزرگ ۝ و گفتند دست باز ندارید خدایان خود را و

تَذَرُنَّ وَدًّا وَلَا سُوَاعًا ۝ وَلَا يَغُوثَ وَيَعُوقَ وَنَسْرًا ۝ وَقَدْ

دست باز ندارید صنم را که یار ددوست و نه سواعرا که بی بود بصورت زنی و نه یعوق که جوان اسبی بود و نه نسر که مرغی بود و

أَضَلُّوا كَثِيرًا ۝ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا ۝ مِّمَّا خَطِيئَاتِهِمْ

بتحقیق که گمراه کردند بسیاری از مردم را و زیاد مکن ستمکاران را مگر گمراهی ۝ از جهة گناهان ایشان

أُغْرِقُوا فَأُدْخِلُوا نَارًا ۝ فَلَمْ يَجِدُوا لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ أَنصَارًا ۝

غرق شدند پس در آورده شدند آتش پس نیافتند مر ایشانرا از غیر خدا یاوران

وقال

وَدّ
وسواع
ویغوث ویعوق
ونسر هریک نام بتی اند که در جاهلیت
عرب از امیر ستیدند و گویند مشارآن
شد پرستیدن آن بتان از آنکه هریک از این نامها
نام مرد صالحی بود که بعد از آدم و پیش از
نوح عبادت خدای عزوجل مینمودند و مردم را
بعبادت آلهی بازمیداشتند و بعد از وفات
ایشان شیطان بامردمان گفت اگر صورت
ایشانرا ساخته در نظر دارید باعث زیادتی
شما بعبادت حق تعالی خواهد بود آن کرده
فریفته وسوسه او شده چنان کردند و بتی
برایشان مثال بود تا آنکه بعد از آن گروه شیطان
با اولاد ایشان گفت که پدران شما که را میپرستیدند
شما بودند عبادت این بتان مینمودند ایشان
هم بفریب او بعبادت آنها
اشتغال مینمودند

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا

وگفت نوح پروردگارا مگذار بر روی زمین از کافران هیچ ساکن

إِنَّكَ إِنْ تَذَرْهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا

بدرستی که تو اگر بگذاری ایشانرا گمراه گردانند بندگان ترا و نزایند مگر فجور کننده ناسپاس

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِيَ مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ

پروردگارا بیامرز مرا و پدر و مادر مرا و کسی را که درآید در خانه من مومن و مردان مومن

وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا

وزنان مومنات و زیاد مکن ستمکاران مگر هلاک

سورة الجن مكية وهي ثمان وعشرون آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا

بگو یا محمد وحی کرده شد بسوی من آنکه شنیدند گروهی از جنیان پس گفتند بدرستی که ما شنیدیم قرآن

عَجَبًا يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا

عجبی که راه مینماید براستی پس ایمان آوردیم بآن و هرگز شرک نیاریم بپروردگار خود

وَأَنَّهُ تَعَالَىٰ جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا وَأَنَّهُ

کسی را و بدرستی که او بلند است عظمت پروردگار ما فرا نگرفت هیچ زنی و نه فرزندی و آنکه

كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ تَقُولَ

بدرستی که میگوید جاهل ما یعنی شیطان بر خدا سخن دور از حق و آنکه ما پنداشتیم آنکه نگویند

الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِنَ الْإِنْسِ

آدمی و جنی بر خدا دروغی و آنکه بودند مردان از آدمیان

يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا

پناه میگرفتند بمردان از جنیان پس افزودند آدمیان جنیانرا سرکشی و جهل و آنکه گمان دارند

كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ

چنانکه گمان کردید شما آنکه هرگز مبعوث نکند خدا کسی را و آنکه ما قصد کردیم آسمانرا

مصنف

ابو عبد الله

مردیست که بر کرسوره جن را

بخواند تا در دنیا باشد از شر جنیان ایمن باشد

و در آخرت با محمد و اهل بیت طاهرین او محشور

شود چون بخدمت ایشان رسد گوید الحمد

بغیر از ایشان کسی دیگر را نمیخواهم

بغیر از این درجه هیچ آرزو ندارم

گویند نظر ما بین پیغمبر ما بوده را گویند و این گروه

جنیان هفت تن از جن نصیبین بودند که

رسول خدا ایشان را دیده و قرآن را بر ایشان خوانده

و ایمان آوردند بآنحضرت و بفرموده آنحضرت

ایشان تبلیغ رسالت آنحضرت بسایر جنیان

نمودند و این جزیره نمائی که بما رسیده که

ایشان از جنیان

فَوَجَدْنَاهَا مُلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا ۝ وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ

پس یافتیم ما آسمان را پر شده از پاسبانان توانا و ستارگان رسنده ۝ و آنکه بودیم ما که می نشستیم

مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ لَهُ شِهَابًا رَصَدًا

از ایشان در نشستن گاه برای شنیدن و هر کس از جن طلب شنیدن حال می یابد برای خود ستاره روشن را

وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ

نگاه دارنده و آنکه میخواهیم آیا بدی خواسته شده بهر که در زمینست یا خواسته باشان پروردگارشان

رَشَدًا ۝ وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَٰلِكَ ۖ كُنَّا طَرَائِقَ

خیری و بدرستی که از ما شایسته کاند و از ما جمعی فروتر اند از صالحان هستیم ما بطریقهای

قِدَدًا ۝ وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ

مختلف و آنکه گمان کردیم که هرگز عاجز خواهیم ساخت خدا را در زمین و هرگز عاجز خواهیم کرد

هَرَبًا ۝ وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ ۖ فَمَنْ يُؤْمِنْ بِرَبِّهِ فَلَا

او را از گریزنده با شیم و بدرستی که شنیدیم ما قرآن را گرویدیم بآن پس هر که ایمان آورد بپروردگار خود

يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا ۝ وَأَنَّا مِنَّا الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ ۖ

پس نترسد او نقصانی و نه گرانی و آنکه ما مسلمانانند و از ما ستمکارانند برخود

فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَٰئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا ۝ وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا

پس هر که گردن نهاد پس آنگروه قصد کردند راه راست را و اما بیرون رفتگان از ایمان پس باشند

لِجَهَنَّمَ حَطَبًا ۝ وَأَنْ لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ

مر دوزخ را هیزم و دیگر آنکه اگر پیوستگی باشند بر طریقه حق که اسلام است هر آینه بهم

مَاءً غَدَقًا ۝ لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۚ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ

آبشار آب بسیار تا بیازمائیم ایشان را در آن و هر که اعراض کند از یاد کردن پروردگار خود را در آورد

عَذَابًا صَعَدًا ۝ وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا ۝

او را خدا در عذابی فوق طاقت او و آنکه مسجدها مر خدا را پس مخوانید با خدا یکی را

وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا ۝

و آنکه آن هنگام که برخواست بنده خدا میخواند خدا را در نماز نزدیک بود که باشند جنیان بر پیغمبر خدا گروه گروه

قُلْ

از جنیان بی
شیبان بوده اند و این کرده
بحسب عدد زیاده از همه جنیان بوده اند
که لشکر شیطانند و در صحیح بخاری و مسلم
از ابن عباس روایت شده که چون رسول
خدا مبعوث شد شیطان و اتباع او از بالا رفتن
بآسمان و استراق سمع منع شدند بشهابهای
باهم گفتند که حادثه عظیمی روی داده که باعث
منع ما شده باید تفحص آن واقعه نمود و مشرق
و اطراف زمین میگشتند گروهی از ایشان
تهامه رفتند و قتی بنخله عکاظ
رسیدند که رسول با یاران خود نماز صبح میکرد
و چون ایشان قرآن را شنیدند گوش دادند
و باهم گفتند که بهمین مرد است که مانع صعود ما
باسمان شده و از آنجا مراجعت نموده بقوم
خود گفتند انا سمعنا قرآنا عجبا یهدی الی الرشد
فآمنا به و لن نشرک بربنا احدا پس وحی
نازل شد بآنحضرت که قل اوحی الی انه استمع
نفر من الجن و آنحضرت ایشان را
ندیده بود و قرآن را
بر ایشان نخوانده بود

قُلْ اِنَّمَآ اَدْعُوْا رَبِّیْ وَلَآ اُشْرِكُ بِهٖٓ اَحَدًا ۝ قُلْ اِنِّیْ لَآ اَمْلِكُ

بگو شنیدن قرآن جز این نیست که میخوانم پروردگار خود را و شریک نمیکنم با او کسی را ۝ بگو بدرستی که من مالک نیستم

لَكُمْ ضَرًّا وَّلَا رَشَدًا ۝ قُلْ اِنِّیْ لَنْ یُّجِیْرَنِیْ مِنَ اللّٰهِ اَحَدٌ ۝ وَّلَنْ

برای شما ضرری و نه رسانیدن خیری و صلاحی را بگو بدرستیکه من زنهار ندهد مرا از عذاب خدا کسی و

اَجِدَ مِنْ دُوْنِهٖ مُلْتَحَدًا ۝ اِلَّا بَلٰغًا مِّنَ اللّٰهِ وَرِسٰلٰتِهٖ ۝ وَمَنْ

نیابم بهرگز بجز از خدا پناهی ملک نفع و ضرر نیستم مگر رسانیدن از نزد خدا و پیغامهای او و هر که

یَّعْصِ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ فَاِنَّ لَهٗ نَارَ جَهَنَّمَ خٰلِدِیْنَ فِیْهَآ اَبَدًا ۝

عصیان خدا و پیغمبر او را پس بدرستی که مر او راست آتش دوزخ که جاوید باشند در آن همیشه

حَتّٰٓى اِذَا رَاَوْا مَا یُوْعَدُوْنَ فَسَیَعْلَمُوْنَ مَنْ اَضْعَفُ نَاصِرًا وَّاَقَلُّ

تا وقتیکه ببینند آنچه وعده داده میشوند پس زود باشد که بدانند کیست ضعیف تر از جهة یاری و کمتر از

عَدَدًا ۝ قُلْ اِنْ اَدْرِیْٓ اَقَرِیْبٌ مَّا تُوْعَدُوْنَ اَمْ یَجْعَلُ لَهٗ رَبِّیْٓ

روی عدد بگو یا محمد نمیدانم من آیا نزدیک است آنچه وعده داده شده اید یا گرداند او را برای آن پروردگار

اَمَدًا ۝ عٰلِمُ الْغَیْبِ فَلَا یُظْهِرُ عَلٰى غَیْبِهٖٓ اَحَدًا ۝ اِلَّا مَنِ ارْتَضٰى

من مدت دراز است دانندهٔ نهان پس ظاهر نمیشود بر غیب که مخصوص بعلم اوست کسی مگر آنکه پسندیده باشد

مِنْ رَّسُوْلٍ فَاِنَّهٗ یَسْلُكُ مِنْۢ بَیْنِ یَدَیْهِ وَمِنْ خَلْفِهٖ رَصَدًا ۝

از فرستاده پس بدرستی که خدا درمی آورد از پیش رسول او و از پس او نگهبانان فرشته

لِّیَعْلَمَ اَنْ قَدْ اَبْلَغُوْا رِسٰلٰتِ رَبِّهِمْ وَاَحَاطَ بِمَا لَدَیْهِمْ وَاَحْصٰى

تا بداند رسول او که بتحقیق رسانیده اند رسولان پیغامهای پروردگار خود را و فرا گرفته است آنچه نزد ایشانست و شمرده

كُلَّ شَیْءٍ عَدَدًا ۝

هر چیزی را که معدود بود

سورة المزمل

عشرية مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

یٰٓاَیُّهَا الْمُزَّمِّلُ ۝ قُمِ الَّیْلَ اِلَّا قَلِیْلًا ۝ نِّصْفَهٗٓ اَوِ انْقُصْ

ای جامه بخود پیچیده برخیز بنماز شب مگر اندکی از شب که نیمه اوست یا کم کن

از

قم اللیل الا

نصفه معلوم میشود که مراد بقیام

در نصف شبست و این آیه دلالت دارد بر

وجوب نماز شب بر آنحضرت و همچنین از

از خصایص اوست و در امت او

مستحب مؤکد است

از

ابو جعفر علیه السلام

مرویست که خواننده این سوره

هرگز فقیر و محتاج

نشود

مِنْهُ قَلِيلًا ۝ اَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْاٰنَ تَرْتِيلًا ۝ اِنَّا

از همه شب اندکی ۝ یا زیاد کن بر همه شب و بتانی بخوان قرآن را بتانی خواندنی ۝ بدرستی که

سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا ۝ اِنَّ نَاشِئَةَ الَّيْلِ هِيَ اَشَدُّ

زود باشد که وحی کنیم بر تو گفتنی سنگین ۝ بدرستی که ساعتی که ناشی است از شب آن سخت است

وَطْاً وَّاَقْوَمُ قِيلًا ۝ اِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا ۝ وَاذْكُرِ

از روی ثبات او درست تر از روی گفتن بدرستی که مر تو راست در روز آمد و شد دراز بسیار ۝ و یاد کن

اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ اِلَيْهِ تَبْتِيلًا ۝ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَآ اِلٰهَ

نام پروردگار خود را و ببرّه شو از خلق بسوی او بریدنی ۝ پروردگار مشرق و مغرب نیست خدای

اِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا ۝ وَاصْبِرْ عَلٰى مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ

مگر او پس فراگیر او را وکیل خود ۝ و صبر کن بر آنچه میگویند کفار و بپرداز ایشان را

هَجْرًا جَمِيلًا ۝ وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ اُولِي النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ

بپرداختنی نیکو ۝ و بگذار مرا با تکذیب کنندگان که خداوندان نعمت اند و مهلت ده ایشان را

قَلِيلًا ۝ اِنَّ لَدَيْنَآ اَنْكَالًا وَّجَحِيمًا ۝ وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَّ

اندکی ۝ بدرستی که نزد ماست غلهای گران و آتش افروخته ۝ و خوردنی صاحب گلوگرفتن و

عَذَابًا اَلِيمًا ۝ يَوْمَ تَرْجُفُ الْاَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ

عذاب دردناک ۝ روزی که بلرزه درآید زمین و بجنبد کوهها و باشند کوهها

كَثِيبًا مَّهِيلًا ۝ اِنَّآ اَرْسَلْنَآ اِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ

تلهای ریگ پراکنده ۝ بدرستی که ما فرستادیم بسوی شما پیغمبری که گواه است بر شما

كَمَآ اَرْسَلْنَآ اِلٰى فِرْعَوْنَ رَسُولًا ۝ فَعَصٰى فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ

چنانچه فرستادیم بسوی فرعون آن پیغمبر را ۝ پس نافرمانی کرد فرعون آن پیغمبر را

فَاَخَذْنٰهُ اَخْذًا وَّبِيلًا ۝ فَكَيْفَ تَتَّقُونَ اِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَّجْعَلُ

پس گرفتیم او را گرفتنی سخت ۝ پس چگونه پرهیز میکنید اگر کافر باشید روزی را که میکرداند

الْوِلْدَانَ شِيبًا ۝ السَّمَآءُ مُنْفَطِرٌ بِهٖ كَانَ وَعْدُهٗ مَفْعُولًا ۝ اِنَّ

کودکان را پیر از هول ۝ آسمان شکافته شود در آن روز و هست وعده خدا آن کرده شده بدرستی که

مِنْ

آداب تلاوت

که مراد از ترتیل قرآن آنها

حروف و اخراج آنها از مخارج و تامل و

تدبر در فهم معانی کلمات و طلب معرفت و

بهشت نزد تلاوت آیاتی که مشتمل بر اشتیاق

و ذکر بهشت باشد و استعاذه از کلمات آن

و دوزخ نزد خواندن آیه مشتمل بر آنها و امثال

و اینها و از حضرت امیرالمومنین مرویست که

در تفسیر ترتیل فرموده ظاهر ساز کلمات

حروف آنرا اظهاری نیک و تند مخوان از

قبیل خواندن شعر و پراکنده مخوان

مانند پراکنده نمودن

ریگ

مراد

از ناشئه لیل نفسی است که در شب بعبادت

الهی برخیزد و ظاهر این است که کلفت و مشقت

این نفس مشترک است از کلفت و مشقت آنکه

در روز مشغول عبادت گردد چه شب و چه روز است

و خوابست و هم ظاهر است که سختی که در شب

گفته شود درست تر است

با تعلیل بزیادتی خضوع

قلب

هٰذِهٖ تَذْكِرَةٌ ۚ فَمَنْ شَآءَ اتَّخَذَ اِلٰى رَبِّهٖ سَبِيْلًا ۝ اِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ

این آیتهای قرآن پندیست پس هر که خواهد فراگیرد بقرب پروردگار خود راهی بدرستی که پروردگار تو میداند

اَنَّكَ تَقُوْمُ اَدْنٰى مِنْ ثُلُثَىِ الَّيْلِ وَنِصْفَهٗ وَثُلُثَهٗ وَطَآئِفَةٌ

انکه تو برمیخیزی کمتر از چهار دانگ شب و نصف شب و سه یک شب و برمیخیزند جمعی

مِّنَ الَّذِيْنَ مَعَكَ ۭ وَاللّٰهُ يُقَدِّرُ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۭ عَلِمَ اَنْ لَّنْ تُحْصُوْهُ

از آنانکه با تو اند و خدا اندازه میکند شب و روز را میداند خدا آنکه هرگز نتوانید

فَتَابَ عَلَيْكُمْ فَاقْرَءُوْا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْاٰنِ ۭ عَلِمَ اَنْ سَيَكُوْنُ

شمردن آنرا پس باز گشت بر شما پس بخوانید آنچه آسان بود بر شما از قرآن داند خدا انکه باشند

مِنْكُمْ مَّرْضٰى ۙ وَاٰخَرُوْنَ يَضْرِبُوْنَ فِي الْاَرْضِ يَبْتَغُوْنَ مِنْ فَضْلِ

از شما جمعی بیمار ان وطایفه دیگر که سفر میکنند در زمین طلب میکنند از فضل

اللّٰهِ ۙ وَاٰخَرُوْنَ يُقَاتِلُوْنَ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ ۡ فَاقْرَءُوْا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ

خدا و طایفه دیگر کارزار میکنند در راه دین خدا پس بخوانید آنچه میسر باشد از قرآن

وَاَقِيْمُوا الصَّلٰوةَ وَاٰتُوا الزَّكٰوةَ وَاَقْرِضُوا اللّٰهَ قَرْضًا حَسَنًا ۭ وَمَا

و بپای دارید نماز را و بدهید زکوة را و قرض دهید خدا را دادنی بندگان او را قرضی نیکو و انچه

تُقَدِّمُوْا لِاَنْفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوْهُ عِنْدَ اللّٰهِ هُوَ خَيْرًا

پیش فرستید از برای نفسهای خود از خوبی بیابید آنرا نزد خدا او بهتر است

وَّاَعْظَمَ اَجْرًا ۭ وَاسْتَغْفِرُوا اللّٰهَ ۭ اِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِيْمٌ ۝

و از تا خیر و بزرگتر و طلب آمرزش کنید از خدا بدرستی که خدا آمرزنده مهربان است

سورة المدثر فی خمسین و آیة مکیة

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

يٰٓاَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ ۝ قُمْ فَاَنْذِرْ ۝ وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ۝ وَثِيَابَكَ

ای جامه در سر کشیده برخیز پس بیم کن مردم را و پروردگار خود را پس بزرگ گردان و جامهای خود را

از
حضرت
صادق صلوات الله
علیه مرویست که رسول خدا صلی الله علیه
و آله فرمود هر که در شبی ده آیه بخواند نوشته
نشود در زمره غافلان و هر که پنجاه
آیه تلاوت کند نوشته شود در زمره ذاکرین
و هر که صد آیه بخواند نوشته شود از جمله خاشعین
و هر که دویست آیه بخواند نوشته شود از
جمله فائزین و کسی که پانصد آیه بخواند نوشته
شود از جمله مجتهدین و کسی که هزار آیه بخواند
نوشته شود برای او ثواب هزار قنطار نیکی
و قنطار عبارتست از نهصد مثقال پس
چهار قیراطی است که کوچکترین آنها هموزن کوه
احد است و بزرگترین آنها
باندازه ما بین زمین
و آسمان
محمد
ابن مسلم از ابو جعفر
روایت کند که هر که در نماز فریضه
سوره المدثر را بخواند در خداوندیست که
او را با محمد رفیق کند در درجه واحده و با
دنیا باشد هر گز شقاوتی
باو نرسد

فَطَهِّرْ وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ وَلَا تَمْنُنْ تَسْتَكْثِرُ وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ

پاک ساز و از گناه پس دوری کن و عطا مده بیشتر از آنچه داده و برای خدا پس صبر کن

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ فَذَٰلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ عَلَى

پس چون دمیده شود در صور پس آن وقت دمیدن در آن روز روزی دشوار است بر

الْكَافِرِينَ غَيْرُ يَسِيرٍ ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا وَجَعَلْتُ

ناکردهٔ بدکاران آسان نیست بگذار مرا و هر که آفریدم من او را که تنها بودم و کردم او را

لَهُ مَالًا مَمْدُودًا وَبَنِينَ شُهُودًا وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا

برای او مالی کشیده و بسیار و پسران نزد او حاضر بودند و گسترده دادم برای او گسترده دادنی

ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا سَأُرْهِقُهُ

پس طمع میدارد که زیاد کنم مال او را نه چنان است بدرستی که او بود مر آیات ما را ستیزه کننده زود باشد که درپیچانم او را

صَعُودًا إِنَّهُ فَكَّرَ وَقَدَّرَ فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ

بعقبه بدرستی که او فکر کرد و تقدیر کرد پس کشته شد چگونه تقدیر کرد پس کشته شد چگونه

قَدَّرَ ثُمَّ نَظَرَ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ فَقَالَ

تقدیر کرد پس نظر کرد پس روی ترش کرد و مشانی درهم کشید پس روی گردانید و سرکشی کرد پس گفت

إِنْ هَٰذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْثَرُ إِنْ هَٰذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ سَأُصْلِيهِ

نیست این قرآن مگر جادوئی که روایت کرده میشود نیست این مگر گفتن آدمی زود باشد که درافکنم او را

سَقَرَ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ لَوَّاحَةٌ

در دوزخ و چه میدانی تو که چیست سقر باقی نمیدارد گوشت را و نه پوست باز نمیدارد

لِلْبَشَرِ عَلَيْهَا تِسْعَةَ عَشَرَ وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا

آتشی سیاه کننده پوست آدمی بر آن آتشست نوزده فرشته و نکردانیدیم ما یاران

مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ

فرشتگان و نکردانیدیم ما عدد ایشان را مگر آزمایش مر آنان را که کافر شدند تا یکان شوند

الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ

آنانکه داده شدند کتاب تورات و زیاد کند آنان را که گرویدند گرویدنی و تا شک نیارند آنانکه

وحیدا
حال است از ضمیر منصوب در ذرنی یعنی واگذار مرا تنهائی با آنکه من او را آفریده ام
غرض آنست که من تنهائی کفایت عقوبت او میکنم و احتیاج بمددکاری در عقوبت او ندارم و با تعلق متعلقان مراد از من خلقت وحیدا ولید ان مغیره ملعون است

اوتوا الكتاب والمؤمنون وليقول الذين في قلوبهم مرض والكافرون
داوند كتاب را وگروندگان وتا بگويند آنانكه در دلهاى ايشان بيمارى است وكافران
ماذا اراد الله بهذا مثلا كذلك يضل الله من يشاء ويهدي من
چه چيز خواسته خدا باين عدد مثلا همچنين گمراه ميكند خدا كسى را كه ميخواهد وراه مينمايد هركرا
يشاء وما يعلم جنود ربك الا هو وما هي الا ذكرى للبشر كلا والـ
ميخواهد وپديد آرد وچه داند لشكرهاى پروردگار تو را مگر او ونيست اين سقر مگر پندى براى مردمان نه چنان است
القمر والليل اذ ادبر والصبح اذا اسفر انها لاحدى الكبر
قسم بماه وشب چون پايد عقب روز قسم بصبح چون روشن شود بدرستى كه سقر يكى از بلاهاى
نذيرا للبشر لمن شاء منكم ان يتقدم او يتاخر كل نفس
بزرگست ازروى ترسانيدن آدمى هركه خواهد از شما انكه پيش رود خير يا پس ايستد هر نفسى
بما كسبت رهينة الا اصحاب اليمين في جنات يتساءلون
بآنچه كرده است مرهونست مگر ياران دست راست در بوستانهاى بهشت پرسند ايشان
عن المجرمين ما سلككم في سقر قالوا لم نك من المصلين
گناهكاران چه چيز در آورد شما را در دوزخ گويند نبوديم ما از نمازگذارندگان
ولم نك نطعم المسكين وكنا نخوض مع الخائضين وكنا
ونبوديم كه طعام ميداديم درويشان را ونبوديم ما كه شروع ميكرديم با شروع كنندگان ونبوديم كه
نكذب بيوم الدين حتى اتانا اليقين فما تنفعهم شفاعة
تكذيب ميكرديم بروز جزا تا آمد ما را مرگ پس نفع نكند ايشان را شفاعت
الشافعين فما لهم عن التذكرة معرضين كانهم حمر
شفاعت كنندگان پس چيست مر ايشان را از تذكر كه قرآنست اعراض كنندگانند گويا ايشان خران وحشى اند
مستنفرة فرت من قسورة بل يريد كل امرئ منهم
كه گريخته باشند رميده باشند از شيران بلكه ميخواهد هر مردى از ايشان
ان يؤتى صحفا منشرة كلا بل لا يخافون الاخرة كلا انه
انكه داده شود نامهاى گشاده كه ميخواند بلكه نميترسند از عذاب آخرت نه چنانست كه

تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ ذَكَرَهُ وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ

قرآن پندیست پس هر که خواهد پند گیرد و آزاد و یاد نگیرد آزاد مگر آنکه خواهد خدا

هُوَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ

اوست سزاوار آنکه بترسند از و سزاوار گناهان آمرزیدن مردمان است

سورة القيامة مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ أَيَحْسَبُ

سوگند میخورم بروز قیامت و سوگند میخورم بنفس ملامت کننده آیا می پندارد

الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ بَلَى قَادِرِينَ عَلَى أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ

آدمی آنکه جمع نخواهیم کرد استخوانهای او را آری جمع کنیم آنرا در حالیکه توانا باشیم بر آنکه راست کنیم سر انگشتان

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ فَإِذَا

بلکه میخواهد آدمی مر فسق و فجور را در زمان نزدیک میپرسد که کی خواهد بود روز قیامت پس آن هنگام

بَرِقَ الْبَصَرُ وَخَسَفَ الْقَمَرُ وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ يَقُولُ

که خیره شود چشم و تیره شود ماه و جمع کرده شود آفتاب و ماه در گمی بگوید

الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ كَلَّا لَا وَزَرَ إِلَى رَبِّكَ

آدمی آنروز کجا ست گریختن گاه نه چنانست نیست پناهی ایشانرا بسوی پروردگار تو

يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ يُنَبَّأُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ

در آنروز قرارگاه خبر داده شود آدمی در آنروز بآنچه پیش فرستاد و آنچه تاخیر کرد

بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ وَلَوْ أَلْقَى مَعَاذِيرَهُ

بلکه آدمی بر نفس خود بیناست و اگر القا کند عذرهای خود را

لَا تُحَرِّكْ بِهِ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ

مجنبان بقرآن زبان خود را تا عجیل کنی بحفظ آن بدرستی که بر ماست فراهم آوردن آن و قرائت بزبان او

فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ

پس چون خوانیم او را پس پیروی کن خواندن او را پس بدرستی که بر ماست بیان او نه چنانست بلکه دوست میدارید

ابو بصیر از ابو عبد الله روایت کرده که هر که مداومت کند بسوره قیامت را و عمل کند بآن حق تعالی او را از قبر مبعوث کند و این سوره رفیق او باشد در احسن صورت و او را بشارت دهد در روی او و خنده دور سازد او را تا بصراط بگذرد

در مجمع البیان گفته که چون قرآن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نزول میافت آنحضرت از راه نهایت خواهشی که بخواندن آن داشت زبان را تند حرکت میداد و بعولی برای حفظ قرآن پیش از اتمام وحی مشغول تلاوت میشد پس این آیه نزول یافت تا کریمه تعجل بالقرآن من قبل ان یقضی الیک وحیه

العاجلة وتذرون الاخرة ۝ وجوه يومئذ ناضرة ۝ الى
دنیای شتابنده را دوست دارید از آخرت ۝ رویها در آن روز تازه و باطراوت ۝ بسوی
ربها ناظرة ۝ ووجوه يومئذ باسرة ۝ تظن ان يفعل بها
پروردگار خود نظر کنند ۝ و رویها در آن روز سخت ترش باشد ۝ گمان میبرند که با آنها کرده خواهد شد بآن
فاقرة ۝ كلا اذا بلغت التراقي ۝ وقيل من راق ۝ وظن
کوبنده و مهره پشت است نه چنان است چون برسد روح باستخوانهای بالای سینه و گفته شود کیست افسون کننده
انه الفراق ۝ والتفت الساق بالساق ۝ الى ربك يومئذ
و گمان میبرند که نازل شده مفارقت و بهم رسد ساق مختصر بساق دیگر ۝ بسوی جزای پروردگار تو در آن روز
المساق ۝ فلا صدق ولا صلى ۝ ولكن كذب وتولى ۝
موضع راندنست ۝ پس تصدیق نکرد و نماز نگزارد ۝ ولیکن تکذیب کرد و برگشت از راه حق
ثم ذهب الى اهله يتمطى ۝ اولى لك فاولى ۝ ثم اولى
پس رفت ۝ بسوی اهل خود میخرامید از افتخار ۝ نک سزاوار است پس نیک سزاوار است پس
لك فاولى ۝ ايحسب الانسان ان يترك سدى ۝ الم
مر ترا پس نیک سزاوار است ۝ آیا گمان میکند آدمی ۝ بآنکه گذاشته شود در حالی که مهمل باشد ۝ آیا
يك نطفة من مني يمنى ۝ ثم كان علقة فخلق فسوى ۝
نبوده قطره آبی ۝ از منی که ریخته شود ۝ پس بود خون بسته ۝ پس تقدیر کرد برای او زمانی
فجعل منه الزوجين الذكر والانثى ۝ اليس ذلك بقادر
پس گردانید از آدمی ۝ دو صنف ۝ مرد ۝ و زن ۝ آیا نیست ۝ آنکه چنین ایجاد کند
على ان يحيي الموتى ۝

سورة الدهر اى انسان وتسمى سورة هل اتى

از زنده کند مردگان را ۝

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام ۝ خداوند بخشاینده مهربان

هل اتى على الانسان حين من الدهر لم يكن شيئا مذكورا
آیا حقیق آمد بر ۝ آدمی ۝ زمانی ۝ از زمان غیر محدود نبود آن ۝ آدمی چیزی ماذکر کرده شده

الیت سال که گذشت
عامه و خاصه روایت کرده اند که
آن الا بارات بود من کان
سبکسار و دشمن علی و فاطمه و حسنین علیهم
السلام و قصد رضی او نمودند نزول
حکایت نمود و از ابن عباس روایت
و خلاصه این حکایت آنکه وفی حسنین علیهما
بسیاری عارض گردید و در سه روز
آلوده بیماری شدند و
وعده نمود
خطاب بفرزندگان شفا یابند
حضرت امام حسن گرسنگی
فرمود که بهمان
شفا یافتند و چون
نذر کرده بودند
روزه بدارند
و حضرت فاطمه علیها السلام
و فضه
و هر سه روزه بداشتند
و چون در خانه نداشتند امیر المومنین سه صاع جو
از جهود وام گرفت و آرد نمود و آن را تسلیم فاطمه علیها السلام
نمود که آرد آماده و نان کنند و آن عصمت ذات
روز اول که همگی روزه داشتند یک صاع را ت
پس نموده پخت و بعد از نماز شام چون جهت
افطار نشستند مسکینی بدر خانه آمده سوال
نمود آن کرم پیشگان طعام را بوی دادند و
آب افطار نموده روز دیگر روزه داشتند
و در آن روز هم بدستور یک صاع دیگر آنان کرده
هنگام افطار یتیمی بر در آنخانه سوال نموده آن
طعام را بوی عطا نموده خود باب افطار کردند
و در روز سیم بطریق دور و پیش نان پخته چون
خواستند افطار نمایند اسیری بر در خانه سوال نمود
بمقتضای سجایای جلیله آن اقرصه را بوی دادند
باب افطار کردند و در روز چهارم امیر المومنین
بآن دو گوشوار عرس مجید بخدمت حضرت
رسول فرستادند و از غایت ضعف اعضای آن دو
بزرگوار میلرزید آنحضرت چون ایشان را بدانحال
دید بگریست در آنوقت جبرئیل از جانب
جلیل آمده و این سوره آورد تا بر این آیات مدنی
خواهد بود چه وقوع آن حکایت در مدینه بود
پیغمبر مروی است که هر که
سوره الدهر را بخواند مزدوی
با بوجعفر فرمود که هر که سوره هل اتی را
بخواند خدای صد حور العین با دو زوج و ما
با چهار هزار ملک و در بهشت با
محمد صلی الله علیه و آله

إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن نُّطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَّبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ

بدرستی که آفریدیم ما آدمی از آب اندک منی مخلوط با حرارت و برودت تا بیازمائیم اورا

سَمِيعًا بَصِيرًا ۝ إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا

پس گردانیدیم اورا شنوا و بینا بدرستی که ما راه نمودیم اورا براه راست در حالیکه شکر کننده است و یا ناسپاس

إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ سَلَاسِلَ وَأَغْلَالًا وَسَعِيرًا ۝

بدرستی که آماده کرده ایم برای کافران زنجرها و غلها و آتش افروخته

إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِن كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا ۝

بدرستی که نیکوکاران می آشامند از جام شراب که باشد امتزاج او با کافور بهشت

عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا ۝ يُوفُونَ بِالنَّذْرِ

که آمیخته باشد آب چشمه که می آشامند از اینها بندگان خدا و میرانند آن چشمه را اندانی و وفا میکنند بنذر

وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا ۝ وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ

و میترسند روزیرا که بد است شر او فاش و آشکار و میخورانند خوردنی را

عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا ۝ إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ

بر دوستی خدا بمسکین و یتیم و طفل بی پدر و اسیر میگویند جز این نیست که طعام میدهیم شما را برای رضای خدا

لَا نُرِيدُ مِنكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا ۝ إِنَّا نَخَافُ مِن رَّبِّنَا يَوْمًا

نمیخواهیم ما از شما پاداشی و نه شکر کردن بر احسان بدرستی که ما میترسیم از پروردگار خود روزیکه

عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا ۝ فَوَقَاهُمُ اللَّهُ شَرَّ ذَٰلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّاهُمْ نَضْرَةً

روی هادران ترش باشد در نهایت سختی پس نگاه داشت ایشانرا خدا از بدی این روز در پیش آورد و ایشان را تازه گی

وَسُرُورًا ۝ وَجَزَاهُم بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا ۝ مُّتَّكِئِينَ فِيهَا

و خوشی و جزای ایشان بسبب آنچه کردند بهشت و جامه ابریشم در حالیکه تکیه زدگان باشند

عَلَى الْأَرَائِكِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمْهَرِيرًا ۝ وَدَانِيَةً

در بهشت بر تختها نه بینند در بهشت آفتابی و نه سرمائی و نزدیک باشد

عَلَيْهِمْ ظِلَالُهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا ۝ وَيُطَافُ عَلَيْهِم

بهشت دیگر نزدیک بهشت اول برایشان باشد سایه درختان درام کرده شود میوه آن رام شدنی و گردانیده شود برایشان

بآنیة

بِآنِيَةٍ مِنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرَا قَوَارِيرَا مِنْ فِضَّةٍ
بظروف خورد از نقره و کوزه های بی دسته که باشد مانند شیشه ها آن شیشه ها از نقره باشد
قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا
که اندازه کنند هشتیان آنها را اندازه کردنی و آشامانیده شوند در آن کاسه که باشد آمیزش آن با زنجبیل
عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ
چشمه در آن بهشت که نامیده شده سلسبیل و طواف کنند بر ایشان پسران
مُخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَنْثُورًا وَإِذَا رَأَيْتَ
جاوید مانده چون بینی ایشان را گمان کنی ایشان را مروارید پراگنده از صدف و چون دیدی تو
ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلْكًا كَبِيرًا عَالِيَهُمْ ثِيَابُ سُنْدُسٍ
آنجا بینی نعمتها و ملکی بزرگ را در حالیکه بر زبر ایشان باشد جامهای دیبای نازک
خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوا أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ
سبز و دیبای محکم و آراسته شوند بدستوانهای از نقره و سیراب کند ایشان را پروردگارشان
شَرَابًا طَهُورًا إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ
شرابی پاک از ناپاکیها بدرستی که این مذکور است مر شما را باداش و هست سعی شما
مَشْكُورًا إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا فَاصْبِرْ لِحُكْمِ
پسندیده شده بدرستی که ما فرستادیم بر تو قرآن را فرستادنی پس صبر کن مر حکم
رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ آثِمًا أَوْ كَفُورًا وَاذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ
پروردگار خود را فرمان مبر از ایشان گناه کار یا ناسپاس را و یاد کن نام پروردگار خود را
بُكْرَةً وَأَصِيلًا وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَسَبِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا
صبح و شام و در بعضی از شب پس سجده کن مر او را و تسبیح کن او را در شب دراز
إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا
بدرستی که این کافران دوست میدارند دنیای شتابنده را و میگذارند از پس پشت خود روز گران
نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَالَهُمْ
ما آفریدیم ایشان را و محکم کردیم ربط مفاصل ایشان را و اگر خواهیم ما بدل کنیم ما ایشان را مانند ایشان

یعنی
مشیت شما بطاعات
و عبادات و بندگی حضرتعالی تعلق نمیتواند
گرفت بی تعلق و مشیت الهی و مراد از مشیت
تکوینی حتمی است تا آنکه موجب لزوم جبر باشد
بلکه عبارتست از مشیت تکلیفی و تهیه اسباب طاعات
و الطاف و هدایات خاصه که موجب سهولت صدور
عبادات است از بندگان بقدرت و اختیار ایشان
و یعنی یک تفسیر امر من امرنا است
که در خبر لاجبر و لا تفویض بل امر
بین امرین وارد است

سَبِيلًا ۝ إِنَّ هَٰذِهِ تَذْكِرَةٌ ۖ فَمَن شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

تبدیل کردنی ۝ بدرستی که این سوره پندیست پس هر که خواهد فرا گیرد و بسوی پروردگار خود راهی را

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَن يَشَاءَ اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

و نخواهید شما ۝ مگر آنکه خواهد خدا بدرستی که خدا هست ۝ دانای ۝ محکم کار

يُدْخِلُ مَن يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ ۚ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

در می آرد ۝ هر که خواهد در رحمت خود ۝ و ستمکاران را آماده کرده ایم برای ایشان عذابی دردناک

سورة المرسلات خمسون آية ومكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام ۝ خدای بخشاینده مهربان

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا ۝ فَالْعَاصِفَاتِ عَصْفًا ۝ وَالنَّاشِرَاتِ

قسم بفرشتگان فرستاده شده بنیکوئی پس قسم بلا که جهنده سخت روندهٔ سخت رفتنی ۝ و قسم بلا که نشر کننده

نَشْرًا ۝ فَالْفَارِقَاتِ فَرْقًا ۝ فَالْمُلْقِيَاتِ ذِكْرًا ۝ عُذْرًا أَوْ

نشر کردنی ۝ پس قسم بلا که جدا کننده میان حق و باطل جدا کردنی پس قسم بفرشتگان اندازنده وحی را ۝ بعذر مومنان یا

نُذْرًا ۝ إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَوَاقِعٌ ۝ فَإِذَا النُّجُومُ طُمِسَتْ ۝ وَإِذَا

بیم کفار ۝ که جز این نیست که وعده کرده میشوند هر آینه واقع میشود پس آنگاه که ستارگان محو شوند ۝ و آنگاه که

السَّمَاءُ فُرِجَتْ ۝ وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ ۝ وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِّتَتْ

آسمان شکافته شود ۝ و آنگاه که کوهها شکافته و پراکنده شود ۝ و هنگامی که پیغمبران را وقتی معین شود

لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِّلَتْ ۝ لِيَوْمِ الْفَصْلِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمُ

از برای کدام روز معین شده ۝ برای آن روز جدا کردن ۝ و چه چیز دانا کرد تو را که چیست روز

الْفَصْلِ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۝ أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ

فصل ۝ وای در آن روز ۝ مر تکذیب کنندگان را ۝ آیا هلاک کردیم ما پیشینیان را

ثُمَّ نُتْبِعُهُمُ الْآخِرِينَ ۝ كَذَٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ

پس از پی ایشان در آوریم پسینیان را ۝ مثل این فعل میکنیم با گناهکاران ۝ وای در آن روز

از ابی
که هر که سوره مرسلات را بخواند حق تعالی
او را پیغمبر شما ساکرداند و با حضرت آن
او را همنشین و رفیق
گرداند
مراد
از مرسلات فرشتگانی اند
که حق تعالی ایشان را بسوی پیغمبران خود
فرستاده برای وحی معروف از اوامر
و نواهی

لِلْمُكَذِّبِينَ ۝ أَلَمْ نَخْلُقْكُّم مِّن مَّآءٍ مَّهِينٍ ۝ فَجَعَلْنَٰهُ فِى قَرَارٍ مَّكِينٍ

مر تکذیب کنندگان را آیا نیافریدیم شما را از آب خوار بمقدار پس گردانیدیم آن آب را در قرارگاه استوار

إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ ۝ فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ ٱلْقَٰدِرُونَ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ

تا مقداری دانسته شده پس توانا بودیم در آفرینش شما پس نیک توانایانیم ما وای در آن روز را

لِّلْمُكَذِّبِينَ ۝ أَلَمْ نَجْعَلِ ٱلْأَرْضَ كِفَاتًا ۝ أَحْيَآءً وَأَمْوَٰتًا ۝

مر تکذیب کنندگان را آیا نگردانیدیم ما زمین را جمع کننده زندگان زندگان و مردگان

وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَٰسِىَ شَٰمِخَٰتٍ وَأَسْقَيْنَٰكُم مَّآءً فُرَاتًا ۝

و گردانیدیم ما در زمین کوههای استوار بلند و بیاشامانیدیم شما را آبی شیرین و صاف

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۝ ٱنطَلِقُوٓا إِلَىٰ مَا كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ۝

وای در آن روز مر تکذیب کنندگان را برو ید البته بسوی آنچه بود ید که بآن تکذیب میکرد ید

ٱنطَلِقُوٓا إِلَىٰ ظِلٍّ ذِى ثَلَٰثِ شُعَبٍ ۝ لَّا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِى مِنَ

برو ید البته بسوی سایه خداوند سه شاخ است یعنی دود نه سایه خنک که راحت در آن باشد و نه دفع

ٱللَّهَبِ ۝ إِنَّهَا تَرْمِى بِشَرَرٍ كَٱلْقَصْرِ ۝ كَأَنَّهُۥ جِمَٰلَتٌ صُفْرٌ ۝

کند از زبانه آتش بدرستی که دوزخ می اندازد بشرارهای که مانند کوشکی است گویا آن شررها شتران زرد اند

وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۝ هَٰذَا يَوْمُ لَا يَنطِقُونَ ۝ وَلَا

وای در آن روز مر تکذیب کنندگان را این روز روزی است که سخن نگویند کفار از هول و

يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۝ هَٰذَا

رخصت داده نشوند مر ایشان را پس عذر بگویند و وای در آن روز مر تکذیب کنندگان را این روز

يَوْمُ ٱلْفَصْلِ جَمَعْنَٰكُمْ وَٱلْأَوَّلِينَ ۝ فَإِن كَانَ لَكُمْ كَيْدٌ

روز حکم فصلست جمع کردیم ما شما را و پیشینیان را پس اگر هست مر شما را مکری و حیله

فَكِيدُونِ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۝ إِنَّ ٱلْمُتَّقِينَ فِى ظِلَٰلٍ

پس مکر کنید مرا و وای در آن روز مر تکذیب کنندگان را بدرستی پرهیزکاران در سایه

وَعُيُونٍ ۝ وَفَوَٰكِهَ مِمَّا يَشْتَهُونَ ۝ كُلُوا۟ وَٱشْرَبُوا۟ هَنِيٓـًٔۢا بِمَا

و کنار چشمه ها باشند و در میان میوها از آنچه آرزو کنند بخورید و بیاشامید گوارا بسبب آنچه

كُنتُم تَعمَلُونَ ۝ اِنَّا كَذٰلِكَ نَجزِی المُحسِنِینَ ۝ وَیلٌ یَومَئِذٍ

بود ید | که میکرد ید | بپرسیدی که ما چنین | جزا میدهیم نیکوکاران را | وای | در آن روز

لِلمُكَذِّبِینَ ۝ كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِیلًا اِنَّكُم مُجرِمُونَ ۝ وَیلٌ

مر تکذیب کنندگان را | گویند بخورید و متع گیرید از مال اندک دنیا بدرستی که شما گناهکارانید | وای

یَومَئِذٍ لِلمُكَذِّبِینَ ۝ وَاِذَا قِیلَ لَهُمُ اركَعُوا لَا یَركَعُونَ ۝

در آن روز مر تکذیب کنندگان را | و چون گفته شود مر ایشان را | که نماز گذارند نماز گذارندگان

وَیلٌ یَومَئِذٍ لِلمُكَذِّبِینَ ۝ فَبِاَیِّ حَدِیثٍ بَعدَهُ یُؤمِنُونَ ۝

وای | در آن روز مر تکذیب کنندگان را | پس بکدام | سخن | بعد از قرآن ایمان می آورند

سورة النبا مکیة

بِسمِ اللّٰهِ الرَّحمٰنِ الرَّحِیمِ

بنام | خدای بخشاینده مهربان

عَمَّ یَتَسَآءَلُونَ ۝ عَنِ النَّبَاِ العَظِیمِ ۝ الَّذِی هُم فِیهِ مُختَلِفُونَ ۝

از چه | چیز میپرسند | از خبر | بزرگ | آنکه ایشان | در آن اختلاف میکنند

كَلَّا سَیَعلَمُونَ ۝ ثُمَّ كَلَّا سَیَعلَمُونَ ۝ اَلَم نَجعَلِ الاَرضَ

باید باز ایستند زود باشد که بدانند | پس | باید باز ایستند زود باشد که بدانند | آیا نگردانیدیم ما زمین را

مِهٰدًا ۝ وَالجِبَالَ اَوتَادًا ۝ وَخَلَقنٰكُم اَزوَاجًا ۝ وَجَعَلنَا

گسترده | و کوهها را | میخ | و آفریدیم شما را | جفت جفت | زوجه | و گردانیدیم ما

نَومَكُم سُبَاتًا ۝ وَجَعَلنَا اللَّیلَ لِبَاسًا ۝ وَجَعَلنَا

خواب شما را | چیزی که قطع خواهش کند | و گردانیدیم ما | شب را | پوششی | و گردانیدیم روز را

النَّهَارَ مَعَاشًا ۝ وَبَنَینَا فَوقَكُم سَبعًا شِدَادًا ۝ وَجَعَلنَا

وقت طلب معیشت | و بنا کردیم ما بر بر شما | هفت آسمان سخت | و آفریدیم ما در

سِرَاجًا وَهَّاجًا ۝ وَاَنزَلنَا مِنَ المُعصِرٰتِ مَآءً ثَجَّاجًا ۝ لِنُخرِجَ

آسمان چراغی درخشان | و فرو فرستادیم ما از ابرهای فشارنده | آبی بغایت ریزان تا بیرون آریم

الجزء الثلاثون

ابی
این کتاب را بپنجاه روایت
کرده که هر که سورة النبا را بخواند خدای
او را در قیامت شرابی سرد بیاشامداند
ابو عبد الله مروست که هر که عم را بخواند
و بر روزه مداومت کند از انسال
بیرون نیاید تا بزیارت
الحرام مشرف
شود

در کتاب کافی از ابو حمزه ثمالی مروست
که گفت بخدمت حضرت ابو جعفر عرض کردم
که شیعیان از شما استفسار معنی کریمه عم
یتساءلون عن النبا العظیم مینمایند فرمودند که
جواب آن این است اگر خواهم میگویم و اگر
صلاح در جواب نبینم نمیگویم لیکن ترا آگاه

بِهِ جَنَّاتٍ وَنَبَاتًا ۝ وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا ۝ إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ كَانَ

بآن دانه مروارید از دریا و از زمین گیاه و بوستانهای بهم چیده درختان بدرستی که روز حکم هست

مِيقَاتًا ۝ يَوْمَ يُنفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا ۝ وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ

وقتی مقرر روزیکه دمیده شود در صور در نفخه ثانیه پس بیائید شما فوج فوج بمحشر و گشاده شود آسمان

فَكَانَتْ أَبْوَابًا ۝ وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا ۝ إِنَّ جَهَنَّمَ

پس گردد از بسیاری شکاف دریاها روان گردانیده شود کوهها پس باشد چون سراب بدرستیکه دوزخ

كَانَتْ مِرْصَادًا ۝ لِّلطَّاغِينَ مَآبًا ۝ لَّابِثِينَ فِيهَا أَحْقَابًا ۝

هست گمشگاهی که زبانیه در آنجا مترصد اهل دوزخند از حد در گذشتگان را بازگشت درنگ کنند در آنروزگاران

لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا ۝ إِلَّا حَمِيمًا وَغَسَّاقًا ۝

نچشند در آن سردی و نه شرابی مگر آب جوشان و چرک و ریم دوزخیان

جَزَاءً وِفَاقًا ۝ إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا ۝ وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا

پاداش دادنی موافق کردار ایشان بدرستی که ایشان بودند که امیدی نداشتند حساب آخرت را و تکذیب کردند نشانهای ما

كِذَّابًا ۝ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا ۝ فَذُوقُوا فَلَن نَّزِيدَكُمْ إِلَّا

تکذیب کردنی و همه چیز از کردار بندگان شمرده ایم آنرا در لوح پس بچشید عذاب را پس نمی افزائیم شما را هیچ مگر

عَذَابًا ۝ إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا ۝ حَدَائِقَ وَأَعْنَابًا ۝ وَكَوَاعِبَ

عذاب بدرستی که مر پرهیزکاران را جای فوز است که آن درختها و انگورهاست و دوشیزگان

أَتْرَابًا ۝ وَكَأْسًا دِهَاقًا ۝ لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذَّابًا ۝

نارپستان همسال و جامهای پر از شراب نمی شنوند بجز زدن شراب در بهشت سخن بیهوده و نه دروغ

جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا ۝ رَّبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

این پاداشیست از پروردگار تو بخششی از نزد خدای دانی پسندیده پروردگار آسمانها و زمین

وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَٰنِ لَا يَمْلِكُونَ مِنْهُ خِطَابًا ۝ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ

و آنچه میان هر دوست خدای بخشنده مالک نشوند از و سخن گفتنی در روزیکه بایستد روح

وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا ۝ لَّا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَٰنُ

و فرشتگان در حالیکه صف زدگان باشند سخن نگویند مگر آنکه رخصت داده باشد او را خدای بخشاینده

میگردانم
از معنی آن این آیه در شان
حضرت امیر المومنین علیه السلام است که
فرمودست خدای عز و جل در هیچ آیه و شانه
قدر نی بزرگتر از من و نیست خدا تعالی را در هیچ
نبائی عظیم شان تر از من و نبا در لغت بمعنی
خبراست و آنکه خبرده بهتر از خبری از انبا گویند مجازا
برای مبالغه مانند زید عدل و همچنان را از آن انبا
میگویند که خبر میدهند از احکام شریعت
بوحی الهی و اطلاق بر حضرت امیر المومنین علیه السلام
باین اعتبار است و نیز بر حدیث نه که در
آیه شریفه دلالت میکند بر مساوات آنحضرت
با رسول خدا صلی الله علیه و آله در صفات کمال
مگر آنچه بضرورت مستثنی است که آن صفت
نبوت و رسالت است چنانچه باندک تاملی ظاهر میشود
و اکثر مفسرین نبا عظیم را بقرآن تفسیر کرده اند
که خبر دهنده از توحید و احکام شریعت و رسالت
حضرت خیر البشر است و بقولی حشر و نشر است
و بقولی اثبات صانع و صفات او و فرشتگان
و پیغمبران و بهشت و دوزخ و رسالت و خلافت
و بعضی از مفسرین عامه از آنحضرت تفسیر کرده اند
چنانچه از سدی حکایت شده که رسول خدا
فرمود در تفسیر این آیه که سوال میکنند از مردمان
ولایت علی را در قبر با نمیماند
هیچ مرده در

وَقَالَ صَوَابًا ذٰلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ اِلٰى رَبِّهٖ مَاٰبًا

و گوید گفتاری باصواب این آن روز است که راست است پس هر که خواهد فرا گیرد بسوی مرورد کار خود

اِنَّا اَنْذَرْنٰكُمْ عَذَابًا قَرِيْبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدٰهُ

باز گشتنی هر چیزی که ما بیم کردیم شمارا بعذابی نزدیک روزیکه بنگرد آدمی آنچه پیش فرستاده دو دست او

وَيَقُوْلُ الْكَافِرُ يٰلَيْتَنِيْ كُنْتُ تُرٰبًا

و میگوید کافر ای کاشکی بودم من خاک

سورة النازعات مكية وهي اربعون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالنّٰزِعٰتِ غَرْقًا وَالنّٰشِطٰتِ نَشْطًا وَالسّٰبِحٰتِ

سوگند بکشندگان از روی قوت و سوگند بفرشتگان که بنشاط آورندگان ارواحند و قسم بفرشتگان

سَبْحًا فَالسّٰبِقٰتِ سَبْقًا فَالْمُدَبِّرٰتِ اَمْرًا يَوْمَ تَرْجُفُ

شناکننده پس قسم بپیشی کنندگان پیشی کردنی پس تدبیر کنندگان کار را روزیکه بلرزد زمین

الرّٰجِفَةُ تَتْبَعُهَا الرّٰدِفَةُ قُلُوْبٌ يَوْمَئِذٍ وَّاجِفَةٌ

لرزیدنی از پی درآیندهٔ دلها در آنروز ترسان باشند

اَبْصَارُهَا خَاشِعَةٌ يَقُوْلُوْنَ اَئِنَّا لَمَرْدُوْدُوْنَ فِي الْحَافِرَةِ

چشمهای ایشان یعنی خداوندان قلوب خشوع کننده است میگویند آیا ما رد شدگانیم بحالت اول

اَئِذَا كُنَّا عِظَامًا نَّخِرَةً قَالُوْا تِلْكَ اِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ فَاِنَّمَا

آیا چون گردیم استخوانهای پوسیده و کهنه گویند آن باز گشتن آن هنگام باز گشتنی است خداوند زیان کار را پس جز

هِيَ زَجْرَةٌ وَّاحِدَةٌ فَاِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ هَلْ اَتٰىكَ حَدِيْثُ

نیست که آن یک فریاد است پس ناگاه ایشان بر روی زمین بسوارند آیا بآمد بتو سخن

مُوْسٰى اِذْ نَادٰىهُ رَبُّهٗ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى اِذْهَبْ

موسی وقتیکه بخواند موسی پرورد کار او بوادی پاکیزه که آن طوی است آنکه برو

اِلٰى فِرْعَوْنَ اِنَّهٗ طَغٰى فَقُلْ هَلْ لَّكَ اِلٰى اَنْ تَزَكّٰى

بسوی فرعون بدرستی که او از حد در گذشته است پس بگو آیا مرترا است رغبتی آنکه پاک شوی

در فضیلت سورهٔ والنازعات از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که نازعات غرقا در وقت جان کندن کافران است و ناشطات از بدنهای ایشان بیرون میکشند و ناشطات بحالت سختی بیرون میکشند و سابحات فرشتگانی اند قابض ارواح مؤمنان که ارواح ایشانرا در ساعات ملاطفت و مهربانی قبض مینمایند چنانچه قدری از بدن ایشان بمهربانی تمام میکشند پس مهلت میدهند که از آن ماندگی آن مختصر برآید و بار دیگر بدستور قدری دیگر از بدن او بیرون میکشند و سابحات فرشتگانی اند پیرون میکشند و سابحات فرشتگانی اند قابض ارواح مؤمنان که ارواح ایشانرا در ساعات ملاطفت و مهربانی قبض مینمایند چنانچه قدری از بدن ایشان بمهربانی تمام میکشند پس مهلت میدهند که از آن ماندگی آن مختصر برآید و بار دیگر بدستور قدری دیگر از بدن او بیرون میکشند تا آنکه ترع روح او تمام شود مانند شناوری

وَاَهْدِيَكَ اِلٰى رَبِّكَ فَتَخْشٰى ۝ فَاَرٰهُ الْاٰيَةَ الْكُبْرٰى ۝

وراه مینمایم ترا بسوی پروردگار تو پس ترسی پس نمود او را موسی آیه بزرگ

فَكَذَّبَ وَعَصٰى ۝ ثُمَّ اَدْبَرَ يَسْعٰى ۝ فَحَشَرَ فَنَادٰى ۝ فَقَالَ اَنَا

پس تکذیب کرد فرعون و گناه کرد پس پشت کرد در حالیکه سعی میکرد پس جمع کرد قوم خود را پس ندا کرد پس گفت منم

رَبُّكُمُ الْاَعْلٰى ۝ فَاَخَذَهُ اللّٰهُ نَكَالَ الْاٰخِرَةِ وَالْاُوْلٰى ۝ اِنَّ فِي

پروردگار شما که برتر م پس بگرفت او را خدا بعقوبت قیامت و دنیا بدرستی که در

ذٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَنْ يَّخْشٰى ۝ ءَاَنْتُمْ اَشَدُّ خَلْقًا اَمِ السَّمَآءُ بَنٰهَا

این هر آینه عبرتی است مر کسی را که میترسد آیا شما سخت تر بدا از روی خلق یا آسمان که بنا کرد آنرا

رَفَعَ سَمْكَهَا فَسَوّٰىهَا ۝ وَاَغْطَشَ لَيْلَهَا وَاَخْرَجَ ضُحٰىهَا ۝ وَالْاَرْضَ

برداشت سقف آنرا پس است کرد آنرا و تاریک کرد شب او را و بیرون آورد روشنی آفتاب او زمین را

بَعْدَ ذٰلِكَ دَحٰىهَا ۝ اَخْرَجَ مِنْهَا مَآءَهَا وَمَرْعٰىهَا ۝ وَالْجِبَالَ

بعد از خلق آسمانها بگسترانید پرون آورد از زمین آب آنرا و چراگاه آنرا و کوهها را

اَرْسٰىهَا ۝ مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِاَنْعَامِكُمْ ۝ فَاِذَا جَآءَتِ الطَّآمَّةُ

استوار ساخت بجهة انتفاع شماست و مر چهارپایان شما پس چون بیاید بلیه

الْكُبْرٰى ۝ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْاِنْسَانُ مَا سَعٰى ۝ وَبُرِّزَتِ الْجَحِيْمُ

بزرگ روزیکه یاد آورد آدمی آنچه سعی کرده از خیر و شر و ظاهر کرده نشود جهنم

لِمَنْ يَّرٰى ۝ فَاَمَّا مَنْ طَغٰى ۝ وَاٰثَرَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا ۝ فَاِنَّ الْجَحِيْمَ

مر هر کسی را که بیند و اما هر که گذشت از حد و اختیار کرد زندگانی دنیا را پس بدرستی که دوزخ

هِيَ الْمَاْوٰى ۝ وَاَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهٖ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ

آن آرامگاه است و اما آنکه بترسد از ایستادن نزد جزای پروردگار خود و باز داشتن نفس خود را

الْهَوٰى ۝ فَاِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَاْوٰى ۝ يَسْـَٔلُوْنَكَ عَنِ السَّاعَةِ

از خواهشها پس بدرستی که بهشت آرامگاه او می پرسند از تو با محمد از روز قیامت

اَيَّانَ مُرْسٰىهَا ۝ فِيْمَ اَنْتَ مِنْ ذِكْرٰىهَا ۝ اِلٰى رَبِّكَ مُنْتَهٰىهَا

کی باشد اقامت آن در چه چیزی تو از یاد کردن آن بسوی پروردگار تو ست موضع نهایت آن

از آن آیه گریزم پشتاد
می شود که اصل ما در زمین پیش از
خلق آسمان بود و خانه از گریزم ایشوی
الی السما، فسوهن سبع سموات
ایمنی هم مشعر است

إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرُ مَنْ يَخْشَاهَا ۝ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا

ایمنت وجزاین نیست که تو بیم کننده هرکه بترسد از قیامت گویا کفار روزیکه به بینند قیامت را گمان کنند که درنگ

عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا

سورة النازعات وهي اثنتان واربعون آية

شبانگاه یا چاشت آن روز

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

عَبَسَ وَتَوَلَّىٰ ۝ أَن جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ ۝ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ

روی درهم کرد ومحمد روگردانید روی خود را چون آمد بسوی او نابینا وچه چیز دانا کرد تو را باحال وشاید او

يَزَّكَّىٰ ۝ أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنفَعَهُ الذِّكْرَىٰ ۝ أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَىٰ

پاک شود از گناه یا پند گیرد پس نفع کند او را پند تو اما آنکس که تو انگر است

فَأَنتَ لَهُ تَصَدَّىٰ ۝ وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ ۝ وَأَمَّا مَن جَاءَكَ

پس تو باو روی آوری وزیست بر تو این که نمی از کفر پاک شود واما آنکه آمد بتو

يَسْعَىٰ ۝ وَهُوَ يَخْشَىٰ ۝ فَأَنتَ عَنْهُ تَلَهَّىٰ ۝ كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ

درحالت که میشتابد واو میترسد از خدا پس تو از او مشغول می شوی هیچ پس مکن بدرستی که قرآن پندیست

فَمَن شَاءَ ذَكَرَهُ ۝ فِي صُحُفٍ مُّكَرَّمَةٍ ۝ مَّرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ ۝ بِأَيْدِي

پس هرکه خواهد حفظ کند آنرا ثابت در قرآن گرامی کرده شده برداشته شده در آسمان پاکیزه از دست

سَفَرَةٍ ۝ كِرَامٍ بَرَرَةٍ ۝ قُتِلَ الْإِنسَانُ مَا أَكْفَرَهُ ۝ مِنْ أَيِّ شَيْءٍ

شیاطین پستهای نویسندگان بزرگان نیکوکار لعنت کرده باد آدم کافر چه چیز کافر ساخت او را از چه چیز

خَلَقَهُ ۝ مِن نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَّرَهُ ۝ ثُمَّ السَّبِيلَ يَسَّرَهُ ۝ ثُمَّ

آفرید خدای او را از اندکی آب منی آفرید او را پس تقدیر کرد او را پس راه بیرون آمدن از رحم آسان کرد او را

أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ ۝ ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ ۝ كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ

پس میراند او را پس در قبر کرد او را پس وقتی که زنده خواهد کرد او را نه چنانست هنوز نگذارد او انکرد آنچه فرمود

فَلْيَنظُرِ الْإِنسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ ۝ أَنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ۝ ثُمَّ

پس باید که نظر کند آدمی بسوی طعام خود آنکه ما ریختیم از ابر آب را ریختنی پس

از ابو عبد الله مرویست که هر که سوره عبس و اذا الشمس را نخواند از دوستان خدا نبوده و در ظل حق تعالی نباشد و از مقربان او محسوب نشود

از حضرت صادق علیه السلام مرویست که این آیات نازل شده در باب مردی از بنی امیه که در خدمت رسول خدا صلی الله علیه وآله بود و عبد بن ام مکتوم که اعمی بود در آنوقت بخدمت آنحضرت آمد و نزدیک بآن مرد نشست آن مرد چون وی را نزدیک خود دید ازو اعراض نمود و روی از او درگردانید و عبوس نمود که روزی پسول خدا آرزوی ما جمعی در میان داشت ام مکتوم وارد شده عرض کرد یا رسول الله آنچه آیات قرآنی بر تو نازل بر من بخوان و از آنچه بر تو آموخته بر من بیاموز و مکرر با آنحضرت این سخن را کرد بر آنحضرت ناگوار آمده عبوس کرده روی مبارک از وی بگردانید

شَقَقْنَا الْاَرْضَ شَقًّا ۙ فَاَنْۢبَتْنَا فِيْهَا حَبًّا ۙ وَّعِنَبًا وَّقَضْبًا ۙ وَّ

شکافتیم ما زمین را شکافتنی پس برویانیدیم در زمین دانه خوب که گندم و انگور و رطب یعنی نوشخه و

زَيْتُوْنًا وَّنَخْلًا ۙ وَّحَدَآئِقَ غُلْبًا ۙ وَّفَاكِهَةً وَّاَبًّا ۙ مَّتَاعًا لَّكُمْ

درخت زیتون و خرما و باغهای متمل بر درختان و میوهای تر و چراگاه ایجاد این چیزها منفعت برخاست

وَلِاَنْعَامِكُمْ ۙ فَاِذَا جَآءَتِ الصَّآخَّةُ ۙ يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ اَخِيْهِ ۙ

و برای چهارپایان شما پس چون بیاید آواز کننده یعنی صور در روزیکه بگریزد مرد از برادر خود

وَاُمِّهٖ وَاَبِيْهِ ۙ وَصَاحِبَتِهٖ وَبَنِيْهِ ۙ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ

و از مادر خود و پدر خود و از زن خود و فرزندان خود مر هر مردی را از ایشان

يَوْمَئِذٍ شَاْنٌ يُّغْنِيْهِ ۙ وُجُوْهٌ يَّوْمَئِذٍ مُّسْفِرَةٌ ۙ ضَاحِكَةٌ

در آن روز کاری مشغول دارد آنرا روهائی باشد در آن روز روشن خندان

مُّسْتَبْشِرَةٌ ۙ وَوُجُوْهٌ يَّوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ ۙ تَرْهَقُهَا قَتَرَةٌ ۙ

و شادمان و روهائی در آن روز بر آنها غبار نشسته فرو گیرد آنرا تاریکی

اُولٰٓئِكَ هُمُ الْكَفَرَةُ الْفَجَرَةُ

آن گروه ایشانند کافران فاجران

سورة التكوير تسع وعشرين آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ ۙ وَاِذَا النُّجُوْمُ انْكَدَرَتْ ۙ وَاِذَا الْجِبَالُ

آنگاه که آفتاب در هم پیچیده شود و هنگامیکه ستارها تاریک شوند و آنوقت که کوهها

سُيِّرَتْ ۙ وَاِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ ۙ وَاِذَا الْوُحُوْشُ حُشِرَتْ ۙ

سیر کرده شود و آنوقت که شتران فرو گذاشته شوند و آنوقت که جانوران وحشی محشور شوند

وَاِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ ۙ وَاِذَا النُّفُوْسُ زُوِّجَتْ ۙ وَاِذَا الْمَوْءٗدَةُ

و آنوقت که دریاها پر کرده شود و آنوقت که نفسها جفت کرده شوند و آنوقت که دختر زنده در

سُئِلَتْ ۙ بِاَيِّ ذَنْۢبٍ قُتِلَتْ ۙ وَاِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ ۙ

گور پرسیده شود که بکدام گناه کشته شود و آنوقت که نامه‌های اعمال گشاده شود

مراد از صاحه صیحه نفخ صور قیامت و آزا صاحه ازان گویند که ارسنده کوشها را کر میگرداند

خواص سوره واذا الشمس در ضمن فضیلت سوره عبس و تولی گذشت

وَاِذَا السَّمَآءُ كُشِطَتْ ۝ وَاِذَا الْجَحِيْمُ سُعِّرَتْ ۝ وَاِذَا الْجَنَّةُ اُزْلِفَتْ

وبرگاه آسمان برکنده شود وازروی هم وانوقت که دوزخ افروخته شود واو وقتی که بهشت نزدیک گردانیده

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّآ اَحْضَرَتْ ۝ فَلَآ اُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ

شود آنوقت بداند هرنفس آنچه حاضر کرده پس قسم بستارگان رجوع کننده روندگان نهان

وَالَّيْلِ اِذَا عَسْعَسَ ۝ وَالصُّبْحِ اِذَا تَنَفَّسَ ۝ اِنَّهٗ لَقَوْلُ رَسُوْلٍ

شونده وقسم بشب هرگاه پیش آید وقسم بصبح آنگاه که دم زند بدرستیکه قرآن هرآینه گفتار فرستاده

كَرِيْمٍ ۝ ذِىْ قُوَّةٍ عِنْدَ ذِى الْعَرْشِ مَكِيْنٍ ۝ مُّطَاعٍ ثَمَّ اَمِيْنٍ

بزرگوار است خداوند قوت که نزد خداوند عرش بامنزلت فرمان برده شده در آسمان امین است

وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُوْنٍ ۝ وَلَقَدْ رَاٰهُ بِالْاُفُقِ الْمُبِيْنِ ۝ وَمَا

ونیست صاحب شما محمد دیوانه وبدرستی که دید پیغمبر جبرئیل را بصورت خود در کناره افق روشن و

هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِيْنٍ ۝ وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَّجِيْمٍ

نیست پیغمبر بر چیزهای پوشیده ببخیل ونیست قرآن سخن شیطان رانده شده

فَاَيْنَ تَذْهَبُوْنَ ۝ اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعٰلَمِيْنَ ۝ لِمَنْ شَآءَ مِنْكُمْ

پس کجا میروید نیست قرآن مگر پندی برای جهانیان مرکسی را که خواهد از شما

اَنْ يَّسْتَقِيْمَ ۝ وَمَا تَشَآءُوْنَ اِلَّآ اَنْ يَّشَآءَ اللّٰهُ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ

که مستقیم شود وبخواهید شما استقامت را مگر انکه خواهد خدا که پروردگار جهانیان است

سورة الانفطار تسع عشرة آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اِذَا السَّمَآءُ انْفَطَرَتْ ۝ وَاِذَا الْكَوَاكِبُ انْتَثَرَتْ ۝ وَاِذَا

آنگاه که آسمان شکافته شود وآنگاه که ستارگان فروریزند وآنگاه

الْبِحَارُ فُجِّرَتْ ۝ وَاِذَا الْقُبُوْرُ بُعْثِرَتْ ۝ عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ

دریاها روان کرده شود وآنگاه که قبرها زیروزبر کرده شوند در آنوقت بداند نفس آنچه پیش فرستاده

وَاَخَّرَتْ

از محسن

البسملان دانسته

کرده که رسول خدا صلی الله علیه وآله

باجبرئیل علیه السلام فرمود چه بسیار نوح نو

کرده پروردگار تو که ذی قوه عندذی

العرش مکین مطاع ثم امین قوت تو از کجا

شده وامانت تو از چه چیز آشکار گردیده بود

گفت اما قوت من از آنجا معلوم شد که

حقتعالی مرا جهة اهلاک قوم لوط فرستاده و از شما

چهارشصت بود که در هر شهری چهار هزار

مرد جنگی تو بغیر از کودکان من انشهر را از طبقه هفتم

زمین کندم و بالا بردم بحدی که سگان

آسمان آواز خروسان وصدای سگان آنشهرها را

شنیدند از آنجا سرنگون نمودم اشارة اما

امانت من پس من مامور بهیچ کاری نشدم

که از آن (؟) گذشته باشم

بکاری دیگر

از ابوعبدالله

مرویست که هرکه سوره انفطار را بسوزد

انشقاق را در قیامت با دو ملک خواند

هیچ حجابی او را از رحمت خدا منع نکند و

همیشه در رحمت الهی نظر کند و خدا او را

نظر رحمت بآن بنده کند تا همه

مردمان از حساب فارغ

شوند

وَاَخَّرَتْ ۝ يٰٓاَيُّهَا الْاِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيْمِ ۝

وآنچه پس گذاشته اند ای آدمیزاد چه چیز فریفت تو را بپروردگار تو که بزرگست

الَّذِيْ خَلَقَكَ فَسَوّٰىكَ فَعَدَلَكَ ۝ فِيْٓ اَيِّ صُوْرَةٍ مَّا

آنکه آفرید ترا پس تمام کرد اعضای تو را پس معتدل کرد در هر صورتی که

شَآءَ رَكَّبَكَ ۝ كَلَّا بَلْ تُكَذِّبُوْنَ بِالدِّيْنِ ۝ وَاِنَّ

خواست ترکیب تو را باز ایستید از غرور بلکه تکذیب می کنید بروز جزا و بدرستی که

عَلَيْكُمْ لَحٰفِظِيْنَ ۝ كِرَامًا كَاتِبِيْنَ ۝ يَعْلَمُوْنَ مَا تَفْعَلُوْنَ

بر گماشتند شما حفظ کنندگانید بزرگان نزدخدا نویسندگان نامه کردار میدانند آنچه میکنید

اِنَّ الْاَبْرَارَ لَفِيْ نَعِيْمٍ ۝ وَاِنَّ الْفُجَّارَ لَفِيْ جَحِيْمٍ ۝ يَّصْلَوْنَهَا يَوْمَ

بدرستی که نیکوکاران در بهشت نعمت اند و بدرستی که بدکاران در آتش دوزخ اند در آیند در آن روز

الدِّيْنِ ۝ وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَآئِبِيْنَ ۝ وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا يَوْمُ

قیامت که روز جزاست نیستند از دوزخ گمشدگان و چه چیز دانا کرد تو را که چیست روز

الدِّيْنِ ۝ ثُمَّ مَآ اَدْرٰىكَ مَا يَوْمُ الدِّيْنِ ۝ يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ

جزا پس چه چیز دانا کرد تو را که چیست روز جزا روزیکه مالک نشود هیچ نفس

لِّنَفْسٍ شَيْئًا ۝ وَالْاَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِّلّٰهِ ۝

برای هیچ نفس چیزی را و حکم در آن روز مر خدا راست

سورة المطففين وهي ست وثلثون آية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِيْنَ ۝ الَّذِيْنَ اِذَا اكْتَالُوْا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُوْنَ ۝

وای مر کم کنندگان کیل و وزن را آنان که چون بمردمان تمام میستانند بکیل

وَاِذَا كَالُوْهُمْ اَوْ وَّزَنُوْهُمْ يُخْسِرُوْنَ ۝ اَلَا يَظُنُّ اُولٰٓئِكَ اَنَّهُمْ

و چون می پیمایند برای ایشان یا وزن میکنند زیان میرسانند آیا گمان نمی برند آن گروه آنکه ایشان

مَّبْعُوْثُوْنَ ۝ لِيَوْمٍ عَظِيْمٍ ۝ يَّوْمَ يَقُوْمُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعٰلَمِيْنَ ۝

برانگیخته شدگانند مر روز بزرگ را روزی که بپای ایستند مردمان برای حکم بردن روزگار جهانیان

از ابو عبد الله جعله
الاسلام مرویست که هر که قرائت او
سورة المطففین باشد حق سبحانه و تعالی
او را در روز قیامت از آتش دوزخ ایمن
گرداند و آتش او را در قیامت نبیند و
جسر جهنم گذر بخشود در
قیامت حساب او را
نکند

كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ ٱلْفُجَّارِ لَفِى سِجِّينٍ ۝ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا سِجِّينٌ ۝

كَلَّا نه چنان است كه كافران مى پندارند كتاب بدكاران هر آينه در سجين است و چه دانا كرد تو را كه چيست سجين

كِتَٰبٌ مَّرْقُومٌ ۝ وَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ ۝ ٱلَّذِينَ يُكَذِّبُونَ

كتابى است نوشته شده و واى در آن روز مر تكذيب كنندگان را آنانكه تكذيب مى كنند

بِيَوْمِ ٱلدِّينِ ۝ وَمَا يُكَذِّبُ بِهِۦٓ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ ۝ إِذَا

بروز جزا و تكذيب نكنند در آن روز مگر هر حد گذرنده گنه كار چون

تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَٰتُنَا قَالَ أَسَٰطِيرُ ٱلْأَوَّلِينَ ۝ كَلَّا بَلْ رَانَ

خوانده شود بر او آيات ما گويد اين قصه پيشينيان است نه چنانست بلكه غلبه كرده است

عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ ۝ كَلَّآ إِنَّهُمْ عَن رَّبِّهِمْ

نهاده بر دلهاى ايشان آنچه بودند كه كسب مى كردند باز هم نه چنان است بدرستى كه ايشان از رحمت پروردگار

يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوبُونَ ۝ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا ٱلْجَحِيمِ ۝ ثُمَّ يُقَالُ هَٰذَا

آن روز هر آينه در پرده شده گانند پس بدرستى كه ايشان هر آينه در آيندگانند بدوزخ پس گفته شود ايشان را اين

ٱلَّذِى كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ۝ كَلَّآ إِنَّ كِتَٰبَ ٱلْأَبْرَارِ لَفِى

عذابى است كه بودند كه بآن تكذيب مى كرديد تكذيب مكنيد بدرستى كه آنچه نوشته شده از كردار نيكوكاران

عِلِّيِّينَ ۝ وَمَآ أَدْرَىٰكَ مَا عِلِّيُّونَ ۝ كِتَٰبٌ مَّرْقُومٌ ۝ يَشْهَدُهُ

هر آينه در عليين است و چه دانا كرد تو را كه چيست عليون كتابى است نوشته شده حاضر شوند

ٱلْمُقَرَّبُونَ ۝ إِنَّ ٱلْأَبْرَارَ لَفِى نَعِيمٍ ۝ عَلَى ٱلْأَرَآئِكِ يَنظُرُونَ

بر آن كتاب فرشتگان مقرب بدرستى كه نيكوكاران هر آينه در بهشت برنعمت اند بر تختها مى نگرند

تَعْرِفُ فِى وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ ٱلنَّعِيمِ ۝ يُسْقَوْنَ مِن رَّحِيقٍ

بر چهره هاى خوب شناسى اى مى كرده در روهاى ايشان تازگى نعمتهاى بهشت را سيراب كرده مى شوند از شراب خالص

مَّخْتُومٍ ۝ خِتَٰمُهُۥ مِسْكٌ ۚ وَفِى ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ ٱلْمُتَنَٰفِسُونَ

مهر شده كه مهر او مشك است و در اين شراب پس بايد رغبت كنند رغبت كنندگان

وَمِزَاجُهُۥ مِن تَسْنِيمٍ ۝ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا ٱلْمُقَرَّبُونَ ۝ إِنَّ

و آميختگى آن از تسنيم چشمه ايست كه مى آشامد از آن نزديكان بدرستى كه

ٱلْأَبْرَارَ

حضرت ابو جعفر صلوات الله عليه مرويست كه هيچ بنده مؤمنى نيست مگر آنكه در دل او نقطه سفيديست و چون گناهى كند در آن نقطه سياهى پديد آيد پس اگر توبه كند و آن سياهى زايل گردد و اگر مصر باشد بر گناه تا آن سياهى زايل گردد و قلب او شود بر معاصى آن سياهى زايل گردد و قلب او شود تا بجايى كه سفيدى تمام بپوشد و چون سفيدى پوشيده شود ديگر هرگز صاحبش بازگشت بخير نكند و طاعت ننمايد و از حضرت ابو عبد الله صلى الله عليه مرويست كه دلها از سنگى ميباشد و جلاء آن كلمه طيبه لا اله الا الله مى باشد

نام چشمه ايست در بهشت

الَّذِينَ اَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ اٰمَنُوا يَضْحَكُونَ ۝ وَاِذَا مَرُّوا بِهِمْ

آنانکه شرک آوردند هستند از جماعت که ایمان آوردند میخندند و چون بگذرند بمومنان

يَتَغَامَزُونَ ۝ وَاِذَا انْقَلَبُوا اِلٰى اَهْلِهِمُ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ ۝

اشارت همی کنند بچشم و چون باز گردند بسوی کسان خود باز گردند خالیکه شادمان باشند

وَاِذَا رَاَوْهُمْ قَالُوا اِنَّ هٰٓؤُلَآءِ لَضَآلُّونَ ۝ وَمَآ اُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ

و چون ببینند مومنان را گویند بدرستی که این گروه گمراهانند و فرستاده نشدند بر ایشان

حَافِظِينَ ۝ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ اٰمَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ ۝

نگاهبانان پس امروز که قیامت است آنانکه گرویدند بحال کفار میخندند مومنان

عَلَى الْاَرَآئِكِ يَنْظُرُونَ ۝ هَلْ ثُوِّبَ الْكُفَّارُ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ ۝

بر تختها نگریسته اند منگر ندارند گویند آیا جزا داده شدند کفار آنچه بودند که میکردند

سورة انشقاق وهی خمس وعشرون آیة مکیة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اِذَا السَّمَآءُ انْشَقَّتْ ۝ وَاَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ۝ وَاِذَا الْاَرْضُ

وقتیکه آسمان شکافته شود و بشنوند فرمان فرمان پروردگار خود را و سزاوار است بشنیدن فرمان

مُدَّتْ ۝ وَاَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ ۝ وَاَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ ۝

و وقتی که زمین کشیده شود و بیرون افکند آنچه در آنست و خالی شود از اموات و گنج و فرمان برد حکم پروردگار خود

يٰٓاَيُّهَا الْاِنْسَانُ اِنَّكَ كَادِحٌ اِلٰى رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلٰقِيهِ ۝

و سزاوار است بشنیدن حکم ای آدمی بدرستی که تو کارکننده باز رسی بجزای پروردگار خود بکردار و جد پس رسنده اند

فَاَمَّا مَنْ اُوتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۝ فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا

پس اما آنکه داده شد نامه اعمال او بدست راست او پس زود باشد که حساب کرده شود حسابی

يَسِيرًا ۝ وَيَنْقَلِبُ اِلٰٓى اَهْلِهِ مَسْرُورًا ۝ وَاَمَّا مَنْ اُوتِيَ كِتَابَهُ

آسان و باز گردد بسوی کسان خود شادمان و اما آنکه داده شد نامه

خواص سورة انشقاق وفضلها

گوید دست راست این گروه در روز رستخیز نگردن بسته شده و دست چپ به پس پشت و نامه عمل ایشان از پس سر بدست چپ داده میشود

وَرَآءَ ظَهْرِهٖ ۝ فَسَوْفَ يَدْعُوْا ثُبُوْرًا ۝ وَّيَصْلٰى سَعِيْرًا ۝ اِنَّهٗ كَانَ

پس پشت او ۝ پس زود باشد که بخواند هلاک را ۝ و در آید آتش فروزنده که او بود

فِيْٓ اَهْلِهٖ مَسْرُوْرًا ۝ اِنَّهٗ ظَنَّ اَنْ لَّنْ يَّحُوْرَ ۝ بَلٰٓى اِنَّ رَبَّهٗ كَانَ

در میان اهل خود شادمان ۝ بدرستی که او گمان برده است که باز نگردد بخدا ۝ آری بدرستی که پروردگار است

بِهٖ بَصِيْرًا ۝ فَلَآ اُقْسِمُ بِالشَّفَقِ ۝ وَالَّيْلِ وَمَا وَسَقَ ۝ وَ

باعمال او بینا ۝ پس سوگند میخورم ۝ بشفق سرخی بعد از غروب ۝ و شب ۝ و آنچه بپوشد تاریکی او را و

الْقَمَرِ اِذَا اتَّسَقَ ۝ لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَنْ طَبَقٍ ۝ فَمَا لَهُمْ لَا

ماه ۝ وقتیکه کامل شود ۝ هر آینه بر سید ۝ بحالی ۝ بعد از حالی ۝ پس چیست مر ایشان را که

يُؤْمِنُوْنَ ۝ وَاِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْاٰنُ لَا يَسْجُدُوْنَ ۝ بَلِ

نمیگروند ۝ و چون خوانده شود بر ایشان قرآن ۝ سجده نمیکنند ۝ بلکه

الَّذِيْنَ كَفَرُوْا يُكَذِّبُوْنَ ۝ وَاللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا يُوْعُوْنَ ۝ فَبَشِّرْهُمْ

آنانکه کافر شدند ۝ و تکذیب می کنند ۝ و خدا داناتر است ۝ بآنچه نگاه میدارند در آن پس مژده ده

بِعَذَابٍ اَلِيْمٍ ۝ اِلَّا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ اَجْرٌ

ایشانرا بعذاب الیم ۝ مگر آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته مر ایشانرا است مزد

سورة البروج اثنتان

غَيْرُ مَمْنُوْنٍ ۝

غیر مقطوع

وعشرون مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالسَّمَآءِ ذَاتِ الْبُرُوْجِ ۝ وَالْيَوْمِ الْمَوْعُوْدِ ۝ وَشَاهِدٍ وَّ

قسم بآسمان صاحب برجها ۝ و قسم بروز موعود که قیامت است ۝ و قسم بشاهد یعنی پیغمبر و

مَشْهُوْدٍ ۝ قُتِلَ اَصْحٰبُ الْاُخْدُوْدِ ۝ النَّارِ ذَاتِ الْوَقُوْدِ ۝

و قسم بمشهود یعنی امت هلاک شوند ۝ خداوندان شکافهای در زمین ۝ آتشی بود خداوند هیمه ها

اِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُوْدٌ ۝ وَّهُمْ عَلٰى مَا يَفْعَلُوْنَ بِالْمُؤْمِنِيْنَ شُهُوْدٌ ۝

وقتی که ایشان بودند بر کنار آتش نشسته ۝ و ایشان ۝ بر آنچه میکردند ۝ با مومنان گواهی دهندگان

خلاصه

مضمون آنکه در آن

اوقات لامحاله وارد شوند

حالی را بعد از حالی دیگر که مطابق و موافق

هم باشند در سختی و آن حالتها عبارت است

ارشاد باحوال موت در روز قیامت

در مجمع البیان از حضرت صادق صلوات الله

علیه روایت کرده که مراد آنست که وارد

شود بر شما آنچه برگذشتگان از امم سابقه وارد

شده

از

ابی عبد الله علیه

السلام مرویست که هر که سوره البروج را

بخواند موقف و محشر او با انبیاء

مرسلین باشد

در مجمع البیان از رسول خدا آورده ابو جعفر

ابو عبد الله مرویست که شاهد روز جمعه است

و مشهود روز عرفه روز جمعه را از آن شاهد گویند

که در روز جمعه گواهی داده بر کردار خلایق

در این روز و روز عرفه مشهود از آن است که

وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ اِلَّآ اَنْ يُّؤْمِنُوا بِاللّٰهِ الْعَزِيْزِ الْحَمِيْدِ ۝ الَّذِيْ

و عیب نکردند ایشانرا مگر آنکه میگرویدند بخدای غالب ستوده آنخدائی که

لَهٗ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ ۭ وَاللّٰهُ عَلٰي كُلِّ شَيْءٍ شَهِيْدٌ ۝

مراوراست پادشاهی آسمانها و زمین و خدا بر هر چیز گواه است

اِنَّ الَّذِيْنَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنٰتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوْبُوْا فَلَهُمْ

بدرستی که آنانکه در افکندند بمؤمنان و مؤمنات راپس توبه نکردند پس مرایشانراست

عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيْقِ ۝ اِنَّ الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا

عذاب دوزخ و مرایشانراست عذاب آتش سوزان بدرستی که آنانکه گرویدند و کردند

الصّٰلِحٰتِ لَهُمْ جَنّٰتٌ تَجْرِيْ مِنْ تَحْتِهَا الْاَنْهٰرُ ۭ ذٰلِكَ

کارهای شایسته مرایشانراست بوستانها که میرود از زیر آنها نهرها آن

الْفَوْزُ الْكَبِيْرُ ۝ اِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيْدٌ ۝ اِنَّهٗ هُوَ

رستگاری بزرگست بدرستی که گرفتن پروردگار تو هر آینه سخت است بدرستی که او

يُبْدِئُ وَيُعِيْدُ ۝ وَهُوَ الْغَفُوْرُ الْوَدُوْدُ ۝ ذُو الْعَرْشِ

آشکار میکند مردم را و اعاده میکند و او آمرزگار دوست خداوند عرش

الْمَجِيْدُ ۝ فَعَّالٌ لِّمَا يُرِيْدُ ۝ هَلْ اَتٰىكَ حَدِيْثُ الْجُنُوْدِ ۝

بزرگ کننده آنچه خواهد آیا آمد بتو سخن لشکرهای کفار

فِرْعَوْنَ وَثَمُوْدَ ۝ بَلِ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا فِيْ تَكْذِيْبٍ ۝ وَّاللّٰهُ

یعنی لشکر فرعون و ثمود نه چنانست بلکه آنانکه کافر شدند در دروغ داشتن قیامت و خدا

مِنْ وَّرَآئِهِمْ مُّحِيْطٌ ۝ بَلْ هُوَ قُرْاٰنٌ مَّجِيْدٌ ۝ فِيْ لَوْحٍ مَّحْفُوْظٍ ۝

از ورای ایشان احاطه کننده است بلکه این قرآن بزرگوار است در لوح نگاه داشته شده

سورة الطارق سبع عشرة آية مكية

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

حضرت
امیر المؤمنین
صلوات الله و سلامه علیه ترا
یکی از علمای نصارا فرستاده از حال اصحاب
اخدود پرسید او جوابی گفت آنحضرت
فرمود نه چنین است من خبر میدهم شمارا
از حال ایشان جمعی مردی حبشی نام برسالت
بر حبشیان فرستاد و دعوت او تکذیب می نمودند
با دی کارزار نموده کشتاران او کشته
او را با بقیه السیف اسیر کردند پس کودکانی را
در زمین کنده و آتش کردند و همگی مردم را
جمع نموده گفتند هر که از دین ما برگردد بگذاریم
گروه از کنار این آتش کناره گیرد والا خود را
افکند اصحاب آن پیغمبر همه را بهم آتش داد خود را
در آن آتش افکندند زنی از ایشان که کودکی
همراه در کنار داشت جهت ترحم بر آن کودک
خواست که از دین برگردد و از آتش اورا بازدارد
کودک بفرمان خدا بسخن درآمد و با و گفت مترس
و خود را در آتش افکن که این سوختن در راه خدا
سهل است پس آن زن با آن کودک در آن
آتش رفتند و اسلام
من اصحاب الاخدود

وَالسَّمَآءِ وَالطَّارِقِ ۝ وَمَآ اَدْرٰىكَ مَا الطَّارِقُ ۝ اَلنَّجْمُ

سوگند بآسمان و بستاره ظاهر شونده در شب و چه چیز دانا کرد تو را که بداند چیست طارق ستاره

الثَّاقِبُ ۝ اِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ۝ فَلْيَنْظُرِ الْاِنْسَانُ

درخشنده نیست هیچ نفسی مگر که بر او ست نگهبان خدا پس باید نظر کند آدمی که

مِمَّ خُلِقَ ۝ خُلِقَ مِنْ مَّآءٍ دَافِقٍ ۝ يَّخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَآئِبِ

از چه چیز آفریده شده آفریده شده از آب جهنده که بیرون می آید از میان پشت مردان و استخوان سینه زنان

اِنَّهٗ عَلٰى رَجْعِهٖ لَقَادِرٌ ۝ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَآئِرُ ۝ فَمَا لَهٗ مِنْ قُوَّةٍ

بدرستی که خدا بر برگردانیدن او هر آینه توانا ست در روزی که ظاهر شود نهان ها پس نیست مر او را هیچ قوتی

وَّلَا نَاصِرٍ ۝ وَالسَّمَآءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ۝ وَالْاَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ۝

و نه یاری دهنده و قسم بآسمان که صاحب بازگردیدن است و زمینی که خداوند شکافتن است

اِنَّهٗ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ۝ وَّمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ۝ اِنَّهُمْ يَكِيْدُوْنَ كَيْدًا ۝

بدرستی که قرآن سخنی جدا کننده حق و باطل است و نیست این بازی و باطل بدرستی که معاندان مکر میکنند در ابطال قرآن

وَّاَكِيْدُ كَيْدًا ۝ فَمَهِّلِ الْكٰفِرِيْنَ اَمْهِلْهُمْ رُوَيْدًا ۝

مکر کردنی و خواهم هم مکر ایشان را مکر کردنی پس مهلت ده کافران را آهسته آهسته فروگذار ایشان را

سورة الاعلى مكية وهي تسع عشرة

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

سَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْاَعْلَى ۝ الَّذِيْ خَلَقَ فَسَوّٰى ۝ وَالَّذِيْ قَدَّرَ

تسبیح کن بنام پروردگار خود که برتر است از وصف آنخدائی که بیافرید چیزها را پس راست کرد و آنخدائی که اندازه

فَهَدٰى ۝ وَالَّذِيْ اَخْرَجَ الْمَرْعٰى ۝ فَجَعَلَهٗ غُثَآءً اَحْوٰى ۝

کرد پس راه نمود و آنخدائی که بیرون آورد چیزها را چراگاه را پس گردانید آنرا بعد از سبزی گیاه خشک

سَنُقْرِئُكَ فَلَا تَنْسٰٓى ۝ اِلَّا مَا شَآءَ اللّٰهُ ۝ اِنَّهٗ يَعْلَمُ الْجَهْرَ

زود باشد که بر تو خوانیم قرآن را پس تو فراموش نکردی مگر آنچه خواهد خدا بدرستی که او میداند آشکار را

وَمَا يَخْفٰى ۝ وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرٰى ۝ فَذَكِّرْ اِنْ نَّفَعَتِ الذِّكْرٰى ۝

احوال آنچه پنهان است و آسان گردانیدیم تو را برای سلوک طریقه آسان در حفظ وحی پس پند ده بقرآن مردم را اگر نفع کند

سبح اسم ربك الاعلى

معلی
ابن حبیش از ابو عبد الله
علیه السلام روایت کرده که هر کسی
قرائت کند سوره والطارق را در فریضه
او را در قیامت نزد حضرت
عزت جاه و منزلت باشد
و از رفقای انبیا
باشد

ابو عبد الله
علیه السلام فرمود که هر که سوره
اعلی را در فریضه یا نافله بخواند در
قیامت با و نگویند که داخل شو هم
در یکی از درهای بهشت که
خواهی

مرویست
که چون حضرت علی علیه
السلام میخواند سبح اسم ربك الاعلی
می گفت سبحان ربی الاعلی و از رسول خدا
هم این سخن مرویست و از حضرت باقر
مرویست که چون خوانی سبح اسم ربك
الاعلی بگو سبحان ربی الاعلی و اگر در نمازهای
در دل خود یا بسخن بگو و تلاوت
این سوره در رکعت اول
نماز خفتن فضیلت بسیار
دارد

سَيَذَّكَّرُ مَنْ يَخْشَىٰ وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى الَّذِي يَصْلَى النَّارَ

زود باشد که پند پذیرد کسیکه بترسد و پهلوتهی کند از پند بدبخت کافر آنکس که در آید در آتش

الْكُبْرَىٰ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ

بزرگ جهنم پس آن بدبخت نمیرد در آتش و نه زنده است بحقیقت که رستگار شد آنکه پاک شد

وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ

و یاد کرد نام پروردگار خود را پس نماز گذارد بلکه برمیگزینید زندگانی دنیا را و سرای آخرت

خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ إِنَّ هَٰذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ صُحُفِ

بهتر است و پاینده تر بدرستی که این سخن هر آینه در نامهای پیشینیان است نامه های

إِبْرَاهِيمَ

ابراهیم که دوست

سورة الغاشية وهي ست وعشرون آية

وَمُوسَىٰ

و کتابهای موسی که الواح است

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ

آیا بتو آمد خبر فرا گیرنده روزقیامت روهای کفار در آن روز ترسناک است

عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ تَصْلَىٰ نَارًا حَامِيَةً تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ

عمل کننده رنج کشنده در آیند در میان آتش نهایت رسیده آشامیده شوند از چشمه نهایت

آنِيَةٍ لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي

گرم نیست مر ایشانرا خوردنی مگر از گیاه خاردار فربه نمیکند آن گیاه و نه برخ کسی را

مِنْ جُوعٍ وُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ فِي

که دفع نمیکند هیچ گرسنگی را روهای ایشان در آن روز تازه است و عملهای خود را پسندیده گشته در

جَنَّةٍ عَالِيَةٍ لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ

بهشت بلند مرتبه اند نشنوند اهل بهشت لغوی را در بهشت چشمه ایست روان

فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ

در آنجا تختهای رفیع مقدار و کوزه هایی نهاده شده و بالشتهای نهاده شده بر یکدیگر

کفته اند که این آیه و آیه بعد دلالت دارد بر نزول کتاب و صحیفه بر ابراهیم پس هر کسی که گمان میبرد که بر حضرت ابراهیم کتابی نازل نشده است

ابو بصیر از ابو عبد الله علیه السلام روایت کرده که هر که این سوره را در فرایض و نوافل بخواند تعالی او را عوض رحمت خود گرداند او را ایمن گرداند

روز قیامت را از ان عاشیه گویند که سختیهای آن روز فرا میگیرد اهل محشر را و بقولی عاشیه دوزخ است و از حضرت صادق مرویست که در تفسیر اهل اتیک حدیث الغاشیه فرمود که فراخواهد گرفت ستمکاران این امت را بلای عظیمی از شمشیر قایم آل محمد صلی الله علیه و آله راوی گوید که از آنحضرت استفسار نمودم فرمود که روهای ایشان در آن روز خوار و ذلیل و قدرت بر مقابله و مقاتله و امتناع

وَزَرَابِيُّ مَبْثُوثَةٌ ۝ أَفَلَا يَنظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ۝

و فرشهای گسترده فاخره ۝ آیا پس نمیکنند بسوی شتر که چگونه آفریده شده

وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ۝ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ۝

و بسوی آسمان که چگونه بلند پهن کرده شده ۝ و بسوی کوهها که چگونه برافراشته شده

وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ۝ فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنتَ مُذَكِّرٌ ۝

و بسوی زمین که چگونه پهن شده ۝ پس پند کن ای محمد جز این نیست که تو پند دهنده

لَسْتَ عَلَيْهِم بِمُصَيْطِرٍ ۝ إِلَّا مَن تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ ۝ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ

نیستی تو بر ایشان مسلط ۝ لیکن هر که روی گرداند و کافر شد ۝ پس عذاب کند او را خدا

الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ۝ إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ۝ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا

عذاب بزرگ ۝ بدرستی که بسوی ماست بازگشت ایشان ۝ پس بدرستی که بر ماست

سورة الفجر ثلثون

حِسَابَهُم

حساب ایشان

آیة مکیة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

وَالْفَجْرِ ۝ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ۝ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ۝ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ ۝

قسم باول صبح و قسم بده شب ۝ و قسم بجفت و طاق ۝ و قسم شب هرگاه منقضی شود

هَلْ فِي ذَٰلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرٍ ۝ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ

آیا هست در آنچه ذکر کردیم قسمی ۝ مر خداوند عقل را اعتبار کند آیا ندیدی تو چگونه ۝ کرد پروردگار تو

بِعَادٍ ۝ إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ۝ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ۝

با ولاد عاد نواده ارم ۝ خداوندان قامتهای بزرگ ۝ که آفریده نشد ۝ مثل ایشان در شهرهای بزرگ

وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ۝ وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ۝

و ثمود آنانکه بریدند سنگها را برای ماوای خود ۝ و فرعون ۝ خداوند میخها

الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ۝ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ۝

این سرکردگانند که سرکشی کردند در شهرها ۝ پس بسیار کردند در آن شهرها تباهی را

فجره

سورة الفجر مکیة ثلثون آیة

کویند چون خدای تعالی آن اوصاف بهشت را بیان فرمود مشرکان از آن تعجب نموده بگمان استهزا آنرا ادا میکردند پس گریده الفاظ آن آیه آخر آمده برای آنکه استهزا ایشان

این سورة الفجر سوره حسین بن علی علیهما السلام است هر که قرائت کند یا حسین بن علی در حالت محضور باشد و در درجه او باشد در بهشت

کویند ارم ذات العماد خطاب بهشت شداد است و فرعون را از آن ذی الاوتاد میکفتند که لشکر بسیاری داشت و قوام کارخانه پادشاهی او بایشان محکم بود چنانچه قوام خیمه بمیخهاست و بقولی چون کروهی را میخواست عقوبت نماید بچهار میخ میکشید و میکذاشت

فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ۝ إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ۝

پس ریخت بر ایشان | پروردگار تو تازیانهٔ عذاب را | بدرستی که پروردگار تو هرگاه در گذرگاه است

فَأَمَّا الْإِنسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ ۝ فَيَقُولُ رَبِّي

پس اما آدمی چون بیازماید او را پروردگار او پس گرامی کند او را و نعمت دهد او را پس گوید پروردگار

أَكْرَمَنِ ۝ وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ ۝ فَيَقُولُ رَبِّي

من گرامی کرد مرا نه چنانست بلکه چون بیازماید او را پس تنگ کند بر او روزی او را پس گوید پروردگار

أَهَانَنِ ۝ كَلَّا بَل لَّا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ۝ وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ ۝

خوار کرد مرا نه چنانست بلکه شما نمی گرامی میدارید یتیم را و تحریص نمیکنید یکدیگر را بر دادن طعام درویش

وَتَأْكُلُونَ التُّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا ۝ وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ۝ كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ

و میخورید مال میراث را خوردن بسیار که جمع می کنید و دوست میدارید مال را دوستی بسیار باز نیست از این امر باد کند

دَكًّا دَكًّا ۝ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ۝ وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ

روزی را که جون شکافته زمین شکستن بعد از شکستن و بیاید قدرت پروردگار تو و فرشتگان مرتب صفی بعد از صفی و آورده شود آتش دوزخ نزدیک

يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنسَانُ وَأَنَّىٰ لَهُ الذِّكْرَىٰ ۝ يَقُولُ

اهل محشر در آن روز یاد کند آدمی کردار خود را و از کجا باشد آن روز او را یاد کردن گوید

يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ۝ فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ

کاشکی من پیش میفرستادم برای زندگانی خود پس آن روز نمی عذاب نکند او کسی را مثل عذاب

أَحَدٌ ۝ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ ۝ يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ

خدا کسی را و بند نکند بسلاسل و اغلال و بمکبل را مانند بند کردن خدا کسی را ای نفس آرام گرفته بذکر ما

ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ۝ فَادْخُلِي فِي عِبَادِي

باز گرد بسوی موعد پروردگار خود که پسندیده و پسند کرده شده پس درآی در زمرهٔ بندگان من

وَادْخُلِي جَنَّتِي ۝

و درآی در بهشت من

سورة البلد عشرون آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

بینی
عاشقا که چنین باشد
که انعام بعلت اکرام و قصری از
راه خواری و اهانت باشد چه اکثر کفار و
مشرکین در دنیا با ناز و نعمت اند و اکثر
مومنان و متقیان یک روزی اند بلکه در
ضمن این مصلحتهاست

لَآ أُقْسِمُ بِهٰذَا الْبَلَدِ ۝ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهٰذَا الْبَلَدِ ۝ وَوَالِدٍ

البته سوگند میخورم | باین شهر یعنی مکه | و حال آنکه تو فرود آمده در این شهر | و سوگند بدر یعنی مر

وَمَا وَلَدَ ۝ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ۝ أَيَحْسَبُ أَنْ

و آنچه زاده شده از او | بدرستی که ما آفریدیم | آدمیزاد را در | سختی و رنج | آیا می پندارد آنکه

لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ۝ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا ۝

نمیتواند | قادر نباشد بر او | کسی | گوید | هلاک کردم مر او را در دنیا مالی انبوه

أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ ۝ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ۝ وَلِسَانًا

آیا می پندارد آنکه ندیده است او را کسی | آیا نکردیم مر او را | دو چشم | و زبان

وَشَفَتَيْنِ ۝ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ۝ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ۝

و دو لب | و راه نمودیم او را براه خیر و شر | پس بگذر نکرد در | و شروع نکرد در کار سخت

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ۝ فَكُّ رَقَبَةٍ ۝ أَوْ إِطْعَامٌ فِي

و چه چیز دانا کرد تو را که چه چیز است عقبه | رها ندن کردن است از بندگی | یا طعام دادن | در

يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ۝ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ۝ أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ۝

روزی که خداوند گرسنگی است و طعام دهد یتیم را خویشی | یا درویشی که خداوند خاکساری است

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ۝ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ

پس نبود تا آنجا که | گرویدند | و وصیت کردند بصبر | و وصیت کردند باهم بخشایش | آنگروه که یاران

الْمَيْمَنَةِ ۝ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۝

دست راستند | و آنان که کافر شدند بآیات ما ایشان | یاران | دست چپ اند

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُؤْصَدَةٌ ۝

بر ایشانست | آتشی | پوشیده سر آن

سورة الشمس خمس عشرة آية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام | خداوند بخشاینده مهربان

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا ۝ وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا ۝ وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا ۝

قسم بآفتاب و روشنی چاشت آن | و قسم بماه چون پیروی آفتاب را کند | و قسم بروز چون جلوه دهد آفتاب را

وَاللَّيْلِ

نصر از ابو عبد الله

ابو عبد الله

حدیث از

آنست که فرمود و الاعتبار

و بیست و دو پیغمبر از پیغمبران خدای

فرستاد و وصیای پیغمبران خدای

دانا بسیار دانا شد

ابو

در فرایض سوره لا اقسم باشد در دنیا

معروف شود بصلاح و تقوی در آخرت

نزد خدا با جاه و منزلت گردد و از

پیغمبران و صالحان باشد

چنین

گوید

که حارث ابن عامر ابن نوفل عبد مناف

بسیار گناه میکرد که موجب کفاره بود

بفرمود آنحضرت که کفاره می داد پس گفت از

روی امت مال بسیاری داشتم از آن بزور که

داخل دین محمد شدم از همه صرف کفاره شد

ابو عبد الله علیه

السلام مروی است که هر که سوره والشمس و

والليل و والضحی و الم نشرح را بسیار بخواند

در روز یا در شب هیچ ضرر بدو حاجتی

بر او روا شود و برای او موی تو

و گوشت و عروق و اعصاب و عظام او

جمیع آنچه زمین برداشته باشد خدای تعالی فرماید

او را قبول کردم شهادت تو را برای

بنده خود او را در آتش دوزخ آزاد کردم

پیرامون بهشتهای من هر بهشتی که خود اختیار

کند باو بدهید از فضل و رحمت من پس گوید

باد آن بهشت برای آن

بنده من

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ ۝ وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَىٰهَا ۝ وَالْأَرْضِ وَمَا

قسم بشب چون بپوشد آفتاب را ۝ و قسم بآسمان و کسی که بنا کرده است او را و قسم بزمین و کسی که

طَحَىٰهَا ۝ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّىٰهَا ۝ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَىٰهَا ۝

پهن کرده او را و قسم بنفس و کسی که راست کرده آنرا پس الهام کرد آن نفس را فروغ آن و پرهیزکاری آنرا

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّىٰهَا ۝ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّىٰهَا ۝ كَذَّبَتْ ثَمُودُ

بخشش رستگار شد هر که پاکیزه کرد نفس خود را ۝ و بتحقیق بی بهره ماند هر که پنهان کرد نفس خود را بنادانی تکذیب کردند قوم

بِطَغْوَاهَا ۝ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ۝ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ

ثمود بسبب طغیان خود ۝ در وقتی که برخواست بدبخت ترین قبیله پس گفت مر ایشانرا پیغمبر ایشان خدا صالح است بدین

اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ۝ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا ۝ فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذَنْبِهِمْ

ناقه خدا را و شرب او را ۝ پس تکذیب کردند او را پس پی کردند ناقه را پس فرو پوشانید عذاب بر ایشان پروردگارشان بسبب گناه

فَسَوَّاهَا ۝ وَلَا سُورَةُ اللَّيْلِ عَشْرُ آيَاتٍ يَخَافُ عُقْبَاهَا ۝

ایشان پس یکسان کرد ایشانرا بهلاک ۝ و نیست سورة اللیل ده آیت می ترسد عاقبت عذاب را

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ ۝ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ ۝ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ

قسم بشب چون بپوشد آفتاب را ۝ و قسم بروز چون روشن شود ۝ و قسم بآنکه آفرید نر

وَالْأُنْثَىٰ ۝ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ ۝ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ ۝

و ماده را ۝ بدرستی که سعی شما در گردآوردن گفتار پراکنده است پس اما هر که داد حقوق مال را و پرهیزکرد

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ ۝ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَىٰ ۝ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ

از گناه و تصدیق کرد بکلمه نیکو ۝ پس زود باشد که آسانی دهیم او را آماده شوی برای طاعتی که بسر باشد و اما آنکه

وَاسْتَغْنَىٰ ۝ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ ۝ فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَىٰ ۝

بخل کرد در دادن مال و استغنا کرد از ثواب و تکذیب کرد کلمه نیکو را ۝ پس زود باشد که آسان کنیم مر او را

وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ ۝ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ

و دور نکند از او عذاب را مال او چون هلاک شود ۝ بدرستی که بر ما هدایت راه نمودن را

مراد
از بدبخت ترین
ایشان قدار بن سالف که ناقه صالح را
پی نمود میباشد در مجمع البیان گوید بعضی
پیوسته از صحیب که رسول خدا صلی الله علیه
آله روزی از علی ابن ابیطالب پرسیدند که
هیچ میدانی که بدبخت ترین پیشینیان کیست
گفت میدانم گفت آنکه ناقه صالح را پی کرد
فرمود راست گفتی گفت هیچ میدانی که
بدبخت ترین پسینیان کیست گفت نمیدانم
فرمود آنکه تیغ بدین موضع زند و اشاره بپیش سر

حضرت امام علیه السلام فرمود
فضیلت
سوره واللیل در سوره والشمس
گذشت

ظاهر
آنست که این
آیات منشاء تروش بیان فضیلت سخا و عطا
و اظهار رذالت بخل و جمع مال است علی
وجه العموم و در شان شخصی
مخصوص نازل نشده باشد

وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ ﴿١٣﴾ فَأَنذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ ﴿١٤﴾ لَا يَصْلَاهَا

و بدرستی که ما راست سرای آخرت و سرای دنیا پس بیم کنم شما را ای اهل مکه آتشی که زبانه زند و در نیاید در

إِلَّا الْأَشْقَى الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٥﴾ وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ﴿١٦﴾

آتش مگر بدبخت ترین که تکذیب کرد حق را و روی گرداند از طاعت و زود باشد که دور کرده شود از آن آتش پرهیزکار

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّىٰ ﴿١٧﴾ وَمَا لِأَحَدٍ عِندَهُ مِن نِّعْمَةٍ تُجْزَىٰ ﴿١٨﴾

آنکه میدهد مال خود را و میجوید بدان پاکی نزد خدا و نیست هیچکس از نزد او هیچ نعمتی که جزا داده شود

إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَىٰ ﴿١٩﴾ وَلَسَوْفَ يَرْضَىٰ ﴿٢١﴾

مگر برای طلب رضای پروردگار خود که برتر و بزرگتر است و زود باشد که خشنود باشد

سورة الضحى احدى عشرة آية مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

وَالضُّحَىٰ ﴿١﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ﴿٢﴾ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا

قسم بچاشت و قسم بشب وقتی که بیارامد تاریکی آن نگذاشت تو را پروردگار تو و دشمن

قَلَىٰ ﴿٣﴾ وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ﴿٤﴾ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ

نگرفت ترا و هر آینه آن سرای بهتر است برای تو از نخستین و زود باشد که بدهد تو را

رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ﴿٥﴾ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَىٰ ﴿٦﴾ وَوَجَدَكَ ضَالًّا

پروردگار تو پس راضی شوی آیا نیافت تو را کودکی بی پدر پس جای داد تو را در حمایت خود و یافت تو را گمراه

فَهَدَىٰ ﴿٧﴾ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَىٰ ﴿٨﴾ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ

از در راه پس راه نمود ترا و دریافت تو را درویش پس بی نیاز کرد تو را پس اما یتیم را پس قهر مکن از تو

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿١٠﴾ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴿١١﴾

خواهنده را و اما در دشنام را پس زجر مکن و اما بنعمت پروردگار خود حدیث کن مردم را

سورة الم نشرح ثمان آيات مكية

فضیلت سوره والضحی در سوره والشمس

گذشت از حضرت ابو عبد الله علیه السلام

مروی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی بخانه فاطمه علیها السلام در آمد و دید که ردائی از پشم شتر بر خود پیچیده و بدست آسیا گندم آرد مینماید و فرزند گرامی خود را در میان گهواره از مشاهده آن رنج و تعب او را آرام میداد پس سر بسنگ آسیا زد و با مادر پس فرمود که ای دختر من بردبار باش که تلخی زندگی دنیا بدل میشود براحت حلاوت زندگی آخرت بدرستیکه جبرئیل در باره من آیه فرستاده است که ولسوف یعطیک ربک فترضی

حواص سوره الم نشرح ضمن فضیلت سوره والشمس گذشت

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الم نشرح لك صدرك ووضعنا عنك وزرك

آیا گشاده نگردانیم برای تو سینه تو را و برگرفتیم ما از تو بار گران تو را

الذی انقض ظهرك ورفعنا لك ذكرك فان مع

آن باری که شکسته پشت تو را یعنی رسالت و بردانشتیم برای تو ذکر تو را به نبوت پس در پرستی که با

العسر یسرا ان مع العسر یسرا فاذا فرغت فانصب

هر دشواری آسانی است در پرستی که با هر دشواری آسانی هست پس چون فارغ شوی از تبلیغ پس رنج کن در

والی ربك فارغب

عبادت و بدعای پروردگار خود پس رغبت کن

سورة التین ثمانی آیات مکیة

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

والتین والزیتون وطور سینین وهذا البلد الامین

قسم بانجیر و بزیتون و قسم بطور سینا و قسم باین شهر که امان دهنده اهل

لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم ثم رددناه اسفل

بدرستی که آفریدیم ما آدمی را در نیکوترین تعدیلی پس بازگردانیدیم او را در

سافلین الا الذین امنوا وعملوا الصالحات فلهم اجر

زبرترین همه فروتران مگر آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته پس مر ایشانرا است مزدی

غیر ممنون فما یکذبك بعد بالدین الیس الله

نابریده پس چه بزند تکذیب میدارد تو را ای منکر حشر بعد از ظهور دلایل بر و حجج آیا نیست خدا

باحکم الحاکمین

سورة العلق ثمانی عشرة

حکم کننده ترین حکم کنندگان

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

از امام محمد باقر علیه السلام مرویست که مراد از تین حضرت امام حسن و از زیتون امام حسین و از طور سینین مرتضی علی علیه السلام و از بلد امین حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است تعالی شوکه باشان یاد فرموده است

تین و زیتون دو کوهند در بلاد شام و این مناسبت دارد با ذکر طور سینین

محمد بن حسان از ابو عبد الله علیه السلام روایت کرده که هر که سوره انا انزلناه در روز نماز یا در شب بخواند اگر در آن روز یا در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و همچنان باشد که با رسول خدا شمشیر زده باشد

حزب

اقرا باسم ربک الذی خلق ۝ خلق الانسان من علق ۝ اقرا
بخوان با نام پروردگار خود آنکه آفرید آشکارا را آفرید آدمیزاد را از خونهای بسته بخوان

وربک الاکرم ۝ الذی علم بالقلم ۝ علم الانسان ما
و پروردگار خود را که بزرگتر است آنکه آموخت آدمی را قلم یعنی علم خط آموخت آدمی را آنچه

لم یعلم ۝ کلا ان الانسان لیطغی ۝ ان راه استغنی ۝
نمیدانست باز است بدرستی انسان هر آینه از حد میبرد گردنکشی را بجهة آنکه دید خود را بی نیاز

ان الی ربک الرجعی ۝ ارایت الذی ینهی ۝ عبدا اذا
بدرستیکه بسوی پروردگار تو بازگشتن است آیا دیدی چنین تو آنکس را که باز میدارد بنده ما را محمد چون

صلی ۝ ارایت ان کان علی الهدی ۝ او امر بالتقوی
نماز میگذارد آیا دیدی تو اگر باشد نماز کن بر هدی یا فرماید پرهیزکاری

ارایت ان کذب وتولی ۝ الم یعلم بان الله یری ۝ کلا
آیا دیدی تو اگر تکذیب کند تو را و روی گرداند آیا نمیداند است که خدا می بیند قصد او را باید که

لئن لم ینته لنسفعا بالناصیة ۝ ناصیة کاذبة خاطئة
باز نایستد هر آینه بکشم موی پیشانی او را موی پیشانی دروغگوی خطاکار را که

فلیدع ناده ۝ سندع الزبانیة ۝ کلا لا تطعه واسجد
پس باید بخواند اهل مجلس خود را زود باشد که بخوانیم زبانیه دوزخ را نه که این باز ایستد فرمان مبر او را و سجده کن

سورة القدر خمس آیات

واقترب

ولی مکیة

و نزدیک شو پروردگار خود را

بسم الله الرحمن الرحیم
بنام خداوند بخشاینده مهربان

انا انزلناه فی لیلة القدر ۝ وما ادریک ما لیلة القدر ۝
ما فرو فرستادیم او را در شب قدر و چه چیز دانا کرد تو را که چیست شب قدر

لیلة القدر خیر من الف شهر ۝ تنزل الملائکة والروح
شب قدر بهتر است از هزار ماه فرود آیند فرشتگان و روح

فیها

حزب

سجده

در لغت جدان شدید را گویند یعنی کشیدن خبری است که دشواری آن روی خایه خشم کند

واجبة السجدة

از ابو عبد الله علیه السلام مرویست که سوره انا انزلناه را بجهر بخواند همچنان باشد که همیشه با رسول خدا شمشیر زده باشد در راه خدا و هر که آنرا در نهانی بخواند همچنان باشد که در خون خود غلطیده باشد در راه خدا و هر که آنرا ده بار بخواند هزار گناه از دیوان او محو شود و ثواب خاصیت این سوره بسیار است خوشا بحال کسی که دایم

فرمان در نسبت سوره
فرمان شد با سمان و زمینی که بیایید
بر دوستی و طاعت خود اختیار کنید
تا بیایید بر دوستی و طاعت ما
یا نیایید بر کراهت و عصیان ما
گفتند بیایم بر دوستی و طاعت
فرمان شد که بیایید بر دوستی و طاعت
بر اختیار خود نه بر اجبار و اکراه
گفتند بیایم بر اختیار

از حضرت ابو جعفر علیه السلام روایت کرده که هر که سوره لم یکن را تلاوت نماید هرگز از مشرک خواهد بود در دین محمد صلی الله علیه و آله و تعالی او را در روز قیامت با ایشان حشر کند و حساب او را آسان گرداند

فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ

در آن شب بفرمان پروردگار خود از هر کاری سلام و سلامتی در آن شب تا دمیدن صبح

سورة البينة مثانی آیاتها مائة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ

نبودند آنانکه کافر شدند از اهل کتاب تورات و مشرکان

مُنفَكِّينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا

باز ایستادگان از گفتار ناگاه که آمد بشان حجتی روشن که فرستاده است از خدا میخواند نامه‌های

مُطَهَّرَةً فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ

پاکیزه که در آن نوشته‌هائی است راست و جدا نشدند آنانکه داده شدند کتاب تورات

إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمُ الْبَيِّنَةُ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا

مگر بعد از آنکه آمد بشان حجتی که محمد است و مامور نشدند مگر آنکه بپرستند

اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ

خدا را در حالتیکه خالص سازند برای او دین را میل کنندگان و بپای دارند نماز را و

يُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَٰلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا

بدهند زکوة را و این دین راستست بدرستی که آنانکه کافر شدند

مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا

از اهل کتاب و مشرکان در آتش دوزخ جاوید انند در آن

أُولَٰئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

ایشانند بدترین آفریدگان بدرستی که آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته

أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ

ایشانند بهترین آفریدگان پاداششان ایشان نزد پروردگارشان بوستانهای با اقامت

تجري من تحتها الانهار خالدين فيها ابدا رضي الله عنهم

که میرود از زیر آنها جویها جاویدانه باشند در آن همیشه خشنود باشد خدا از ایشان

ورضوا عنه

و خشنود شد از خدا

سورة الزلزال ثمانی آیات

ذلك لمن خشي ربه

این که بترسد از پروردگار خود

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اذا زلزلت الارض زلزالها واخرجت الارض اثقالها

چون جنبیده گردد زمین جنبیدن وی و بیرون آورد زمین بارهای خود را

وقال الانسان مالها يومئذ تحدث اخبارها بان ربك

و گوید آدمی چیست زمین را در آن روز سخن گوید زمین خبرهای خود را بسبب آنکه پروردگار

اوحى لها يومئذ يصدر الناس اشتاتا ليروا اعمالهم

وحی کرد او را در آن روز بازگردانند مردمان از قبور پراکنده گان تا نموده شوند کردار خود را

فمن يعمل مثقال ذرة خيرا يره ومن يعمل مثقال ذرة شرا يره

پس هر که بکند هموزن مورچه خوردی خوبی به بیند او را و هر که بکند همسنگ مورچه خوردی بدی به بیند او را

سورة العاديات احدى عشرة آية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

والعاديات ضبحا فالموريات قدحا فالمغيرات صبحا

قسم باسبان دونده که نفس زنند نفس زدنی پس قسم به پرون آورندگان آتش از سنگ بسمهای خود پس قسم بسپاهان غارت کننده

فاثرن به نقعا فوسطن به جمعا ان الانسان لربه لكنود

پس برانگیختند بوقت صبح غباری پس میان درآمدند صبح کرده دشمنان را بدرستیکه آدمی مر پروردگار خود را ناسپاس است

وانه على ذلك لشهيد وانه لحب الخير لشديد افلا

و بدرستیکه آدمی بر بخل و کفران خود بر آینه گواه است و بدرستی که او بحهة دوستی مال بر آینه سخت است آیا پس

يعلم اذا بعثر ما في القبور وحصل ما في الصدور ان

نمیداند آدمی که چون برانگیخته شود در قبرها و حاصل کرده شود آنچه در سینه است بدرستی که

این بشارت و این سورة آورد

از حضرت ابی عبد الله علیه السلام مرویست که هر که سورة زلزله را چهار بار بخواند چنان است که همه قرآن را خوانده باشد

از ابی عبد الله مرویست که هر که سورة عادیات را بخواند او را در قیامت با امیر المؤمنین و امام الحق و الیقین علی ابن ابی طالب صلوات الله و سلامه علیه مبعوث دارند و رفیق آنجناب او در بهشت عدن باشد

فضیلت سوره القارعه از حضرت ابوجعفر علیه السلام مرویست که هر که سوره القارعه را بخواند خدای تعالی او را از فتنه دجال نگاه دارد و از غضب جهنم ایمن گرداند و از حضرت ابوجعفر و ابوعبدالله علیهما السلام مرویست که بعیم عبارتست از امن و صحت و گویا مراد بودن امن از شر دشمنان دین و صحت عقل و دولت و از ابوعبدالله مرویست که هر که این سوره را در فریضه بخواند ثواب صد حج برای او نویسند و اگر در نافله بخواند ثواب نماز شهید و صف بگذارند در عقب او حاضر

سورة القارعة مكية وهي احدى عشر آية

ربهم بهم — پروردگار ایشان با ایشان — يوم مد الخير — روز آرزو زیرا آینه آگاه است

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

القارعة ما القارعة وما ادريك ما القارعة يوم

ساعت کوبنده یعنی قیامت چیست آن ساعت کوبنده و چه چیز دانا کرد تو را که چیست آن ساعت کوبنده روزیکه

يكون الناس كالفراش المبثوث وتكون الجبال كالعهن

بود باشند مردمان مانند پروانه پراکنده شده در اضطراب روند کوهها چون پشم زنگین

المنفوش فاما من ثقلت موازينه فهو في عيشة راضية

زده شده پس اما هر که گران باشد اعمال او که وزن میکنند پس او در زندگانی پسندیده باشد

واما من خفت موازينه فامه هاوية وما ادريك ماهيه

و اما آنکه سبک باشد اعمال موزون او پس او را جاهاویه است و چه چیز دانا کرد تو را که چیست

نار حامية — آتشیست بغایت گرم

سورة التكاثر مكية وهي ثمان آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

الهكم التكاثر حتى زرتم المقابر كلا سوف تعلمون ثم

مشغول ساخت شما را بهم بسیاری قبیله از طاعت الله آنگه زیارت کردید قبور را نه چنانست زود باشد که بدانید پس

كلا سوف تعلمون كلا لو تعلمون علم اليقين لترون

باز آنستید زود باشد که بدانید کناه خود را نه چنانست اگر بدانید دانستن امری که بیگمانست هر آینه خواهید دید

الجحيم ثم لترونها عين اليقين ثم لتسئلن يومئذ عن النعيم

دوزخ را پس هر آینه خواهید دید دوزخ را دیدن بیگمان پس هر آینه پرسیده شوید در آنروز از نعمتها که مشغول بود

سورة العصر مكية وهي ثلث آيات

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَالْعَصْرِ اِنَّ الْاِنْسَانَ لَفِیْ خُسْرٍ اِلَّا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا وَعَمِلُوا الصّٰلِحٰتِ

سوگند بعصر یعنی بروزگار که آدمی هر آینه در زیان کاری اند مگر آنانکه گرویدند و کردند کارهای شایسته

وَتَوَاصَوْا بِالْحَقِّ

و وصیت کردند باهم بامر حق که توحید است

سورة العصر ثلاث آیات

وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

و وصیت کردند باهم بصبر

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

وَیْلٌ لِّکُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ الَّذِیْ جَمَعَ مَالًا وَّعَدَّدَهٗ یَحْسَبُ

وای بر هر عیب کننده در نهان و طعنه زننده بظاهر و مواجهه کن که جمع کرد مالرا و شمرد آنرا میگوید آن مال

اَنَّ مَالَهٗۤ اَخْلَدَهٗ کَلَّا لَیُنْۢبَذَنَّ فِی الْحُطَمَةِ وَمَاۤ اَدْرٰىكَ

که مال او جاوید سازد او را و در نیابد چنین است هرآینه انداخته شود در حطمه که نام دوزخ است و چه دانی تو که

مَا الْحُطَمَةُ نَارُ اللّٰهِ الْمُوْقَدَةُ الَّتِیْ تَطَّلِعُ عَلَی الْاَفْـِٕدَةِ اِنَّهَا

چیست حطمه آتش خدا است که برافروخته شده آن آتشی که برآید بر دلها بدرستی که آن آتش

سورة الهمزة تسع آیات

عَلَیْهِمْ مُّؤْصَدَةٌ فِیْ عَمَدٍ مُّمَدَّدَةٍ

برایشان بسته شده است در ستونهای کشیده شده

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اَلَمْ تَرَ کَیْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِاَصْحٰبِ الْفِیْلِ اَلَمْ یَجْعَلْ کَیْدَهُمْ

آیا ندیدی تو که چگونه کرد پروردگار تو با اصحاب فیل آیا نکرد ایشانرا

فِیْ تَضْلِیْلٍ وَّاَرْسَلَ عَلَیْهِمْ طَیْرًا اَبَابِیْلَ تَرْمِیْهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّنْ

در تباهی و گمراهی و فرستاد برایشان مرغان گروه گروه می انداختند بر ایشان از آسمان سنگهای گلین

سورة القریش اربع آیات

سِجِّیْلٍ فَجَعَلَهُمْ کَعَصْفٍ مَّاْکُوْلٍ

یعنی از گل پس گردانید ایشانرا چون کاهی که ستور از و خورده باشد

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

از ابو عبد الله مرویست که هر که والعصر را در نوافل بخواند حق تعالی در روز رستخیز روی او را منور گرداند و دلش را از خشنودی خود روشن گرداند و در بهشت با بهترین حالی باشد

از ابو عبد الله مرویست که هر که سوره همزه را در فرایض بخواند در روزی او زایل شود و از مردم ایمن باشد

هنگامی که کوبند او صد الباب یعنی درگاه آن دوزخ گردد که راه بیرون رفتن و داخل شدن نباشد و عمد جمع عماد و آن ستون خیمه است و در اینجا مراد از ستونهای سراپرده های آتشین است که بر سر دوزخیان کشیده شده

ابن کعب از پیغمبر روایت کند که هر که سوره الفیل را بخواند حق تعالی او را از خسف و مسخ و قذف ایمن گرداند

در مجمع البیان حکایت کرده که ابرهه اشرم پادشاه حبشه یعنی نجاشی بحکومت و ولایت یمن سرافراز بود در یمن خانه شبیه بکعبه بنا نمود و فرمان داد که اهل مملکت او بطواف آنجا آیند و جهة ترویج آن کار اراده تخریب کعبه معظمه زاد الله شرفا نمود و با لشکری گران فیل کلان متوجه

سورهٔ لایلاف مکیه

هفت آیت است در این شمارند

اگر کافت مانند دیگر سورتها که در مکه نازل شده

هر که این سوره را بخواند خدای تعالی او را

بعدد همهٔ کسانی که طواف کعبه کرده‌اند

و همهٔ کسانی که سعی صفا و مروه کرده‌اند

ثواب دهد

لِإِيلَٰفِ قُرَيْشٍ إِيلَٰفِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ فَلْيَعْبُدُوا

هلاک کردیم اصحاب فیل را برای الفت قریش و ایشان بر قطن سفر زمستان و تابستان پس باید پرستند

رَبَّ هَٰذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ

پروردگار این خانه مکه را آنخدائی که طعام داد ایشان را از گرسنگی و ایمن ساخت ایشان را از ترس

سورة الماعون ثمانی آیات مکیة

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشاینده و مهربان

أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالدِّينِ فَذَٰلِكَ الَّذِي يَدُعُّ الْيَتِيمَ

با محمد آیا دیدی آنکس را که تکذیب کردی روز جزا پس او آنکس است که زجر میکند و میراند یتیم را

وَلَا يَحُضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمِسْكِينِ فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ

و نحرص نمیکند مردم را بر طعام دادن درویش پس وای بر نمازگذارندگان ریائی آنانکه ایشان

عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

از نماز خود سهو کنند و بجز ایشان ریا میکنند در اعمال و منع میکنند مال کوتاه را از مستحق

سورة الکوثر ثلث آیات مکیة

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ إِنَّ شَانِئَكَ

بدرستی که ما عطا کردیم تو را خیر بسیار پس مداومت کن مر پروردگار خود را و قربان کن بدرستی که دشمن تو

سورة الکافرون هو الأبتر ست آیات مکیة

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

ابو بصیر از ابو عبد الله علیه السلام روایت کرده که هر که سوره لایلاف را بخواند در فرائض و نوافل

خدای تعالی او را از حوض کوثر آب دهد

در روز درخت طوبی

مراد از کوثر بقولی حوض کوثر است

و در روایتی از حضرت ابو عبد الله علیه السلام وارد شده که آن نهری است که خدای تعالی او را

به پیغمبر خود صلی الله علیه و آله در بهشت کرامت

ابو بصیر از ابو عبد الله علیه السلام روایت کرده که هر که سوره ماعون را در فرائض و نوافل

بخواند خدای تعالی نماز روزه او را قبول کند و آنچه در دنیا از او صادر شود

محاسبه نماید

ابو جعفر علیه السلام مروی است

که هر که سوره ماعون را در فرائض و نوافل

بخواند خدای تعالی نماز روزه او را قبول کند و آنچه در دنیا از او صادر شود

محاسبه نماید

از حضرت ابو عبد الله صلوات الله علیه پرسیدند که

در این آیه وسوسه شیطان است فرمودند بعکس است که وسوسه شیطان ما را برسد اما مادام از سهو غافل شدن از نماز

فرمود که محرر برداشتن دستهاست نماز را
بود در حال کبر

از
حضرت
ابو عبد الله مروست که هر که سوره
قل یا ایها الکافرون را بخواند چنان باشد
که ربع قرآن را خوانده باشد و آنحضرت
چون از قرآن این سوره فارغ میشد
میگفت اعبد الله وحده

از
ابو عبد الله علیه السلام
مروست که هر که سوره نصر را در فریضه یا
در نافله بخواند حق تعالی او را بر همه اعدا نصرت
دهد چون مبعوث گردد حق تعالی کتابی از امان
قبر او بیرون آرد و با او بپرد و آن کتاب نوشته
باشد که او را امان است از جسر جهنم و در
بیزان آن و حق تعالی آن نامه را ناطق گرداند تا
آنچه بر او پست میخواند تا بهشت برود و روز
قیامت هیچ نگذرد مگر او را بشارت دهند
بانواع نعمت و اصناف کرامت تا آنگاه که او
بجنت عدن در آید و آنجا
اعلم

از
ابو عبد الله
علیه السلام مروست که چون سوره
تبت بخوانند بر بولهب لعنت کنند
که او از جمله کسانی بود که پیغمبر را
منکر آنچه آنحضرت از جانب حضرت
عزت آورده اند الخ
والعقاب الملائکه

قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ ۝ لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ

بگو ای محمد ای کافران نخواهم پرستید آنچه می پرستید در آینده

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۝ وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَا عَبَدْتُمْ

و نیستید شما پرستندگان آنچه میپرستم من در استقبال و نیستم من پرستنده هرگز آنچه پرستیدید شما

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ ۝ لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ

و نه شما پرستندگانید هرگز آنچه می پرستم من مر شماراست دین شما و مراست دین من

سورة الفتح ثلث آیات و مدنیة

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ ۝ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ

چون آمد یاری کردن خدا و فتح مکه و دیدی تو مردمان را که در می آیند در دین خدا

اللَّهِ أَفْوَاجًا ۝ فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا

یعنی اسلام فوج فوج پس تسبیح کن بحمد پروردگار خود و طلب آمرزش کن از او بدرستی که خدا هست قبول کننده توبه

سورة أبي لهب خمس آيات وهي مكية

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای بخشاینده مهربان

تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ ۝ مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا

هلاک و شکسته باد دو دست ابی لهب که خواست سنگ بر نقطه زند هلاک شد ابی لهب دفع نکند از او مال او و خدا بر او آنچه

كَسَبَ ۝ سَيَصْلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ ۝ وَامْرَأَتُهُ

کسب کرده از مال او زود باشد که در آید در آتش خداوند از زبانه زود باشد که در آید

حَمَّالَةَ الْحَطَبِ ۝ فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ

هیزم کش زن او که برارنده هیمه است در گردن او ریسمانی است از لیف خرما

سورة الاخلاص وهي اربع آيات ومكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قل هو الله احد ۝ الله الصمد ۝ لم يلد ولم يولد ۝ ولم يكن

بگوای محمد اوست خدای یگانه خدای بی نیاز نزاینده وزاییده نشده ومانند نباشد

له كفوا احد

مراورا همتا وهمال هیچکس

سورة الفلق اثنتا عشرة آية مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

قل اعوذ برب الفلق ۝ من شر ما خلق ۝ ومن شر غاسق

بگو یا محمد پناه میگیرم بپروردگار شگافنده صبح از بدی آنچه آفریده است واز بدی شب تاریک

اذا وقب ۝ ومن شر النفاثات في العقد ۝ ومن شر

چون درآید تاریکی آن واز شر زنان که دمندگان افسونها در گرهها واز شر

حاسد اذا حسد

حسد کننده چون ظاهر کند حسد خود را

سورة الناس ست آيات مكية

بسم الله الرحمن الرحيم

بنام خدای بخشاینده مهربان

قل اعوذ برب الناس ۝ ملك الناس ۝ اله الناس ۝ من

بگو یا محمد پناه می برم بپروردگار مردمان پادشاه آدمیان معبود مردمان از

شر الوسواس الخناس ۝ الذي يوسوس في صدور

بدی دیو وسوسه کننده پنهانه آنکه وسوسه میکند در سینه های

الناس ۝ من الجنة والناس

مردمان از جن واز آدمیان

هذا دعاء ختم القرآن

این عمار از ابی عبد الله روایت کرده که هر که یک جمعه بر او بگذرد و سوره قل هو الله احد نخوانده باشد بر دین ابولهب مرده باشد چون سه دفعه خواند برات بخشم قرآن دارد

از حضرت ابو جعفر صلوات الله علیه مروی است که هر که در نماز وتر معوذتین و قل هو الله احد را نخواند اگر ده شود که ای بنده من بشارت باد تو را که تحقیق قبول نمود خدای عزوجل نماز وتر ترا

اَللّٰهُمَّ انْفَعْنَا وَارْفَعْنَا وَاجِرْنَا وَاسْتُرْنَا وَاجِرْنَا

وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا بِالْقُرْاٰنِ الْعَظِيْمِ وَبَارِكْ لَنَا بِالْاٰيَاتِ

وَالذِّكْرِ الْحَكِيْمِ وَتُبْ عَلَيْنَا اِنَّكَ اَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ

وَاهْدِنَا اِلَى الْحَقِّ وَاِلٰى طَرِيْقٍ مُسْتَقِيْمٍ اَللّٰهُمَّ اجْعَلِ

الْقُرْاٰنَ لَنَا فِى الدُّنْيَا قَرِيْنًا وَفِى الْقَبْرِ مُؤْنِسًا وَفِى الْقِيٰمَةِ

شَافِعًا وَعَلَى الصِّرَاطِ نُوْرًا وَفِى الْجَنَّةِ رَفِيْقًا وَمِنَ النَّارِ

سِتْرًا وَحِجَابًا وَعَلَى الْخَيْرَاتِ كُلِّهَا دَلِيْلًا وَحُجَّةً وَبُرْهَانًا

اَللّٰهُمَّ بَشِّرْ بِهٖ اَرْوَاحَنَا عِنْدَ الْخُرُوْجِ مِنَ الْاَجْسَادِ بِالرَّوْحِ

وَالرَّيْحَانِ وَاُزْلِفَتْ لَكَ مَلَةِ وَالْوِدَادِ وَنَوِّرْ بِهٖ قُبُوْرَنَا

مِنْ ظُلَمِ الْاَدْنَاسِ وَالْاِلْحَادِ وَارْزُقْنَا الْاِيْمَانَ وَالْاَمْنَ

مِنَ الْخَوْفِ فِى يَوْمِ الْحَشْرِ وَالْمَعَادِ اَللّٰهُمَّ اخْطُطْ بِهٖ ثِقْلَ

الْاَوْزَارِ وَهَبْ لَنَا بِهٖ حُسْنَ شَمَآئِلِ الْاَبْرَارِ وَنَجِّنَا بِهٖ

مِنَ النَّارِ

مِنَ النَّارِ وَوَفِّقْنَا لِتِلَاوَتِهِ آنَاءَ اللَّيْلِ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ

اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا بِكُلِّ حَرْفٍ مِنَ الْقُرْاٰنِ جَلَاءً وَبِكُلِّ

اٰيَةٍ اِنَابَةً وَبِكُلِّ عَشْرٍ عِنَايَةً وَبِكُلِّ سُوْرَةٍ مِنَ الْقُرْاٰنِ

سُرُوْرًا وَبِكُلِّ جُزْءٍ جَزَآءً اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنَا بِكُلِّ اَلِفٍ مِنَ

الْقُرْاٰنِ لُطْفًا وَبِكُلِّ بَآءٍ بَرَكَةً وَبِكُلِّ تَآءٍ تَوْبَةً وَبِكُلِّ

ثَآءٍ ثَوَابًا وَبِكُلِّ جِيْمٍ جَمَالًا وَبِكُلِّ حَآءٍ حِكْمَةً وَبِكُلِّ خَآءٍ

خُلُوًّا وَبِكُلِّ دَالٍ دَوْلَةً وَبِكُلِّ ذَالٍ ذَكَآءً وَبِكُلِّ رَآءٍ

رَحْمَةً وَبِكُلِّ زَاءٍ زُلْفَةً وَبِكُلِّ سِيْنٍ سَعَادَةً وَبِكُلِّ

شِيْنٍ شَفَاعَةً وَبِكُلِّ صَادٍ صَفَآءً وَبِكُلِّ ضَادٍ ضِيَآءً

وَبِكُلِّ طَآءٍ طَرَاوَةً وَبِكُلِّ ظَآءٍ ظَفَرًا وَبِكُلِّ عَيْنٍ عِنَايَةً

وَبِكُلِّ غَيْنٍ غِنَآءً وَبِكُلِّ فَآءٍ فَلَاحًا وَبِكُلِّ قَافٍ قُرْبَةً وَ

بِكُلِّ كَافٍ كِفَايَةً وَبِكُلِّ لَامٍ لُطْفًا وَبِكُلِّ مِيْمٍ مَوْعِظَةً

وَبِكُلِّ وَاوٍ وُصْلَةً وَبِكُلِّ نُونٍ نُورًا وَبِكُلِّ هَاءٍ هِدَايَةً

وَبِكُلِّ لَامِ اَلِفٍ لِقَآءً وَبِكُلِّ يَآءٍ يُمْنًا وَيُسْرًا وَيَقِينًا

وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا وَشَفِيعِ ذُنُوبِنَا مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ اَلطَّيِّبِينَ

اَلطَّاهِرِينَ اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ بَرَكَاتِ هٰذِهِ اَلْاٰيَاتِ وَثَوَابَهَا اِلٰى

كَآفَّةِ اَلْخَلَآئِقِ مِنَ اَلْمُؤْمِنِينَ وَاَلْمُؤْمِنَاتِ وَاَلْمُسْلِمِينَ وَ

اَلْمُسْلِمَاتِ وَاخْصُصْ مِنْ اٰبَآئِنَا وَاُمَّهَاتِنَا وَاَجْدَادِنَا وَاَخَوَاتِنَا

فِي دِينِ اَلْاِسْلَامِ اَللّٰهُمَّ اَجْرِهِمْ بِالْاِحْسَانِ اِحْسَانًا وَبِالسَّيِّئَاتِ

مَغْفِرَةً وَرِضْوَانًا رَبَّنَآ اٰتِنَا فِي اَلدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي اَلْاٰخِرَةِ

حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ اَلنَّارِ

كِتَابٌ مَبْسُوطٌ بَارٍ فِي اٰيَاتٍ حَقٍّ وَمُنَزَّلٌ صَحَّ بِنَا يَوْمَ اَلثُّلَثَآءِ ثَالِثَ شَهْرِ

جُمَادَى اَلثَّانِيَةِ سَنَةَ ١٢٩٩ تِسْعٍ وَمِائَتَيْنِ بَعْدَ اَلْأَلْفِ مِنَ اَلْهِجْرَةِ اَلنَّبَوِيَّةِ اَلْمُصْطَفَوِيَّةِ عَلٰى

صَاحِبِهَا اَلْأَلْفُ اَلْأَلْفُ اَلتَّحِيَّةُ دَارِ اَلْعُلُومِ اَلْعَلِيَّةِ اَلظَّاهِرِ اَلْمَحْمُودِ اَلْفَرْمَاشِينِ حَفِظَهَا مُجَدِّدٌ وَحَلَّلَهَا

فایدت مالک رقاب نصاب فخامت مرتبت انتساب شهامت و لباب اکتساب

ناظم مناظم امور کافام مهام جمهور جمیل الماثر جلیل المآثر نبیل الخلق عظیم

الهمم دقیق حدقه نفث سیر شرف و فضایل ثابت الدعایه اسمأ جلال المحمود عنه مکارم آیات

فهرست دیوان صوابت پیرایه دامان عزت و اذکیای کرم الاصل و الفرع النسب شریف

الامر و الاب تعالی تاجا مقرب الخاقان قوام السلطنه نظام الملک میرزا محمد

کاظم خادم الاقبال و احسن مآله و قسمه ذلک اقل الکتاب عبد الوهاب متخلص بنعمه

عفی الله عن جرائمه کردید